



الامالی

جلد (۱)

شیخ صدوق (ره)

ابو جعفر محمد بن علی بن بابویه قمی

ترجمه وتوضیح

ابوالفضل شادایقی

الامالی

مجلد اول



تألیف:

شیخ صدوق (ابن بابویه)
ابو جعفر محمد بن علی بن بابویه قمی

ترجمہ

ابوالفضل ہدایتی

جمعہ داری اموال

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی

ش-اموال: ۵۸۳۴۹

ابن بابویه، محمد بن علی، ۳۱۱-۳۸۱ ق.
[الامالی، فارسی]
الامالی / تألیف شیخ صدوق ابن بابویه؛ ترجمه و توضیحات ابوالفضل
هدایتی. - قم: نسیم کوثر، ۱۳۸۹.
ج ۱.
ISBN 978 - 964 - 240 - 021 - 8 - ۱۷۰۰۰۰ ریال؛
فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
۱. احادیث اخلاقی. ۲. اخلاق اسلامی. ۳. احادیث شیعه - قرن ۴
ق. الف. جعفری، یعقوب، ۱۳۲۵ - مترجم و مصحح. ب. عنوان.
۶۰۴۱ خ ۲ الف / BP ۲۲۸ ۲۹۷/۶۱

این کتاب با حمایت معاونت فرهنگی وزارت
فرهنگ و ارشاد اسلامی به چاپ رسیده است.



انتشارات نسیم کوثر

ناشر برگزیده نمایشگاه سراسری قرآن و عترت و جشنواره فرهنگی امام رضا (ع)
دفتر مرکزی: قم - خیابان شهید فاطمی (دور شهر) - کوچه ۳۰ - پلاک ۵۵ - ساختمان انتشارات نسیم کوثر
واحد فروش: ۸-۷۸۳۰۵۶۷ - واحد پژوهش: ۷۷۳۲۳۷۷ - دورنگار: ۷۸۳۰۵۶۸ / همراه: ۰۹۱۲۲۵۱۲۹۰۷

شناسنامه

- نام کتاب: الامالی
- مؤلف: شیخ صدوق ابن بابویه (ره)
- مترجم: ابوالفضل هدایتی
- ناشر: انتشارات نسیم کوثر
- چاپ: چاپخانه ذاکر
- نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۹
- شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
- قیمت دوره: ۱۷۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۴۰-۰۲۱-۸

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

کتابخانه ۵	
مرکز تحقيقات کتب و نوري علوم اسلامي	
شماره ثبت:	۴۸۷۵۴
تاريخ ثبت:	

بسم الله الرحمن الرحيم



مرکز تحقيقات کتب و نوري علوم اسلامي

در قرن چهارم هجری، تشیع دارای دو مکتب و مشرب فکری در دو نقطه از بلاد اسلامی بود: مکتب بغداد و مکتب قم، این دو مکتب در اصل، هیچگونه تعارض و تقابلی با یکدیگر نداشتند اما در شیوه نگرش به بحثهای کلامی و اعتقادی و فقهی تفاوت‌های ویژه‌ای داشتند. مکتب بغداد که نماینده آن شیخ مفید و سید مرتضی و شیخ طوسی و شاگردانشان بودند در عین استفاده از احادیث معصومین (ع) به روشهای عقلگرایانه و نقادانه هم توجه خاص داشتند، ولی مکتب قم که نماینده آن شیخ صدوق و استادان و شاگردان او بودند، با حدیث گرایی و تعبد در روایات، از به کارگیری عقل در موضوعات دینی پرهیز داشتند و یا آن را به حداقل رسانیده بودند. شاید علت این تفاوت، ویژگیهای محیط زندگی این بزرگواران باشد، چون در بغداد شیعیان مستقیماً با اهل تسنن تماس داشتند و باید مسائل را به گونه‌ای مطرح می‌کردند که برای آنان قابل پذیرش باشد ولی در قم چنین نبود و استناد به حدیث معصومین (ع) می‌توانست قول فصل باشد.^(۱)

شخصیت بارز و برجسته مکتب قم بی تردید، شیخ صدوق محمد بن علی بن بابویه قمی متوفی (۳۸۱ هـ) بود که با مسافرت‌های خود و استماع احادیث از مشایخ، ثروت عظیمی از سخنان معصومین را اندوخته بود و مهمتر اینکه خداوند به او این توفیق را داده بود که این میراث گرانبها را با تألیف کتابهای متعدد به آیندگان تحویل دهد و می‌توان گفت که شیخ صدوق حقی بزرگ و یا بزرگترین حق را در پاسداری و انتقال احادیث معصومین به نسل‌های بعدی دارد. او حدود سیصد جلد کتاب از خود به یادگار گذاشته است.

۱- درباره جزئیات تفاوت‌های این دو مکتب رجوع شود به مقاله "مقایسه‌ای میان دو مکتب فکری شیعه در قم و بغداد در قرن چهارم" به قلم یعقوب جعفری که در مجموعه مقالات کنگره شیخ مفید چاپ شده است.

کتابهای حدیثی شیخ صدوق بسیار متنوع است و هر کدام با تبویب و فصل بندی خاصی نگارش یافته و هر یک عطر و طعم خاصی دارد و متأسفانه برخی از کتابهای او در طول زمان از میان رفته و به دست ما نرسیده است که از آن جمله می توان از کتاب «مدینه العلم» او یاد کرد که نجاشی از آن یاد کرده^(۱) و شیخ طوسی آن را بزرگتر از کتاب «من لا یحضره الفقیه» دانسته است^(۲)، این کتاب تا زمان شیخ عبدالصمد پدر شیخ بهایی در دسترس بود و از آن پس دیگر اثری از آن دیده نمی شود.^(۳)

به هر حال آنچه از مرحوم شیخ صدوق مانده نشانگر گستردگی اطلاعات حدیثی و تلاش بی وقفه او در گردآوری احادیث آل محمد (ص) بوده است و بر ماست که ارزش این میراث گرانبها را بدانیم و در پخش و نشر آن گامهای استواری برداریم. کتابهای شیخ صدوق بارها با ترجمه و بدون ترجمه چاپ شده ولی هنوز هم میدان برای این کار باز است.

در همین راستا، انتشارات نسیم کوثر تصمیم گرفت که برخی از این کتابها را همراه با ترجمه ای جدید و با قلم روز به ضمیمه توضیحات مختصری که فهم برخی از مشکلات احادیث را آسانتر کند، منتشر سازد و اینک متن کتاب «الامالی» که یکی از یادگارهای ماندگار شیخ صدوق (ره) است، همراه با ترجمه فارسی آن به قلم استاد گرانقدر جناب آقای ابوالفضل هدایتی، به علاقمندان آثار و علوم آل محمد (ص) تقدیم می شود.

مدیریت انتشارات نسیم کوثر

۱. رجال نجاشی ص ۳۸۹

۲. شیخ طوسی، الفهرست ص ۱۵۷

۳. تهرانی، الذریعه ج ۲۰ ص ۲۵۲





السلام

خطبة الكتاب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ وَلَا عُذْوَانِ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

المجلس الأول

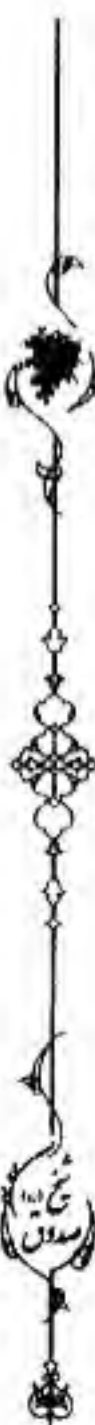
يوم الجمعة لاثنتي عشرة ليلة بقيت من رجب من سنة سبع و ستين و ثلاثمائة

١. أَخْبَرَنِي سَيِّدُنَا الشَّيْخُ الْجَلِيلُ الْعَالِمُ أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ الْحُسَيْنِ الْقُمِّيُّ أَدَامَ اللَّهُ تَأْيِيدَهُ سَنَةَ سَبْعٍ وَ خَمْسِمِائَةٍ، قَالَ: أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيهُ أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ الصَّمَدِ بْنِ مُحَمَّدٍ التَّمِيمِيُّ رحمته الله سَنَةَ أَرْبَعٍ وَ سَبْعِينَ وَ أَرْبَعِمِائَةٍ، قَالَ: أَخْبَرَنَا أَبُو بَكْرٍ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيٍّ سَنَةَ ثَلَاثٍ وَ عَشْرِينَ وَ أَرْبَعِمِائَةٍ وَ السَّيِّدُ أَبُو الْبَرَكَاتِ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ الْحُسَيْنِيُّ سَنَةَ سِتٍّ وَ عَشْرِينَ وَ أَرْبَعِمِائَةٍ (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا) قَالَا: حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوئِهِ الْقُمِّيُّ (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ) يَوْمَ الْجُمُعَةِ لِاثْنَتَيْ عَشْرَةَ لَيْلَةً بَقِيَتْ مِنْ رَجَبٍ مِنْ سَنَةِ سَبْعٍ وَ سِتِّينَ وَ ثَلَاثِمِائَةٍ قَالَ: حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ زَيْدٍ بْنِ الْعَبَّاسِ بْنِ الْوَلِيدِ الْبَزَّازِ بِالْكُوفَةِ حَدَّثَنِي عَمِّي عَلِيُّ بْنُ الْعَبَّاسِ قَالَ: حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ بِشْرِ بْنِ خَالِدِ الْعَبْدِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا عَمْرُو بْنُ خَالِدِ أَبُو حَمْرَةَ الشُّمَالِيُّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليهما السلام قَالَ: «الْقَوْلُ الْحَسَنُ يَشْرِي الْمَالَ وَ يُنْمِي الرِّزْقَ وَ يُنْسِي فِي الْأَجَلِ وَ

مصدق



السلامی



خطبه الكتاب

بنام خداوند بخشنده مهربان، ستایش مخصوص پروردگار عالمیان است و سرانجام نیک مخصوص پرهیزگاران است و دشمنی نیست مگر بر ستمگران و نیست معبودی جز خداوند بهترین آفرینندگان و خداوند دورد بفرستد بر محمد آخرین پیامبران و بر خاندان پاک و پاکیزه او و حول و قوه‌ای نیست مگر به وسیله خداوند بزرگ.

مجلس یکم

روز جمعه هجدهم ماه رجب سال ۳۶۷

۱. ابو حمزه ثمالی می‌گوید: امام سجاد علیه السلام فرمود: گفتار نیکو ثروت را زیاد کرده و روزی را می‌افزاید و مرگ را دور می‌سازد و دوستی خانواده را ارمغان می‌آورد و انسان را وارد بهشت می‌کند.

يُحَبِّبُ إِلَى الْأَهْلِ وَيَدْخُلُ الْجَنَّةَ.

٢. حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ السَّكُونِيِّ فِي مَنْزِلِهِ بِالْكُوفَةِ، قَالَ: حَدَّثَنِي إِبْرَاهِيمُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ يَحْيَى النَّيْسَابُورِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو جَعْفَرٍ بْنُ السَّرِيِّ وَأَبُو نَصْرِ بْنُ مُوسَى بْنُ أَيُّوبَ الْخَلَّالُ قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ سَعِيدٍ قَالَ: حَدَّثَنَا ضَمْرَةُ بْنُ شَوْذَبٍ عَنْ مَطَرٍ عَنْ شَهْرِ بْنِ حَوْشَبٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ: «مَنْ صَامَ يَوْمَ ثَمَانِيَةِ عَشَرَ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ صِيَامَ سِتِّينَ شَهْرًا» وَهُوَ يَوْمٌ غَدِيرِ خُمٍ لَمَّا أَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِيَدِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ﷺ وَقَالَ: «أَلَسْتُ أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ قَالُوا: نَعَمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ» فَقَالَ لَهُ: عُمَرُ: «بَخْ بَخْ يَا ابْنَ أَبِي طَالِبٍ أَصْبَحْتَ مَوْلَايَ وَمَوْلَى كُلِّ مُسْلِمٍ»، فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ»^(١).

٣. حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ السَّكُونِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَضْرَمِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا يَحْيَى الْحِمَانِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو غَوَانَةَ عَنْ أَبِي بَلَجٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ مَيْمُونٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «عَلَيَّْ ﷺ وَلِيٌّ كُلُّ مُؤْمِنٍ مِنْ بَعْدِي».

٤. حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَعِيدٍ الْعُسْكُرِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ دُرَيْدٍ قَالَ: أَخْبَرَنَا أَبُو حَاتِمٍ عَنِ الْعُشَيْرِيِّ يَغْنِي مُحَمَّدُ بْنُ عُبَيْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ أَخْبَرَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ شَيْبَةَ الْبَصْرِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا زَكَرِيَّا بْنُ يَحْيَى الْمُنْقَرِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا الْعَلَاءُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ الْفَضْلِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ: قَالَ قَيْسُ بْنُ عَاصِمٍ: وَقَدْتُ مَعَ جَمَاعَةٍ مِنْ بَنِي تَمِيمٍ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَدَخَلْتُ وَعِنْدَهُ الصَّلْصَالُ بْنُ الدَّلْهَمِ فَقُلْتُ: يَا نَبِيَّ اللَّهِ عِظْنَا مَوْعِظَةً نَنْتَفِعُ بِهَا فَإِنَّا قَوْمٌ نَغِيرُ فِي الْبَرِّيَّةِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ: «يَا قَيْسُ إِنَّ مَعَ الْعِزِّ ذُلًّا وَإِنَّ مَعَ الْحَيَاةِ مَوْتًا وَإِنَّ مَعَ الدُّنْيَا آخِرَةً وَإِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا وَعَلَى كُلِّ شَيْءٍ رَقِيبًا وَإِنَّ لِكُلِّ حَسَنَةٍ ثَوَابًا وَلِكُلِّ سَيِّئَةٍ عِقَابًا وَلِكُلِّ أَجَلٍ كِتَابًا وَإِنَّهُ لَا بُدَّ لَكَ يَا قَيْسُ مِنْ قَرِينٍ يُدْفَنُ مَعَكَ وَهُوَ حَيٌّ وَتُدْفَنُ مَعَهُ وَأَنْتَ مَيِّتٌ فَإِنْ كَانَ كَرِيمًا أَكْرَمَكَ وَإِنْ كَانَ لَثِيمًا أَسْلَمَكَ ثُمَّ لَا يُخْشَرُ إِلَّا مَعَكَ وَلَا تُبْعَثُ إِلَّا مَعَهُ وَلَا تُسْأَلُ إِلَّا عَنْهُ فَلَا تَجْعَلْهُ إِلَّا صَالِحًا فَإِنَّهُ إِنْ أَصْلَحَ أَنْسَتَ بِهِ وَإِنْ فَسَدَ لَا تَسْتَوْحِشُ إِلَّا مِنْهُ وَهُوَ فَعْلُكَ».

۲. ابو هريره می‌گوید: هر که روز هیجدهم ذیحجه را روزه بگیرد، خداوند برای او پاداش روزه شصت ماه را می‌نویسد. زیرا آن روز، روز غدیر خم است که پیامبر ﷺ در آن روز دست علی بن ابی طالب ﷺ را بلند کرد و فرمود: آیا من نسبت به مؤمنان اولی و برتر نیستم؟ گفتند: چرا ای پیامبر خدا!

آن گاه فرمود: هر کس من ولی و سرور او هستم، علی ﷺ ولی و سرور و سرپرست اوست. عمر به علی ﷺ فرمود: ای پسر ابی طالب مبارک. مبارک! پیشوای من و پیشوای هر مسلمان شدی. آن گاه خداوند این آیه را نازل کرد: امروز دین را برای شما کامل ساختم.

۳. عبدالله ابن عباس: پیامبر خدا ﷺ فرمود: پس از من علی ﷺ دوست و سرپرست هر مؤمن است.



۴. قیس بن عاصم می‌گوید: با گروهی از قبیله بنی تمیم نزد پیامبر رفتیم. هنگامی که من وارد شدم، صلصال پسر دلهمس نیز نزد آن حضرت بود. گفتیم: ای پیامبر خدا! ما را نصیحتی کن که از آن بهره ببریم، چرا که ما مردمان بیابان گرد هستیم. پیامبر خدا ﷺ چنین فرمود: ای قیس همراه هر عزت ذلت است و همراه هر زندگی، مرگ.

در پی دنیا سرای دیگری خواهد بود و برای هر چیزی حساب گری وجود دارد. هر چیز نگهبانی دارد. برای هر کار نیک پاداشی وجود دارد و هر کار ناپسندی کیفر و عقابی. و برای هر مرگی نوشته‌ای وجود دارد که گریزی از آن نیست و مونس تو در گور خواهد بود، در حالی که او زنده است و تو مرده‌ای. اگر ارجمند باشی، ارجمندت دارد، و اگر حقیر باشی حقیرت خواهد نمود. از آن پس، فقط با تو محشور خواهد شد و همراه تو از گور بر انگيخته خواهد شد. از تو فقط درباره او سؤال خواهند کرد. برای این همدم رفتار نیکو قرار بده. اگر عمل تو شایسته باشد، تو را آرامش می‌بخشد و اگر ناشایسته باشد، باید، از آن



السلام



فَقَالَ: يَا نَبِيَّ اللَّهِ أَحِبُّ أَنْ يَكُونَ هَذَا الْكَلَامُ فِي آيَاتٍ مِنَ الشَّعْرِ نَفْخَرُ بِهِ عَلَى مَنْ يَلِينَا مِنَ الْعَرَبِ وَنَدْخِرُهُ فَأَمَرَ النَّبِيُّ ﷺ مَنْ يَأْتِيهِ بِحَسَنٍ، قَالَ: فَأَقْبَلْتُ أَفَكَّرُ فِيمَا أَشَبَّهُ هَذِهِ الْعِظَةَ مِنَ الشَّعْرِ فَاسْتَبْتُ لِي الْقَوْلَ قَبْلَ مَجِيءِ حَسَنٍ فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ قَدْ حَضَرَتْ نِيَّ آيَاتٌ أَحْسَبُهَا تَوَافِقُ مَا تُرِيدُ فَقُلْتُ:

تَخَيَّرَ خَلِيطًا مِنْ فِعَالِكَ إِنَّمَا قَرِينُ الْفَتَى فِي الْقَبْرِ مَا كَانَ يَفْعَلُ
وَلَا بُدَّ بَعْدَ الْمَوْتِ مِنْ أَنْ تُعَدَّهُ لِيَوْمٍ يُنَادَى الصَّرْعُ فِيهِ فَيُقْبَلُ
فَإِنْ كُنْتَ مَشْغُولًا بِشَيْءٍ فَلَا تَكُنْ بِغَيْرِ الَّذِي يَرْضَى بِهِ اللَّهُ تُشْغَلُ
فَلَنْ يَضْحَبَ الْإِنْسَانُ مِنْ بَعْدِ مَوْتِهِ وَ مِنْ قَبْلِهِ إِلَّا الَّذِي كَانَ يَعْمَلُ
إِلَّا إِنَّمَا الْإِنْسَانُ ضَيْفٌ لِأَهْلِهِ يُقِيمُ قَلِيلًا بَيْنَهُمْ ثُمَّ يَرْحَلُ

٥. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى الْمُكْتَبُ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ سَعِيدٍ الدَّمَشْقِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا الزُّبَيْرُ بْنُ بَكَارٍ قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الصَّحَّاحِ عَنْ نَوْفَلِ بْنِ عُمَارَةَ قَالَ: أَوْصَى قُصَيُّ بْنُ كِلَابٍ بَنِيهِ فَقَالَ: يَا بَنِيَّ إِنِّي كُفْتُ وَ شَرِبْتُ الْخَمْرَ فَإِنَّهَا إِنْ أَصْلَحَتِ الْأَبْدَانُ أَفْسَدَتِ الْأَذْهَانُ.

٦. حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ شَقِيرٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ الْحَارِثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْهَمْدَانِيِّ فِي مَنْزِلِهِ بِالْكُوفَةِ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يُونُسَ الْأَزْدِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ بُزْجَ الْخِطَّاطُ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَمْرُو بْنُ الْيَسَعِ عَنْ شُعَيْبِ الْحَدَّادِ قَالَ: سَمِعْتُ الصَّادِقَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ ﷺ يَقُولُ: «إِنَّ حَدِيثَنَا صَغْبٌ مُسْتَضْعَبٌ لَا يَحْتَمِلُهُ إِلَّا مَلِكٌ مُقَرَّبٌ أَوْ نَبِيٌّ مُرْسَلٌ أَوْ عَبْدٌ اِمْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ أَوْ مَدِينَةٌ حَصِينَةٌ، قَالَ: عَمْرُو فَقُلْتُ لِشُعَيْبٍ: «يَا أَبَا الْحَسَنِ وَ أَيْ شَيْءٍ الْمَدِينَةُ الْحَصِينَةُ» قَالَ: فَقُلْتُ: سَأَلْتُ الصَّادِقَ ﷺ عَنْهَا فَقَالَ لِي «الْقَلْبُ الْمُجْتَمَعُ».

٧. أَخْبَرَنَا أَبُو الْحُسَيْنِ مُحَمَّدُ بْنُ هَارُونَ الرُّنْجَانِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُعَاذُ بْنُ الْمُثَنَّى الْعَنْبَرِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَشْمَاءَ قَالَ: حَدَّثَنَا جُوَيْرِيَةُ عَنْ سُفْيَانَ الثَّوْرِيِّ عَنْ مَنْصُورٍ عَنْ أَبِي وَائِلٍ عَنْ وَهْبِ بْنِ مَنِبِّهٍ قَالَ: «وَجَدْتُ فِي بَعْضِ كُتُبِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَنَّ يُونُسَ ﷺ مَرَّ فِي مَوْكِهِ عَلَى امْرَأَةِ الْعَزِيزِ وَ هِيَ جَالِسَةٌ عَلَى مَرْبَلَةٍ فَقَالَتْ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ الْمُلُوكَ بِمَعَصِيَتِهِمْ عِبِيدًا وَ جَعَلَ الْعَبِيدَ بِطَاعَتِهِمْ مُلُوكًا أَصَابَتْنا فَاقَةٌ فَتَصَدَّقَ عَلَيْنَا فَقَالَ

ترسید. گفتم: ای پیامبر خدا! می‌خواهم این سخن در ابیاتی شاعرانه باشد که مادر میان همسایگان عرب خوی بدان بالیده و آن را اندوخته خود شناسیم. آن‌گاه پیامبر فرمان داد که حسان به محضر او آید. من فکر کردم که خود کلام رسول خدا را به نظم در آورم که چنین کردم. آن‌گاه گفتم: ای پیامبر خدا چند بیت شعر به ذهنم آمده که با آن چه فرمودید همراهی دارد.

اشعارم را چنین خواندم:

از رفتارت دوست غمخواری انتخاب کن، زیرا همین کردار همدم تو در گور خواهد بود. از هنگام مرگ تا دمیدن بر صور اسرافیل در انتظار خواهی بود که عمل تو پذیرفته شود. پس به چیزی دل میند، مگر چیزی که خدا را خشنود سازد. چون انسان قبل و بعد از مردن هم‌نشینی جز کردار خود، ندارد. در حقیقت انسان نزد دوستان و خویشاوندان مهمانی بیش نیست که مدت کوتاهی می‌ماند و سرانجام خواهد کوچید.

۵. نوفل پسر عماره می‌گوید: قصی پسر کلاب به فرزندان خود چنین وصیت کرد: ای پسرانم، مبادا می‌گساری کنید، چرا که اندیشه‌ها را به تباهی می‌کشد، هر چند ممکن است برای تن‌ها سودمند افتد.

۶. شعیب بن حداد می‌گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: سخن مادر دشوار است و ناهموار. کسی بدان پای بندی ندارد، مگر فرشته مقرب یا پیامبر مرسل یا ایمان آورده‌ای که خداوند قلب او را با ایمان به غیب آزمایش کرده باشد، یا شهری با برج و بارو. عمرو که از شاگردان شعیب بود، از او پرسید: مراد کدام شهر است؟ شعیب گفت: من خودم معنای آن را از امام صادق علیه السلام پرسیدم. فرمود: دلی که در یاد خداوند از پراکندگی بیرون آمده باشد.

۷. وهب بن منبه می‌گوید: در یکی از کتابهای آسمانی چنین خواندم که حضرت یوسف علیه السلام با مرکب شاهانه‌اش از کنار زن عزیز مصر (= زلیخا) عبور می‌کرد، در حالی که او کنار زباله‌ها نشسته بود. با دیدن یوسف علیه السلام گفت: حمد مخصوص خدایی است که حاکمان را به نافرمانی از خداوند خوار سازد و بندگان مطیع خود را به عزت رساند. پس



الحمد لله



يُوسُفُ ﷺ: غَمُوطُ النِّعَمِ سَقَمُ دَوَامِهَا فَرَا جِيعِي مَا يُمَحِّصُ عَنْكَ دَنَسَ الْخَطِيئَةِ فَإِنَّ مَحَلَّ
الِاسْتِجَابَةِ قُدْسُ الْقُلُوبِ وَطَهَارَةُ الْأَعْمَالِ، فَقَالَتْ: مَا اسْتَمَلْتُ بَعْدُ عَلَى هَيْئَةِ التَّائِبِ وَ
إِنِّي لَأَسْتَخِيي أَنْ يَرَى اللَّهُ لِي مَوْقِفَ اسْتِعْطَافٍ وَلَمَّا تَهَرَّقُ الْعَيْنُ غَبْرَتَهَا وَ يُودِّي الْجَسَدُ
نَدَامَتَهُ فَقَالَ لَهَا يُوسُفُ: فَجَدِّي فَالسَّبِيلُ هَذِهِ الْأَمْكَانِ قَبْلَ مُرَاحِمَةِ الْعُدَّةِ وَ نَفَادِ الْمُدَّةِ،
فَقَالَتْ: هُوَ عَقِيدَتِي وَ سَيِّئُكَ أَنْ يَبْقِيَ بَعْدِي، فَأَمَرَ لَهَا بِقِنْطَارٍ مِنْ ذَهَبٍ فَقَالَتْ:
الْقُوْتُ بَنَّةٌ مَا كُنْتُ لِأَرْجِعَ إِلَى الْخَفْضِ وَأَنَا مَأْسُورَةٌ فِي السَّخَطِ، فَقَالَ بَعْضُ وَلَدِ يُوسُفَ
لِيُوسُفَ: يَا أَبَتِ مَنْ هَذِهِ الَّتِي قَدْ تَفَقَّتْ لَهَا كَبِدِي وَ رَقَّ لَهَا قَلْبِي؟ قَالَ: هَذِهِ دَابَّةُ التَّرَحُّ فِي
حِبَالِ الْإِنْتِقَامِ فَتَزَوَّجَهَا يُوسُفُ ﷺ فَوَجَدَهَا بِكْرًا فَقَالَ: أَنِّي وَقَدْ كَانَ لَكَ بَعْلٌ فَقَالَتْ
كَانَ مَحْضُورًا بِفَقْدِ الْحَرَكَةِ وَ صَرِدَ الْمَجَارِي.



مركز بحوث التاريخ والحضارة الإسلامية

صدقه‌ای به ما بده که تنگ دست شدیم. یوسف علیه السلام گفت: ناسپاسی نعمت خداوند را از بین می‌برد، حال توبه کن تا آلودگی گناه شسته شود. چون پاکیزگی دل‌ها و رفتارها سبب استجاب دعا می‌شوند. زن عزیز گفت: دیگر جامه گناهکاران بر تنم نیست و از خداوند شرم دارم که مرا با مهربانی نوازش دهد، در حالی که اشکی نریخته و بدنم مجازات پشیمانی را تحمل نکرده است. یوسف گفت: تا در توبه باز است کوشش کن، پیش از این که فرصت از دست برود و عمر آدمی به سر آید. زن عزیز گفت: عقیده من هم همین است و اگر پس از من زنده بمانی، از آن آگاه خواهی شد. آن گاه یوسف فرمود: مقدار زیادی از طلا به او دهند. زن عزیز گفت: من به همان خوراک بسنده می‌کنم و برای این که دچار خشم خدا نشوم، هرگز به خوش گذرانی باز نخواهم گشت. یکی از فرزندان یوسف گفت: پدر این زن کیست که دلم برایش سوخت و قلبم جریحه دار شد؟ یوسف فرمود: او آدم خوش گذرانی بود که گرفتار خشم الهی شد. بعد از آن یوسف او را به عقد خود در آورد و شگفت زده او را با کره دید. یوسف فرمود: چگونه ممکن است؟ مگر سالیانی دراز شوهرت بر بالین تو نبود؟ زن عزیز گفت: همسرم دچار ناتوانی جنسی و نا آرامی اعصاب بود.

مرکز تحقیقات کلامی و عقاید اسلامی



الشيخ



المجلس الثاني

يوم الثلاثاء لسبع بقين من رجب من سنة سبع و ستين و ثلاثمائة

١. حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ حُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابَوَيْهِ الْقُمِّيُّ رحمته الله قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ الْعَزِيزِ بْنُ يَحْيَى الْبَصْرِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْمُعِيرَةُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ: حَدَّثَنِي جَابِرُ بْنُ سَلَمَةَ قَالَ: حَدَّثَنَا حُسَيْنُ بْنُ حَسَنِ عَنْ غَامِرِ السَّرَّاجِ عَنْ سَلَامِ الْخَثْعَمِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ رحمته الله قَالَ: «مَنْ صَامَ مِنْ رَجَبٍ يَوْمًا وَاحِدًا مِنْ أَوَّلِهِ أَوْ وَسْطِهِ أَوْ آخِرِهِ أَوْجَبَ اللَّهُ لَهُ الْجَنَّةَ وَجَعَلَهُ مَعَنَا فِي دَرَجَتِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَمَنْ صَامَ يَوْمَيْنِ مِنْ رَجَبٍ قِيلَ لَهُ اسْتَأْنَفَ الْعَمَلَ فَقَدْ غُفِرَ لَكَ مَا مَضَى، وَمَنْ صَامَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ مِنْ رَجَبٍ قِيلَ لَهُ قَدْ غُفِرَ لَكَ مَا مَضَى وَمَا بَقِيَ فَأَشْفَعْ لِمَنْ شِئْتَ مِنْ مُذْنِبِي إِخْوَانِكَ وَأَهْلِ مَعْرِفَتِكَ، وَمَنْ صَامَ سَبْعَةَ أَيَّامٍ مِنْ رَجَبٍ أَغْلَقَتْ عَنْهُ أَبْوَابُ النَّيرانِ السَّبْعَةِ، وَمَنْ صَامَ ثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ مِنْ رَجَبٍ فَتَحَتْ لَهُ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ الثَّمَانِيَةِ فَيَدْخُلُهَا مِنْ أَيِّهَا شَاءَ».

٢. حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مَسْرُورٍ رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ غَامِرٍ عَنْ عَمِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ غَامِرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ قَالَ: حَدَّثَنِي جَمَاعَةٌ مِنْ مَشَايِخِنَا مِنْهُمْ أَبَانُ بْنُ عُثْمَانَ وَهَشَامُ بْنُ سَالِمٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ حُمُرَانَ عَنِ الصَّادِقِ رحمته الله قَالَ: «عَجِبْتُ لِمَنْ فَرَعَ مِنْ أَرْبَعِ كَيْفٍ لَا يَفْزَعُ إِلَى أَرْبَعِ عَجِبْتُ لِمَنْ خَافَ كَيْفٍ لَا يَفْزَعُ إِلَى قَوْلِهِ: «حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ»^(١)، فَإِنِّي سَمِعْتُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ بِعَقِبِهَا فَأَنْقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَفُضِّلَ لِمَنْ يَمْسَسُهُمْ سُوءٌ»^(٢)، وَ عَجِبْتُ لِمَنْ اعْتَمَّ كَيْفٍ لَا يَفْزَعُ إِلَى قَوْلِهِ: «لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ»^(٣)، فَإِنِّي سَمِعْتُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ بِعَقِبِهَا: «وَنَجِّنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَ

مجلس دوم

روز سه شنبه بیست و سوم ماه رجب سال ۳۶۷

السلامی

۱. سلام خشمی می گویند: امام محمد باقر علیه السلام فرمود: هر کس روز اول یا وسط یا آخر ماه رجب را روزه بگیرد، خداوند بهشت را بر او واجب می کند و در روز رستاخیز او را با اهل بیت هم مرتبه خواهد ساخت. اما هر کس دو روز ماه رجب را روزه بگیرد، خطاب به او گفته شود که کار خود را از نو شروع کن که گناهانت را خدا آمرزید و هر کس سه روز از ماه رجب را روزه دار باشد، به او چنین می گویند: گذشته و آینده ای آمرزیده داری و تو می توانی برادران گناهکار خویش را و هم چنین برای دوست و آشنای خود شفاعت کنی. اما هر کس هفت روز از ماه رجب را روزه باشد، هفت در دوزخ بر روی او بسته می شود و هر که هشت روز روزه بگیرد، هشت در بهشت به روی او باز می شود تا از هر در که می خواهد به بهشت وارد شود.

۲. محمد بن عمران می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: من در شگفتم از کسی که از چهار چیز می ترسد و به چهار چیز دیگر پناه نمی برد و از آنها غفلت دارد. که گفته خدا است: «بس است ما را خداوند، و او چه خوب و کیلی است».

و خداوند در ادامه فرمود: «فانقلبوا بنعمة من الله و فضل و لم یمسسهم سود» آنان با نعمت و فضل الهی بازگشتند و هرگز ناگواری ندیدند. دوم برای کسی که غمگین است و به کلام الهی توجهی ندارد که فرمود: «لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین» «نیستست معبود شایسته ای مگر تو. پروردگارا تو منزهی و من از ستم کاران هستم».

و بعد خداوند فرمود: «فنجیناه من النعم کذاک تنجی المؤمنین» «یونس را نجات دادیم چنان که مؤمنان را این گونه از غم ها می رهانیم». در شگفتم از کسی که در تدبیرش به خدا و گفته او اعتنا ندارد که فرمود: «افوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد» کار خود را به خدا واگذار می کنم چرا که او به بندگان خود بیناست. سپس پروردگار فرمود: «فوقیه الله سیئات ما مکروا» «پروردگارش او را از نیرنگ و گزند دشمنان حفظ کرد».

سخن دوم



السلام



كَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ»^(١) وَعَجِبْتُ لِمَنْ مَكَرَ بِهِ كَيْفَ لَا يَفْزَعُ إِلَى قَوْلِهِ: «وَأَفْوَضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ»^(٢)، فَإِنِّي سَمِعْتُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ بِعَقِبِهَا: «فَوَقَاهُ اللَّهُ سَيِّئَاتٍ مِمَّا مَكَرُوا»^(٣)، وَعَجِبْتُ لِمَنْ أَرَادَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا كَيْفَ لَا يَفْزَعُ إِلَى قَوْلِهِ: «مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»^(٤)، فَإِنِّي سَمِعْتُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ بِعَقِبِهَا: «إِنْ تَرَنِ أَنَا أَقَلُّ مِنْكَ مَالًا وَوَلَدًا فَعَسَى رَبِّي أَنْ يُؤْتِيَنَّ خَيْرًا مِنْ حَاجَتِكَ»^(٥)، وَعَسَى مُوجِبَةً.

٣. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ الرَّيَّانِ بْنِ الصَّلْتِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرُّضَا عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَام قَالَ: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «مَا آمَنَ بِي مَنْ فُسِّرَ بِرَأْيِهِ كَلَامِي وَ مَا عَرَفَنِي مَنْ شَبَّهَنِي بِخَلْقِي وَ مَا عَلَى دِينِي مَنْ اسْتَعْمَلَ الْقِيَاسَ فِي دِينِي»»^(٦).

٤. حَدَّثَنَا أَبِي عَلَيْهِ السَّلَام قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ هَاشِمٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَعْبُدٍ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرُّضَا عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «مَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِخَوْضِي فَلَا أُرِدْهُ اللَّهُ خَوْضِي وَ مَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِشَفَاعَتِي فَلَا أَنَالَهُ شَفَاعَتِي»، ثُمَّ قَالَ ﷺ: «إِنَّمَا شَفَاعَتِي لِأَهْلِ الْكِبَايَرِ مِنْ أُمَّتِي فَأَمَّا الْمُحْسِنُونَ فَمَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ»، الْحُسَيْنُ بْنُ خَالِدٍ فَقُلْتُ لِلرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَام: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَمَا مَعْنَى قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضَى؟»^(٧) قَالَ: «لَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضَى اللَّهُ دِينَهُ».

٥. حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ عَلَيْهِ السَّلَام قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي الصُّهْبَانِ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو أَحْمَدَ مُحَمَّدُ بْنُ زِيَادٍ الْأَزْدِيُّ قَالَ: حَدَّثَنِي أَبَانُ الْأَحْمَرُ عَنْ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَام أَنَّهُ جَاءَ إِلَيْهِ رَجُلٌ فَقَالَ لَهُ: يَا أَبِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ عَلَّمَنِي مَوْعِظَةً فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَام: «إِنْ كَانَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى قَدْ تَكْفَّلَ بِالرِّزْقِ فَأَهْتِمَامُكَ لِمَا ذَا؟ وَإِنْ كَانَ الرِّزْقُ مَقْسُومًا فَالْجِرْصُ لِمَا ذَا؟ وَإِنْ كَانَ الْحِسَابُ حَقًّا فَالْجَمْعُ لِمَا ذَا؟ وَإِنْ كَانَ الثَّوَابُ

٢. غافر / ٢٤.

٤. الكهف / ٣٩.

٦ (٢) حديث قدسي

١. الانبياء / ٨٨.

٣. غافر / ٢٥.

٥. الكهف / ٤٠-٣٩.

٧. الانبياء / ٢٨.

در تعجبیم از کسی که دنیا و زیبایی آن را می‌طلبد، اما به سخن خداوند توجهی ندارد که فرمود: ﴿مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ﴾ «جز قدرت او قدرتی وجود ندارد. آن چه او خواهد، همان شود». زیرا در ادامه فرمود: ﴿إِن تَرَىٰ اِنَّا أَقْلَ مِنْكَ مَالًا وَلَدًا فَعَسَىٰ رِيبَىٰ اِنْ يُّوتِنِي خَيْرًا مِنْ جَنَّتِكَ وَعَسَىٰ مَوْجِبُهُ﴾ «مال و فرزند من از تو کمتر است. با این حال امیدوارم که او بهتر از باغ تو ارزانی دارد».

۳. ربان بن صلت می‌گوید: امام رضا علیه السلام از پدران خود روایت فرمود که حضرت امیر علیه السلام از قول پیامبر خدا صلی الله علیه و آله روایت فرمود: خدای عزوجل می‌فرماید: هر کس سخن مرا به میل خود معنا کند، به من کفر ورزیده، هر که مرا مانند آفریده‌هایم به شمار آورد، هر کس در احکام دین قیاس را روش خود سازد، آیین مرا ندارد.

۴. حسین بن خالد می‌گوید: امام رضا علیه السلام از پدرش و آن حضرت از پدران خود و از امیر مؤمنان علیه السلام روایت کرده‌اند که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس که به حوض من در آخرت ایمان نداشته باشد، خداوند او را بر سر حوض من رام نخواهد داد. هر کس که شفاعت مرا باور ندارد خداوند او را از شفاعتم بی‌نصیب می‌گذارد. سپس فرمود: بی‌گمان آنان که مرتکب گناهان بزرگ شده‌اند، می‌توانند از شفاعت من بهره ببرند و نیک کرداران امتم راه خیر را می‌پیمایند. راوی می‌گوید: از حضرت پرسیدم: ای پسر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله! در این صورت، کلام الهی که می‌فرماید: اشفاعت مخصوص کسانی است که خداوند از آنان رضایت داشته باشد. چه مفهومی دارد؟ امام رضا علیه السلام فرمود: ﴿اللَّهُمَّ لَا يَشْفَعُونَ إِلَّا مَنْ أَرْضَىٰ﴾ شفاعت نمی‌کنند مگر این که خداوند از دین شان خشنود باشد.

۵. ابان احمر (سرخ روی) می‌گوید: مردی نزد امام صادق علیه السلام آمد و گفت: پدرم و مادرم فدای تو بادا مرا نصیحت کن. امام فرمود: اگر خدای متعال روزی تو را بر عهده گرفته است چرا باید نگران باشی؟ اگر روزی ات تقسیم شده باشد، چرا باید حرص بورزی؟ اگر به حساب خدا ایمان داری، چرا باید ثروت جمع کنی؟ اگر خدا پاداش می‌دهد، سستی و تنبلی برای چیست؟ اگر خداوند عوض می‌دهد بخل ورزی برای چیست؟ اگر کیفر و دوزخ از سوی خداوند است، نافرمانی چرا؟ اگر مرگ است، شادمانی و غفلت چرا؟ و اگر عوض بر



السلام



مِنْ اللَّهِ فَالْكَسَلُ لِمَا ذَا؟ وَإِنْ كَانَ الْخَلْفُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ حَقًّا فَالْبُخْلُ لِمَا ذَا؟ وَإِنْ كَانَتْ الْعُقُوبَةُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ النَّارَ فَالْمَعْصِيَةُ لِمَا ذَا؟ وَإِنْ كَانَ الْمَوْتُ حَقًّا فَالْفَرَحُ لِمَا ذَا؟ وَإِنْ كَانَ الْعَرَضُ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ حَقًّا فَالْمَكْرُ لِمَا ذَا؟ وَإِنْ كَانَ الشَّيْطَانُ عَدُوًّا فَالْغَفْلَةُ لِمَا ذَا؟ وَإِنْ كَانَ الْقَمَرُ عَلَى الصُّرَاطِ حَقًّا فَالْعُجْبُ لِمَا ذَا؟ وَإِنْ كَانَ كُلُّ شَيْءٍ بِقَضَاءٍ وَقَدَرٍ فَالْحُزْنُ لِمَا ذَا؟ وَإِنْ كَانَتْ الدُّنْيَا فَانِيَةً فَالطَّمَأِينَةُ إِلَيْهَا لِمَا ذَا؟»

ع. حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدٍ الْهَاشِمِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا فَرَاتُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الْكُوفِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مَعْمَرٍ قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ الرَّمْلِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى قَالَ: حَدَّثَنَا يَعْقُوبُ بْنُ إِسْحَاقَ الْمُرُوزِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا عَمْرُو بْنُ مَنْصُورٍ قَالَ: حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ أَبَانَ عَنْ يَحْيَى بْنِ أَبِي كَثِيرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي هَارُونَ الْعَبْدِيِّ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ أَقْدَمُ أُمَّتِي سِلْمًا وَ أَكْثَرُهُمْ عِلْمًا وَأَصَحُّهُمْ دِينًا وَأَفْضَلُهُمْ يَقِينًا وَأَحْلَمُهُمْ حِلْمًا وَأَسْمَحُهُمْ كَفًّا وَأَشَجَّهُمْ قَلْبًا وَهُوَ الْإِمَامُ وَالْخَلِيفَةُ بَعْدِي».

٧. حَدَّثَنَا أَبِي ﷺ قَالَ: حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ عَمْرٍو بْنِ الْهَمْدَانِيِّ بِهِمْذَانٍ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو عَلِيٍّ الْحَسَنُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ الْقُحْطَبِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا سَعِيدُ بْنُ الْحَكَمِ بْنِ أَبِي مَرْزِيمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ الْأَوْزَاعِيِّ عَنْ يَحْيَى بْنِ أَبِي كَثِيرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَرْثَةَ عَنْ سَلَمَةَ بْنِ قَيْسٍ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «عَلِيُّ ﷺ فِي السَّمَاءِ السَّابِعَةِ كَالشَّمْسِ بِالنَّهَارِ فِي الْأَرْضِ وَفِي السَّمَاءِ الدُّنْيَا كَالْقَمَرِ بِاللَّيْلِ فِي الْأَرْضِ أَعْطَى اللَّهُ عَلِيًّا مِنَ الْفَضْلِ جُزْءَ أَلَوْ قُسِمَ عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ لَوْ سِعَهُمْ وَأَعْطَاهُ اللَّهُ مِنَ الْفَهْمِ جُزْءَ أَلَوْ قُسِمَ عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ لَوْ سِعَهُمْ شَبَّهْتُ لَيْلَهُ بِلَيْلِ لُوطٍ وَخُلِقَهُ بِخُلُقِ يَحْيَى وَزُهِدَهُ بِزُهْدِ أَيُّوبَ وَسَخَاهُ بِسَخَاءِ إِبْرَاهِيمَ وَبَهَجَتْهُ بِبَهَجَةِ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ وَقُوَّتُهُ بِقُوَّةِ دَاوُدَ لَهُ اسْمٌ مَكْتُوبٌ عَلَى كُلِّ حِجَابٍ فِي الْجَنَّةِ بَشَّرَنِي بِهِ رَبِّي وَكَانَتْ لَهُ الْبَشَارَةُ عِنْدِي، عَلِيُّ مَحْمُودٌ عِنْدَ الْحَقِّ مُزَكَّى عِنْدَ الْمَلَائِكَةِ وَخَاصَّتِي وَخَالِصَتِي وَظَاهِرَتِي وَمُصْبَاحِي وَجَنَّتِي وَرَفِيقِي أَنَسَنِي بِهِ رَبِّي، فَسَأَلْتُ رَبِّي أَنْ لَا يَقْبِضَهُ قَبْلِي وَ سَأَلْتُهُ أَنْ يَقْبِضَهُ شَهِيداً بَعْدِي، أَدْخِلْتُ الْجَنَّةَ فَرَأَيْتُ حُورَ عَلِيٍّ أَكْثَرَ مِنْ وَرَقِ الشَّجَرِ وَ قُصُورَ عَلِيٍّ كَعَدَدِ الْبَشَرِ عَلَيَّ مِنِّي وَأَنَا مِنْ عَلِيٍّ، مَنْ تَوَلَّى عَلِيًّا فَقَدْ تَوَلَّى لَيْسَ، حُبُّ عَلِيٍّ نِعْمَةٌ وَاتِّبَاعُهُ فَضِيلَةٌ دَانَ بِهِ الْمَلَائِكَةُ وَحَفَّتْ بِهِ الْجِنُّ الصَّالِحُونَ، لَمْ يَمْشِ عَلَى الْأَرْضِ مَا شِ

خداست، دروغ و نیرنگ چرا؟ اگر شیطان دشمن انسان است، غفلت چرا؟ و اگر از صراط خواهی گذشت، خود پسندی برای چیست؟ اگر همه چیز در قضا و قدر الهی گنجانده شده، اندوه و غصه برای چیست؟ و اگر دنیا نمی ماند، چرا باید به آن اعتماد داشت؟

۶. جابر بن عبدالله انصاری می گوید: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: علی در اسلام بر همه مسلمانان پیشی گرفته است. دانش علی از دانش آنان بیشتر و دین او از دین دیگران درست تر و یقین علی، برترین یقین است. در بردباری توانمندتر، در سخاوت موفق تر و از حیث قلب، شجاعترین است. و علی علیه السلام پیشوا و جانشین بعد از من خواهد بود.

۷. سلمه بن قیس می گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: علی علیه السلام در آسمان هفتم مثل خورشید تابان ظهر گاهی می درخشد و در آسمان دنیا مثل ماه درخشنده شب است. خداوند از فضیلت به علی بهره ای عطا کرده است که اگر در میان ساکنان زمین پراکنده شود، همگی نصیب می بردند. همچنین از فهم به او بهره ای داده که مردمان زمین بخش شود، همه بهرمند می شوند. امام علی علیه السلام در نرم خوئی به لوط پیامبر، خلق و خوی به یحیی، در زهد به ایوب، در سخاوت به ابراهیم خلیل، در نشاط مثل سلیمان بن داود، در توانمندی به حضرت داود شباهت دارد. روی پرده های بهشت نام علی نوشته شده است. پروردگارم به من مژده داد که علی به وجود می آید. نزد من برای او مژده ای است بر ستوده بودنش نزد حق و پاک بودنش در جمع فرشتگان. علی علیه السلام تربیت شده مخصوص من است و نیز اعلان و چراغ هدایت من و بهشت من است و همچنین همدم من. پروردگارم مرا به وجود علی انس بخشید پس از خداوندم خواستم که او را قبل از من قبض روح نکند و نیز خواستم که فیض شهادت را پس از من نصیب علی سازد، من وارد بهشت شدم در حالی که دیدم حوریان علی بیش از برگ درختان و قصرهای علی به شمار انسان هاست. علی از من و من از علی هستم. هر که ولایت علی را بپذیرد، مرا پذیرفته است. دوست داشتن علی نعمت و پیروی کردن از او فضیلت است که فرشتگان آن را باور دارند. جن های صالح به او می پیوندند. بی گمان پس از من بهتر از علی بر زمین قدم نمی گذارد. علی عزت است و مایه مباهات و راهنمای راه خداست. علی نه شتاب زده است و نه در تباهی سهل انگاری دارد و نه عناد می ورزد. زمین علی را حمل می کند و او را گرمی می دارد.

بَعْدِي إِلَّا كَانَ هُوَ أَكْرَمَ مِنْهُ عِزًّا وَفَخْرًا وَمِنْهَا جَاءَ لَمْ يَكُ فَظًّا عَجُولًا وَلَا مُسْتَرْسِلًا لِفَسَادٍ
وَلَا مُتَعَنِّدًا حَمَلَتْهُ الْأَرْضُ فَأَكْرَمَتْهُ لَمْ يَخْرُجْ مِنْ بَطْنِ أُنْتَى بَعْدِي أَحَدٌ كَانَ أَكْرَمَ خُرُوجًا
مِنْهُ وَلَمْ يَنْزِلْ مَنْزِلًا إِلَّا كَانَ مَيِّمُونًا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْحِكْمَةَ وَرَدَّاهُ بِالْفَهْمِ تُجَالِسُهُ
الْمَلَائِكَةُ وَلَا يَرَاهَا، وَلَوْ أُوحِيَ إِلَى أَحَدٍ بَعْدِي لِأُوحِيَ إِلَيْهِ فَزَيْنَ اللَّهُ بِهِ الْمُحَافِلَ وَأَكْرَمَ
بِهِ الْعَسَاكِرَ وَأَخْضَبَ بِهِ الْبِلَادَ وَأَغْرَبَهُ الْأَجْنَادَ مَثَلُهُ كَمَثَلِ بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ، يُزَارُّ وَلَا
يُزُورُ وَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْقَمَرِ إِذَا طَلَعَ أَضَاءَ الظُّلُمَةَ وَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الشَّمْسِ إِذَا طَلَعَتْ أَنْارَتْ،
وَصَفَّهُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ وَمَدَحَهُ بِآيَاتِهِ وَوَصَفَ فِيهِ آثَارَهُ وَأَجْرَى مَنَازِلَهُ فَهُوَ الْكَرِيمُ حَيًّا
وَالشَّهِيدُ مَيِّتًا».



پس از من، گرامی تر از علی را مادری نژاییده است. علی به هر جا فرود آمده، آن جا را مبارک ساخته است. خداوند حکمت را بر او نازل کرده و آن را با فهمش پوشانده است. فرشتگان همنشین علی علیه السلام هستند و او نمی بینند. اگر بنا بود پس از من به کسی وحی شود، به علی وحی می شد. خداوند به سبب وجود علی علیه السلام محافل را آراسته و لشگریان را گرامی داشته و شهرها را سبزی بخشیده و به سپاهیان عزت ارزانی داشته است.

مثل علی، خانه خداست که حاجیان به زیارتش می روند، در حالی که به زیارت کسی نمی رود. علی به ماه می ماند که وقتی در تاریکی طلوع می کند، ظلمت و تاریکی را از بین می برد. بر آمدن در تاریکی ها پر تو می افکند. علی مثل خورشید است که به هنگام طلوع همه جا را روشن می کند. خداوند در کتاب خود او را وصف کرده و در کلام خویش او را ستوده است و نیز آثارش را در او توصیف کرده و در منازل کرامت، روانش ساخته است. پس او در زندگی بزرگ و در مرگ شهید است.



مرکز تحقیقات و اسناد ملی



السنن



المجلس الثالث

يوم الجمعة لخمس بقين من رجب من سنة سبع وستين و ثلاثمائة

١. حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيه أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوَيْه الْقُمِّيُّ رحمته الله قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ مُحَمَّدُ بْنُ خَامِدٍ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ دُرُسْتَوَيْه الْفَارِسِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ مَنْظُورٍ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو دَاوُدَ الطَّيَالِسِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا شُعْبَةُ قَالَ: حَدَّثَنِي حَمَّادُ بْنُ أَبِي سُلَيْمَانَ عَنْ أَنَسٍ قَالَ: سَمِعْتُ النَّبِيَّ صلى الله عليه وسلم يَقُولُ: «مَنْ صَامَ يَوْمًا مِنْ رَجَبٍ إِيمَانًا وَاجْتِسَابًا جَعَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّارِ سَبْعِينَ خَنْدَقًا غَرَضُ كُلِّ خَنْدَقٍ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ».

٢. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ رحمته الله قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْكُوفِيُّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى الرُّضَائِيِّ رحمته الله قَالَ: «مَنْ صَامَ أَوَّلَ يَوْمٍ مِنْ رَجَبٍ رَغْبَةً فِي ثَوَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ وَمَنْ صَامَ يَوْمًا فِي وَسْطِهِ شَفَعَ فِي مِثْلِ رَبِيعَةٍ وَمُضَرَ وَمَنْ صَامَ يَوْمًا فِي آخِرِهِ جَعَلَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ مُلُوكِ الْجَنَّةِ وَشَفَّعَهُ فِي أَبِيهِ وَأُمِّهِ وَابْنِهِ وَابْنَتِهِ وَأَخِيهِ وَأُخْتِهِ وَعَمِّهِ وَعَمَّتِهِ وَخَالِهِ وَخَالَتِهِ وَمَعَارِفِهِ وَجِيرَانِهِ وَإِنْ كَانَ فِيهِمْ مُسْتَوْجِبٌ لِلنَّارِ».

٣. حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَعِيدٍ قَالَ: أَخْبَرَنَا عُمَرُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ حَمْدَانَ الْقَشِيرِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا الْمُغِيرَةُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ الْمُهَلَّبِ قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ الْعَفَّارِ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ كَثِيرٍ الْكِلَابِيُّ الْكُوفِيُّ عَنْ عُمَرَوِ بْنِ ثَابِتٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم: «حُبِّي وَحُبُّ أَهْلِ بَيْتِي نَافِعٌ فِي سَبْعَةِ مَوَاطِنَ، أَهْوَاهُنَّ عَظِيمَةٌ عِنْدَ الْوَفَاةِ وَفِي الْقَبْرِ وَعِنْدَ النُّشُورِ وَعِنْدَ الْكِتَابِ وَعِنْدَ الْحِسَابِ وَعِنْدَ الْمِيزَانِ وَعِنْدَ الصَّرَاطِ».

٤. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ) قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ

مجلس سوم

روز جمعه بیست و پنجم ماه رجب سال ۳۶۷

السلامی

۱. انس می گوید: پیامبر اسلام ﷺ فرموده است: هر کسی یک روز از ماه رجب را با ایمان و قصد تقرب به خدا، روزه بگیرد، خداوند بین او و آتش جهنم هفتاد خندق به فاصله زمین و آسمان به وجود می آورد.

۲. فضال از قول پدرش روایت کرده که امام رضا علیه السلام فرمود: هر کس روز اول ماه رجب را برای رضای پروردگارش روزه باشد، خداوند بهشت را برای او قرار می دهد و هر کس روز میانه رجب را روزه بگیرد، شفاعت او درباره دو قبیله مانند: ربیع و مضر قبول می شود. و هر کس آخرین روز ماه رجب را روزه دار باشد، خداوند او را از پادشاهان بهشتی قرار می دهد و نیز شفاعت او را درباره پدر، مادر، دختر، برادر، خواهر، عمو، عمو، دایی، خاله و هر آشنا و همسایه اش قبول می کند، هر چند در میان آنان کسانی باشند که سزاوار آتش جهنم باشند.

۳. جابر می گوید: امام محمد باقر علیه السلام از قول پدرش و آن حضرت از پدرش امام حسین علیه السلام روایت کرد که پیامبر خدا ﷺ فرمود: دوست داشتن من و اهل بیت در هفت جاکه ترسناک است، مفید خواهد بود: زمان مرگ، در قبر، برخاستن از گور، گرفتن نامه اعمال، هنگام حساب، میزان و پل صراط.

۴. محمد بن مسلم و دیگران از امام باقر علیه السلام روایت کرده اند که از پیامبر خدا ﷺ درباره

الْحَسَنِ الصَّفَّارُ قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ جَعْفَرٍ النَّخَعِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ وَغَيْرِهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ عليه السلام قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ عَنْ خِيَارِ الْعِبَادِ فَقَالَ: «الَّذِينَ إِذَا أَحْسَنُوا اسْتَبَشَرُوا وَإِذَا أَسَاءُوا اسْتَغْفَرُوا وَإِذَا أَعْطُوا شَكَرُوا وَإِذَا ابْتُلُوا صَبَرُوا وَإِذَا غَضِبُوا غَفَرُوا».

٥. عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّعْدَانِيُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ زُرْعَةَ عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: «أَيُّمَا مُسَافِرٍ صَلَّى الْجُمُعَةَ رَغْبَةً فِيهَا وَحُبًّا لَهَا أَعْطَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَجْرَ مِائَةِ جُمُعَةٍ لِلْمُقِيمِ».

٦. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ عليه السلام، عَنْ عَمِّهِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ زِيَادِ بْنِ الْمُثَنَّى عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «الْمُخَالَفُ عَلَى عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام بَعْدِي كَافِرٌ وَالمُشْرِكُ بِهِ مُشْرِكٌ وَالمُحِبُّ لَهُ مُؤْمِنٌ وَالمُبْغِضُ لَهُ مُنَافِقٌ وَالمُتَّقِي لَأَمْرِهِ لَاحِقٌ وَالمُحَارِبُ لَهُ مَارِقٌ وَالرَّادُّ عَلَيْهِ زَاهِقٌ، عَلِيُّ نُورُ اللَّهِ فِي بِلَادِهِ وَحُجَّةُ اللَّهِ عَلَى عِبَادِهِ، عَلِيُّ سَيْفُ اللَّهِ عَلَى أَعْدَائِهِ وَوَارِثُ عِلْمِ أَنْبِيَائِهِ، عَلِيُّ كَلِمَةُ اللَّهِ الْعُلْيَا وَكَلِمَةُ أَعْدَائِهِ السُّفْلَى، عَلِيُّ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ وَوَصِيِّ سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ، عَلِيُّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَقَائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ وَإِمَامِ الْمُسْلِمِينَ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ الْإِيمَانَ إِلَّا بِوَلَايَتِهِ وَطَاعَتِهِ».

٧. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ قَالَ: حَدَّثَنَا يُونُسُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ زِيَادٍ وَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَيَّارٍ عَنْ أَبِيهِمَا عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لِبَعْضِ أَصْحَابِهِ ذَاتَ يَوْمٍ: «يَا عَبْدَ اللَّهِ أَحَبُّ فِي اللَّهِ وَأَبْغَضُ فِي اللَّهِ وَوَالٍ فِي اللَّهِ وَعَادٍ فِي اللَّهِ فَإِنَّهُ لَا تَنَالُ وَلَايَةَ اللَّهِ إِلَّا بِذَلِكَ وَلَا يَجِدُ رَجُلٌ طَعَمَ الْإِيمَانَ وَإِنْ كَثُرَتْ صَلَاتُهُ وَصِيَامُهُ حَتَّى يَكُونَ كَذَلِكَ وَقَدْ صَارَتْ مُوَاحَاةُ النَّاسِ يَوْمَكُمْ هَذَا أَكْثَرَهَا فِي الدُّنْيَا عَلَيْهَا يَتَوَادُّونَ وَ عَلَيْهَا يَتَبَاغُضُونَ وَ ذَلِكَ لَا يُغْنِي عَنْهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا» فَقَالَ لَهُ: وَكَيْفَ لِي أَنْ أَعْلَمَ أَنِّي قَدْ وَالَيْتُ وَ عَادَيْتُ فِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَمَنْ وَلِيَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ حَتَّى أُوَالِيَهُ وَمَنْ عَدُوُّهُ حَتَّى أَعَادِيَهُ فَأَشَارَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِلَى عَلِيٍّ عليه السلام فَقَالَ: «أَتَرَى هَذَا» فَقَالَ: بَلَى

بهترین بندگان حق سؤال کردند، پیامبر فرمود: آنان کسانی هستند که وقتی نیکی می‌کنند، شاد می‌شوند و آن گاه که بد رفتاری می‌کنند، طلب آمرزش می‌کنند. در برابر عطای الهی سپاسگذارند و به هنگام بلا و سختی شکیبایی دارند و به هنگام خشم می‌بخشند.

السلامی

۵. سماعه بن مهران می‌گوید: امام صادق علیه السلام از پدرش نقل نمود که آن حضرت چنین فرموده است: خداوند به مسافری که با اشتیاق و شوق در نماز جمعه شرکت نماید، پاداش صد نماز جمعه مقیم را به او عطا می‌کند.

۶. ابن عباس می‌گوید: پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس پس از من با علی مخالفت کند، کافر است. مشرک به او، مشرک است. دوستدار او، مومن و کینه‌دار او، منافق است. هر که از علی پیروی کند، پیروز است و هر کس با او بجنگد، از دین خارج می‌شود و هر کس علی را رد کند، تباه می‌شود. علی علیه السلام نور خدا در سرزمین‌های اوست و حجت الهی بر بندگان او. علی شمشیر خدا علیه دشمنانش و وارث علم پیامبرانش است. علی همان کلمه برتر خداست و کلمه دشمنان او حقیر است. علی آقای اوصیا و وصی خاتم پیامبران است. علی پیشوای مومنان و بزرگان و نیز رهبر مسلمانان است. خداوند هیچ ایمانی را جز با طاعت و ولایت علی علیه السلام قبول نمی‌کند.

۷. محمد بن سیار در روایتی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله چنین می‌گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله روزی به چند تن از یاران خود چنین فرمود: ای بنده خدا! به خاطر خدا دوست داشته باش و به خاطر خدا دشمن داشته باش برای خدا بپذیر و برای خدا روی برگردان. پس به ولایت خدا نمی‌رسد مگر با آن و هیچ کس طعم ایمان را نمی‌چشد چنانچه روزه‌اش و نمازش بسیار باشد مگر این که چنین باشد. دریغا که در روزگار شما بیش تر برادری‌ها و رفاقت‌ها به خاطر دنیا است. مردم به خاطر دنیا یکدیگر را دوست می‌دارند یا با هم می‌ستیزند. در حالی که این شیوه شما را نزد خداوند بی‌نیاز نمی‌کند. شخصی به رسول اکرم صلی الله علیه و آله گفت:

قَالَ ﷺ: «وَلِيَّ هَذَا وَلِيَّ اللَّهِ فَوَالِيهِ وَغَدُوْهُ هَذَا غَدُوْهُ اللَّهِ فَعَادِهِ وَالِ وَلِيَّ هَذَا وَلَوْ أَنَّهُ قَاتِلُ أَبِيكَ وَوَلَدِكَ وَغَادِ غَدُوْهُ هَذَا وَلَوْ أَنَّهُ أَبُوكَ وَوَلَدُكَ».

٨. حَدَّثَنَا أَبِي ﷺ قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ الْأَزْدِيِّ عَنْ أَبَانَ وَغَيْرِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: «إِنِّي لَأَرْحَمُ ثَلَاثَةً وَحَقُّ لَهُمْ أَنْ يُرْحَمُوا: عَزِيزُ أَصَابَتِهِ مَذَلَّةُ بَعْدِ الْعِزِّ، وَغَنِيٌّ أَصَابَتُهُ حَاجَةٌ بَعْدَ الْغِنَى وَعَالِمٌ يَسْتَخِفُّ بِهِ أَهْلُهُ وَالْجَهْلَةُ».

٩. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ ﷺ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصُّفَارِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا الْعَبَّاسُ بْنُ مَعْرُوفٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ ﷺ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «إِنَّكُمْ لَنْ تَسْعُوا النَّاسَ بِأَمْوَالِكُمْ فَسَعَوْهُمْ بِأَخْلَاقِكُمْ».

١٠. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ: أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ يَحْيَى قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ بْنُ نَافِعٍ قَالَ: حَدَّثَنَا أُمَيَّةُ بْنُ حَالِدٍ قَالَ: حَدَّثَنَا حَمَّادُ بْنُ سَلَمَةَ قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ زَيْدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبِي يُحَدِّثُ عَنْ أَبِيهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ أَنَّهُ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: «يَا عَلِيُّ وَالَّذِي فَلَاحُ الْحَبَّةِ وَبَرَأَ النَّسَمَةِ إِنَّكَ لَأَفْضَلُ الْخَلِيقَةِ بَعْدِي يَا عَلِيُّ أَنْتَ وَصِيِّي وَإِمَامُ أُمَّتِي مَنْ أَطَاعَكَ أَطَاعَنِي وَمَنْ عَصَاكَ عَصَانِي».



چگونه بدانم که دوستی و دشمنی ام برای خداست؟ دوست خداوند کیست که با او دوست باشم؟ و دشمن او کیست که از او روی گردان باشم؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام اشاره کرد و فرمود: این مرد را می‌نگری؟ گفت: آری. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: دوست علی دوست خداست، پس او را دوست داشته باش. دشمن او، دشمن خداست، پس او را دشمن بدان. دوست علی را دوست بدار، هر چند که پدرت را کشته باشد و دشمن علی را دشمن بدار، هر چند که پدرت و یا پسرت باشد.

السلامی

۸. ابان و دیگران می‌گویند: امام صادق علیه السلام فرمود: سه کس سزاوار ترحم می‌باشند که باید در حق آنان محبت کنی: شخص عزیزی که بعد از عزتش، ذلت بر او روی آورده است، ثروت مندی که تنگ دست شده، و دانایی که خانواده‌اش و جاهلان او را تحقیر می‌کنند.

۹. غیاث بن ابراهیم می‌گوید: امام صادق علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرد که ایشان فرمود: مردم را با اخلاق تان جذب کنید، نه با بخشیدن ثروت خویش.

۱۰. حماد بن سلمه از علی بن زید و سپس امام سجاد علیه السلام نقل می‌کند که حضرت امیر علیه السلام فرمود: پیامبر به من چنین فرمود: ای علی! سوگند به شکافنده دانه و آفریننده جان داران که تو پس از من بهترین جانشین هستی. ای علی! تو جانشین من و پیشوای امتم خواهی بود. هر کس تو را اطاعت کند، از من فرمان برده است و هر کس از تو نافرمانی کند، از من نافرمانی کرده است.

المجلس الرابع

يوم الثلاثاء سلخ رجب من سنة سبع و ستين و ثلاثمائة

١. حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيه أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوئِيهِ الْقُمِّيُّ عليه السلام قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي عليه السلام قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْحَسَنِ الْمُؤَدَّبُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيٍّ الْأَصْبَهَانِيِّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ الثَّقَفِيِّ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ الْأَسْوَدِ التَّشْكُرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُثَيْدٍ اللَّهِ عَنْ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ مَنْ وَصِيكَ مِنْ أُمَّتِكَ فَإِنَّهُ لَمْ يُعِثْ نَبِيٌّ إِلَّا كَانَ لَهُ وَصِيٌّ مِنْ أُمَّتِهِ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «لَمْ يُبَيِّنْ لِي بَعْدُ» فَمَكَثْتُ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ أَمُكْتُ ثُمَّ دَخَلْتُ الْمَسْجِدَ فَنَادَانِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ: «يَا سَلْمَانُ سَأَلْتَنِي عَنْ وَصِيِّي مِنْ أُمَّتِي فَهَلْ تَدْرِي مَنْ كَانَ وَصِيُّ مُوسَى مِنْ أُمَّتِهِ»، فَقُلْتُ كَانَ وَصِيَّهُ يُوشَعَ بْنِ نُونٍ فَنَادَاهُ قَالَ: «فَهَلْ تَدْرِي لِمَ كَانَ أَوْصَى إِلَيْهِ» فَقُلْتُ: اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ قَالَ: «أَوْصَى إِلَيْهِ لِأَنَّهُ كَانَ أَعْلَمَ أُمَّتِهِ بَعْدَهُ وَ وَصِيِّي وَأَعْلَمَ أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام».

٢. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادٍ قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ قَالَ: حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ سَلَمَةَ الْأَهْوَازِيُّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ الثَّقَفِيِّ قَالَ: حَدَّثَنَا عُثْمَانُ بْنُ أَبِي شَيْبَةَ وَمُحَمَّدُ بْنُ هِشَامٍ قَالَا: حَدَّثَنَا مُطَلِّبُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ لَيْثِ بْنِ أَبِي سُلَيْمٍ قَالَ: أَتَى النَّبِيَّ ﷺ عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ عليهم السلام كُلُّهُمْ يَقُولُ: أَنَا أَحَبُّ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ فَأَخَذَ ﷺ فَاطِمَةَ مِمَّا يَلِي بَطْنَهُ وَ عَلِيًّا مِمَّا يَلِي ظَهْرَهُ وَ الْحَسَنَ عَنْ يَمِينِهِ وَ الْحُسَيْنَ عَنْ يَسَارِهِ ثُمَّ قَالَ ﷺ: «أَنْتُمْ مِنِّي وَأَنَا مِنْكُمْ».

٣. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ) قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ هِلَالٍ عَنْ عِيسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيٍّ عليه السلام قَالَ: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ

مجلس چهارم

روز سه شنبه آخر ماه رجب سال ۳۶۷

۱. سلمان فارسی می گوید: از رسول اکرم ﷺ سؤال کردم که جانشین تو کیست؟ زیرا پیامبران از میان امت خود جانشین تعیین می کردند. پیامبر ﷺ فرمود: هنوز خدا به من فرمان نداده. بعد از آن زمانی درنگ کردم تا این که روزی به مسجد رفتم و رسول خدا ﷺ مرا صدا زد و فرمود: ای سلمان! آن روز از وصی من از میان افراد امت سؤال کردی. حال بگو جانشین موسی ﷺ از امت او چه کسی بود؟

گفتم: یوشع بن نون که جوانمرد بود. پیامبر درنگ کرد و فرمود: می دانی چرا او را جانشین خود قرار داده بود؟ گفتم خدا و پیامبرش دانایتر هستند. پیامبر فرمود: چون او پس از موسی دانایترین امت او بود. از این رو، جانشین و دانایترین شخص امت من پس از من، علی بن ابی طالب ﷺ است.

۲. لیث بن ابی سلیم می گوید: علی و فاطمه و حسن و حسین ﷺ خدمت آن حضرت رسیدند و همه می گفتند که من نزد رسول خدا ﷺ محبوب تر می باشم. پیامبر فاطمه را در آغوش خود گرفت و علی را بر دوش نهاد و حسن را سمت راست و حسین را سمت چپ خود قرار داد. آن گاه فرمود: شما از من و من از شما هستم.

۳. عیسی بن عبدالله از علی ﷺ روایت کرده که پیامبر خدا ﷺ فرمود: هر کس هنگام خواب سوره توحید را تلاوت کند، خداوند گناهان پنجاه سال او را می بخشد.

قَرَأَ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» ^(١) حِينَ يَأْخُذُ مَضْجَعَهُ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَ خَمْسِينَ سَنَةً.

٤. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ) قَالَ: حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ هَارُونَ عَنْ هَارُونَ بْنِ حَمْزَةَ الْغَنَوِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ الصَّادِقَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ) يَقُولُ: «وَكَلَّ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِقَبْرِ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) رُبْعَةَ آلَافٍ مَلَكٍ شُعْثًا غَيْرًا يَتَكُونُهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَمَنْ زَارَهُ عَارِفًا بِحَقِّهِ شَيْعُوهُ حَتَّى يُلْغَوْهُ مَأْمَنَهُ وَإِنْ مَرِضَ عَادُوهُ غُدُوَّةً وَعَشِيًّا وَإِنْ مَاتَ شَهِدُوا جَنَازَتَهُ وَاسْتَغْفَرُوا لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ».

٥. حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ جَدِّهِ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ حَمْزَةَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْجَعْفَرِيِّ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثَّمَالِيِّ قَالَ: قَالَ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ): «ارْجُ اللَّهَ رَجَاءً لَا يُجَرِّتُكَ عَلَى مَعَاصِيهِ وَخَفِ اللَّهَ خَوْفًا لَا يُؤْسِكُ مِنْ رَحْمَتِهِ».

٦. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) عَنْ عَمِّهِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ غَامِرِ بْنِ كَثِيرٍ السَّرَّاجِ النَّهْدِيِّ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ عَنْ ثَابِتِ بْنِ أَبِي صَفِيَّةٍ عَنْ سَيِّدِ الْعَابِدِينَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ) عَنْ سَيِّدِ النَّبِيِّينَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) أَنَّهُ قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَرَضَ عَلَيْكُمْ طَاعَتِي وَنَهَاكُمْ عَنْ مَعْصِيَتِي وَأَوْحَبَ عَلَيْكُمْ اتِّبَاعَ أَمْرِي وَفَرَضَ عَلَيْكُمْ مِنْ طَاعَةٍ عَلَيَّ بَعْدِي مَا فَرَضَهُ مِنْ طَاعَتِي وَنَهَاكُمْ مِنْ مَعْصِيَتِهِ عَمَّا نَهَاكُمْ عَنْهُ مِنْ مَعْصِيَتِي وَجَعَلَهُ أَخِي وَزِيرِي وَصِيِّي وَوَارِثِي وَهُوَ مِنِّي وَأَنَا مِنْهُ، حُبُّهُ إِيْمَانٌ وَبُغْضُهُ كُفْرٌ وَحُبُّهُ مُحِبِّي وَبُغْضُهُ مُبْغِضِي وَهُوَ مَوْلَى مَنْ أَنَا مَوْلَاهُ وَأَنَا مَوْلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَمُسْلِمَةٍ وَأَنَا وَإِيَّاهُ أَبَوَاهُ هَذِهِ الْأُمَّةُ».

٧. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ السَّنَائِي الْمَكِّيُّ (رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ)، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ النَّخَعِيُّ عَنْ عَمِّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِيهِ، قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى الصَّادِقِ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ) فِي

۴. هارون بن حمزه می‌گوید: امام صادق علیه السلام چنین فرمود: هر مزار حسین علیه السلام چهار هزار فرشته نالان و نوحه‌گر، تا روز قیامت گریه می‌کنند. هر کس آن حضرت را آن گونه که شایسته است، زیارت کند، فرشتگان او را تا منزل او همراهی خواهند کرد. اگر بیمار شود، او را هر صبح و شب عیادت کنند و اگر وفات یافت، در تشییع جنازه او حاضر شده و تا روز رستاخیز برای او استغفار می‌کنند.

۵. ابی حمزه ثمالی می‌گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: به رحمت خدا چنان امید داشته باش که در گناه جرأت پیدا نکنی و از خدا چنان ترس داشته باش که از رحمت او مأیوس نشوی.

۶. ثابت بن ابی صفیه از امام سجاده علیه السلام و پدرانش روایت می‌کند: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند فرمان بری از مرا بر شما واجب کرده و نافرمانی از امر مرا گناه شمرده است. اما پس از من، فرمان بری از علی واجب است و نافرمانی او معصیت. خدا او را برادر و وزیر و جانشین من قرار داده است. او از من است و من از او. دوستی با علی ایمان و دشمنی با او کفر است. دوستدار علی دوستدار من است و دشمن علی دشمن من. او آقا و سرور کسی است که من آقا و سرور او هستم. من سرور هر مسلمان، چه زن و چه مرد، هستم. من و علی هر دو پدران این امت هستیم.

۷. علی بن سالم از پدرش روایت می‌کند: من خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم. آخر ماه رجب بود. زمانی که حضرت به من نگاه کرد، چنین فرمود: از این ماه روزه هم گرفتی؟

گفتم نه به خدا، ای پسر پیامبر! حضرت فرمود: پاداشی از دست دادی که مقدارش را



السلامی



رَجَبٍ وَقَدْ بَقِيََتْ مِنْهُ أَيَّامٌ فَلَمَّا نَظَرَ إِلَيَّ قَالَ لِي: «يَا سَالِمُ هَلْ صُمْتَ فِي هَذَا الشَّهْرِ شَيْئًا؟» قُلْتُ لَا وَاللَّهِ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، فَقَالَ لِي: «لَقَدْ فَاتَكَ مِنَ الثَّوَابِ مَا لَمْ يَعْلَمْ مَبْلَغُهُ إِلَّا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِنَّ هَذَا شَهْرٌ قَدْ فَضَّلَهُ اللَّهُ وَعَظَّمَ حُرْمَتَهُ وَأَوْجَبَ لِلصَّائِمِينَ فِيهِ كَرَامَتَهُ» قَالَ: فَقُلْتُ لَهُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَإِنْ صُمْتُ مِمَّا بَقِيَ شَيْئًا هَلْ أَتَانِي قَوْزًا بِبَعْضِ ثَوَابِ الصَّائِمِينَ فِيهِ، فَقَالَ: «يَا سَالِمُ مَنْ صَامَ يَوْمًا مِنْ آخِرِ هَذَا الشَّهْرِ كَانَ ذَلِكَ أَمَانًا لَهُ مِنْ شِدَّةِ سَكَرَاتِ الْمَوْتِ وَأَمَانًا لَهُ مِنْ هَوْلِ الْمُطْلَعِ وَعَذَابِ الْقَبْرِ، وَمَنْ صَامَ يَوْمَيْنِ مِنْ آخِرِ هَذَا الشَّهْرِ كَانَ لَهُ بِذَلِكَ جَوَازٌ عَلَى الصَّرَاطِ، وَمَنْ صَامَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ مِنْ آخِرِ هَذَا الشَّهْرِ أَمِنَ يَوْمَ الْفَرَجِ الْكَبِيرِ مِنْ أَهْوَالِهِ وَشِدَائِدِهِ وَأُعْطِيَ بَرَاءَةً مِنَ النَّارِ».

٨ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ مُحَمَّدٍ الْحَسَنِيُّ، قَالَ: أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ عِيْسَى بْنُ أَبِي مُوسَى الْعِجْلِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ زِيَادٍ الْعَزْرَمِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ حَاتِمٍ السَّقَرِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا شَرِيكُ عَنْ سَالِمِ الْإِفْطَسِيِّ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لِعَلِيِّ: «يَا عَلِيُّ شِيعَتُكَ هُمُ الْفَائِزُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ أَهَانَ وَاحِدًا مِنْهُمْ فَقَدْ أَهَانَكَ وَمَنْ أَهَانَكَ فَقَدْ أَهَانَنِي وَمَنْ أَهَانَنِي أَذْخَلَهُ اللَّهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا» وَ«بَشَرِ الْمَصِيرِ»^(١).

يَا عَلِيُّ أَنْتَ مِنِّي وَأَنَا مِنْكَ رُوحَكَ مِنْ رُوحِي وَطِينَتَكَ مِنْ طِينَتِي وَشِيعَتَكَ خَلَقُوا مِنْ فَضْلِ طِينَتِنَا فَمَنْ أَحَبَّهُمْ فَقَدْ أَحَبَّنَا وَمَنْ أَبْغَضَهُمْ فَقَدْ أَبْغَضَنَا وَمَنْ عَادَاهُمْ فَقَدْ عَادَانَا وَمَنْ وَدَّهُمْ فَقَدْ وَدَّنَا، يَا عَلِيُّ إِنْ شِيعَتَكَ مَغْفُورٌ لَهُمْ عَلَى مَا كَانَ فِيهِمْ مِنْ ذُنُوبٍ، وَغُيُوبٍ يَا عَلِيُّ أَنَا الشَّفِيعُ لِشِيعَتِكَ غَدًا إِذَا أَقَمْتُ الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ فَبَشِّرْهُمْ بِذَلِكَ، يَا عَلِيُّ شِيعَتُكَ شِيعَةُ اللَّهِ وَأَنْصَارُكَ أَنْصَارُ اللَّهِ وَأَوْلِيَاؤُكَ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ وَحِزْبُكَ حِزْبُ اللَّهِ، يَا عَلِيُّ سَعِدَ مَنْ تَوَلَّاكَ وَشَقِيَ مَنْ عَادَاكَ، يَا عَلِيُّ لَكَ كَنْزٌ فِي الْجَنَّةِ وَأَنْتَ ذُو قَرْنَيْهَا. الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ الْمُنْتَجِبِينَ الْأَبْرَارِ.

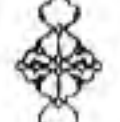
فقط خدا می‌داند، این ماه، ماهی است که خدا آن را برتری بخشیده و حرمت آن را بزرگ نمایانده و کرامت خود را برای روزه داران آن قرار داده است. گفتیم: ای پسر پیامبر خدا! اگر در این روزهای آخر رجب روزه بگیرم، به برخی از پاداش روزه داران دست می‌یابم؟ فرمود: ای سالم، هر کس یک روز از اواخر این ماه را روزه بگیرد، از سختی جان دادن و هراس مرگ و عذاب گور در امان است. هر کس دو روز آن را روزه باشد، می‌تواند از پل صراط بگذرد. و هر کس سه روز آخر ماه رجب را روزه بگیرد، از هراس و مشقت روز رستاخیز در امان می‌ماند و سند رهایی از دوزخ را خواهد ستاند.

۸. پیامبر اسلام ﷺ فرمود: ای علی! همانا پیروان تو در روز رستاخیز رستگارند. هر کس به یکی از آنان اهانت کند، به تو اهانت کرده و هر که به تو اهانت کند، به من اهانت کرده و هر که به من اهانت کند خدا او را در آتش دوزخ می‌اندازد که برای همیشه در آن جا می‌ماند و چه بد سرانجامی است.

ای علی! تو از من و من از تو هستم. روح تو از روح من است و سرشت تو از سرشت من و پیروان تو از مانده سرشت ما خلق شده‌اند. هر کس آنان را دوست داشته باشد ما را دوست داشته و هر که آنان را دشمن داشته باشد، ما را دشمن داشته است. هر کس به شیعیان تو مهربانی کند به ما مهربانی کرده است. ای علی! بی گمان تمام گناهان و عیوب شیعیانت آمرزیده شده‌اند. ای علی! من در قیامت، خود، آنان را شفاعت می‌کنم؛ آن گاه که در مقام محمود ایستاده‌ام. ای علی! این بشارت را به آنان برسان. ای علی پیروان تو پیروان خدا هستند و یاران تو یاران خدا. دوستان تو دوستان خدا و حزب تو، حزب خدا. ای علی خوش به حال کسی که تو را دوست دارد و شور بخت است هر که تو را دشمن بدارد. ای علی! برای تو در بهشت گنجی است و تو بر همه سو احاطه داری. حمد و ثنا مخصوص پروردگار جهانیان است و رحمت و درود بر بهترین آفریده‌اش محمد ﷺ و خاندان مطهر و نیک و شایسته‌اش.



السلامی





المجلس الخامس

وهو يوم الجمعة لليلتين خلتا من شعبان

من سنة سبع وستين وثلاثمائة

١. حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوئِهِ الْقُمِّيُّ (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ)، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي عليه السلام قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عِيْسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْفَضْلِ الْهَاشِمِيِّ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام قَالَ: «صِيَامُ شَعْبَانَ ذِكْرٌ لِلْعَبْدِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَمَا مِنْ عَبْدٍ يَكْتُمُ الصِّيَامَ فِي شَعْبَانَ إِلَّا أَصْلَحَ اللَّهُ لَهُ أَمْرَ مَعِيشَتِهِ وَكَفَاهُ شَرَّ عَذْوِهِ وَإِنْ أَذْنَى مَا يَكُونُ لِمَنْ يَصُومُ يَوْمًا مِنْ شَعْبَانَ أَنْ تَجِبَ لَهُ الْجَنَّةُ».

٢. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ)، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْهَمْدَانِيُّ، قَالَ: أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَالٍ عَنْ أَبِيهِ، قَالَ سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرُّضَا عليه السلام يَقُولُ: «مَنْ اسْتَغْفَرَ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِي شَعْبَانَ سَبْعِينَ مَرَّةً غُفِرَ اللَّهُ ذُنُوبَهُ وَلَوْ كَانَتْ مِثْلَ عَدَدِ النُّجُومِ».

٣. حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ الْكُوفِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا جَدِّي الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَنْ جَدِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ يُونُسَ عَنْ عَمْرِو بْنِ جُمَيْعٍ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَلْقَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَفِي صَحِيفَتِهِ شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنِّي رَسُولُ اللَّهِ وَتَفْتَحَ لَهُ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ الثَّمَانِيَةِ وَيُقَالَ لَهُ: يَا وَلِيَّ اللَّهِ ادْخُلْ مِنْ أَيِّهَا شِئْتَ، فَلْيَقُلْ إِذَا أَصْبَحَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي ذَهَبَ بِاللَّيْلِ بِقُدْرَتِهِ وَجَاءَ بِالنَّهَارِ بِرَحْمَتِهِ خَلْقًا جَدِيدًا مَرَّحِبًا بِالْحَافِظَيْنِ وَحَيَّاهُمَا اللَّهُ مِنْ كَاتِبَيْنِ وَيَلْتَفِتُ عَنْ يَمِينِهِ ثُمَّ يَلْتَفِتُ عَنْ شِمَالِهِ» وَيَقُولُ: «اكْتُبَا بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنِّي أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا

مجلس پنجم

روز جمعه دوم ماه شعبان سال ۳۶۷

السلامی

۱. امام صادق علیه السلام فرمود: روزه شعبان ذخیره روز رستاخیز خواهد بود. کسی در ماه شعبان روزه زیاد نمی‌گیرد، مگر آن که خداوند کار و بارش را درست می‌کند و گزند دشمن را درباره او، بی اثر گرداند. کمترین پاداش انسان روزه دار در شعبان، بهشت است.

۲. علی بن فضال از پدرش نقل کرده: امام رضا علیه السلام فرمود: هر کس در ماه شعبان از خداوند هفتاد بار طلب آمرزش کند، خداوند گناهان او را خواهد آمرزید، هر چند به شمار ستارگان باشد.

۳. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس انتظار ملاقات خدا در رستاخیز را دارد، در حالی که نامه عمل ایمان به توحید و نبوت من در دست او باشد، و هشت در بهشت بروی او گشوده شود و به او گفته شود که ای دوست خدا از هر در که می‌خواهی وارد شو، باید هر صبح بگوید: «الحمد لله الذی ذهب بالیل بقدرته و جاء بالنهار برحمته خلقاً جدیداً مرحباً بالحافظین و حیاهما الله من کاتبین» ثنا مخصوص خدایی است که شب و روز را به رحمت خود می‌برد و می‌آورد. و بعد بگوید خوش آمدید ای نگهدارندگان و نویسندگان اعمال. بعد به راست و چپ خود نظر کند و بگوید: «بسم الله الرحمن انی اشهد ان لا اله الا الله وحده لا

شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ» ^(١) عَلَى ذَلِكَ أَحْيَا وَعَلَيْهِ أَمُوتُ وَعَلَى ذَلِكَ أُبْعَثُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ، اللَّهُمَّ اقْرَأْ مُحَمَّدًا وَآلَهُ مِنِّي السَّلَامَ.

٤. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ جَرِيرِ الطَّبْرِيِّ، حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ الْوَاحِدِ الْخَزَّازُ، قَالَ: حَدَّثَنِي إِسْمَاعِيلُ بْنُ عَلِيٍّ السُّنْدِيُّ عَنْ مَنِيعِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ عِيْسَى بْنِ مُوسَى عَنْ جَعْفَرِ الْأَحْمَرِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ النَّبَاقِرِيِّ عليه السلام، قَالَ: «سَمِعْتُ جَابِرَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيَّ يَقُولُ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ، تُقْبَلُ ابْنَتِي فَاطِمَةُ عَلَى نَاقَةٍ مِنْ نُوقِ الْجَنَّةِ مُدْبِجَةِ الْجَنَّبَيْنِ خَطْمُهَا مِنْ لَوْلُو رَطْبِ قَوَائِمِهَا مِنَ الزُّمُرُودِ الْأَخْضَرِ ذَنْبُهَا مِنَ الْمِسْكِ الْأَذْفَرِ عَيْنَاهَا يَاقُوتَتَانِ حُمْرَاوَانِ عَلَيْهَا قُبَّةٌ مِنْ نُورٍ يُرَى ظَاهِرُهَا مِنْ بَاطِنِهَا وَبَاطِنُهَا مِنْ ظَاهِرِهَا دَاخِلُهَا غَفْوُ اللَّهِ وَخَارِجُهَا رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَى رَأْسِهَا تَاجٌ مِنْ نُورٍ لِلتَّاجِ سَبْعُونَ زُكْنًا كُلُّ زُكْنٍ مُرْصَعٌ بِالذُّرِّ وَالْيَاقُوتِ يُضِيءُ كَمَا يُضِيءُ الْكَوْكَبُ الدَّرِّيُّ فِي أَفْقِ السَّمَاءِ، وَ عَنْ يَمِينِهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ وَ عَنْ شِمَالِهَا سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ وَ جَبْرِئِيلُ آخِذٌ بِخِطَامِ النَّاقَةِ يُنَادِي بِأَعْلَى صَوْتِهِ غَضُّوا أَبْصَارَكُمْ حَتَّى تَجُوزَ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ عليها السلام فَلَا يَبْقَى يَوْمَئِذٍ نَبِيٌّ وَلَا رَسُولٌ وَلَا صِدِّيقٌ وَلَا شَهِيدٌ إِلَّا غَضُّوا أَبْصَارَهُمْ حَتَّى تَجُوزَ فَاطِمَةُ فَتُسِيرُ حَتَّى تُحَازِيَ عَرْشَ رَبِّهَا جَلُّ جَلَالُهُ فَتَنْزِلُ بِنَفْسِهَا عَنْ نَاقَتِهَا وَتَقُولُ إِلَهِي وَ سَيِّدِي احْكُمْ بَيْنِي وَبَيْنَ مَنْ ظَلَمَنِي اللَّهُمَّ احْكُمْ بَيْنِي وَبَيْنَ مَنْ قَتَلَ وَلَدِي فَإِذَا النَّدَاءُ مِنْ قِبَلِ اللَّهِ جَلُّ جَلَالُهُ، يَا حَبِيبَتِي وَابْنَتُ حَبِيبِي سَلِّينِي تُعْطِي وَاشْفَعِي تُشْفَعِي فَوَعِزَّتِي وَجَلَالِي لَا جَارَ لِي ظَلَمَ ظَالِمٌ فَتَقُولُ إِلَهِي وَ سَيِّدِي ذُرِّيَّتِي وَ شِيعَتِي وَ شِيعَةُ ذُرِّيَّتِي وَ مُحِبِّي وَ مُحِبِّي ذُرِّيَّتِي فَإِذَا النَّدَاءُ مِنْ قِبَلِ اللَّهِ جَلُّ جَلَالُهُ أَيْنَ ذُرِّيَّةُ فَاطِمَةَ وَ شِيعَتُهَا وَ مُحِبُّوهَا وَ مُحِبُّو ذُرِّيَّتِهَا فَيُقْبَلُونَ وَ قَدْ أَحَاطَ بِهِمْ مَلَائِكَةُ الرَّحْمَةِ فَتَقْدُمُهُمْ فَاطِمَةُ (عليها السلام) حَتَّى تَدْخُلَهُمُ الْجَنَّةَ».

٥. حَدَّثَنَا حَمْزَةُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام، قَالَ: أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ مَعْبُدٍ عَنْ

شریک له و انّ محمداً عبده و رسوله و اشهد انّ السّاعة اتيه لا ريب فيه و انّ الله يبعث من في القبور على ذلك احياء و عليه اموات و على ذلك ابعث ان شاء الله اقرأ محمداً و آله منّى سلام» بسم الله الرحمن الرحيم. من شهادت می‌دهم که خدا یگانه بوده و شریک نداشته و محمد ﷺ بنده و فرستاده اوست. و شهادت می‌دهم که رستاخیز می‌آید و خدا مردگان را برخواهد انگيخت، بر آن آئین زنده بوده و بر آن خواهیم مرد و مبعوث خواهیم گشت. اگر خدا بخواهد. خدایا درود به محمد و خاندان او برسان.

۴. جابر بن عبدالله انصاری می‌گوید: پیامبر خدا ﷺ فرمود: در رستاخیز دخترم فاطمه علیها السلام سوار شتری از شترهای بهشتی به صحرای محشر وارد می‌شود که دو طرف آن پر از نگار است و مهار شترش از لؤلؤ و چهار پایش از زمرد سبز و دم آن از مشک و دو چشم او از یاقوت سرخ، بر پشت شتر برآمدگی از نور است که از بیرون می‌توان درون آن را نگرست و نیز از درون بیرون را. درون آن قبه نورانی عفو و گذشت الهی است و بیرون آن، رحمت الهی. بر سر فاطمه تاجی نورانی است که هفتاد رکن دارد و هر رکن مرصع به جواهر و یاقوت است که می‌درخشد. درخشش آن چنان است که اختر تابان در آسمان، در سمت راست او هفتاد هزار فرشته و در سمت چپ نیز هفتاد هزار فرشته هستند. افسار شتر به دست جبرئیل است که فریاد می‌زند: چشم‌ها را بر هم گذارید تا فاطمه دختر محمد ﷺ بگذرد. در آن روز پیامبر و رسول و صدیق و شهیدی وجود ندارد، مگر آن که چشم فرو بسته‌اند تا فاطمه عبور کند و مقابل عرش خدا برسد و بعد از شتر پایین بیاید و گوید: ای خدا، ای آقا، داوری کن میان من و آن که به من ستم روا داشته است. خدایا! داوری کن میان من و هر کس که فرزندان مرا کشته است. ناگهان پاسخ خداوند می‌رسد که ای حبیب من، ای حبیب زاده من، از من هر چه خواهی عطا می‌کنم و شفاعت کن، آنها را بپذیرم. به عزت و جلال خود سوگند که ستم ستم پیشه را بی کیفر نمی‌گذارم.

فاطمه می‌گوید: ای معبودم، ای آقای من، نسل و شیعیان، و شیعیان نسل من و دوستان نسل من را دریاب. از جانب حق ندا خواهد رسید که نسل فاطمه، شیعیان و دوستان فاطمه و دوستان نسل او کجا هستند؟ آن گاه ایشان در میان فرشتگان رحمت، جلو می‌آیند در حالی که فاطمه در برابر آنها به راه می‌افتد تا آنها را به بهشت وارد کند. ۵. پیامبر خدا ﷺ فرمود: هر کس می‌خواهد به کشتی نجات سوار شود و به حلقه



اللّٰهُ



سید



الْحُسَيْنِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرُّضَا عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَرْكَبَ سَفِينَةَ النُّجَاةِ وَيَسْتَمْسِكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى وَيَعْتَصِمَ بِحَبْلِ اللَّهِ الْمَتِينِ فَلْيُؤَالَ عَلِيًّا بَعْدِي وَلْيُعَادِ عَدُوَّهُ وَلْيَأْتِ بِالنَّائِمَةِ الْهَدَاةِ مِنْ وَلَدِهِ فَإِنَّهُمْ خُلَفَائِي وَأَوْصِيَائِي وَحُجَجُ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ بَعْدِي وَسَادَةُ أُمَّتِي وَقَادَةُ الْإِقْيَامِ إِلَى الْجَنَّةِ حِزْبُهُمْ حِزْبِي وَحِزْبِي حِزْبُ اللَّهِ وَحِزْبُ أَعْدَائِهِمْ حِزْبُ الشَّيْطَانِ».



مركز تحقیق کتب و سیره ائمه هدی



السلام



استوارش چنگ زد و به رشته الهی در آویزد، باید بعد از من علی را دوست داشته باشد و دشمن علی را دشمن داشته باشد، او باید به پیشوایانی از نسل علی اقتدا کند، چون آنان جانشینان و وارثان و حجت‌های حق بر خلق هستند. آنان بعد از من سروران و پیشوایان امتم به سوی بهشت خواهند بود. حزب آنان، حزب من است و حزب من، حزب خدا است و حزب دشمنانشان حزب شیطان است.

السلامی



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی





السنن

المجلس السادس

وهو يوم الثلاثاء لسبع ليال خلون من شعبان

من سنة سبع وستين وثلاثمائة

١. حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيه أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوَيْهٍ الْقُمِّيُّ رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ نَصْرِ بْنِ مَرْحَمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْمُسْعُودِيِّ عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ يَزِيدَ الْقَرَشِيِّ، قَالَ: قَالَ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ رحمته الله: حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ رحمته الله، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «شَعْبَانُ شَهْرِي وَشَهْرُ رَمَضَانَ شَهْرُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَصَامَ يَوْمًا مِنْ شَهْرِي كُنْتُ شَفِيعَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَمَنْ صَامَ يَوْمَيْنِ مِنْ شَهْرِي غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ، وَمَنْ صَامَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ مِنْ شَهْرِي قِيلَ لَهُ اسْتَثْنَيْتَ الْعَمَلَ، وَمَنْ صَامَ شَهْرَ رَمَضَانَ فَحَفِظَ فَرْجَهُ وَلِسَانَهُ وَكَفَّ أَذَاهُ عَنِ النَّاسِ غُفِرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبُهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْهَا وَمَا تَأَخَّرَ وَأَعْتَقَهُ مِنَ النَّارِ وَأَحْلَهُ دَارَ الْقَرَارِ وَقَبْلَ شَفَاعَتِهِ فِي عَدَدِ رَمَلٍ غَالِجٍ مِنْ مُذْنِبِي أَهْلِ التَّوْحِيدِ».

٢. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّعْدِ ابْنِ أَبِي عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ عَبْدِ الْعَظِيمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ رحمته الله قَالَ: دَخَلَ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ رحمته الله عَلَى هَارُونَ الرَّشِيدِ وَقَدْ اسْتَحْقَفَهُ الْغَضَبُ عَلَى رَجُلٍ فَقَالَ لَهُ: «إِنَّمَا تَغْضَبُ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَلَا تَغْضَبُ لَهُ بِأَكْثَرِ مِمَّا غَضِبَ لِنَفْسِهِ».

٣. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ (رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ)، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ قَالَ: حَدَّثَنَا الْعَبَّاسُ بْنُ مَعْرُوفٍ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْخَزَّازُ عَنْ عِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ رحمته الله، قَالَ: مَرَّ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِقَوْمٍ يُرَبِّعُونَ حَجَرًا، فَقَالَ: مَا هَذَا؟ قَالُوا: نَعْرِفُ بِذَلِكَ أَشَدَّنَا وَأَقْوَانَا، فَقَالَ ﷺ: «الْأَخْبِرُكُمْ بِأَشَدِّكُمْ

سنة

مجلس ششم

روز سه شنبه شب هفتم ماه شعبان سال ۳۶۷

السلامی

۱. رسول اکرم ﷺ فرمود: شعبان ماه، من است و رمضان، ماه خداوند. هر کس یک روز از ماه من را روزه بگیرد در رستاخیز، او را شفاعت می‌کنم و هر کس دو روز آن را روزه بگیرد، خدا گناهان گذشته او را می‌بخشاید و هر کس سه روزش را روزه باشد، به او می‌گویند: از نوکارت را شروع کن. اما هر که ماه رمضان را روزه باشد و زبان و دامن خود را پاک نگه دارد و آزارش را از مردم بگیرد، خداوند گناهان او را در گذشته و آینده می‌آمرزد و او را از جهنم‌رهایی می‌بخشد و به سرای آسایش در می‌آورد و شفاعتش را به شمار ریگ‌های تپه عاج، از بندگان گناهکار می‌پذیرد.

۲. امام کاظم علیه السلام فرمود: در حالی به مجلس هارون الرشید وارد شدم که خشم، او نسبت به فردی وی را سخت بی‌قرار کرده بود. به او گفتم: اگر تو به خاطر خدا خشمگین شدی، نباید خشم تو پیش از خشم خداوند نسبت به او باشد.

۳. رسول اکرم ﷺ از کنار مردان نیرومندی می‌گذشت در حالی که آنها قصد زور آزمایی داشته و سنگی را از جا بلند می‌کردند. فرمود: هدف شما چیست؟ گفتند: نیروی خود را می‌آزماییم. فرمود: شما را از نیرومندترین کس خبر بدهم؟ گفتند آری! ای پیامبر خدا!

وَأَقْوَاكُمْ؟ قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: «أَشَدُّكُمْ وَأَقْوَاكُمْ الَّذِي إِذَا رَضِيَ لَمْ يَدْخُلْهُ رِضَاؤُهُ فِي إِيَّاهُمْ وَلَا بَاطِلٍ، وَإِذَا سَخِطَ لَمْ يُخْرِجْهُ سَخِطُهُ مِنْ قَوْلِ الْحَقِّ، وَإِذَا قَدَرَ لَمْ يَتَعَاطَ مَا لَيْسَ لَهُ بِحَقٍّ».

٤. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ السَّنَانِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيُّ عَنْ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ النَّخَعِيِّ عَنْ عَمِّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ عَنْ يُونُسَ بْنِ ظَبْيَانَ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: «الْإِسْتِهَارُ بِالْعِبَادَةِ رِيَّةٌ، إِنْ أَبِي حَدَّثَنِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيِّ عليه السلام أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله قَالَ: «أَغْبَدُ النَّاسَ مَنْ أَقَامَ الْفَرَائِضَ وَاسْتَحْيَى النَّاسَ مَنْ أَدَّى زَكَاةَ مَالِهِ وَأَرْهَدَ النَّاسَ مَنْ اجْتَنَبَ الْحَرَامَ وَاتَّقَى النَّاسَ مَنْ قَالَ الْحَقَّ فِيمَا لَهُ وَعَلَيْهِ وَأَعْدَلَ النَّاسَ مَنْ رَضِيَ لِلنَّاسِ مَا يَرْضَى لِنَفْسِهِ وَكَرِهَ لَهُمْ مَا يَكْرَهُ لِنَفْسِهِ وَأَكْبَسَ النَّاسَ مَنْ كَانَ أَشَدَّ ذِكْرًا لِلْمَوْتِ وَأَغْبَطَ النَّاسَ مَنْ كَانَ تَحْتَ الشَّرَابِ قَدْ أَمِنَ الْعِقَابَ وَبَرَّجُوا الثَّوَابَ وَأَغْفَلَ النَّاسَ مَنْ لَمْ يَتَعَطَّ بِتَغْيِيرِ الدُّنْيَا مِنْ حَالٍ إِلَى حَالٍ وَأَعْظَمَ النَّاسَ فِي الدُّنْيَا خَطَرًا مَنْ لَمْ يَجْعَلْ لِلدُّنْيَا عِنْدَهُ خَطَرًا وَأَعْلَمَ النَّاسَ مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ وَأَشْجَعَ النَّاسَ مَنْ غَلَبَ هَوَاهُ وَأَكْثَرَ النَّاسَ قِيَمَةً أَكْثَرُهُمْ عِلْمًا وَأَقْلَى النَّاسَ قِيَمَةً أَقَلُّهُمْ عِلْمًا وَأَقْلَى النَّاسَ لَذَّةَ الْحَسُودِ وَأَقْلَى النَّاسَ رَاحَةَ الْبَخِيلِ وَأَبْخَلَ النَّاسَ مَنْ يَبْخُلُ بِمَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِ وَأَوْلَى النَّاسَ بِالْحَقِّ أَعْلَمُهُمْ بِهِ وَأَقْلَى النَّاسَ حُرْمَةَ الْفَاسِقِ وَأَقْلَى النَّاسَ وَفَاءَ الْمُلُوكِ وَأَقْلَى النَّاسَ صَدِيقًا الْمَلِكِ صِدْقًا الْمَمْلُوكِ وَأَفْقَرُ النَّاسِ الطَّمَعُ وَأَغْنَى النَّاسِ مَنْ لَمْ يَكُنْ لِلْحِرْصِ أُسِيرًا وَأَفْضَلُ النَّاسِ إِيمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا وَأَكْرَمُ النَّاسِ اتَّقَاهُمْ وَأَعْظَمُ النَّاسَ قَدْرًا مَنْ تَرَكَ مَا لَا يَغْنِيهِ وَأَوْرَعُ النَّاسِ مَنْ تَرَكَ الْمِرَاءَ وَإِنْ كَانَ مُحِقًّا وَأَقْلَى النَّاسَ مُرُوءَةً مَنْ كَانَ كَاذِبًا وَأَشَقَى النَّاسِ الْمُلُوكُ وَأَمْقَتُ النَّاسِ الْمُتَكَبِّرُ وَأَشَدُّ النَّاسِ اجْتِهَادًا مَنْ تَرَكَ الذُّنُوبَ وَأَحْكَمُ النَّاسِ مَنْ فَرَّ مِنْ جُهَالِ النَّاسِ وَأَسْعَدُ النَّاسِ مَنْ خَالَطَ كِرَامَ النَّاسِ وَأَغْفَلَ النَّاسِ أَشَدُّهُمْ مُدَارَاةً لِلنَّاسِ وَأَوْلَى النَّاسِ بِالثُّمَّةِ مَنْ جَالَسَ أَهْلَ الثُّمَّةِ وَأَعْتَى النَّاسَ مَنْ قَتَلَ غَيْرَ قَاتِلِهِ أَوْ ضَرَبَ غَيْرَ ضَارِبِهِ وَأَوْلَى النَّاسِ بِالْعَفْوِ أَقْدَرُهُمْ عَلَى الْعُقُوبَةِ وَأَحَقُّ النَّاسِ بِالذَّنْبِ السَّفِيهِ الْمُعْتَابُ وَأَذَلُّ النَّاسِ مَنْ أَهَانَ النَّاسَ وَأَحْزَمُ النَّاسِ أَكْظَمُهُمْ لِلْغَيْظِ وَأَصْلَحُ النَّاسِ أَصْلَحُهُمْ لِلنَّاسِ وَخَيْرُ النَّاسِ مَنْ انْتَفَعَ بِهِ النَّاسُ».

فرمود: نیرومندترین شما کسی است که به هنگام خشنودی به گناه و باطل کشانده نشود و به هنگام خشم، گفتار باطل بر زبان نیاورد. هیچ گاه به سوی کسی گرایش پیدا نکند که حق نیست.

۴. امام صادق علیه السلام فرمود: مشهور شدن در عبادت، سبب بدگمانی می شود. پیامبر فرمود: عابدترین مردم کسی است که تکالیف و واجبات خود را انجام دهد، و سخاوت ترین آنان کسی است که زکات مال خود را بپردازد و زاهدترین آنان کس است که خود را از گناه دور کند و پارسا ترین مردم کسی است که به هنگام ضرر و منفعت خود، حق را بر زبان آورد و خردمندترین آنان، کسی است که آن چه برای خود می پسندد، برای دیگران بپسندد و نیز آن چه برای خویش نمی پسندد، برای آنان نیز نپسندد. و زیرک ترین مردم کسی است که بیش تر مرگ را به یاد آورد و ورشک آورترین آنان، کسی است که در گورش بخوابد و از کیفر ترس نداشته باشد و به پاداش خدا امیدوار باشد. اما بی خبرترین مردم، کسی است که از دگرگون شدن جهان، عبرت نگیرد و بزرگ ترین شان کسی است که برای دنیای فانی ارزشی قائل نباشد و دانا ترین شان کسی است که دانش مردم را بر دانش خود بیفزاید.

اما شجاع ترین مردم کسی است که بر نفس خود غلبه کند و ارزشمندترین شان کسی است که دانش او زیاد باشد و کم ارزش ترین شان کسی است که دانش او کم تر باشد. حسودان کمتر لذت دارند و بخل ورزان کم تر آسایش و بخیل ترین مردم کسی است که بخل بورزد به چیزی که خداوند تکلیف او قرار داده است. سزاوارترین شان به حق، دانا ترین شان به حقیقت است. کم حرمت ترین شان مردم بدکار است و فاسق ترین شان، حاکمان شان هستند. و کم دوست ترین مردم، حاکم است و تهی دست ترین شان، طمع کار. بی نیاز ترین انسانها، کسی است که در اسارت حرص نباشد و برترین شان در ایمان، خوش خو و خوش خلق ترین آنان است. ارجمندترین، مردم پارسا ترین است و نیز کسی که کار بیهوده انجام ندهد. پارسا ترین مردم کسی است که جزو بحث کردن را کنار گذارد، هر چند حق با او باشد. بی مروت ترین شان کسی است که دروغ گو و فریب کار باشد. شور بخت ترین مردم، حاکمان هستند و دشمن ترین مردم، خود بزرگ بین است. و پرتلاش ترین آنان کسی است که ترک گناه کرده باشد و فرزانه ترین شان کسی است که از نادانها فرار کند. خوشبخت ترین مردم، کسی است که با بزرگواران معاشرت کند. خردمندترین شان کسی است که مدارای او زیاد تر باشد و سزاوارترین شان به بهتان، کسی است که رفیق اهل تهمت باشد و سرکش ترین شان کسی است که به غیر از قاتل خویش را نابود سازد و از غیر ضارب خود انتقام بگیرد. سزاوارترین مردم به گذشت، کسی است که در کیفر رساندن توانمند است و سزاوارترین شان به گناه، کسی است که کم خرد و بد سخن باشد. خوارترین مردم، کسی است که مردم را تحقیر کند. با تدبیر ترین مردم، خشم خود را پیش تر فرو می برد. شایسته ترین مردم خیر اندیش تر در جامعه است. بهترین مردم هم کسی خواهد بود که برای مردم سودمند باشد.

٥. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ عَنْ عَمِّهِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي الزُّبَيْرِ الْمَكِّيِّ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى اصْطَفَانِي وَاخْتَارَنِي وَجَعَلَنِي رَسُولًا وَأَنْزَلَ عَلَيَّ سَيِّدَ الْكُتُبِ فَقُلْتُ: «إِلَهِي وَسَيِّدِي إِنَّكَ أَرْسَلْتَ مُوسَى إِلَى فِرْعَوْنَ فَسَأَلَكَ أَنْ تَجْعَلَ مَعَهُ أَخَاهُ هَارُونَ وَزِيرًا تَشُدُّ بِهِ عُضْدَهُ وَتُصَدِّقَ بِهِ قَوْلَهُ، وَإِنِّي أَسْأَلُكَ يَا سَيِّدِي وَإِلَهِي أَنْ تَجْعَلَ لِي مِنْ أَهْلِي وَزِيرًا تَشُدُّ بِهِ عُضْدِي، فَجَعَلَ اللَّهُ لِي عَلِيًّا وَزِيرًا وَأَخًا وَجَعَلَ الشَّجَاعَةَ فِي قَلْبِهِ وَالْبَسَةَ الْهَيْبَةَ عَلَى عَدُوِّهِ وَهُوَ أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِي وَصَدَّقَنِي وَأَوَّلُ مَنْ وَحَدَ اللَّهُ مَعِي، وَإِنِّي سَأَلْتُ ذَلِكَ رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ فَأَعْطَانِيهِ فَهُوَ سَيِّدُ الْأَوْصِيَاءِ لِلْحُقُوقِ بِهِ سَعَادَةٌ وَالْمَوْتُ فِي طَاعَتِهِ شَهَادَةٌ وَاسْمُهُ فِي التَّوْرَةِ مَقْرُونٌ إِلَى اسْمِي وَزَوْجَتُهُ الصَّدِيقَةُ الْكُبْرَى ابْنَتِي وَإِنَّا سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ ابْنَايَ وَهُوَ وَهُمَا وَالْإِثْمَةُ بَعْدَهُمْ حُجِّجُ اللَّهُ عَلَى خَلْقِهِ بَعْدَ النَّبِيِّينَ، وَهُمْ أَبْوَابُ الْعِلْمِ فِي أُمَّتِي مَنْ تَبِعَهُمْ نَجَا مِنَ النَّارِ وَمَنِ اقْتَدَى بِهِمْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ لَمْ يَهَبِ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مَحَبَّتَهُمْ لِعَبْدٍ إِلَّا أَدْخَلَهُ اللَّهُ الْجَنَّةَ».

مرکز تحقیقات کلامی و عقاید اسلامی



السلام



سید بن طاووس



۵. پیامبر بزرگوار اسلام ﷺ فرمود: بی گمان خداوند مرا در میان مردمان برگزید و پیامبرش ساخت و آن گاه برترین کتاب آسمانی را بر من نازل فرمود. گفتم: خدایا! تو موسی را به سوی فرعون فرستادی و او از تو درخواست کرد که هارون برادرش را همراهش روانه کنی که وزیرش باشد و توان او را افزون تر سازد و کلام او را گواهی کند. من هم از تو می خواهم که از خاندانم وزیری برایم انتخاب کنی که بازویم را به وسیله او نیرومند سازی. ای آقای من! ای خدای من! این گونه بود که خداوند علی را وزیر و برادرم قرار داد و شجاعت را در قلبش قرار داد و هیبت او را بر دل دشمن او افکند. علی نخستین کسی است که به من ایمان آورد و مرا در پیامبری باور کرد و نیز در کنارم یگانه پرست بود. من او را از خدا خواستم و خدا هم او را به من بخشید. علی آقای اوصیاست. همراهی با علی سعادت است و مردن در راه او شهادت است. نام علی در تورات موسی، کنار نام من است و همسر او صدیقه کبری علیها السلام دختر من است و دو فرزندش که آقای جوانان بهشتی اند، پسران من هستند. علی و فرزندان او حجت های الهی پس از پیامبران می باشند. آنان دریای دانش در میان امتم خواهند بود. هر کسی پیرو آنان باشد رستگار است و به بهشت می رود. و هر کس آنان را مقتدای خود گیرد، به راه راست هدایت می شود. خداوند به هر کس محبت اهل بیت مرا داده، بی گمان او را در بهشت خویش در می آورد.



السلامی





المجلس السابع

يوم الجمعة لعشر خلون من شعبان من سنة سبع وستين و ثلاثمائة

السلام

١. حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابَوَيْهِ الْقُمِّيُّ رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَحْمَدَ الْمُعَاذِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْمَرْوَزِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ يَحْيَى بْنِ عِيَّاشٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ غَاصِمٍ الْوَاسِطِيُّ، قَالَ: أَخْبَرَنِي عَطَاءُ بْنُ سَائِبٍ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: وَقَدْ تَذَكَّرَ أَصْحَابُهُ عِنْدَهُ فَضَائِلَ شَعْبَانَ فَقَالَ: «شَهْرُ شَرِّكَ وَهُوَ شَهْرِي وَحَمَلَةُ الْعَرْشِ تُعْظَمُهُ وَتَعْرِفُ حَقَّهُ وَهُوَ شَهْرُ تَزَادَ فِيهِ أَرْزَاقُ الْمُؤْمِنِينَ كَشَهْرِ رَمَضَانَ وَتَزِينُ فِيهِ الْجَنَانُ وَإِنَّمَا سُمِّيَ شَعْبَانُ لِأَنَّهُ يَتَشَعَّبُ فِيهِ أَرْزَاقُ الْمُؤْمِنِينَ وَهُوَ شَهْرُ الْعَمَلِ فِيهِ مُضَاعَفُ الْحَسَنَةِ بِسَبْعِينَ وَالسَّيِّئَةِ مَخْطُوطَةٌ وَالدَّنْبُ مَغْفُورٌ وَالحَسَنَةُ مَقْبُولَةٌ وَالجَبَّارُ جَلَّ جَلَالُهُ يُبَاهِي فِيهِ بَعْبَادَهُ وَيَنْظُرُ إِلَى صَوَامِهِ وَقَوَامِهِ فَيُبَاهِي بِهِمْ حَمَلَةَ الْعَرْشِ»، فَقَامَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام فَقَالَ: «بَابِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا رَسُولَ اللَّهِ صَفِّ لَنَا شَيْئًا مِنْ فَضَائِلِهِ لِنَزِدَّادَ رَغْبَةٍ فِي صِيَامِهِ وَقِيَامِهِ وَلِنَجْتَهِدَ لِلْجَلِيلِ عَزَّ وَجَلَّ فِيهِ»، فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: «مَنْ صَامَ أَوَّلَ يَوْمٍ مِنْ شَعْبَانَ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ سَبْعِينَ حَسَنَةً الْحَسَنَةُ تَعْدِلُ عِبَادَةَ سَنَةٍ، وَمَنْ صَامَ يَوْمَيْنِ مِنْ شَعْبَانَ حُطَّتْ عَنْهُ السَّيِّئَةُ الْمُؤَبَّقَةُ وَمَنْ صَامَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ مِنْ شَعْبَانَ رُفِعَ لَهُ سَبْعُونَ دَرَجَةً فِي الْجَنَانِ مِنْ دُرٍّ وَياقُوتٍ، وَمَنْ صَامَ أَرْبَعَةَ أَيَّامٍ مِنْ شَعْبَانَ وَسَّعَ عَلَيْهِ فِي الرِّزْقِ، وَمَنْ صَامَ خَمْسَةَ أَيَّامٍ مِنْ شَعْبَانَ حُبِّبَ إِلَى الْعِبَادِ، وَمَنْ صَامَ سِتَّةَ أَيَّامٍ مِنْ شَعْبَانَ صُرِفَ عَنْهُ سَبْعُونَ لَوْثًا مِنَ الْبَلَاءِ، وَمَنْ صَامَ سَبْعَةَ أَيَّامٍ مِنْ شَعْبَانَ عُصِمَ مِنْ إِبْلِيسَ وَجُنُودِهِ دَهْرَهُ وَعُمُرُهُ، وَمَنْ صَامَ ثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ مِنْ شَعْبَانَ لَمْ يُخْرَجْ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يُسْقَى مِنْ حِيَاضِ الْقُدْسِ، وَمَنْ صَامَ تِسْعَةَ أَيَّامٍ مِنْ شَعْبَانَ عَظَّفَ عَلَيْهِ مُنْكَرٌ وَنَكِيرٌ عِنْدَ مَا يُسْأَلُ بِهِ وَمَنْ



سَدَقَ

مجلس هفتم

روز جمعه دهم شعبان سال ۳۶۷

۱. ابن عباس می گوید: رسول اکرم ﷺ در حالی که یاران حضرت نزد او از فضیلت های شعبان گفت و گو می کردند، حضرت فرمود: ماه شریف شعبان، ماه من است و حاملان عرش، آن را ارج می نهند و حق این ماه را می شناسند. شعبان ماهی است که روزی های مومنان مانند ماه رمضان در آن زیاد می شود و نیز بهشت آراسته شود. ماه شعبان را شعبان گفتند؛ چون روزی های اهل ایمان در آن دسته دسته می شود. شعبان ماهی است که هر کار نیکی در آن هفتاد برابر می شود و هر بدی از بین می رود و بخشیده می شود و حسنه پذیرفته می گردد. خداوند در ماه شعبان به بندگان روزه دار و شب زنده دارش می نگرد و نزد حاملان عرش به آنان می بالد.

آن گاه علی بن ابی طالب علیه السلام برخاست و گفت: پدر و مادرم فدایت باد، ای رسول خدا! پاره ای از فضیلت های شعبان را برای ما بگو تا اشتیاق مان برای روزه و عبادت بیشتر شود و برای پروردگارمان عبادت شایسته کنیم. پیامبر فرمود: هر کس اولین روز شعبان را روزه بگیرد، خدا برای او هفتاد حسنه ثبت می کند که با عبادت یک سال برابری دارد. هر کس دو روز آن را روزه باشد، گناهان باقی مانده اش از او فرو می ریزد. هر کس سه روزش را روزه باشد، در بهشت هفتاد مرتبه از جواهر و یاقوت برای او بالا می رود. هر کس چهار روزش را روزه باشد، روزی فراخ پیدا می کند. هر کس پنج روزش را روزه باشد، نزد بندگان محبوب می شود. هر کس شش روزش را روزه بگیرد، هفتاد نوع بلا از او دور می شود. هر کس هفت روزش را روزه بگیرد تا زنده است از شیطان و سپاهیان او در امان خواهد ماند. هر کس هشت روزش را روزه بگیرد، در شعبان نمیرد مگر آن که از حوض های قدسی بنوشد. هر کس نه روزش را روزه بگیرد، نکیر و منکر با مهربانی از او سؤال کنند. هر کس ده روز شعبان را روزه باشد، خدا قبر او را هفتاد ذراع فراخ می کند. هر کس یازده روزش را روزه باشد، در گورش یازده چراغ روشنایی افروخته می شود. هر کس دوازده روزش را روزه



اللهم



سبحان



صَامَ عَشْرَةَ أَيَّامٍ مِنْ شَعْبَانَ وَسَمِعَ اللَّهُ عَلَيْهِ قَبْرَهُ سَبْعِينَ ذِرَاعًا، وَمَنْ صَامَ أَحَدَ عَشَرَ يَوْمًا مِنْ شَعْبَانَ ضَرَبَ عَلَى قَبْرِهِ إِحْدَى عَشْرَةَ مَنَارَةً مِنْ نُورٍ وَمَنْ صَامَ اثْنَيْ عَشَرَ يَوْمًا مِنْ شَعْبَانَ زَارَهُ فِي قَبْرِهِ كُلَّ يَوْمٍ تِسْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ إِلَى النَّفْخِ فِي الصُّورِ، وَمَنْ صَامَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ يَوْمًا مِنْ شَعْبَانَ اسْتَغْفَرَتْ لَهُ مَلَائِكَةُ سَبْعِ سَافَوَاتٍ، وَمَنْ صَامَ أَرْبَعَةَ عَشَرَ يَوْمًا مِنْ شَعْبَانَ أَلْهَمَتْ الدَّوَابَّ وَالسَّبَاعُ حَتَّى الْحَيَّاتُ فِي الْبُحُورِ أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لَهُ، وَمَنْ صَامَ خَمْسَةَ عَشَرَ يَوْمًا مِنْ شَعْبَانَ نَادَاهُ رَبُّ الْعِزَّةِ وَعِزَّتِي وَجَلَالِي لَا أُحْرِقُكَ بِالنَّارِ، وَمَنْ صَامَ سِتَّةَ عَشَرَ يَوْمًا مِنْ شَعْبَانَ أُطْفِئَ عَنْهُ سَبْعُونَ بَخْرًا مِنَ النَّيرانِ، وَمَنْ صَامَ سَبْعَةَ عَشَرَ يَوْمًا مِنْ شَعْبَانَ غُلِقَتْ عَنْهُ أَبْوَابُ النَّيرانِ كُلُّهَا، وَمَنْ صَامَ ثَمَانِيَةَ عَشَرَ يَوْمًا مِنْ شَعْبَانَ فُتِحَتْ لَهُ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ كُلُّهَا، وَمَنْ صَامَ تِسْعَةَ عَشَرَ يَوْمًا مِنْ شَعْبَانَ أُعْطِيَ سَبْعِينَ أَلْفَ قَصْرِ مِنَ الْجَنَّةِ مِنْ دُرٍّ وَياقُوتٍ، وَمَنْ صَامَ عَشْرِينَ يَوْمًا مِنْ شَعْبَانَ زُوجَ سَبْعِينَ أَلْفَ رُوحَةٍ مِنَ الْخُورِ الْعَيْنِ، وَمَنْ صَامَ أَحَدًا وَعَشْرِينَ يَوْمًا مِنْ شَعْبَانَ رَحِبَتْ بِهِ الْمَلَائِكَةُ وَمَسَحَتْهُ بِأَجْنِحَتِهَا، وَمَنْ صَامَ اثْنَيْ وَعَشْرِينَ يَوْمًا مِنْ شَعْبَانَ كُسِيَ سَبْعِينَ أَلْفَ حُلَّةٍ مِنْ سُندُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ، وَمَنْ صَامَ ثَلَاثَةَ وَعَشْرِينَ يَوْمًا مِنْ شَعْبَانَ أُوتِيَ بِدَائِيَةٍ مِنْ نُورٍ عِنْدَ خُرُوجِهِ مِنْ قَبْرِهِ فَيَرْكَبُهَا طَيَّارًا إِلَى الْجَنَّةِ، وَمَنْ صَامَ أَرْبَعَةَ وَعَشْرِينَ يَوْمًا مِنْ شَعْبَانَ شَفَعَ فِي سَبْعِينَ أَلْفًا مِنْ أَهْلِ التَّوْحِيدِ، وَمَنْ صَامَ خَمْسَةَ وَعَشْرِينَ يَوْمًا مِنْ شَعْبَانَ أُعْطِيَ بَرَاءَةً مِنَ النِّفَاقِ، وَمَنْ صَامَ سِتَّةَ وَعَشْرِينَ يَوْمًا مِنْ شَعْبَانَ كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ جَوَازًا عَلَى الصُّرَاطِ، وَمَنْ صَامَ سَبْعَةَ وَعَشْرِينَ يَوْمًا مِنْ شَعْبَانَ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بَرَاءَةً مِنَ النَّارِ، وَمَنْ صَامَ ثَمَانِيَةَ وَعَشْرِينَ يَوْمًا مِنْ شَعْبَانَ تَهَلَّلَ وَجْهُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَمَنْ صَامَ تِسْعَةَ وَعَشْرِينَ يَوْمًا مِنْ شَعْبَانَ نَالَ رِضْوَانَ اللَّهِ الْكَبِيرِ، وَمَنْ صَامَ ثَلَاثِينَ يَوْمًا مِنْ شَعْبَانَ نَادَاهُ جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ قُدَّامِ الْعَرْشِ يَا هَذَا اسْتَأْنِفَ الْعَمَلَ عَمَلًا جَدِيدًا غُفِرَ لَكَ مَا مَضَى وَتَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ فَالْجَلِيلُ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: لَوْ كَانَ ذَنْبُكَ عَدَدَ نُجُومِ السَّمَاءِ وَقَطْرِ الْأَمْطَارِ وَوَرَقِ الْأَشْجَارِ وَعَدَدَ الرَّمْلِ وَالثَّرَى وَأَيَّامِ الدُّنْيَا لَغُفِرَتْهَا وَمَا ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ بَعْدَ صِيَامِكَ شَهْرِ رَمَضَانَ (شَعْبَانَ - خ ل) قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ: هَذَا الشَّهْرُ شَعْبَانُ.

٢. حَدَّثَنَا أَبِي عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْهَيْثَمِ بْنِ أَبِي مَسْرُوقٍ النَّهْدِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلْوَانَ عَنْ عُمَرَو بْنِ ثَابِتٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ ظَرِيفٍ عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ،

باشد، هر روز نود هزار فرشته در گورش به زیارت او می آیند تا این که در صور دمیده می شود. هر کس سیزده روزش را روزه باشد، فرشتگان هفت آسمان برای وی آمرزش می طلبند. هر کس چهارده روزش را روزه باشد، به جانوران الهام شود که برای او طلب آمرزش کنند تا این که نوبت به ماهیان دریا برسد. هر کس پانزده روزش را روزه باشد، خداوند او را ندانمی دهد؛ به عزت و جلالم سوگند که تو را هرگز گرفتار آتش جهنم نخواهم کرد. هر کس شانزده روزش را روزه باشد، هفتاد دریای آتش، برای او خاموش شود. هر کس هفده روزش را روزه باشد، تمام درهای دوزخ به روی او بسته می شود. هر کس هجده روزش را روزه باشد، همه درهای بهشت به روی او گشوده می شود. هر کس نوزده روزش را روزه باشد، هفتاد هزار قصر بهشتی از جواهر و یاقوت به او بخشیده می شود. هر کس بیست روزش را روزه بگیرد، هفتاد هزار حوری بهشتی به عقد او در می آیند. هر کس بیست و یک روز شعبان را روزه بگیرد، فرشتگان به او آفرین می گویند و بال هایشان را به او می مالند. هر کس بیست و دو روزش را روزه باشد، هفتاد حله سندس و استبرق به او می پوشانند. هر کس بیست و سه روزش را روزه باشد، به کمک نور می تواند از قبرش تا بهشت پرواز کند. هر کس بیست و چهار روزش را روزه باشد، شفاعت او درباره هفتاد هزار تن از اصل توحید قبول می شود. هر کس بیست و پنج روزش را روزه باشد، از دورویی و نفاق بیزار می شود. هر کس بیست و شش روزش را روزه باشد، خدا عبور او از پل صراط را هموار می سازد. هر کس بیست و هفت روزش را روزه باشد، خدا نجات او را از آتش جهنم تضمین می کند. هر کس بیست و هشت روزش را روزه باشد، در رستاخیز چهره درخشان پیدا می کند. هر کس بیست و نه روزش را روزه بگیرد، به خشنودی بزرگ خداوند نایل می شود. هر کس تمام شعبان را روزه باشد، جبریل از پیشگاه خدا فریاد می زند: ای فلانی! کار خود را از نو شروع کن، چرا که گناهان تو را خدا آمرزیده است. خداوند می فرماید: اگر گناهان تو، به اندازه ستارهای آسمان و قطره های باران و برگ های درختان و ریگ های بیابان و ذرات خاک و روزهای دنیا باشد، همه را برایت آمرزیدم. البته این کار برای خدا دشوار نیست، پس از این که ماه های رمضان و شعبان را روزه بگیری. این حدیث را ابن عباس گفت.

۲. اصبع بن نباته می گوید: امیر مؤمنان علیه السلام روزی بر منبر کوفه بالا رفت و چنین



السلامی



قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام ذَاتَ يَوْمٍ عَلَى مِثْبَرِ الْكُوفَةِ: «أَنَا سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ وَوَصِيُّ سَيِّدِ النَّبِيِّينَ أَنَا إِمَامُ الْمُسْلِمِينَ وَقَائِدُ الْمُتَّقِينَ وَوَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ وَزَوْجُ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ أَنَا الْمُتَّخِذُ بِالْيَمِينِ وَالْمُعَظَرُ لِلْجَبِينِ أَنَا الَّذِي هَاجَرَتْ إِلَيْهِ الْهَجْرَتَيْنِ وَبَايَعَتْهُ الْبَيْعَتَيْنِ أَنَا صَاحِبُ بَدْرِ وَحُسَيْنِ أَنَا الضَّارِبُ بِالسَّيْفَيْنِ وَالْحَامِلُ عَلَى فَرَسَيْنِ أَنَا وَارِثُ عِلْمِ الْأَوَّلِينَ وَحُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْعَالَمِينَ بَعْدَ الْأَنْبِيَاءِ وَمُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ خَاتَمُ النَّبِيِّينَ أَهْلُ مُوَالَاتِي مَرْحُومُونَ وَأَهْلُ عَدَاوَتِي مَلْعُونُونَ وَلَقَدْ كَانَ حَبِيبِي رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله كَثِيرًا مَا يَقُولُ: «يَا عَلِيُّ حُبُّكَ تَقْوَى وَإِيمَانٌ وَبُغْضُكَ كُفْرٌ وَنِفَاقٌ وَأَنَا بَيِّتُ الْحِكْمَةِ وَأَنْتَ مِفْتَاحُهَا وَكَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يُحِبُّنِي وَيُبْغِضُكَ». وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ.

٣. حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْجَلِيلُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوئِيهِ الْقُمِّيُّ عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ عَاجِلُوئِيهِ عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا عَمِّي مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ عَنْ سَعِيدِ بْنِ الْمُسَيَّبِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ سَمُرَةَ قَالَ: قُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَرَشِدْنِي إِلَى النَّجَاةِ، فَقَالَ: «يَا ابْنَ سَمُرَةَ إِذَا اخْتَلَفَ الْأَهْوَاءُ وَتَفَرَّقَتِ الْأَرْأَاءُ فَعَلَيْكَ بِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَإِنَّهُ إِمَامُ أُمَّتِي وَخَلِيفَتِي عَلَيْهِمْ مِنَ بَعْدِي وَهُوَ الْفَارُوقُ الَّذِي يُمَيِّزُ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ مَنْ سَأَلَهُ أَجَابَهُ وَمَنْ اسْتَرْشَدَهُ أَرَشَدَهُ وَمَنْ طَلَبَ الْحَقَّ مِنْ عِنْدِهِ وَجَدَهُ وَمَنِ اتَّمَسَّ الْهُدَى لَدَيْهِ صَادَفَهُ وَمَنْ لَجَأَ إِلَيْهِ أَمِنَهُ وَمَنِ اسْتَمْسَكَ بِهِ نَجَاهُ وَمَنِ اقْتَدَى بِهِ هَدَاهُ، يَا ابْنَ سَمُرَةَ سَلِمَ مَنْ سَلَّمَ لَهُ وَوَالَاهُ وَهَلَكَ مَنْ رَدَّ عَلَيْهِ وَعَادَاهُ، يَا ابْنَ سَمُرَةَ إِنَّ عَلِيًّا مِثِّي رُوحُهُ مِنْ رُوحِي وَطِينَتُهُ مِنْ طِينَتِي وَهُوَ أَخِي وَأَنَا أَخُوهُ وَهُوَ زَوْجُ ابْنَتِي فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَابْنَاهُ إِمَامُ أُمَّتِي وَسَيِّدُ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَتِسْعَةٌ مِنْ وَلَدِ الْحُسَيْنِ عليه السلام تَأْسِعُهُمْ قَائِمُ أُمَّتِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَغَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا وَظُلْمًا» وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ.

فرمود: من سرور اوصیا هستم و وصی سرور پیامبران. من پیشوای مسلمانان و پارسایان و ولی اهل ایمان هستم و همسر بهترین زنان عالم هستم.

زهرامن هستم که انگشتر به دست راست کرده و پیشانی به خاک ساییده‌ام. من دو هجرت دارم. و در دو بیعت بودم. منم صاحب غزوات بدر و حنین. با ذوالفقار نبرد کرده‌ام و رزمنده بر دو اسب نشسته‌ام. من وارث دانش اولین و حجت خدا بر مردمان، پس از پیامبران و حضرت محمد ﷺ خاتم پیامبران هستم. دوستدار من مورد رحمت خداوند و دشمنان من مورد خشم خداوند هستند. بارها که پیامبر دوستم بود، می‌فرمود: ای علی دوستی با تو تقوا و ایمان است، و دشمنی با تو کفر و نفاق ورزی. من خانه حکمت هستم و تو کلیدش هستی. هر کس پندارش این باشد که مرا دوست می‌دارد، حال آن که دشمن توست، دروغ می‌گوید و سلام خداوند بر محمد و آل او.

۳. عبدالرحمان بن سمره می‌گوید: گفتم ای پیامبر خدا ﷺ! مرا به راه نجات هدایت کن. فرمود: ای پسر سمره! هرگاه خواهش‌های نفسانی گوناگون و آرا پراکنده شد، همراه علی بن ابی طالب باش که او پیشوا و جانشین پیامبر در میان شما بعد از من است. پس از من علی میان حق و باطل را جدا می‌کند. هر کس از علی سؤال کند، به او پاسخ می‌گوید و هر کس به او پناه ببرد، آسایش بخشد و هر کس به او تمسک پیدا کند، نجاتش می‌دهد و هر کس به او اقتدا کند، او را به حق هدایتش می‌کند. ای پسر سمره! هر کس تسلیم علی شد، دوستش باشد، سالم می‌ماند و هر کس او را رد کرده و دشمنش باشد، نابود می‌شود. ای پسر سمره! بی‌گمان علی از من است و روح او از روح من است و سرشت او از سرشت من است. علی برادر من است و من برادر او هستم. او شوهر دخترم فاطمه است که بهترین زنان جهان است از آغاز تا پایان دنیا. پسران علی امامان امت من هستند و نیز سرور جوانان بهشت که حسن و حسین هستند. از نسل او، نه امام هستند که نهمین آنان قائم آنان است در میان امتم. مهدی (عج) زمین را از دادگری پر می‌کند، در حالیکه پیش از او از بیداد پر شده بود.



المجلس الثامن

يوم الثلاثاء الرابع عشر من شعبان سنة سبع وستين و ثلاثمائة

السلام

١. حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْجَلِيلُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوَيْهِ
الْفَقِيه (رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ)، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِسْحَاقَ عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ
الْهَمْدَانِيُّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ فَصَّالٍ عَنْ أَبِيهِ، قَالَ: سَأَلْتُ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرِّضَا عليه السلام عَنْ
لَيْلَةِ النَّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ، قَالَ: «هِيَ لَيْلَةٌ يُعْتِقُ اللَّهُ فِيهَا الرِّقَابَ مِنَ النَّارِ وَيَغْفِرُ فِيهَا
الذُّنُوبَ الْكُبْرَى»، قُلْتُ فَهَلْ فِيهَا صَلَاةٌ زِيَادَةٌ عَلَى سَائِرِ اللَّيَالِي، فَقَالَ: «لَيْسَ فِيهَا شَيْءٌ
مَوْظَفٌ وَلَكِنْ إِنْ أَحْبَبْتَ أَنْ تَطُوعَ فِيهَا لَيْسَ بِفَعْلِكَ بِصَلَاةِ جَعْفَرِ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام، وَ
أَكْثَرُ فِيهَا مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَمِنْ الِاسْتِغْفَارِ وَالدُّعَاءِ فَإِنَّ أَبِي عليه السلام كَانَ يَقُولُ: الدُّعَاءُ
فِيهَا مُسْتَجَابٌ»، قُلْتُ لَهُ إِنْ النَّاسُ يَقُولُونَ إِنَّهَا لَيْلَةُ الصُّكَاكِ، فَقَالَ عليه السلام: «تِلْكَ لَيْلَةُ
الْقَدْرِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ».

٢. حَدَّثَنَا أَبِي عليه السلام قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ الْحَمِيرِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا يَعْقُوبُ بْنُ يَزِيدَ
عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ خَالِدٍ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ
مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ: «جُمِعَ الْخَيْرُ كُلُّهُ فِي ثَلَاثِ خِصَالٍ:
النَّظَرُ وَالسُّكُوتُ وَالْكَلَامُ فَكُلُّ نَظَرٍ لَيْسَ فِيهِ اعْتِبَارٌ فَهُوَ سَهْوٌ وَكُلُّ سُكُوتٍ لَيْسَ فِيهِ
فِكْرَةٌ فَهُوَ غَفْلَةٌ وَكُلُّ كَلَامٍ لَيْسَ فِيهِ ذِكْرٌ فَهُوَ لَعَطٌ فَطُوبَى لِمَنْ كَانَ نَظَرُهُ عَبْرًا وَسُكُوتُهُ
فِكْرًا وَكَلَامُهُ ذِكْرًا وَبَكَى عَلَى خَطِيئَتِهِ وَأَمِنَ النَّاسَ شَرَّهُ».

٣. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ سَعِيدٍ بْنُ أَبِي شَحْمَةَ قَالَ:
حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سَعِيدٍ بْنُ هَاشِمٍ الْقُنَانِيُّ الْبَغْدَادِيُّ سَنَةَ خَمْسٍ وَ ثَمَانِينَ وَ
مِائَتَيْنِ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ صَالِحٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا حَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْوَاسِطِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا



مجلس هشتم

سه شنبه چهاردهم ماه شعبان ۳۶۷

السلامی

۱. علی بن فضال از پدر خود نقل می‌کند که گفته است: از امام رضا علیه السلام درباره شب نیمه شعبان پرسیدم. امام فرمود: آن شب شبی است که خدا گردن‌ها را از آتش دوزخ آزاد می‌سازد و گناهان بزرگ را در آن شب می‌آمرزد.

گفتم آیا نیمه شعبان بیش از شب‌های دیگر شعبان نماز مستحبی دارد؟ فرمود: تکلیفی در آن نیست، اما اگر مایل باشی که نافله و نماز جعفر طیار را بخوان و در آن شب بسیار به یاد خداوند باش و نیز استغفار و دعا کن. چون پدرم می‌فرمود: دعا در شب نیمه شعبان اجابت می‌شود. گفتم مردم می‌گویند: که شب نیمه شعبان شب برات است. فرمود: آن شب برات، شب قدر در ماه مبارک رمضان است.

۲. امیر مومنان علیه السلام فرمود: همه خوبی‌ها در سه چیز است: نگاه و سکوت و سخن. هر نگاهی که عبرت برانگیز نباشد، سهو است و هر سکوتی که در آن اندیشیدن نباشد، جهالت است و هر کلامی که در آن یاد خدا نیست، لغو و بیهوده است. خوشابه حال کسی که نگاهش، عبرت‌آموز و سکوتش، اندیشه و سخنش ذکر خدا است. بر خطای خود اشک می‌ریزد و مردم از دست و زبان او در امان هستند.

۳. عبدالله بن عمر می‌گوید: رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: حضرت یحیی علیه السلام به بیت المقدس آمد و احبار و راهبان را با لباس‌های مویی و کلاه‌های پشمین نگرست، در حالی که گلوگاه خودشان را سوراخ کرده و با زنجیری به ستون‌های مسجد بسته‌اند. وقتی آن را

عَبْدُ اللَّهِ بْنُ لَهِيْعَةَ عَنْ أَبِي قُبَيْلٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «كَانَ مِنْ زُهْدِ يَحْيَى بْنِ زَكْرِيَّا عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ أَتَى بَيْتَ الْمُقَدِّسِ فَنَظَرَ إِلَى الْمُجْتَهِدِينَ مِنَ الْأَخْبَارِ وَ الرُّهْبَانِ عَلَيْهِمْ مَذَارِعُ الشَّعْرِ وَ بَرَانِسُ الصُّوفِ وَ إِذَا هُمْ قَدْ خَرَقُوا تَرْقِيَهُمْ وَ سَلَكُوا فِيهَا السَّلَاسِلَ وَ شَدُّوْهَا إِلَى سَوَارِي الْمَسْجِدِ، فَلَمَّا نَظَرَ إِلَى ذَلِكَ أَتَى أُمَّهُ فَقَالَ: يَا أُمَّةُ انْسِجِي لِي مِذْرَعَةً مِنْ شَعْرِ وَ بُرْنَسًا مِنْ صُوفٍ حَتَّى آتِيَ بَيْتَ الْمُقَدِّسِ فَأَعْبُدَ اللَّهَ مَعَ الْأَخْبَارِ وَ الرُّهْبَانِ، فَقَالَتْ لَهُ أُمُّهُ حَتَّى يَأْتِيَ نَبِيُّ اللَّهِ وَ أَوْامِرُهُ فِي ذَلِكَ، فَلَمَّا دَخَلَ زَكْرِيَّا عَلَيْهِ السَّلَامُ أَخْبَرَتْهُ بِمَقَالَةِ يَحْيَى.

فَقَالَ لَهُ زَكْرِيَّا: يَا بُنَيَّ مَا يَدْعُوكَ إِلَى هَذَا وَ إِنَّمَا أَنْتَ صَبِيٌّ، صَغِيرٌ، فَقَالَ لَهُ: يَا أَبَتِ أَمَا رَأَيْتَ مَنْ هُوَ أَصْغَرُ سِنًا مِنِّي قَدْ ذَاقَ الْمَوْتَ قَالَ: بَلَى، ثُمَّ قَالَ لِأُمِّهِ: انْسِجِي لِي مِذْرَعَةً مِنْ شَعْرِ وَ بُرْنَسًا مِنْ صُوفٍ فَقَعَلْتُ، فَتَدَرَعُ الْمِذْرَعَةَ عَلَى بَدَنِهِ وَ وَضَعَ الْبُرْنَسَ عَلَى رَأْسِهِ ثُمَّ أَتَى بَيْتَ الْمُقَدِّسِ، فَأَقْبَلَ يَعْبُدُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ مَعَ الْأَخْبَارِ حَتَّى أَكَلَتْ الْمِذْرَعَةَ مِنَ الشَّعْرِ لَحْمَهُ فَنَظَرَ ذَاتَ يَوْمٍ إِلَى مَا قَدْ نَحَلَ مِنْ جَسَدِهِ فَبَكَى، فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِ: يَا يَحْيَى أَتَبْكِي مِمَّا قَدْ نَحَلَ مِنْ جَسَدِكَ وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي لَوْ أَطْلَعْتَ إِلَى النَّارِ أَطْلَاعَةً لَتَدَرَعْتَ مِذْرَعَةَ الْحَدِيدِ فَضْلًا عَنِ الْمَنْسُوجِ، فَبَكَى حَتَّى أَكَلَتْ الدُّمُوعُ لَحْمَ حَدِيدِهِ وَ بَدَأَ لِلنَّاطِلِينَ أَضْرَاسَهُ فَبَلَغَ ذَلِكَ أُمَّهُ فَدَخَلَتْ عَلَيْهِ وَ أَقْبَلَ زَكْرِيَّا وَ اجْتَمَعَ الْأَخْبَارُ وَ الرُّهْبَانُ فَأَخْبَرُوهُ بِذَهَابِ لَحْمِ حَدِيدِهِ.

فَقَالَ: مَا شَعَرْتُ بِذَلِكَ؟ فَقَالَ: زَكْرِيَّا يَا بُنَيَّ مَا يَدْعُوكَ إِلَى هَذَا إِنَّمَا سَأَلْتُ رَبِّي أَنْ يَهَبَكَ لِي لِتَقَرِّبَكَ عَيْنِي قَالَ: أَنْتَ أَمَرْتَنِي بِذَلِكَ يَا أَبَتِي؟ قَالَ: وَ مَتَى ذَلِكَ يَا بُنَيَّ، قَالَ: أَلَسْتُ الْقَائِلَ إِنَّ بَيْنَ الْجَنَّةِ وَ النَّارِ لَعَقَبَةً لَا يَجُوزُهَا إِلَّا الْبُكَاءُ وَ مِنَ خَشْيَةِ اللَّهِ، قَالَ: بَلَى فَجِدَّ وَ اجْتَهِدْ وَ شَانِكَ غَيْرُ شَأْنِي، فَقَامَ يَحْيَى فَفَنَفَضَ مِذْرَعَتَهُ فَأَخَذَتْهُ أُمُّهُ فَقَالَتْ أَتَأْذُنُ لِي يَا بُنَيَّ أَنْ أَتَّخِذَ لَكَ قِطْعَتَيْنِ لِبُودِ تَوَارِيَانِ أَضْرَاسِكَ وَ يُشْفِيَانِ دُمُوعَكَ فَقَالَ لَهَا: شَانِكَ فَاتَّخَذَتْ لَهُ قِطْعَتَيْنِ لِبُودِ تَوَارِيَانِ أَضْرَاسِهِ وَ تُشْفِيَانِ دُمُوعَهُ، فَبَكَى حَتَّى ابْتَلَّتَا مِنْ دُمُوعِ عَيْنَيْهِ فَحَسَرَ عَنْ ذِرَاعَيْهِ ثُمَّ أَخَذَهُمَا فَعَصَرَهُمَا فَتَحَدَّرَ الدُّمُوعُ مِنْ بَيْنِ أَصَابِعِهِ، فَنَظَرَ زَكْرِيَّا إِلَى ابْنِهِ وَ إِلَى دُمُوعِ عَيْنَيْهِ فَرَفَعَ رَأْسَهُ إِلَى السَّمَاءِ فَقَالَ: اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا ابْنِي وَ

دید، به خانه نزد مادر آمد و گفت: پیراهن موبین و کلاه پشمین می‌خواهم. برایم آن را تهیه کن تا در بیت المقدس با احبار و راهبان مشغول عبادت خداوند شوم. مادرش گفت: صبر کن تا پدرت، پیامبر خدا بیاید و با او در این باره صحبت کنم. آن گاه که زکریا آمد، خواسته یحیی را به او گفت: زکریا فرمود: پسر جان! تو هنوز نوجوانی. چه انگیزه‌ای داری؟ یحیی گفت: پدر آیا دیده‌ای که کودکان کم سن و سال تر از من مرده‌اند؟ فرمود: آری. بعد به مادرش گفت برای او جامه و کلاه می‌خواهد از پشم ببافد. او نیز چنین کرد.

یحیی جامه را پوشید و کلاه را بر سر نهاد و وارد بیت المقدس شد و با احبار و راهبان به پرستش خدا پرداخت تا آن که پیراهن موبین گوشت بدن او را آسیب رساند و روزی به اندام لاغر خود نگاه کرد. سپس گریه سر داد. خداوند به او وحی کرد: ای یحیی! از لاغری خود اشک ماتم می‌ریزی؟ به عزت و جلال خود سوگند که اگر به دوزخ سر بکشی، به جای پیراهن بافته شده از مو، لباس آهن می‌پوشی. یحیی اشک ریخت تا آن که گوشت صورت خود را از بین برد و دندان‌های او آشکار شد. این خبر را به اطلاع مادرش رساندند، او به دیدنش رفت و بعد زکریا همراه با احبار و رهبان آمدند. به یحیی گفتند که گوشت گونه تو از بین رفته است. یحیی گفت: من که از آن بی‌خبرم. زکریا گفت: پسرم چرا با خود چنین کاری می‌کنی؟ من تو را از خدا خواستم که روشنای دیدگانم باشی. گفت: پدر مرا بدین زهد دستور دادی؟ زکریا گفت: کی؟ یحیی گفت: مگر تو نگفتی که میان بهشت و دوزخ گردنه‌ای است که از آن جز نوحه‌کنندگان عبور نمی‌کنند؟ آنان که از ترس خدا زیاد می‌گیرند؟ زکریا فرمود: چرا! پسرم بکوش وضع تو با وضع من متفاوت است. یحیی برخاست و جامه خود را تکان داد. مادرش او را در آغوش گرفت و گفت: اگر موافق هستی دو پاره نم‌د برای تو آماده کنم که به گونه‌های ببندی تا دندان‌هایت را بپوشاند و نیز آب اشک تو را بگیرند. یحیی گفت: هر طور که مایلی. آن گاه نمدها را به گونه‌های خود بست. او باز هم گریه کرد تا این که نمدها از اشکش خیس شدند. آستین خود را بالا زده و نمدها را گرفته و فشار داد و اشک‌ها روی انگشتان او فرو ریختند. زکریا به یحیی و اشک‌های او نگاه کرد؛ سر به سوی آسمان گرفت و فرمود: خدایا! این پسر من است و این اشک‌های چشم او. و تو ارحم الراحمین هستی.



هَذِهِ دُمُوعُ عَيْنَيْهِ وَأَنْتِ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، وَكَانَ زَكْرِيَّا عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَعِظَ بَنِي إِسْرَائِيلَ يَلْتَفِتُ يَمِينًا وَشِمَالًا فَإِنْ رَأَى يَحْيَى عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمْ يَذْكُرْ خِئْنَةً وَلَا نَارًا، فَجَلَسَ ذَاتَ يَوْمٍ يَعِظُ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَأَقْبَلَ يَحْيَى قَدْ لَفَّ رَأْسُهُ بِعِبَاءَةٍ فَجَلَسَ فِي غَمَارِ النَّاسِ وَالتَفَتَ زَكْرِيَّا يَمِينًا وَشِمَالًا لَمْ يَرَ يَحْيَى، فَأَنْشَأَ يَقُولُ: حَدَّثَنِي حَبِيبِي جَبْرِئِيلُ عَنْ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَنَّ فِي جَهَنَّمَ جَبَلًا يُقَالُ لَهُ: السُّكْرَانُ فِي أَصْلِ ذَلِكَ الْجَبَلِ وَادٍ يُقَالُ لَهُ: الْغَضَبَانُ لِعُصَبِ الرَّحْمَنِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِي ذَلِكَ الْوَادِي جُبٌّ قَامَتْهُ مِائَةٌ عَامٍ فِي ذَلِكَ الْجُبِّ تَوَابِيتُ مِنْ نَارٍ فِي تِلْكَ التَّوَابِيتِ صَنَادِيقُ مِنْ نَارٍ وَتِيَابُ مِنْ نَارٍ وَسَلْسُلُ مِنْ نَارٍ وَأَغْلَالُ مِنْ نَارٍ، فَرَفَعَ يَحْيَى عَلَيْهِ السَّلَامُ رَأْسَهُ فَقَالَ: وَأَغْفَلْتَنَاهُ مِنَ السُّكْرَانِ ثُمَّ أَقْبَلَ هَاتِمًا عَلَى وَجْهِهِ، فَقَامَ زَكْرِيَّا عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ مَجْلِسِهِ فَدَخَلَ عَلَى أُمِّ يَحْيَى فَقَالَ لَهَا: يَا أُمُّ يَحْيَى قَوْمِي فَاطِلِي يَحْيَى فَإِنِّي قَدْ تَخَوَّفْتُ أَنْ لَا نَرَاهُ إِلَّا وَقَدْ ذَاقَ الْمَوْتَ، فَقَامَتْ فَخَرَجَتْ فِي طَلْبِهِ حَتَّى مَرَّتْ بِفُتَيَانٍ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ فَقَالُوا لَهَا يَا أُمُّ يَحْيَى أَيْنَ تُرِيدِينَ، قَالَتْ: أُرِيدُ أَنْ أَطْلُبَ وَلَدِي يَحْيَى ذِكْرَ النَّارِ بَيْنَ يَدَيْهِ فَهَامَ عَلَى وَجْهِهِ فَمَضَتْ أُمُّ يَحْيَى وَالْفَتَيَةُ مَعَهَا حَتَّى مَرَّتْ بِرَاعِي غَنَمٍ فَقَالَتْ لَهُ: يَا رَاعِي هَلْ رَأَيْتَ شَايِبًا مِنْ صَفِيهِهِ كَذَا وَكَذَا.

فَقَالَ لَهَا: لَعَلَّكَ تَطْلُبِينَ يَحْيَى بْنَ زَكْرِيَّا قَالَتْ نَعَمْ ذَاكَ وَلَدِي، ذِكْرُ النَّارِ بَيْنَ يَدَيْهِ فَهَامَ عَلَى وَجْهِهِ، قَالَ: إِنِّي تَرَكْتُهُ السَّاعَةَ عَلَى عَقْبَةِ ثَبِيَّةٍ كَذَا وَكَذَا فاقْبَعَا قَدَمَيْهِ فِي الْمَاءِ رَافِعًا بَصَرَهُ إِلَى السَّمَاءِ يَقُولُ: وَعِزَّتِكَ مُوَلَايَ لَا ذُقْتُ بَارِدَ الشَّرَابِ حَتَّى أَنْظُرَ إِلَى مَنْزِلَتِي مِنْكَ، وَأَقْبَلَتْ أُمُّهُ فَلَمَّا رَأَتْهُ أُمُّ يَحْيَى دَنَتْ مِنْهُ فَأَخَذَتْ بِرَأْسِهِ فَوَضَعَتْهُ بَيْنَ يَدَيْهَا وَهِيَ تُنَاسِدُهُ بِاللَّهِ أَنْ يَنْطَلِقَ مَعَهَا إِلَى الْمَنْزِلِ، فَانْطَلَقَ مَعَهَا حَتَّى أَتَى الْمَنْزِلَ فَقَالَتْ لَهُ أُمُّ يَحْيَى: هَلْ لَكَ أَنْ تَخْلَعَ مِذْرَعَةَ الشَّعْرِ وَتَلْبَسَ مِذْرَعَةَ الصُّوفِ فَإِنَّهُ الْيَنُ فَقَعَلَ وَطَبَخَ لَهُ عَدَسٌ فَأَكَلَ وَاسْتَوْفَى فَنَامَ فَذَهَبَ بِهِ النَّوْمُ فَلَمْ يَقُمْ لِصَلَاتِهِ، فَتَوَدَّى فِي مَنَامِهِ يَا يَحْيَى بْنَ زَكْرِيَّا أَرَدْتَ دَارًا خَيْرًا مِنْ دَارِي وَجَوَارًا خَيْرًا مِنْ جَوَارِي.

فَاسْتَيْقَظَ فَقَامَ فَقَالَ: يَا رَبِّ أَقْلَبِي عَشْرَتِي إِلَهِي فَبِعِزَّتِكَ لَا أَسْتَظِلُّ بِظِلِّ سِوَى بَيْتِ الْمُقَدَّسِ، وَقَالَ لِأُمِّهِ نَاوِلِينِي مِذْرَعَةَ الشَّعْرِ فَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّكُمْ سَتُورِدَانِي الْمَهَالِكَ فَتَقَدَّمَتْ أُمُّهُ فَدَفَعَتْ إِلَيْهِ الْمِذْرَعَةَ وَتَعَلَّقَتْ بِهِ فَقَالَ لَهَا: زَكْرِيَّا يَا أُمُّ يَحْيَى دَعِيهِ فَإِنَّ

پس از آن، هرگاه زکریا می‌خواست قوم بنی اسرائیل را نصیحت کند، به راست و چپ خود، نگاه می‌کرد و اگر یحیی در مجلس بود، از بهشت و دوزخ چیزی نمی‌گفت.

یک روز که زکریا در مجلس موعظه می‌کرد، یحیی خود را در عبایی پنهان کرد و در میان بنی اسرائیل نشست. زکریا که به سمت راست و چپ خویش نگاهی کرد و یحیی را ندید، پس کلام را شروع کرد: دوستم جبرئیل از جانب پروردگار به من گفت که در دوزخ کوهی به نام سکران هست و در بین آن کوه درّه‌ای به اسم غضبان از غضب خدا. در این درّه، چاهی وجود دارد که عمق آن صد سال است و در آن چاه تابوت‌هایی از آتش و در تابوت‌ها صندوق‌ها و جامه‌ها و زنجیرها و غل‌هایی آتشین وجود دارد. ناگهان یحیی سر از عبا بیرون آورد و فریاد کنان گفت: واغفلتا من السکران. بعد مانند دیوانه‌ها از مسجد بیرون زد و به سوی بیابان رفت. زکریا برخاست و نزد مادر یحیی رفت و گفت: به سراغ یحیی برو. می‌ترسم او را زنده نبینم. مادر برخاست و به دنبال او رفت. جوانان بنی اسرائیل که او را دیدند، گفتند: کجا می‌روی؟ مادر یحیی گفت: در پی یحیی می‌روم نام دوزخ را شنیده و سر به صحرا نهاده است، جوانان همراه مادر یحیی به راه افتادند تا به چوپانی رسیدند.

گفتند! ای شبان، جوانی با این نشانه‌ها سراغ داری؟ گفت: شاید در پی یحیی آمده‌اید؟ مادرش گفت: آری. پسر من است. نام دوزخ را شنیده و بی قرار به سوی صحرا گریخته است. شبان گفت: من او را در گردنه‌ای بلند دیدم، در فلان مکان که دو پایش را در آب گذاشته و چشم‌هایش را به آسمان دوخته بود و می‌گفت: خدایا! به عزت تو سوگند از آب گوارا نخواهم نوشید تا این که جایگاهم را نزد تو ببینم. سپس مادر خود را پیش یحیی رسانید و چون او را دید، سرش را به سینه چسبانید. بعد او را به خدا قسم داد تا همراه او به خانه باز گردد. یحیی نیز بازگشت. مادرش به او گفت: می‌خواهی جامه موئین را کنار گذاری و جامه پشمی و نرم بپوشی؟ یحیی پذیرفت و از خوراک عدس که مادر آماده کرده بود، خورد و خوابید. چنان خوابش برد که برای نماز بیدار نشد. در خواب به او ندا رسید: ای یحیی بن زکریا! خانه‌ات بهتر از خانه من و پناهی نیکوتر از پناه من خواستی؟ ناگهان از خواب بلند شد و گفت: خدایا! از لغزشم در گذر. خدایا! به عزت تو سوگند، جز در سایه مسجدت نمی‌مانم. سپس به مادرش گفت: همان جامه موئین مرا



السلامی



وَلَدِي قَدْ كُشِفَ لَهُ عَنْ قِنَاعِ قَلْبِهِ وَلَنْ يَنْتَفِعَ بِالْعَيْشِ فَقَامَ يَحْيَى قَلْبَسَ مِذْرَعَتَهُ وَوَضَعَ
الْبُرْسَ عَلَى رَأْسِهِ ثُمَّ أَتَى بَيْتَ الْمُقَدِّسِ فَجَعَلَ يَعْبُدُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ مَعَ الْأَخْبَارِ حَتَّى كَانَ
مِنْ أَمْرِهِ مَا كَانَ.

٤. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: حَدَّثَنَا عَمِّي مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ
الْكُوفِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ عَنْ ثَابِتِ بْنِ أَبِي صَفِيَّةَ عَنْ سَعِيدِ بْنِ
جُبَيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «مَعَاشِرَ النَّاسِ مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ
قِيلًا وَأَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا، مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنْ رَبِّكُمْ جَلَّ جَلَالُهُ أَمَرَنِي أَنْ أَقِيمَ لَكُمْ عَلِيًّا
عَلَمًا وَإِمَامًا وَخَلِيفَةً وَوَصِيًّا وَأَنْ أَتَّخِذَهُ أَخًا وَوَزِيرًا، مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنْ عَلِيًّا بَابُ الْهُدَى
بَعْدِي وَالِدَّاعِي إِلَى رَبِّي وَهُوَ صَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ» وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ
صَالِحًا وَقَالَ إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ^(١)، مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنْ عَلِيًّا مِنِّي وَلَدُهُ وَلَدِي وَهُوَ زَوْجُ
حَبِيبَتِي أَمْرُهُ أَمْرِي وَنَهْيُهُ نَهْيِي، مَعَاشِرَ النَّاسِ عَلَيْكُمْ بِطَاعَتِهِ وَاجْتِنَابِ مَعْصِيَتِهِ فَإِنْ
طَاعَتْهُ طَاعَتِي وَمَعْصِيَتُهُ مَعْصِيَتِي، مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنْ عَلِيًّا صَدِيقُ هَذِهِ الْأُمَّةِ وَفَارُوقُهَا وَ
مُحَدِّثُهَا إِنَّهُ هَارُونَهَا وَآصَفُهَا وَشَمْعُونُهَا إِنَّهُ بَابُ جَطَّتْهَا وَسَفِينَةُ نَجَاتِهَا وَإِنَّهُ طَالُوتُهَا
وَذُو قَرْنَيْهَا مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّهُ مِخْنَةُ الْوَرَى وَالْحُجَّةُ الْعَظْمَى وَالْآيَةُ الْكُبْرَى وَإِمَامُ أَهْلِ
الدُّنْيَا وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى، مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنْ عَلِيًّا مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَهُ وَعَلَى لِسَانِهِ، مَعَاشِرَ
النَّاسِ إِنْ عَلِيًّا قَسِيمُ النَّارِ لَا يَدْخُلُ النَّارَ وَلِيُّ لَهُ وَلَا يَنْجُو مِنْهَا عَدُوُّ لَهُ إِنَّهُ قَسِيمُ الْجَنَّةِ لَا
يَدْخُلُهَا عَدُوُّ لَهُ وَلَا يُزْخَرْ عَنْهُ وَلِيُّ لَهُ، مَعَاشِرَ أَصْحَابِي قَدْ نَصَحْتُ لَكُمْ وَبَلَّغْتُكُمْ
رِسَالَاتِ رَبِّي وَلَكِنْ لَا تُحِبُّونَ النَّاصِحِينَ أَقُولُ قَوْلِي هَذَا وَأَسْتَغْفِرُ اللَّهَ لِي وَلَكُمْ.

بیاور. دانستم که شما مرا به نابودی می افکنید. مادرش پیراهن را به او داد و او را در آغوش کشید. زکریا گفت: یحیی را به حال خود واگذار. از او حجاب دل، کنار رفته و از دنیا و زندگی بهره‌ای نمی برد. یحیی لباس خود را پوشید و کلاه بر سر گذاشت و به سوی مسجد بیت المقدس رفت و خدا را پرستید تا آن که کارش به جایی رسید که می بایست رسید.

۴. ابن عباس می گوید: رسول خدا ﷺ فرمود: ای مردم! کیست که در سخن، از خدا راست گوتر باشد؟ بی گمان خدا به من فرمان داده است که علی را در میان شما به عنوان پیشوا و نشانه دین معرفی کنم و نیز وصی و جانشین خودم بشناسانم. او را برادر و وزیر خود می دانم. ای مردم! علی دروازه هدایت الهی است. پس از من، علی دعوتگر به سوی خداست. و اوست شایسته ترین مؤمنان. سخن چه کسی بهتر است از سخن کسی که سوی خداوند فرا خوانده، و کار نیک کرده است و می گوید: من از مسلمانانم؟ ای مردم! به راستی علی از من است. فرزند او، فرزند من است و نیز همسر او، حبیبه من است. فرمان علی، فرمان من است و نهی او همان نهی من. ای مردم! بر شما واجب است که از او فرمان ببرید و از نافرمانی او دوری کنید. همانا اطاعت از علی علیه السلام، اطاعت از من است و نافرمانی او، نافرمانی من. ای مردم! بی گمان علی راستگوترین این امت است و همچنین جدا کننده و راوی آن. هارون و آصف و شمعون علی است و همچنین در نجات و سفینه نجات و طالوت و ذوالقرنین. ای مردم! علی سبب آزمون بشر و حجت بزرگ و نشانه کبری و پیشوای اهل دنیا و ریسمان محکم است. ای مردم! علی با حق است و حق با علی است و حق جاری شده بر زبان او. ای مردم! علی تقسیم کننده دوزخ است. دوستدار علی وارد دوزخ نمی شود. و دشمن او از دوزخ نجات نمی یابد. علی تقسیم کننده بهشت است. دشمن علی به بهشت وارد نمی شود و دوست علی از بهشت محروم نمی شود. ای مردم! ای یارانم! شما را نصیحت کردم و رسالت الهی ام را به شما ابلاغ نمودم. اما افسوس که شما خیر خواهان را دوست نمی دارید. می گویم: این سخن من است و برای خود و شما از خدا آمرزش می طلبم.



السلامی



المجلس التاسع

وهو يوم الجمعة السابع عشر من شعبان

من سنة سبع وستين و ثلاثمائة

١. حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوئِهِ الْقُمِّيُّ رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَعِيدٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ الْعَزِيزِ بْنُ يَحْيَى، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ سَهْلٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ الْبَلَوِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنِي إِبْرَاهِيمُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام قَالَ: «سَادَةُ النَّاسِ فِي الدُّنْيَا الْأَشْيَاءُ وَفِي الْآخِرَةِ الْأَتْقِيَاءُ».

٢. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ الْحَمِيرِيُّ حَدَّثَنَا هَارُونَ بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعُودَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: «لِلْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ سَبْعَةُ حُقُوقٍ وَاجِبَةٌ مِنْ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِ، الْأَجْلَالُ لَهُ فِي عَيْنِهِ وَالْوُدُّ لَهُ فِي صَدْرِهِ، وَالْمُوَاسَاةُ لَهُ فِي مَالِهِ، وَأَنْ يُحَرِّمَ لَهُ غَيْبَتَهُ، وَأَنْ يَعُودَهُ فِي مَرَضِهِ، وَأَنْ يُشَيِّعَ جَنَازَتَهُ، وَأَنْ لَا يَقُولَ فِيهِ بَعْدَ مَوْتِهِ إِلَّا خَيْرًا».

٣. حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي، قَالَ: حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ هَاشِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو الْجَارُودِ زِيَادُ بْنُ الْمُثَنِّ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: «وَلَا يَتَّبِعُ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ وَلَا يَتَّبِعُ اللَّهَ وَحُبُّهُ عِبَادَةُ اللَّهِ وَاتِّبَاعُهُ فَرِيضَةُ اللَّهِ وَأَوْلِيَاؤُهُ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ وَأَعْدَاؤُهُ أَعْدَاءُ اللَّهِ وَحَرْبُهُ حَرْبُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ سَلَامُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ».

٤. حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ الدَّقَاقُ رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ هَارُونَ الصُّوفِيُّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَى الرُّوْيَانِيِّ عَنْ عَبْدِ الْعَظِيمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِيِّ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ جَعْفَرٍ

مجلس نهم

جمعه هفدهم شعبان سال ۳۶۷

السلامی

۱. علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود: سرور مردمان در دنیا، اهل سخاوت و در آخرت اهل تقوا هستند.

۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ایمان آوردندگان بر یکدیگر هفت حق دارند که خداوند آن را قرار داده است: در چشم خود بزرگ داشتن، دوست داشتن در باطن، یاری کردن در مال و ثروت، دوری از بدگویی، عیادت در بیماری، شرکت در تشییع جنازه و نیک گفتن پس از مرگ یکدیگر.

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

۳. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: ولایت حضرت امیر علیه السلام همان ولایت خداوند است. و دوست داشتن او همان دوست داشتن خدا. و پیروی کردن از علی علیه السلام وظیفه الهی است. دوستان علی دوستان خدا هستند و دشمنان علی دشمنان خدا. جنگ با علی، همان نبرد با پروردگار است و صلح و سازش با علی صلح و سازش با خدا.

۴. سلیمان بن جعفر از امام کاظم علیه السلام و آن حضرت از سید الشهداء علیه السلام روایت می‌کند:

الْجَعْفَرِيُّ، قَالَ: سَمِعْتُ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ: حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَيِّدِ الْعَابِدِينَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ حُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام، قَالَ: مَرَّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام، بِرَجُلٍ يَتَكَلَّمُ بِفُضُولِ الْكَلَامِ فَوَقَفَ عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ: «إِنَّكَ تُمْلِي عَلَى حَافِظِيكَ كِتَابًا إِلَى رَبِّكَ فَتَكَلِّمُ بِمَا يَغْنِيكَ وَدَعَّ مَا لَا يَغْنِيكَ».

٥. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ نُوْحِ بْنِ شُعَيْبٍ النَّيْسَابُورِيِّ عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الدُّهْقَانِ عَنْ عُرْوَةَ بْنِ أَخِي شُعَيْبٍ الْعَقَرُوفِيِّ عَنْ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، قَالَ: سَمِعْتُ الصَّادِقَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عليهما السلام، يُحَدِّثُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَوْمَ مَا لِأَصْحَابِهِ: «أَيُّكُمْ يَصُومُ الدَّهْرَ؟» فَقَالَ سَلْمَانُ رضي الله عنه: «أَنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ: «فَأَيُّكُمْ يُخَيِّي اللَّيْلَ؟» قَالَ سَلْمَانُ: «أَنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: «فَأَيُّكُمْ يَخْتِمُ الْقُرْآنَ فِي كُلِّ يَوْمٍ؟» فَقَالَ سَلْمَانُ: «أَنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَغَضِبَ بَعْضُ أَصْحَابِهِ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ سَلْمَانَ رَجُلٌ مِنَ الْفُرْسِ يُرِيدُ أَنْ يَفْتَحِرَ عَلَيْنَا مَعَاشِرَ قُرَيْشٍ قُلْتُ أَيُّكُمْ يَصُومُ الدَّهْرَ فَقَالَ أَنَا وَهُوَ أَكْثَرُ أَيَّامِهِ يَأْكُلُ وَقُلْتُ أَيُّكُمْ يُخَيِّي اللَّيْلَ فَقَالَ أَنَا وَهُوَ أَكْثَرُ لَيْلَتِهِ نَائِمٌ وَقُلْتُ أَيُّكُمْ يَخْتِمُ الْقُرْآنَ فِي كُلِّ يَوْمٍ فَقَالَ أَنَا وَهُوَ أَكْثَرُ نَهَارِهِ صَامِتٌ».

فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: «مَهْ يَا فَلَانُ أَمَّا لَكَ بِمِثْلِ لَقْمَانَ الْحَكِيمِ سَلَهُ فَإِنَّهُ يُنَبِّئُكَ» فَقَالَ الرَّجُلُ لِسَلْمَانَ: يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أَلَيْسَ زَعَمْتَ أَنَّكَ تَصُومُ الدَّهْرَ؟ فَقَالَ: نَعَمْ فَقَالَ: رَأَيْتَكَ فِي أَكْثَرِ نَهَارِكَ تَأْكُلُ فَقَالَ: لَيْسَ حَيْثُ تَذْهَبُ إِنِّي أَصُومُ الثَّلَاثَةَ فِي الشَّهْرِ وَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَثْمَالِهَا» ^(١) وَأَصِلُ شُعْبَانَ بِشَهْرِ رَمَضَانَ فَذَلِكَ صَوْمُ الدَّهْرِ، فَقَالَ أَلَيْسَ زَعَمْتَ أَنَّكَ تُخَيِّي اللَّيْلَ فَقَالَ: نَعَمْ.

فَقَالَ: أَنْتَ أَكْثَرُ لَيْلَتِكَ نَائِمٌ، فَقَالَ: لَيْسَ حَيْثُ تَذْهَبُ وَلَكِنِّي سَمِعْتُ حَبِيبِي رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: مَنْ بَاتَ عَلَى طَهْرٍ فَكَأَنَّمَا أَحْيَا اللَّيْلَ كُلَّهُ فَأَنَا أَبِيتُ عَلَى طَهْرٍ فَقَالَ: أَلَيْسَ زَعَمْتَ أَنَّكَ تَخْتِمُ الْقُرْآنَ فِي كُلِّ يَوْمٍ؟ قَالَ: نَعَمْ، قَالَ: فَأَنْتَ أَكْثَرُ أَيَّامِكَ صَامِتٌ، فَقَالَ: لَيْسَ حَيْثُ تَذْهَبُ وَلَكِنِّي سَمِعْتُ حَبِيبِي رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ لِعَلِيِّ عليه السلام: «يَا أَبَا الْحَسَنِ

روزی علی علیه السلام در راهی به مردی برخورد کرد که بیهوده سخن می گفت. پس ایستاد و فرمود: در حقیقت تو داری نامه‌ای به کمک فرشتگان کاتب خود دیکته می کنی که به جانب خدا می رود. پس در راه سودمند بکوش و از بیهوده گویی زبان نگه دار.

۵. ابی بصیر از امام صادق علیه السلام و آن حضرت از پدران خود نقل می کند: روزی حضرت رسول صلی الله علیه و آله به یاران خود فرمود: کدام یک از شما تمام عمر خود در روزه گرفتن است؟ سلمان گفت: من، ای پیامبر خدا! فرمود: کدام یک از شما تمام عمر شب زنده دار است؟ سلمان گفت: من، ای پیامبر خدا! فرمود: کدام یک از شما روزانه یک ختم قرآن دارد؟ سلمان گفت: من، ای رسول خدا. آن گاه یکی از اصحاب بر آشفته شد و گفت: این مرد پارسی می خواهد به ما قوم قریش فخر بفروشد. فرمودید: کدام یک از شما تمام عمر روزه دار است؟ سلمان گفت: من با این که بیشتر روزها غذا می خورد. فرمودید: کدام یک از شما در عمر شب زنده دار است؟ سلمان گفت: من در حالی که بیشتر شبها در خواب است. فرمودید: چه کسی هر روز یک ختم قرآن دارد؟ گفت: من در حالی که بیشتر روزها ساکت است. پیامبر فرمود: ای فلان! خاموش باش *سلمان مثل لقمان حکیم است*. از او جویا شو تا تو را آگاه کند. آن مرد عرب گفت: ای سلمان! تو نگفتی همه روز روزه داری؟ گفت چرا. عرب گفت: من خودم دیدم که بیشتر روزها غذا می خوری. سلمان گفت: چنین نیست که تو می پنداری. اما من در هر ماه سه روز روزه می گیرم. خدا می فرماید که هر کس یک کار نیک آورد، ده برابر پاداش دارد. وقتی روزه شعبان را به رمضان برسانم من یک عمر روزه گرفته‌ام. عرب گفت: تو نگفتی که شبها بیدار می مانی؟ گفت: چرا. عرب گفت: تو که بیشتر شبها در خوابی. سلمان گفت: چنین نیست که تو می پنداری. من از دوستم پیامبر شنیدم که فرمود: هر که به هنگام خواب وضو داشته باشد، گویی شب زنده دار است و من شبها با وضو می خوابم. عرب گفت: تو نگفتی که هر روز یک قرآن ختم می کنی؟ گفت چرا. عرب گفت: چطور؟ تو که بیشتر روزها ساکت هستی. سلمان گفت: چنین نیست که تو فکر می کنی. من از دوستم پیامبر شنیدم که به علی علیه السلام می فرمود: ای ابوالحسن! تو به قل هو الله احد می مانی. هر که یک نوبت سوره توحید را بخواند، ثلث



السلام



سودن



مَثَلِك فِي أُمَّتِي مَثَلُ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» ^(١) فَمَنْ قَرَأَهَا مَرَّةً قَرَأَ ثَلَاثَ الْقُرْآنِ وَمَنْ قَرَأَهَا مَرَّتَيْنِ فَقَدْ قَرَأَ ثَلَاثِي الْقُرْآنِ وَمَنْ قَرَأَهَا ثَلَاثًا فَقَدْ خَتَمَ الْقُرْآنَ، فَمَنْ أَحَبَّكَ بِلِسَانِهِ فَقَدْ كَمَلَ لَهُ ثَلَاثُ الْإِيمَانِ وَمَنْ أَحَبَّكَ بِلِسَانِهِ وَقَلْبِهِ فَقَدْ كَمَلَ ثَلَاثُ الْإِيمَانِ وَمَنْ أَحَبَّكَ بِلِسَانِهِ وَنَصَرَكَ بِيَدِهِ فَقَدْ اسْتَكَمَلَ الْإِيمَانُ، وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ يَا عَلِيُّ لَوْ أَحَبَّكَ أَهْلُ الْأَرْضِ كَمَحَبَّةِ أَهْلِ السَّمَاءِ لَكَ لَمَّا عَذَّبَ أَحَدٌ بِالنَّارِ وَأَنَا أَقْرَأُ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» ^(٢) فِي كُلِّ يَوْمٍ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَقَامَ وَكَانَهُ قَدْ أَقِمَ حَجْرًا.

٦. حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ الْكُوفِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَنْ جَدِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: كَانَتْ الْفُقَهَاءُ وَالْحُكَمَاءُ إِذَا كَاتَبُوا بَعْضُهُمْ بَعْضًا كَتَبُوا بِثَلَاثٍ لَيْسَ مَعَهُنَّ رَابِعَةٌ، مَنْ كَانَتْ الْآخِرَةُ هَمَّهُ كَفَاهُ اللَّهُ هَمَّهُ مِنَ الدُّنْيَا، وَمَنْ أَصْلَحَ سِرِيرَتُهُ أَصْلَحَ اللَّهُ عِلَاقَتَهُ، وَمَنْ أَصْلَحَ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَصْلَحَ اللَّهُ لَهُ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّاسِ.

٧. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ عليه السلام، قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ مَنْصُورٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليهما السلام، قَالَ: «لَيْسَ يَنْبَغُ الرَّجُلُ بَعْدَ مَوْتِهِ مِنَ الْأَجْرِ إِلَّا ثَلَاثُ خِصَالٍ: صَدَقَةٌ أَجْرَاهَا فِي حَيَاتِهِ فَهِيَ تَجْرِي بَعْدَ مَوْتِهِ، وَسُنَّةٌ سَنَهَا هَدَى فَهِيَ تُعْمَلُ بِهَا بَعْدَ مَوْتِهِ، وَلَدٌ صَالِحٌ يَسْتَغْفِرُ لَهُ».

٨. حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ ثَابِتَةَ عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ سَلَمَةَ الْأَهْوَازِيِّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ، قَالَ: أَخْبَرَنَا أَبُو الْحُسَيْنِ عَلِيُّ بْنُ مُعَلَّى الْأَسَدِيُّ، قَالَ: أَنْبَأْتُ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليهما السلام أَنَّهُ قَالَ: «إِنْ لِلَّهِ بِقَاعًا تُسَمَّى الْمُنتَقِمَةُ فَإِذَا أُعْطِيَ اللَّهُ عَبْدًا مَالًا لَمْ يُخْرِجْ حَقَّ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْهُ سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِقَعَةٌ مِنْ تِلْكَ الْبِقَاعِ فَاتَّلَفَ ذَلِكَ الْمَالُ فِيهَا ثُمَّ مَاتَ وَتَرَ كُفَاهَا».

٩. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْجَمِيرِيِّ وَسَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عِمْرَانَ بْنِ مُوسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الثُّعْمَانِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ فَضِيلٍ

قرآن را تلاوت کرده و هر که دو بار بخواند، دو ثلث قرآن را، و هر که سه بار بخواند تمام قرآن را. ای علی! هر کس در سخن اظهار دوستی با تو کند، یک سوم ایمان را دارد و هر کس اظهار دوستی در زبان و دل داشته باشد، دو سوم ایمان را، و هر کس به زبان و دل و دست تو را دوست داشته و به تو کمک رساند، تمام ایمان را دارد. سوگوئید، به کسی که مرا به حق فرستاده، اگر تمام اهل زمین تو را دوست بدارند، چنان که اهل آسمان تو را دوست دارند، خداوند هیچ کس را گرفتار عذاب دوزخ نمی‌کرد. آن گاه سلمان گفت: من هر روز سه نوبت سوره توحید را می‌خوانم. مرد عرب بلند شد و چنان آشفته بود که گویی پاره سنگی در دهان او بود و دیگر چیزی نگفت.

۶. امیر مومنان علیه السلام فرمود: حکیمان به هنگام نوشتن نامه برای یکدیگر سه سفارش می‌نوشتند و سفارش چهارمی نداشتند: نخست می‌نوشتند هر کس که آخرت هدف او باشد، خدا دنیای او را تأمین می‌کند. دیگر این که، هر کس باطن خود را اصلاح کند، خداوند نیز ظاهر او را اصلاح می‌کند. و سوم این که هر کس رابطه خود و خدا را شایسته کند، خداوند رابطه او و مردم را شایسته می‌سازد.

۷. امام صادق علیه السلام فرمود: پس از مرگ، پاداش به سراغ انسان نمی‌رود، مگر به خاطر سه کار او. نخست صدقه‌ای که زمان زنده بودنش جریان داشته است. دوم، سنت درستی که به یادگار گذاشته است و سوم، فرزند شایسته‌ای که برای او طلب آمرزش می‌کند.

۸. امام صادق علیه السلام فرمود: برای خداوند بقعه‌هایی به نام «بقاع منتقمه» وجود دارد. هر گاه کسی از ثروتی که خدا به او داده، حق او را نپردازد، یکی از آن بقاع بر او مسلط می‌شود تا آن ثروت را به هدر دهد و بی آن که خود نصیب ببرد، می‌میرد و آن را ترک می‌کند.

۹. امیر مومنان علیه السلام فرمود: من، پس از بهترین آنان یعنی حضرت رحمت علیه السلام، حجت

عَنْ غَزْوَانَ الضُّبِّيِّ، قَالَ: أَخْبَرَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ إِسْحَاقَ عَنِ الثُّعْمَانِ بْنِ سَعْدٍ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَالَ: «أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ وَأَنَا خَلِيفَةُ اللَّهِ وَأَنَا صِرَاطُ اللَّهِ وَأَنَا بَابُ اللَّهِ وَأَنَا خَازِنُ عِلْمِ اللَّهِ وَأَنَا الْمُؤْتَمَنُ عَلَى سِرِّ اللَّهِ وَأَنَا إِمَامُ الْبَرِّيَّةِ بَعْدَ خَيْرِ الْخَلِيقَةِ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ عليه السلام».

١٠. حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ جَدِّهِ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: حَدَّثَنِي سُلَيْمَانُ بْنُ مُقْبِلٍ الْمَدِينِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنِي مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، قَالَ: «دَخَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَهُوَ فِي قُبَا وَعِنْدَهُ نَفَرٌ مِنْ أَصْحَابِهِ فَلَمَّا بَصُرَ بِي تَهَلَّلَ وَجْهُهُ وَتَبَسَّمَ حَتَّى نَظَرْتُ إِلَى بَيَاضِ أَسْنَانِهِ تَبَرُّقَ، ثُمَّ قَالَ إِلَيَّ: يَا عَلِيُّ إِلَيَّ يَا عَلِيُّ فَمَا زَالَ يُدْنِيَنِي حَتَّى أَلْصَقَ فَحْدِي بِفَخْذِهِ ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَيَّ أَصْحَابِهِ فَقَالَ: مَعَاشِرَ أَصْحَابِي أَقْبَلْتُ إِلَيْكُمْ الرَّحْمَةَ بِأَقْبَالِ عَلِيٍّ أَخِي إِلَيْكُمْ مَعَاشِرَ أَصْحَابِي إِنَّ عَلِيًّا مِنِّي وَأَنَا مِنْ عَلِيٍّ وَرُوحُهُ مِنْ رُوحِي وَطِينَتُهُ مِنْ طِينَتِي وَهُوَ أَخِي وَوَصِيِّي وَخَلِيفَتِي عَلَى أُمَّتِي فِي حَيَاتِي وَبَعْدَ مَوْتِي مَنْ أَطَاعَهُ أَطَاعَنِي وَمَنْ وَافَقَهُ وَافَقَنِي وَمَنْ خَالَفَهُ خَالَفَنِي».

١١. حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ مَسْرُورٍ رضي الله عنه، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَمِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو أَحْمَدَ مُحَمَّدُ بْنُ زِيَادٍ الْأَزْدِيُّ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبَانُ بْنُ تَغْلِبَ عَنْ عِكْرِمَةَ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَحْيَى حَيَاتِي وَيَمُوتَ مِيتَتِي وَيَدْخُلَ جَنَّةَ عَدْنٍ مَنَزَلِي فَكَانَ يَتَمَسَّكُ قَضِييَا غَرَسَهُ رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ، ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ فليَسْأَلْ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَلْيَأْتِ بِالنَّاصِيَاءِ مِنْ وَلَدِهِ فَإِنَّهُمْ عِشْرَتِي خَلَقُوا مِنْ طِينَتِي إِلَى اللَّهِ أَشْكُوا أَعْدَاءَهُمْ مِنْ أُمَّتِي الْمُتَكِبِرِينَ لِفَضْلِهِمْ الْقَاطِعِينَ فِيهِمْ صِلَتِي وَائْتُمِ اللَّهُ لَتُقْتَلَ ابْنِي بَعْدِي الْحُسَيْنُ لَا أَنَا لَهُمُ اللَّهُ شَفَاعَتِي».

خدا، جانشین خدا، دروازه رحمت خدا، خزانة دار دانش حق، امانت دار اسرار خدا و پیشوای مردمان هستم.

۱۰. علی علیه السلام فرمود: در مسجد قبا نزد پیامبر رسیدم که برخی یاران ایشان نیز آن جا بودند. پیامبر که مرا دید شاد گشته و لبخند زد چنان که دندان های سفیدش ظاهر شد. فرمود: ای علی! جلو بیا. بعد مرا چنان به خود نزدیک کرد که پایم به پای حضرت چسبیده بود. سپس رو به اصحاب فرمود: ای یاران! اینک با آمدن علی، رحمت الهی به جانب شما آمده است و بی گمان علی از من است و من از علی. جان علی از جان من است و گل او از گل من. علی برادر و وصی و جانشین من در امتم است. چه در حیات من و چه پس از حیات من. هر که از علی فرمان ببرد از من فرمان برده و هر کس با او همراه باشد، مرا همراهی کرده است. مخالفت علی مخالفت با من است.

۱۱. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس دوست دارد با زندگی ام، زندگی کند و با مرگم جان دهد، و در بهشت برین به جایگاه من وارد شود و نهالی که خدا باغبان آن است، بگیرد و به او گفته شود: باش تا بماند، او باید دوست دار علی علیه السلام باشد و جانشینان از نسل او را پیروی کند. زیرا آنان خاندان من هستند و از سرشت من آفریده شده اند. سپس از دشمنان تان نزد پروردگار شکایت می کنم که فضیلت آنان را انکار می کنند و پیوندشان را با آنان قطع می کنند. به خدا سوگند که پس از من، حسین، فرزندانم را خواهند کشت؛ خدا آنان را از شفاعتم محروم کند.



المجلس العاشر

يوم الثلاثاء لعشر بقين من شعبان من سنة سبع و ستين و ثلاثمائة

الساكن

١. حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوَيْهٍ الْقُمِّيُّ رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي (رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ)، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنْ عَلِيٍّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ دَاوُدَ بْنِ الثَّعْمَانِ عَنْ سَيْفِ الثَّمَارِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، قَالَ: قَالَ الصَّادِقُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ رحمته الله: «أَنَّ الْعَبْدَ لَقِيَ فَسَحَةً مِنْ أَمْرِه مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ أَرْبَعَةِ سَنَةٍ فَإِذَا بَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى مَلَكِيهِ أَنِّي قَدْ عَمَرْتُ عَبْدِي عُمْرًا فَعَلْظًا وَشَدْدًا وَتَحْفَظًا وَاكْتِبَا عَلَيْهِ قَلِيلَ عَمَلِهِ وَكَثِيرَهُ وَصَغِيرَهُ وَكَبِيرَهُ، وَ سَأَلَ الصَّادِقُ رحمته الله عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «أَوَلَمْ نَعْمُرْكُمْ مَا يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَنْ تَذَكَّرَ» ^(١) فَقَالَ: تَوْبِيخٌ لِابْنِ ثَمَانِي عَشْرَةَ سَنَةً.

٢. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ (رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ)، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمُؤَدَّبِ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ خَالِدِ الْقَلَانِسِيِّ، قَالَ: قَالَ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ رحمته الله: «يُؤْتَى بِشَيْخٍ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَيُدْفَعُ إِلَيْهِ كِتَابُهُ ظَاهِرُهُ مِمَّا يَلِي النَّاسَ لَا يَرَى إِلَّا مَسَاوِي قَيْطُولٍ ذَلِكَ عَلَيْهِ فَيَقُولُ: يَا رَبِّ أَتَأْمُرُنِي إِلَى النَّارِ، فَيَقُولُ الْجَبَّارُ جَلَّ جَلَالُهُ: يَا شَيْخُ أَنَا أَسْتَجِي أَنْ أَعَذِّبَكَ وَقَدْ كُنْتَ تُصَلِّي لِي فِي دَارِ الدُّنْيَا أَذْهَبُوا بِعَبْدِي إِلَى الْجَنَّةِ».

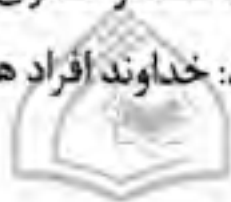
٣. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَرَ الْعَدَنِيِّ بِمَكَّةَ عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ بْنِ حَمْرَةَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ سَوَّارٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَاصِمٍ عَنْ سَلَمَةَ بْنِ وَرْدَانَ عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: «الْمُؤْمِنُ إِذَا مَاتَ وَتَرَكَ وَرَقَةً وَاحِدَةً عَلَيْهَا عِلْمٌ تَكُونُ تِلْكَ الْوَرَقَةُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ سِتْرًا فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّارِ

مجلس دهم

سه شنبه بیستم شعبان سال ۳۶۷

السلامی

۱. امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس که به سن چهل سالگی نزدیک شد، خداوند به فرشتگان خود می‌گوید: بنده‌ام را عمری بخشیدم. اینک سخت مراقب او باشید و کم و زیاد و اعمال کوچک و بزرگ او را ثبت کنید. از امام پرسیدند که مراد از قول خدا که فرمود: ﴿وَأُولَئِكَ نَعْتَمِّرُكُمْ مَا يَتَذَكَّرُ فِيهِ مِنْ تَذَكُّرٍ﴾ آیا شما را عمری ندادیم که هوشیاران در آن هوشیار شوند؟ چیست؟ حضرت فرمود: خداوند افراد هیجده ساله را توبیخ کرده است.



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

۲. امام صادق علیه السلام فرمود: پیرمردی را در روز قیامت خواهند آورد و نامه عملش را به گونه‌ای به دستش می‌دهند که مردم از بیرون نامه، کردار بدش را خواهند دید و او از این وضع ناگوار رنج می‌برد و می‌گوید: خدایا! مرا روانه جهنم کن، خدا می‌فرماید: ای شیخ! مرا شرم می‌آید که تو را دچار عذاب سازم چرا که در دنیا اهل نماز بودی. سپس فرمان می‌دهد که بنده‌ام را روانه بهشت سازید.

۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: زمانی که مومن از دنیا برود و از او یک ورق دانش باقی بمانده، آن ورق در روز قیامت فاصله میان او و دوزخ خواهد شد. خداوند به ازای هر حرف از آن نوشته، شهری در بهشت نصیب او می‌کند که هفت برابر دنیا است. همچنین اگر

وَأَعْطَاهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِكُلِّ حَرْفٍ مَكْتُوبٍ عَلَيْهَا مَدِينَةٌ أَوْسَعُ مِنَ الدُّنْيَا سَبْعَ مَرَّاتٍ، وَمَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَقْعُدُ سَاعَةً عِنْدَ الْعَالَمِ إِلَّا نَادَاهُ رَبُّهُ عَزَّ وَجَلَّ جَلَسْتَ إِلَى حَبِيبِي وَعِزَّتِي وَجَلَالِي لِأَسْكَنْتُكَ الْجَنَّةَ مَعَهُ وَلَا أَبَالِي.

٤. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ السَّنَانِيُّ الْمَكِّيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ هَارُونَ الصُّوفِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُوسَى الْحَبَالِيُّ الطَّبْرِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ الْخَشَابِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مِخْصَنٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ ظَبْيَانَ، قَالَ: قَالَ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ): «إِنَّ النَّاسَ يَعْبُدُونَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى ثَلَاثَةِ أَوْجِهٍ: فَطَبَقَةُ يَعْبُدُونَهُ رَغْبَةً فِي ثَوَابِهِ فِتْلِكَ عِبَادَةِ الْحُرْصَاءِ وَهُوَ الطَّمَعُ وَآخَرُونَ يَعْبُدُونَهُ خَوْفًا مِنَ النَّارِ فِتْلِكَ عِبَادَةِ الْعَبِيدِ وَهِيَ رَهْبَةٌ، وَلِكِنِّي أَعْبُدُهُ حُبًّا لَهُ (عَزَّ وَجَلَّ) فِتْلِكَ عِبَادَةِ الْكِرَامِ وَهُوَ الْأَمْنُ لِقَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَهُمْ مِنْ فِرْعَ يَوْمَئِذٍ آمِنُونَ»^(١) وَلِقَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ»^(٢) فَمَنْ أَحَبَّ اللَّهُ أَحَبَّهُ اللَّهُ وَمَنْ أَحَبَّهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ كَانَ مِنَ الْأَمِينِينَ.

٥. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُثَنَّى كَلَّ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ الْحَمِيرِيُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ أَبِي زِيَادٍ النَّهْدِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ وَهَبٍ عَنْ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «حَسْبُ الْمُؤْمِنِ مِنَ اللَّهِ نَصْرَةٌ أَنْ يَرَى عَدُوَّهُ يَعْمَلُ بِمَعَاصِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ».

٦. حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الْمُؤَدَّبُ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيُّ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ بَشَّارٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ الدَّهْقَانِيِّ عَنْ دُرُسْتِ بْنِ أَبِي مَنْصُورٍ الْوَاسِطِيِّ عَنْ عَبْدِ الْحَمِيدِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ عَنْ ثَابِتِ بْنِ دِينَارٍ عَنْ سَعْدِ بْنِ ظَرِيفٍ الْخَقَّافِ عَنْ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ، قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «أَنَا خَلِيفَةُ رَسُولِ اللَّهِ وَوَزِيرُهُ وَوَارِثُهُ أَنَا أَخُو رَسُولِ اللَّهِ وَوَصِيِّهِ وَأَنَا حَبِيبُهُ أَنَا صَفِيُّ رَسُولِ اللَّهِ وَصَاحِبُهُ أَنَا ابْنُ عَمِّ رَسُولِ اللَّهِ وَزَوْجُ ابْنَتِهِ وَأَبُو وَلَدِهِ وَأَنَا سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ وَوَصِيُّ سَيِّدِ النَّبِيِّينَ أَنَا الْحُجَّةُ الْعُظْمَى وَالْآيَةُ الْكُبْرَى وَالْمَثَلُ الْأَعْلَى وَبَابُ النَّبِيِّ الْمُصْطَفَى، أَنَا الْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَكَلِمَةُ التَّقْوَى وَآمِينَ اللَّهُ تَعَالَى ذِكْرُهُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا».

مؤمنی ساعتی نزد عالمی بماند، پروردگارش می گوید: تو نزد حبیب من نشستی. به عزت و جلال خودم سوگند که تو را همراه او در بهشت قرار خواهم داد و ابایی ندارم.

۴. امام صادق علیه السلام فرمود: مردمان، در پرستش خداوند سه دسته اند: نخست کسانی که به خاطر پاداش عبادت کرده اند که پرستش حریصان بر پایه طمع است. دسته دیگری از هراس دوزخ عبادت کرده اند که عبادت بندگان است. ولی عبادت من از محبت است و این پرستش کریمان است و سبب ایمنی در آخرت است چرا که قول خداوند است که فرمود: ﴿وهم من فزع يومئذ آمنون﴾ آنها از هراس روز قیامت در امان نخواهند بوده. (نعل / ۸۹) و نیز قول دیگرش که فرمود: ﴿ان كنتم تحبون الله فاتبعوني يحببكم الله و يغفر لكم ذنوبكم﴾ (آل عمران / ۳۱) اگر شما خدا را دوست می دارید، از من پیروی کنید تا خدا شما را دوست داشته باشد و گناهان شما را ببامرزد. پس هر کس خدا را دوست داشته باشد، محبوب خداوند است، و هر که محبوب خدا باشد، آسوده خواهد بود.

۵. امام صادق علیه السلام فرمود: در یاری رساندن مؤمن از سوی خداوند، همین بس است که او ببیند دشمنش به نافرمانی خداوند مشغول است.

۶. اصبع بن نباته می گوید: من، علی علیه السلام فرمود: جانشین پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و وزیر و وارث و برادر و وصی رسول خدا صلی الله علیه و آله هستم و نیز حبیب و دوست و پسر عم و همسر دختر و پدر فرزندان او هستم. و همچنین سرور اوصیاء و وصی سرور انبیا، و حجت بزرگ و آیت کبرا و مثل اعلی و باب علم پیامبر مصطفی، و ریسمان محکم و کلمه تقوی و امین خداوند و ذکر او در میان مردمان دنیا هستم.

٧. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ هَارُونَ (رَضَوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ)، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ بْنِ جَامِعٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْبَرْقِيِّ عَنْ هَارُونَ بْنِ الْجَهْمِ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام، قَالَ: «إِذَا جَاهَرَ الْفَاسِقُ بِفُسْقه فَلَا حُرْمَةَ لَهُ وَلَا غِيْبَةَ».

٨. حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسٍ عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْخَزَّازِ عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «أَتَانِي جَبْرِئِيلُ مِنْ قِبَلِ رَبِّي جَلَّ جَلَالُهُ، فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُفَرِّتُكَ السَّلَامَ وَيَقُولُ لَكَ: بَشِّرْ أَخَاكَ عَلِيًّا بِأَنِّي لَا أَعَذِّبُ مَنْ تَوَلَّاهُ وَلَا أَرْحَمُ مَنْ عَادَاهُ».

٩. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ الْإِسْدِيُّ الْبَرْزَدِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا رُقَيْةُ بِنْتُ إِسْحَاقَ بْنِ مُوسَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَنْ أَبِيهَا عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «لَا تَزُولُ قَدَمَا عِنْدَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ حَتَّى يُسَالَّ عَنْ أَرْبَعٍ عَنْ عُمُرِهِ فِيمَا أَقْنَاهُ وَشَبَابِهِ فِيمَا أَتْلَاهُ وَ عَنْ مَالِهِ مِنْ أَيْنَ كَسَبَهُ وَفِيمَا أَنْفَقَهُ وَ عَنْ حُبِّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ».

١٠. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا الْقَطَّانُ، قَالَ: حَدَّثَنَا بَكْرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: حَدَّثَنَا ثَمِيمُ بْنُ بَهْلُولٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ صَالِحٍ عَنْ أَبِي سَلَمَةَ النَّصِيبِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو عَوَانَةَ عَنْ أَبِي بَشِيرٍ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ كُنْتُ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، فَأَقْبَلَ عَلَيَّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام فَقَالَ: «هَذَا سَيِّدُ الْعَرَبِ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَلَسْتُ سَيِّدَ الْعَرَبِ قَالَ: أَنَا سَيِّدُ وَلَدِ آدَمَ وَ عَلِيُّ سَيِّدُ الْعَرَبِ فَقُلْتُ وَمَا السَّيِّدُ؟ قَالَ: مَنْ اقْتَرَضَتْ طَاعَتُهُ كَمَا اقْتَرَضَتْ طَاعَتِي».

١١. حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُوسَى الدَّقَاقُ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ الْقَاضِي الْعَلَوِيُّ الْعَبَّاسِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ النَّاصِرُ (قَدَّسَ اللَّهُ رُوحَهُ)، قَالَ: حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ رُشْدٍ عَنْ عَمِّهِ أَبِي مَعْمَرٍ سَعِيدِ بْنِ حُثَيْمٍ عَنْ أَخِيهِ مَعْمَرٍ، قَالَ: كُنْتُ جَالِسًا عِنْدَ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام فَجَاءَ زَيْدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام فَأَخَذَ بَعْضَادَتِي الْبَابَ فَقَالَ لَهُ الصَّادِقُ عليه السلام: «يَا عَمُّ أَعِيدُكَ بِاللَّهِ أَنْ تَكُونَ الْمَضْلُوبَ بِالْكُنَاسَةِ»، فَقَالَتْ لَهُ أُمُّ زَيْدٍ: وَاللَّهِ مَا يَحْمِلُكَ عَلَى هَذَا الْقَوْلِ غَيْرُ الْحَسَدِ لِبَنِي، فَقَالَ عليه السلام: «يَا لَيْتَهُ حَسَدًا يَا لَيْتَهُ».

۷. امام صادق علیه السلام فرمود: هر گاه یک تبه‌کار، تبه‌کاری‌اش را آشکار کرد، او غیبت ندارد.

۸. رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: جبرئیل از جانب حق به سراغم آمد و گفت: ای محمد! خداوند درود بر تو فرستاده و می‌فرماید به برادرت علی بشارت ده که هر کس او را دوست داشته باشد، او را عذاب نخواهم داد، اما به کسی که علی را دشمن داشته باشد، رحم نمی‌کنم.

۹. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در قیامت بنده‌ای قدم بر نخواهد داشت، مگر آن که درباره چهار چیز از او سؤال شود: از عمر او که در چه راهی سپری کرده؟ از جوانی او که چگونه گذشته است؟ از ثروت او که از چه راهی جمع شده است؟ و از ولایت ما اهل بیت علیهم السلام.

۱۰. عایشه می‌گوید: نزد پیامبر بودم که علی بن ابی طالب وارد شد. پیامبر فرمود: این سرور عرب است. گفتم: ای پیامبر خدا! تو سرور عرب نیستی؟ فرمود من سرور فرزندان آدم هستم و علی سرور عرب. پرسیدم: سید (سرور) چیست؟ فرمود: کسی که اطاعتش واجب باشد، همانگونه که اطاعت من واجب است.

۱۱. معمر می‌گوید: نزد امام صادق علیه السلام بودیم که زید بن علی علیه السلام وارد شد و دو طرف در خانه را گرفت. امام فرمود: عمو جان به خدا پناه می‌برم که تو همان کسی باشی که در کناسه کوفه بدار خواهند آویخت. مادر زید گفت: به خدا بر او حسد ورزیدی که این سخن

حَسَدَهُ ثَلَاثًا، ثُمَّ قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عليه السلام أَنَّهُ يُخْرَجُ مِنْ وَلَدِهِ رَجُلٌ يُقَالُ لَهُ زَيْدٌ يُقْتَلُ بِالْكُوفَةِ وَيُصَلَّبُ بِالْكُنَاسَةِ يُخْرَجُ مِنْ قَبْرِهِ نَبْشًا تُفْتَحُ لِرُوحِهِ أَبْوَابُ السَّمَاءِ يَبْتَهِجُ بِهِ أَهْلُ السَّمَاوَاتِ يُجْعَلُ رُوحُهُ فِي حَوْصَلَةِ طَيْرٍ أَخْضَرَ يَسْرَحُ فِي الْجَنَّةِ حَيْثُ يَشَاءُ.

١٢. حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَعِيدٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ الْعَزِيزِ بْنُ يَحْيَى حَدَّثَنَا الْأَسْعَثُ بْنُ مُحَمَّدٍ الصُّبَيْيُّ، قَالَ: حَدَّثَنِي شُعَيْبُ بْنُ عُمَرَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَابِرِ الْجُعْفِيِّ، قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام وَعِنْدَهُ زَيْدُ أَخُوهُ عليه السلام فَدَخَلَ عَلَيْهِ مَعْرُوفُ بْنُ خَرْبُودَ الْمَكِّيُّ، فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: يَا مَعْرُوفُ أَنْشِدْنِي مِنْ طَرَائِفِ مَا عِنْدَكَ فَأَنْشَدَهُ:

لَعَمْرُكَ مَا إِنْ أَبُو مَالِكٍ بَوَانٍ وَلَا بِضَعِيفٍ قَوَاهُ

وَلَا يَأَلِدُ لَدَى قَوْلِهِ يُعَادِي الْحَكِيمَ إِذَا مَا نَهَاهُ

وَلَكِنَّهُ سَيِّدُ بَارِعٍ كَرِيمٍ الطَّبَائِعُ حُلُوثُنَاهُ

إِذَا سُدَّتْهُ سُدَّتْ مِطْوَاعَةٌ وَمَهْمَا وَكَلَّتِ إِلَيْهِ كِفَاهُ

قَالَ: فَوَضَعَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ عليه السلام يَدَهُ عَلَى كَتِفِي زَيْدٍ فَقَالَ هَذِهِ صِفَتُكَ يَا أَبَا الْحُسَيْنِ

مركز تحفة كرامت محمد رسول الله

را گفتی. امام سه بار فرمود: کاش رشک می‌ورزیدم. به خدا سوگند، پدرم از جدم روایت کرده که از فرزندان او شخصی به نام زید علیه خلیفه شورش خواهد کرد و در کوفه کشته می‌شود. او را از قبرش بیرون می‌آورند در حالی که درهای آسمان به روی اش باز شود و ساکنان آسمانها از دیدن او شاد خواهند شد. آن گاه جان او را در گلوگاه پرنده‌ای می‌گذارند تا او را در جای جای بهشت بگردانند.

السلامی

۱۲. جابر بن جعفری می‌گوید: نزد امام باقر علیه السلام رفتم. زید برادرش هم آنجا بود. سپس معروف خربوذ مکی هم وارد شد. امام فرمود: ای معروف! از اشعار خوب خودت برای ما بخوان. معروف این بیت‌ها را خواند: فدایت شوم. ابو مالک همچون دیگران، سست و ناتوان نیست. نه گفته‌اش به عناد آمیخته است و نه دشمن‌کیش است. در حقیقت او آقایی است یگانه که طبعی بلند دارد. چه خوب آقایی است در طریق طاعت تو. او بس است برای تو کار تو.

جابر می‌گوید: امام دست که بر شانه‌های زید گذاشت، فرمود: این ستایش توست، ای ابوالحسن.

مرکز تحقیقات کلامی و عقاید اسلامی

سید



المجلس الحادي عشر

يوم الجمعة لست بقين من شعبان من سنة سبع وستين و ثلاثمائة

السنن

١. حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوئِيهِ الْقُمِّيُّ رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي (رضوان الله عليه)، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ أَبِي الْوَرْدِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ، قَالَ: خَطَبَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ النَّاسَ فِي آخِرِ جُمُعَةٍ مِنْ شَعْبَانَ فَحَمَدَ اللَّهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ، ثُمَّ قَالَ: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ قَدْ أَظْلَكُمْ شَهْرٌ فِيهِ لَيْلَةٌ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ وَهُوَ شَهْرُ رَمَضَانَ فَرَضَ اللَّهُ صِيَامَهُ وَجَعَلَ قِيَامَ لَيْلَةٍ فِيهِ بِتَطَوُّعِ صَلَاةٍ كَمَنْ تَطَوُّعَ بِصَلَاةٍ سَبْعِينَ لَيْلَةً فِيمَا سِوَاهُ مِنَ الشُّهُورِ وَجَعَلَ لِمَنْ تَطَوُّعَ فِيهِ بِخُصْلَةٍ مِنْ خِصَالِ الْخَيْرِ وَالْبِرِّ كَأَجْرِ مَنْ أَدَّى فَرِيضَةً مِنْ فَرَائِضِ اللَّهِ وَمَنْ أَدَّى فِيهِ فَرِيضَةً مِنْ فَرَائِضِ اللَّهِ كَانَ كَمَنْ أَدَّى سَبْعِينَ فَرِيضَةً فِيمَا سِوَاهُ مِنَ الشُّهُورِ وَهُوَ شَهْرُ الصَّبْرِ وَإِنَّ الصَّبْرَ ثَوَابُهُ الْجَنَّةُ وَهُوَ شَهْرُ الْمُوَاسَاةِ وَهُوَ شَهْرُ يَزِيدِ اللَّهِ فِيهِ فِي رِزْقِ الْمُؤْمِنِ وَمَنْ فَطَرَ فِيهِ مُؤْمِنًا صَائِمًا كَانَ لَهُ بِذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ عِزٌّ وَجَلُّ عِثْقٍ رَقَبَةٍ وَمَغْفِرَةٌ لِدُنُوبِهِ فِيمَا مَضَى» فَقِيلَ لَهُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ لَيْسَ كُلُّنَا يَقْدِرُ عَلَى أَنْ يَفْطَرَ صَائِمًا فَقَالَ: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى كَرِيمٌ يُعْطِي هَذَا الثَّوَابَ مِنْكُمْ مَنْ لَمْ يَقْدِرْ إِلَّا عَلَى مَذَقَةٍ مِنْ لَبَنِ يَفْطُرُ بِهَا صَائِمًا أَوْ شُرْبَةٍ مِنْ مَاءٍ عَذْبٍ أَوْ تُمِيرَاتٍ لَا يَقْدِرُ عَلَى أَكْثَرِ مِنْ ذَلِكَ وَمَنْ خَفَّفَ فِيهِ عَنْ مَمْلُوكِهِ خَفَّفَ اللَّهُ عَنْهُ حِسَابَهُ وَهُوَ شَهْرُ أَوَّلِهِ رَحْمَةٌ وَوَسْطُهُ مَغْفِرَةٌ وَآخِرُهُ إِجَابَةٌ وَالْعِثْقُ مِنَ النَّارِ وَلَا غِنَى بِكُمْ فِيهِ عَنْ أَرْبَعِ خِصَالٍ: خَصْلَتَيْنِ تُرْضَوْنَ اللَّهَ بِهِمَا وَخَصْلَتَيْنِ لَا غِنَى بِكُمْ عَنْهُمَا، أَمَّا اللَّتَانِ تُرْضَوْنَ اللَّهَ بِهِمَا فَشَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنِّي رَسُولُ اللَّهِ وَأَمَّا اللَّتَانِ لَا غِنَى بِكُمْ عَنْهُمَا فَتَسْأَلُونَ اللَّهَ حَوَائِجَكُمْ وَالْجَنَّةَ وَتَسْأَلُونَ اللَّهَ فِيهِ الْعَافِيَةَ وَتَتَعَوَّذُونَ بِهِ مِنَ النَّارِ».

٢. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيُّ

السنن

مجلس یازدهم

روز جمعه بیست و چهارم شعبان ۳۶۷

السلام

۱. امام باقر علیه السلام فرمود: حضرت رسول صلی الله علیه و آله در آخرین جمعه شعبان حمد و ثنای خداوند را به جای آورد و سپس این سخن را فرمود: ای مردم! ماهی به سراغ تان آمده است که در آن شبی برتر از هزار ماه وجود دارد و آن ماه رمضان، است. خداوند روزه گرفتن در این ماه را واجب کرده و یک شب نافله آن را با نافله هفتاد شب از ماه‌های دیگر دانسته است. هر کس در ماه رمضان یک کار مستحبی انجام دهد، مثل کار واجب در ماه‌های دیگر است و هر کس کار واجب در این ماه کند، گویا هفتاد کار واجب در ماه‌های دیگر انجام داده است. رمضان ماه صبر و شکیبایی است و پاداش آن بهشت خواهد بود. رمضان ماه مواسات و برادری است و خدا بر روزی مؤمن می‌افزاید. هر کس در رمضان مومن روزه داری را افطاری دهد، نزد خداوند پاداش آزادسازی بنده‌ای را خواهد داشت و همچنین گناهان او آمرزیده می‌شود. گفته شد ای پیامبر خدا! ما که همه توانگر نیستیم و نمی‌توانیم افطاری بدهیم. فرمود: خدا کریم است. همین که شما روزه داری را با شربت شیری یا آب گوارا و یا حتی چند دانه خرما افطاری بدهید، خداوند همان پاداش را به شما می‌دهد. بعد فرمود: هر کس در ماه رمضان کار زیر دستان را کم کند، خداوند در حساب اعمال او تخفیف می‌دهد.

رمضان ماهی است که رحمت، آغاز آن، مغفرت میانه آن، و اجابت و رهایی از جهنم هم پایان آن است. در رمضان از چهار چیز بی‌نیاز نخواهید بود که دو چیز برای خشنودی خداوند است و دو چیز برای نیاز خویش. شهادت دادن به یگانگی خدا، و رسالت من همان دو چیز نخست است. اما خواستن حاجت‌های خود و بهشت از او، و نیز عافیت جویی و در امان ماندن از آتش جهنم، دو چیز دیگر است.

۲. حمزه بن محمد می‌گوید: به پدرم امام حسن عسگری علیه السلام نامه‌ای نوشتم و

عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ حَمْزَةَ بْنِ مُحَمَّدٍ، قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام لِمَ فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الصَّوْمَ فَوَرَدَ فِي الْجَوَابِ «لِيَجِدَ الْغَنِيُّ مَسَّ الْجُوعِ فَيَمُنَّ عَلَى الْفَقِيرِ».

٣. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْهَمْدَانِيُّ، قَالَ: أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ صَالِحٍ بْنُ سَعْدِ التَّمِيمِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ دَاوُدَ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْوَلِيدُ بْنُ هِشَامٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا هِشَامُ بْنُ حَسَّانَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبِي الْحَسَنِ الْبَصْرِيِّ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ غَنَمٍ الدُّوسِيِّ، قَالَ: دَخَلَ مُعَاذُ بْنُ جَبَلٍ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله يَا كَيْفَ فَسَلَّمَ فَرَدَّ صلى الله عليه وآله ثُمَّ قَالَ: «مَا يُبْكِيكَ يَا مُعَاذُ؟» فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ بَابَ شَابٍّ طَرِئَ الْجَسَدِ نَقِيَ اللَّوْنُ حَسَنَ الصُّورَةِ يَبْكِي عَلَى شَبَابِهِ بِكَاءِ الثَّكْلَى عَلَى وَلَدِهَا يُرِيدُ الدُّخُولَ عَلَيْكَ، فَقَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله: «ادْخُلْ عَلَى الشَّابِّ يَا مُعَاذُ» فَادْخَلَهُ عَلَيْهِ فَسَلَّمَ فَرَدَّ صلى الله عليه وآله ثُمَّ قَالَ: «مَا يُبْكِيكَ يَا شَابُّ؟» قَالَ: كَيْفَ لَا أَبْكِي وَقَدْ رَكِبْتُ ذُنُوبًا إِنْ أَخَذَنِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَبْغِضُهَا أَدْخَلَنِي نَارَ جَهَنَّمَ وَلَا أَرَانِي إِلَّا سَيَأْخُذَنِي بِهَا وَلَا يَغْفِرُ لِي أَبَدًا.

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: «هَلْ أَشْرَكَتَ بِاللَّهِ شَيْئًا؟» قَالَ: أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَشْرَكَتَ بِرَبِّي شَيْئًا، قَالَ: «أَقْتَلْتَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ؟» قَالَ: لَا، فَقَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله: «يَغْفِرُ اللَّهُ لَكَ ذُنُوبَكَ وَإِنْ كَانَتْ مِثْلَ الْجِبَالِ الرَّوَاسِي» قَالَ الشَّابُّ: فَإِنَّهَا أَكْثَرُ مِنْ الْجِبَالِ الرَّوَاسِي، فَقَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله: «يَغْفِرُ اللَّهُ لَكَ ذُنُوبَكَ وَإِنْ كَانَتْ مِثْلَ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَبِحَارِهَا وَرِمَالِهَا وَأَشْجَارِهَا وَمَا فِيهَا مِنَ الْخَلْقِ»، قَالَ: فَإِنَّهَا أَكْثَرُ مِنَ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَبِحَارِهَا وَرِمَالِهَا وَأَشْجَارِهَا وَمَا فِيهَا مِنَ الْخَلْقِ.

فَقَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله: «يَغْفِرُ اللَّهُ لَكَ ذُنُوبَكَ وَإِنْ كَانَتْ مِثْلَ السَّمَاوَاتِ وَنُجُومِهَا وَمِثْلَ الْعَرْشِ وَالْكَرْسِيِّ»، قَالَ: فَإِنَّهَا أَكْثَرُ مِنْ ذَلِكَ، قَالَ: فَنَظَرَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله كَهَيْئَةِ الْغَضَبَانِ ثُمَّ قَالَ: «وَيَحْكُ يَا شَابُّ ذُنُوبَكَ أَكْثَرُ أَمْ رَبِّكَ؟» فَخَرَّ الشَّابُّ لَوَجْهِهِ وَهُوَ يَقُولُ: سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّي مَا شَيْءٌ أَكْثَرُ مِنْ رَبِّي أَكْثَرُ يَا نَبِيَّ اللَّهِ مِنْ كُلِّ عَظِيمٍ، فَقَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله: «فَهَلْ يَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ إِلَّا الرَّبُّ الْعَظِيمُ؟» الشَّابُّ قَالَ: لَا وَاللَّهِ يَا رَسُولَ اللَّهِ ثُمَّ سَكَتَ.

در آن از فلسفه روزه واجب پرسیدم. امام در پاسخ فرمود: برای این که ثروتمندان نیز در رمضان، طعم تلخ گرسنگی را بچشند و از ثروتش به بینوایان بدهد.

السلامی

۳. معاذبن جبل در حالی نزد که گریان بود پیامبر آمد. حضرت رسول ﷺ فرمود: معاذ! چرا گریه می کنی؟ گفت: جوانی خوش سیما را دیدم که مثل زن کودک مرده گریه می کند و اجازه حضور می خواهد. پیامبر فرمود: او را بیاور. جوان که نزد پیامبر آمد، حضرت پرسید: چرا گریانی؟ گفت: چگونه گریه نکنم در صورتی که گناهانی دارم که اگر خداوند به خاطر برخی از آن گناهان مرا مؤاخذه کند، کیفرم آتش دوزخ است. مطمئنم که خدا مرا مؤاخذه کرده و مرا نخواهد بخشید.

پیامبر فرمود: مگر چیزی را شریک خدا قرار دادی؟ گفت: به او پناه می برم از این که مشرک باشم. فرمود: خون کسی را به ناحق ریختی؟ گفت: نه. پیامبر فرمود: اگر گناهان تو به اندازه هفت زمین و دریاها و ریگ ها و درخت ها و همه آفریده های او باشد، خداوند تو را می بخشد. جوان گفت: گناه من از همه بزرگتر است.

فرمود: اگر به اندازه هفت آسمان و ستارگان و عرش و کرسی باشد: آمرزیده می شوی. گفت: باز هم سنگین تر است.

پیامبر خشم آلود نگاهش کرد و فرمود: گناهان تو بزرگ تر است یا پروردگار تو؟ جوان پیشانی بر خاک سایید و گفت: منزّه است خدا. چیزی از او بزرگ تر نیست. خدا بزرگ تر از هر چیزی است. فرمود: گناه بزرگ را جز خدای بزرگ نمی آمرزد.

الشَّابُّ، فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: «وَيَحْكُ يَا شَابُّ أَلَا تُخْبِرُنِي بِذَنْبٍ وَاحِدٍ مِنْ ذُنُوبِكَ»، قَالَ بَلَى أَخْبِرْكَ أَنِّي كُنْتُ أَنْبَشُ الْقُبُورَ سَبْعَ سِنِينَ أُخْرِجُ الْأَمْوَاتَ وَأَنْزِعُ الْأَكْفَانَ، فَمَاتَتْ جَارِيَةٌ مِنْ بَعْضِ بَنَاتِ الْأَنْصَارِ فَلَمَّا حُمِلَتْ إِلَى قَبْرِهَا وَدُفِنَتْ وَانْصَرَفَ عَنْهَا أَهْلُهَا وَجَنَّ عَلَيْهِمُ اللَّيْلُ أَتَيْتُ قَبْرَهَا فَتَبَشَّطْتُهَا ثُمَّ اسْتَحَرَجْتُهَا وَنَزَعْتُ مَا كَانَ عَلَيْهَا مِنْ أَكْفَانِهَا وَتَرَكْتُهَا مُتَجَرِّدَةً عَلَى شَفِيرِ قَبْرِهَا وَمَضَيْتُ مُنْصَرِفًا فَأَتَانِي الشَّيْطَانُ فَأَقْبَلَ يُزَيِّنُهَا لِي وَ يَقُولُ: أَمَا تَرَى بَطْنَهَا وَبَيَاضَهَا أَمَا تَرَى وَرَكَّتِهَا فَلَمْ يَزَلْ يَقُولُ لِي هَذَا حَتَّى رَجَعْتُ عَلَيْهَا وَلَمْ أَمْلِكْ نَفْسِي حَتَّى جَامَعْتُهَا وَتَرَكْتُهَا مَكَانَهَا، فَإِذَا أَنَا بِصَوْتٍ مِنْ وَرَائِي يَقُولُ: يَا شَابُّ وَيْلُ لَكَ مِنْ دَيَّانٍ يَوْمَ الدِّينِ يَوْمَ يَقْفِي وَإِيَّاكَ كَمَا تَرَكْتَنِي عُزَيَّانَةً فِي عَسَاكِرِ الْمَوْتَى وَنَزَعْتَنِي مِنْ حُفْرَتِي وَسَلَبْتَنِي أَكْفَانِي وَتَرَكْتَنِي أَقُومُ جُنَّةً إِلَى حِسَابِي فَوَيْلُ لِسَبَابِكَ مِنَ النَّارِ، فَمَا أَظُنُّ أَنِّي أَشْمُ رِيحَ الْجَنَّةِ أَبَدًا فَمَا تَرَى لِي يَا رَسُولَ اللَّهِ.

فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: «تَنَحَّ عَنِّي يَا فَاسِقُ إِنِّي أَخَافُ أَنْ أُحْرِقَ بِنَارِكَ فَمَا أَقْرَبَكَ مِنَ النَّارِ ثُمَّ لَمْ يَزَلْ ﷺ يَقُولُ وَيُسِيرُ إِلَيْهِ حَتَّى أَمْعَنَ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ، فَذَهَبَ فَأَتَى الْمَدِينَةَ فَتَزَوَّدَ مِنْهَا ثُمَّ أَتَى بَعْضَ جِبَالِهَا فَتَعَبَّدَ فِيهَا وَلَيْسَ مَسْحًا وَغُلَّ بِدَنِيهِ جَمِيعًا إِلَى عُنُقِهِ وَنَادَى: يَا رَبِّ هَذَا عَبْدُكَ يَهْلُوْ بَيْنَ يَدَيْكَ مَغْلُولٌ يَا رَبِّ أَنْتَ الَّذِي تَعْرِفُنِي وَزَلُّ مِنِّي مَا تَعْلَمُ سَيِّدِي يَا رَبِّ إِنِّي أَصْبَحْتُ مِنَ النَّادِمِينَ وَأَتَيْتُ بِنَبِيِّكَ تَائِبًا فَطَرَدَنِي وَزَادَنِي خَوْفًا فَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ وَجَلَالِكَ وَغُظْمَةِ سُلْطَانِكَ أَنْ لَا تُخَيِّبَ رَجَائِي، سَيِّدِي وَلَا تُبْطِلْ دُعَائِي وَلَا تُقْطِعْنِي مِنْ رَحْمَتِكَ، فَلَمْ يَزَلْ يَقُولُ ذَلِكَ أَرْبَعِينَ يَوْمًا وَلَيْلَةً تَبْكِي لَهُ السَّبَاعُ وَالْوَحُوشُ.

فَلَمَّا تَمَّتْ لَهُ أَرْبَعُونَ يَوْمًا وَلَيْلَةً رَفَعَ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ وَقَالَ: اللَّهُمَّ مَا فَعَلْتُ فِي حَاجَتِي إِنْ كُنْتُ اسْتَجَبْتَ دُعَائِي وَغَفَرْتَ خَطِيئَتِي فَأَوْحِ إِلَى نَبِيِّكَ، وَإِنْ لَمْ تَسْتَجِبْ لِي دُعَائِي وَلَمْ تَغْفِرْ لِي خَطِيئَتِي وَارْدَتْ عُقُوبَتِي فَعَجِّلْ بِنَارِ تُحْرِقُنِي أَوْ عُقُوبَةٍ فِي الدُّنْيَا تُهْلِكُنِي وَخَلِّصْنِي مِنْ فَضِيحَةِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَى نَبِيِّهِ ﷺ: «وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاجِشَةً يَغْنِي الزُّنَا» أَوْ

جوان گفت: نه به خدا، ای پیامبر. سپس جوان ساکت شد.

حضرت فرمود: وای بر تو، حتی یک گناهت را هم نگفتی. گفت: من هفت سال کارم این بود که نبش قبر می کردم و کفن شان را در می آوردم. روزی دختر جوانی از انصار را به خاک سپردند و اقوامش باز گشتند. شب که رسید، قبرش را باز کردم و او را بیرون آورده و کفن را از تنش در آوردم. برهنه کنار قبرش انداختم. در حال بازگشت شیطان او را در نظرم جلوه گر نمود و می گفت: آیا شکمش و سفیدی اش را نمی بینی؟ آیا پاهایش را نمی بینی؟ سپس مرا به وسوسه انداخت. بعد با او نزدیکی کردم و همانگونه رهایش کردم و به راه افتادم، که ناگهان از پشت سرم صدایی آمد: ای جوان! وای بر تو از مالک روز جزا که مرا با تو در محشر گرد آورد. همان طور که مرا برهنه رها کردی، کفنم را غارت کردی و مرا تا روز قیامت با حال جنابت رها نمودی، وای بر جوانی تو از دوزخ. آن گاه جوان گفت: ای پیامبر خدا! گمان ندارم که بوی بهشت به مشام من برسد، مگر نه؟ پیامبر فرمود: ای تبهکار! از من دور شو که می ترسم به آتش تو من نیز بسوزم. چه قدر تو به آتش جهنم نزدیک شدی؟ پیامبر آن قدر با دست اشاره کرد تا این که او از نظرش محو شد. جوان بدکار توشه ای از مدینه تهیه کرد و به کوهی از کوه های مدینه پناه برد و لباس موئی پوشید و هر دو دستش را به گردن بست و مشغول دعا و عبادت شد. می گفت: خدایا! تو مرا می شناسی و آگاهی که چه گناهی کردم. آقای من، خدای من، پشیمانم. توبه کردم و نزد رسولت رفتم. مرا از نزد خود راند و بر وحشتم افزود. از تو به نام و جلال و عظمت تو می خواهم که مرا ناامید بر نگردانی و دعای مرا بیهوده نکنی و از بهشت بی نصیبم نگردانی. چهل شب و روز همین گونه دعا می کرد تا آنکه حیوانات به حال او گریستند. پس آنان زبان و دست به دعا گشودند. و می گفت: آن چه از حاجت خود دانستیم گفتیم. اگر دعایم را پذیرفتی به پیامبرت وحی کن و اگر مرا نیامرزیده ای و می خواهی کیفرم دهی، به زودی در آتشم بیفکن یا در دنیا هلاکم کن و از رسوایی روز قیامت نجاتم بده.

ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ» يَعْنِي بِإِزْكَابِ ذَنْبِ أَكْثَرِ النَّاسِ وَتَبْشِيرِ الْقُبُورِ وَأَخْذِ الْكَفَّانِ «ذَكَّرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ» يَقُولُ خَافُوا اللَّهَ فَعَجَّلُوا التَّوْبَةَ «وَمَنْ يَغْفِرِ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ» يَقُولُ عَزَّ وَجَلَّ: «أَتَاكَ عَبْدِي يَا مُحَمَّدُ تَائِبًا فَطَرَدْتُهُ فَأَيْنَ يَذْهَبُ وَإِلَى مَنْ يَقْصِدُ، وَمَنْ يَسْأَلُ أَنْ يَغْفِرَ لَهُ ذَنْبًا غَيْرِي» ثُمَّ قَالَ عَزَّ وَجَلَّ: «وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَى مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ»^(١) يَقُولُ لَمْ يَقِيمُوا عَلَى الزَّيْنَةِ وَتَبْشِيرِ الْقُبُورِ وَأَخْذِ الْكَفَّانِ «أُولَئِكَ جَزَاؤُهُمْ مَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَجَنَّاتُ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ»^(٢) فَلَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ خَرَجَ وَهُوَ يَتْلُوهَا وَيَتَبَسَّمُ فَقَالَ لِأَصْحَابِهِ: «مَنْ يَذُلُّنِي عَلَى ذَلِكَ الشَّابِّ الثَّائِبِ؟» فَقَالَ مُعَاذُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ بَلَّغْنَا أَنَّهُ فِي مَوْضِعٍ كَذَا وَ كَذَا، فَمَضَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِأَصْحَابِهِ حَتَّى انْتَهَوْا إِلَى ذَلِكَ الْجَبَلِ فَصَعِدُوا إِلَيْهِ يَطْلُبُونَ الشَّابَّ فَإِذَا هُمْ بِالشَّابِّ قَائِمٍ بَيْنَ صَخْرَتَيْنِ مَغْلُولَةٍ يَدَاهُ إِلَى عُنُقِهِ وَقَدْ اسْوَدَّ وَجْهُهُ وَ تَسَاقَطَتْ أَشْفَارُ عَيْنَيْهِ مِنَ الْبُكَاءِ وَهُوَ يَقُولُ: سَيِّدِي قَدْ أَحْسَنْتَ خَلْقِي وَأَحْسَنْتَ صُورَتِي فَلَيْتَ شِعْرِي مَاذَا تُرِيدُ بِي أَلَيْسَ النَّارُ تُحْرِقُنِي أَوْ فِي جَوَارِكِ تُسَكِّنُنِي اللَّهُمَّ إِنَّكَ قَدْ أَكْثَرْتَ الْإِحْسَانَ إِلَيَّ وَأَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَيْتَ شِعْرِي مَاذَا يَكُونُ آخِرُ أَمْرِي إِلَى الْجَنَّةِ تَرْفُقَنِي أَمْ إِلَى النَّارِ تُسَوِّقُنِي، اللَّهُمَّ إِنَّ خَطِيئَتِي أَكْثَرُ مِنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمِنْ كُرْسِيِّكَ الْوَاسِعِ وَعَرْشِكَ الْعَظِيمِ فَلَيْتَ شِعْرِي تَغْفِرُ خَطِيئَتِي أَمْ تَفْضَحُنِي بِهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَلَمْ يَزَلْ يَقُولُ نَحْوَ هَذَا وَهُوَ يَبْكِي وَيَخْتُمُ التُّرَابَ عَلَى رَأْسِهِ وَقَدْ أَحَاطَتْ بِهِ السَّبَاعُ وَصَفَتْ فَوْقَهُ الطَّيْرُ وَهُمْ يَكُونُونَ لِكَاثِهِ، فَنَدَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَأَطْلَقَ يَدَيْهِ مِنْ عُنُقِهِ وَنَفَضَ التُّرَابَ عَنْ رَأْسِهِ وَقَالَ: «يَا بُهْلُولُ أَبْشِرْ فَإِنَّكَ عَتِيقُ اللَّهِ مِنَ النَّارِ» ثُمَّ قَالَ ﷺ لِأَصْحَابِهِ: «هَكَذَا تَذَارُ كُوالِ الذُّنُوبِ كَمَا تَذَارُ كَهَا بُهْلُولُ أَبْشِرْ فَإِنَّكَ عَتِيقُ اللَّهِ مِنَ النَّارِ» ثُمَّ تَلَا عَلَيْهِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِيهِ وَبَشَّرَهُ بِالْجَنَّةِ.

٤. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ ﷺ قَالَ: أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْهَمْدَانِيُّ، قَالَ:

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ صَالِحٍ عَنْ حَكِيمِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ، قَالَ: حَدَّثَنِي مُقَاتِلُ بْنُ سُلَيْمَانَ عَنِ

خداوند این آیه را نازل فرمود: ﴿وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ يَقُولُ خَافُوا اللَّهَ فَعَمِلُوا التَّوْبَةَ وَ مِنْ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ﴾ آنان که چون هرزگی کردند یا به خود ستم روا داشتند، یعنی گناهی بزرگ تر از زنا انجام دادند، هرگاه به یاد خدا افتادند و آمرزش خواستند و زود توبه کردند، کیست که گناهان آنان را ببامرزد، مگر خدای عزوجل؟ (آل عمران / ۱۳۵) ای محمد! بنده ام در حالی که توبه کرده بود، نزد تو آمد، ولی تو او را طرد کردی، پس او به کجا برود و به کجا قصد کند و از چه کسی آمرزش بخواهد؟ سپس خدا فرمود: آنانی که در انجام گناه پافشاری نکردند و برای همیشه از گناه خود دست برداشتند، پاداش شان از جانب خدا آمرزش است و همچنین بهشت هایی که از زیر آن نهرها روان است و در آن جاودانه اند. و چه نیکو ست پاداش عمل کنندگان!

چون پیامبر این آیه را شنید با خوشحالی و تبسم خارج شد و به اصحاب فرمود: چه کسی مرا به جایگاه آن جوان راهنمایی می کند؟ معاذ گفت: ای رسول خدا! به من گفته اند که در فلان مکان است. پیامبر ﷺ همراه اصحاب به راه افتادند. او را در میان دو سنگ بزرگ با دست هایی به گردن بسته و رو سیاه و مژه ها که از گریه بسیار ریخته بود یافتند که می گفت: ای آقای من، مرا خوش چهره آفریدی. کاش می دانستم که می خواهی مرا در آتش خود بسوزانی یا در پناه خود جای دهی. خدایا! از تو نیکی و نعمت بسیار دیدم. ای کاش خبر داشتم که سرانجام من آتش جهنم است یا بهشت؟ خدایا! خطای من از آسمانها و زمین و حتی از کرسی و عرش بزرگ تو بزرگتر است. کاش می دانستم که مرا می آمرزی یا در رستاخیز رسوا می کنی؟ پس این جمله ها را می گفت و اشک می ریخت و خاک بر سر می ریخت. درندگان، دور او را گرفته بودند و پرندگان بالای سر او پرواز می کردند و از شدت گریه او به گریه افتاده بودند. پیامبر نزدیک رفت و دست از گردن او باز کرد و خاک از سرش گرفت و فرمود: ای بهلول! به تو مژده می دهم که خداوند تو را از آتش دوزخ رها کند. آن گاه به یاران فرمود: گناهان خود را چنین جبران سازید که بهلول جبران کرد. پس از آن، حضرت آیه ای که نازل شده بود، برای جوان خواند و مژده بهشت را به او داد.

۴. حضرت رسول اکرم ﷺ به علی علیه السلام فرمود: ای علی! تو نسبت به من چون پسر آدم



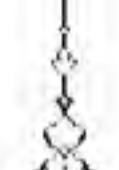
السلام



الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام: «يَا عَلِيُّ أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَبَّةِ اللَّهِ مِنْ آدَمَ وَبِمَنْزِلَةِ سَامٍ مِنْ نُوحٍ وَبِمَنْزِلَةِ إِسْحَاقَ مِنْ إِبْرَاهِيمَ وَبِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى وَبِمَنْزِلَةِ شَمْعُونَ مِنْ عِيسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي، يَا عَلِيُّ أَنْتَ وَصِيِّي وَخَلِيفَتِي فَمَنْ جَحَدَ وَصِيَّتَكَ وَخِلَافَتَكَ فَلَيْسَ مِنِّي وَلَسْتُ مِنْهُ وَأَنَا خَصْمُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، يَا عَلِيُّ أَنْتَ أَفْضَلُ أُمَّتِي فَضْلاً وَأَقْدَمُهُمْ سِلْماً وَأَكْثَرُهُمْ عِلْماً وَأَوْفَرُهُمْ حِلْماً وَأَشَجَعُهُمْ قُلُوباً وَأَسْخَاهُمْ كُفْلاً، يَا عَلِيُّ أَنْتَ الْإِمَامُ بَعْدِي وَالْأَمِيرُ وَأَنْتَ الصَّاحِبُ بَعْدِي وَالْوَزِيرُ وَمَا لَكَ فِي أُمَّتِي مِنْ نَظِيرٍ، يَا عَلِيُّ أَنْتَ قَسِيمُ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ بِمَحَبَّتِكَ يُعْرِفُ الْإِبْرَارُ مِنَ الْفَجَّارِ وَيُمَيِّزُ بَيْنَ الْأَشْرَارِ وَالْأَخْيَارِ وَبَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْكَفَّارِ».



السلام



مركز تحقيقات كميته برترين همدان

«هبة الله» هستی و چون سام، پسر نوح و چون اسحاق، پسر ابراهیم و چون هارون، وزیر و برادر موسی و چون شمعون، حواری عیسی، با این تفاوت که پس از من پیامبری مبعوث نمی‌شود. ای علی! تو وصی و جانشین من هستی. هر کس جانشینی و وصایت تو را انکار کند، از من نیست و من هم از او نیستم. و بدون شک در رستخیز دشمن او خواهم بود. ای علی! تو برترین فرد امت من هستی، در اسلام آوردن مقدم‌ترین و در علم و حلم داناترین و در قلب، شجاع‌ترین و در سخاوت بخشنده‌ترین هستی. ای علی! پس از من تو پیشوا و رهبری، و نیز تو دوست و همراز و وزیرم هستی. ای علی! در امتم، همانند نداری و تو تقسیم‌گر بهشت و دوزخ هستی. با دوستی تو، نیکان از تبه‌کاران شناخته می‌شوند و ایمان آورندگان از کفر پیشگان.



مرکز تحقیقات کلامی و عقاید اسلامی



الشيخ



سنة



المجلس الثاني عشر

يوم الثلاثاء لثلاث بقين من شعبان من سنة سبع و ستين و ثلاثمائة

١. حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابَوَيْهِ الْقُمِّيُّ (رَضَوَانُ اللَّهُ عَلَيْهِ)، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ (رَضَوَانُ اللَّهُ عَلَيْهِ)، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلْوَانَ عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ عليه السلام، قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا نَظَرَ إِلَى هِلَالِ شَهْرِ رَمَضَانَ اسْتَقْبَلَ الْقِبْلَةَ بِوَجْهِهِ ثُمَّ قَالَ: «اللَّهُمَّ أَهْلُهُ عَلَيْنَا بِالْإِيمَانِ وَالْإِسْلَامِ وَالْأَمَانَةِ وَالْإِسْلَامِ وَالْعَافِيَةِ الْمُجَلَّلَةِ وَالرِّزْقِ الْوَاسِعِ وَدَفْعِ الْإِسْقَامِ وَتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ وَالْعَوْنِ عَلَى الصَّلَاةِ وَالصِّيَامِ، اللَّهُمَّ سَلِّمْ لَنَا شَهْرَ رَمَضَانَ وَسَلِّمْ لَنَا وَتَسَلِّمْهُ مِنَّا حَتَّى يَنْقَضِيَ شَهْرُ رَمَضَانَ وَقَدْ غُفِرَتْ لَنَا» ثُمَّ يَقْبِلُ بِوَجْهِهِ عَلَى النَّاسِ فَيَقُولُ: «يَا مَعْشَرَ الْمُسْلِمِينَ إِذَا طَلَعَ هِلَالُ شَهْرِ رَمَضَانَ غُلَّتْ مَرَدَةُ الشَّيَاطِينِ وَفُتِحَتْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَأَبْوَابُ الْجَنَّةِ وَأَبْوَابُ الرَّحْمَةِ وَغُلِّقَتْ أَبْوَابُ النَّارِ وَاسْتَجِيبَ الدُّعَاءُ وَكَانَ لِلَّهِ عَزُّو جَلُّ عِنْدَ كُلِّ فِطْرٍ عُتْقَاءُ يُعْتَقُهُمْ مِنَ النَّارِ وَنَادَى مُنَادٍ كُلُّ لَيْلَةٍ هَلْ مِنْ سَائِلٍ هَلْ مِنْ مُسْتَغْفِرٍ، اللَّهُمَّ أَعْطِ كُلَّ مُتَّقٍ خَلْفًا وَأَعْطِ كُلَّ مُسِيئٍ تَلْفًا حَتَّى إِذَا طَلَعَ هِلَالُ شَوَّالٍ نُودِيَ الْمُؤْمِنُونَ أَنْ اغْدُوا إِلَى جَوَائِزِكُمْ فَهَوَ يَوْمُ الْجَائِزَةِ»، ثُمَّ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: «أَمَّا وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ مَا هِيَ بِجَائِزَةِ الدَّنَانِيرِ وَالذَّرَاهِمِ».

٢. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الْمُعَاذِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ حَيَّوَيْهِ الْجُرْجَانِيُّ الْمَذْكُورُ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو إِسْحَاقَ إِبْرَاهِيمُ بْنُ بِلَالٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ كَرَامٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: حَدَّثَنَا سُفْيَانُ بْنُ عُيَيْنَةَ حَدَّثَنَا مُعَاوِيَةُ بْنُ أَبِي إِسْحَاقَ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ قَالَ: سَأَلْتُ ابْنَ عَبَّاسٍ مَا لِمَنْ صَامَ شَهْرَ رَمَضَانَ

مجلس دوازدهم

سه شنبه بیست و هفتم شعبان سال ۳۶۷

السلامی

۱. امام محمد باقر علیه السلام فرمود: زمانی که دیده پیامبر به ماه رمضان می افتاد، رو به قبله می ایستاد و می فرمود: خدایا! ماه تازه را در میان ما به امنیت و ایمان، و سلامت و اسلام و عافیت و روزی ارزان و فراوان و راندن بیماری و تلاوت آیات قرآن و استعانت از نماز و روزه آراسته کن. خدایا! به ما در ماه رمضان سلامتی عطا کن و رمضان را بر ما سلامت دار و از ما بستان. ماه رمضان در حالی بر ما بگذرد که ما را آمرزیده باشی.

آن گاه خطاب به مردم می فرمود: ای مسلمانان! هر گاه ماه رمضان فرا برسد، شیاطین سرکش غل و زنجیر می شوند و درهای آسمان و بهشت و رحمت الهی باز شده و درهای دوزخ بسته می شوند. و دعا اجابت می شود. برای خدا نزد هر سفره افطاری، آزاد شده هایی وجود دارند که آنان را از دوزخ رهایی می بخشد و هر شب رمضان ندا می رسد: آیا کسی هست که خواسته ای داشته باشد؟

آیا خواهان آمرزش هست؟ بعد فرمود: خدایا به هر کس که در این ماه هزینه می کند، پاداش عطا کن و به هر بینوایی، شکیبایی بخش. آن گاه که هلال شوال در آید، ندا آید: ای ایمان آورندگان: فردای عید بیایید و جایزه های خود را بستانید، زیرا فردا روز گرفتن پاداش است. سپس امام باقر علیه السلام فرمود: سوگند به آن که جانم دست اوست، این جایزه پول، طلا و نقره نیست.

۲. سعید بن جبیر می گوید: از ابن عباس پرسیدم: کسی که ماه رمضان را روزه گرفته و حق آن را آن گونه که شایسته است، بشناسد چه پاداشی خواهد گرفت؟ گفت: ای پسر

وَعَرَفَ حَقَّهُ، قَالَ: تَهَيَّأْ يَا ابْنَ جُبَيْرٍ حَتَّى أُحَدِّثَكَ بِمَا لَمْ تَسْمَعْ أَذْنَاكَ وَلَمْ يَمُرْ عَلَى قَلْبِكَ وَفَرَّغْ نَفْسَكَ لِمَا سَأَلْتَنِي عَنْهُ فَمَا أَرَدْتَهُ فَهُوَ عِلْمُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، قَالَ: سَعِيدُ بْنُ جُبَيْرٍ فَخَرَجْتُ مِنْ عِنْدِهِ فَتَهَيَّأْتُ لَهُ مِنَ الْعَدِّ فَبَكَرْتُ إِلَيْهِ مَعَ طُلُوعِ الْفَجْرِ فَصَلَّيْتُ الْفَجْرَ ثُمَّ ذَكَرْتُ الْحَدِيثَ فَحَوَّلَ وَجْهَهُ إِلَيَّ فَقَالَ اسْمَعْ مِنِّي مَا أَقُولُ، سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: «لَوْ عَلِمْتُمْ مَا لَكُمْ فِي رَمَضَانَ لَرِزْتُمْ لِلَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى شُكْرًا إِذَا كَانَ أَوَّلُ لَيْلَةٍ غَفَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِأُمَّتِي الذُّنُوبَ كُلَّهَا سِرَّهَا وَعَلَانِيَتَهَا وَرَفَعَ لَكُمْ أَلْفَ أَلْفِ دَرَجَةٍ وَبَنَى لَكُمْ خَمْسِينَ مَدِينَةً، وَكَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَكُمْ يَوْمَ الثَّانِي بِكُلِّ خُطْوَةٍ تَخْطُونَهَا فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ عِبَادَةَ سَنَةٍ وَثَوَابَ نَبِيٍّ وَكَتَبَ لَكُمْ صَوْمَ سَنَةٍ، وَأَعْطَاكُمْ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الثَّالِثِ بِكُلِّ شَعْرَةٍ عَلَى أَبْذَانِكُمْ قُبَّةً فِي الْفِرْدَوْسِ مِنْ دُرَّةٍ يَبْيَضُ فِي أَغْلَاهَا اثْنَا عَشَرَ أَلْفَ بَيْتٍ مِنَ الثُّورِ وَفِي أَسْفَلِهَا اثْنَا عَشَرَ أَلْفَ بَيْتٍ فِي كُلِّ بَيْتٍ أَلْفُ سَرِيرٍ عَلَى كُلِّ سَرِيرٍ حَوْرَاءُ يَدْخُلُ عَلَيْكُمْ كُلَّ يَوْمٍ أَلْفُ مَلِكٍ مَعَ كُلِّ مَلِكٍ هَدِيَّةٌ، وَأَعْطَاكُمْ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الرَّابِعِ فِي جَنَّةِ الْخُلْدِ سَبْعِينَ أَلْفَ قَصْرِ فِي كُلِّ قَصْرٍ سَبْعُونَ أَلْفَ بَيْتٍ فِي كُلِّ بَيْتٍ خَمْسُونَ أَلْفَ سَرِيرٍ عَلَى كُلِّ سَرِيرٍ حَوْرَاءُ بَيْنَ يَدَيْ كُلِّ حَوْرَاءٍ أَلْفُ وَصِيفَةٍ خِمَارٌ إِحْدَاهُنَّ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا، وَأَعْطَاكُمْ اللَّهُ يَوْمَ الْخَامِسِ فِي جَنَّةِ الْمَأْوَى أَلْفَ أَلْفِ مَدِينَةٍ فِي كُلِّ مَدِينَةٍ سَبْعُونَ أَلْفَ بَيْتٍ فِي كُلِّ بَيْتٍ سَبْعُونَ أَلْفَ مَائِدَةٍ عَلَى كُلِّ مَائِدَةٍ سَبْعُونَ أَلْفَ قِصْعَةٍ وَفِي كُلِّ قِصْعَةٍ سِتُونَ أَلْفَ لَوْنٍ مِنَ الطَّعَامِ لَا يُشَبُّ بِغُضْضِهَا بَعْضًا، وَأَعْطَاكُمْ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ السَّادِسِ فِي دَارِ السَّلَامِ مِائَةَ أَلْفِ مَدِينَةٍ فِي كُلِّ مَدِينَةٍ مِائَةَ أَلْفِ دَارٍ فِي كُلِّ دَارٍ مِائَةَ أَلْفِ بَيْتٍ فِي كُلِّ بَيْتٍ مِائَةَ أَلْفِ سَرِيرٍ مِنْ ذَهَبٍ طُولُ كُلِّ سَرِيرٍ أَلْفُ ذِرَاعٍ عَلَى كُلِّ سَرِيرٍ زَوْجَةٌ مِنَ الْحَوَرِ الْعَيْنِ عَلَيْهَا ثَلَاثُونَ أَلْفَ ذَوَابَةٍ مَسْجُوجَةٍ بِالذُّرِّ وَالْيَاقُوتِ تَحْمِلُ كُلُّ ذَوَابَةٍ مِائَةَ جَارِيَةٍ، وَأَعْطَاكُمْ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ السَّابِعِ فِي جَنَّةِ النَّعِيمِ ثَوَابَ أَرْبَعِينَ أَلْفَ شَهِيدٍ وَأَرْبَعِينَ أَلْفَ صَدِيقٍ، وَأَعْطَاكُمْ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الثَّامِنِ عَمَلَ سِتِينَ أَلْفَ عَابِدٍ وَسِتِينَ أَلْفَ زَاهِدٍ، وَأَعْطَاكُمْ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ التَّاسِعِ مَا يُعْطَى أَلْفَ عَالِمٍ وَأَلْفَ مُعْتَكِفٍ وَأَلْفَ مُرَابِطٍ، وَأَعْطَاكُمْ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْعَاشِرِ قِضَاءَ سَبْعِينَ أَلْفَ حَاجَةٍ وَيَسْتَغْفِرُ لَكُمْ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالذُّوَابُ وَالطَّيْرُ وَالسَّبَاعُ وَكُلُّ حَجَرٍ وَمَدَرٍ وَكُلُّ رَطْبٍ



الاسم



سورة



جبیر! اینک حدیثی را بشنو که تاکنون آن را نشینده‌ای و نه به ذهن و دل تو گذشته است. دل خود را برای فهم پاسخ سؤال خود آماده کن، چرا که جواب تو همانا دانش آغازین و واپسین است. سعید می‌گوید: رفتم و فردا صبح که جانم را آماده شنیدن سخن ابن عباس کرده بودم به سراغ ابن عباس رفتم. پس از نماز گفتن حدیث را به یاد او آوردم. گفت: بشنو. آن چه می‌گویم از پیامبر شنیده‌ام که می‌فرمود: اگر شما از آن چه در رمضان دارید، آگاه شوید، سپاس‌گزاری به خداوند بیشتر می‌شود.

در شب یکم رمضان خداوند تمامی گناهان امتم از آشکار و نهان را می‌آمرزد و برای شما هزار هزار مرتبه بالا می‌برد و پنجاه شهر برای شما می‌سازد.

در روز دوم خداوند در برابر هر قدمی که برداشته‌اید، عبادت یک سال و پاداش یک پیامبر و رسالت و روزه یک سال را خواهد نوشت.

روز سوم به اندازه موهای تنتان، گنبدهایی از در سفید در بهشت برین ساخته می‌شود که در بالای آن ۱۲ هزار و در زیر آن ۱۲ هزار خانه نورانی برای شماست که در هر خانه هزار تخت و بر هر تخت حوریه‌ای می‌باشد. و هر روز هم هزار فرشته همراه هدیه‌ای وارد می‌شود.

روز چهارم خداوند در بهشت جاوید هفتاد هزار قصر به شما می‌بخشد که در هر قصری هفتاد هزار خانه و در هر خانه‌ای پنجاه هزار تخت و بر هر تخت حوریه‌ای نشسته و برابر او هزار کنیز. کنیز بهشتی که بهتر از دنیا و آن چه در آن است.

روز پنجم خداوند در «بهشت» هزار هزار شهر عطا می‌کند که در هر شهری هفتاد هزار خانه و در هر خانه هفتاد هزار سفره و بر هر سفره‌ای هفتاد هزار کاسه است که در آن شصت هزار نوع خوراکی وجود دارد.

روز ششم خداوند در «دارالسلام» صد هزار شهر از رانی می‌دارد که در هر شهر صد هزار خانه و در هر خانه صد هزار تخت طلا به درازای هزار ذراع می‌باشد و بر هر تخت زنی از جنس حورالعین نشسته که سی هزار گیسوان بافته با دُر و یاقوت دارد و هر گیسوی او را صد هزار کنیز به دست دارد. روز هفتم خداوند در «جَنَّة نَعِیم» پاداش چهل هزار شهید و چهل هزار صدیق می‌بخشد. روز هشتم خداوند پاداش تلاش شصت هزار عابد و شصت هزار زاهد می‌بخشد. روز نهم خداوند عطای هزار عالم و هزار معتكف و هزار مرابط می‌بخشد. روز دهم خداوند هفتاد هزار خواسته از شما را اجابت می‌کند و خورشید و ماه و



السلام

وَيَابِسَ وَالْحَيَتَانِ فِي الْبَحَارِ وَالْأوراقُ عَلَى الْأَشْجَارِ، وَكَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَكُمْ يَوْمَ أَحَدَ عَشَرَ ثَوَابَ أَرْبَعِ حِجَابٍ وَغُمَرَاتٍ كُلُّ حِجَّةٍ مَعَ نَبِيٍّ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ وَكُلُّ غُمْرَةٍ مَعَ صَدِيقٍ أَوْ شَهِيدٍ، وَجَعَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَكُمْ يَوْمَ اثْنَيْ عَشَرَ أَنْ يُبَدِّلَ اللَّهُ سَيِّئَاتِكُمْ حَسَنَاتٍ وَيَجْعَلَ حَسَنَاتِكُمْ أَضْعَافًا وَيَكْتُبَ لَكُمْ بِكُلِّ حَسَنَةٍ أَلْفَ أَلْفِ حَسَنَةٍ وَكَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَكُمْ يَوْمَ ثَلَاثَةِ عَشَرَ مِثْلَ عِبَادَةِ أَهْلِ مَكَّةَ وَالْمَدِينَةِ وَأَعْطَاكُمْ اللَّهُ بِكُلِّ حَجَرٍ وَمَدْرٍ مَا بَيْنَ مَكَّةَ وَالْمَدِينَةِ شَفَاعَةً، وَيَوْمَ أَرْبَعَةِ عَشَرَ فَكَانَمَا لِقَيْتُمْ آدَمَ وَنُوحًا وَبَعْدَهُمَا إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَبَعْدَهُمَا دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ وَكَانَمَا عَبْدْتُمْ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ مَعَ كُلِّ نَبِيٍّ مِائَتِي سَنَةٍ، وَقَضَى لَكُمْ يَوْمَ خَمْسَةِ عَشَرَ حَوَائِجَ مِنَ حَوَائِجِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَعْطَاكُمْ اللَّهُ مَا يُعْطَى أَيُّوبَ وَاسْتَغْفَرَ لَكُمْ حَمَلَةَ الْعَرْشِ وَأَعْطَاكُمْ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَرْبَعِينَ نُورًا عَشْرَةَ عَنْ يَمِينِكُمْ وَعَشْرَةَ عَنْ يَسَارِكُمْ وَعَشْرَةَ أَمَامَكُمْ وَعَشْرَةَ خَلْفَكُمْ، وَأَعْطَاكُمْ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ سِتَّةِ عَشَرَ إِذَا خَرَجْتُمْ مِنَ الْقَبْرِ سِتِينَ حُلَّةً تَلْبَسُونَهَا وَنَاقَةَ تَرْكَبُونَهَا وَبَعَثَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ غَمَامَةً تُظِلُّكُمْ مِنْ حَرِّ ذَلِكَ الْيَوْمِ، وَيَوْمَ سَبْعَةِ عَشَرَ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «إِنِّي قَدْ غَفَرْتُ لَهُمْ وَلِآبَائِهِمْ وَرَفَعْتُ عَنْهُمْ شِدَائِدَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ»، وَإِذَا كَانَ يَوْمَ ثَمَانِيَةِ عَشَرَ أَمَرَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى جِبْرِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ وَحَمَلَةَ الْعَرْشِ وَالْكَرُوبِيِّينَ أَنْ تَسْتَغْفِرُوا الْأُمَّةَ مُحَمَّدٍ ﷺ إِلَى السَّنَةِ الْقَابِلَةِ وَأَعْطَاكُمْ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثَوَابَ الْبَذْرِينِ، فَإِذَا كَانَ يَوْمَ الثَّاسِعِ عَشَرَ لَمْ يَتَّقْ مَلَكٌ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا اسْتَأْذَنُوا رَبَّهُمْ فِي زِيَارَةِ قُبُورِكُمْ كُلُّ يَوْمٍ وَمَعَ كُلِّ مَلَكٍ هَدِيَّةٌ وَشَرَابٌ، فَإِذَا تَمَّ لَكُمْ عَشْرُونَ يَوْمًا بَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْكُمْ سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ يَحْفَظُونَكُمْ مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ وَكَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَكُمْ بِكُلِّ يَوْمٍ صُمْتُمْ صَوْمَ مِائَةِ سَنَةٍ وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ النَّارِ خَنْدَقًا وَأَعْطَاكُمْ اللَّهُ ثَوَابَ مَنْ قَرَأَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَالزَّبُورَ وَالْفُرْقَانَ وَكَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَكُمْ بِكُلِّ رِيْشَةٍ عَلَى جِبْرِيلَ عِبَادَةِ سَنَةٍ وَأَعْطَاكُمْ ثَوَابَ تَسْبِيحِ الْعَرْشِ وَالْكُرْسِيِّ وَزَوْجِكُمْ بِكُلِّ آيَةٍ فِي الْقُرْآنِ أَلْفَ حَوْرَاءَ، يَوْمَ أَحَدٍ وَعِشْرِينَ يُوسِّعُ اللَّهُ عَلَيْكُمْ الْقَبْرَ أَلْفَ فَرَسَخٍ وَيَرْفَعُ عَنْكُمْ الظُّلْمَةَ وَالْوَحْشَةَ وَيَجْعَلُ قُبُورَكُمْ كَقُبُورِ الشُّهَدَاءِ وَيَجْعَلُ وُجُوهَكُمْ كَوُجُهِهِ يُوسُفَ بْنِ يَعْقُوبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَيَوْمَ اثْنَيْنِ وَعِشْرِينَ يَبْعَثُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْكُمْ مَلَكَ الْمَوْتِ



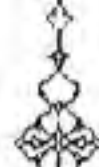
ستارگان و جانداران و پرندگان و درندگان و سنگ‌ها و کلوخ‌ها و ماهیان و برگ‌ها و کتابهای آسمانی برای شما طلب آمرزش می‌کنند. روز یازدهم خداوند پاداش چهار حج و عمره که هر حج همراه با پیامبری است و هر عمره، همراه با صدیق یا شهیدی است، عنایت می‌کند. روز دوازدهم خداوند زشتی‌های نامه اعمال تان را به زیبایی‌ها تبدیل می‌کند و برای هر کار نیکی هزار هزار حسنه خواهد نوشت. روز سیزدهم خداوند ثوابی همانند پاداش ساکنان مکه و مدینه می‌بخشد و به هر اندازه سنگ و کلوخی بین راه مکه و مدینه توفیق شفاعت، ارزانی تان دارد. روز چهاردهم به گونه‌ای باشید که گویی به زیارت آدم و نوح علیهم‌السلام نایل گشته‌اید و سپس ابراهیم و موسی، و داود و سلیمان. . . گویی همراه هر پیامبر زیسته‌اید و دویست سال خدا را پرستیده‌اید.

روز پانزدهم خداوند خواسته‌هایی از شما را در دنیا و آخرت برآورده می‌کند. خدا به شما آن چه را که به ایوب داد، ارزانی می‌کند و فرشتگان عرش برای شما در خواست آمرزش می‌کنند و خداوند چهل نور در روز قیامت برای شما قرار می‌دهد که از سوی آن ده نور، پرتو می‌افکند. روز شانزدهم خداوند به هنگام خروج شما از قبرهایتان شصت حله می‌بخشد که بپوشید و شتری که سوارش شوید و پاره ابری که در آفتاب سوزان روز قیامت بر شما سایه افکند. روز هفدهم خداوند می‌گوید: آنان را همراه پدران شان آمرزیدم و دشواری‌های رستاخیز را از پیش روی آنان برداشتم. روز هجدهم خداوند به جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و فرشتگان حامل عرش، فرمان آمرزش خواستن برای امت خاتم تا سال دیگر می‌دهد و نیز پاداش مجتهدان مجاهدان جنگ بدر را به آنان ارزانی می‌دارد. روز نوزدهم تمام فرشتگان حضرت حق در آسمان‌ها و زمین از او اجازه می‌خواهند که روزانه همراه هدیه و نوشابه گوارا به زیارت روزه داران رمضان آیند.

روز بیستم خداوند برای مصونیت شما در برابر هر شیطان رانده شده‌ای، هفتاد هزار فرشته سوی شما روانه می‌کند. همچنین برای هر روز، پاداش صد سال روزه در نامه اعمال تان می‌نویسد و همچنین میان شما و آتش جهنم خندقی پدید می‌آورد. به شما پاداش کسی را می‌بخشد که تورات و انجیل و زبور داود و فرقان حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم را خوانده و به شمار پره‌های جبرئیل به شما پاداش یک سال عبادت می‌بخشد و شما را از پاداش تسبیح عرش و کرسی و به تعداد آیاتی که در قرآن وجود دارد هزار حوریه بهشتی به عقدتان در می‌آورد. روز بیست و یکم خداوند قبرتان را هزار فرسنگ گشایش می‌دهد و تاریکی و هراس آن را از شما بر می‌دارد و همانند قبر شهیدان می‌نماید و نیز چهره تان را به زیبایی رخسار حضرت یوسف علیه‌السلام در می‌آورد.



السلام



كَمَا يَبْعَثُ إِلَى الْأَنْبِيَاءِ وَيَذْفَعُ عَنْكُمْ هَمَّ الدُّنْيَا وَعَذَابَ الْآخِرَةِ، وَيَوْمَ ثَلَاثَةِ وَعِشْرِينَ
 تَمُرُّونَ عَلَى الصَّرَاطِ مَعَ النَّبِيِّينَ وَالصَّدِيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَكَأَنَّمَا أَشْبَعْتُمْ كُلَّ يَتِيمٍ مِنْ أُمَّتِي،
 وَكَسَوْتُمْ كُلَّ غُرْيَانٍ مِنْ أُمَّتِي وَيَوْمَ أَرْبَعَةِ وَعِشْرِينَ لَا تَخْرُجُونَ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يَرَى كُلُّ
 وَاحِدٍ مِنْكُمْ مَكَانَهُ مِنَ الْجَنَّةِ وَيُعْطَى كُلُّ وَاحِدٍ ثَوَابَ أَلْفٍ مَرِيضٍ وَأَلْفٍ غَرِيبٍ خَرَجُوا
 فِي طَاعَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَأُعْطَاكُمْ ثَوَابَ عِشَى أَلْفِ رَقَبَةٍ مِنْ وَلَدِ إِسْمَاعِيلَ، وَيَوْمَ خَمْسَةِ وَعِ
 شْرِينَ بَنَى اللَّهُ لَكُمْ تَحْتَ الْعَرْشِ أَلْفَ قُبَّةٍ خَضِرَاءَ عَلَى رَأْسِ كُلِّ قُبَّةٍ خَيْمَةٌ مِنْ نُورٍ يَقُولُ
 اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَا أُمَّةَ مُحَمَّدٍ أَنَا رَبُّكُمْ وَأَنْتُمْ عِبِيدِي وَإِمَائِي اسْتَظِلُّوا بِظِلِّ عَرْشِي فِي
 هَذِهِ الْقِيَابِ وَكُلُّوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا فَلَا خَوْفَ عَلَيْكُمْ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ، يَا أُمَّةَ مُحَمَّدٍ وَ
 عِزَّتِي وَجَلَالِي لَأَبْعَثَنَّكُمْ إِلَى الْجَنَّةِ يَتَعَجَّبُ مِنْكُمْ الْأَوَّلُونَ وَالْآخِرُونَ وَلَأَتُوجِّنَ كُلُّ
 وَاحِدٍ مِنْكُمْ بِأَلْفِ تَاجٍ مِنْ نُورٍ وَلَأُرَكِّبَنَّ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْكُمْ عَلَى نَاقَةٍ خُلِقَتْ مِنْ نُورٍ وَ
 زِمَامُهَا مِنْ نُورٍ وَفِي ذَلِكَ الزِمَامِ أَلْفُ حَلَقَةٍ مِنْ ذَهَبٍ فِي كُلِّ حَلَقَةٍ مَلَكٌ قَائِمٌ عَلَيْهَا مِنَ
 الْمَلَائِكَةِ يَبْدُ كُلُّ مَلَكٍ عَمُودٌ مِنْ نُورٍ حَتَّى يَدْخُلَ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ، وَإِذَا كَانَ يَوْمُ سِتِّ
 وَعِشْرِينَ يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْكُمْ بِالرَّحْمَةِ فَيَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ الذُّنُوبَ كُلَّهَا إِلَّا الدَّمَاءَ وَالْأَمْوَالَ وَ
 قَدْسَ بَيْتِكُمْ كُلَّ يَوْمٍ سَبْعِينَ مَرَّةً مِنَ الْغِيْبَةِ وَالْكَذِبِ وَالْبُهْتَانِ، وَيَوْمَ سَبْعَةِ وَعِشْرِينَ
 فَكَأَنَّمَا نَصَرْتُمْ كُلَّ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ وَكَسَوْتُمْ سَبْعِينَ أَلْفَ عَارٍ وَخَدَمْتُمْ أَلْفَ مُرَابِطٍ وَكَأَنَّمَا
 قَرَأْتُمْ كُلَّ كِتَابٍ أَنْزَلَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى أَنْبِيَائِهِ، وَيَوْمَ ثَمَانِيَةِ وَعِشْرِينَ جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ فِي
 جَنَّةِ الْخُلْدِ مِائَةَ أَلْفِ مَدِينَةٍ مِنْ نُورٍ وَأُعْطَاكُمْ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي جَنَّةِ الْمَأْوَى مِائَةَ أَلْفِ
 قَصْرِ مِنْ فِضَّةٍ وَأُعْطَاكُمْ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي جَنَّةِ الْفَرْدَوْسِ مِائَةَ أَلْفِ مَدِينَةٍ فِي كُلِّ مَدِينَةٍ
 أَلْفُ حُجْرَةٍ وَأُعْطَاكُمْ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي جَنَّةِ الْجَلَالِ مِائَةَ أَلْفِ مَنَبَرٍ مِنْ مِسْكِ فِي جَوْفِ
 كُلِّ مَنَبَرٍ أَلْفُ بَيْتٍ مِنْ زَعْفَرَانٍ فِي كُلِّ بَيْتٍ أَلْفُ سَرِيرٍ مِنْ دُرٍّ وَيَاقُوتٍ عَلَى كُلِّ سَرِيرٍ
 زَوْجَةٌ مِنَ الْحُورِ الْعِينِ، فَإِذَا كَانَ يَوْمُ تِسْعَةِ وَعِشْرِينَ أُعْطَاكُمْ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَلْفَ أَلْفِ
 مَحَلَّةٍ فِي جَوْفِ كُلِّ مَحَلَّةٍ قُبَّةٌ بَيْضَاءُ فِي كُلِّ قُبَّةٍ سَرِيرٌ مِنْ كَافُورٍ أَبْيَضَ عَلَى ذَلِكَ السَّرِيرِ
 أَلْفُ فِرَاشٍ مِنَ السُّنْدُسِ الْخَضِرِ فَوْقَ كُلِّ فِرَاشٍ حُورَاءٌ عَلَيْهَا سَبْعُونَ أَلْفَ حُلَّةٍ وَعَلَى
 رَأْسِهَا ثَمَانُونَ أَلْفَ ذَوَابَةِ كُلِّ ذَوَابَةٍ مُكَلَّلَةٌ بِالذَّرِّ وَالْيَاقُوتِ فَإِذَا تَمَّ ثَلَاثُونَ يَوْمًا كَتَبَ اللَّهُ



السلامة



روز بیست و دوم خداوند عزرا بیل را همان گونه که به سوی پیامبران روانه می‌کند، سراغ شما می‌فرستد و ترس نکیر و منکر و نیز عذاب آخرت را از شما دور می‌سازد.

روز بیست و سوم همراه پیامبران و صدیقان و شهیدان بر پل صراط خواهید گذشت و با شما چنان رفتار می‌شود که گویی یتیمان امت مرا سیر کرده‌اید و برهنگان آن را پوشانیده‌اید.

روز بیست و چهارم تا جایگاه خود را در بهشت نگرید، از دنیا نخواهید رفت و نیز پاداش هزار بیمار و هزار غریب در راه خدا به شما بخشیده می‌شود و پاداش آزاد کردن هزار بنده از نسل اسماعیل به شما داده می‌شود.

روز بیست و پنجم خداوند هزار گنبد سبز، زیر عرش خود برای شما می‌سازد که خیمه‌ای از نور بر سر هر گنبد به چشم می‌خورد. آن گاه می‌گوید: ای امت محمد ﷺ! من پروردگار تان هستم و شما بندگان و کنیزان من. در این گنبدهای سبز زیر سایه عرش من بمانید و گوارا بخورید و بنوشید. هیچ ترس و اندوهی شما را در بر نخواهد گرفت. ای امت محمد به عزت و جلال خودم شما را چنان وارد بهشت سازم که اولین و آخرین خلق شگفت زده شوند. بر سر یکایک تان هزار تاج زیور گذارم و جدا گانه سوار شتری سازم که از جنس نور آفریده شده که افساری از نور دارد که در آن هزار حلقه طلا به چشم می‌خورد و با هر حلقه فرشته‌ای است که عمودی از نور در دست دارد تا بی حساب وارد بهشت شود.

روز بیست و ششم خداوند از روی محبت به شما نگاه می‌کند و همه گناهان تان مگر آدم کشی و بدهکاری مالی را می‌آمرزد و همچنین روزانه هفتاد بار شما را از زشتی و غیبت و دروغ و تهمت پاک می‌کند.

روز بیست و هفتم آن گونه باشید که گویی زنان و مردان مؤمن، رایاری کرده و هفتاد هزار برهنه را لباس پوشانیده‌اید و هزار مرزبان را کمک کرده‌اید و کتاب‌های وحی را خوانده‌اید.

روز بیست و هشتم خداوند صد هزار شهر از نور در بهشت خلد بخشد و نیز در «جنة الماوی» صد هزار قصر نقره‌ای و در بهشت فردوس نیز صد هزار شهر و در هر شهر صد هزار منبر از مشک ارزانی می‌دارد که در هر کدام هزار خانه از زعفران بوده و در هر خانه هزار تخت از در و یاقوت و بر هر تخت همسری از حورالعین است.

روز سی‌ام خداوند برای هر روزی که سپری کرده‌اید، پاداش هزار شهید و هزار صدیق



السلام



عَزَّ وَجَلَّ لَكُمْ بِكُلِّ يَوْمٍ مَرَّةً عَلَيْكُمْ ثَوَابُ أَلْفِ شَهِيدٍ وَأَلْفِ صَدِيقٍ وَكَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَكُمْ عِبَادَةَ خَمْسِينَ سَنَةً وَكَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَكُمْ بِكُلِّ يَوْمٍ صَوْمَ أَلْفِي يَوْمٍ وَرَفَعَ لَكُمْ بَعْدَ مَا أُنْتُبِتَ النَّيْلُ دَرَجَاتٍ وَكَتَبَ عَزَّ وَجَلَّ لَكُمْ بَرَاءَةً مِنَ النَّارِ وَجَوَازاً عَلَى الصَّرَاطِ وَأَمَاناً مِنَ الْعَذَابِ وَلِلْجَنَّةِ بَابٌ يُقَالُ لَهُ الرِّيَّانُ لَا يَفْتَحُ ذَلِكَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ثُمَّ يَفْتَحُ لِلصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ مِنْ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ ﷺ ثُمَّ يُنَادِي رِضْوَانُ الْجَنَّةِ يَا أُمَّةَ مُحَمَّدٍ هَلُمُّوا إِلَى الرِّيَّانِ فَيَدْخُلُ أُمَّتِي فِي ذَلِكَ الْبَابِ إِلَى الْجَنَّةِ فَمَنْ لَمْ يُغْفَرْ لَهُ فِي رَمَضَانَ فَفِي أَيِّ شَهْرٍ يُغْفَرُ لَهُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ (وفي هذا اليوم بعد المجلس حديثنا آخر).

٣. حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوَيْهِ الْقُمِّيُّ ﷺ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي (رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ)، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ سَلَمَةَ، قَالَ: حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ مُحَمَّدٍ الثَّقَفِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ مُوسَى الْعَبْسِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُهَلِّهْلُ الْعَبْدِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا كُرَيْزَةُ بْنُ صَالِحٍ الْهَجَرِيُّ عَنْ أَبِي ذَرٍّ جُنْدَبِ بْنِ جُنَادَةَ (رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ)، قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ لِعَلِيِّ ﷺ: «كَلِمَاتٍ ثَلَاثًا لَأَنْ تَكُونَ لِي وَاحِدَةً مِنْهُنَّ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا»، سَمِعْتُهُ يَقُولُ: «اللَّهُمَّ أَعِنِّهِ وَاسْتَعِنْ بِهِ اللَّهُمَّ أَنْصُرْهُ وَانْتَصِرْ بِهِ فَإِنَّهُ عَبْدُكَ وَأَخُو رَسُولِكَ»، ثُمَّ قَالَ أَبُو ذَرٍّ ﷺ: أَشْهَدُ لِعَلِيِّ بِالْوَلَاءِ وَالْإِخَاءِ وَالْوَصِيَّةِ، وَقَالَ كُرَيْزَةُ بْنُ صَالِحٍ: وَكَانَ يَشْهَدُ لَهُ بِمِثْلِ ذَلِكَ سَلْمَانُ الْفَارِسِيُّ وَالْمِقْدَادُ وَغَمَارُ بْنُ جَابِرٍ وَابْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيُّ وَأَبُو الْهَيْثَمِ التَّيْهَانِيُّ وَخُزَيْمَةُ بْنُ ثَابِتٍ ذُو الشَّهَادَتَيْنِ وَأَبُو أَيُّوبَ صَاحِبُ مَنْزِلِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَهَاشِمُ بْنُ عُثْبَةَ الْبَصْرِيُّ، قَالَ: كُلُّهُمْ مِنْ أَفْضَلِ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ.

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَاتُهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَعَشْرَتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَسَلَامٌ تَسْلِيماً.

قرار می‌دهد، و نیز پاداش روزه دو هزار روز را در برابر یک روزتان به شما عطا می‌کند و همچنین خداوند به شمار آن چه در روزه نیل می‌روید منزلتتان را بالا می‌برد، و نیز کلید آزادی از آتش جهنم و جواز عبور از صراط و امان از عذاب آخرت را می‌بخشد. و دری از درهای بهشت که «باب الربان» نامیده شده و تا رستاخیز بسته است، برای زنان و مردان روزه دار باز می‌شود که همگی از امت محمد ﷺ هستند. خازن بهشت فریاد می‌زند: ای امت محمد ﷺ! به سوی ربان بیایید. آنگاه امت من از این باب به بهشت در می‌آیند. هر کس در رمضان از آمرزش الهی بهره نبرد، در چه ماهی آمرزیده می‌شود؟ لا حول و لا قوة بالله و حسبنا الله نعم الوکیل و در این روز بعد از مجلس حدیث دیگر خواند.

حدیث دیگر:

۳. ابوذر غفاری می‌گوید: از رسول اکرم ﷺ شنیدم که سه چیز به علی علیه السلام می‌فرمود: اگر یکی از آنها برای من بود، دوست‌تر داشتم تا این که دنیا و آنچه در آن است، برای من باشد. پیامبر می‌فرمود: خدایا! علی را مدد رسان و از او مدد گیر. آنگاه ابوذر گفت: گواهی می‌دهم برای علی علیه السلام در ولایت و اخوت و وصیت.

مرکز تحقیقات کلامی و عقاید اسلامی



المجلس الثالث عشر

يوم الجمعة غرة شهر رمضان من سنة سبع وستين و ثلاثمائة

السنن

١. حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوئِيهِ الْقُمِّيُّ رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جُمْهُورٍ وَعَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ سَمْعٍ مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ الثَّقَفِيُّ يَقُولُ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ الْبَاقِرَ رحمته الله يَقُولُ: «إِنَّ لِلَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مَلَائِكَةً مُوَكَّلِينَ بِالصَّائِمِينَ يَسْتَغْفِرُونَ لَهُمْ فِي كُلِّ يَوْمٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ إِلَى آخِرِهِ وَيُنَادُونَ الصَّائِمِينَ كُلَّ لَيْلَةٍ عِنْدَ إِفْطَارِهِمْ أَنْبِشِرُوا عِبَادَ اللَّهِ وَقَدْ جُعِلْتُمْ قَلِيلًا وَسَتَشْبَعُونَ كَثِيرًا بُورِكْتُمْ وَبُورِكَ فِيكُمْ حَتَّى إِذَا كَانَ آخِرُ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ نَادَوْهُمْ أَنْبِشِرُوا عِبَادَ اللَّهِ فَقَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَقَبِلَ تَوْبَتَكُمْ فَانظُرُوا كَيْفَ تَكُونُونَ فِيمَا تَسْأَلُونَ».

٢. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِسْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ (رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ)، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْكُوفِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضْلِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ رحمته الله، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم: «شَهْرُ رَمَضَانَ شَهْرٌ عَظِيمٌ يُضَاعِفُ اللَّهُ فِيهِ الْحَسَنَاتِ وَيَمْحُو فِيهِ السَّيِّئَاتِ وَيَرْفَعُ فِيهِ الدَّرَجَاتِ، مَنْ تَصَدَّقَ فِي هَذَا الشَّهْرِ بِصَدَقَةٍ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَمَنْ أَحْسَنَ فِيهِ إِلَى مَا مَلَكَتْ يَمِينُهُ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَمَنْ حَسَنَ فِيهِ خُلُقَهُ، غَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَمَنْ كَظَمَ فِيهِ غَيْظَهُ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَمَنْ وَصَلَ فِيهِ رَحِمَهُ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ»، ثُمَّ قَالَ صلى الله عليه وسلم: «أَنَّ شَهْرَكُمْ هَذَا لَيْسَ كَالشُّهُورِ إِنَّهُ إِذَا أَقْبَلَ إِلَيْكُمْ أَقْبَلَ بِالْبَرَكَاتِ وَالرَّحْمَةِ، وَإِذَا أَدْبَرَ عَنْكُمْ أَدْبَرَ بِغَفْرَانِ الذُّنُوبِ هَذَا شَهْرُ الْحَسَنَاتِ فِيهِ مُضَاعَفَةٌ وَأَعْمَالُ الْخَيْرِ فِيهِ مَقْبُولَةٌ، مَنْ صَلَّى مِنْكُمْ فِي هَذَا الشَّهْرِ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ رَكْعَتَيْنِ يَتَطَوَّعُ بِهِمَا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ»، ثُمَّ قَالَ صلى الله عليه وسلم: «أَنَّ الشَّقِيَّ حَقَّ الشَّقِيُّ مَنْ خَرَجَ مِنْهُ هَذَا الشَّهْرُ وَلَمْ يُغْفَرْ ذُنُوبُهُ

من سنن

مجلس سیزدهم

جمعه اول ماه رمضان سال ۳۶۷

السلامی

۱. امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند فرشتگانی دارد که هر روزه داران گمارده شده‌اند. آنان هر روز رمضان برای مؤمنان آمرزش می‌طلبند و آنگاه که وقت افطار می‌رسد، ندا می‌دهند: ای بندگان خداوند! شما را مژده باد، اندکی گرسنگی کشیدید و به زودی بسیار سیر خواهید شد. مبارک باشید آنگاه که آخرین شب رمضان فرا برسد، می‌گویند: شما را بشارت باد که خدا گناهان تان را آمرزید و حال که توبه تان را پذیرفته، مراقب باشید ک پس از رمضان چگونه خواهید بود.



۲. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ماه رمضان ماه بزرگی است که در آن خداوند حسنات را دو برابر می‌کند و سیئات را پاک می‌کند و درجات مؤمنان را بالا می‌برد. هرکس در رمضان صدقه دهد و هرکس که به زیر دستان خود نیکی کند و به دیدن خویشان خود برود، آمرزیده می‌شود. بی‌گمان رمضان مانند ماه‌های دیگر سال نمی‌باشد؛ زمانی که می‌آید با برکت و رحمت همراه است و هرگاه از میان شما می‌رود، همراه با آمرزیدن گناهان می‌رود. رمضان ماهی است که کارهای نیک در آن دو برابر شده و کارهای خیر شما در آن پذیرفته شده است.

هرکس دو رکعت نماز نافله در رمضان برای خدا بخواند، او را خواهد آمرزید. شوربخت کسی است که این ماه بر او در حالی که گناهان او آمرزیده نشده است او زیان کار بوده و نیکوکاران از پاداش پروردگار کریم تان برخوردار می‌شوند.



فَحِينَئِذٍ يَخْسَرُ حِينَ يَفُوزُ الْمُخْسِنُونَ بِجَوَائِزِ الرَّبِّ الْكَرِيمِ».

٣. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْعَبَّاسُ بْنُ مَعْرُوفٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام، قَالَ: «مَنْ كَبَّرَ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عِنْدَ الْمَسَاءِ مِائَةً تَكْبِيرَةً كَانَ كَمَنْ أَعْتَقَ مِائَةَ نَسَمَةٍ».

٤. حَدَّثَنَا أَبِي عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْهَيْثَمُ بْنُ أَبِي مَسْرُوقٍ النَّهْدِيُّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلْوَانَ عَنْ عَمْرِو بْنِ ثَابِتٍ، قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ حُمْرَانَ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام، أَنَّهُ قَالَ: «مَنْ سَبَّحَ اللَّهَ كُلَّ يَوْمٍ ثَلَاثِينَ مَرَّةً دَفَعَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَنْهُ سَبْعِينَ نَوْعًا مِنَ الْبَلَاءِ أَذْنَاهَا الْفَقْرُ».

٥. حَدَّثَنَا أَبِي عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ نَهْيَكٍ عَنْ سَلَامِ الْمَكِّيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ عليه السلام، قَالَ: «أَتَى رَجُلٌ النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله وسلم يُقَالُ لَهُ شَيْبَةُ الْهَذَلِيِّ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي شَيْخٌ قَدْ كَبُرَتْ سِنِّي وَضَعُفَتْ قُوَّتِي عَنْ عَمَلٍ كُنْتُ عَوَّدْتُهُ نَفْسِي مِنْ صَلَاةٍ وَصِيَامٍ وَحَجٍّ وَجِهَادٍ، فَعَلَّمَنِي يَا رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم كَلَامًا يَنْفَعُنِي اللَّهُ بِهِ وَخَفَّفَ عَلَيَّ يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَقَالَ: أَعِذْهَا فَأَعَادَهَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، فَقَالَ: رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم: مَا حَوْلَكَ شَجَرَةً وَلَا مَدْرَةَ إِلَّا وَقَدْ بَكَتْ مِنْ رَحْمَتِكَ، فَإِذَا صَلَّيْتَ الصُّبْحَ فَقُلْ عَشْرَ مَرَّاتٍ سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُعَافِيكَ بِذَلِكَ مِنَ الْعَمَى وَالْجُنُونِ وَالْجُدَامِ وَالْفَقْرِ وَالْهَرَمِ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ هَذَا لِلدُّنْيَا فَمَا لِلْآخِرَةِ، فَقَالَ: تَقُولُ فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ اللَّهُمَّ اهْدِنِي مِنْ عِنْدِكَ وَأَفِضْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ وَانْشُرْ عَلَيَّ مِنْ رَحْمَتِكَ وَأَنْزِلْ عَلَيَّ مِنْ بَرَكَاتِكَ، قَالَ: فَقَبِضْ عَلَيْهِنَّ بِيَدِهِ ثُمَّ مَضَى، فَقَالَ رَجُلٌ لِبَنِي عَبَّاسٍ: مَا أَشَدَّ مَا قَبِضَ عَلَيْهَا خَالِكَ، فَقَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله وسلم: أَمَا إِنَّهُ إِنْ وَافَى بِهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَمْ يَدْعُهَا مُتَعَمِّدًا فَتَحَتْ لَهُ ثَمَانِيَةُ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ يَدْخُلُهَا مِنْ أَيِّهَا شَاءَ».

٦. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّعْدُ آبَادِي،

۳. امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس صد بار در هنگام بعداز ظهر و شامگاه تکبیر گوید، مثل کسی است که صد بنده آزاد کرده است.

۴. امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس روزی سی بار خداوند را تسبیح گوید، هفتاد نوع بلا را از او دور می‌کند که کمترین آن تنگدستی است.

۵. شبیه هذلی می‌گوید: نزد پیامبر رفتم و گفتم: پیر مردی ناتوانم و از عهده روز و حج و جهاد بر نمی‌آیم. ای رسول خدا! به من سخنی مفید تعلیم بده و بار واجباتم را آسان کن. حضرت فرمود: تقاضای خود را تکرار کن. او دوباره گفت. پیامبر فرمود: درخت و نهالی نیست مگر این که از ناتوانی تو اشک ریخته باشد. هرگاه نماز صبح می‌خوانی، ده بار بگو: «سبحان الله العظیم و بحمده و لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظیم». بی‌گمان خداوند از این طریق تو را از نابینایی و جنون و خوره و فقر و شکستگی استخوان می‌رهاند. گفت: این‌ها برای دنیا است. ای پیامبر! برای آخرت چه کنم؟

فرمود: در پی هر نمازی بگو: «اللهم اهدنی من عندک و افضی علی من فضلک و انشر علی من رحمتک و انزل علی من برکاتک»، آن‌گاه مرد با دست دعاها را شمرد. شخصی به ابن عباس گفت: دایی تو، چه دقیق نصایح پیامبر را گرفت. پیامبر فرمود: اگر او اینها را تا روز قیامت ادامه دهد و به طور عمدی ترک شان نکند. هشت در بهشت به سوی او کشود. شود تا از هر در که خواست در آید.

۶. امام صادق علیه السلام هر کس با گفتار نیک و با کردار نیک روزه‌اش را به آخر برد روزه‌اش



قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَبَانٍ وَغَيْرِهِ عَنْ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام، قَالَ: «مَنْ خَتَمَ صِيَامَهُ بِقَوْلٍ صَالِحٍ أَوْ عَمَلٍ صَالِحٍ تَقَبَّلَ اللَّهُ مِنْهُ صِيَامَهُ فَقِيلَ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَا الْقَوْلُ الصَّالِحُ قَالَ شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ إِخْرَاجُ الْفِطْرَةِ.

٧. حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ سُلَيْمَانَ بْنِ مُقْبِلٍ الْمَدِينِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام، قَالَ: «مَنْ جَالَسَ لَنَا غَائِبًا أَوْ مَدَحَ لَنَا قَالِيًا أَوْ وَاصَلَ لَنَا قَاطِعًا أَوْ قَطَعَ لَنَا وَاصِلًا أَوْ وَالَى لَنَا عَدُوًّا أَوْ عَادَى لَنَا وَلِيًّا فَقَدْ كَفَرَ بِاللَّهِ أَنْزَلَ السَّبْعَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ».

٨. حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ نَائِنَةَ عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْفَضْلِ الْهَاشِمِيِّ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «طُوبَى لِمَنْ طَالَ عُمُرُهُ وَحَسَنَ عَمَلُهُ فَحَسَنَ مُنْقَلَبُهُ إِذْ رَضِيَ عَنْهُ رَبُّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَوَيْلٌ لِمَنْ طَالَ عُمُرُهُ وَسَاءَ عَمَلُهُ فَسَاءَ مُنْقَلَبُهُ إِذْ سَخِطَ عَلَيْهِ رَبُّهُ عَزَّ وَجَلَّ».

٩. حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ (رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ)، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «مَنْ أَحْسَنَ فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمُرِهِ لَمْ يُوَاخِذْ بِمَا مَضَى مِنْ ذَنْبِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمُرِهِ أَخَذَ بِالْأَوَّلِ وَالْآخِرِ».

١٠. حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدَ بْنِ مَسْرُورٍ عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ غَامِرٍ عَنِ الْمُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ الْبُصْرِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: «أَنْ عَلِيًّا وَصِيِّي وَخَلِيفَتِي وَزَوْجَتُهُ فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ ابْنَتِي وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَلَدَايَ مَنْ وَالَاهُمْ فَقَدْ وَالَانِي وَمَنْ عَادَاهُمْ فَقَدْ عَادَانِي وَمَنْ نَاوَاهُمْ فَقَدْ نَاوَانِي وَمَنْ جَفَاهُمْ فَقَدْ

مقبول است. گفته شد ای پسر رسول خدا گفتار نیک چیست؟ فرمود شهادت دادن به توحید و کردار نیک یعنی دادن فطریه.

۷. امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس همنشینی با عیب جوی ما داشت باشد یا دشمن ما را ستایش کند یا با کسی که از ما بریده پیوندد داشته باشد و یا از خویشان ما فاصله بگیرد و یا با دشمن ها دوست باشد یا با دوست ما دشمنی کند، سوکند به آن که سوره حمد و قرآن کریم را نازل کرده است کافر است.

۸. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خوشا به حال کسی که عمر دراز و کردار نیک و آخرت نیکو داشته است زیرا خداوند از او خشنود است. دور از رحمت خداست کسی که عمر دراز و بدفرجامی دارد، چرا که خدا بر او خشمگین شده است.

۹. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس در روزهایی که از عمرش باقی مانده، رفتار شایسته داشته باشد، از گذشته او پرسیده نمی شود؛ ولی هر کس که در آخر عمرش رفتار ناشایست داشته باشد، از آغاز تا پایان عمرش مورد مواخذه قرار خواهد گرفت.

۱۰. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: علی وصی و جانشین من است و همسرش، فاطمه، سرور زنان جهان، حسن و حسین دو سرور جوانان بهشتی فرزندان من هستند هر کس آنان را دوست بدارد، مرا دوست داشته است. و هر کس آنان را دشمن بدارد، مرا دشمن می دارد، هر کس از آنان دوری کند، از من دوری گزیده و هر کس به آنان ستم کند، به من جفا کرده و هر کس با آنان رفتار نیکو داشته باشد، با من رفتار خوش داشته است. خداوند با کسی

جَفَانِي وَمَنْ بَرَّهُمْ فَقَدْ بَرَّنِي وَصَلَّ اللَّهُ مِنْ وَصَلَهُمْ وَقَطَعَ مَنْ قَطَعَهُمْ وَنَصَرَ مَنْ أَعَانَهُمْ وَ
خَذَلَ مَنْ خَذَلَهُمْ اللَّهُمَّ مَنْ كَانَ لَهُ مِنْ أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ ثَقُلُ وَأَهْلُ بَيْتِ فَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ
وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ أَهْلُ بَيْتِي وَثَقَلِي فَأَذْهِبْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهِّرْهُمْ تَطْهِيراً».



مركز تحقيقات فقهية و شرعية



السلام



است که با آنان است و خدا پیوند خود را قطع کند از کسی که از آنان بریده است. خدا یاری می‌کند هر کس را که به آنان یاری رساند، و به حال خود وامی‌گذارد، کسی را که آنان را رها کرده است. خدایا! هر کلام از پیامبران نسلی دارد و خاندان علی و فاطمه و حسن و حسین نسل و خاندانم هستند پلیدی را از آنان دور ساز و به نیکی تطهیرشان کن.

السلامی



مرکز تحقیقات و اسناد ملی





السلام

المجلس الرابع عشر

يوم الثلاثاء لخمس خلون من شهر رمضان

من سنة سبع و ستين و ثلاثمائة

١. حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوئِيهِ الْقُمِّيُّ رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ (رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ)، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ، قَالَ: سَمِعْتُ الصَّادِقَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ رحمته الله يَقُولُ: «إِنَّ لِلَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ عُتْقَاءَ وَطُلُقَاءَ مِنَ النَّارِ إِلَّا مَنْ أَفْطَرَ عَلَى مُسْكِرٍ» فَإِذَا كَانَ آخِرُ لَيْلَةٍ مِنْهُ أُعْتُقَ فِيهَا مِثْلُ مَا أُعْتُقَ فِي جَمِيعِهِ.

٢. حَدَّثَنَا أَبِي رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَمَّنْ سَمِعَ أَبَا جَعْفَرٍ رحمته الله، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: «لَمَّا حَضَرَ شَهْرُ رَمَضَانَ، وَذَلِكَ لِثَلَاثِ بَقِيْنَ مِنْ شَعْبَانَ، قَالَ لَيْلَالٍ نَادٍ فِي النَّاسِ فَجَمَعَ النَّاسُ ثُمَّ صَعِدَ الْمُنْبَرَ فَحَمِدَ اللَّهَ وَاتَّخَذَ عَلَيْهِ، ثُمَّ قَالَ: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ هَذَا الشَّهْرَ قَدْ حَضَرَكُمْ وَهُوَ سَيِّدُ الشُّهُورِ فِيهِ لَيْلَةٌ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ تُغْلَقُ فِيهِ أَبْوَابُ النَّارِ وَتُفْتَحُ فِيهِ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ فَمَنْ أَدْرَكَهُ فَلَمْ يُغْفَرْ لَهُ فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ وَمَنْ أَدْرَكَهُ فَلَمْ يُغْفَرْ لَهُ فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ وَمَنْ ذُكِرَتْ عِنْدَهُ فَلَمْ يُصَلِّ عَلَىَّ فَلَمْ يُغْفَرْ لَهُ فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ».

٣. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ سَعِيدٍ الْعَسْكَرِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْأَسْوَدِ الْعَجَلِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ الْحَمِيدِ بْنُ يَحْيَى أَبُو يَحْيَى الْحِمَّانِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ الْهَذَلِيُّ عَنِ الزُّهْرِيِّ عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: كَانَ



مجلس چهاردم

سه شنبه پنجم ماه رمضان سال ۳۶۷

السلامی

۱. امام صادق علیه السلام فرمود: بی گمان در هر شب از شب های ماه رمضان، خداوند بندگان آزاد و رها شده از آتش جهنم دارد، مگر کسی که روزهاش را با شراب یگشاید. خداوند در آخرین شب رمضان، بندگان را از آتش جهنم می رهاند که تعداد آنان با آزاد شدگانی در ماههای دیگر سال برابر است.

۲. امام باقر علیه السلام فرمود: هرگاه که ماه رمضان نزدیک می شد پیامبر در سه روز آخر ماه شعبان به بلال فرمان می داد که مردم را در مسجد گرد هم آورد. آنگاه بالای منبر می رفت و پس از حمد و ستایش خدا می فرمود:

ای مردم! ماهی که بر شما وارد شده، سرور ماههای دیگر است. در رمضان شبی است که بیش از هزار ماه ارزش دارد و در این ماه درهای بهشت به روی شما باز شده و درهای دوزخ بسته شود. هر که به رمضان وارد شود و آمرزیده نشود، از رحمت الهی به دور خواهد ماند، چنانچه هر کس با خدمت به پدر و مادرش آمرزیده نشود و هر کس نام مرا بشنود و بر من درود نفرستد.

۳. عبدالله بن عباس می گوید: هرگاه ماه رمضان می آمد. پیامبر خدا السیران را آزاد می کرد و نیازمندان را به خوبی نوازش می کرد.



السنن

رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا دَخَلَ شَهْرُ رَمَضَانَ أَطْلَقَ كُلَّ أَسِيرٍ وَأَعْطَى كُلَّ سَائِلٍ.

٤. حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ ﷺ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، قَالَ: حَدَّثَنِي عُثْمَانُ بْنُ عِيسَى عَنِ الْعَلَاءِ بْنِ الْمُسَيَّبِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ ﷺ، قَالَ: قَالَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ ﷺ لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ: «يَا أَبَتِ مَا جَزَاءُ مَنْ زَارَكَ، فَقَالَ: مَنْ زَارَنِي أَوْ زَارَ أَبَاكَ أَوْ زَارَكَ أَوْ زَارَ أَخَاكَ كَانَ حَقًّا عَلَيَّ أَنْ أَزُورَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى أَخْلُصَهُ مِنْ ذُنُوبِهِ».

٥. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ ﷺ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّعْدِ أَبَا دِي عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرِ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ﷺ أَنَّهُ قَالَ: «لِكُلِّ شَيْءٍ رِبْعٌ وَرِبْعُ الْقُرْآنِ شَهْرُ رَمَضَانَ».

٦. حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ ﷺ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مَخْبُوبٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ فَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ﷺ، قَالَ: «الْحَافِظُ لِلْقُرْآنِ الْعَامِلُ بِهِ مَعَ السَّفَرَةِ الْكَرَامِ الْبَرَّةِ».

٧. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ ﷺ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ يَحْيَى الْحَلْبِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ سَعْدِ بْنِ ظَرِيفٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ ﷺ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «مَنْ قَرَأَ عَشْرَ آيَاتٍ فِي لَيْلَةٍ لَمْ يَكُتِبْ مِنَ الْعَافِلِينَ وَمَنْ قَرَأَ خَمْسِينَ آيَةً كُتِبَ مِنَ الدَّاكِرِينَ وَمَنْ قَرَأَ مِائَةَ آيَةٍ كُتِبَ مِنَ الْقَانِتِينَ وَمَنْ قَرَأَ مِائَتَيْ آيَةٍ كُتِبَ مِنَ الْخَاشِعِينَ وَمَنْ قَرَأَ ثَلَاثِمِائَةَ آيَةٍ كُتِبَ مِنَ الْفَائِزِينَ وَمَنْ قَرَأَ خَمْسِمِائَةَ آيَةٍ كُتِبَ مِنَ الْمُجْتَهِدِينَ وَمَنْ قَرَأَ أَلْفَ آيَةٍ كُتِبَ لَهُ قِنْطَارُ وَالْقِنْطَارُ خَمْسُونَ أَلْفَ مِثْقَالٍ ذَهَبٍ وَالْمِثْقَالُ أَرْبَعَةُ وَعِشْرُونَ قِيرَاطًا أَصْغَرُهَا مِثْلُ جَبَلٍ أَحَدٍ وَأَكْبَرُهَا مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ».

٨. حَدَّثَنَا أَبِي ﷺ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَسَّانٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ الْبَطَّائِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ الْحَدَّاءِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ ﷺ، قَالَ: «مَنْ أَوْتَرَ بِالْمَعْوَذَتَيْنِ وَ



۴. رسول خدا ﷺ فرمود: امام مجتبیٰ علیه السلام به پیامبر گفت: ای پدر! پاداش کسی که تو را زیارت کند، چیست؟ پیامبر فرمود هر کس مرا، پدرت یا برادرت را زیارت کند، می بایست در روز قیامت او را زیارت کنم تا از گناهانی که دارد نجاتش دهم.

۵. امام باقر علیه السلام فرمود: برای هر چیزی بهاری است؛ همانا بهار قرآن همانا رمضان است.

۶. امام صادق علیه السلام فرمود: هر که حافظ قرآن کریم باشد و به فرمانهای آن پای بند باشد، سر سفره کرامت بزرگواران می نشیند.



۷. رسول خدا ﷺ فرمود: هر که تلاوت ده آیه از قرآن کریم برنامه شبانه اش باشد، در زمره بی خبران نخواهد بود. هر که پنجاه آیه بخواند، از ذاکران حق بوده و هر که صد آیه بخواند، از عابدان به شمار می آید و هر که دویست آیه بخواند، از خاشعان است، و هر که سیصد آیه تلاوت کند، در گروه رستگاران بوده و هر که پانصد آیه تلاوت کند، از تلاشگران راه خدا به حساب می آید و هر که هزار آیه، تلاوت کند، برای او قنطاری باشد که پنجاه هزار مثقال طلاست و هر مثقالی بیست و چهار قیراط که کمترین آن مانند کوه احد است و بیشترین آن میان آسمان و زمین است.

۸. امام باقر علیه السلام فرمود: هر که سوره های توحید و ناس و فلق را در نماز و تر تلاوت کند، به او چنین خطاب می شود: ای بنده خدا! تو را مژده باد که

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»^(١) قِيلَ لَهُ يَا عَبْدَ اللَّهِ أَنْشُرْ فَقَدْ قِيلَ اللَّهُ وَتَرَكَ.

٩. حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَيْمُونٍ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: «مَنْ سَلَكَ طَرِيقاً يَطْلُبُ فِيهِ عِلْماً سَلَكَ اللَّهُ بِهِ طَرِيقاً إِلَى الْجَنَّةِ فَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَتَضَعُ أجنحتها لَطَالِبِ الْعِلْمِ رَضَى بِهِ وَإِنَّهُ لَيَسْتَغْفِرُ لَطَالِبِ الْعِلْمِ مَنْ فِي السَّمَاءِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ حَتَّى الْخُوثُ فِي الْبَحْرِ وَفَضْلُ الْعَالِمِ عَلَى الْعَابِدِ كَفَضْلِ الْقَمَرِ عَلَى سَائِرِ النُّجُومِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ، وَإِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ إِنْ الْأَنْبِيَاءُ لَمْ يُورَثُوا دِينَاراً وَلَا دِرْهماً وَلَكِنْ وَرَثُوا الْعِلْمَ فَمَنْ أَخَذَ مِنْهُ أَخَذَ بِحِطِّ وَافِرٍ».

١٠. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّعْدِ أَبَا دِي عَنِ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْجَامُورَانِيُّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): «مُجَالَسَةُ أَهْلِ الدِّينِ شَرَفُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ».

١١. حَدَّثَنَا حَمْزَةُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليهم السلام، قَالَ: أَخْبَرَنِي عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ سَنَةَ سَبْعٍ وَثَلَاثِمِائَةٍ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ عَلِيٍّ بْنِ مَعْبُدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا عليه السلام عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: «يَا عَلِيُّ أَنْتَ أَخِي وَوَزِيرِي وَصَاحِبُ لَوَائِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَنْتَ صَاحِبُ حَوْضِي مَنْ أَحْبَبَكَ أَحْبَبَنِي وَمَنْ أَبْغَضَكَ أَبْغَضَنِي».

پروردگارت نماز و ترت را قبول کرد.

۹. رسول خدا ﷺ فرمود: هرکس جویای علم باشد، سرانجام خداوند او را به بهشت می‌رساند. چون فرشتگان حق پروبال‌های خود را برای جویندگان دانش و حقیقت پهن می‌کنند تا آنان خشنود شوند. بی‌گمان هر که در آسمان و زمین است، حتی ماهیان دریا، برای طالبان علم آمرزش گناه می‌طلبند. برتری دانا بر عابد، برتری ماه بر ستارگان در شب چهارده است. عالمان دین بی‌تردید وارثان انبیا می‌باشند، چرا که آنان دانش را برای دیگران به یادگار می‌گذارند، نه دینار و درهم را. هرکس از میراث پیامبران نصیب داشته باشد، بهره فراوانی می‌برد.

۱۰. امام صادق علیه السلام فرمود: به نقل از پدران خود چنین فرمود: آبروی انسان در دنیا و آخرت در گرو معاشرت با مؤمنان داناست.

۱۱. رسول خدا ﷺ فرمود: ای علی! تو برادر و وزیر و صاحب پرچم من در دنیا و آخرت هستی و نیز تو صاحب حوض کوثری، هر که تو را دوست داشته باشد، مرا دوست داشته و هر که تو را دشمن بدارد، مرا دشمن داشته است.



السلام

المجلس الخامس عشر

يوم الجمعة لثمان خلون من شهر رمضان

من سنة سبع وستين و ثلاثمائة

١. حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابَوَيْهِ الْقُمِّيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ الْكُوفِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا جَدِّي الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَنْ جَدِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ أَبِي زِيَادٍ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لِأَصْحَابِهِ: «أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِشَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ فَعَلْتُمُوهُ تَبَاعَدَ الشَّيْطَانُ مِنْكُمْ تَبَاعَدَ الْمَشْرِقُ مِنَ الْمَغْرِبِ، قَالُوا: بَلَى قَالَ: الصَّوْمُ يُسَوِّدُ وَجْهَهُ وَ الصَّدَقَةُ تَكْسِرُ ظَهْرَهُ وَ الْحُبُّ فِي اللَّهِ وَ الْمَوَازَرَةُ عَلَى الْعَمَلِ الصَّالِحِ يَقْطَعَانِ ذَابِرَهُ وَ الْاسْتِغْفَارُ يَنْقُطِعُ وَبَيْنَهُ وَ لِكُلِّ شَيْءٍ زَكَاةٌ وَ زَكَاةُ الْإِبْدَانِ الصَّيَامُ».

٢. حَدَّثَنَا أَبِي عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الْكُمَيْدَانِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنْ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ هَارُونَ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو يَزِيدَ عَنْ حُصَيْنٍ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام، قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: «عَلَيْكُمْ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ بِكَثْرَةِ الْاسْتِغْفَارِ وَ الدُّعَاءِ، فَأَمَّا الدُّعَاءُ فَيُذْفَعُ عَنْكُمْ بِهِ الْبَلَاءُ وَ أَمَّا الْاسْتِغْفَارُ فَتَمْحَى بِهِ ذُنُوبُكُمْ».

٣. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى كَرِهَ لِي سِتَّ خِصَالٍ وَ كَرِهَتْهُمْ لِلْأَوْصِيَاءِ مِنْ وَلَدِي عليه السلام وَ أَتْبَاعِهِمْ مِنْ بَعْدِي:

مجلس پانزدهم

جمعه هشتم ماه رمضان ۳۶۷

السلامی

۱. رسول خدا ﷺ فرمود: آیابه شما خبر دهم از چیزی که اگر آن را انجام دهید، شیطان به اندازه مشرق تا مغرب از شما دور شود؟ یاران گفتند: چرا! آنگاه پیامبر فرمود: روزه، رخسارش را سیاه می‌کند و صدقه پشتتش را می‌شکند و دوستی برای خدا و همکاری در کار خیر دنباله او را جدا می‌کند و طلب آمرزش، رکنش را می‌برد. هر چیزی زکاتی دارد، و زکات بدن‌ها، روزه گرفتن است.



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

۲. امام علی علیه السلام فرمود: وظیفه شما در ماه مبارک رمضان بسیار آمرزش خواستن و نیایش کردن است. اما، نیایش بلا را از شما دور می‌کند و آمرزش خواهی، گناهان شما را محو می‌سازد.

۳. رسول خدا ﷺ فرمود: بی‌گمان خداوند شش کار را برایم نپسندید که من هم برای جانشینان از فرزندانم و نیز پیروانم نمی‌پسندم: بازی کردن در حال نماز، نزدیکی با زنان در حال روزه، منت گذاشتن پس از صدقه دادن، به مسجد رفتن، در حال جنب تجسس سرکشیدن به خانه دیگران و خندیدن در گورستان.

الْعَبَثَ فِي الصَّلَاةِ وَالرَّفَثَ فِي الصَّوْمِ، وَالْعَنَ بَعْدَ الصَّدَقَةِ، وَإِثْيَانَ الْمَسَاجِدِ - جُنُبًا، وَ التَّطَلُّعَ فِي الدُّورِ، وَالضَّحِكَ بَيْنَ الْقُبُورِ.

٤. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ رحمهم الله، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَبِيهِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ عَمْرِو الشَّامِيِّ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام، قَالَ: «إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فَغُرَّةُ الشُّهُورِ شَهْرُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَهُوَ شَهْرُ رَمَضَانَ وَقَلْبُ شَهْرِ رَمَضَانَ لَيْلَةُ الْقَدْرِ وَنَزَلَ الْقُرْآنُ فِي أَوَّلِ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَاسْتَقْبَلَ الشَّهْرُ بِالْقُرْآنِ».

٥. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْأَصْبَهَانِيِّ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ الْمِنْقَرِيِّ عَنْ حَفْصِ بْنِ غِيَاثٍ قَالَ: قُلْتُ لِلصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام أَخْبِرْنِي عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ» ^(١)، كَيْفَ أُنْزِلَ الْقُرْآنُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ، وَإِنَّمَا أُنْزِلَ الْقُرْآنُ فِي مُدَّةٍ عَشْرِينَ سَنَةً أَوَّلُهُ وَآخِرُهُ، فَقَالَ عليه السلام: «أُنْزِلَ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً فِي شَهْرِ رَمَضَانَ إِلَى بَيْتِ الْمُعْمُورِ، ثُمَّ أُنْزِلَ مِنَ الْبَيْتِ الْمُعْمُورِ فِي مُدَّةٍ عَشْرِينَ سَنَةً».

٦. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ رحمهم الله، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ الْعَزِيزِ بْنُ يَحْيَى، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ زَكْرِيَّا، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عُمَارَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: «سَتُذَفَنُ بَضْعَةٌ مِنِّي بِأَرْضِ خُرَاسَانَ لَا يَزُورُهَا مُؤْمِنٌ إِلَّا أَوْجَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ الْجَنَّةَ وَحَرَّمَ جَسَدَهُ عَلَى النَّارِ».

٧. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ (رَضَوَانُ اللَّهُ عَلَيْهِ)، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْهَمْدَانِيُّ، قَالَ: أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: «إِنَّ بِخُرَاسَانَ لِبُقْعَةٍ يَأْتِي عَلَيْهَا زَمَانٌ تُصِيرُ مُخْتَلَفَ الْمَلَائِكَةِ فَلَا يَزَالُ فَوْجٌ يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَفَوْجٌ يَصْعَدُ إِلَى أَنْ يَنْفَخَ فِي الصُّورِ، فَقِيلَ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَآيَةُ بُقْعَةٍ هَذِهِ، قَالَ: «هِيَ بِأَرْضِ طُوسَ وَهِيَ وَاللَّهُ رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ، مَنْ زَارَنِي فِي تِلْكَ الْبُقْعَةِ كَانَ كَمَنْ زَارَ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَكَتَبَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَهُ بِذَلِكَ

۴. امام صادق علیه السلام فرمود: ماههای سال نزد خدا در کتاب او دوازده ماه است. از هنگامی که او آسمانها و زمین را آفریده، درخشان ترین ماهها، ماه رمضان است و شب قدر، قلب رمضان است. قرآن در شب نخست رمضان فرود آمده است؛ پس همراه قرآن به پیشواز ماه رمضان بروید.

السلامی

۵. جعفر پسر غیاث درباره آیه نزول قرآن «شهر رمضان الذی انزل فیہ القرآن..» پرسید: چگونه قرآن در رمضان نازل شده، حال آنکه مدت نزول آن بیست سال بوده است؟ امام صادق علیه السلام چنین فرمود: همه قرآن در رمضان به بیت المعمور نازل شده و بعد از بیست سال از آن جا فرود آمده است.



۶. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بی گمان یکی از فرزندانم در سرزمین خراسان به خاک سپرده می شود. هیچ مؤمنی او را زیارت نکند، مگر اینکه خداوند او را وارد بهشت کند و بدن او را از آتش جهنم دور سازد.

۷. امام رضا علیه السلام فرمود: در خراسان بقعه ای است که مکان رفت و آمد فرشتگان خواهد شد. فرشتگان تا هنگام دمیدن در صور دسته دسته فرود می آیند و بالا می روند پرسیدند: مراد کدام بقعه است، ای پسر پیامبر خدا؟ فرمود: زمین طوس. به خدا سوگند آن باغی است از باغهای بهشت و هر که مراد در آنجا زیارت کند، به کسی می ماند که پیامبر خدا را زیارت کرده است. خداوند برای او پاداش هزار حج مبروره و عمره مفرده قرار می دهد. به

ثَوَابُ أَلْفِ عُمْرَةٍ مَقْبُولَةٌ وَكُنْتُ أَنَا وَآبَائِي شَفَاعَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

٨. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي الصَّلْتِ عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ صَالِحِ الْهَرَوِيِّ، قَالَ: سَمِعْتُ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: «وَاللَّهِ مَا مِنَّا إِلَّا مَقْتُولٌ شَهِيدٌ»، فَقِيلَ لَهُ فَمَنْ يَقْتُلُكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، قَالَ: «شَرُّ خَلْقِي اللَّهُ فِي زَمَانِي يَقْتُلُنِي بِالسَّمِّ يَذْفِنُنِي فِي دَارٍ مَضِيعَةٍ وَبِلَادٍ غُرْبَةٍ، أَلَا فَمَنْ زَارَنِي فِي غُرْبَتِي كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ أَجْرَ مِائَةِ أَلْفِ شَهِيدٍ وَ مِائَةِ أَلْفِ صَدِيقٍ وَ مِائَةِ أَلْفِ حَاجٍ وَ مُعْتَمِرٍ وَ مِائَةِ أَلْفِ مُجَاهِدٍ وَ حُسْرٍ فِي زَمَرَتِنَا وَ جُعِلَ فِي الدَّرَجَاتِ الْعُلَى مِنَ الْجَنَّةِ رَفِيقَنَا».

٩. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيْسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرِ بْنِ الْبَزْطَطِيِّ، قَالَ: قَرَأْتُ فِي كِتَابِ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: «أَبْلَغُ شَيْعَتِي أَنْ زِيَارَتِي تَعْدِلُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَلْفَ حِجَّةٍ»، قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَلْفَ حِجَّةٍ؟ قَالَ: «إِي وَ اللَّهِ وَ أَلْفَ أَلْفِ حِجَّةٍ لِمَنْ زَارَهُ عَارِفًا بِحَقِّهِ».

١٠. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْهَمْدَانِيُّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَالٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ لَهُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ خُرَاسَانَ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فِي الْمَنَامِ كَأَنَّهُ يَقُولُ لِي: «كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا دُفِنَ فِي أَرْضِكُمْ بَضْعَتِي وَاسْتَحْفِظْتُمْ وَدِيعَتِي وَغُيِّبَ فِي ثَرَاكُم نَجْمِي»، فَقَالَ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: «أَنَا الْمَدْفُونُ فِي أَرْضِكُمْ وَ أَنَا بَضْعَةٌ مِنْ نَبِيِّكُمْ وَ أَنَا الْوَدِيعَةُ وَ النَّجْمُ، أَلَا فَمَنْ زَارَنِي وَهُوَ يَعْرِفُ مَا أَوْجَبَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مِنْ حَقِّي وَ طَاعَتِي فَأَنَا وَ آبَائِي شَفَاعَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ مَنْ كُنَّا شَفَاعَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ نَجَا وَلَوْ كَانَ عَلَيْهِ مِثْلُ وَزْرِ الثَّقَلَيْنِ الْجَنِّ وَ الْإِنْسِ، وَ لَقَدْ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ قَالَ: مَنْ رَأَى فِي مَنَامِهِ فَقَدْ رَأَى لَأَنَّ الشَّيْطَانَ لَا يَتِمَّتُ فِي صُورَتِي وَ لَا فِي صُورَةِ أَحَدٍ مِنْ أَوْصِيَائِي وَ لَا فِي صُورَةِ أَحَدٍ مِنْ شَيْعَتِهِمْ وَ إِنَّ الرُّؤْيَا الصَّادِقَةَ جُزْءٌ مِنْ سَبْعِينَ جُزْءًا مِنَ النَّبُوءَةِ».

١١. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ الْخَافِظُ الْبَغْدَادِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ

من و پدرانم در روز قیامت او را شفاعت خواهیم کرد.

۸. امام رضا علیه السلام فرمود: به خدا سوگند، ما فرزندان پیامبر گشته و شهید هستیم. گفته شد: ای پسر پیامبر خدا چه کسی شما را می کشد؟ فرمود: بدترین آفریده خداوند در عصر من. او مرا مسموم می کند و در خانه ای پنهان و دور از وطن به خاک می سپارد. هر کس مرا در آن سرزمین غریب زیارت کند، خداوند برای او ثواب صد هزار شهید و صد هزار صدیق و صد هزار حاجی در ایام حج و عمره و صد هزار مجاهد ثبت می کند، او در گروه ما محشور می شود و همدم ما در بهترین جایگاههای بهشتی خواهد بود.

۹. ابی نصر بنظلی می گوید: در کتاب امام رضا خواندم که آن حضرت فرمود: شیعیان من بدانند که زیارت من نزد خدا با هزار حج برابری می کند. به امام جواد گفتم: هزار حج؟ فرمود: آری! به خدا سوگند پاداش هزار حج برای کسی می نویسد که زائر عارف به مقام او باشد.

۱۰. امام رضا علیه السلام فرمود: یکی از مردم خراسان به آن حضرت چنین گفت: ای پسر رسول خدا! من پیامبر را در خواب دیدم که گویی خطاب به من می فرمود: آنگاه که در سرزمین شما از نسل من (امانت) به خاک سپرده شود و ستاره من در خراسان غروب کند، چگونه با او رفتار خواهید کرد؟ امام رضا علیه السلام فرمود: من هستم آنکه از نسل پیامبر خدا در سرزمین شما به عنوان امانت به خاک سپرده می شوم و همچون ستاره در خراسان غروب می کنم. هر که زائر عارف به حق و مقام الهی ام باشد، در روز قیامت، من و پدرانم شفیع او خواهیم شد. هر که ما خاندان پیامبر شفیع او باشیم، در رستاخیز از رستگاران است؛ هر چند گناهان جن و انس را داشته باشد. پدرم از جدم و او از پدرش نقل کرد که پیامبر فرمود: هر کس مرا در خواب ببیند، بی گمان مراد دیده است. چون شیطان، نه در چهره من در می آید و نه در چهره یکی از جانشینانم و نه در چهره یکی از پیروانم. در حقیقت خواب راست، پاره ای از هفتاد پاره نبوت است.

۱۱. عبدالله بن عباس می گوید: پیامبر خدا بر منبر بالا رفت. آنگاه مردم او جمع



بَنِ ثَابِتِ بْنِ كِنَانَةَ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ الْعَبَّاسِ أَبُو جَعْفَرٍ الْخُرَاصِيُّ، قَالَ:
 حَدَّثَنَا حَسَنُ بْنُ الْحُسَيْنِ الْعُرَيْثِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَمْرُو بْنُ ثَابِتٍ عَنْ عَطَاءِ بْنِ السَّائِبِ عَنْ أَبِي
 يَحْيَى عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: صَعِدَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ الْمِنْبَرَ فَخَطَبَ وَاجْتَمَعَ النَّاسُ إِلَيْهِ،
 فَقَالَ ﷺ: «يَا مَعْشَرَ الْمُؤْمِنِينَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَوْحَى إِلَيَّ أَنِّي مَقْبُوضٌ وَأَنَّ ابْنَ عَمِّي عَلِيًّا
 مَقْتُولٌ، وَأَنِّي أَيُّهَا النَّاسُ أَخْبِرُكُمْ خَبْرًا إِنْ عَمِلْتُمْ بِهِ سَلِمْتُمْ وَإِنْ تَرَكْتُمُوهُ هَلَكْتُمْ إِنْ ابْنَ
 عَمِّي عَلِيًّا ﷺ هُوَ أَخِي وَهُوَ وَزِيرِي وَهُوَ خَلِيفَتِي وَهُوَ الْمُبْلَغُ عَنِّي وَهُوَ إِمَامُ الْمُتَّقِينَ وَ
 قَائِدُ الْغُرِّ الْمُحِبِّينَ إِنْ اسْتَرَشِدْتُمُوهُ أَرَشِدْكُمْ وَإِنْ تَبِعْتُمُوهُ نَجَوْتُمْ وَإِنْ خَالَفْتُمُوهُ ضَلَلْتُمْ
 وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُ فَاللَّهُ أَطْعَمَكُمْ وَإِنْ عَصَيْتُمُوهُ فَاللَّهُ عَصَيْتُمْ وَإِنْ بَايَعْتُمُوهُ فَاللَّهُ بَايَعْتُمْ وَإِنْ
 نَكَثْتُمْ، بَيْعَتُهُ فَبَيْعَةُ اللَّهِ نَكَثْتُمْ إِنْ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَنْزَلَ عَلَى الْقُرْآنِ وَهُوَ الَّذِي مَنْ خَالَفَهُ
 ضَلَّ وَمَنْ ابْتَغَى عِلْمَهُ عِنْدَ غَيْرِ عَلِيٍّ هَلَكَ، أَيُّهَا النَّاسُ اسْمَعُوا قَوْلِي وَاعْرِفُوا حَقَّ
 نَصِيحَتِي وَلَا تَخْلِفُونِي فِي أَهْلِ بَيْتِي إِلَّا بِالَّذِي أَمَرْتُمْ بِهِ مِنْ حِفْظِهِمْ فَإِنَّهُمْ حَامَتِي وَ
 قَرَاتِي وَإِخْوَتِي وَأَوْلَادِي وَإِنِّكُمْ مَجْمُوعُونَ وَمُسَاءِلُونَ عَنِ الشَّقَلَيْنِ فَاَنْظُرُوا كَيْفَ
 تَخْلِفُونِي فِيهِمَا إِنَّهُمْ أَهْلُ بَيْتِي فَمَنْ آذَاهُمْ آذَانِي وَمَنْ ظَلَمَهُمْ ظَلَمَنِي وَمَنْ أَذَلَّهُمْ أَذَلَّنِي وَ
 مَنْ أَعَزَّهُمْ أَعَزَّنِي وَمَنْ أَكْرَمَهُمْ أَكْرَمَنِي وَمَنْ تَصَرَّهْمُ تَصَرَّنِي وَمَنْ خَذَلَهُمْ خَذَلَنِي وَمَنْ
 طَلَبَ الْهُدَى فِي غَيْرِهِمْ فَقَدْ كَذَّبَنِي، أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا اللَّهَ وَانْظُرُوا مَا أَنْتُمْ قَائِلُونَ إِذَا
 لَقِيتُمُوهُ فَإِنِّي خَصَمٌ لِمَنْ آذَاهُمْ وَمَنْ كُنْتُ خَصْمَهُ خَصَمْتُهُ، أَقُولُ قَوْلِي هَذَا وَاسْتَغْفِرُ اللَّهَ
 لِي وَلَكُمْ.

شدند. ایشان چنین فرمود: ای ایمان آورندگان! خدا به من وحی فرمود: که من جان می‌سپارم و پسر عموی من علی کشته می‌شود. من شما را از چیزی آگاه می‌سازم که اگر پای بند آن باشید، در ایمان سالم مانده و اگر آن را ترک کنید، نابود شوید. بدانید که علی پسر عمویم برادر و وزیر و جانشین من است. او از جانب من دین را تبلیغ می‌کند و امام پارسایان است و رهبر نیک بختان. اگر از او درخواست رشد و هدایت کنید، شما را رهبری می‌کند. اگر از او پیروی کنید، شما را نجات می‌دهد. اگر با او سرستیز داشته باشید، گمراه و سرگردان خواهید شد. اگر از او فرمان ببرید، خدا را فرمان برده‌اید و اگر او را نافرمانی کنید، خدا از نافرمانی کرده‌اید. اگر با او بیعت کنید، در حقیقت با خدا بیعت کرده‌اید و اگر بیعت او را بشکنید، بیعت خدا را شکسته‌اید. بی‌گمان خدا قرآن را بر من نازل فرمود: و او کسی است که اگر با آن ستیز داشته باشد، گمراه است و هر کس دانش دین غیر علی را بخواند، نابود می‌شود. ای مردم! سخن مرا خوب گوش کنید و حق خیرخواهی ام را درباره خود بشناسید و با خاندانم پس از من همان گونه رفتار کنید که شما را بدان فرمان داده‌ام. زیرا آنان نزدیکان و خویشان و برادران و از نسل من می‌باشند. بی تردید، شما را در قیامت گرد خواهند آورد و از ثقل اکبر (قرآن) و ثقل اصغر (اهل بیت پیامبر) سؤال خواهند کرد. اکنون بیندیشید که پس از رحلت من درباره آنان باید چگونه رفتار کنید. بی شک آنان خاندان پیامبرند و هر که آزارشان دهد پیامبر را آزرده و هر که به آنان ستم کند، به پیامبر ستم روا داشته و هر که خوارشان سازد، پیامبر را خوار داشته و هر که عزیزشان دارد، پیامبر را ارجمند داشته و هر که گرامی شان بدارد، پیامبر را گرامی داشته و هر که آنان را یاری دهد، پیامبر را یاری داده و هر که از آنان جدا شود، از پیامبر جداگشته و هر که به جز خاندانم بخواهد که هدایت شود، مرا تکذیب کرده است. ای مردم! از خدا بترسید و به سرانجام کارتان بیندیشید که به هنگام دیدار خدا چه خواهید گفت. من دشمن هر کس خواهم بود که خاندانم را آزار داده باشد و هر که من دشمنش شوم، بر او چیره خواهم گشت. را می‌گویم این سخن من است و از خدا برای خود و شما آمرزش الهی می‌طلبم.



الشيخ

المجلس السادس عشر

يوم الثلاثاء لاثنتي عشرة ليلة خلت من شهر رمضان

من سنة سبع وستين و ثلاثمائة

١. حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابَوَيْهِ الْقُمِّيُّ رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ وَهْبٍ الْبَصْرِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنِي ثَوَابَةُ بْنُ مَسْعُودٍ عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ، قَالَ: تُوْفِيَ ابْنُ لِعُثْمَانَ بْنِ مَظْعُونٍ (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ) فَاسْتَدَّ حُزْنُهُ عَلَيْهِ حَتَّى اتَّخَذَ مِنْ دَارِهِ مَسْجِدًا يَتَعَبَّدُ فِيهِ، فَبَلَغَ ذَلِكَ رَسُولُ اللَّهِ صلی اللہ علیہ وسلم فَقَالَ لَهُ: «يَا عُثْمَانُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَكْتُبِ اللَّهُ عَلَيْنَا الرُّهْبَانِيَّةَ إِنَّمَا رَهْبَانِيَّةُ أُفْتِي الْجِهَادِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، يَا عُثْمَانُ بْنُ مَظْعُونٍ لِلْجَنَّةِ ثَمَانِيَّةُ أَبْوَابٍ وَلِلنَّارِ سَبْعَةُ أَبْوَابٍ أَفَمَا يَسُرُّكَ أَنْ لَا تَأْتِيَ بَابًا مِنْهَا إِلَّا وَجَدْتَ ابْنَكَ إِلَى جَنْبِكَ آخِذًا بِحُجْرَتِكَ يَشْفَعُ لَكَ إِلَى رَبِّكَ»، قَالَ: بَلَى، فَقَالَ الْمُسْلِمُونَ وَلَنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ فِي قَرِيطِنَا مَا لِعُثْمَانَ؟ قَالَ: «نَعَمْ لِمَنْ صَبَرَ مِنْكُمْ وَاحْتَسَبَ»، ثُمَّ قَالَ: «يَا عُثْمَانُ مَنْ صَلَّى صَلَاةَ الْفَجْرِ فِي جَمَاعَةٍ ثُمَّ جَلَسَ بِذِكْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ حَتَّى تَطْلُعَ الشَّمْسُ كَانَ لَهُ فِي الْفِرْدَوْسِ سَبْعُونَ دَرَجَةً بَعْدَ مَا يَبِينُ كُلُّ دَرَجَتَيْنِ كَحُضْرِ الْفَرَسِ الْجَوَادِ الْمُضْمَرِّ سَبْعِينَ سَنَةً، وَمَنْ صَلَّى الظُّهْرَ فِي جَمَاعَةٍ كَانَ لَهُ فِي جَنَاتِ عَدْنٍ خَمْسُونَ دَرَجَةً بَعْدَ مَا يَبِينُ كُلُّ دَرَجَتَيْنِ كَحُضْرِ الْفَرَسِ الْجَوَادِ خَمْسِينَ سَنَةً، وَمَنْ صَلَّى الْعَصْرَ فِي جَمَاعَةٍ كَانَ لَهُ كَأَجْرِ ثَمَانِيَّةٍ مِنْ وَلَدِ إِسْمَاعِيلَ كُلِّ مِنْهُمْ رَبُّ بَيْتٍ يُغْتَفَقُهُمْ، وَمَنْ صَلَّى الْمَغْرِبَ فِي جَمَاعَةٍ كَانَ لَهُ كَحِجَّةٍ مَبْرُورَةٍ وَعُمْرَةٍ مَقْبُولَةٍ، وَمَنْ صَلَّى الْعِشَاءَ فِي جَمَاعَةٍ كَانَ لَهُ كَقِيَامِ لَيْلَةِ الْقَدْرِ».

٢. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْهَمْدَانِيُّ،

قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ صَالِحٍ بْنِ سَعْدٍ التَّمِيمِيُّ عَنْ أَبِيهِ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ

سنة

مجلس شانزدهم

سه شنبه دوازدهم ماه رمضان سال ۳۶۷

السلام

۱. انس بن مالک می گوید: پسر عثمان که مرد، او چنان اندوهگین شد که در خانه، محلی برای عبادت ساخت. پیامبر ﷺ که از این ماجرا باخبر شد به او فرمودند: ای عثمان! خداوند برای امت من ترک دنیا را نمی پسندد. بی گمان جهاد در راه خدا رهبانیت اتمم است. ای عثمان! بهشت هشت در و دوزخ هفت در دارد. آیا خوشحال نیستی که وقتی از هر در بهشت بخواهی وارد شوی، پسر تو را در کنارت بنگری که دامن تو را گرفته و نزد خدا تو را شفاعت می کند؟ عثمان گفت: آری! یاران گفتند: ای پیامبر خدا! ما هم در مرگ خویشان خود پاداش داریم؟ فرمود: آری! هر کدام از شما که اهل صبر باشد و مصیبت را به حساب خدا گذارد. آنگاه فرمود: ای عثمان! هر کس نماز صبح را در جماعت خوانده و تا روز شود، ذکر خدا بگوید در فردوس برین هفتاد درجه دارد که هفتاد سال دویدن اسب نجیب کمر باریک، فاصله میان درجات است. هر کس نماز ظهر را در جماعت بخواند، در جنات عدن پنجاه درجه دارد که پنجاه سال دویدن چنین اسبی فاصله درجات است. هر کس نماز عصر را در جماعت بخواند، پاداش آزاد کردن هشت تن از نسل اسماعیل را دارد که هر کدام زن و فرزند دارند. هر کس نماز مغرب را در جماعت بخواند، پاداش حج میروز و عمره مقبوله دارد و هر کس نماز عشا را در جماعت بخواند، پاداش شب زنده داری در شب قدر را خواهد داشت.

۲. پیامبر اکرم ﷺ فرمود: خداوند فرشته‌ای به نام سخاییل دارد که برای نماز گزاران

هشام، قال: حَدَّثَنَا مَنْصُورُ بْنُ مُجَاهِدٍ عَنِ الرَّبِيعِ بْنِ بَذْرِ عَنْ سَوَّارِ بْنِ مُسَيْبٍ عَنْ وَهْبٍ عَنْ
 ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «إِنَّ لِلَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مَلَكًا يُسَمَّى سَخَائِيلُ يَأْخُذُ
 الْبَرَوَاتِ لِلْمُصَلِّينَ عِنْدَ كُلِّ صَلَاةٍ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ جَلَّ جَلَالُهُ فَإِذَا أَصْبَحَ الْمُؤْمِنُونَ وَ
 قَامُوا وَتَوَضَّعُوا وَصَلُّوا صَلَاةَ الْفَجْرِ أَخَذَ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بَرَاءَةً لَهُمْ مَكْتُوبٌ فِيهَا أَنَا اللَّهُ
 الْبَاقِي عِبَادِي وَإِمَائِي فِي حَرْزِي جَعَلْتُكُمْ وَفِي حِفْظِي وَتَحْتَ كَنَفِي صَيَّرْتُكُمْ وَعِزَّتِي لَا
 خَذَلْتُكُمْ وَأَنْتُمْ مَغْفُورٌ لَكُمْ ذُنُوبُكُمْ إِلَى الظُّهْرِ، فَإِذَا كَانَ وَقْتُ الظُّهْرِ فَقَامُوا وَتَوَضَّعُوا وَ
 صَلُّوا أَخَذَ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ الْبَرَاءَةَ الثَّانِيَةَ مَكْتُوبٌ فِيهَا أَنَا اللَّهُ الْقَادِرُ عِبَادِي وَإِمَائِي
 بَدَّلْتُ سَيِّئَاتِكُمْ حَسَنَاتٍ وَغَفَرْتُ لَكُمْ السَّيِّئَاتِ وَأَخْلَلْتُكُمْ بِرِضَائِي عَنْكُمْ دَارَ الْجَلَالِ،
 فَإِذَا كَانَ وَقْتُ الْعَصْرِ فَقَامُوا وَتَوَضَّعُوا وَصَلُّوا أَخَذَ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ الْبَرَاءَةَ الثَّالِثَةَ
 مَكْتُوبٌ فِيهَا أَنَا اللَّهُ الْخَلِيلُ جَلَّ ذِكْرِي وَعَظُمَ سُلْطَانِي عِبِيدِي وَإِمَائِي حَرَمْتُ أَبْدَانَكُمْ
 عَلَى النَّارِ وَأَسْكَنْتُكُمْ مَسَاكِينَ الْإِبْرَارِ وَدَفَعْتُ عَنْكُمْ بِرَحْمَتِي شَرَّ الْأَشْرَارِ، فَإِذَا كَانَ وَقْتُ
 الْمَغْرِبِ فَقَامُوا وَتَوَضَّعُوا وَصَلُّوا أَخَذَ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ الْبَرَاءَةَ الرَّابِعَةَ مَكْتُوبٌ فِيهَا
 أَنَا اللَّهُ الْجَبَّارُ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ عِبِيدِي وَإِمَائِي صَعِدَ مَلَائِكَتِي مِنْ عِنْدِكُمْ بِالرِّضَا وَحَقُّ عَلَى
 أَنْ أَرْضِيَكُمْ وَأُعْطِيَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَنِيِّكُمْ، فَإِذَا كَانَ وَقْتُ الْعِشَاءِ فَقَامُوا وَتَوَضَّعُوا وَ
 صَلُّوا أَخَذَ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لَهُمْ الْبَرَاءَةَ الْخَامِسَةَ مَكْتُوبٌ فِيهَا أَنِي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ غَيْرِي وَلَا
 رَبَّ سِوَايَ عِبَادِي وَإِمَائِي فِي بُيُوتِكُمْ تَطَهَّرْتُمْ وَإِلَى بُيُوتِي مَشَيْتُمْ وَفِي ذِكْرِي خُصُّتُمْ وَ
 حَقِّي عَرَفْتُمْ وَفَرَائِضِي أَدَيْتُمْ أَشْهَدُكُمْ يَا سَخَائِيلُ وَسَائِرَ مَلَائِكَتِي أَنِّي قَدْ رَضِيتُ عَنْهُمْ،
 قَالَ: فَيُنَادِي سَخَائِيلُ بِثَلَاثَةِ أَصْوَاتٍ كُلُّ لَيْلَةٍ بَعْدَ صَلَاةِ الْعِشَاءِ، يَا مَلَائِكَةَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ
 تَبَارَكَ وَتَعَالَى قَدْ غَفَرَ لِلْمُصَلِّينَ الْمُؤَحِّدِينَ فَلَا يَنْقَى مَلِكٌ فِي السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ إِلَّا
 اسْتَغْفَرَ لِلْمُصَلِّينَ وَدَعَا لَهُمْ بِالْمَدَاقِفَةِ عَلَى ذَلِكَ، فَمَنْ رَزَقَ صَلَاةَ اللَّيْلِ مِنْ عَبْدٍ أَوْ أَمَةٍ
 قَامَ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مُخْلِصًا قَتُوصًا وَضَوْءًا سَابِعًا وَصَلَّى لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بَيْنَةَ صَادِقَةٍ وَقَلْبِ
 سَلِيمٍ وَبَدَنٍ خَاشِعٍ وَعَيْنٍ دَامِعَةٍ جَعَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى خَلْفَهُ تِسْعَةَ صُفُوفٍ مِنَ
 الْمَلَائِكَةِ فِي كُلِّ صَفٍّ مَا لَا يُحْصَى عَدْدُهُمْ إِلَّا اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَحَدُ طَرَفَيْ كُلِّ صَفٍّ
 بِالْمَشْرِقِ وَالْآخَرُ بِالْمَغْرِبِ، قَالَ: فَإِذَا فَرَغَ كَتَبَ لَهُ بِعَدْدِهِمْ دَرَجَاتٌ»، قَالَ مَنْصُورٌ: كَانَ

هنگام هر نماز از خداوند برات مغفرت می‌گیرد. در هنگام نماز صبح وقتی بر می‌خیزند و نماز می‌خوانند، از خداوند برات می‌گیرد که در برات الهی آمده است من خدای بنده ها و کنیزهای خود هستم و شما را در پناه خود نگاه می‌دارم و زیر سایه خود به عزت خودم شما را به حال خود رها نمی‌کنم و گناهانتان را تا ظهر می‌آمرزم. به هنگام نماز ظهر در برات الهی آمده است: من خدای توانای بنده ها و کنیزها، زشتی‌های شما را تبدیل به زیبایی کرده و زشتی‌هایتان را آمرزیده و شما را در خشنودی خود در سرای جلال وارد کردم. هنگام نماز عصر در برات الهی آمده است: من خدای جلیل بنده ها و کنیزهایم هستم و تن‌های شما را بر آتش حرام ساختم و شما را به منازل نیکان در آورده و گزند بدان را، به رحمت خویش از شما دور کردم.

هنگام نماز مغرب در برات الهی آمده است: من خدای جبار و بزرگ بنده ها و کنیزهایم هستم. فرشتگانم در حالی از نزد شما بازگشتند که راضی هستند. اینک بر من است که شما را شاد کرده و در روز قیامت شما را به خواسته خود برسانم. هنگام نماز عشا در برات الهی آمده است: برای بنده ها و کنیزهایم جز من نه معبودی و نه پروردگاری است. در خانه هایتان خود را پاک کردید و به خانه من آمدید و به یاد من مشغول شدید و حق مرا شناختید و فریضه‌ها را انجام دادید. ای سخاییل! تو را همراه با فرشتگان شاهد می‌گیرم که من از آنان خرسندم. آنگاه سخاییل هر شب در پی نماز عشا سه بار فریاد می‌زند:

ای فرشتگان! خداوند نمازگزاران موحد را آمرزیده است. آنگاه برای ادامه عبادتشان دعا می‌کنند. هر بنده و کنیز خدا که نماز شب خالصانه همراه با وضوی کامل و نیت راست و دل سالم و تن خاشع و دیده‌گریبان به جای آورده خدا پشت سرش نه صف فرشته می‌گذارد که شمار هر صف را فقط خدای دانند. یک سر



السلامی



الرَّبِيعُ بْنُ بَذْرِ إِذَا حَدَّثَ بِهَذَا الْحَدِيثِ يَقُولُ: أَيَنْ أَنْتَ يَا غَافِلٌ عَنْ هَذَا الْكَرَمِ وَأَيَنْ أَنْتَ عَنْ قِيَامِ هَذَا اللَّيْلِ وَ عَنْ جَزِيلِ هَذَا الثَّوَابِ وَ عَنْ هَذِهِ الْكَرَامَةِ.

٣. حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِي الصَّلْتِ الْهَرَوِيِّ، قَالَ: إِنَّ الْمَأْمُونَ قَالَ لِلرَّضَا عليه السلام بِنِ مَوْسَى عليه السلام: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ قَدْ عَرَفْتُ فَضْلَكَ وَعِلْمَكَ وَ زُهْدَكَ وَ وَرَعَكَ وَ عِبَادَتَكَ وَ أَرَاكَ أَحَقُّ بِالْخِلَافَةِ مِنِّي، فَقَالَ الرَّضَا عليه السلام: «بِالْعُبُودِيَّةِ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَفْتَحِرُ وَ بِالزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا أَرْجُو النَّجَاةَ مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا وَ بِالْوَرَعِ عَنِ الْمَحَارِمِ أَرْجُو الْفَوْزَ بِالْمَغَانِمِ وَ بِالتَّوَاضُّعِ فِي الدُّنْيَا أَرْجُو الرُّفْعَةَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ، فَقَالَ لَهُ: الْمَأْمُونَ إِنِّي قَدْ رَأَيْتُ أَنْ أُعْزَلَ نَفْسِي عَنِ الْخِلَافَةِ وَ أَجْعَلَهَا لَكَ وَ أَتَابِعَكَ، فَقَالَ لَهُ الرَّضَا عليه السلام: «إِنْ كَانَتْ هَذِهِ الْخِلَافَةُ لَكَ وَ جَعَلَهَا اللَّهُ لَكَ فَلَا يَجُوزُ أَنْ تَخْلَعَ لِبَاسَ الْبَسَكَةِ اللَّهُ وَ تَجْعَلَهُ لِبَغِيْرِكَ، وَإِنْ كَانَتْ الْخِلَافَةُ لَيْسَتْ لَكَ فَلَا يَجُوزُ لَكَ أَنْ تَجْعَلَ لِي مَا لَيْسَ لَكَ»، فَقَالَ لَهُ الْمَأْمُونَ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ لَا بُدَّ لَكَ مِنْ قَبُولِ هَذَا الْأَمْرِ، فَقَالَ: «لَيْسْتُ أَفْعَلُ ذَلِكَ طَانِعًا أَبَدًا» فَمَا زَالَ يَجْهَدُ بِهِ أَيَّامًا حَتَّى يَتَسَّرَ مِنْ قَبُولِهِ، فَقَالَ لَهُ: فَإِنْ لَمْ تَقْبَلِ الْخِلَافَةَ وَ لَمْ تُجِبْ مُبَايَعَتِي لَكَ فَكُنْ وَلِيَّ عَهْدِي لِتَكُونَ لَكَ الْخِلَافَةُ بَعْدِي، فَقَالَ الرَّضَا عليه السلام: «وَ اللَّهُ لَقَدْ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ آبَائِهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله أَنِّي أَخْرَجُ مِنَ الدُّنْيَا قَبْلَكَ مَقْتُولًا بِالسَّيْفِ مَظْلُومًا تَبْكِي عَلَيَّ مَلَائِكَةُ السَّمَاءِ وَ مَلَائِكَةُ الْأَرْضِ وَ أَذْفَنُ فِي أَرْضِ غُرَبَةٍ إِلَى جَنْبِ هَارُونَ الرَّشِيدِ، فَبَكَى الْمَأْمُونَ ثُمَّ قَالَ لَهُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَ مَنِ الَّذِي يَقْتُلُكَ أَوْ يَقْدِرُ عَلَى الْإِسَاءَةِ إِلَيْكَ وَ أَنَا حَيٌّ، فَقَالَ الرَّضَا عليه السلام: «أَمَّا إِنِّي لَوْ أَشَاءُ أَنْ أَقُولَ مِنَ الَّذِي يَقْتُلُنِي لَقُلْتُ»، فَقَالَ الْمَأْمُونَ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنَّمَا تُرِيدُ بِقَوْلِكَ هَذَا التَّخْفِيفَ عَنْ نَفْسِكَ وَ دَفْعَ هَذَا الْأَمْرِ عَنْكَ لِيقُولَ النَّاسُ إِنَّكَ زَاهِدٌ فِي الدُّنْيَا، فَقَالَ الرَّضَا عليه السلام: «وَ اللَّهُ مَا كَذَبْتُ مِنْذُ خَلَقَنِي رَبِّي عَزَّ وَ جَلَّ وَ مَا زَهَدْتُ فِي الدُّنْيَا لِلدُّنْيَا وَ إِنِّي لَأَعْلَمُ مَا تُرِيدُ»، فَقَالَ الْمَأْمُونَ: وَ مَا أُرِيدُ، قَالَ: «الْأَمَانَ عَلَى الصَّدْقِ»، قَالَ لَكَ الْإِمَانُ قَالَ: تُرِيدُ بِذَلِكَ أَنْ يَقُولَ النَّاسُ إِنَّ عَلِيَّ بْنَ مَوْسَى لَمْ يَزْهَدْ فِي الدُّنْيَا بَلْ زَهَدَتْ الدُّنْيَا فِيهِ أَلَا تَرَوْنَ كَيْفَ قَبَلَ وَلَايَةَ الْعَهْدِ طَمَعًا فِي الْخِلَافَةِ فَعَضِبَ الْمَأْمُونَ، ثُمَّ قَالَ: إِنَّكَ تَتَلَقَّانِي أَبَدًا بِمَا أَكْرَهُهُ وَ قَدْ



السلام



بسم الله



الحمد لله



والصلاة والسلام



على محمد وآله



صف می‌داند. یک سر صف در مشرق است و یک سر آن در مغرب و هرگاه نمازگزار نماز به پایان رسانید، به شمار آنان پاداش دارد.

۳. مأمون عباسی به امام رضا علیه السلام چنین گفت: ای پسر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به فضل و علم و زهد و ورع و عبادت تو را و تو را سزاوارتر از خویش، برای خلافت می‌شناسم. حضرت فرمود: من به بندگی خداوند افتخار می‌کنم و از زهد در دنیا امید نجات از شر دنیا را دارم و با ورع از محرمات، امید دست یابی به غنیمت‌ها و با تواضع در دنیا امید رفعت منزلت نزد خداوند را دارم. مأمون گفت: من می‌خواهم کناره‌گیری کرده و خلافت را به تو واگذار کنم و با تو بیعت کنم. فرمود: اگر این خلافت به تو تعلق دارد، خداوند به تو ارزانی داشته و نباید جامه‌ای که خدا بر تو پوشانیده است، به دیگری واگذار کنی. و اگر خلافت مال تو نباشد، چیزی که به تو تعلق ندارد، به من می‌بخشی؟ مأمون گفت: ای پسر رسول خدا! ناگزیری که خلافت را قبول کنی. فرمود: بدان تمایلی ندارم. مأمون پس از چند روز اصرار که ناامید شده بود، گفت: اگر نمی‌خواهی خلیفه باشی، پس باید ولی عهد من شوی و تا بعد از من تو خلیفه باشی. امام رضا علیه السلام فرمود: به خدا سوگند، پدرم از پدرانم و از پیامبر خدا روایت کردند که من پیش از مرگ تو باز هم مسموم و مظلوم خواهم مرد و فرشتگان زمین و آسمان بر من گریه خواهند کرد و کنار پدرت، دفن خواهم شد.

مأمون گریست و گفت: ای پسر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله تا من زنده باشم چه کسی تو را به قتل می‌رساند و اصلاً می‌تواند به تو آسیب برساند؟ فرمود: اگر بخواهم بگویم چه کسی مرا می‌کشد می‌توانم. مأمون گفت: ای پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله! یعنی می‌خواهی خود را راحت کرده و از خلافت کناره‌گیری تا مردم تو را یک زاهد بشناسند؟ فرمود: به خدا سوگند تا کنون دروغ نگفته‌ام و به خاطر دنیا زهد فروشی نکرده‌ام. می‌دانم تو چه هدفی داری. گفت: هدفم چیست؟ فرمود: راست بگویم در امان هستم. مأمون گفت: در امانی. فرمود: می‌خواهی مردم بگویند که علی بن موسی در دنیا زاهد نبود و دنیا به او بی‌ رغبت بود، آیا نمی‌نگرید که به طمع حکومت، ولایت عهدی را پذیرفت؟ مأمون خشمگین شد و تو



السلام



مأمون



أَمِنْتُ سَطَوَاتِي، فَبِاللَّهِ أَقْسِمُ لَئِنْ قَبِلْتَ وَلَايَةَ الْعَهْدِ وَالْأَجْبِزَتِكَ عَلَى ذَلِكَ فَإِنْ فَعَلْتَ وَ
إِلَّا ضَرَبْتُ عُنُقَكَ، فَقَالَ الرُّضَاءُ عليه السلام: «قَدْ نَهَانِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ أُلْقِيَ بِيَدِي إِلَى التَّهْلُكَةِ،
فَإِنْ كَانَ الْأَمْرُ عَلَى هَذَا فَاَفْعَلْ مَا بَدَا لَكَ وَأَنَا أَقْبَلُ ذَلِكَ عَلَى أَنْي لَا أُولِي أَحَدًا وَلَا أُعْزِلُ
أَحَدًا وَلَا أَنْقُضُ رِسْمًا وَلَا سُنَّةً وَأَكُونُ فِي الْأَمْرِ مِنْ بَعِيدٍ مُشِيرًا» فَرَضِيَ مِنْهُ بِذَلِكَ وَ
جَعَلَهُ وَلِيَّ عَهْدِهِ عَلَى كَرَاهَةِ مِنْهُ عليه السلام لِذَلِكَ.



الاسك



مركز تحقيقات کتب و اسناد اسلامی



سید

سید

سید

سید

سید

سید

سید

سید

سید

همواره برخورد ناخوشایند با من داری و خود را از گزند من در امان می‌شماری. به خدا سوگند می‌خورم تو را به قبول ولایت عهدی مجبور می‌کنم و اگر آن را قبول نکنی، تو را خواهیم کشت فرمود: خداوند از این که به دست خود سبب مرگم شوم، باز داشته است. اکنون که اجبار است، هر کار؛ خواهی انجام بده که به ناچار می‌پذیرم. اما به شرط این که کسی را عزل و نصب نکنم و سنت و قانونی را بی اعتبار نکنم و در حد یک مشاور باشم که نه چندان به تو نزدیک است. مأمون راضی شد و با کرامت ایشان ولیعهد خود کرد.



مرکز تحقیقات و اسناد ملی



السابع

المجلس السابع عشر يوم الجمعة للنصف من شهر رمضان من سنة سبع و ستين و ثلاثمائة

١. حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوَيْهٍ الْقُمِيُّ رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مَالِكِ بْنِ أَنَسٍ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ رحمته الله، قَالَ: جَاءَ الْفُقَرَاءُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صلوات الله عليه، فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ: إِنَّ لِلْأَغْنِيَاءِ مَا يُغْنِيهِمْ بِهِ وَلَيْسَ لَنَا وَلَهُمْ مَا يَحْجُونَ بِهِ وَلَيْسَ لَنَا وَلَهُمْ مَا يَتَصَدَّقُونَ بِهِ وَلَيْسَ لَنَا وَلَهُمْ مَا يُجَاهِدُونَ بِهِ وَلَيْسَ لَنَا، فَقَالَ صلوات الله عليه: «مَنْ كَبَّرَ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مِائَةَ مَرَّةٍ كَانَ أَفْضَلَ مِنْ عَتَى مِائَةَ رَقَبَةٍ وَمَنْ سَبَّحَ اللَّهَ مِائَةَ مَرَّةٍ كَانَ أَفْضَلَ مِنْ سِيقِ مِائَةِ بَدَنَةٍ وَمَنْ حَمِدَ اللَّهَ مِائَةَ مَرَّةٍ كَانَ أَفْضَلَ مِنْ حُمْلَانِ مِائَةِ فَرَسٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِسُرْجِهَا وَلُجْمِهَا وَرُكْبَتَيْهَا وَمَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مِائَةَ مَرَّةٍ كَانَ أَفْضَلَ النَّاسِ عَمَلًا ذَلِكَ الْيَوْمَ إِلَّا مَنْ زَادَ»، قَالَ: فَبَلَغَ ذَلِكَ الْاَغْنِيَاءَ فَصَنَعُوهُ قَالَ فَعَادُوا إِلَى النَّبِيِّ صلوات الله عليه، فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ قَدْ بَلَغَ الْاَغْنِيَاءَ مَا قُلْتَ فَصَنَعُوهُ فَقَالَ صلوات الله عليه: «ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ».

٢. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ (رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ)، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو طَالِبٍ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الصَّلْتِ الْقُمِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا يُونُسُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ النَّبَاقِرِيِّ رحمته الله، قَالَ: «إِنَّ اسْمَ رَسُولِ اللَّهِ صلوات الله عليه فِي صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ الْمَاحِي وَفِي تَوْرَةِ مُوسَى الْحَادِّ وَفِي أَنْجِيلِ عِيسَى أَحْمَدُ وَفِي الْفُرْقَانِ مُحَمَّدٌ صلوات الله عليه» قِيلَ: فَمَا تَأْوِيلُ الْمَاحِي؟ فَقَالَ: «الْمَاحِي صُورَةُ الْأَصْنَامِ وَ مَاحِي الْأَوْثَانِ وَالْأَزْلَامِ وَكُلُّ مَعْبُودٍ دُونَ الرَّحْمَنِ» قِيلَ: فَمَا



مجلس هفدهم

جمعه نیمه ماه رمضان سال ۳۶۷

السلامی

۱. حضرت امیر علیه السلام فرمود: تعدادی از فقیران نزد پیامبر آمدند و گفتند ای رسول خدا! توانگران می توانند بنده آزاد کنند و حج بروند و صدقه دهند و جهاد کنند، در حالی که ما ثروت و توان این کارها را نداریم. فرمود: برتر از آزاد کردن صد بنده این است که صد بار الله اکبر گفته شود. برتر از قربانی کردن صد شتر این است که صد بار خداوند تسبیح شود. برتر از دادن صد اسب همراه با زین و مهار سوار این است که، صد بار حمد خدا گفته شود. کسی که صد بار لا اله الا الله بگوید در آن روز کردارش از کردار همه مردم برتر باشد، مگر کسی که بر شمار آن کلمه طیبه اضافه کنید. آنگاه که این خبر به گوش ثروتمندان رسید، آنان نیز چنان عمل کردند. بینوایان نزد پیامبر برگشتند و گفتند: ای پیامبر خدا توانگران به فرمان تو رفتار کردند. فرمود: این فضل و رحمت الهی است که به هر کس که بخواهد می بخشد.

۲. امام باقر علیه السلام فرمود: در صحیفه ابراهیم خلیل نام پیامبر اسلام «ماحی» است و در تورات موسی «الحاد» و در انجیل عیسی «احمد» و در فرقان «محمد صلی الله علیه و آله» است. گفته شد «ماحی» چیست؟ فرمود: نابود گریختن و ابزار قمار و هر معبود باطل. گفته شد: «الحاد» به

تَأْوِيلُ الْحَادِّ؟ قِيلَ: يُحَادُّ مَنْ حَادَّ اللَّهُ وَدِينُهُ قَرِيبًا كَانَ أَوْ بَعِيدًا، قِيلَ: فَمَا تَأْوِيلُ أَحْمَدَ؟
 قَالَ: «حَسَنُ ثَنَاءِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِ فِي الْكُتُبِ بِمَا حُمِدَ مِنْ أَفْعَالِهِ» قِيلَ: فَمَا تَأْوِيلُ
 مُحَمَّدٍ؟ قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ وَجَمِيعَ أَنْبِيَائِهِ وَرُسُلِهِ وَجَمِيعَ أُمَّمِهِمْ يَحْمَدُونَهُ وَ
 يُصَلُّونَ عَلَيْهِ وَإِنْ اسْمُهُ لَمَكْتُوبٌ عَلَى الْعَرْشِ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَكَانَ ﷺ يَلْبَسُ مِنَ
 الْقَلَانِسِ الْيَمِينِيَّةَ وَالبَيْضَاءَ وَالمُضَرِّيَّةَ ذَاتِ الْاِذْنَيْنِ فِي الْحَرْبِ وَكَانَتْ لَهُ عَنَزَةٌ يَتَكَيُّ
 عَلَيْهَا وَيُخْرِجُهَا فِي الْعَبِيدِ فَيَخْطُبُ بِهَا وَكَانَ لَهُ قَصِيبٌ يُقَالُ لَهُ الْمَمْشُوقُ، وَكَانَ لَهُ
 فُسْطَاطٌ يُسَمَّى الْكِزَّ وَكَانَتْ لَهُ قِصْعَةٌ تُسَمَّى الْمُتَبَعَةُ، وَكَانَ لَهُ قَعْبٌ يُسَمَّى الرَّيِّ وَكَانَ لَهُ
 قَرَسَانٍ يُقَالُ لِأَحَدِهِمَا الْمُزْتَجِرُ وَلِلْآخَرِ السَّكْبُ، وَكَانَ لَهُ بَغْلَتَانِ يُقَالُ لِأَحَدِهِمَا دُلْدُلُ
 وَلِلْآخَرِ الشَّهْبَاءُ وَكَانَتْ لَهُ نَاقَتَانِ يُقَالُ لِأَحَدِهِمَا الْعَضْبَاءُ وَلِلْآخَرِ الْجَذْعَاءُ وَكَانَ
 لَهُ سَيْفَانِ يُقَالُ لِأَحَدِهِمَا ذُو الْفَقَارِ وَلِلْآخَرِ الْعَوْنُ وَكَانَ لَهُ سَيْفَانِ آخِرَانِ يُقَالُ
 لِأَحَدِهِمَا الْمِخْدَمُ وَلِلْآخَرِ الرُّسُومُ وَكَانَ لَهُ حِمَارٌ يُسَمَّى يَغْفُورًا وَكَانَتْ لَهُ عِمَامَةٌ
 تُسَمَّى السَّحَابُ وَكَانَ لَهُ دِرْعٌ تُسَمَّى ذَاتُ الْفُضُولِ لَهَا ثَلَاثُ خَلَقَاتٍ فَضِيَّةٌ خَلَقَةٌ بَيْنَ
 يَدَيْهَا وَخَلَقَتَانِ خَلْفَهَا وَكَانَتْ لَهُ رَايَةٌ تُسَمَّى الْعُقَابُ وَكَانَ لَهُ بَعِيرٌ يَحْمِلُ عَلَيْهِ يُقَالُ لَهُ
 الدِّيَاجُ وَكَانَ لَهُ لِبَاسٌ يُسَمَّى الْمَعْلُومُ وَكَانَ لَهُ مِعْقَرٌ يُقَالُ لَهُ الْاِسْعَدُ فَسَلَّمَ ذَلِكَ كُلُّهُ إِلَى
 عَلِيٍّ ﷺ عِنْدَ مَوْتِهِ وَأَخْرَجَ خَاتَمَهُ وَجَعَلَهُ فِي إِصْبَعِهِ» فَذَكَرَ عَلِيٌّ ﷺ أَنَّهُ وَجَدَ فِي قَائِمَةٍ
 سَيْفٍ مِنْ سُيُوفِهِ صَحِيفَةٌ فِيهَا ثَلَاثَةُ أَحْرَفٍ صِلْ مِنْ قَطْعِكَ وَقُلِ الْحَقُّ وَلَوْ عَلَى نَفْسِكَ
 وَأَحْسِنْ إِلَى مَنْ أَسَاءَ إِلَيْكَ، قَالَ: وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «خَمْسٌ لَا أَدْعُهُنَّ حَتَّى الْمَمَاتِ
 الْأَكْلُ عَلَى الْحَضِيضِ مَعَ الْعَبِيدِ وَرُكُوبِي الْحِمَارَ مُؤَكْفَأً وَخَلْبِي الْعَنْزَ بِيَدِي وَلُبْسُ
 الصُّوفِ وَالتَّسْلِيمُ عَلَى الصُّبْيَانِ لِتَكُونَ سُنَّةٌ مِنْ بَعْدِي».

٣. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادٍ الْقَهْمَدَانِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ
 الرَّيَّانِ بْنِ الصَّلْتِ، قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى الرُّضَا ﷺ، فَقُلْتُ لَهُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ
 إِنَّ النَّاسَ يَقُولُونَ إِنَّكَ قَبِلْتَ وَلَايَةَ الْعَهْدِ مَعَ إِظْهَارِكَ الزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا فَقَالَ ﷺ: «قَدْ
 عَلِمَ اللَّهُ كَرَاهَتِي لِذَلِكَ فَلَمَّا خِيرْتُ بَيْنَ قَبُولِ ذَلِكَ وَبَيْنَ الْقَتْلِ اخْتَرْتُ الْقَبُولَ عَلَى
 الْقَتْلِ وَيَحْتَمُّ أَمَّا عَلِمُوا أَنَّ يُوسُفَ ﷺ كَانَ نَبِيًّا رَسُولًا، فَلَمَّا دَفَعَتْهُ الصَّرُورَةُ إِلَى تَوَلَّى

چه معناست؟ فرمود: پیامبر با محارب جنگ می‌کند چه خوری و چه بیگانه. گفته شد: «احمد» چیست؟ فرمود: نیک ستوده شده. گفته شد محمد چیست؟ فرمود: تمجید شده از سوی خدا و فرشتگان و پیامبران و امت‌ها که بر او درود فرستند. نام پیامبر در عرش آمده که محمد رسول الله.

آن حضرت عادت داشت که کلاه یمنی بر سر می‌گذاشت و در جنگ کلاه دو گوش مصری. عصای نوک تیزی داشت که بر آن تکیه می‌داد و در عید همراه خود بیرون می‌آورد و با آن خطبه می‌خواند. یک عصای دیگر داشت به نام «ممشوق» و چادری به نام «کن» و کاسه‌ای به نام «منعبه» و قدحی به نام «ری» و دو اسب داشت. یکی را «مرتجز» می‌نامید و دیگری را «سکب». دو استر داشت به نامهای «دلدل» و «شهباء». دو شتر داشت به نامهای «عضباء» و «جذعاء». و دو شمشیر داشت به نامهای «ذوالفقار» و «عون». و دو شمشیر دیگر به نامهای «مخدم» و «رسوم». خری داشت به نام «یعفور». عمامه‌ای داشت به نام «سحاب». و زره او به نام «ذات الفضول» بود خلقه نقره داشت. یکی از جلو و دو تا می‌انداخت. پرچم پیامبر به نام «عقاب» بود و شتر حمل پیامبر به نام «دیباج» و پرچم پیامبر به نام «معلوم». پیامبر همه اینها را به هنگام رحلت به علی علیه السلام بخشید. خاتم انگشتری اش را به دست علی علیه السلام کرد. علی علیه السلام فرمود: در دسته یکی از شمشیرهای پیامبر سه عبارت حک شده بود: پیوند داشته باش با کسی که از تو بریده، حق را بگو، هر چند به زیان تو باشد و خوبی کن با هر که با تو بدی کرد. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: پنج چیز است که تا هنگام مرگ بدان پای بندم: غذا خوردن روی زمین بایندها، سوار خر برهنه شدن، دوشیدن شیر بز به دست خود، پوشیدن جامه پشمین و سلام کردن به کودکان. می‌خواهم این سنت پس از من بماند.

۳. ریان بن صلت می‌گوید: نزد امام رضا علیه السلام بودم و گفتم: ای پسر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله اتو ولایتعهدی مأمون را قبول کردی با این که اهل و عبارت در دنیا بودی. فرمود: خدا از اینکه ناخوشایندم بود، آگاه است. اما میان پذیرفته شدن و کشته شدن، ولایتعهدی

خَزَائِنِ الْعَزِيزِ قَالَ لَهُ: اجْعَلْنِي عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفِيظٌ عَلَيْكُمْ وَدَفَعْتُ لِي الضَّرُورَةَ إِلَى قَبُولِ ذَلِكَ عَلَى إِكْرَاهٍ وَإِجْبَارٍ بَعْدَ الْأَشْرَافِ عَلَى الْهَلَاكِ عَلَى أَنِّي مَا دَخَلْتُ فِي هَذَا الْأَمْرِ إِلَّا دُخُولَ خَارِجٍ مِنْهُ فَإِلَى اللَّهِ الْمُشْتَكَى وَهُوَ الْمُسْتَعَانُ.

٤. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ رضي الله عنه، قَالَ: أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْهَمْدَانِيُّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَالٍ عَنْ أَبِيهِ، قَالَ: قَالَ الرُّضَا رضي الله عنه: «مَنْ ذَكَرَ مُصَابِنَا وَبَكَى لِمَا أَرْتَكِبُ مِنَّا كَانَ مَعَنَا فِي دَرَجَتِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَمَنْ ذَكَرَ بِمُصَابِنَا فَبَكَى وَابْكَى لَمْ تَبْكِ عَيْنُهُ يَوْمَ تَبْكِي الْعُيُونُ، وَمَنْ جَلَسَ مَجْلِسًا يُحْيَا فِيهِ أَمْرُنَا لَمْ يَمُتْ قَلْبُهُ يَوْمَ تَمُوتُ الْقُلُوبُ»، قَالَ: وَقَالَ الرُّضَا رضي الله عنه فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا»، قَالَ: «إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا» ^(١) رَبُّ يَغْفِرُ لَهَا، قَالَ: وَقَالَ الرُّضَا رضي الله عنه فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ» ^(٢) قَالَ: «الْعَفْوُ مِنْ غَيْرِ عِتَابٍ»، قَالَ: قَالَ الرُّضَا رضي الله عنه فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «هُوَ الَّذِي يُرِيكُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا» ^(٣)، قَالَ: «خَوْفًا لِلْمُسَافِرِ وَطَمَعًا لِلْمَقِيمِ»، قَالَ: وَقَالَ الرُّضَا رضي الله عنه: «مَنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى مَا يَكْفُرُ بِهِ ذُنُوبُهُ فَلْيُكْثِرْ مِنَ الصَّلَوَاتِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ فَإِنَّهَا تَهْدِمُ الذُّنُوبَ هَدْمًا»، وَقَالَ رضي الله عنه: «الصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ تُعْدِلُ عِثَّةَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ التَّسْبِيحَ وَالتَّهْلِيلَ وَالتَّكْبِيرَ». ٥. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا الْقَطَّانُ، قَالَ: حَدَّثَنَا بَكْرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَبِيبٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ زِيَادٍ، قَالَ حَدَّثَنَا الْهَيْثَمُ بْنُ عَدِيٍّ عَنْ الْأَعْمَشِ عَنْ يُونُسَ بْنِ أَبِي إِسْحَاقَ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو الصَّفَرِ عَنْ عَدِيِّ بْنِ أَرْطَاةَ، قَالَ: قَالَ مُعَاوِيَةُ يَوْمًا لِعَمْرِو بْنِ الْعَاصِ: يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أَيُّنَا أَذْهَى؟ قَالَ: عَمِّرُوا أَنَا لِلْبِدْيَةِ وَأَنْتَ لِلرُّوِيَّةِ، قَالَ: مُعَاوِيَةُ قَضَيْتَ لِي عَلَى نَفْسِكَ وَأَنَا أَذْهَى مِنْكَ فِي الْبِدْيَةِ، قَالَ: عَمِّرُوا فَأَيْنَ كَانَ دَهَاؤُكَ يَوْمَ رُفِعَتِ الْمَصَاحِفُ، قَالَ: بِهَا غَلَبْتَنِي يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ أَفَلَا أَسْأَلُكَ عَنْ شَيْءٍ تَصُدِّقُنِي فِيهِ؟ قَالَ: وَاللَّهِ إِنَّ الْكَذِبَ لَقَبِيحٌ فَاسْأَلْ عَمَّا بَدَا لَكَ أَصْدَقُكَ، فَقَالَ: هَلْ غَشَّيْتَنِي مِنْذُ نَصَحْتَنِي؟ قَالَ: لَا، قَالَ: بَلَى وَاللَّهِ لَقَدْ غَشَّيْتَنِي أَمَا إِنِّي لَا أَقُولُ فِي كُلِّ

را پذیرفتم. وای بر آنانکه نمی دانند حضرت یوسف علیه السلام بنی و رسول حق بود. آنگاه که ناچار از قبول خزانه داری مصر شد، گفت مرا بر خزانه های زمین منصوب کن؛ زیرا من ایمن هستم و دانا. من در هیچ کار دخالت نمی کنم. بی گمان شکایتم به سوی خداست و از او کمک می خواهم.

۴. امام رضا علیه السلام فرمود: هرکس مصیبت ما را به یاد آورد و بگرید، در روز قیامت در جایگاه ما قرار دارد. و هرکس دیگری را بر مصیبت ما بگریاند، در روز قیامت هیچ گاه در روزی که همه گریان هستند. و هرکس در مجلس باشد و اسم ما را زنده کند، دل او در رستاخیز که همه دلها مرده اند، زنده است. فضال می گوید: حضرت درباره کلام خداوند که فرمود: «اگر نیکی کنید به خود نیکی کردید و اگر بدی کنید به خود بدی کردید» فرمود: اگر بد کنید او پروردگاری آمرزنده است. آنگاه امام در تفسیر آیه (۸۵/حجر) «چشم پوشی کن، چشم پوشی نیکو» مراد عفو بدون گلایه و سرزنش است. و در تفسیر آیه (۲۴/رعد) «به شمارعد و برق را برای ترس و طمع می نمایاند» فرمود: ترس برای مسافر است و طمع برای مقیم. بعد فرمود: هرکس که نمی تواند کفاره گناهان خود را بپردازد، بسیار صلوات بر محمد و آل محمد فرستد، زیرا گناهان را نابود می کند. صلوات نزد خداوند با شبیح و تهلیل و تکبیر برابری می کند.

۵. عدی بن ارطاة می گوید: روزی معاویه به عمرو عاص گفت: ای اباعبدالله! من زیرکترم یا تو؟ عمرو عاص گفت: من مرد بدیهه ام و تو مرد اندیشه ای. معاویه گفت به سود من داوری کردی و من در بدیهه هم از تو بهترم. عمرو عاص گفت: این زیرک بودن تو، در روز بالا رفتن پرچم ها کجا بود؟ گفت: تو در آن روز بر من چیره شدی و اکنون سؤالی دارم و می خواهم راست بگویی. عمرو عاص گفت: دروغ زشت است هر چه می خواهی سؤال کن که من با تو یک رنگم. معاویه گفت: از وقتی که همراهم شدی، نیرنگ نکردی؟



الْمَوَاطِنِ وَلَكِنْ فِي مَوْطِنٍ وَاحِدٍ، قَالَ: وَأَيُّ مَوْطِنٍ هَذَا؟ قَالَ: يَوْمَ دَعَانِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام لِلْمُبَارَزَةِ فَاسْتَشْرْتُكَ فَقُلْتُ مَا تَرَى يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ فَقُلْتُ: كَفُّوا كَرِيمٌ فَأَشْرْتُ عَلِيَّ بِمُبَارَزَتِهِ وَأَنْتَ تَعْلَمُ مَنْ هُوَ فَعَلِمْتُ أَنَّكَ عَشَشْتَنِي، قَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ دَعَاكَ رَجُلٌ إِلَى مُبَارَزَتِهِ عَظِيمُ الشَّرَفِ جَلِيلُ الْخَطَرِ فَكُنْتَ مِنْ مُبَارَزَتِهِ عَلَى إِخْدَى الْحُسَيْنِيِّينَ إِمَّا أَنْ تَقْتُلَهُ فَتَكُونَ قَدْ قَتَلْتَ قِتَالَ الْأَقْرَانِ وَتَزْدَادُ بِهِ شَرَفًا إِلَى شَرَفِكَ وَتَخْلُو بِمُلْكِكَ، وَإِمَّا أَنْ تَعْجَلَ إِلَى مُرَافَقَةِ الشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسَنَ أَوْلِيكَ رَفِيقًا، قَالَ مُعَاوِيَةُ: هَذِهِ شَرٌّ مِنَ الْأُولَى وَاللَّهُ إِنِّي لَأَعْلَمُ أَنِّي لَوْ قَتَلْتُهُ دَخَلْتُ النَّارَ فَلَوْ قَتَلَنِي دَخَلْتُ النَّارَ، قَالَ عَمْرُو: فَمَا حَمَلَكَ عَلَى قِتَالِهِ؟ قَالَ: الْمُلْكُ عَقِيمٌ وَلَنْ يَسْمَعَهَا مِنِّي أَحَدٌ بَعْدَكَ.

٤. حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ مُسْرُورٍ عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَمِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبٍ عَنْ عِكْرِمَةَ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: «مَنْ دَانَ بِدِينِي وَسَلَكَ مِنْهَا جِي وَاتَّبَعَ سُنَّتِي فَلَيْدَنْ يَنْفَضِلَ الْإِثْمَةَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي عَلَى جَمِيعِ أُمَّتِي فَإِنَّ مَثَلَهُمْ فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ مَثَلُ بَابِ حِطَّةٍ فِي بَيْتِي إِسْرَائِيلَ».

٧. حَدَّثَنَا أَبِي عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الصَّلْتِ عَنْ عَمِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الصَّلْتِ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ عَمْرٍو بْنِ شَمْرٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ الْجُعْفِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ عليه السلام، قَالَ: أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى رَسُولِهِ صلى الله عليه وآله أَنِّي شَكَرْتُ لَجَعْفَرِ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام أَرْبَعَ خِصَالٍ، فَدَعَاهُ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله فَأَخْبَرَهُ فَقَالَ: لَوْ لَا أَنَّ اللَّهَ أَخْبَرَكَ، مَا أَخْبَرْتُكَ، مَا شَرِئْتُ خُمْرًا قَطُّ لَأَنِّي عَلِمْتُ أَنَّ لَوْ شَرِئْتُهَا زَالَ عَقْلِي، وَمَا كَذَبْتُ قَطُّ لِأَنَّ الْكُذْبَ يَنْقُصُ الْمُرُوءَةَ وَمَا زَنَيْتُ قَطُّ لَأَنِّي خِفْتُ أَنِّي إِذَا عَمِلْتُ عَمَلًا بِي، وَمَا عَبَدْتُ صَنَمًا لَأَنِّي عَلِمْتُ أَنَّهُ لَا يَضُرُّ وَلَا يَنْفَعُ، قَالَ: فَضَرَبَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله يَدَهُ عَلَى عَاتِقِهِ فَقَالَ: «حَقُّ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يَجْعَلَ لَكَ جَنَاحَيْنِ تَطِيرُ بِهِمَا مَعَ الْمَلَائِكَةِ فِي الْجَنَّةِ».

عمر و عاص گفت: نه. معاویه گفت: به خدا چرا. منظورم در همه جانیست ولی در یک جا حيله زدى. عمر و عاص گفت: کجا؟ معاویه گفت: روزى که على مرا به جنگ طلبید. با تو مشورت کردم و تو گفتى که به میدان بروم که همتای او هستم. تو على را خوب شناخته بودى که چه دلاورى است و من هم متوجه شدم که حيله گر شدى. عمر و عاص گفت: اى امير مومنان! مردى بلند پایه، تو را به جنگ طلبیده بود و از میان، دو فرجام نیکویی را داشتى. یا على را مى کشتى و شرف بر شرف تو افزوده مى شد و در حکومت بى رقيب مى شدى و یا همراه با شهیدان و صالحان مى شدى که از این بهتر؟ دوستانه اند. معاویه گفت: این حقه امروزت از آن حقه ات زشت تر است. به خدا، مى دانستم که اگر بتوانم على را بکشم، به جهنم مى روم و اگر على را بکشم، باز هم به دوزخ خواهم رفت. عمر و عاص گفت: چرا خواستى با على جنگ کنى؟ معاویه گفت: ملک عقيم است و کسى جز تو نبايد اين سخن مرا بشنود.

۶. پیامبر فرمود: هر کس دین و آیین مرا دارد و از سنت من تبعیت مى کند، باید به برترى امامان خاندانم به همه امت من باور داشته باشد. چون مثل آنان در این امت مثل باب حطه در میان قوم موسى علیه السلام است.

۷. امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند به پیامبرش فرمود: که من چهار خصلت جعفر بن ابی طالب را تحسین میکنم. پیامبر جعفر را خواست و به او مرده داد، جعفر گفت: اگر خدا به پیامبرش نمى گفت، من به آنها اظهار نمى کردم. من تا کنون هرگز مى گسارى نکرده ام، زیرا آن باعث تباهى عظمى مى دانستم. و هرگز دروغ بر زبان جارى نکردم چون جوانمردى را کم مى کند. و نیز زنا نکردم چون ترسیدم همین کار را با خودم بشود، و هرگز بستی را پرستش نکردم، چرا که نه زیان دارد و نه سود. پیامبر دست به شانه جعفر گذاشت و فرمود: بر خداست که به تو دو بال بخشد که در بهشت پرواز کنی.



المجلس الثامن عشر

يوم الثلاثاء لإحدى عشرة بقين من شهر رمضان

من سنة سبع وستين و ثلاثمائة

السلام

١. حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوَيْهِ الْقُمِّيُّ رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْفَضْلِ بْنِ الْعَبَّاسِ الْبَغْدَادِيُّ شَيْخُ لِأَصْحَابِ الْحَدِيثِ، قَالَ: أَخْبَرَنَا أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ غَالِبِ بْنِ حَرْبِ الضَّبِّيُّ التَّمَنَامِيُّ وَأَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عُثْمَانَ بْنِ أَبِي شَيْبَةَ، قَالَا: حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ سَالِمِ ابْنِ عَمِّ الْحَسَنِ بْنِ صَالِحٍ وَكَانَ يَفْضُلُ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ صَالِحٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا مِسْعَرُ عَنْ عَطِيَّةَ عَنْ جَابِرٍ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «مَكْتُوبٌ عَلَى نَابِ الْجَنَّةِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلِيُّ أَخُو رَسُولِ اللَّهِ قَبْلَ أَنْ يَخْلُقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْفَتْحِ عَامٌ».

٢. حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْفَضْلِ بْنِ الْعَبَّاسِ الْبَغْدَادِيُّ، قَالَ: قَرَأْتُ عَلَى أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ سُلَيْمَانَ بْنِ الْحَارِثِ، قُلْتُ: حَدَّثَكُمْ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ خَلْفِ الْعَطَّارُ، قَالَ: حَدَّثَنَا حُسَيْنُ الْأَشْقَرُ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَمْرُو بْنُ أَبِي الْمِقْدَامِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: سَأَلْتُ النَّبِيَّ ﷺ عَنِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَلْقَى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ فَنَابَ عَلَيْهِ، قَالَ: «سَأَلَهُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالحَسَنِ وَالحُسَيْنِ لَا أَتْبَتُ عَلَيَّ، فَنَابَ عَلَيْهِ».

٣. حَدَّثَنَا يَعْقُوبُ بْنُ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبِ الْفَقِيهُ شَيْخُ لِأَهْلِ الرُّيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ مُحَمَّدٍ الصَّفَّارُ الْبَغْدَادِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عُبَيْدِ بْنِ عُثْبَةَ الْكِنْدِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ شَرِيكِ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ الْأَعْمَشِ عَنْ عَطَاءٍ، قَالَ: سَأَلْتُ عَائِشَةَ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ رحمته الله، فَقَالَتْ: ذَلِكَ خَيْرُ الْبَشَرِ وَلَا يَشْكُ فِيهِ إِلَّا كَافِرٌ.

٤. حَدَّثَنَا يَعْقُوبُ بْنُ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبِ، قَالَ: أَخْبَرَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ الْخَيْطِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى الْأَزْدِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا حَسَنُ بْنُ حُسَيْنِ الْعُرْنِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ

سَدَقَ

مجلس هجدهم

سه شنبه نوزدهم ماه رمضان سال ۳۶۷

السلامی

۱. رسول اکرم ﷺ فرمود: بر در بهشت این عبارت به چشم می خورد: لا اله الا الله محمد رسول الله علی اخو رسول الله. پیش از آفریده شدن آسمانها و زمین یعنی دو هزار سال پیش از آفرینش نوشته اند.

۲. ابن عباس می گوید: از پیامبر درباره کلماتی جو یا شدم که آدم از خدا گرفت و سبب قبول توبه اش شد. فرمود: به حق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین توبه ام را بپذیر. خداوند هم پذیرفت.

۳. عطاء می گوید: از عایشه درباره علی بن ابی طالب رضی الله عنه سؤال کردم. گفت: علی بهترین بشر است و جز کفر کافر کسی در آن شک نمی کند.

۴. از حذیفه درباره علی رضی الله عنه سؤال شد. گفت: آن حضرت بهترین بشر است و جز منافق کسی در آن تردید ندارد.

بْنُ يُوسُفَ عَنْ شَرِيكَ عَنْ مَنصُورٍ عَنْ رَبِيعٍ عَنْ حُذَيْفَةَ أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: ذَاكَ خَيْرُ الْبَشَرِ وَلَا يَشْكُ فِيهِ إِلَّا مُنَافِقٌ.

٥. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ الصَّيْرَفِيُّ وَكَانَ مِنْ أَصْحَابِ الْحَدِيثِ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ بْنِ بَسَّامٍ مَوْلَى بَنِي هَاشِمٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يُونُسَ الْبَصْرِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ يُونُسَ وَابْنُ الْخَيْرِ، قَالَا: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُوسَى، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ النَّخَعِيُّ عَنْ شَرِيكَ عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ عَنْ أَبِي وَائِلٍ عَنْ حُذَيْفَةَ بْنِ الْيَمَانِيِّ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ أَنَّهُ قَالَ: «عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ خَيْرُ الْبَشَرِ وَمَنْ أَبَى فَقَدْ كَفَرَ».

٦. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ (رَضَوَانِ اللَّهُ عَلَيْهِ)، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ السَّنْدِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ فَضِيلِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي الزُّبَيْرِ الْمَكِّيِّ، قَالَ: رَأَيْتُ جَابِرًا مُتَوَكِّنًا عَلَى عَصَاهُ وَهُوَ يَدُورُ فِي سِكَكِ الْأَنْصَارِ وَمَجَالِسِهِمْ وَهُوَ يَقُولُ: عَلِيُّ خَيْرُ الْبَشَرِ فَمَنْ أَبَى فَقَدْ كَفَرَ، يَا مَعْشَرَ الْأَنْصَارِ أَذْبُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى حُبِّ عَلِيٍّ فَتَنْظُرُوا فِي شَأْنِ أُمِّهِ.

٧. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ الْحَافِظُ الْبَغْدَادِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْعَبَّاسِ الرَّازِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْعَبَّاسِ بْنِ هَارُونَ التَّمِيمِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنِي سَيِّدِي عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرِّضَا، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَخِي الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: «أَنْتَ خَيْرُ الْبَشَرِ وَلَا يَشْكُ فِيكَ إِلَّا كَافِرٌ».

٨. حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ يَحْيَى بْنِ الْحَسَنِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: حَدَّثَنِي جَدِّي يَحْيَى بْنُ الْحَسَنِ بْنِ جَعْفَرٍ، قَالَ: حَدَّثَنِي إِتْرَاهِيمُ بْنُ عَلِيٍّ وَالحَسَنُ بْنُ يَحْيَى، قَالَا: حَدَّثَنَا نَصْرُ بْنُ مُزَاحِمٍ عَنْ أَبِي خَالِدٍ عَنْ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: «كَانَ لِي عَشْرٌ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ لَمْ يُعْطَهُنَّ

۵. حذیفه بن یمان از پیامبر روایت می‌کند که فرمود: علی بهترین بشر است و هر که نپذیرد، کافر است.

۶. ابو زبیر مکی می‌گوید: جابر را با عصا دیدم که در محله‌ها و محفل‌های انصار و می‌گفت: علی بهترین بشر است و هر که نپذیرد، کافر است. ای جماعت انصار! فرزندان خود را با محبت علی تربیت کنید و هر کس نپذیرفت، بنگرید که مادرش کیست.



۷. امام رضا علیه السلام از جد بزرگوارش علی علیه السلام نقل کرد که پیامبر صلی الله علیه و آله به من فرمود: تو بهترین بشر هستی و کسی غیر از کافر درباره تو تردید نمی‌کند.

۸. علی علیه السلام فرمود: از جانب رسول خدا صلی الله علیه و آله چیزی به من عطا شد که به پیشینیان عطا نشده و به آیندگان نیز عطا نخواهد شد. پیامبر فرمود: ای علی! تو در دین و در آخرت برادرم هستی. جایگاه تو در روز قیامت از دیگران به من نزدیک‌تر است. خانه من و تو در بهشت روبروی هم هستند مثل خانه‌های دو برادر.



السلامی



أَحَدُ قَبْلِي وَلَا يُعْطَاهُنَّ أَحَدٌ بَعْدِي، قَالَ لِي: يَا عَلِيُّ أَنْتَ أَخِي فِي الدُّنْيَا وَأَخِي فِي الْآخِرَةِ وَأَنْتَ أَقْرَبُ النَّاسِ مِنِّي مَوْقِفًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمَنْزِلِي وَمَنْزِلُكَ فِي الْجَنَّةِ مُتَوَاجِهَانِ كَمَنْزِلِ الْإِخْوَانِ وَأَنْتَ الْوَصِيُّ وَأَنْتَ الْوَلِيُّ وَأَنْتَ الْوَزِيرُ عَدُوُّكَ عَدُوِّي وَعَدُوِّي عَدُوُّ اللَّهِ وَوَلِيِّكَ وَوَلِيِّي وَوَلِيُّ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.

٩. حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ النَّضْرِ بْنِ سَمْعَانَ التَّمِيمِيُّ الْحَرَقَانِيُّ رضي الله عنه، قَالَ: حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْمَكِّيُّ، قَالَ: أَخْبَرَنَا أَبُو مُحَمَّدٍ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ إِسْحَاقَ الْمَدَائِنِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُعِيرَةَ عَنْ سُفْيَانَ عَنْ هِشَامِ بْنِ عُرْوَةَ عَنْ أَبِيهِ عُرْوَةَ بْنِ الزُّبَيْرِ، قَالَ: كُنَّا جُلُوسًا فِي مَجْلِسٍ فِي مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَتَذَاكَرْنَا أَعْمَالَ أَهْلِ بَدْرٍ وَبَيْعَةَ الرُّضْوَانِ، فَقَالَ: أَبُو الدَّرْدَاءِ يَا قَوْمُ أَلَا أَخْبِرُكُمْ بِأَقْلَى الْقَوْمِ مَالًا وَأَكْثَرِهِمْ وَرْعًا وَأَشَدَّهُمْ اجْتِهَادًا فِي الْعِبَادَةِ؟ قَالُوا: مَنْ قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ رضي الله عنه، قَالَ: فَوَ اللَّهِ إِنْ كَانَ فِي جَمَاعَةٍ أَهْلُ الْمَجْلِسِ إِلَّا مُعْرِضٌ عَنْهُ بِوَجْهِهِ ثُمَّ انْتَدَبَ لَهُ رَجُلٌ مِنَ الْأَنْصَارِ فَقَالَ لَهُ: يَا غُوَيْمِرُ لَقَدْ تَكَلَّمْتَ بِكَلِمَةٍ مَا وَافَقَكَ عَلَيْهَا أَحَدٌ مُنْذُ أَتَيْتَ بِهَا، فَقَالَ أَبُو الدَّرْدَاءِ: يَا قَوْمُ إِنِّي قَائِلُ مَا رَأَيْتُ وَلَيْقُلْ كُلُّ قَوْمٍ مِنْكُمْ مَا رَأَوْا، شَهِدْتُ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ رضي الله عنه بِشَوَاطِطِ النَّجَارِ وَقَدْ اغْتَزَلَ عَنْ مَوَالِيهِ وَ اخْتَفَى مِنْ بَيْنِهِ وَاسْتَتَرَ بِمَغِيلَاتِ النَّخْلِ فَانْتَفَذَتْهُ وَبَعْدَ عَلِيٍّ مَكَانُهُ فَقُلْتُ لِحَقٍّ بِمَنْزِلِهِ، فَإِذَا أَنَا بِصَوْتِ حَزِينٍ وَنَعْمَةٍ شَجِيٍّ وَهُوَ يَقُولُ: «إِلَهِي كَمْ مِنْ مُوبِقَةٍ حَمَلْتُ عَنِّي فَقَابَلْتُهَا بِنِعْمَتِكَ وَكَمْ مِنْ جَرِيرَةٍ تَكَرَّمْتُ عَنْ كَشْفِهَا بِكَرَمِكَ إِلَهِي إِنْ طَالَ فِي عِضْيَانِكَ عُمْرِي وَغَظُمَ فِي الصُّحُفِ ذَنْبِي فَمَا أَنَا مُؤَمِّلٌ غَيْرَ غُفْرَانِكَ وَلَا أَنَا بِرَاجٍ غَيْرَ رِضْوَانِكَ فَشَغَلَنِي الصَّوْتُ وَاقْتَفَيْتُ الْآثَرَ» فَإِذَا هُوَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ رضي الله عنه بِغَيْنِهِ فَاسْتَتَرْتُ لَهُ فَأَحْمَلْتُ الْحَرَكَهَ فَرَكَعَ رَكَعَاتٍ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ الْغَائِبِ ثُمَّ فَرَعَ إِلَى الدُّعَاءِ وَالْبُكَاءِ وَالْبَثِّ وَ الشُّكْوَى، فَكَانَ مِمَّا بِهِ اللَّهُ نَاجِي أَنْ قَالَ إِلَهِي أَفَكُرُ فِي عَفْوِكَ فَتَهَوُّنُ عَلَيَّ خَطِيئَتِي ثُمَّ أَذْكَرُ الْعَظِيمَ مِنْ أَخْذِكَ فَتَعْظُمُ عَلَيَّ بِلَيْسِي ثُمَّ قَالَ: «آه إِنْ أَنَا قَرَأْتُ فِي الصُّحُفِ سَيِّئَةً أَنَا نَاسِيهَا وَأَنْتَ مُحْصِيهَا فَتَقُولُ خُذْهُ قِيَالَهُ مِنْ مَا خُوِذَ لَا تُنْجِيهِ عَشِيرَتُهُ وَلَا تَنْفَعُهُ قَبِيلَتُهُ يَرْحَمُهُ الْمَلَأُ إِذَا أُذِّنَ فِيهِ بِالنَّدَاءِ» ثُمَّ قَالَ: «آه مِنْ نَارٍ تُنْضِجُ الْإِكْبَادَ وَالْكُلَى، آه مِنْ نَارٍ نَزَاعَةٍ لِلشَّوَى آه مِنْ عُمْرَةٍ مِنْ مُلْهَبَاتٍ لَطَى»، قَالَ ثُمَّ انْعَمَرَ فِي الْبُكَاءِ فَلَمْ أَسْمَعْ لَهُ حِسًا وَ

ای علی! تو حق هستی و ولی و وزیر، دشمن تو، دشمن من است و دشمن من، دشمن پروردگار. دوست تو، دوست من است و دوست من، دوست پروردگار.

۹. عروه بن زبیر می گوید: در مسجد پیامبر ﷺ درباره کار اهل «بدر» و بیعت «رضوان» با یکدیگر گفت و گو می کردیم. ابودرداء گفت: ای مردم! مایل نیستید که شما را از کسی خبر دهم که ثروت او از همه کمتر است اما ورع و کوشش او در عبادت از همه بیشتر؟ گفتند: چرا. او کیست؟ گفت: علی بن ابی طالب علیه السلام. آنگاه همه کسانی که در مسجد بودند، صورت خود را برگرداندند. شخصی از انصار گفت: چیزی گفتی که کسی با تو هم نوا نمی شود. ابودرداء گفت: ای مردم: آنچه را که دیده می گویم و شما هم آنچه را دیده اید، بر زبان آورید. من علی را در شویعات نجار دیدم که از همراهان و غلامان خود کناره گیری کرد. و پشت نخل ها پنهان شده بود. چون از من خیلی دور شده بود، او را گم کرده بودم. با خود گفتم که شاید به خانه رفته است. ناگهان صدای ناله ای جانگداز به گوشم رسید که می گفت: خدایا! چه بسیار گناه بزرگ که از من دیدی و در برابر آن به من نعمت دادی و چه بسیار جنایت که به لطف خود از آشکار کردن آن گذشتی. خدایا! هر چند عمرم در نافرمانی تو به دراز کشید و دفتر گناهکاری ام سنگین است، اما جز آمرزش تو و رضایت تو امیدی ندارم. این صدا مرا کشاند تا آنکه علی را دیدم. خود را پنهان ساختم و آرام جلو رفتم. علی چند رکعت نماز در آن نیمه شب خواند و آنگاه به گریه و زاری و دعا و شکایت از نفس پرداخت. علی در مناجات خویش می گفت: خدایا وقتی درباره گذشت تو می اندیشم، و خطا کاری هایم برایم کوچک می شوند. اما یاد سخت گیری و عقوبت تو که می افتم، گرفتاری ام بزرگ می نماید. آه، اگر من در نامه اعمال خود گناهی فراموش شده بخوانم که تو آن را سنگین شمردی، خواهی گفت او را بگیری. وای از این گرفتاری که خویشان نمی توانند نجات بخش باشند و قبیله سودی به او نمی رساند و همه مردم به حال او دل می سوزانند. آنگاه که او را احضار کنی.

علی علیه السلام سپس فرمود: آه از آن آتش جگر سوز. علی آنقدر نالید و گریست تا بر زمین



السلام



لَا حَرَكَهَ فَقُلْتُ غَلَبَ عَلَيْهِ النَّوْمُ لَطُولِ السَّهْرِ أَوْ قِظُهُ لِمَصَلَاةِ الْفَجْرِ، قَالَ أَبُو الدَّرْدَاءِ: فَأَتَيْتُهُ فَإِذَا هُوَ كَالْخَشَبَةِ الْمُتْلَقَةِ فَحَرَّ كُنْهُ فَلَمْ يَتَحَرَّكَ وَرَوَيْتُهُ فَلَمْ يَنْزِرْ، فَقُلْتُ: إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ مَاتَ وَاللَّهِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام، قَالَ فَأَتَيْتُ مَنْزِلَهُ مُبَادِرًا أَنْعَاهُ إِلَيْهِمْ، فَقَالَتْ فَاطِمَةُ (عليها السلام): «يَا أَبَا الدَّرْدَاءِ مَا كَانَ مِنْ شَأْنِهِ وَمِنْ قِصَّتِهِ؟» فَأَخْبَرْتُهَا الْخَبَرَ فَقَالَتْ: «هِيَ وَاللَّهِ يَا أَبَا الدَّرْدَاءِ الْغَشِيَةُ الَّتِي تَأْخُذُهُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ» ثُمَّ أَتَوْهُ بِمَاءٍ فَنَضَحُوهُ عَلَى وَجْهِهِ فَأَفَاقَ وَنَظَرَ إِلَيَّ وَأَنَا أَنْبِكِي فَقَالَ: «مِمَّا بَكَأُوكَ يَا أَبَا الدَّرْدَاءِ؟» فَقُلْتُ مِمَّا أَرَاهُ تُنْزِلُهُ بِنَفْسِكَ فَقَالَ: «يَا أَبَا الدَّرْدَاءِ وَلَوْ رَأَيْتَنِي وَدُعَيْتَنِي إِلَى الْحِسَابِ وَآيَقَنَ أَهْلُ الْجَرَائِمِ بِالْعَذَابِ وَاحْتَوَشْتَنِي مَلَائِكَةُ غِلَظُوزِ بَابِيَةِ فِظَاطُ فَوْقْتُ بَيْنَ يَدَيِ الْمَلِكِ الْجَبَّارِ قَدْ أَسْلَمَنِي الْأَجْبَاءُ وَرَحِمَنِي أَهْلُ الدُّنْيَا لَكُنْتُ أَشَدَّ رَحْمَةً لِي بَيْنَ يَدَيِ مَنْ لَا تَخْفَى عَلَيْهِ خَافِيَةٌ»، فَقَالَ أَبُو الدَّرْدَاءِ: فَوَاللَّهِ مَا رَأَيْتُ ذَلِكَ لِأَحَدٍ مِنْ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ.

١٠. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رحمتهما الله، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْرِيَارٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ دَاوُدَ بْنِ قُرَيْدٍ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبِي يُسْأَلُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقَ عليه السلام مَتَى يَدْخُلُ وَقْتُ الْمَغْرِبِ؟ فَقَالَ: «إِذَا غَابَ كُرْسِيُّهَا»، قَالَ: وَمَا كُرْسِيُّهَا؟ قَالَ: «قُرْصُهَا»، قَالَ: مَتَى تَغِيبُ قُرْصُهَا؟ قَالَ: «إِذَا نَظَرْتُ فَلَمْ تَرَهُ».

١١. حَدَّثَنَا أَبِي عليه السلام قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو جَعْفَرٍ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى وَمُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ بْنِ أَبِي جَعْفَرٍ الْبَغْدَادِيُّ عَنْ أَبِي طَالِبٍ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الصَّلْتِ الْقُمِّيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَالٍ عَنْ دَاوُدَ بْنِ أَبِي يَزِيدٍ، قَالَ: قَالَ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عليه السلام: «إِذَا غَابَ الشَّمْسُ فَقَدْ دَخَلَ وَقْتُ الْمَغْرِبِ».

١٢. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيْسَى عَنْ حَرِيرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي أَسَامَةَ زَيْدِ الشَّحَّامِ أَوْ غَيْرِهِ، قَالَ: صَعِدْتُ مَرَّةً جَبَلِ أَبِي قُبَيْسٍ وَالنَّاسُ يُصَلُّونَ الْمَغْرِبَ فَرَأَيْتُ الشَّمْسَ لَمْ تَغِبْ، وَ إِنَّمَا تَوَارَتْ خَلْفَ الْجَبَلِ عَنِ النَّاسِ فَلَقِيتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقَ عليه السلام فَأَخْبَرْتُهُ بِذَلِكَ، فَقَالَ

افتاد. هیچ حرکتی در اعضای او ندیدم. با خود گفتم شاید خوابش برده است. به بالین او رفتم تا برای نماز صبح بیدارش کنم. او را مثل چوب خشک و بی جانی دیدم که هر چه دست به او زدم، حرکتی نکرد. او را نشاندم؛ اما نشستن برایش دشوار بود. گفتم انالله وانا الیه راجعون. به خدا علی از دنیا رفت. شتابان به سوی خانه علی رفتم که خبر مرگ او را بدهم. فاطمه علیها السلام فرمود: ماجرا چیست؟ وقتی تعریف کردم فرمود: ای ابودرداء به خدا این همان حالتی است که از خوف خدا به علی دست می دهد.

آنگاه آب آورده و بر رخسار علی پاشیدند تا علی به هوش آمد. به من نگریست و من گریه می کردم. فرمود: ای ابودرداء چگونه خواهی بود آنگاه که مرا برای حساب در پیشگاه الهی فرا خوانده اند؟ گناهکاران کیفر خود را مشاهده می کنند و فرشتگان سخت گیرند و نگهبانان دوزخ تندخو گرد من حلقه زده اند و من در برابر خدای جبار ایستاده ام. دوستان از من جدا شده. اهل دنیا ترحم می کنند. تو باید بیشتر بر من دل بسوزانی در برابر کسی که چیزی بر او پنهان نمی ماند. ابودرداء گفت به خدا این حالت را در هیچ یک از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله ندیدم.

مرکز تحقیقات کلامی و فلسفی

۱۰. داود بن فرق می گوید: پدرم از امام صادق علیه السلام سؤال کرد که مغرب چه موقع است؟ فرمود: آنگاه که کرسی آن محو می شود. گفت: کرسی آن یعنی چه؟ فرمود: قرص خورشید. گفت: چه وقت پنهان می شود؟ گفت: آنگاه که بنگری و آن را در جای خود ببینی.

۱۱. امام صادق فرمود: هرگاه خورشید ناپدید شود، مغرب فرا رسیده است.

۱۲. ابی اسامه یا شخص دیگری گفت: که بالای کوه ابوقبیس بودم که مردم نماز مغرب می خواندند، در حالیکه هنوز آفتاب ناپدید نشده بود. امام صادق علیه السلام را دیدم و به او گفتم. فرمود: چرا چنین کردی؟ کار خوبی نکردی چرا که هرگاه خورشید را به چشم خود

لي: «وَلِمَ فَعَلْتَ ذَلِكَ بِسَمَاءٍ مَا صَنَعْتَ، إِنَّمَا تُصَلِّيَهَا إِذَا لَمْ تَرَهَا خَلْفَ جَبَلٍ غَابَتْ أَوْ غَارَتْ مَا لَمْ يَتَجَلَّهَا سَحَابٌ أَوْ ظُلْمَةٌ تُظِلُّهَا، فَإِنَّمَا عَلَيْكَ مَشْرِقُكَ وَمَغْرِبُكَ وَلَيْسَ عَلَى النَّاسِ أَنْ يَبْحَثُوا».

١٣. حَدَّثَنَا أَبِي وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ (رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ)، قَالَا: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُوسَى بْنِ الْحَسَنِ وَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ هِلَالٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ، قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي الْمَغْرِبِ إِنَّا رُبَّمَا صَلَّيْنَا وَ نَحْنُ نَخَافُ أَنْ تَكُونَ الشَّمْسُ خَلْفَ الْجَبَلِ أَوْ قَدْ سَتَرَهَا مِنَّا الْجَبَلُ فَقَالَ: «لَيْسَ عَلَيْكَ صُغُودُ الْجَبَلِ».

١٤. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانٍ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْخُثْعَمِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله يُصَلِّي الْمَغْرِبَ وَ يُصَلِّي مَعَهُ حَتَّى مِنْ الْإِنصَارِ يُقَالُ لَهُمْ بَنُو سَلَمَةَ مَنَازِلُهُمْ عَلَى نِصْفِ مِيلٍ فَيُصَلُّونَ مَعَهُ ثُمَّ يَنْصَرِفُونَ إِلَى مَنَازِلِهِمْ وَ هُمْ يَرَوْنَ مَوَاضِعَ نَبْلِهِمْ».

١٥. حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ الْكُوفِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنِي جَدِّي الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَنْ جَدِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام، قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: صَحِبَنِي رَجُلٌ كَانَ يُمَسِّي بِالْمَغْرِبِ وَ يُغْلَسُ بِالْفَجْرِ فَكُنْتُ أَنَا أَصَلِّي الْمَغْرِبَ إِذَا غَرَبَتِ الشَّمْسُ وَ أَصَلِّي الْفَجْرَ إِذَا اسْتَبَانَ لِي الْفَجْرُ، فَقَالَ لِي الرَّجُلُ: مَا يَمْنَعُكَ أَنْ تَصْنَعَ مِثْلَ مَا أَصْنَعُ فَإِنَّ الشَّمْسَ تَطْلُعُ عَلَى قَوْمٍ قَبْلَنَا وَ تَغْرُبُ عَنَّا وَ هِيَ طَالِعَةٌ عَلَى آخِرِينَ بَعْدُ، قَالَ: فَقُلْتُ إِنَّمَا عَلَيْنَا أَنْ نُصَلِّيَ إِذَا وَجَبَتِ الشَّمْسُ عَنَّا وَ إِذَا طَلَعَ الْفَجْرُ عِنْدَنَا لَيْسَ عَلَيْنَا إِلَّا ذَلِكَ وَ عَلَى أَوْلَئِكَ أَنْ يُصَلُّوا إِذَا غَرَبَتْ عَنْهُمْ.

١٦. حَدَّثَنَا أَبِي وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ وَ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارُ عليه السلام، قَالُوا: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ مُوسَى بْنِ بَشَّارٍ الْعَطَّارِ عَنْ الْمَسْعُودِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الزُّبَيْرِ عَنْ أَبَانِ بْنِ تَغْلِبَ وَ الرَّبِيعِ بْنِ سُلَيْمَانَ وَ أَبَانِ بْنِ أَرْقَمَ

ندیدی، می‌توانی نماز مغرب را بخوانی، چه پشت کوه رفته باشد یا در افق فرو رفته باشد. البته به شرطی که ابری خورشید را نپوشانده باشد یا تاریکی بر آن چیره نشده باشد. بر تو واجب است داری که مشرق و مغرب خود را تشخیص دهی و ضرورت ندارد که بحث را به میان مردم بکشانی.

السلامی

۱۳. سماعة بن مهران می‌گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: درباره مغرب بگویند که نماز مغرب می‌خوانیم و تردید داریم که آیا خورشید پشت کوه، رفته یا کوه خورشید را از مپوشانده است؟ فرمود بر تو تکلیف نیست که بالای کوه بروی.

۱۴. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول اکرم صلی الله علیه و آله همراه با خانواده‌ای از انصار به نام بنی سلمه نماز مغرب خواندند. نیم میل مسافت میان خانه انصار و خانه پیامبر بود. در هنگام برگشتن، مکانهای تیر انداختن خود را مشاهده می‌کردند.

۱۵. عبید بن زراره می‌گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: شخصی با من همراه شد که همیشه نماز مغرب را تا شب به تأخیر می‌انداخت و نماز صبح را نیز در تاریکی می‌خواند. اما من همین که خورشید پایین می‌رفت، نماز مغرب می‌خواندم و نماز صبح را آنگاه می‌خواندم که روشنی سپیده را می‌دیدم. او گفت: چرا مثل من وقت را رعایت نمی‌کنی؟ آفتاب پیش از ما بر مردمی طلوع کرده و پس از این که نزد ما غروب کرد، بر مردمی آشکار می‌شود. امام فرمود: همین که از چشم ما غروب کرد، می‌توانیم نماز مغرب را بخوانیم و به هنگام دمیدن سپیده هم می‌توانیم نماز صبح را به جا بیاوریم. این تکلیف شرعی ماست و آنان تکلیف دارند که نماز مغرب را هنگامی بخوانند که آفتاب از نزد آنان غروب کرده است.

۱۶. ابان تغلب و دیگران می‌گویند: از مکه بیرون آمدیم و در «وادی اجفر» از مسافت

وغيرهم، قالوا: أَقْبَلْنَا مِنْ مَكَّةَ حَتَّى إِذَا كُنَّا بِوَادِي الْأَجْفَرِ إِذَا نَحْنُ بِرَجُلٍ يُصَلِّي وَنَحْنُ
نَنْظُرُ إِلَى شُعَاعِ الشَّمْسِ فَوَجَدْنَا فِي أَنْفُسِنَا فَجَعَلَ يُصَلِّي وَنَحْنُ نَدْعُو عَلَيْهِ حَتَّى صَلَّى
رَكْعَةً وَنَحْنُ نَدْعُو عَلَيْهِ وَنَقُولُ هَذَا مِنْ شَبَابِ أَهْلِ الْمَدِينَةِ، فَلَمَّا أَتَيْنَاهُ إِذَا هُوَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ
جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عليه السلام فَتَزَلْنَا فَصَلَّيْنَا مَعَهُ وَقَدْ فَاتَتْنَا رَكْعَةُ، فَلَمَّا قَضَيْنَا الصَّلَاةَ قُمْنَا إِلَيْهِ،
فَقُلْنَا: جُعِلْنَا فِدَاكَ هَذِهِ السَّاعَةُ تُصَلِّي، فَقَالَ: «إِذَا غَابَتِ الشَّمْسُ فَقَدْ دَخَلَ الْوَقْتُ».



مركز تحقیقات کلامی و فقهی اسلامی

السلام

سنة ١٤٤٠

دور مردی را در حال نماز دیدیم، در حالیکه هنوز پرتو خورشید پیدا بود. پیش خود برای نگران شدیم و کارش را نادرست دانستیم. بعد گفتیم که او باید از جوانان مدینه باشد. آنگاه که نزد او رسیدیم، دیدیم که او امام صادق علیه السلام است. پایین آمدیم و همراه او نماز خواندیم. در حالی که یک رکعت از نماز جماعت گذشته بود. چون نماز را خواندیم گفتیم: قربان شما برویم. در این وقت نماز مغرب می خوانی؟ فرمود: وقت نماز مغرب آنگاه است که آفتاب ناپدید می شود.



مراکز تحقیقاتی و پژوهشی



المجلس التاسع عشر

وهو يوم الجمعة لثمان بقين من شهر رمضان

من سنة سبع وستين و ثلاثمائة

١. حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوَيْهٍ الْقُمِّيُّ رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى وَ أَبِي إِسْحَاقَ النَّهَائِنْدِيِّ عَنْ عُثَيْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَادٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ رحمته الله، قَالَ: «وَأَقْبَلَ جِيرَانُ أُمِّ أَيْمَنَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صلوات الله عليه فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ أُمَّ أَيْمَنَ لَمْ تَنَمْ الْبَارِحَةَ مِنَ الْبُكَاءِ لَمْ تَزَلْ تَبْكِي حَتَّى أَصْبَحَتْ، قَالَ: فَبَعَثَ رَسُولُ اللَّهِ صلوات الله عليه، إِلَى أُمِّ أَيْمَنَ فَجَاءَتْهُ، فَقَالَ لَهَا: «يَا أُمُّ أَيْمَنَ لَا أَبْكِي اللَّهُ عَيْنَيْكَ إِنْ جِيرَانِكَ أَتَوْنِي وَ أَخْبَرُونِي أَنَّكَ لَمْ تَزَلِي اللَّيْلَ تَبْكِينَ أَجْمَعِ فَلَا أَبْكِي اللَّهُ عَيْنَكَ مَا الَّذِي أَبْكَاكِ؟» قَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ رَأَيْتُ رُؤْيَا عَظِيمَةً شَدِيدَةً فَلَمْ أَزَلْ أَبْكِي اللَّيْلَ أَجْمَعِ، فَقَالَ لَهَا: «رَسُولُ اللَّهِ صلوات الله عليه فَقَضَيْهَا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ أَعْلَمُ»، فَقَالَتْ تَغْظُمُ عَلَيَّ أَنْ أَتَكَلَّمَ بِهَا، فَقَالَ لَهَا: «إِنَّ الرُّؤْيَا لَيْسَتْ عَلَى مَا تَرَى فَقَضَيْهَا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، قُلْتُ رَأَيْتُ فِي لَيْلَتِي هَذِهِ كَأَنَّ بَعْضَ أَعْضَائِكَ مُلْقَى فِي بَيْتِي، فَقَالَ لَهَا رَسُولُ اللَّهِ صلوات الله عليه: «نَامَتْ عَيْنُكَ يَا أُمُّ أَيْمَنَ تَلِدُ فَاطِمَةَ الْحُسَيْنِ فَتَرْبِيَنَّهُ وَ تَلِيَنَّهُ فَيَكُونُ بَعْضُ أَعْضَائِي فِي بَيْتِكَ، فَلَمَّا وَلَدَتْ فَاطِمَةَ الْحُسَيْنِ عليها السلام فَكَانَ يَوْمَ السَّابِعِ أَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ صلوات الله عليه فَحُلِقَ رَأْسُهُ وَ تُصَدِّقَ بِوِزْنِ شَعْرِهِ فِضَّةً وَ عَقَّ عَنْهُ، ثُمَّ هَيَّأَتْهُ أُمُّ أَيْمَنَ وَ لَقَّتْهُ فِي بُرْدِ رَسُولِ اللَّهِ صلوات الله عليه ثُمَّ أَقْبَلَتْ بِهِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صلوات الله عليه فَقَالَ عليه السلام مَرْحَبًا بِالْحَامِلِ وَ الْمَحْمُولِ يَا أُمُّ أَيْمَنَ هَذَا تَأْوِيلُ رُؤْيَاكِ».
٢. حَدَّثَنَا أَبِي رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ رَجَاءِ الْجَحْدَرِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَابِرٍ، قَالَ: حَدَّثَنِي عُثْمَانُ بْنُ دَاوُدَ الْهَاشِمِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ

مجلس نوزدهم

جمعه بیست و دوم ماه رمضان سال ۳۶۷

السلامی

۱. امام صادق علیه السلام فرمود: همسایه‌های ام ایمن نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمدند و گفتند: ای رسول خدا! ام ایمن دیشب از گریه زیادی به خواب نرفت. پیامبر خواست تا ام ایمن نزد او بیاید. آنگاه به او فرمود: ای ام ایمن خداوند چشمانت را گریان نسازد. همسایه‌هایت به من گفتند که شب را مدام گریه کردی. چرا؟ گفت: ای رسول خدا! خواب ترسناکی دیدم که تا صبح گریستم. فرمود خواب خود را برایم بگو که خدا و رسول خدا بهتر می‌دانند. گفت: گفتن آن دشوار است. فرمود: خواب چنان نیست که تو دیده‌ای. آن را برای پیامبر خدا تعریف کن. گفت: در عالم رویا دیدم که گویی عضوی از بدن شما در خانه من افتاده است. پیامبر فرمود: آسوده بخواب. دخترم فاطمه، حسین را به دنیا می‌آورد و تو پرستارش خواهی بود و در آغوش خود خواهی گرفت. تعبیر این که دیدی عضوی از پیکرم در خانه خویش افتاد چنین است. آنگاه حسین علیه السلام به دنیا چشم گشود و روز هفتم رسید پیامبر فرمان داد تا سر او را تراشیدند و به وزن موی سر حسین علیه السلام نقره صدقه دادند و عقیقه‌اش کردند. ام ایمن او را در برد یمانی پیامبر پیچید و نزد حضرت برد. فرمود: مرحبا به آورنده و آورده شده. ای ام ایمن این بود تفسیر رؤیای صادق تو.

۲. ابی محمد شیخ کوفیان می‌گوید: آنگاه که حسین بن علی علیه السلام کشته شد، دو پسر

عَنْ حُمْرَانَ بْنِ أَعْيَنَ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ شَيْخِ لِأَهْلِ الْكُوفَةِ، قَالَ: لَمَّا قُتِلَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 اسْرَ مِنْ عَسْكَرِهِ غُلَامَانِ صَغِيرَانِ قَاتِيَيْنِ بَيْنَهُمَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ زِيَادٍ قَدْ عَا سَجَانًا لَهُ، فَقَالَ: خُذْ
 هَذَيْنِ الْغُلَامَيْنِ إِلَيْكَ فَمِنْ طَيِّبِ الطَّعَامِ فَلَا تُطْعِمُهُمَا وَمِنْ الْبَارِدِ فَلَا تُسْقِهِيهِمَا وَصَيِّقْ
 عَلَيْهِمَا سِجْنَهُمَا، وَكَانَ الْغُلَامَانِ يَصُومَانِ النَّهَارَ فَإِذَا جَنَّهُمَا اللَّيْلُ أَتَيْنَا بِقُرْصَيْنِ مِنْ شَعِيرٍ
 وَكُوزٍ مِنْ مَاءِ الْقَرَاخِ، فَلَمَّا طَالَ بِالْغُلَامَيْنِ الْمَكْتُ حَتَّى صَارَا فِي السَّنَةِ قَالَ أَحَدُهُمَا
 لِصَاحِبِهِ يَا أَخِي قَدْ طَالَ بِنَا مَكْنُنَا وَيُوشِكُ أَنْ تَفْنَى أَعْمَارُنَا وَتَبْلَى أَسْدَانُنَا فَإِذَا جَاءَ
 الشَّيْخُ فَأَعْلَمَهُ مَكَانَنَا وَتَقَرَّبَ إِلَيْهِ بِمُحَمَّدٍ لَعَلَّهُ يُوسِّعُ عَلَيْنَا فِي طَعَامِنَا وَيَزِيدُنَا فِي شَرَابِنَا
 فَلَمَّا جَنَّهُمَا اللَّيْلُ أَقْبَلَ الشَّيْخُ إِلَيْهِمَا بِقُرْصَيْنِ مِنْ شَعِيرٍ وَكُوزٍ مِنْ مَاءِ الْقَرَاخِ فَقَالَ لَهُ
 الْغُلَامُ الصَّغِيرُ: يَا شَيْخُ أَتَعْرِفُ مُحَمَّدًا قَالَ فَكَيْفَ لَا أَعْرِفُ مُحَمَّدًا وَهُوَ نَبِيِّي قَالَ أ
 فَتَعْرِفُ جَعْفَرَ بْنَ أَبِي طَالِبٍ قَالَ وَكَيْفَ لَا أَعْرِفُ جَعْفَرَ وَقَدْ أَنْبَتَ اللَّهُ لَهُ جَنَاحَيْنِ يَطِيرُ
 بِهِمَا مَعَ الْمَلَائِكَةِ كَيْفَ يَسَاءُ قَالَ أَتَعْرِفُ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ وَكَيْفَ لَا أَعْرِفُ
 عَلِيًّا وَهُوَ ابْنُ عَمِّ نَبِيِّي وَأَخُو نَبِيِّي قَالَ لَهُ يَا شَيْخُ فَتَحْنُ مِنْ عَشْرَةِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَنَحْنُ
 مِنْ وَلَدِ مُسْلِمِ بْنِ عَقِيلِ بْنِ أَبِي طَالِبٍ بَيْنَكَ أَسَازِي نَسْأَلُكَ مِنْ طَيِّبِ الطَّعَامِ فَلَا تُطْعِمُنَا
 وَمِنْ بَارِدِ الشَّرَابِ فَلَا تُسْقِينَا وَقَدْ صَيَّقْتَ عَلَيْنَا سِجْنَنَا فَانْكَبِ الشَّيْخُ عَلَى أَقْدَامِهِمَا
 يَقْبَلُهُمَا وَيَقُولُ: نَفْسِي لِنَفْسِكُمَا الْفِدَاءُ وَوَجْهِي لَوَجْهِكُمَا الْوَقَاءُ يَا عَشْرَةَ نَبِيِّ اللَّهِ
 الْمُصْطَفَى هَذَا بَابُ السَّجْنِ بَيْنَ بَدَنِكُمَا مَفْتُوحٌ فَخُذَا أَيَّ طَرِيقٍ شِئْتُمَا فَلَمَّا جَنَّهُمَا اللَّيْلُ
 أَتَاهُمَا بِقُرْصَيْنِ مِنْ شَعِيرٍ وَكُوزٍ مِنْ مَاءِ الْقَرَاخِ وَقَفَّهُمَا عَلَى الطَّرِيقِ وَقَالَ لَهُمَا سِيرَا يَا
 حَبِيبَي اللَّيْلُ وَ اكْمُنَا النَّهَارَ حَتَّى يَجْعَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَكُمَا مِنْ أَمْرِكُمَا فَرَجًا وَمَخْرَجًا
 فَقَعَلَ الْغُلَامَانِ ذَلِكَ فَلَمَّا جَنَّهُمَا اللَّيْلُ انْتَهَيَا إِلَى عَجُوزٍ عَلَى بَابٍ فَقَالَا لَهَا يَا عَجُوزُ إِنَّا
 غُلَامَانِ صَغِيرَانِ غَرِيبَانِ حَدَثَانِ غَيْرِ خَبِيرَيْنِ بِالطَّرِيقِ وَهَذَا اللَّيْلُ قَدْ جَنَّنَا أَصِيفِينَا سَوَادَ
 لَيْلَتِنَا هَذِهِ فَإِذَا أَصْبَحْنَا لَزِمْنَا الطَّرِيقَ فَقَالَتْ لَهُمَا فَمَنْ أَنْتُمَا يَا حَبِيبَي فَقَدْ شَمِمْتُ الرِّوَاثِ
 كُلَّهَا فَمَا شَمِمْتُ رَائِحَةَ أَطْيَبِ مِنْ رَائِحَتِكُمَا فَقَالَا لَهَا يَا عَجُوزُ نَحْنُ مِنْ عَشْرَةِ نَبِيِّكَ
 مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ هَرَبْنَا مِنْ سِجْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ زِيَادٍ مِنَ الْقَتْلِ قَالَتِ الْعَجُوزُ يَا حَبِيبَي إِنْ لِي خَتْنًا
 فَاسِقًا قَدْ شَهِدَ الْوَاقِعَةَ مَعَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ زِيَادٍ أَتَخَوُّفُ أَنْ يُصَيِّبَكُمَا هَاهُنَا فَيَقْتُلَكُمَا قَالَا



السلي



سعد بن



نوجوان را از لشکرش به اسارت نزد عبیدالله بن زیاد بردند. او زندان بان را خواست و گفت: بر آنان سخت گیر و خوراک و آب گوارا به آنان نده. آنان روزه می گرفتند و شب یک کوزه آب و دو پاره نان می گرفتند.

یک سال گذشت. یکی به دیگری گفت: ای برادر! زمانی طولانی است که در ما زندان هستیم و عمر ما به هدر رفته و جسم ما تحلیل رفته است. امشب که زندان بان آمد او را از خاندان خود آگاه کنیم تا شاید به ما مهر بورزد. شب که زندان بان غذا آورد، برادر کوچک تر گفت: ای شیخ! تو محمد را می شناسی؟ گفت: چگونه او را نشناسم که پیامبر من است؟ گفت: جعفر طیار را می شناسی؟ گفت: چگونه او را نشناسم که خدا دو بال به او بخشیده که همراه او فرشتگان در هر جای بهشت پرواز می کنند؟ گفت: علی بن ابی طالب علیه السلام را هم می شناسی؟ گفت: چگونه او را نشناسم که پسر عمو و برادر پیامبر من است؟ گفت: ای شیخ! ما از خاندان پیامبر تو هستیم. فرزندان مسلم بن عقیل هستیم که در دست تو اسیریم. نه آب و خوراک گوارا به ما می دهی و نه بر ما آسان می گیری. شیخ به پای آنها بوسه زد و گفت: جانم فدای شما باد که عزت پیامبر خدا مصطفی صلی الله علیه و آله هستید. اکنون در زندان را به روی شما می گشایم تا به هر جا که می خواهید بروید.

شب که آمد و دو پاره نان جو و کوزه آب آورد و راه را به آنان نشان داد و گفت شبها بروید و روزها خود را پنهان کنید تا خدا در کارتان گشایش دهد. شب هنگام رفتند تا به خانه پیرزنی نزدیک شدند. به او گفتند: ما کودکان غریب و نا آشنا هستیم. امشب ما را مهمان خود کن صبح خواهیم رفت. گفت: شما چه کی هستید که از هر عطری خوشبو تر هستید؟ گفتند: ما فرزندان پیامبریم و از زندان ابن زیاد و از ترس کشته شدن فرار کردیم. پیر زن گفت: ای عزیزان من! داماد فاسقی دارم که با سپاه عبیدالله بن زیاد در واقعه عاشورا حاضر بود. بیم آن دارم که شما را این جا ببیند و بکشد. فرزندان مسلم گفتند: ما فقط یک شب اینجا



السلامی

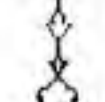


سَوَادَ لَيْلَتِنَا هَذِهِ فَإِذَا أَصْبَحْنَا لَزِمْنَا الطَّرِيقَ فَقَالَتْ مَنْ آتَيْكُمَا بِطَعَامٍ ثُمَّ أَتَيْتُهُمَا بِطَعَامٍ
فَأَكَلَا وَشَرَبَا وَلَمَّا وَلَجَا الْفِرَاشَ قَالَ الصَّغِيرُ لِلْكَبِيرِ يَا أَخِي إِنَّا نَرْجُو أَنْ نَكُونَ قَدْ أَمِنَّا
لَيْلَتِنَا هَذِهِ فَتَعَالَ حَتَّى أَعَانِكَ وَتُعَانِنِي وَاشْمَ رَأَيْتُكَ وَتَشْمَ رَأَيْتُحِي قَبْلَ أَنْ يُفَرَّقَ
الْمَوْتُ بَيْنَنَا فَقَعَلَ الْغُلَامَانِ ذَلِكَ وَاعْتَنَقَا وَنَامَا فَلَمَّا كَانَ فِي بَعْضِ اللَّيْلِ أَقْبَلَ حَتْنُ
الْعَجُوزِ الْفَاسِقِ حَتَّى قَرَعَ الْبَابَ قَرْعًا خَفِيفًا، فَقَالَتِ الْعَجُوزُ مَنْ هَذَا؟ قَالَ: أَنَا فَلَانُ قَالَتْ
مَا الَّذِي أَطْرَقَكَ هَذِهِ السَّاعَةَ وَلَيْسَ هَذَا لَكَ يَوْقِتٌ، قَالَ: وَيَحْكُ افْتَحِي الْبَابَ قَبْلَ أَنْ
يَطِيرَ عَقْلِي وَتَشَقَّ مَرَارَتِي فِي جَوْفِي جَهْدَ الْبَلَاءِ قَدْ نَزَلَ بِي، قَالَتْ: وَيَحْكُ مَا الَّذِي
نَزَلَ بِكَ، قَالَ: هَرَبَ غُلَامَانِ صَغِيرَانِ مِنْ عَشْكَرِ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ زِيَادٍ فَنَادَى الْإِمِيرُ فِي
مُعْسِكَرِهِ: مَنْ جَاءَ بِرَأْسٍ وَاحِدٍ مِنْهُمَا فَلَهُ أَلْفُ دِرْهَمٍ وَمَنْ جَاءَ بِرَأْسَيْهِمَا فَلَهُ أَلْفَا دِرْهَمٍ،
فَقَدْ أَتَعَبْتُ وَتَعَبْتُ وَلَمْ يَصِلْ فِي يَدِي شَيْءٌ فَقَالَتِ الْعَجُوزُ يَا حَتْنِي احْذَرُ أَنْ يَكُونَ
مُحَمَّدٌ خَضَمَكَ فِي الْقِيَامَةِ، قَالَ: وَيَحْكُ إِنَّ الدُّنْيَا مُحَرَّصٌ عَلَيْهَا فَقَالَتْ: وَمَا تَصْنَعُ
بِالدُّنْيَا وَلَيْسَ مَعَهَا آخِرَةٌ قَالَ إِنِّي لَأَرَاكَ تُحَامِلِينَ عَنْهُمَا كَأَنَّ عِنْدَكَ مِنْ طَلَبِ الْإِمِيرِ
شَيْءٌ فَقُومِي فَإِنَّ الْإِمِيرَ يَدْعُوكَ، قَالَتْ: مَا يَصْنَعُ الْإِمِيرُ بِي وَإِنَّمَا أَنَا عَجُوزٌ فِي هَذِهِ
الْبَرِّيَّةِ، قَالَ: إِنَّمَا لِي الطَّلَبُ افْتَحِي لِي الْبَابَ حَتَّى أُرِيحَ وَأُسْتَرِيحَ فَإِذَا أَصْبَحْتُ فَكُرْتُ فِي
أَيِّ الطَّرِيقِ أَخَذُ فِي طَلَبِهِمَا، فَفَتَحَتْ لَهُ الْبَابَ وَأَتَتْهُ بِطَعَامٍ وَشَرَابٍ فَأَكَلَ وَشَرِبَ، فَلَمَّا
كَانَ فِي بَعْضِ اللَّيْلِ سَمِعَ غَطِيطَ الْغُلَامَيْنِ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ فَأَقْبَلَ يَهْيِجُ كَمَا يَهْيِجُ الْبَعِيرُ
الْهَائِجُ وَيَخُورُ كَمَا يَخُورُ الثَّوْرُ وَيَلْمَسُ بِكَفِّهِ جِدَارَ الْبَيْتِ حَتَّى وَقَعَتْ يَدُهُ عَلَى جَنْبِ
الْغُلَامِ الصَّغِيرِ فَقَالَ لَهُ مَنْ هَذَا؟ قَالَ: أَمَا أَنَا فَصَاحِبُ الْمَنْزِلِ فَمَنْ أَنْتُمَا؟ فَأَقْبَلَ الصَّغِيرُ
يُحَرِّكُ الْكَبِيرَ وَيَقُولُ: «قُمْ يَا حَبِيبِي فَقَدْ وَدَّعْنَا فِيمَا كُنَّا نَحَازِرُهُ»، قَالَ لَهُمَا: مَنْ
أَنْتُمَا؟ قَالَا لَهُ: «يَا شَيْخُ إِنْ نَحْنُ صَدَقْنَاكَ فَلَنَا الْإِمَانُ؟» قَالَ: نَعَمْ، قَالَا: «أَمَانُ اللَّهِ وَأَمَانُ
رَسُولِهِ وَدِمَّةُ اللَّهِ وَدِمَّةُ رَسُولِ اللَّهِ» قَالَ: نَعَمْ، قَالَا: «وَمُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَلَى ذَلِكَ مِنَ
الشَّاهِدِينَ»، قَالَ: نَعَمْ، قَالَا: «وَاللَّهُ عَلَى مَا نَقُولُ وَكِيلٌ وَشَهِيدٌ» قَالَ: نَعَمْ، قَالَا لَهُ: «يَا
شَيْخُ فَتَحْنُ مِنْ عِثْرَةِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ ﷺ هَرَبْنَا مِنْ سِجْنِ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ زِيَادٍ مِنَ الْقَتْلِ»، فَقَالَ
لَهُمَا: مِنَ الْمَوْتِ هَرَبْتُمَا وَإِلَى الْمَوْتِ وَقَعْتُمَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَظْفَرَنِي بِكُمَا فَقَامَ إِلَى

خواهیم ماند و صبح که رسید، به راه خود خواهیم رفت. پیرزن گفت: الآن برای شما شام خواهیم آورد. آنان غذا خوردند و خوابیدند. برادر کوچک به برادر بزرگ گفت: برادر جان امیدوارم که امشب به خیر بگذرد؛ پس بیا در کنار هم بخوابیم و یکدیگر را ببوسیم. شاید مرگ میان ما جدایی بیفکند. آنگاه خوابیدند. پاره‌ای از شب سپری شده بود که داماد بدکار پیرزن آمد و با مشت به در کوبید. پیرزن پرسید: کیستی؟ گفت: منم. پیرزن گفت: چربی هنگام آمدی؟ جواب داد: وای بر تو. در را بگشا پیش از علقم را از دست بدهم و زهر هام از شدت گرفتاری بترکد. پیرزن گفت: وای بر تو. مگر چه گرفتاری داری؟ گفت دو کودک از سپاه عبدالله فرار کردند و اکنون امیر برای سر هر کدام هزار درهم جایزه تعیین کرده است. هر کس سر هر دو را ببرد، دو هزار درهم جایزه می‌گیرد. خیلی گشتم ولی هنوز دست خالی هستم. پیرزن گفت: از آن بیم داشته باش که دشمن تو در رستاخیز محمد ۹ باشد. او گفت: وای بر تو. دنیا را باید داشت. پیرزن گفت: دنیای بی آخرت به چه درد می‌خورد؟ دامادش گفت: تو داری از آنها حمایت می‌کنی؟ انگار از این ماجرا خبر داری؟ باید تو را نزد امیر ببرم. پیرزن گفت: امیر از پیرزنی که گوشه شهر افتاده، چه می‌خواهد؟ داماد گفت: من باید بگردم. در را باز کن تا بخوابم و برای فردا فکری کنم. پیرزن در را باز کرد و برای او غذا آورد. نیمه شب بود که صدای خرخر کودکان مسلم را شنید. چون شیر مست از جا خیز برداشت و چون گاو نعره کشید. کورمال کورمال جلورفت تا نزدیک برادر کوچک تر رسید. کودک پرسید: تو که هستی؟ جواب داد: صاحب خانه هستم. شما چه کسانی هستید؟ گفتند: اگر حقیقت را بر زبان آوریم، سالم می‌مانیم؟ گفت: آری. آنگاه گفتند: یعنی در امان خدا و رسول خدا هستیم ای شیخ؟ گفت بلی. بعد گفتند: محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله گواه است. گفت: آری. گفتند ای شیخ، ما از خاندان پیامبریم و از زندان عبیدالله بن زیاد فرار کردیم تا در امان بمانیم، داماد پیرزن گفت از دام مرگ گریخته‌اید و به دام مرگ درآمده‌اید. خدا را سپاس که شما را به چنگ من انداخت. آنگاه برخاست و دستانشان را بست. تمام شب را در اسارت به سر بردند. صبح به غلام سیاهی که فلیح نام داشت فرمان داد که کودکان را لب رود فرات برده و گردن بزند. به او گفت: سرشان را نزد من بیاور تا نزد این زیاد برده و دو هزار درهم جایزه بگیرم. غلام سیاه شمشیر به دست آنان را جلو انداخت. آنگاه که از خانه فاصله گرفتند، یکی از برادران گفت: ای غلام سیاه! تو چقدر شبیه بلال حبشی، مؤذن پیامبر هستی. سیاه گفت: مولای من فرمان قتل شما را داده است. شما چه کسی هستید؟ کودکان گفتند: ما از خاندان پیامبر تو حضرت محمد صلی الله علیه و آله هستیم. از بیم کشته شدن بود که از زندان عبیدالله فرار کردیم. آن پیرزن به



السلامی



الغلامين فشدّا كَتَافَهُمَا فَبَاتَ الْغُلَامَانِ لَيْلَتَهُمَا مُكْتَفَيْنِ، فَلَمَّا انْفَجَرَ غَمُودُ الصُّبْحِ دَعَا غُلَامًا لَهُ أَسْوَدُ يُقَالُ لَهُ فَلْيُحْ فَقَالَ: خُذْ هَذَيْنِ الْغُلَامَيْنِ فَانْطَلِقْ بِهِمَا إِلَى شَاطِئِ الْفُرَاتِ وَ اضْرِبْ أَغْنَاقَهُمَا وَ اثْنِي بَرءُ وَسَهْمًا لِيَنْطَلِقَ بِهِمَا إِلَى عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ زِيَادٍ وَ آخِذْ جَائِزَةَ الْقِي دِرْهَمٍ، فَحَمَلَ الْغُلَامُ السَّيْفَ فَمَضَى بِهِمَا وَ مَشَى أَمَامَ الْغُلَامَيْنِ، فَمَا مَضَى إِلَّا غَيْرَ بَعِيدٍ حَتَّى قَالَ أَحَدُ الْغُلَامَيْنِ: «يَا أَسْوَدُ مَا أَشَبَّهَ سَوَادُكَ بِسَوَادِ بِلَالٍ مُؤَدِّنِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ»، قَالَ: إِنَّ مَوْلَايَ قَدْ أَمَرَنِي بِقَتْلِكُمَا فَمَنْ أَنْتُمَا، قَالَا لَهُ: «يَا أَسْوَدُ نَحْنُ مِنْ عَشْرَةِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ ﷺ هَرَبْنَا مِنْ سِجْنِ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ زِيَادٍ (لَعَنَهُ اللَّهُ) مِنَ الْقَتْلِ أَضَافَتْنَا عَجُوزُكُمْ هَذِهِ وَ يُرِيدُ مَوْلَاكَ قَتْلَنَا»، فَانْكَبَّ الْأَسْوَدُ عَلَى أَقْدَامِهِمَا يُقْبِلُهُمَا وَ يَقُولُ: نَفْسِي لِنَفْسِكُمَا الْفِدَاءُ وَ وَجْهِي لَوَجْهِكُمَا الْوَقَاءُ يَا عَشْرَةَ نَبِيِّ اللَّهِ الْمُصْطَفَى وَ اللَّهُ لَا يَكُونُ مُحَمَّدٌ ﷺ خَضَمِي فِي الْقِيَامَةِ، ثُمَّ غَدَا فَرَمَى بِالسَّيْفِ مِنْ يَدِهِ نَاحِيَةً وَ طَرَحَ نَفْسَهُ فِي الْفُرَاتِ وَ عَبَرَ إِلَى الْجَانِبِ الْآخَرِ، فَصَاحَ بِهِ مَوْلَاهُ يَا غُلَامُ عَصَيْتَنِي، فَقَالَ: يَا مَوْلَايَ إِنَّمَا أَطَعْتُكَ مَا دُمْتُ لَا تَعْصِي اللَّهَ فَإِذَا عَصَيْتَ اللَّهَ فَأَنَا مِنْكَ بَرِيءٌ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، فَدَعَا ابْنَهُ فَقَالَ: يَا بُنَيَّ إِنَّمَا أَجْمَعُ الدُّنْيَا حَلَالُهَا وَ حَرَامُهَا لَكَ وَ الدُّنْيَا مُحَرَّرٌ عَلَيْهَا فَخُذْ هَذَيْنِ الْغُلَامَيْنِ إِلَيْكَ، فَانْطَلِقْ بِهِمَا إِلَى شَاطِئِ الْفُرَاتِ فَاضْرِبْ أَغْنَاقَهُمَا وَ اثْنِي بَرءُ وَسَهْمًا لِيَنْطَلِقَ بِهِمَا إِلَى عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ زِيَادٍ وَ آخِذْ جَائِزَةَ الْقِي دِرْهَمٍ، فَآخَذَ الْغُلَامُ السَّيْفَ وَ مَشَى أَمَامَ الْغُلَامَيْنِ فَمَا مَضَى (فَمَا مَضَى) إِلَّا غَيْرَ بَعِيدٍ، حَتَّى قَالَ أَحَدُ الْغُلَامَيْنِ: «يَا شَابُّ مَا أَخَوْفَنِي عَلَى شَبَابِكَ هَذَا مِنْ نَارِ جَهَنَّمَ»، فَقَالَ: يَا حَبِيبِي فَمَنْ أَنْتُمَا؟ قَالَا: «مِنْ عَشْرَةِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ ﷺ يُرِيدُ وَالدُّكُ قَتْلَنَا» فَانْكَبَّ الْغُلَامُ عَلَى أَقْدَامِهِمَا يُقْبِلُهُمَا وَ يَقُولُ لَهُمَا مَقَالَةَ الْأَسْوَدِ وَ رَمَى بِالسَّيْفِ نَاحِيَةً وَ طَرَحَ نَفْسَهُ فِي الْفُرَاتِ وَ عَبَرَ، فَصَاحَ بِهِ أَبُوهُ يَا بُنَيَّ عَصَيْتَنِي، قَالَ: لِأَنْ أَطِيعَ اللَّهَ وَ أَغْصِيكَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَغْصِيَ اللَّهَ وَ أَطِيعَكَ، قَالَ: الشَّيْخُ لَا يَلِي قَتْلَكُمْ أَحَدٌ غَيْرِي وَ آخَذَ السَّيْفَ وَ مَشَى أَمَامَهُمَا، فَلَمَّا صَارَ إِلَى شَاطِئِ الْفُرَاتِ سَلَّ السَّيْفَ مِنْ جَنْبِهِ فَلَمَّا نَظَرَ الْغُلَامَانِ إِلَى السَّيْفِ مَسْلُوكًا اغْرَوْرَقَتْ أَعْيُنُهُمَا وَ قَالَا لَهُ: «يَا شَيْخُ انْطَلِقْ بِنَا إِلَى الشُّوقِ وَ اسْتَمْتِعْ بِأَمَانِنَا وَ لَا تُرِدْ أَنْ يَكُونَ مُحَمَّدٌ خَضَمَكَ فِي الْقِيَامَةِ غَدًا»، فَقَالَ: لَا وَلَكِنْ أَقْتُلْكُمْ وَ أَذْهَبْ بِرَأْسِكُمَا إِلَى عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ زِيَادٍ وَ آخِذْ جَائِزَةَ الْقِي دِرْهَمٍ، فَقَالَا



الاسم



سورة



ما پناه داد و اکنون ارباب تو قصد قتل ما را دارد. غلام سیاه پای آنان را بوسه زد و گفت: جانم فدای شما باد. رویم سیاه باد ای خاندان مصطفی. نمی‌خواهم پیامبر در روز قیامت دشمنم شد. تیغ برهنه را به خاک انداخت و خود را به رود فرات انداخت. صدای اربابش می‌آمد که گفت: از دستورم سرباز زدی؟ غلام سیاه جواب داد: مطیع تو هستم تا هنگامی که مطیع خداوند باشی. آنگاه که تو معصیت خدا می‌کنی، در دنیا و آخرت از تو روی گردانم.

داماد پیرزن ناچار رو به پسرش کرد و گفت: می‌دانی که من بخاطر تو، حلال و حرام را گرد می‌آورم و باید دنیا را در دست داشت. اینک این کودکان را لب فرات ببر و گردن بزن و سرشان را برایم بیاور تا از عبیدالله بن زیاد دو هزار درهم پاداش بستانم. او شمشیر گرفت و کودکان را پیش انداخت.

اندکی که جلو رفتند، یکی از طفلان مسلم بن عقیل گفت: ای جوان! من از عذاب جهنم برای تو نگرانم. پرسید: شما چه کسانی هستید؟ گفتند: ما از خاندان پیامبریم. پدرت قصد دارد ما را به قتل برساند. پسر مرد فاسق بوسه زنان به پای فرزندان مسلم افتاد و همان چیزی را گفت که غلام سیاه گفته بود. آنگاه تیغ را کناری افکند و به دل فرات زد. پدرش خشمگینانه گفت از من فرمان نمی‌بری؟ گفت: دستور خداوند بر دستور تو تقدم دارد.

آنگاه او گفت: جز خودم کسی نمی‌تواند آنان را به قتل برساند. شمشیر به دست گرفت و پیش رفت و در لب فرات چشم طفلان مسلم به تیغ تیز افتاد و گریه کردند. گفتند: ای شیخ! چرامی خواهی پیامبر در رستاخیز دشمن تو باشد؟ ما را در بازار بردگان بفروش. گفت: می‌خواهم برای بردن سرتان نزد ابن زیاد پاداش بگیرم. گفتند: آیا به خویشاوندی ما با پیامبر نمی‌اندیشی؟ گفت: شما هیچ ارتباطی با پیامبر ندارید. گفتند: پس ما را نزد عبیدالله بن زیاد ببر تا او درباره ما فرمان دهد. گفت: من می‌خواهم با خون شما نزد امیر مقرب شوم.



الاسم



لَهُ: «يَا شَيْخُ أَمَا تَحْفَظُ قَرَابَتَنَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ»، فَقَالَ: مَا لَكُمْ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ قَرَابَةٌ؟
 قَالَا لَهُ: «يَا شَيْخُ فَأَتَيْتَ بِنَا إِلَى عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ زِيَادٍ حَتَّى يَحْكُمَ بَيْنَنَا بِأَمْرِهِ»، قَالَ: مَا بِي إِلَيَّ
 ذَلِكَ سَبِيلُ إِلَّا التَّقَرُّبُ إِلَيْهِ بِدَمِكُمَا، قَالَا لَهُ: «يَا شَيْخُ أَمَا تَرْحَمُ صِغَرَ سِنِّنَا» قَالَ: مَا جَعَلَ
 اللَّهُ لَكُمْ فِي قُلُوبِي مِنَ الرَّحْمَةِ شَيْئًا، قَالَا: «يَا شَيْخُ إِنْ كَانَ وَ لَا بُدَّ فَدَعْنَا نُصَلِّيَ رَكَعَاتٍ»،
 قَالَ: فَصَلَّيْنَا مَا شِئْتُمَا إِنْ نَفَعَتْكُمَا الصَّلَاةُ، فَصَلَّى الْغُلَامَانِ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ ثُمَّ رَفَعَا طَرَفَيْهِمَا
 إِلَى السَّمَاءِ فَنَادَيَا: «يَا حَيُّ يَا حَكِيمُ يَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ احْكُمْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُ بِالْحَقِّ»، فَقَامَ
 إِلَى الْاَكْبَرِ فَضْرَبَ عُنُقَهُ وَأَخَذَ بِرَأْسِهِ وَوَضَعَهُ فِي الْمِخْلَافَةِ، وَأَقْبَلَ الْغُلَامُ الصَّغِيرُ يَتَمَرَّعُ
 فِي دَمِ أَخِيهِ وَهُوَ يَقُولُ: حَتَّى أَتَى رَسُولَ اللَّهِ ﷺ وَ أَنَا مُخْتَضِبٌ بِدَمِ أَخِي، فَقَالَ: لَا
 عَلَيْكَ سَوْفَ الْحَقُّكَ بِأَخِيكَ ثُمَّ قَامَ إِلَى الْغُلَامِ الصَّغِيرِ فَضْرَبَ عُنُقَهُ وَأَخَذَ رَأْسَهُ وَ
 وَضَعَهُ فِي الْمِخْلَافَةِ وَرَمَى بَيْنَهُمَا فِي الْمَاءِ وَهُمَا يَقْطُرَانِ دَمًا وَ مَرَّ حَتَّى أَتَى بِهِمَا عُبَيْدُ
 اللَّهِ بْنُ زِيَادٍ وَهُوَ قَاعِدٌ عَلَى كُرْسِيِّ لَهُ وَبِيَدِهِ قَضِيبُ خَيْزُرَانٍ فَوَضَعَ الرَّأْسَيْنِ بَيْنَ يَدَيْهِ،
 فَلَمَّا نَظَرَ إِلَيْهِمَا قَامَ ثُمَّ قَعَدَ ثَلَاثًا ثُمَّ قَالَ: الْوَيْلُ لَكَ أَتَيْنَ ظَفِرَتْ بِهِمَا، أَضَافَتْهُمَا عَجُوزُ لَنَا،
 قَالَ: فَمَا عَرَفْتَ حَقَّ الضِّيَافَةِ، قَالَ: لَا، قَالَ: فَأَيُّ شَيْءٍ؟ قَالَا: لَكَ، قَالَ: قَالَا: «يَا شَيْخُ اذْهَبْ
 بِنَا إِلَى الشُّوقِ فَبَعْنَا فَنُتَفَعُ بِأَتَمَانِنَا فَلَا تُرَدُّ أَنْ يَكُونَ مُحَمَّدٌ ﷺ خَضَمَكَ فِي الْقِيَامَةِ»
 قَالَ: فَأَيُّ شَيْءٍ قُلْتَ لَهُمَا؟ قَالَ: قُلْتُ: لَا وَلَكِنْ أَقْتُلُكُمَا وَ أَتَطْلُقُ بِرَأْسِكُمَا إِلَى عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ
 زِيَادٍ وَ أَخَذَ الْفِي دِرْهَمٍ، قَالَ: فَأَيُّ شَيْءٍ قَالَا لَكَ؟ قَالَ: «قَالَا أَتَيْتَ بِنَا إِلَى عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ زِيَادٍ
 حَتَّى يَحْكُمَ بَيْنَنَا بِأَمْرِهِ» قَالَ: فَأَيُّ شَيْءٍ قُلْتَ؟ قَالَ: قُلْتُ: لَيْسَ إِلَيَّ ذَلِكَ سَبِيلًا إِلَّا التَّقَرُّبُ
 إِلَيْكَ بِدَمِكُمَا قَالَ: أَفَلَا جِئْتَنِي بِهِمَا حَيَّيْنِ فَكُنْتُ أَضَاعِفُ لَكَ الْجَائِزَةَ وَ أَجْعَلُهَا أَرْبَعَةَ
 آلَافٍ دِرْهَمٍ قَالَ: مَا رَأَيْتُ إِلَى ذَلِكَ سَبِيلًا إِلَّا التَّقَرُّبُ إِلَيْكَ بِدَمِيهِمَا، قَالَ: فَأَيُّ شَيْءٍ قَالَا
 لَكَ أَيْضًا؟ قَالَ: قَالَا: «يَا شَيْخُ احْفَظْ قَرَابَتَنَا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ قَالَ: فَأَيُّ شَيْءٍ قُلْتَ لَهُمَا؟ قَالَ:
 قُلْتُ: مَا لَكُمْ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ مِنْ قَرَابَةٍ وَ يِلَكَ فَأَيُّ شَيْءٍ قَالَا لَكَ أَيْضًا؟ قَالَا: «يَا شَيْخُ
 ارْحَمْ صِغَرَ سِنِّنَا قَالَ: فَمَا رَحِمْتَهُمَا؟ قَالَ: قُلْتُ: مَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ مِنَ الرَّحْمَةِ فِي قُلُوبِي
 شَيْئًا، قَالَ: وَ يِلَكَ فَأَيُّ شَيْءٍ قَالَا لَكَ أَيْضًا؟ قَالَ: قَالَا دَعْنَا نُصَلِّيَ رَكَعَاتٍ فَقُلْتُ فَصَلَّيْنَا مَا
 شِئْتُمَا إِنْ نَفَعَتْكُمَا الصَّلَاةُ فَصَلَّى الْغُلَامَانِ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ، قَالَ: فَأَيُّ شَيْءٍ قَالَا فِي آخِرِ

گفتند: ای شیخ! به خردسالی ما رحم نمی‌کنم؟ گفت: خدا در قلب من مهر و محبت نگذاشته است. گفتند: پس مهلت بده تا چند رکعت نماز بخوانیم. گفت: اگر این کار برای شما حاصلی دارد، هر چقدر که می‌خواهید، عبادت کنید. آنگاه آنان چهار رکعت نماز خوانده و چشم به آسمان دوختند و ندا برآوردند: یا حی یا حکیم، یا احکم الحاکمین! میان ما و او به حق داوری کن. پس از آن گردن برادر بزرگ‌تر را زد و در توبره گذاشت. برادر کوچک که در خون غلتیده بود گفت: می‌خواهم در این حال پیامبر را دیدار کنم. او را هم به قتل رساند و سرش را برداشت و در توبره افکند. تن‌های بی سر را در فرات انداخت. سرهای طفلان مسلم را نزد عبیدالله بن زیاد برد. او با عصای خیزران به دست، روی تخت نشسته بود. وقتی چشمان او به سرهای بریده افتاد، سه بار برخاست و نشست و گفت: وای بر تو آنان را در کجا یافتی؟ گفت: پیر زنی از خویشان من میزبان آنان شده بود. عبیدالله گفت: حق میزبانی را رعایت نکردی؟ گفت: نه. عبیدالله گفت: کودکان به تو چه گفتند؟ گفت از من تقاضا کردند آنان را به بازار برده فروشان ببرم و پیامبر را در روز قیامت دشمن خویش نسازم. عبیدالله گفت: و تو در پاسخ چه گفتی؟ شیخ گفت: من به آنان گفتم شما را به قتل می‌رسانم و باید در سر هاتان نزد امیر دو هزار درهم جایزه گیرم. عبیدالله گفت: آنان دیگر چه بر زبان آوردند؟ گفتند: ما را پیش عبیدالله بن زیاد ببر و بگذار او درباره ما فرمان دهد. عبیدالله پرسید: تو چه پاسخی دادی؟ گفت: من گفتم که می‌خواهم با قتل شما دو تن به امیر نزدیکتر شوم. عبیدالله گفت: چرا آنان را نزد من نیاوردی که دو چندان پاداش بدهم؟ شیخ گفت: دلم جز ریختن خون آنان به منظور تقرب راه نداد. عبیدالله پرسید آنان دیگر باتو چه گفت و گویی داشتند؟ گفتند: ای شیخ! خویشاوندی ما با پیامبر را فراموش نکن. عبیدالله پرسید: تو در جواب چه گفتی؟ به آنها گفتم: که اصلاً شما با پیامبر خویشاوند نیستید. عبیدالله گفت: وای بر تو، دیگر به تو چه گفتند؟ شیخ گفت: از من خواستند که به خردسالی شان رحم کنم. عبیدالله گفت: تو هم هیچ رحم نکردی، نه؟ شیخ گفت: به آنان گفتم که خدا در قلب من مهر و مروت نگذاشته است. عبیدالله گفت: وای بر تو، دیگر چه شنیدی؟ شیخ گفت: از من خواستند تا مهلت دهم چند رکعت نماز



السلامی



صَلَاتِهِمَا؟ قَالَ: رَفَعَا طَرْفَيْهِمَا إِلَى السَّمَاءِ وَقَالَا: «يَا حَيُّ يَا حَكِيمُ يَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ
أَحْكَمْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ بِالْحَقِّ» قَالَ عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ زِيَادٍ فَإِنَّ أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ قَدْ حَكَمَ بَيْنَكُمْ بَيْنَ
الْفَاسِقِ، قَالَ: فَانْتَدَبَ لَهُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ فَقَالَ: أَنَا لَهُ قَالَ: فَانْطَلِقْ بِهِ إِلَى الْمَوْضِعِ الَّذِي
قُتِلَ فِيهِ الْغُلَامَيْنِ فَاضْرِبْ عَنْقَهُ وَلَا تَتْرُكْ أَنْ يَخْتَلِطَ دَمُهُ بِدَمَيْهِمَا وَعَجَّلَ بِرَأْسِهِ، فَقَعَلَ
الرَّجُلُ ذَلِكَ وَجَاءَ بِرَأْسِهِ فَنَصَبَهُ عَلَى فَنَاءٍ فَجَعَلَ الصَّبِيَّانُ يَزُمُونَهُ بِالنُّبْلِ وَالْحِجَارَةِ وَ
هُمْ يَقُولُونَ: هَذَا قَاتِلُ ذُرِّيَّةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ.



مركز تحقیق کتب و اسناد اسلامی



السلام



شنیدی؟ شیخ گفت: از من خواستند تا مهلت دهم چند رکعت نماز بخوانند. گفتم: اگر برای شما سودمند است، هر چه قدر دوست دارید، نماز بخوانید. عبیدالله گفت: آنان بعد از نمازشان چه بر زبان آوردند؟ شیخ گفت: یتیمان رو به آسمان چنین گفتند: یا حی یا حکیم یا احکم الحاکمین، میان ما و او به حق داوری فرما. عبیدالله گفت: خداوند بین تو و آنان به حق داوری خواهد کرد. آنگاه فریاد برآورد: کیست سزای این فاسق را بدهد؟ مردی از اهالی شام بلند شد و گفت: من حاضرم. عبیدالله گفت: او را به همان جایی ببر که این کودکان را به قتل رسانده و آنگاه گردن او را بزن و خونس را روی خون آنان بریز و بی درنگ سرش را نزد من بیاور. آن مرد شامی چنین کرد و سر شیخ را نزد عبیدالله آورد و بر سر نیزه نشانند. کودکان شهر با تیر و سنگ آن را نشانه می گرفتند و می گفتند: این است قاتل ذریه رسول خدا ﷺ.



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی



السلام

المجلس العشرون

يوم الثلاثاء لأربع ليال بقين من شهر رمضان

من سنة سبع وستين وثلاثمائة

١. حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوئِهِ الْقُمِّيُّ عليه السلام قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْحَسَنِ الْمُؤَدَّبُ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ الْأَصْبَهَانِيُّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ الثَّقَفِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ عُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ مُوسَى الْعَبْسِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ السَّلْمِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَقِيلٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ أَنَّهُ قَالَ: لَقَدْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: «إِنَّ فِيَّ عَلِيٍّ خِصَالًا لَوْ كَانَتْ وَاحِدَةٌ مِنْهَا فِي جَمِيعِ النَّاسِ لَا كُتِفُوا بِهَا فَضْلًا قَوْلُهُ ﷺ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ، قَوْلُهُ ﷺ: عَلِيٌّ مِنِّي كَهَارُونَ مِنْ مُوسَى، وَقَوْلُهُ ﷺ: عَلِيٌّ مِنِّي وَأَنَا مِنْهُ، وَقَوْلُهُ ﷺ: عَلِيٌّ مِنِّي كَنَفْسِي طَاعَتُهُ طَاعَتِي وَمَعْصِيَتُهُ مَعْصِيَتِي، وَقَوْلُهُ ﷺ: حَرْبُ عَلِيٍّ حَرْبُ اللَّهِ وَسَلَامُ عَلِيٍّ سَلَامُ اللَّهِ، وَقَوْلُهُ ﷺ: وَلِيُّ عَلِيٍّ وَلِيُّ اللَّهِ وَعَدُوُّ عَلِيٍّ عَدُوُّ اللَّهِ، وَقَوْلُهُ ﷺ: عَلِيٌّ حُجَّةُ اللَّهِ وَخَلِيفَتُهُ عَلَى عِبَادِهِ، وَقَوْلُهُ ﷺ: حُبُّ عَلِيٍّ إِيمَانٌ وَبُغْضُهُ كُفْرٌ، وَقَوْلُهُ ﷺ: حَرْبُ عَلِيٍّ حَرْبُ اللَّهِ وَحَرْبُ أَعْدَائِهِ حَرْبُ الشَّيْطَانِ، وَقَوْلُهُ ﷺ: عَلِيٌّ مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَهُ لَا يَفْتَرِقَانِ حَتَّى يَرْدَا عَلَى الْحَوْضِ، وَقَوْلُهُ ﷺ: عَلِيٌّ قَسِيمُ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ، وَقَوْلُهُ ﷺ: مَنْ فَارَقَ عَلِيًّا فَقَدْ فَارَقَنِي وَمَنْ فَارَقَنِي فَقَدْ فَارَقَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ، وَقَوْلُهُ ﷺ: شِيعَةُ عَلِيٍّ هُمُ الْفَائِزُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ».

٢. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو جَعْفَرٍ أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ بْنِ بُهْلُولٍ الْقَاضِي فِي دَارِهِ بِمَدِينَةِ السَّلَامِ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ يَزِيدَ الصَّبْدَاوِيُّ عَنْ أَبِي شَيْبَةَ الْجَوْهَرِيِّ عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «تَقَبَّلُوا إِلَيَّ بِسِتَّةِ أَتَقَبَّلُ لَكُمْ بِالْجَنَّةِ، إِذَا حَدَّثْتُمْ فَلَا تَكْذِبُوا، وَإِذَا وَعَدْتُمْ فَلَا تُخْلِفُوا، وَإِذَا أَوْثَمْتُمْ فَلَا تَخُونُوا، وَغَضُّوا أَبْصَارَكُمْ، وَاحْفَظُوا فُرُوجَكُمْ، وَكَفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَالسِّنَّكُمْ».

شيخ
سنة

مجلس بیستم

سه شنبه بیست و ششم ماه رمضان سال ۳۶۷

السلامی

۱. پیامبر خدا ﷺ چنین فرمود: بی گمان در علی علیه السلام چند ویژگی وجود دارد که اگر یکی از آن‌ها در دیگران بود، در برتری آنان کافی بود. (آنگاه جابر بن عبدالله انصاری به احادیث نبوی در منقبت حضرت امیر علیه السلام اشاره می‌کند) فرموده: هرکس من مولای او هستم، علی مولای اوست، همچنین فرموده: او که علی نسبت به من چون هارون است نسبت به موسی علیه السلام و فرموده: او که علی از من است و من از علی علیه السلام، و فرموده علی همانند من است و طاعت او طاعت من است و نافرمانی او نافرمانی من است. و فرموده: پیکار با علی؛ پیکار با خداست و سازش با علی، سازش با خداست. و فرموده: دوست علی دوست خداست و دشمن علی دشمن خدا. و فرموده: علی حجت و خلیفه خداوند است به بندگان او. و او که فرموده: دوست داشتن علی، ایمان است و دشمنی با او، کفر است. و فرموده: حزب علی حزب خداوند است و حزب دشمنان علی حزب شیطان است. و فرموده: علی با حق است و حق با علی است، و این دو از هم جدا نخواهند شد تا آنکه لب حوض کوثر نزد من آیند، و فرموده: علی تقسیم کننده دوزخ و بهشت است. و فرموده: هرکس از علی جدا شود، از من جداگشته، و هرکس از من جداگردد، در حقیقت از خداوند جدا شده است. و فرموده: پیروان علی در روز قیامت رستگارانند.

۲. پیامبر خدا ﷺ فرمود: برای شش چیز تعهد بدهید تا من بهشت را برای شما متعهد شوم: به هنگام نقل سخن دروغ بر زبان نیاورید، وعده خود را وفا کنید، در امانت

٣. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادٍ (رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ)، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْقَاسِمُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْبُرْمَكِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو الصَّلْتِ الْهَرَوِيُّ، قَالَ: لَمَّا جَمَعَ الْمَأْمُونُ لِعَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا عليه السلام أَهْلَ الْمَقَالَاتِ مِنْ أَهْلِ الْإِسْلَامِ وَالذِّيَّانَاتِ مِنَ الْيَهُودِ وَالنَّصَارَى وَالْمَجُوسِ وَالصَّابِيِّينَ وَسَائِرِ أَهْلِ الْمَقَالَاتِ، فَلَمْ يَقُمْ أَحَدٌ إِلَّا وَقَدْ لَزِمَهُ حُجَّتُهُ فَقَامَ إِلَيْهِ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ الْجَهْمِ، فَقَالَ لَهُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَتَقُولُ بِعِصْمَةِ الْأَنْبِيَاءِ؟ قَالَ: «بَلَى» قَالَ: فَمَا تَفْعَلُ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَعَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى» ^(١) وَ قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ» ^(٢) وَ قَوْلِهِ فِي يُوسُفَ: «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا» ^(٣) وَ قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي دَاوُدَ: «وَظَنَّ دَاوُدُ أَنَّمَا فَتَنَّاهُ» ^(٤) وَ قَوْلِهِ فِي نَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ عليه السلام: «وَتَخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ» ^(٥) فَقَالَ مَوْلَانَا الرِّضَا عليه السلام: «وَيَحْكُ يَا عَلِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُنْسِبْ إِلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ الْقَوَاحِشَ وَلَا تَتَأَوَّلْ كِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِرَأْيِكَ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: «وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ» ^(٦) أَمَّا قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي آدَمَ عليه السلام: «وَعَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى» فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَ آدَمَ حُجَّةً فِي أَرْضِهِ وَخَلِيفَةً فِي بِلَادِهِ لَمْ يَخْلُقْهُ لِلْجَنَّةِ، وَكَانَتْ الْمَعْصِيَةُ مِنْ آدَمَ فِي الْجَنَّةِ لَا فِي الْأَرْضِ لَتَتِمَّ مَقَادِيرُ أَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، فَلَمَّا أَهْبَطَ إِلَى الْأَرْضِ وَجُعِلَ حُجَّةً وَخَلِيفَةً عُصِمَ بِقَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَنُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ» ^(٧) وَأَمَّا قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ إِنَّمَا ظَنَّ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَا يُضَيِّقُ عَلَيْهِ رِزْقَهُ، أَلَا تَسْمَعُ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ» ^(٨) أَيُّ ضَيِّقَ عَلَيْهِ وَلَوْ ظَنَّ أَنَّ اللَّهَ لَا يَقْدِرُ عَلَيْهِ لَكَانَ قَدْ كَفَرَ، وَأَمَّا قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي يُوسُفَ وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا فَإِنَّهَا هَمَّتْ بِالْمَعْصِيَةِ وَهَمَّ يُوسُفَ بِقَتْلِهَا إِنْ أَجْبَرَتْهُ لِعِظَمِ مَا دَاخَلَهُ فَصَرَفَ اللَّهُ عَنْهُ قَتْلَهَا وَ الْفَاحِشَةَ، وَهُوَ قَوْلُهُ: «كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ يُغْنِي الْقَتْلَ وَ الْفَحْشَاءَ يَغْنِي

١. الأنبياء / ٨٧

٢. ص / ٢٢

٣. آل عمران / ٧

٤. الفجر / ١٦

١. طه / ١٢١

٢. يوسف / ٢٢

٣. الاحزاب / ٣٧

٤. آل عمران / ٣٣

مردم خیانت نکنند، از نامحرم چشم بپوشید پاکدامن بمانید و دست و زبان خود را به گناه آلوده کنید.

۳. ابوالصلت هروی می‌گوید: مأمون خلیفه عباسی، عالمان مسلمان و یهودی و مسیحی و زرتشتی و صابائی و دیگران را در مجلسی گرد هم آورد تا با امام رضا علیه السلام بحث کنند. هر که برمی‌خواست در برابر امام محکوم می‌شد، گویی سنگی در دهان او نهاده بودند که نمی‌توانست به امام پاسخ دهد. علی بن محمد بن جهم نزدیک آمد و گفت: ای فرزند پیامبر خدا صلی الله علیه و آله! شهابه عصمت پیامبران اعتقاد دارید؟ فرمود: بلی. او گفت: تفسیر شما از گفته خداوند درباره آدم چیست؟ ﴿و عصی آدم و به فغوی﴾ «آدم نافرمانی کرد و گمراه شد» (طه/۱۲۱) و نیز یونس پیامبر: ﴿و ذالنون از ذهب مغاضباً فظن این لن نقدر علیه﴾ «ذالنون آنگاه که خشمناک شد و رفت و پنداشت که ما در برابر او قدرت نداریم» (انبیا/۸۷) و نیز یوسف پیامبر: ﴿و لقد همت به هم بها﴾ «آن زن به وی گرایش یافت و یوسف هم به او توجه نمود» (یوسف/۲۴). و نیز داود پیامبر: ﴿و ظن داود انما فتناه﴾ «داود پنداشت که ما او را امتحان کردیم» (ص/۲۴).

نیز پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله: ﴿و تخفی فی نفسک ما الله مبدیه و تخشی الناس و الله احق ان تخشاه﴾ «در دل خویش پنهان می‌کنی آنچه را که خدا آشکار می‌سازد و از مردم بیمناک هستی در حالی که خداوند سزاوارتر است که از او داشته باشی» (احزاب/۳۷). حضرت رضا علیه السلام مولای ما چنین پاسخ داد: وای بر تو. از خداوند بترس و پیامبران را به نافرمانی خدا متهم نکن و قرآن کریم را به رای خود تفسیر نکن. خدا در قرآن چنین فرمود: «تأویل آیات را جز خدا و راسخان در دانش نمی‌دانند». اما اینکه خداوند فرمود: آدم پروردگارش را نافرمانی کرد و گمراه شد، بدان که خداوند آدم را آفرید تا حجت و جانشین او در زمین باشد و او را برای بهشت نیافرید. عصیان آدم در بهشت بودن در زمین، تا اینکه تقدیر الهی کامل شود. آنگاه که او به زمین هبوط نمود و حجت و خلیفه پروردگارش شد، عصمت داشت؛ چرا که خداوند در قرآن کریم چنین فرمود: «به راستی خدا برگزید آدم و نوح و ابراهیم و آل عمران را بر همه جهانیان» و درباره حضرت یونس علیه السلام بدان که مراد این است که خدا روزی را بر او تنگ نمی‌سازد. مگر این آیه قرآن کریم را نخوانده‌ای که «خدا آنگاه که کسی را بیمارزد، بر او روزی را تنگ می‌گیرد» (فجر/۱۶). بی‌گمان اگر یونس، فکر می‌کرد که خداوند بر او توانایی ندارد کفر ورزیده بود. و درباره حضرت یوسف علیه السلام بدان که مراد این است که زلیخا به یوسف تمایل داشت، در حالی که یوسف آهنگ قتل او را داشت تا به هنگام اجبار در معصیت آن را انجام دهد. اما خداوند هم او را از کشتن زلیخا باز داشت و هم از این که به گناه آلوده شود. خدا فرمود: «از او بدی را دور



مِحْرَابِهِ يُصَلِّي إِذْ تَصَوَّرَ لَهُ إِبْلِيسُ عَلَى صُورَةِ طَيْرٍ أَحْسَنَ مَا يَكُونُ مِنَ الطُّيُورِ، فَقَطَعَ صَلَاتَهُ وَقَامَ لِيَأْخُذَ الطَّيْرَ فَخَرَجَ الطَّيْرُ إِلَى الدَّارِ فَخَرَجَ فِي أَثَرِهِ فَطَارَ الطَّيْرُ إِلَى السَّطْحِ فَصَعِدَ فِي طَلَبِهِ فَسَقَطَ الطَّيْرُ فِي دَارِ أَوْريَاءَ بْنِ حَتَّانٍ فَأَطْلَعَ دَاوُدُ فِي أَثَرِ الطَّيْرِ، فَإِذَا بِامْرَأَةٍ أَوْريَاءَ تَغْتَسِلُ فَلَمَّا نَظَرَ إِلَيْهَا هَوَاهَا وَكَانَ أَوْريَاءُ قَدْ أَخْرَجَهُ فِي بَعْضِ غَزَوَاتِهِ فَكَتَبَ إِلَى صَاحِبِهِ أَنْ قَدَّمَ أَوْريَاءَ أَمَامَ الْحَرْبِ فَقَدَّمَ فَظَفِرَ أَوْريَاءَ بِالْمُشْرِكِينَ فَصَعِبَ ذَلِكَ عَلَى دَاوُدَ فَكَتَبَ الثَّانِيَةَ أَنْ قَدَّمَهُ أَمَامَ الثَّابُوتِ فَقُتِلَ أَوْريَاءُ عليه السلام وَتَزَوَّجَ دَاوُدُ بِامْرَأَتِهِ، قَالَ: فَضَرَبَ الرُّضَا عليه السلام يَدَيْهِ عَلَى جَبْهَتِهِ وَقَالَ: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، لَقَدْ نَسَبْتُمْ نَبِيًّا مِنْ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ إِلَى التَّهَاوُنِ بِصَلَاتِهِ حَتَّى خَرَجَ فِي أَثَرِ الطَّيْرِ ثُمَّ بِالْفَاحِشَةِ ثُمَّ بِالْقَتْلِ»، فَقَالَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَمَا كَانَتْ خَطِيئَتُهُ، فَقَالَ: «وَيَحْكُ إِنَّا دَاوُدُ إِنَّمَا ظَنُّنَا أَنْ مَا خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ خَلْقًا هُوَ أَعْلَمُ مِنْهُ فَبَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ الْمَلَائِكَةَ فَتَسَوَّرَا الْمِحْرَابَ، فَقَالَا خَصْمَانِ بَغَى بَعْضُنَا عَلَى بَعْضٍ فَاحْكُم بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَلَا تَشْطِطُوا وَاهْدِنَا إِلَى سَوَاءِ الصِّرَاطِ إِنَّ هَذَا أَخِي لَهُ تِسْعٌ وَتِسْعُونَ نَعْجَةً وَلِي نَعْجَةٌ وَاحِدَةٌ فَقَالَ أَكْفُلْنِيهَا وَعَزَّنِي فِي الْخِطَابِ» فَعَجَّلَ دَاوُدُ عليه السلام عَلَى الْمُدَّعَى عَلَيْهِ، فَقَالَ: «لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعَجَتِكَ إِلَى زَوْجِهِ» ^(١) وَلَمْ يَسْأَلِ الْمُدَّعِيَ النَّبِيَّةَ عَلَى ذَلِكَ وَلَمْ يَقْبَلْ عَلَى الْمُدَّعَى عَلَيْهِ فَيَقُولَ مَا تَقُولُ فَكَانَ هَذَا خَطِيئَتَهُ حُكْمِهِ لَا مَا ذَهَبْتُمْ إِلَيْهِ أَلَا تَسْمَعُ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: «يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ» ^(٢) إِلَى آخِرِ الْآيَةِ، فَقُلْتُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَمَا قِصَّتُهُ مَعَ أَوْريَاءَ، فَقَالَ الرُّضَا عليه السلام: «أَنَّ الْمَرْأَةَ فِي أَيَّامِ دَاوُدَ إِذَا مَاتَ بَعْلُهَا أَوْ قُتِلَ لَا تَتَزَوَّجُ بَعْدَهُ أَبَدًا وَأَوَّلُ مَنْ أَبَاحَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ أَنْ يَتَزَوَّجَ بِامْرَأَةِ قُتِلَ بَعْلُهَا دَاوُدُ عليه السلام فَذَلِكَ الَّذِي شَقَّ عَلَى أَوْريَاءَ، وَأَمَّا مُحَمَّدُ نَبِيُّهُ عليه السلام وَقَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ: «وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ»، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ عَرَفَ نَبِيَّهَ عليه السلام اسْمَاءَ أَزْوَاجِهِ فِي دَارِ الدُّنْيَا وَأَسْمَاءَ أَزْوَاجِهِ فِي الْآخِرَةِ وَأَنَّهِنَّ أُمَّهَاتُ الْمُؤْمِنِينَ وَأَحَدُ مَنْ سُمِّيَ لَهُ زَيْنَبُ بِنْتُ جَحْشٍ وَهِيَ يَوْمَئِذٍ تَحْتَ زَيْدِ بْنِ حَارِثَةَ فَأَخْفَى عليه السلام اسْمَهَا فِي نَفْسِهِ وَلَمْ يُبْدِهِ لَهُ لِكَيْلَا يَقُولَ أَحَدٌ مِنَ الْمُنَافِقِينَ إِنَّهُ قَالَ فِي امْرَأَةٍ فِي بَيْتِ رَجُلٍ: إِنَّهَا أَحَدُ أَزْوَاجِهِ مِنْ أُمَّهَاتِ الْمُؤْمِنِينَ وَخَشِيَ قَوْلَ الْمُنَافِقِينَ، قَالَ

گردانیدیم، یعنی قتل و فحشا را از یوسف دور ساخت. و درباره حضرت داود علیه السلام افراد تو چه اعتقادی دارند؟ علی بن جهم گفت: آنان اعتقاد دارند که داود در محراب مشغول نماز بود که شیطان به صورت زیباترین پرنده در نظر او آشکار شد. آنگاه نماز خود را شکست و خواست آن را بگیرد که پرنده بیرون رفت. داود به دنبال او شتافت تا آنکه بر بالای بام خانه‌ای رفت که به «اوریا» پسر «حتان» تعلق داشت. داود به داخل نگاه کرد و زن اوریا را در حال آب تنی دید و شیفته‌اش شد. از آن پس اوریا را به جبهه نبرد روانه کرد و از فرمانده خواست که اوریا را به خط مقدم بفرستد. اوریا در جنگ با مشرکان پیروز شد که بر داود ناگوار بود. داود فرمان داد تا او را بار دیگر به پیکار فرستند. اوریا در آن جنگ کشته می‌شود و زن او به عقد داود در می‌آید. امام رضا علیه السلام نگاه به پیشانی زد و فرمود: «انالله و انا الیه راجعون». شما یکی از پیامبران را متهم می‌سازید که به نماز خود توجهی ندارد و به دنبال پرنده‌ای می‌رود و هرزگی پیشه می‌کند و بعد باعث قتل بی‌گناهی می‌شود؟ او گفت: ای پسر پیامبر خدا! پس خطای داود چیست؟ امام فرمود: وای بر تو. داود پنداشت که خداوند انسانی داناتر از او نیافریده است. او دو فرشته فرو فرستاد که از دیوار محراب او بالا آمدند و اظهار داشتند که «یکی بر دیگری ستم روا داشته است. اکنون میان ما به حق و حق و ما را هدایت کن. بی‌گمان این برادر من، نود و نه می‌بار دارد و من فقط یک می‌بار دارم. او می‌گوید آن یکی را هم به من بده!» داود عصبانی شد و گفت: او به تو ظلم کرده که تنها می‌بار تو را می‌خواهد. داود بی‌آنکه شاهی طلب کند یا پاسخ برادرش را بشنود، این حکم را داد. این خطای داود در قضاوت بود نه آنچه شما بر زبان می‌آورید. مگر آیه قرآن را نشنیده‌ای که فرمود: «ای داود! بی‌گمان تو را در زمین خلیفه قرار دادیم که میان مردم حکم شایسته کنی؟» او گفت: ای پسر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله پس داستان داود با اوریا چیست؟ امام رضا علیه السلام فرمود: در روزگار حضرت داود هرگاه مردی می‌مرد یا کشته می‌شد، زن او دیگر ازدواج نمی‌کرد. و داود نخستین شخصی بود که خداوند برای ازدواج با زن شوهر مرده مباح ساخت. این حکم بر اوریا خوش نیامد.

و درباره پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بدان که مراد این است که خداوند نام همسران او را در دنیا و آخرت گفت و از آن پس فرمود آنان ام المؤمنین می‌باشند. یکی از آنان «زینب دختر جحش» نام داشت. او در آن هنگام همسر زید بن حارثه بود. پیامبر نام او را در دل پنهان می‌داشت و به او نیز نگفت که منافقان بر او طعنه زنند که همسر دیگری را در



السلامی



فِي امْرَأَةٍ فِي بَيْتِ رَجُلٍ: أَنَّهَا أَحَدُ أَزْوَاجِهِ مِنْ أُمَّهَاتِ الْمُؤْمِنِينَ وَخَشِيَ قَوْلَ الْمُنَافِقِينَ، قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تُخْشَاهُ فِي نَفْسِكَ» وَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ مَا تَوَلَّى تَزْوِيجَ أَحَدٍ مِنْ خَلْقِهِ إِلَّا تَزْوِيجَ حَوَاءَ مِنْ آدَمَ وَرَيْسَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَفَاطِمَةَ مِنْ عَلِيِّ ﷺ قَالَ فَكَيْ عَلِيُّ بْنُ الْجَهْمِ، وَقَالَ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَنَا تَائِبٌ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ أَنْطِقَ فِي أَنْبِيَاءِ اللَّهِ بَعْدَ يَوْمِي هَذَا إِلَّا بِمَا ذَكَرْتَهُ.

٤. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْهَمْدَانِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ فَضَالٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرُّضَا عَنْ أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ الْبَاقِرِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، قَالَ: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ خَطَبَنَا ذَاتَ يَوْمٍ، فَقَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ قَدْ أَقْبَلَ إِلَيْكُمْ شَهْرُ اللَّهِ بِالْبَرَكَةِ وَالرَّحْمَةِ وَالْمَغْفِرَةِ شَهْرٌ هُوَ عِنْدَ اللَّهِ أَفْضَلُ الشُّهُورِ، وَآيَامُهُ أَفْضَلُ الْآيَامِ، وَلَيَالِيهِ أَفْضَلُ اللَّيَالِي، وَسَاعَاتُهُ أَفْضَلُ السَّاعَاتِ هُوَ شَهْرُ دُعَيْتُمْ فِيهِ إِلَى ضِيَاةِ اللَّهِ وَجَعَلْتُمْ فِيهِ مِنْ أَهْلِ كَرَامَةِ اللَّهِ أَنْفُسَكُمْ فِيهِ تَسْبِيحٌ وَتَوْمُكُمُ فِيهِ عِبَادَةٌ وَعَمَلُكُمْ فِيهِ مَقْبُولٌ وَدُعَاؤُكُمْ فِيهِ مُسْتَجَابٌ فَاسْأَلُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ بِنِيَّاتٍ صَادِقَةٍ وَقُلُوبٍ طَاهِرَةٍ أَنْ يُوفِّقَكُمْ لَصِيَامِهِ وَتِلَاوَةِ كِتَابِهِ، فَإِنَّ السَّيِّئَ مِنْ حَرَمِ غُفْرَانِ اللَّهِ فِي هَذَا الشَّهْرِ الْعَظِيمِ وَادْكُرُوا بِجُوعِكُمْ وَعَطَشِكُمْ فِيهِ جُوعَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَعَطَشَهُ وَتَصَدَّقُوا عَلَى فَقَرَانِكُمْ وَمَسَاكِينِكُمْ وَقَرُّوا كِبَارَكُمْ وَارْحَمُوا صِغَارَكُمْ وَصَلُّوا أَرْحَامَكُمْ وَاحْفَظُوا أَلْسِنَتَكُمْ وَغَضُّوا غَمًّا لَا يَحِلُّ النَّظَرُ إِلَيْهِ أَبْصَارَكُمْ وَعَمَّا لَا يَحِلُّ الْاسْتِمَاعُ إِلَيْهِ أَسْمَاعَكُمْ وَتَحَنَّنُوا عَلَى آيَتَامِ النَّاسِ يَتَحَنَّنْ عَلَى آيَتَامِكُمْ وَتَوَبُّوا إِلَى اللَّهِ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَارْفَعُوا إِلَيْهِ أَيْدِيَكُمْ بِالْدُّعَاءِ فِي أَوْقَاتِ صَلَاتِكُمْ، فَإِنَّهَا أَفْضَلُ السَّاعَاتِ يَنْظُرُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِيهَا بِالرَّحْمَةِ إِلَى عِبَادِهِ يُجِيبُهُمْ إِذَا نَاجَوْهُ وَيُلَبِّيهِمْ إِذَا نَادَوْهُ وَيُعْطِيهِمْ إِذَا سَأَلُوهُ وَيَسْتَجِيبُ لَهُمْ إِذَا دَعَوْهُ، أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ أَنْفُسَكُمْ مَرَهُونَةٌ بِأَعْمَالِكُمْ فَكَفُّوْهَا بِاسْتِغْفَارِكُمْ وَظُهُورُكُمْ ثَقِيلَةٌ مِنْ أَوْزَارِكُمْ فَخَفِّفُوا عَنْهَا بِطَوِيلِ سُجُودِكُمْ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى ذِكْرُهُ أَقْسَمَ بِعِزَّتِهِ أَنْ لَا يُعَذِّبَ الْمُصَلِّينَ وَالسَّاجِدِينَ وَأَنْ لَا يَرُوعَهُمْ بِالنَّارِ يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ، أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ فَطَرَ مِنْكُمْ صَائِمًا مُؤْمِنًا فِي هَذَا الشَّهْرِ كَانَ لَهُ بِذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ عِتْقٌ نَسَمَةٍ وَمَغْفِرَةٌ لِمَا مَضَى مِنْ ذُنُوبِهِ»، فَقِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَلَيْسَ كُلُّنَا يَقْدِرُ عَلَى

شمار همسران خود می داند. خداوند فرمود باید از پروردگارت بیمناک باشی. خداوند تزویج زن و مردی را به عهده نگرفت مگر آدم و حوا و نیز پیامبر و زینب، و علی و فاطمه را. علی بن جهم گریه کرد و بعد گفت: ای پسر پیامبر خدا ﷺ من به پیشگاه پروردگارم توبه میکنم از این که آنان را به نافرمانی متهم سازم.

۴. امام علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود: روزی پیامبر خدا ﷺ این خطبه را برای ما خواند: ای مردم! ماه خدا همراه با برکت و رحمت و مغفرت به شما روی آورده است. رمضان، نزد خدا نیکوترین ماه بوده و روزهای آن نیکوترین روزهاست و شبهای آن نیکوترین شبها و ساعت های آن نیکوترین ساعتهاست. رمضان همان ماهی است که شما به مهمانی خداوند و کریمان در آن فراخوانده شده اید. در ماه رمضان دهمای شما تسبیح و خوابتان عبادت است. در رمضان عمل شما مقبول بوده و دعای شما مستجاب می شود. در این ماه از خداوند با دل های پاکیزه و نیت های شایسته درخواست کنید تا شما را برای روزه گرفتن و تلاوت قرآن توفیق دهد. بدانید که شوربخت کسی است که در این ماه از مغفرت الهی بی نصیب باشد. با گرسنگی و تشنگی خود در رمضان، گرسنگی و تشنگی رستاخیز را به خاطر آورید و به بینوایان و نیازمندان کمک کنید و در تکریم بزرگان خود بکوشید و بر دیگران رحم و مروت داشته باشید و با خویشاوندان دیدار کنید و زبان خود را از گناه نگاه دارید و از آنچه خداوند دیدن آن را حرام کرده چشم بپوشید و نیز آنچه شنیدن آن را حرام کرده، نشنوید و به یتیمان مهربانی ورزید تا بر یتیمان شما مهربان باشند. در رمضان از گناهانتان توبه کنید و به هنگام نماز دست به نیایش ببرید که بهترین ساعت های دعاست. خداوند در رمضان نگاهی مهربانانه به بندگان خویش دارد و به مناجاتشان پاسخ می دهد و صدای آنان را لبیک می گوید و نیز خواسته شان را اجابت می کند. ای مردم! آگاه باشید که جانتان در گرو عمل شما بوده و آن را با استغفار رها کنید. بار گناهتان بر دوش شما سنگین شده است، با سجده های طولانی آن را سبک کنید و بدانید که خداوند به عزت خود سوگند یاد کرده است که اهل نماز و سجده را هرگز عذاب نکند و در رستاخیز آنان را به دلهره از آتش دوزخ نیفکند.

ای مردم! هریک از شما یک روزه دار را افطاری مهمان کند، در این ماه ثواب آزادسازی یک بنده را نزد پروردگار دارد و نیز گناهان او آمرزیده می شود. به پیامبر خدا ﷺ گفته شد: ای پیامبر خدا! همه بر آنچه شما فرمودید، توان مندی نداریم. پیامبر علیه السلام فرمود: از خدا پروا داشته باشید، هر چند با نیمه خرمایی باشد یا شربتی آب. ای مردم! هر کس در این



ذَلِكَ، فَقَالَ ﷺ: «اتَّقُوا النَّارَ وَلَوْ بِشِقِّ تَمْرَةٍ اتَّقُوا النَّارَ وَلَوْ بِشِرْيَةٍ مِنْ مَاءٍ، أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ حَسَنَ مِنْكُمْ فِي هَذَا الشَّهْرِ خُلِقَ لَهُ جَوَازُ عَلَى الصَّرَاطِ يَوْمَ تَزُلُّ فِيهِ الْأَقْدَامُ، وَمَنْ خَفَّفَ فِي هَذَا الشَّهْرِ عَمَّا مَلَكَتْ يَمِينُهُ خَفَّفَ اللَّهُ عَلَيْهِ حِسَابَهُ، وَمَنْ كَفَّ فِيهِ شَرَّهُ كَفَّ اللَّهُ عَنْهُ غَضَبَهُ يَوْمَ يَلْقَاهُ، وَمَنْ أَكْرَمَ فِيهِ يَتِيمًا أَكْرَمَهُ اللَّهُ يَوْمَ يَلْقَاهُ وَمَنْ وَصَلَ فِيهِ رَحِمَةً وَصَلَهُ اللَّهُ بِرَحْمَتِهِ يَوْمَ يَلْقَاهُ، وَمَنْ قَطَعَ فِيهِ رَحِمَةً قَطَعَ اللَّهُ عَنْهُ رَحِمَهُ يَوْمَ يَلْقَاهُ وَمَنْ تَطَوَّعَ فِيهِ بِصَلَاةٍ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بَرَاءَةً مِنَ النَّارِ، وَمَنْ أَدَّى فِيهِ فَرَضًا كَانَ لَهُ ثَوَابُ مَنْ أَدَّى سَبْعِينَ فَرِيضَةً فِيمَا سِوَاهُ مِنَ الشُّهُورِ، وَمَنْ أَكْثَرَ فِيهِ مِنَ الصَّلَاتِ عَلَيَّ ثَقَلَ اللَّهُ مِيزَانَهُ يَوْمَ تَخْفُ الْمَوَازِينُ، وَمَنْ تَلَا فِيهِ آيَةً مِنَ الْقُرْآنِ كَانَ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ حَتَمَ الْقُرْآنَ فِي غَيْرِهِ مِنَ الشُّهُورِ، أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ أَبْوَابَ الْجَنَّةِ فِي هَذَا الشَّهْرِ مُفْتُوحَةٌ فَاسْأَلُوا رَبَّكُمْ أَنْ لَا يُغْلِقَهَا عَلَيْكُمْ وَأَبْوَابَ النَّارِ مُغْلَقَةٌ فَاسْأَلُوا رَبَّكُمْ أَنْ لَا يَفْتَحَهَا عَلَيْكُمْ وَالشَّيَاطِينُ مَغْلُودَةٌ فَاسْأَلُوا رَبَّكُمْ أَنْ لَا يَسْلُطَهَا عَلَيْكُمْ، قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: فَقُمْتُ فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ فِي هَذَا الشَّهْرِ؟ فَقَالَ: «يَا أَبَا الْحَسَنِ أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ فِي هَذَا الشَّهْرِ الْوَرَعُ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ» ثُمَّ بَكَى فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا يُبْكِيكَ؟ فَقَالَ: «يَا عَلِيُّ أَبْكِي لِمَا يُسْتَحَلُّ مِنْكَ فِي هَذَا الشَّهْرِ كَأَنِّي بِكَ وَأَنْتَ تُصَلِّي لِرَبِّكَ، وَقَدْ انْبَعَثَ أَشَقَى الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ شَقِيقٌ عَاقِرٌ نَاقَةٌ تُمُودُ فَضْرَتُكَ ضَرْبَةً عَلَى قَرْنِكَ فَخَضَبَ مِنْهَا لِحْيَتَكَ، قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَذَلِكَ فِي سَلَامَةٍ مِنْ دِينِي، فَقَالَ: فِي سَلَامَةٍ مِنْ دِينِكَ، ثُمَّ قَالَ عليه السلام: يَا عَلِيُّ مَنْ قَتَلَكَ فَقَدْ قَتَلَنِي وَمَنْ أَبْغَضَكَ فَقَدْ أَبْغَضَنِي وَمَنْ سَبَّكَ فَقَدْ سَبَّنِي لِأَنَّكَ مِنِّي كَنَفْسِي رُوحُكَ مِنْ رُوحِي وَطِينَتُكَ مِنْ طِينَتِي إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى خَلَقَنِي وَإِيَّاكَ وَاصْطَفَانِي وَإِيَّاكَ وَاخْتَارَنِي لِلنُّبُوَّةِ وَاخْتَارَكَ لِلْإِمَامَةِ فَمَنْ أَنْكَرَ إِمَامَتَكَ فَقَدْ أَنْكَرَ نُبُوتِي يَا عَلِيُّ أَنْتَ وَصِيِّي وَأَبُو وَلَدِي وَزَوْجُ ابْنَتِي وَخَلِيفَتِي عَلَى أُمَّتِي فِي حَيَاتِي وَبَعْدَ مَوْتِي أَمْرُكَ أَمْرِي وَنَهْيُكَ نَهْيِي أَقْسِمُ بِالَّذِي بَعَثَنِي بِالنُّبُوَّةِ وَجَعَلَنِي خَيْرَ الْبَرِيَّةِ إِنَّكَ لِحُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَآمِينُهُ عَلَى سِرِّهِ وَخَلِيفَتُهُ عَلَى عِبَادِهِ».



ماه اخلاق نیکو داشته باشد، جواز عبور از صراط را خواهد گرفت، در روزی که گامها بر آن می لغزند. هرکس با لطف به زیر دستان، خود را سبک سازد، خداوند از حساب او بکاهد. هرکس به مردم آسیب نرساند، آنگاه که او را دیدار کند خداوند خشم خویش را از او دور می کند؛ هرکس در رمضان یتیمی را گرمی بدارد، خداوند به هنگام ملاقات، او را ارج می نهد. هرکس در رمضان به دیدار خویشاوندان برود، خداوند در ملاقات با او پیوند خواهد داشت و هرکس از دیدار خویشاوندان سرباز، زند خداوند به هنگام ملاقات او را طرد خواهد کرد. هرکس در رمضان نماز مستحب به جای آورد، خداوند برات آزادی از دوزخ را برای او مهیا می سازد. هرکس در رمضان به تکلیف واجب خویش رفتار کند، پاداش کسی را خواهد داشت که هفتاد عمل واجب در دیگر ماههای سال داشته است. هرکس در رمضان بر من درود بسیار فرستد، خداوند در روزی که میزان اعمال، سبک است، میزان عمل او را سنگین سازد. هرکس یک آیه قرآن را در رمضان تلاوت کند، همانند کسی است که یک ختم قرآن در ماههای دیگر دارد.

ای مردم! در رمضان درهای بهشت باز می شود. از خداوند که آن درها را بر شما نبندد. در رمضان درهای دوزخ بسته می شود. از او تمنا کنید که آن درها را بر شما نگشاید. شیطان ها در ماه رمضان در غل و زنجیر هستند. از او بخواهید که از این پس آنان را بر شما چیره نسازد.

امیر المومنین علیه السلام فرمود: آنگاه من برخاستم و گفتم: ای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، چه کاری در ماه رمضان نیکوتر است؟ فرمود: ای ابوالحسن! ورع از چیزی که خداوند عزوجل آن را حرام کرده است، برترین عمل ماه رمضان است. آنگاه پیامبر گریست. گفتم: ای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله چرا گریه می کنید؟ فرمود: برای چیزی که در این ماه بر تو روا دارند. گویی تو را می بینم که نماز برای پرودگارت بر به جامی آوری و شقی ترین مردمان که همان پی کننده شتر ثمود است، بر انگیخته شده و بر فرق تو ضربت می زنند و محاسن تو به خون خضاب می شود. گفتم: ای پیامبر خدا! آیا این واقعه در حالی است که دین و ایمان من در سلامت است؟ فرمود: آری. آنگاه فرمود: ای علی هرکس تو را به شهادت رساند، مرا شهید ساخته و هرکس تو را به خشم در آورد، مرا به خشم در آورده و هر که به تو ناسزا گوید، به من ناسزا گفته است. زیرا تو جان من هستی و روح تو از روح من است و سرشت تو از سرشت من. بی گمان خداوند، مرا با تو آفریده و برگزیده است و آنگاه مرا برای پیامبری خواسته و تو را برای رهبری. هرکس رهبری تو را انکار کند، در حقیقت پیامبری مرا انکار کرده است. ای علی! تو وصی من هستی و پدر فرزندان من و همسر دختر من و نیز جانشین من در میان امتم چه در زمان حیات و پس از وفات من. فرمان تو، فرمان من است و نهی تو، نهی من است. به آنکه مرا برای پیامبری فرستاده است، سوگند می خورم که تو حجت و امین و خلیفه او در میان مردمان هستی.





المجلس الحادي والعشرون

يوم الجمعة سلخ شهر رمضان من سنة سبع وستين و ثلاثمائة

الساكن

١. حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوئِيهِ الْقُمِيُّ عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ الْبَغْدَادِيُّ الْحَافِظُ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ يَزِيدَ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ ثَوَابٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا إِسْحَاقُ بْنُ مَنْصُورٍ عَنْ كَادِحٍ يَعْنِي أَبَا جَعْفَرٍ الْبَجَلِيَّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ لَهَيْعَةَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ يَعْنِي ابْنَ زِيَادٍ عَنْ سَلَمَةَ بْنِ يَسَارٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: لَمَّا قَدِمَ عَلَيَّ عليه السلام عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ بَفَتْحِ خَيْبَرَ، قَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «لَوْ لَا أَنَّ تَقُولَ فِيكَ طَوَائِفُ مِنْ أُمَّتِي مَا قَالَتِ النَّصَارَى لِلْمَسِيحِ عَيْسَى بْنُ مَرْيَمَ لَقُلْتُ فِيكَ الْيَوْمَ قَوْلًا لَا تَمُرُّ بِمَلَأٍ إِلَّا أَخَذُوا الشَّرَابَ مِنْ تَحْتِ رِجْلَيْكَ وَمِنْ فَضْلِ طَهُورِكَ يَسْتَشْفُوا بِهِ، وَ لَكِنْ حَسْبُكَ أَنْ تَكُونَ مِنِّي وَأَنَا مِنْكَ ثَرْنِي وَأَرْثُكَ وَأَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي وَأَنْتَ تُبْرِئُ دِمَّتِي وَتُقَاتِلُ عَلَيَّ سُنَّتِي وَأَنْتَ غَدَا عَلَى الْخَوْضِ خَلِيفَتِي وَأَنْتَ أَوَّلُ مَنْ يَرِدُ عَلَيَّ الْخَوْضَ وَأَنْتَ أَوَّلُ مَنْ يَكْنُسُ مَعِي وَأَنْتَ أَوَّلُ دَاخِلِ الْجَنَّةِ مِنْ أُمَّتِي وَأَنْ شِيعَتَكَ عَلَى مَنَابِرَ مِنْ نُورٍ مُبَيَّضَةٍ وَجُوهُهُمْ حَوْلِي أَشْفَعُ لَهُمْ وَ يَكُونُوا غَدَا فِي الْجَنَّةِ جِيرَانِي وَأَنْ حَزَنَكَ حَزْبِي وَسَلْمَكَ سَلَمِي وَأَنْ سِرَّكَ سِرِّي وَ عَلَانِيَتَكَ عَلَانِيَتِي وَأَنْ سَرِيرَةَ صَدْرِكَ كَسْرِيرَتِي وَأَنْ وَلَدَكَ وَلَدِي وَأَنْتَ تُنْجِزُ عِدَاتِي وَأَنْ الْحَقَّ مَعَكَ وَأَنْ الْحَقَّ عَلَى لِسَانِكَ وَقَلْبِكَ وَبَيْنَ عَيْنَيْكَ الْإِيمَانُ مُخَالِطُ لَحْمِكَ وَ دَمِكَ كَمَا خَالَطَ لَحْمِي وَ دَمِي وَأَنَّهُ لَنْ يَرِدَ عَلَيَّ الْخَوْضَ مُبْغِضُ لَكَ وَلَنْ يَغِيبَ عَنْهُ مُحِبُّ لَكَ حَتَّى يَرِدَ الْخَوْضَ مَعَكَ»، قَالَ: فَخَرَّ عَلَيَّ عليه السلام سَاجِدًا ثُمَّ قَالَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْعَمَ عَلَيَّ بِالْإِسْلَامِ وَعَلَّمَنِي الْقُرْآنَ وَحَبَّبَنِي إِلَى خَيْرِ الْبَرِيَّةِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ إِحْسَانًا مِنْهُ وَ فَضْلًا مِنْهُ عَلَيَّ، قَالَ: فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: لَوْ لَا أَنْتَ لَمْ يُعْرِفِ الْمُؤْمِنُونَ بَعْدِي».



مجلس بیست و یکم

جمعه آخر ماه رمضان سال ۳۶۷

السلامی

۱. جابر بن عبدالله انصاری می گوید: آنگاه که علی علیه السلام بشارت فتح خیبر را نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آورد، آن حضرت فرمود: اگر برخی از امتم همان چیزی را که برخی پیروان مسیح علیه السلام درباره او گفتند نمی گفتند، اکنون چیزی درباره تو می گفتم که به هنگام گذر از هر گروهی از خاک پایت و آب وضویت برای شفای خود بگیرند. اما به همین اکتفا می کنم که تو از من هستی و من از تو. من و تو از هم ارث می بریم و تو نسبت به من مانند هارون نسبت به موسی علیه السلام هستی. جز آنکه پس از من پیامبری برانگیخته نخواهد شد. تو آنچه در ذمه من است، خواهی پرداخت و به شیوه من جهاد خواهی کرد. و تو در روز قیامت لب حوض کوثر جانشین من خواهی بود و تو نخستین کسی هستی که در آنجا بر من وارد می شود و با من جامه خواهی پوشید و به بهشت وارد می شوی و پیروان تو بر منبرهای نورانی با چهره های درخشان گرد من خواهند بود. آنان در بهشت همسایه های من می باشند. بی گمان، جنگ با تو، جنگ با من است و صلح با تو، صلح با من است. راز تو، راز من است و آشکاری راز تو، آشکاری راز من است. اسرار سینه تو، اسرار سینه من است. فرزندان تو، فرزندان من خواهند بود. به وعده هایم عمل می کنی و حق با تو بوده و بر زبان و دل و میان دیدگانت خواهد بود. ایمان با گوشت و خون تو در هم آمیخته است. همان گونه که با گوشت و خونم آمیخته است. دشمن تو در حوض کوثر بر من وارد نخواهد شد و دوست تو همراه تو بر من وارد خواهد شد.

آنگاه علی علیه السلام به خاک افتاد و سجده نمود و گفت خدا را سپاس می گزارم که به من نعمت اسلام را عطا فرمود و قرآن را تعلیم داد و مرا محبوب بهترین آفریدگانش ساخت که خاتم پیامبران است و از احسان و لطف خویش درباره من سخن می راند. سپس پیامبر فرمود: ای علی! اگر تو نبودی، پس از وفات من اهل ایمان باز شناخته نمی شدند.

سخن رسول



٢. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْعَبَّاسُ بْنُ الْفَضْلِ الْمُقْرِي، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْفَرَاتِ الْأَصْبَهَانِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْبَصْرِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا جَنْدَلُ بْنُ وَالْقِ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ حَمَّادٍ عَنْ سَعِيدٍ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ أَنَّهُ مَرَّ بِمَجْلِسٍ مِنْ مَجَالِسِ قُرَيْشٍ وَهُمْ يَسُبُّونَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام فَقَالَ لِقَائِدِهِ: مَا يَقُولُ هَؤُلَاءِ؟ قَالَ: يَسُبُّونَ عَلِيًّا، قَالَ: قَرَّيْنِي إِلَيْهِمْ فَلَمَّا أُنْ وَقَفَ عَلَيْهِمْ، قَالَ: أَيُّكُمْ السَّابُّ لِلَّهِ؟ قَالُوا سُبْحَانَ اللَّهِ وَ مَنْ يَسُبُّ اللَّهَ فَقَدْ أَشْرَكَ بِاللَّهِ، قَالَ: فَأَيُّكُمْ السَّابُّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله؟ قَالُوا: وَ مَنْ يَسُبُّ رَسُولَ اللَّهِ فَقَدْ كَفَرَ، قَالَ: فَأَيُّكُمْ السَّابُّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ؟ قَالُوا أَذْكَانَ ذَلِكَ، قَالَ: فَأَشْهَدُ بِاللَّهِ وَأَشْهَدُ لِلَّهِ لَقَدْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله يَقُولُ: «مَنْ سَبَّ عَلِيًّا فَقَدْ سَبَّنِي وَ مَنْ سَبَّنِي فَقَدْ سَبَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ» ثُمَّ مَضَى، فَقَالَ لِقَائِدِهِ: فَهَلْ قَالُوا شَيْئًا حِينَ قُلْتُ لَهُمْ مَا قُلْتُ، قَالَ: مَا قَالُوا شَيْئًا، قَالَ: كَيْفَ رَأَيْتَ وَجُوهَهُمْ، قَالَ: نَظَرُوا إِلَيْكَ بِأَعْيُنٍ مُخْمَرَةٍ نَظَرَ الثِّيُوسِ إِلَى شِفَارِ الْجَارِ، قَالَ: زِدْنِي فِذَاكَ أَبُوكَ، قَالَ: خُزِرُوا الْحَوَاجِبَ نَاكِسُو رِقَابِهِمْ أَذْقَانَهُمْ نَظَرَ الذَّلِيلِ إِلَى الْعَزِيزِ الْقَاهِرِ، قَالَ: زِدْنِي فِذَاكَ أَبُوكَ، قَالَ: مَا عِنْدِي غَيْرُ هَذَا، قَالَ: لَكِنْ عِنْدِي أَخْيَاؤُهُمْ خِزْيٌ عَلَى أَمْوَاتِهِمْ وَ الْمَيِّتُونَ فَضِيحَةٌ لِلْعَابِرِ.

٣. حَدَّثَنَا أَبِي عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُشْنَى الْخَنَاطِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام، قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: «مَنْ صَلَّى أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ بِمِائَتَيْنِ مَرَّةً «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»^(١) فِي كُلِّ رَكَعَةٍ خَمْسِينَ مَرَّةً لَمْ يَنْتَقِلْ وَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ذَنْبٌ إِلَّا غُفِرَ لَهُ».

٤. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ (رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ)، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ زَيْدِ الشَّحَامِ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام، قَالَ: «مَا مِنْ عَبْدٍ يَقُولُ: كُلُّ يَوْمٍ سَبْعَ مَرَّاتٍ أَسْأَلُ اللَّهَ الْجَنَّةَ وَ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ إِلَّا قَالَتِ النَّارُ يَا رَبِّ أَعِذْهُ مِنِّي».

٥. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارُ، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ عَنْ مُعَاذِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنِ الصَّادِقِ

۲. ابن عباس از کنار گروهی از قوم قریش عبور می کرد که آنان به علی علیه السلام جسارت می کردند. از غلامش پرسید: آنان چه می گویند؟ گفت: به علی علیه السلام دشنام می دهند. ابن عباس گفت: مرا نزد آنان ببر. آنگاه که برابر آنان ایستاد، گفت: کدام یک از شما می تواند به خدا دشنام دهد؟ گفتند: سبحان الله. هرکس چنین کند، مشرک شده است. ابن عباس گفت: کدام یک از شما می تواند به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دشنام دهد؟ گفتند: هرکس چنین کند، کافر شده است. سپس گفت: کدام یک از شما می تواند به علی علیه السلام دشنام دهد؟ گفتند: بسیاری از کسانی که چنین کنند. ابن عباس گفت: خداوند را شاهد می گیرم و شهادت می دهم که از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله چنین شنیدم: هرکس به علی علیه السلام دشنام دهد، مرا دشنام داده است و هرکس مرا دشنام دهد، خدا را دشنام داده است.

آنگاه به غلامش گفت آیا پس از این گفتار چیزی گفتند؟ گفت: نه. ابن عباس پرسید: سیمای آنان را چگونه دیدی؟ گفت: با دیدگان سرخ مثل خون به تو نگاه می کردند. گویی بزهای نر به کارد قصاب می نگرند. ابن عباس گفت: باز هم بگو. گفت: ابرو درهم کشیدند و سر پایین انداختند. گویی خوارشدگان به شخص قدرتمندی می نگرند. ابن عباس گفت: پدرت فدایت باز هم بگو. پاسخ داد جز این ندیدم. ابن عباس گفت: حال من می گویم: زنده های این گروه ما به ننگ مردگانمان اند و مردگان آنان سبب رسوایی بازماندگان.

۳. ابو بصیر می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: هرکس چهار رکعت نماز همراه با دو بیست بار سوره توحید بخواند، در هر رکعت پنجاه قل هو الله احد را به پایان نمی رساند، باشد مگر اینکه تمام گناهان او آمرزیده گردد.

۴. امام جعفر صادق علیه السلام چنین فرمودند: هرکس روزانه هفت بار بگوید در أسأل الله الحیه و أعوذ بالله من النار از خدا بهشت را می طلبم و به خداوند از شر آتش دوزخ پناه می برم، مگر آنکه آتش دوزخ چنین می گوید: پروردگارا! او را از آسیب نگاه دار.

۵. امام صادق علیه السلام فرمود: در برابر دشمنان نعمت شکیبایی باش، زیرا که نیکوترین پاسخ

جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عليه السلام، قَالَ: «اصْبِرْ عَلَى أَغْدَاءِ النُّعْمِ فَإِنَّكَ لَنْ تُكَافِيَ مَنْ عَصَى اللَّهَ فِيكَ بِأَفْضَلِ مَنْ أَنْ تُطِيعَ اللَّهَ فِيهِ».

٦. حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَعْفَرِ الْأَزْدِيِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمِقْدَامِ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ: «مَنْ قَرَأَ آيَةَ الْكُرْسِيِّ مَرَّةً صَرَفَ اللَّهُ عَنْهُ أَلْفَ مَكْرُوهٍ مِنْ مَكْرُوهِ الدُّنْيَا وَ أَلْفَ مَكْرُوهٍ مِنْ مَكْرُوهِ الْآخِرَةِ أَلَيْسَ مَكْرُوهِ الدُّنْيَا الْفَقْرُ وَالْأَيْسَ مَكْرُوهِ الْآخِرَةِ عَذَابُ الْقَبْرِ».

٧. حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ شَادَوِيهِ الْمُؤَدَّبُ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ جَامِعِ الْحَمِيرِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ مُذْرِكِ بْنِ الْهَزْهَارِ، قَالَ: قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عليه السلام: «يَا مُذْرِكُ رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا اجْتَرَّ مَوَدَّةَ النَّاسِ الْيَتِيمَا فَحَدَّثْتَهُمَا بِمَا يَعْرِفُونَ وَ تَرَكَ مَا يُنْكِرُونَ».

٨. حَدَّثَنَا أَبِي عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنِ الصَّادِقِ عليه السلام جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ)، قَالَ: إِنْ دَاوُدَ خَرَجَ ذَاتَ يَوْمٍ يَقْرَأُ الزُّبُورَ وَ كَانَ إِذَا قَرَأَ الزُّبُورَ لَا يَبْقَى جَبَلٌ وَلَا حَجَرٌ وَلَا طَائِرٌ وَلَا سَبْعٌ إِلَّا جَاوَبَهُ فَمَا زَالَ يَمُرُّ حَتَّى انْتَهَى إِلَى جَبَلٍ، فَإِذَا عَلَى ذَلِكَ الْجَبَلِ نَبِيٌّ غَابِدٌ يُقَالُ لَهُ حِزْقِيلُ فَلَمَّا سَمِعَ دَوِيَّ الْجِبَالِ وَأَصْوَاتَ السَّبَاعِ وَ الطَّيْرِ عَلِمَ أَنَّهُ دَاوُدُ عليه السلام فَقَالَ دَاوُدُ: «يَا حِزْقِيلُ أَ تَأْذَنُ لِي فَأَصْعَدَ إِلَيْكَ؟» قَالَ: لَا، فَبَكَى دَاوُدُ عليه السلام فَأَوْحَى اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ إِلَيْهِ يَا حِزْقِيلُ لَا تُعَيِّرْ دَاوُدَ عليه السلام وَ سَلِّني الْعَاقِبَةَ، فَقَامَ حِزْقِيلُ فَأَخَذَ بِيَدِ دَاوُدَ فَرَفَعَهُ إِلَيْهِ فَقَالَ دَاوُدُ يَا حِزْقِيلُ هَلْ هَمَمْتَ بِخَطِيئَةٍ قَطُّ؟ قَالَ: لَا، فَقَالَ: فَهَلْ دَخَلَكَ الْعُجْبُ مِمَّا أَنْتَ فِيهِ مِنْ عِبَادَةِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ؟ قَالَ: لَا، قَالَ: «فَهَلْ رَكَنْتَ إِلَى الدُّنْيَا فَأَحْبَبْتَ أَنْ تَأْخُذَ مِنْ شَهَوَاتِهَا وَ لَذَّتِهَا؟» قَالَ: بَلَى، رُبَّمَا عَرَضَ بِقَلْبِي قَالَ: «فَمَاذَا تَصْنَعُ إِذَا كَانَ ذَلِكَ؟»، قَالَ: أَدْخُلُ هَذَا الشَّعْبَ فَأَعْتَبِرُ بِمَا فِيهِ، قَالَ: فَدَخَلَ دَاوُدُ النَّبِيُّ عليه السلام الشَّعْبَ فَإِذَا سَرِيرٌ مِنْ حَدِيدٍ عَلَيْهِ جُمُحَةٌ بِالْيَةِ وَ عِظَامٌ فَانِيَةٌ وَ إِذَا لَوْحٌ مِنْ حَدِيدٍ فِيهِ كِتَابَةٌ فَقَرَأَهَا دَاوُدُ عليه السلام فَإِذَا هِيَ أَنَا أَرَوَى بِنُ سَلَمَ مَلَكَتُ أَلْفَ سَنَةٍ وَ بَنَيْتُ أَلْفَ مَدِينَةٍ وَ اقْتَضَصْتُ أَلْفَ بَكْرٍ فَإِذَا كَانَ آخِرَ عُمْرِي أَنْ صَارَ التُّرَابُ فِرَاشِي وَ الْحِجَارَةُ وِسَادَتِي وَ الدِّيدَانُ وَ الْحَيَّاتُ جِيرَانِي فَمَنْ رَأَى

به بدخواهی که ب خاطر تو، خدا را نافرمانی کند، این است که تو از خداوند فرمان ببری.

۶ امام باقر علیه السلام فرمود: هرکس یک مرتبه آیه الکسی را تلاوت کند خداوند هزار شر از دنیا و هزار شر از آخرت را از زندگی او دور می کند که آسانترین آن در دنیا، تنگ دستی است و در آخرت عذاب و فشار قبر.

السلامی

۷. امام صادق علیه السلام فرمود: ای «مدرک بن الفرهاز» خداوند کسی را خواهد آمرزید که؛ را روایت کلام ما مردمان را شیفته ما کند تا به معروف پردازند و منکر را رها سازند.

۸. امام صادق علیه السلام فرمود: داود پیامبر علیه السلام روزی در حالی که زبور می خواند، بیرون رفت. او هرگاه کتاب زبور می خواند، کوه و سنگ و پرنده و درنده ای نبود که با او هم نوا نشوند. آنروز داود به کوهی نزدیک شد که پیامبری به نام «حزقیل» در آن جت خانه داشت. او که صدای سنگها و حیوانات را شنید، دانست که داود آمده است. داود که او را دید، گفت: ای اجازه رخصت می دهی که نزد تو آیم؟ گفت نه. داود گریه کرد و آنگاه خداوند به حزقیل چنین وحی فرمود: ای حزقیل! داود را سرزنش مکن و برای او از من عافیت طلب کن. حزقیل برخاست و دست داود را گرفت و او را بالای کوه برد. داود گفت: ای حزقیل! آیا تاکنون اندیشه خطا کرده ای؟ حزقیل پاسخ داد: نه. داود پرسید: آیا دچار خودپسندی و خودبینی در عبادت پروردگارت شدی؟ گفت: نه. داود پرسید: آیا به دنیا دل سپردی و شهوت و لذت دنیا طلب کرده ای؟ گفت: آری. بسیار شده که این چیزها به دلم افتاده است. داود پرسید: آنگاه چه کردی؟ گفت: به میان این دره آمدم و عبرت گرفتم. سپس داود به آن دره رفت و در آنجا تختی از آهن دید که روی آن کاسه سر پوشیده و استخوان های از هم گسیخته و لوحی آهنین به چشم می خورد که بر آن چنین نوشته شده بود: من «اروی» از پسر سلم هستم و هزار سال پادشاهی داشتم و هزار شهر ساختم و هزار دختر گرفتم، در حالی که اکنون در واپسین عمرم بستری از خاک و بالینی از سنگ دارم، و همنشین های من کرم ها و مارها شده اند. هرکس که مرا بنگرد، بایستی

فَلَا يَغْتَرَّ بِالذُّنُوبِ.

٩. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادٍ (رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ)، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو أَحْمَدَ مُحَمَّدُ بْنُ زِيَادٍ الْأَزْدِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عُثْمَانَ وَغَيْرِهِ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام قَالَ مَنْ خَتَمَ صِيَامَهُ بِقَوْلِ صَالِحٍ أَوْ عَمَلِ صَالِحٍ تَقَبَّلَ اللَّهُ مِنْهُ صِيَامَهُ فَقِيلَ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَا الْقَوْلُ الصَّالِحُ قَالَ شَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ إِخْرَاجُ الْفِطْرَةِ.

١٠. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْهَمْدَانِيُّ قَالَ أَخْبَرَنَا الْمُنْذِرُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْفَضْلِ الْهَاشِمِيِّ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عليه السلام، قَالَ: خَطَبَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام لِلنَّاسِ يَوْمَ الْفِطْرِ فَقَالَ: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ يَوْمَكُمْ هَذَا يَوْمٌ يَثَابُ فِيهِ الْمُحْسِنُونَ وَيُخْسَرُ فِيهِ الْمُسِيئُونَ وَهُوَ أَشَبُّهُ يَوْمَ بَيْتِ قِيَامَتِكُمْ فَادْكُرُوا بِخُرُوجِكُمْ مِنْ مَنَازِلِكُمْ إِلَى مُصَلَّائِكُمْ خُرُوجَكُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَى رَبِّكُمْ وَادْكُرُوا بِوُقُوفِكُمْ فِي مُصَلَّائِكُمْ وَوُقُوفَكُمْ بَيْنَ يَدَيِ رَبِّكُمْ وَادْكُرُوا بِرُجُوعِكُمْ إِلَى مَنَازِلِكُمْ رُجُوعَكُمْ إِلَى مَنَازِلِكُمْ فِي الْجَنَّةِ أَوْ النَّارِ، وَاعْلَمُوا عِبَادَ اللَّهِ أَنَّ أَدْنَى مَا لِلصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ أَنْ يُنَادِيَهُمْ مَلَكٌ فِي آخِرِ يَوْمٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ: أَتَشِرُّوا عِبَادَ اللَّهِ فَقَدْ غُفِرَ لَكُمْ مَا سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِكُمْ فَانْظُرُوا كَيْفَ تَكُونُونَ فِيمَا تَسْتَأْنِفُونَ» وَ قَالَ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عليه السلام لِيَنْغُضَ أَصْحَابِهِ، «إِذَا كَانَ لَيْلَةُ الْفِطْرِ فَصَلِّ الْمَغْرِبَ ثَلَاثًا ثُمَّ اسْجُدْ وَ قُلْ فِي سُجُودِكَ: يَا ذَا الطُّوْلِ يَا ذَا الْحَوْلِ يَا مُصْطَفِي مُحَمَّدٍ وَ نَاصِرَهُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ وَ نَسِيتُهُ وَ هُوَ عِنْدَكَ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ثُمَّ تَقُولُ مِائَةَ مَرَّةٍ: أَتُوبُ إِلَى اللَّهِ، وَ كَبَّرَ بَعْدَ الْمَغْرِبِ وَ الْعِشَاءِ الْآخِرَةَ وَ صَلَاةَ الْعَدَاءِ وَ صَلَاةَ الْعِيدِ كَمَا تَكْبُرُ أَيَّامَ التَّشْرِيقِ تَقُولُ: اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ وَلِلَّهِ الْحَمْدُ اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَبْلَانَا وَ لَا تَقُلْ فِيهِ وَ رَزَقْنَا مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَإِنَّ ذَلِكَ إِنَّمَا هُوَ فِي أَيَّامِ التَّشْرِيقِ».

فریب دنیا را نخورد.

۹. امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس که روزه خود را با سخنی صالح و یا عملی صالح، پایان دهد، خداوند روزه او را قبول می‌کند. گفته شد: ای پسر رسول خدا صلی الله علیه و آله سخن صالح چیست؟

فرمود: سخن صالح، گواهی دادن به این است که خدایی جز الله نیست و عمل صالح جدا کردن فطریه است.

۱۰. امیرالمومنین علیه السلام روز عید فطر برای مردم چنین فرمود: ای مردم! امروز نیکوکاران بهره‌مندند و بدکاران زیان‌کارند. امروز شبیه‌ترین روز به روز قیامت است. آنگاه که از خانه به سمت نماز می‌روید، به یاد آورید زمانی را که از گورهای خود برای ملاقات با پروردگار بیرون می‌آید. و نیز به یاد آورید مکانی را که در پیشگاه خدا ایستاده‌اید. آنگاه که در نماز عید فطر ایستاده‌اید، و نیز به یاد آورید بازگشت به منزل‌های خود در بهشت یا دوزخ را آنگاه که به سمت خانه‌های خویش باز می‌گردید. ای مردم! آگاه باشید که کمترین پاداش مردان و زنان روزه‌دار این است که فرشته‌ای در آخرین روز رمضان فریاد می‌زند که ای بندگان حق شما را مرده باد که خداوند گناهان پیشینتان را آمرزید و اکنون بنگرید که در آینده چگونه رفتار و اعمال خواهید داشت.

فضل هاشمی پس از نقل این حدیث علوی از امام جعفر صادق علیه السلام می‌گوید: امام صادق علیه السلام به یکی از یاران خود چنین فرمود: آنگاه که شب عید فطر فرا می‌رسد، نماز مغرب را بخوان و در سجده بگو: «یا ذا الطول یا مصطفی محمد و ناصره صلی علی و آل محمد و اغفر لی کل ذنب اذنبته و نسیته و هو عندک فی کتاب مبین» آنگاه صد مرتبه چنین بگو: «واتوب الی الله» و پس از نماز صبح و نماز عید فطر را خواندی همان تکبیرهای ایام تشریق را بر زبان بیاور و بگو: «الله اکبر لا اله الا الله و الله اکبر. الله اکبر ولله الحمد، الله اکبر علی ما هدانا و الحمد لله علی ما ابلاتنا» ولی در آن «ورزقنا من بهیمة الانعام» را بگو که این عبارت ویژه ایام تشریق می‌باشد.



السلام





السنن

المجلس الثاني والعشرون

يوم العيد غرة شهر شوال سنة سبع وستين و ثلاثمائة

١. حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوئِهِ الْقُمِّيُّ رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي (رَضَوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ)، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ قُتَيْبَةَ عَنْ حَمْدَانَ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ نُوحِ بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ عَلْقَمَةَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْحَضْرَمِيِّ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ رحمته الله عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ رحمهم الله قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ عِبَادِي كُلُّكُمْ ضَالٌّ إِلَّا مَنْ هَدَيْتُهُ وَكُلُّكُمْ فَقِيرٌ إِلَّا مَنْ أَعْنَيْتُهُ وَكُلُّكُمْ مُذْنِبٌ إِلَّا مَنْ عَصَمْتُهُ».

٢. حَدَّثَنَا أَبِي رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ قُتَيْبَةَ عَنْ حَمْدَانَ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ نُوحِ بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ عَلْقَمَةَ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ رحمته الله، قَالَ: «جَاءَ أَغْرَابِيٌّ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَادَّعَى عَلَيْهِ سَبْعِينَ دِرْهَمًا ثَمَّنَ نَاقَةً، فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ ﷺ: يَا أَغْرَابِيُّ أَلَمْ تَسْتَوْفِ مِنِّي ذَلِكَ، فَقَالَ: لَا، فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: أَنِي قَدْ أَوْفَيْتُكَ، قَالَ الْأَغْرَابِيُّ: قَدْ رَضِيتُ بِرَجُلٍ بِحُكْمِ بَيْنِي وَبَيْنَكَ، فَقَامَ النَّبِيُّ ﷺ مَعَهُ فَتَحَا كَمَا إِلَى رَجُلٍ مِنْ قُرَيْشٍ، فَقَالَ الرَّجُلُ لِلْأَغْرَابِيِّ: مَا تَدْعِي عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، قَالَ: سَبْعِينَ دِرْهَمًا ثَمَّنَ نَاقَةً بَعْتُهَا مِنْهُ، فَقَالَ: مَا تَقُولُ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ فَقَالَ قَدْ أَوْفَيْتُهُ، فَقَالَ الْقُرَشِيُّ: قَدْ أَقْرَرْتَ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ بِحَقِّهِ فَمَا أَنْ تُقِيمَ شَاهِدَيْنِ يَشْهَدَانِ بِأَنَّكَ قَدْ أَوْفَيْتُهُ، وَإِنَّمَا أَنْ تُؤْفِقَهُ السَّبْعِينَ الَّتِي يَدَّعِيهَا عَلَيْكَ، فَقَامَ النَّبِيُّ ﷺ مُغَضَّبًا يَجْرُرُ رِدَائَهُ وَقَالَ: وَاللَّهِ لَأَقْصِدَنَّ مَنْ يَحْكُمُ بَيْنَنَا بِحُكْمِ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ فَتَحَا كَمَا مَعَهُ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ رحمته الله، فَقَالَ لِلْأَغْرَابِيِّ: مَا تَدْعِي عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، قَالَ: سَبْعِينَ دِرْهَمًا ثَمَّنَ نَاقَةً بَعْتُهَا مِنْهُ، قَالَ: مَا تَقُولُ يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: قَدْ أَوْفَيْتُهُ، قَالَ: يَا أَغْرَابِيُّ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: قَدْ أَوْفَيْتُكَ



مجلس بیست و دوم

روز عید اول ماه شوال سال ۳۶۷

السلامی

۱. پیامبر خدا ﷺ فرمود: خدا می فرماید: ای بندگان من! همه گمراه هستید، مگر آن کسی که من راهنمای او هستم و همه بینوا هستید، مگر آن کسی که من توانگرش کنم و همه گناه پیشه‌اید، مگر آن کسی که من از معصیت نگاهش دارم.

۲. امام صادق علیه السلام فرمود: یک مرد اعرابی خدمت رسول اکرم ﷺ شرفیاب شد و ادعا کرد که هفتاد درهم قیمت یک شتر را از او طلب دارد. پیامبر به او گفت: آیا این وجه را از من؟ اعرابی گفت: نه. پیامبر فرمود: من آن را به تو پرداخته‌ام. گفت: اگر مردی بین من و تو داوری کند، راضی می‌شوم. پیامبر برخاست و همراه او به سراغ یکی از قوم قریش رفت. داور گفت: چه ادعایی بر پیامبر داری؟ اعرابی گفت: هفتاد درهم قیمت شتری که به او فروخته‌ام، طلب می‌کنم. داور رو کرد به رسول خدا ﷺ و گفت: ای پیامبر خدا! چه می‌گویی؟ فرمود: من به او این مبلغ را پرداخته‌ام. داور قریشی گفت: حال که به طلب او اقرار کردید: باید دو گواه بیاورید که هنگام پرداختن حاضر بود و یا هفتاد درهم را به‌پردازید. پیامبر در حالی برخاست خشمگین شد و ردای خود را می‌کشید و سپس فرمود: به خدا سوگند، من نزد کسی می‌روم که به حکم او داوری خواهد کرد. سپس نزد علی علیه السلام آمدند. علی از اعرابی پرسید: چه ادعایی داری؟ گفت: قیمت شتری که به او فروخته‌ام، طلب می‌کنم. آن‌گاه علی علیه السلام رو کرد به پیامبر و گفت: ای پیامبر خدا در پاسخ او چه می‌گویید؟ فرمود: من به او پرداخته‌ام. علی علیه السلام رو کرد به اعرابی و گفت: ای اعرابی! رسول خدا می‌فرماید که من بدهکار نیستم. آیا راست می‌گویند؟ اعرابی گفت: نه، او این مبلغ را به من نداده است. سپس علی علیه السلام شمشیر را از غلاف کشید و گردن اعرابی را زد.

فَقَالَ صَدَقَ، فَقَالَ: لَا، مَا أَوْفَانِي، فَأَخْرَجَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام سَيْفَهُ مِنْ غِمْدِهِ وَضَرَبَ عُنُقَ الْأَعْرَابِيِّ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لِمَ قَتَلْتَ الْأَعْرَابِيَّ، قَالَ: لِأَنَّهُ كَذَّبَكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَنْ كَذَّبَكَ فَقَدْ حَلَّ دَمُهُ وَوَجِبَ قَتْلُهُ، فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: يَا عَلِيُّ وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا مَا أَخْطَأْتُ حُكْمَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِيهِ فَلَا تُعْذِرُنِي بِمِثْلِهَا.

٣. حَدَّثَنَا أَبِي عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ قُتَيْبَةَ عَنْ حَمْدَانَ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ نُوحِ بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ صَالِحٍ عَنْ عَلْقَمَةَ، قَالَ: قَالَ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عليهما السلام (وَقَدْ قُلْتُ لَهُ: «يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَخْبِرْنِي عَمَّنْ تُقْبَلُ شَهَادَتُهُ وَمَنْ لَا تُقْبَلُ، فَقَالَ: يَا عَلْقَمَةُ كُلُّ مَنْ كَانَ عَلَى فِطْرَةِ الْإِسْلَامِ جَازَتْ شَهَادَتُهُ، قَالَ: فَقُلْتُ لَهُ: تُقْبَلُ شَهَادَةُ مُقْتَرِفٍ لِلذُّنُوبِ، فَقَالَ: يَا عَلْقَمَةُ لَوْ لَمْ تُقْبَلْ شَهَادَةُ الْمُقْتَرِفِينَ لِلذُّنُوبِ لَمَا قُبِلَتْ إِلَّا شَهَادَاتُ الْأَنْبِيَاءِ وَالْأَوْصِيَاءِ لِأَنَّهُمْ هُمُ الْمَغْضُومُونَ دُونَ سَائِرِ الْخَلْقِ فَمَنْ لَمْ تَرَهُ بِعَيْنِكَ يَزْكِبُ ذَنْبًا أَوْ لَمْ يَشْهَدْ عَلَيْهِ بِذَلِكَ شَاهِدَانِ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ الْعَدَالَةِ وَالسُّرْوَةِ شَهَادَتُهُ مَقْبُولَةٌ، وَإِنْ كَانَ فِي نَفْسِهِ مُذْنِبًا وَمِنْ اغْتَابَهُ بِمَا فِيهِ فَهُوَ خَارِجٌ عَنْ وَلَايَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ دَاخِلٌ فِي وَلَايَةِ الشَّيْطَانِ، وَلَقَدْ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: مَنْ اغْتَابَ مُؤْمِنًا بِمَا فِيهِ لَمْ يَجْمَعْ اللَّهُ بَيْنَهُمَا فِي الْجَنَّةِ أَبَدًا وَمَنْ اغْتَابَ مُؤْمِنًا بِمَا لَيْسَ فِيهِ انْقَطَعَتِ الْعِصْمَةُ بَيْنَهُمَا، وَكَانَ الْمُغْتَابُ فِي النَّارِ خَالِدًا فِيهَا وَبِشْنِ الْمَصِيرُ قَالَ عَلْقَمَةُ فَقُلْتُ: لِلصَّادِقِ عليه السلام يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنَّ النَّاسَ يَنْسُبُونَ إِلَى عِظَائِمِ الْأُمُورِ وَقَدْ ضَاقَتْ بِذَلِكَ صُدُورُنَا، فَقَالَ عليه السلام: يَا عَلْقَمَةُ إِنْ رَضِيَ النَّاسُ لَا يُمْلِكُ وَالسَّيِّئَةُ لَا تُضْبِطُ وَكَيْفَ تَسْلُمُونَ مِمَّا لَمْ يَسْلَمْ مِنْهُ أَنْبِيَاءُ اللَّهِ وَرُسُلُهُ وَحُجَجُ اللَّهِ عليهم السلام أَلَمْ يَنْسُبُوا يُوسُفَ عليه السلام إِلَى أَنَّهُ هَمَّ بِالزَّوْنِ أَلَمْ يَنْسُبُوا أَيُّوبَ عليه السلام إِلَى أَنَّهُ ابْتُلِيَ بِذُنُوبِهِ، أَلَمْ يَنْسُبُوا دَاوُدَ عليه السلام إِلَى أَنَّهُ تَبَعَ الطَّيْرَ حَتَّى نَظَرَ إِلَى امْرَأَةٍ أَوْرِيَاءَ فَهَوَاهَا وَأَنَّهُ قَدَّمَ زَوْجَهَا أَمَامَ التَّابُوتِ حَتَّى قُتِلَ ثُمَّ تَزَوَّجَ بِهَا، أَلَمْ يَنْسُبُوا مُوسَى عليه السلام إِلَى أَنَّهُ عَنِينٌ وَآذَوهُ حَتَّى بَرَّاهُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا وَكَانَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِيهًا، أَلَمْ يَنْسُبُوا جَمِيعَ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ إِلَى أَنَّهُمْ سَحَرَةُ طَلَبَةِ الدُّنْيَا، أَلَمْ يَنْسُبُوا مَرْيَمَ بِنْتَ عِمْرَانَ عليها السلام إِلَى أَنَّهَا حَمَلَتْ بِعِيسَى مِنْ رَجُلٍ نَجَّارٍ اسْمُهُ يُوسُفُ، أَلَمْ يَنْسُبُوا نَبِيَّنَا مُحَمَّدًا ﷺ إِلَى أَنَّهُ شَاعِرٌ مَجْنُونٌ، أَلَمْ يَنْسُبُوهُ إِلَى أَنَّهُ هَوِيَ امْرَأَةَ زَيْدِ بْنِ



السلام



آنگاه پیامبر فرمود: چرا او را به قتل رساندی؟ فرمود: ای پیامبر خدا! او را کشتم، چون تو را تکذیب کرد. هر کس تو را تکذیب کند، خون او مباح است و قتل او واجب. پیامبر فرمود: ای علی سوگند به کسی که مرا برای پیامبری برانگیخته است، به حکم خدا داوری کردی، ولی دیگر چنین نکن.

۳. علقمه می گوید: از امام صادق علیه السلام درباره کسی که شهادت او قبول می شود، یا نمی شود، پرسیدم. امام فرمود: ای علقمه! هر که بر فطرت اسلام باشد، شهادت دادن او پذیرفته می شود. گفتم آیا شهادت گناه پیشه گان هم پذیرفته می شود؟ امام فرمود: اگر شهادت گناهکاری قبول نشود، باید جز شهادت پیامبران و جانشینان آنان که عصمت دارند، پذیرفته نشود. هر کسی را که با چشم خود ندیده ای که خدا را معصیت کند یا این که دو تن به گناه او شهادت داده باشند، عدالت دارد و شهادت او قبول است، هر چند که خود را گناه کار بداند. بدان که هر کس به سبب گناهی که او دارد، از او بدگویی و غیبت کند، با خدا پیوند خود را بریده و به شیطان پیوسته است. پدرم از پدران خود برایم روایت کرد که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اگر کسی، مؤمنی را به خاطر گناهی که دارد، غیبت کند، خداوند او بهشت را گرد هم نیاورد و هر کس به مؤمنی نسبت ناروا دهد، عصمت میان آنان قطع می شود و غیبت کننده در دوزخ خواهد بود که چه بد سرانجامی است. علقمه می گوید: گفتم ای پسر خدا صلی الله علیه و آله! مردم ما را به گناهان بزرگ متهم می کنند و ما دلتنگ می شویم. فرمود: ای علقمه! نمی توان به میل و پسند مردم رفتار کرد و زبانشان را در به سوی تقوا هدایت کرد. ای علقمه! شما چگونه از شر آنان در امان باشید که پیامبران از آن در امان نبوده اند؟ مگر یوسف علیه السلام را به زنا متهم نساختند؟ مگر ایوب را به گرفتاری گناه نسبت ندادند؟ مگر داود را متهم نکردند که به دنبال پرنده ای رفت تا این که زن «اوریا» را دید و عاشق او شد و همسرش را پیکایش تابوت فرستاد تا کشته شد و زن او را گرفت؟ مگر موسی را به خواجگی متهم نکردند و آزارش ندادند؟ تا اینکه خداوند او را از (نسبت ها پاک شناساند و نزد او و جاهت داشت. آیا پیامبران را به سحر و دنیا طلبی متهم نکردند؟ مگر مریم را نسبت ناروا ندادند که از یوسف نجار آبستن شده است؟ مگر پیامبر ما را متهم



السلامی



حَارِثَةً فَلَمْ يَزَلْ بِهَا حَتَّى اسْتَخْلَصَهَا لِنَفْسِهِ، أَلَمْ يَنْسُبُوهُ يَوْمَ يَذِرُ إِلَى أَنَّهُ أَخَذَ لِنَفْسِهِ مِنَ
 الْمَغْنَمِ قِطِيفَةً حَمْرَاءَ حَتَّى أَظْهَرَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى الْقِطِيفَةِ وَبَرَأَ نَبِيُّهُ ﷺ مِنَ الْخِيَانَةِ وَ
 أَنْزَلَ بِذَلِكَ فِي كِتَابِهِ: «وَمَا كَانَ لِنَبِيِّ أَنْ يَعْلُ وَمَنْ يَعْلُلُ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^(١)، أَلَمْ
 يَنْسُبُوهُ إِلَى أَنَّهُ ﷺ يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَى فِي ابْنِ عَمِّهِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَتَّى كَذَبَهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ
 فَقَالَ سُبْحَانَهُ «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَى إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى»^(٢)، أَلَمْ يَنْسُبُوهُ إِلَى الْكُذْبِ
 فِي قَوْلِهِ إِنَّهُ رَسُولٌ مِنَ اللَّهِ عَلَيْهِمْ حَتَّى أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِ «وَلَقَدْ كَذَّبْتَ رَسُولٌ مِنْ
 قَبْلِكَ فَصَبِرُوا عَلَى مَا كَذَّبُوا وَأَوْدُوا حَتَّى أَتَاهُمْ نَصْرُنَا»^(٣)، وَلَقَدْ قَالَ: يَوْمَ أُعْرِجَ بِي
 الْبَارِحَةَ إِلَى السَّمَاءِ فَقِيلَ: وَاللَّهِ مَا فَارَقَ فِرَاشَهُ طَوِيلَ لَيْلَتِهِ وَمَا قَالُوا فِي الْأَوْصِيَاءِ أَكْثَرُ
 مِنْ ذَلِكَ، أَلَمْ يَنْسُبُوا سَيِّدَ الْأَوْصِيَاءِ ﷺ إِلَى أَنَّهُ كَانَ يَطْلُبُ الدُّنْيَا وَالْمُلْكَ وَأَنَّهُ كَانَ
 يُؤْثِرُ الْفِتْنَةَ عَلَى السُّكُونِ وَأَنَّهُ يَسْفِكُ دِمَاءَ الْمُسْلِمِينَ بِغَيْرِ حِلِّهَا وَأَنَّهُ لَوْ كَانَ فِيهِ خَيْرٌ
 مَا أَمَرَ خَالِدُ بْنُ الْوَلِيدِ بِضَرْبِ عُنُقِهِ، أَلَمْ يَنْسُبُوهُ إِلَى أَنَّهُ ﷺ أَرَادَ أَنْ يَتَزَوَّجَ ابْنَتَهُ أَبِي جَهْلٍ
 عَلَى فَاطِمَةَ (عَلَيْهَا السَّلَامُ)، وَأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ شَكَاهُ عَلَى الْمُنْبِرِ إِلَى الْمُسْلِمِينَ فَقَالَ: «إِنْ
 عَلَيًّا ﷺ يُرِيدُ أَنْ يَتَزَوَّجَ ابْنَتَهُ عَدُوَّ اللَّهِ عَلَى ابْنَةِ نَبِيِّ اللَّهِ إِلَّا أَنْ فَاطِمَةَ بَضَعَتْ مِنِّي فَمَنْ آذَاهَا
 فَقَدْ آذَانِي وَمَنْ سَرَّهَا فَقَدْ سَرَّنِي وَمَنْ غَاظَهَا فَقَدْ غَاظَنِي»، ثُمَّ قَالَ الصَّادِقُ ﷺ: «يَا
 عَلَّقَمَةُ مَا أَعْجَبَ أَقَاوِيلَ النَّاسِ فِي عَلِيٍّ ﷺ كَمْ بَيْنَ مَنْ يَقُولُ: إِنَّهُ رَبُّ مَعْبُودٍ وَبَيْنَ مَنْ
 يَقُولُ: إِنَّهُ عَبْدٌ عَاصٍ لِلْمَعْبُودِ وَلَقَدْ كَانَ قَوْلُ مَنْ يَنْسُبُهُ إِلَى الْعِضْيَانِ أَهْوَنَ عَلَيْهِ مِنْ قَوْلِ
 مَنْ يَنْسُبُهُ إِلَى الرُّبُوبِيَّةِ يَا عَلَّقَمَةُ أَلَمْ يَقُولُوا اللَّهُ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: أَنَّهُ ثَالِثُ ثَلَاثَةٍ أَلَمْ يُشَبِّهُوهُ
 بِخَلْقِهِ أَلَمْ يَقُولُوا إِنَّهُ الدَّهْرُ أَلَمْ يَقُولُوا إِنَّهُ الْفَلَكَ أَلَمْ يَقُولُوا إِنَّهُ جِسْمٌ أَلَمْ يَقُولُوا إِنَّهُ
 صُورَةٌ تَعَالَى اللَّهُ عَنْ ذَلِكَ غُلُوءًا كَبِيرًا، يَا عَلَّقَمَةُ إِنَّ الْأَلْسِنَةَ الَّتِي تَتَنَاوَلُ ذَاتَ اللَّهِ تَعَالَى
 ذِكْرُهُ بِمَا لَا يَلِيْقُ بِذَاتِهِ كَيْفَ تُحْبَسُ عَنْ تَنَاوُلِكُمْ بِمَا تَكْرَهُونَهُ «فَاسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا
 إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»، فَإِنَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ قَالُوا
 لِمُوسَى ﷺ أَوْدَيْنَا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَأْتِينَا وَمِنْ بَعْدِ مَا جِئْتَنَا، فَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: قُلْ لَهُمْ يَا

نکردند که شاعر و دیوانه است؟ و او را به عشق زن زیدبن حارثه متهم نکردند؟ در جنگ بدر به آن حضرت نسبت دروغ ندادند که یک پتوی سرخ از غنایم جنگی برداشته است؟ خدا آن را آشکار کرد تا پیامبرش را از این که به مسلمانان خیانت کرده است، متراشود، و در قرآن نازل کرد: ﴿وَمَا كَانَ نَبِيٌّ أَنْ يَغْلَ وَيَغْلَ يَاتَ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ﴾ «پیامبری وجود ندارد که از غنیمت برباید. هرکس از غنیمت برباید، روز رستاخیز در بند باشد» (آل عمران/۱۶۱) آیا پیامبر را متهم نکردند که درباره پسرعموی خود علی علیه السلام بر اساس هوا و هوس سخن می گوید؟ خداوند آن همه را تکذیب کرد و فرمود: ﴿وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ﴾ «از هوا و هوس سخن نگوید. همانا وحی است که به پیامبر می رسد» (نجم ۳-۴). آیا او را به این که خود را به ناروا پیامبر خدا می داند متهم نکردند تا اینکه خداوند وحی فرستاد: ﴿وَلَقَدْ كَذَّبْتَ رَسُولٌ مِنْ قَبْلِكَ فَصَبِرُوا عَلَىٰ مَا كَذَّبُوا وَادْعُوا حَتَّىٰ آتَاهُمُ الْفَتْحُ﴾ «پیش از تو پیامبرانی تکذیب شدند و شکیبایی ورزیدند و آزار دیدند تا نصرت الهی آمد» (انعام/۲۴) پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله روزی فرمود: شب پیش مرا به آسمان بردند. بعد در این باره گفتند که او هیچ شبی از بسترش جدا نشده است. آنچه در جانشین های انبیا بر زبان راندند، بیش از آن چیزی است که درباره پیامبران گفته اند. مگر علی علیه السلام سرور اوصیا را به دنیاجویی و حکومت طلبی و آشوب انگیزی و خون ریزی میان مسلمانان متهم نکردند؟ اگر او را می پسندیدند، خالدبن ولید مأمور نمی شد که گردن آن حضرت را بزنند. مگر او را متهم نکردند که تمایل داشته دختر ابوجهل را بر فاطمه رضی الله عنها بگیرد و آنگاه پیامبر را به شکایت از او بر منبر داشته و فرموده: علی می خواهد دختر دشمن خدا را در زمان حیات فاطمه به همسری بگیرد؟! فاطمه پاره تن من است و هر که او را بیازارد، مرا آزار داده است و هرکس او را شادمان کند مرا شادمان ساخته است و هرکس او را به خشم درآورد، مرا به خشم درآورده است.

آنگاه امام صادق علیه السلام فرمود: ای علقمه چه سخن های شگفتی درباره علی علیه السلام گفته اند! یکی، او را معبود می خواند و دیگری او را گنهگار می داند! آن کسی که او را به نافرمانی حق نسبت می دهد، بر او آسان تر است تا آن کسی که به او نسبت ربوبیت می دهد. ای علقمه! مگر برخی مانند نصارا نگفتند که خداوند سومی سه گانه می باشد؟ مگر خدا را مانند خلق او ندانستند؟ مگر به زبان نیاوردند که خدا همان روزگار و فلک است؟ مگر نگفتند که خدا جسم است یا صورت؟ تعالی الله عن ذالک علوا کبیرا. «چه بزرگ است خداوند از آن، ای علقمه! آن زبان ها که خداوند را به نادرستی می ستایند، چه سان می توانند از نکوهش شماشبعیان بازمانند؟ از او کمک بخواهید و بر آن چه می گویند، شکیبام باشید. بی گمان زمین به خداوند تعلق دارد و آن را به هر که بخواهد ارث می دهد و سرانجام برای بندگان با تقوا است. قوم بنی اسرائیل هم به حضرت موسی علیه السلام

مُوسَى «عَسَى رَبُّكُمْ أَنْ يُهْلِكَ عَدُوَّكُمْ وَيَسْتَخْلِفَكُمْ فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ» (١).
 ٤. حَدَّثَنَا أَبِي قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مَعْقِلٍ الْقُرْمِيسِي، قَالَ: حَدَّثَنَا جَعْفَرُ الْوَرَّاقُ،
 قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الْأَشْجُعُ عَنْ يَحْيَى بْنِ زَيْدٍ عَنْ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ
 الْحُسَيْنِ عليه السلام، قَالَ: خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ ذَاتَ يَوْمٍ وَصَلَّى الْفَجْرَ ثُمَّ قَالَ: «مَعَاشِرَ النَّاسِ
 أَنْتُمْ يَنْهَضُونَ إِلَى ثَلَاثَةِ نَفَرٍ قَدْ آلَوْا بِاللَّاتِ وَالْعُزَّى لِيَقْتُلُونِي وَقَدْ كَذَبُوا وَرَبَّ الْكُفَّةِ»،
 قَالَ: فَأَخْجَمَ النَّاسُ وَمَا تَكَلَّمَ أَحَدٌ، فَقَالَ: «مَا أَحْسَبُ عَلِيٍّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ فِيكُمْ»، فَقَامَ إِلَيْهِ
 غَامِرُ بْنُ قَتَادَةَ فَقَالَ: إِنَّهُ وَعِكَ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَلَمْ يَخْرُجْ يُصَلِّي مَعَكَ أَفَتَأْذَنُ لِي أَنْ
 أَخْبِرَهُ، فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: «شَأْنُكَ» فَمَضَى إِلَيْهِ فَأَخْبَرَهُ فَخَرَجَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام كَأَنَّهُ نَشِطٌ
 مِنْ عِقَالٍ وَعَلَيْهِ إِزَارٌ قَدْ عَقَدَ طَرَفَيْهِ عَلَى رَقَبَتِهِ، فَقَالَ: «يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا هَذَا الْخَبَرُ؟» قَالَ:
 «هَذَا رَسُولُ رَبِّي يُخْبِرُنِي عَنْ ثَلَاثَةِ نَفَرٍ قَدْ نَهَضُوا إِلَيَّ لِقَتْلِي وَقَدْ كَذَبُوا وَرَبَّ الْكُفَّةِ،
 فَقَالَ عَلِيٌّ عليه السلام: «يَا رَسُولَ اللَّهِ أَنَا لَهُمْ سَرِيَّةٌ وَخِدْيٌ هُوَ ذَا الْبَسِ عَلَيَّ ثِيَابِي، فَقَالَ رَسُولُ
 اللَّهِ ﷺ: بَلْ هَذِهِ ثِيَابِي وَهَذَا دِرْعِي وَهَذَا سَيْفِي»، فَدَرَعَهُ وَعَمَّمَهُ وَقَلَدَهُ وَأَرْكَبَهُ فَرَسَهُ
 وَخَرَجَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فَمَكَثَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ لَا يَأْتِيهِ جَبْرَائِيلُ بِخَبَرِهِ وَلَا خَبَرٌ مِنَ
 الْأَرْضِ وَأَقْبَلَتْ فَاطِمَةُ بِالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَلَى وَرَكْنَيْهَا تَقُولُ أَوْشَكَ أَنْ يُوْتِمَ هَذَيْنِ
 الْغُلَامَيْنِ، فَاسْتَبَلَّ النَّبِيُّ ﷺ عَيْنَهُ بِيَدَيْهِ ثُمَّ قَالَ: «مَعَاشِرَ النَّاسِ مَنْ يَأْتِينِي بِخَبَرٍ عَلَيَّ عليه السلام
 ابْتَشَرُهُ بِالْجَنَّةِ»، وَافْتَرَقَ النَّاسُ فِي الطَّلَبِ لِعَظِيمِ مَا رَأَوْا بِالنَّبِيِّ ﷺ وَخَرَجَ الْعَوَاتِقُ فَأَقْبَلَ
 غَامِرُ بْنُ قَتَادَةَ يُسْأَرُ بِعَلِيٍّ عليه السلام وَهَبَطَ جَبْرَائِيلُ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ وَأَخْبَرَهُ بِمَا كَانَ فِيهِ وَأَقْبَلَ
 عَلِيٌّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام وَمَعَهُ أَسِيرَانِ وَرَأْسٌ وَثَلَاثَةُ أَبْعِرَةٍ وَثَلَاثَةُ أَفْرَاسٍ، فَقَالَ
 النَّبِيُّ ﷺ: «تُحِبُّ أَنْ أَخْبِرَكَ بِمَا كُنْتُ فِيهِ يَا أَبَا الْحَسَنِ؟» فَقَالَ الْمُنَافِقُونَ: هُوَ مِنْذُ سَاعَةٍ
 قَدْ أَخَذَهُ الْمَخَاضُ وَهُوَ السَّاعَةَ يُرِيدُ أَنْ يُحَدِّثَهُ، فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: «بَلْ تُحَدِّثُ أَنْتَ يَا أَبَا
 الْحَسَنِ لَتَكُونَ شَهِيداً عَلَى الْقَوْمِ»، قَالَ: نَعَمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ لَمَّا صِرْتُ فِي الْوَادِي رَأَيْتُ
 هَؤُلَاءِ رُكْبَاناً عَلَى الْإِبَاعِرِ فَنَادَوْنِي مَنْ أَنْتَ؟ فَقُلْتُ: أَنَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ابْنُ عَمِّ رَسُولِ
 اللَّهِ ﷺ، فَقَالُوا: مَا نَعْرِفُ لَكَ مِنْ رَسُولٍ سِوَاءِ عَلَيْنَا وَقَعْنَا عَلَيْكَ أَوْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَشَدَّ عَلَيَّ

گفتند: پیش از آمدن تو ما گرفتار بودیم و اکنون که تو آمدی، باز هم گرفتاریم. خداوند چنین فرمود: ای موسی بگو امید است که پروردگارتان دشمنانتان را هلاک سازد و شما را در زمین جانشینان آنان قرار دهد و آنگاه می‌نگرد که شما چگونه خواهید بود؟

۴. امام سجاد علیه السلام فرمود: روزی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از خانه بیرون آمد و نماز صبح را با مسلمانان خواند و آنگاه چنین فرمود: ای مردمان! کدام یک از شما قصد دارد از من در برابر سه نفری که به لات و عزی سوگند خورده‌اند که مرا به قتل برسانند، دفاع کند؟ آنان به پروردگار کعبه دروغ گفته‌اند. کسی پاسخ نداد. سپس پیامبر فرمود: گمان می‌کنم که علی بن ابی طالب علیه السلام در میان شما نیست. عامر بن قتاده گفت: او شب پیش تب کرده و امروز برای نماز نیامده تا همراه شما باشد. اگر اجازه دهید به او خبر دهم. پیامبر فرمود: برخیز و به او خبر بده. عامر رفت و آنگاه علی علیه السلام با شتاب خود را به مسجد رسانید، در حالی که دو گوشه «ازاری» را به گردن بسته بود. رو به پیامبر کرد و گفت: ای پیامبر خدا خبری که شنیدم، چیست؟ پیامبر فرمود: این فرستاده پروردگار من است و از کسانی که برای قتل من همدست شده‌اند و به خدای کعبه دروغ گفته‌اند به من خبر داده است. علی علیه السلام فرمود: من به تنهایی برای مقابله با آنان می‌روم و حال لباس خود را می‌پوشم. پیامبر فرمود: این لباس وزره و شمشیر. آنگاه زره به تن او نمود و عمامه بر سرش بست و تیغ به شمشیر او انداخت و بر اسب خود سوارش کرد.

علی علیه السلام که رفت تا سه روز همه بی‌خبر بودند، حتی جبرئیل درباره او خبری نیاورده بود. فاطمه زهرا علیه السلام همراه با حسن و حسین علیهم السلام نزد پیامبر آمد و گفت: شاید این بچه‌هایی پدر شدند. پیامبر گریست و فرمود: ای مردم! هر کس از علی خبری برایم بیاورد، به او بشارت بهشت را خواهم داد. آنگاه مسلمانان هر کدام به راهی سراغ علی علیه السلام را گرفتند تا پیامبر را شادمان سازند. حتی پیرزنان نیز از مدینه بیرون رفتند، ناگهان عامر بن قتاده به نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و خبر از علی علیه السلام آورد. جبرئیل نیز به پیامبر خبر داد. سپس علی علیه السلام همراه با سه شتر و دو اسیر و سه اسب و سربریده‌ای که همراه خود داشت، وارد شد. پیامبر فرمود: ای ابوالحسن آیا مایل هستی من از وضع تو خبر دهم؟ منافقان گفتند: تا حالا اندوهناک بود و اکنون قصد گزارش وضع او را دارد. پیامبر فرمود: ای ابوالحسن! خودت گزارش کار را بده تا بر این مردم شاهد باشی. علی علیه السلام گفت: بلی ای پیامبر خدا. من



السلام



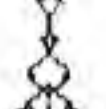
هَذَا الْمَقْتُولُ، وَدَارَ بَيْنِي وَبَيْنَهُ ضَرْبَاتٌ وَهَبَتْ رِيحٌ حَمْرَاءُ سَمِعْتُ صَوْتَكَ فِيهَا يَا رَسُولَ اللَّهِ وَأَنْتَ تَقُولُ قَدْ قَطَعْتُ لَكَ جَرِيئَانِ دِرْعِي فَأَضْرِبْ حَبْلَ عَاتِقِهِ فَضْرَبْتُهُ فَلَمْ أُخْفِهِ أَجْفِهِ ثُمَّ هَبَتْ رِيحٌ صَفْرَاءُ سَمِعْتُ صَوْتَكَ فِيهَا يَا رَسُولَ اللَّهِ وَأَنْتَ تَقُولُ: قَدْ قَلَبْتُ لَكَ الدَّرْعَ عَنْ فَخِذِهِ فَأَضْرِبْ فَخِذَهُ فَضْرَبْتُهُ وَوَكَّرْتُهُ وَقَطَعْتُ رَأْسَهُ وَرَمَيْتُ بِهِ، وَقَالَ لِي: هَذَانِ الرَّجُلَانِ بَلَّغْنَا أَنَّ مُحَمَّدًا رَفِيقُ شَفِيقٍ رَحِيمٌ فَاحْمِلْنَا إِلَيْهِ وَلَا تَعْجَلْ عَلَيْنَا وَصَاحِبُنَا كَانَ يُعَدُّ بِالْفِ فَارِسٍ، فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: «يَا عَلِيُّ أَمَّا الصَّوْتُ الْأَوَّلُ الَّذِي صَكَ مَسَامِعَكَ فَصَوْتُ جَبْرِئِيلَ وَأَمَّا الْآخَرُ فَصَوْتُ مِيكَائِيلَ قَدِمَ إِلَيَّ أَحَدُ الرَّجُلَيْنِ فَقَدَّمَهُ فَقَالَ: قُلْ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاشْهَدْ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ، فَقَالَ: لَنَقُلْ جَبَلُ أَبِي قُبَيْسٍ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَقُولَ هَذِهِ الْكَلِمَةَ، قَالَ: يَا عَلِيُّ أَخْرَهُ وَأَضْرِبْ عُنُقَهُ، ثُمَّ قَالَ: قَدِمَ الْآخَرُ فَقَالَ: قُلْ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاشْهَدْ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ، قَالَ: الْحَقْنِي بِصَاحِبِي، قَالَ: يَا عَلِيُّ أَخْرَهُ وَأَضْرِبْ عُنُقَهُ فَأَخْرَهُ» وَقَامَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ لِضَرْبِ عُنُقِهِ فَهَيَّطَ جَبْرِائِيلُ ﷺ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ إِنَّ رَبَّكَ يُقَرِّتُكَ السَّلَامَ وَيَقُولُ: لَا تَقْتُلْهُ فَإِنَّهُ حَسَنُ الْخُلُقِ سَخِيٌّ فِي قَوْمِهِ، فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: «يَا عَلِيُّ أَمْسِكْ فَإِنَّ هَذَا رَسُولُ رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ يُخْبِرُنِي أَنَّهُ حَسَنُ الْخُلُقِ سَخِيٌّ فِي قَوْمِهِ»، فَقَالَ الْمُشْرِكُ تَحْتَ السَّيْفِ هَذَا رَسُولُ رَبِّكَ يُخْبِرُكَ، قَالَ: نَعَمْ، قَالَ: وَاللَّهِ مَا مَلَكَتْ دِرْهَمًا مَعَ أَحَدٍ لِي قَطُّ وَلَا قَطَبْتُ وَجْهِي فِي الْحَرْبِ وَأَنَا أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنْتَ رَسُولُ اللَّهِ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «هَذَا مِنْ جَرِّهِ حُسْنُ خُلُقِهِ وَسَخَاوَةُ إِلَى جَنَاتِ النَّعِيمِ»، الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ.

آنگاه که به آن سرزمین رسیدم، آن سه نفر را دیدم که بر شترهای خود سوارند. فریاد زدند که تو کیستی؟ گفتم: علی بن ابی طالب، پسر عموی پیامبر خدا هستم. گفتند: ما پیامبری برای خدا قبول نداریم. قتل تو با قتل محمد در چشم ما یکی است. آنگاه شخصی کشته شده بر من حمله آورد و چند ضربه میان ما رد و بدل شد. ناگهان باد سرخی وزیدن گرفت که از میان آن صدای شما را شنیدم که فرمودید: من گریبان زرهش را برای تو پاره کردم و حال تیغ به رگ و شانه اش بزن. چنین کردم و کار تمام نشد. بار دیگر باد وزید. باد زردی که از میان آن صدای شما را می شنیدم که می فرمودی: من زره را از ران او انداختم. پس تیغ را به ران او بزن. چنین کردم و بعد سرش را جدا کرده و کنار انداختم. دو نفر دیگر به من گفتند: شنیدیم محمد دلسوز و مهربان است. ما را نزد او ببر و در قتل ما عجله نکن. سرور ما که او را کشتی، با هزار رزمنده برابر بود.

پیامبر فرمود: ای علی! بانگ نخست که شنیدی بانگ جبرئیل بود و بانگ دوم، بانگ میکائیل بود. سپس فرمود: یکی از آن دو تن را نزد من بیاور. علی علیه السلام یکی را نزد پیامبر برد. پیامبر به او رو کرد و فرمود: بگو لا اله الا الله و به رسالت من شهادت بده. او گفت: برای من کندن کوه ابوقبیس آسان تر است تا اقرار به این چیزها. پیامبر فرمود: ای علی! او را کناری ببر و گردنش را بزن. بعد فرمود: نفر دیگر را نزد من بیاور. پیامبر به او فرمود: بگو لا اله الا الله و به رسالت من گواهی ده. گفت: مرا به دوستم ملحق کن. پیامبر فرمود: ای علی! او را هم بیرون ببر و گردن بزن. آنگاه که علی علیه السلام تیغ را کشید بود تا گردن او را بزند، جبرئیل خدمت پیامبر آمد و گفت: ای محمد صلی الله علیه و آله پروردگارت سلام می رساند و می فرماید که از کشتن او صرف نظر کن. زیرا اخلاق او خوش و سخاوتمند است. پیامبر فرمود: ای علی! دست نگهدار که جبرئیل از سوی خداوند گوید او مردی خوش خلق است. شخص مشرک گفت: آیا این فرستاده پروردگارت بود که چنین خبری داد؟ پیامبر فرمود: آری. او گفت: به خدا سوگند که من هرگز در برابر برادرم صاحب درهمی نبودم و در جنگ نیز بد خلقی نکرده ام و شهادت می دهم که حقیقتی جز خدا وجود ندارد و تو همان فرستاده خداوندی. پیامبر فرمود: چنین است که خلق نیکو و بخشنده ای او را به بهشت پراز نعمت هدایت کرد.



السلامی





المجلس الثالث والعشرون

يوم الإثنين لليلتين خلتا من شوال من سنة سبع وستين و ثلاثمائة

السلام

١. حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوَيْهِ الْقُمِّيُّ رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّعْدُ أَبَادِي عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ الْمُغِيرَةِ بْنِ تُوَيْتَةَ عَنْ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ رحمته الله، قَالَ: «لَمَّا أَشْرَفَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ رحمته الله عَلَى الْمَقَابِرِ، قَالَ: يَا أَهْلَ الثَّرْبَةِ، وَيَا أَهْلَ الْغُرْبَةِ أَمَّا الدُّورُ فَقَدْ سَكَنْتَ وَأَمَّا الْأَزْوَاجُ فَقَدْ نِكَحْتَ وَأَمَّا الْأَمْوَالُ فَقَدْ قَسِمْتَ فَهَذَا خَيْرُ مَا عِنْدَنَا فَمَا خَيْرُ مَا عِنْدَكُمْ؟ ثُمَّ التَفَتَ إِلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ: لَوْ أَدِنَ لَهُمْ فِي الْكَلَامِ لَأَخْبَرُوكُمْ أَنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى».

٢. حَدَّثَنَا أَبِي رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُسْلِمٍ السَّكُونِيِّ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ رحمته الله، قَالَ: قَالَ عَلِيُّ رحمته الله: «مَا مِنْ يَوْمٍ يَمُرُّ عَلَى ابْنِ آدَمَ إِلَّا قَالَ لَهُ ذَلِكَ الْيَوْمُ يَا ابْنَ آدَمَ أَنَا يَوْمٌ جَدِيدٌ وَأَنَا عَلَيْكَ شَهِيدٌ، فَقُلْ فِي: خَيْرًا وَاعْمَلْ فِي خَيْرًا أَشْهَدُ لَكَ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَإِنَّكَ لَنْ تَرَانِي بَعْدَهُ أَبَدًا».

٣. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا عَمِّي مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي الْقَاسِمِ، قَالَ: حَدَّثَنَا هَارُونُ بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ رحمته الله، قَالَ: قَالَ عَلِيُّ رحمته الله: «إِنَّ لِلْمَرْءِ الْمُسْلِمِ ثَلَاثَةَ أَخْلَاءَ فَخَلِيلٌ يَقُولُ لَهُ أَنَا مَعَكَ حَيًّا وَمَيِّتًا وَهُوَ عَمَلُهُ، وَخَلِيلٌ يَقُولُ لَهُ أَنَا مَعَكَ حَتَّى تَمُوتَ وَهُوَ مَالُهُ فَإِذَا مَاتَ صَارَ لِلْوَرَثَةِ، وَخَلِيلٌ يَقُولُ لَهُ أَنَا مَعَكَ إِلَى بَابِ قَبْرِكَ ثُمَّ أَخْلَيْكَ وَهُوَ وَلَدُهُ».

٤. حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ عَلِيٍّ الْكُوفِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ



مجلس بیست و سوم

دوشنبه دوم ماه شوال سال ۳۶۷

السلامی

۱. امام صادق علیه السلام از جد بزرگوارش علی علیه السلام چنین روایت کرده است: آنگاه که آن حضرت به قبرستان می‌رفت، می‌فرمود: ای نشستگان بر بستر خاک! ای آواره شدگان! منزل‌ها را، زن‌هایتان را گرفتند و ثروت‌هایتان را تقسیم نمودند. این خبری بود نزد ما. نزد شما چه خبر است؟ آنگاه رو به یاران فرمود: اگر آنان اجازه سخن داشتند، به شما می‌گفتند که نیکوترین ره توشه آخرت تقوا و ترس از خداوند است.



۲. امام علی علیه السلام فرمود: روزی بر فرزند آدم نمی‌گذرد، مگر اینکه به او گفته شود: ای آدمی زادا! من روز جدیدی هستم و بر کردار تو گواهی می‌دهم. در بستر زمانی من نیکو بگو و کار نیکو انجام بده تا رستاخیز به سود تو شهادت دهم. و بدان که پس از این مرا هرگز دیدار نخواهی نکرد.

۳. علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود: هر مسلمان سه رفیق دارد که با او همراه می‌باشند. رفیق اول، کردار اوست که می‌گوید: من در زندگی و وفات، همراه تو خواهم بود. رفیق دوم، ثروت اوست که می‌گوید: تا هنگام مرگ همراه تو خواهم ماند. از آن پس به وارثش می‌رسد. رفیق سوم، فرزند اوست که می‌گوید تا لب‌گور همراه تو خواهم بود و از آن پس تو را رها خواهم کرد.

۴. حضرت علی علیه السلام فرمود: کسی که فردا را از عمر خود به حساب می‌آورد،

صدوق

عَنْ جَدِّهِ عَبْدِ اللَّهِ (بْنِ الْمُغْبِرَةِ) عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُسْلِمٍ السَّكُونِيِّ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «مَا أَنْزَلَ الْمَوْتُ حَقَّ مَنْزِلَتِهِ مِنْ عَدُوٍّ مِنْ أَجَلِهِ».

٥. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ عَنْ عَمِّهِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ خَطَبَ بِالنُّصْرَةِ، فَقَالَ: بَعْدَ مَا حَمِدَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَأَثْنَى عَلَيْهِ وَصَلَّى عَلَى النَّبِيِّ وَآلِهِ: «الْمُدَّةُ وَإِنْ طَالَتْ قَصِيرَةٌ وَالْمَاضِي لِلْمُقِيمِ عِبْرَةٌ وَالْمَيِّتُ لِلْحَيِّ عِظَةٌ وَلَيْسَ لِأَمْسٍ إِنْ مَضَى عُدَّةٌ وَلَا لِمَرَّةٍ مِنْ غَدٍ عَلَى ثِقَةٍ الْأَوَّلِ لِلْأَوَسَطِ رَاثِدٌ وَالْأَوَسَطُ لِلْآخِرِ قَائِدٌ وَكُلُّ لِكُلِّ مُفَارِقٌ وَكُلُّ بِكُلِّ لَاحِقٌ وَالْمَوْتُ لِكُلِّ غَالِبٌ وَالْيَوْمُ الْهَائِلُ لِكُلِّ آزِفٌ وَهُوَ الْيَوْمُ الَّذِي لَا يَنْفَعُ فِيهِ مَالٌ وَلَا بَنُونَ. إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ»، ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «مَعَاشِرَ شِيعَتِي اصْبِرُوا عَلَى غَمٍّ لَا غِنَى بِكُمْ عَنْ ثَوَابِهِ وَاصْبِرُوا عَنْ عَمَلٍ لَا صَبْرَ لَكُمْ عَلَى عِقَابِهِ إِنَّا وَجَدْنَا الصَّبْرَ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ أَهْوَنَ مِنَ الصَّبْرِ عَلَى عَذَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ اغْلَمُوا أَنْكُمْ فِي أَجَلٍ مَحْدُودٍ وَأَمَلِ مَحْدُودٍ وَنَفْسٍ مَعْدُودٍ، وَلَا بُدَّ لِلْأَجَلِ أَنْ يَتَنَاهَى وَ لِلْأَمَلِ أَنْ يَطْوَى وَلِلنَّفْسِ أَنْ يُخْصَى - ثُمَّ ذَمَعَتْ عَيْنَاهُ وَقَرَأَ: «وَإِنْ عَلَيْكُمْ لِحَافِظِينَ كِرَامًا كَاتِبِينَ يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ»^(١).

٦. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرْزَارٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «جُمِعَ الْخَيْرُ كُلُّهُ فِي ثَلَاثِ خِصَالٍ النَّظَرِ وَالسُّكُوتِ وَالْكَلَامِ فَكُلُّ نَظَرٍ لَيْسَ فِيهِ اغْتِبَارٌ فَهُوَ سَهْوٌ وَكُلُّ سُكُوتٍ لَيْسَ فِيهِ فِكْرَةٌ فَهُوَ غَفْلَةٌ وَكُلُّ كَلَامٍ لَيْسَ فِيهِ ذِكْرٌ فَهُوَ لَغْوٌ، فَطُوبَى لِمَنْ كَانَ نَظَرُهُ عِبْرَةً وَسُكُوتُهُ فِكْرَةً وَكَلَامُهُ ذِكْرًا» وَبَكَى عَلَى خَطِيئَتِهِ وَأَمِنَ النَّاسُ مِنْ شَرِّهِ.

٧. حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي، قَالَ: حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ هَاشِمٍ عَنْ

حقیقت مرگ را شناخته است.

۵. امیر مومنان علیه السلام در شهر بصره به هنگام خواندن خطبه، پس از سپاس و ستایش پروردگار و صلوات بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله چنین فرمود: زمان هر چه به نظر طولانی باشد، باز کوتاه و گذراست. عبرت زندگانی در گذشته پنهان است و مردگان پندهایی برای زندگان اند. روز پیش رفت و دیگر بر نمی گردد و روز بعد هم قابل اعتماد نیست. هر اولی پیشاهنگ دومی است و دومی پیشاهنگ سومی و همه از هم جدا خواهند شد و سپس به هم نزدیک می شوند. مرگ بر همگان مسلط خواهد شد و رستاخیز هولناک همگان را در بر می گیرد؛ همان روزی که ثروت و فرزند به آدمی سودی نخواهند بخشید، مگر کسی که با قلب سالم و مطمئن نزد خداوند آید.

آنگاه حضرت فرمود: ای پیروانم! بر کاری که از پاداش آن بی نیاز نخواهید بود، شکیبایی و نیز پایداری کنید در برابر انجام کاری که بر توانایی عقوبتش راندارید. صبر بر فرمانبری از خداوند را آسانتر بدانیم تا صبر بر عذاب خداوند عزوجل. و نیز آگاه باشید که عمری محدود و آرزویی دراز و نفس هایی چند دارید. به ناچار عمر کوتاه به پایان می رسد و دفتر آرزو بسته می شود و دم های آدمی به آخر نزدیک می شود. آنگاه امیرالمومنین علیه السلام اشک ریخت و این آیه را خواند: ﴿و ان علیکم لحافظین کراماً کابتین یعلموها تفعلین﴾ «و بی گمان نگهبانانی بر شما مردمان گمارده شده اند؛ نویسندگانی ارجمند، آیا می دانید که چه میکنند؟» (انفطار/ ۱۰-۱۲).

۶. علی علیه السلام فرمود: تمام خوبی ها در سه چیز گرد هم آمده اند: نگریستن هوشیارانه و سکوت حکیمانه و سخن مومنانه. بدانید که هر نگاه بدون عبرت، خطاست. و هر سکوت بدون اندیشه عین بی خبری است و هر سخنی که همراه با ذکر و یاد خداوند نباشد، بیهوده است. خوشا به حال آنکه نگاه او عبرت باشد و سکوت آن اندیشه و کلام او یاد حق باشد. همچنین بر گناه خود اشک بریزد و مردم از شر او آسایش داشته باشند.

۷. علی علیه السلام فرمود: در پنج زمان نیایش با خدا را بزرگ شمارید: هنگام خواندن قرآن،



السلام



الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ النَّوْفَلِيِّ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ أَبِي زِيَادٍ السَّكُونِيِّ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «اغْتَنِمُوا الدُّعَاءَ عِنْدَ خَمْسَةِ مَوَاطِنَ عِنْدَ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ وَعِنْدَ الْإِذَاانِ وَعِنْدَ نَزُولِ الْغَيْثِ وَعِنْدَ التَّقَاءِ الصَّفِّينِ لِلشَّهَادَةِ وَعِنْدَ دَعْوَةِ الْمَظْلُومِ فَإِنَّهَا لَيْسَ لَهَا حِجَابٌ دُونَ الْعَرْشِ».

٨. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي الْقَاسِمِ الْأَسَدِيُّ (رَضَوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ)، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْحُسَيْنِيُّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ الرِّضَا عَنْ أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «كَمْ مِنْ غَافِلٍ يَنْسَجُ ثَوْبًا لِيَلْبَسَهُ وَإِنَّمَا هُوَ كَفَنُهُ وَيَبْنِي بَيْتًا لِيَسْكُنَهُ وَإِنَّمَا هُوَ مَوْضِعُ قَبْرِهِ، وَقِيلَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا الْاسْتِعْدَادُ لِلْمَوْتِ؟، قَالَ: أَدَاءُ الْفَرَائِضِ وَاجْتِنَابُ الْمَحَارِمِ وَالِاسْتِمَالُ عَلَى الْمَكَارِمِ ثُمَّ لَا يُبَالِي أَوْقَعَ عَلَى الْمَوْتِ أَمْ وَقَعَ الْمَوْتُ عَلَيْهِ وَاللَّهُ مَا يُبَالِي ابْنُ أَبِي طَالِبٍ أَوْقَعَ عَلَى الْمَوْتِ أَمْ وَقَعَ الْمَوْتُ عَلَيْهِ»، وَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي بَعْضِ خُطْبِهِ: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ فَنَاءٍ وَالْآخِرَةُ دَارُ بَقَاءٍ، فَخُذُوا مِنْ مَمَرٍ كُمْ لِمَقَرِّكُمْ وَلَا تَهْتَكُوا أَسْتَارَكُمْ عِنْدَ مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ أَسْرَارُكُمْ وَأَخْرِجُوا مِنَ الدُّنْيَا قُلُوبَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَخْرُجَ مِنْهَا أَبْدَانُكُمْ، فَفِي الدُّنْيَا حَسَنٌ وَلِلْآخِرَةِ خُلُقْتُمْ إِنَّمَا الدُّنْيَا كَالسَّمِّ يَأْكُلُهُ مَنْ لَا يَعْرِفُهُ، إِنْ الْعَبْدُ إِذَا مَاتَ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ: مَا قَدَّمَ وَقَالَ النَّاسُ: مَا أَخَّرَ فَضْلًا يَكُنْ لَكُمْ وَلَا تُؤْخَرُوا كُلًّا يَكُنْ عَلَيْكُمْ فَإِنَّ الْمَخْرُومَ مِنْ حُرْمِ خَيْرِ مَالِهِ وَالْمَغْبُوطَ مِنْ ثَقُلِ الصَّدَقَاتِ وَالْخَيْرَاتِ مَوَازِينَهُ وَأَحْسَنَ فِي الْجَنَّةِ بِهَا مِهَادَهُ وَطَيَّبَ عَلَى الصِّرَاطِ بِهَا مَسْلَكَهُ».

٩. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْجَبَّارِ عَنْ أَبِي أَحْمَدَ مُحَمَّدِ بْنِ زِيَادٍ الْأَزْدِيِّ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ ثَابِتِ بْنِ دِينَارٍ عَنْ سَيِّدِ الْعَابِدِينَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «الْأَثِمَةُ مِنْ بَعْغِي اثْنَا عَشَرَ أُولَهُمْ أَنْتَ يَا عَلِيُّ وَآخِرُهُمُ الْقَائِمُ الَّذِي يَفْتَحُ اللَّهُ تَعَالَى ذِكْرَهُ عَلَى يَدَيْهِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا».

هنگام اذان، هنگام باران، هنگام صف آراییی دوستان و دشمنان حق برای شهادت و هنگام دعای مظلومی که میان او و عرش الهی فاصله‌ای نیست.

۸. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: چه بسیار غفلت زده‌ای که لباسی می‌بافد تا تن پوش او شود ولی کفن او قرار می‌گیرد، یا خانه‌ای می‌سازد که در آن آرامش داشته باشد و گورش می‌شود. از آن حضرت پرسیدند: آماده شدن برای مرگ چگونه است؟ فرمود: انجام واجب‌ها و دوری از حرام‌های الهی و به دست آوردن مکارم اخلاقی. از آن پس نباید باکی داشت که مرگ به سراغ آدمی بیاید یا آدم به سوی مرگ برود. به خدا سوگند که پسرای طالب ترسی ندارد که بمیرد یا مرگ او را در آغوش بگیرد.

حضرت امیر علیه السلام در یکی از خطبه‌های خود چنین فرمود: ای مردم! بی گمان دنیا همان سرای نیستی است و آخرت همان سرای هستی است. بنابراین این از دنیا که گذرگاهتان است برای آرامگاه ابدی خود ره توشه بردارید. و مراقب باشید نزد خدایی که راز آشنای شماست، پرده عفاف را ندرید و دل‌های خویش را از دوست داشتن دنیا کنید، پیش از اینکه تن‌های شما را از دنیا خارج سازند. ای مردم! در دنیا زندگی یافتید و برای آخرت آفریده شده‌اید. بدانید که دنیا مثل زهر کشنده است. کسی آن را بیاشامد که نشناسد. ای مردم! وقتی انسان آنگاه بمیرد، فرشتگان می‌پرسند که او چه پیش فرستاد؟ و مردمان می‌پرسند که او چه برجای گذشته است؟ اکنون که می‌توانید چیزی پیش بفرستید که به شما تعلق دارد و مبادا زران‌دوزی کنید که به زیانتان خواهد بود. بی گمان بد بخت کسی است که از ثروت خود بی‌نصیب گردد. بدانید که در رستاخیز بر کسی حسادت می‌کنند که ترازوی اعمال او از صدقات و خیرات از قبل فرستاده شده، سنگینی کند و در بهشت بستر آرامش خود را گسترده و راه صراط خویش را هموار ساخته است.

۹. رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: پیشوایان دین پس از من دوازده تن خواهند بود. ای علی! تو نخستین، امام هستی و آخرین امام همان قائمی است که خداوند، به دست او در به دست او گشوده سازد.

١٠. حَدَّثَنَا أَبِي عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ، قَالَ: حَدَّثَنَا يَعْقُوبُ بْنُ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ الْقِطَاطِيِّ، قَالَ: قَالَ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عليه السلام: «اغْفَلُوا النَّاسُ قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام يَوْمَ مَشْرِيقَةِ أُمِّ إِبْرَاهِيمَ كَمَا اغْفَلُوا قَوْلَهُ فِيهِ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ، إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ فِي مَشْرِيقَةِ أُمِّ إِبْرَاهِيمَ وَعِنْدَهُ أَصْحَابُهُ إِذْ جَاءَ عَلِيُّ عليه السلام فَلَمْ يُفَرِّجُوا لَهُ، فَلَمَّا رَأَوْهُمْ لَا يُفَرِّجُونَ لَهُ قَالَ: يَا مَعْشَرَ النَّاسِ هَذَا أَهْلُ بَيْتِي تَسْتَخِفُّونَ بِهِمْ وَأَنَا حَيٌّ بَيْنَ ظَهْرَانَيْكُمْ، أَمَا وَاللَّهِ لَئِنْ غِبْتُ عَنْكُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَغِيبُ عَنْكُمْ إِنَّ الرُّوحَ وَالرَّاحَةَ وَالبِشْرَ وَالبِشَارَةَ لَمِنْ أَيْتَمِّ بَعْلِي وَتَوَلَّاهُ وَسَلَّمْ لَهُ وَلِلْمَأُصِيَاءِ مِنْ وَلَدِهِ حَقًّا عَلَيَّ أَنْ أَدْخِلَهُمْ فِي شَفَاعَتِي لِأَنَّهُمْ أَتْبَاعِي، فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي سُنَّةُ جَزَتْ فِيَّ مِنْ إِبْرَاهِيمَ لِأَنِّي مِنْ إِبْرَاهِيمَ وَإِبْرَاهِيمُ مِنِّي وَفَضْلِي لَهُ فَضْلٌ وَفَضْلُهُ فَضْلِي وَأَنَا أَفْضَلُ مِنْهُ، تَصْدِيقُ ذَلِكَ قَوْلُ رَبِّي «ذُرِّيَّةَ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»^(١)، وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَثَبَّتَ رِجْلَهُ فِي مَشْرِيقَةِ أُمِّ إِبْرَاهِيمَ حَتَّى غَادَى النَّاسُ»، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ.

مركز تحفة كرامت محمد و آل محمد

۱۰. امام صادق علیه السلام فرمود: مسلمانان سخن پیامبر صلی الله علیه و آله درباره علی علیه السلام را در روز «مشر به ام ابراهیم» به فراموشی سپردند، همان گونه که سخن آن حضرت را در غدیر خم به فراموشی سپردند. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در نزد «ام ابراهیم» بود که علی علیه السلام آمد و کسی برای او جایی باز نکرد. آنگاه فرمود: ای مردم! اینان خاندان من که آنان را سبک و خوار می‌شمایید، در حالی که هنوز من زنده و در میان شما هستم. به خدا سوگند، اگر از میان شما غایب شوم، خدا از شما پنهان نخواهد ماند. بی گمان روح و آسایش و شادمانی و بشارت برای کسی است که از علی علیه السلام پیروی کند او را دوست داشته باشد و خود را تسلیم او و جانشینان از فرزندان او سازد. آنگاه برعهده من خواهد بود که آنان را از شفاعتم بهره‌مند سازم. چرا که پیروان من بوده‌اند. هر کس مرا پیروی کند، از من خواهد بود. روش من روشی است که از ابراهیم خلیل به من ارث رسیده است. زیرا من از ابراهیم هستم و ابراهیم از من است. فضیلت من فضیلت اوست و فضیلت او فضیلت من. و البته من از او برترم، چرا که خداوند در قرآن کریم فرمود: ﴿وَذُرِّيَّةَ بَعْضِهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ نژادی که برخی از برخی باشند و خدا شنوا و داناست (آل عمران) پای پیامبر صلی الله علیه و آله در «مشر به ام ابراهیم» چرک و زخم برداشت، اما به استخوان نرسید. مسلمانان به عیادت آن حضرت رفته بودند.



المجلس الرابع والعشرون

يوم الأربعاء لاربع خلون من شوال من سنة سبع وستين و ثلاثمائة

السلام

١. حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوَيْه الْقُمِّيُّ رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ يُونُسَ بْنِ الْحَارِثِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّزَّاقِ عَنْ مَعْمَرٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُعَاوِيَةَ عَنْ نَافِعٍ عَنِ ابْنِ عُمَرَ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ زُيِّنَ عَرْشُ رَبِّ الْعَالَمِينَ بِكُلِّ زِينَةٍ ثُمَّ يُؤْتَى بِمَنْبَرَيْنِ مِنْ نُورٍ طُولُهُمَا مِائَةُ مِيلٍ فَيُوضَعُ أَحَدُهُمَا عَنْ يَمِينِ الْعَرْشِ وَالْآخَرُ عَنْ يَسَارِ الْعَرْشِ، ثُمَّ يُؤْتَى بِالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عليهما السلام فَيَقُومُ الْحَسَنُ عَلَى أَحَدِهِمَا وَالْحُسَيْنُ عَلَى الْآخَرِ يُزَيِّنُ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِهِمَا عَرْشَهُ كَمَا يُزَيِّنُ الْمَرْأَةُ قُرْطَاهَا».

٢. حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُوسَى الدِّقَاقُ رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ النَّخَعِيُّ عَنْ عَمِّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ النَّوْفَلِيِّ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ جَالِسًا ذَاتَ يَوْمٍ إِذْ أَقْبَلَ الْحَسَنُ عليه السلام، فَلَمَّا رَأَاهُ بَكَى ثُمَّ قَالَ: إِلَيَّ يَا بُنَيَّ فَمَا زَالَ يُدْنِيهِ حَتَّى أَجْلَسَهُ عَلَى فَخْذِهِ الْيُمْنَى، ثُمَّ أَقْبَلَ الْحُسَيْنُ عليه السلام فَلَمَّا رَأَاهُ بَكَى ثُمَّ قَالَ: إِلَيَّ يَا بُنَيَّ فَمَا زَالَ يُدْنِيهِ حَتَّى أَجْلَسَهُ عَلَى فَخْذِهِ الْيُسْرَى، ثُمَّ أَقْبَلَتْ فَاطِمَةُ عليها السلام فَلَمَّا رَأَاهَا بَكَى ثُمَّ قَالَ: إِلَيَّ يَا بُنَيَّةَ فَأَجْلَسَهَا بَيْنَ يَدَيْهِ، ثُمَّ أَقْبَلَ أَهْلُ الْبَيْتِ عليهم السلام فَلَمَّا رَأَاهُ بَكَى ثُمَّ قَالَ: إِلَيَّ يَا أَحِبِّي فَمَا زَالَ يُدْنِيهِ حَتَّى أَجْلَسَهُ إِلَى جَنْبِهِ الْيُمْنَى، فَقَالَ لَهُ أَصْحَابُهُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا تَرَى وَاحِدًا مِنْ هَؤُلَاءِ إِلَّا بَكَيتُ أَوْ مَا فِيهِمْ مَنْ تُسَرُّ بِرُؤْيَايَتِهِ، فَقَالَ ﷺ: وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالنَّبُوَّةِ وَاصْطَفَانِي عَلَى جَمِيعِ الْبَرِيَّةِ إِنِّي وَإِيَّاهُمْ لَأَكْرَمُ الْخَلْقِ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَمَا عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ نَسَمَةٌ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْهُمْ، أَمَا عَلِيُّ بْنُ

مصدق

مجلس بیست و چهارم

چهارشنبه سوم ماه شوال سال ۳۶۷

السلام

۱. پیامبر اسلام ﷺ فرمود: در روز رستاخیز عرش الهی را به هر نوع زینت تزئین می‌کنند و آنگاه دو منبر از نور می‌آورند که طول هریک صد میل خواهد بود. یکی را در سمت راست عرش گذارند و دیگری را در سمت چپ، و آنگاه حسن و حسین ﷺ را نزدیک منبر های نورانی می‌آورند. حسن ﷺ بر منبر بالا می‌رود و حسین ﷺ بر منبر دیگر. در آن هنگام پروردگار، عرش خویش را به وجود آنان آراسته می‌سازد، چنان که زنی به دو گوشواره آراسته می‌شود.



۲. ابن عباس می‌گوید: روزی رسول اکرم ﷺ نشسته بود که حسن ﷺ نزد آن حضرت آمد. چشم حضرت که بروی افتاد، گریه کرد؛ آنگاه فرمود: نزدیک من بیا، نزدیک من آی، ای پسر من! او را به خود نزدیک ساخت تا اینکه بر زانوی راست خویش نشانند. سپس حسین ﷺ آمد و باز پیامبر زمانی که او را دید، گریه کرد. و بعد فرمود: بیا بیا پسر من، دل‌بندم! و آنگاه او را هم نزدیک خود آورد و روی پای چپ نشانند. آنگاه فاطمه ﷺ آمد و او را روبروی خود نشانند و بعد علی ﷺ نزد پیامبر آمد. او را هم که دید، گریست و نزدیک خود کنار فاطمه زهرا ﷺ جای داد. یاران آن حضرت گفتند: ای پیامبر خدا! هریک را که نگاه کردی، گریه سردادی. در میان اینان کسی نبود که از دیدارش شادمان شوی؟ فرمود: به خدایی که مرا برای پیامبری فرستاده و بر همه مردمان برگزیده است، من و اینها ارجمندترین آفریدگان نزد پروردگاریم، و در زمین نزد من دوست داشتنی‌تر از اینان کسی وجود ندارد. علی بن ابی طالب ﷺ که برادر و وزیر من است و پس از من صاحب امر

سخن سون

أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِنَّهُ أَخِي وَشَقِيقِي وَصَاحِبُ الْأَمْرِ بَعْدِي وَصَاحِبُ لَوَائِي فِي الدُّنْيَا وَ
 الْآخِرَةِ وَصَاحِبُ حَوْضِي وَشَفَاعَتِي وَهُوَ مَوْلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَإِمَامُ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَقَائِدُ كُلِّ
 تَقِيٍّ وَهُوَ وَصِيِّي وَخَلِيفَتِي عَلَى أَهْلِي وَأُمَمِي فِي حَيَاتِي وَبَعْدَ مَوْتِي، مُجِبُّهُ مُجِيبِي وَ
 مُبْغِضُهُ مُبْغِضِي وَبَوْلَايَتِهِ صَارَتْ أُمَّتِي مَرْحُومَةً وَبَعْدَاوَتِهِ صَارَتْ الْمُخَالَفَةُ لَهُ مِنْهَا
 مَلْعُونَةٌ وَإِنِّي بَكَيْتُ حِينَ أَقْبَلَ لَأَنِّي ذَكَرْتُ غَدْرَ الْأَمَةِ بِهِ بَعْدِي حَتَّى إِنَّهُ لَيُزَالُ عَنْ
 مَقْعَدِي وَقَدْ جَعَلَهُ اللَّهُ لَهُ بَعْدِي، ثُمَّ لَا يَزَالُ الْأَمْرُ بِهِ حَتَّى يُضْرَبَ عَلَى قَرْنِهِ ضَرْبَةً
 تُخَضَّبُ مِنْهَا لَحِيَّتُهُ فِي أَفْضَلِ الشُّهُورِ «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ وَ
 بَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ» ^(١) وَأَمَّا ابْنَتِي فَاطِمَةُ فَإِنَّهَا سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ
 وَالْآخِرِينَ وَهِيَ بَضْعَةٌ مِنِّي وَهِيَ نَوْرٌ عَيْنِي وَهِيَ ثَمَرَةٌ فَوَادِي وَهِيَ رُوحِي الَّتِي بَيْنَ
 جَنْبِي وَهِيَ الْحَوَازِ الْأَنْسِيَّةُ مِنِّي، قَامَتْ فِي مِحْرَابِهَا بَيْنَ يَدَي رَبِّهَا جَلَّ جَلَالُهُ ظَهَرَ
 نُورُهَا لِمَلَائِكَةِ السَّمَاءِ كَمَا يَظْهَرُ نُورُ الْكَوَاكِبِ لِأَهْلِ الْأَرْضِ، وَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ
 لِمَلَائِكَتِهِ «يَا مَلَائِكَتِي انظُرُوا إِلَى أُمَّتِي فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ إِمَائِي قَائِمَةً بَيْنَ يَدَي تَرْتَعِدُ
 فَرَائِضُهَا مِنْ خِيفَتِي وَقَدْ أَقْبَلْتُ بِقَلْبِهَا عَلَى عِبَادَتِي أَشْهَدُكُمْ أَنِّي قَدْ آمَنْتُ شَيْعَتَهَا مِنَ
 النَّارِ، وَأَنِّي لَمَّا رَأَيْتُهَا ذَكَرْتُ مَا يُصْنَعُ بِهَا بَعْدِي كَأَنِّي بِهَا وَقَدْ دَخَلَ الذُّلُّ بَيْتَهَا وَانْتَهَكَتْ
 حُرْمَتُهَا وَغَضِبْتُ حَقَّهَا وَمَنْعْتُ إِرْتَهَا وَكَسَرْتُ جَنْبَتَهَا وَأَسْقَطْتُ جَنْبَتَهَا وَهِيَ تُنَادِي
 يَا مُحَمَّدَاهُ فَلَا تُجَابُ وَتُسْتَعِثُ فَلَا تُعَاثُ، فَلَا تَزَالُ بَعْدِي مَحْزُونَةٌ مَكْرُوبَةٌ بِأَكْيَةِ
 تَذَكُّرِ انْقِطَاعِ الْوَحْيِ عَنْ بَيْتِهَا مَرَّةً وَتَذَكُّرِ فِرَاقِي أُخْرَى وَتُسْتَوْحِشُ إِذَا جَنَّهَا اللَّيْلُ لِفَقْدِ
 صَوْتِي الَّذِي كَانَتْ تَسْمَعُ إِلَيْهِ إِذَا تَهَجَّدَتْ بِالْقُرْآنِ ثُمَّ تَرَى نَفْسَهَا ذَلِيلَةً بَعْدَ أَنْ كَانَتْ فِي
 أَيَّامِ أَبِيهَا عَزِيزَةً، فَعِنْدَ ذَلِكَ يُؤْنِسُهَا اللَّهُ تَعَالَى ذِكْرُهُ بِالْمَلَائِكَةِ فَنَادَتْهَا بِمَا نَادَتْ بِهِ مَرْيَمَ
 بِنْتُ عِمْرَانَ فَتَقُولُ يَا فَاطِمَةُ «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ
 الْعَالَمِينَ»، يَا فَاطِمَةُ «اقْنِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ» ^(٢)، ثُمَّ يَبْتَدِئُ بِهَا
 الْوَجْعَ فَتَمْرَضُ فَيَبْعَثُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهَا مَرْيَمَ بِنْتُ عِمْرَانَ تَمْرَضُهَا وَتُؤْنِسُهَا فِي عِلَّتِهَا،
 فَتَقُولُ عِنْدَ ذَلِكَ يَا رَبِّ إِنِّي قَدْ سَيِّمْتُ الْحَيَاةَ وَتَبَرَّمْتُ بِأَهْلِ الدُّنْيَا فَالْحَقْنِي بِأَبِي،

و لوای من، در دنیا و آخرت است و نیز صاحب حوض و شفاعت من. او مولای هر مسلمان و پیشوای هر مؤمن و پارسایی است، و نیز وصی و جانشین من در خاندان و امتم، چه در حیات و چه پس از آن. دوست علی دوست من است و دشمن علی دشمن من. به دلیل ولایت علی، امت مرا امت مرحومه خوانده‌اند. هر کس او را مخالفت کند، از رحمت الهی دور شده است. علی که نزد من آمد گریستم چرا که یادم آمد که پس از من امت من به او خیانت می‌کنند و او را از جایگاهم بر می‌دارند، در حالی که خداوند رهبری را برای او نهاده است. آنگاه علی سفتیها می‌بیند و سرانجام بر فرق او ضربت زده و محاسن او از خون خضاب می‌شود. این واقعه در ماهی خواهد بود که نیکوترین ماه بوده و خداوند در آن قرآن کریم را فرو فرستاده بت تا سبب هدایت مردمان باشد و بینات راهنما و فرقان میان حق و باطل.

اما دخترم فاطمه علیها السلام که سرور زنان جهان از اولین و آخرین تاریخ است، پاره تن من است و روشنایی چشمانم و میوه دلم و روح من که درون من است. فاطمه علیها السلام حوراء انسیه است. هرگاه او در محراب عبادت در برابر خداوند می‌ایستد، نور او بر فرشتگان حق می‌تابد، گویی نور ستارگان بر زمین تابیده است. خداوند روبرو به فرشتگان می‌فرماید: کنیزم فاطمه را بنگرید که همراه کنیزان دیگرم در برابر من ایستاده و دل او از بیم من لرزان بوده و به عبادتم مشغول است. ای فرشتگان شاهد باشید که پیروان او را از آتش دوزخ در امان داشتم. آنگاه پیامبر رو به یاران فرمود: فاطمه علیها السلام را که دیدم، به یادم آمد که با وی چه برخوردی خواهند داشت! گویی اکنون می‌نگرم که خواری به خانه‌اش نزدیک می‌کنند و حرمت فاطمه نادیده گرفته می‌شود و حق او را به ستم از او گرفته می‌شود و او را از ارث بی نصیب می‌کنند. پهلوی او را شکسته و جنین او را سقط می‌کنند. او فریاد می‌زند «یا محمد» در حالی که پاسخی نمی‌شنود. او یاری می‌طلبد در حالی که فریادرسی ندارد. فاطمه همواره پس از من اندوهگین و نالان و گرفتار خواهد بود. فاطمه گاه به یاد زمانی می‌افتد که وحی از خانه او جداگشته و گاه به یاد من و جدایی از پدر می‌افتد. شب هنگام که صدای مرا نشنود، دچار دلهره می‌گردد، همان صدای تلاوت قرآن که در؟ داشتم. فاطمه خود را خوار می‌بیند، حال آنکه در روزگار پدر گرامی بود. این است که خداوند او را با فرشتگان انس می‌دهد و همچون زمانی که مریم دختر عمران را دلداری می‌دادند، می‌گویند: ای فاطمه! تو را خدا برگزید و پاکیزه ساخت و بر زنان جهان پیشوایی بخشید. ای فاطمه! در برابر پروردگارت فروتنی کن و با رکوع کنندگان سیجده و

فَيَلْحَقُهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِبَيْتِي فَتَكُونُ أَوَّلُ مَنْ يَلْحَقُنِي مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَتَقْدَمُ عَلَيَّ مَحْزُونَةً
مَكْرُوبَةً مَغْمُومَةً مَغْصُومَةً مَقْتُولَةً فَأَقُولُ عِنْدَ ذَلِكَ: اللَّهُمَّ الْعَنِ مَنْ ظَلَمَهَا وَعَاقِبِ مَنْ
غَضَبَهَا وَذَلِّلْ مَنْ أَذَلَّهَا وَخَلِّدْ فِي نَارِكَ مَنْ صَرَبَ جَنْبَهَا حَتَّى أَلْقَتْ وَلَدَهَا فَتَقُولُ
الْمَلَائِكَةُ عِنْدَ ذَلِكَ آمِينَ، وَأَمَّا الْحَسَنُ فَإِنَّهُ ابْنِي وَوَلَدِي وَبَضْعَةٌ مِنِّي وَفَرَّةٌ عَيْنِي وَ
ضِيَاءُ قَلْبِي وَثَمَرَةُ فَوَادِي وَهُوَ سَيِّدُ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَحُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْأُمَّةِ أَمْرُهُ أَمْرِي وَ
قَوْلُهُ قَوْلِي مَنْ تَبِعَهُ فَإِنَّهُ مِنِّي، وَمَنْ عَصَاهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَإِنِّي لَمَّا نَظَرْتُ إِلَيْهِ تَذَكَّرْتُ مَا
يَجْرِي عَلَيْهِ مِنَ الذَّلِّ بَعْدِي فَلَا يَزَالُ الْأَمْرُ بِهِ حَتَّى يُقْتَلَ بِالسَّيْفِ ظُلْمًا وَعُدْوَانًا فَعِنْدَ ذَلِكَ
تَبْكِي الْمَلَائِكَةُ وَالسَّيْعُ الشَّدَادُ لِمَوْتِهِ وَيُنْكِيهِ كُلُّ شَيْءٍ حَتَّى الطَّيْرُ فِي جَوْ السَّمَاءِ وَ
الْحَيْثَانُ فِي جَوْفِ الْمَاءِ فَمَنْ بَكَاهُ لَمْ تَعَمْ عَيْنُهُ يَوْمَ تَعْمَى الْعُيُونُ وَمَنْ حَزَنَ عَلَيْهِ لَمْ
يَحْزَنْ قَلْبُهُ يَوْمَ تَحْزَنُ الْقُلُوبُ وَمَنْ زَارَهُ فِي بَقِيعِهِ ثَبَّتَتْ قَدَمُهُ عَلَى الصِّرَاطِ يَوْمَ تَزِلُّ فِيهِ
الْأَقْدَامُ، وَأَمَّا الْحُسَيْنُ فَإِنَّهُ مِنِّي وَهُوَ ابْنِي وَوَلَدِي وَخَيْرُ الْخَلْقِ بَعْدَ أَخِيهِ وَهُوَ إِمَامُ
الْمُسْلِمِينَ وَمَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ وَخَلِيفَةُ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَغِيَاثُ الْمُسْتَغِيثِينَ وَكَهْفُ
الْمُسْتَجِيرِينَ وَحُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ أَجْمَعِينَ وَهُوَ سَيِّدُ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَبَابُ نَجَاةِ
الْأُمَّةِ أَمْرُهُ أَمْرِي وَطَاعَتُهُ طَاعَتِي مَنْ تَبِعَهُ فَإِنَّهُ مِنِّي وَمَنْ عَصَاهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَإِنِّي لَمَّا
رَأَيْتُهُ تَذَكَّرْتُ مَا يُصْنَعُ بِهِ بَعْدِي كَأَنِّي بِهِ وَقَدْ اسْتَجَارَ بِحَرَمِي وَقُرْبِي فَلَا يُجَارُ فَأَضْمُهُ
فِي مَنْأَمِي إِلَى صَدْرِي وَأَمْرُهُ بِالرَّحْلَةِ عَنْ دَارِ هِجْرَتِي وَأَبْشَرُهُ بِالشَّهَادَةِ فَيَرْتَحِلُ عَنْهَا إِلَى
أَرْضِ مَقْتَلِهِ وَمَوْضِعِ مَضْرَعِهِ أَرْضِ كَرْبٍ وَبَلَاءٍ وَقَتْلِ وَفَنَاءٍ تَنْصُرُهُ عَصَابَةٌ مِنْ
الْمُسْلِمِينَ أَوْلَيْكَ مِنْ سَادَةِ شُهَدَاءِ أُمَّتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَيْهِ وَقَدْ رَمَى بِسَهْمٍ فَخَرَّ
عَنْ فَرْسِهِ صَرِيحًا ثُمَّ يَذْبَحُ كَمَا يَذْبَحُ الْكَبْشُ مَظْلُومًا - ثُمَّ بَكَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَبَكَى مَنْ
حَوْلَهُ وَارْتَفَعَتْ أَصْوَاتُهُمْ بِالصُّبْحِجِ ثُمَّ - قَالَ ﷺ وَهُوَ يَقُولُ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْكُو إِلَيْكَ مَا
يَلْقَى أَهْلُ بَيْتِي بَعْدِي ثُمَّ دَخَلَ مَنْزِلَهُ.

٣. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ هَارُونَ الْقَافِي، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ جَامِعِ
الْحِمَيْرِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الْمُقْضَلِ
بْنِ عُمَرَ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ ﷺ أَنَّ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي
طَالِبٍ ﷺ دَخَلَ يَوْمًا إِلَى الْحَسَنِ ﷺ فَلَمَّا نَظَرَ إِلَيْهِ بَكَى، فَقَالَ لَهُ: مَا يُنْكِيكَ يَا أَبَا عَبْدِ

رکوع داشته باش. آنگاه بیماری فاطمه آغاز می شود. خداوند مریم عمران را می فرستد تا پرستارش شود و در دوران بیماری مونس او باشد. در این هنگام است که فاطمه می گوید: پروردگارا! من از زندگی سیر و دل‌تنگ گشته‌ام و از مردمان بیزار و رنجورم. مرا به نزد پدرم ملحق کن. خداوند او را به نزد من روانه کند. او نخستین کس از خاندانم خواهد بود که به نزد من می آید. فاطمه در حالی که اندوهگین و نالان و شهید است، نزد من می آید. من در این هنگام می گویم: خدایا! از رحمت خود دور ساز هر کس که به فاطمه ستم روا داشته است. خدایا! کیفر بده کسی را که حق او را گرفته و ذلیل کن هر که او را خوار ساخته و در آتش دوزخ جاودانه، هر که او را از پهلوی آسیب زده و جنین او را سقط کرده است. اکنون فرشتگان آمین می گویند.

امام حسن علیه السلام پسر و فرزند و پاره تن و روشنی چشمان و دلم و میوه قلبم است و نیز سرور جوانان بهشتی و حجت خداوند بر امت من. فرمان او فرمان من است و سخن او سخن من. هر کس از او پیروی داشته باشد، از من است و هر کس او را نافرمانی کند، از من نیست. آنگاه که حسن علیه السلام را دیدم به خاطر آوردم، اهانت‌هایی که پس از من خواهد دید، تا آنجایی که باز هر او را خواهند کشت. در این هنگام فرشتگان هفت آسمان بر شهادت او گریه خواهند و همه آفریدگان تا پرندگان هوا و ماهیان دریا بر او می گریند. دیده کسی که بر او گریه ناپیوسته گردد در روزی که دیدگان، ناپیوسته خواهند شد. هر کس برای حسن اندوهگین شود، در روزی که دلها مدام اندوهگین اند، دلی اندوه نداشته باشد. هر کس در گورستان بقیع به زیارت او برود روزی که گامها بر صراط خواهند لغزید، گام او بر پل صراط استوار می ماند و امام حسین علیه السلام از من است و فرزند من و بهترین مردمان. پس از برادرش امام مسلمانان و پیشوای مؤمنان و جانشین خداوند است و فریادرس فریادکنندگان و پناه امان طلبان و حجت الهی بر تمام مردمان و سرور جوانان بهشتی و در نجات از آتش دوزخ. فرمان حسین علیه السلام فرمان من است و فرمانبری از او فرمانبری از من. هر کس از حسین پیروی کند، از من است و هر کس او را نافرمانی کند، از من نیست. آنگاه که نگاهم به او افتاد به یاد آوردم که پس از من با او چه خواهند کرد. گویی می بینم که حسین به حرم جوارم پناهنده است، در حالی که او را پناه نمی دهند. در آن هنگام، در آغوشم می گیرم و سرش را بر سینه چسبانده و به او فرمان کوچیدن از مدینه، سرای هجرتم می دهم و نیز او را به شهادت مرده می دهم. حسین علیه السلام از مدینه به سرزمینی خواهد کوچید که قتل گاه اوست. سرزمین کرب و بلا و قتل و رنج. گروهی از مسلمانان حسین را کمک خواهند کرد که پیشوای شهیدان امتم در رستاخیز خواهند بود. گویی اکنون حسین را می بینم که تیر خورده و از اسب به خاک افتاده و سر او را همچون گوسفند، مظلومانه جدا می سازند. آنگاه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله گریه کرد و نیز یارانی که او را در میان گرفته بودند، باهم گریستند. بانگ شیون و مویه آنان برخاست. آن حضرت بلند شد، در حالی که می فرمود: خدایا به تو شکایت می برم از آنچه را خاندان من پس از من خواهند دید. آنگاه دارد خانه اش شد. ۳. روزی حسین بن علی علیه السلام نزد امام حسن علیه السلام آمد و نگاه به آن حضرت افکند و اشک



السلامی



الله؟ قَالَ: أَبْكَى لِمَا يُصْنَعُ بِكَ، فَقَالَ لَهُ الْحَسَنُ عليه السلام: «أَنْ الَّذِي يُؤْتِي إِلَيَّ سَمٌ يُدْسُ إِلَيَّ فَأَقْتُلُ بِهِ، وَلَكِنْ لَا يَوْمَ كَيْفَ يَكُونُ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَزْدَلِفُ إِلَيْكَ ثَلَاثُونَ أَلْفَ رَجُلٍ يَدْعُونَ أَنَّهُمْ مِنْ أُمَّةٍ جَدَّنَا مُحَمَّدٌ عليه السلام وَنَسْتَحِلُّونَ دِينَ الْإِسْلَامِ فَيَجْتَمِعُونَ عَلَى قَتْلِكَ وَسَفْكِ دَمِكَ وَانْتِهَاكِ حُرْمَتِكَ وَسَبِي ذُرَارِيكَ وَنِسَانِكَ وَانْتِهَابِ ثَقْلِكَ فَعِنْدَهَا تَحِلُّ بَنِي أُمَيَّةَ اللَّغْنَةُ وَتُمْطَرُ السَّمَاءُ رَمَادًا وَدَمًا وَيَبْكِي عَلَيْكَ كُلُّ شَيْءٍ حَتَّى الْوُحُوشُ فِي الْفُلُوتِ وَالْحَيْتَانِ فِي الْبَحَارِ».

٤. حَدَّثَنَا أَبِي عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ يَحْيَى، قَالَ: حَدَّثَنَا الْعَبَّاسُ بْنُ مَعْرُوفٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو حَفْصٍ الْعَبْدِيُّ عَنْ أَبِي هَارُونَ الْعَبْدِيِّ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ عليه السلام: «إِذَا سَأَلْتُمُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَاسْأَلُوهُ لِي الْوَسِيلَةَ»، فَسَأَلْتُ النَّبِيَّ عليه السلام عَنِ الْوَسِيلَةِ، فَقَالَ: «هِيَ دَرَجَتِي فِي الْجَنَّةِ وَهِيَ أَلْفُ مِرْقَاةٍ مَا بَيْنَ الْمِرْقَاةِ إِلَى الْمِرْقَاةِ حُضْرُ الْفَرَسِ الْجَوَادِ شَهْرًا وَهِيَ مَا بَيْنَ مِرْقَاةٍ جَوْهَرٍ إِلَى مِرْقَاةٍ زَبَرْجَدٍ وَ مِرْقَاةٍ يَاقُوتٍ إِلَى مِرْقَاةٍ ذَهَبٍ إِلَى فَصَّةٍ فَيُؤْتَى بِهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى تُنْصَبَ مَعَ دَرَجَةِ النَّبِيِّينَ فَهِيَ فِي دَرَجَةِ النَّبِيِّينَ كَالْقَمَرَيْنِ الْكَوَاكِبِ، فَلَا يَنْقُى يَوْمَئِذٍ نَبِيٌّ وَلَا صَدِيقٌ وَلَا شَهِيدٌ إِلَّا طُوبَى قَالَ لِمَنْ كَانَتْ هَذِهِ الدَّرَجَةُ دَرَجَتَهُ فَيَأْتِي النَّدَاءُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يُسْمَعُ النَّبِيُّينَ وَ جَمِيعَ الْخَلْقِ هَذِهِ دَرَجَةُ مُحَمَّدٍ عليه السلام فَأَقْبَلُ وَأَنَا يَوْمَئِذٍ مُتَزَرٌّ بِرِبْطَةٍ مِنْ نُورٍ عَلَى تَاجِ الْمَلِكِ وَ إِكْلِيلِ الْكِرَامَةِ وَعَلَى بَنِي أَبِي طَالِبٍ أَمَامِي وَ بَيْنَهُ لَوَائِي وَ هُوَ لَوَاءُ الْحَمْدِ مَكْتُوبٌ عَلَيْهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمُفْلِحُونَ هُمُ الْفَائِزُونَ بِاللَّهِ، وَإِذَا مَرَرْنَا بِالنَّبِيِّينَ قَالُوا هَٰذَا مَلَكَانِ كَرِيمَانِ مُقَرَّبَانِ لَمْ نَعْرِفْهُمَا وَلَمْ نَرَهُمَا، وَإِذَا مَرَرْنَا بِالْمَلَائِكَةِ قَالُوا هَٰذَا نَبِيَّانِ مُرْسَلَانِ حَتَّى أَعْلَوْ الدَّرَجَةَ وَعَلَى عليه السلام يَتَّبِعُنِي حَتَّى إِذَا صِرْتُ فِي أَعْلَى الدَّرَجَةِ مِنْهَا وَعَلَى عليه السلام اسْقَلَ مِنِّي بِدَرَجَةٍ فَلَا يَنْقُى يَوْمَئِذٍ نَبِيٌّ وَلَا صَدِيقٌ وَلَا شَهِيدٌ إِلَّا قَالَ: طُوبَى لِهَٰذَيْنِ الْعَبْدَيْنِ مَا أَكْرَمَهُمَا عَلَى اللَّهِ فَيَأْتِي النَّدَاءُ مِنْ قِبَلِ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ يُسْمَعُ النَّبِيُّينَ وَ الصَّادِقَيْنِ وَ الشُّهَدَاءَ وَ الْمُؤْمِنِينَ هَٰذَا حَبِيبِي مُحَمَّدٌ وَ هَٰذَا وَلِيِّي عَلِيُّ طُوبَى لِمَنْ أَحَبَّهُ وَ وِيلٌ لِمَنْ أَبْغَضَهُ وَ كَذَبَ عَلَيْهِ، ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ عليه السلام: فَلَا يَنْقُى يَوْمَئِذٍ أَحَدٌ أَحَبَّكَ يَا عَلِيُّ إِلَّا اسْتَرْوَحَ إِلَى هَٰذَا الْكَلَامِ وَ ابْيَضَّ وَجْهُهُ وَ فَرِحَ قَلْبُهُ وَ لَا يَنْقُى أَحَدٌ مِمَّنْ عَادَاكَ أَوْ نَصَبَ لَكَ حَرْبًا أَوْ جَحَدَ لَكَ حَقًّا إِلَّا اسْوَدَّ وَجْهُهُ وَ اضْطَرَّتْ قَدَمَاهُ فَبَيْنَا أَنَا كَذَلِكَ إِذَا

ریخت. برادر فرمود: ای اباعبدالله! چه چیز تو را گریانید؟ حسین علیه السلام فرمود: به خاطر برخوردی که با شما می کنند گریه می کنم. امام حسن علیه السلام فرمود: آنچه با من کنند، زهری است که در کام من خواهند ریخت و خواهند کشت. اما ای اباعبدالله روزی همانند روز تو نیست. سی هزار تن که ادعا دارند از امت جد ما محمد صلی الله علیه و آله هستند. و خود را متمسک به دین اسلام می دانند، بر ضد تو هم پیمان شده و قصه قتل تو را می کنند. آنان خون تو را بر زمین می ریزند و حرمت تو را در هم شکنند و خانواده و نسل تو را به اسارت می گیرند و به یغما می برند. در این هنگام است که عذاب و لعنت الهی بر امویان فرود آید و آسمان خاکستر و خون ببارد و همه آفریدگان حق بر حال تو اشک می ریزند، حتی وحشیان صحرا و ماهیان دریا.

۴. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هرگاه از پروردگارتان تمنایی دارید، پس از او مرا برای وسیله درخواست کنید. یاران از مفهوم وسیله پرسیدند. پیامبر فرمود: وسیله مرتبه‌ای است که من در بهشت یافته‌ام. وسیله هزار پله دارد و میان دو پله آن مسافتی به اندازه یک ماه دویدن اسب است. پله‌ها یک سر از جنس گوهر و زبرجد و یاقوت و نیز نقره و طلا هستند. وسیله را در روز قیامت مقابل مرتبه‌های پیامبران می گذارند. گویی ماه در برابر ستارگان است. در آن روز پیامبر و صدیق و شهیدی نیست که نگوید خوشابه حال کسی که این مرتبه را یافته است. ناگهان ندایی از جانب پروردگار می آید که تمامی پیامبران و آفریدگان خواهند شنید: «این مرتبه محمد صلی الله علیه و آله است».

من در آن روز با قبایی از نور بر تن می آیم و تاج ملک و اکیل کرامت بر سر نهاده‌ام. علی بن ابی طالب علیه السلام پرچم حمد را به دست دارد و پیشاپیش من است. بر آن پرچم چنین نوشته شده است: «لا اله الا الله». رستگاران کسانی اند که به خدا وصل شده اند، آنگاه از کنار پیامبران می گذریم. آنان می گویند: اینان دو فرشته مقرب پروردگارند که ما آنان را تاکنون ندیده و نمی شناسیم. آنگاه که از برابر فرشتگان می گذریم، چنین می گویند: اینان دو پیامبر مرسل اند. در این هنگام از پله‌ها بالا می روم و علی علیه السلام در پی من می آید تا اینکه به آفرین پله خواهیم رسید، در حالی که علی یک پله از من پایین تر است. در چنین روزی هیچ پیامبر و صدیق و شهیدی نیست، مگر آنکه گویند: خوشابه حال این بندگان که این قدر منزلت نزد پروردگار دارند. در این هنگام از جانب حق تعالی ندایی خواهد رسید که تمامی پیامبران و صدیقان و شهیدان و مؤمنان خواهند شنید: «این است حبیب من



السلام

مَلَكًا قَدْ أَقْبَلَا إِلَيَّ أَمَّا أَحَدُهُمَا فَرِضْوَانُ حَازِنُ الْجَنَّةِ، وَأَمَّا الْآخَرُ فَمَالِكُ حَازِنُ النَّارِ
فَيَذْنُورِضْوَانُ فَيَقُولُ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَحْمَدُ فَأَقُولُ: السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَلِكُ مَنْ أَنْتَ
فَمَا أَحْسَنَ وَجْهَكَ وَأَطْيَبَ رِيحَكَ، فَيَقُولُ: أَنَا رِضْوَانُ حَازِنُ الْجَنَّةِ وَهَذِهِ مَفَاتِيحُ
الْجَنَّةِ بَعَثَ بِهَا إِلَيْكَ رَبُّ الْعِزَّةِ فَخُذْهَا يَا أَحْمَدُ، فَأَقُولُ: قَدْ قَبِلْتُ ذَلِكَ مِنْ رَبِّي فَلَهُ
الْحَمْدُ عَلَى مَا فَضَّلَنِي بِهِ أَدْفَعُهَا إِلَى أَخِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام ثُمَّ يَرْجِعُ رِضْوَانُ فَيَذْنُ
مَالِكُ فَيَقُولُ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَحْمَدُ، فَأَقُولُ: السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَلِكُ مَنْ أَنْتَ فَمَا
أَقْبَحَ وَجْهَكَ وَأَنْكَرَ رُؤُوسَكَ فَيَقُولُ: أَنَا مَالِكُ حَازِنُ النَّارِ وَهَذِهِ مَقَالِيدُ النَّارِ بَعَثَ بِهَا
إِلَيْكَ رَبُّ الْعِزَّةِ فَخُذْهَا يَا أَحْمَدُ، فَأَقُولُ: قَدْ قَبِلْتُ ذَلِكَ مِنْ رَبِّي فَلَهُ الْحَمْدُ عَلَى مَا
فَضَّلَنِي بِهِ أَدْفَعُهَا إِلَى أَخِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، ثُمَّ يَرْجِعُ مَالِكُ فَيَقْبَلُ عَلِيُّ عليه السلام وَمَعَهُ
مَفَاتِيحُ الْجَنَّةِ وَمَقَالِيدُ النَّارِ حَتَّى يَقِفَ عَلَى عِجْزَةِ جَهَنَّمَ وَقَدْ تَطَايَرَ شَرُّهَا وَعَلَا
زَفِيرُهَا وَاشْتَدَّ حَرُّهَا وَعَلِيُّ عليه السلام أَخَذَ بِرِمَامِهَا فَتَقُولُ لَهُ جَهَنَّمَ جُزْنِي يَا عَلِيُّ قَدْ أَطْفَأَ
نُورُكَ لَهْبِي فَيَقُولُ لَهَا عَلِيُّ عليه السلام قَرِّي يَا جَهَنَّمَ خُذِي هَذَا وَاتْرُكِي هَذَا خُذِي هَذَا عَدُوِّي وَ
اتْرُكِي هَذَا وَلِيِّي، فَلَجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ أَشَدَّ مُطَاوَعَةً لِعَلِيِّ عليه السلام مِنْ غُلَامٍ أَحَدِكُمْ لِصَاحِبِهِ، فَإِنْ
شَاءَ يَذْهَبُهَا يَمْنَةً وَإِنْ شَاءَ يَذْهَبُهَا نِشْرَةً وَلَجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ أَشَدَّ مُطَاوَعَةً لِعَلِيِّ فِيمَا يَأْمُرُهَا
بِهِ مِنْ جَمِيعِ الْخَلَائِقِ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ.



محمد ﷺ و این است ولی من علی علیه السلام. خوشا به حال کسی که او را دوست بدارد و بدا به حال کسی که او را دشمن بدارد و او را تکذیب کند.

آنگاه پیامبر اکرم ﷺ فرمود: ای علی! در چنین روزی دوستان تو از سخنی که خداوند فرموده است شادمان می شوند، و نیز رو سپید باشند. اما دشمنان ستیزه خوی تو که حق امامت تو را انکار کرده اند، رو سیاه می شوند، در حالی که گام های لرزانی دارند. در این هنگام دو فرشته نزدیک می آیند. اولی «رضوان» نام دارد که کلیددار بهشت است و دومی «مالک» نام دارد که کلیددار دوزخ است. رضوان جلو می آید و چنین می گوید: درود بر تو ای احمد! و من پاسخ می دهم: سلام بر تو ای فرشته حق! تو کیستی که این قدر خوش سیما و خوش بویی؟ می گوید: ای احمد! من کلیددار بهشت هستم و این ها کلیدهای بهشت است که پروردگار عزیز برای تو فرستاده! آنها را بگیر. می گویم: از پروردگارم پذیرفتم و ستایش او می کنم به خاطر لطفی که درباره من دارد. سپس می گویم کلیدها را به برادرم علی بن ابی طالب علیه السلام بده. رضوان که می رود، مالک جلو می آید و می گوید: درود بر تو ای احمد! می گویم سلام بر تو ای فرشته حق. تو کیستی که این قدر زشت سیما و نامطبوعی؟ می گوید: ای احمد! من کلیددار دوزخ هستم و این ها کلیدهای دوزخ است که پروردگار عزیز برای شما فرستاده است. بگیریدا می گویم: آنها را از پروردگارم پذیرفتم و سپاس و ستایش می کنم به خاطر لطفی که درباره من دارد. آنگاه می گویم: کلیدها را به برادرم علی بن ابی طالب علیه السلام بده.

علی علیه السلام کلیدهای بهشت و دوزخ را در دست دارد تا اینکه بر دهانه دوزخ می ایستد که شراره های آتش را به پیرامون خود می پراکند و سوت کشان حرارتی تند به همراه دارد. علی مہار آتش را در دست دارد. دوزخ رو به علی علیه السلام می گوید: ای علی! مرا به حال خود واگذار و از من بگذر. نور الهی تو شراره مرا فرو می نشاند. علی می گوید: ای دوزخ! آرام باش و این دشمن مرا بگیر! آن دوست مرا واگذار! دوزخ در آن هنگام، از غلام یکی از شما به صاحبش برای علی فرمانبردارتر است که اگر بخواهد او را به هر سمت و سو خواهد کشاند. و بهشت در آن هنگام در جهت فرمان هایی که به او می دهد، از تمامی مردمان فرمانبردارتر خواهد بود.





السلام

المجلس الخامس والعشرون

مما أملاه علينا بطوس بمشهد الرضا علي بن موسى

صلوات الله عليه وعلى آبائه

يوم الجمعة لثلاث عشر

بقين من ذي الحجة من سنة سبع وستين و ثلاثمائة

١. حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوئِيهِ الْقُمِّيُّ رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِلَوئِيهِ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ حَمَّادٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدٍ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عليه السلام يَقُولُ: «يَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ وَلَدِ ابْنِي مُوسَى اسْمُهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فَيُذْفَنُ فِي أَرْضِ طُوسَ وَ هِيَ بِخُرَاسَانَ يُقْتَلُ فِيهَا بِالسَّمِّ فَيُذْفَنُ فِيهَا غَرِيباً مَنْ زَارَهُ عَارِفاً بِحَقِّهِ أَعْطَاهُ اللَّهُ عِزًّا وَ جَلًّا أَجْرًا مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَ قَاتَلَ».

٢. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادٍ الْهَمْدَانِيُّ رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عِيْسَى بْنُ عُبَيْدٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ سُلَيْمَانَ الْمَصْرِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي حُجْرٍ الْأَسْلَمِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا قَبِيصَةُ عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ الْجُعْفِيِّ، سَمِعْتُ وَصِيَّ الْأَوْصِيَاءِ وَ وَارِثَ عِلْمِ الْأَنْبِيَاءِ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام يَقُولُ: حَدَّثَنِي سَيِّدُ الْعَابِدِينَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنْ سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: «سَتُذْفَنُ بَضْعَةٌ مِنِّي بِخُرَاسَانَ، مَا زَارَهَا مَكْرُوبٌ إِلَّا نَفَسَ اللَّهُ كُرْبَتَهُ وَ لَا مُذْنِبٌ إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ ذُنُوبَهُ».

٣. حَدَّثَنَا أَبِي رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ عِيْسَى



مجلس بیست و پنجم

جمعه هفدهم ذی حجه سال ۳۶۷

آنچه در طوس مشهدالرضا علیه السلام بر ما املاء کرد

السلامی

۱. حسین بن یزید می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: مردی از نسل پسر موسی که هم نام او نام امیر مومنان علیه السلام است، چشم به دنیا می گشاید و در سرزمین طوس در خراسان به زهر کشته شده و غریب به خاک سپرده می شود. هر کس او را در حالی که عارف به منزلت اوست، زیارت کند، خداوند به او پاداش کسی را ارزانی می دارد که از هنگام فتح انفاق کرده و کشته شده است.

مرکز تحقیقات و پژوهش اسلامی

۲. پیامبر اکرم فرمود: بی گمان پاره ای از تن من در خراسان مدفون می گردد. کسی او را زیارت نکند، مگر این که خداوند او را از گرفتاری برهاند یا گناهان او را بیامرزد.

۳. ابی نصر بنظمی می گوید: نامه امام رضا علیه السلام را خواندم که در آن نوشته بود:

وَمُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرِ الْبَزْطَاطِيِّ، قَالَ: قَرَأْتُ كِتَابَ أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَا عليه السلام ابْلَغَ شَيْعَتِي أَنَّ زِيَارَتِي تَعْدِلُ عِنْدَ اللَّهِ أَلْفَ حِجَّةٍ، قَالَ: فَقُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام أَلْفَ حِجَّةٍ، قَالَ: «إِي وَ اللَّهِ أَلْفَ أَلْفِ حِجَّةٍ لِمَنْ زَارَهُ عَارِفًا بِحَقِّهِ».

٤. حَدَّثَنَا أَبِي عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيْسَى وَمُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرِ الْبَزْطَاطِيِّ، قَالَ: سَمِعْتُ الرُّضَا يَقُولُ: «مَا زَارَنِي أَحَدٌ مِنْ أَوْلِيَائِي عَارِفًا بِحَقِّي إِلَّا تَشَفَّعْتُ فِيهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ».

٥. حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْوَرَّاقُ، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي خَلْفٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا عِمْرَانُ بْنُ مُوسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ فَضِيلٍ عَنْ غَزْوَانَ الصُّبِّيِّ، قَالَ: أَخْبَرَنِي عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ إِسْحَاقَ عَنِ النُّعْمَانِ بْنِ سَعْدٍ، قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام: «سَيُقْتَلُ رَجُلٌ مِنْ وَلَدِي بِأَرْضِ خُرَاسَانَ بِالسُّمِّ ظُلْمًا اسْمُهُ اسْمِي وَ اسْمُ أَبِيهِ اسْمُ ابْنِ عِمْرَانَ مُوسَى عليه السلام الْإِقْمَنْ زَارَهُ فِي غُرْبَتِهِ غَفَرَ اللَّهُ ذُنُوبَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْهَا وَ مَا تَأَخَّرَ وَ لَوْ كَانَ مِثْلَ غَدَدِ النُّجُومِ وَ قَطْرِ الْأَمْطَارِ وَ وَرَقِ الْأَشْجَارِ».

٦. حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَمِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ غَامِرٍ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ حَفْصِ الْمُرُوزِيِّ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ: «مَنْ زَارَ قَبْرَ وَلَدِي عَلِيِّ عليه السلام كَانَ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ سَبْعُونَ حِجَّةً مَبْرُورَةً» قُلْتُ سَبْعِينَ حِجَّةً مَبْرُورَةً؟ قَالَ: «نَعَمْ سَبْعِينَ أَلْفَ حِجَّةٍ قُلْتُ سَبْعِينَ أَلْفَ حِجَّةٍ؟ قَالَ: فَقَالَ: «رُبَّ حِجَّةٍ لَا تُقْبَلُ. مَنْ زَارَهُ أَوْ بَاتَ عِنْدَهُ لَيْلَةً كَانَ كَمَنْ زَارَ اللَّهَ فِي عَرْشِهِ»، قُلْتُ كَمَنْ زَارَ اللَّهَ فِي عَرْشِهِ، قَالَ: «نَعَمْ إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ كَانَ عَلَى عَرْشِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَرْبَعَةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَ أَرْبَعَةٌ مِنَ الْآخِرِينَ، فَأَمَّا الْأَوَّلُونَ فَنُوحٌ وَ إِبْرَاهِيمُ وَ مُوسَى وَ عِيْسَى، وَ أَمَّا الْآخِرُونَ فَمُحَمَّدٌ وَ عَلِيُّ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ ثُمَّ يَمْدُ الْمِطْمَرُ فَيَقْعُدُ مَعَنَا زُوَارُ قُبُورِ الْأَنْبِيَاءِ إِلَّا أَنْ أَعْلَاهَا دَرَجَةٌ وَ أَقْرَبُهُمْ حَيَاةً زُوَارُ قَبْرِ وَلَدِي عَلِيِّ عليه السلام».

قال الشيخ الفقيه أبو جعفر عليه السلام معنى قوله عليه السلام «كان كمن زار الله في عرشه» ليس بتشبيهه، لأن الملائكة تزور العرش وتلذبه و تطوف حوله و تقول نزور الله في عرشه

به شیعیانم بگویند که زیارت من نزد خداوند با هزار حج برابری دارد. به فرزند آن حضرت ابی جعفر گفتم: هزار حج؟ گفت: آری به خدا سوگند پاداش هزار حج برای زائر امام رضا علیه السلام است. که عارف به حق امامت او باشد.

۴. بزنتی می گوید: امام رضا علیه السلام می فرمود: کسی از دوستانم مرا زیارت عارفانه نکند، مگر آنکه شفیع او در روز رستاخیز باشم.

۵. علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود: بی گمان یکی از فرزندان من در سرزمین خراسان به زهر ستم شهید می شود که هم نام من است و نام پدرش نام پسر عمران؛ موسی است. هرکس او را در سرزمین غربت زیارت کند، خداوند گناهان گذشته و آینده اش را بیامرزد، هر چند که به شمار ستارگان و قطرات باران و برگ های درختان باشد.

۶. سلیمان بن حفص می گوید: امام کاظم علیه السلام می فرمود: هرکس قبر پسرم، علی علیه السلام را زیارت کند، برای او نزد خداوند هفتاد حج مبروره خواهد بود. گفتم: هفتاد حج مبروره؟ گفت: آری هفتاد هزار حج مبروره. گفتم: هفتاد هزار حج؟ فرمود: چه بسا عمل حجتی که مقبول خداوند نباشد. هرکس او را زیارت کند یا در جوار او بماند، مانند کسی است که خداوند را در عرش دیدار کرده است. پرسیدم: مانند کسی که خداوند را در عرش دیدار کرده است؟ فرمود: آری. آنگاه که روز رستاخیز آغاز شود، بر عرش خداوند چهار تن از اولین و چهار تن از آخرین مردمان باشند. از گروه نخست، نوح و ابراهیم موسی و عیسی علیهم السلام خواهند بود و از گروه دیگر محمد صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام و حسن علیه السلام و حسین علیه السلام. آنگاه بستری فراخ گسترند که زیارت کنندگان قبور امامان همراه ما نشینند. بلند مرتبه ترین و نزدیک ترین زائران به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله زائران حرم فرزندان خواهند بود. شیخ فقیه ابو جعفر می گوید: مراد از همانندی زائر امام رضا علیه السلام با کسی که خدا را در عرش دیدار کرده است، «تشبیه» نیست. چون فرشتگان نیز عرش را زیارت کرده و بدان



السلام



كما يقول الناس نرج في بيت الله ونزور الله لا أن الله عز وجل موصوف بمكان تعالى الله عن ذلك علوا كبيرا.

٧. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ يَحْيَى الْغَطَّارُ، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى عليه السلام يَقُولُ: «مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي عليه السلام بطوس غفر الله له ما تقدم من ذنبه وما تأخر، فإذا كان يوم القيامة نصب له منبرٌ يحذاء منبر رسول الله صلى الله عليه وآله حتى يفرغ الله من حساب عباده».

٨. حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ إِسْرَاهِيمَ بْنِ نَائِنَةَ عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِسْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمْزَةَ بْنِ حُمْرَانَ، قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: «يُقْتَلُ حَفْدَتِي بِأَرْضِ خُرَاسَانَ فِي مَدِينَةٍ يُقَالُ لَهَا طُوسٌ مِنْ زَارَةِ إِلَيْهَا عَارِفًا بِحَقِّهِ أَخَذَتْهُ بِيَدِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَادْخَلَتْهُ الْجَنَّةَ، وَإِنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الْكِبَائِرِ قُلْتُ جَعَلْتُ فِدَاكَ وَمَا عِزْفَانُ حَقِّهِ؟ قَالَ: يَعْلَمُ أَنَّهُ إِمَامٌ مُفْتَرَضُ الطَّاعَةِ غَرِيبٌ شَهِيدٌ مِنْ زَارَةِ عَارِفًا بِحَقِّهِ أَعْطَاهُ اللَّهُ عِزًّا وَجَلًّا أَجْرَ سَبْعِينَ شَهِيدًا مِمَّنْ اسْتَشْهَدَ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله عَلَى حَقِيقَةٍ».

٩. حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُوسَى عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ صَالِحِ الرَّازِيِّ عَنْ حَمْدَانَ الدِّيَوَانِيِّ، قَالَ: قَالَ الرِّضَاءُ عليه السلام: «مَنْ زَارَنِي عَلَى بُعْدِ دَارِي أَتَيْتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي ثَلَاثَةِ مَوَاطِنَ حَتَّى أَخْلَصَهُ مِنْ أَهْوَالِهَا إِذَا تَطَايَرَتِ الْكُتُبُ يَمِينًا وَشِمَالًا وَعِنْدَ الْمِيزَانِ» وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ.

پناهنده می‌شوند و یا گرد عرش می‌چرخند و اظهار می‌دارند که پروردگار را در عرش زیارت کردیم. همانگونه که حاجیان می‌گویند که حج خانه خدا به جای آوردیم یا خدا را زیارت کردیم. مراد از این گفته‌ها این نیست که خداوند به مکانی موصوف شود؛ زیرا او از این تصور منزّه است.

۷. ایوب بن نوح می‌گوید: از ابو جعفر محمد بن علی بن موسی علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: هر کس قبر پدرم را در سرزمین طوس زیارت کند، خداوند گناهان گذشته و آینده او را خواهد آمرزید و آنگاه که رستاخیز شود، برای او منبری رو به روی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خواهند نهاد تا اینکه خداوند حساب و جزای بندگان خود را به پایان برساند.

۸. امام صادق علیه السلام فرمود: نوه من در سرزمین خراسان در شهری به نام طوس کشته خواهد شد. هر کس در حالی که به حق او معرفت دارد، او را زیارت کند، در روز رستاخیز دست او را خواهم گرفت و به بهشت خواهم برد، هر چند گناه کبیره داشته باشد. حمزه بن حمران می‌گوید: منظور از معرفت به حق او چیست؟ فرمود: یعنی زائر او بداند که علی بن موسی علیه السلام پیشوایی بوده که فرمان بردن از او واجب بوده و نیز غریب بوده و شهید شده است. هر کس عارف به حق امامت او بوده و زیارتش کند، خداوند پاداش هفتاد شهیدی را به او ارزانی دارد که پیش روی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با حقیقت به شهادت رسیده‌اند.

۹. امام رضا علیه السلام فرمود: هر کس مراد در خانه دور از زادگاهم زیارت کند، در رستاخیز در سه جایگاه نزد او خواهم آمد که از دلهره و ترس رهایی‌اش بخشم: آنگاه که نامه‌های اعمال به دستان راست و چپ می‌دهند؛ آنگاه که همگان بر پل صراط می‌گذرند و آنگاه که نزد میزبان می‌ایستند. حسبن الله و نعم الوکیل.



السلام





المجلس السادس والعشرون

بمشهد الرضا (عليه السلام) وهو يوم غدیر خم لاثنتا عشرة

ليلة بقين من ذي الحجة من سنة سبع وستين و ثلاثمائة في المشهد

١. حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوئِيهِ الْقُمِّيُّ عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّعْدَانِيُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ عَنْ أَبِي الْحَارُودِ عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ الْجُعْفِيِّ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ، قَالَ: خَطَبَنَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام فَحَمِدَ اللَّهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنْ قُدَّامَ مِنْبَرِكُمْ هَذَا أَرْبَعَةٌ رَهْطٌ مِنْ أَصْحَابِ مُحَمَّدٍ عليه السلام مِنْهُمْ أَنَسُ بْنُ مَالِكٍ، وَالْبَرَاءُ بْنُ عَازِبٍ الْأَنْصَارِيُّ، وَالْأَشْعَثُ بْنُ قَيْسٍ الْكِنْدِيُّ، وَخَالِدُ بْنُ يَزِيدَ الْبَجَلِيُّ»، ثُمَّ أَقْبَلَ بِوَجْهِهِ عَلَى أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ فَقَالَ: «يَا أَنَسُ إِنْ كُنْتَ سَمِعْتَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم يَقُولُ: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيُّ مَوْلَاهُ» ثُمَّ لَمْ تَشْهَدْ لِي الْيَوْمَ بِالْوَلَايَةِ فَلَا أَمَاتَكَ اللَّهُ حَتَّى يَتَّبِعَكَ بِبِرْصٍ لَا تُعْطِيهِ الْعِمَامَةُ، وَأَمَّا أَنْتَ يَا أَشْعَثُ فَإِنْ كُنْتَ سَمِعْتَ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم وَهُوَ يَقُولُ: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيُّ مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ» ثُمَّ لَمْ تَشْهَدْ لِي الْيَوْمَ بِالْوَلَايَةِ فَلَا أَمَاتَكَ اللَّهُ حَتَّى يَذْهَبَ بِكَرِيمَتِكَ، وَأَمَّا أَنْتَ يَا خَالِدُ بْنُ يَزِيدَ إِنْ كُنْتَ سَمِعْتَ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيُّ مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ» ثُمَّ لَمْ تَشْهَدْ لِي الْيَوْمَ بِالْوَلَايَةِ فَلَا أَمَاتَكَ اللَّهُ إِلَّا مَيْتَةً جَاهِلِيَّةً، وَأَمَّا أَنْتَ يَا بَرَاءُ بْنُ عَازِبٍ إِنْ كُنْتَ سَمِعْتَ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم يَقُولُ: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيُّ مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ» ثُمَّ لَمْ تَشْهَدْ لِي الْيَوْمَ بِالْوَلَايَةِ فَلَا أَمَاتَكَ اللَّهُ إِلَّا حَيْثُ هَاجَرْتَ مِنْهُ»، قَالَ جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيُّ: وَاللَّهِ لَقَدْ رَأَيْتُ أَنَسَ بْنَ مَالِكٍ وَقَدْ ابْتُلِيَ بِبِرْصٍ يُعْطِيهِ بِالْعِمَامَةِ فَمَا تَسْتُرُهُ، وَلَقَدْ رَأَيْتُ الْأَشْعَثَ بْنَ قَيْسٍ وَقَدْ ذَهَبَتْ



مجلس بیست و هشتم

شنبه هجدهم ذی حجه سال ۳۶۷

در مشهدالرضا (ع) روز عید خم

السلامی

۱. جابر بن عبدالله انصاری می گوید: امیرالمومنین علیه السلام پس از حمد خداوند برای ما چنین خطبه خواند: ای مردم! در برابر این منبر چهار تن از اصحاب بزرگ پیامبر صلی الله علیه و آله می باشند: انس بن مالک، براء بن عازب انصاری و اشعث بن قیس کندی و خالد بن یزید بجلی. آنگاه رو به انس بن مالک کرد و چنین فرمود: ای انس! اگر از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدی که فرمود: هر کس من سرور او هستم، علی سرور اوست و اکنون به ولایت من شهادت ندهی، خداوند مرگ را به سراغ تو نفرستد تا گرفتار پیسی شوی که دستار هم آن را نپوشاند. و اما تو ای اشعث بن قیس اگر از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدی که فرمود: هر کس من سرور او هستم، علی سرور اوست و خدایا دوست علی را دوست بدار و دشمن او را دشمن بدار و امروز به ولایت من شهادت ندهی، خدا تو را از دنیا نبرد تا دو چشم تو را بگیرد. و اما تو ای خالد بن یزید اگر شنیده ای که رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرمود: هر کس من سرور او هستم، علی سرور اوست و خدایا دوست علی را دوست بدار و دشمن علی را دشمن بدار و اکنون به ولایت من شهادت ندهی، خداوند مرگ جاهلی را نصیب تو می سازد. و اما تو ای براء بن عازب! اگر شنیده ای که پیامبر صلی الله علیه و آله می فرمود: هر کس من سرور او هستم، علی سرور اوست و خدایا دوست علی را دوست بدار و دشمن علی را دشمن بدار و اکنون به ولایت من شهادت ندهی، خداوند جان تو را نمی گیرد مگر در سرزمینی که از آن هجرت کردی. جابر بن عبدالله انصاری می گوید: به خدا سوگند من انس بن مالک را دیدم

كَرِيمَتَاذَ وَهُوَ يَقُولُ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ دُعَاءَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ
بِالْعَمَى فِي الدُّنْيَا وَلَمْ يَدْعُ عَلِيٌّ بِالْعَذَابِ فِي الْآخِرَةِ فَأَعَذَّبَ، فَأَمَّا خَالِدُ بْنُ يَزِيدَ فَإِنَّهُ
مَاتَ فَأَرَادَ أَهْلُهُ أَنْ يَذْفُوهُ وَحَفَرُوهُ فِي مَنَزِلِهِ فذَفِنَ فَسَمِعَتْ بِذَلِكَ كِنْدَةُ فَجَاءَتْ
بِالْخَيْلِ وَالْإِبِلِ فَعَقَرَتْهَا عَلَى بَابِ مَنَزِلِهِ فَمَاتَ مَيْتَةً جَاهِلِيَّةً، وَأَمَّا الْبَرَاءُ بْنُ عَازِبٍ فَإِنَّهُ
وَلَاهُ مُعَاوِيَةُ الْيَمَنَ فَمَاتَ بِهَا وَمِنْهَا كَانَ هَاجِرًا.

٢. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ الْحَافِظُ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْحَسَنِيُّ،
قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ خَلْفٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا سَهْلُ بْنُ غَامِرٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا زَافَرُ بْنُ
سُلَيْمَانَ عَنْ شَرِيكَ عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ، قَالَ: قُلْتُ لِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ مَا مَعْنَى قَوْلِ
النَّبِيِّ ﷺ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ؟ قَالَ: «أَخْبَرَهُمْ أَنَّهُ الْإِمَامُ بَعْدَهُ».

٣. حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ ﷺ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ سَلَمَةَ
الْأَصْبَهَانِيِّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْقَتَادُ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ هَاشِمٍ بْنِ الْبَرِيدِ
عَنْ أَبِيهِ، قَالَ: سُئِلَ زَيْدُ بْنُ عَلِيٍّ ﷺ عَنْ قَوْلِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ،
قَالَ نَصَبَهُ عَلِمًا لِيُعْلَمَ بِهِ حِزْبُ اللَّهِ عِنْدَ الْفُرْقَةِ.

٤. أَخْبَرَنِي عَلِيُّ بْنُ حَاتِمٍ ﷺ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ سَعِيدٍ الْهَمْدَانِيُّ، قَالَ:
حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْمُحَمَّدِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا كَثِيرُ بْنُ غِيَاثٍ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ عَنْ أَبِي
جَعْفَرٍ ﷺ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الْآيَةُ»، قَالَ: «إِنَّ
رَهْطًا مِنَ الْيَهُودِ أَسْلَمُوا مِنْهُمْ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سَلَامٍ وَأَسَدُ وَتَعْلَبَةُ وَابْنُ يَامِينَ وَابْنُ صُورِيَا
فَأَتَوْا النَّبِيَّ ﷺ فَقَالُوا: يَا نَبِيَّ اللَّهِ إِنَّ مُوسَى ﷺ أَوْصَى إِلَى يُوْشَعَ بْنِ نُونٍ فَمَنْ وَصِيُّكَ يَا
رَسُولَ اللَّهِ وَمَنْ وَلِيُّنَا بَعْدَكَ؟ فَتَزَلَّتْ هَذِهِ الْآيَةُ «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا
الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ»^(١) ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: قُومُوا
فَقَامُوا فَأَتَوْا الْمَسْجِدَ، فَإِذَا سَائِلُ خَارِجٌ، فَقَالَ: يَا سَائِلُ أَمَا أُعْطَاكَ أَحَدُ شَيْئَانِ؟ قَالَ: نَعَمْ
هَذَا الْخَاتَمُ، قَالَ: مَنْ أُعْطَاكَ؟ قَالَ: أُعْطَانِي ذَلِكَ الرَّجُلُ الَّذِي يُصَلِّي، قَالَ: عَلِيٌّ أَيْ حَالٍ
أُعْطَاكَ؟ قَالَ: كَانَ رَاكِعًا، فَكَبَّرَ النَّبِيُّ ﷺ وَكَبَّرَ أَهْلُ الْمَسْجِدِ، فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ عَلِيُّ بْنُ

که دچار برص شده است در حالی که زیر دستارش پنهان می کرد و در صورتی که فایده نداشت. واشعث بن قیس را دیدم که از دو چشم خویش نابینا شده بود و می گفت خدا را سپاس که نفرین علی علیه السلام را در نابینایی دنیایم قرار داده در عذاب آخرتم که معذب گردم. اما خالد بن یزید که از دنیا رفت، خانواده اش در خانه برای او قبری کردند و به خاکش سپردند. ناگاه قبيله كنده از مرگ او آگاه گشتند و اسب و شتر آوردند و در حیاط خانه اش او را به رسم جاهلیت پی کردند و بعد به خاک سپردند. اما براء بن عازب از جانب معاویه حاکم یمن شد و در همان سرزمین که هجرت به مدینه کرده بود به خاک سپرده شد.

۲. ابن اسحق می گوید: از امام سجاد علیه السلام پرسیدم: مفهوم کلام پیامبر صلی الله علیه و آله «من كنت مولاه فهذا علي مولاه» چیست؟ فرمود: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مسلمانان فرمود: همانا او امام بعد خودش است.

۳. از زید بن علی علیه السلام از مفهوم حدیث نبوی: «من كنت مولاه فعلي مولاه» پرسیدند. فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آله علی را پرچم و علم هدایت شناساند تا حرب خدا به هنگام اختلاف به وسیله امیرالمومنین علیه السلام باز شناخته شود.

۴. امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه شریفه «اتموا لیکم الله ورسوله والذین آمنوا...» فرمود: گروهی از یهودیان همچون عبد الله بن سلام و اسد ثعلبه و ابن یامین و ابن صوریاء، به اسلام گراییدند، آنان نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمدند، چنین گفتند: ای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله موسی یوشع بن نون را جانشین خود ساخت، جانشین شما کیست؟ چه کسی پس از شما پیشوای ما خواهد بود؟ آنگاه این آیه کریمه نازل شد: «اتموا لیکم الله ورسوله والذین آمنوا الذین یقیمون الصلوة و یؤتون الزکاة و هم را کعون» ولی شما خدا و پیامبر اوست و نیز کسانی که به حق گرویدند و نماز به پای داشتند و زکات پرداختند و همواره در رکوع اند. آنگاه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: برخیزید. پس همه برخاستند و به مسجد رفتند. ناگهان بینوایی از مسجد بیرون آمد، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای سائل! کسی چیزی به تو

أَبِي طَالِبٍ وَلَيْتُكُمْ بَعْدِي»، قَالُوا: رَضِينَا بِاللَّهِ رَبًّا وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا وَبِمُحَمَّدٍ نَبِيًّا وَبِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَلِيِّا، فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ «وَمَنْ يَقُولِ اللَّهَ وَرَسُولُهُ وَالدِّينَ آمَنُوا، فَإِنْ حَزَبَ اللَّهُ هُمْ الْغَالِبُونَ» ^(١) فَرَوَى عَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ أَنَّهُ قَالَ: وَاللَّهِ لَقَدْ تَصَدَّقْتُ بِأَرْبَعِينَ خَاتَمًا وَأَنَا رَاكِعٌ لِيُنْزَلَ فِيَّ مَا نَزَلَ فِي أَبِي طَالِبٍ عليه السلام فَمَا نَزَلَ.

٥. حَدَّثَنَا أَبِي (رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ)، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْحَسَنِ الْمُؤَدَّبُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيٍّ الْأَصْبَهَانِيِّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ الثَّقَفِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْكُوفِيُّ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْهَاشِمِيِّ عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ عَنْ جَابِرِ الْجُعْفِيِّ، قَالَ: سَمِعْتُ جَابِرَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيَّ يَقُولُ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام: «يَا عَلِيُّ أَنْتَ أَخِي وَوَصِيِّي وَوَارِثِي وَخَلِيفَتِي عَلَى أُمَّتِي فِي حَيَاتِي وَبَعْدَ وَفَاتِي مُحِبُّكَ مُجِبِّي وَمُبْغِضُكَ مُبْغِضِي وَعَدُوُّكَ عَدُوِّي وَلَيْتُكَ وَلِيِّي».

٦. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ أَحْمَدَ الْأَزْدِيِّ عَنْ أَبَانِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبَانِ بْنِ تَغْلِبٍ عَنْ عِكْرِمَةَ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى آخَايَتَيْنِي وَبَيْنَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَرَوْجِهِ ابْنَتِي مِنْ فَوْقِ سَبْعِ سَمَاوَاتِهِ وَأَشْهَدُ عَلَى ذَلِكَ مُقَرَّبِي مَلَائِكَتِهِ وَجَعَلَهُ لِي وَصِيًّا وَخَلِيفَةً، فَعَلَيَّْ مِنْهُ وَأَنَا مِنْهُ مُحِبُّهُ مُجِبِّي وَمُبْغِضُهُ مُبْغِضِي وَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ بِمَحَبَّتِهِ».

٧. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ زِيَادٍ الْعَطَّارِ، قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ سَيِّدَةُ نِسَاءِ عَالَمِهَا، قَالَ: ذَاكَ مَرْيَمُ وَفَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ فَقُلْتُ يَقُولُ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، قَالَ: «هُمَا وَاللَّهُ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ».

٨. حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدٍ الْهَاشِمِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا فَرَاتُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ فَرَاتٍ

نداد؟ گفت: چرا این خاتم انگشتی را دادند. پیامبر فرمود: چه کسی آن را به تو داد؟ گفت همان مردی که به نماز ایستاده است. فرمود: او در چه حالی به تو عطا کرد؟ گفت در هنگام رکوع. پیامبر تکبیر گفت و به همراه او همه مسجیدیان تکبیر گفتند. پیامبر فرمود: علی بن ابی طالب علیه السلام پس از من ولی شما خواهد بود. آنان گفتند: به پروردگاری خداوند، خشنود هستیم و همچنین به دین اسلام و پیامبری محمد صلی الله علیه و آله و به ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام. آنگاه خداوند این آیه را بر رسول اکرم صلی الله علیه و آله نازل فرمود: ﴿وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ﴾ هر کس خدا را ولی خود شناسد و فرستاده او را نیز و کسانی را که به او ایمان آوردند، بی گمان حزب خدا پیروز خواهد بود. (مائده/۵۶). از عمر بن خطاب نقل کرده اند که گفت: من چهل خاتم انگشتی در هنگام رکوع صدقه دادم تا چنین آیه هایی درباره من نازل شود، مثل آیه ای که درباره علی علیه السلام نازل شده بود، اما چیزی نازل نشد.

۵. جابر بن عبدالله انصاری می گوید: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمود: ای علی! تو برادر و جانشین و وارث و خلیفه خواهی بود، چه در زمان حیات و چه پس از آن. دوست تو دوست من است و دشمن تو دشمن من است، و بدخواه تو بدخواه من است و پیرو تو نیز پیرو من.

۶. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بی گمان خدای تبارک و تعالی میان من و علی بن ابی طالب علیه السلام پیوند برادری ایجاد کرده و دخترم را به عقد او در آورد و فرشتگان مقرب خویش از بالای هفت آسمان شاهد آن قرار داد و نیز او را وصی و جانشین من ساخت. علی از من است و من از علی. دوست علی دوست من است و دشمن علی، دشمن من است. فرشته ها خود را با دوست داشتن او نزد پروردگارشان مقرب ساخته اند.

۷. حسین بن زیاد عطار می گوید: از امام صادق درباره سخن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که فرمود: «فاطمه علیها السلام سرور زنان بهشتی است» چنین سؤال کردم: آیا فاطمه علیها السلام سرور زنان روزگار خود است؟ فرمود: مریم سرور زنان روزگار خویش بود و فاطمه علیها السلام سرور زنان بهشتی است از نسل اولین و آخرین زنان. گفتم سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله که فرمود: حسن و حسین علیهما السلام سرور جوانان بهشتی اند، چگونه است؟ فرمود آنان نیز سرور جوانان بهشتی از نسل اولین و آخرین بشرند.

الْكُوفِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ ظَهْرٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْفَضْلِ الْهَاشِمِيُّ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ: «أَفْضَلُ أَعْيَادِ أُمَّتِي وَهُوَ الْيَوْمُ الَّذِي أَمَرَنِي اللَّهُ تَعَالَى ذِكْرَهُ فِيهِ بِنَصْبِ أَخِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام عَلِمًا لِأُمَّتِي يَهْتَدُونَ بِهِ مِنْ بَعْدِي وَهُوَ الْيَوْمُ الَّذِي أَكْمَلَ اللَّهُ فِيهِ الدِّينَ وَأَتَمَّ عَلَى أُمَّتِي فِيهِ النِّعْمَةَ وَرَضِيَ لَهُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا»، ثُمَّ قَالَ ﷺ: «مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنْ عَلِيًّا مِنِّي وَأَنَا مِنْ عَلِيٍّ خُلِقَ مِنْ طِينَتِي وَهُوَ إِمَامُ الْخَلْقِ بَعْدِي يُبَيِّنُ لَهُمْ مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنْ سُنَّتِي وَهُوَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَقَائِدُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ وَيُعْصِبُ الْمُؤْمِنِينَ وَخَيْرُ الْوَصِيِّينَ وَزَوْجُ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَأَبُو الْإِثْمَةِ الْمَهْدِيْنَ مَعَاشِرَ النَّاسِ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا أَحْبَبْتُهُ وَمَنْ أَبْغَضَ عَلِيًّا أَبْغَضْتُهُ وَمَنْ وَصَلَ عَلِيًّا وَصَلْتُهُ وَمَنْ قَطَعَ عَلِيًّا قَطَعْتُهُ وَمَنْ جَفَا عَلِيًّا جَفَوْتُهُ وَمَنْ وَالَى عَلِيًّا وَالَيْتُهُ وَمَنْ عَادَى عَلِيًّا عَادَيْتُهُ، مَعَاشِرَ النَّاسِ أَنَا مَدِينَةُ الْحِكْمَةِ وَعَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ بَابُهَا وَلَنْ تُؤْتِيَ الْمَدِينَةَ إِلَّا مِنْ قِبَلِ الْبَابِ وَكَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يُحِبُّنِي وَيُبْغِضُ عَلِيًّا مَعَاشِرَ النَّاسِ وَالَّذِي بَعْثَنِي بِالنُّبُوَّةِ وَاصْطَفَانِي عَلَى جَمِيعِ الْبَرِيَّةِ مَا نَصَبْتُ عَلِيًّا عَلِمًا لِأُمَّتِي فِي الْأَرْضِ حَتَّى نَوَّهَ اللَّهُ بِاسْمِهِ فِي سَمَافَاتِهِ وَأَوْجِبَ وَلَايَتَهُ عَلَى مَلَائِكَتِهِ» وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَاتُهُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ.



السلام



۸. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: نیکوترین عیدهای امت من، عید غدیر خم است و آن روزی است که خداوند مرا فرمان داد تا برادرم علی بن ابی طالب علیه السلام را به امامت امت منصوب سازم تا پس از من از جانب او رهبری و هدایت شوند. عید غدیر روزی است که خداوند دین اسلام را در آن هنگام کامل ساخت و نعمت خویش را بر امتم تمام کرد و اسلام را آیین پسندیده آنان شناساند. آنگاه پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ای مردم! بی گمان علی علیه السلام از من است و من از علی. علی از سرشت من آفریده شده و پس از من پیشوای مسلمانان است. آنچه از سنت من زمینه اختلاف و نزاع شود، علی برای آنان روشن سازد. او امیر مؤمنان و رهبر کسانی است که دست و سیمای سفید دارند، علی پیشوای مؤمنان است و نیکوترین جانشین‌ها و همسر سرور زنان جهان و پدر پیشوای امت، ای مردم! هرکس علی را دوست بدارد، او را دوست خواهم داشت و هرکس علی را دشمن بدارد، او را دشمن خواهم داشت. هرکس با علی پیوند داشته باشد، با او پیوند خواهم داشت و هرکس با علی کینه و دشمنی ورزد، با او دشمن خواهم بود. ای مردم! من شهر حکمت هستم و علی در آن است و مردمان به شهر حکمت وارد نشوند، مگر از رهگذر ولایت علی. هرکس که پندارد مرا دوست دارد و در عین حال علی را دشمن داشته باشد دروغ زن است. ای مردم! سوگند به کسی که مرا برای پیامبری برانگیخته و بر همه مردمان برگزیده است، من علی را پیشوای امتم نگماشتم تا اینکه خداوند نام او را در آسمان‌ها بلند ساخت و نیز ولایت او را بر فرشتگان خویش فریضه شمرد. والحمد لله رب العالمین و صلواته علی خیر خلقه محمد و آله.



المجلس السابع والعشرون

يوم الجمعة غرة المحرم من سنة ثمان وستين و ثلاثمائة

بعد رجوعه من المشهد

السلام

١. حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوئِيهِ الْقُمِّيُّ رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ نَصْرِ بْنِ مُزَاحِمٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ سَعْدٍ عَنْ أَرْطَاةَ بْنِ حَبِيبٍ عَنْ فَضِيلِ الرَّسَّانِ عَنْ جَبَلَةَ الْمَكِّيَّةِ، قَالَتْ: سَمِعْتُ الْمِشْتَمَ الثَّمَارَ قَدَسَ سِرُّهُ يَقُولُ: وَاللَّهِ لَتَقْتُلَنَّ هَذِهِ الْأُمَّةُ ابْنَ نَبِيِّهَا فِي السُّحَرَمِ لِعَشْرِ مَضِينَ مِنْهُ وَلَيَتَّخِذَنَّ أَعْدَاءُ اللَّهِ ذَلِكَ الْيَوْمَ يَوْمَ بَرَكَهٍ وَإِنَّ ذَلِكَ لَكَاثِرٌ قَدْ سَبَقَ فِي عِلْمِ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ أَعْلَمَ ذَلِكَ بَعْدَ عَهْدِ عَهْدِهِ إِلَى مَوْلَايَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صلوات الله عليه، وَلَقَدْ أَخْبَرَنِي أَنَّهُ يَبْكِي عَلَيْهِ كُلُّ شَيْءٍ حَتَّى الْوُحُوشُ فِي الْفَلَوَاتِ وَالْحَيَّاتُ فِي الْبَحَارِ وَالطَّيْرُ فِي جَوِّ السَّمَاءِ وَتَبْكِي عَلَيْهِ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالسَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمُؤْمِنُو الْأَنْسِ وَالْجِنِّ وَجَمِيعُ مَلَائِكَةِ السَّمَاوَاتِ وَرِضْوَانُ وَمَالِكُ وَحَمَلَةُ الْعَرْشِ وَتُمْطِرُ السَّمَاءُ دَمًا وَرَمَادًا، ثُمَّ قَالَ: وَجَبَتْ لِعَنَةِ اللَّهِ عَلَى قَتْلَةِ الْحُسَيْنِ عليه السلام كَمَا وَجَبَتْ عَلَى الْمُشْرِكِينَ - الَّذِينَ يَجْعَلُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ، وَكَمَا وَجَبَتْ عَلَى الْيَهُودِ وَالنَّصَارَى وَالْمَجُوسِ، قَالَتْ جَبَلَةُ: فَقُلْتُ لَهُ: يَا مِشْتَمُ وَكَيْفَ يَتَّخِذُ النَّاسُ ذَلِكَ الْيَوْمَ الَّذِي يُقْتَلُ فِيهِ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيِّ عليه السلام يَوْمَ بَرَكَهٍ؟ فَبَكَى مِشْتَمُ رحمته الله (رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ) ثُمَّ قَالَ: سَيَزْعُمُونَ بِحَدِيثٍ يَضَعُونَهُ أَنَّهُ الْيَوْمَ الَّذِي تَابَ اللَّهُ فِيهِ عَلَى آدَمَ عليه السلام وَإِنَّمَا تَابَ اللَّهُ عَلَى آدَمَ عليه السلام فِي ذِي الْحِجَّةِ وَيَزْعُمُونَ أَنَّهُ الْيَوْمَ الَّذِي قَبِلَ اللَّهُ فِيهِ تَوْبَةَ دَاوُدَ وَإِنَّمَا قَبِلَ اللَّهُ تَوْبَتَهُ فِي ذِي الْحِجَّةِ وَيَزْعُمُونَ أَنَّهُ الْيَوْمَ الَّذِي أَخْرَجَ اللَّهُ فِيهِ يُونُسَ مِنْ بَطْنِ الْحُوتِ وَإِنَّمَا أَخْرَجَهُ اللَّهُ مِنْ بَطْنِ الْحُوتِ فِي ذِي الْقَعْدَةِ وَيَزْعُمُونَ أَنَّهُ الْيَوْمَ الَّذِي اسْتَوَتْ فِيهِ سَفِينَةُ نُوحٍ عَلَى الْجُودِيِّ وَإِنَّمَا اسْتَوَتْ عَلَى الْجُودِيِّ يَوْمَ الشَّامِ



مجلس بیست و هفتم

جمعه اول محرم سال ۳۶۸

پس از مراجعه از مشهدالرضا (ع) املاء کرد

۱. جبلة مکيه می گوید: میثم تمار رضی الله عنه می گفت: سوگند به خدا، این امت، پسر پیامبر را در دهه محرم به قتل می رسانند و دشمنان خدا این روز را روز برکت می خوانند. این واقعه حتمی است و در علم پروردگار نهفته است. از خبری که سرورم امیرمؤمنان علیه السلام به من داد، این خبر را فهمیدم. در آن روز همه آفریدگان خدا بر حسین علیه السلام خواهند گریست. از وحشیان صحرا گرفته تا ماهیان دریا و پرندگان هوا و خورشید و ماه و ستارگان و آسمان و زمین و مؤمنان انس و جن و فرشتگان آسمانها و رضوان و مالک و حاملان عرش الهی. آسمان در آن روز خاکستر و خون می گرید. آنگاه گفت: لعنت بر کشندگان حسین علیه السلام واجب است، همانگونه که لعنت بر شرک و زان واجب است، چرا که غیر از خدا، خدایان دیگر را به پرستش گرفته اند. چنانچه واجب شده بر یهود و مسیحی و مجوس.

جبلة مکيه می گوید: گفتم: ای میثم تمار چگونه روز قتل حسین علیه السلام را روز مبارک می خوانند؟ میثم اشک ریخت و گفت: بر اساس حدیث مجعولی که می گوید: خداوند توبه حضرت آدم را در دهه محرم قبول کرده است، حال آنکه آن اتفاق در ماه ذی الحجه بود. و نیز چنین می پندارند که خداوند در دهم محرم حضرت یونس را از حبس در شکم نهنگ رها نمود، حال آنکه نجات او در ماه ذی القعدة بوده است. و همچنین گمان می کنند که کشتی حضرت نوح علیه السلام در دهم محرم به کوه جودی کنار گرفت، حال آنکه آن واقعه در هجدهم ماه ذی الحجه بود. و نیز پندارند که خداوند در دهم ماه محرم دریا را برای آزادی و نجات قوم بنی اسرائیل شکافت، حال آنکه آن حادثه در ماه ربیع الاول بود. به جبلة



عَشَرَ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ وَبَزَعُمُونَ أَنَّهُ الْيَوْمَ الَّذِي فَلَقَ اللَّهُ فِيهِ الْبَحْرَ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ وَإِنَّمَا كَانَ ذَلِكَ فِي شَهْرِ رَجَبِ الْأَوَّلِ، ثُمَّ قَالَ مَيْثَمٌ: يَا جَبَلَةُ اعْلَمِي أَنَّ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ سَيِّدُ الشُّهَدَاءِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلِأَصْحَابِهِ عَلَى سَائِرِ الشُّهَدَاءِ دَرَجَةٌ يَا جَبَلَةُ إِذَا نَظَرْتَ إِلَى الشَّمْسِ حَمْرَاءَ كَانَتْهَا دَمٌ عَبِيْطٌ فَأَعْلَمِي أَنَّ سَيِّدَ كِ الْحُسَيْنِ قَدْ قُتِلَ، قَالَتْ جَبَلَةُ: فَخَرَجْتُ ذَاتَ يَوْمٍ فَرَأَيْتُ الشَّمْسَ عَلَى الْحِيطَانِ كَانَتْهَا الْمَلَا حِفُ الْمُعْصِفَرَةُ فَصَحْتُ حِينَئِذٍ وَبَكَيتُ وَقُلْتُ قَدْ وَ اللَّهِ قُتِلَ سَيِّدُنَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ).

٢. حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ مُسْرُورٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ غَامِرٍ عَنْ عَمِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ غَامِرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي مَحْمُودٍ، قَالَ: قَالَ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِنَّ الْمُحَرَّمَ شَهْرٌ كَانَ أَهْلُ الْجَاهِلِيَّةِ يُحَرِّمُونَ فِيهِ الْقِتَالَ فَاسْتَحِلَّتْ فِيهِ دِمَاؤُنَا وَهَتَكَ فِيهِ حُرْمَتُنَا وَسَبَى فِيهِ ذَرَارِيَّتَنَا وَنِسَانَتْنَا وَأَضْرَمَتِ النَّيْرَانُ فِي مَضَارِينَا وَانْتَهَبَ مَا فِيهَا مِنْ ثَقَلِنَا وَلَمْ تُرْعَ لِرَسُولِ اللَّهِ حُرْمَةٌ فِي أَمْرِنَا إِنَّ يَوْمَ الْحُسَيْنِ أَقْرَحَ جُفُونَنَا وَأَسْبَلَ دُمُوعَنَا وَأَذَلَّ غَبْرِيَّتَنَا بِأَرْضِ كَرْبٍ وَبِلَاءٍ. أَوْرَثَنَا يَا أَرْضُ كَرْبٍ وَبِلَاءٍ أَوْرَثَتْنَا، الْكَرْبُ وَالْبِلَاءُ إِلَى يَوْمِ الْإِنْقِضَاءِ فَعَلَى مِثْلِ الْحُسَيْنِ فَلْيَبْكِ الْبَاكُونَ فَإِنَّ الْبُكَاءَ يَحُطُّ الذُّنُوبَ الْعِظَامَ، ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَانَ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا دَخَلَ شَهْرَ الْمُحَرَّمِ لَا يُرَى ضَاحِكًا وَكَانَتِ الْكِبَابَةُ تَغْلِبُ عَلَيْهِ حَتَّى يَمُضِيَ مِنْهُ عَشْرَةُ أَيَّامٍ، فَإِذَا كَانَ يَوْمَ الْعَاشِرِ كَانَ ذَلِكَ الْيَوْمُ يَوْمَ مُصِيبَتِهِ وَحُزْنِهِ وَبُكَائِهِ وَيَقُولُ: هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي قُتِلَ فِيهِ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ».

٣. حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ مَالِكٍ، قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ زَيْدٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو أَحْمَدَ مُحَمَّدُ بْنُ زِيَادٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا زِيَادُ بْنُ الْمُنْذِرِ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ: «يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّكَ لَتَحِبُّ عَقِيلًا؟» قَالَ: «إِي وَاللَّهِ إِنِّي لَأَحِبُّهُ حُبِّيْنِ حُبَّ آلِهِ وَحُبَّ لِحُبِّ أَبِي طَالِبٍ لَهُ وَإِنْ وَلَدَهُ لَمَقْتُولٍ فِي مَحَبَّةٍ وَلَدِكُ فَتَدْمَعُ عَلَيْهِ عُيُونُ الْمُؤْمِنِينَ وَتُصَلِّي عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ»، ثُمَّ بَكَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ حَتَّى جَرَتْ دُمُوعُهُ عَلَى صَدْرِهِ، ثُمَّ قَالَ: «إِلَى اللَّهِ أَشْكُو مَا تَلْقَى عِشْرَتِي مِنْ بَعْدِي».

٤. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْهَمْدَانِيُّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَالٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرُّضَا، قَالَ: «مَنْ

مکیه آنگاه رو کرد و گفت: ای جبله! آگاه باش و بدان که حسین بن علی علیه السلام در روز رستاخیز سرور شهیدان است و همراهان او در مرتبه‌های بالاتر از مرتبه دیگر شهیدان اسلام خواهند بود. ای جبله! هرگاه خورشید را چون خون تازه دیدی بدان که مولای تو، حسین علیه السلام را به قتل رساندند. جبله مکیه می‌گوید: روزی از خانه بیرون رفتم و آفتاب را همچون پارچه‌های زعفرانی دیدم. در همان حال فریاد زدم و اشک ریختم و گفتم: سوگند به خداوند که مولای ما حسین علیه السلام به قتل رسید.

۲. امام رضا علیه السلام فرمود: محرم ماهی بود که مردم عصر جاهلیت جنگ در آن را بر خود حرام می‌شمردند پس حرمت ما را شکستند و فرزندان و زنان ما را به اسارت درآوردند و آتش به خیمه‌ها افکندند. و آن چه به دستشان رسید، غارت بردند و درباره ما جانب حرمت پیامبر صلی الله علیه و آله را نگاه نداشتند. روز شهادت امام حسین علیه السلام غم به دل نشاند و اشک ما را جاری کرد و عزیز اهل بیت را در سرزمین کربلا بی‌مقدار ساخت و ما را در کام رنج و اندوه انداخت. باید تا روز رستاخیز در سوگ حسین علیه السلام اشک ریخت. گریه بر حسین علیه السلام گناهان بزرگ را از بین می‌برد. آنگاه فرمود: بروش پدرم در ماه محرم این بود که هرگز نمی‌خندید و پیوسته اندوهگین بود تا روز عاشورا. آنگاه که عاشورا می‌شد، روز غم و گریستن پدرم بود. که می‌فرمود: در این روز حسین علیه السلام شهید شد.

۳. علی علیه السلام به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چنین گفت: شماعقیل را بسیار دوست دارید. پیامبر فرمود: آری، سوگند به خداوند از دو جهت عقیل را دوست می‌دارم. نخست به خاطر خوب بودن خودش و دیگر برای اینکه محبوب عمویم ابوطالب بود و نیز فرزند عقیل برای دوست داشتن فرزندت، حسین علیه السلام به قتل خواهد رسید که چشم اهل ایمان بر او خواهد گریست و فرشتگان مقرب حق بر او درود خواهند فرستاد. آنگاه رسول اکرم صلی الله علیه و آله اشک ریخت تا آنجا که اشک‌ها بر سینه مبارک آن حضرت جاری شد. بعد چنین فرمود: به خداوند شکایت می‌کنم از آنچه بر سر خاندانم می‌آورند.

۴. امام رضا علیه السلام فرمود: هرکس روز عاشورا را روز تعطیلی‌اش سازد، خداوند



السلامی



تَرَكَ السَّعْيَ فِي حَوَائِجِهِ يَوْمَ عَاشُورَاءَ قَضَى اللَّهُ لَهُ حَوَائِجَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَنْ كَانَ يَوْمَ عَاشُورَاءَ يَوْمَ مُصِيبَتِهِ وَحُزْنِهِ وَبُكَائِهِ جَعَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَوْمَ فَرَجِهِ وَشُرُورِهِ وَقَرَّتْ بِنَا فِي الْجَنَّةِ عَيْنُهُ، وَمَنْ سَمَى يَوْمَ عَاشُورَاءَ يَوْمَ بَرَكَهٍ وَادْخَرَفِيهِ لِمَنْزِلِهِ شَيْئاً لَمْ يُبَارَكْ لَهُ فِيمَا ادْخَرَهُ وَحُشِرَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ يَزِيدَ وَغُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ زِيَادٍ وَغَمْرَ بْنِ سَعْدٍ لَعَنَهُمُ اللَّهُ إِلَى أَسْفَلِ دَرَكٍ مِنَ النَّارِ.

٥. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَا جِيلَوْنِيهِ عليه السلام، قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الرِّيَّانِ بْنِ شَيْبٍ، قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى الرَّضَا عليه السلام فِي أَوَّلِ يَوْمٍ مِنَ الْمُحَرَّمِ فَقَالَ لِي: «يَا ابْنَ شَيْبٍ أَصَائِمُ أَنْتَ؟» فَقُلْتُ: لَا، فَقَالَ: «إِنَّ هَذَا الْيَوْمَ هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي دَعَا فِيهِ زَكْرِيَّا عليه السلام رَبَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَقَالَ: «رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ»^(١) فَاسْتَجَابَ اللَّهُ لَهُ وَ أَمَرَ الْمَلَائِكَةَ فَنَادَتْ زَكْرِيَّا وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ: «أَنْ اللَّهَ يُشْرِكَ بِبَيْحِينَ»^(٢)، فَمَنْ صَامَ هَذَا الْيَوْمَ ثُمَّ دَعَا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ اسْتَجَابَ اللَّهُ لَهُ كَمَا اسْتَجَابَ لَزَكْرِيَّا عليه السلام، ثُمَّ قَالَ: يَا ابْنَ شَيْبٍ إِنَّ الْمُحَرَّمِ هُوَ الشَّهْرُ الَّذِي كَانَ أَهْلُ الْجَاهِلِيَّةِ فِيمَا مَضَى يُحَرِّمُونَ فِيهِ الظُّلْمَ وَالْقِتَالَ لِحُرْمَتِهِ فَمَا عَرَفَتْ هَذِهِ الْأُمَّةُ حُرْمَةَ شَهْرِهَا وَلَا حُرْمَةَ نَبِيِّهَا عليه السلام، لَقَدْ قَتَلُوا فِي هَذَا الشَّهْرِ ذُرِّيَّتَهُ وَسَبَّوْا نِسَاءَهُ وَاتَّبَعُوا ثَقْلَهُ فَلَا غَفَرَ اللَّهُ لَهُمْ ذَلِكَ أَبَدًا، يَا ابْنَ شَيْبٍ إِنْ كُنْتَ بَاكِيًا لَشَيْءٍ فَأَبْكِ لِلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام فَإِنَّهُ ذُبِحَ كَمَا يُذْبَحُ الْكَبْشُ، وَقُتِلَ مَعَهُ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ ثَمَانِيَّةٌ عَشَرَ رَجُلًا مَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ شَيْهُونَ وَلَقَدْ بَكَتِ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ لِقَتْلِهِ، وَلَقَدْ نَزَلَ إِلَى الْأَرْضِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ أَرْبَعَةُ آلَافٍ لِنَصْرِهِ فَوَجَدُوهُ قَدْ قُتِلَ فَهُمْ عِنْدَ قَبْرِهِ شَعْتُ غُبْرًا إِلَى أَنْ يَقُومَ الْقَائِمُ فَيَكُونُونَ مِنْ أَنْصَارِهِ وَشِعَارُهُمْ يَا لثَارَاتِ الْحُسَيْنِ، يَا ابْنَ شَيْبٍ لَقَدْ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عليه السلام أَنَّهُ لَمَّا قُتِلَ الْحُسَيْنُ جَدِّي عليه السلام مَطَرَتِ السَّمَاءُ دَمًا وَتَرَابًا أَحْمَرَ، يَا ابْنَ شَيْبٍ إِنْ بَكَيتَ عَلَى الْحُسَيْنِ عليه السلام حَتَّى تَصِيرَ دُمُوعُكَ عَلَى خَدَيْكَ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتَهُ صَغِيرًا كَانَ أَوْ كَبِيرًا قَلِيلًا كَانَ أَوْ كَثِيرًا، يَا ابْنَ شَيْبٍ إِنْ سَرَّكَ أَنْ تَلْقَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَلَا ذَنْبَ عَلَيْكَ فَزِرِ الْحُسَيْنَ عليه السلام، يَا ابْنَ شَيْبٍ إِنْ سَرَّكَ أَنْ تَسْكُنَ الْغُرَفَ الْمُبْنِيَّةَ فِي الْجَنَّةِ مَعَ

خواسته‌های او را در دنیا و آخرت برآورده می‌سازد. هر کس روز عاشورا را روز اندوه و اشک خود بداند، خداوند روز رستاخیز را روز شادمانی و رضایت او قرار می‌دهد و در بهشت چشمان او به مشاهده رخسار ما روشن می‌شود. هر کس روز عاشورا را روز برکت شناسد و برای خانه خود چیزی اندوخته برد، برکت نخواهد داشت و در روز رستاخیز همراه با یزید و عبیدالله بن زیاد و عمر بن سعد در اعماق دوزخ محشور خواهد شد.

۵. ریان بن شیب می‌گوید: روز یکم ماه محرم نزد امام رضا علیه السلام رفتم. آن حضرت به من چنین فرمود: ای پسر شیب! روزه گرفته‌ای؟ گفتم: نه. فرمود: امروز همان روزی است که حضرت زکریا علیه السلام به پیشگاه خدا نیایش کرد و گفت: پروردگارا! از نسل خود نسل پاکیزه‌ای ارزانی ام دار. بی‌گمان تو دعای آدمی را می‌شنوی. خداوند خواسته او را اجابت کرد و به فرشتگان فرمان داد. آنان در محراب عبادت زکریا، او را چنین ندا دادند که پروردگارت تو را به میلاد یحیی بشارت می‌دهد. هر کس یکم محرم را روزه بگیرد و آنگاه نیایش کند، خداوند خواسته‌اش را برآورده می‌کند، همانگونه که خواسته زکریا را عطا فرمود.

آن‌گاه حضرت رضا علیه السلام چنین فرمود: ای پسر شیب! بی‌گمان محرم ماهی است که مردم عصر جاهلیت ستم و کشتار را در آن حرام می‌شناختند و بدان حرمت می‌نهادند. اما این امت نه حرمت محرم الحرام را رعایت کردند و نه حرمت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را. در ماه محرم نسل او را به قتل رساندند و زنان او را به اسارت بردند و دارایی او را به بردند. خداوند هرگز این ستم را نخواهد بخشید. ای پسر شیب! اگر برای کسی می‌خواهی اشک بریزی، برای حسین علیه السلام اشک بریز که مانند گوسفند سر او را از تن جدا کردند و نیز هجده تن از خانواده‌اش همراه با او به قتل رسیدند که همانندی نداشتند. آسمان‌های هفت‌گانه و زمین در سوگ او اشک ریختند و نیز چهار هزار فرشته برای کمک به حسین علیه السلام روانه زمین شدند و ناگاه حسین علیه السلام را شهید دیدند. آنان بر مزار حسین علیه السلام پریشان حال بمانند تا آنگاه که قائم آل محمد (عج) ظهور کند و حسین علیه السلام را مدد برساند. شعار آنان «یا لثارات الحسین» است. ای پسر شیب! پدرم از پدرش و او از جدش برایم فرمود: آنگاه که جدم حسین علیه السلام به قتل رسید، آسمان خون و خاک سرخ باریدن گرفت. ای پسر شیب! اگر بر حسین علیه السلام اشک بریزی تا آنکه قطره‌های اشک تو بر گونه هایت جاری شود، خداوند گناهان تو را از کوچک و بزرگ و کم و بسیار خواهد آمرزید. ای پسر شیب! اگر تمایل داری خدا را دیدار کنی، در حالی که گناهی بر او نباشد، حسین علیه السلام را زیارت کن. ای پسر شیب!



السلام



النَّبِيِّ وَآلِهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ فَالْعَنْ قَتْلَةَ الْحُسَيْنِ، يَا ابْنَ شَيْبٍ إِنْ سَرَّكَ أَنْ تَكُونَ لَكَ مِنَ الثَّوَابِ مِثْلَ مَا لِمَنْ اسْتَشْهَدَ مَعَ الْحُسَيْنِ عليه السلام فَقُلْ مَتَى مَا ذَكَرْتَهُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا، يَا ابْنَ شَيْبٍ إِنْ سَرَّكَ أَنْ تَكُونَ مَعَنَا فِي الدَّرَجَاتِ الْعُلَى مِنَ الْجَنَّةِ فَأَحْزَنْ لِحُزْنِنَا وَافْرَحْ لِفَرَحِنَا وَعَلَيْكَ بِوَلَايَتِنَا فَلَوْ أَنَّ رَجُلًا تَوَلَّى حَجَرَ الْحَشْرَةِ اللَّهُ مَعَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ».

٦. حَدَّثَنَا أَبِي عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ نَصْرِ بْنِ مُزَاحِمٍ الْمُنْقَرِي عَنْ عُمَرَ بْنِ سَعْدٍ عَنْ أَبِي شُعَيْبٍ التَّغْلِبِيِّ عَنْ يَحْيَى بْنِ يَمَانَ عَنْ إِمَامِ لَيْسَى سُلَيْمٍ عَنْ أَشْيَاحٍ لَهُمْ قَالُوا: غَزَوْنَا بِلَادَ الرُّومِ فَدَخَلْنَا كَنِيسَةً مِنْ كَنَائِسِهِمْ فَوَجَدْنَا فِيهَا مَكْتُوبًا:

أَيْرَجُو مَعَشْرُ قَتَلُوا أَحْسِنًا شَفَاعَةَ جَدِّهِ يَوْمَ الْحِسَابِ

قَالُوا: فَسَأَلْنَا مِنْهُمْ هَذَا فِي كَنِيسَتِكُمْ؟ فَقَالُوا: قَبْلَ أَنْ يُبْعَثَ نَبِيُّكُمْ بِثَلَاثِمِائَةِ عَامٍ. ٧. حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُوسَى الدِّقَاقِ عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ النَّخَعِيُّ عَنْ عَمِّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الصَّادِقِ عليه السلام جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عليه السلام قَالَ: «كَانَ لِلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام خَاتَمَانِ نَقَشَ أَحَدُهُمَا «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، غُذَّةٌ لِلِقَاءِ اللَّهِ»، وَنَقَشَ الْآخَرُ «إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ»، وَكَانَ نَقَشُ خَاتَمِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام «خَزْيٍ وَشَقِي قَاتِلُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام».

٨. حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مَسْرُورٍ عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَمِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمْرَةَ بْنِ حُمْرَانَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ) أَنَّهُ جَاءَ إِلَيْهِ رَجُلٌ، فَقَالَ: يَا أَبَا الْحَسَنِ إِنَّكَ تُدْعَى أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَمَنْ أَمَرَكَ عَلَيْهِمْ، قَالَ عليه السلام: «اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ أَمَرَنِي عَلَيْهِمْ»، فَجَاءَ الرَّجُلُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَيْصَدُقُ عَلِيٌّ فِيمَا يَقُولُ: إِنَّ اللَّهَ أَمَرَهُ عَلَى خَلْقِهِ فَغَضِبَ النَّبِيُّ ﷺ ثُمَّ قَالَ: «إِنَّ عَلِيًّا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ بِوَلَايَةِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَقْدَهَا لَهُ فَوْقَ عَرْشِهِ وَأَشْهَدُ عَلَى ذَلِكَ مَلَائِكَتُهُ، إِنَّ عَلِيًّا خَلِيفَةُ اللَّهِ وَحُجَّةُ اللَّهِ وَإِنَّهُ لَأَمَامُ الْمُسْلِمِينَ، طَاعَتُهُ مَقْرُونَةٌ بِطَاعَةِ اللَّهِ وَمَعْصِيَتُهُ مَقْرُونَةٌ بِمَعْصِيَةِ اللَّهِ، فَمَنْ جَهِلَهُ فَقَدْ جَهِلَنِي وَمَنْ عَرَفَهُ فَقَدْ عَرَفَنِي وَمَنْ أَنْكَرَ إِمَامَتَهُ فَقَدْ أَنْكَرَ نُبُوتِي وَ

اگر دوست داری در غرفه‌های پیش ساخته بهشت همراه با پیامبر باشی، بر آنان که حسین علیه السلام را شهید کردند، لعن کن. ای پسر شیب! اگر می‌خواهی پاداش شهیدان کربلا را به دست آوری، هرگاه یاد حسین علیه السلام کردی، چنین بگو: «کاش با آنان بودم و به کامیابی بزرگ نایل می‌گشتم» ای پسر شیب! اگر علاقه داری همراه با ما اهل بیت در مرتبه‌های بلند بهشت جای‌گیری، برای اندوه ما اندوهگین شو و برای شادی ما شادمان شو و همواره التزام قلبی و عملی به ولایت ما داشته باش. ای پسر شیب بدان هرکس سنگی را دوست داشته باشد، بی‌گمان خداوند او را در رستاخیز با همان سنگ محشور خواهد ساخت.

۶. پیشوای بنی سلیم از دسته‌ای از بزرگان آن قوم چنین نقل کرده است که در سرزمین روم به هنگام جهاد وارد یکی از کلیساها شدیم. در آنجا این نوشته به چشم می‌خورد: «دسته‌ای که حسین علیه السلام را شهید کردند، به شفاعت جدش در رستاخیز نایل نخواهند گشت». پرسیدم: از چه زمانی این نوشته در کلیسا است؟ پاسخ دادند که از سیصد سال پیش که هنوز پیامبر شما برانگیخته نشده بود.

۷. امام صادق علیه السلام از پدرش روایت کرده است که حسین علیه السلام دو خاتم انگشتری داشت. نقش یکی «لا اله الا الله عدة للقاء الله» بود و نقش دومی «ان الله بالغ امره» بود. نقش خاتم امام سجاد علیه السلام این بود:

شوربخت و رسواست هرکس که حسین علیه السلام را کشته است.

۸. شخصی نزد علی بن ابی طالب آمد و گفت: شما را امیر مؤمنان می‌خوانند. چه کسی تو را بر مؤمنان امیر خوانده است؟ فرمود: خدای عز و جل، مرا امیر آنان خوانده است. آن شخص نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله رفت و آمدنای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله اعلیٰ راست می‌گوید که خداوند او را امیر مؤمنان نامیده است؟ پیامبر خشمگین فرمود: بی‌گمان علی علیه السلام از جانب پروردگار امیر مؤمنان است. از فراز عرش آن را قرار داده و فرشتگان را شاهد خود گرفته که علی علیه السلام خلیفه و حجت و امام مسلمانان بوده و فرمان بردن او همراه با فرمان بردن از خدا است. و نافرمانی او نافرمانی خداست. هرکس علی علیه السلام را نشناسد، مرا نشناخته و هرکس او را بشناسد، مرا شناخته است. هرکس امامت علی علیه السلام را انکار کند، پیامبری مرا منکر شده است و هرکس امیر بودن او بر اهل ایمان را منکر شود، رسالت مرا



السلام



مَنْ جَحَدَ إِمْرَتَهُ فَقَدْ جَحَدَ رِسَالَتِي وَمَنْ دَفَعَ فَضْلَهُ فَقَدْ تَنَقَّضَنِي وَمَنْ قَاتَلَهُ فَقَدْ قَاتَلَنِي وَمَنْ سَبَّهُ فَقَدْ سَبَّنِي لِأَنَّهُ مِنِّي خُلِقَ مِنْ طِينَتِي وَهُوَ زَوْجُ فَاطِمَةَ ابْنَتِي وَأَبُو وَلَدَيَّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، ثُمَّ قَالَ ﷺ أَنَا وَعَلِيٌّ وَفَاطِمَةُ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَتِسْعَةٌ مِنْ وَلَدِ الْحُسَيْنِ حُجَّجُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ أَعْدَاؤُنَا أَعْدَاءُ اللَّهِ وَأَوْلِيَاؤُنَا أَوْلِيَاءُ اللَّهِ.

٩. حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُوسَى الدَّقَاقِ ﷺ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الْأَسَدِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ عَنْ ثَابِتِ بْنِ دِينَارٍ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ، قَالَ: قَالَ يَزِيدُ بْنُ قَعْنَبٍ: كُنْتُ جَالِسًا مَعَ الْعَبَّاسِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ وَفَرِيقٍ مِنْ عَبْدِ الْعَزَى بِإِزَاءِ بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ إِذْ أَقْبَلَتْ فَاطِمَةُ بِنْتُ أَسَدٍ أُمِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ وَكَانَتْ حَامِلَةً بِهِ لِتِسْعَةِ أَشْهُرٍ وَقَدْ أَخَذَهَا الطَّلُقُ، فَقَالَتْ: «رَبِّ إِنِّي مُؤَمِّنَةٌ بِكَ وَبِمَا جَاءَ مِنْ عِنْدِكَ مِنْ رُسُلٍ وَكُتِبَ وَإِنِّي مُصَدِّقَةٌ بِكَلَامِ جَدِّي إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلِ ﷺ وَأَنَّهُ بَنَى الْبَيْتَ الْعَتِيقَ، فَبِحَقِّ الَّذِي بَنَى هَذَا الْبَيْتَ وَبِحَقِّ الْمَوْلُودِ الَّذِي فِي بَطْنِي لَمَّا يَسُرْتُ عَلِيٌّ وَلَدَتْنِي»، قَالَ يَزِيدُ بْنُ قَعْنَبٍ: فَرَأَيْنَا الْبَيْتَ وَقَدْ انْفَتَحَ عَنْ ظَهْرِهِ وَدَخَلَتْ فَاطِمَةُ فِيهِ وَغَابَتْ عَنْ أَبْصَارِنَا وَالتَّرَقُّ الْخَائِطُ، فَرُمْنَا أَنْ يَنْفَتَحَ لَنَا قُفْلُ الْبَابِ فَلَمْ يَنْفَتَحْ فَعَلِمْنَا أَنَّ ذَلِكَ أَمْرٌ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ثُمَّ خَرَجَتْ بَعْدَ الرَّابِعِ وَبَيْدَهَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ، ثُمَّ قَالَتْ: «إِنِّي فَضَّلْتُ عَلَى مَنْ تَقَدَّمَ مِنِّي مِنَ النِّسَاءِ لِأَنَّ آسِيَةَ بِنْتَ مُزَاحِمٍ عَبْدَتِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ سِرًّا فِي مَوْضِعٍ لَا يُحِبُّ أَنْ يُعْبَدَ اللَّهُ فِيهِ إِلَّا اضْطِرَّارًا، وَأَنَّ مَرْيَمَ بِنْتَ عِمْرَانَ هَزَّتِ النَّخْلَةَ الْيَابِسَةَ بِيَدِهَا حَتَّى أَكَلَتْ مِنْهَا رُطْبًا جَنِينًا وَأَنِّي دَخَلْتُ بَيْتَ اللَّهِ الْحَرَامِ فَأَكَلْتُ مِنْ ثَمَارِ الْجَنَّةِ وَأُورَاقِهَا، فَلَمَّا أَرَدْتُ أَنْ أَخْرُجَ هَتَفَ بِي هَاتِفُ يَا فَاطِمَةُ سَمِّيه عَلِيًّا فَهُوَ عَلِيٌّ وَاللَّهُ الْعَلِيُّ الْأَعْلَى يَقُولُ: إِنِّي شَقَقْتُ اسْمَهُ مِنْ اسْمِي وَأَدْبَتُهُ بِأَدْبِي وَوَقَفْتُهُ عَلَى غَامِضِ عِلْمِي وَهُوَ الَّذِي يَكْسِرُ الْأَصْنَامَ فِي بَيْتِي وَهُوَ الَّذِي يُؤْذِنُ فَوْقَ ظَهْرِ بَيْتِي وَيُقَدِّسُنِي وَيَمَجِّدُنِي فَطُوبَى لِمَنْ أَحَبَّهُ وَأَطَاعَهُ وَوَيْلٌ لِمَنْ أَبْغَضَهُ وَعَصَاهُ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى نَبِينَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ.

انکار کرده است. هرکس فضیلت او را نادیده بگیرد، مرا از جایگاهم فرو کشانده است و هرکس با او بجنگد، با من جنگیده است و هرکس او را ناسزا گوید، به من ناسزا گفته است. زیرا او از من است و من از او. علی از سرشت من آفریده شده و همسر فاطمه علیها السلام دختر من است و پدر دو فرزندم حسن و حسین علیهما السلام است. آنگاه چنین فرمود: من و علی و فاطمه و حسن و حسین و فرزندان نه گانه حسین علیه السلام حجت های خداوند بر مردمان هستیم. دشمنان ما دشمنان خدا می باشند و دوستان ما دوستان خدا.

۹. یزید بن قعنب می گوید: من همراه عباس بن عبدالمطلب و گروهی از عبدالعزی رو به روی کعبه نشسته بودیم که فاطمه بنت اسد، مادر امیرالمومنین علیه السلام که نه ماه آبستن علی بود - درد زایمان گرفت و رو به آسمان کرد و گفت: خدایا من به تو ایمان دارم و نیز به آنچه از جانب تو فرستاده شده است؛ به پیامبران و کتب آسمانی ایمان دارم. و به سخن نیای خودم ابراهیم خلیل باور دارم؛ او بود که این خانه عتیق را ساخت. خدایا! به حق آن کسی که کعبه را ساخته و به حق مولودی که در درون من است، تولدش را آسان کن.

یزید بن قعنب می گوید: ما ناگهان دیدم که کعبه از پشت شکاف برداشت و فاطمه بنت اسد به داخل رفت و از چشم ما پنهان شد و دیوار کعبه به هم پیوست. آنگاه که قصد باز کردن قفل کعبه را داشتیم، نتوانستیم. آن روز دانستیم که این کار خداوند است. چهار روز سپری شد تا اینکه فاطمه بنت اسد از کعبه خارج شد، در حالیکه امیرمومنان علیه السلام را در آغوش داشت. آنگاه چنین گفت: من بر تمام زنان گذشته برتری دارم. چون آسیه دختر مزاحم خدا را پنهان پرستش می کرد در دورانی که خدا پرستی پسندیده نبود و مریم دختر عمران نخل خشکیده را تکان داد تا از آن خرماي تازه فرو ریزد و خوراک خویش سازد. اما من در خانه خدا که مورد احترام است، داخل شدم و از میوه بهشت و بار و برگ آن خوردم وقتی می خواستم از کعبه بیرون بیایم، هائفی از عالم غیب ندا در داد که نام کودک را علی بگذار که او بلند مرتبه است و پروردگار اعلی می فرماید من نام او را از نام خویش برگرفتم و به اخلاق خود او را آراستم و سخت ترین علم را به او یاد دادم و علی همان کسی است که بتان را در خانه ام در هم خواهد شکست و اذان خواهد گفت و مرا تقدیس و حمد خواهد کرد. خوشابه حال آن که علی را دوست داشته باشد و فرمان او ببرد، و بدا به حال آنکه علی را دشمن داشته باشد و او را نافرمانی کند.

و صلی الله علی نبینا محمد و آله الطیبین الطاهرین.



السلام





السنن



المجلس الثامن والعشرون

وهو يوم الثلاثاء لخمس خلون من المحرم

من سنة ثمان وستين و ثلاثمائة

١. حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوَيْهٍ الْقُمِّيُّ رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي (رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ)، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ بْنِ أَبِي جَعْفَرٍ الْكُمَيْدَانِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْكُوفِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ السَّيِّدِ عَنْ سَعْدِ بْنِ طَرِيفٍ عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ: بَيْنَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام يَخْطُبُ النَّاسَ وَهُوَ يَقُولُ: «سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي فَوَاللَّهِ لَا تَسْأَلُونِي عَنْ شَيْءٍ يَكُونُ إِلَّا أَنْبَأْتُكُمْ» بِهِ فَقَامَ إِلَيْهِ سَعْدُ بْنُ أَبِي وَقَّاصٍ فَقَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْكَ السَّلَامُ) اخْبِرْنِي كَمْ فِي رَأْسِي وَلِحْيَتِي مِنْ شَعْرَةٍ؟ فَقَالَ لَهُ: «أَمَّا وَاللَّهِ لَقَدْ سَأَلْتَنِي عَنْ مَسْأَلَةٍ حَدَّثَنِي خَلِيلِي رَسُولُ اللَّهِ أَنْكَ سَتَسْأَلُنِي عَنْهَا، وَمَا فِي رَأْسِكَ وَ لِحْيَتِكَ مِنْ شَعْرَةٍ إِلَّا وَفِي أَضْلَاهَا شَيْطَانٌ جَالِسٌ وَإِنْ فِي بَيْتِكَ لَسُحْلًا يَقْتُلُ الْحُسَيْنَ ابْنِي وَ عُمَرُ بْنُ سَعْدٍ يَوْمَئِذٍ يَدْرُجُ بَيْنَ يَدَيْهِ».

٢. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ جَمِيعاً عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ عَمْرَانَ الْأَشْعَرِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الرَّازِيُّ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُثْبَةَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام قَالَ: بَيْنَا أَنَا وَ فَاطِمَةُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله إِذِ التَفَتَ إِلَيْنَا فَبَكَى، فَقُلْتُ: مَا يُبْكِيكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ فَقَالَ: «أَبْكِي مِمَّا يُصْنَعُ بِكُمْ بَعْدِي» فَقُلْتُ: وَمَا ذَاكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: أَبْكِي مِنْ ضَرْبَتِكَ عَلَى الْقُرْنِ وَ لَطَمِ فَاطِمَةَ خَدَّهَا وَ طَعْنَةِ الْحَسَنِ فِي الْفَخِذِ وَ السَّمِ الَّذِي

مجلس بیست و هشتم

سه شنبه پنجم محرم سال ۳۶۸

السلامی

۱. اصبع بن نباته می گوید: در هنگامی که امیر مومنان علیه السلام برای مردم خطبه می خواند، می فرمود:

ای مردم! از من سؤال کنید پیش از آنکه مرا در میان خود نیابید. سوگند به خدا از چیزی پرسش نکنید! از گذشته و از آینده آن، مگر آنکه شما را به درستی از آن باخبر کنم. در این میان سعد بن ابی وقاص بلند شد و گفت: ای علی! به من بگو که چند رشته مو در سر و محاسن من وجود دارد؟ علی فرمود: به خدا سوگند همان چیزی را از من سؤال کردی که دوستم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از آن مرا آگاه کرده بود. ای سعد! در سر و صورت تو مویی نیست! مگر اینکه در بن آن شیطانی نهفته است و در آشیانه تو گوساله ای است که فرزندم حسین علیه السلام را به قتل می رساند (عمر بن سعد در آن ایام چهار دست و پا راه می رفت).

۲. علی بن ابی طالب فرمود: در هنگامی که من و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام نزد رسول اکرم صلی الله علیه و آله نشسته بودیم، آن حضرت به مانگریست و گریه کرد. پرسیدم: ای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله! چرا اشک می ریزی؟

فرمود: به خاطر رفتاری که با تو خواهند داشت، می گریم. گفتم: چه رفتاری پیامبر خدا؟ فرمود: ضربتی که بر فرق سر تو خواهند زد و سیلی که بر صورت فاطمه خواهند زد و نیزه ای که بر ران حسن می زنند و زهری که به کام او می ریزند و نیز قتل حسین. همه گریستند. گفتم: ای پیامبر خدا! پروردگار ما را خلق نکرده، مگر

يُسْقَى وَقَتْلِ الْحُسَيْنِ»، قَالَ: فَبَكَى أَهْلُ الْبَيْتِ جَمِيعاً، فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا خَلَقَنَا رَبُّنَا إِلَّا لِلْبَلَاءِ، قَالَ: «أَبْشِرْ يَا عَلِيُّ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ عَاهَدَ إِلَيَّ أَنَّهُ لَا يُحِبُّكَ إِلَّا مُؤْمِنٌ وَلَا يُبْغِضُكَ إِلَّا مُنَافِقٌ».

٣. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الشُّكْرِيُّ، قَالَ: أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ زَكْرِيَّا، قَالَ: حَدَّثَنَا الْعَبَّاسُ بْنُ بَكَّارٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا حَرْبُ بْنُ مَيْمُونٍ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الشُّمَالِيِّ عَنْ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام، قَالَ: «لَمَّا وَلَدَتْ فَاطِمَةُ الْحَسَنَ قَالَتْ لِعَلِيِّ عليه السلام سَمِّهِ، فَقَالَ مَا كُنْتُ لِأَسْبِقَ بِاسْمِهِ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ، فَجَاءَ رَسُولُ اللَّهِ فَأَخْرَجَ إِلَيْهِ فِي خِرْقَةٍ صَفْرَاءَ فَقَالَ: أَلَمْ أَنْهَكُمُ أَنْ تَلْفُوهُ فِي صَفْرَاءَ ثُمَّ رَمَى بِهَا وَأَخَذَ خِرْقَةً بَيْضَاءَ فَلَفَّهَ فِيهَا ثُمَّ قَالَ لِعَلِيِّ عليه السلام: هَلْ سَمَّيْتَهُ؟ فَقَالَ: مَا كُنْتُ لِأَسْبِقَكَ بِاسْمِهِ، فَقَالَ عليه السلام: وَمَا كُنْتُ لِأَسْبِقَ بِاسْمِهِ رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ فَأَوْحَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِلَى جَبْرِئِيلَ أَنَّهُ قَدْ وَلَدَ لِمُحَمَّدِ ابْنٍ فَاهْبِطْ فَأَقْرِئْهُ السَّلَامَ وَهَبْهُ وَقُلْ لَهُ: إِنَّ عَلِيًّا مِنْكَ بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى، فَسَمَّاهُ بِاسْمِ ابْنِ هَارُونَ فَهَبِطْ جَبْرِئِيلُ عليه السلام فَهَنَّاهُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، ثُمَّ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَأْمُرُكَ أَنْ تُسَمِّيَهُ بِاسْمِ ابْنِ هَارُونَ، قَالَ: وَمَا كَانَ اسْمُهُ؟ قَالَ: شَبَّرُ قَالَ: لِسَانِي عَرَبِيٌّ قَالَ: سَمَّاهُ الْحَسَنَ فَسَمَّاهُ الْحَسَنَ، فَلَمَّا وَلَدَ الْحُسَيْنُ عليه السلام أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى جَبْرِئِيلَ أَنَّهُ قَدْ وَلَدَ لِمُحَمَّدِ ابْنٍ فَاهْبِطْ إِلَيْهِ فَهَبْهُ وَقُلْ لَهُ: إِنَّ عَلِيًّا مِنْكَ بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى فَسَمَّاهُ بِاسْمِ ابْنِ هَارُونَ قَالَ: فَهَبِطْ جَبْرِئِيلُ فَهَنَّاهُ مِنَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى، ثُمَّ قَالَ: إِنَّ عَلِيًّا مِنْكَ بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى فَسَمَّاهُ بِاسْمِ ابْنِ هَارُونَ، قَالَ: وَمَا اسْمُهُ؟ قَالَ: شَبِيرُ قَالَ: لِسَانِي عَرَبِيٌّ قَالَ: سَمَّاهُ الْحُسَيْنَ فَسَمَّاهُ الْحُسَيْنَ».

٤. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ حَمَادِ بْنِ عِيسَى، قَالَ: حَدَّثَنَا الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عليه السلام، قَالَ: «قَالَ جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام قَبْلَ مَوْتِهِ بِثَلَاثٍ: سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْكَ يَا أَبَا الرِّيحَانَتَيْنِ أَوْصِيكَ بِرِيحَانَتَيَّ مِنَ الدُّنْيَا فَعَنْ قَلِيلٍ يَنْهَدُ رُكْنَاكَ وَاللَّهُ خَلِيفَتِي عَلَيْكَ، فَلَمَّا قُبِضَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ قَالَ

برای گرفتاری. فرمود: ای علی تو را بشارت می‌دهم که خدای عزوجل با من پیمان بسته است که تو را فقط مؤمن دوست داشته باشد و جز منافق دشمن تو نباشد.

۳. امام سجاد علیه السلام فرمود: آنگاه که فاطمه علیها السلام حسن را به دنیا آورد، به علی علیه السلام گفت: نام او را بگو. فرمود: من در نامگذاری اش بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سبقت نخواهم گرفت. او را در پارچه زرد رنگی پیچانده و نزد آن حضرت آوردند. فرمود: مگر شما را از گذاشتن او در پارچه زرد رنگ باز نداشتم؟ آنگاه پارچه را دور انداخت و حسن علیه السلام را در پارچه سفیدی گذشت و به دور او پیچاند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله رو به علی علیه السلام کرد و فرمود: آیا نام او را تعیین کرده‌ای؟ علی علیه السلام فرمود: من در نامگذاری او بر شما پیشی نگرفته‌ام. پیامبر فرمود: من هم سبقت نخواهم گرفت بر خدای عزوجل. خداوند به جبرئیل ندا داد که برای محمد صلی الله علیه و آله پسری به دنیا آمده است. برو و درود مرا به او برسان و تبریک بگو و آنگاه بگو علی نسبت به تو مانند هارون نسبت به موسی است، و نام نوزاد را هم نام پسر هارون قرار ده. جبرئیل نزد رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمد و تبریک گفت و آنگاه گفت: خدای تبارک و تعالی به تو فرمان داده که او را هم اسم پسر هارون کنی. پیامبر فرمود: اسم او چه بود؟ جبرئیل گفت: «شبر». فرمود: زبان من عربی فصیح است. جبرئیل گفت: او را حسن بخوان و آنگاه که حسین علیه السلام به دنیا آمد، خداوند به جبرئیل ندا در داد که برای محمد صلی الله علیه و آله پسری به دنیا آمده است. او را از جانب من تبریک بگو که علی نسبت به تو همانند هارون نسبت به موسی است. نوزادت را هم نام پسر دیگر هارون کن. پیامبر فرمود: نام او چیست؟ جبرئیل گفت: «شبر» پیامبر فرمود: زبان من عربی فصیح است. جبرئیل گفت: او را حسین بخوان.

۴. جابر بن عبدالله انصاری می‌گوید: شنیدم که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سه روز پیش از وفات خویش به علی علیه السلام فرمود: سلام بر تو ای پدر دو گل من! تو را به مراقبت از دو ریحانه‌ام توصیه می‌کنم. زمانی نه چندان دور می‌بینم که دو ستون تو نابود می‌شوند و خدا خلیفه من بر تو خواهد بود. آنگاه که رسول اکرم صلی الله علیه و آله وفات نمود، علی علیه السلام فرمود: پیامبر یک ستون وجودم بود که بدان اشارت فرمود. آنگاه که فاطمه از جهان چشم پوشید، فرمود: فاطمه علیها السلام ستون دومی بود که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از آن یاد کرد.



السلامی



شیخ
صدوق



عَلَيْهِ السلام: هَذَا أَحَدُ رُكْنَيْ الَّذِي قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ، فَلَمَّا مَاتَتْ فَاطِمَةُ (عَلَيْهَا السَّلَامُ) قَالَ عَلِيُّ عليه السلام: هَذَا الرُّكْنُ الثَّانِي الَّذِي قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ.

٥. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحُسَيْنِ الْمَعْرُوفُ بِأَبِي عَلِيٍّ بْنِ عَبْدِ وَهْبٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ زَكْرِيَّا الْجَوْهَرِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْعَبَّاسُ بْنُ بَكَّارٍ، قَالَ: حَدَّثَنِي الْحُسَيْنُ بْنُ يَزِيدَ عَنْ عُمَرَ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ فَاطِمَةَ بِنْتِ الْحُسَيْنِ عليها السلام عَنْ أَسْمَاءَ بِنْتِ أَبِي بَكْرٍ عَنْ صَفِيَّةَ بِنْتِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ، قَالَتْ لَمَّا سَقَطَ الْحُسَيْنُ عليه السلام مِنْ بَطْنِ أُمِّهِ وَكُنْتُ وَلَيْسْتُهَا، قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: «يَا عَمَّةُ هَلُمِّي إِلَيَّ ابْنِي» فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّا لَمْ نُنْظِفْهُ بَعْدُ، فَقَالَ ﷺ: «يَا عَمَّةُ أَنْتِ تَنْظِفِينَ؟ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى قَدْ نَظَّفَهُ وَطَهَّرَهُ» وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ عَنْ صَفِيَّةَ بِنْتِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ قَالَتْ لَمَّا سَقَطَ الْحُسَيْنُ عليه السلام مِنْ بَطْنِ أُمِّهِ فَدَفَعْتُهُ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَوَضَعَ النَّبِيُّ لِسَانَهُ فِي فَمِهِ، وَأَقْبَلَ الْحُسَيْنُ عَلَى لِسَانِ رَسُولِ اللَّهِ يَمْصُهُ، قَالَتْ: وَمَا كُنْتُ أَحْسِبُ رَسُولَ اللَّهِ يَغْدُوهُ إِلَّا لَبَنًا أَوْ عَسَلًا، قَالَتْ: فَبَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ فَقَبِلَ النَّبِيُّ بَيْنَ عَيْنَيْهِ ثُمَّ دَفَعَهُ إِلَيَّ وَهُوَ يَبْكِي وَ يَقُولُ: «لَعَنَ اللَّهُ قَوْمًا هُمْ قَاتِلُوكَ يَا بَنِي» يَقُولُهَا ثَلَاثًا، قَالَتْ: فَقُلْتُ: فِذَاكَ أَبِي وَأُمِّي وَمَنْ يَقْتُلُهُ، قَالَ: «بَقِيَّةُ الْفِتْنَةِ الْبَاطِنِيَّةِ مِنْ بَنِي أُمَيَّةَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ».

٦. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ، قَالَ حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الشَّكْرِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ زَكْرِيَّا، قَالَ: حَدَّثَنَا قَيْسُ بْنُ حَفْصٍ الدَّارِمِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنِي حُسَيْنُ الْأَشْقَرُ، قَالَ: حَدَّثَنَا مَنْصُورُ بْنُ الْأَسْوَدِ عَنْ أَبِي حَسَّانَ التَّيْمِيِّ عَنْ نَشِيطِ بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ رَجُلٍ مِنْهُمْ عَنْ جَرْدَاءَ بِنْتِ سَمِينٍ عَنْ زَوْجِهَا هَرِثَمَةَ بْنِ أَبِي مُسْلِمٍ، قَالَ: غَزَوْنَا مَعَ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام صَقِينَ، فَلَمَّا انْصَرَفْنَا نَزَلَ كَرَبَلَاءُ فَصَلَّى بِهَا الْغَدَاةَ ثُمَّ رَفَعَ إِلَيْهِ مِنْ تَرْبَتِهَا فَشَمَّهَا، ثُمَّ قَالَ: «وَاهَا لَكَ أَيْتُهَا التُّرْبَةُ لِيُخْشَرَنَّ مِنْكَ قَوْمٌ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ» فَرَجَعَ هَرِثَمَةُ إِلَى زَوْجَتِهِ، وَكَانَتْ شِيعَةً لِعَلِيِّ عليه السلام فَقَالَ: أَلَا أُحَدِّثُكَ عَنْ وَلِيِّكَ أَبِي الْحَسَنِ؟ نَزَلَ بِكَرَبَلَاءَ فَصَلَّى، ثُمَّ رَفَعَ إِلَيْهِ مِنْ تَرْبَتِهَا، فَقَالَ: «وَاهَا لَكَ أَيْتُهَا التُّرْبَةُ لِيُخْشَرَنَّ مِنْكَ أَقْوَامٌ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ»، قَالَتْ: أَيْتُهَا الرَّجُلُ فَإِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ لَمْ يَقُلْ إِلَّا حَقًّا، فَلَمَّا قَدِمَ الْحُسَيْنُ عليه السلام قَالَ هَرِثَمَةُ: كُنْتُ فِي الْبَعْثِ الَّذِينَ بَعَثَهُمُ عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ زِيَادٍ فَلَمَّا

۵. صفیه دختر عبدالمطلب می گوید آنگاه که حسین علیه السلام چشم به دنیا گشود من آنجا بودم. پیامبر فرمود: عمه جان! پسر مرا بیاور. گفتم ای پیامبر خدا! هنوز آماده اش نکردم. فرمود! ای عمه تو می خواهی او را پاکیزه کنی؟ خداوند او را پاکیزه ساخته است.

با همین سند در حدیث دیگری از صفیه آمده است که آنگاه که حسین علیه السلام به دنیا آمد، او را به پیامبر سپردم. پیامبر زبان خویش را در دهان او نهاد و حسین علیه السلام مکیدن آغاز کرد. من دانستم که رسول اکرم صلی الله علیه و آله شیر و عسل به کام او می ریزد. حسین که ناگاه بول کرد، پیامبر میان دیدگان او را بوسه زد و او را به دستم داد در حالی که که اشک می ریخت. آنگاه تا سه نوبت فرمود: خدا لعنت کند کسانی را که تو را به قتل می رسانند. پرسیدم: پدر و مادرم فدایت شوند، چه کسانی او را خواهند کشت؟ فرمود: باز مانده دسته گمراه امویان.



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

۶. هرثمه بن ابی مسلم می گوید: همراه علی بن ابی طالب علیه السلام به جنگ صفین رفته بودیم. هنگام بازگشت در سرزمین کربلا منزل کرد و نماز صبح را در آن جا اقامه نمود و بعد مشتی از خاک آن سرزمین را برداشت و بوسید. آنگاه چنین فرمود: خوشا به حال تو ای خاک پاک. شایسته است که از تو گروهی برخیزند که بی حساب روانه بهشت شوند.

هرثمه به خانه برگشت و به همسرش که از پیروان علی علیه السلام بود: گفت مولای تو ابوالحسن علیه السلام در کربلا فرود آمد و نماز خواند و از خاکش پاره ای گرفت و فرمود: خوشا به حال تو ای خاک که گروهی از تو برخیزند و بی حساب روانه بهشت شوند. زن او گفت: امیر مومنان علیه السلام غیر از سخن حق بر زبان نمی آورد. آنگاه که امام حسین علیه السلام به سرزمین کربلا آمد هرثمه گفت: من در سپاهی بودم که عبیدالله بن زیاد روانه کرده بود. آنگاه



السلامی



رَأَيْتُ الْمَنْزِلَ وَالشَّجَرَ ذَكَرْتُ الْحَدِيثَ فَجَلَسْتُ عَلَى بَعِيرِي ثُمَّ صِرْتُ إِلَى الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَسَلَّمْتُ عَلَيْهِ فَأَخْبَرْتُهُ بِمَا سَمِعْتُ مِنْ أَبِيهِ فِي ذَلِكَ الْمَنْزِلِ الَّذِي نَزَلَ بِهِ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: «مَعَنَا أَنْتَ أَمْ عَلَيْنَا؟» فَقُلْتُ: لَا مَعَكَ وَلَا عَلَيْكَ خَلَفْتُ صَبِيَّةً أَخَافُ عَلَيْهِمْ عَيْدَ اللَّهِ بْنِ زِيَادٍ، قَالَ: «فَاعْضِرْ حَيْثُ لَا تَرَى لَنَا مَقْتَدًا وَلَا تَسْمَعُ لَنَا صَوْتًا فَوَ الَّذِي نَفْسُ الْحُسَيْنِ بِيَدِهِ لَا يَسْمَعُ الْيَوْمَ وَاعِيَّتَنَا أَحَدٌ فَلَا يُعِينُنَا إِلَّا كَبَهُ اللَّهُ لَوَجْهِهِ فِي جَهَنَّمَ».

٧. حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنِ الْحَكَمِ بْنِ الْمُسَكِينِ الثَّقَفِيِّ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ) «إِنَّا قَتِيلُ الْعَبْرَةِ لَا يَذْكُرُنِي مُؤْمِنٌ إِلَّا اسْتَغْفَرَ».

٨. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارُ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْأَشْعَرِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ عُمَرَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ صَبَّاحِ الْمُرَنْجِيِّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ شُعَيْبِ الْمِثْمِيِّ، قَالَ: سَمِعْتُ الصَّادِقَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: «إِنَّ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا وَلَدَ أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ جَبْرَائِيلَ أَنْ يَهْبِطَ فِي أَلْفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ فَيَهْنِي رَسُولَ اللَّهِ ﷺ مِنَ اللَّهِ وَمِنْ جَبْرَائِيلَ، قَالَ: فَهَبَطَ جَبْرَائِيلُ فَمَرَّ عَلَى جَزِيرَةٍ فِي الْبَحْرِ فِيهَا مَلَكٌ يُقَالُ لَهُ فُطْرُسُ كَانَ مِنَ الْحَمَلَةِ بَعَثَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي شَيْءٍ فَأَبْطَأَ عَلَيْهِ فَكَسَرَ جَنَاحَهُ وَالْقَاهُ فِي تِلْكَ الْجَزِيرَةِ فَعَبَدَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِيهَا سَبْعِمِائَةَ عَامٍ حَتَّى وَلَدَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ الْمَلَكُ لِجَبْرَائِيلَ، يَا جَبْرَائِيلُ أَيْنَ تُرِيدُ؟ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَنْعَمَ عَلَى مُحَمَّدٍ بِنِعْمَةٍ فَبِعِثْتُ أَهْنِيَهُ مِنَ اللَّهِ وَمِنِّْي، فَقَالَ: يَا جَبْرَائِيلُ اخْمِلْنِي مَعَكَ لَعَلَّ مُحَمَّدًا ﷺ يَدْعُوَنِي، قَالَ: فَحَمَلَهُ، قَالَ: فَلَمَّا دَخَلَ جَبْرَائِيلُ عَلَى النَّبِيِّ ﷺ هَنَأَهُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَمِنْهُ وَأَخْبَرَهُ بِحَالِ فُطْرُسَ فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: «قُلْ لَهُ تَمَسَّحْ بِهَذَا الْمَوْلُودِ وَغُدِّ إِلَى مَكَانِكَ»، قَالَ: فَتَمَسَّحَ فُطْرُسُ بِالْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَارْتَفَعَ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَمَا إِنَّ أُمَّتَكَ سَتَقْتُلُهُ وَلَهُ عَلَيَّ مَكَاافَاةٌ أَلَا يَزُورُهُ زَائِرٌ إِلَّا أَبْلَغْتُهُ عَنْهُ وَلَا يُسَلِّمُ عَلَيْهِ مُسَلِّمٌ إِلَّا أَبْلَغْتُهُ سَلَامَهُ وَلَا يُصَلِّيُ عَلَيْهِ مُصَلٍّ إِلَّا أَبْلَغْتُهُ صَلَاتَهُ ثُمَّ ارْتَفَعَ.

که آن مکان و درخت‌ها را دیدم، سخن علی علیه السلام به خاطرم گذشت و بر شتر خویش سوار شدم و نزد امام حسین علیه السلام رفته و سلام کردم و آنچه را از پدرش شنیده بودم، گفتم. حسین علیه السلام فرمود: ای هرثمه! تو با ما هستی یا بر ضد ما؟ گفتم: نه این و نه آن. راستش کودکانی در خانه دارم و از آسیب‌رسانی عبیدالله بن زیاد بیمناکم. حسین علیه السلام فرمود: پس به جایی برو که کشته شدن ما را نبینی و صدای ما را نشنوی. سوگند به کسی که جان حسین علیه السلام در دست اوست امروز روز روزی که اگر کسی فریاد ما را بشنود و ما را مدد نرساند پروردگارش او را به صورت در آتش دوزخ می‌افکند.

۷. حسین علیه السلام فرمود: من برای گریستن کشته شدم و مؤمن مرا یاد نکند، مگر آنکه برای من اشک بریزد.

۸. شعیب میثمی می‌گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: آنگاه که حسین بن علی علیه السلام به دنیا آمد، خداوند جبرئیل را با هزار فرشته فرمان فرود داد تا پیامبر خدا را از جانب او تبریک بگویند. آنگاه که جبرئیل بر زمین رسید، از جزیره‌ای در دریا عبور کرد که فرشته‌ای به نام «فطرس» از حاملان عرش در آنجا بود. خداوند پر او را شکسته بود و بدان جزیره انداخته بود. فطرس هفتصد سال مشغول عبادت خدا بود تا اینکه حسین علیه السلام چشم به جهان گشود. فطرس به جبرئیل گفت: قصد کجا داری؟ جبرئیل گفت: خداوند به محمد صلی الله علیه و آله نعمتی داده است. اکنون از طرف او مأموریت دارم که به پیامبر شادباش بگویم. فطرس گفت: مرا هم با خود ببر. شاید محمد صلی الله علیه و آله برای من نیایش کند. جبرئیل او را همراه خویش نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آورد. آنگاه که تبریک خداوند را رسانید، از وضع فطرس بازگفت. پیامبر رو به آن فرشته فرمود: خویشتن را به این مولود بمال و آنگاه به جایگاه خویش بازگرد.

فطرس چنین کرد و بالا رفت، در حالی که می‌گفت: ای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، بی گمان امت تو حسین علیه السلام را به قتل خواهند رساند. اما او برگردنم حقی دارد. هر کس او را زیارت کند و بر او سلام کند و درخواست رحمت برای او کند، به حسین علیه السلام گزارش خواهم داد. آنگاه از نظر محو شد.



السلام



٩. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ الْعَزِيزِ بْنُ يَحْيَى الْبَصْرِيُّ عَنْ يَحْيَى الْبَصْرِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ زَكْرِيَّا الْجَوْهَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَارَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ آبَائِهِ الصَّادِقِينَ عليهم السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى جَعَلَ لِأَخِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فَضَائِلَ لَا يُحْصِي عَدَدَهَا غَيْرُهُ، فَمَنْ ذَكَرَ فَضِيلَةً مِنْ فَضَائِلِهِ مُقِرًّا بِهَا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ وَلَوْ وَافَى الْقِيَمَةَ بِذُنُوبِ الثَّقَلَيْنِ، وَمَنْ كَتَبَ فَضِيلَةً مِنْ فَضَائِلِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام لَمْ تَزَلِ الْمَلَائِكَةُ تَسْتَغْفِرُ لَهُ مَا بَقِيَ لَكَ الْكِتَابَةِ رَسْمٌ وَمَنْ اسْتَمَعَ إِلَى فَضِيلَةٍ مِنْ فَضَائِلِهِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ الذُّنُوبَ الَّتِي اكْتَسَبَهَا بِالِاسْتِمَاعِ وَمَنْ نَظَرَ إِلَى كِتَابَةٍ فِي فَضَائِلِهِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ الذُّنُوبَ الَّتِي اكْتَسَبَهَا بِالنَّظَرِ»، ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «النَّظَرُ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام عِبَادَةٌ وَذِكْرُهُ عِبَادَةٌ وَلَا يَقْبَلُ إِيْمَانُ عَبْدٍ إِلَّا بِوَلَايَتِهِ وَالْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِهِ» وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ.



مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی



السلام



۹. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند برای برادرم علی بن ابی طالب علیه السلام فضیلت‌های بسیار نهاده است. هرکس فضیلتی را برای علی علیه السلام یاد کند و بدان اعتراف داشته باشد، خداوند گناهان گذشته و آینده او را خواهد آمرزید، هر چند که با گناه جن و انس به رستاخیز وارد شود و هرکس فضیلتی از فضایل علی علیه السلام را بنویسد تا زمانی که آن نوشتار باقی باشد، فرشتگان برای او طلب آمرزش خواهند داشت. و هرکس به فضیلتی از فضایل علوی گوش بسپارد، خداوند گناهان گوش او را خواهد آمرزید. و هرکس به فضیلتی از فضایل علی علیه السلام بنگرد، خداوند گناهان دیدگان او را خواهد آمرزید. آنگاه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: نگریستن به سیمای علی بن ابی طالب علیه السلام عبادت است و یاد کردن علی علیه السلام نیز عبادت است. و ایمان مسلمانی مقبول نخواهد افتاد، مگر به ولایت علی علیه السلام و بیزاری از دشمنان علی علیه السلام. و صلی الله علی نبینا محمد و آله اجمعین.



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی



المجلس التاسع والعشرون

وهو يوم الجمعة لثمان خلون من المحرم

من سنة ثمان وستين وثلاثمائة

١. حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوئِيهِ الْقُمِّيُّ رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي الْبَخْتَرِيِّ وَهَبِ بْنِ وَهَبٍ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ رحمته الله عَنْ أَبِيهِ عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ رَضِوانَ اللَّهُ عَلَيْهَا أَنَّهَا أَصْبَحَتْ يَوْمًا تَبْكِي فَقِيلَ لَهَا: مَا لَكَ؟ فَقَالَ: «لَقَدْ قُتِلَ ابْنِي الْحُسَيْنُ رحمته الله وَمَا رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ رحمته الله مُنْذُ مَاتَ إِلَّا اللَّيْلَةَ»، فَقُلْتُ: يَا أَبِي أَنْتَ وَأُمِّي مَا لِي أَرَاكَ شَاخِبًا فَقَالَ: «لَمْ أَزَلْ مُنْذُ اللَّيْلَةِ أَحْفَرُ قَبْرَ الْحُسَيْنِ وَقُبُورَ أَصْحَابِهِ».

٢. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ نَصْرِ بْنِ مُزَاحِمٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ سَعْدٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ ثَابِتٍ عَنْ حَبِيبِ بْنِ أَبِي ثَابِتٍ عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ، رَوَّجَهُ النَّبِيُّ رحمته الله قَالَتْ: «مَا سَمِعْتُ نَوْحَ الْجَنِّ مُنْذُ قُبُضِ النَّبِيِّ إِلَّا اللَّيْلَةَ وَلَا أَرَانِي إِلَّا وَقَدْ أَصِبتُ بِابْنِي»، قَالَتْ: وَجَاءَتِ الْجَنَّةُ مِنْهُمْ تَقُولُ:

أَلَا يَا عَيْنُ فَسَانْهَمِلِي بِجَهْدٍ
فَمَنْ يَبْكِي عَلَى الشُّهَدَاءِ بَعْدِي
عَلَى رَهْطٍ تَقْوُدُهُمُ الْمَنَائِمَا
إِلَى مُتَجَبَّرٍ فِي مِلْكِ عَيْدٍ

٣. حَدَّثَنَا أَبِي رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا حَبِيبُ بْنُ الْحُسَيْنِ التَّغْلِبِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا عَبَّادُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَمْرِو بْنِ ثَابِتٍ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ فِي بَيْتٍ أُمِّ سَلَمَةَ، فَقَالَ لَهَا: «لَا يَدْخُلُ عَلَيَّ أَحَدٌ» فَجَاءَ الْحُسَيْنُ رحمته الله وَهُوَ طِفْلٌ فَمَا مَلَكَتْ مَعَهُ شَيْئًا حَتَّى دَخَلَ



مجلس بیست و نهم

جمعه هشتم محرم سال ۳۶۸

السلامی

۱. ام سلمه یک روز صبح گریه می کرد. از او پرسیدند: چرا گریه می کنی؟ گفت: فرزندم حسین علیه السلام شهید شد. از هنگامی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وفات کرده بود تا امشب آن حضرت را در خواب ندیده بودم. امشب به خوابم آمدند. گفتم: پدر و مادرم فدایت شوند. چرا شما را رنگ پریده بینم؟ فرمود: از آغاز شب تا الان قبر حسین و همراهان او را حفر می کردم.



۲. ام سلمه همسر پیامبر می گوید: از هنگامی که پیامبر وفات کرده است تا امشب نوحه خوانی جنیان به گوشم نخورده بود. الا امشب گویی فرزندم را از دست داده ام. امشب یک زن جن به سراغم آمد در حالی که می خواند: ای چشم! بکوش که اشک بریزی، راستی کیست که پس از من بر شهیدان حق بگرید. بر آن دسته ای که مرگ آنان را به ستم به کام خویش کشانید، در لباس بندگان.

۳. امام باقر علیه السلام فرمود: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در منزل ام سلمه بود و به او توصیه کرده بود که کسی نزد آن حضرت نیاید. حسین که کودک خردسالی بود، خواست پیش پیامبر برود. ام سلمه به رغم اینکه کوشید نتوانست و آنگاه در پی حسین رفت. حسین را روی سینه پیامبر دید، در حالی که آن حضرت می گریست و چیزی را در دست خویش تکان می داد.

عَلَى النَّبِيِّ ﷺ فَدَخَلَتْ أُمُّ سَلَمَةَ عَلَى أَثَرِهِ، فَإِذَا الْحُسَيْنُ عَلَى صَدْرِهِ وَإِذَا النَّبِيُّ ﷺ يَبْكِي وَإِذَا فِي يَدِهِ شَيْءٌ يَقْبَلُهُ، فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: «يَا أُمُّ سَلَمَةَ إِنَّ هَذَا جَبْرِئِيلُ يُخْبِرُنِي أَنَّ هَذَا مَقْتُولٌ وَهَذِهِ الثَّرِيَّةُ الَّتِي يُقْتَلُ عَلَيْهَا فَضَعِيهِ عِنْدَكَ، فَإِذَا صَارَتْ دَمًا فَقَدْ قُتِلَ حَبِيبِي»، فَقَالَتْ أُمُّ سَلَمَةَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ سَلِ اللَّهَ أَنْ يَدْفَعَ ذَلِكَ عَنْهُ، قَالَ: «قَدْ فَعَلْتُ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيَّ أَنَّ لَهُ دَرَجَةً لَا يَنَالُهَا أَحَدٌ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ وَأَنَّ لَهُ شِيعَةً يَشْفَعُونَ فِيْشْفَعُونَ وَأَنَّ الْمَهْدِيِّ مِنْ وَلَدِهِ فَطُوبَى لِمَنْ كَانَ مِنْ أَوْلِيَاءِ الْحُسَيْنِ، وَشِيعَتِهِ هُمْ وَاللَّهُ الْفَائِزُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ».

٤. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ ﷺ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عُمَرَ بْنِ حَفْصٍ عَنْ زِيَادِ بْنِ الْمُنْذِرِ عَنْ سَالِمِ بْنِ أَبِي جَعْدَةَ، قَالَ: سَمِعْتُ كَعْبَ الْأَخْبَارِ يَقُولُ: إِنَّ فِي كِتَابِنَا أَنَّ رَجُلًا مِنْ وَلَدِ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ يُقْتَلُ وَلَا يَحْفَ عَرَقُ دَوَابِّ أَصْحَابِهِ حَتَّى يَدْخُلُوا الْجَنَّةَ فَيَعَانِقُوا الْخُورَ الْعَيْنَ فَمَرُّ بِنَا الْحَسَنِ ﷺ فَقُلْنَا هُوَ هَذَا، قَالَ: لَا فَمَرُّ بِنَا الْحُسَيْنِ ﷺ فَقُلْنَا: هُوَ هَذَا؟ قَالَ: نَعَمْ.

٥. حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسٍ ﷺ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى، قَالَ: حَدَّثَنَا الْعَبَّاسُ بْنُ مَعْرُوفٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَهْلِ التَّجْرَانِيِّ رَفَعَهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ﷺ، قَالَ: الْبَكَاءُ وَخُمْسَةُ آدَمَ وَيَعْقُوبَ وَ يُوسُفَ وَ فَاطِمَةَ بِنْتُ مُحَمَّدٍ ﷺ وَ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ ﷺ فَأَمَّا آدَمُ فَبَكَى عَلَى الْجَنَّةِ حَتَّى صَارَ فِي خَدَّيْهِ أَمْثَالُ الْأُودِيَةِ، وَأَمَّا يَعْقُوبُ فَبَكَى عَلَى يُوسُفَ حَتَّى ذَهَبَ بَصَرُهُ وَ حَتَّى قِيلَ لَهُ: تَاللَّهِ تَفْتَوُ أَتَذْكُرُ يُوسُفَ حَتَّى تَكُونَ خَرَضًا أَوْ تَكُونَ مِنَ الْهَالِكِينَ^(١) وَأَمَّا يُوسُفُ فَبَكَى عَلَى يَعْقُوبَ حَتَّى تَأَذَّى بِهِ أَهْلُ السَّجْنِ، فَقَالُوا: إِمَّا أَنْ تَبْكِيَ بِالنَّهَارِ وَ تَسْكُتَ بِاللَّيْلِ، وَ إِمَّا أَنْ تَبْكِيَ بِاللَّيْلِ، وَ تَسْكُتَ بِالنَّهَارِ فَصَالَحَهُمْ عَلَى وَاحِدٍ مِنْهُمَا، وَأَمَّا فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ ﷺ فَبَكَتْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ حَتَّى تَأَذَّى بِهَا أَهْلُ الْمَدِينَةِ، وَقَالُوا لَهَا: قَدْ أَذَيْنَا بِكَتَرِ بَكَائِكَ فَكَانَتْ تَخْرُجُ إِلَى الْمَقَابِرِ مَقَابِرِ الشُّهَدَاءِ فَتَبْكِي حَتَّى تَقْضِي

پیامبر فرمود: ای ام سلمه! این جبرئیل است که مرا از قتل حسین باخبر می‌کند. و این خاکی است که حسین بر آن شهید می‌شود. آنرا نزد خود نگه دار و هرگاه به شکل خون درآمد، بدان که عزیزم شهید شده است. ام سلمه گفت: ای پیامبر خدا از پروردگارت درخواست کن خطر و واقعه را از جان حسین دور کند. فرمود: از او تمنا کردم، ولی خداوند فرمود: برای حسین علیه السلام مرتبه‌ای خواهد بود که هیچ آفریده‌ای بدان دست نیافته است، و حسین را پیروانی است که شفاعت شان مقبول خواهد افتاد و به راستی مهدی (عج) از نسل فرزندان حسین علیه السلام است. خوشابه حال کسی که از دوستان حسین علیه السلام باشد. پیروان حسین در رستاخیز رستگاران می‌باشند.

۴. کعب الاحبار می‌گوید: در کتاب ما تورات آمده است که مردی از نسل محمد صلی الله علیه و آله به قتل می‌رسد و هنوز عرق اسبان او خشک نشده است، آنان رهسپار بهشت خواهند شد و در آنجا در کنار حورالعین در به گردش خواهند بود. در همان لحظه امام حسن علیه السلام از مقابل کعب الاحبار گذشت. پرسیدند: منظور اوست؟ گفت: نه. آنگاه که امام حسین علیه السلام گذشت، پرسیدند: منظور حسین است؟ گفت همین مرد است.

۵. امام صادق علیه السلام می‌فرمود: آنان که زیاد گریسته‌اند، پنج تن می‌باشند: آدم، یعقوب، یوسف، فاطمه زهرا علیها السلام و علی بن حسین علیه السلام. آدم از دوری بهشت اشک می‌ریخت تا آنکه در گونه‌های وی چون نهرها پدیدار شد. و یعقوب در اندوه یوسف اشک ریخت تا آنکه نور چشمانش را از دست داد. به او گفتند: به خدا سوگند، اگر یوسف را فراموش نکنی، بیمار می‌شود یا هلاک خواهی شد. یوسف به جدایی از پدر چندان اشک ریخت که هم بندهای او در زندان به ستوه آمده بودند و از او خواستند که روز بگرید و شب ساکت باشد و یا شب بگرید و روز ساکت باشد که به ناچار با یکی از آن دو سازش را کرد. و اما فاطمه زهرا علیها السلام برای پیامبر به حدی اشک ریخت که مردم مدینه اذیت شدند و گفتند: ما را در آزار افکندی. آنگاه بر سر مزار شهیدان می‌رفت و هر اندازه که می‌خواست گریه می‌کرد. و اما علی بن حسین علیه السلام بیست یا چهل سال بر حسین علیه السلام گریست. هر خوراکی که در مقابل آن حضرت گذاشتند اشک می‌ریخت تا اینکه یکی از خدمتکاران گفت: ای پسر پیامبر



السلامی



سید





الاساس



حَاجَتَهَا ثُمَّ تَنْصَرِفُ، وَأَمَّا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ فَبَكَى عَلَى الْحُسَيْنِ عليه السلام عِشْرِينَ سَنَةً أَوْ أَرْبَعِينَ سَنَةً وَمَا وَضَعَ بَيْنَ يَدَيْهِ طَعَامٌ إِلَّا بَكَى حَتَّى قَالَ لَهُ مَوْلَى لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْهَالِكِينَ، قَالَ: «نَمَّا أَشْكُوا بَنِي وَحَزَنِي إِلَى اللَّهِ وَاعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ إِنِّي لَمْ أَذْكَرْ مَضْرَعَ بَنِي فَاطِمَةَ إِلَّا خَنَقْتَنِي لِذَلِكَ غَبْرَةً».

٦. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ يَحْيَى الْغَطَّارُ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْأَشْعَرِيُّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْحُسَيْنِ اللَّوْثِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي عُثْمَانَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ أَبِي عَمَّارٍ الْمُشْدِدِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: قَالَ لِي: يَا أَبَا عَمَّارٍ أَنْشِدْنِي فِي الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام، قَالَ: فَأَنْشَدْتُهُ فَبَكَى ثُمَّ أَنْشَدْتُهُ فَبَكَى، قَالَ: فَوَاللَّهِ مَا زِلْتُ أَنْشِدُهُ وَبَيْتِي حَتَّى سَمِعْتُ الْبُكَاءَ مِنَ الدَّارِ، قَالَ: فَقَالَ لِي: يَا أَبَا عَمَّارٍ مَنْ أَنْشَدَ فِي الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام فَأَبَكَى خَمْسِينَ فَلَهُ الْجَنَّةُ، وَمَنْ أَنْشَدَ فِي الْحُسَيْنِ شِعْرًا فَأَبَكَى ثَلَاثِينَ فَلَهُ الْجَنَّةُ، وَمَنْ أَنْشَدَ فِي الْحُسَيْنِ فَأَبَكَى عِشْرِينَ فَلَهُ الْجَنَّةُ، وَمَنْ أَنْشَدَ فِي الْحُسَيْنِ فَأَبَكَى عَشْرَةً فَلَهُ الْجَنَّةُ، وَمَنْ أَنْشَدَ فِي الْحُسَيْنِ فَأَبَكَى وَاحِدًا فَلَهُ الْجَنَّةُ، وَمَنْ أَنْشَدَ فِي الْحُسَيْنِ فَبَكَى فَلَهُ الْجَنَّةُ، وَمَنْ أَنْشَدَ فِي الْحُسَيْنِ فَتَبَاكَى فَلَهُ الْجَنَّةُ.

٧. حَدَّثَنَا أَبِي عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَى الْخَشَّابِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانٍ الْوَاسِطِيِّ عَنْ عَمِّهِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ كَثِيرٍ الْهَاشِمِيِّ عَنْ دَاوُدَ بْنِ كَثِيرٍ الرَّقِّي، قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِذَا اسْتَشْفَى الْمَاءَ فَلَمَّا شَرِبَهُ رَأَيْتُهُ وَقَدْ اسْتَعْبَرَ وَاعْرُورَقَتْ عَيْنَاهُ بِدُمُوعِهِ، ثُمَّ قَالَ: «يَا دَاوُدُ لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلَ الْحُسَيْنِ، فَمَا أَنْغَصَ ذِكْرَ الْحُسَيْنِ لِلْعَيْشِ إِنِّي مَا شَرِبْتُ مَاءً بَارِدًا إِلَّا وَذَكَرْتُ الْحُسَيْنَ وَمَا مِنْ عَبْدِ شَرِبَ الْمَاءَ فَذَكَرَ الْحُسَيْنَ عليه السلام وَلَعَنَ قَاتِلَهُ إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ مِائَةَ أَلْفِ حَسَنَةٍ وَمِائَةَ أَلْفِ سَيِّئَةٍ وَرَفَعَ لَهُ مِائَةَ أَلْفِ دَرَجَةٍ، وَكَانَ كَأَنَّمَا أُعْتِقَ مِائَةَ أَلْفِ نَسَمَةٍ وَحَشَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَبْلَجَ الْوُجْهِ».

٨. حَدَّثَنَا أَبِي (رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ)، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدِ الْأَهْوَازِيِّ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ هَارُونَ بْنِ خَارِجَةَ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ: «وَكُلَّ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِقَبْرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام».

خداوند عز و جل! بیم دارم که جان خودتان را به خطر اندازید. فرمود: من از درد و اندوه نهان خویش به سوی خداوند شکایت می‌برم و از جانب خداوند چیزی را می‌دانم که شما نمی‌دانید. من هرگاه قتل گاه فرزندان فاطمه علیها السلام را به یاد می‌آورم اشک از دیدگانم جاری می‌شود.

۶. ابی عمار شاعر می‌گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: ای اباعماره! درباره حسین علیه السلام برایم شعری بخوان. آنگاه که شعر خواندم، حضرت سخت گریه کرد، تا آنکه صدای گریه خانه را پر کرد. فرمود: ای اباعماره! هرکس برای حسین علیه السلام نوحه‌ای بخواند و پنجاه تن را بگریاند، سزاوار بهشت خواهد بود. و هرکس نوحه‌ای بخواند و سی تن اشک بریزند، سزاوار بهشت خواهد بود و هرکس نوحه‌ای بخواند و بیست تن را گریان سازد سزاوار بهشت خواهد بود و هرکس نوحه‌ای بخواند و ده تن را گریان سازد، سزاوار بهشت خواهد بود و هرکس نوحه‌ای بخواند و یک تن را گریان سازد، سزاوار بهشت خواهد بود و هرکس نوحه‌ای بخواند و خود را هم گریان سازد، سزاوار بهشت خواهد بود. ای اباعماره! حتی کسی که تباکی کند سزاوار بهشت خواهد بود.

۷. داود بن کثیر رقی می‌گوید: نزد امام صادق علیه السلام بودم و آن حضرت آب خواست. آنگاه که آب را نوشید، اشک ریخت، به گونه‌ای که چشمان او غرق اشک شده بودند. آنگاه فرمود: ای داود! خداوند قاتل حسین علیه السلام را از رحمت خویش بی‌بهره سازد. چه قدر یاد حسین علیه السلام زندگی را بر آدمی ناگوار می‌سازد. من هرگز آب سرد و گوارایی ننوشم، مگر آنکه حسین علیه السلام را به یاد آورم. کسی نیست که آبی بنوشد و یاد حسین علیه السلام کند و کشته او را لعن کند، مگر آنکه خداوند صد هزار حسنه برای او می‌نویسد و صد هزار گناه از او پاک می‌کند و صد هزار مرتبه برای او بالا ببرد. چنین کسی گویی صد هزار بنده آزاد کرده است. او در روز رستاخیز با سیمای تابان محشور می‌شود.

۸. هارون بن خارجه می‌گوید: امام باقر علیه السلام می‌فرمود: خداوند برای قبر حسین علیه السلام چهار هزار فرشته موکل ساخته است که همه تا قیامت پریشان حال و گریان خواهند بود. هرکس حسین علیه السلام را با شناختن حق و منزلت او زیارت کند، این فرشتگان او را تا رسیدن



السلامی



أَرْبَعَةَ آلَافٍ مَلَكٍ شَعْنًا غُبْرًا يَكُونُهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، فَمَنْ زَارَهُ عَارِفًا بِحَقِّهِ شَيْعُوهُ حَتَّى يُبْلِغُوهُ مَأْمَنَهُ وَإِنْ مَرِضَ عَادُوهُ غُدُوَّةً وَغَشِيًّا وَإِنْ مَاتَ شَهِدُوا جَنَازَتَهُ وَاسْتَغْفَرُوا لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

٩. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرٍو الزِّيَّاتِ عَنْ قَائِدِ الْحَنَاطِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عليه السلام، قَالَ: «مَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام عَارِفًا بِحَقِّهِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مَا تَأَخَّرَ».

١٠. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ (رَضَوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ)، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَالٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخَزَّازِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ)، قَالَ: «مُرُوا شَيْعَتَنَا بِزِيَارَةِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام، فَإِنْ زِيَارَتُهُ تَدْفَعُ الْهَدْمَ وَالْعُرْقَ وَالْحَرَقَ وَ أَكْلَ السَّبْعِ وَ زِيَارَتُهُ مُقَرَّرَةٌ عَلَى مَنْ أَقَرَّ لِلْحُسَيْنِ بِالْإِمَامَةِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ».

١١. حَدَّثَنَا أَبِي (رَضَوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ)، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ عَنْ صَالِحِ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ بَشِيرِ الدَّهَّانِ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: رُبَّمَا فَاتَنِي الْحَجُّ فَأَعْرِفُ عِنْدَ قَبْرِ الْحُسَيْنِ، قَالَ: «أَحْسَنْتَ يَا بَشِيرُ أَيُّمَا مُؤْمِنٍ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام عَارِفًا بِحَقِّهِ فِي غَيْرِ يَوْمٍ عِيدٍ كُتِبَتْ لَهُ عِشْرُونَ حِجَّةً وَ عِشْرُونَ عُمْرَةً مَبْرُورَاتٍ مُتَقَبَّلَاتٍ وَ عِشْرُونَ غَزْوَةً مَعَ نَبِيِّ مُرْسَلٍ أَوْ إِمَامٍ عَادِلٍ، وَ مَنْ أَتَاهُ فِي يَوْمٍ عِيدٍ كُتِبَتْ لَهُ مِائَةُ حِجَّةٍ وَ مِائَةُ عُمْرَةٍ وَ مِائَةُ غَزْوَةٍ مَعَ نَبِيِّ مُرْسَلٍ أَوْ إِمَامٍ عَادِلٍ وَ مَنْ أَتَاهُ فِي يَوْمٍ عَرَفَةَ عَارِفًا بِحَقِّهِ كُتِبَتْ لَهُ أَلْفُ حِجَّةٍ وَ أَلْفُ عُمْرَةٍ مَبْرُورَاتٍ مُتَقَبَّلَاتٍ وَ أَلْفُ غَزْوَةٍ مَعَ نَبِيِّ مُرْسَلٍ أَوْ إِمَامٍ عَادِلٍ»، قَالَ: فَقُلْتُ لَهُ: وَ كَيْفَ بِمِثْلِ الْمَوْقِفِ؟ قَالَ: «فَنَظَرُ إِلَيَّ شِبْهُ الْمَغْصَبِ، ثُمَّ قَالَ يَا بَشِيرُ إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام يَوْمَ عَرَفَةَ وَ اغْتَسَلَ بِالْفَرَاتِ ثُمَّ تَوَجَّهَ إِلَيْهِ كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ حِجَّةً بِمَنَاسِكَهَا وَ لَا أَعْلَمُهُ إِلَّا قَالَ وَ غَزْوَةً».

١٢. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقُطَّانُ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ السُّكْرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ

به زادگاهش مشایعت خواهند کرد و هرگاه بیمار شود، او را عیادت می‌کنند؛ هر صبح دم و هر شامگاه، و هرگاه چشم از دنیا ببندد، بر جنازه‌اش آمده و تا روز رستاخیز برای او طلب آمرزش می‌کنند.

۹. امام کاظم علیه السلام فرمود: هر کس مزار حسین علیه السلام را زیارت کند، زیارتی با معرفت به حق وی، خداوند گناهان گذشته و آینده‌اش را خواهد آمرزید.

۱۰. امام باقر علیه السلام فرمود: پیروان ما را وادارید که به زیارت حسین علیه السلام بروند، زیرا زیارت حسین علیه السلام مانده زیر آوار، غرق شدن، در آتش سوختن و خورده شد توسط درندگان را از زائران دور می‌سازد:

زیارت امام حسین علیه السلام بر هر کس که برای حسین علیه السلام امامت الهی را باور داشته باشد، ضرورت دارد.



۱۱. بشیر دهمان می‌گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: روزگاری که به خاطر بودن در روز عرفة در جوار حسین علیه السلام از حج بی‌نصیب می‌شوم. حضرت فرمود: مرحبا بر تو ای بشیر! هر ایمان آورنده‌ای که در غیر روز عید به زیارت حسین علیه السلام ود و معرفت و امامت به او داشته باشد، برای او پاداش بیست حج و بیست عمره کامل و پذیرفته شده و نیز بیست جهاد با پیامبر مرسل یا امام عادل را خواهند نوشت. و هر کس در روز عرفة به زیارتش برود، برای او هزار حج و هزار عمره کامل پذیرفته شده و هزار جهاد با پیامبر مرسل یا امام عادل را ثبت خواهد شد. گفتم: چگونه پاداش موقف عرفات را به دست آورم؟ فرمود: بی‌گمان مؤمنی که در عرفة، حسین علیه السلام را زیارت می‌کند و از فرات غسل می‌گیرد و به آن رو کند، خداوند با هر قدمی که او بر می‌دارد، پاداش یک حج کامل را قرار می‌دهد. بشیر می‌گوید: امام صادق علیه السلام پاداش یک جهاد را نیز افزود.

۱۲. ابن ابی نعیم می‌گوید: پیش ابن عمر بودم که شخصی از او درباره خون پشه سؤال



السلامی



بْنِ زَكْرِيَّا الْجَوْهَرِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا ابْنُ عَائِشَةَ وَالحَكَمُ وَالعَبَّاسُ: قَالُوا: حَدَّثَنَا مَهْدِيُّ بْنُ مَيْمُونٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي يَعْقُوبَ عَنْ ابْنِ أَبِي نُعَيْمٍ، قَالَ: شَهِدْتُ ابْنَ عُمَرَ وَأَتَاهُ رَجُلٌ فَسَأَلَهُ عَنْ دَمِ الْبَعُوضَةِ، فَقَالَ: مِمَّنْ أَنْتَ؟ قَالَ: مِنْ أَهْلِ الْعِرَاقِ، انْظُرُوا إِلَيَّ هَذَا يَسْأَلُنِي عَنْ دَمِ الْبَعُوضَةِ، وَقَدْ قَتَلُوا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَاسْمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَقُولُ: «إِنَّهُمَا رِيحَانَتِي مِنَ الدُّنْيَا يَغْنِي الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ (عَلَيْهِمَا السَّلَام)».

١٣. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ (رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ)، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ الْمُشْتَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ، قَالَ: سَأَلْتُ الصَّادِقَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عليه السلام عَنْ خَاتَمِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام إِلَى مَنْ صَارَ وَذَكَرْتُ لَهُ أَنِّي سَمِعْتُ أَنَّهُ أَخَذَ مِنْ إَصْبَعِهِ فِيمَا أَخَذَ قَالَ عليه السلام: «لَيْسَ كَمَا قَالُوا إِنَّ الْحُسَيْنَ عليه السلام أَوْصَى إِلَى ابْنِهِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام وَجَعَلَ خَاتَمَهُ فِي إَصْبَعِهِ وَفَوَّضَ إِلَيْهِ أَمْرَهُ كَمَا فَعَلَهُ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله بِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام وَفَعَلَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ بِالْحُسَيْنِ عليه السلام وَفَعَلَهُ الْحَسَنُ بِالْحُسَيْنِ عليه السلام ثُمَّ صَارَ ذَلِكَ الْخَاتَمُ إِلَى أَبِي عليه السلام بَعْدَ أَبِيهِ وَ مِنْهُ صَارَ إِلَى فَهْوٍ عِنْدِي وَإِنِّي لَأُبْسُهُ كُلَّ جُمُعَةٍ وَأُصَلِّي فِيهِ»، قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ: فَدَخَلْتُ إِلَيْهِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَهُوَ يُصَلِّي فَقَلَمًا فَرَّغَ مِنَ الصَّلَاةِ مَدَّ إِلَيَّ يَدَهُ فَرَأَيْتُ فِي إَصْبَعِهِ خَاتَمًا نَقَشَ «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عُدَّةُ لِقَاءِ اللَّهِ»، فَقَالَ: «هَذَا خَاتَمُ جَدِّي أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ (عَلَيْهِمَا السَّلَام)».

١٤. حَدَّثَنَا أَبِي عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ التَّوْقَلِيِّ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ أَبِي زِيَادٍ السَّكُونِيِّ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام، قَالَ: «كَانَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله يَقِفُ عِنْدَ طُلُوعِ كُلِّ فَجْرٍ عَلَى بَابِ عَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ عليهما السلام فَيَقُولُ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمُحْسِنِ الْمُجْمِلِ الْمُنْعِمِ الْمُفْضِلِ الَّذِي بِنِعْمَتِهِ تَمَّ الصَّالِحَاتُ سَمِعُ سَامِعٍ بِحَمْدِ اللَّهِ وَنِعْمَتِهِ وَحُسْنِ بَلَائِهِ عِنْدَنَا نَعُودُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ نَعُودُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ نَعُودُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ نَعُودُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ الصَّلَاةُ يَا أَهْلَ الْبَيْتِ «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرَ كُمْ تَطْهِيرًا»^(١) هذه الأخبار كانت مكتوبة بعد المجلس الثامن والعشرين.

کرد. گفت: تو از کجایی؟ پاسخ داد: از عراق. ابن عمر گفت: به این شخص نگاه کنید که از من راجع به خون پشه می پرسد در حالی که اهل عراق کسانی بودند که پسر پیامبر خدا ﷺ را به قتل رساندند. من از آن حضرت شنیدم که فرمود این دو - حسن و حسین ﷺ - دو ریحانه من هستند.

السلام

۱۳. محمد بن مسلم می گوید: از امام صادق ﷺ از خاتم انگشتی حسین ﷺ سؤال کردم که به دست کیست؟ و بعد گفتم که شنیدم آن انگشتی در میان اموال در کربلا به غارت رفته است. فرمود چنین نیست که برخی گمان می کنند. حسین ﷺ به پسرش علی بن حسین ﷺ وصیت کرد و خاتم خود را در انگشت آن حضرت نهاد و آنگاه مقام امامت را به او واگذار کرد؛ همان گونه که پیامبر خدا ﷺ با امیرالمومنین ﷺ رفتار کرد و همچنین آن حضرت با امام حسن ﷺ و امام حسین ﷺ با امام حسین ﷺ. آنگاه این خاتم به دست پدرم رسید و از او به دست من. اکنون هر روز جمعه آن انگشتی را به دست دارم و با آن نماز به پا می دارم. محمد بن مسلم می گوید: روز جمعه پیش امام صادق ﷺ رفتم در حالی که مشغول نماز بود. آنگاه که نماز خود را به پایان رساند، دست به سمت من دراز کرد و در انگشت آن حضرت خاتمی دیدم که نقش لاله الا لله عدة للقاء الله داشت. فرمود: این همان انگشتی جدم ابی عبدالله الحسین ﷺ است.

۱۴. پیامبر هر بامداد بر در خانه علی و فاطمه می ایستاد و می فرمود: سپاس و ستایش برای پروردگار محسن و عطابخش است که به لطف خویش کارهای شایسته را به اتمام رسانده است. او پروردگار سمیع و سامع است. حمد او را سزااست و نعمت و خوبی آزمون او بر ما سایه افکنده است. به او پناهنده ام از آتش دوزخ و نیز از بامداد دوزخ و همچنین از شامگاه دوزخ. رحمت و درود بر شما اهل بیت. همانا خداوند اراده کرده است که پلیدی را از ساحت شما در ببرد. ای اهل بیت؛ و نیز شما را به شایستگی، تطهیرتان سازد.

این اخبار پس از مجلس بیست و هشتم افزوده شده است:

١٥. حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابَوَيْهِ الْقُمِّيُّ رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ وَ عَبْدِ اللَّهِ ابْنَا مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْقَاسِمِ النَّوْفَلِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ عليه السلام الْمُؤْمِنُ يَرَى الرُّؤْيَا فَتَكُونُ كَمَا رَأَاهَا وَ رُبَّمَا رَأَى الرُّؤْيَا فَلَا تَكُونُ شَيْئًا، فَقَالَ: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا نَامَ خَرَجَتْ مِنْ رُوحِهِ حَرَكَةٌ مَمْدُودَةٌ صَاعِدَةً إِلَى السَّمَاءِ، فَكُلَّمَا رَأَاهُ رُوحُ الْمُؤْمِنِ فِي مَلَكُوتِ السَّمَاءِ فِي مَوْضِعِ التَّقْدِيرِ وَ التَّدْبِيرِ فَهُوَ الْحَقُّ. وَ كُلَّمَا رَأَاهُ فِي الْأَرْضِ فَهُوَ أَضْعَافُ أَحْلَامٍ». فَقُلْتُ لَهُ: وَ تَصْعَدُ رُوحُ الْمُؤْمِنِ إِلَى السَّمَاءِ، قَالَ: «نَعَمْ» قُلْتُ: حَتَّى لَا يَبْقَى مِنْهُ شَيْءٌ فِي بَدَنِهِ، فَقَالَ: لَا، «لَوْ خَرَجَتْ كُلُّهَا حَتَّى لَا يَبْقَى مِنْهُ شَيْءٌ إِذَا لَمَاتَ» قُلْتُ: فَكَيْفَ يَخْرُجُ؟، فَقَالَ: «أَمَّا تَرَى الشَّمْسَ فِي السَّمَاءِ فِي مَوْضِعِهَا وَ ضَوْوَهَا وَ شُعَاعَهَا فِي الْأَرْضِ، فَكَذَلِكَ الرُّوحُ أَصْلُهَا فِي الْبَدَنِ وَ حَرَكَتُهَا مَمْدُودَةٌ».

١٦. حَدَّثَنَا أَبِي رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: حَدَّثَنَا يَعْقُوبُ بْنُ يَزِيدَ، قَالَ: حَدَّثَنِي بَعْضُ أَصْحَابِنَا عَنْ زَكَرِيَّا بْنِ يَحْيَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: «إِنَّ الْعِبَادَ إِذَا نَامُوا خَرَجَتْ أَرْوَاحُهُمْ إِلَى السَّمَاءِ، فَمَا رَأَتْ الرُّوحُ فِي السَّمَاءِ فَهُوَ الْحَقُّ وَ مَا رَأَتْ فِي الْهَوَاءِ فَهُوَ الْأَضْعَافُ، أَلَا وَ إِنَّ الْأَرْوَاحَ جُنُودَ مُجَنَّدَةٍ، فَمَا تَعَارَفَ مِنْهَا ائْتَلَفَ وَ مَا تَنَافَرَ مِنْهَا اخْتَلَفَ، فَإِذَا كَانَتْ الرُّوحُ فِي السَّمَاءِ تَعَارَفَتْ وَ تَبَاغَضَتْ، فَإِذَا تَعَارَفَتْ فِي السَّمَاءِ تَعَارَفَتْ فِي الْأَرْضِ، وَإِذَا تَبَاغَضَتْ فِي السَّمَاءِ تَبَاغَضَتْ فِي الْأَرْضِ».

١٧. حَدَّثَنَا أَبِي رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ عِيْسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْعَلَوِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيِّ عليه السلام قَالَ: «سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله عَنِ الرَّجُلِ يَنَامُ فَيَرَى الرُّؤْيَا فَرُبَّمَا كَانَتْ حَقًّا وَ رُبَّمَا كَانَتْ بَاطِلًا»، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: «يَا عَلِيُّ مَا مِنْ عَبْدٍ يَنَامُ إِلَّا أُعْرِجَ بِرُوحِهِ إِلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ، فَمَا رَأَى عِنْدَ رَبِّ الْعَالَمِينَ فَهُوَ حَقٌّ، ثُمَّ إِذَا أَمَرَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ بِرَدِّ رُوحِهِ إِلَى جَسَدِهِ فَصَارَتْ الرُّوحُ بَيْنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ، فَمَا رَأَتْهُ فَهُوَ أَضْعَافُ أَحْلَامٍ» وَ عَنْهُ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ وَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ مُحَسِّنِ بْنِ أَحْمَدَ الْمِشْمِيِّ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ

۱۵. محمد بن قاسم نوفلی می گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: چه بسیار مؤمنی که چیزی در رویا می بیند و همان سان واقعیت پیدا می کند و چه بسیار خواب هایی که تأثیری ندارد. فرمود آنگاه که شخص مؤمن می خوابد، روح او به آسمان سفر دارد و آنچه تقدیر و تدبیر الهی می طلبد، می نگرد و حقیقت دارد. اما آنچه در زمین بنگرد، همان اضغان و احلام است. گفتم: روح مؤمن به آسمان می رود؟ فرمود آری. گفتم آیا تا آنجا که اثری از روح در کالبدش نمی ماند؟ فرمود: نه. اگر همه روح بالا برود: مرگش فرا می رسد. گفتم چگونه؟ فرمود: آیا آفتاب را ندیده ای که در جایگاه خود در آسمان قرار دارد و در عین حال پرتوی از آن در زمین است؟ روح در تن آدمی است و به هنگام خواب حرکت او به سمت آسمان پدیدار می شود.

۱۶. امام باقر علیه السلام فرمود: مؤمنان آنگاه که به خواب می روند، روحشان به آسمان بالا رود. در آن هنگام آنچه روح در آسمان مشاهده کند، حقیقت دارد و آنچه که در هوا ببیند، باطل است. بدان که ارواح همچون سپاهی اعزام شده اند. آنان که با یکدیگر پیوند دارند آشنایی پیدا می کنند و آنان که همدیگر را نمی شناسند، با هم در ستیز خواهند بود. روح ها در آسمان با هم آشنا خواهند شد و در زمین با هم آشنایی داشته باشند. و اگر در آسمان نسبت به هم بدبین شدند، در زمین هم بدبین باشند.

۱۷. علی علیه السلام فرمود: از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سؤال کردم که مردی خوابی می بیند که یا حقیقت دارد یا باطل است. فرمود: ای علی! هر بنده ای که می خوابد، روح او به سمت پروردگارش می رود. او هر چه را پیش خدا بنگرد، حق است و آنگاه که خدای عزیز و جبار فرمان بازگشت روح به بدن را دهد، در میانه آسمان و زمین سیاحت می کند. آنچه را در میان راه می بیند، بیهوده است. ابوبصیر می گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: ابلیس گروهی



أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: إِنَّ لِإِبْلِيسَ شَيْطَانًا يُقَالُ لَهُ هَزْعٌ يَمْلَأُ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ يَأْتِي النَّاسَ فِي الْمَنَامِ وَلِهَذَا يُرَى الْأَضْغَاثُ.

١٨. بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوَيْهِ الْقُمِّيُّ عليه السلام، قِرَاءَةً عَلَيْهِ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى الْبِقَاطِيْنِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْغُرَوِيِّ عَنْ أَبِيهِ، قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى الْفَضْلِ بْنِ الرَّبِيعِ وَهُوَ جَالِسٌ عَلَى سَطْحٍ، فَقَالَ لِي: اذْنُ فَدَنَوْتُ حَتَّى حَادَيْتُهُ، ثُمَّ قَالَ لِي: أَشْرَفَ إِلَى الْبَيْتِ فِي الدَّارِ فَأَشْرَفْتُ، فَقَالَ: مَا تَرَى فِي الْبَيْتِ، قُلْتُ: ثَوْبًا مَطْرُوحًا، فَقَالَ: انْظُرْ حَسَنًا فَتَأَمَّلْتُ وَنَظَرْتُ فَتَيَقَّنْتُ، قُلْتُ: رَجُلٌ سَاجِدٌ، فَقَالَ لِي: تَعْرِفُهُ؟ قُلْتُ: لَا، قَالَ: هَذَا مَوْلَاكَ، قُلْتُ: وَمَنْ مَوْلَايَ؟ فَقَالَ: تَجَاهَلُ عَلَيَّ، قُلْتُ: مَا أَتَجَاهَلُ وَلَكِنِّي لَا أَعْرِفُ لِي مَوْلَى، فَقَالَ: هَذَا أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عليه السلام إِنِّي أَتَفَقَّدُهُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ فَلَمْ أَجِدْهُ فِي وَقْتٍ مِنَ الْأَوْقَاتِ إِلَّا عَلَى الْحَالِ الَّتِي أَخْبَرَكَ بِهَا أَنَّهُ يُصَلِّي الْفَجْرَ فَيَعْقُبُ سَاعَةً فِي ذُبْرِ صَلَاتِهِ إِلَى أَنْ تَطْلُعَ الشَّمْسُ ثُمَّ يَسْجُدُ سَجْدَةً فَلَا يَزَالُ سَاجِدًا حَتَّى تَزُولَ الشَّمْسُ، وَقَدْ وَكَّلْتُ مَنْ يُنْزِعُ الرِّزَالَ فَلَسْتُ أَذْرِي مَتَى يَقُولُ: الْغَلَامُ قَدْ زَالَتِ الشَّمْسُ إِذْ يَثْبُتُ فَيَبْتَدِئُ بِالصَّلَاةِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يُجَدِّدَ وَضُوءًا فَأَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَنْمَ فِي سُجُودِهِ وَلَا أَغْفَى فَلَا يَزَالُ كَذَلِكَ إِلَى أَنْ يَفْرُغَ مِنْ صَلَاةِ الْعَصْرِ، فَإِذَا صَلَّى الْعَصْرَ سَجَدَ سَجْدَةً فَلَا يَزَالُ سَاجِدًا إِلَى أَنْ تَغِيبَ الشَّمْسُ، فَإِذَا غَابَتِ الشَّمْسُ وَثَبَ مِنْ سَجْدَتِهِ فَصَلَّى الْمَغْرِبَ مِنْ غَيْرِ أَنْ يُحْدِثَ حَدَثًا وَلَا يَزَالُ فِي صَلَاتِهِ وَتَغْفِيهِ إِلَى أَنْ يُصَلِّيَ الْعَتَمَةَ، فَإِذَا صَلَّى الْعَتَمَةَ أَفْطَرَ عَلَى شَوِيٍّ يُؤْتِي بِهِ ثُمَّ يُجَدِّدُ الْوُضُوءَ ثُمَّ يَسْجُدُ ثُمَّ يَرْفَعُ رَأْسَهُ فَيَتَنَامُ نَوْمَةً خَفِيفَةً ثُمَّ يَقُومُ فَيَجَدِّدُ الْوُضُوءَ ثُمَّ يَقُومُ فَلَا يَزَالُ يُصَلِّي فِي جَوْفِ اللَّيْلِ حَتَّى يَطْلُعَ الْفَجْرُ فَلَسْتُ أَذْرِي مَتَى يَقُولُ الْغَلَامُ إِنَّ الْفَجْرَ قَدْ طَلَعَ إِذْ قَدْ وَثَبَ هُوَ لِصَلَاةِ الْفَجْرِ فَهَذَا دَأْبُهُ مِنْذُ حَوْلِ إِلَيَّ، فَقُلْتُ: اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُحْدِثْ فِي أَمْرِهِ حَدَثًا يَكُونُ مِنْهُ زَوَالُ النِّعْمَةِ فَقَدْ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَفْعَلْ أَحَدًا بِأَحَدٍ مِنْهُمْ سُوءًا إِلَّا كَانَتْ نِعْمَتُهُ زَائِلَةً، فَقَالَ: قَدْ أُرْسَلُوا إِلَيَّ فِي غَيْرِ مَرَّةٍ بِأَمْرٍ يُبْقِلُهُ فَلَمْ أَجِبْهُمْ إِلَى ذَلِكَ وَأَعْلَمْتُهُمْ أَنِّي لَا أَفْعَلُ ذَلِكَ وَلَوْ قَتَلُونِي مَا أَجَبْتُهُمْ إِلَى مَا سَأَلُونِي فَلَمَّا كَانَ بَعْدَ ذَلِكَ حَوْلَ إِلَى الْفَضْلِ بْنِ يَحْيَى الْبَرْمَكِيِّ فَحُبِسَ عِنْدَهُ أَيَّامًا فَكَانَ الْفَضْلُ بْنُ الرَّبِيعِ يَبْعَثُ إِلَيْهِ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مَائِدَةً وَمَنْعَ أَنْ يَدْخُلَ إِلَيْهِ مِنْ

شیطانی دارد به نام «هزع» که شبانه میان مشرق و مغرب در حرکت می‌باشند و به خواب مردمان می‌آیند. اینان هستند که سبب خوابهای پریشان می‌شوند.

۱۸. احمد بن عبدالله فروی از پدرش نقل کرده است که چنین گفت: نزد فضل بن ربیع رفتم که روی پشت بامی نشسته بود. گفت: نزدیک بیا. آنگاه نزدیک او رفتم تا اینکه مقابلش رسیدم. گفت: به این خانه سرکی بکش. چنین کردم. گفت: چه می‌بینی؟ گفتم: جامه‌ای روی زمین افتاده است. گفت خوب نگاه کن. به دقت نگریستم. دیدم که مردی در حال سجده است. گفت: او را شناختی؟ گفتم: نه. گفت: او سرور توست. گفتم: مولای من کیست؟ گفت: چرا خودت را به بی‌خبری می‌زنی؟ گفتم: من مولایی ندارم. گفت: این ابوالحسن موسی بن جعفر علیه السلام است. من شبانه روز مراقب او هستم. هرگاه او را می‌بینم، مشغول عبادت است. او نماز بامداد را می‌خواند و زمانی مسعول تعقیب آن می‌شود تا اینکه خورشید طلوع می‌کند. آنگاه به سجده می‌رود تا غروب خورشید در سجده می‌ماند. اینکه کسی را گماشته که از وقت غروب خبر دهد، نمی‌دانم. همین قدر می‌دانم که خدمت کار می‌گوید، ظهر شد. ناگاه از جا بلند می‌شود و به نماز می‌ایستد، بی‌آنکه وضوی خود را تجدید کند. این است که می‌دانم او در سجده خود به خواب نرفته و بیهوش هم نبوده است. همین روال ادامه دارد تا اینکه نماز عصرش را بخواند. و بعد به سجده می‌رود تا غروب آفتاب. پس از آن بی‌آنکه وضوی دیگر، بگیرد نماز مغرب خود را به جای می‌آورد و به تعقیب آن می‌پردازد تا این که نماز عشا را اقامه می‌کند. از آن پس با کبابی که نزد او می‌برند، افطار می‌کند و وضوی دیگر می‌گیرد و به سجده می‌رود. پس از خواب سبکی که دارد، بر می‌خیزد و وضو می‌سازد. و برای نماز شب مهیا می‌شود تا دمیدن سپیده دم. به راستی خبر ندارم که خدمت کار چه هنگام طلوع فجر را به او خبر می‌دهد که او ناگاه بلند می‌شود و نماز می‌خواند. از هنگامی که او را تحویل من داده‌اند، همین روش را دنبال می‌کند. گفتم: ای فضل بن ربیع، از خدا بترس باش و آزارش مده که سبب نابودی نعمت تو گردد. تو خوب خبر داری که کسی به خاندان پیامبر آسیب نرسانده، مگر اینکه نعمت خود را از دست داده است. گفت: بارها مرا و داشته‌اند که او را به قتل برسانم که قبول نکردم و گفتم که اگر مرا هم به قتل برسانید، او را نخواهم کشت.

چنین بود که آن حضرت را تحویل فضل بن یحیی برمکی دادند. زمانی او زندانبان بود که فضل بن ربیع خوراکی شبانه‌اش را می‌فرستاد و نمی‌خواست از جای دیگری غذای

عِنْدَ غَيْرِهِ فَكَانَ لَا يَأْكُلُ وَلَا يُفْطِرُ إِلَّا عَلَى الْمَائِدَةِ الَّتِي يُؤْتَى بِهِ حَتَّى مَضَى عَلَى تِلْكَ الْحَالِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ وَلَيَالِيهَا، فَلَمَّا كَانَتْ اللَّيْلَةُ الرَّابِعَةُ قُدِّمَتْ إِلَيْهِ مَائِدَةٌ لِلْفَضْلِ بْنِ يَحْيَى، قَالَ: وَرَفَعَ عليه السلام يَدَهُ إِلَى السَّمَاءِ فَقَالَ: «يَا رَبِّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنِّي لَوْ أَكَلْتُ قَبْلَ الْيَوْمِ كُنْتُ قَدْ أَغْنَيْتُ عَلَى نَفْسِي»، قَالَ فَأَكَلَ فَمَرَضَ، فَلَمَّا كَانَ مِنْ غَدٍ بُعِثَ إِلَيْهِ بِالطَّبِيبِ لِيَسْأَلَهُ عَنِ الْعِلَّةِ، فَقَالَ لَهُ الطَّبِيبُ: مَا خَالَكَ؟ فَتَغَافَلَ عَنْهُ، فَلَمَّا أَكْثَرَ عَلَيْهِ أَخْرَجَ إِلَيْهِ رَاحَتَهُ فَأَرَاهَا الطَّبِيبُ، ثُمَّ قَالَ: «هَذِهِ عَلَّتِي»، وَكَانَتْ خُضْرَةٌ وَسَطَرُ رَاحَتِهِ تَدُلُّ عَلَى أَنَّهُ سُمٌّ فَاجْتَمَعَ فِي ذَلِكَ الْمَوْضِعِ، قَالَ: فَانْصَرَفَ الطَّبِيبُ إِلَيْهِمْ وَقَالَ: وَاللَّهِ فَهُوَ أَعْلَمُ بِمَا فَعَلْتُمْ بِهِ مِنْكُمْ ثُمَّ تَوَفَّى عليه السلام.

١٩. وَحَدَّثَنِي الشَّيْخُ أَبُو جَعْفَرٍ قِرَاءَةً عَلَيْهِ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ، وَحَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ جَمِيعًا، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدَ بْنِ عِيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ يَقُطِينٍ عَنْ أَخِيهِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَلِيٍّ بْنِ يَقُطِينٍ، قَالَ: اسْتَدْعَى الرَّشِيدُ زُجْلًا يَنْطَلِ بِهِ أَمْرَ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ) وَ يَقْطَعُهُ وَيُخْجِلُهُ فِي الْمَجْلِسِ فَاتَّخَذَ لَهُ رَجُلٌ مُعْزَمٌ فَلَمَّا أَحْضَرَتْ الْمَائِدَةُ عَمِلَ نَامُوسًا عَلَى الْخُبْزِ فَكَانَ كَلِمًا رَامَ خَادِمُ أَبِي الْحَسَنِ عليه السلام تَنَاوُلَ رَغِيفٍ مِنَ الْخُبْزِ طَارَ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَاسْتَفَزَّ هَارُونَ الْفَرَحُ وَالضَّحِكُ لِذَلِكَ فَلَمْ يَلْبَثْ أَبُو الْحَسَنِ عليه السلام أَنْ رَفَعَ رَأْسَهُ إِلَى أَسَدٍ مُصَوِّرٍ عَلَى بَعْضِ السُّتُورِ، فَقَالَ لَهُ: يَا أَسَدُ اللَّهُ خَذْ عَدُوَّ اللَّهِ، قَالَ: فَوَثَبَتْ تِلْكَ الصُّورَةُ كَأَعْظَمِ مَا يَكُونُ مِنَ السَّبَاعِ فَافْتَرَسَتْ ذَلِكَ الْمُعْزَمَ فَخَرَّ هَارُونَ وَنَدَمَاوُهُ عَلَى وُجُوهِهِمْ مَغْشِيًا عَلَيْهِمْ وَطَارَتْ عُقُولُهُمْ خَوْفًا مِنْ هَوْلِ مَا رَأَوْهُ، فَلَمَّا أَفَاقُوا مِنْ ذَلِكَ بَعْدَ حِينٍ، هَارُونَ لِأَبِي الْحَسَنِ عليه السلام اسْأَلْكَ بِحَقِّي عَلَيْكَ لَمَّا سَأَلْتَ الصُّورَةَ أَنْ تَرُدَّ الرَّجُلَ، فَقَالَ: «إِنْ كَانَتْ عَصَا مُوسَى رَدَّتْ مَا ابْتَلَعَتْهُ مِنْ جِبَالِ الْقَوْمِ وَ عَصِيهِمْ، فَإِنَّ هَذِهِ الصُّورَةَ تَرُدُّ مَا ابْتَلَعَتْهُ مِنْ هَذَا الرَّجُلِ» فَكَانَ ذَلِكَ أَعْمَلَ الْأَشْيَاءِ فِي إِفَاقَةِ نَفْسِهِ.

٢٠. حَدَّثَنَا الشَّيْخُ، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عِيْسَى بْنِ عُبَيْدِ بْنِ يَقُطِينٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ بَشَّارٍ، قَالَ: حَدَّثَنِي شَيْخٌ مِنْ أَهْلِ قَطِيعَةِ الرَّبِيعِ مِنَ الْعَامَةِ مِمَّنْ كَانَ يُقْبَلُ قَوْلُهُ، قَالَ: قَالَ لِي: قَدْ رَأَيْتُ بَعْضَ مَنْ يَقْرُونَ بِفَضْلِهِ مِنْ أَهْلِ هَذَا

حضرت را فراهم سازد. سه شبانه روز بدین گونه سپری شد. آنگاه در شب چهارم غذای فضل بن یحیی را برای حضرت آوردند. او دست به سوی آسمان بلند کرد و گفت: خدایا می دانی که اگر این خوراکی را بخورم، به مرگ خود کمک کرده‌ام. فضل بن ربیع می گوید: موسی بن جعفر بیمار شد پزشک برای او فرستادند تا از بیماری او جویا شود. حضرت حقیقت را از او پنهان کرد.

آنگاه که طبیب اصرار کرد: کف دست خود را به او نشان داد. فرمود: در من این است. در میان دست حضرت نقطه سبزی به چشم می خورد که نشان زهر آلود بودن خوراکی شب پیش بود. طبیب که بیرون آمد، چنین گفت: خدا به آن چه با او رفتار کردید، داناتر است. آنگاه حضرت وفات کرد.

۱۹. علی بن یقطین می گوید: هارون الرشید در پی کسی بود که امر امامت ابوالحسن موسی بن جعفر را به مدد او خط بطلان کشد و نور او را خاموش کند و در انجمن شرمسارش سازد. شخص افسون پیشه ای نزد او آوردند. آنگاه که سفره غذا گسترده، او با قرص های نان نیرنگی سوار کرد به گونه ای که هرگاه خدمت کار حضرت می خواست نانی از سفره بردارد، از دستش ربوده می شد. هارون از هیجان و خنده از جای خود می جست. چیزی نگذشت که امام کاظم علیه السلام سر خود را بلند کرد و به رخسار شیری نگریست که نقش یکی از پرده های دربار بود. آنگاه فرمود: ای شیر خدا دشمن! خدا بگیر. ناگهان شیر از درون پرده بیرون آمد و ساحر را بلعید. هارون و نزدیکان او بیهوش افتادند و از دلهره عقل شان پرید. آنگاه که به خود آمدند، هارون به امام گفت: به حق خودم تقاضا دارم که از این صورت درخواست کنی تا ساحر را برگرداند. امام کاظم علیه السلام فرمود اگر عصای موسی آنچه را بلعید که، پس داد، در این صورت نیز پس می دهد. این معجزه امام بیش از هر چیز سبب قتل آن حضرت شد.

۲۰. حسین بن محمد بن بشار می گوید: شخصی از اهالی قطعیة الربیع از اهل سنت که قول او موثق بود، گفت: من برخی از اهل فضیلت و عصمت علیهم السلام را دیده‌ام، اما مانند



السلام



الْبَيْتِ فَمَا رَأَيْتُ مِثْلَهُ قَطُّ فِي نُسْكِهِ وَفَضْلِهِ، قَالَ: قُلْتُ: مَنْ وَكَيْفَ رَأَيْتَهُ؟ قَالَ: جُمِعْنَا أَيَّامَ السَّنَدِيِّ بْنِ شَاهَكَ ثَمَانِينَ رَجُلًا مِنَ الْوُجُوهِ مِمَّنْ يُنْسَبُ إِلَى الْخَيْرِ فَأَدْخَلْنَا إِلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عليه السلام، فَقَالَ لَنَا السَّنَدِيُّ: يَا هَؤُلَاءِ انْظُرُوا إِلَى هَذَا الرَّجُلِ هَلْ حَدَّثَ بِهِ حَدَّثُ فَإِنَّ النَّاسَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُ قَدْ فَعَلَ مَكْرُوهَ بِهِ وَيَكْثُرُونَ فِي ذَلِكَ وَهَذَا مَنْزِلُهُ وَفَرَسُهُ مُوسَعٌ عَلَيْهِ غَيْرُ مُضَيِّقٍ وَلَمْ يَرِدْ بِهِ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ سُوءًا وَإِنَّمَا يَنْتَظِرُهُ أَنْ يَقْدَمَ فَيُنَظِرُهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَهَذَا صَاحِبُ مُوسَعٍ عَلَيْهِ فِي جَمِيعِ أَمْرِهِ فَاسْأَلُوهُ، قَالَ: وَنَحْنُ لَيْسَ لَنَا هَمٌّ إِلَّا النَّظَرُ إِلَى الرَّجُلِ وَإِلَى فَضْلِهِ وَسَمْتِهِ، فَقَالَ: أَمَّا مَا ذَكَرَ مِنَ التَّوَسُّعَةِ وَمَا أَشَبَّهُ ذَلِكَ فَهُوَ عَلَى مَا ذَكَرَ غَيْرَ أَنِّي أَخْبَرْتُكُمْ أَنَّهَا التَّفَرُّاتِي قَدْ سَقِيتُ السَّمَّ فِي تِسْعِ تَمَرَاتٍ وَأَنِّي أَحْضَرْتُ غَدًا وَبَعْدَ غَدٍ أَمُوتُ، قَالَ: فَتَنَظَرْتُ إِلَى السَّنَدِيِّ بْنِ شَاهَكَ يَزِيدُ وَيَضْطَرِبُ مِثْلَ السَّعْفَةِ، قَالَ الْحَسَنُ: وَكَانَ هَذَا الشَّيْخُ مِنْ خِيَارِ الْعَامَةِ شَيْخُ صَدِيقٍ مَقْبُولُ الْقَوْلِ ثِقَّةٌ ثِقَّةٌ جِدًّا عِنْدَ النَّاسِ.

٢١. حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيه أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ السَّنَانِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيُّ عَنْ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ النَّخَعِيِّ عَنْ عَمِّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ التَّوْفَلِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ثَابِتِ بْنِ دِينَارٍ، قَالَ: سَأَلْتُ زَيْنَ الْعَابِدِينَ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام عَنْ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ هَلْ يُوصَفُ بِمَكَانٍ، فَقَالَ: «تَعَالَى اللَّهُ عَنْ ذَلِكَ»، قُلْتُ: فَلِمَ أُسْرِيَ بِنَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ عليه السلام إِلَى السَّمَاءِ؟ قَالَ: «لِيُريَهُ مَلَكُوتَ السَّمَاءِ وَمَا فِيهَا مِنْ عَجَائِبِ صُنْعِهِ وَبَدَائِعِ خَلْقِهِ»، قُلْتُ: فَقَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - «ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى» ^(١) قَالَ: «ذَلِكَ رَسُولُ اللَّهِ عليه السلام دَنَا مِنْ حُجُبِ النُّورِ فَرَأَى مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ ثُمَّ تَدَلَّى عليه السلام فَتَنَظَرَ مِنْ تَحْتِهِ إِلَى مَلَكُوتِ الْأَرْضِ حَتَّى ظَنَّ أَنَّهُ فِي الْقُرْبِ مِنَ الْأَرْضِ كَقَابِ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى» وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى نَبِينَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ.

موسی بن جعفر در عبادت و فضیلت ندیده‌ام. گفتم: چگونه عبادت او را مشاهده کرده‌ای؟ گفت: در روزگار سندی بن شاهک هشتاد نفر از ریش سفیدان را گرد آوردند و نزد موسی بن جعفر بردند که من در میان آنان بودم. سندی گفت: ای رجبال شهر، شما این شخص را سالم می‌بینید، در حالی که مردم می‌گویند که با او بد رفتاری شده است. آنان در این باره زیاده روی می‌کنند. این سرای اوست و این هم بستر آسایش او. امیر مؤمنان، هارون الرشید، هم نسبت به او بدخواهی ندارد و در همه کارهایش آزاد و آسوده است. می‌توانید از او سؤال کنید.

ما جز تماشای جمال و فضل موسی بن جعفر هدفی نداشتیم. آن حضرت فرمود: آنچه سندی درباره منزل و فراخی و امور دیگر می‌گوید، راست است. اما من به شما خبر می‌دهم که در نه دانه خرما به من زهر خورانده‌اند و فردا رنگ بدنم به سبزی می‌گراید و روز بعد وفات خواهم کرد. آنگاه من به سندی شاهک نگریستم که ناگاه دچار لرزش شد و اضطراب گرفت. گویی شاخه‌ای خرماست.

حسین بن محمد بن بشار می‌گوید: این شخص روایت گر برگزیده اهل سنت و نیز شیخ راست گو و قابل اعتماد در نزد مردم بود.

۲۱. ثابت بن دینار می‌گوید: از امام سجاده علیه السلام سؤال کردم آیا خدا مکان دارد؟ فرمود: خدا از مکان برتر است. گفتم: پس خدا چگونه پیامبر را به آسمان برد؟ فرمود: هدف این بود که آن حضرت ملکوت آسمان و شگفتی‌ها و زیبایی‌های آفرینش وی را در آسمان‌ها بنگرد. گفتم: سخن خدای عزوجل که فرمود: «ثم دنی فتدلی فکان قاب قوسین أو أدنی» نزدیک شد و آویخت تا به اندازه دو سر کمان یا باریک‌تر (النجم) چه مفهومی دارد؟ فرمود: منظور وجود پیامبر صلی الله علیه و آله است که نزدیک پرده‌های نور رفت و ملکوت آسمان را مشاهده کرد و از آن پس آویخت و در پایین پای خویش، زمین را دید تا به گمان آورد که به اندازه فاصله دو سر کمان به زمین نزدیک است.



السلام

المجلس الثلاثون

وهو يوم السبت لتاسع من المحرم، سنة ثمان و ستين وثلاثمائة

وهو مقتل الحسين بن علي بن أبي طالب (عليه السلام)

١. حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوَيْهٍ الْقُمِيُّ عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ الْبَغْدَادِيُّ الْحَافِظُ رَحِمَهُ اللَّهُ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو سَعِيدٍ الْخَسَنُ بْنُ عُثْمَانَ بْنِ زِيَادٍ التُّسْتَرِيُّ مِنْ كِتَابِهِ، قَالَ: حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ عُبَيْدٍ اللَّهِ بْنِ مُوسَى بْنِ يُونُسَ بْنِ أَبِي إِسْحَاقَ السَّبْعِيُّ قَاضِي بَلْخ، قَالَ: حَدَّثَنِي مَرْثُةُ بِنْتُ مُوسَى بْنِ يُونُسَ بْنِ أَبِي إِسْحَاقَ، وَكَانَتْ عَمَّتِي، قَالَتْ: حَدَّثَنِي صَفِيَّةُ بِنْتُ يُونُسَ بْنِ أَبِي إِسْحَاقَ الْهَمْدَانِيَّةُ وَكَانَتْ عَمَّتِي، قَالَتْ: حَدَّثَنِي بِهِجَةَ بِنْتُ الْحَارِثِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الثَّغَلِيَّ عَنْ خَالَهَا عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَنْصُورٍ وَكَانَ رَضِيعًا لِبَعْضِ وَلَدِ زَيْدٍ عَنْ عَلِيٍّ عليه السلام قَالَ سَأَلْتُ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام فَقُلْتُ: حَدَّثَنِي عَنْ مَقْتَلِ ابْنِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله، فَقَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ، قَالَ: لَمَّا حَضَرَتْ مُعَاوِيَةُ الْوَفَاةَ دَعَا ابْنَهُ يَزِيدَ (لَعَنَهُ اللَّهُ)، فَأَجْلَسَهُ بَيْنَ يَدَيْهِ، فَقَالَ لَهُ: يَا بَنِيَّ إِنِّي قَدْ ذَلَّلْتُ لَكَ الرِّقَابَ الصُّعَابَ وَوَطَّدْتُ لَكَ الْبِلَادَ وَجَعَلْتُ الْمُلُوكَ وَمَا فِيهِ لَكَ طُعْمَةً وَإِنِّي أَخَشَى عَلَيْكَ مِنْ ثَلَاثَةِ نَفَرٍ يُخَالِفُونَ عَلَيْكَ بِجَهْدِهِمْ وَهُمْ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ، وَعَبْدُ اللَّهِ بْنُ الزُّبَيْرِ، وَالحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ، فَأَمَّا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عُمَرَ فَهُوَ مَعَكَ فَالْزِمْهُ وَلَا تَدْعُهُ، وَأَمَّا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الزُّبَيْرِ فَقَطِّعْهُ إِنْ ظَفِرْتَ بِهِ إِرْبًا إِرْبًا، فَإِنَّهُ يَجْثُو لَكَ كَمَا يَجْثُو الْأَسَدُ لِغَرِيَسَتِهِ وَيُؤَارِيكَ مُوَارِبَةَ الثُّغْلِبِ لِلْكَلْبِ، وَأَمَّا الْحُسَيْنُ عليه السلام فَقَدْ عَرَفْتُ حَظَّهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَهُوَ مِنْ لَحْمِ رَسُولِ اللَّهِ وَدَمِهِ، وَقَدْ عَلِمْتُ لَا مَخَالَاةَ أَنَّ أَهْلَ الْعِرَاقِ سَيُخْرِجُونَهُ إِلَيْهِمْ ثُمَّ يَخْذُلُونَهُ وَيُضَيِّعُونَهُ، فَإِنْ ظَفِرْتَ بِهِ فَأَعْرِفْ حَقَّهُ وَنَزَلَتْهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَلَا تُؤَاخِذْهُ بِفِعْلِهِ، وَمَعَ ذَلِكَ فَإِنَّ لَنَا بِهِ خِلَاطَةً وَرَحِمًا وَ



مجلس سی ام

شنبه نهم محرم سال ۳۶۸

احادیثی در مقتل حسین

۱. امام سجاد (علیه السلام) فرمود: آنگاه که هنگام مرگ معاویه فرا رسید، پسر خود یزید را خواست و مقابل خود نشاند و گفت: ای پسر من! طغیان گران را برای تو رام ساختم و سرزمینها را برای تو مهیا کردم و حکومت را به کام تو افکندم. اما از جانب سه تن بر تو نگرانم. آنان با تمام توانمندی خود با تو در ستیز خواهند بود. آنان عبدالله بن عمر خطاب، و عبدالله بن زبیر و حسین بن علی هستند. اما عبدالله بن عمر در باطن با تو همراهی می کند. خودت را به او بچسبان و از او دست بردار. اما عبدالله بن زبیر را اگر به چنگ آوردی، پاره پاره اش کن مبادا که مانند شیر بر تو هجوم آورد و همانند روباه خود را از تو پنهان کند.

و اما حسین بن علی. می دانی که او چه خویشاوندی با پیامبر خدا دارد. حسین از گوشت و از خون اوست. مطمئنم که عراقیان او را بر ضد تو خواهند شورانید و آنگاه او را تنها و رها و ضایع می سازند. اگر به حسین دست یافتی، منزلت او را بشناس و مقام او را در ارتباط با خدا رعایت کن و هرگز او را مؤاخذه مکن. می دانی که ما امویان با او همدم و خویشاوند هستیم. مبادا به او آزارسانی یا او از تو آزار بیند.

آنگاه که معاویه از دنیا رفت و یزید حکومت را به دست گرفت، عموی خود عتبه بن ابی سفیان را فرمانروای مدینه کرد. عتبه به مدینه آمد و مروان بن حکم حاکم پیشین از طرف معاویه بود. خواست تا فرمان یزید را درباره او انجام دهد که ناگهان گریخت. عتبه،



السلامی



سخن سوز



إِيَّاكَ أَنْ تَنَالَهُ بِسُوءٍ وَ يَرَى مِنْكَ مَكْرُوهًا، قَالَ: فَلَمَّا هَلَكَ مُعَاوِيَةُ وَ تَوَلَّى الْأَمْرَ بَعْدَهُ
يَزِيدُ بَعَثَ غَامِلَهُ عَلَى مَدِينَةِ رَسُولِ اللَّهِ وَ هُوَ عُمَةُ عُثْبَةُ بْنُ أَبِي سُفْيَانَ فَقَدِمَ الْمَدِينَةَ وَ
عَلَيْهَا مَرْوَانُ بْنُ الْحَكَمِ وَ كَانَ غَامِلُ مُعَاوِيَةَ فَأَقَامَهُ عُثْبَةُ مِنْ مَكَانِهِ وَ جَلَسَ فِيهِ لِيُنْفِذَ
فِيهِ أَمْرَ يَزِيدَ فَهَرَبَ مَرْوَانُ فَلَمْ يَقْدِرْ عَلَيْهِ وَ بَعَثَ عُثْبَةُ إِلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ، فَقَالَ: إِنَّ
أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَمَرَكَ أَنْ تُبَايَعَ لَهُ، فَقَالَ الْحُسَيْنُ: «يَا عُثْبَةُ قَدْ عَلِمْتُ أَنَا أَهْلُ بَيْتِ الْكِرَامَةِ
وَ مَعْدِنُ الرِّسَالَةِ وَ أَعْلَامُ الْحَقِّ الَّذِينَ أَوْدَعَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ قُلُوبَنَا وَ أَنْطَقَ بِهِ أَلْسِنَتَنَا
فَنَطَقْتُ بِأَذْنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ، وَ لَقَدْ سَمِعْتُ جَدِّي رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: «إِنَّ الْخِلَافَةَ
مُحَرَّمَةٌ عَلَى وَلَدِ أَبِي سُفْيَانَ، وَ كَيْفَ يُبَايِعُ أَهْلُ بَيْتٍ قَدْ قَالَ فِيهِمْ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ هَذَا»
فَلَمَّا سَمِعَ عُثْبَةُ ذَلِكَ دَعَا الْكَاتِبَ وَ كَتَبَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِلَى عَبْدِ اللَّهِ يَزِيدَ أَمِيرِ
الْمُؤْمِنِينَ مِنْ عُثْبَةَ بْنِ أَبِي سُفْيَانَ أَمَّا بَعْدُ، فَإِنَّ الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ لَيْسَ يَرَى لَكَ خِلَافَةً وَ لَا
بَيْعَةَ فَرَأَيْكَ فِي أَمْرِهِ وَ السَّلَامِ، فَلَمَّا وَرَدَ الْكِتَابُ عَلَى يَزِيدَ لَعَنَهُ اللَّهُ كَتَبَ الْجَوَابَ إِلَى
عُثْبَةَ أَمَّا بَعْدُ، فَإِذَا أَتَاكَ كِتَابِي هَذَا فَعَجِّلْ عَلَيَّ بِخَوَابِيهِ وَ بَيِّنْ لِي فِي كِتَابِكَ كُلَّ مَنْ فِي
طَاعَتِي أَوْ خَرَجَ عَنْهَا وَ لِيَكُنْ مَعَ الْجَوَابِ رَأْسُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ﷺ، فَبَلَغَ ذَلِكَ الْحُسَيْنَ
فَهَمَّ بِالْخُرُوجِ مِنْ أَرْضِ الْحِجَازِ إِلَى أَرْضِ الْعِرَاقِ، فَلَمَّا أَقْبَلَ اللَّيْلُ رَاحَ إِلَى مَسْجِدِ
النَّبِيِّ ﷺ لِيُودِعَ الْقَبْرَ فَلَمَّا وَصَلَ إِلَى الْقَبْرِ سَطَعَ لَهُ نُورٌ مِنَ الْقَبْرِ فَعَادَ إِلَى مَوْضِعِهِ، فَلَمَّا
كَانَتِ اللَّيْلَةُ الثَّانِيَةَ رَاحَ لِيُودِعَ الْقَبْرَ فَقَامَ يُصَلِّي فَأُطَالَ فَتَنَعَسَ وَ هُوَ سَاجِدٌ فَجَاءَهُ
النَّبِيُّ ﷺ وَ هُوَ فِي مَنَامِهِ فَأَخَذَ الْحُسَيْنُ ﷺ وَ ضَمَّهُ إِلَى صَدْرِهِ وَ جَعَلَ يَقْبَلُ عَيْنَيْهِ وَ
يَقُولُ: «يَا بَنِي أَنْتَ كَأَنِّي أَرَاكَ مُرْمَلًا بِذِمِّكَ بَيْنَ عِصَابَةٍ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ يَرْجُونَ شَفَاعَتِي مَا
لَهُمْ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ خَلَاقٍ يَا بَنِي إِنَّكَ قَادِمٌ عَلَى أَبِيكَ وَ أُمِّكَ وَ أَخِيكَ وَ هُمْ مُشْتَاقُونَ
إِلَيْكَ وَ إِنَّ لَكَ فِي الْجَنَّةِ دَرَجَاتٍ لَا تَنَالُهَا إِلَّا بِالشَّهَادَةِ» فَأَنْتَبَهَ الْحُسَيْنُ ﷺ مِنْ نَوْمِهِ
بَاكِيًا فَأَتَى أَهْلَ بَيْتِهِ فَأَخْبَرَهُمْ بِالرُّؤْيَا وَ وَدَّعَهُمْ وَ حَمَلَ أَخَوَاتِهِ عَلَى الْمَحَامِلِ وَ ابْنَتَهُ وَ
ابْنَ أَخِيهِ الْقَاسِمَ بْنَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ ﷺ ثُمَّ سَارَ فِي أَحَدٍ وَ عِشْرِينَ رَجُلًا مِنْ أَصْحَابِهِ وَ
أَهْلَ بَيْتِهِ مِنْهُمْ أَبُو بَكْرٍ بْنُ عَلِيٍّ وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَ عُثْمَانُ بْنُ عَلِيٍّ وَ الْعَبَّاسُ بْنُ عَلِيٍّ وَ عَبْدُ
اللَّهِ بْنُ مُسْلِمٍ بْنُ عَقِيلٍ وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ الْاَكْبَرُ وَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ الْاَصْغَرُ ﷺ وَ سَمِعَ عَبْدُ



السلام



سنة

حسین بن علی را احضار کرد و گفت: امیرالمؤمنین یزید فرمان داده که با وی بیعت کنی. حسین علیه السلام فرمود: ای عتبه! خوب می دانی ما، خاندان کرامت و معدن رسالت هستیم و اعلام حق که خداوند به دل ها سپرده و زبان ما را بدان گویا نموده است، من به رخصت پروردگار گویا شدم و از جدم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که خلافت بر نسل ابوسفیان نارواست، چگونه با خانواده ای بیعت کنم که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله درباره آنان چنین گفته است؟ آنگاه که عتبه این سخن را شنید به کاتب خود فرمان داد که نامه زیر را برای یزید بنویسد:

بسم الله الرحمن الرحيم. به سوی عبدالله یزید امیرالمؤمنین. از طرف عتبه ابی سفیان. اما بعد بی گمان حسین بن علی حق خلافت و بیعت را برای تو قائل نیست. درباره او هرگونه خواهی تصمیم بگیر. والسلام.

آنگاه که نامه عتبه به دست یزید رسید، در پاسخ آن چنین نوشت: اما بعد نامه من که به دست تو رسید، بی درنگ جواب ده و در نامدهات بگو چه کسی مطیع من است و چه کسی با من سر ستیز دارد و نیز سر حسین باید همراه با جواب نامه باشد.

این گزارش به حسین علیه السلام رسید و قصد سفر به عراق کرد. شب هنگام به مسجد پیامبر آمد تا با آن حضرت وداع کند. آنگاه که برابر قبر رسول اکرم صلی الله علیه و آله ایستاد، نوری از حرم پر توی افکند و سپس به جای خود بازگشت. شب دیگر آمد که وداع کند. به نماز ایستاد و نمازش را طولانی ساخت تا آنکه پس از نماز خواب سبکی او را گرفت. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به خواب حسین علیه السلام آمد و او را در آغوش گرفت و سرش را به سینه چسبانید و چشمان او را بوسه زد و فرمود: پدرم فدایت شود. گویی تو را به خون آغشته می بینم؛ آن هم در میان امتی که انتظار شفاعت مرا دارند و بی گمان پیش خداوند نصیبی از آن نخواهند داشت. پسر جانم! تو پیش پدر و مادر و برادر خود خواهی آمد در حالی که همه اشتیاق برای دیدارت را دارند. تو در بهشت مرتبه های بلندی داری که جز از رهگذر شهادت بدان نائل نخواهی شد.

حسین علیه السلام در حالی که چشمان گریانی داشت، از خواب بلند شد و نزد خانواده اش بازگشت و خواب خویش را باز گفت و سپس وداع کرد. خواهران و دختران و برادر زاده خود، قاسم بن حسن علیه السلام را بر محمل سوار کرد و همراه با بیست و یک تن از یاران و خاندان خود از مدینه بیرون آمد. ابوبکر بن علی، عثمان بن علی، عباس بن علی، عبدالله بن مسلم بن عقیل، علی بن الحسین الاکبر، علی بن الحسین الاصغر در کاروان حسین علیه السلام به چشم می خوردند.



السلامی





السلام

الله بن عمر بخروجه فقدم راحلته وخرج خلفه مسرعاً فأدركه في بعض المنازل، فقال: أين تريد يا ابن رسول الله؟ قال: «العراق»، قال: مهلاً ارجع إلي حرم جدك، فأبى الحسين عليه السلام فلما رأى ابن عمر إباءه قال: يا أبا عبد الله اكشف لي عن الموضع الذي كان رسول الله ﷺ يقبله منك فكشف الحسين ﷺ عن سريته فقبلها ابن عمر ثلاثاً وبكى وقال: أستودعك الله يا أبا عبد الله فإنك مقتول في وجهك هذا، فسار الحسين وأصحابه فلما نزلوا ثعلبية ورد عليه رجل يقال له بشر بن غالب، فقال: يا ابن رسول الله ﷺ أخبرني عن قول الله عز وجل «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أَنَسٍ بِإِمَامِهِمْ»^(١)، قال: «إمام دعا إلى هدى فأجابوه إليه وإمام دعا إلى ضلالة فأجابوه إليها هؤلاء في الجنة وهؤلاء في النار وهو قوله عز وجل «فريق في الجنة وفريق في السعير»^(٢)، ثم سار حتى نزل العذيب، فقال: فيها قائلة الظهيرة ثم انتبه من نومه باكياً، فقال له ابنه: ما يبكيك يا أبة، فقال: يا بني إنها ساعة لا تكذب الروايات فيها وإنه عرض لي في منامي عارض، فقال: تسرعون السير والنمنا يا تسير بكم إلى الجنة ثم سار حتى نزل الرهيمية فورد عليه رجل من أهل الكوفة يكنى أبا هرم، فقال: يا ابن النبي ما الذي أخرجك من المدينة؟ فقال: «ويحك يا أبا هرم شتموا عرضي فصبرت وطلبوا مالي فصبرت وطلبوا دمي فهربت وإني لله ليقتلني ثم ليلبسنيهم الله ذلاً شاملاً وسيفاً قاطعاً وليسلطن عليهم من يذلهم» قال: وبلغ عبيد الله بن زياد لعنه الله الخبر وأن الحسين ﷺ قد نزل الرهيمية فأرسل إليه الحر بن يزيد في ألف فارس، قال الحر: فلما خرجت من منزلي متوجهاً نحو الحسين ﷺ نوديت ثلاثاً يا حر أبشر بالجنة فالتفت فلم أر أحداً، فقلت: تكلم الحر أمة يخرج إلى قتال ابن رسول الله ﷺ ويُسَرُّ بالجنة فرهقه عند صلاة الظهر، فأمر الحسين ﷺ ابنه، فأذن وأقام وأقام الحسين ﷺ فصلى بالفرقتين جميعاً فلما سلم وثب الحر بن يزيد فقال: السلام عليك يا ابن رسول الله ورحمة الله وبركاته، فقال الحسين ﷺ: «وعليك السلام، من أنت يا عبد الله؟ فقال: أنا الحر بن يزيد، فقال: «يا حر أعلينا أم لنا؟» فقال الحر: والله يا ابن رسول الله لقد بعثت لقتالك وأعوذ بالله أن أحشر من قبيري وناصيتي

سورة

عبدالله بن عمر از حرکت حسین علیه السلام آگاه شد و خود را در بین راه به آن حضرت رساند و گفت: ای پسر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله قصد سفر به کدام سرزمین را داری؟ فرمود: عراق. گفت آرامش خود را حفظ کن و به مدینه حرم جدت بازگرد. حسین قبول نکرد. آنگاه عبدالله گفت: ای اباعبدالله: آن نقطه را که پیامبر بوسه زد نشانم بده تا آن را بوسه بزنم. حسین ۷ ناف خود را آشکار کرد و عبدالله بن عمر سه بار آنجا را بوسید و اشک ریخت و بعد گفت: تو را به خدا می سپارم. تو در این سفر شهید خواهی شد. حسین علیه السلام و یاران به راه خویش ادامه دادند تا اینکه به محلی به نام «ثعلبیه» نزدیک شدند. شخصی به نام بشر بن غالب نزد او آمد و گفت: ای پسر پیامبر خدا! از سخن خداوند برایم بگو که فرمود: «روزی هر امتی را با پیشوای آنان فرا خوانیم» (اسراء/۷۱). امام حسین علیه السلام فرمود مقصود امامی است که آنان را به حق فرا خوانده و او را همراهی کردند و نیز امامی که آنان را به باطل رانده و او را مدد رسانند. آن گروه در بهشت خواهند بود و این گروه در دوزخ. این است که خداوند فرمود: «دسته‌ای در بهشت و دسته‌ای در دوزخ اند» (شوری/۷).

آنگاه امام حسین علیه السلام به راه افتاد تا به جایی به نام «عذیب» رسیدند. در آنجا ماندند. از خواب نیمه روزش گریان بیدار شد. فرزندش پرسید: پدر جان چرا اشک می ریزی؟ فرمود: دل‌بندم این ساعتی است که خواب در آن باطل نیست. در خواب کسی به من نزدیک شد و گفت: در رفتن شتاب نورزید. مرگ شما را به سمت بهشت خواهد برد. امام به راه خود ادامه داد تا به محلی به نام «رهیمه» رسیدند. شخصی از کوفیان که او را «اباهرم» می خواندند، نزد آن حضرت آمد و چنین گفت: ای پسر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، چرا از مدینه خارج شدی؟ فرمود: وای بر تو ای اباهرم! مرا ناسزا گفتند، صبوری کردم، ثروتم را به غارت بردند، شکیباماندم. و اکنون می خواستند خونم را بر زمین بریزند که هجرت کردم. سوگند به خدا مرا خواهند کشت و خدا لباس ذلت بر تن آنان خواهند پوشانید و تیغ برهنه بر آنان مسلط می کند و کسی را بر آنان پیشوا سازد که خوارشان کند. اباهرم گفت: خبر به عبیدالله بن زیاد رسیده است که حسین در «رهیمه» منزل کرده است. او حربن یزید را همراه با هزار سوار پیشاپیش فرستاده است.

حربن یزید می گوید: آنگاه که از خانه بیرون آمدم تا در برابر حسین صف آرای کنم، سه بار صدایی به گوشم خورد: ای حرا! تو را بهشت بشارت باد. برگشتم اما کسی را ندیدم. یا خود گفتم که مادر به عزای حربن نشیند که او به جنگ پسر پیامبر می رود. او را چگونه به بهشت بشارت می دهند؟ آنگاه که حربن یزید همراه با سپاهش به کاروان حسین علیه السلام نزدیک شد، هنگام نماز ظهر بود. حسین به فرزند فرمان داد تا اذان و اقامه نماز را بگوید. حسین علیه السلام با هر دو دسته نماز ظهر را به



السلام



مَشْدُودَةٌ إِلَى رِجْلِي وَبِذِي مَقْلُودَةٌ إِلَى عُنُقِي وَأَكْبَّ عَلَى حُرٍّ وَجْهِي فِي النَّارِ يَا ابْنَ رَسُولِ
اللَّهِ أَيْنَ تَذْهَبُ ارْجِعْ إِلَى حَرَمِ جَدِّكَ فَإِنَّكَ مَقْتُولٌ، فَقَالَ الْحُسَيْنُ عليه السلام:

«سَأَمُضِي فَمَا بِالْمَوْتِ عَارٌ عَلَى الْفَتَى إِذَا مَا نَوَى حَقًّا وَجَاهَدَ مُسْلِمًا
وَوَاسَى الرِّجَالَ الصَّالِحِينَ بِنَفْسِهِ وَفَارَقَ مَشْهُورًا وَخَالَفَ مُجْرِمًا
فَإِنْ مِتُّ لَمْ أُنْدَمْ وَإِنْ عِشْتُ لَمْ أَلَمْ كَفَى بِكَ ذُلًّا أَنْ تَمُوتَ وَتُرْغَمَا»
ثُمَّ سَارَ الْحُسَيْنُ عليه السلام حَتَّى نَزَلَ الْقُطْقُطَانِيَّةَ فَنَظَرَ إِلَى فُسْطَاطٍ مَضْرُوبٍ، فَقَالَ: «لِمَنْ
هَذَا الْفُسْطَاطُ؟» فَقِيلَ: لِعُبَيْدِ اللَّهِ بْنِ الْحُرِّ الْجُعْفِيِّ فَأَرْسَلَ إِلَيْهِ الْحُسَيْنُ عليه السلام فَقَالَ: «أَيُّهَا
الرَّجُلُ إِنَّكَ مُذْنِبٌ خَاطِئٌ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ آخَذُكَ بِمَا أَنْتَ صَانِعٌ إِنْ لَمْ تَتُبْ إِلَى اللَّهِ
تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِي سَاعَتِكَ هَذِهِ فَتَنْصُرَنِي وَيَكُونَ جَدِّي شَفِيعَكَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ
تَعَالَى، فَقَالَ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَاللَّهِ لَوْ نَصَرْتُكَ لَكُنْتُ أَوَّلَ مَقْتُولٍ بَيْنَ يَدَيْكَ، وَلَكِنْ
هَذَا فَرَسِي خُذْهُ إِلَيْكَ فَوَاللَّهِ مَا رَكِبْتُهُ قَطُّ وَأَنَا أَرُومُ شَيْئًا إِلَّا بَلَّغْتُهُ وَلَا أَرَادَنِي أَحَدٌ إِلَّا
تَجَوَّزَ عَلَيْهِ فَذُونَكَ فَخُذْهُ فَأَعْرِضْ عَنْهُ الْحُسَيْنُ عليه السلام بَوَّجَهُ ثُمَّ قَالَ: «لَا حَاجَةَ لَنَا فِيكَ
وَلَا فِي فَرَسِكَ وَمَا كُنْتُ مُتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ عَصْدًا، وَلَكِنْ فِرًّا لَنَا وَلَا عَلَيْنَا فَإِنَّهُ مَنْ سَمِعَ
وَاَعْيَتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ ثُمَّ لَمْ يُجِبْنَا كِتَابَ اللَّهِ عَلَى وَجْهِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ» ثُمَّ سَارَ حَتَّى نَزَلَ
كَرْبَلَاءَ، فَقَالَ: «أَيُّ مَوْضِعٍ هَذَا؟» فَقِيلَ: هَذَا كَرْبَلَاءُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، فَقَالَ: «هَذَا وَاللَّهِ
يَوْمُ كَرْبٍ وَبَلَاءٍ وَهَذَا الْمَوْضِعُ الَّذِي يُهْرَاقُ فِيهِ دِمَاؤُنَا وَيَبَاحُ فِيهِ حَرِيمُنَا، فَأَقْبَلَ عُبَيْدُ
اللَّهِ بْنُ زِيَادٍ بِعَسْكَرِهِ حَتَّى عَشَرَ بِالنُّخَيْلَةِ وَبَعَثَ إِلَى الْحُسَيْنِ عليه السلام رَجُلًا يُقَالُ لَهُ عُمَرُ بْنُ
سَعْدٍ فِي أَرْبَعَةِ آلَافٍ فَارِسٍ، وَأَقْبَلَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْحُصَيْنِ التَّمِيمِيُّ فِي آلَافٍ فَارِسٍ يَتَّبِعُهُ
شَبَبٌ بَنُ رُبْعِي فِي آلَافٍ فَارِسٍ وَمُحَمَّدُ بْنُ الْأَشْعَثِ بْنُ قَيْسٍ الْكِنْدِيُّ أَيْضًا فِي آلَافٍ فَارِسٍ
وَكَتَبَ لِعُمَرَ بْنِ سَعْدٍ عَلَى النَّاسِ وَأَمَرَهُمْ أَنْ يَسْمَعُوا لَهُ وَيَطِيعُوهُ، فَبَلَغَ عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ زِيَادٍ
أَنَّ عُمَرَ بْنَ سَعْدٍ يُسَامِرُ الْحُسَيْنَ عليه السلام وَيُحَدِّثُهُ وَيَكْرَهُ قِتَالَهُ فَوَجَّهَ إِلَيْهِ بِسَمَرِ بْنِ ذِي
الْجَوْشَنِ فِي أَرْبَعَةِ آلَافٍ فَارِسٍ وَكَتَبَ إِلَى عُمَرَ بْنِ سَعْدٍ إِذَا أَتَاكَ كِتَابِي هَذَا فَلَا تُمَهِّلَنَّ
الْحُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ وَخُذْ بِكَظْمِهِ وَحُلْ بَيْنَ الْمَاءِ وَبَيْنَهُ كَمَا حِيلَ بَيْنَ عُثْمَانَ وَبَيْنَ الْمَاءِ يَوْمَ
الذَّارِ فَلَمَّا وَصَلَ الْكِتَابُ إِلَى عُمَرَ بْنِ سَعْدٍ (لَعَنَهُ اللَّهُ) أَمَرَ مُنَادِيَهُ فَتَادَى إِنَّا قَدْ أَجَلْنَا

پای داشت. آنگاه که نمازش را سلام داد، حزنزد حضرت آمد و گفت: سلام بر تو ای پسر پیامبر خدا و رحمت خدا و برکات او بر تو باد. حسین فرمود: و بر تو درود باد ای بنده خدا؟ تو کیستی؟ گفت من حرّ بن یزید هستم. فرمود: برای نبرد با ما آمده‌ای یا قصد همراهی ما را داری؟ حر گفت: مرا برای جنگ با تو روانه کرده‌اند. اما به خدا پناه می‌برم از این که از قبرم بیرون بیایم و پای من به موی سرم بسته باشد و دستم به گردنم و آنگاه مرا به صورت در آتش دوزخ بیاندازند. ای پسر پیامبر خدا ﷺ قصد کجا داری؟ به حرم جدت مدینه بازگرد. آنان تو را خواهند کشت. حسین ﷺ فرمود: من به هر حال خواهم رفت. کسی نیت خیر و جهاد دارد که از مردن باک ندارد. او هم دم صالحان گشته و جان بسپارد، در حالی که از شر مجرمان و بدخواهان آزاد شده است. سر فراز و شادمان بمیرم، بهتر از این است که خوار و دشمن شاد بمانم. از آن پس امام حسین ﷺ حرکت کرد تا در «قطقطانیه» خیمه‌ای دید. از صاحب آن خیمه سؤال کرد. پاسخ دادند که به عبیدالله بن حر حنفی تعلق دارد. حسین ﷺ به او چنین پیغام داد: ای مرد تو اهل گناه و خطا پیشه‌ای و بی‌گمان خداوند تو را به سبب اعمالت مؤاخذه خواهد کرد. اگر در این هنگام به سوی او توبه نکنی و مرا کمک نرسانی تا اینکه جدم پیامبر تو را شفاعت کند، او پاسخ داد: ای پسر پیامبر خدا ﷺ اگر تو را یاری رسانم نخستین کسی خواهم بود که جانم را فدای تو می‌کنم. اما اسب خود را پیش کش می‌کنم که به خدا سوگند هرگاه از او سواری گرفتم به میل دلم رفتار کرد و هر کس قصد نابودی مرا کرد، از شر او نجات پیدا کرده‌ام. آن را بگو. حسین ﷺ روشن را از او بر گردانید و فرمود: نه به تو نیاز داریم و نه به اسب تو. من هرگز ستم کاران را به پشتیبانی خود فراخوانم. اما از این جا برو. نه همراه ما باش و نه بر ضد ما. زیرا هر کس صدای فریادرسی خاندانم را بشنود و پاسخ نگوید، خداوند او را به رو در آتش دوزخ می‌افکند.

آنگاه کاروان حسین ﷺ به راه افتادند تا آنکه به سرزمین کربلا رسیدند. فرمود: نام این سرزمین چیست؟ گفتند: کربلاست ای پسر پیامبر خدا. فرمود: به خدا سوگند امروز روز رنج و بلاست. و در این سرزمین خون ما را خواهند ریخت و حریم ما را بر خود مباح خواهند کرد.

عبیدالله بن زیاد در «نخيله» سپاه خود را سان دید و شخصی به نام عمر بن سعد را همراه با چهار هزار سوار رویاروی حسین ﷺ روانه ساخت. و عبدالله بن حصین تمیمی را هم با هزار سوار در به دنبال او روانه کرد و شبث ربعی را همراه با هزار سوار و محمد بن اشعث بن قیس کندی را نیز همراه با هزار سوار به کمک او فرستاد. به فرمانده‌ها دستور هماهنگی با عمر بن سعد را داد. آنگاه که به عبیدالله بن زیاد گزارش رسید که عمر بن سعد شبانه با حسین ﷺ دیدار و گفتگو دارد و از پیکار با او



السلام





الاساس

حُسَيْنًا وَأَصْحَابَهُ يَوْمَهُمْ وَلَيْلَتَهُمْ فَشَقَّ ذَلِكَ عَلَى الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَعَلَى أَصْحَابِهِ فَقَامَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي أَصْحَابِهِ خَطِيبًا فَقَالَ: «اللَّهُمَّ إِنِّي لَا أَعْرِفُ أَهْلَ بَيْتِ أَبَرُّ وَلَا أَزْكَى وَلَا أَطَهَرَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي وَلَا أَصْحَابًا هُمْ خَيْرٌ مِنْ أَصْحَابِي، وَقَدْ نَزَلَ بِي مَا قَدْ تَرَوْنَ وَأَنْتُمْ فِي حِلٍّ مِنْ بَيْعَتِي لَيْسَتْ لِي فِي أَغْنَاكُمْ بَيْعَةٌ وَلَا لِي عَلَيْكُمْ ذِمَّةٌ، وَهَذَا اللَّيْلُ قَدْ غَشِيَكُمْ فَأَتَّخِذُوهُ جَمَلًا وَتَفَرَّقُوا فِي سَوَادِهِ، فَإِنَّ الْقَوْمَ إِنَّمَا يَطْلُبُونِي وَلَوْ ظَفَرُوا بِي لَذَهَلُوا عَنْ طَلَبِ غَيْرِي، فَقَامَ إِلَيْهِ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُسْلِمٍ بْنُ عَقِيلٍ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، فَقَالَ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَاذَا يَقُولُ لَنَا النَّاسُ إِنْ نَحْنُ خَذَلْنَا شَيْخَنَا وَكَبِيرَنَا وَسَيِّدَنَا وَابْنَ سَيِّدِ الْأَعْمَامِ وَابْنَ نَبِيِّنَا سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ لَمْ نَضْرِبْ مَعَهُ سَيْفٌ وَلَمْ نُقَاتِلْ مَعَهُ بِرُمْحٍ لَا وَاللَّهِ أَوْ تَرَدُّ مُورِدَكَ وَنَجْعَلَ أَنْفُسَنَا دُونَ نَفْسِكَ وَدِمَاءَنَا دُونَ دَمِكَ، فَإِذَا نَحْنُ فَعَلْنَا ذَلِكَ فَقَدْ قَضَيْنَا مَا عَلَيْنَا وَخَرَجْنَا مِمَّا لَزِمْنَا، وَقَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ يُقَالُ لَهُ زُهَيْرُ بْنُ الْقَيْنِ الْبَجَلِيُّ، فَقَالَ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَدِدْتُ أَنِّي قُتِلْتُ ثُمَّ نُشِرْتُ ثُمَّ قُتِلْتُ ثُمَّ نُشِرْتُ ثُمَّ قُتِلْتُ ثُمَّ نُشِرْتُ فَبَكَى وَفِي الدِّينِ مَعَكَ مِائَةٌ قَتْلَةٍ وَإِنَّ اللَّهَ دَفَعَ بِي عَنْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ، فَقَالَ لَهُ وَلِأَصْحَابِهِ: جُزِئْتُمْ خَيْرًا، ثُمَّ إِنَّ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَمَرَ بِحَفِيرَةٍ فَحُفِرَتْ حَوْلَ عَسْكَرِهِ شِبْهَ الْخَنْدَقِ وَأَمَرَ فَحُشِيَتْ حُطْبًا وَأُرْسِلَ عَلَيْهِ ابْنُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي ثَلَاثِينَ فَارِسًا وَعَشْرِينَ رَاجِلًا لِيَسْتَقُوا الْمَاءَ وَهُمْ عَلَى وَجَلٍ شَدِيدٍ وَأَنشَأَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ:

«يَا دَهْرُ أَفْ لَكَ مِنْ حَلِيلٍ كَمْ لَكَ فِي الْأَشْرَاقِ وَالْأَصِيلِ
مِنْ طَالِبٍ وَصَاحِبِ قَتِيلٍ وَالْدَّهْرُ لَا يَسْقَعُ بِالْبَدِيلِ
وَإِنَّمَا الْأَمْرُ إِلَى الْجَلِيلِ وَكُلُّ حَيٍّ سَالِكٌ سَبِيلِي»

ثُمَّ قَالَ لِأَصْحَابِهِ: قُومُوا فَاشْرَبُوا مِنَ الْمَاءِ يَكُنْ آخِرَ زَادِكُمْ وَتَوَضَّؤُوا وَاغْتَسِلُوا وَاغْسِلُوا ثِيَابَكُمْ لِيَكُونَ أَكْفَانُكُمْ ثُمَّ صَلَّى بِهِمُ الْفَجْرَ وَعَبَّأَهُمْ تَعْبِيَةَ الْحَرْبِ وَأَمَرَ بِحَفِيرَتِهِ الَّتِي حَوْلَ عَسْكَرِهِ فَأُضْرِمَتْ بِالنَّارِ لِيُقَاتِلَ الْقَوْمَ مِنْ وَجْهِ وَاحِدٍ وَأَقْبَلَ رَجُلٌ مِنْ عَسْكَرِ عُمَرَ بْنِ سَعْدٍ عَلَى فَرَسٍ لَهُ يُقَالُ لَهُ ابْنُ أَبِي جُوَيْرِيَةَ الْمُرْنِيُّ، فَلَمَّا نَظَرَ إِلَى النَّارِ تَتَقَدُّ صَفَقَ بِيَدِهِ وَنَادَى يَا حُسَيْنُ وَأَصْحَابَ الْحُسَيْنِ أَبْشَرُوا بِالنَّارِ فَقَدْ تَعَجَّلْتُمُوهَا فِي الدُّنْيَا، فَقَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ «مَنْ الرَّجُلُ؟» فَقِيلَ ابْنُ أَبِي جُوَيْرِيَةَ الْمُرْنِيُّ، فَقَالَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ «اللَّهُمَّ أَذِقْهُ

سَدُون

سرباز می‌زند، شمر بن ذی الجوشن را همراه با چهار هزار سوار روانه ساخت و به عمر بن سعد پیغام داد که هرگاه نامه من به دست تو رسید، حسین بن علی رامهلت نده و گلوی او را بگیر و آب فرات را به روی او بپاش، همان گونه که در «یوم الدار» به روی عثمان بستند. آنگاه که عمر بن سعد نامه عبیدالله بن زیاد را گرفت، جارچی ندا داد که ما حسین و همراهان او را یک شب مهلت خواهیم داد. این ندا بر حضرت و یاران او ناگوار آمد. حسین علیه السلام بلند شد و برای نزدیکان خود چنین فرمود: من خاندانی خوش کردارتر و پارساتر از خاندان خود نمی‌شناسم و همراهانی بهتر از همراهان خودم. عزیزان، اکنون می‌بینید که بر سر من چه آوردند. شما را از بیعت خود آزاد کردم و از این پس بیعتی بر گردن شما نخواهد بود و بر شما هیچ مسئولیتی از جانب من نخواهد ماند. اینک سیاهی شب شما را فرا گرفته است، بکوشید تا در این سو و آن سو پراکنده شوید. چون این گروه در تعقیب من هستند و هرگاه به من دست یافتند، کسی سراغ دیگری نخواهند رفت.

آنگاه عبدالله بن مسلم بن عقیل بلند شد و گفت: ای پسر پیامبر خدا! مردم چه خواهند گفت که ما سرور و بزرگ و زاده رسول خدا را رها کنیم و در راه او شمشیر نزنیم و نیزه‌ای به کار نبریم؟ نه، به خدا سوگند جان و خون خود را قربانی تو خواهیم کرد تا وظیفه خود را انجام داده باشیم و حق تو را ادا کرده باشیم. آنگاه شخصی به نام زهیر بن قین بجلی بلند شد و گفت: ای پسر پیامبر خدا برای یاری تو و همراهانت مایلم صد بار کشته شوم و زنده شوم و خداوند به وسیله من از شما خاندان پیامبر دفاع کند. حسین علیه السلام به او و یاران خود چنین فرمود: پاداش نیکو نصیبتان باد. و بعد فرمان داد خندق گونه‌ای گرد کاروان حفر کنند و از هیزم پر کنند. سپس فرزندش علی اکبر را همراه با سی سوار و بیست پیاده فرستاد که آب بیاورند. حسین چنین بر زبان خواند: ای روزگارا! اف بر تو باد که مددکار ستم‌گری. چه پگاهان و چه شامگاهان که هراس نیفکندی. چه آسان از همراه خویش سر می‌ستانی و به کمتر از آن اکتفا نمی‌کنی. در حقیقت کار دست خدای جلیل است و زنده حقیقی کسی است که سالک راهم باشد. آنگاه رو به همراهان فرمود: اینک بلند شوید و آب بنوشید که واپسین توشه شماست. وضو بگیرید و غسل کنید و جامه خود را برای کفن شدن بشوید. حسین علیه السلام نماز صبح را با نزدیکان خواند و آنان را برای جنگ صف آرایی کرد. و بعد فرمان داد تا هیزم خندق را یک سر آتش بزنند. تا با سپاه دشمن از یک سمت در ستیز باشند. در این هنگام این ابی‌جویری

عَذَابِ النَّارِ فِي الدُّنْيَا» فَتَقَرَّبَ بِهِ فَرَسُهُ فَأَلْقَاهُ فِي تِلْكَ النَّارِ فَاحْتَرَقَ، ثُمَّ بَرَزَ مِنْ عَسْكَرِ
عُمَرَ بْنِ سَعْدٍ رَجُلٌ آخَرُ يُقَالُ لَهُ تَمِيمٌ بْنُ الْحُصَيْنِ الْفَزَارِيُّ فَنَادَى يَا حُسَيْنُ وَيَا أَصْحَابَ
الْحُسَيْنِ أَمَا تَرَوْنَ إِلَى مَاءِ الْفُرَاتِ يَلُوحُ كَأَنَّهُ بَطُونُ الْحَيَاتِ وَاللَّهِ لَا ذُقْتُمْ مِنْهُ قَطْرَةً حَتَّى
تَذُوقُوا الْمَوْتَ جَزَعًا، فَقَالَ الْحُسَيْنُ عليه السلام «مَنْ الرَّجُلُ؟» فَقِيلَ تَمِيمٌ بْنُ حُصَيْنٍ، فَقَالَ
الْحُسَيْنُ عليه السلام: «هَذَا وَابْنُ أَبِيهِ مِنْ أَهْلِ النَّارِ اللَّهُمَّ اقْتُلْ هَذَا عَطَشًا فِي هَذَا الْيَوْمِ»، قَالَ فَخَنَّقَهُ
الْعَطَشُ حَتَّى سَقَطَ عَنْ فَرَسِهِ فَوَطِئَتْهُ الْخَيْلُ بِسَنَابِكِهَا فَمَاتَ ثُمَّ أَقْبَلَ آخَرُ مِنْ عَسْكَرِ عُمَرَ
بْنِ سَعْدٍ يُقَالُ لَهُ مُحَمَّدُ بْنُ أَشْعَثَ بْنِ قَيْسِ الْكِنْدِيِّ، فَقَالَ: يَا حُسَيْنُ بْنُ فَاطِمَةَ أَيْتُ حُرْمَةً
لَكَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ لَيْسَتْ لِعَفْرِكَ، قَالَ الْحُسَيْنُ عليه السلام هَذِهِ الْآيَةُ «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَ
نُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ» ^(١) الْآيَةُ ثُمَّ قَالَ
«وَاللَّهِ إِنْ مُحَمَّدًا لَمِنْ آلِ إِبْرَاهِيمَ وَإِنَّ الْعِثْرَةَ الْهَادِيَةَ لَمِنْ آلِ مُحَمَّدٍ، مَنِ الرَّجُلُ؟
فَقِيلَ مُحَمَّدُ بْنُ أَشْعَثَ بْنِ قَيْسِ الْكِنْدِيِّ فَرَفَعَ الْحُسَيْنُ عليه السلام رَأْسَهُ إِلَى السَّمَاءِ فَقَالَ: «اللَّهُمَّ
أَرِ مُحَمَّدُ بْنُ الْأَشْعَثِ ذُلًّا فِي هَذَا الْيَوْمِ لَا تَجْعَلْهُ بَعْدَ هَذَا الْيَوْمِ أَبَدًا» فَعَرَضَ لَهُ عَارِضٌ
فَخَرَجَ مِنَ الْعَسْكَرِ يَتَبَرَّزُ فَسَلَّطَ اللَّهُ عَلَيْهِ عَقْرَبًا فَلَدَعَهُ فَمَاتَ بِأَدْيِ الْعَوْرَةِ فَبَلَغَ الْعَطَشُ مِنَ
الْحُسَيْنِ عليه السلام وَأَصْحَابِهِ فَدَخَلَ عَلَيْهِ رَجُلٌ مِنْ شِيعَتِهِ يُقَالُ لَهُ يَزِيدُ بْنُ الْحُصَيْنِ الْهَمْدَانِيُّ،
قَالَ إِبْرَاهِيمُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ: - زَاوِيَ الْحَدِيثِ هُوَ خَالَ أَبِي إِسْحَاقَ الْهَمْدَانِي - فَقَالَ: يَا ابْنَ
رَسُولِ اللَّهِ أَتَأْذَنُ لِي فَأَخْرِجَ إِلَيْهِمْ فَأَمْلَهُمْ فَأَذِنَ لَهُ فَخَرَجَ إِلَيْهِمْ فَقَالَ: يَا مَعْشَرَ النَّاسِ إِنَّ
اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِأَذْنِهِ وَبِرَاجَا مُنِيرًا وَ
هَذَا مَاءُ الْفُرَاتِ تَقَعُ فِيهِ خَنَازِيرُ السَّوَادِ وَكِلَابُهَا، وَقَدْ حِيلَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ ابْنِهِ، فَقَالُوا: يَا
يَزِيدُ فَقَدْ أَكْثَرْتَ الْكَلَامَ فَكَفِّفْ فَوَاللَّهِ لَيُعْطِشُ الْحُسَيْنُ كَمَا عَطَشَ مَنْ كَانَ قَبْلَهُ، فَقَالَ
الْحُسَيْنُ: «أَقْعُدْ يَا يَزِيدُ»، ثُمَّ وَثَبَ الْحُسَيْنُ عليه السلام مُتَوَكِّنًا عَلَى سَيْفِهِ فَنَادَى بِأَعْلَى صَوْتِهِ،
فَقَالَ: «أَنْشُدْكُمْ اللَّهَ هَلْ تَعْرِفُونَنِي؟» قَالُوا: نَعَمْ أَنْتَ ابْنُ رَسُولِ اللَّهِ وَبَنُوطُهُ، قَالَ: «أَنْشُدْكُمْ
اللَّهَ هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله؟» قَالُوا: اللَّهُمَّ نَعَمْ، قَالَ: «أَنْشُدْكُمْ اللَّهَ هَلْ
تَعْلَمُونَ أَنَّ أُمِّي فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ؟» قَالُوا: اللَّهُمَّ نَعَمْ، قَالَ: «أَنْشُدْكُمْ اللَّهَ هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ

از سپاه عمر بن سعد بیرون آمد و نگاهی به شعله‌های آتش افکند و گفت: ای حسین وای همراهان حسین! شما را آتش مزده باد که در دنیا به سمت آن شتابان رفتید. حسین فرمود: این شخص کیست؟ گفتند: ابن جویریہ است. فرمود: خدایا! او را عذاب آتش در دنیا نصیب بگردان. ناگاه اسب او رم کرد و او را در کام آتش افکند و سوخت. شخص دیگری که تمیم بن حصین فزاری نام داشت، از سپاه عمر بن سعد بیرون آمد و فریاد زد: ای حسین وای همراهان حسین! آب رود فرات را بنگرید که همانند شکم ماهی موج بالا می‌آورد. به خدا سوگند، قطره‌ای از آن را نخواهید چشید تا اینکه از تشنگی جان سپارید. حسین فرمود: او کیست؟ گفتند تمیم بن حصین است. فرمود: او و پدرش دوزخی‌اند. خدایا! امروز او را از تشنگی هلاک ساز. چیزی نگذشت که تشنگی گلوگیر وی شد و او را از اسب به زیر انداخت و زیر سم اسب‌ها خرد شد. شخص دیگری از سپاه عمر سعد به نام محمد بن اشعث کندی جلو آمد و گفت: ای حسین پسر فاطمه! تو از جانب پیامبر خدا چه حرمتی داری که دیگران ندارند؟ حسین علیه السلام فرمود: وان الله اصطفى آدم و نوحا و آل ابراهيم و آل عمران على العالمين ذرية خداوند آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را به جهانیان برگزید کسانی که از یکدیگر ندرند. آنگاه فرمود: به خدا سوگند محمد صلی الله علیه و آله از خاندان ابراهیم است و عزت از خاندان محمد صلی الله علیه و آله هستند. بعد فرمود: این مرد کیست؟ گفتند: او محمد بن اشعث بن قیس کندی است. حسین علیه السلام سر سوی آسمان بلند کرد و گفت: خدایا! به او چنان خواری نصیب کن که هرگز عزیزش نسازد. از آن پس او دچار عارضی شد و از سپاه کناره گرفت تا خود را پرستار باشد. خداوند عقربی را بر او چیره ساخت تا او را گزید و او در حالی که شرم گاهش آشکار گشته بود، جان سپرد. سرانجام تشنگی بر حسین علیه السلام و همراهان آن حضرت چیره شد. چند تن از همراهان حسین علیه السلام به نام یزید بن حصین همدانی، نزد حضرت آمد و گفت: ای پسر پیامبر خدا، به من رخصت بده تا با این گروه گفت و گو کنم. حسین علیه السلام رخصت داد. او نزد سپاه عمر بن سعد رفت و گفت: ای مردم بی گمان خداوند محمد صلی الله علیه و آله روانه کرد تا بشارت دهنده و انذار دهنده و دعوت کننده به سوی پروردگار باشد و نیز روشنایی پایدار. ای مردم! این آب رود فرات را می‌نگرید که حتی خوکهای روستایی‌ها و سگ‌های آنان در آن غوطه می‌خورند در حالی که شما از فرزند پیامبر مضایقه می‌کنید. در پاسخ او چنین گفتند: ای یزید سخن دراز ساختی. بس کن. حسین باید تشنگی بکشد همان گونه که پیش از او تشنگی کشیدند. حسین علیه السلام فرمود: ای یزید! پاسخ مده. آنگاه خود بلند شد و به شمشیر تکیه زد و با صدای بلند فرمود: شما را به خدا، آیا مرا شناخته‌اید؟ گفتند: آری. تو پسر پیامبر خدا هستی و نیز سبط او هستی. فرمود: شما را به خدا



اللهم



أَبِي عَلِيٍّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ؟» قَالُوا: اللَّهُمَّ نَعَمْ، قَالَ: «أَنْشُدْكُمْ اللَّهَ هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ جَدِّي خَدِيجَةَ بِنْتُ خُوَيْلِدٍ أَوَّلُ نِسَاءِ هَذِهِ الْأُمَّةِ إِسْلَامًا؟» قَالُوا: اللَّهُمَّ نَعَمْ، قَالَ: «أَنْشُدْكُمْ اللَّهَ هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ سَيِّدَ الشُّهَدَاءِ حَمْرَةَ عَمِّ أَبِي؟» قَالُوا: اللَّهُمَّ نَعَمْ، قَالَ: «فَأَنْشُدْكُمْ اللَّهَ هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ جَعْفَرَ الطَّيَّارِ فِي الْجَنَّةِ عَمِّي؟» قَالُوا: اللَّهُمَّ نَعَمْ، قَالَ: «فَأَنْشُدْكُمْ اللَّهَ هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ هَذَا سَيْفُ رَسُولِ اللَّهِ وَأَنَا مُتَقَلِّدُهُ؟» قَالُوا: اللَّهُمَّ نَعَمْ، قَالَ: «فَأَنْشُدْكُمْ اللَّهَ هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ هَذِهِ عِمَامَةُ رَسُولِ اللَّهِ أَنَا لِابْنِهَا؟» قَالُوا: اللَّهُمَّ نَعَمْ، قَالَ: «فَأَنْشُدْكُمْ اللَّهَ هَلْ تَعْلَمُونَ أَنَّ عَلِيًّا كَانَ أَوَّلَهُمْ إِسْلَامًا وَأَعْلَمَهُمْ عِلْمًا وَأَعْظَمَهُمْ جِلْمًا وَأَنَّهُ وَلِيُّ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ؟» قَالُوا: اللَّهُمَّ نَعَمْ، قَالَ: «فَبِمَ تَسْتَحِلُّونَ دَمِي وَأَبِي الذَّائِدُ عَنِ الْخَوْضِ غَدًا بِذَوْدِ عَنْهُ رِجَالًا كَمَا يُذَادُ الْبَعِيرُ الصَّادِرُ عَنِ الْمَاءِ وَلِوَاءِ الْحَمْدِ فِي يَدِ جَدِّي يَوْمَ الْقِيَامَةِ، قَالُوا: قَدْ عَلِمْنَا ذَلِكَ كُلَّهُ وَنَحْنُ غَيْرُ تَارِكِيكَ حَتَّى تَذُوقَ الْمَوْتَ عَطَشًا، فَأَخَذَ الْحُسَيْنُ عليه السلام بِطَرْفِ لِحْيَتِهِ وَهُوَ يَوْمِيذُ ابْنِ سَنَعٍ وَخَمْسِينَ سَنَةً، ثُمَّ قَالَ اشْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ عَلَى الْيَهُودِ حِينَ قَالُوا غَزِيرُ ابْنِ اللَّهِ وَاشْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ عَلَى النَّصَارَى حِينَ قَالُوا الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ وَاشْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ عَلَى الْمَجُوسِ حِينَ عَبَدُوا النَّارَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَاشْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ عَلَى قَوْمٍ قَتَلُوا نَبِيَّهُمْ وَاشْتَدَّ غَضَبُ اللَّهِ عَلَى هَذِهِ الْعَصَاةِ الَّذِينَ يُرِيدُونَ قَتْلَ ابْنِ نَبِيِّهِمْ»، قَالَ: فَضَرَبَ الْحَرْثُ بْنُ يَزِيدٍ فَرْسَهُ وَجَارَ عَسْكَرَ عُمَرَ بْنِ سَعْدٍ (لعنه الله)، إِلَى عَسْكَرِ الْحُسَيْنِ عليه السلام وَاضْعَا يَدَهُ عَلَى رَأْسِهِ وَهُوَ يَقُولُ: اللَّهُمَّ إِلَيْكَ أَيْتُ فُتُبَ عَلَيٍّ فَقَدْ أَرْعَبْتُ قُلُوبَ أَوْلِيَايَكَ وَأَوْلَادَ نَبِيِّكَ، يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ هَلْ لِي مِنْ تَوْبَةٍ؟ قَالَ: «نَعَمْ تَابَ اللَّهُ عَلَيْكَ» قَالَ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَتَأْذَنُ لِي فَأَقَاتِلَ عَنْكَ؟ فَأَذِنَ لَهُ فَبَرَزَ وَهُوَ يَقُولُ:

أَضْرِبُ فِي أَغْنَاقِكُمْ بِالسَّيْفِ عَنْ خَيْرِ مَنْ حَلَّ بِبِلَادِ الْخَيْفِ
فَقَتَلَ مِنْهُمْ ثَمَانِيَةَ عَشَرَ رَجُلًا ثُمَّ قَتَلَ فَاتَاهُ الْحُسَيْنُ عليه السلام وَدَمُهُ يَشْخَبُ فَقَالَ: «بَيْعُ يَا حُرُّ أَنْتَ حُرٌّ كَمَا سُمِّيتَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ثُمَّ أَنْشَأَ الْحُسَيْنُ يَقُولُ:

لَسِنَعِ الْحُرُّ حُرٌّ بَنِي رِيَّاحٍ وَنِعَمَ الْحُرُّ عِنْدَ مُخْتَلَفِ الرِّمَاحِ
وَنِعَمَ الْحُرُّ إِذَا نَادَى حُسَيْنًا فَجَادَ بِنَفْسِهِ عِنْدَ الصُّبْحِ
ثُمَّ بَرَزَ مِنْ بَعْدِهِ زُهَيْرُ بْنُ الْقَيْنِ الْبَجَلِيُّ وَهُوَ يَقُولُ مُخَاطِبًا لِلْحُسَيْنِ عليه السلام:

خبر دارید که نیای من رسول اکرم ﷺ است؟ گفتند: آری. فرمود: آیا خبر دارید که مادرم فاطمه دختر محمد ﷺ است؟ گفتند: آری. فرمود: آیا خبر دارید که جده من خدیجه دختر خویلد همان نخستین زن مسلمان این امت است؟ گفتند: آری. فرمود: آیا شما خبر دارید که سید شهیدان حمزه عموی پدرم، علی ﷺ است؟ گفتند: آری. فرمود: آیا خبر دارید که جعفر طیار در بهشت عموی من است؟ گفتند: آری. فرمود: شما را به خدا خبر دارید که شمشیر من شمشیر پیامبر خداست؟ گفتند: آری. فرمود: آیا خبر دارید که عمامه پیامبر خدا بر سر من است؟ گفتند: آری. فرمود: آیا خبر دارید که علی ﷺ در مسلمان بودن بر همگان پیشی گرفته است؟ و نیز در علم و حلم سرآمد امت است؟ و او سرپرست هر زن و مرد مؤمن است؟ گفتند: آری. حسین ﷺ فرمود: پس با چه انگیزه‌ای خون مرا حلال می‌شمیرید؟ پدرم در فردای روز قیامت سر حوض کوثر خواهد ایستاد و کسانی را از گرد آن دور می‌سازد، همچون شترهایی که از سر آب پس می‌زنند. و پرچم حمد در آن روز در دست نیای من محمد ﷺ است. گفتند: هر چه گفتی می‌دانیم. با این همه از تو دست بر نخواهیم داشت. تا آنکه تشنه لب جان دهی.

حسین ﷺ در عاشورا پنجاه و هفت سال داشت. حضرت دستی به محاسن خود کشید و بعد فرمود: خشم خداوند بر قوم یهود آنگاه بیشتر شد که ادعا کردند، عزیر، پسر خداست. و نیز خشم خداوند بر قوم مسیح ﷺ آنگاه فزونی یافت که اظهار داشتند، مسیح پسر خداست. و قوم مجوس به سبب آتش پرستی و کج روی از راه یکتاپرستی دچار خشم و کيفر الهی شدند. بی‌گمان خشم خداوند بر کسانی که پیامبر خود را به قتل رساندند، دشوار خواهد بود و همچنین خشم خداوند بر کسانی سخت خواهد بود که قصد کشتن پسر پیامبر خدا را دارند.

در این هنگام حربن یزید که سوار بر اسب خویش بود، از سپاه عمر سعد جدا شده و آنرا به سمت سپاه حسین ﷺ راند، در حالی که دست بر سر نهاده بود و می‌گفت: خدایا! به سوی تو بازگشت کردم. خدایا توبه مرا بپذیر که دل دوستان تو و نسل پیامبر تو را به دلهره افکندم. بعد رو به امام کرد و گفت: ای پسر پیامبر خدا! آیا توبه من پذیرفته خواهد شد؟ حسین ﷺ فرمود: آری. خداوند توبه تو را قبول کرد. گفت: ای پسر پیامبر خدا! آیا به من اجازه جنگ از جانب خود می‌دهی؟ آنگاه امام به او اجازه داد و او پای به آوردگاه حق و



السلام





الاسم



الْيَوْمَ نَلْقَى جَدَّكَ النَّبِيَّ
فَقَتَلَ مِنْهُمْ تِسْعَةَ عَشَرَ رَجُلًا ثُمَّ صُرِعَ وَهُوَ يَقُولُ:
أَنَا زُهَيْرٌ وَأَنَا ابْنُ الْقَيْنِ
أَذْبُكُم بِالسَّيْفِ عَنْ حُسَيْنٍ
ثُمَّ بَرَزَ مِنْ بَعْدِهِ حَبِيبُ بْنُ مُظَاهِرٍ الْأَسَدِيُّ (رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ)، وَهُوَ يَقُولُ:
أَنَا حَبِيبٌ وَأَبِي مُظَاهِرٌ
لَنَحْنُ أَزْكَى مِنْكُمْ وَأَطْهَرُ
نَنْصُرُ خَيْرَ النَّاسِ حِينَ يُذَكَّرُ.

فَقَتَلَ مِنْهُمْ أَحَدًا وَثَلَاثِينَ رَجُلًا ثُمَّ قُتِلَ (رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ)، ثُمَّ بَرَزَ مِنْ بَعْدِهِ عَبْدُ اللَّهِ
بْنُ أَبِي عُرْوَةَ الْغِفَارِيُّ وَهُوَ يَقُولُ:

قَدْ عَلِمْتُ حَقًّا بَنُو غِفَارٍ
أَتَى أَذْبُ فِي طِلَابِ الشَّارِ
بِالْمَشْرِفِ وَالْقَنَا الْخَطَّارِ

فَقَتَلَ مِنْهُمْ عَشْرِينَ رَجُلًا ثُمَّ قُتِلَ، ثُمَّ بَرَزَ مِنْ بَعْدِهِ بُذَيْرُ بْنُ خُضَيْرٍ الْهَمْدَانِيُّ
وَكَانَ أَقْرَأَ أَهْلَ زَمَانِهِ وَهُوَ يَقُولُ:

أَنَا بُرَيْرٌ وَأَبِي خُضَيْرٌ
لَا خَيْرَ فِيمَنْ لَيْسَ فِيهِ خَيْرٌ
فَقَتَلَ مِنْهُمْ ثَلَاثِينَ رَجُلًا ثُمَّ قُتِلَ (رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ)، ثُمَّ بَرَزَ مِنْ بَعْدِهِ مَالِكُ بْنُ أَنَسٍ
الْكَاهِلِيُّ وَهُوَ يَقُولُ:

قَدْ عَلِمْتُ كَاهِلَهَا وَدُودَانَ
بِأَنَّ قَوْمِي قُصِمُ الْأَقْرَانِ
وَالْخِنْدَقِيُّونَ وَقَيْسُ عَيْلَانَ
يَا قَوْمُ كُونُوا كَأَسْوَدِ الْجَانِ
وَالْأَلِ شَيْعَةُ الرَّحْمَنِ
فَقَتَلَ مِنْهُمْ ثَمَانِيَةَ عَشَرَ رَجُلًا ثُمَّ قُتِلَ (رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ)، وَبَرَزَ مِنْ بَعْدِهِ زِيَادُ بْنُ
مُهَاجِرٍ الْكِنْدِيُّ فَحَمَلَ عَلَيْهِمْ وَأَنشَأَ يَقُولُ:

أَشْجَعُ مِنْ لَيْثِ الْعَرِيزِ الْخَادِرِ
يَا رَبِّ إِنِّي لِلْحُسَيْنِ نَاصِرٌ
وَلِابْنِ سَعْدٍ تَارِكٌ مُهَاجِرٌ

فَقَتَلَ مِنْهُمْ تِسْعَةَ ثَمَّ قُتِلَ (رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ)، وَبَرَزَ مِنْ بَعْدِهِ وَهْبُ بْنُ وَهْبٍ وَكَانَ
نَصْرَانِيًّا أَسْلَمَ عَلَى يَدِ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) هُوَ وَأُمُّهُ فَاتَّبَعُوهُ إِلَى كَرْبَلَاءَ فَرَكِبَ فَرَسًا وَتَنَاوَلَا بِيَدِهِ

باطل نهاد. حر چنین می خواند: با تیغ تیز گردنتان را خواهم زد، در راه بهترین پیشوایی که به سرزمین عراق پای نهاده است. حر هجده تن از سپاهیان یزید را به خاک افکند خود و به شهادت رسید. حسین علیه السلام بر بالین حر آمد و در حالی او را نگریست که خون از پیکرش بیرون می زد. فرمود: در دنیا در آخرت تو را مبارک باد. تو آزاده هستی همان گونه که نام تو آزاده است. و آنگاه چنین خواند: چه نیکو آزاده ای است حر بنی ریاح! شکیبا زیر تیغ و در پناهم! چه نیکو آزاده ای که ندا می دهد: حسینا! جان در راهم ارزانی داد و در سپاهم برزمد!

آنگاه زهیر بن قین بجلی عازم جنگ شد و رو به حسین علیه السلام چنین خواند: من زهیر پسر قین هستم و شماستمگران را به تیغ آخته از ساحت حسین علیه السلام خواهم راند. او نوزده تن از سپاهیان باطل را به قتل رساند خود و به شهادت رسید. آنگاه حبیب بن مظاهر اسدی روانه میدان شد و چنین می خواند: من حبیب پسر مظاهراسدی ام. ما از برکت شما اهل بیت تزکیه و تطهیر شدیم. امروز یاری دهنده بهترین مردمان خواهم بود. امروز در کیش نیای تو پیامبریم و نیز بر کیش حسن علیه السلام و پدر تو علی علیه السلام که گشاینده قلعه خیبر بود. اوسى و یک تن از سپاهیان باطل را به قتل رساند و به کرامت شهادت نائل آمد. عبدالله بن ابی عروه غفاری از سپاه حسین علیه السلام عزم جهاد کرد چنین و خواند: فرزندان غفاران به راستی می دانند که حق با توست ای حسین علیه السلام و در راه انتقام گرفتن برای اینان، گردن خطاپیشگان را خواهند زد. او بیست تن را کشت و بعد شهید شد. در پی او بریر بن خضیر همدانی دانا ترین شخص به آیات قرآن کریم به جانب میدان شتافت و خواند: من بریر پسر خضیره هستم. برابر کسی که خوبی در نهاد خود ندارد، خیری وجود ندارد. اوسى تن را به هلاکت رساند و بعد شهید شد. از آن پس مالک بن انس کاهلی عزم جهاد کرد و خواند: بدانند که کاهلم و از قومی هستم که هرگاه با دشمن رو به رو می شدند، او را به خاک می افکندند. ای قوم! مانند شیر ژیان باشید، زیرا خاندان علی علیه السلام که پیرو رحمان هستند، در برابر پیروان شیطان صف آرایی کردند. او هجده تن را به قتل رساند و سپس به شهادت رسید. و پس از او زیاد بن مهاصر (مهاجر) کندی به سوی آنان حمله ور شد و خواند: من از شیر ژیان شجاع تر هستم. خدایا! یاری کننده حسین و ترک کننده ابن سعد، من مهاجر هستم. او نه نفر را کشت و خود شهید شد. آنگاه وهب بن وهب عازم



اللهم



عُودَ الْفُسْطَاطِ عُمُودَ الْفُسْطَاطِ فَقَاتَلَ وَقَتَلَ مِنَ الْقَوْمِ سَبْعَةً أَوْ ثَمَانِيَةً ثُمَّ اسْتَوْسِرَ فَأَتَى بِهِ
عُمَرُ بْنُ سَعْدٍ (لَعَنَهُ اللَّهُ) فَأَمَرَ بِضَرْبِ عُنُقِهِ وَرُمِيَ بِهِ إِلَى عَسْكَرِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَخَذَتْ أُمُّهُ
سَيْفَهُ وَبَرَزَتْ فَقَالَ لَهَا الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «يَا أُمَّ وَهْبٍ اجْلِسِي فَقَدْ وَضَعَ اللَّهُ الْجِهَادَ عَنِ النِّسَاءِ
إِنَّكِ وَابْنُكِ مَعَ جَدِّي مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْجَنَّةِ، ثُمَّ بَرَزَ مِنْ بَعْدِهِ هِلَالُ بْنُ حَجَّاجٍ وَهُوَ
يَقُولُ:

أَرْمِي بِهَا مُعَلِّمَةً أَقْوَاهُهَا وَالنَّفْسُ لَا يَنْفَعُهَا إِشْفَاقُهَا

فَقَتَلَ مِنْهُمْ ثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا ثُمَّ قُتِلَ (رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ)، وَبَرَزَ مِنْ بَعْدِهِ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ
مُسْلِمٍ بْنُ عَقِيلٍ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَأَنشَأَ يَقُولُ:

أَقْسَمْتُ لَا أَقْتُلُ إِلَّا حُرًّا وَقَدْ وَجَدْتُ الْمَوْتَ شَيْئًا مُرًّا
أَكْرَهُ أَنْ أَدْعَى جَبَانًا فَرًّا إِنَّ الْجَبَانَ مَنُ عَصَى وَفَرًّا

فَقَتَلَ مِنْهُمْ ثَلَاثَةً ثُمَّ قُتِلَ (رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَرَحْمَتُهُ)، وَبَرَزَ مِنْ بَعْدِهِ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ
(عَلَيْهِمَا السَّلَامُ) فَلَمَّا بَرَزَ إِلَيْهِمْ دَمَعَتْ عَيْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: «اللَّهُمَّ كُنْ أَنْتَ الشَّهِيدَ
عَلَيْهِمْ فَقَدْ بَرَزَ إِلَيْهِمُ ابْنُ رَسُولِكَ وَأَتْبَعَهُ النَّاسُ وَجْهًا وَسَمْتًا بِهِ فَجَعَلَ يَرْتَجِزُ وَهُوَ
يَقُولُ:

أَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ نَحْنُ وَبَيْتُ اللَّهِ أَوْلَى بِالنَّبِيِّ

أَمَّا تَرَوْنَ كَيْفَ أَحْمِي عَنْ أَبِي

فَقَتَلَ مِنْهُمْ عَشْرَةً ثُمَّ رَجَعَ إِلَى أَبِيهِ فَقَالَ: يَا أَبَتِ الْعَطَشُ، فَقَالَ لَهُ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «صَبْرًا
يَا بَنِيَّ يَسْقِيكَ جَدُّكَ بِالْكَأْسِ الْاَوْفَى» فَرَجَعَ فَقَاتَلَ حَتَّى قَتَلَ مِنْهُمْ أَرْبَعَةً وَأَرْبَعِينَ
رَجُلًا ثُمَّ قُتِلَ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ)، وَبَرَزَ مِنْ بَعْدِهِ الْقَاسِمُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ يَقُولُ:

لَا تَجْزِعِي نَفْسِي فَكُلُّ فَاكِ الْيَوْمَ تَلْقَيْنَ ذُرَى الْجَنَانِ

فَقَتَلَ مِنْهُمْ ثَلَاثَةً ثُمَّ رُمِيَ عَنْ قَرْبِهِ (رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَصَلَوَاتُهُ)، وَنَظَرَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ
يَمِينًا وَشِمَالًا وَلَا يَرَى أَحَدًا فَرَفَعَ رَأْسَهُ إِلَى السَّمَاءِ، فَقَالَ: «اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَرَى مَا يُصْنَعُ بِوَلَدِ
نَبِيِّكَ» وَحَالَ بَنُو كِلَابٍ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْمَاءِ وَرُمِيَ بِسَهْمٍ فَوَقَعَ فِي نَحْرِهِ وَخَرَّ عَنْ قَرْبِهِ
فَأَخَذَ السَّهْمَ فَرَمَى بِهِ وَجَعَلَ يَتَلَقَّى الدَّمَ بِكَفِّهِ، فَلَمَّا امْتَلَأَتْ لَطَخَ بِهَا رَأْسَهُ وَلِحْيَتَهُ وَ

پیکار شد. او پیش از این یک مسیحی بود که در نزد حسین علیه السلام به اسلام روی آورد و همراه مادرش به کاروان حسین علیه السلام پیوست. وهب بر اسبی نشست و عمود خیمه به دست، بر سپاه یزید حمله برد. هفت یا هشت تن را به قتل رسانید و آنگاه به اسارت درآمد. او را پیش عمر بن سعد بردند. وی فرمان داد تا سرش را از تنش جدا سازند و به سوی سپاه حسین افکنند، چشم مادر وهب که به سر بریده پسرش افتاد، بی درنگ شمشیر او را به دست گرفت و به میدان شتافت. حسین علیه السلام فرمود: ای مادر وهب! بایست که خداوند فرمان جهاد را از زنان برداشته است. بدان که تو و پسر تو با نیایم محمد صلی الله علیه و آله در بهشت خواهید بود.

از آن پس هلال بن حجاج خود را آماده نبرد کرد و چنین خواند: تیر نشاندار بر دشمن خواهم زد و که ترس، برای کسی سودمند نخواهد داشت. او سیزده تن را هلاک کرد و در شمار شهیدان کربلا درآمد. سپس عبدالله بن مسلم بن عقیل به صحنه رزم شتافت. او چنین می خواند: سوگند خورده ام که جان نسپارم، مگر اینکه آزاده باشم، هر چند که مرگ در یادها تلخ است برای من ناخوشایند است که مرا بزدل بخوانند. زیرا بزدل هم از جنگ می گریزد و هم رفتار ناشایست می کند. او سه تن را نابود کرد و بعد هم شهید شد.

علی بن حسین علیه السلام که علی اکبر می خواندند، پای به میدان گذاشت. آنگاه که به سوی دشمن می رفت حسین علیه السلام می گریست و می گفت: خدایا گواهی که پسر پیامبرت به سراغ آنان رفت. کسی که بیش از دیگران به پیامبرت شباهت دارد. علی اکبر علیه السلام خواند: من علی بن حسین بن علی هستم. به خدا سوگند که سزاوارتر به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هستیم. اکنون می خواهم از پدرم آسیب را دور سازم. آن حضرت ده تن را کشت و خدمت حسین علیه السلام آمد و گفت: بابا جان، عطش دارم. حسین علیه السلام فرمود: پسر صبر کن. به زودی جدم پیامبر صلی الله علیه و آله تو را سیراب خواهد ساخت. علی اکبر علیه السلام به سمت دشمن بازگشت و چنان رزم کرد که چهل و چهار تن از دیگر امویان را به هلاکت رسانید کرد و بعد به شهادت نائل گشت.

آنگاه قاسم بن حسن بن علی علیه السلام آهنگ یاری حسین علیه السلام نمود. او چنین می خواند: ای جان من! بی تابي مکن چرا که هر زندهای فناپذیر است و امروز فردوس برین را به تو پاداش خواهند داد. قاسم سه تن را بر خاک افکند، ناگاه آن حضرت را از اسب پایین

يَقُولُ: «أَلْقَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَأَنَا مَظْلُومٌ مُتَلَطِّعٌ بِدَمِي» ثُمَّ خَرَّ عَلَى خَدِّهِ الْاَيْسَرِ صَرِيحاً وَ
أَقْبَلَ عَدُوُّ اللَّهِ سِنَانُ بْنُ أَنَسٍ الْاِيَادِيَّ وَشِمْرُ بْنُ ذِي الْجَوْشَنِ الْعَامِرِيُّ (لَعَنَهُ اللَّهُ) فِي رِجَالٍ
مِنْ أَهْلِ الشَّامِ حَتَّى وَقَفُوا عَلَى رَأْسِ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَقَالَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ: مَا تَنْتَظِرُونَ أَرِيحُوا
الرَّجُلَ فَتَنَزَلَ سِنَانُ بْنُ أَنَسٍ الْاِيَادِيَّ (لَعَنَهُ اللَّهُ) وَأَخَذَ بِلَحْيَةِ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَجَعَلَ يَضْرِبُ
بِالسَّيْفِ فِي حَلْقِهِ وَهُوَ يَقُولُ: وَاللَّهِ إِنِّي لَأَجْتَرُّ رَأْسَكَ وَأَنَا أَعْلَمُ أَنَّكَ ابْنُ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ)
وَخَيْرُ النَّاسِ أَمَّا وَابَاً وَأَقْبَلَ فَرَسُ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) حَتَّى لَطَعَ عُرْفَهُ وَنَاصِيَّتَهُ بِدَمِ الْحُسَيْنِ وَ
جَعَلَ يَرْكُضُ وَيَضْهَلُ فَسَمِعَتْ بَنَاتُ النَّبِيِّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) صَهِيلَهُ فَخَرَجْنَ فَإِذَا الْفَرَسُ بِأُورَاكِبٍ
فَعَرَفْنَ أَنَّ حُسَيْنًا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) قَدْ قُتِلَ وَخَرَجَتْ أُمُّ كُلثُومُ بِنْتُ الْحُسَيْنِ وَاضِعَةً يَدَهَا
عَلَى رَأْسِهَا تَتَذَبُّ وَتَقُولُ: وَمُحَمَّدَاهُ هَذَا الْحُسَيْنُ بِالْعَرَاءِ قَدْ سَلِبَ الْعِمَامَةَ وَالرِّدَاءَ، وَ
أَقْبَلَ سِنَانُ (لَعَنَهُ اللَّهُ) حَتَّى أَدْخَلَ رَأْسَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَى عُيَيْدِ اللَّهِ بْنِ زِيَادٍ (لَعَنَهُ اللَّهُ) وَ
هُوَ يَقُولُ:

إِنِّي قَتَلْتُ الْمَلِكَ الْمُحَجَّبَا
وَخَيْرَهُمْ إِذْ يُنْسَبُونَ نَسْبَاً

أَمَلْنَا رِكَابِي فِضَّةً وَذَهَبَا
قَتَلْتُ خَيْرَ النَّاسِ أَمَّا وَابَاً

فَقَالَ لَهُ عُيَيْدُ اللَّهِ بْنُ زِيَادٍ: وَيْحَكَ فَإِنْ عَلِمْتَ أَنَّهُ خَيْرُ النَّاسِ أَبَاً وَأَمَّا لِمَ قَتَلْتَهُ إِذَا
فَأَمْرٌ بِهِ فَضْرِبَ عُنُقُهُ وَجَعَلَ اللَّهُ بِرُوحِهِ إِلَى النَّارِ وَأَرْسَلَ ابْنُ زِيَادٍ لَعَنَهُ اللَّهُ قَاصِداً إِلَى أُمِّ
كُلثُومَ بِنْتِ الْحُسَيْنِ فَقَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَتَلَ رِجَالَكُمْ فَكَيْفَ تَرَوْنَ مَا فَعَلَ بِكُمْ،
فَقَالَتْ: «يَا ابْنَ زِيَادٍ لَئِنْ قَرَّتْ عَيْنُكَ بِقَتْلِ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَطَالَ مَا قَرَّتْ عَيْنُ جَدِّهِ بِهِ وَكَانَ
يُقْبَلُهُ وَيَلْتِمُ شَفِيعَتَهُ وَيَضْعُوهُ عَلَى عَاتِقِهِ يَا ابْنَ زِيَادٍ أَعِدْ لِجَدِّهِ جَوَاباً فَإِنَّهُ خَضَمُكَ غَدًا».

انداختند. حسین علیه السلام به راست و چپ خویش نگاهی انداخت و کسی را نیافت. آنگاه رو به آسمان نمود و گفت: خدایا می نگری که با پسر پیامبرت چه رفتاری دارند؟ بنی کلاب راه آب فرات را بر او بستند و ناگهان تیری به گلوگاه مبارکش خورد و از اسب به زیر افتاد. حضرت تیر را بیرون آورد و دور انداخت و دست خود را زیر خون گرفت و آنگاه بر سر و صورت مالید و گفت: من در حالی خدا را دیدار خواهم کرد که ستم دیده و خون آلود هستم. پس به گونه چپ بر خاک افتاد. سنان ایادی و شمر بن ذی الجوشن عامری با دسته ای از شامیان نزدیک آمدند و بالای سر حضرت ایستاده و به یکدیگر گفتند: می خواهید چه کار کنید؟ او را راحت کنیم. سنان پایین آمد و محاسن حسین علیه السلام را به دست گرفت در حالی که با تیغ به گلوی حضرت می زد و می گفت: به خدا سوگند سر تو راجدا خواهم کرد، هر چند که باور دارم که تو پسر پیامبر خدا هستی و از لحاظ پدر و مادر برترین مردم هستی. اسب حسین علیه السلام که یال و کاکل آغشته به خون امام علیه السلام داشت، شیهه کشان به سمت خیمه های اباعبدالله علیه السلام آمد. دختران حسین علیه السلام صدای او را که شنیدند، ناگهان از خیمه ها بیرون آمدند و چشم شان به اسب بی سوار افتاد دیگر تردیدی نمانده بود که حسین علیه السلام را شهید کرده اند.

ام کلثوم دختر حسین علیه السلام در حالی که دست بر سر نهاده بود، شیون کنان می گفت: و امحمداه! این حسین است که در صحراست، در حالی که دستار وردای او را به غارت برده اند.

سنان سر حسین علیه السلام را نزد عبیدالله بن زیاد آورد و گفت: اکنون شتران مرا از طلا و نقره بارکن که بهترین انسان را به لحاظ پدر و مادر سر بریده ام؛ کسی که در نسب از همه مردمان سرآمد بود. عبیدالله بن زیاد گفت: وای بر تو اگر چنین آگاهی داشتی که او از جهت پدر و مادر برگزیده ترین مردمان است، چرا او را به قتل رسانیدی؟ آنگاه فرمان داد که گردن او را بزنند و خداوند روحش را با عجله رهسپار آتش کرد. عبیدالله، قاصدی نزد ام کلثوم، دختر حسین علیه السلام روانه کرد و گفت: خدا را سپاس می گزارم که مردان شما را نابود کرد. اکنون درباره برخوردی که با شما خاندان شد، چه می گویی؟ فرمود: ای پسر زیاد! اگر دیده ات به قتل حسین علیه السلام روشن شد، بی گمان دیر زمانی است که نیای من او را دیدار نموده و بوسیده و او را بر شانه خویش سوار کرده است. اینک خود را برای پاسخ به جرم پیامبر صلی الله علیه و آله آماده کن که فردای رستاخیز بر ضد تو سخن خواهد گفت.



السلامی





السلام

المجلس الحادي والثلاثون

في بقية المقتل يوم الأحد وهو يوم عاشوراء

لعشر خلون من المحرم من سنة ثمان وستين وثلاثمائة

١. حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوئِهِ الْقُمِّيُّ رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدِ الْبَرْقِيِّ عَنْ دَاوُدَ بْنِ أَبِي يَزِيدَ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ وَابْنِ بُكَيْرٍ وَيزيد بن معاوية العجلي عن أبي جعفر الباقر رحمته الله قَالَ: «أَصِيبَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ رحمته الله وَوُجِدَ بِهِ ثَلَاثُمِائَةٍ وَبِضْعُ عَشْرِينَ طَعْنَةً بِرُمَحٍ أَوْ ضَرْبَةً بِسَيْفٍ أَوْ زَمِيَّةٍ بِسَهْمٍ» فَرُوي أَنَّهَا كَانَتْ كُلُّهَا فِي مُقَدِّمِهِ لِأَنَّهُ رحمته الله كَانَ لَا يُؤَلِّي.

٢. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّعْدِ أَبَادِي عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ زِيَادِ بْنِ الْمُنْذِرِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أُمِّهِ فَاطِمَةَ بِنْتِ الْحُسَيْنِ رحمته الله، قَالَ: دَخَلَتِ الْغَانِمَةُ الْعَامَّةُ عَلَيْنَا الْفُسْطَاطَ وَأَنَا جَارِيَةٌ صَغِيرَةٌ وَفِي رِجْلِي خَلْخَالَانِ مِنْ ذَهَبٍ فَجَعَلَ رَجُلٌ يَفْضُ الْخَلْخَالَيْنِ مِنْ رِجْلِي وَهُوَ يَبْكِي، فَقُلْتُ: مَا يُبْكِيكَ يَا عَدُوَّ اللَّهِ؟ فَقَالَ: كَيْفَ لَا أَبْكِي وَأَنَا أَسْلُبُ ابْنَةَ رَسُولِ اللَّهِ، فَقُلْتُ: لَا تَسْلُبْنِي، قَالَ: أَخَافُ أَنْ يَجِيءَ غَيْرِي فَيَأْخُذَهُ، قَالَتْ: وَانْتَهَبُوا مَا فِي الْأَبْنِيَةِ حَتَّى كَانُوا يَنْزِعُونَ الْمَلَأِجَفَ عَنْ ظُهُورِنَا.

٣. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ الْعَزِيزِ بْنُ يَحْيَى الْبَصْرِيُّ، قَالَ: أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ زَكَرِيَّا، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ يَزِيدَ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو نَعِيمٍ، قَالَ: حَدَّثَنِي حَاجِبُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ زِيَادٍ أَنَّهُ لَمَّا جِيءَ بِرَأْسِ الْحُسَيْنِ رحمته الله أَمَرَ فَوُضِعَ بَيْنَ يَدَيْهِ فِي طَسْتٍ مِنْ ذَهَبٍ وَجَعَلَ يَضْرِبُ بِقَضِيبٍ فِي يَدِهِ عَلَى ثَنَائِيهِ وَيَقُولُ: لَقَدْ أَسْرَعَ

سنة ثمان وستين وثلاثمائة

مجلس سی و یکم

یکشنبه، عاشورا، دهم محرم سال ۳۶۸

ادامه مقتل حسین

السلامی

۱. امام باقر علیه السلام فرمود: حسین بن علی علیه السلام در حالی به شهادت رسید که سیصد و بیست و اندی زخم نیزه و تیر و شمشیر در بدن مبارک آن حضرت یافتند. و نیز گفته‌اند که این همه در پیش بدن وجود داشت زیرا آن حضرت هیچ گاه به دشمن پشت نمی‌کرد.

۲. فاطمه دختر حسین علیه السلام فرمود: یاعیان به خیمه‌های ما هجوم آوردند. در آن هنگام من کودک بودم و خلخال طلا پایم بود و شخصی که آن را می‌ربود، اشک می‌ریخت. گفتم: ای دشمن خدا چرا اشک می‌ریزی؟ گفت: چرا نگریم که مال دختر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را می‌ربایم. گفتم: پس مرا رها کن. گفت بیم دارم که دیگری آن را از تو بگیرد. آنگاه دختر حسین علیه السلام فرمود: آنچه در خیمه‌های ما بود دزدیدند، حتی چادر را از سر ما کشیدند و ربودند.

۳. دربان عبیدالله بن زیاد می‌گوید: آنگاه که سر حسین علیه السلام را نزد ابن زیاد آوردند، او فرمان داد که آن را در طشت زرین روبروی او بگذارند و بعد با چوب دستی به دندان‌های مبارک آن حضرت می‌زد و می‌گفت چه زود پیر شدی، ای اباعبدالله. شخصی که آنجا بود می‌گفت: من پیامبر خدا را مشاهده کردم که جای ضربه‌های تو را بوسه می‌زد. عبیدالله بن زیاد گفت: امروز عوض روز «بدر» است. آنگاه فرمان داد که علی بن حسین علیه السلام را به غل و زنجیر کشند و همراه زنان و کودکان به زندان ببرند. من همراه آنان بودم. از هر کوی و برزن که عبور می‌کردیم زن و مرد بسیاری بودند، در حالی که به صورت خود سیلی



الشَّيْبُ إِلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، فَقَالَ رَجُلٌ مِنَ الْقَوْمِ: فَإِنِّي رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ يَلْتَمِسُ حَيْثُ تَضَعُ قَضِيَّتَكَ، فَقَالَ: يَوْمٌ يَوْمٌ بَذِرْتُ ثُمَّ أَمَرَ بِعَلِيِّ ابْنِ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ) فَعُلَّ وَحُمِلَ مَعَ النِّسْوَةِ وَالسَّبَايَا إِلَى السَّجْنِ وَكُنْتُ مَعَهُمْ فَمَا مَرَرْنَا بِزُقَاقٍ إِلَّا وَجَدْنَاهُ مَلَاءَ رِجَالًا وَنِسَاءً يَضْرِبُونَ وَجُوهَهُمْ وَيَتَكُونُونَ فَحَبَسُوا فِي سِجْنٍ وَطُبِقَ عَلَيْهِمْ ثُمَّ إِنَّ ابْنَ زِيَادٍ (لَعَنَهُ اللَّهُ) دَعَا بِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ) وَالنِّسْوَةَ وَأَخْضَرَ رَأْسَ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ) وَكَانَتْ زَيْنَبُ ابْنَةُ عَلِيٍّ (عَلَيْهَا السَّلَامُ) فِيهِمْ فَقَالَ ابْنُ زِيَادٍ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَحَكُمْ وَقَتْلَكُمْ وَأَكْذَبَ أَحَادِيثَكُمْ، فَقَالَتْ زَيْنَبُ (عَلَيْهَا السَّلَامُ): «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَكْرَمَنَا بِمُحَمَّدٍ وَطَهَّرَنَا تَطْهِيرًا، إِنَّمَا يَفْضَحُ اللَّهُ الْفَاسِقَ وَيَكْذِبُ الْفَاجِرَ»، قَالَ: كَيْفَ رَأَيْتِ ضَعْفَ اللَّهِ بِكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ؟ قَالَتْ: «كُتِبَ إِلَيْهِمُ الْقَتْلُ فَبَرَزُوا إِلَى مَضَاجِعِهِمْ وَسَجَّعَ اللَّهُ بَيْنَكَ وَبَيْنَهُمْ فَتَحَا كُمُونَ عِنْدَهُ فَغَضِبَ ابْنُ زِيَادٍ (لَعَنَهُ اللَّهُ) عَلَيْهَا، وَهَمَّ بِهَا فَسَكَّنَ مِنْهُ عَمْرُو بْنُ حُرَيْثٍ، فَقَالَتْ زَيْنَبُ: «يَا بْنَ زِيَادٍ حَسْبُكَ مَا لَزْتُكَ مِنَّا فَلَقَدْ قَتَلْتَ رِجَالَنَا وَقَطَعْتَ أَضْلَانَا وَأَبَحْتَ حَرِيمَنَا وَسَبَّيْتَ نِسَاءَنَا وَذَرَارِينَا، فَإِنْ كَانَ ذَلِكَ لِلْإِسْتِفَاءِ فَقَدْ اسْتَقْبَلْتِ» فَأَمَرَ ابْنُ زِيَادٍ بِرَدِّهِمْ إِلَى السَّجْنِ وَبَعَثَ الْبَشَائِرَ إِلَى النَّوَاحِي بِقَتْلِ الْحُسَيْنِ ثُمَّ أَمَرَ بِالسَّبَايَا وَرَأْسِ الْحُسَيْنِ فَحُمِلُوا إِلَى الشَّامِ، فَلَقَدْ حَدَّثَنِي جَمَاعَةٌ كَانُوا خَرَجُوا فِي تِلْكَ الصُّحْبَةِ أَنَّهُمْ كَانُوا يَسْمَعُونَ بِاللَّيَالِي نَوْحَ الْجَنِّ عَلَى الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ) إِلَى الصُّبْحِ، وَقَالُوا: فَلَمَّا دَخَلْنَا دِمَشْقَ أَدْخِلَ بِالنِّسَاءِ وَالسَّبَايَا بِالنَّهَارِ مُكَشَّفَاتِ الْوُجُوهِ، فَقَالَ أَهْلُ الشَّامِ الْجُفَاءُ مَا رَأَيْنَا سَبَايَا أَحْسَنَ مِنْ هَؤُلَاءِ فَمَنْ أَنْتُمْ؟ فَقَالَتْ سَكِينَةُ ابْنَةُ الْحُسَيْنِ: «نَحْنُ سَبَايَا آلِ مُحَمَّدٍ» فَأَقِيمُوا عَلَى دَرَجِ الْمَسْجِدِ حَيْثُ يُقَامُ السَّبَايَا وَفِيهِمْ عَلِيُّ ابْنُ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ): «وَهُوَ يَوْمٌ مِثْلُ قَتْلِ شَابٍ فَأَتَاهُمْ شَيْخٌ مِنْ أَشْيَاحِ أَهْلِ الشَّامِ فَقَالَ لَهُمْ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَتَلَكُمْ وَأَهْلَكَكُمْ وَقَطَعَ قُرْنَ الْفِتْنَةِ فَلَمْ يَأْلُوا عَنْ شَتْمِهِمْ فَلَمَّا انْقَضَى كَلَامُهُ، قَالَ لَهُ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ): «أَمَا قَرَأْتَ كِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؟» قَالَ: نَعَمْ، قَالَ: «أَمَا قَرَأْتَ هَذِهِ الْآيَةَ، قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى»^(١) قَالَ: بَلَى، قَالَ: «فَنَحْنُ أَوْلَىٰ بِكَ» ثُمَّ قَالَ: «أَمَا قَرَأْتَ وَآتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ؟»^(٢) قَالَ: بَلَى، قَالَ: «فَنَحْنُ هُمْ» قَالَ: «فَهَلْ قَرَأْتَ هَذِهِ الْآيَةَ،

می زدند و اشک می ریختند. سپس آنان را وارد زندان کردند و در را بروی آنان بستند. عبیدالله بن زیاد علی بن حسین علیه السلام و زنان را همراه سر حسین علیه السلام خواست. زینب علیه السلام دختر علی علیه السلام نیز در میان آنان بود. عبیدالله گفت: خداوند را سپاس که شما را به رسوایی کشید و سخنانتان را بیهوده ساخت. زینب علیه السلام فرمود: خدا را سپاس که ما را به وجود محمد صلی الله علیه و آله ارج نهاد و به نیکی پاکیزه ساخت. بی گمان این بدکار است که رسوا می شود و این بی پرواست که بیهوده دروغ می گوید. عبیدالله گفت: خدا با شما خاندان چه کرد؟ زینب فرمود: شهادت سرنوشت آنان بود و آنان به سرای ابدی خود بازگشتند و بی گمان تو را با آنان برای داوری گرد خواهد آورد. ابن زیاد خشمگین شد به گونه ای که قصد کشتن زینب کرد. اما عمرو بن حرث او را بر جای خود نشاند. زینب فرمود: آنچه از ما گرفتی، همان برای تو کافی است. مردان ما را کشتی و ریشه ما را از جای در آوردی و حریم ما را بر خود مباح کردی و زنان و کودکان ما را به اسارت کشاندی. اگر مراد تو این بود که شفای دل باشی، تو را بس است.

آنگاه عبیدالله بن زیاد فرمان داد تا آنان را به زندان بازگردانند. بعد خبر قتل حسین علیه السلام را در همه جا پراکنده و پس از مدتی حکم کرد که اسیران را همراه با سر حسین به شام ببرند. گروهی که سر حسین علیه السلام را حمل می کردند، گفته اند که شب ها تا بامداد نوحه جنیان به گوش می رسید و آنگاه که به شام وارد شدیم، زنان و کودکان و اسیران را آشکارا در کوی و برزن می چرخاندند. مردم شام می گفتند ما هرگز اسیرانی با این جمال و زیبایی ندیده ایم. شما چه کسانی هستید؟ سکینه دختر حسین علیه السلام فرمود: ما اسرای خاندان پیامبریم. آنان را کنار پلکان مسجد که محل توقف اسیران بود، نگاه داشتند. علی بن حسین علیه السلام که در آن ایام جوانی کم سن و سال بود، همراه اسیران بود. مردی از اهالی شام جلو آمد و گفت: خدا را سپاس که مردانتان را کشتند و فتنه را خواباندند. و آنگاه هر چه خواست اهانت کرد. علی بن حسین علیه السلام فرمود: مگر تو قرآن نخوانده ای؟ گفت: چرا. فرمود: آیا این آیه شریفه را خوانده ای که خداوند فرمود: **وَقُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا ۖ إِنْ هِيَ إِلَّا الْمَوَدَّةُ فِي الْقُرْبَىٰ** «بگو از شما برای پیامبری اجرتی نمی طلبم مگر دوست داشتن خاندانم» (شوری/۲۳). گفت: آری. امام سجاد فرمود: ما همان خاندان پیامبریم. و بعد فرمود: آیا این آیه را خوانده ای که خداوند فرمود: **إِنَّمَا يَتَّبِعُ الَّذِينَ يَدْعُواكُم إِلَى الْبَغْيِ وَالنُّفُورِ** «به خویشاوندان حق شان را ادا کن؟» گفت: آری. فرمود: ما همان خویشاوندان پیامبریم. و بعد فرمود: آیا این آیه را خوانده ای که

«إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَ كُمْ تَطْهِيراً»^(١)، قَالَ: بَلَى، قَالَ: فَتَحْنُ هُمْ فَرَفَعَ الشَّامِيُّ يَدَهُ إِلَى السَّمَاءِ، ثُمَّ قَالَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَتُوبُ إِلَيْكَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ اللَّهُمَّ إِنِّي أَبْرَأُ إِلَيْكَ مِنْ عَدُوِّ آلِ مُحَمَّدٍ وَمِنْ قَتْلَةِ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ، لَقَدْ قَرَأْتُ الْقُرْآنَ فَمَا شَعَرْتُ بِهَذَا قَبْلَ الْيَوْمِ ثُمَّ أَدْخَلَ نِسَاءَ الْحُسَيْنِ عليهم السلام عَلَى يَزِيدَ بْنِ مُعَاوِيَةَ فَصَحَنَ نِسَاءَ آلِ يَزِيدَ وَبَنَاتُ مُعَاوِيَةَ وَأَهْلُهُ وَلَوْلُنَّ وَأَقَمْنَ الْمَأْتَمَ وَوَضَعَ رَأْسَ الْحُسَيْنِ بَيْنَ يَدَيْهِ، فَقَالَتْ سُكَيْنَةُ: «وَاللَّهِ مَا رَأَيْتُ أَقْسَى قَلْبًا مِنْ يَزِيدَ وَلَا رَأَيْتُ كَافِرًا وَلَا مُشْرِكًا شَرًّا مِنْهُ وَلَا أَجْفَا مِنْهُ، وَأَقْبَلَ يَقُولُ: وَيَنْظُرُ إِلَى الرَّأْسِ:

لَسْتُ أَشِيَاخِي بِبَدْرٍ شَهْدُوا جَزَعُ الْخَزَرَجِ مِنْ وَقَعِ الْإِسْلَامِ».

ثُمَّ أَمَرَ بِرَأْسِ الْحُسَيْنِ فَتُصِبَ عَلَى بَابِ مَسْجِدِ دِمَشْقَ فُرُوِي عَنْ فَاطِمَةَ بِنْتِ عَلِيٍّ عليها السلام أَنَّهَا قَالَتْ: لَمَّا أَجْلَسْنَا بَيْنَ يَدَيْ يَزِيدَ بْنِ مُعَاوِيَةَ رَقْنَا أَوَّلَ شَيْءٍ وَالْطُّفْنَا ثُمَّ إِنَّ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ الشَّامِ أَحْمَرَ قَامَ إِلَيْهِ فَقَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ هَبْ لِي هَذِهِ الْجَارِيَةَ تُعِينُنِي وَكُنْتُ جَارِيَةً وَضِيئَةً فَأَزْعَبْتُ وَفَرَّقْتُ (فَرَعْتُ) وَطَنْتُ أَنَّهُ يَفْعَلُ ذَلِكَ فَأَخَذْتُ بِثِيَابِ أُخْتِي وَهِيَ أَكْبَرُ مِنِّي وَأَغْفَلُ، فَقَالَتْ: كَذَبْتُ وَاللَّهِ وَلَعِنْتُ مَا ذَاكَ لَكَ وَلَا لَهُ فَعَضِبَ يَزِيدُ فَقَالَ: بَلْ كَذَبْتُ وَاللَّهِ لَوْ شِئْتُ لَفَعَلْتُهُ، قَالَتْ: لَا وَاللَّهِ مَا جَعَلَ اللَّهُ ذَلِكَ لَكَ إِلَّا أَنْ تَخْرُجَ مِنْ مِلَّتِنَا وَتَدِينَ بِغَيْرِ دِينِنَا فَعَضِبَ يَزِيدُ ثُمَّ قَالَ: إِنِّي أَيْ تَسْتَقْبِلِينَ بِهَذَا، إِنَّمَا خَرَجَ مِنَ الدِّينِ أَبُوكَ وَأَخُوكَ، فَقَالَتْ: يَدِينُ اللَّهُ وَدِينُ أَبِي وَأَخِي وَجَدِّي اهْتَدَيْتِ أَنْتَ وَجَدُّكَ وَأَبُوكَ، قَالَ: كَذَبْتُ يَا عَدُوَّةَ اللَّهِ، قَالَتْ: أَمِيرُ يَشْتُمُ ظَالِمًا وَيَقْهَرُ بِسُلْطَانِهِ، قَالَتْ: فَكَأَنَّهُ (لَعَنَهُ اللَّهُ) اسْتَحْيَى فَسَكَتَ فَأَعَادَ الشَّامِيُّ (لَعَنَهُ اللَّهُ) فَقَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ هَبْ لِي هَذِهِ الْجَارِيَةَ، فَقَالَ لَهُ: اغْزُبْ وَهَبْ اللَّهُ لَكَ حَتْفًا قَاضِيًا.

٤. حَدَّثَنِي بِذَلِكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَا جِيلَوِيهِ، عَنْ عَمِّهِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ نَصْرِ بْنِ مُزَاحِمٍ عَنْ لُوطِ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْحَرِثِ بْنِ كَعْبٍ عَنْ فَاطِمَةَ بِنْتِ عَلِيٍّ (صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا) ثُمَّ إِنَّ يَزِيدَ (لَعَنَهُ اللَّهُ) أَمَرَ بِنِسَاءِ الْحُسَيْنِ عليهم السلام فَحَبَسَ مَعَ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليهما السلام فِي مَحْبَسٍ لَا يَكْتُهُمْ مِنْ حَرٍّ وَلَا قَرَحٍ تَقَشَّرَتْ وَجُوهُهُمْ وَلَمْ يُرْفَعْ بَيْتُ

خداوند فرمود: «إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»^۱ همانا خداوند اراده کرده است که پلیدی را از شما اهل بیت بزداید و شما را پاکیزه گرداند؟ (احزاب) گفت: آری. فرمود: ما همان کسان هستیم. مرد شامی دست سوی آسمان بالا برد و گفت: خدایا به درگاهت توبه می‌کنم. تا سه نوبت دعای خود را تکرار کرد. و بعد گفت: خدایا من از دشمن خاندان محمد ﷺ و کشتندگان آنان بی‌زاری می‌جویم. تا حال قرآن خوانده بودم اما معنای این آیات را نمی‌دانستم.

زنان اهل بیت حسین ﷺ را که پیش یزید بن معاویه بردند. زنان خاندان یزید و دختران معاویه شیون کنان فریاد زدند. آنگاه سر حسین ﷺ را مقابل یزید گذاشتند. سکینه می‌گوید: سنگدل‌تر و کافرکیش‌تر و مشرک‌تر و جفاپیشه‌تر از یزید بن معاویه ندیده‌ام. او نگاهی بر سر مبارک حضرت افکند و گفت: کاشکی بزرگان نبرد بدر سر تو را می‌دیدند. قوم خزرج از دم تیغتان نالان بود. آنگاه فرمان داد که سر حسین ﷺ بر درگاه مسجد بزرگ دمشق آویزند. از فاطمه دختر حسین ﷺ روایت شده است: آنگاه که ما را مقابل یزید نشان‌دادند، نخست نگاهی رقت بار داشت و به نرمی برخورد کرد. وقتی یک مرد شامی که صورتش به سرخی می‌زد، بلند شد و گفت: ای امیر مومنان! این دخترک را به من عطا کن. هراس به دلم افتاد و پنداشتم که یزید می‌پذیرد. دامن خواهر بزرگترم را گرفتم. خواهرم رو به مرد شامی گفت: دروغ گفتی و از رحمت الهی طرد شدی. نه تو این حق داری و نه یزید. آنگاه یزید خشمگین گشت و گفت: تو یاوه گفتی: به خدا سوگند اگر اراده کنم، چنین خواهم کرد. خواهرم گفت: نه به خدا سوگند. خداوند این حق را به تو نداده است، مگر اینکه از آیین او خارج شوی. یزید گفت: با من چنین سخن می‌گویی؟ بی‌گمان پدر و مادرت از دین خدا خارج شدند. خواهرم پاسخ داد: شما خاندان به سبب آیین خدا و پدر و برادر و نیای من هدایت شدید. یزید گفت: ای دشمن خدا! بیهوده می‌گویی. خواهرم گفت: امیر را بنگرید که ستمگرانه ناسزا بر زبان می‌راند و به قدرت خود مخاطب را می‌خواهد شکست دهد. یزید گویا شرم کرد و هیچ نگفت. شخص شامی باز درخواست خود را به زبان آورد: این دخترک را به من عطا فرما. یزید خشمگینانه گفت: دور شو. خدا تو را بی‌درنگ بکشد.

۴. فاطمه دختر حسین ﷺ فرمود: یزید فرمان داد که زنان خاندان حسین ﷺ را همراه با امام سجاد ﷺ در زندانی جای دهند که نه در برابر سرما زندانیان را حفظ می‌کرد



السلامی



الْمَقْدِسِ حَجَرٌ عَنْ وَجْهِ الْأَرْضِ إِلَّا وَجَدَ تَحْتَهُ دَمٌ عَبِيطٌ وَأَبْصَرَ النَّاسُ الشَّمْسَ عَلَى
الْحِيطَانِ حَفَرَاءَ كَأَنَّهُ الْمَلَأِحِفُ الْمُعْصَفَرَةُ إِلَى أَنْ خَرَجَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام بِالنِّسْوَةِ وَ
رَدَّ رَأْسَ الْحُسَيْنِ إِلَى كَرْبَلَاءَ.

٥. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مَتِيلٍ الدَّقَاقُ،
قَالَ: حَدَّثَنَا يَعْقُوبُ بْنُ يَزِيدَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَالٍ عَنِ الدَّيْلَمِيِّ وَهُوَ
سَلِيمَانُ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ لَطِيفِ الثَّقَلِينِيِّ، قَالَ: قَالَ الصَّادِقُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ
(عَلَيْهِمَا السَّلَامُ) لَمَّا ضَرَبَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عليه السلام بِالسَّيْفِ ثُمَّ ابْتَدَرَ لِقُطْعِ رَأْسِهِ نَادَى مُنَادٍ
مِنْ قَبْلِ رَبِّ الْعِزَّةِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى مِنْ بَطْنَانِ الْعَرْشِ، فَقَالَ: أَلَا أَيُّهَا الْأَمَةُ الْمُتَحَيِّرَةُ
الظَّالِمَةُ بَعْدَ نَبِيِّهَا لَا وَفَقَكُمْ اللَّهُ لِأُضْحَى وَلَا فِطْرٍ، قَالَ: ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ: «لَا جَرَمَ وَ
اللَّهُ مَا وَفَّقُوا وَلَا يُوفَّقُونَ أَبَدًا حَتَّى يَقُومَ نَائِرُ الْحُسَيْنِ عليه السلام».



مركز بحوث التاريخ والحضارة الإسلامية



السلام



ونه در برابر گرما، آنقدر در آن محبس ماندند تا بر صورتشان اثر گذاشت از آن پس، در بیت المقدس سنگی از زمین برنداشتند، مگر اینکه خون تازه از زیر آن پیدا بود. مردم خورشید را روی دیوارها سرخ گون می‌نگریستند؛ چون پتوهای رنگین. از آن پس امام سجاد علیه السلام همراه با زنان بیرون آمدند و سر حسین علیه السلام را به سرزمین کربلا برگرداندند. ۵. امام صادق علیه السلام فرمود: آنگاه که حسین بن علی علیه السلام را با تیغ کشتند و خواستند که سر مبارک او را از تن جدا کنند، ندایی از سوی پروردگار عزیز طنین انداز شد؛ ندایی از میان عرش: ای امت جبار و ستم پیشه! پس از پیامبر خود از توفیق عید قربان و عید فطر بی بهره خواهید شد. امام صادق علیه السلام فرمود: چنین بود که آنان موفق نشدند و هیچ گاه کامیاب نخواهند شد تا اینکه خون خواه حسین علیه السلام بر ستم گران بشورد.



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی



السلام

المجلس الثاني والثلاثون

يوم الثلاثاء لاثنتا عشرة ليلة خلت من المحرم

من سنة ثمان وستين و ثلاثمائة

١. حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوَيْهٍ الْقُمِّيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مَسْرُورٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَامِرٍ قَالَ: حَدَّثَنَا الْمُعَلَّى بْنُ مُحَمَّدٍ الْبَصْرِيُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عُمَرَ عَمْرُو بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُدْرِكِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام، قَالَ: «إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ جَمَعَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ النَّاسَ فِي صَعِيدٍ وَاحِدٍ وَوُضِعَتِ الْمَوَازِينُ فَتُوزَنُ دِمَاءُ الشُّهَدَاءِ مَعَ مِزَانِ الْعُلَمَاءِ فَيَرْجَحُ مِزَانُ الْعُلَمَاءِ عَلَى دِمَاءِ الشُّهَدَاءِ».

٢. حَدَّثَنَا أَبِي، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عِيْسَى بْنِ عُثَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ شُعَيْبٍ الصُّيْرَفِيِّ عَنِ الْهَيْثَمِ أَبِي كَهْمَسٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ عليه السلام قَالَ: «خِصَالُ يَنْتَفِعُ بِهَا الْمُؤْمِنُ مِنْ بَعْدِ مَوْتِهِ وَلَدٌ صَالِحٌ يَسْتَغْفِرُ لَهُ وَ مُصْحَفٌ يُقْرَأُ مِنْهُ وَ قَلِيبٌ يَخْفَرُهُ وَ غَرَسٌ يَغْرِسُهُ وَ صَدَقَةٌ مَاءٍ يُجْرِيهِ وَ سُنَّةٌ حَسَنَةٌ يُؤْخَذُ بِهَا بَعْدَهُ».

٣. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّعْدِي عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو أَحْمَدَ مُحَمَّدُ بْنُ زِيَادٍ الْأَزْدِيُّ، قَالَ: سَمِعْتُ مَالِكَ بْنَ أَنَسٍ فَقِيهَ الْمَدِينَةِ يَقُولُ: كُنْتُ أَذْخُلُ إِلَى الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام فَيَقْدِمُ لِي مِخْدَةً وَ يَعْرِفُ لِي قَدْرًا وَ يَقُولُ لِي: «يَا مَالِكُ إِنِّي أَحْبَبْتُكَ» فَكُنْتُ أَسْرُبُ بِذَلِكَ وَ أَحْمَدُ اللَّهُ عَلَيْهِ، قَالَ: وَ كَانَ عليه السلام رَجُلًا لَا يَخْلُو مِنْ إِحْدَى ثَلَاثٍ خِصَالٍ إِمَّا صَائِمًا وَ إِمَّا قَائِمًا وَ إِمَّا ذَا كِرَاءٍ وَ كَانَ مِنْ عُظَمَاءِ الْعِبَادِ وَ أَكَابِرِ الزُّهَادِ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ كَانَ كَثِيرَ الْحَدِيثِ طَيِّبَ الْمُجَالَسَةِ كَثِيرَ الْقَوَائِدِ، فَإِذَا قَالَ: قَالَ



مجلس سی و دوم

سه شنبه دوازدهم محرم سال ۳۶۸

السلامی

۱. امام صادق علیه السلام فرمود: در روز رستاخیز خداوند همه مردمان را در یک سرزمین گردمی آورد و ترازوها را می گذرانند و آنگاه خون شهیدان را با مداد عالمان خواهد سنجید. بی گمان مداد عالمان ربانی بر خون شهیدان وزن بیشتری خواهد داشت.



۲. امام صادق علیه السلام فرمود: شش چیز است که مؤمن پس از مرگ، از آن سود خواهد برد: فرزند شایسته ای که برای او طلب آموزش کند، قرآنی که تلاوت شود، چاه آبی که حفر کند، نهالی که در زمین بکارد، صدقه ای که بر آن استمرار داشته باشد و سنت شایسته ای که بر جای نهد.

۳. مالک بن انس که فقیه مدینه بود، می گفت: نزد امام صادق علیه السلام رفتم. آن حضرت یک بالش به من داد و مرا گرامی داشت و فرمود: ای مالک! تو را دوست می دارم. من از ابراز علاقه امام خوشحال شدم و خداوند را سپاس گفتم. امام صادق علیه السلام کسی بود که یا روزه می گرفت و یا نماز اقامه می کرد و یا ذکر خدا می گفت. او از برترین بندگان و زاهدان برگزیده بود که از خداوند بسیار بیم داشت. امام صادق علیه السلام بسیار حدیث می گفت و خوش

رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «أَخْضَرُ مَرَّةً وَاصْفَرُّ أُخْرَى حَتَّى يُنْكِرَهُ مَنْ كَانَ يَعْرِفُهُ، وَلَقَدْ حَبَجْتُ مَعَهُ سَنَةً، فَلَمَّا اسْتَوَتْ بِهِ رَاحِلَتُهُ عِنْدَ الْإِحْرَامِ كَانَ كُلُّمَا هَمَّ بِالتَّلْبِيَةِ انْقَطَعَ الصَّوْتُ فِي خَلْقِهِ وَكَادَ أَنْ يَخِرَّ مِنْ رَاحِلَتِهِ»، فَقُلْتُ: قُلْ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ وَلَا بُدَّ لَكَ مِنْ أَنْ تَقُولَ، فَقَالَ: «يَا بَنَ أَبِي عَامِرٍ كَيْفَ أَجْسُرُ أَنْ أَقُولَ لَيْتَنِيكَ اللَّهُمَّ لَيْتَنِيكَ وَأَخْشَى أَنْ يَقُولَ عَزَّ وَجَلَّ لَا لَيْتَنِيكَ وَلَا سَعْدِيكَ».

٤. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ، قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّعْدِيُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي أَحْمَدَ مُحَمَّدَ بْنِ زِيَادٍ الْأَزْدِيِّ عَنْ مَالِكِ بْنِ أَنَسٍ، قَالَ: قَالَ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ ﷺ: «أَعْجَبُ لِمَنْ يَتَخَلَّى بِالدُّنْيَا وَهِيَ مُقْبِلَةٌ عَلَيْهِ أَوْ يَتَخَلَّى عَلَيْهَا وَهِيَ مُدْبِرَةٌ عَنْهُ فَلَا الْإِنْفَاقَ مَعَ الْإِقْبَالِ يَضُرُّهُ وَلَا الْإِمْسَاكُ مَعَ الْإِدْبَارِ يَنْفَعُهُ»، قَالَ مَالِكُ بْنُ أَنَسٍ: وَسَمِعْتُ الصَّادِقَ ﷺ يَقُولُ: «قِيلَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ لِمَ لَا تَشْتَرِي فَرَسًا غَيِّقًا؟ قَالَ: لَا حَاجَةَ لِي فِيهِ وَأَنَا لَا أَفِرُّ مِمَّنْ كَرَّ عَلَيَّ وَلَا أَكِرُّ عَلَى مَنْ فَرَّ مِنِّي».

٥. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الصَّائِغُ الْعَدَلُ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَيْسَى بْنُ مُحَمَّدٍ الْعَلَوِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ سَلَامٍ الْكُوفِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَبْدِ الْوَاحِدِ، قَالَ: حَدَّثَنَا حَرْبُ بْنُ الْحَسَنِ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ بْنِ صَدَقَةَ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ ﷺ، قَالَ: «لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ «وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْضَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ»^(١) قَامَ رَجُلَانِ مِنْ مَجْلِسِهِمَا فَقَالَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ هُوَ التَّوْرِيُّ، قَالَ: لَا، قَالَا فَهُوَ الْأَنْجِيلُ، قَالَ: لَا، قَالَا فَهُوَ الْقُرْآنُ، قَالَ: لَا، قَالَ فَأَقْبَلَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ ﷺ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «هُوَ هَذَا إِنَّهُ الْإِمَامُ الَّذِي أَحْضَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِيهِ عِلْمَ كُلِّ شَيْءٍ».

٦. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ هَارُونَ الزُّنْجَانِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُعَاذُ بْنُ الْمُثَنَّى الْعَنْبَرِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَسْمَاءَ، قَالَ: حَدَّثَنَا جُوَيْرَةُ عَنْ سُفْيَانَ عَنْ مَنْصُورٍ عَنْ أَبِي وَائِلٍ عَنْ وَهْبٍ، قَالَ: وَجَدْتُ فِي بَعْضِ كُتُبِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنَّ ذَا الْقَرْنَيْنِ لَمَّا فَرَّغَ مِنْ عَمَلِ السُّدِّ

بیان بود و تأثیر گذار. آنگاه که از پیامبر ﷺ سخنی روایت می کرد، گاه رنگ رخسارش سبز می شد و گاه زرد، به گونه ای که در دگرگونی رنگ چهره اش ناشناس می نمود. سالی همراه با آن حضرت به زیارت خانه خدا رفتیم. آنگاه که وقت احرام بر مرکب خود نشست و خواست «تلبیه» بگوید، گویی گلویش می گرفت. بیم آن می رفت که از مرکب خویش پایین بیفتد. گفتم: ای پسر پیامبر خدا ﷺ! بگو. باید بگویی. فرمود ای پسرایی عامرا چگونه به خود اجازه دهم و بگویم لبیک اللهم لبیک؟ ترس آن دارم که خدای عزوجل فرماید لالبیک ولا سعدیک.

۴. امام صادق ﷺ فرمود: در شگفتم از کسی که حسد می ورزد و دنیا به او اقبال نشان می دهد یا از او روی گردانیده است. اما اتفاق کردن، نه با روی آوردن دنیا به آدمی ضرر دارد و نه با روی گردانیدن آن. مالک بن انس می گوید: از امام صادق ﷺ شنیدم که فرمود: به امیر مؤمنان، علی ﷺ، گفتند: چرا یک اسب نجیب نمی خری؟ فرمود: نیازی ندارم. چون هرگاه کسی به من هجوم آورد از او نمی گریزم و هرکس که از تیغ من بگریزد، دنبالش نخواهم کرد.

۵. امام باقر ﷺ فرمود: آنگاه که این آیه شریفه بر پیامبر فرود آمد: «وکل شی احصیناه فی امام مبین» «هر چیز را در امام مبین احصا نمودیم» دو تن برخاستند و گفتند: ای پیامبر خدا آیا مقصود تورات است؟ فرمود: نه. پرسیدند آیا انجیل است؟ فرمود: نه. گفتند قرآن است؟ فرمود: نه. در این هنگام امیرالمومنین ﷺ وارد شد. پیامبر فرمود: مراد، خداوند این مرد است. بی گمان او همان امامی است که خدای تبارک و تعالی علم هر پدیده را برای او شمرده است.

۶. وهب می گوید: در یکی از کتاب های آسمانی خواندم «ذوالقرنین» آنگاه که سد را ساخت، به پیرمردی رسید که مشغول عبادت بود. با سپاه خود همانجا ماند تا او نمازش را تمام کرد. ذوالقرنین از او پرسید: آیا از این سپاه من نترسیدی؟ گفت من با کسی راز و نیاز می کردم که از تو سپاهیان بیشتری دارد و نیز قدرت و حکومت بزرگتر. اگر به جانب تو



اللهم



انطلق على وجهه فبينما هو يسير وجنوده إذ مر على شيخ يصلي فوقف عليه بجنوده حتى انصرف من صلاته، فقال له ذو القرنين: كيف لم يروك ما حضرك من جنودي؟ قال: كنت أناجي من هو أكثر جنوداً منك وأعز سلطاناً وأشد قوة ولو صرفت وجهي إليك لم أدرك حاجتي قبله فقال له ذو القرنين: هل لك في أن تنطلق معي فأواسيك بنفسي وأستعين بك على بعض أمري؟ قال: نعم إن ضمنت لي أربع خصال نعيماً لا يزول وصحة لا سقم فيها وشباباً لا هرم فيه وحياة لا موت فيها، فقال له ذو القرنين: وأي مخلوق يقدر على هذه الخصال؟ فقال الشيخ فإني مع من يقدر عليها ويملكها وإياك، ثم مر برجل عالم فقال لذي القرنين: أخبرني عن شيئين منذ خلقهما الله عز وجل قائمين وعن شيئين جارين وشيئين مختلفين وشيئين متباغضين، فقال له ذو القرنين: أما الشيطان القائم فالسماوات والأرض، وأما الشيطان الجاريان فالشمس والقمر، وأما الشيطان المختلفان فالليل والنهار، وأما الشيطان المتباغضان فالموت والحياة، فقال: انطلق فإنك عالم فأنطلق ذو القرنين يسير في البلاد حتى مر بشيخ يقلب جماجم الموتى فوقف عليه بجنوده، فقال له: أخبرني أيها الشيخ بأي شيء تقلب هذه الجماجم؟ قال: لأعرف الشريف من الوضيع والغني من الفقير، فما عرفت وإني لأقلبها منذ عشرين سنة، فأنطلق ذو القرنين وتركه وقال: ما غنيت بهذا أحداً غيري فبينما هو يسير إذ وقع على الأمة العالمة من قوم موسى الذين يهدون بالحق وبه يعدلون، فلما رآهم قال لهم: أيها القوم أخبروني بخبركم فإني قد درت الأرض شرقها وغربها وبرها وبحرها وسهلها وجبلها ونورها وظلمتها، فلم ألق مثلكم فأخبروني ما بال قبور موتاكم على أبواب بيوتكم؟ قالوا: فعلنا ذلك لئلا ننسى الموت ولا يخرج ذكره من قلوبنا، قال: فما بال بيوتكم ليس عليها أبواب قالوا: ليس فيها لص ولا ظنين وليس فيها إلا أمين، قال: فما بالكم ليس عليكم أمراء، قالوا: لا نتظالم قال: فما بالكم ليس بينكم حكام، قالوا: لا نختصم، قال: فما بالكم ليس فيكم ملوك، قالوا: لا نتكاثر، قال: فما بالكم لا تتفاضلون ولا تتفاوئون، قالوا: من قبل أنا متواسون متراحمون، قال: فما بالكم لا تتنازعون ولا تختلفون، قالوا: من قبل ألفة قلوبنا وصلاح ذات بيننا، قال: فما بالكم لا تستبون ولا



الملك



سعدون



رو برمی گردانیدیم، خواسته‌ام را از او نمی ستاندم. ذوالقرنین گفت: همراه من بیا تا جان خویش را از تو مضایقه نکنم و در بعضی از امور خود از او یاری بطلبم. پیرمرد گفت: مشروط به اینکه چهار چیز را برای من ضمانت کنی: نعمت بی زوال سلامت بدون بیماری، جوانی بدون پیری و زندگی منهای مرگ. ذوالقرنین پرسید: کدام آفریده این توانمندی را دارد؟ پیرمرد گفت: من همراه کسی هستم که آن همه را دارد و نیز قدرت تو را دارد. آنگاه ذوالقرنین به شخص دانایی برخورد. او گفت: از دو چیز مرا آگاه ساز که از آغاز آفرینش پایدارند و دو چیز که همواره جاری اند و دو چیزی که پیوسته در آمد و شد می باشند و دو چیز که با هم در جنگ هستند. ذوالقرنین فرمود: آن دو که استوارند آسمانها و زمین اند و آن دو چیز که روان هستند، همان خورشید و ماه می باشند و آن دو چیز که در آمد و شدند، روز و شب هستند و آن دو چیز که با هم پیکار دارند، همان مرگ و زندگی اند. او گفت مرد دانایی هستی. ذوالقرنین به راه خود ادامه داد تا اینکه به پیرمردی رسید که کدوی سر مرده‌ها را از این سو به آن سو می گردانید. ایستاد و گفت: چرا این کار را می کنی؟ پیرمرد گفت: می خواهم بدانم کدامشان شریف و فرومایه و توانگر و تنگدست هستند؟ بیست سال است که این کار را انجام می دهم ولی هنوز تفاوت سرها را ندانستم. ذوالقرنین در حالی که از او می گذشت که می گفت: هدف تو این بود که مرا موعظه کنی. در راه ناگهان به گروهی از عالمان برخورد که راه حق را یافته و عدالت پیشه بودند. ذوالقرنین که آنان را نگریست، گفت: مرا از حال خود خبر دهید. چون من زمین را از شرق تا غرب از دریا تا صحرا از دشت تا کوهها از روشن و تاریک جهان سیاحت کردم و نظیر شما ندیده‌ام. به من پاسخ دهید که چرا مردگان خود را در خانه‌ها به خاک می سپارید. گفتند: برای اینکه مرگ را از یاد ببریم و نیز یاد آنان از بین نرود. بعد پرسید: چرا خانه‌های شما در ورودی ندارد؟ گفتند: اینجا دزد وجود ندارد و همه امانتدارند. پرسید: چرا قاضی ندارید؟ گفتند: زیرا میان ما نزاع و دشمنی نیست. پرسید: چرا حاکم ندارید؟ گفتند: زیرا زیاده خواهی نداریم. پرسید: چرا در امور مالی چندان تفاوت ندارید؟ گفتند: زیرا به هم مهر می ورزیم و برابری را رعایت می کنیم. پرسید: چرا نزاع و تفرقه ندارید؟ زیرا دل‌های یکپارچه و سازگار داریم. پرسید: چرا هرگز به یکدیگر ناسزا نمی گوید و ستیزه خویی ندارید؟ گفتند: زیرا اراده ما بر طبیعت ما چیره شده است و خود را به صبوری زینت داده‌ایم. پرسید: چرا سنت و کلام واحد دارید؟ گفتند: زیرا دروغ و فریب در ما وجود ندارد و از یکدیگر بدگویی نمی کنیم. پرسید: چرا در میان شما آدم خشن و بدخلق به چشم



الملك



تَقْتُلُونَ تُقَاتِلُونَ، قَالُوا: مِنْ قَبْلِ أَنَّا غَلَبْنَا طَبَائِعَنَا بِالْعَزْمِ وَ سَبَيْنَا سَسْنَا أَنْفُسَنَا بِالْجَلْمِ، قَالَ: فَمَا بِالْكُمْ كَلِمَتُكُمْ وَاحِدَةٌ وَطَرِيقَتُكُمْ مُسْتَقِيمَةٌ، قَالُوا: مِنْ قَبْلِ أَنَّا لَا نَتَّكَادِبُ وَلَا نَتَّخَذُ عِزًّا وَلَا يَغْتَابُ بَعْضُنَا بَعْضًا، قَالَ: فَأَخْبِرُونِي لِمَ لَيْسَ فِيكُمْ مُسْكِينٌ وَلَا فَقِيرٌ، قَالُوا: مِنْ قَبْلِ أَنَّا نَقْسِمُ بِالسُّوْيَةِ، قَالَ: فَمَا بِالْكُمْ لَيْسَ فِيكُمْ فَظٌ وَلَا غَلِيظٌ، قَالُوا: مِنْ قَبْلِ اعْتَدْنَا الدُّلَّ وَ التَّوَاضِعَ، قَالَ: فَلِمَ جَعَلَكُمْ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَطْوَلَ النَّاسِ أَعْمَارًا، قَالُوا: مِنْ قَبْلِ أَنَّا نَتَعَاطَى الْحَقَّ وَ نَحْكُمُ بِالْعَدْلِ، قَالَ: فَمَا بِالْكُمْ لَا تَقْطَعُونَ، قَالُوا: مِنْ قَبْلِ أَنَّا لَا نَغْفُلُ عَنِ الْاِسْتِغْفَارِ، قَالَ: فَمَا بِالْكُمْ لَا تَحْزَنُونَ، قَالُوا: مِنْ قَبْلِ أَنَّا وَطْنَا أَنْفُسَنَا عَلَى الْبَلَاءِ فَعَزَّيْنَا أَنْفُسَنَا، قَالَ: فَمَا بِالْكُمْ لَا يُصِيبُكُمْ الْآفَاتُ، قَالُوا: مِنْ قَبْلِ أَنَّا لَا نَتَوَكَّلُ عَلَى غَيْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ لَا نَسْتَفْطِرُ بِالْأَتَوَاءِ وَ النُّجُومِ، قَالَ: فَحَدِّثُونِي أَيُّهَا الْقَوْمُ هَكَذَا وَجَدْتُمْ آبَائَكُمْ يَفْعَلُونَ، قَالُوا: وَجَدْنَا آبَاءَنَا يَرْحَمُونَ مُسْكِينَهُمْ وَ يُوَسِّسُونَ فَقِيرَهُمْ وَ يَغْفُونَ عَنْهُمْ ظُلْمَهُمْ وَ يُحْسِنُونَ إِلَى مَنْ أَسَاءَ إِلَيْهِمْ وَ يَسْتَغْفِرُونَ لِمَسِيئَتِهِمْ وَ يَصِلُونَ أَرْحَامَهُمْ وَ يُؤَدُّونَ أَمَانَتَهُمْ وَ يَصْدُقُونَ وَ لَا يَكْذِبُونَ فَأُصْلَحَ اللَّهُ لَهُمْ بِذَلِكَ. أَمْرُهُمْ فَأَقَامَ عِنْدَهُمْ ذُو الْقُرْنَيْنِ حَتَّى قُبِضَ وَ كَانَ لَهُ خَمْسُمِائَةِ عَامٍ.

٧. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ عَنْ فَصَّالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ عليه السلام، قَالَ: «بَعَثَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله خَالِدَ بْنَ الْوَلِيدِ إِلَى حَيٍّ يُقَالُ لَهُمْ بَنُو الْمُضْطَلِقِ مِنْ بَنِي جُذَيْمَةَ، وَكَانَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ بَنِي مَخْزُومٍ إِحْنَةٌ فِي الْجَاهِلِيَّةِ، فَلَمَّا وَرَدَ عَلَيْهِمْ كَانُوا قَدْ أَطَاعُوا رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَ أَخَذُوا مِنْهُ كِتَابًا فَلَمَّا وَرَدَ عَلَيْهِمْ خَالِدٌ أَمَرَ مُنَادِيًا فَنَادَى بِالصَّلَاةِ فَصَلَّى وَ صَلُّوا، فَلَمَّا كَانَ صَلَاةُ الْفَجْرِ أَمَرَ مُنَادِيَةً فَنَادَى فَصَلَّى وَ صَلُّوا ثُمَّ أَمَرَ الْخَيْلَ فَسَوَّاهُمْ فِيهِمْ الْعَارَةَ فَقَتَلَ وَ أَصَابَ فَطَلَبُوا كِتَابَهُمْ فَوَجَدُوهُ فَأَتَوْا بِهِ النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله وَ حَدَّثُوهُ بِمَا صَنَعَ خَالِدُ بْنُ الْوَلِيدِ فَاسْتَقْبَلَ الْقَبِيلَةَ، ثُمَّ قَالَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَبْرَأُ إِلَيْكَ مِمَّا صَنَعَ خَالِدُ بْنُ الْوَلِيدِ، قَالَ: ثُمَّ قَدَّمَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ تَبَرُّ وَ مَتَاعٌ، فَقَالَ لِعَلِيِّ عليه السلام: يَا عَلِيُّ أَمْتُ بَنِي جُذَيْمَةَ مِنْ بَنِي الْمُضْطَلِقِ فَأَرْضِهِمْ مِمَّا صَنَعَ خَالِدٌ ثُمَّ رَفَعَ صلى الله عليه وآله قَدَمَيْهِ فَقَالَ: يَا عَلِيُّ اجْعَلْ قَضَاءَ أَهْلِ الْجَاهِلِيَّةِ تَحْتَ قَدَمَيْكَ فَأَتَاهُمْ عَلِيُّ عليه السلام

نمی خورد؟ گفتند: زیرا فروتنانه برخورد می کنیم. پرسید: چرا بینوا در شهر شما نیست؟ گفتند: چون ثروت را یکسان تقسیم کرده ایم. پرسید: چرا خداوند عمر دراز به شما ارزانی داشته است؟ گفتند: زیرا به آنچه حقیقت است، رفتار و داوری می کنیم. پرسید: چرا قحطی در شهر شما وجود ندارد؟ گفتند: زیرا همیشه طلب آمرزش داریم. پرسید: چرا اندوه در دلتان نیست؟ گفتند: زیرا خود را همیشه مهبای بلا ساخته و به خود دلداری می دهیم. پرسید: چرا آفت به شما نمی رسد؟ گفتند: زیرا توکل بر خدای یکتا داریم و از بتان و ستارگان درخواست باران نمی کنیم. پرسید: آیا پدران خود را با این رفتارها مشاهده کرده اید؟ گفتند: سنت نیاکان این بود که به تنگدست رحم داشتند و با بینوایان همدلی داشتند و ستمکار را عفو می کردند و به بدخواه نیکی می کردند و برای بزهکار در خواست آمرزش می کردند و با خویشاوندان صله رحم داشتند و امانت را به صاحب آن پس می دادند و هرگز دروغ نمی گفتند. چنین بودند که خداوند زندگی شان را سامان بخشید. می گویند ذوالقرنین تا آنگاه که مرگ او فرارسید، پانصد سال سپری شد و در این مدت کنار آنان زندگی کرد.

۷. امام باقر علیه السلام فرمود: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خالد بن ولید را نزد قوم بنی المصطلق راهی نمود که از قوم جزیمه بوده و میان آنان و بنی مخزوم از دوران جاهلیت کینه وجود داشت. آن گاه که خالد نزد آنان رفت چنین فهمید که از پیامبر خدا پیروی می کنید و از او نیز پیمان نامه ای در دست دارند. خالد پس از اذان صبح نماز را همراه با آنان اقامه کرد و بعد فرمان داد که اموالشان را غارت کنند و همچنین دسته ای از آنان را به قتل برسانید. آنان پیمان نامه را برداشتند و نزد رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمدند و از جنایت خالد بن ولید خبر دادند. حضرت رو به قبله فرمود خدایا از رفتار خالد به سوی تو بیزاری می طلبم. آن گاه که جامه و کالای غارت شده را پیش حضرت آوردند، به علی علیه السلام فرمود: نزد بنی جزیمه و بنی مصطلق برو و رضایت شان را به دست آور. هنوز علی علیه السلام دو قدم برداشته بود که فرمود: ای علی داوری عصر جاهلیت را زیر پای خویش بگذار. علی علیه السلام که نزد آنان رسید، به فرمان خدا، درباره آنان حکم کرد. آن گاه که به مدینه بازگشت، پیامبر گفت: ای علی! بگو



السلام



فَلَمَّا انْتَهَى إِلَيْهِمْ حَكْمُ فِيهِمْ بِحُكْمِ اللَّهِ، فَلَمَّا رَجَعَ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ قَالَ: يَا عَلِيُّ أَخْبِرْنِي مَا صَنَعْتَ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ عَمَدْتُ فَأَعْطَيْتُ لِكُلِّ دِمَّةٍ وَلِكُلِّ جَنِينٍ غُرَّةً وَلِكُلِّ مَالٍ مَالًا وَفَضَلْتُ مَعِيَ فَضْلَهُ فَأَعْطَيْتُهُمْ لِمِيلَغَةٍ كِلَابِهِمْ وَحِيلَةٍ رُعَاتِهِمْ وَفَضَلْتُ مَعِيَ فَضْلَهُ فَأَعْطَيْتُهُمْ لِرَوْعَةِ نِسَائِهِمْ وَفَزَعِ صَبْيَانِهِمْ وَفَضَلْتُ مَعِيَ فَضْلَهُ فَأَعْطَيْتُهُمْ لِمَا يَعْلَمُونَ وَ لِمَا لَا يَعْلَمُونَ وَفَضَلْتُ مَعِيَ فَضْلَهُ فَأَعْطَيْتُهُمْ لِيَرْضَوْا عَنْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ ﷺ: يَا عَلِيُّ أَعْطَيْتُهُمْ لِيَرْضَوْا عَنِّي رَضِيَ اللَّهُ عَنْكَ يَا عَلِيُّ، إِنَّمَا أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي.»



مركز تحفة كرامت حضرت رسول



السلام



چه کردی؟ گفت: ای پیامبر خدا! همه خون بها را پرداختم و برای جنین سقط شده‌ای بنده یا کنیزی دادم و نیز عوض هر ثروت تباه شده‌ای را رد کردم و آن چه افزون آمد، به منظور کاسه سگ‌ها و ریسمان گله داران پرداختم و بقیه را به خاطر ترس زنان و کودکان به آن بخشیدم. پیامبر فرمود: ای علی! چنان کردی که از من خشنود شوند، خدایت از تو خرسند باد. ای علی! تو نسبت به من مانند هارون نسبت به موسی هستی، جز این که پس از من پیامبری نیست.



مرکز تحقیقات و اسناد اسلامی



السلام

المجلس الثالث والثلاثون

وهو يوم الجمعة للنصف من المحرم

من سنة ثمان وستين وثلاثمائة

١. حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوَيْهٍ الْقُمِّيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْأَسْتَرَابَادِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا يُونُسُ بْنُ مُحَمَّدٍ ابْنُ زِيَادٍ وَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ ابْنُ سَيَّارٍ عَنْ أَبِيهِمَا عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى ابْنِ جَعْفَرٍ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، قَالَ: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: قَسَمْتُ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ بَيْنِي وَبَيْنَ عَبْدِي فَنَصَفْتُهَا لِي وَنَصَفْتُهَا لِعَبْدِي وَلِعَبْدِي مَا سَأَلَ، إِذَا قَالَ الْعَبْدُ: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، قَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ: بَدَأَ عَبْدِي بِاسْمِي وَحَقَّ عَلَيَّ أَنْ أَتِمَّ لَهُ أُمُورَ وَ أَبَارِكَ لَهُ فِي أَحْوَالِهِ، فَإِذَا قَالَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»، قَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ: حَمَدَنِي عَبْدِي وَ عَلِمَ أَنَّ النِّعَمَ الَّتِي لَهُ مِنْ عِنْدِي، وَأَنَّ الْبَلَايَا الَّتِي إِنْ دَفَعْتُ عَنْهُ فَيَبْتَطُولِي أَشْهَدُكُمْ أَنِّي أَضِيفُ لَهُ إِلَى نِعَمِ الدُّنْيَا نِعَمَ الْآخِرَةِ وَ أَرْفَعُ عَنْهُ بَلَايَا الْآخِرَةِ كَمَا دَفَعْتُ عَنْهُ بَلَايَا الدُّنْيَا، فَإِذَا قَالَ: «الرَّحْمَنُ الرَّحِيمِ»، قَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ: شَهِدَ لِي بِأَنِّي الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ أَشْهَدُكُمْ لَأَوْفَرَنَّ مِنْ رَحْمَتِي حَظَّهُ وَ لَأَجْزِلَنَّ مِنْ عَطَائِي نَصِيبَهُ، فَإِذَا قَالَ: «مَالِكِ يَوْمَ الدِّينِ»، قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ: أَشْهَدُكُمْ كَمَا اعْتَرَفَ أَنِّي أَنَا مَالِكُ يَوْمَ الدِّينِ لَأُسَهِّلَنَّ يَوْمَ الْحِسَابِ حِسَابَهُ وَ لَأَتَقَبَّلَنَّ حَسَنَاتِهِ وَ لَأَتَجَاوِزَنَّ عَنْ سَيِّئَاتِهِ، فَإِذَا قَالَ: «إِنِّي أَعْبُدُ»، قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ: صَدَقَ عَبْدِي إِنِّي أَعْبُدُ أَشْهَدُكُمْ لَأُثَبِّتَهُ عَلَى عِبَادَتِهِ ثَوَابًا يَغِيطُهُ كُلُّ مَنْ خَالَفَهُ فِي عِبَادَتِهِ لِي، فَإِذَا قَالَ: «وَ إِنِّي أَسْتَغِيثُ»، قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ: بِي اسْتَعَانَ وَ التَّجَاءَ أَشْهَدُكُمْ لَأُعِيشَنَّهُ عَلَى أَمْرِهِ وَ لَأُغِيثَنَّهُ فِي شِدَائِهِ وَ لَأَخْذَنَّ بِيَدِهِ يَوْمَ نَوَائِبِهِ، فَإِذَا أَهْدَانَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ إِلَى



مجلس سی و سوم

جمعه نیمه محرم سال ۳۶۸

السلامی

۱. پیامبر ﷺ فرمود: خداوند فرمود سوره حمد را میان خود و بندگانم تقسیم کردم، نیمی از من است و نیمی از بنده من. بنده می تواند از من بخواهد. آنگاه که او می گوید «بسم الله الرحمن الرحيم»، خدا می فرماید: بنده ام با اسم من شروع کرد و بر من واجب است که کارش را به کمال رسانده و به او برکت بخشم. آنگاه که می گوید: «الحمد لله رب العالمين»، خدا می فرماید بنده ام را سپاس و ستایش گفت و باور کرد که هر نعمتی از من است و به لطف من هر گرفتاری از او رانده می شود. شما ای فرشتگان شاهد باشید، نعمت آخرت را بر نعمت دنیای او افزون ساخته و گرفتاریهای آخرت را از او دور کرده ام؛ همان گونه که گرفتاریهای دنیا را. آنگاه که او می گوید: «الرحمن الرحيم»، خدا می فرماید: بنده ام شهادت داد که من رحمان و رحیم هستم و شما شاهد باشید که من از رحمت و عنایت خود، او را بهره سیار خواهم بخشید. آنگاه که می گوید: «مالک يوم الدين»، خداوند می فرماید: شاهد باشید که حساب روز قیامت را بر او آسان خواهم کرد. زیرا به مالکیت من بر آن روز اعتراف کرد. حسنات او را خواهم پذیرفت و از زشتی های او در خواهم گذشت. آنگاه که می گوید: «ایاک نعبد»، خداوند می فرماید: بنده ام راست گفت، او فقط مرا پرستش می کند. شاهد باشید که پاداش عبادت او را خواهم داد؛ پاداشی که هر کس مشرک شده، به حال او حسد ورزد. آنگاه که می گوید: «وایاک نستعین»، خداوند می فرماید: بنده ام از من کمک طلبید و به من پناهنده شد. شاهد باشید که او را در کارش یاری خواهم رساند و در دشواریها فریادرس او خواهم بود و هنگام بلا دستگیر او خواهم شد. آنگاه که می گوید: «اهدنا الصراط المستقیم»، و تا پایان سوره حمد را تلاوت می کند:

سوره حمد

آخِرِ السُّورَةِ قَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ: هَذَا لِعَبْدِي وَلِعَبْدِي مَا سَأَلَ قَدْ اسْتَجَبْتُ لِعَبْدِي وَأَعْطَيْتُهُ مَا أَمَلَ وَأَمْنْتُهُ مِمَّا مِنْهُ وَجَلَّ، وَقِيلَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَخْبَرْنَا عَنْ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» أَهِيَ مِنْ فَاتِحَةِ الْكِتَابِ، فَقَالَ: «نَعَمْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله يَقْرَأُهَا وَيَعُدُّهَا آيَةً مِنْهُ وَيَقُولُ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ هِيَ السَّبْعُ الْمَثَانِي».

٢. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ قَاسِمٍ، قَالَ: حَدَّثَنِي يُونُسُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ زِيَادٍ وَعَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ سَيَّارٍ عَنْ أَبِي يَهُيْمَا عَنْ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ الرِّضَا عَلِيِّ بْنِ مُوسَى عَنْ أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: «أَنَّ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ آيَةٌ مِنْ فَاتِحَةِ الْكِتَابِ وَهِيَ سَبْعُ آيَاتٍ تَمَامُهَا بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله يَقُولُ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَالَ لِي: يَا مُحَمَّدُ «وَلَقَدْ آتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنَ الْعَظِيمَ» ^(١) فَأَفْرَدَ الْاِمْتِنَانَ عَلَيَّ بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ وَجَعَلَهَا بِلَاغِ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ، وَإِنَّ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ أَشْرَفُ مَا فِي كُنُوزِ الْعَرْشِ، وَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَصَّ مُحَمَّدًا وَشَرَفَهُ بِهَا وَلَمْ يُشْرِكْ مَعَهُ فِيهَا أَحَدًا مِنْ أَنْبِيَائِهِ مَا خَلَا سُلَيْمَانَ فَإِنَّهُ أَعْطَاهُ مِنْهَا «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» أَلَا تَرَاهُ يَحْكِي عَنْ بَلْقَيْسٍ حِينَ قَالَتْ: «إِنِّي أَلْقِي إِلَيْكِ كِتَابٌ كَرِيمٌ إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» ^(٢) أَلَا فَمَنْ قَرَأَهَا مُعْتَقِدًا لِمُؤَالَاتِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ مُنْقَادًا لِأَمْرِهِمَا مُؤْمِنًا بِظَاهِرِهِمَا وَبَاطِنِهِمَا أَعْطَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِكُلِّ حَرْفٍ مِنْهَا حَسَنَةً كُلُّ وَاحِدَةٍ مِنْهَا أَفْضَلُ لَهُ مِنَ الدُّنْيَا بِمَا فِيهَا مِنْ أَصْنَافِ أَمْوَالِهَا وَخَيْرَاتِهَا وَمَنْ اسْتَمَعَ إِلَى قَارِئٍ يَقْرَأُهَا كَانَ لَهُ قَدْرُ ثَلَاثِ مَا لِلْقَارِئِ فَلْيَسْتَكْثِرْ أَحَدُكُمْ مِنْ هَذَا الْخَيْرِ الْمُعْرِضِ لَكُمْ فَإِنَّهُ غَنِيمَةٌ لَا يَذْهَبُ أَوَانُهُ فَتَبْقَى فِي قُلُوبِكُمُ الْحَسْرَةُ».

٣. حَدَّثَنَا أَبِي، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ الْفَضْلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام، قَالَ: «لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ (وَجِيءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ) سُئِلَ عَنْ ذَلِكَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله، فَقَالَ: أَخْبَرَنِي الرُّوحُ الْأَمِينُ أَنَّ اللَّهَ لَا إِلَهَ غَيْرُهُ إِذَا

خداوند می فرماید: این از بنده من است و او هر خواسته‌ای داشته باشد، بدان دست می‌یابد و برای آنچه آرزو داشت، پذیرفتم و از آنچه بیمناک بود، آسوده‌اش ساختم. به علی علیه السلام گفته شد: ای مولای من! آیا «بسم الله الرحمن الرحيم» از سوره حمد است؟ فرمود: آری. پیامبر آن را تلاوت می‌کرد و آن را یک آیه از فاتحه الکتاب به حساب می‌آورد و بعد فرمود: سوره حمد همان هفت آیه‌ای است که دو بار بر رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل شده است.

۲. امیر المومنین علی علیه السلام فرمود: «بسم الله الرحمن الرحيم» آیه‌ای از سوره حمد بوده و آن سوره را کامل می‌کند. از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: «خداوند فرمود که ای محمد مابه تو سبع مثانی و قرآن کریم را عطا کردیم. پروردگار به خاطر نزول حمد جداگانه منت نهاد و آن را برابر قرآن قرار داد.» سوره حمد شریف ترین گنج عرش است و خداوند پیامبر را بدان ویژگی بخشید و برتری داد و نیز هیچ کدام از پیامبران خویش را با آن حضرت سهیم نساخته است. مگر حضرت سلیمان را که «بسم الله الرحمن الرحيم» را نیز به او ارزانی داشت. مگر در ماجرای بلقیس نخوانده‌ای که می‌گوید به سوی من نامه‌ای شریف می‌فرستاد، نامه‌ای از جانب سلیمان علیه السلام که در آن آمده: بسم الله الرحمن الرحيم بی‌گمان هرکس این آیه را با ایمان به محبت و تبعیت از محمد صلی الله علیه و آله و خاندان او تلاوت کند و فرمان بر آنان باشد و در نهان و آشکار به آنان گرایش داشته باشد، خداوند در برابر هر حرف آن حسنه‌ای به او می‌دهد که برتر از دنیا و آنچه در دنیا است؛ از دارایی‌ها و خوبی‌هایش. و هرکس به صدای تلاوت گر این آیه شریفه گوش سپارد، یک سوم پاداش او را خواهد داشت. از این رو شایسته است که هرکس از این خوبی که در اختیار است، هر قدر که می‌تواند غنیمت بیاندوزد تا مبادا زمان آن بگذرد و حسرت آن در دل داشته باشد.

۳. امام باقر علیه السلام فرمود: آن‌گاه که این آیه فرود آمد: «وجیء یومئذ بجهنم» دوزخ را نزدیک بیاورند (فجر) از مفهوم آن از رسول اکرم صلی الله علیه و آله سؤال کردند، حضرت فرمود: جبرئیل به من گفت که خدای یکتا آن‌گاه که مردمان را از نخستین و واپسین گرد



اللهم



جَمَعَ الْاَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ اَتَيْ بِجَهَنَّمَ ثِقَادُ بِالْفِ زِمَامٍ اَخَذَ بِكُلِّ زِمَامٍ مِائَةَ اَلْفٍ مَلِكٍ مِنْ الْغِلَاطِ الشَّدَادِ لَهَا وَهَذِهِ تَغِيظُ وَزَفِيرُ وَانْهَائِ لَتَرْفُرُ الرَّقْرَقَةُ فَلَوْ لَا اَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ اَخْرَجَهُمْ اِلَى الْحِسَابِ لَأَهْلَكَتِ الْجَمْعُ ثُمَّ يَخْرُجُ مِنْهَا عُنُقٌ يَحِيطُ بِالْخَلَائِقِ الْبَرِّ مِنْهُمْ وَالْفَاجِرِ، فَمَا خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَبْدًا مِنْ عِبَادِهِ مَلَكًا وَلَا نَبِيًّا إِلَّا نَادَى رَبُّ نَفْسِي نَفْسِي، وَأَنْتَ يَا نَبِيَّ اللَّهُ تُنَادِي أُمَّتِي أُمَّتِي ثُمَّ يُوَضِّعُ عَلَيْهَا صِرَاطُ أَدَقُّ مِنْ حَدِّ السَّيْفِ عَلَيْهِ ثَلَاثُ قَنَاطِرٍ، أَمَّا وَاحِدَةٌ فَعَلَيْهَا الْاِمَانَةُ وَالرَّحِمُ، وَأَمَّا الثَّانِيَةُ فَعَلَيْهَا الصَّلَاةُ، وَأَمَّا الْآخَرَى فَعَلَيْهَا عَدْلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا إِلَهَ غَيْرُهُ فَيَكْلِفُونَ الْمَمَرَّ عَلَيْهِ فَتَحْسِبُهُمُ الرَّحِمُ وَالْاِمَانَةُ، فَإِنْ نَجَّوْا مِنْهَا حَسَبَتْهُمْ الصَّلَاةُ، فَإِنْ نَجَّوْا مِنْهَا كَانَ الْمُنتَهَى إِلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ جَلَّ وَعَزَّ وَهُوَ قَوْلُهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ وَالنَّاسُ عَلَى الصِّرَاطِ فَمُتَعَلِّقٌ وَقَدَمُ تَزِلُّ وَقَدَمُ تَسْتَمْسِكُ وَالْمَلَائِكَةُ حَوْلَهُمْ يُنَادُونَ يَا حَلِيمُ اغْفِرْ وَاصْفَحْ وَغُدِّ بِفَضْلِكَ وَسَلِّمْ وَسَلِّمْ وَالنَّاسُ يَتَهَفَّتُونَ فِيهَا كَالْفَرَاشِ، فَإِذَا نَجَّاهُ نَاجٍ بِرَحْمَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ نَظَرَ إِلَيْهَا فَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي نَجَّانِي مِنْكَ بَعْدَ إِيَّاسٍ بِمَنْهٍ وَفَضْلِهِ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ».

٤. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصُّفَّارُ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدِ الْبَرْقِيِّ عَنِ الْقَاسِمِ ابْنِ مُحَمَّدٍ الْجَوْهَرِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ)، قَالَ: «النَّاسُ يَمُرُّونَ عَلَى الصِّرَاطِ طَبَقَاتٍ وَالصِّرَاطُ أَدَقُّ مِنَ الشَّعْرِ وَ أَحَدٌ مِنَ السَّيْفِ فَمِنْهُمْ مَنْ يَمُرُّ مِثْلَ الْبَرْقِ وَمِنْهُمْ مَنْ يَمُرُّ مِثْلَ غَدُوِّ الْفَرَسِ وَمِنْهُمْ مَنْ يَمُرُّ حَبْنًا وَمِنْهُمْ مَنْ يَمُرُّ مُتَعَلِّقًا قَدْ تَأَخَّذَ النَّارُ مِنْهُ شَيْئًا وَتَتَرَكُ شَيْئًا».

٥. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادٍ الْهَمْدَانِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ)، قَالَ: «إِذَا أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يَبْعَثَ الْخَلْقَ أَمْطَرَ السَّمَاءَ عَلَى الْأَرْضِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا فَاجْتَمَعَتِ الْاَوْصَالُ وَنَبَتَتِ الدُّحُومُ».

٦. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ الرِّيَّانِ بْنِ الصَّلْتِ عَنِ الرِّضَا عَلِيِّ بْنِ مُوسَى عَنْ أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ

آورد، دوزخ را می آورند در حالیکه آن را به هزار مهار می کشند و هر مهاری به دست صد هزار فرشته غلاظ و شداد است و صدای بلند و نفس سوزان آن پیداست؛ آنچنان که اگر پروردگار مردمان را به منظور حساب اعمال از آن کنار نکشاند، همگان نابود خواهند شد. ناگاه زبانه آتشی از دوزخ بیرون می زند که مردمان خوب و بد را در میان می گیرد و آفریده‌ای خارج از حلقه آتش نمی ماند تا این که فرشتگان و پیامبر که فریاد برآورد: خدایا! به فریادم برس. و آن گاه ای محمد ﷺ تو پیامبری خواهی بود که خواهی گفت: امانت مرا در یابید. آنگاه بر دوزخ پلی می گذارند که از دم تیغ برندگی آن بیشتری است. سه گذرگاه بر آن پل به چشم می خورد. نخستین برای امانت و دیگری برای خویشاوندان و اقامه نماز. و سومی برای سنجش عدل پروردگار جهانیان که جز او معبود شایسته‌ای نیست. سپس به همگان فرمان می دهند که از پل صراط عبور کنند. پیوند با خویشان و امانت داری آنان را نگاه می دارد. اگر از آن گذشتند، نماز آنان را باز دارد و اگر از آن گذشتند، هنگام حساب اعمال است. و این است معنای کلام او - تبارک و تعالی: به راستی پروردگارت در کمین گاه مردم بر صراط است. برخی آویزان شده و برخی دیگر در گامها لغزان بوده و دسته‌ای استوارند. فرشتگان گرداگرد آنان حلقه زده و ندا می دهند: ای حلیم بیمارز و درگذر و به عنایت خود آنان را سالم بدار. مردمان مثل پروانه‌ها خویشتن را بر آنان افکنند و هرگاه کسی به لطف خدا رهایی پیدا کند نگاهی به صراط افکنده و گوید خداوند را سپاس که مرا از آن رهانید؛ پس از آن که دچار نومیدی شده بودم. او به فضل خویش چنین کرد. بی گمان پروردگار ما آمرزنده و سپاسگزار است.

۴. امام صادق علیه السلام فرمود: مردمان در دسته‌های گوناگون بر صراط عبور می کنند؛ صراطی که از مو باریک تر است و از تیغ برنده تر. برخی برق آسا از آن خواهند گذشت و برخی دیگر مانند اسب تیز پا و برخی بر سر و دستان از آن می گذرند و برخی نیز بر پل صراط آویزان خواهند شد، در حالی که آتش پاره‌ای از تنشان را به کام خود می کشد و پاره‌ای را رها می کند.

۵. امام صادق علیه السلام فرمود: آنگاه که خداوند در رستاخیز، مردمان را برانگیزاند، آسمان بر زمین چهل شبانه روز می بارد تا این که رگ و پی آدمیان به هم بپیوندند و گوشت جدید برآید.

۶. امیرالمومنین علیه السلام پس از سالیانی دراز یکی از پیروان خویش را ملاقات کرد، در



السلام



مُحَمَّدٌ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ ابْنِ عَلِيٍّ عليه السلام، قَالَ: «رَأَى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام رَجُلًا مِنْ شِيعَتِهِ بَعْدَ عَهْدٍ طَوِيلٍ، وَقَدْ أَثَّرَ السِّنُّ فِيهِ وَكَانَ يَتَجَلَدُ فِي مِشْيَتِهِ، فَقَالَ عليه السلام: كَبُرَ سِنُّكَ يَا رَجُلُ، قَالَ: فِي طَاعَتِكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، فَقَالَ عليه السلام: أَنْكَ لَتَتَجَلَدُ، قَالَ: عَلَى أَعْدَائِكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، فَقَالَ عليه السلام: أَجِدُ فِيكَ بَقِيَّةً، قَالَ: هِيَ لَكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، قَالَ الرَّيَّانُ بْنُ الصَّلْتِ: وَأَنْشَدَنِي الرَّضَا لِعَبْدِ الْمُطَّلِبِ:

يَعِيبُ النَّاسُ كُلَّهُمْ زَمَانًا وَمَا لِي زَمَانًا غَيْبُ سَوَانَا
نَعِيبُ زَمَانَنَا وَالْعَيْبُ فِينَا وَلَوْ نَطَقَ الزَّمَانُ بِنَا هَبَانَا
وَإِنَّ الذُّبَّ يَتْرُكُ لَحْمَ ذُبِّ وَيَا كُلُّ بَعْضُنَا بَعْضًا عَيْنَانَا

٧. حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مَسْرُورٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَمِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي عُمَرَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيٍّ عليه السلام، قَالَ: «كُنْ لِمَا لَا تَرْجُو أَرْجَى مِنْكَ لِمَا تَرْجُو فَإِنَّ مُوسَى بْنَ عِزْرَانَ عليه السلام خَرَجَ يَقْبِيسُ لِأَهْلِهِ نَارًا فَكَلَّمَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَرَجَعَ نَبِيًّا وَخَرَجَتْ مَلَكَ سَبَا فَأَسْلَمَتْ مَعَ سُلَيْمَانَ وَخَرَجَ سَحْرَةُ فِرْعَوْنَ يَطْلُبُونَ الْعِزَّةَ لِفِرْعَوْنَ فَرَجَعُوا مُؤْمِنِينَ».

٨. حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ النَّخَعِيُّ عَنْ عَمِّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ التُّوفَلِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام: «حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ عليه السلام أَنَّ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام كَانَ أَعْبَدَ النَّاسِ فِي زَمَانِهِ وَأَزْهَدَهُمْ وَأَفْضَلَهُمْ، وَكَانَ إِذَا حَجَّ حَجَّ مَاشِيًا وَرُبَّمَا مَشَى خَافِيًا، وَكَانَ إِذَا ذَكَرَ الْمَوْتَ بَكَى، وَإِذَا ذَكَرَ الْقَبْرَ بَكَى، وَإِذَا ذَكَرَ الْبُعْثَ وَالنُّشُورَ بَكَى، وَإِذَا ذَكَرَ الْمَمَرَّ عَلَى الصَّرَاطِ بَكَى، وَإِذَا ذَكَرَ الْعَرْضَ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ شَهِقَ شَهَقَةً يُغْشَى عَلَيْهِ مِنْهَا، وَكَانَ إِذَا قَامَ فِي صَلَاتِهِ تَرْتَعِدُ فَرَائِضُهُ بَيْنَ يَدَيِ رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَكَانَ إِذَا ذَكَرَ الْجَنَّةَ وَالنَّارَ اضْطَرَبَ اضْطِرَابَ السَّلِيمِ وَيَسْأَلُ اللَّهَ الْجَنَّةَ وَيَعُوذُ بِهِ مِنَ النَّارِ، وَكَانَ عليه السلام لَا يَقْرَأُ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» إِلَّا قَالَ: لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ وَلَمْ يُرَفِ فِي شَيْءٍ مِنْ أَحْوَالِهِ إِلَّا ذَا كِرًا لِلَّهِ سُبْحَانَهُ وَكَانَ أَصْدَقَ النَّاسِ لَهْجَةً وَأَفْضَحَهُمْ مَنَطِقًا وَلَقَدْ

حالی که سن و سالی سپری کرده بود ولی چابک راه می‌رفت. امام به او چنین فرمود: ای مرد، پیر گشتی. گفت: در فرمانبری از تو پیر شدم. علی علیه السلام فرمود: چابک راه می‌روی. گفت: قصد جهاد با دشمنان تو را دارم، ای امیر مومنان. آنگاه علی علیه السلام فرمود: هنوز در تو نیرویی مانده است. گفت: پیش کش درگاه شماس، ای امیر مومنان! ریان بن صلت که راوی این حدیث است، از قول امام رضا علیه السلام روایت می‌کند که علی علیه السلام از زبان عبدالمطلب چنین خواند: مردم را می‌بینی که از روزگار بد می‌گویند، حال آنکه روزگار بی‌عیب است و عیب در ماست. اگر روزگار زبان گشاید، بی‌گمان ما را هجو خواهد کرد که درباره او چنین می‌گوییم. گرگ گوشت گرم را نمی‌پسندد، در حالی که ما فرزندان آدم آشکارا و بی‌پروا گوشت یکدیگر را می‌خوریم.

۷. علی علیه السلام فرمود: در یأس، امید بیشتری هست. آنگاه که موسی بن عمران علیه السلام برای خانواده خود پاره آتشی برد، خداوند با او سخن گفت و او به عنوان یک پیامبر برانگیخته شده بود، نزد همسرش بازگشت. ملکه سبا از سرزمین خود خارج شد و اسلام آورد و سپس همسر سلیمان شد. ساحران مصری به قصد کسب قدرت نزد فرعون رفتند، اما به افتخار ایمان نائل آمدند.

۸. مفضل بن عمر می‌گوید: امام صادق فرمود: پدرم از پدرش روایت فرمود که حسن بن علی علیه السلام عابدترین و زاهدترین و برترین مردم عصر خویش بود. آن حضرت همواره پیاده عزم حج می‌کرد و چه بسیار که با پاهای برهنه به زیارت خانه خدا می‌رفت. هرگاه مرگ را به یاد می‌آورد، اشک می‌ریخت و هرگاه قیامت و محشور شدن را به یاد می‌آورد، اشک می‌ریخت. و نیز آنگاه که به یاد صراط و ملاقات با خدا می‌افتاد چنان نالان می‌شد که بیهوش می‌افتاد. آن حضرت هرگاه نماز می‌خواند، لرزه بر اندام او می‌افتاد و در یاد کردن دوزخ و بهشت مثل مار گزیده‌ای پریشان می‌شود. او از خدا درخواست بهشت می‌کرد و از آتش دوزخ به او پناه می‌برد. آن حضرت هیچ آیه‌ای از قرآن که خطاب یا

قِيلَ لِمُعَاوِيَةَ ذَاتَ يَوْمٍ: لَوْ أَمَرْتَ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام فَصَعِدَ الْمِنْبَرَ فَخَطَبَ لِيُبَيِّنَ لِلنَّاسِ نَقْصَهُ، فَدَعَاهُ فَقَالَ لَهُ: اصْعِدِ الْمِنْبَرَ وَتَكَلَّمْ بِكَلِمَاتٍ تَعْظُمُ بِهَا، فَقَامَ عليه السلام فَصَعِدَ الْمِنْبَرَ فَحَمِدَ اللَّهَ وَاتَّسَى عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ عَرَفَنِي فَقَدْ عَرَفَنِي وَمَنْ لَمْ يَعْرِفَنِي فَأَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَابْنُ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ أَنَا ابْنُ خَيْرِ خَلْقِ اللَّهِ أَنَا ابْنُ رَسُولِ اللَّهِ أَنَا ابْنُ صَاحِبِ الْقَضَائِلِ أَنَا ابْنُ صَاحِبِ الْمُعْجَزَاتِ وَالِدَلَائِلِ أَنَا ابْنُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ أَنَا الْمَدْفُوعُ عَنْ حَقِّي أَنَا وَأَخِي الْحُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَنَا ابْنُ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ أَنَا ابْنُ مَكَّةَ وَمِنِّي أَنَا ابْنُ الْمَشْعَرِ وَالْعِرْفَاتِ، فَقَالَ لَهُ مُعَاوِيَةُ: يَا أَبَا مُحَمَّدٍ خُذْ فِي نَعْتِ الرُّطْبِ وَدَعْ هَذَا، فَقَالَ عليه السلام: «الرَّيْحُ تَنْفُخُهُ وَالْحَرُّ يَنْضِجُهُ وَالْبَرْدُ يَطْيِيهِ»، ثُمَّ عَادَ عليه السلام فِي كَلَامِهِ فَقَالَ: «أَنَا إِمَامُ خَلْقِ اللَّهِ وَابْنُ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ» فَخَشِيَ مُعَاوِيَةُ أَنْ يَتَكَلَّمَ بَعْدَ ذَلِكَ بِمَا يَفْتَنُ بِهِ النَّاسَ، فَقَالَ: يَا أَبَا مُحَمَّدٍ انْزِلْ فَقَدْ كَفَى مَا جَرَى فَنَزَلَ.



مركز تحقیق کتب و ترویج اسلامی

«ایهاالذین» داشت، نمی خواند؛ مگر اینکه می گفت: «لبیک اللهم لبیک». او در هر حال که بود، خداوند را یاد می کرد و از همگان راست گوتر بود و در سخن نیز شیواتر.

روزی به معاویه گفته شد کاش به حسن بن علی علیه السلام فرمان می دادی که به منبر برود و سخنی بگوید تا عیب سخن و زبان او آشکار شود. معاویه چنین کرد و به آن حضرت گفت: بر منبر برو و چیزی برای ما بگو که در آن موعظه‌ای برای ما باشد. آنگاه حضرت بر منبر رفت و خدا را حمد کرد و فرمود: ای مردم! هرکس مرا می شناسد و هرکس مرا نمی شناسد، بداند که من حسن بن علی بن ابی طالب و فرزند سرور زنان جهان فاطمه، دختر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، هستم. پسر بهترین آفریده خدا، من هستم. پسر پیامبر خدا من هستم. دارنده فضیلت‌ها من هستم، دارنده معجزه‌ها و دلیل‌ها من هستم. پسر امیر مومنان علیه السلام که از حق و منزلت خویش برکنار شده‌ام، من هستم. برادرم حسین بوده و هر دو سرور جوانان بهشتی هستیم. ای مردم! من پسر رکن و مقام هستم. من پسر مکه و منی هستم. من پسر مشعر و عرفات هستم. آنگاه معاویه گفت: ای ابا محمد! این سخن را فروگذار و خرما را برای ما توصیف کن. امام حسن علیه السلام فرمود: باد به خرما خواهد دمید، او را گرم خواهد ساخت و سرمایش را گوارا می کنی. آنگاه به رشته کلام خویش بازگشت و فرمود: من امام آفریدگان خدا هستم و فرزند محمد صلی الله علیه و آله. معاویه دچار هراس شد که مبادا کلام حضرت قیامی در پی داشته باشد، فریاد زد: ای ابا محمد! آنچه گفتی، کافی است. از منبر پایین بیا. حضرت به ناچار از منبر پایین آمد.



السلام

المجلس الرابع والثلاثون

يوم الثلاثاء لإحدى عشرة بقين من المحرم

من سنة ثمان وستين و ثلاثمائة

١. حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابَوَيْهِ الْقُمِّيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ تَشْنِيمٍ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ غَامِرٍ عَنِ ابْنِ بَكِيرٍ عَنْ سَلَامِ بْنِ غَانِمٍ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: «مَنْ قَمَّ مَسْجِدًا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ عِتْقَ رَقَبَةٍ وَ مَنْ أَخْرَجَ مِنْهُ مَا يَقْضِي غِنَا كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ كَفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ».

٢. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْقُرَشِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَنَانَ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عَمْرٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ ظَبْيَانَ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، قَالَ: بَيْنَا مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ عليه السلام يُنَاجِي رَبَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِذْ رَأَى رَجُلًا تَحْتَ ظِلِّ عَرْشِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، فَقَالَ: يَا رَبُّ مَنْ هَذَا الَّذِي قَدْ أَظْلَهُ عَرْشُكَ؟ فَقَالَ: هَذَا كَانَ بَارًا بِوَالِدَيْهِ وَلَمْ يَمْشِ بِالنَّمِيمَةِ.

٣. حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ الْكُوفِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنِي جَدِّي الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَنْ جَدِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «عَجَبُ لِمَنْ يَخْتَمِي مِنَ الطَّعَامِ مَخَافَةَ الدَّاءِ كَيْفَ لَا يَخْتَمِي مِنَ الذُّنُوبِ مَخَافَةَ النَّارِ».

٤. حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ ابْنِ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حَسَّانَ الرَّازِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عِيسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْعُلَوِيِّ الْعُمَرِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «اللَّهُمَّ ارْحَمْ



مجلس سی و چهارم

سه شنبه نوزدهم محرم سال ۳۶۸

۱. پیامبر خدا ﷺ فرمود هرکس مسجد را جارو کشد، خداوند در نامه اعمال وی پاداش آزادی بنده‌ای را خواهد نوشت. و هرکس از مسجد خاشاک به اندازه چشمی بیرون بریزد، خداوند دو نصیب از رحمت خود را به او ارزانی می‌دارد.

۲. امام صادق علیه السلام فرمود: آنگاه که موسی بن عمران علیه السلام با پروردگارش گفت و گو می‌کرد. شخصی را در سایه عرش او دید. پرسید: خدایا! این مرد کیست که در این جایگاه است؟ فرمود: او کسی است که در برخورد با پدر و مادرش نیک رفتار بوده و سخن چین نبوده است.

۳. پیامبر اکرم ﷺ فرمود: از کسی که در خوراک خود به منظور ترس از بیماری پرهیز می‌کند، در شگفتم که چرا به هنگام گناه از هراس آتش دوزخ پرهیزگاری ندارد.

۴. پیامبر اکرم ﷺ این دعا را سه بار تکرار فرمود: خدایا! جانشینان مرا مشمول



السلامی



خُلَفَائِي ثَلَاثًا» قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَنْ خُلَفَاؤُكَ؟ قَالَ: «الَّذِينَ يُكَلِّفُونَ حَدِيثِي وَسُنَّتِي ثُمَّ يُعَلِّمُونَهَا أُمَّتِي».

٥. حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّهِ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْقُرَشِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ طَلْحَةَ وَإِسْمَاعِيلَ بْنِ جَابِرٍ وَعُمَارِ بْنِ مَرْوَانَ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ) أَنَّ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ عليه السلام تَوَجَّهَ فِي بَعْضِ حَوَائِجِهِ وَمَعَهُ ثَلَاثَةُ نَفَرٍ مِنْ أَصْحَابِهِ فَمَرَّ بِلَبَنَاتٍ ثَلَاثٍ مِنْ ذَهَبٍ عَلَى ظَهْرِ الطَّرِيقِ، فَقَالَ عِيسَى عليه السلام لِأَصْحَابِهِ: «إِنَّ هَذَا يَقْتُلُ النَّاسَ» ثُمَّ مَضَى، فَقَالَ أَحَدُهُمْ: إِنَّ لِي حَاجَةً، فَانْصَرَفَ، ثُمَّ قَالَ آخَرُ: إِنَّ لِي حَاجَةً فَانْصَرَفَ، ثُمَّ قَالَ الْآخَرُ: لِي حَاجَةٌ فَانْصَرَفَ فَوَافُوا عِنْدَ الذَّهَبِ ثَلَاثَتُهُمْ، فَقَالَ اثْنَانِ لِوَاحِدٍ: اشْتَرِ لَنَا طَعَامًا فَذَهَبَ يَشْتَرِي لَهُمَا طَعَامًا فَجَعَلَ فِيهِ سَمًا لِيَقْتُلَهُمَا كَيْ لَا يُشَارِكَاهُ فِي الذَّهَبِ، وَقَالَ الْاِثْنَانِ: إِذَا جَاءَ قَتَلْنَاهُ كَيْ لَا يُشَارِكَنَا، فَلَمَّا جَاءَ قَامَا إِلَيْهِ فَقَتَلَاهُ ثُمَّ تَعَذَّيَا فَمَاتَا، فَرَجَعَ إِلَيْهِمْ عِيسَى عليه السلام وَهُمْ مَوْتَى حَوْلَهُ فَأَحْيَاهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ، ثُمَّ قَالَ: «أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنَّ هَذَا يَقْتُلُ النَّاسَ».

٦. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُثَنَّى كُلٌّ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّعْدَانِيُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْهَزْهَارِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ السَّرِيِّ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقَ عليه السلام يَقُولُ: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلَ أَرْزَاقَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا وَذَلِكَ أَنَّ الْعَبْدَ إِذَا لَمْ يَعْرِفْ وَجْهَ رِزْقِهِ كَثُرَ دُعَاؤُهُ».

٧. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَبِيهِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُخْتَارٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: «دِرْهُمْ رَبًّا أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ ثَلَاثِينَ زَنْبَةً كُلُّهَا بِذَاتِ مَحْرَمٍ مِثْلِ خَالَةٍ وَعَمَّةٍ».

٨. حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ الْحَسَنِ الْقُرَوِينِيُّ الْمَعْرُوفُ بِابْنِ مَقْبَرَةَ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْحَضْرَمِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا جَنْدَلُ بْنُ وَالِقِ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ الْمَازِنِيُّ عَنْ عَبَّادِ الْكَلْبِيِّ الْكَبِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ فَاطِمَةَ الصُّغْرَى عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أُمِّهِ فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ عليها السلام قَالَتْ: خَرَجَ عَلَيْنَا

رحمت خویش قرار ده. پرسیدند: ای پیامبر جانشینان تو چه کسانی هستند؟ فرمود: همان کسانی که حدیث و سنت مرا به مردمان می‌رسانند و به امت من تعلیم می‌دهند.

۵. امام صادق علیه السلام فرمود: عیسی بن مریم علیه السلام در پی خواسته‌ای می‌رفت و سه تن از یاران، همراه وی بودند. آنان به سه خشت زرین رسیدند. عیسی فرمود: این خشت‌ها مردم را هلاک می‌سازند و بعد عبور کرد. یکی از یاران او چیزی را بهانه کرد و بازگشت و بعد دومی و سومی نیز بازگشتند. آنگاه هر سه تن برابر خشت‌ها بودند. دو تن به دیگری گفتند: برای ما غذایی مهیا کن. او رفت و همراه با غذایی بازگشت که آن را زهر آلود ساخته بود تا دوستان را نابود کند و طلا را خود بردارد. آنگاه که رسید آنان او را به قتل رساندند و غذای زهر آلود را خوردند و هلاک شدند. عیسی علیه السلام به هنگام بازگشتن از همان راه جسدهای آنان را کنار خشت‌های زرین دید و به رخصت خداوند روح به کالبدشان برگردانید و فرمود: مگر به شما نگفتم که این چیزها مردم را هلاک می‌سازند.

۶. علی بن سری می‌گوید که امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند رزق و روزی اهل ایمان را از آنجا که نمی‌پندارند، تقدیر کرده است. چنین است که بنده‌ای راه رزق خود را نمی‌داند و بسیار خدا را می‌خواند.

۷. امام صادق علیه السلام فرمود: درهمی از ربا نزد خداوند گناهش سنگین‌تر است از سی بار زنا با محرمانی مانند خاله و عمه.

۸. فاطمه دختر محمد صلی الله علیه و آله فرمود: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در شب عرفه پیش ما آمد و چنین فرمود: بی‌گمان خداوند به شما اهل بیت علیهم السلام می‌بالد و همه تان به ویژه علی علیه السلام را از

رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَشِيَّةَ عَرَفَةَ فَقَالَ: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بَاهَى بِكُمْ وَغَفَرَ لَكُمْ غَامَةً وَ
لِعَلِيَّ خَاصَّةً وَإِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ غَيْرَ مُحَابٍ لِقَرَابَتِي هَذَا جَبْرِئِيلُ يُخْبِرُنِي أَنَّ السَّعِيدَ
كُلَّ السَّعِيدِ حَقَّ السَّعِيدِ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا فِي حَيَاتِهِ وَبَعْدَ مَوْتِهِ، وَإِنَّ الشَّقِيَّ كُلَّ الشَّقِيَّ حَقَّ
الشَّقِيَّ مَنْ أَبْغَضَ عَلِيًّا فِي حَيَاتِهِ وَبَعْدَ وَفَاتِهِ».

٩. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو سَعِيدٍ الشُّكْرِيُّ، قَالَ: أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ
بْنُ زَكْرِيَّا، قَالَ: حَدَّثَنَا الْعَبَّاسُ بْنُ بَكَّارٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْمُثَنَّى عَنْ عُمِّهِ نُمَامَةَ بْنِ
عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ عَنْ أُمِّهِ، قَالَتْ: «مَا رَأَتْ فَاطِمَةَ (عَلَيْهَا السَّلَامُ) دَمًا فِي حَيْضٍ
وَلَا فِي نِفَاسٍ».

١٠. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادٍ الْهَمْدَانِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ
إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ دُرُسْتِ بْنِ أَبِي مَنْصُورٍ عَنْ عِيْسَى بْنِ بَشِيرٍ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي
جَعْفَرٍ ﷺ، قَالَ: لَمَّا حَضَرَتْ عَلِيٌّ بْنُ الْحُسَيْنِ ﷺ الْوَفَاةُ ضَمَّنِي إِلَى صَدْرِهِ ثُمَّ قَالَ: يَا بَنِي
أَوْصِيكَ بِمَا أَوْصَانِي بِهِ أَبِي ﷺ حِينَ حَضَرَتْهُ الْوَفَاةُ وَبِمَا ذَكَرْتُ أَنَّ أَبَاهُ أَوْصَاهُ بِهِ، فَقَالَ: «يَا
بَنِي إِيَّاكَ وَظَلَمَ مَنْ لَا يَجِدُ عَلَيْكَ نَاصِرًا إِلَّا اللَّهَ».

١١. حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ نَائِلَةَ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ
إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْخَلْبِيِّ عَنِ الْحَارِثِ بْنِ
الْمُعْبِرَةِ النَّضْرِيِّ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقَ ﷺ يَقُولُ: «مَنْ قَالَ: سُبْحَانَ اللَّهِ وَ
الْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ أَرْبَعِينَ مَرَّةً فِي دُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ فَرِيضَةٍ قَبْلَ أَنْ يَشْنِي
رِجْلَيْهِ، ثُمَّ سَأَلَ اللَّهَ أُعْطِيَ مَا سَأَلَ».

١٢. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ حَمْدَانَ الْمُكْتَبِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ
عَبْدِ الرَّحْمَنِ الصَّفَّارُ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عِيْسَى الدَّامِغَانِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ
مُغْبِرَةَ، قَالَ: حَدَّثَنَا جَرِيرٌ عَنِ الْأَعْمَشِ عَنْ عَطِيَّةَ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ
اللَّهِ ﷺ: «لَيْلَةَ أُسْرِي بِي إِلَى السَّمَاءِ أَخَذَ جَبْرِئِيلُ بِيَدِي فَأَدْخَلَنِي الْجَنَّةَ وَأَجْلَسَنِي عَلَى
دُرُوكٍ مِنْ دَرَانِيكِ الْجَنَّةِ فَنَاولَنِي سَفَرَجَلَةً فَأَنْفَلَقَتْ بِنِصْفَيْنِ فَخَرَجَتْ مِنْهَا حَوَرَاءُ
كَانَ أَشْفَارُ عَيْنَيْهَا مَقَادِيمَ النُّسُورِ فَقَالَتْ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَحْمَدُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ

مغفرت خویش برخوردار ساخته است. و من فرستاده پروردگارم برای شما و این امر از به خاطر قرابت و دوستی نیست. جبرئیل است که به من چنین می گوید: کامیاب حقیقی کسی است که علی علیه السلام را دوست بدارد، چه در زندگی و چه پس از وفات وی. و شوربخت کسی است که علی را در زندگی و پس از وفات دشمن بدارد.

السلامی

۹. انس بن مالک از مادر خود روایت کرده که فاطمه علیها السلام نه خون حیض دیده و نه خون زایمان.

۱۰. امام باقر علیه السلام فرمود: آنگاه که برگ پدرم نزدیک شد، مرا به سینه چسباند و چنین فرمود: پسر جانم من! به تو همان توصیه ای را دارم که پدرم هنگام مرگ به من گفت و آن گاه فرمود که پدرش به او چنین توصیه کرده است: دلبندم مبادا به کسی ستم رواداری که غیر خداوند یاوری ندارد.

۱۱. حرث بن مغیره نصری می گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: هرکس پس از نماز واجب خود، پس از آنکه بلند شود، چهل بار بگوید «سبحان لله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر» از خداوند هرچه در خواست کند به او ارزانی دارد.

۱۲. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: آن شبی که مرا به معراج بردند، چیریل دست مرا گرفت و به بهشت برد و بر یکی از جایگاههای آن نزدیک کرد و دانه ای به من داد. آنگاه که دانه را نصف کردم، حوریه ای از آن بیرون آمد که مژگان چشمانش مانند پره های جلوی کرکس

اللَّهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدُ، فَقُلْتُ: مَنْ أَنْتَ يَا مُحَمَّدُ؟ قَالَتْ: أَنَا الرَّاضِيَةُ الْمَرْضِيَّةُ خَلَقَنِي الْجَبَّارُ مِنْ ثَلَاثَةِ أَنْوَاعِ أَشْفَلِي مِنَ الْمِسْكِ وَأَعْلَايَ مِنَ الْكَافُورِ وَوَسْطِي مِنَ الْعَنْبَرِ وَعُجِنْتُ بِمَاءِ الْحَيَوَانِ، قَالَ الْجَلِيلُ: كُونِي فَكُنْتُ لِابْنِ عَمِّكَ وَوَصِيِّكَ وَزَيْرِكَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام.

١٣. حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ شُعَيْبٍ الْجَوْهَرِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى بْنِ زَكْرِيَّا الْقَطَّانُ، قَالَ: حَدَّثَنَا بَكْرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَبِيبٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْفَضْلُ بْنُ الصَّقَرِ الْعَبْدِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو مُعَاوِيَةَ عَنِ الْأَعْمَشِ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام، قَالَ: «خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَعَلَيْهِ خَمِيصَةٌ قَدْ اشْتَمَلَ بِهَا، فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ كَسَاكَ هَذِهِ الْخَمِيصَةَ؟ فَقَالَ: كَسَانِي حَبِيبِي وَصَفِيِّي وَخَاصَّتِي وَخَالِصَتِي وَالْمُؤَدِّي عَنِّي وَوَصِيِّي وَوَارِثِي وَأَخِي وَأَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ إِسْلَامًا وَأَخْلَصَهُمْ إِيْمَانًا وَأَسْمَحُ النَّاسِ كَفًّا سَيِّدُ النَّاسِ بَعْدِي قَائِدُ الْعُرَى الْمُحَجَّلِينَ إِمَامُ أَهْلِ الْأَرْضِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ فَلَمْ يَزَلْ يَبْكِي حَتَّى ابْتَلَّ الْحَصَى مِنْ دُمُوعِهِ شَوْقًا إِلَيْهِ».

١٤. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِلَوْنِي، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبُو الصَّلْتِ عَبْدُ السَّلَامِ بْنُ صَالِحٍ، قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ ابْنُ يُونُسَ الْفَرَزِيَّابِيُّ عَنْ سُفْيَانَ عَنِ الْأَوْزَاعِيِّ عَنْ يَحْيَى بْنِ أَبِي كَثِيرٍ عَنْ حَبِيبِ بْنِ الْجَهْمِ، قَالَ: لَمَّا دَخَلَ بِنَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام إِلَى بِلَادِ صِفِّينَ نَزَلَ بِقَرْيَةٍ يُقَالُ لَهَا: صَنْدُودًا ثُمَّ أَمَرَنَا فَعَبَرْنَا عَنْهَا ثُمَّ عَرَسَ بِنَا فِي أَرْضٍ بَلَقَعَ فِقَامُ إِلَيْهِ مَالِكُ بْنُ الْحَارِثِ الْأَشْثَرُ، فَقَالَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَتَنْزِلُ النَّاسَ عَلَى غَيْرِ مَاءٍ، فَقَالَ: يَا مَالِكُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ سَيَسْقِينَا فِي هَذَا الْمَكَانِ مَاءً أَغْذَبَ مِنَ الشَّهْدِ وَاللَّيْنِ مِنَ الرُّيْدِ الزُّلَالِ وَأَبْرَدَ مِنَ الثَّلْجِ وَأَصْفَى مِنَ الْيَاقُوتِ فَتَعَجَّبْنَا وَلَا عَجَبَ مِنْ قَوْلِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام ثُمَّ أَقْبَلَ بِجُرْ رِدَاءَهُ وَبِيَدِهِ سَيْفُهُ حَتَّى وَقَفَ عَلَى أَرْضٍ بَلَقَعَ، فَقَالَ: يَا مَالِكُ احْتَغِرْ أَنْتَ وَأَصْحَابُكَ، فَقَالَ مَالِكُ: وَاحْتَغِرْنَا فَإِذَا نَحْنُ بِصَخْرَةٍ سَوْدَاءَ عَظِيمَةٍ فِيهَا حَلَقَةٌ تَبْرُقُ كَاللَّجِينِ، فَقَالَ لَنَا: رُؤُوسُهَا قَرْمَانَاهَا بِأَجْمَعِنَا وَنَحْنُ مِائَةٌ رَجُلٍ فَلَمْ نَسْتَطِعْ أَنْ نَزِيلَهَا عَنْ مَوْضِعِهَا فَدَنَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام رَافِعًا يَدَهُ إِلَى السَّمَاءِ يَدْعُو وَهُوَ يَقُولُ: «طَابَ طَابَ مَرِيَا عَالَمَ طَيْبُو ثَابُوته شَتْمِيَا كُوبَا

بود. گفت: سلام بر تو ای احمد! ای پیامبر خدا ﷺ! ای محمد ﷺ! گفتم: پروردگارت مهربان باد، تو کیستی؟ گفت من راضیه مرضیه هستم. خداوند مرا از سه چیز خلق نموده است. پایین تنهام از مشک است و بالا تنهام از کافور و میانه تنهام از عنبر. سرشتم از آب حیات است. خدای جلیل فرمود: باش، پس شدم خلق شدم برای پسر عموی تو و وصی و وزیر تو یعنی علی بن ابی طالب ﷺ.

۱۳. امام صادق از پدران خود روایت فرمود که پیامبر خدا ﷺ از خانه بیرون آمد در حالی که عبایی سیاه با دورنگ تیر بر تن داشت. آنگاه فرمود: دوستم وصفی مهم و خاصه زبده‌ام که وصی و وارث و برادر من است این عبا را بر من پوشانده است. علی، همان که پیش از همگان به اسلام گرایید و در ایمان و اخلاص از همگان سبقت گرفته و از همگان سخی‌تر است. او پس از من سرور بشر است و پیشرو پاک نهادان و پیشوای مردمان جهان است. آنگاه از شوق و عشق علی ﷺ چندان اشک ریخت که ریگ‌ها از قطره‌های آن حضرت خیس شدند.

مرکز تحقیق و پژوهش اسلامی

۱۴. حبیب بن جهم می‌گوید: آنگاه که علی بن ابی طالب ﷺ ما را به سرزمین صفین می‌برد، در روستایی به نام «صندوق» توقف کرد. بعد از آن عبور کردیم و در بیابانی نزدیک منزل کردیم. مالک بن حارث اشتر به آن حضرت گفت: ای امیر مومنان! ما را در مکانی بی‌آب فرود آوردی، فرمود ای مالک! بی‌گمان خداوند به همین زودی ما را از آبی سیراب خواهد کرد که شیرین‌تر از شکر است و نرم‌تر از کره و سردتر از برف و زلال‌تر از یاقوت. ما در شگفت شدیم با این که کلام علی ﷺ جای شگفتی نداشت. بعد ردای خود را از دوش گرفت و شمشیر به دست، بالای قطعه زمینی خالی ایستاد و رو به مالک فرمود: با همراهان خود اینجا را حفر کنید، مالک می‌گوید: آنجا را حفر کردیم تا آنکه سنگ سیاه بزرگی که حلقه سیمگونی داشت، آشکار شد. فرمود: آن سنگ را کنار بزنید. مالک می‌گوید: هر چه همراه با صد مرد کوشیدیم، سنگ از جای خویش تکان نخورد. علی ﷺ جلو آمد و دست به نیایش فرمود:

حاحانو ثاتوديثا برحوثا آمين آمين رَبِّ الْعَالَمِينَ رَبِّ مُوسَى وَهَارُونَ» ثُمَّ اجْتَذَبَهَا
فَرَمَاهَا عَنِ الْعَيْنِ أَرْبَعِينَ ذِرَاعًا، قَالَ مَالِكُ بْنُ الْحَارِثِ الْأَشْثَرُ: فَظَهَرَ لَنَا مَاءٌ أَغْذَبُ مِنَ
الشَّهْدِ وَأَبْرَدُ مِنَ الثَّلْجِ وَأَصْفَى مِنَ الْيَاقُوتِ فَشَرِبْنَا وَسُقِينَا ثُمَّ رَدَّ الصَّخْرَةَ وَأَمَرَنَا أَنْ
نَحْتُو عَلَيْهَا التُّرَابَ ثُمَّ ارْتَحَلَ وَسَرْنَا فَمَا سَرْنَا إِلَّا غَيْرَ بَعِيدٍ، قَالَ: «مَنْ مِنْكُمْ يَعْرِفُ
مَوْضِعَ الْعَيْنِ؟ فَقُلْنَا: كُلُّنَا يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَرَجَعْنَا فَطَلَبْنَا الْعَيْنَ فَخَفِيَ مَكَانُهَا عَلَيْنَا أَشَدَّ
خَفَاءً فَظَنَّنَا أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَدْ رَهَقَهُ الْعَطَشُ فَأَوْمَأَنَا بِأَطْرَافِنَا، فَإِذَا نَحْنُ بِصُومَعَةٍ
رَاهِبٍ فَدَنَوْنَا مِنْهَا، فَإِذَا نَحْنُ بِرَاهِبٍ قَدْ سَقَطَتْ حَاجِبَاهُ عَلَى عَيْنَيْهِ مِنَ الْكِبَرِ، فَقُلْنَا: يَا
رَاهِبُ عِنْدَكَ مَاءٌ نَسْقِي مِنْهُ صَاحِبَنَا، قَالَ: عِنْدِي مَاءٌ قَدْ اسْتَعْدَبْتُهُ مُنْذُ يَوْمَيْنِ فَأَنْزِلْ
إِلَيْنَا مَاءً مُرًّا خَسِينًا، فَقُلْنَا: هَذَا قَدْ اسْتَعْدَبْتُهُ مُنْذُ يَوْمَيْنِ فَكَيْفَ وَلَوْ شَرِبْتُ مِنَ الْمَاءِ الَّذِي
سَقَانَا مِنْهُ صَاحِبَنَا وَحَدَّثَنَا بِالْأَمْرِ فَقَالَ: صَاحِبُكُمْ هَذَا نَبِيٌّ، قُلْنَا: لَا وَلَكِنَّهُ وَصِيُّ نَبِيٍّ
فَنَزَلَ إِلَيْنَا بَعْدَ وَخْشَتِهِ مِنَّا وَقَالَ انْطَلِقُوا بِنِي إِلَى صَاحِبِكُمْ فَاَنْطَلَقْنَا بِهِ فَلَمَّا بَصُرَ بِهِ أَمِيرُ
الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام، قَالَ: «سَمِعُونَ، قَالَ الرَّاهِبُ: نَعَمْ سَمِعُونَ هَذَا اسْمُ سَمْتِي بِهِ أُمِّي مَا أَطْلَعَ
عَلَيْهِ أَحَدٌ إِلَّا اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى ثُمَّ أَنْتَ فَكَيْفَ عَرَفْتَهُ فَأَتَمَّ حَتَّى أَتَمَّهُ لَكَ، قَالَ: «وَمَا
تَشَاءُ يَا سَمْعُونَ»، قَالَ: هَذَا الْعَيْنِ وَاسْمُهُ، قَالَ: «هَذَا الْعَيْنُ رَاحُومًا مِنَ الْجَنَّةِ شَرِبَ مِنْهُ
ثَلَاثُمِائَةٍ وَثَلَاثَةٌ عَشَرَ وَصِيًّا وَأَنَا آخِرُ الْوَصِيِّينَ شَرِبْتُ مِنْهُ»، قَالَ الرَّاهِبُ: هَكَذَا
وَجَدْتُ فِي جَمِيعِ كُتُبِ الْأَنْجِيلِ وَأَنَا أَشْهَدُ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَأَنَّكَ
وَصِيُّ مُحَمَّدٍ عليه السلام ثُمَّ رَحَلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام وَالرَّاهِبُ يُقَدِّمُهُ حَتَّى نَزَلَ صَفِينَ وَنَزَلَ
مَعَهُ بِعَابِدَيْنِ وَالتَّقَى الصَّفَّانِ فَكَانَ أَوَّلُ مَنْ أَصَابَتْهُ الشَّهَادَةُ الرَّاهِبُ فَنَزَلَ أَمِيرُ
الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام وَعَيْنَاهُ تَهْمِلَانِ وَهُوَ يَقُولُ: «الْمَرْءُ مَعَ مَنْ أَحَبَّ، الرَّاهِبُ مَعَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ
رَفِيقِي فِي الْجَنَّةِ».

١٥. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ السَّنَائِي، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى بْنِ زَكْرِيَّا الْقَطَّانُ،
قَالَ: حَدَّثَنَا يَكْرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَبِيبٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْقُضْلُ بْنُ الصَّقْرِ الْعَبْدِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا
أَبُو مُعَاوِيَةَ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ مِهْرَانَ الْأَعْمَشِ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ ابْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدٍ
بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عليه السلام، قَالَ: «نَحْنُ أَيْمَةُ الْمُسْلِمِينَ وَحُجَجُ اللَّهِ عَلَى

«طاب طاب مریا عالم طیبو ثاثوبه شتیما کوبا حاحانو ثاتودینا پر حوثا، آمین آمین، رب العالمین، رب موسی و هارون، و بعد سنگ را از جا بلند کرد و چهل متر آن سوتر افکند. مالک بن حارث اشتر می‌گوید: چشمه آبی شیرین‌تر از عسل و خنک‌تر از برف و ناب‌تر از یاقوت پدیدار شد که از آن نوشیدیم و آب و آنگاه ذخیره برداشتیم علی علیه السلام سنگ را در جای خود گذاشت و فرمان داد که ما خاک بر روی آن بریزیم. از آن نقطه گذشتیم و بعد فرمود: کدام یک از شما جای چشمه را می‌شناسد؟ گفتیم: ای امیرالمومنین علیه السلام همه آنجا را می‌شناسیم. آنگاه که بازگشتیم هر چه سراغ گرفتیم، جای چشمه را پیدا نکردیم. گمان کردیم که علی علیه السلام بسیار عطش دارد و نگران به همه سو نگاه کردیم که ناگهان صومعه راهب مسیحی نمایان شد. نزدیک رفتیم و راهبی دیدیم که ابروان او از کهن سالی بر چشمان او ریخته بود. گفتیم: ای راهب! آبی داری که مولای خود را از آن سیراب کنیم؟ راهب گفت: آبی نزد من است که دو روز اخیر آن را گوارا کردم. آنگاه ظرف آب را جلو آورد. مزه آب تلخ بود. گفتیم: تازه دو روز وقت صرف کردی که آن را شیرین و گوارا سازی؟ کاش از آبی می‌نوشیدی که مولای ما، از آن به ما نوشانید. و بعد ماجرا را برای او باز گفتیم. راهب گفت: سرور شما پیامبر است. گفتیم: نه اما وصی پیامبر است. با آن که از ما هراس داشت: نزدیک آمد و گفت: مرا پیش مولای خود ببرید. آنگاه که امیرمؤمنان علیه السلام او را نگاه کرد و فرمود: ای شمعون، راهب گفت: آری، من شمعونم و مادرم مرا به این نام خوانده است و جز خداوند کسی از آن آگاهی ندارد. اما تو از کجا دانسته‌ای؟ اینک نشان امامت را تمام کن تا من ایمان خویش را به وسیله تو کامل کنم. علی علیه السلام فرمود: ای شمعون! چه خواسته‌ای داری؟ گفت: داستان این چشمه و نام آن را بازگوی. علی فرمود: نام چشمه «رحوما» است که از بهشت است و سیصد و سیزده وصی تا کنون از آب آن نوشیده‌اند و من واپسین وصی از آن دسته‌ام که از آب آن نوشیده‌ام. راهب گفت: در همه کتاب‌های انجیل چنین خوانده‌ام و اکنون گواهی می‌دهم که جز خداوند معبود شایسته‌ای نبوده و محمد فرستاده اوست و تو وصی او هستی. آنگاه راهب همراه علی علیه السلام به سمت صفین حرکت کرد و در جایی به نام «عاندین» فرود آمد. زمانی که جنگ علی علیه السلام و قاسطین آغاز شده شمعون مسیحی نخستین کسی بود که به فخر شهادت نائل آمد. امیرمؤمنان علیه السلام آنگاه که بر بالین او آمد، اشک از چشمان حضرت جاری شده بود. بعد فرمود: هر انسانی با کسی است که با او مهر می‌ورزد. این راهب در رستاخیز همنشین بهشتی ام خواهد بود.

۱۵. امام سجاد علیه السلام فرمود: ما امامان امت اسلام و حجت‌های خداوند بر جهانیان و

الْعَالَمِينَ وَسَادَةَ الْمُؤْمِنِينَ وَقَادَةَ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ وَمَوَالِيَ الْمُؤْمِنِينَ وَنَحْنُ أَمَانُ أَهْلِ
الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانُ لِأَهْلِ السَّمَاءِ وَنَحْنُ الَّذِينَ بَنَى يُمَسِّكُ اللَّهُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى
الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ، وَبَنَى يُمَسِّكُ الْأَرْضَ أَنْ تَمِيدَ بِأَهْلِهَا، وَبَنَى يُنَزِّلُ الْغَيْثَ، وَبَنَى يَنْشُرُ
الرَّحْمَةَ وَيُخْرِجُ بَرَكَاتِ الْأَرْضِ وَلَوْ لَا مَا فِي الْأَرْضِ مِمَّا لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا قَالَ ﷺ: «وَلَمْ
تَخْلُوْا الْأَرْضَ مِنْذُ خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ مِنْ حُجَّةِ اللَّهِ فِيهَا ظَاهِرٌ مَشْهُورٌ أَوْ غَائِبٌ مَسْتُورٌ وَلَا
تَخْلُوْا إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ مِنْ حُجَّةِ اللَّهِ فِيهَا وَلَوْ لَا ذَلِكَ لَمْ يُعْبِدِ اللَّهُ» قَالَ سُلَيْمَانُ:
فَقُلْتُ لِلصَّادِقِ ﷺ: فَكَيْفَ يَنْتَفِعُ النَّاسُ بِالْحُجَّةِ الْغَائِبِ الْمَسْتُورِ؟ قَالَ: كَمَا يَنْتَفِعُونَ
بِالشَّمْسِ إِذَا مَتَرَهَا السَّحَابُ».

وَأَنشَدَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيهَ أَبُو جَعْفَرٍ لِبَعْضِهِمْ:

العالم العاقل ابن نفسه أغناه جنس علمه عن جنسه
كم بين من تكرمه لغيره وبين من تكرمه لنفسه.



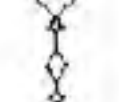
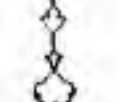
مركز بحوث وتاريخ الحضارة الإسلامية

بزرگان اهل ایمان و پیشوای پاک نهادان و مؤلای مومنان هستیم. ما اهل بیت پیامبر ﷺ سبب امنیت زمین هستیم؛ همانگونه که ستارگان در آسمان چنین هستند. ما کسانی هستیم که خداوند به وسیله ما آسمان را از سقوط نگاه داشته است. تا بی رخصت وی بر زمین فرو نیفتد. او برای ما آسمان را نگاه داشت تا بر ساکنان خود موج نزند و برای ما باریدن داشته باشد و مهر خویش را بگستراند و آنگاه زمین برکات خود را آشکار سازد. هرگاه امامی در زمین نباشد، بی گمان زمین ساکنان خود را به کام خویش فرو خواهد برد. بعد فرمود: از روزی که خداوند آدم ﷺ را خلق کرد، هیچ گاه زمین از حجت او خالی نبوده است. حجتی که ظاهر و مشهور بوده یا پنهان از دیده ها. و بی گمان این روال تا روز قیامت ادامه دارد. اگر چنین نباشد، پرستش خداوند ممکن نیست. سلیمان که راوی این حدیث است، می گوید: از امام صادق ﷺ سؤال کردم که در عصر غیبت مردمان چگونه از امام غایب (عج) نصیب می برند؟ همان سان که از آفتاب در پشت ابرها. شیخ فقیه ابو جعفر برای آنها چنین انشاد کرده است عالم عاقل بر خودش است، جنس علمش از نوعیش بی نیاز می کند، و بینة کسی که به خاطر خودش عزتش می گذارد.

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی



الشيخ



المجلس الخامس والثلاثون

يوم الجمعة لثمان بقين من المحرم من سنة ثمان وستين و ثلاثمائة

١. حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابَوَيْهِ الْقُمِّيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَا جِئَلُوهُ عَنْ عَمِّهِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ الْبَرْقِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام، قَالَ: «جَاءَ نَفَرٌ مِنَ الْيَهُودِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَقَالُوا: يَا مُحَمَّدُ أَنْتَ الَّذِي تَزْعُمُ أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ وَأَنَّكَ الَّذِي يُوحَى إِلَيْكَ كَمَا أُوحِيَ إِلَى مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عليه السلام فَسَكَتَ النَّبِيُّ ﷺ سَاعَةً ثُمَّ قَالَ: نَعَمْ أَنَا سَيِّدُ وَلَدِ آدَمَ وَلَا فَخْرَ وَأَنَا خَاتَمُ النَّبِيِّينَ وَإِمَامُ الْمُتَّقِينَ وَرَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ، قَالُوا: إِلَى مَنْ إِلَى الْعَرَبِ أَمْ إِلَى الْعَجَمِ أَمْ إِلَيْنَا؟ فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ هَذِهِ الْآيَةَ «قُلْ يَا مُحَمَّدُ: يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا» ^(١) قَالَ الْيَهُودِيُّ: الَّذِي كَانَ أَعْلَمَهُمْ يَا مُحَمَّدُ إِنِّي أَشْأَلُكَ عَنْ عَشْرِ كَلِمَاتٍ أَعْطَى اللَّهُ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ حَيْثُ نَاجَاهُ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ أَوْ مَلَكٌ مُقَرَّبٌ، قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: سَلْنِي، قَالَ: أَخْبِرْنِي يَا مُحَمَّدُ عَنِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي اخْتَارَهُنَّ اللَّهُ لِإِبْرَاهِيمَ حَيْثُ بَنَى الْبَيْتَ، قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: نَعَمْ سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، قَالَ الْيَهُودِيُّ: فَبِأَيِّ شَيْءٍ بَنَى هَذِهِ الْكُعْبَةَ مُرَبَّعَةً؟ قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: بِالْكَلِمَاتِ الْأَرْبَعِ، قَالَ: لِأَيِّ شَيْءٍ سُمِّيَتْ الْكُعْبَةُ، قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: لِأَنَّهَا وَسَطُ الدُّنْيَا، قَالَ الْيَهُودِيُّ: أَخْبِرْنِي عَنْ تَفْسِيرِ سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: عَلِمَ اللَّهُ جَلَّ وَعَزَّ أَنْ بَنَى آدَمُ يَكْذِبُونَ عَلَى اللَّهِ، فَقَالَ: سُبْحَانَ اللَّهِ تَبَرَّيَا مِمَّا يَقُولُونَ، وَأَمَّا قَوْلُهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ فَإِنَّهُ عَلِمَ أَنَّ الْعِبَادَ لَا

مجلس سی و پنجم

جمعه بیست و دوم محرم سال ۳۶۸

السلامی

۱. حسن بن علی علیه السلام چنین روایت فرموده است: تنی چند از یهودیان نزد رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمدند و گفتند: ای محمد! تو عقیده داری که فرستاده خداوندی و کسی هستی که به تو وحی می شود، همان سان که به موسی بن عمران وحی می شد؟ پیامبر صلی الله علیه و آله پس از کمی درنگ فرمود: آری. من سرور فرزندان آدم علیه السلام هستم. آیا به خویشتن مباحثات نکنم که خاتم پیامبران هستم و نیز پیشوای پارسایان و فرستاده خداوند؟ گفتند: تو برای چه کسانی مبعوث شده ای؟ عرب یا عجم یا یهود؟ آنگاه خداوند این آیه را فرو فرستاد: «وَأَنبِئْ رَسُولَ اللَّهِ الْيَكْمَ جَمِيعًا» بگو ای محمد من فرستاده خداوند به سوی همگان هستم» (اعراف/۱۵۸). داناترین یهود گفت: ای محمد! من ده چیز از تو خواهم پرسید که خداوند در مناجات در بقعه مبارکه به موسی بن عمران ارزانی داشت و آن همه را غیر از پیامبر مرسل یا فرشته نمی داند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: سؤال کن.

او گفت: به من بگو کلمه هایی که خداوند برای ابراهیم برگزید تا خانه کعبه را بالا آورد، کدامند؟ حضرت فرمود: «سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر». آنگاه او پرسید: چرا کعبه را چهار گوشه ساخت؟ فرمود: بر اساس همین چهار کلمه. گفت: چرا نام این خانه را کعبه خواندند؟ فرمود: زیرا در کانون جهان بود. گفت: اکنون بگو که تفسیر آن چهار کلمه چیست؟ فرمود: خداوند آگاه بود که فرزندان آدم به او افترا خواهند بست، پس فرمود: «سبحان الله»؛ یعنی بیزاری از آن چه مشرکان می گویند. «الحمد لله»؛ یعنی مردمان از سپاس گزاری نعمت های او ناتوان بوده و از این رو خداوند، خود را ستود قبل از اینکه بندگان او را ستایش کنند. این کلمه آغاز سخن است و بدون آن خداوند به کسی چیزی نخواهد بخشید. «لا اله الا الله»؛ یعنی یکتاگرایی. و خداوند کاری را بدون آن کلمه که کلمه تقواست، نخواهد پذیرفت و تقوا در رستاخیز سبب سنگینی ترازو خواهد شد.

سخن رسول

يُؤَدُّونَ شُكْرَ نِعْمَتِهِ فَحَمِدَ نَفْسَهُ قَبْلَ أَنْ يَحْمَدُوهُ وَهُوَ أَوَّلُ الْكَلَامِ لَوْ لَا ذَلِكَ لَمَّا أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَى أَحَدٍ بِنِعْمَتِهِ فَقَوْلُهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بَعْثِي وَخَدَائِشَتُهُ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ الْأَعْمَالِ إِلَّا بِهَا وَهِيَ كَلِمَةُ التَّقْوَى يُثَقِّلُ اللَّهُ بِهِ الْمَوَازِينَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَأَمَّا قَوْلُهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ فَهِيَ كَلِمَةُ أَعْلَى الْكَلِمَاتِ وَأَحَبُّهَا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ يَعْنِي أَنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ أَكْبَرَ مِنِّي لَا تُفْتَحُ الصَّلَاةُ إِلَّا بِهَا لِكِرَامَتِهَا عَلَى اللَّهِ وَهُوَ الْأَسْمُ الْأَكْرَمُ، قَالَ الْيَهُودِيُّ: صَدَقْتَ يَا مُحَمَّدُ فَمَا جَزَاءُ قَائِلِهَا؟ قَالَ: إِذَا قَالَ الْعَبْدُ: سُبْحَانَ اللَّهِ سَبَّحَ مَعَهُ مَا دُونَ الْعَرْشِ فَيُعْطَى قَائِلُهَا عَشْرَ أَمْثَالِهَا وَإِذَا قَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِنِعِيمِ الدُّنْيَا مَوْضُوعًا بِنِعِيمِ الْآخِرَةِ وَهِيَ الْكَلِمَةُ الَّتِي يَقُولُهَا أَهْلُ الْجَنَّةِ إِذَا دَخَلُوهَا وَتَنْقَطِعُ الْكَلَامُ الَّذِي يَقُولُونَهُ فِي الدُّنْيَا مَا خَلَا الْحَمْدَ لِلَّهِ، وَذَلِكَ قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ «دَعُواهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَتَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ وَآخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»^(١) وَأَمَّا قَوْلُهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ فَالْجَنَّةُ جَزَاؤُهُ، وَذَلِكَ قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ: «هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ»^(٢) يَقُولُ: هَلْ جَزَاءُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِلَّا الْجَنَّةُ، فَقَالَ الْيَهُودِيُّ: صَدَقْتَ يَا مُحَمَّدُ قَدْ أَخْبَرْتَ وَالْحِجَّةُ فَتَأْذَنَ لِي أَنْ أَسْأَلَكَ الثَّانِيَةَ، فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: سَلْنِي عَمَّا شِئْتَ وَجَبْرِئِيلُ عَنْ يَمِينِ النَّبِيِّ وَمِيكَائِيلُ عَنْ يَسَارِهِ يُلْقِيَانِهِ فَقَالَ الْيَهُودِيُّ: لِأَيِّ شَيْءٍ سُمِّيتَ مُحَمَّدًا وَأَخْمَدَ وَأَبَا الْقَاسِمِ وَبَشِيرًا وَنَذِيرًا وَدَاعِيًا؟ فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: أَمَّا مُحَمَّدٌ فَأَنِّي مَحْمُودٌ فِي الْأَرْضِ، وَأَمَّا أَخْمَدُ فَأَنِّي مَحْمُودٌ فِي السَّمَاءِ، وَأَمَّا أَبُو الْقَاسِمِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقْسِمُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ قِسْمَةَ النَّارِ فَمَنْ كَفَرَ بِي مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ فَفِي النَّارِ وَيَقْسِمُ قِسْمَةَ الْجَنَّةِ، فَمَنْ آمَنَ بِي وَأَقَرَّ بِنُبُوتِي فَفِي الْجَنَّةِ، وَأَمَّا الدَّاعِي فَأَنِّي أَدْعُو النَّاسَ إِلَى دِينِ رَبِّي، وَأَمَّا النَّذِيرُ فَأَنِّي أَنْذِرُ بِالنَّارِ مَنْ عَصَانِي، وَأَمَّا الْبَشِيرُ فَأَنِّي أَبَشِّرُ بِالْجَنَّةِ مَنْ أَطَاعَنِي، قَالَ: صَدَقْتَ يَا مُحَمَّدُ فَأَخْبِرْنِي عَنِ اللَّهِ لِأَيِّ شَيْءٍ وَقَّتَ هَذِهِ الْخُمْسَ الصَّلَوَاتِ فِي خُمْسِ مَوَاقِيتٍ عَلَى أُمَّتِكَ فِي سَاعَاتِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ؟ قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: إِنَّ الشَّمْسَ إِذَا طَلَعَتْ عِنْدَ الزَّوَالِ لَهَا حَلَقَةٌ تَدْخُلُ فِيهَا، فَإِذَا دَخَلَتْ فِيهَا زَالَتِ الشَّمْسُ فَيَسْبَحُ كُلُّ شَيْءٍ دُونَ الْعَرْشِ لَوَجْهِ رَبِّي وَهِيَ السَّاعَةُ الَّتِي يُصَلِّيُ عَلَيْهَا رَبِّي فَفَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيَّ وَ عَلَى أُمَّتِي فِيهَا الصَّلَاةَ، وَقَالَ: «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذُلُوكِ

«الله اکبر» بزرگ کلمه است و نیز محبوب ترین کلمه پیش خداوند. الله اکبر یعنی چیزی بزرگ تر از خدا نیست. نماز بدون الله اکبر شروع نمی شود، مقامی که پیش خداوند مقام اکرم خوانند.

دانای یهودی گفت: ای محمد درست گفتی. اکنون بگو پاداش گوینده کلمات چهارگانه کدامند؟ پیامبر ﷺ فرمود: هرگاه بنده ای «سبحان الله» بر زبان آورد آن چه زیر عرش الهی است با او هم نوا می شوند و آن گاه به گوینده «سبحان الله» ده برابر ارزانی شود. و هرگاه بنده ای «الحمد لله» بر زبان آورد خداوند نعمت دنیا را همراه با نعمت آخرت به او دهد. «الحمد لله» کلمه ای است که اهل بهشت در وقت ورود بر زبان می آورند و هر سخن مگر به جز الحمد لله که در دنیا داشتند در بهشت بریده شود. این کلام خداوند است: «دعوا هم فیها سبحانک اللهم و تحیتهم فیها سلام و آخر دعواهم ان الحمد لله رب العالمین» (یونس/ ۱۰). و پاداش کلمه «لا اله الا الله» بهشت خواهد بود. و این کلام الهی است: «هل جزاء الحسان الا الاحسان» «آیا پاداش احسان جز احسان است؟» (الرحمن/ ۶۰).

دانای یهودی گفت: ای محمد! درست گفتی. آیا اجازه دارم که سؤال دیگری کنم؟ پیامبر اکرم ﷺ فرمود: هر چه مایلی بپرس. در این هنگام جبرئیل در سوی راست حضرت بود و میکائیل در سوی چپ و پاسخ را به او می گفتند. دانای یهودی پرسید: چرا تو را محمد و احمد و ابوالقاسم و بشیر و نظیر و داعی الی الله خواندند؟ پیامبر ﷺ فرمود: محمد هستم؛ چون در زمین ستوده می باشم. احمد هستم؛ چون در آسمان ستوده هستم. ابوالقاسم هستم؛ چون خداوند عزوجل در رستاخیز دوزخ را تقسیم می کند و هرکس از نسل اولین و آخرین به من کفر ورزیده است، دوزخ خواهد افتاد. و همچنین بهشت را تقسیم می کنم هرکس به پیامبری ام اقرار دارد، در بهشت خواهد بود. داعی هستم چون مردمان را به آیین پروردگارم فرا می خوانم. بشیرم، چون هرکس مرا نافرمانی کند، او را از دوزخ می ترسانم. بشیرم، چون هرکس مرا فراموشی کند او را به بهشت بشارت خواهم داد.

دانای یهودی گفت: ای محمد چرا خداوند بر امت تو نمازهای پنج گانه را واجب کرده است؟ رسول اکرم ﷺ فرمود: آنگاه که خورشید به غروب نزدیک می شود، در حلقه ای در می آید و هر چیز که زیر عرش است، تسبیح حق می گوید؛ همان هنگامی که پروردگارم بر من رحمت فرستد و نماز را بر من و امت من واجب کرده است. و در این باره فرمود: «نماز را



اللهم





السلام

الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ»^(١) وَ هِيَ السَّاعَةُ الَّتِي يُوتَى فِيهِمْ بِجَهَنَّمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، فَمَا مِنْ مُؤْمِنٍ يُوقِفُ تِلْكَ السَّاعَةَ أَنْ يَكُونَ سَاجِدًا أَوْ رَاكِعًا أَوْ قَائِمًا إِلَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ جَسَدَهُ عَلَى النَّارِ، وَأَمَّا صَلَاةُ الْعَصْرِ فَهِيَ السَّاعَةُ الَّتِي أَكَلَ فِيهَا آدَمُ مِنَ الشَّجَرَةِ فَأَخْرَجَهُ اللَّهُ عَنِ الْجَنَّةِ فَأَمَرَ اللَّهُ ذُرِّيَّتَهُ بِهَذِهِ الصَّلَاةِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ اخْتَارَهَا لِأُمَّتِي فَهِيَ مِنْ أَحَبِّ الصَّلَاةِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَأَوْصَانِي أَنْ أَحْفَظَهَا مِنْ بَيْنِ الصَّلَوَاتِ، وَأَمَّا صَلَاةُ الْمَغْرِبِ فَهِيَ السَّاعَةُ الَّتِي تَابَ اللَّهُ فِيهَا عَلَى آدَمَ، وَكَانَ بَيْنَ مَا أَكَلَ مِنَ الشَّجَرَةِ وَبَيْنَ مَا تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِ ثَلَاثُمِائَةِ سَنَةٍ مِنْ أَيَّامِ الدُّنْيَا وَفِي أَيَّامِ الْآخِرَةِ يَوْمُ كَالْفِ سَنَةٍ مِنْ وَقْتِ صَلَاةِ الْعَصْرِ إِلَى الْعِشَاءِ فَصَلَّى آدَمُ ثَلَاثَ رَكَعَاتٍ رَكَعَةً لِحَظِيئَتِهِ وَرَكَعَةً لِحَظِيئَةِ حَوَاءَ وَرَكَعَةً لِتَوْبَتِهِ فَأَفْتَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ هَذِهِ الثَّلَاثَ الرَكَعَاتِ عَلَى أُمَّتِي وَ هِيَ السَّاعَةُ الَّتِي يُسْتَجَابُ فِيهَا الدُّعَاءُ فَوَعَدَنِي رَبِّي أَنْ يَسْتَجِيبَ لِمَنْ دَعَا فِيهَا وَ هَذِهِ الصَّلَاةُ الَّتِي أَمَرَنِي بِهَا رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ، فَقَالَ: «فُسُبِّحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ»^(٢) وَأَمَّا صَلَاةُ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ، فَإِنَّ لِلْقَبْرِ ظِلْمَةً أَمَرَنِي اللَّهُ وَأُمَّتِي بِهَذِهِ الصَّلَاةِ فِي ذَلِكَ الْوَقْتِ لِتُنَوِّرَ لَهُمُ الْقُبُورَ وَلِيُعْطُوا النُّورَ عَلَى الصِّرَاطِ، وَمَا مِنْ قَدَمٍ مَشَتْ إِلَى صَلَاةِ الْعَتَمَةِ إِلَّا حَرَّمَ اللَّهُ جَسَدَهَا عَلَى النَّارِ وَ هِيَ الصَّلَاةُ الَّتِي اخْتَارَهَا اللَّهُ لِلْمُرْسَلِينَ قَبْلِي، وَأَمَّا صَلَاةُ الْفَجْرِ فَإِنَّ الشَّمْسَ إِذَا طَلَعَتْ تَطْلُعُ عَلَى قَرْنِي الشَّيْطَانِ فَأَمَرَنِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ أَصَلِّيَ صَلَاةَ الْفَجْرِ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَ قَبْلَ أَنْ يَسْجُدَ لَهَا الْكَافِرُ فَتَسْجُدُ أُمَّتِي لِلَّهِ وَ سُرْعَتُهَا أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ، وَ هِيَ الصَّلَاةُ الَّتِي تَشْهَدُهَا مَلَائِكَةُ اللَّيْلِ وَ مَلَائِكَةُ النَّهَارِ، قَالَ: صَدَقْتَ يَا مُحَمَّدُ فَأَخْبِرْنِي لِبَئِي شَيْءٍ يُتَوَضَّأُ هَذِهِ الْجَوَارِحُ الْأَرْبَعُ وَ هِيَ أَنْظَفُ الْمَوَاضِعِ فِي الْجَسَدِ، قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: لَمَّا أَنْ وَشَّوَسَ الشَّيْطَانُ إِلَى آدَمَ وَ ذَنَى آدَمَ مِنَ الشَّجَرَةِ وَ نَظَرَ إِلَيْهَا ذَهَبَ مَاءٌ وَجْهَهُ ثُمَّ قَامَ وَهُوَ أَوَّلُ قَدَمٍ مَشَتْ إِلَى الْحَظِيئَةِ ثُمَّ تَنَاوَلَ بَيْنَهُ ثُمَّ مَسَّهَا فَأَكَلَ مِنْهَا فَطَارَ الْحُلِيُّ وَ الْحُلُّ عَنْ جَسَدِهِ ثُمَّ وَضَعَ يَدَهُ عَلَى أَمْرَاسِهِ وَبَكَى، فَلَمَّا تَابَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِ فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِ وَ عَلَى ذُرِّيَّتِهِ الْوُضُوءَ عَلَى هَذِهِ الْجَوَارِحِ الْأَرْبَعِ وَ أَمَرَهُ أَنْ يَغْسِلَ الْوُجْهَ لِمَا نَظَرَ إِلَى الشَّجَرَةِ وَ أَمَرَهُ بِغَسْلِ السَّاعِدَيْنِ إِلَى الْمِرْفَقَيْنِ لِمَا تَنَاوَلَ مِنْهَا وَ أَمَرَهُ بِمَسْحِ الرَّأْسِ لِمَا

به پای دار از هنگام زوال خورشید تا سرخی نخست شب، (اسراء/۲۸)، و آن هنگامی است که در رستاخیز دوزخ را نزدیک کنند و مؤمنی نیست که در آن هنگام توفیق به دست آورده و در حال سجده یا رکوع باشد، مگر اینکه خداوند بدن او را بر آتش حرام سازد. اما نماز عصر در هنگامی است که حضرت آدم از درخت میوه می خورد و او را از بهشت بیرون راند و به نسل او فرمان داد که تا رستاخیز نماز عصر خوانند. و خدا آن را برای امت من برگزید و آن نماز محبوب ترین نماز پیش خداست و به من توصیه کرده آن را میان نمازها نگاه دارم.

و نماز مغرب در هنگامی است که خداوند توبه آدم را پذیرفت. فاصله خوردن میوه ممنوعه تا پذیرش توبه آدم، سیصد سال از روزهای دنیا بوده و نسبت به آخرت روزی مانند هزار سال است. این فاصله همان فاصله نماز مغرب تا نماز عشا است. آدم سه رکعت نماز خواند. یک رکعت برای گناهش و رکعتی برای گناه حوا و رکعتی برای توبه. پس خداوند این سه رکعت را بر امت من واجب کرد. پس هنگام نماز مغرب، زمانی است که دعا در آن پذیرفته شده و پروردگارم وعده ام داده که هر کس در آن هنگام نیایش کند، خواهد پذیرفت. این است راز نمازهایی که پروردگارم فرمان داده است و چنین فرمود: منزله است خداوند هنگامی که صبح کنی و نیز هنگام واپسین نماز عشاء برای این است که قبر آدمی همچون قیامت تاریک است. خدا مرا و امت مرا به این نماز مجبور کرده تا گورشان را روشن سازد و بر پل صراط روشنائی شان ارزانی دارد. هر کس برای نماز عشا قدمی بردارد، خداوند بدن او را بر آتش حرام می سازد. این نمازی است که خداوند برای پیامبران پیشین واجب کرده بود.

نماز صبح برای این است که خورشید بر دو شاخ شیطان طلوع می کند. خداوند به من فرمان داده که آن را بر پای دارم پیش از آن که آفتاب سر بزند و نیز پیش از آن که مشرکان برای آن به سجده افتند. امت من برای خدا سجده می کنند و شتاب داشتن در نماز صبح نزد او محبوب تر است. نماز صبح نمازی است که فرشتگان در روز و شب بر آن شهادت دهند.

دانای یهودی گفت: ای محمد! درست گفتی. حال بگو، چرا هنگام نماز چهار موضع تن را باید شست که تمیزترین مواضع است؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: زیرا شیطان آدم را وسوسه کرد که نزدیک درخت برود و بدان نگاه تا اینکه آبروی او فرو ریخت. آنگاه برخاست و او نخستین کسی بود که در گناه قدم گذاشت و با دست خود میوه را لمس کرد و از آن خورد. و بعد زیبایی و جامه از تن او افتاد و دست بر سر گذاشت و اشک ریخت. پس خداوند توبه او را قبول کرد و وضوی این اعضای چهارگانه را واجب نمود و به او فرمان داد که صورت و دو ساعد را بشوید، زیرا به درخت نگاه کرده و دست به سوی آن دراز کرده



السلامی



وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رَأْسِهِ وَأَمَرَهُ بِمَسْحِ الْقَدَمَيْنِ لِمَا مَشَى إِلَى الْخَطِيئَةِ ثُمَّ سَنَّ عَلَى أُمَّتِي
الْمُضْمَضَةِ لِتَنْقِيَ الْقَلْبَ مِنَ الْحَرَامِ وَالْاِسْتِنْشَاقَ لِتَحْرُمَ عَلَيْهِمْ رَائِحَةُ النَّارِ وَنَشْنُهَا، قَالَ
الْيَهُودِيُّ: صَدَقْتَ يَا مُحَمَّدُ فَمَا جَزَاءُ عَامِلِهَا، قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: أَوَّلُ مَا يَمَسُّ الْمَاءَ يَتْبَاعُهُ
عَنْهُ الشَّيْطَانُ وَإِذَا تَمَضَّمَضَ نَوَّرَ اللَّهُ قَلْبَهُ وَلِسَانَهُ بِالْحِكْمَةِ، فَإِذَا اسْتَنْشَقَ آمَنَهُ اللَّهُ مِنَ
النَّارِ وَرَزَقَهُ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ، فَإِذَا غَسَلَ وَجْهَهُ بَيَّضَ اللَّهُ وَجْهَهُ يَوْمَ تَبْيِضُ فِيهِ وَجُوهٌ وَتَسْوَدُ
فِيهِ وَجُوهٌ، وَإِذَا غَسَلَ سَاعِدَيْهِ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ أَغْلَالَ النَّارِ، وَإِذَا مَسَحَ رَأْسَهُ مَسَحَ اللَّهُ عَنْهُ
سَيِّئَاتِهِ، وَإِذَا مَسَحَ قَدَمَيْهِ أَحَارَهُ اللَّهُ عَلَى الصَّرَاطِ يَوْمَ تَزُلُ فِيهِ الْأَقْدَامُ، قَالَ: صَدَقْتَ يَا
مُحَمَّدُ فَأَخْبِرْنِي عَنِ الْخَامِسَةِ لَأَيِّ شَيْءٍ أَمَرَ اللَّهُ بِالْاِغْتِسَالِ مِنَ الْجَنَابَةِ وَلَمْ يَأْمُرْ مِنَ الْبَوْلِ
وَالْغَائِطِ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ آدَمَ لَمَّا أَكَلَ مِنَ الشَّجَرَةِ دَبَّ ذَلِكَ فِي عُرْوِقِهِ وَشَعْرِهِ وَ
بَشَرِهِ، فَإِذَا جَامَعَ الرَّجُلُ أَهْلَهُ خَرَجَ الْمَاءُ مِنْ كُلِّ عِزْقٍ وَشَعْرٍ، فَأَوْجَبَ اللَّهُ عَلَى ذُرِّيَّتِهِ
الْاِغْتِسَالَ مِنَ الْجَنَابَةِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَالْبَوْلَ يَخْرُجُ مِنْ فَضْلَةِ الشَّرَابِ الَّذِي يَشْرَبُهُ
الْإِنْسَانُ وَالْغَائِطُ يَخْرُجُ مِنْ فَضْلَةِ الطَّعَامِ الَّذِي يَأْكُلُهُ فَعَلَنِيهِمْ مِنْهُمَا الْوُضُوءُ، قَالَ
الْيَهُودِيُّ: صَدَقْتَ يَا مُحَمَّدُ فَأَخْبِرْنِي مَا جَزَاءُ مَنْ اِغْتَسَلَ مِنَ الْحَلَالِ، قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: إِنَّ
الْمُؤْمِنَ إِذَا جَامَعَ أَهْلَهُ بَسَطَ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ جَنَاحَهُ وَتَنَزَّلَ الرَّحْمَةُ، فَإِذَا اِغْتَسَلَ بَنَى
اللَّهُ بِكُلِّ قَطْرَةٍ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَهُوَ سِرٌّ فِيمَا بَيْنَ اللَّهِ وَبَيْنَ خَلْقِهِ يَعْنِي الْاِغْتِسَالُ مِنَ
الْجَنَابَةِ، قَالَ الْيَهُودِيُّ: صَدَقْتَ يَا مُحَمَّدُ فَأَخْبِرْنِي عَنِ السَّادِسِ عَنْ خَمْسَةِ أَشْيَاءَ
مَكْتُوباتٍ فِي التَّوْرَةِ، أَمَرَ اللَّهُ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنْ يَقْتَدُوا بِمُوسَى فِيهَا مِنْ بَعْدِهِ، قَالَ النَّبِيُّ ﷺ:
فَأَنْشَدْتُكَ بِاللَّهِ إِنْ أَنَا أَخْبَرْتُكَ تَقْرَأُ لِي؟ قَالَ الْيَهُودِيُّ: نَعَمْ يَا مُحَمَّدُ، فَقَالَ النَّبِيُّ: أَوَّلُ مَا
فِي التَّوْرَةِ مَكْتُوبٌ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَهِيَ بِالْعِبْرَانِيَّةِ طَابَ، ثُمَّ تَلَا رَسُولُ اللَّهِ هَذِهِ الْآيَةَ
«يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ» ^(١) وَ«مُبَشَّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي
اسْمُهُ أَحْمَدُ» ^(٢)، وَفِي السُّطْرِ الثَّانِي اسْمُ وَصِيِّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَالثَّالِثُ وَالرَّابِعُ
سِبْطِيُّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، وَفِي الْخَامِسِ أُمُّهُمَا فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ
عَلَيْهَا، وَفِي التَّوْرَةِ اسْمُ وَصِيِّ إِبْنِهَا وَاسْمُ سِبْطِيِّ شَبْرُ وَشَبِيرُ وَهُمَا نُورَا فَاطِمَةَ (عَلَيْهَا

است. اما سر را مسح بکشد؛ زیرا که دست پشیمانی بر آن گذاشته و پاها را مسح کند، چون به سمت گناه رفته‌اند. خداوند بر امت من آب در دهان چرخاندن را سنت ساخت تا اینکه دل از حرام پاک شود و آب در بینی کردن را گذاشت برای اینکه بوی نامطبوع دوزخ بر آنان حرام شود.

داناتای یهودی گفت: ای محمد درست گفتی. اما پاداش کسی که بدان رفتار کند، چیست؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: بار اول که مسلمان به آب دست، شیطان از او دور شود و آن‌گاه که آب در دهان بچرخاند، خداوند قلب و زبان او را به حکمت روشن کند و آن‌گاه که آب در بینی کرد، خداوند از آتش دوزخ خلاصی‌اش و بوی بهشت ارزانی‌اش دارد. و آن‌گاه که صورت را شست خداوند، او را سفید رو می‌کند در روزی که برخی هستند سفید و برخی روسیاه. و آن‌گاه که دستان را بشوید، خداوند بندهای آتشین را بر او حرام سازد. و آن‌گاه که سر را مسح کشد، خداوند گناهان او را خواهد آمرزید و آن‌گاه که دو پا را مسح کشد، خداوند او را بر صراط بگذراند، روزی که گام‌ها بر آن لرزان است.

داناتای یهود گفت: ای محمد! درست گفتی. اکنون بگو که چرا غسل برای جنابت واجب است نه برای بول و غایط. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: آن‌گاه که آدم از میوه درخت خورد در همه رگ‌های او حتی مو و تن او آثارش جاری شد و بعد که با حوا نزدیک کرد، از هر رگ و موی او آبی بیرون زد. خداوند بر نسل وی تا رستاخیز غسل جنابت را واجب ساخت. اما بول همان زائده نوشیدنی آدمی است و غایط نیز زائده غذای او. برای آن دو وضو واجب است. داناتای یهودی گفت: ای محمد! درست گفتی. حال بگو پاداش کسی که غسل جنابت می‌کند، چیست؟ پیامبر اسلام فرمود: آن‌گاه که مؤمن با همسر خود نزدیکی می‌کند، هفتاد هزار فرشته پر می‌گشایند و رحمت بر او خواهند ریخت. وقتی او غسل می‌کند، خداوند از هر قطره آب غسل خانه‌ای در بهشت می‌سازد و بی‌گمان غسل جنابت رازی است میان خداوند و آفریدگانش.

داناتای یهودی گفت: ای محمد درست گفتی. اکنون از پنج چیز بگو که در تورات نوشته شده است و خداوند به قوم بنی اسرائیل فرمان پیروی کردن از موسی درباره آن راداده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: اگر پاسخ تو را بدهم به پیامبری ام اعتراف خواهی کرد؟ داناتای یهودی گفت: آری، ای محمد. آن‌گاه رسول اکرم چنین فرمود: در تورات آمده است که محمد فرستاده خداوند است. محمد به زبان عبرانی «طاب» نوشته شده. پس از آن این آیه شریفه را تلاوت کرد: «در یابند آن مکتوب را در تورات و انجیل» (صف/۴) و بعد این آیه را خواند: به فرستاده‌ای که پس از خود به نام احمد می‌آید بشارت باد (اعراف/۱۵۷) بعد فرمود: در سطر دیگر نام وصی او علی بن ابی طالب آمده و در سطرهای سوم و چهارم نام دو فرزند او، حسن و حسین و در سطر پنجم نام مادرشان، فاطمه سرور زنان جهان. در تورات نام وصی من «الیا» ست و نام دو فرزندم شبر و شبیر است که این دو تن نور زهرا



الحمد لله





السلام



السَّلامُ)، فَقَالَ الْيَهُودِيُّ: صَدَقْتَ يَا مُحَمَّدُ، فَأَخْبِرْنِي عَنْ فَضْلِكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ، قَالَ
النَّبِيُّ ﷺ: لِي فَضْلٌ عَلَى النَّبِيِّينَ فَمَا مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا دَعَا عَلَى قَوْمِهِ بِدَعْوَةٍ وَأَنَا أَخَرْتُ دَعْوَتِي
لَأُمَّتِي لِأَشْفَعَ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَأَمَّا فَضْلُ أَهْلِ بَيْتِي وَذُرِّيَّتِي عَلَى غَيْرِهِمْ كَفَضْلِ السَّمَاءِ
عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَبِهِ حَيَاةُ كُلِّ شَيْءٍ وَحُبُّ أَهْلِ بَيْتِي وَذُرِّيَّتِي اسْتِكْمَالُ الدِّينِ، وَتَلَا رَسُولُ
اللَّهِ هَذِهِ الْآيَةَ: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ
دِينًا»^(١) إِلَى آخِرِ الْآيَةِ. قَالَ الْيَهُودِيُّ: صَدَقْتَ يَا مُحَمَّدُ فَأَخْبِرْنِي بِالسَّابِعِ مَا فَضْلُ الرِّجَالِ
عَلَى النِّسَاءِ، قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: كَفَضْلِ السَّمَاءِ عَلَى الْأَرْضِ وَكَفَضْلِ الْمَاءِ عَلَى الْأَرْضِ فَبِالْمَاءِ
تَحْيَى الْأَرْضُ وَبِالرِّجَالِ تَحْيَى النِّسَاءُ لَوْلَا الرِّجَالُ مَا خُلِقَ النِّسَاءُ لِقَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ:
«الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ»^(٢)، قَالَ الْيَهُودِيُّ: لِيَأَيُّ
شَيْءٍ هَكَذَا؟ قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ مِنْ طِينٍ وَ مِنْ فَضْلَتِهِ وَبَقِيَّتِهِ خُلِقَتْ حَوَاءُ وَ
أَوَّلُ مَنْ أَطَاعَ النِّسَاءَ آدَمُ فَأَنزَلَهُ اللَّهُ مِنَ الْجَنَّةِ وَقَدَّيْنِ فَضْلَ الرِّجَالِ عَلَى النِّسَاءِ فِي الدُّنْيَا
أَلَا تَرَى إِلَى النِّسَاءِ كَيْفَ يَحْضُنَ وَلَا يُضَكِّهِنَّ الْعِبَادَةُ مِنَ الْقَذَارَةِ وَالرِّجَالُ لَا يُصَيِّهُنَّ
شَيْءٌ مِنَ الطُّمَثِ، قَالَ الْيَهُودِيُّ: صَدَقْتَ يَا مُحَمَّدُ فَأَخْبِرْنِي لِيَأَيُّ شَيْءٍ فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ
الصَّوْمَ عَلَى أُمَّتِكَ بِالنَّهَارِ ثَلَاثِينَ يَوْمًا وَفَرَضَ عَلَى الْأَمَمِ أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ قَالَ النَّبِيُّ ﷺ:
إِنَّ آدَمَ لَمَّا أَكَلَ مِنَ الشَّجَرَةِ بَقِيَ فِي بَطْنِهِ ثَلَاثِينَ يَوْمًا وَفَرَضَ اللَّهُ عَلَى ذُرِّيَّتِهِ ثَلَاثِينَ يَوْمًا
الْجُوعَ وَالْعَطَشَ وَالَّذِي يَأْكُلُونَهُ تَفْضُلٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِمْ وَكَذَلِكَ كَانَ عَلَى آدَمَ
فَقَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى أُمَّتِي ذَلِكَ، ثُمَّ تَلَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ هَذِهِ الْآيَةَ: «كُتِبَ عَلَيْكُمُ
الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ أَيَّامًا مَعْدُودَاتٍ»^(٣)، قَالَ الْيَهُودِيُّ:
صَدَقْتَ يَا مُحَمَّدُ فَمَا جَزَاءُ مَنْ صَامَهَا، فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَصُومُ شَهْرَ رَمَضَانَ
اِحْتِسَابًا إِلَّا أَوْجَبَ اللَّهُ لَهُ سَبْعَ خِصَالٍ أَوَّلُهَا يَذُوبُ الْحَرَامُ فِي جَسَدِهِ، وَالثَّانِيَةُ يَقْرُبُ مِنْ
رَحْمَةِ اللَّهِ، وَالثَّالِثَةُ يَكُونُ قَدْ كَفَّرَ خَطِيئَةَ أَبِيهِ آدَمَ، وَالرَّابِعَةُ يَهْوُونَ اللَّهُ عَلَيْهِ سَكَرَاتِ
الْمَوْتِ، وَالخَامِسَةُ أَمَانٌ مِنَ الْجُوعِ وَالْعَطَشِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَالسَّادِسَةُ يُعْطِيهِ اللَّهُ بَرَاءَةً

هستند. دانای یهودی گفت: اینک از فضیلت‌های خاندان خود بگو. پیامبر اسلام فرمود: من بر تمام پیامبران برترم. هر پیامبری برای امت خود دعا کرد و من دعای خود را برای امتم تا رستاخیز به تأخیر انداختم که از آنان شفاعت کنم. اما برتری خاندانم بر دیگران مانند برتری آب است که سرچشمه زندگانی هر چیز است. دوست داشتن اهل بیت و نسل من همانا کمال دین است. بعد این آیه را خواند: ﴿اليوم اكملت لكم دينكم واتممت عليكم نعمتي ورضيت لكم الاسلام دنيا﴾ «امروز دین را برای شما کامل ساختم و نعمت خود را برای شما تمام کردم و اسلام را برای شما پسند کردم» (مائده/۳).

دانای یهودی گفت: ای محمد! درست گفتی. حال بگو چرا مردان بر زنان برتری دارند؟ پیامبر ﷺ فرمود: همانگونه که زمین به آب زنده است، زنان با وجود مردان زنده خواهند بود. برتری مردان بر زنان برتری آسمان بر زمین است و برتری آب بر زمین. اگر مردها نبودند، زنان آفریده نمی‌شدند. خداوند چنین فرمود: «مردان سرپرست زنان هستند زیرا خداوند برخی را بر برخی برتری ساخته است» (نساء/۳۴). دانای یهودی گفت: فلسفه آن کدام است؟ پیامبر فرمود: خداوند آدم را از گل ساخت و از مائده سرشت وی، حوا را ساخت. نخستین کسی که از زن پیروی کرد، آدم بود که خداوند او را از بهشت خارج کرد. برتری مردان بر زنان در دنیا آشکار است. آیا نمی‌نگری که زنان دچار حیض می‌شوند و به خاطر پلیدی آن از نماز محرومند حال آنکه مردان چنین نیستند. دانای یهودی گفت: ای محمد! درست گفتی. اکنون بگو که چرا خداوند یک ماه روزه گرفتن را بر امت تو واجب کرده است، حال آنکه در امت‌های پیشین بیشتر بوده است؟ پیامبر اسلام فرمود: آنگاه که آدم از میوه درخت خورد و آن یک ماه در شکم او بود و از این رو خداوند گرسنگی و تشنگی یک ماهه را بر نسل او واجب کرد. البته آن چه در شب می‌خورند، از لطف الهی است درباره آنان. این حکم برای آدم بوده و بر امت من نیز هست. بعد این آیه را خواند: ﴿كتب عليكم الصيام كما كتب على الذين من قبلكم لعلكم تتقون﴾ «بر شما امت محمد ﷺ روزه نوشته شده است همان سان که بر امت‌های گذشته، امید است که از خداوند پروا کنید» (بقره/۱۸۳). دانای یهودی گفت: ای محمد! درست گفتی. اینک بگو پاداش روزه دار کدام است؟ پیامبر فرمود: هیچ مومنی ماه رمضان را برای خدا روزه نگیرد، مگر اینکه خداوند برای او هفت چیز را قرار دهد. نخست اینکه حرام بدن او آب شود و دوم اینکه به رحمت الهی نزدیک شود. سوم کفاره گناه پدرش آدم خواهد بود. و سوم آسان بودن سكرات مرگ برای وی. و پنجم عدم گرسنگی و تشنگی در رستاخیز، و ششم حواله



السلامی



مِنَ النَّارِ، وَ السَّابِعَةُ يُطْعِمُهُ اللَّهُ مِنْ ثَمَرَاتِ الْجَنَّةِ، قَالَ: صَدَقْتَ يَا مُحَمَّدُ فَأَخْبِرْنِي عَنِ
 الثَّاسِعَةِ لَأَيِّ شَيْءٍ أَمَرَ اللَّهُ بِالْوُقُوفِ بِالْعَرَفَاتِ بَعْدَ الْعَصْرِ، قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: إِنَّ الْعَصْرَ هِيَ
 السَّاعَةُ الَّتِي غَضَى فِيهَا آدَمُ رَبَّهُ وَفَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى أُمَّتِي الْوُقُوفَ وَالتَّضَرُّعَ وَ
 الدُّعَاءَ فِي أَحَبِّ الْمَوَاضِعِ إِلَيْهِ وَتَكْفُلُ لَهُمُ بِالْجَنَّةِ وَ السَّاعَةُ الَّتِي يَنْصَرِفُ فِيهَا النَّاسُ هِيَ
 السَّاعَةُ الَّتِي تَلْقَى فِيهَا آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ قَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ الثَّوَابُ الرَّحِيمُ، ثُمَّ قَالَ
 النَّبِيُّ ﷺ: وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا إِنَّ لِلَّهِ بَابًا فِي السَّمَاءِ الدُّنْيَا يُقَالُ لَهُ بَابُ
 الرَّحْمَةِ وَبَابُ التَّوْبَةِ وَبَابُ الْحَاجَاتِ وَبَابُ التَّفَضُّلِ وَبَابُ الْإِحْسَانِ وَبَابُ الْجُودِ وَ
 بَابُ الْكَرَمِ وَبَابُ الْعَفْوِ، وَلَا يَجْتَمِعُ بَعَرَفَاتٍ أَحَدٌ إِلَّا اسْتَأْهَلَ مِنَ اللَّهِ فِي ذَلِكَ الْوَقْتِ
 هَذِهِ الْخِصَالُ، وَإِنَّ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِائَةَ أَلْفِ مَلَكٍ مَعَ كُلِّ مَلَكٍ مِائَةٌ وَعِشْرُونَ أَلْفَ مَلَكٍ
 وَلِلَّهِ رَحْمَةٌ عَلَى أَهْلِ عَرَفَاتٍ يُنْزِلُهَا عَلَى أَهْلِ عَرَفَاتٍ فَإِذَا انْصَرَفُوا أَشْهَدَ اللَّهُ مَلَائِكَتَهُ
 بِعَتَقِ أَهْلِ عَرَفَاتٍ مِنَ النَّارِ، وَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ، وَنَادَى مُنَادٍ انْصَرِفُوا
 مَغْفُورِينَ فَقَدْ أَرْضَيْتُمُونِي وَرَضِيتُ عَنْكُمْ، قَالَ الْيَهُودِيُّ: صَدَقْتَ يَا مُحَمَّدُ فَأَخْبِرْنِي عَنِ
 الْعَاشِرِ عَنْ سَبْعِ خِصَالٍ أُعْطَاكَ اللَّهُ مِنْ بَيْنِ النَّبِيِّينَ وَأَعْطَى أُمَّتَكَ مِنْ بَيْنِ الْأُمَمِ، فَقَالَ
 النَّبِيُّ ﷺ: أَعْطَانِي اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَالْإِذَانَ وَالْجَمَاعَةَ فِي الْمَسْجِدِ وَ يَوْمَ
 الْجُمُعَةِ وَالْإِجْهَارَ فِي ثَلَاثِ صَلَاةٍ وَالرُّخْصَ لِأُمَّتِي عِنْدَ الْأَمْرَاضِ وَالسُّفَرِ وَالصَّلَاةَ عَلَى
 الْجَنَائِزِ وَالشَّفَاعَةَ لِأَصْحَابِ الْكِبَائِرِ مِنْ أُمَّتِي، قَالَ الْيَهُودِيُّ: صَدَقْتَ يَا مُحَمَّدُ فَمَا جَزَاءُ
 مَنْ قَرَأَ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَنْ قَرَأَ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ أَعْطَاهُ اللَّهُ بِعَدَدِ كُلِّ آيَةٍ
 أَنْزَلَتْ مِنَ السَّمَاءِ فَيَجْزِي بِهَا تَوَابَهَا، وَأَمَّا الْإِذَانُ فَإِنَّهُ يُخْشَرُ الْمُؤَذِّنُونَ مِنْ أُمَّتِي مَعَ
 النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ، وَأَمَّا الْجَمَاعَةُ فَإِنَّ صُفُوفَ أُمَّتِي كَصُفُوفِ
 الْمَلَائِكَةِ فِي السَّمَاءِ وَالرُّكْعَةُ فِي الْجَمَاعَةِ أَرْبَعٌ وَعِشْرُونَ رُكْعَةً كُلُّ رُكْعَةٍ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ
 عَزَّ وَجَلَّ مِنْ عِبَادَةِ أَرْبَعِينَ سَنَةً، وَأَمَّا يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَيَجْمَعُ اللَّهُ فِيهِ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ
 لِلْحِسَابِ، فَمَا مِنْ مُؤْمِنٍ مَشَى إِلَى الْجَمَاعَةِ إِلَّا خَفَّفَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِ أَهْوَالَ يَوْمِ
 الْقِيَامَةِ ثُمَّ يَأْمُرُ بِهِ إِلَى الْجَنَّةِ، وَأَمَّا الْإِجْهَارُ فَإِنَّهُ يَتَّبَعُ لَهَبِ النَّارِ مِنْهُ بِقَدَرٍ مَا يَبْلُغُ
 صَوْتُهُ وَيَجُوزُ عَلَى الصَّرَاطِ وَيُعْطَى السُّرُورَ حَتَّى يَدْخُلَ الْجَنَّةَ، وَأَمَّا السَّادِسُ فَإِنَّ اللَّهَ

آزادی از دوزخ. و هفتم پذیرایی با میوه‌های بهشتی.

دانای یهودی گفت: ای محمد! درست گفتی. و اکنون بگو چرا خداوند فرمان وقوف در عرفات پس از هنگام عصر داده است؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: عصر همان هنگامی است که آدم گناهکار شد. خداوند بر امت من وقوف و دعا در بهترین مکان‌ها را واجب کرد و نیز برای آنان بهشت را ضمانت نمود. هنگامی که مردمان از عرفات بر می‌گردند همان زمانی است که خداوند کلمات را به آدم تعلیم داد و بعد توبه‌اش را قبول کرد و اوست توبه‌پذیر و مهرورز. آنگاه پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند بی‌گمان مرا بشیر و نذیر برای مردان برانگیخته است. برای خداوند در آسمان دنیا دری است که باب رحمت و توبه و حاجات و عنایت و احسان و بخشش و کرم و عفو می‌خوانند. هر کس در عصر عرفات گرد آید، سزاوار این ویژگی‌های اخلاقی می‌شود. برای خداوند را هزار فرشته بوده و همراه با هر یک صد و بیست هزار و اهل عرفات در رحمت خواهند بود. آنگاه که آنان باز گردند، خداوند فرشته‌های خویش را شاهد می‌گیرد که اهل عرفات از آتش دوزخ رها بوده و بهشت بر آنان واجب خواهد بود. از جانب حق ندا خواهند داد که ای مردمان باز گردید، در حالی که آمرزیده شده‌اید. مرا راضی کردید و من از شما راضی هستم.

دانای یهودی گفت: ای محمد! درست گفتی. و در پایان بگو خصلت‌های هفت‌گانه‌ای که خداوند در میان پیامبران، فقط به تو ارزانی داشته و در میان امت‌ها فقط به امت تو بخشیده است، کدامند؟ پیامبر اسلام چنین فرمود: خداوند به من سوره حمد و اذان و نماز جماعت در مسجد و روز جمعه و صدای بلند در نمازهای سه‌گانه را عنایت نمود و به امت من به هنگام بیماری و سفر رخصت در عبادت، نماز میت و شفاعت برای گناهکاران را. او گفت: ای محمد! درست گفتی. اما پاداش تلاوت کننده سوره حمد کدام است؟ رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس سوره حمد را بخواند، خداوند به شمار آياتی که فرود، فرستاده است، به او پاداش می‌دهد. اما پاداش اذان گویان امت من این است که با پیامبران و صدیق‌ها و شهیدها و شایستگان محشور می‌شوند. اما صف‌های جماعت امت من در نماز مانند صف‌های فرشتگان در آسمان است. یک رکعت نماز جماعت همانند بیست و چهار رکعت نمازی است که هر رکعت آن پیش پروردگار عزوجل از عبادت چهل ساله دوست داشتنی است. در رستاخیز که خداوند نسل‌های نخستین و آفرین را برای حساب گرد می‌آورد، مؤمنی به نماز جماعت رفته نباشد مگر اینکه خداوند ترس او را در آن روز کم کند و فرمان بهشت برای او بدهد. اما بلند خواندن نماز پاداش دور شدن از آتش دوزخ و گذشتن از صراط و شادمانی تا لحظه ورود به بهشت را خواهد داشت. و درباره نماز میت خداوند بهشت را بر کسی که نمازی

عَزَّ وَجَلَّ يُخَفِّفُ أَهْوَالَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ لِأُمَّتِي كَمَا ذَكَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي الْقُرْآنِ (وَمَا مِنْ
مُؤْمِنٍ يُصَلِّي الْجَنَائِزَ إِلَّا أُوجِبَ اللَّهُ لَهُ الْجَنَّةُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مُنَافِقًا أَوْ عَاقًا، وَأَمَّا شَفَاعَتِي
فَهِيَ لِأَصْحَابِ الْكِبَائِرِ مَا خَلَا أَهْلَ الشَّرِكِ وَالظُّلْمِ)، قَالَ: صَدَقْتَ يَا مُحَمَّدُ وَأَنَا أَشْهَدُ أَنْ
لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنْتَ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ خَاتَمُ النَّبِيِّينَ وَإِمَامُ الْمُتَّقِينَ وَرَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ،
فَلَمَّا أَسْلَمَ وَحَسُنَ إِسْلَامُهُ أَخْرَجَ رَقًّا أَبْيَضَ فِيهِ جَمِيعُ مَا قَالَ النَّبِيُّ ﷺ، وَقَالَ: يَا رَسُولَ
اللَّهِ وَالَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ نَبِيًّا مَا اسْتَنْسَخْتُهَا إِلَّا مِنَ الْإِلَاحِ الَّتِي كَتَبَهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِمُوسَى
بْنِ عِمْرَانَ ﷺ وَلَقَدْ قَرَأْتُ فِي التَّوْرَةِ فَضْلَكَ حَتَّى شَكَّكْتُ فِيهَا يَا مُحَمَّدُ، وَلَقَدْ كُنْتُ
أَمْحُو اسْمَكَ مِنْذُ أَرْبَعِينَ سَنَةً مِنَ التَّوْرَةِ كُلَّمَا مَحَوْتُهُ وَجَدْتُهُ مُثَبَّتًا فِيهَا، وَلَقَدْ قَرَأْتُ فِي
التَّوْرَةِ أَنَّ هَذِهِ الْمَسَائِلَ لَا يُخْرِجُهَا إِلَّا أَنْتَ وَأَنْ فِي السَّاعَةِ الَّتِي تُرَدُّ عَلَيْكَ فِيهَا هَذِهِ
الْمَسَائِلُ يَكُونُ جِبْرِئِيلُ عَنْ يَمِينِكَ وَمِيكَائِيلُ عَنْ يَسَارِكَ وَصِيُكَ بَيْنَ يَدَيْكَ، فَقَالَ
رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: صَدَقْتَ هَذَا جِبْرِئِيلُ عَنْ يَمِينِي وَمِيكَائِيلُ عَنْ يَسَارِي وَصِيِّي عَلِيُّ بْنُ
أَبِي طَالِبٍ ﷺ بَيْنَ يَدَيَّ، فَأَمَّنَ الْيَهُودِيُّ وَحَسُنَ إِسْلَامُهُ.

مرآة الحق في معرفة حرمته



بر جنازه‌ای خوانده است، واجب کرده است، مگر اینکه او منافق یا عاقل والدین باشد. اما شفاعت من برای کسانی است که گناهان زیاد داشته باشند ولی به شرک و ظلم آلوده نباشند باشند. دانای یهودی گفت: ای محمدا درست گفتی. و من شهادت می‌دهم که خدایی غیر از خدای یکتا نبوده و تو همان بنده و فرستاده او هستی. و نیز خاتم پیامبران و پیشوای پارسایان و فرستاده پروردگار جهانیان.

آنگاه دانای یهودی به اسلام ایمان آورد. سپس دفتر سفیدی بیرون آورد که تمام گفتارهای رسول اکرم صلی الله علیه و آله در آن نوشته شده بود. و بعد گفت: ای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، سوگند به کسی که تو را برای پیامبری برانگیخته است، آن را از روی الواحی که خداوند برای موسی فرستاده است، بر گرفته‌ام. من در تورات فضل و منزلت تو را تا جایی دیدم که در آن تردید پیدا کردم و چهل سال در محو نام تو از نسخدهای تورات می‌کوشیدم و همچنان در جای خود می‌دیدم. در تورات خوانده‌ام که کسی غیر از تو پاسخ‌گوی این پرسش‌ها نخواهد بود و نیز در هنگامی که این مسائل بر تو عرضه خواهد شد، جبرئیل و میکائیل در سمت راست و چپ تو خواهند بود و همچنین وصی تو پیش روی تو. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: درست گفتی، این جبرئیل است و این میکائیل که در دوسوی من نشسته‌اند و این هم وصی من علی بن ابی طالب علیه السلام است که روبروی من نشسته است. دانای یهودی به حق گرایید و در مسلمانی نیکو بود.





السلام



المجلس السادس والثلاثون

وهو يوم الثلاثاء لأربع بقين من المحرم

من سنة ثمان وستين وثلاثمائة

١. حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوئِهِ الْقُمِّيُّ رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ الدَّقَاقُ رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ هَارُونَ الصُّوفِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُوسَى الْخَبَّالُ الطَّبْرِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ الْحَشَابِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مَحْصَنٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ ظَبْيَانَ عَنْ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ رحمته الله، قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَوْحَى إِلَى دَاوُدَ عليه السلام مَا لِي أَرَاكَ وَحَدَانَا؟ قَالَ: هَجَرْتُ النَّاسَ وَهَجَرُونِي فِيكَ، قَالَ: فَمَا لِي أَرَاكَ سَاكِتًا؟ قَالَ: خَشِيتُكَ أَشْكَيْتَنِي قَالَ: فَمَا لِي أَرَاكَ نَصَبًا؟ قَالَ حُبُّكَ أَنْصَبَنِي قَالَ: فَمَا لِي أَرَاكَ فَقِيرًا وَقَدْ أَفْذْتُكَ؟ قَالَ: الْقِيَامُ بِحَقِّكَ أَفْقَرَنِي قَالَ: فَمَا لِي أَرَاكَ مُتَذَلِّلًا؟ قَالَ: عَظِيمُ جَلَالِكَ الَّذِي لَا يُوصَفُ ذُلُّنِي وَحَقُّ ذَلِكَ لَكَ يَا سَيِّدِي، قَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ: فَأَبَشِّرْ بِالْفُضْلِ مِنِّي فَلَكَ مَا تُحِبُّ يَوْمَ تَلْقَانِي، خَالِطِ النَّاسَ وَخَالَفَهُمْ بِأَخْلَاقِهِمْ وَزَايَلَهُمْ فِي أَعْمَالِهِمْ تَنْلُ مَا تُرِيدُ مِنِّي يَوْمَ الْقِيَامَةِ»، وَقَالَ الصَّادِقُ عليه السلام: «أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى دَاوُدَ عليه السلام يَا دَاوُدُ بِي فَرَحٌ وَبِذِكْرِي فَتَلَذَّذْ وَبِمُنَاجَاتِي فَتَنَعَّمْ فَعَنْ قَلِيلٍ أَخْلَى الدَّارَ مِنَ الْفَاسِقِينَ وَأَجْعَلَ لِعَنْتِي عَلَى الظَّالِمِينَ»، قَالَ يُونُسُ بْنُ ظَبْيَانَ: وَحَدَّثَنِي الصَّادِقُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَهْبَرَ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام قَالَ: «لَمَّا أَرَادَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى قَبْضَ رُوحِ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام اهْبَطَ إِلَيْهِ مَلَكُ الْمَوْتِ فَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِبْرَاهِيمُ قَالَ: وَعَلَيْكَ السَّلَامُ يَا مَلَكُ الْمَوْتِ أَدَاعَ أَمْ نَاعَ قَالَ: بَلْ دَاعٍ يَا إِبْرَاهِيمُ فَأَجِبْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ عليه السلام: فَهَلْ رَأَيْتُ خَلِيلًا يُمِيتُ خَلِيلَهُ قَالَ:

مجلس سی و ششم

سه شنبه بیست و ششم محرم سال ۳۶۸

السلامی

۱. امام صادق علیه السلام فرمود: خدای تبارک و تعالی به داود پیامبر وحی فرمود: چرا تو راتنها می بینم؟ گفت: زیرا به خاطر تو دیگران را رها کرد و آنان نیز مرا ترک کردند. فرمود: چرا تو را ساکت می نگرم؟ گفت: خوف تو مرا ساکت کرده است. فرمود: چرا تو را گرفتار می بینم؟ گفت: محبت تو مرا گرفتار ساخته است. فرمود: چرا تو را تنگدست می نگرم، در حالی که تو را از فضل خود برخوردار کرده ام؟ گفت: قیام در راه تو مرا بینوا کرده است. فرمود: چرا تو را بی مقدار می بینم؟ گفت: عظمت جلال تو که فراتر از وصف است، مرا کوچک کرده ای مولای من و این حق توست. آنگاه خدای عزوجل به داود فرمود: بشارت فضل مرا بگیر در روزی که مرا دیدار خواهی کرد. و اکنون با مردم معاشرت داشته باش و از اخلاق بد آنان دوری کن تا این که در روز قیامت به آن چه دوست داری، دست یابی. امام صادق علیه السلام فرمود: خدا به داود نیز وحی فرستاد که ای داودا به یاد من خوش زندگی کن و لذت ببر و با مناجات من به نعمت دست یاب شو که به زودی این سرار را از بدکاران خالی می کنم و لعنت را ویژه ستم پیشگان می سازم.

امام صادق علیه السلام از امیر مؤمنان علیه السلام نقل فرمود که آن گاه که خداوند خواست روح ابراهیم را بگیرد، عزرائیل را نزد او فرستاد و گفت: ای ابراهیم! سلام. گفت: آیا برای دعوت آمدی یا برای مردن؟ عزرائیل گفت: برای مرگ که ناگزیر باید اجابت کنی. ابراهیم گفت: آیا تا به حالا دوستی دیده ای که جان دوست خویش بگیرد؟ عزرائیل نزد خداوند بازگشت و گفت: خدایا سخن دوست خود ابراهیم را شنیدی که چه گفت؟ خداوند فرمود: نزد

فَرَجَعَ مَلِكُ الْمَوْتِ حَتَّى وَقَفَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ فَقَالَ: إِلَهِي قَدْ سَمِعْتَ مَا قَالَ خَلِيلُكَ إِبْرَاهِيمُ، فَقَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ: يَا مَلِكُ الْمَوْتِ اذْهَبْ إِلَيْهِ وَقُلْ لَهُ: هَلْ رَأَيْتَ حَبِيبًا يَكْرَهُ لِقَاءَ حَبِيبِهِ إِنْ الْحَبِيبُ يُحِبُّ لِقَاءَ حَبِيبِهِ».

٢. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الصَّائِغُ الْعَدْلُ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَيْسَى بْنُ مُحَمَّدٍ الْعَلَوِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو عَوَانَةَ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ سُلَيْمَانَ بْنِ بَزِيعِ الْخَزَّازِ، قَالَ: حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ أَبَانَ عَنْ سَلَامِ بْنِ أَبِي عَمْرَةَ الْخُرَّاسَانِيِّ عَنْ مَعْرُوفِ بْنِ خَرْبُودَ الْمَكِّيِّ عَنْ أَبِي الطُّفَيْلِ غَامِرِ بْنِ وَائِلَةَ عَنْ حُذَيْفَةَ بْنِ أَسِيدٍ الْغِفَارِيِّ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «يَا حُذَيْفَةُ إِنْ حُجَّهَ اللَّهُ عَلَيْكَ بَعْدِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ الْكَفَرِيَّةِ كُفْرًا بِاللَّهِ وَالشِّرْكَ بِهِ شَرَّكَ بِاللَّهِ وَالشَّكُّ فِيهِ شَكٌّ بِاللَّهِ وَالْإِلْحَادُ فِيهِ الْإِلْحَادُ بِاللَّهِ وَالْإِنْكَارُ لَهُ الْإِنْكَارُ لِلَّهِ وَالْإِيمَانُ بِهِ إِيْمَانٌ بِاللَّهِ لِأَنَّهُ أَخُو رَسُولِ اللَّهِ وَوَصِيُّهُ وَإِمَامُ أُمَّتِهِ وَمَوْلَاهُمْ وَهُوَ حَبْلُ اللَّهِ الْمَتِينُ وَعُرْوَتُهُ الْوُثْقَى الَّتِي لَا انْفِصَامَ لَهَا وَبَيْنَكَ فِيهِ اثْنَانِ وَلَا ذَنْبَ لَهُ مُحِبُّ غَالٍ وَمُقَصِّرٌ، يَا حُذَيْفَةُ لَا تُفَارِقَنَّ عَلِيًّا فَتُفَارِقَنِي وَلَا تُخَالِفَنَّ عَلِيًّا فَتُخَالِفَنِي إِنْ عَلِيًّا مِنِّي وَأَنَا مِنْهُ مَنْ أَسْخَطَهُ فَقَدْ أَسْخَطَنِي وَمَنْ أَرْضَاهُ فَقَدْ أَرْضَانِي».

٣. حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدَ بْنِ عَيْسَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ مُفَضَّلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ الْجُعْفِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ ﷺ، قَالَ: «إِنَّ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ ﷺ قَالَ: يَا رَبِّ رَضِيتُ بِمَا قَضَيْتَ تُمِيتُ الْكَبِيرَ وَتُبْقِي الطِّفْلَ الصَّغِيرَ، فَقَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ: (يَا مُوسَى أَمَا تَرْضَانِي لَهُمْ رَازِقًا وَكَفِيلًا؟) قَالَ: بَلَى يَا رَبِّ فَنِعْمَ الْوَكِيلُ أَنْتَ وَنِعْمَ الْكَفِيلُ».

٤. حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ الدَّقَّاقُ ﷺ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ هَارُونَ الصُّوفِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ مُوسَى الْحَبَالِ الطَّبْرِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ الْحَشَابِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مِحْصَنِ عَنْ يُونُسَ بْنِ ظَبْيَانَ قَالَ: قَالَ الصَّادِقُ ﷺ: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَوْحَى إِلَى نَبِيِّ مِنْ أَنْبِيََاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ إِنْ أُحْبِبْتَ أَنْ تُلْقَانِي غَدًا فِي حَظِيرَةِ الْقُدْسِ فَكُنْ فِي الدُّنْيَا وَحِيدًا غَرِيبًا مَهْمُومًا مَحْزُونًا مُسْتَوْحِشًا مِنَ النَّاسِ بِمَثَرَةِ الطَّيْرِ الْوَاحِدِ الَّذِي يَطِيرُ فِي

ابراهیم برو و بگو آیا تا کنون دوستی دیده‌ای که دیدار با دوست خویش را ناپسند بشمارد.
بی‌گمان هر رفیقی دیدار رفیق خویش را می‌طلبد.

۲. حذیفه بن اسید غفاری می‌گوید که پیامبر ﷺ فرمود: ای حذیفه! بی‌گمان حجت خدا پس از من به شما همانا علی بن ابی طالب علیه السلام است. کفر ورزیدن به علی کفر به خداست. شرک ورزیدن به علی شرک به خداست. شک ورزیدن درباره علی شک درباره خداست. الحاد درباره علی الحاد درباره خداست. انکار علی انکار خداست. ایمان به علی ایمان به خداست، چرا که او برادر پیامبر بوده و نیز وصی او و پیشوای امت او و سرور مسلمانان است. علی حبل الله المتین و عروة الوثقی است که استوار می‌باشد. دو کس در ارتباط با او نابود می‌شوند، در حالی که او مقصر نخواهد بود. نخست دوستدار غلو کننده و دیگر کسی که در ولایت او کوتاهی دارد. ای حذیفه! هرگز از علی جدا مشو که بی‌گمان از من جدا شده‌ای. و با علی سرستیز نداشته باش که در مخالف من خواهی بود. علی از من است و من از علی. هر کس علی را خشمگین کند، مرا خشمگین ساخته و هر کس او را شاد کند مرا خرسند ساخته است.

۳. امام باقر علیه السلام فرمود: موسی بن عمران گفت: خدایا به داوری تو رضا هستیم. سالمندان را از دنیا می‌بری و خردسالان را نگه می‌داری. خداوند فرمود: ای موسی! آیا نمی‌پسندی که من روزی ده و ضامن رزق شان باشم؟ گفت: چرا. ای پروردگار تو بهترین وکیل و کفیل برای بندگان می‌باشی.

۴. امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند به چند تن از پیامبران بنی اسرائیل وحی فرستاد که اگر خواهید در «حظیره القدس» مرا ببینید، در دنیا تنها و بی کس و اندوهگین و محزون و ترسان از مردم باشید؛ همانند پرنده‌ای تنها که در صحرایی خالی از جانداران است و از برگ درختان می‌خورد و از آب چشمه‌ها می‌نوشد و در شب تنها می‌خوابد و بایرندگان



الارض القفار و يأكل من رؤس الاشجار و يشرب من ماء العيون فإذا كان الليل أوى
وخذته ولم يأو مع الطيور استأنس بربه واستوحش من الطيور.

٥. حَدَّثَنَا أَبِي (رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ)، عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى
عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَيْفٍ عَنْ سَلَامِ بْنِ غَانِمٍ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام قَالَ: مَنْ قَالَ
حِينَ يَأْوِي إِلَى فِرَاشِهِ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مِائَةَ مَرَّةٍ بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَمَنْ اسْتَغْفَرَ حِينَ
يَأْوِي إِلَى فِرَاشِهِ مِائَةَ مَرَّةٍ تَحَاثَّتْ ذُنُوبُهُ كَمَا يَسْقُطُ وَرَقُ الشَّجَرِ. قَالَ الْحُسَيْنُ بْنُ سَيْفٍ:
حَدَّثَنِي أَخِي عَلِيُّ بْنُ سَيْفٍ عَنْ أَبِيهِ سَيْفِ بْنِ عَمِيرَةَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الصَّبَّاحِ، قَالَ: حَدَّثَنِي
أَنَسُ بْنُ مَالِكٍ عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله قَالَ: «كُلُّ جَبَّارٍ غَنِيْدٌ» ^(١) مَنْ أَبِي أَنْ يَقُولَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ.

٦. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ
الْصَّفَّارُ عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عِمْرَانَ الزُّعْفَرَانِيِّ عَنِ الصَّادِقِ
جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام قَالَ: «مَا مِنْ رَجُلٍ دَعَا فَخُتِمَ دُعَاؤُهُ بِقَوْلٍ: «مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا
بِاللَّهِ» ^(٢) إِلَّا أُجِيبَ صَاحِبُهُ».

٧. حَدَّثَنَا أَبِي عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنِي سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ
مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ عليه السلام، قَالَ إِنْ مَلَكَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مَرٌّ
بِرَجُلٍ قَائِمٍ عَلَى بَابِ دَارٍ، فَقَالَ لَهُ الْمَلِكُ: يَا عَبْدَ اللَّهِ مَا يَقِيْمُكَ عَلَى بَابِ هَذِهِ الدَّارِ،
قَالَ: فَقَالَ أَخِي فِيهَا أَرَدْتُ أَنْ أَسْلَمَ عَلَيْهِ، فَقَالَ الْمَلِكُ: هَلْ بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ رَجْمٌ مَاسَةٌ أَوْ
هَلْ نَزَعْتُكَ إِلَيْهِ حَاجَةٌ؟ قَالَ: فَقَالَ: لَا مَا بَيْنِي وَبَيْنَهُ قَرَابَةٌ وَلَا نَزَعْتَنِي إِلَيْهِ حَاجَةٌ إِلَّا
أُخُوَّةُ الْإِسْلَامِ وَحُرْمَتُهُ، وَأَنَا أَتَعَاهَدُهُ وَأَسْلَمَ عَلَيْهِ فِي اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، فَقَالَ الْمَلِكُ:
إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكَ وَهُوَ يُقْرِئُكَ السَّلَامَ وَيَقُولُ: إِنَّمَا إِنِّي أَرَدْتُ وَلِي تَعَاهَدْتُ، وَقَدْ
أَوْجَبْتُ لَكَ الْجَنَّةَ وَأَغْفِيْتُكَ مِنْ غَضَبِي وَآجَزْتُكَ مِنَ النَّارِ.

٨. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ هَارُونَ الْقَاسِمِيُّ عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ

الْحِمَيْرِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعُودَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ

همدم نمی شود و با پروردگارش مأنوس بوده و از هم نوع خود می ترسد.

۵. امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس در وقت خواب، در بستر خود صد بار لا اله الا الله بگوید، خداوند برای او خانه‌ای در بهشت خواهد ساخت و هر کس شبانه صد بار طلب مغفرت کند، گناهان او را خواهد ریخت؛ همان سان که برگ از درختها می‌ریزد.

انس بن مالک از پیامبر صلی الله علیه و آله در تفسیر آیه شریفه «کل جبار عنید» روایت می‌کند که آن حضرت فرمود: مراد کسی است که از گفتن کلمه لا اله الا الله خودداری می‌کند.

۶. امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس که نیایش خویش را با عبارت «ما شاء الله لا قوة الا بالله» به آخر برد، خواسته او اجابت خواهد شد.

۷. امام باقر علیه السلام فرمود: فرشته‌ای به شخصی برخورد که در آستانه خانه‌ای ایستاده بود. به او گفت: ای بنده خدا چرا اینجا ایستاده‌ای؟ گفت: خانه برادرم است و می‌خواهم به او درود گویم. فرشته گفت: آیا با خویشاوندی نزدیک داری یا برای نیاز آمده‌ای؟ گفت: نه خویشاوندی است و نه نیاز مندی. او برادر دینی من است که به پاس احترام می‌خواهم جویای حال او باشم و برای خدا به او سلام کنم. فرشته گفت: من از جانب خداوند به سوی تو فرستاده شده‌ام. او برای تو درود می‌فرستد و می‌فرماید: تو مرا خواسته‌ای و از حال من پرسیده‌ای. اکنون بهشت را برای تو واجب کرده‌ام و تو را از خشم خویش رها کرده و از آتش جهنم نیز نجات دادم.

۸. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: آنگاه که خدا ببیند که نافرمانی ساکنان یک سرزمینی از اندازه گذشته و در عین حال سه مؤمن در میان آنان می‌باشند، به آنان ندا می‌دهد که ای گناه پیشگان! اگر مؤمنان دوستدار جلالم و آبادگر زمین و مساجدم در نمازشان و آمرزش

بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِذَا رَأَى أَهْلَ قَرْيَةٍ قَدْ أَشْرَفُوا فِي الْمَعَاصِي وَفِيهَا ثَلَاثَةُ نَفَرٍ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ نَادَاهُمْ جَلْ جَلَالُهُ وَتَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُهُ يَا أَهْلَ مَعْصِيَتِي لَوْلَا مَنْ فِيكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ الْمُتَحَابِّينَ بِجَلَالِي الْعَامِرِينَ بِصَلَاتِهِمْ أَرْضِي وَمَسَاجِدِي - وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَشْحَارِ خَوْفًا مِنِّي لَأَنْزَلْتُ بِكُمْ عَذَابِي ثُمَّ لَا أَبَالِي».

وَبِهَذَا الاسْنَادِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «مَنْ سَاءَتْهُ سَيِّئَتُهُ وَسَرَّتْهُ حَسَنَتُهُ فَهُوَ مُؤْمِنٌ».

٩. حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ شَاذَوِيهِ الْمُؤَدَّبُ (رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ)، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ جَامِعٍ عَنْ أَبِيهِ، قَالَ حَدَّثَنِي يَعْقُوبُ بْنُ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ سَيِّدِ الْعَابِدِينَ عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ عليه السلام، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «مَنْ صَلَّى عَلَيَّ وَلَمْ يُصَلِّ عَلَى آلِي لَمْ يَجِدْ رِيحَ الْجَنَّةِ وَإِنْ رِيحَهَا لَتَوْجِدُ مِنْ مَسِيرَةِ خَمْسِ مِائَةِ عَامٍ».

١٠. حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ (رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ)، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ وَيَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ وَمُحَمَّدَ بْنَ أَبِي الصُّهْبَانِ جَمِيعاً عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عليه السلام، قَالَ: «إِنَّ أَعْرَابِيًّا أَتَى رَسُولَ اللَّهِ ﷺ فَخَرَجَ إِلَيْهِ فِي رِدَاءٍ مُمَشَّقٍ، فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ لَقَدْ خَرَجْتُ إِلَيْكَ كَأَنَّكَ فَتَى، فَقَالَ ﷺ: نَعَمْ يَا أَعْرَابِيُّ أَنَا الْفَتَى ابْنُ الْفَتَى أَخُو الْفَتَى فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ ﷺ أَمَا الْفَتَى فَتَنَّمْ فَكَيْفَ ابْنُ الْفَتَى وَأَخُو الْفَتَى، فَقَالَ ﷺ: أَمَا سَمِعْتَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: «قَالُوا سَمِعْنَا فَتَى يَذْكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُ إِبْرَاهِيمُ» ^(١) فَأَنَا ابْنُ إِبْرَاهِيمَ، وَأَمَا أَخُو الْفَتَى فَإِنَّ مُنَادِيًا نَادَى مِنَ السَّمَاءِ يَوْمَ أَحَدٍ لَا سَيْفَ إِلَّا ذُو الْفَقَارِ وَلَا فَتَى إِلَّا عَلِيُّ فَعَلِيٌّ أَخِي وَأَنَا أَخُوهُ».

طلبان در سحرگاهان از خوف من در میان شما نبودند، در فرو فرستادن عذاب خود بر شما هیچ ابایی نداشتم.

پیامبر خدا ﷺ فرمود: هرکس از گناهی که کرده نفرت داشته باشد و کار نیک او را شادمان سازد، پس او مؤمن است.

۹. پیامبر اکرم ﷺ فرمود: هرکس بر من صلوات فرستد و بر خاندانم درود نفرستد هرگز بوی بهشت به مشام او نخورد که از فاصله پانصد سال به مشام می خورد.



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

۱۰. امام صادق علیه السلام از پدرش و نیای بزرگوارش روایت کرده است که عرب صحرائنشینی نزد پیامبر اسلام ﷺ آمد. آن حضرت او را با عباى قرمزى او را میزبانى کرد. عرب گفت: ای محمد! مثل یک جوان سراغم آمدی. فرمود: آری. من جوان مرد و پسر و برادر جوان مرد هستم. گفت: ای محمد جوان مردی او را پذیرفتم، اما چگونه پسر و برادر جوان مردانی؟ پیامبر فرمود: مگر سخن خدا را نشنیده‌ای که فرمود: «شنیدم جوانی خدایاتان را یاد می‌کند به نام ابراهیم» (انبیاء/ ۶۰) من پسر ابراهیم هستم و اما برادرم جوان است. روز احد ندایی از آسمان آمد که شمشیری جز شمشیر علی نیست و جوان مردی جز علی. علی برادر من است و من برادر علی.

١١. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيُّ عَنْ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ النَّخَعِيِّ عَنْ عَمِّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي حَفْصَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: «كَتَبَ رَجُلٌ إِلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا سَيِّدِي أَخْبِرْنِي بِخَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، فَكَتَبَ إِلَيْهِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَمَا بَعْدُ فَإِنَّهُ مَنْ طَلَبَ رَضَى اللَّهُ بِسَخَطِ النَّاسِ كَفَاهُ اللَّهُ أُمُورَ النَّاسِ، وَمَنْ طَلَبَ رَضَى النَّاسِ بِسَخَطِ اللَّهِ وَكَلَهُ اللَّهُ إِلَى النَّاسِ وَالسَّلَامُ.

١٢. حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ يَحْيَى بْنِ الْحَسَنِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، قَالَ: حَدَّثَنِي يَحْيَى بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ جَعْفَرٍ، قَالَ: حَدَّثَنِي شَيْخٌ مِنْ أَهْلِ الْيَمَنِ يُقَالُ لَهُ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ: سَمِعْتُ عَبْدَ الرَّزَّاقِ يَقُولُ: جَعَلْتُ جَارِيَةَ لِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ) تَسْكُبُ الْمَاءَ عَلَيْهِ وَهُوَ يَتَوَضَّأُ لِلصَّلَاةِ فَسَقَطَ الْأَبْرِيُّ مِنْ يَدِ الْجَارِيَةِ عَلَى وَجْهِهِ فَشَحَّه فَرَفَعَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ رَأْسَهُ إِلَيْهَا، فَقَالَتِ الْجَارِيَةُ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: «وَالْكَاظِمِينَ الْغَيْظَ» فَقَالَ لَهَا: قَدْ كَظَمْتُ غَيْظِي، قَالَتْ: «وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ» قَالَ: قَدْ عَفَى اللَّهُ عَنْكَ، قَالَتْ: «وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ»^(١) قَالَ: أَذْهَبِي فَأَنْتِ حُرَّةٌ.

١٣. حَدَّثَنَا أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: «سَمِعْتُ حَدَّثَنِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ لِي: «اعْمَلْ بِقَرَائِصِ اللَّهِ تَكُنْ أَتَقَى النَّاسَ وَارْضَ بِقِسْمِ اللَّهِ تَكُنْ أَغْنَى النَّاسِ وَكُفَّ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ تَكُنْ أَوْرَعَ النَّاسِ وَأَحْسِنُ مُجَاوَرَةً مَنْ جَاوَرَكَ تَكُنْ مُؤْمِنًا وَأَحْسِنُ مُصَاحَبَةً مَنْ صَاحَبَكَ تَكُنْ مُسْلِمًا».

١٤. حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مَسْرُورٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَمِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبٍ عَنْ عِكْرِمَةَ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: إِنَّ أَوَّلَ دِرْهَمٍ وَدِينَارٍ ضَرَبْنَا فِي الْأَرْضِ نَظَرَ إِلَيْهِمَا إِبْلِيسُ فَلَمَّا

۱۱. شخصی برای حسین بن علی علیه السلام نامه‌ای نوشت که مرا از خوبی دنیا و آخرت بیاموز. حضرت برای او چنین نگاشت: بسم الله الرحمن الرحيم. اما بعد هرکس خشنودی خدا در برابر ناخشنودی مردم طلب کند، خداوند امور زندگی او را کفایت خواهد کرد و هرکس خشنودی مردمان را در برابر خشم خدا طلب کند، خداوند او را به مردمان وا خواهد گذاشت.

السلامی

۱۲. عبدالرزاق می‌گوید: کنیزکی بر دست امام سجاد علیه السلام آب می‌ریخت که برای نماز وضو بگیرد. ناگاه ظرف آب از دست کنیزک به رخسار حضرت خورد و افتاد. صورت امام جراحت برداشت و به طرف کنیزک سر بالا برد. او گفت خدا می‌فرماید: «آنان که خشم خود را در برابر مردم فرو می‌خورند،

(آل عمران/۱۳۴). امام سجاد علیه السلام خشم خویش را فرو خوردم. کنیزک گفت: «و آنان که از مردم می‌گذرند» فرمود خداوند از تو بگذرد. کنیزک گفت: «خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد» امام فرمود: برو که آزاد هستی.

مرکز تحقیقات علمی و فرهنگی

۱۳. حسین بن علی علیه السلام فرمود: از جدّ خودم رسول اکرم صلی الله علیه و آله شنیدم که به من چنین فرمود: به واجب‌های خدا رفتار کن تا پروا پیشه‌ترین مردمان شوی. به آنچه تقدیر کرده است، راضی باش تا توانگرترین مردم شناخته شوی. و از حرام‌های الهی خویشتن را نگاه دار تا با ورع‌ترین مردم باشی. و همسایه‌ای خوب باش تا مؤمن باشی. و با معاشران خود برخورد نیک داشته باش تا مسلمان باشی.

۱۴. ابن عباس می‌گوید: نخستین پول نقره و طلایی که به صورت سکه در آوردند مورد، پسند ابلیس واقع شد و آنگاه که آنها را می‌کرد، به دست گرفت و بر چشمان خود گذاشت و بعد به سینه‌اش چسبانید و فریادی برآورد. سپس سکه‌ها را به سینه خود فشرد و گفت: شما نور چشمان من و میوه قلب من هستید. من ترسی نخواهم داشت که فرزندان آدم که با دوست داشتن شما دیگر بت نپرستند، و مرا از فرزندان آدم همین اکتفا

عَايْنَهُمَا أَخَذَهُمَا فَوَضَعَهُمَا عَلَى عَيْنَيْهِ ثُمَّ صَمَّهُمَا إِلَى صَدْرِهِ ثُمَّ صَرَخَ صَرْخَةً ثُمَّ صَمَّهُمَا إِلَى صَدْرِهِ، ثُمَّ قَالَ: «أَنْتُمَا قُرَّةُ عَيْنِي وَثَمَرَةُ فُؤَادِي مَا أَبَالِي مِنْ بَنِي آدَمَ إِذَا أَحْبَبُوكُمَا أَنْ لَا يَعْْبُدُوا وَثَنًا وَحَسْبِي مِنْ بَنِي آدَمَ أَنْ يُحِبُّوكُمَا».

١٥. حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ جَدِّهِ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ عُثَيْبِ بْنِ هِشَامٍ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ عليه السلام قَالَ: «قُرَأَ الْقُرْآنُ ثَلَاثَةَ رَجُلٍ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَاتَّخَذَهُ بِضَاعَةً وَاسْتَجَرَّ بِهِ الْمُلُوكُ وَاسْتَطَالَ بِهِ عَلَى النَّاسِ، وَرَجُلٌ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَحَفِظَ حُرُوفَهُ وَضَمَّ حُدُودَهُ، وَرَجُلٌ قَرَأَ الْقُرْآنَ فَوَضَعَ دَوَاءَ الْقُرْآنِ عَلَى دَاءِ قَلْبِهِ وَأَسْهَرَّ بِهِ لَيْلَهُ وَأَظْلَمَ بِهِ نَهَارَهُ وَقَامَ بِهِ فِي مَسَاجِدِهِ وَتَجَافَى بِهِ عَنْ فِرَاشِهِ فَبَاوَلَتْكَ يَدُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ الْبَلَاءَ وَبَاوَلَتْكَ يَدُ اللَّهِ مِنَ الْأَعْدَاءِ وَبَاوَلَتْكَ يَنْزِلُ اللَّهُ الْغَيْثَ مِنَ السَّمَاءِ وَاللَّهُ لَهُوْلَاءِ فِي قُرْآنِ الْقُرْآنِ أَعَزُّ مِنَ الْكِبَرِيَّتِ الْأَخْمَرِ».

١٦. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارُ رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْهَيْثَمُ بْنُ أَبِي مَسْرُوقٍ النَّهْدِيُّ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مَجْنُوبٍ عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ ضَرِيْسِ الْكُنَاسِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ عليه السلام عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله مَرَّ بِرَجُلٍ يَغْرِسُ غَرْسًا فِي حَائِطٍ لَهُ فَوَقَّفَ عَلَيْهِ فَقَالَ: «أَلَا أَدُلُّكَ عَلَى غَرْسٍ أَثْبَتَ أَصْلًا وَأَسْرَعَ إِبْنَاعًا وَأَطْيَبَ ثَمَرًا وَأَبْقَى إِنْفَاقًا؟» قَالَ: بَلَى فِذَاكَ أَبِي وَأُمِّي يَا رَسُولَ اللَّهِ، فَقَالَ: «إِذَا أَضْبَحْتَ وَأَمْسَيْتَ فَقُلْ سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، فَإِنَّ لَكَ بِذَلِكَ إِنْ قُلْتَهُ بِكُلِّ تَسْبِيحَةٍ عَشْرَ شَجَرَاتٍ فِي الْجَنَّةِ مِنْ أَنْوَاعِ الْفَاكِهَةِ وَهُنَّ مِنَ الْبَاقِيَّاتِ الصَّالِحَاتِ»، قَالَ: فَقَالَ الرَّجُلُ: أَشْهَدُكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أَنَّ حَائِطِي هَذَا صَدَقَةٌ مَقْبُوضَةٌ عَلَى فَقَرَاءِ الْمُسْلِمِينَ مِنْ أَهْلِ الصُّفَّةِ فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى، فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَى» ^(١).

١٧. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِلَوْنِي رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنِي عَمِّي مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ

کند که شما را دوست داشته باشد را دوست بدارند و دیگر بت پرستی نکنند. مرا بسنده است که آنان شما را دوست داشته باشند.

۱۵. امام باقر علیه السلام فرمود: قاریان قرآن سه گروه هستند. مردمی که قرآن می خوانند و آن را وسیله روزی ساخته و حاکمان را به سوی خود می کشاند و در میان مردم گردن کشی می کند. مردمی دیگر قرآن می خوانند و آن را حفظ می کنند، اما به دستورات آن رفتار نمی کنند. و مردمی قرآن می خوانند و آن را درمان خود می سازند و برای قرآن شبها بیداری و روزها تشنگی دارد و در مسجدها برای خواندن آن قیام می کند و از راحت خود گریزان می باشد. این گروه باعث می شوند که خداوند بالای خود را از زمین دور کند و به وسیله آنان دشمنان را نابود سازد و به خاطر آنان باران از آسمان نازل می کند. به خدا سوگند، این قاریان از کبریت احمر کمیاب تر خواهند بود.

۱۶. امام باقر علیه السلام از پدران خود چنین روایت کرده است که پیامبر صلی الله علیه و آله به شخصی برخورد که در باغ خویش نهالی می کاشت. فرمود نمی خواهی تو را هدایت کنم به کاشت نهالی که ریشه آن استوارتر است و میوه اش زودرس تر و خوشمزه تر و در بخشیدن پایدارتر است؟ گفت: چرا ای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مادر و پدرم فدای تو باد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: در هر صبحگاه و شامگاه چنین بگو: «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر» اگر این جمله را بر زبان آوری برای هر تسبیح ده درخت گوناگون در بهشت خواهی داشت که باقیات صالحات تو خواهند بود. باغ دار گفت: ای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شاهد باش که این باغ وقف بینوایان مسلمانی است که در «صفه» هستند، آنگاه خداوند این آیه را فرستاد: ﴿فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى فَسَنِيسِرُهُ لِلْيُسْرَى﴾ «و اما هرکس بخشید و پروا پیشه شد و پاداش الهی را باور کرد، آسانی را برای وی مهیا خواهیم ساخت».

۱۷. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: علی بن ابی طالب علیه السلام جانشین خدا و جانشین من است و

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْكُوفِيُّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَرَاتِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ
عَلِيٍّ الْبَاقِرِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «أَنَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ
خَلِيفَةُ اللَّهِ وَخَلِيفَتِي وَحُجَّةُ اللَّهِ وَحُجَّتِي وَبَابُ اللَّهِ وَبَابِي وَصَفِيُّ اللَّهِ وَصَفِيَّتِي وَ
حَبِيبُ اللَّهِ وَحَبِيبِي وَخَلِيلُ اللَّهِ وَخَلِيلِي وَسَيْفُ اللَّهِ وَسَيْفِي وَهُوَ أَخِي وَصَاحِبِي وَزِيرِي وَوَصِيِّي
مُحِبُّهُ مُحِبِّي وَمُبْغِضُهُ مُبْغِضِي وَلِيِّهُ وَلِيِّي وَعَدُوُّهُ عَدُوِّي وَحَرْبُهُ حَرْبِي وَسَلَامُهُ سَلَامِي وَقَوْلُهُ قَوْلِي
وَأَمْرُهُ أَمْرِي وَزَوْجَتُهُ ابْنَتِي وَوَلَدُهُ وَلَدِي وَهُوَ سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ وَخَيْرُ أُمَّتِي أَجْمَعِينَ».



مركز تحقیات کتب و تاریخ و اسناد

نیز حجت خدا و حجت من و همچنین باب خدا و باب من صفی خدا و صفی من
حبیب خدا و حبیب من خلیل خدا و خلیل من شمشیر خدا و شمشیر من و نیز دوست و
وزیر و وصی من است. دوست علی دوست من است و دشمن علی دشمن من. پیکار با
علی پیکار با من است و صلح با علی صلح با من. سخن علی سخن من است و فرمان علی
فرمان من. همسر علی دختر من است و فرزند او فرزند من است. علی سرور اوصیا و
نیکوترین فرد امت من است.



مرکز تحقیقات و اسناد ملی



الساكن

المجلس السابع والثلاثون

يوم الجمعة سلخ المحرم من سنة ثمان وستين و ثلاثمائة

١. حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوئِهِ الْقُمِّيُّ رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ شَاذَوَيْهِ الْمُؤَدَّبُ (رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ)، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ جَامِعِ الْحَمِيرِيِّ عَنْ أَبِيهِ، قَالَ: حَدَّثَنِي يَعْقُوبُ بْنُ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبَ عَنْ عِكْرِمَةَ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: لَنَا مَضَى لِعِيسَى عليه السلام ثَلَاثُونَ سَنَةً بَعَثَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ فَلَقِيَهُ إِبْلِيسُ عَلَى غَقَبَةٍ بَيْنَ الْمَقْدِسِ وَ هِيَ غَقَبَةُ أَفِيْقٍ فَقَالَ لَهُ: يَا عِيسَى عليه السلام أَنْتَ الَّذِي بَلَغَ مِنْ عِظَمِ رُبُوبِيَّتِكَ أَنْ تَكُونَتْ مِنْ غَيْرِ أَبِي، قَالَ عِيسَى عليه السلام: «بَلِ الْعِظَمَةُ لِلَّذِي كَوْنَنِي وَكَذَلِكَ كَوْنُ آدَمَ وَ حَوَاءَ»، قَالَ إِبْلِيسُ: يَا عِيسَى فَأَنْتَ الَّذِي بَلَغَ مِنْ عِظَمِ رُبُوبِيَّتِكَ أَنْكَ تَكَلَّمْتَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا، قَالَ عِيسَى: «يَا إِبْلِيسُ بَلِ الْعِظَمَةُ لِلَّذِي أَنْطَقَنِي فِي صِغَرِي وَلَوْ شَاءَ لَأَبْكَمَنِي»، قَالَ إِبْلِيسُ: فَأَنْتَ الَّذِي بَلَغَ مِنْ عِظَمِ رُبُوبِيَّتِكَ أَنْكَ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَتَنْفُخُ فِيهِ فَيَصِيرُ طَيْرًا، قَالَ عِيسَى عليه السلام: «بَلِ الْعِظَمَةُ لِلَّذِي خَلَقَنِي وَ خَلَقَ مَا سَحَرَ لِي»، قَالَ إِبْلِيسُ: فَأَنْتَ الَّذِي بَلَغَ مِنْ عِظَمِ رُبُوبِيَّتِكَ أَنْكَ تَشْفِي الْمَرْضَى»، قَالَ عِيسَى عليه السلام: «بَلِ الْعِظَمَةُ لِلَّذِي بِإِذْنِهِ أَشْفِيهِمْ وَإِذَا شَاءَ أَمْرَضَنِي»، قَالَ إِبْلِيسُ: فَأَنْتَ الَّذِي بَلَغَ مِنْ عِظَمِ رُبُوبِيَّتِكَ أَنْكَ تُخَيِّبُ الْمَوْتَى، قَالَ عِيسَى عليه السلام: «بَلِ الْعِظَمَةُ لِلَّذِي بِإِذْنِهِ أَحْيِيهِمْ وَلَا بُدَّ مِنْ أَنْ يُمَيِّتَ مَا أَحْيَيْتُ وَ يُمَيِّتَنِي»، قَالَ إِبْلِيسُ: يَا عِيسَى فَأَنْتَ الَّذِي بَلَغَ مِنْ عِظَمِ رُبُوبِيَّتِكَ أَنْكَ تَعْبُرُ الْبَحْرَ فَلَا تَبْتَلُ قَدَمَاكَ وَلَا تَرْسُخُ فِيهِ، قَالَ عِيسَى عليه السلام: «بَلِ الْعِظَمَةُ لِلَّذِي ذَلَّهُ لِلَّهِ لِي وَلَوْ شَاءَ أَغْرَقَنِي»، قَالَ إِبْلِيسُ: يَا عِيسَى فَأَنْتَ الَّذِي بَلَغَ مِنْ عِظَمِ رُبُوبِيَّتِكَ أَنَّهُ



مجلس سی و هفتم

جمعه آخر محرم سال ۳۶۸

السلامی

۱. ابن عباس می گوید: آنگاه که سی سال از عمر حضرت عیسی علیه السلام گذشت، خداوند او را در قوم بنی اسرائیل برای پیامبری برانگیخت. ابلیس در گردنه بیت المقدس او را نگاه کرد. و به او چنین گفت: ای عیسی تو کسی هستی که از عظمت ربوبیت خویش بی پدر متولد شدی. عیسی علیه السلام فرمود: عظمت برای کسی است که مرا خلق کرد و نیز آدم و حوا را. ابلیس گفت: تو همان کسی هستی که از عظمت ربوبیت در گهواره‌ات که کودک بودی، زبان گشودی. عیسی علیه السلام فرمود: عظمت برای کسی است که مرا در دوران نوزادی به بیان آورد و گر نه لالم می ساخت. ابلیس گفت: تو کسی هستی که از عظمت ربوبیت خود از گلی پرنده‌ای می آفرینی که پرواز کند. عیسی علیه السلام فرمود: عظمت برای خدایی است که مرا خلق کرد و نیز آنچه به دست من تسخیر کرده، آفریده است. ابلیس گفت: تو کسی هستی که از عظمت ربوبیت خویش بیماران را شفا می دهی. عیسی علیه السلام فرمود: عظمت برای کسی که به رخصت او بیماران را شفا می دهد و گر نه می تواند مرا نیز بیمار کند. ابلیس گفت: تو کسی هستی که از عظمت ربوبیت خویش مردگان را زندگی می بخشی. فرمود: عظمت برای کسی است که با اجازه او چنین می کنم او می تواند هم مرا بمیراند و هم آنان را که زنده، ابلیس گفت: تو کسی هستی که از عظمت ربوبیت خود می توانی از دریا عبور کنی بی آنکه پاهای تو خیس شود و یا در آب رود. عیسی علیه السلام فرمود: عظمت برای کسی است که دریا را برای من مسخر کرده و گر نه می توانست مرا در آن غرق کند. ابلیس گفت: تو کسی هستی که در آینده آسمان‌ها و زمین و ساکنان آن در مرتبه‌ای پایین‌تر از مرتبه تو

سَيَأْتِي عَلَيْكَ يَوْمٌ تَكُونُ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ دُونَكَ وَأَنْتَ فَوْقَ ذَلِكَ كُلِّهِ تُدَبِّرُ الْأَمْرَ وَتُقَسِّمُ الْأَرْزَاقَ، فَأَعْظَمَ عِيسَى ذَلِكَ مِنْ قَوْلِ إِبْلِيسَ الْكَافِرِ اللَّعِينِ، فَقَالَ عِيسَى: «سُبْحَانَ اللَّهِ مِْلَاءَ سَمَاوَاتِهِ وَأَرْضِهِ وَمِدَادَ كَلِمَاتِهِ وَزِينَةَ عَرْشِهِ وَرَضَى نَفْسِهِ»، قَالَ: فَلَمَّا سَمِعَ إِبْلِيسُ لَعْنَهُ اللَّهُ ذَلِكَ ذَهَبَ عَلَى وَجْهِهِ لَا يَمْلِكُ مِنْ نَفْسِهِ شَيْئاً حَتَّى وَقَعَ فِي اللَّجَّةِ الْخَضِرَاءِ، قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ: فَخَرَجَتْ امْرَأَةٌ مِنَ الْجَنِّ تَمْشِي عَلَى شَاطِئِ الْبَحْرِ فَإِذَا هِيَ بِإِبْلِيسَ سَاجِداً عَلَى صَخْرَةٍ صَمَاءَ تَسِيلُ دُمُوعُهُ عَلَى خَدَّيْهِ فَقَامَتْ تَنْظُرُ إِلَيْهِ تَعَجُّباً ثُمَّ قَالَتْ لَهُ: وَيْحَكَ يَا إِبْلِيسُ مَا تَرْجُو بِطُولِ السُّجُودِ، فَقَالَ لَهَا: أَيْتَهَا الْمَرْأَةُ الصَّالِحَةُ ابْنَةُ الرَّجُلِ الصَّالِحِ أَرْجُو إِذَا أَبْرَزَنِي عَزَّ وَجَلَّ قَسَمَهُ وَأَدْخَلَنِي نَارَ جَهَنَّمَ أَنْ يُخْرِجَنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِهِ.

٢. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ هَارُونَ الْقَاسِمِيُّ رحمته، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ جَامِعٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ زِيَادٍ الْكَرْخِيِّ، قَالَ: قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عليه السلام: «إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ نَشَرَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى رَحْمَتَهُ حَتَّى يَطْمَعَ إِبْلِيسُ فِي رَحْمَتِهِ».

٣. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رحمته، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ غَالِبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ عليه السلام قَالَ: «مَنْ أَسَاءَ خُلُقَهُ عَذَّبَ نَفْسَهُ».

٤. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّعْدِ الْآبَادِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي لَيْلَى عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ عليه السلام، قَالَ: «مَنْ قَسَمَ لَهُ الْخُرْقُ حُجَبَ عَنْهُ الْإِيمَانُ».

٥. حَدَّثَنَا أَبِي عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: حَدَّثَنَا عُبَادُ بْنُ سُلَيْمَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ أَبِيهِ سُلَيْمَانَ الدَّيْلَمِيِّ عَنْ عُمَيْرِ بْنِ الْحَارِثِ عَنْ عِمْرَانَ بْنِ مِثْثَمٍ عَنْ أَبِي



السلام



خواهند بود و تو تدبیر و تقسیم رزق خواهی کرد. عیسی علیه السلام این سخن ابلیس مطرود را مهم به شمار آورد و فرمود: منزّه است حذف صاحب آسمانها و زمین و کلمات و منزّه است او به سنگینی عرش و رضوان خویش. آنگاه که ابلیس این جمله را شنید در حالی که پریشان شده بود به راه افتاد تا این که در «لجه خضراء» افتاد.

ابن عباس می گوید: یکی از زنان جن که بیرون آمده بود و در کنار دریا می رفت، ناگهان نگاهش به ابلیس افتاد که سجده کنان بر صخره ای است و اشک از گونه های او جاری است. شگفت زده در اندیشه ابلیس فرو رفت و گفت: وای بر تو ای شیطان. از این سجده دراز چه می خواهی؟ ابلیس گفت: ای کسی که شایسته هستی و دختر مرد شایسته ای، این امید را دارم که هرگاه خدا به سوگند خویش رفتار کرد و مرا به دوزخ افکند، با رحمت خود مرا از آتش آن برهاند.

۲. امام صادق علیه السلام فرمود: آنگاه که روز قیامت شود، خداوند چنان رحمت خود را گسترش می دهد که ابلیس در آن به طمع افتد.

۳. امام صادق علیه السلام فرمود هر کس اخلاق ناپسند داشته باشد، در حقیقت خودش را به رنج افکنده است.

۴. امام باقر علیه السلام فرمود: هر کس دچار کج خلقی شده است، ایمان از او دریغ خواهد شد.

۵. ابن سخیله می گوید: پیش ابوذر غفاری رفتم و گفتم: ای ابوذر! اختلافی برایم آشکار شده است. چه اندرزی می دهی؟ ابوذر فرمود: پیوسته همراه قرآن کریم و مولای



السلام



سُخِّلَتْ، قَالَ: أَتَيْتُ أَبَا ذَرٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فَقُلْتُ: يَا أَبَا ذَرٍّ إِنِّي قَدْ رَأَيْتُ اخْتِلَاطًا فِيمَاذَا تَأْمُرُنِي؟ قَالَ: «عَلَيْكَ بِهِاتَيْنِ الْخَصْلَتَيْنِ كِتَابِ اللَّهِ وَالشَّيْخِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: هَذَا أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِي وَأَوَّلُ مَنْ يُصَافِحُنِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَهُوَ الصَّدِيقُ الْأَكْبَرُ وَهُوَ الْفَارُوقُ الَّذِي يَفْرُقُ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ».

٤. حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ جَدِّهِ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ، قَالَ: «شَكَرَ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ نِسَاءَهُ فَقَامَ خَطِيبًا، فَقَالَ: مَعَاشِرَ النَّاسِ لَا تُطِيعُوا النِّسَاءَ عَلَى حَالٍ وَلَا تَأْمَنُوهُنَّ عَلَى مَالٍ وَلَا تَذَرُوهُنَّ يُدَبِّرْنَ أَمْرَ الْعِيَالِ فَإِنَّهُنَّ إِنْ تَرَكْنَ وَمَا أَرَدْنَ أَوْرَدْنَ الْمَهَالِكَ وَعَدَوْنَ أَمْرَ الْمَالِكِ فَإِنَّا وَجَدْنَاهُنَّ لَا وَرَعَ لَهُنَّ عِنْدَ حَاجَتِهِنَّ وَلَا صَبْرَ لَهُنَّ عِنْدَ شَهْوَتِهِنَّ الْبَذْخُ لَهُنَّ لَازِمٌ وَإِنْ كَبِرْنَ الْعُجْبُ بِهِنَّ لَاحِقٌ وَإِنْ عَجَزْنَ لَا يَشْكُرْنَ الْكَثِيرَ إِذَا مُنِعْنَ الْقَلِيلَ يَنْسِينَ الْخَيْرَ وَيَحْفَظْنَ الشَّرَّ يَتَهَفَّتْنَ بِالْبُهْتَانِ وَيَسْتَمَادِينَ بِالطُّغْيَانِ وَيَتَصَدَّدِينَ لِلشَّيْطَانِ فِدَارُوهُنَّ عَلَى كُلِّ حَالٍ وَأَحْسِنُوا لَهُنَّ الْمَقَالَ لَعَلَّهُنَّ يُحْسِنُ الْفِعَالِ».

٧. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ الْبَطَلِ عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي الْمِقْدَامِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ذَاتَ يَوْمٍ وَهُوَ آخِذٌ بِيَدِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَهُوَ يَقُولُ: «يَا مَعْشَرَ الْأَنْصَارِ يَا مَعْشَرَ بَنِي هَاشِمٍ يَا مَعْشَرَ بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ أَنَا مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ الْإِنِّي خُلِقْتُ مِنْ طِينَةِ مَرْحُومَةٍ فِي أَرْبَعَةٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي أَنَا وَعَلِيٌّ وَحَمْرَةُ وَجَعْفَرٌ» قَالَ قَائِلٌ: يَا رَسُولَ اللَّهِ هَؤُلَاءِ مَعَكَ رُكْبَانُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؟ فَقَالَ: «تَكَلَّفْتُ أَمُكَ إِنَّهُ لَنْ يَزُكَبَ يَوْمَئِذٍ إِلَّا أَرْبَعَةٌ أَنَا وَعَلِيٌّ وَفَاطِمَةُ وَصَالِحُ نَبِيِّ اللَّهِ، فَأَمَّا أَنَا فَعَلَى الْبَرَّاقِ وَأَمَّا فَاطِمَةُ ابْنَتِي فَعَلَى نَاقَتِي الْعُضْبَاءِ، وَأَمَّا صَالِحُ فَعَلَى نَاقَةِ اللَّهِ الَّتِي عُقِرَتْ وَأَمَّا عَلِيٌّ فَعَلَى نَاقَةٍ مِنْ نُوقِ الْجَنَّةِ مِنْ نُورِ مَامُهَا مِنْ يَأْقُوتٍ عَلَيْهِ حُلَّتَانِ خَضِرَاوَانٍ فَيَقِفُ بَيْنَ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ وَقَدْ أَلْجَمَ



السلام



علی بن ابی طالب علیه السلام باش. چون من از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: علی نخستین کسی است که به من ایمان آورد و نیز نخستین کسی است که در رستاخیز به من دست خواهد داد. و او صدیق اکبر و فاروق است که حق و باطل را از هم جدا می کند.

۶. امام صادق علیه السلام از پدران خود چنین روایت می کند که شخصی از زنان خود شاکی بود و آنگاه امیر مومنان علیه السلام این سخن را فرمود: ای مردم! هرگز فرمانبر زنان خود نباشید و آنان را بر دارایی خود امانت دار نگیرید و نیز فرصت ندهید که سرپرست خانواده باشند. چون آنان را به میل خود رها کنید، نابود می شوند و از فرمان صاحب خود سرپیچی خواهند کرد. زنان در وقت احتیاج پرهیز نمی کنند و در زمان شهوت، صبوری ندارند و آرایش کردن را تا وقت پیری ادامه دهند و در آن دوران هم خودپسندی و تکبر خویش را خواهند داشت. سپاس گزاری نعمت زیاد را به منظور محرومیت از مقدار کم، از یاد می برند؛ اما بدی را به یاد می آورند. زنان مانند پروانه ها به سوی بهتان رفته و به سرکشی گرایش پیدا می کنند و در پی شیطان قدم بر می دارند. اما در هر حال با زنان به نیکی کنید و با آنان خوش زبانی داشته باشید، امید است که خوش رفتاری با شما داشته باشند.

۷. ابن عباس می گوید: روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دست علی بن ابی طالب علیه السلام را گرفته و بیرون آمد. آنگاه که به اصحاب رسیده چنین فرمود: ای جماعت انصار، ای جماعت بنی هاشم! ای جماعت بنی عبدالمطلب! من پیامبر خدا هستم. بدانید که من و چهار تن از اهل بیتم از سرشت رحمت شده خلق شده ایم: من و علی و حمزه و جعفر. شخصی گفت: ای پیامبر خدا! اینان در رستاخیز همراه تو سوار خواهند بود؟ فرمود: مادر سوگوارت بادا در قیامت غیر از چهار تن من و علی و فاطمه و صالح نبی کسی سوار نیست. من بر براق سوار هستم و فاطمه دخترم بر ناقه عضبای من، و صالح بر همان شتری که پی شد و علی بر ناقه ای از ناقه های بهشتی که مهارش از یاقوت است و بر آن دو سبز رنگ. علی میان بهشت و دوزخ می ایستد و در آن هنگام مردم از عرق تن سخت مهار شده اند. ناگهان بادی از جانب عرش خواهد وزید و عرقشان را خشک خواهد کرد. آنگاه فرشتگان و صدیقان می گویند: این فرشته ای مقرب است یا پیامبری مرسل. ندا از جانب عرش



السلامی



النَّاسَ الْعَرَقُ يَوْمَئِذٍ فَتَهْبُ رِيحٌ مِنْ قِبَلِ الْعَرْشِ فَتَكْشِفُ عَنْهُمْ عَرَقَهُمْ، فَيَقُولُ: الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ وَالْأَنْبِيَاءُ وَالصَّادِقُونَ: مَا هَذَا إِلَّا مَلَكٌ مُقَرَّبٌ أَوْ نَبِيٌّ مُرْسَلٌ فَيُنَادِي مُنَادٍ مِنْ قِبَلِ الْعَرْشِ مَعَشَرَ الْخَلَائِقِ إِنَّ هَذَا لَيْسَ بِمَلَكٍ مُقَرَّبٍ وَلَا نَبِيٍّ مُرْسَلٍ وَلَكِنَّهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ أَخُو رَسُولِ اللَّهِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

٨. حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيُّ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ الْأَدَمِيِّ عَنْ عَبْدِ الْعَظِيمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام قَالَ: «لَمَّا كَلَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ عليه السلام، قَالَ: مُوسَى إِلَهِي مَا جَزَاءُ مَنْ شَهِدَ أَنِّي رَسُولُكَ وَنَبِيِّكَ وَأَنْكَ كَلَّمْتَنِي؟ قَالَ: يَا مُوسَى تَأْتِيهِ مَلَائِكَتِي فَيُبَشِّرُهُ بِجَنَّتِي، قَالَ مُوسَى: إِلَهِي فَمَا جَزَاءُ مَنْ قَامَ بَيْنَ يَدَيْكَ يُصَلِّي؟ قَالَ: يَا مُوسَى أَتَأْتِيهِ بِمَلَائِكَتِي زَاكِعًا وَسَاجِدًا وَقَائِمًا وَقَاعِدًا وَمَنْ بَاهَيْتُ بِهِ مَلَائِكَتِي لَمْ أُعَذِّبْهُ، قَالَ مُوسَى: إِلَهِي فَمَا جَزَاءُ مَنْ أَطْعَمَ مِسْكِينًا ابْتِغَاءً وَجْهَكَ؟ قَالَ: يَا مُوسَى أَمْرٌ مُنَادِيًا يُنَادِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى رُءُوسِ الْخَلَائِقِ أَنَّ فُلَانٌ بْنُ فُلَانٍ مِنْ عِتْقَاءِ اللَّهِ مِنَ النَّارِ، قَالَ مُوسَى: إِلَهِي فَمَا جَزَاءُ مَنْ وَصَلَ رَحِمَةً؟ قَالَ: يَا مُوسَى أَنِّي لَهُ أَجَلُهُ وَأَهْوَنُ عَلَيْهِ سَكَرَاتِ الْمَوْتِ وَيُنَادِيهِ خَزَنَةُ الْجَنَّةِ هَلُمَّ إِلَيْنَا فَادْخُلْ مِنْ أَيِّ أَبْوَابِهَا شِئْتَ، قَالَ مُوسَى: إِلَهِي فَمَا جَزَاءُ مَنْ كَفَّ أَذَاهُ عَنِ النَّاسِ وَبَدَّلَ مَعْرُوفَهُ لَهُمْ؟ قَالَ: يَا مُوسَى يُنَادِيهِ النَّارُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا سَبِيلَ لِي عَلَيْكَ، قَالَ: إِلَهِي فَمَا جَزَاءُ مَنْ ذَكَرَكَ بِلِسَانِهِ وَقَلْبِهِ؟ قَالَ: يَا مُوسَى أَظِلُّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِظِلِّ عَرْشِي وَأَجْعَلُهُ فِي كَنَفِي، قَالَ: إِلَهِي فَمَا جَزَاءُ مَنْ تَلَا حِكْمَتَكَ سِرًّا وَجَهْرًا؟ قَالَ: يَا مُوسَى يَمُرُّ عَلَى الصِّرَاطِ كَالْبَرْقِ، قَالَ: إِلَهِي فَمَا جَزَاءُ مَنْ صَبَرَ عَلَى أَذَى النَّاسِ وَشَتَمَهُمْ فِيكَ؟ قَالَ: أُعِينُهُ عَلَى أَهْوَالِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ، قَالَ: إِلَهِي فَمَا جَزَاءُ مَنْ دَمَعَتْ عَيْنَاهُ مِنْ خَشْيَتِكَ؟ قَالَ: يَا مُوسَى أَقْبِي وَجْهَهُ مِنْ حَرِّ النَّارِ وَأُؤَمِّنْهُ يَوْمَ الْفَرَجِ الْكَبِيرِ، قَالَ: إِلَهِي فَمَا جَزَاءُ مَنْ تَرَكَ الْخِيَانَةَ حَيَاءً مِنْكَ؟ قَالَ: يَا مُوسَى لَهُ الْإِمَانُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، قَالَ: إِلَهِي فَمَا جَزَاءُ مَنْ أَحَبَّ أَهْلَ طَاعَتِكَ؟ قَالَ: يَا مُوسَى أَحْرَمُهُ عَلَى نَارِي، قَالَ: إِلَهِي فَمَا جَزَاءُ مَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا؟ قَالَ: لَا أَنْظُرُ

می آید که او علی بن ابی طالب علیه السلام برادر پیامبر خدا در دنیا و آخرت می باشد.

۸. امام هادی علیه السلام گفت و گوی موسی علیه السلام با پروردگارش را چنین روایت فرمود:

موسی علیه السلام گفت: خدایا! پاداش کسی که بر رسالت و نبوت و تکلم من با تو شهادت دهد، چیست؟ فرمود: فرشتگان به او بشارت بهشت را خواهند داد. گفت: خدایا! پاداش کسی که در پیشگاه تو نماز اقامه می کند، چیست؟ فرمود: پیش فرشتگان خویش به وجود او می بالم، آنگاه که در سجده و رکوع و قیام و قعود است. و هر کس چنین رفتار کند، گرفتار عذابم نخواهد شد. گفت: خدایا! پاداش پاداش کسی برای خشنودی تو فقیران و اطام می دهد، چیست؟ فرمود: در رستاخیز ندا می آید که فلاتی فرزند فلان از آزاد شده های حق از آتش جهنم است. گفت: خدایا! پاداش کسی که به دیدار خویشان خود برود چه خواهد بود؟ فرمود: عمر را طولانی کرده و سكرات مرگ را بر او آسان می کنم. و آن گاه نگهبانان بهشتی او را صدا می کنند که شتابان پیش ما بیا و از هر دری که می خواهی وارد بهشت شو. گفت: خدایا! پاداش کسی که خود را از آزار رسانی به دیگران منع کند و به آنان نیکی کند، چه خواهد بود؟ فرمود: دوزخ در قیامت خطاب به وی خواهد گفت که مرا به تو راهی نیست. گفت: خدایا! پاداش کسی که تو را همراه با دل و زبان به یاد آورد، چه خواهد بود؟ فرمود: در رستاخیز زیر سایه عرش خود جای خواهم داد و از او پشتیبانی خواهم کرد. موسی گفت: خدایا! پاداش کسی که حکمت تو را پیدا و پنهان بخواند، چه خواهد بود؟ فرمود: مثل برق از پل صراط خواهد گذشت. گفت: خدایا! پاداش شکیبای بر آزار دست و زبان جاهلان چه خواهد بود؟ فرمود: او در هراس های قیامت خواهم بود. گفت: خدایا! پاداش چشم گریان از ترس تو چه خواهد بود؟ فرمود: چهره او را از هرم دوزخ نگاه داشته و از رسوایی بزرگ قیامت نجات می دهم. گفت: خدایا! پاداش کسی که از حیا ترک خیانت کند، چه خواهد بود؟ فرمود: امان بودن در رستاخیز. گفت: خدایا! سزای قتل عمدی مؤمن چه خواهد بود؟ فرمود: در رستاخیز به نخواهم و از گناه او نخواهم گذشت.



السلام



إِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا أُقِيلُ عَثْرَتَهُ، قَالَ: إِلَهِي فَمَا جَزَاءُ مَنْ دَعَى نَفْسًا كَافِرَةً إِلَى الْإِسْلَامِ؟ قَالَ: يَا مُوسَى آذَنْ لَهُ فِي الشَّفَاعَةِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لِمَنْ يُرِيدُ، قَالَ: إِلَهِي فَمَا جَزَاءُ مَنْ صَلَّى الصَّلَاةَ لَوَقْتِهَا؟ قَالَ: أُعْطِيهِ سُؤْلَهُ وَأَبِيحُهُ جَنَّتِي، قَالَ: إِلَهِي فَمَا جَزَاءُ مَنْ أَتَمَّ الْوُضُوءَ مِنْ خَشْيَتِكَ؟ قَالَ: أُنْعِمُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَهُ نُورٌ بَيْنَ عَيْنَيْهِ يَتَلَأَلُّ، قَالَ: إِلَهِي فَمَا جَزَاءُ مَنْ صَامَ شَهْرَ رَمَضَانَ لَكَ مُحْتَسِبًا؟ قَالَ: يَا مُوسَى أَقِيمُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَقَامًا لَا يَخَافُ فِيهِ، قَالَ: إِلَهِي فَمَا جَزَاءُ مَنْ صَامَ شَهْرَ رَمَضَانَ يُرِيدُ بِهِ النَّاسَ؟ قَالَ: يَا مُوسَى ثَوَابُهُ كَثُوبٌ مَنْ لَمْ يَصُمْهُ.

٩. حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْمُغِيرَةُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا بُكْرُ بْنُ خُنَيْسٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الشَّامِيِّ عَنْ نَوْفِ الْبِكَالِيِّ، قَالَ: أَتَيْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ) وَهُوَ فِي رَحْبَةِ مَسْجِدِ الْكُوفَةِ فَقُلْتُ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، فَقَالَ: وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا نَوْفُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، فَقُلْتُ لَهُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَظُمِي، فَقَالَ: «يَا نَوْفُ أَحْسِنُ يُحَسِّنُ إِلَيْكَ»، فَقُلْتُ: رِزْقِي يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، فَقَالَ: «يَا نَوْفُ ارْحَمِي تَرْحَمِي»، فَقُلْتُ: رِزْقِي يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، قَالَ: «يَا نَوْفُ قُلْ خَيْرًا تَذَكَّرُ بِخَيْرٍ»، فَقُلْتُ: رِزْقِي يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، قَالَ: «اجْتَنِبِ الْغَيْبَةَ فَإِنَّهَا إِدَامُ كِلَابِ النَّارِ ثُمَّ قَالَ: يَا نَوْفُ كَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ وَلَدَ مِنْ حَلَالٍ وَهُوَ يَأْكُلُ لُحُومَ النَّاسِ بِالْغَيْبَةِ وَكَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ وَلَدَ مِنْ حَلَالٍ وَهُوَ يُبْغِضُنِي وَيُبْغِضُ الْإِثْمَةَ مِنْ وَلَدِي وَكَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ وَلَدَ مِنْ حَلَالٍ وَهُوَ يُحِبُّ الزِّنَاءَ وَكَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يَعْرِفُ اللَّهَ وَهُوَ مُجْتَرِي عَلَى مَعَاصِي اللَّهِ كُلِّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ، يَا نَوْفُ اقْبَلْ وَصِيَّتِي لَا تَكُونَنَّ نَقِيْبًا وَلَا عَرِيفًا وَلَا عَشَارًا وَلَا بَرِيدًا، يَا نَوْفُ صَلِّ رَحِمَكَ يَزِيدُ اللَّهُ فِي عُمْرِكَ وَحَسَنَ خُلُقِكَ يُخَفِّفِ اللَّهُ حِسَابَكَ، يَا نَوْفُ إِنْ سُرَّكَ أَنْ تَكُونَ مَعِيَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَلَا تَكُنْ لِلظَّالِمِينَ مُعِينًا، يَا نَوْفُ مَنْ أَحَبَّنَا كَانَ مَعَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَوْ أَنَّ رَجُلًا أَحَبَّ حَجْرًا لَحَسَرَهُ اللَّهُ مَعَهُ، يَا نَوْفُ إِيَّاكَ أَنْ تَتَزَيَّنَ لِلنَّاسِ وَتُبَارِزَ اللَّهَ بِالْمَعَاصِي فَيَفْضَحَكَ اللَّهُ يَوْمَ تَلْقَاهُ يَا نَوْفُ احْفَظْ عَنِّي مَا أَقُولُ لَكَ تَنْلُ بِهِ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

موسی علیه السلام گفت: خدایا پاداش دعوت کافر به اسلام چه خواهد بود؟ فرمود: به او اجازه خواهیم داد که برای هر کس که مایل باشد، شفاعت کند، گفت: خدایا! پاداش نماز خواندن سر وقت‌های تعیین شده، چه خواهد بود؟ فرمود: خواسته‌های او را پاسخ خواهیم داد و بهشت خودم را برای او مباح خواهیم ساخت. گفت: خدایا! پاداش وضو گیرنده از ترس تو چه خواهد بود؟ فرمود: آنگاه که در رستاخیز او را برانگیزم، روشنایی خاصی میان چشمان او آشکار می‌شود. گفت: خدایا پاداش کسی که رمضان را برای تو روزه بگیرد، چه خواهد بود؟ فرمود: او را در روز قیامت به مرتبه‌ای می‌رسانم که هیچ باکی از آن نداشته باشد. گفت: خدایا پاداش کسی که رمضان را برای ریا روزه بگیرد، چه خواهد بود؟ فرمود: پاداش کسی را خواهد داشت که هرگز در آن ماه روزه دار نبوده است.

۹. نوف بکالی می‌گوید در آستانه مسجد کوفه نزد علی بن ابی طالب علیه السلام رسیدم و گفتم: ای امیر مؤمنان علیه السلام، درود و رحمت و برکات الهی بر تو باد. فرمود: و بر تو نیز رحمت و برکات حق باد. گفتم: ای امیر مؤمنان مرا موعظه کن. فرمود: ای نوف! نیکی کن تا اینکه نسبت به تو نیکی شود. گفتم: ای امیر مؤمنان! باز هم مرا موعظه کن. فرمود: رحم کن تا اینکه بر تو رحم کنند. گفتم: ای امیر مؤمنان! باز هم اندرزم بده. فرمود: دیگران را به خوبی یاد کن تا اینکه تو را به خوبی یاد کنند. گفتم: باز هم اندرزم بده. فرمود: از بدگویی در غیاب دیگران دوری کن که غیبت خورشت سگ‌های دوزخ است. آنگاه فرمود: ای نوف! کسی که می‌پندارد، حلال زاده است و در عین حال از دیگران بدگویی کرده و گوشتشان را می‌جود، دروغ می‌گوید. و نیز کسی که می‌پندارد، حلال زاده است و مرا و فرزندانم را دشمن می‌دارد، دروغ می‌گوید و همچنین کسی که می‌پندارد، حلال زاده است و در عین حال دوستدار زناست و در معصیت بی باک است دروغ می‌گوید. ای نوف! اندرزم را قبول کن و هرگز سر دسته و کدخدا و گمرگ چی و راهدار نباش. ای نوف! با خویشاوندان صله رحم داشته باش تا خداوند عمر تو را زیاد کند. خوش اخلاق باش تا خداوند حساب تو را آسان سازد. ای نوف! اگر تمایل داری که در روز رستاخیز همراه من باشی، هرگز به ستمگران کمک نرسان. ای نوف! هر کس ما اهل بیت را دوست داشته باشد، در آن روز با ما خواهد بود. بی گمان هر کس به سنگی علاقه داشته باشد، در روز قیامت با آن محشور خواهد شد. ای نوف! مبادا خویشتن را پیش چشمان مردمان آراسته کنی و قصد معصیت حق داشته باشی. خداوند در هنگامی که تو را دیدار خواهد کرد رسوایت خواهد ساخت. آنچه به تو پند دادم، به نیکی رعایت کن تا اینکه در دنیا و آخرت به نیکی دست یابی.

١٠. حَدَّثَنَا أَبِي (رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ)، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ إِسْحَاقَ التَّاجِرُ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مِهْرَانَ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ غُلَوَانَ عَنْ زِيَادِ بْنِ الْمُنْذِرِ عَنْ بَدْرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ، قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: يَدْخُلُ عَلَيْكُمْ مِنْ هَذَا الْبَابِ خَيْرُ الْأَوْصِيَاءِ وَسَيِّدُ الشُّهَدَاءِ وَأَدْنَى النَّاسِ مَنَزَلَةً مِنَ الْأَنْبِيَاءِ فَدَخَلَ عَلَيَّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ﷺ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ: «وَمَا لِي لَا أَقُولُ هَذَا يَا أَبَا الْحَسَنِ وَأَنْتَ صَاحِبُ حَوْضِي وَالمُوفِي بِدَعْوَتِي وَالمُؤَدِّي عَنِّي دِينِي».



مركز بحوث التاريخ والحضارة الإسلامية



السلام



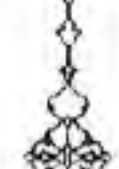
۱۰. انس بن مالک گوید: شنیدم از رسول خدا ﷺ که فرمود: از این در، بر شما بهترین اوصیا، آقای شهیدان و نزدیک ترین مردم به پیامبران وارد خواهد شد. ناگهان حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام وارد شد. رسول خدا ﷺ فرمود: ای ابوالحسن، چرا این را نگویم، در حالی که تو صاحب حوض من، وفاکننده به ذمه من و پردازنده وام های من هستی؟



السلامی



مراکز تحقیقاتی و پژوهشی





الساكن



المجلس الثامن والثلاثون

يوم الثلاثاء لأربع خلون من صفر من سنة ثمان وستين وثلاثمائة

١. حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابَوَيْهِ الْقُمِّيُّ رحمته الله، قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادٍ بْنُ جَعْفَرٍ الْهَمْدَانِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْعَبَّاسِ وَالْعَبَّاسِ بْنِ عَمْرٍو الْفَقِيهِي، قَالَا: حَدَّثَنَا هِشَامُ بْنُ الْحَكَمِ عَنْ ثَابِتِ بْنِ هُرْمُزٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبِي الْحَسَنِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَلِيٍّ، قَالَ: حَمَلْتُ مَتَاعاً مِنَ الْبَصْرَةِ إِلَى مِصْرَ فَقَدِمْتُهَا فَبَيْنَمَا أَنَا فِي بَعْضِ الطَّرِيقِ إِذَا أَنَا بِشَيْخٍ طَوَالٍ شَدِيدِ الْأَدَمَةِ أَضْلَعُ أَيْضُ الرُّأْسِ وَاللَّحْيَةِ عَلَيْهِ طِمْرَانٍ أَحَدُهُمَا أَسْوَدُ وَالْآخَرُ أَيْضُ، فَقُلْتُ: مَنْ هَذَا؟ فَقَالُوا: هَذَا بِلَالٌ مُؤَدَّنُ مَوْلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَأَخَذْتُ الْوَاحِي وَاتَّبَعْتُهُ فَسَلَّمْتُ عَلَيْهِ ثُمَّ قُلْتُ لَهُ: السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الشَّيْخُ، فَقَالَ: وَعَلَيْكَ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ قُلْتُ: رَحِمَكَ اللَّهُ حَدَّثَنِي بِمَا سَمِعْتَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، قَالَ: وَمَا يُدْرِيكَ مَنْ أَنَا؟ فَقُلْتُ: أَنْتَ بِلَالٌ مُؤَدَّنُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، قَالَ: فَبَكَى وَبَكَيتُ حَتَّى اجْتَمَعَ النَّاسُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ نَبْكِي، قَالَ: ثُمَّ قَالَ لِي: يَا غُلَامُ مِنْ أَيِّ الْبِلَادِ أَنْتَ؟ قُلْتُ: مِنْ أَهْلِ الْعِرَاقِ، فَقَالَ لِي: بَخِ بَخِ فَمَكَتَ سَاعَةً ثُمَّ قَالَ: اكْتُبْ يَا أَخَا أَهْلِ الْعِرَاقِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: «الْمُؤَدَّنُونَ أَمَنَاءُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى صَلَوَاتِهِمْ وَصَوْمِهِمْ وَلُحُومِهِمْ وَدِمَائِهِمْ لَا يَسْأَلُونَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ شَيْئاً إِلَّا أَعْطَاهُمْ وَ لَا يَشْفَعُونَ فِي شَيْءٍ إِلَّا شَفَعُوا» قُلْتُ: زِدْنِي رَحِمَكَ اللَّهُ، قَالَ: اكْتُبْ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: «مَنْ أَذَّنَ أَرْبَعِينَ عَاماً مُحْتَسِباً بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَهُ عَمَلُ أَرْبَعِينَ صَدِيقاً عَمَلًا مَبْرُوراً مُتَقَبِلاً» قُلْتُ: زِدْنِي رَحِمَكَ اللَّهُ، قَالَ: اكْتُبْ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: «مَنْ أَذَّنَ عَشْرِينَ عَاماً بَعَثَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَهُ مِنَ النُّورِ مِثْلُ نُورِ سَمَاءِ الدُّنْيَا» قُلْتُ: زِدْنِي رَحِمَكَ اللَّهُ، قَالَ: اكْتُبْ

مجلس سی و هشتم

سه شنبه چهارم صفر ۳۶۸

السلامی

۱. عبدالله بن علی می گوید: من از شهر بصره به سرزمین مصر کالاهای حمل می کردم. در میان راه به مرد پیر بلند قد و گندمگون و اصلع رسیدم که موی سر و صورت او همه سفید شده بود. او دو جامه سیاه و سفید بر تن داشت. آنگاه که از نام او جویا شدم، گفتند: او بلال، اذان گوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. پیش او رفتم و گفتم: ای پیرمرد! درود بر تو باد. گفت: درود بر تو، رحمت خدا بر تو باد. گفتم: خدا رحمتت کند، هرچه از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدی، باز بگو. گفت: از کجا می دانی که من که هستم؟ گفتم: تو بلال همان مؤذن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله هستی. اشک ریختم تا آنکه دیگران گرد ما آمدند. آنگاه گفت: ای جوان از کدام سرزمینی؟ گفتم: عراق.

گفت: به به. درنگی کرد و بعد گفت: حالا بنویس ای برادر عراقی. بسم الله الرحمن الرحیم. شنیدم که رسول خدا فرمود: اذان گویان در نهار و روزه و گوشت و خونها امین مردم هستند و چیزی از خدا نمی خواهند جز چیزی که عطایشان شود و شفاعت نمی کنند به جز کی که شفاعتش پذیرفته باشد. گفتم: اضافه کن گفت: بنویس بسم الله الرحمن الرحیم از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود هرکس چهل سال برای خداوند اذان بگوید، او را در رستاخیز با عمل چهل صدیق نیک رفتار گرد خواهد آورد که اعمالشان قبول شده است.

گفتم: رحمت خدا بر تو باد. باز هم بگو. گفت: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هرکس ده سال اذان بگوید: خداوند او را با ابراهیم خلیل در بهشت در مرتبه او جایگزین سازد. گفتم: باز هم بگو. گفت:

سید



السلام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: «مَنْ أَدَّنَ عَشْرَ سِنِينَ أَشْكَنَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مَعَ إِبْرَاهِيمَ فِي قُبَّتِهِ أَوْ فِي دَرَجَتِهِ، قُلْتُ: زِدْنِي رَحِمَكَ اللَّهُ قَالَ: اكْتُبْ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: «مَنْ أَدَّنَ سَنَةً وَاحِدَةً بَعَثَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَقَدْ غُفِرَتْ ذُنُوبُهُ كُلُّهَا بِالْغَةِ مَا بَلَغَتْ وَلَوْ كَانَ مِثْلَ زَنَةِ جَبَلٍ أَحَدٍ» قُلْتُ: زِدْنِي رَحِمَكَ اللَّهُ قَالَ: نَعَمْ فَاحْفَظْ وَاعْمَلْ وَاحْتَسِبْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: «مَنْ أَدَّنَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ صَلَاةً وَاحِدَةً إِيْمَانًا وَاحْتِسَابًا وَتَقَرُّبًا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِهِ وَمَنْ غَلِيَهُ بِالْعَصْمَةِ فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمرِهِ وَجَمَعَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الشُّهَدَاءِ فِي الْجَنَّةِ» قُلْتُ: رَحِمَكَ اللَّهُ حَدَّثَنِي بِأَحْسَنِ مَا سَمِعْتُ، قَالَ: وَيَحْكُ يَا غُلَامُ قَطَعْتَ أَتْيَاطَ قَلْبِي وَبَكَيْتُ حَتَّى إِنِّي وَاللَّهِ لَرَجَمْتُهُ ثُمَّ قَالَ: اكْتُبْ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: «إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ وَجَمَعَ اللَّهُ النَّاسَ فِي صَعِيدٍ وَاحِدٍ بَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى الْمُؤَذِّنِينَ بِمَلَائِكَةٍ مِنْ نُورٍ مَعَهُمُ الْوَيْةُ وَأَغْلَامٌ مِنْ نُورٍ يَقُودُونَ جَنَائِبَ أَرْمَتِهَا رَبُّ جَدِّ أَحْضَرُ وَحَقَائِبُهَا الْمُسْكُ الْأَذْفَرُ وَيَرْكَبُهَا الْمُؤَذِّنُونَ فَيَقُومُونَ عَلَيْهَا قِيَامًا تَقُودُهُمُ الْمَلَائِكَةُ يُنَادُونَ بِأَعْلَى أَصْوَاتِهِمْ بِالْأَذَانِ» ثُمَّ بَكَيْتُ بُكَاءً شَدِيدًا حَتَّى انْتَحَبْتُ وَبَكَيْتُ فَلَمَّا سَكَتَ قُلْتُ: مِمَّ يَكَاؤُكُمْ؟ قَالَ: وَيَحْكُ ذَكَرْتُني أَشْيَاءَ سَمِعْتُ حَبِيبِي وَصَفِي يَقُولُ: «وَالَّذِي بَغْتَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا أَنَّهُمْ لَيَسْمُرُونَ عَلَى الْخَلْقِ قِيَامًا عَلَى النَّجَائِبِ فَيَقُولُونَ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ فَإِذَا قَالُوا ذَلِكَ سَمِعْتُ لِأُمِّي ضَجِيجًا» فَسَأَلَهُ أَسَامَةُ بْنُ زَيْدٍ عَنْ ذَلِكَ الضَّجِيجِ مَا هُوَ؟ قَالَ: «الضَّجِيجُ التَّسْبِيحُ وَالتَّحْمِيدُ وَالتَّهْلِيلُ، فَإِذَا قَالُوا أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ قَالَتْ أُمِّي: إِيَّاهُ كُنَّا نَعْبُدُ فِي الدُّنْيَا فَيُقَالُ: صَدَقْتُمْ، فَإِذَا قَالُوا: أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ قَالَتْ أُمِّي: هَذَا الَّذِي أَنَا بِرِسَالَةِ رَبِّنَا جَلَّ جَلَالُهُ آمَنَّا بِهِ وَلَمْ نَرَهُ فَيُقَالُ لَهُمْ: صَدَقْتُمْ، هُوَ الَّذِي أَدَّى إِلَيْكُمْ الرِّسَالََةَ مِنْ رَبِّكُمْ وَكُنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنِينَ فَحَقِيقُ عَلَى اللَّهِ أَنْ يَجْمَعَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ نَبِيِّكُمْ فَيَنْتَهِي بِهِمْ إِلَى مَنَازِلِهِمْ وَفِيهَا مَا لَا عَيْنٌ رَأَتْ وَلَا أُذُنٌ سَمِعَتْ وَلَا خَطَرَ عَلَى قَلْبِ بَشَرٍ، ثُمَّ نَظَرَ إِلَيَّ فَقَالَ لِي: إِنْ اسْتَطَعْتَ - لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ - أَنْ لَا تَمُوتَ إِلَّا مُؤَذِّنًا فافْعَلْ، فَقُلْتُ: رَحِمَكَ اللَّهُ تَفَضَّلْ عَلَيَّ وَأَخْبِرْنِي فَإِنِّي فَقِيرٌ مُحْتَاجٌ وَ أَذِلَّةٌ مَا سَمِعْتُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ فَإِنَّكَ قَدْ رَأَيْتَهُ وَلَمْ أَرَهُ وَصِفْ لِي كَيْفَ وَصَفَ لَكَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِنَاءَ الْجَنَّةِ، قَالَ: اكْتُبْ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ

السلام

پیامبر ﷺ فرمود که هر کس یک سال اذان بگوید خدا در قیامت هر گناهی که او داشته باشد، می‌امرزد و بعد محشورش می‌سازد، هر چند که گناهان او به اندازه کوه احد باشد. گفتم: باز هم بگو. گفت: به خاطر بسیار و بدان رفتار کن. آن حضرت فرمود: هر کس در راه خداوند برای نمازی خالصانه و تقرب به حق اذان بگوید، خداوند گناهان گذشته او را می‌بخشاید و در سالیان بعد او را محافظت کرده و او را با شهیدان در بهشت محشور می‌کند. گفتم: رحمت او بر تو باد. بهترین سخنی که شنیدی باز گوی. گفت: وای بر تو ای جوان. بند قلب مرا گسستی و بعد اشک ریخت و من نیز اشک ریختم تا آنجا که برای او دل سوزاندم. آنگاه گفتم: پیامبر خدا ﷺ فرمود که روز رستاخیز که فرا می‌رسد، خداوند مردمان را در یک سوی زمین گرد می‌آورد و آنگاه فرشتگانی از نور همراه با پرچم‌ها و علم‌های نورانی برای اذان گویان روانه می‌کند، با آنها اسبانی است با مهارهایی از زبرجد سبز و خورجین ترک آنان است. خورجین‌هایی از مشک، اذان گویان بر آن اسبان سوار شده و می‌ایستند و فرشته‌ها مهار به دست باشند. آنان به صدای بلند اذان خواهند گفت. بلال آنگاه بسیار اشک ریخت تا اینکه نالان شده و اشک ریختم. آنگاه که آرامش یافت پرسیدم چرا این قدر اشک می‌ریزی؟ گفت: وای بر تو! به یاد آوردم چیزی که از صفی و حبیب خویش شنیده‌ام که فرمود: سوگند به کسی که مرا برای رسالت برانگیخته است. بی‌گمان آنان سر پا روی اسب بر مردمان عبور کنند و الله اکبر الله اکبر به زبان آورند. آنگاه که چنین رفتار کنند، غوغایی در امت من به وجود می‌آید. در این هنگام اسامه بن زید سؤال کرد: آن غوغا کدام است؟ فرمود: تسبیح، حمد و لا اله الا الله. آنگاه که گویند: «اشهد ان لا اله الا الله» امت من می‌گویند او را در جهان بسیار پرستش کردیم. ندا آید که اینان راست می‌گویند. آنگاه که گویند: «اشهد ان محمد رسول الله»، امت من می‌گویند او بود که از جانب پروردگارمان برای پیامبری برانگیخته شده بود و ما که او را ندیده بودیم، باورش کردیم. ندا می‌آید که راست می‌گویید. او تکلیف پیامبری را از جانب خداوندتان ستاند و انجام داد و شما نیز به او ایمان آوردید و اکنون سزا است که خداوند شما را با پیامبرتان گرد آورد. در این هنگام سواران را به سراهایشان می‌رسانند که در آنها چیزهایی است که نه دیده‌ای مشاهده کرده و نه گوشی وصف آن را شنیده و نه به ذهن آدمی خطور کرده است.

بلال به من نگاه کرد و گفت: اگر می‌دانی. نیرویی غیر نیروی حق نیست بکوش که نمیری تا اینکه اذان گوی باشی و به آن رفتار کنی. گفتم: رحمت حق بر تو باد. بر من لطف داشته باش و از گفتار پیامبر ﷺ با خبر کن. چون تو او را دیده‌ای، اما من او را ندیده‌ام. ای بلال! بهشت را برایم

يَقُولُ: «إِنَّ سُورَ الْجَنَّةِ لَبَنَةٌ مِنْ ذَهَبٍ وَلَبَنَةٌ مِنْ قِصَّةٍ وَلَبَنَةٌ مِنْ يَاقُوتٍ وَمِلَاطُهَا الْمِسْكُ الْأَذْفَرُ وَشَرْفُهَا الْيَاقُوتُ الْأَحْمَرُ وَالْأَخْضَرُ وَالْأَصْفَرُ، قُلْتُ: فَمَا أَبْوَابُهَا؟ قَالَ: أَبْوَابُهَا مُخْتَلِفَةٌ بَابُ الرَّحْمَةِ مِنْ يَاقُوتَةٍ حَمْرَاءَ، قُلْتُ: فَمَا حَلَقَتُهُ؟ قَالَ: وَيَحْكُ كَفِّ عَنِّي فَقَدْ كَلَّفْتَنِي شَطَطًا، قُلْتُ: مَا أَنَا بِكَافٍ عَنْكَ حَتَّى تُؤَدِّيَ إِلَيَّ مَا سَمِعْتَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فِي ذَلِكَ، قَالَ: اكْتُبْ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَمَّا بَابُ الصَّبْرِ فَبَابٌ صَغِيرٌ مِضْرَاعٌ وَاحِدٌ مِنْ يَاقُوتَةٍ حَمْرَاءَ لَا حَلَقَ لَهُ، وَأَمَّا بَابُ الشُّكْرِ فَإِنَّهُ مِنْ يَاقُوتَةٍ بَيْضَاءَ لَهَا مِضْرَاعَانِ مَسِيرَةٌ مَا بَيْنَهُمَا خَمْسُمِائَةٍ غَامَ لَهُ ضَجِيجٌ وَحَنِينٌ يَقُولُ: اللَّهُمَّ جَنِّبْنِي بِأَهْلِي، قُلْتُ: هَلْ يَتَكَلَّمُ الْبَابُ، قَالَ: نَعَمْ يُنْطِقُهُ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، وَأَمَّا بَابُ الْبَلَاءِ، قُلْتُ: أَلَيْسَ بَابُ الْبَلَاءِ هُوَ بَابُ الصَّبْرِ؟ قَالَ: لَا، قُلْتُ: فَمَا الْبَلَاءُ؟ قَالَ: الْمَصَائِبُ وَالْإِسْقَامُ وَالْأَمْرَاضُ وَالْجُدَامُ وَهُوَ بَابٌ مِنْ يَاقُوتَةٍ صَفْرَاءَ مِضْرَاعٌ وَاحِدٌ مَا أَقَلُّ مَنْ يَدْخُلُ مِنْهُ، قُلْتُ: رَحِمَكَ اللَّهُ زِدْنِي وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ فَإِنِّي فَقِيرٌ، قَالَ: يَا غُلَامُ كَلَّفْتَنِي شَطَطًا أَمَّا الْبَابُ الْأَعْظَمُ فَيَدْخُلُ مِنْهُ الْعِبَادُ الصَّالِحُونَ وَهُمْ أَهْلُ الزُّهْدِ وَالْوَرَعِ وَالرَّاعِبُونَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ الْمُسْتَأْنِسُونَ بِهِ، قُلْتُ: رَحِمَكَ اللَّهُ فَإِذَا دَخَلُوا الْجَنَّةَ مَاذَا يَصْنَعُونَ، قَالَ: يَسِيرُونَ عَلَى نَهْرَيْنِ فِي مَصَافٍ فِي سَفْنِ الْيَاقُوتِ مَجَادِيفُهَا اللَّوْلُؤُ فِيهَا مِلَاطُكُهُ مِنْ نُورٍ عَلَيْهِمْ ثِيَابٌ خَضِرُ شَدِيدَةٌ خَضِرَتْهَا، قُلْتُ: رَحِمَكَ اللَّهُ هَلْ يَكُونُ مِنَ النُّورِ أَخْضَرُ؟ قَالَ: إِنَّ الثِّيَابَ هِيَ خَضِرُ وَلَكِنْ فِيهَا نُورٌ مِنْ نُورِ رَبِّ الْعَالَمِينَ جَلَّ جَلَالُهُ يَسِيرُونَ عَلَى حَافَتِي النَّهْرِ، قُلْتُ: فَمَا اسْمُ ذَلِكَ النَّهْرِ؟ قَالَ: جَنَّةُ الْمَأْوَى قُلْتُ: هَلْ وَسَطُهَا غَيْرُ هَذَا؟ قَالَ: نَعَمْ جَنَّةُ عَدْنٍ وَهِيَ فِي وَسْطِ الْجَنَّتَيْنِ فَأَمَّا جَنَّةُ عَدْنٍ فَسُورُهَا يَاقُوتُ أَحْمَرُ وَحَصْبَاؤُهَا اللَّوْلُؤُ قُلْتُ: فَهَلْ فِيهَا غَيْرُهَا؟ قَالَ: نَعَمْ جَنَّةُ الْفِرْدَوْسِ قُلْتُ: وَكَيْفَ سُورُهَا؟ قَالَ: وَيَحْكُ كَفِّ عَنِّي حَيَّرَتْ عَلَيَّ قَلْبِي، قُلْتُ: بَلْ أَنْتَ الْفَاعِلُ بِي ذَلِكَ مَا أَنَا بِكَافٍ عَنْكَ حَتَّى تُسَمِّيَ لِي الصِّفَةَ وَتُخْبِرَنِي عَنْ سُورِهَا، قَالَ: سُورُهَا نُورٌ، فَقُلْتُ: وَالْعَرَفُ الَّتِي هِيَ فِيهَا، قَالَ: هِيَ مِنْ نُورِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، قُلْتُ: زِدْنِي رَحِمَكَ اللَّهُ، قَالَ: وَيَحْكُ إِلَى هَذَا أَعْرَابِي نَبَأُ أَنْتَهَى بِنَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ طُوبَى لَكَ إِنْ أَنْتَ وَصَلْتَ إِلَى بَعْضِ هَذِهِ الصِّفَةِ وَطُوبَى لِمَنْ يُؤْمِنُ بِهَذَا، قُلْتُ: يَرْحَمُكَ اللَّهُ أَنَا وَاللَّهُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ بِهَذَا، قَالَ: وَيَحْكُ إِنَّهُ مَنْ يُؤْمِنُ أَوْ تَصَدَّقَ بِهَذَا الْحَقِّ وَالْمِنْهَاجِ لَمْ يَرْغَبْ فِي الدُّنْيَا وَلَا فِي زَهْرَتِهَا وَحَاسَبَ نَفْسَهُ، قُلْتُ: أَنَا مُؤْمِنٌ بِهَذَا، قَالَ:

چنان توصیف کن که آن حضرت برایت توصیف کرده است. گفت: پیامبر ﷺ فرمود: باروی بهشت خشتی از طلاست و خشتی از نقره و خشتی از یاقوت. و ملات بهشت از یاقوت سرخ و سبز و زرد است. گفتم: حلقه بهشت چیست؟ فرمود: نوا بر تو از من بگذر که وظیفه دشواری متوجه من کردی. گفتم: هرگز دست بردار نیستم تا به من بگویی آنچه از رسول اکرم ﷺ شنیده‌ای. گفت: در «صبر» دری است که کوچک و یک لنگه است و از جنس یاقوت سرخ. این در حلقه‌ای ندارد. اما در «شکر» از جنس یاقوت سفید است که دو لنگه دارد و فاصله آن دو پانصد سال است و غوغا و ناله دارد و می‌گوید خدایا ساکنان مرا نزدیک کن. گفتم: آیا در سخن می‌گویدی؟ گفت: آری، خداوند آن را در گرفتاری به بیان در می‌آورد. گفتم: مگر در صبر همان در گرفتاری نیست؟ گفت: نه گفتم: گرفتاری چیست؟ گفت: مصیبت‌ها و دردها و بیماری‌ها و خوره. این در، دری است که از یاقوت زرد و یک لنگه‌ای است. شمار کسانی که از در «بلا» وارد می‌شوند، کم است. گفتم: خدا رحمت کند تو را. باز هم عنایت کن و بگوی که من نیاز دارم. گفت: تو داری به من تکلیف دشوار می‌کنی. آنگاه گفت: در «اعظم» دری است که بندگان شایسته از آن وارد می‌شوند، همان کسانی که زاهد و باورع و مشتاق خدا بوده و با او انس داشته‌اند. گفتم: آنان هنگامی که به بهشت وارد می‌شوند، چه خواهند کرد؟ گفت سوار کشتی‌ها بر روی دو نهر آب سیاحت دارند. آنان پاروهایی از لؤلؤ دارند. فرشتگانی از نور در آن کشتی‌ها هستند که جامه‌هایی بسیار سبز بر تن دارند. گفتم: خدا تو را رحمت کند، مگر نور هم، رنگ سبز دارد؟ گفت: جامه‌ها سبزند و نور همان پرتو پروردگار جهانیان است. آنان در کنار نهر سیاحت می‌کنند. گفتم: نهر چه نامی دارد؟ گفت: «جنة المآوی»، گفتم: آیا آن در میان چیز دیگری است؟ گفت: آری. در «جنت عدن» است که میانه بهشت‌ها قرار دارد. جنت عدن بارویی دارد از یاقوت سرخ. و ریگ آن لؤلؤ است. گفتم: آیا در دیگری هست؟ گفت: آری «جنت الفردوس». گفتم: باروی آن از چیست؟ گفت: وای بر تو. از من بگذر که مرا سرگردان. گفتم شاید تو مرا سرگردان ساختی. من نمی‌گذرم تا توصیف بهشت را به نهایت نزدیک سازی و مرا از باروی آن آگاه کنی. گفت: باروی آن نور است. گفتم: غرفه‌هایی که در آن قرار دارد، چگونه است؟ گفت: از نور رب العالمین. گفتم: باز هم بگو. گفت: وای بر تو. تا این جا که گفته‌ام، کلام رسول خدا ﷺ بوده است. اکنون خوشا به حال تو که اگر توان داشته باشی که به پاره‌ای از آن چه توصیف شد، نزدیک شوی. و خوشا به حال آنکه به آن همه، باور داشته باشد. گفتم: خدا تو را مشمول رحمت خود سازد به خدا قسم که من از گرویدگان به آن هستم. گفت: وای بر تو. هر که بگردد و باور کند، این حقیقت و سنت را او هرگز به



السلام



صَدَقْتُ وَلَكِنْ قَارِبٌ وَسَدُّدٌ وَلَا تَيَّاسٌ وَاعْمَلْ وَلَا تُفَرِّطْ وَارْجُ وَخَفْ وَاحْذَرْ ثُمَّ بَكَى وَشَهِقَ ثَلَاثَ شَهَقَاتٍ فَظَنَنَّا أَنَّهُ قَدْ مَاتَ، ثُمَّ قَالَ: فِذَاكُمْ أَبِي وَأُمِّي لَوْ رَأَى كُمْ مُحَمَّدٌ ﷺ لَقَرَّتْ عَيْنُهُ حِينَ تَسْأَلُونَ عَنْ هَذِهِ الصَّفَةِ، ثُمَّ قَالَ: النَّجَا النَّجَا الْوَحَا الْوَحَا الرَّحِيلَ الرَّحِيلَ الْعَمَلَ الْعَمَلَ وَإِيَّاكُمْ وَالتَّفْرِيطَ وَإِيَّاكُمْ وَالتَّفْرِيطَ، ثُمَّ قَالَ: وَيَحْكُمُ اجْعَلُونِي فِي حِلٍّ مِمَّا فَرَطْتُ فَقُلْتُ لَهُ: أَنْتَ فِي حِلٍّ مِمَّا فَرَطْتَ جَزَاكَ اللَّهُ الْجَنَّةَ كَمَا أَدَيْتَ وَفَعَلْتَ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْكَ، ثُمَّ وَدَّعَنِي وَقَالَ لِي: اتَّقِ اللَّهَ وَادِّ إِلَى أُمِّهِ مُحَمَّدٍ ﷺ مَا أَدَيْتَ إِلَيْكَ فَقُلْتُ: أَفَعَلُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ، قَالَ: أَسْتَوْدِعُ اللَّهَ دِينَكَ وَأَمَانَتَكَ وَرُودَكَ التَّقْوَى وَأَعَانَكَ عَلَى طَاعَتِهِ بِمَشِيَّتِهِ.

٢. حَدَّثَنَا أَبِي (رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ)، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ الْجَمْعِيُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَخْبُوبٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ صَالِحٍ عَنِ الْحَارِثِ بْنِ الْمُغِيرَةِ النَّضْرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ، قَالَ: «مَنْ سَمِعَ الْمُؤَذِّنَ يَقُولُ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ فَقَالَ: مُصَدِّقًا مُحْتَسِبًا وَأَنَا أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ أَكْفَى بِهَا عَنْ كُلِّ مَنْ أَبِي وَجَحَدَ وَأَعْيَنُ بِهَا مَنْ أَقَرَّ وَشَهِدَ كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ عَدَدُ مَنْ أَنْكَرَ وَجَحَدَ وَ عَدَدُ مَنْ أَقَرَّ وَشَهِدَ».

٣. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادٍ بْنُ جَعْفَرٍ الْهَمْدَانِيُّ (رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ)، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ سَلَمَةَ الْأَهْوَارِيُّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ الشَّقْفِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْعَبَّاسُ بْنُ بَكَّارٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ الْوَاحِدِ بْنُ أَبِي عَمْرٍو عَنِ الْكَلْبِيِّ عَنْ أَبِي صَالِحٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، قَالَ: مَكْتُوبٌ عَلَى الْعَرْشِ: «أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا» ^(١) وَخَدِي لَا شَرِيكَ لِي وَ مُحَمَّدٌ عَبْدِي وَرَسُولِي أَيَّدْتُهُ بِعَلِيٍّ فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ «هُوَ الَّذِي أَيَّدَكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ» ^(٢) فَكَانَ النَّصْرُ عَلَيَّاهُ ﷺ، وَدَخَلَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ فَدَخَلَ فِي الْوُجْهِينَ جَمِيعًا ﷺ.

٤. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ ﷺ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيْسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَامِرِ بْنِ مَعْقِلٍ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ

دنیا و زیباییه‌های آن گرایش پیدا نکند و حساب خود حفظ کند. گفتم: من به آنچه گفتی پایبندی دارم. گفت: درست گفتی و باید خود را بدان نزدیک‌تر و ایمان خود را استوارتر کنی و هرگز مأیوس نباشی و عمل کنی و کوتاهی نداشته باشی و بیمناک باشی، آنگاه بلال ناله‌هایی برآورد که پنداشتیم، او جان سپرده است. بعد فرمود: پدر و مادرم فدای تو باد. اگر محمد ﷺ شما را می‌نگریست دیدگان آن حضرت به رخسارتان روشن می‌گشت که اینگونه از این اوصاف می‌پرسیدید. بعد گفت: نجات، نجات، شتاب، شتاب، کوچ، کوچ، عمل، عمل. مبادا کوتاهی کنید. مبادا کوتاهی کنید.

بعد گفت: وای بر شما. مرا در آنچه کوتاهی کردم، حلالم کنید. گفتم: تو از آن چه کوتاهی داشتی، حلال هستی. خدا تو را بهشت پاداش دهد که آنچه بر تو واجب بود، انجام دادی. بعد با من خدا حافظی کرد و گفت: از خدا پروا داشته باش و به امت پیامبر آنچه را گفتم، بگویی. گفتم: به آن رفتار خواهم کرد. اگر خدا بخواهد. گفت: دین و امانت تو را به خدا می‌سپارم. خداوند ره توشه و تقوا و نیرو بر فرمان بردن از خود و خواست خود به تو ارزانی دارد.

۲. امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس صدای مؤذن را شنید که می‌گوید «اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمد رسول الله» و پاسخ دهد که من باور و اعتقاد دارم که غیر از خداوند معبود شایسته‌ای نیست و محمد ﷺ فرستاده اوست. من او را کفایت خواهد کرد که از هر کس خودداری کند و توحید و رسالت را انکار کند و او را یاری رساند با هر کسی که اقرار به توحید دارد و بر توحید و نبوت شهادت داده است. او پاداشی برابر شما انکار کنندگان و نیز به شما اقرار کنندگان دارد.

۳. پیامبر اکرم ﷺ فرمود: بر عرش خداوند چنین نوشته شده است: من خدایی هستم که غیر از من معبود شایسته‌ای و شریکی وجود ندارد. محمد ﷺ بنده و فرستاده من است و او را به علی علیه السلام یاری رسانده‌ام. خداوند این آیه را فرستاد: «هو الذی ایدک بنصره و بالمؤمنین» ای پیامبر! به یاری خویش و ایمان آورندگان تأیید کرد. (انفال). مراد از «نصر» در این آیه علی علیه السلام است که در میان مؤمنان است و از دو منظر مورد این کریمه است.

۴. ابی حمزه ثمالی می‌گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: ای ابا حمزه! علی را از منزلتی که پروردگار به او ارزانی داشته، پایین نیاورید و از آن جایگاه نیز او را بالاتر نبرید. برای

الْشَّامَلِيُّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام، قَالَ: قَالَ لِي: «يَا أَبَا حَمْزَةَ لَا تَضَعُوا عَلَيَا دُونَ مَا وَضَعَهُ اللَّهُ وَ لَا تَرْفَعُوا عَلَيَا فَوْقَ مَا رَفَعَهُ اللَّهُ كَفَى بَعَلِي أَنْ يُقَاتِلَ أَهْلَ الْكُرَّةِ وَأَنْ يُزَوِّجَ أَهْلَ الْجَنَّةِ».

٥. حَدَّثَنَا أَبِي عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْحَسَنِ الْمُؤَدَّبُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيٍّ الْأَصْبَهَانِيِّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ الثَّقَفِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ مُوسَى ابْنُ أُخْتِ الْوَاقِدِيِّ شَيْخُ مِنَ الْأَنْصَارِ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو قَتَادَةَ الْحَرَّانِيُّ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ بْنِ الْعَلَاءِ الْحَضْرَمِيِّ عَنْ سَعِيدِ بْنِ الْمُسَيَّبِ عَنْ أَبِي الْحَمْرَاءِ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: «رَأَيْتُ لَيْلَةَ الْأَشْرَاءِ مَكْتُوبًا عَلَى قَائِمَةٍ مِنْ قَوَائِمِ الْعَرْشِ: «أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا»^(١) وَخَدِي خَلَقْتُ جَنَّةَ عَذْنِ بَيْدِي مُحَمَّدٌ صَفَوْتِي مِنْ خَلْقِي أَيْدَتْهُ بَعَلِي وَنَصَرْتُهُ بَعَلِي».

٦. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانَ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ إِسْمَاعِيلَ الْجُعْفِيِّ أَنَّهُ سَمِعَ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: «أُعْطِيتُ خُصْبًا لَمْ يُعْطَهَا أَحَدٌ قَبْلِي جُعِلَتْ لِي الْأَرْضُ مَسْجِدًا وَطَهُورًا، وَاجِلٌ لِي الْمَغْنَمُ، وَنَصَرْتُ بِالرُّغْبِ، وَأُعْطِيتُ جَوَامِعَ الْكَلَامِ، وَأُعْطِيتُ الشُّفَاعَةَ».

٧. حَدَّثَنَا أَبِي وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ رضي الله عنهما، قَالَا: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيْسَى عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ الْبَجَلِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ سَمَاعَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنِ الْحَكَمِ بْنِ الصَّلْتِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: «خُذُوا بِحُجْرَةِ هَذَا الْأَنْزَعِ يَغْنِي عَلَيَا فَإِنَّهُ الصَّدِيقُ الْأَكْبَرُ وَهُوَ الْقَارُوقُ يَفْرُقُ بَيْنَ الْحَقِّ وَالبَاطِلِ مَنْ أَحَبَّهُ هَدَاهُ اللَّهُ وَ مَنْ أَبْغَضَهُ أَبْغَضَهُ اللَّهُ وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهُ مَحَقَّهُ اللَّهُ وَ مِنْهُ سِبْطَا أُمَّتِي الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ هُمَا ابْنَايَ وَ مِنَ الْحُسَيْنِ أَيْمَةُ هُدَاةٍ أُعْطَاهُمُ اللَّهُ عِلْمِي وَ فَهْمِي فَتَوَلَّوْهُمْ وَ لَا تَتَّخِذُوا وَلِيَّةَ مِنْ دُونِهِمْ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبُ مَنْ رَبَّكُمْ، وَ مَنْ يَحِلَّ عَلَيْهِ غَضَبُ مَنْ رَبِّهِ فَقَدْ هَوَى، وَ مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ»^(٢).

علی علیه السلام همین پسندیده است که با اهل باطل جنگ دارد و اهل بهشت را به تزویج در می آورد.

۵. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: در شب معراج یکی از ستون های عرش را نگاه کردم که بر روی آن نوشته بود: من خدایی هستم که معبود شایسته ای غیر از او وجود نداشته و یگانه هستم. بهشت عدن را به دست خویش خلق کردم. و محمد برگزیده آفریدگان من است که او را با علی تأیید و یاری کردم.

۶. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: از جانب حق پنج چیز به من داده شده است که پیش از من به کسی داده نشده است، زمین برای من مسجد پاکیزه شده است و غنیمت بر من روا شده و به وسیله رعب یاری شده اند و نیز کلمات آکنده از معانی به من ارزانی شده است و همچنین شفاعت.

۷. امام باقر علیه السلام از پدران خویش روایت کرده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: دامان علی علیه السلام را بگیرید که همانا او صدیق اکبر و جدا کننده میان حق و باطل است. هر کس علی را دوست بدارد، خداوند او را هدایت کرده است و هر کس علی را دشمن بدارد، خداوند او را دشمن خواهد داشت. هر کس از فرمان او سرپیچی کند خدا هلاکش سازد. از علی علیه السلام دو سبط این امت است، حسن و حسین. آن دو پسران من هستند از نسل حسین علیه السلام، امامان هدایت گر این امت که خداوند به آنان دانایی و حکمت مرا عطا کرده، خواهند آمد، آنان را دوست داشته باشید و حمایت کننده ای غیر از آنان نگیرید که خشم خداوند بر شما نازل گردد. بی گمان هر کس گرفتار خشم پروردگارش شود بی شک نابود می شود. اما زندگی دنیای فناپذیر غیر از کالای فریبنده نخواهد بود.



الاسم

المجلس التاسع والثلاثون

يوم الجمعة لسبع خلون من صفر من سنة ثمان وستين و ثلاثمائة

١. حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابَوَيْهَ الْقُمِّيُّ رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا الْهَيْثَمُ بْنُ أَبِي مَسْرُوقٍ النَّهْدِيُّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ دَاوُدَ بْنِ كَثِيرٍ الرَّقِّيِّ، قَالَ: قَالَ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ رحمته الله: «مَنْ شَيْعَ جَنَازَةَ مُؤْمِنٍ حَتَّى يُدْفَنَ فِي قَبْرِهِ وَكَلَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ يُشْفَعُونَ لَهُ إِذَا خَرَجَ مِنْ قَبْرِهِ».

٢. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ الْحَمِيرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مِهْزَمٍ عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ رحمته الله صَلَّيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: مَنْ مَاتَ مِنْ أَهْلِ الْقَبْلَةِ وَحَسَابُهُ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.

٣. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ عِيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ فَضَالٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقْبَةَ عَنْ مُيَسَّرٍ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ الْبَاقِرَ رحمته الله يَقُولُ: «مَنْ شَيْعَ جَنَازَةَ امْرِئٍ مُسْلِمٍ أُعْطِيَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَرْبَعَ شَفَاعَاتٍ وَلَمْ يَقُلْ شَيْئًا إِلَّا قَالَ الْمَلَكُ وَلَكَ مِثْلُ ذَلِكَ».

٤. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ مَا جِيلَوَيْهِ رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنِي عَمِّي مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ هِلَالٍ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ دُكَيْنٍ عَنْ مَعْمَرِ بْنِ رَاشِدٍ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقَ رحمته الله يَقُولُ: «أَتَى يَهُودِيٌّ النَّبِيَّ رحمته الله فَقَامَ بَيْنَ يَدَيْهِ يُحَدِّثُ النَّظَرَ إِلَيْهِ، فَقَالَ: يَا يَهُودِيُّ مَا حَاجَتُكَ، قَالَ: أَنْتَ أَفْضَلُ أُمِّ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ النَّبِيِّ الَّذِي كَلَّمَهُ اللَّهُ وَانْزَلَ عَلَيْهِ التَّوْرَةَ وَالْعَصَا وَفَلَقَ لَهُ الْبَحْرَ وَأَظْلَمَهُ بِالْغَمَامِ، فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ رحمته الله: أَنَّهُ يَكْرَهُ لِلْعَبْدِ أَنْ يُزَكِّي نَفْسَهُ،



مجلس سی و نهم

جمعه هفتم صفر سال ۳۶۸

السلام

۱. امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس جنازه مؤمنی را تشییع کند تا هنگامی که او را به خاک بسپارند، خداوند هفتاد هزار فرشته موکل بر او می‌گمارد تا او را تشییع کنند و برای او آمرزش و مغفرت بخواهند. آنگاه که از قبر خود بیرون بیا.

۲. امام صادق علیه السلام از پدرش روایت کرده که ایشان فرموده است: بر هر میت از اهل قبله نماز بخوان که حسابش با خداوند است.

۳. امام باقر علیه السلام فرمود: هر کس در جنازه تشییع مسلمانان شرکت کند، در روز رستاخیز چهار گونه شفاعت به او ارزانی و چیزی بر زبان نیاورد، مگر اینکه فرشته‌ای به او بگوید: برای تو نظیرش باد.

۴. معمر بن راشد می‌گوید که امام صادق علیه السلام فرمود: یک شخص یهودی، در حالی که با خشم به حضرت می‌کرد، نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: ای مرد یهودی چه خواسته‌ای داری؟ گفت: تو برتر هستی یا موسی بن عمران که خداوند با او سخن می‌گفت و نیز به او تورات و عصا داده و برای او دریا را شکافته بود و ابر را بر سرش چون سایبان افکنده بود؟ پیامبر فرمود: سزاوار نیست که کسی خود را ستایش کند. اما می‌گویم، آنگاه که آدم گناه کرد، توبه او این کلمات بود: خدایا! تو را به محمد و آل محمد سوگند می‌دهم که مرا پیامرز و بعد خداوند از گناهش در گذشت. و آنگاه که نوح علیه السلام سوار کشتی شد و از غرق شدن ترس داشت که گفت خدایا! از توبه حق محمد و آل محمد خواستارم که مرا از غرق شدن نجات دهی و خداوند او را رهانید و آنگاه که ابراهیم را در آتش انداختند، چون

سخن



الاسم



وَلِكُنِّيْ أَقُولُ: إِنَّ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا أَصَابَ الْخَطِيئَةَ كَانَتْ تَوْبَتُهُ أَنْ قَالَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ لَمَّا غَفَرْتَ لِيْ فَعَفَرَهَا اللَّهُ لَهُ، وَإِنْ نُوْحًا لَمَّا رَكِبَ فِي السَّفِينَةِ وَخَافَ الْغَرَقَ قَالَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ لَمَّا أَنْجَيْتَنِي مِنَ الْغَرَقِ، فَنَجَّاهُ اللَّهُ عَنْهُ، وَإِنْ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا أُلْقِيَ فِي النَّارِ قَالَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ لَمَّا أَنْجَيْتَنِي مِنْهَا فَجَعَلَهَا اللَّهُ عَلَيْهِ بَرْدًا وَسَلَامًا، وَإِنْ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا أُلْقِيَ عَصَاهُ وَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً قَالَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ لَمَّا آمَنْتَنِي، فَقَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ: «لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى»^(١) يَا يَهُودِيَّ إِنَّ مُوسَى لَوَ أَدْرَكَ كُنِّيَّ ثُمَّ لَمْ يُؤْمِنْ بِيْ وَبِئْسَوْتِي مَا نَفَعَهُ إِيمَانُهُ شَيْئًا وَلَا نَفَعَتْهُ النَّبُوءَةُ يَا يَهُودِيَّ، وَمِنْ ذُرِّيَّتِي الْمَهْدِيَّ إِذَا خَرَجَ نَزَلَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ لِنُصْرَتِهِ فَقَدَّمَهُ وَصَلَّى خَلْفَهُ.

٥. حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ النَّصْرِ بْنِ السَّمْعَانِ الثَّمِيمِيُّ (رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ)، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْمَكِّيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ عَمْرِو الْأَطْرُوشِ الْحَرَائِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا صَالِحُ بْنُ رِيَادٍ أَبُو سَعِيدٍ الشُّوقِي، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو عُثْمَانَ السُّكْرِيُّ وَاسْمُهُ (عَبْدُ اللَّهِ) عَبْدُ بْنُ مَيْمُونٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَعْرِزٍ الْأَوْدِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا عِمْرَانُ بْنُ سَلِيمٍ عَنْ سُؤَيْدِ بْنِ عَقْلَةَ عَنْ طَاوُسِ الْيَمَانِيِّ، قَالَ: مَرَرْتُ بِالْحَجَرِ فَإِذَا أَنَا بِشَخْصٍ رَاكِعٍ وَسَاجِدٍ فَتَأَمَّلْتُهُ فَإِذَا هُوَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَقُلْتُ: يَا نَفْسَ رَجُلٍ صَالِحٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ النَّبُوءَةِ وَاللَّهِ لَأُعْتِمِدَنَّ دُعَاةَ فَجَعَلْتُ أَرْقُبُهُ حَتَّى فَرَّغَ مِنْ صَلَاتِهِ وَرَفَعَ بَاطِنَ كَفِّهِ إِلَى السَّمَاءِ وَجَعَلَ يَقُولُ: سَيِّدِي سَيِّدِي هَذِهِ يَدَايَ قَدْ مَدَدْتُهُمَا إِلَيْكَ بِالذُّنُوبِ مَمْلُوءَةً وَغَيْنَايَ بِالرَّجَاءِ مَمْدُودَةٌ وَحَقٌّ لِمَنْ دَعَاكَ بِالنَّدَمِ تَذَلُّلًا أَنْ تُجِيبَهُ بِالكَرَمِ تَفَضُّلًا سَيِّدِي أَمِنْ أَهْلِ الشَّقَاءِ خَلَقْتَنِي فَأُطِيلَ بَكَائِي أَمْ مِنْ أَهْلِ السَّعَادَةِ خَلَقْتَنِي فَأُبَشِّرَ رَجَائِي، سَيِّدِي الْبُصْرُوبُ الْمَقَامِعِ خَلَقْتَ أَعْضَائِي أَمْ لِشَرْبِ الْحَمِيمِ خَلَقْتَ أَمْعَائِي، سَيِّدِي لَوْ أَنَّ عَبْدًا اسْتَطَاعَ الْهَرَبَ مِنْ مَوْلَاهُ لَكُنْتُ أَوَّلَ الْهَارِبِينَ مِنْكَ، لَكُنِّي أَعْلَمُ أَنِّي لَا أَفُوتُكَ، سَيِّدِي لَوْ أَنَّ عَذَابِي مِمَّا يَزِيدُ فِي مُلْكِكَ لَسَأَلْتُكَ الصَّبْرَ عَلَيْهِ غَيْرَ أَنِّي أَعْلَمُ أَنَّهُ لَا يَزِيدُ فِي مُلْكِكَ طَاعَةُ الْمُطِيعِينَ وَلَا يَنْقُصُ مِنْهُ مَعْصِيَةُ الْعَاصِينَ، سَيِّدِي مَا أَنَا وَمَا خَطَرِي هَبْ

گفت: خدایا! به حق محمد و آل محمد مرا از آتش برهان و خداوند آتش را بر او سرد و سلامت ساخت. و آنگاه که موسی عصای خود را انداخت و از آن هراسید گفت: خدایا! از تو به حق محمد و آل محمد خواهانم که مرا امان دهی و خداوند فرمود: هراس نداشته باش که تو از ساحران برتری. ای مرد یهودی! اگر موسی علیه السلام مرا می دید و به من ایمان نمی آورد، نه ایمان او ثمره ای داشت و نه پیامبری اش. ای مرد یهودی، مهدی (عج) از نسل من است و همان کسی است که به هنگام ظهورش عیسی بن مریم علیه السلام به منظور یاری او از آسمان پایین خواهد آمد و پشت سر او نماز می خواند.

۵. طاووس یمانی می گوید: از حجر اسماعیل عبور می کردم که مردی را در حال رکوع و سجده دیدم. به چهره او نگاهی کردم، او علی بن حسن علیه السلام بود پیش خود گفتم: او مردی صالح از خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله است و درخواست دعای او سودمند است. صبر کردم تا نماز حضرت تمام شود. دو دست خود به سوی آسمان بالا کرده بود و می گفت: آقای من! این دستان من است که پر از گناه به پیشگاه تو آورده ام. و این چشمان من است که آکنده از امید به دوست خدایا! کسی که با ندامت و ذلت به پیشگاهت نیایش کند سزاوار است که به لطف و بزرگواری ات به او عطا کنی. ای آقای من! مرا پریشان خلق کردی که زیاد اشک بریزم، یا نیک بخت خلقم کردی که بشارت تو را داشته باشم. ای آقای من! اعضای بدن مرا برای تازیانه های ذخوردن خلق کردی یا روده های مرا برای نوشیدن حمیم. آقای من! اگر بنده ای می توانست از آقای خود فرار کند، من در آغاز از تو می گریختم، اما آگاهم که هیچ گاه از قلمرو قدرت تو خارج نخواهم شد. آقای من! اگر شکنجه کشیدن من بر قدرت تو می افزاید من از تو می خواهم که شکیباً بر آن باشم هر چند آگاهم که نه طاعت بندگان بر قدرت تو می افزاید و نه معصیت آنان از قدرت تو می کاهد. آقای من! چه کی هستم و چه آبرویی دارم؟ مرا به عنایت خود ببخشای و عیبم را بپوشان و با بزرگواری ات از سرزنشم بگذر. خدایا! ای آقای من! به من محبت کن بر بستر افتاده ام و با دست دوستان این سو آن سو



السلامی





السلام

لِي بِفَضْلِكَ وَجَلَّتْ لِي بِشَرِّكَ وَاعْفُ عَنْ تَوْبِيخِي بِكَرَمٍ وَجْهِكَ، إِلَهِي وَسَيِّدِي أَرْحَمَنِي
مَضْرُوعاً عَلَى الْفِرَاشِ تَقْلِبُنِي أَيْدِي أَحِبَّتِي وَأَرْحَمَنِي مَطْرُوحاً عَلَى الْمُغْتَسَلِ يُغَسِّلُنِي
صَالِحُ جِيرَتِي وَأَرْحَمَنِي مَحْمُولاً قَدْ تَنَاوَلَ الْأَقْرَبَاءُ أَطْرَافَ جَنَازَتِي وَأَرْحَمَ فِي ذَلِكَ
الْبَيْتِ الْمُظْلِمِ وَحَشَتِي وَغُرْبَتِي وَوَحْدَتِي، قَالَ طَاوُسٌ فَبَكَيْتُ حَتَّى عَلَا نَحْيِي فَالْتَفَتَ
إِلَيَّ فَقَالَ: مَا يُبْكِيكَ يَا يَمَانِي أَوْ لَيْسَ هَذَا مَقَامَ الْمُذْنِبِينَ، فَقُلْتُ حَبِيبِي حَقِيقٌ عَلَيَّ أَنَّ
اللَّهَ لَا يَرُدُّكَ وَجَدُّكَ مُحَمَّدٌ ﷺ قَالَ قَبِينَا نَحْنُ كَذَلِكَ إِذَا أَقْبَلَ نَفَرٌ مِنْ أَصْحَابِهِ فَالْتَفَتَ
إِلَيْهِمْ فَقَالَ مَعَاشِرَ أَصْحَابِي أَوْصِيكُمْ بِالْآخِرَةِ وَلَسْتُ أَوْصِيكُمْ بِالدُّنْيَا فَإِنَّكُمْ بِهَا
مُسْتَوْصُونَ وَعَلَيْهَا حَرِيصُونَ وَبِهَا مُسْتَمْسِكُونَ مَعَاشِرَ أَصْحَابِي إِنَّ الدُّنْيَا دَارُ مَمَرٍ وَ
الْآخِرَةُ دَارُ مَقَرٍّ فَخُذُوا مِنْ مَمَرٍ كُمْ لِمَقَرٍّ كُمْ وَلَا تَهْتِكُوا أَسْتَارَكُمْ عِنْدَ مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ
أَسْرَارُكُمْ وَأَخْرِجُوا مِنَ الدُّنْيَا قُلُوبَكُمْ قَبْلَ أَنْ تَخْرُجَ مِنْهَا أَبْدَانُكُمْ، أَمَا رَأَيْتُمْ وَسَمِعْتُمْ مَا
اسْتَدْرَجَ بِهِ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ مِنَ الْأُمَمِ السَّالِفَةِ وَالْقُرُونِ الْمَاضِيَةِ أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ فَضَحَ
مَشْوَرُهُمْ وَأَمْطَرَ مَوَاطِرَ الْهَوَانِ عَلَيْهِمْ بِتَبْدِيلِ سُورِهِمْ بَعْدَ خَفْضِ عَيْشِهِمْ وَلِينِ
رَفَاهِيَّتِهِمْ صَارُوا حَصَائِدَ النِّقَمِ وَمَذَارِجَ الْمَثَلَاتِ أَقُولُ قَوْلِي هَذَا وَاسْتَغْفِرُ اللَّهَ لِي وَ
لَكُمْ.

٤. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادٍ بْنُ جَعْفَرٍ الْهَمْدَانِيُّ ﷺ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ
عَنْ أَبِيهِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ
قَالَ كَانَ بِالْمَدِينَةِ رَجُلٌ بَطَالٌ يُضْحِكُ النَّاسَ مِنْهُ، فَقَالَ: قَدْ أَغْيَانِي هَذَا الرَّجُلُ أَنْ
أُضْحِكَهُ يَغْنِي عَلَيَّ بْنُ الْحُسَيْنِ ﷺ قَالَ: فَمَرَّ عَلِيُّ ﷺ وَخَلَفَهُ مَوْلَانِ لَهُ فَجَاءَ الرَّجُلُ حَتَّى
انْتَزَعَ رِدَاءَهُ مِنْ رَقَبَتِهِ ثُمَّ مَضَى فَلَمْ يَلْتَفِتْ إِلَيْهِ عَلِيُّ ﷺ فَاتَّبَعُوهُ وَأَخَذُوا الرِّدَاءَ مِنْهُ
فَجَاءُوا بِهِ فَطَرَحُوهُ عَلَيْهِ، فَقَالَ لَهُمْ: مَنْ هَذَا، فَقَالُوا لَهُ: هَذَا رَجُلٌ بَطَالٌ يُضْحِكُ أَهْلَ
الْمَدِينَةِ، فَقَالَ قُولُوا لَهُ: إِنَّ لِلَّهِ يَوْمًا يَخْسَرُ فِيهِ الْمُبْطِلُونَ.

٧. حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ (رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ)، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَحْمَدَ
بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ
عَنْ آبَائِهِ ﷺ، قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ: إِنَّ لِأَهْلِ الدِّينِ عَلَامَاتٍ يُعْرِفُونَ بِهَا صِدْقَ



می شوم. به من محبت کن که بر سنگ غسل خانه افتاده و همسایگان خوبم مرا غسل می دهند. به من محبت کن آنگاه که جنازه بر دوش نزدیکیان است و در سرای تاریک قبر به هراس و غربت و تنهایی من رحم کن.

طاووس یمانی می گوید: من اشک ریختم تا اینکه ناله ام به گوش امام رسید. آن حضرت به من نگاهی کرد و فرمود: ای طاووس! چرا اشک می ریزی؟ مگر این جایگاه اهل معصیت نیست؟ گفتم: ای دوست من! سزاوار است که خداوند درخواست تو را رد نکند که نیای تو پیامبر ﷺ است. طاووس یمانی می افزاید: سپس گروهی از یاران حضرت آمدند. به آنان فرمود: ای یاران من! دنیا سرای گذر است و آخرت سرای باقی. پس از گذرتان برای آسایشگاهتان ره توشه بگیرید و پرده تقوا را در پیشگاه کسی که از سینه تان آگاهی دارد، پاره نکنید و دل خوشتن را از دنیا خارج کنید پیش از آنکه بدن های شمارا از دنیا خارج کنند. آیا ندیده اید و نشنیده اید که امت های پیشین در روزگاران گذشته چگونه دچار غفلت شدند؟ آیا ندیده اید که آنان چگونه رسوا شدند و جامه ذلت بر آنان پوشانده شد و شادمانی شان پس از عیش و عشرت دگرگون و با بلا درو شدند و باعث عبرت دیگران گشتند. اکنون برای خود و شما طلب مغفرت می کنم.

۶. امام صادق علیه السلام فرمود: در مدینه شخصی بود که مردم را با دلقکی خود می خندانید. او می گفت: هرگز قدرت نیافتم که امام سجاد علیه السلام را بخندانم.

امام صادق علیه السلام باز فرمود: علی بن حسین علیه السلام همراه دو غلام خود از جایی عبور می کرد که نگاهش به دلقک افتاد. او ردای حضرت را کشید و فرار کرد. امام به او اعتنایی نکرد. مردم دلقک را تعقیب کردند و ردای حضرت را پس گرفتند و بعد بر دوش حضرت انداختند. امام سجاد علیه السلام فرمود: این شخص کی بود؟ گفتند: دلقک است که مردم را شاد می کند. آنگاه فرمود: به او بگویید برای خداوند روزی است که در آن بیهوده کاران دچار زیان کاری خواهند شد.

۷. امیر مومنان علیه السلام فرمود: مؤمنان نشانه هایی دارند که به سبب آن شناسایی می شوند که عبارتند از: راست گویی و امانت داری و وفای به عهد و پیمان، پیوند با

الْحَدِيثِ وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ وَالْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ وَصِلَةِ الرَّحِمِ وَرَحْمَةِ الضُّعْفَاءِ وَقِلَّةِ الْمَوَاتَاةِ لِلنِّسَاءِ وَبَذَلِ الْمَعْرُوفِ وَحُسْنِ الْخُلُقِ وَسَعَةِ الْخُلُقِ وَاتِّبَاعِ الْعِلْمِ وَمَا يَقْرُبُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ طُوبَى لَهُمْ وَحُسْنُ مَا بَابِ وَطُوبَى شَجَرَةٍ فِي الْجَنَّةِ أَضْلَاهَا فِي دَارِ النَّبِيِّ ﷺ وَلَيْسَ مِنْ مُؤْمِنٍ إِلَّا وَفِي دَارِهِ غُصْنٌ مِنْهَا لَا تَخْطُرُ عَلَى قَلْبِهِ شَهْوَةٌ شَيْءٌ إِلَّا أَنَّهُ بِهِ ذَلِكَ الْغُصْنُ وَلَوْ أَنَّ رَاكِبًا مُجَدَّأً سَارَ فِي ظِلِّهَا مِائَةَ عَامٍ مَا خَرَجَ مِنْهَا وَلَوْ طَارَ مِنْ أَسْفَلِهَا غُرَابٌ مَا بَلَغَ أَغْلَاهَا حَتَّى تَسْقُطَ هَرَمًا أَلَا فَبِي هَذَا فَارْغَبُوا إِنَّ الْمُؤْمِنَ نَفْسُهُ مِنْهُ فِي شُغْلٍ وَالنَّاسُ مِنْهُ فِي رَاحَةٍ، وَإِذَا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ افْتَرَشَ وَجْهَهُ وَسَجَدَ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِمَكَارِمِ بَدَنِهِ يُتَاجِي الَّذِي خَلَقَهُ فِي فِكَاكٍ رَقَبَتِهِ الْأَهْكَذَا فَكُونُوا.

٨. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ يَحْيَى الْعِطَارُ (رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ)، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيْسَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ ﷺ، قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى خَصَّ رَسُولَهُ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ فَاُمْتَحِنُوا أَنْفُسَكُمْ، فَإِنْ كَانَتْ فِيكُمْ فَأَحْمَدُوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَارْغَبُوا إِلَيْهِ فِي الزِّيَادَةِ مِنْهَا فَذَكَرَهَا عَشْرَةَ الْيَقِينِ وَالْقَنَاعَةِ وَالصَّبْرَ وَالشُّكْرَ وَالْعِلْمَ وَحُسْنَ الْخُلُقِ وَالسَّخَاءَ وَالْعِفَّةَ وَالشُّجَاعَةَ وَالْمُرُوءَةَ.

٩. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ (رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ)، قَالَ: أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ سَعِيدٍ الْكُوفِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَالٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا عَنْ أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ﷺ، قَالَ: «لَمَّا حَضَرَتْ الْحَسَنَ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ الْوَفَاةُ بَكَى، فَقِيلَ لَهُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَتَبْكِي وَمَكَانُكَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ الَّذِي أَنْتَ بِهِ، وَقَدْ فَيَك رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَا قَالَ وَقَدْ حَجَّجْتَ عَشْرِينَ حِجَّةً مَاشِيًا، وَقَدْ قَاسَمْتَ رَبَّكَ مَالَكِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ حَتَّى التَّغْلَ، وَالتَّغْلَ فَقَالَ ﷺ: أَنَّمَا أَبْكِي لِخَصْلَتَيْنِ لِهَوْلِ الْمُطَّلَعِ وَفِرَاقِ الْإِحْبَةِ».

١٠. حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدٍ الْهَاشِمِيُّ الْكُوفِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا فُرَاتُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ فُرَاتٍ الْكُوفِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ ظَهْرٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ

خویشاوندان و محبت به ناتوان‌ها و کم‌آمیختن با زنان و بخشش معروف و خوش خلقی و خوش رفتاری و پیروی از علم و آنچه انسان را به خداوند نزدیک می‌کند. طوبی و نیک فرجامی به آنان تعلق دارد. طوبی درختی است در بهشت که بن آن در خانه پیامبر ﷺ است و آنگاه در خانه‌های مؤمنان شاخه‌های آن به چشم می‌خورد که هر چه بخواهند آن شاخه‌ها خواهند آورد. اگر سواری تیز پا صد سال در سایه طوبی بدود، هرگز از حوزه آن خارج نمی‌شود. و اگر کلاغی از پای طوبی برخیزد، تا از پیری نیفتد نخواهد توانست بر بالای طوبی برسد. بدانید در به خاطر این نعمت کوشش کنید. مؤمن سرگرم خود است و مردم از جانب او در آسایش خواهند بود. آنگاه که شب فرا می‌رسد، صورت بر خاک می‌گذارد و در پیشگاه خدا با عضوهای ارجمند بدن خود سجده کند و با کسی که او را خلق کرده است، برای آزادگی‌اش نیایش دارد آگاه باشید که این گونه باشد.

۸. امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را به مکارم اخلاق برگزید که خویشتن را با آن در بیازماید. اگر مکارم اخلاقی در شما وجود دارد، او را سپاس گزار باشید و بیشتر آن را درخواست کنید. آنگاه مکارم اخلاق را بر شمرد: یقین، قناعت، صبر، شکر، حلم، حسن خلق، سخاوت، غیرت، شجاعت و مروت.

۹. امام رضا علیه السلام از پدران خود روایت فرمود: آنگاه که امام مجتبی علیه السلام در آستانه رحلت قرار گرفت، اشک ریخت. پرسیدند: آیا شما با اینکه به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نزدیک هستی، اشک می‌ریزی. کم نبود آن چه حضرت درباره شما گفته است. از طرفی بیست بار پیاده به حج رفته‌اید و نیز دارایی‌تان را در سه نوبت حتی در مورد نعلین با پروردگار تقسیم کرده‌اید. فرمود: برای دو چیز اشک می‌ریزم. نخست ترس از دیدار خدا و دیگر فراق دوستان.

۱۰. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از اسرافیل نقل می‌کند که خداوند چنین فرمود: من خدایی



السلامی





الاساس

الحُسَيْنِ ابْنِ أَخِي يُونُسَ الْبَغْدَادِيَّ بَغْدَادًا، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ النَّهْشَلِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرِّضَا عَنْ أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله عَنْ جَبْرِئِيلَ عَنْ مِيكَائِيلَ عَنْ إِسْرَافِيلَ عَنِ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ أَنَّهُ قَالَ: «أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا» ^(١) خَلَقْتُ الْخَلْقَ بِقُدْرَتِي فَاخْتَرْتُ مِنْهُمْ مَنْ شِئْتُ مِنْ أَنْبِيَائِي وَاخْتَرْتُ مِنْ جَمِيعِهِمْ مُحَمَّدًا صلى الله عليه وآله حَبِيبًا وَخَلِيلًا وَصَفِيًّا فَبَعَثْتُهُ رَسُولًا إِلَى خَلْقِي وَاصْطَفَيْتُ لَهُ عَلِيًّا فَجَعَلْتُهُ لَهُ أَخًا وَوَصِيًّا وَوَزِيرًا وَوُدِيًّا عَنْهُ مِنْ بَعْدِهِ إِلَى خَلْقِي وَخَلِيفَتِي عَلَى عِبَادِي لِيُبَيِّنَ لَهُمْ كِتَابِي وَيَسِيرَ فِيهِمْ بِحُكْمِي وَجَعَلْتُهُ الْعِلْمَ الْهَادِيَّ مِنَ الضَّلَالَةِ وَبَابِي الَّذِي أُوتِيَ مِنْهُ وَبَيْتِي الَّذِي مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا مِنْ نَارِي وَحِصْنِي الَّذِي مَنْ لَجَأَ إِلَيْهِ حَصَّنَهُ مِنْ مَكْرُوهِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَوَجْهِي الَّذِي مَنْ تَوَجَّهَ إِلَيْهِ لَمْ أَصْرِفْ وَجْهِي عَنْهُ وَحُجَّتِي فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ عَلَى جَمِيعٍ مِنْ فِيهِنَّ مِنْ خَلْقِي لَا أَقْبَلُ عَمَلٌ غَامِلٍ مِنْهُمْ إِلَّا بِالْإِفْرَارِ بِوَلَايَتِهِ مَعَ لُبِّهِ أَحْمَدُ رَسُولِي وَهُوَ يَدِي الْمَبْسُوطَةُ عَلَى عِبَادِي وَهُوَ النُّعْمَةُ الَّتِي أَنْعَمْتُ بِهَا عَلَى مَنْ أَحْبَبْتُهُ مِنْ عِبَادِي فَمَنْ أَحْبَبْتُهُ مِنْ عِبَادِي وَتَوَلَّيْتُهُ عَرَفْتُهُ وَوَلَايَتُهُ وَمَعْرِفَتُهُ وَمَنْ أَبْغَضْتُهُ مِنْ عِبَادِي أَبْغَضْتُهُ لَأَنْصِرَافِهِ عَنْ مَعْرِفَتِهِ وَوَلَايَتِهِ فَبِعِزَّتِي خَلَقْتُ وَبِجَلَالِي أَقْسَمْتُ أَنَّهُ لَا يَتَوَلَّى عَلِيًّا عَبْدٌ مِنْ عِبَادِي إِلَّا زَحَرَ حَتَّى غِيَّ النَّارِ وَأَدْخَلْتُهُ الْجَنَّةَ وَلَا يُبْغِضُهُ عَبْدٌ مِنْ عِبَادِي وَيَعْدِلُ عَنْ وَلَايَتِهِ إِلَّا أَبْغَضْتُهُ وَأَدْخَلْتُهُ النَّارَ وَبُشْنَ الْمَصِيرِ.

هستم که غیر از من معبود شایسته پرستشی وجود ندارد و به قدرت خویش مردمان را خلق کردم و هرکس از پیامبران را که اراده کردم، برگزیدم و از میان آنان محمد حبیب و خلیل وصی خود را گزینش کردم و او را در میان خلق خود بر انگیزختم و نیز علی را برای او انتخاب که برادر و وصی و وزیر و ردکننده حقوق پس از اوست، او را جانشین خود در میان بندگانم قرار دادم تا آنکه قرآن مرا به آنان تعلیم دهد و در میان آنان به حکم من رفتار کند، او را نشان رهبری در گمراهی و باب رحمت خود ساختم که از طریق او وارد شوند و نیز سرای خویش ساختم که هرکس در آن در آید، از دوزخ در امان باشد، علی در من است و هرکس به او پناه برد، از آسیب دنیا و آخرت در امان است، علی چهره من است که هرکس به او رو آورد، هرگز از او روی نگردانم، علی حجت من در آسمانها و زمین است، از مردمان عملی قبول نکنم، مگر اینکه همراه با اعتراف علی و نبوت احمد، فرستاده‌ام، باشد، علی دستان گشاده من است بر بندگان من، مهر علی نعمتی است که به هرکس دوستش داشته باشم، می‌دهم و او را ولی و معرف علی می‌سازم، و هرکس را دشمن داشته باشم رازش این است که او از شناختن علی اعراض دارد، به عزت خود به جلال خود سوگند یاد کرده‌ام که هیچ کس علی را دوست ندارد، مگر اینکه او را از دوزخ دور سازم و او را وارد بهشت کنم و هیچ کس علی را دشمن نداشته باشد و از ولایت او روی گردان نباشد، مگر اینکه او را دشمن داشته و به دوزخ در خواهم آورد که بد سرانجامی است.

المجلس الأربعون

يوم الثلاثاء الحادي عشرة من صفر

من سنة ثمان وستين و ثلاثمائة



السلام

١. حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوئِهِ الْقُمِّيُّ رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ حَمَّادٍ الْبَغْدَادِيُّ عَنْ بَشْرِ بْنِ غِيَاثٍ الْمُرِّيْسِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبُو يُوْسُفَ يَعْقُوبُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِي حَنِيفَةَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ السَّلْمَانِيِّ عَنْ حَنْشَرِ بْنِ الْمُغْتَمِرِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام، قَالَ: «دَعَانِي رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله فَوَجَّهَنِي إِلَى الْيَمَنِ لِأُصْلِحَ بَيْنَهُمْ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّهُمْ قَوْمٌ كَثِيرٌ وَلَهُمْ مُسِينٌ وَأَنَا شَابٌ حَدَثٌ، فَقَالَ: يَا عَلِيُّ إِذَا صِرْتَ بِأَعْلَى عَقَبَةٍ أَفِيقِ فَنَادِ بِأَعْلَى صَوْتِكَ يَا شَجَرُ يَا مَدْرُ يَا ثَرَى مُحَمَّدُ رَسُولُ اللَّهِ يُقَرِّتُكُمْ السَّلَامَ، قَالَ: فَذَهَبْتُ فَلَمَّا صِرْتُ بِأَعْلَى الْعَقَبَةِ أَشْرَفْتُ عَلَى أَهْلِ الْيَمَنِ فَإِذَا هُمْ بِأَسْرِهِمْ مُقْبِلُونَ نَخْوِي مُشْرِغُونَ رِمَاحَهُمْ مُسَوِّونَ أَسْنَتَهُمْ مُتَنَكِّبُونَ قِسِيَهُمْ شَاهِرُونَ سِلَاحَهُمْ فَنَادَيْتُ بِأَعْلَى صَوْتِي يَا شَجَرُ وَيَا مَدْرُ يَا ثَرَى مُحَمَّدُ رَسُولُ اللَّهِ يُقَرِّتُكُمْ السَّلَامَ، قَالَ: فَلَمْ تَبْقَ شَجَرَةٌ وَلَا مَدْرَةٌ وَلَا ثَرَى إِلَّا ارْتَجَّ بِصَوْتٍ وَاحِدٍ عَلَى مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ وَعَلَيْكَ السَّلَامُ فَاضْطَرَبَتْ قَوَائِمُ الْقَوْمِ وَارْتَعَدَتْ رُكَبُهُمْ فَرَأَيْتُهم وَرَكَبَهُمْ وَوَقَعَ السَّلَاحُ مِنْ أَيْدِيهِمْ وَأَقْبَلُوا إِلَيَّ مُسْرِعِينَ فَأَصْلَحْتُ بَيْنَهُمْ وَانْصَرَفْتُ».

٢. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّعْدِ ابْنُ أَبِي عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبُو جَمِيلَةَ الْمُفَضَّلُ بْنُ صَالِحٍ عَنْ سَعْدِ بْنِ طَرِيفٍ عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عليه السلام قَالَ إِنَّ الْيَهُودَ أَتَتْ امْرَأَةً مِنْهُمْ يُقَالُ لَهَا: عُبْدَةُ، فَقَالُوا: يَا عُبْدَةُ قَدْ عَلِمْتَ أَنَّ مُحَمَّدًا قَدْ هَدَى رُكْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَهَدَمَ الْيَهُودِيَّةَ، وَقَدْ غَالَى الْمَلَأُ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ بِهَذَا السَّمِّ لَهُمْ وَهُمْ جَاعِلُونَ لَكَ جُغَلًا عَلَى أَنْ

مجلس چهارم

سه شنبه یازدهم صفر سال ۳۶۸

السلامی

۱. علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود: پیامبر مرا طلبید و آنگاه به یمن فرستاد که میان مردمان آن سرزمین اصلاح کنم. گفتم: آنان جمعیت بسیار هستند و کهن سالانی دارند و من هنوز جوانی نورس بیش نیستم. فرمود: ای علی آنگاه که به گردنه «افیق» رسیدی، فریاد بزن که ای درخت، ای کلوخ، ای خاک! محمد فرستاده خداوند به شما سلام می‌فرستد.

علی علیه السلام فرمود: آن‌گاه که به آن گردنه نزدیک شدم و به سمت یمن به راه افتادم، ناگهان دیدم که همه با نیزه‌های افراشته و پیکان زده و کمان به دوش و شمشیرهای آخته به من روی آورده: به صدای بلند همان چیزی را گفتم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده بود. سنگ و درخت و کلوخ و خاکی ندیدم، مگر اینکه هم نوا شدند و بر پیامبر درود فرستادند. آنگاه جمعیت پراکنده شدند و دلها و پاهاى آنان لرزیدن گرفت. سلاح از دست آنان افتاد و با شتاب پیش من آمدند و بین آنان سازش دادم و برگشتم.

۲. علی علیه السلام فرمود: قوم یهود پیش زنی یهودی به نام «عبده» آمده و گفتند: تو آگاهی که محمد کمر قوم بنی اسرائیل را شکسته و آیین یهود را نابود کرده است. اینک تمام اشراف یهودی این زهر را آماده ساختند و برای آن بهای سنگینی پرداختند و دست مزد خوبی به تو خواهند داد. که گوشت این گوسفند را با آن آغشته کنی و به محمد بخورانی. زن یهودی گوسفند را بریان کرد و بزرگان بنی اسرائیل را به سرای خویش فرا خواند

تَسْمِيهِ فِي هَذِهِ الشَّاةِ فَعَمَدَتْ عَبْدَةً إِلَى الشَّاةِ فَشَوَّهَتْهَا ثُمَّ جَمَعَتِ الرُّؤَسَاءُ فِي بَيْتِهَا وَأَتَتْ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ، فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ قَدْ عَلِمْتُ مَا تُوَجِّبُ لِي وَقَدْ حَضَرَنِي رُؤَسَاءُ الْيَهُودِ فَرَبَّنِي بِأَصْحَابِكَ، فَقَامَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَمَعَهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَابْنُ دُجَانَةَ وَأَبُو أَيُّوبَ وَسَهْلُ بْنُ حَنِيفٍ وَجَمَاعَةٌ مِنَ الْأُمَمِاجِرِينَ، فَلَمَّا دَخَلُوا وَأَخْرَجَتِ الشَّاةُ سَدَّتِ الْيَهُودُ أَسْفَلَهَا بِالصُّوفِ وَقَامُوا عَلَى أَرْجُلِهِمْ وَتَوَكَّؤْا عَلَى عَصِيهِمْ، فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «اقْعُدُوا، فَقَالُوا: إِنَّا إِذَا زَارْنَا نَبِيًّا لَمْ يَقْعُدْ مِنَّا أَحَدٌ وَكَرِهْنَا أَنْ يَصِلَ إِلَيْهِ مِنْ أَنْفَاسِنَا مَا يَتَأَذَى بِهِ وَكَذَبَتِ الْيَهُودُ عَلَيْهَا لَعْنَةُ اللَّهِ، إِنَّمَا فَعَلْتُ ذَلِكَ مَخَافَةَ سُورَةِ السَّمَ وَدُخَانِهِ، فَلَمَّا وَضَعَتِ الشَّاةُ بَيْنَ يَدَيْهِ تَكَلَّمَ كَتَفُهَا، فَقَالَتْ: مَهْ يَا مُحَمَّدُ لَا تَأْكُلْنِي فَإِنِّي مَسْمُومَةٌ، فَدَعَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَبْدَةً فَقَالَ لَهَا: «مَا حَمَلَكَ عَلَى مَا صَنَعْتَ؟» فَقَالَتْ: قُلْتُ: إِنْ كَانَ نَبِيًّا لَمْ يَضُرَّهُ وَإِنْ كَانَ كَاذِبًا أَوْ سَاحِرًا أَرَحْتُ قَوْمِي مِنْهُ فَهَبَطَ جِبْرِئِيلُ فَقَالَ اللَّهُ يُقَرِّتُكَ السَّلَامُ وَ يَقُولُ: قُلْ: بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي يُسَمِّيهِ بِهِ كُلُّ مُؤْمِنٍ وَبِهِ عِزُّ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَبُنُورُهُ الَّذِي أَضَاءَتْ بِهِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَبِقُدْرَتِهِ الَّتِي خَضَعَ لَهَا كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَانْتَكَسَ كُلُّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ مِنْ شَرِّ السَّمَ وَالسَّحَرِ وَاللَّعْنِ بِسْمِ اللَّهِ الْعَلِيِّ الْمَلِكِ الْفَرْدِ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ» وَنُزِّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَرِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خُسَارًا^(١)، فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ ذَلِكَ وَأَمَرَ أَصْحَابَهُ فَتَكَلَّمُوا بِهِ، ثُمَّ قَالَ: كُلُّوْا ثُمَّ أَمَرَهُمْ أَنْ يَحْتَجِمُوا.

٣. حَدَّثَنَا صَالِحُ بْنُ عِيْسَى بْنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْعَجَلِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ عَلِيٍّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو نَضْرٍ الشَّعْرَانِيُّ فِي مَسْجِدِ حُمَيْدٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا سَلَمَةُ بْنُ الْوَضَّاحِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي إِسْرَائِيلَ عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ الْهَمْدَانِيِّ عَنْ عَاصِمِ بْنِ ضَمْرَةَ عَنِ الْحَارِثِ الْأَعْوَرِ، قَالَ: بَيْنَا أَنَا أَسِيرُ مَعَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فِي الْحَبِيرَةِ إِذَا نَحْنُ بِدَيْرَانِي يَضْرِبُ النَّاقُوسُ، قَالَ: فَقَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ﷺ: يَا حَارِثُ أَتَدْرِي مَا يَقُولُ هَذَا النَّاقُوسُ، قُلْتُ: اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَابْنُ عَمِّ رَسُولِهِ أَعْلَمُ، قَالَ: إِنَّهُ يَضْرِبُ مَثَلِ الدُّنْيَا وَخَرَابِهَا، وَيَقُولُ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا حَقًّا صِدْقًا صِدْقًا إِنَّ الدُّنْيَا قَدْ غَرَّتْنَا وَشَغَلَّتْنَا وَاسْتَهْوَتْْنَا وَاسْتَفَوَتْْنَا يَا ابْنَ الدُّنْيَا مَهْلًا مَهْلًا يَا ابْنَ الدُّنْيَا دَقًّا دَقًّا يَا ابْنَ الدُّنْيَا جَمْعًا جَمْعًا

و آنگاه پیش پیامبر خدا ﷺ آمد و گفت: ای محمد آگاهی که من چه تکلیفی دارم. بزرگان یهود اکنون در خانه من آمده‌اند. تو همراه یاران خود مرا سرفراز کن. حضرت با علی علیه السلام و ابودجانة و ابوایوب و سهل بن حنیف و برخی مهاجران به خانه او رفتند. گوشت بریان گوسفند را که آوردند، یهودیان بینی‌های خویش را با پشم فرو بستند و ایستادند و به عصاهای خود تکیه دادند. پیامبر ﷺ فرمود بنشینید. گفتند: آنگاه که پیامبری به دیدن ما بیاید، ما هرگز به خود اجازه نشستن نخواهیم داد و نیز ناخوشایند داریم که نفس ما به او نزدیک شود، مبدا که او را بیازارد. آنان دروغ گفته بودند و بینی‌های خود را به خاطر ترس از نفوذ بخار زهر گرفته بودند. آنگاه که گوسفند را پیش پیامبر گذاشتند، شانه مسموم گوسفند گفت: ای محمد دست از غذا بکش که مسموم کرده‌اند. پیامبر زن یهودی را طلبید: و فرمود چرا این کار را کردی؟ گفت: پیش خود گفتم اگر محمد پیامبر باشد، به او ضرری نخواهد رسید و اگر او دروغ زن و ساحر باشد: قوم خویش را از شر او آسوده خواهم کرد.

جبرئیل فرود آمد و گفت خدا تو را سلام می‌فرستد و می‌فرماید بگو به نام خداوند آن اسمی که هر مؤمنی را به آن می‌خواند و هر مؤمنی به خاطر ارجمند است، و به نور او که آسمانها و زمین به وسیله آن فروزان شده‌اند و به قدرت اوست که هر زورگوی سرکشی در برابر آن خاکسار شده و هر شیطان تمرد کننده در برابر او سرفرو افکنده، از آسیب زهر و جادو و هر بدی در امان است. غیر او معبود شایسته‌ای نبوده و او از قرآن هر چه برای اهل ایمان شفا و رحمت است و خداوند ستم پیشگان را جز ضرر نخواهد افزود. آنگاه پیامبر به اصحاب خویش فرمود: بخورید و بعد فرمان حجامت داد.

۳. حارث اعور می‌گوید: هنگامی که همراه علی علیه السلام در حیره می‌رفتیم، یک دیرانی داشت ناقوس می‌زد. علی علیه السلام فرمود: ای حارث خبرداری که این ناقوس چه می‌گوید؟ گفتم: خدا و پیامبر و پسرعموی او آگاه ترند. فرمود: آن صدا مثل دنیا و نابودی آن می‌نوازد و می‌گوید: لا اله الا الله حقا صدقا صدقا. بی‌گمان دنیا ما را گول زد و به خود مشغول داشت. قلب مان را ربود و ما را در گمراهی افکند.

ای فرزندان آدم! آرام آرام. ای فرزندان دنیا! بکوب بکوب. ای فرزندان دنیا! بیاندوز



السلام



تَفْنَى الدُّنْيَا قَرْنًا قَرْنًا مَا مِنْ يَوْمٍ يَمْضِي عَنَّا إِلَّا أَوْهَنَ (أَوْهَى) مِنَّا رُكْنَا قَدْ ضَيَعْنَا دَارًا تَبْقَى
وَاسْتَوَطْنَا دَارًا تَفْنَى لَسْنَا نَذَرِي مَا فَرَطْنَا فِيهَا إِلَّا لَوْ قَدْ مِثْنَا، قَالَ الْحَارِثُ: يَا أَمِيرَ
الْمُؤْمِنِينَ النَّصَارَى يَعْلَمُونَ ذَلِكَ؟ قَالَ: لَوْ عَلِمُوا ذَلِكَ لَمَا اتَّخَذُوا الْمَسِيحَ إِلَهًا مِنْ دُونِ
اللَّهِ، قَالَ: فَذَهَبْتُ إِلَى الدَّيْرَانِيِّ، فَقُلْتُ لَهُ: بِحَقِّ الْمَسِيحِ عَلَيْكَ لَمَّا ضَرَبْتَ بِالنَّاقُوسِ عَلَى
الْجِهَةِ الَّتِي تَضْرِبُهَا، قَالَ: فَأَخَذَ يَضْرِبُ وَأَنَا أَقُولُ حَرْفًا حَرْفًا حَتَّى بَلَغَ إِلَى مَوْضِعِ الْإِلَهِ
قَدْ مِثْنَا، فَقَالَ بِحَقِّ نَبِيِّكُمْ مَنْ أَخْبَرَكُمْ بِهَذَا؟ قُلْتُ: هَذَا الرَّجُلُ الَّذِي كَانَ مَعِيَ أَمْسَ،
فَقَالَ: وَهَلْ بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّبِيِّ مِنْ قَرَابَةٍ؟ قُلْتُ: هُوَ ابْنُ عَمِّهِ، قَالَ: بِحَقِّ نَبِيِّكُمْ أَسْمِعْ هَذَا مِنْ
نَبِيِّكُمْ؟ قَالَ: قُلْتُ: نَعَمْ فَأَسْلَمَ، ثُمَّ قَالَ لِي: وَاللَّهِ إِنِّي وَجَدْتُ فِي التَّوْرَةِ أَنَّهُ يَكُونُ فِي آخِرِ
الْأَنْبِيَاءِ نَبِيٌّ وَهُوَ يُفَسِّرُ مَا يَقُولُ النَّاقُوسُ.

٤. حَدَّثَنَا صَالِحُ بْنُ عِيْسَى الْعَجَلِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ عَلِيٍّ، قَالَ: حَدَّثَنَا
مُحَمَّدُ بْنُ مُنْدَةَ الْأَصْبَهَانِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ حُمَيْدٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا جَرِيرٌ عَنِ الْأَعْمَشِ
عَنْ أَبِي سَفْيَانَ عَنْ أَنَسٍ، قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَرَجُلَانِ مِنْ أَصْحَابِهِ فِي لَيْلَةٍ
ظَلَمَاءَ مُكْفَهَرَةٍ، إِذْ قَالَ لَنَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: اتَّبُوا بَابَ عَلِيٍّ فَاتَيْنَا بَابَ عَلِيٍّ ﷺ فَتَقَرَّرَ أَحَدُنَا
الْبَابَ نَقْرًا خَفِيًّا إِذْ خَرَجَ عَلَيْنَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ﷺ فَتَزَرَّأَ بِإِزَارٍ مِنْ صُوفٍ مُرْتَدِيًا
بِمِثْلِهِ فِي كَفِّهِ سَيْفُ رَسُولِ اللَّهِ، فَقَالَ لَنَا: «أَحَدٌ حَدَّثَ حَدَّثُ؟ فَقُلْنَا خَيْرُ أَمْرِنَا رَسُولُ اللَّهِ أَنْ
نَأْتِيَ بَابَكَ وَهُوَ بِالنَّارِ، إِذْ أَقْبَلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ: «يَا عَلِيُّ، قَالَ: لَبَّيْكَ، قَالَ: أَخْبِرْ
أَصْحَابِي بِمَا أَصَابَكَ الْبَارِحَةَ قَالَ: عَلِيُّ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي لَأَسْتَحْيِي، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:
إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ، قَالَ عَلِيُّ ﷺ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَصَابَتْنِي جَنَابَةُ الْبَارِحَةِ مِنْ
فَاطِمَةَ بِنْتِ رَسُولِ اللَّهِ فَطَلَبْتُ فِي الْبَيْتِ مَاءً فَلَمْ أَجِدِ الْمَاءَ فَبَعَثْتُ الْحَسَنَ كَذَا وَالْحُسَيْنَ
كَذَا فَأَبْطَلْنَا عَلِيٍّ فَاسْتَلَقَيْتُ عَلَى قَفَايَ، فَإِذَا أَنَا بِهَا تَيْفٍ مِنْ سَوَادِ الْبَيْتِ، فَمَ يَا عَلِيُّ وَخُذِ
السَّطْلَ وَاغْتَسِلْ، فَإِذَا أَنَا بِسَطْلٍ مِنْ مَاءٍ مَمْلُوءٍ عَلَيْهِ مِثْدِيلٌ مِنْ سُنْدُسٍ فَأَخَذْتُ السَّطْلَ وَ
اغْتَسَلْتُ وَمَسَحْتُ بَدَنِي بِالْمِثْدِيلِ وَرَدَدْتُ الْمِثْدِيلَ عَلَى رَأْسِ السَّطْلِ فَقَامَ السَّطْلُ فِي
الْهَوَاءِ فَسَقَطَ مِنَ السَّطْلِ جُرْعَةٌ فَأَصَابَتْ هَامَتِي فَوَجَدْتُ بَرْدَهَا عَلَى فَوَادِي، فَقَالَ
النَّبِيُّ ﷺ: بَخْ بَخْ يَا ابْنَ أَبِي طَالِبٍ أَصْبَحْتَ وَخَادِمُكَ جَبْرِئِيلُ، أَمَّا الْمَاءُ فَمِنْ نَهْرِ

بیاندوز بیاندوز. دنیا نابود می شود قرن به قرن. روزی از عمر مائمی گذرد، مگر آنکه رکنی از ما دچار سستی شود. ما خانه پایدار را ویران کردیم و سرای فناپذیر را وطن گرفتیم. و اکنون نمی دانیم چه کوتاهی کرده ایم در آن تا اینکه مرگ مان رسد. گفتم ای امیر مؤمنان! آیا مسیحیان این نکته خبر دارند؟ فرمود: اگر خبر داشتند عیسی بن مریم را در کنار خدا نمی پرستیدند. حارث می گوید: من پیش دیرانی رفته و گفتم تو را به حق عیسی همان گونه که ناقوس می نواختی، بنواز. دیرانی گفت: ناقوس می نواخت نه من. بعد من کلمه کلمه گفتم تا به عبارت آخر رسیدم. گفت: به حق پیامبران سوگند می دهم، چه کسی این خبر را به تو داده است؟ گفتم: همان شخصی که دیروز همراه من بود. گفت: آیا بین او و پیامبر خویشاوندی است؟ گفتم: آری، او پسر عموی پیامبر است. گفت: به حق پیامبران سوگند می دهم که بگو که آیا او این سخن را از پیامبران شنیده است؟ گفتم: آری. بعد دیرانی به اسلام ایمان آورد و گفت: به خدا سوگند، من در تورات خوانده ام که در آخر سلسله نبوت پیامبری خواهد آمد که آنچه ناقوس می گوید، می تواند آن را شرح دهد.

۴. انس می گوید: من همراه با دو تن دیگر از یاران رسول خدا ﷺ نزد آن حضرت بودیم. حضرت فرمود: به خانه علی علیه السلام بروید. به خانه علی علیه السلام که رسیدیم، آهسته در زدیم. علی علیه السلام با جامه ای از پشم و ردایی و شمشیری مانند شمشیر پیامبر به دست داشت. حضرت بیرون آمد و فرمود: خبر جدیدی است؟ گفتم: نه. پیامبر ﷺ به ما فرمان داد که نزد تو آمدیم و او اکنون خواهد رسید. در این هنگام حضرت رسول آمد و فرمود: ای علی. گفت: لبیک. پیامبر ﷺ فرمود: آن چه شب پیش برای تو رخ داد به یارانم بگو. گفت: ای پیامبر خدا! من شرم می کنم. فرمود: از بیان حق خویش نباید شرم داشت. گفت: ای پیامبر خدا! شب گذشته که برای غسل جنابت آب نیاز داشتیم، از فاطمه آب خواستم که در خانه غسل کنم. آب در خانه نبود. حسن و حسین را به هر سو روانه کردم که آبی بیاورند. آنان دیر کردند و من به پشت دراز کشیده بودم که هاتفی از سیاهی خانه پیام داد: ای علی! بلند شو و این سطل آب را بگیر و غسل کن. آنگاه سطلی پر آب دیدم و نیز حوله ای از سندس که بر روی آن بود. سطل را گرفتم و غسل کردم و با حوله خود را خنک کرده و بر سطل افکندم. ناگهان سطل به هوارفت و از آن اندکی بر سرم فرو ریخت و دلم



الْكُوْثَرِ، وَ أَمَّا السَّطَلُ وَ الْمِدِيلُ فَمِنْ الْجَنَّةِ، كَذَا أَخْبَرَنِي جَبْرِئِيلُ، كَذَا أَخْبَرَنِي جَبْرِئِيلُ، كَذَا أَخْبَرَنِي جَبْرِئِيلُ.

٥. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَسَدٍ الْأَسَدِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا يَعْقُوبُ بْنُ يُوسُفَ بْنِ حَازِمٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا عُمَرُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُجَالِدٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا حَفْصُ بْنُ غِيَاثٍ عَنْ بُرْدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ مَكْحُولٍ عَنْ وَائِلَةَ بْنِ الْأَسْقَعِ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «لَا تُظْهِرِ السَّمَاءَةَ بِأَخِيكَ فَيَرْحَمَهُ اللَّهُ وَيَتْلِيكَ».

٦. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ الْأَسَدِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْمَرْزُبَانِ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْجَعْدِ، قَالَ: حَدَّثَنَا شُعْبَةُ عَنْ أَبِي عِمْرَانَ الْجَوْنِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الصَّامِتِ، قَالَ: قَالَ أَبُو ذَرٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ الرَّجُلُ يَعْمَلُ لِنَفْسِهِ وَ يُحِبُّهُ النَّاسُ قَالَ: «بَلَّكَ عَاجِلُ بَشَرِ الْمُؤْمِنِينَ».

٧. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ الْأَسَدِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الْعَامِرِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ عِيْسَى بْنِ عُثَيْبٍ الصَّدُوسِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا سُلَيْمَانُ بْنُ عَمْرٍو عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَسَنِ بْنِ حَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أُمِّهِ فَاطِمَةَ بِنْتِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهَا، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «أَنَّ صَلَاحَ أَوَّلِ هَذِهِ الْأُمَّةِ بِالرُّهْدِ وَ الْيَقِينِ وَ هَلَكَ آخِرُهَا بِالشُّحِّ وَ الْأَمَلِ».

٨. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ فَضْلِ الْكُوفِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الْمَعْرُوفُ بِابْنِ الثَّبَّانِ، قَالَ: حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ خَالِدٍ الْمُقَرِّي الْكِسَائِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ دَاهِرٍ الرَّازِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ طَرِيفٍ عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ، قَالَ: بَيْنَا نَحْنُ ذَاتَ يَوْمٍ حَوْلَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع فِي الْمَسْجِدِ الْكُوفِيِّ إِذْ قَالَ: يَا أَهْلَ الْكُوفَةِ لَقَدْ حَبَاكُمْ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِمَا لَمْ يَحِبُّ بِهِ أَحَدًا فَفَضَّلَ مُصْلَاكُمْ وَ هُوَ بَيْتُ آدَمَ وَ بَيْتُ نُوحَ وَ بَيْتُ إِدْرِيسَ وَ مُصَلَّى إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلِ وَ مُصَلَّى أَخِي الْخَضِرِ ع وَ مُصْلَايَ وَ إِنْ مَسَّجِدَكُمْ هَذَا أَحَدُ الْأَرْبَعَةِ الْمَسَاجِدِ الَّتِي اخْتَارَهَا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِأَهْلِهَا وَ كَانَتْ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي ثَوْبَيْنِ أَبْيَضَيْنِ شَبِيهَ بِالْمُخْرَمِ يَشْفَعُ لِأَهْلِهِ وَ لِمَنْ صَلَّى فِيهِ فَلَا تُرَدُّ شَفَاعَتُهُ وَ لَا تَذْهَبُ الْيَّامُ حَتَّى يُنْصَبَ فِيهِ الْحَجَرُ الْأَسْوَدُ وَ لَيَأْتِيَنَّ عَلَيْهِ زَمَانٌ يَكُونُ مُصَلَّى الْمَهْدِيِّ مِنْ وَلَدِي وَ مُصَلَّى كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ لَا يَبْقَى عَلَى الْأَرْضِ مُؤْمِنٌ إِلَّا كَانَ بِهِ أَوْ حَرَّ قَلْبُهُ إِلَيْهِ فَلَا تَهْجُرُوهُ وَ تَقْرَبُوا

از آن خنک شد. پیامبر فرمود: به به. ای فرزند ابوطالب: تو صبح کردی در حالی که جبرئیل به تو خدمت می‌کرد و اما آن آب از نهر کوثر بهشت بود و سطل و مندیلهای هم از بهشت بود. بعد پیامبر سه بار فرمود: جبرئیل مرا از این ماجرا باخبر کرد.

السلامی

۵. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: برادر دینی خود را آشکارا سرزنش مکن که خداوند بر او رحم کند و تو را به عیب او گرفتار سازد.

۶. ابوذر غفاری می‌گوید: به پیامبر گفتم که شخصی برای خویشتن تلاش دارد و مردم وی را دوست می‌دارند. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: این بشارت نزدیک برای اهل ایمان است.



۷. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: صلاح نخست این امت به زهد و یقین است و نابودی آخر امت به سبب بخل و آرزوست.

۸. اصبع بن نباته می‌گوید: روزی در مسجد کوفه پیرامون علی علیه السلام بودیم که حضرت فرمود: ای کوفیان! خداوند به شما عطایایی داده است که به هیچ کس نداده است. نماز، خانه تان را برتری بخشیده، خانه آدم و نوح و ادریس و نمازخانه ابراهیم خلیل و برادر او خضر و نمازخانه من است. این مسجد شما یکی از مسجدهای چهارگانه‌ای است که خداوند آنها را برای ساکنان آن برگزیده است. انگار می‌بینم که اهل مسجد کوفه در روز رستاخیز دو جامه بر تن دارند که به محرم شباهت دارد و برای اهل خویش و هر کس که در مسجد کوفه نماز بخواند، شفاعت می‌کند که پذیرفته خواهد شد. زمانی نخواهد گذشت

سخن بساز

إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بِالصَّلَاةِ فِيهِ وَارْغَبُوا إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِكُمْ فَلَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِيهِ مِنَ الْبَرَكَةِ لَأَتَوْهُ مِنْ أَقْطَارِ الْأَرْضِ وَلَوْ حَبَوًّا عَلَى الثَّلَجِ».

٩. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ سَلَمَةَ بْنِ الْبَرَاءِ الْحَافِظُ الْبَغْدَادِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الثَّقَفِيُّ أَبُو الْعَبَّاسِ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَيْسَى بْنُ مُحَمَّدٍ الْكَاتِبُ قَالَ: حَدَّثَنِي الْمَدَائِنِيُّ عَنْ عِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عليه السلام، قَالَ: قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام: «عُقُولُ النِّسَاءِ فِي حِمَالِهِنَّ وَجَمَالُ الرِّجَالِ فِي عُقُولِهِمْ».

١٠. حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَعِيدٍ الْعُسْكِرِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ الْقُسَيْرِيُّ (الْقُسَيْرِيُّ)، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو الْحَرِيشِ أَحْمَدُ بْنُ عَيْسَى الْكُوفِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَلَا تَنْسَ نَفْسُكَ مِنَ الدُّنْيَا»، قَالَ: «لَا^(١) تَنْسَ صِحَّتَكَ وَفُوتَكَ وَفِرَاغَكَ وَشَبَابَكَ وَنَشَاطَكَ أَنْ تَطْلُبَ بِهَا الْآخِرَةَ».

١١. حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَعِيدٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مَنْصُورٍ عَنْ أَبِي الْجَهْمِ وَأَبُو يَزِيدَ الْقُرَشِيُّ، قَالَا: حَدَّثَنَا نَصْرُ بْنُ عَلِيٍّ الْجَهْضَمِيُّ (الْجَمِينِي)، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَخِي مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام، قَالَ: «أَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ عليهما السلام فَقَالَ: مَنْ أَحَبَّ هَذَيْنِ وَابَاهُمَا وَامْتَهَمَا كَانَ مَعِيَ فِي دَرَجَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ».

١٢. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ الطَّلَقَانِيُّ وَالْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَعِيدٍ الْعُسْكِرِيُّ جَمِيعًا، قَالَا: حَدَّثَنَا عَبْدُ الْعَزِيزِ بْنُ يَحْيَى الْجَلُودِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ زَكَرِيَّا الْجَوْهَرِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحَكَمِ (الْحَكِيم) عَنِ الرَّبِيعِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عليه السلام، قَالَ: يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «إِذَا عَصَانِي مِنْ خَلْقِي مَنْ يَغْرِفُنِي سَلَطْتُ عَلَيْهِ مَنْ لَا يَعْرِفُنِي».

١٣. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى الْمُكْتَبِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْوَرَّاقُ، قَالَ:

که حجر الاسود را در آنجا نصب می‌کنند و زمانی دیگر می‌آید که مهدی (عج) از نسل من در مسجد کوفه نماز می‌خواند که نمازخانه هر ایمان آورنده‌ای است. در زمین مؤمنی نخواهد بود، مگر آنکه به مسجد کوفه می‌آید. پاداش در هوای آن است. این مسجد را رها نکنید و با نماز خواندن در آن به حق نزدیک شوید و نیز در برآورده شدن حاجات خود بکوشید. اگر مردمان آگاه بودند که چه برکتی در مسجد کوفه است، بی‌گمان از همه سوی زمین به سمت آن می‌آمدند، هر چند باسر و دست روی برف بیایند.

۹. علی علیه السلام فرمود: عقل زنان در زیبایی‌شان است و زیبایی مردان در عقل آنان است.

۱۰. علی علیه السلام در تفسیر آیه شریفه: «نصیب خویش را از دنیا فراموش نکن» (قصص/۷۷) فرمود: یعنی قدرت و سلامت و فراغت و جوانی و شادابی خود را از یاد نبر که به سبب آنها آخرت خود را فراهم می‌کنی.

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

۱۱. علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله دست حسن و حسین را گرفت و آنگاه فرمود: هرکس این دو تن و پدر و مادر آنان را دوست داشته باشد، در رستخیز همراه و هم مرتبه‌ام خواهد بود.

۱۲. امام سجاد علیه السلام فرمود: خداوند می‌فرماید: هرکس از مردمان مرا خوب بشناسد و نافرمانی‌ام کند، بی‌گمان کسی را بر او مسلط خواهم کرد که مرا هرگز نشناسد.

۱۳. محمد بن حرب هلالی، حاکم مدینه می‌گوید که امام صادق علیه السلام فرمود: عافیت،



السلامی



حَدَّثَنِي بِشْرُ بْنُ سَعِيدٍ بْنُ قَلْبُوَيْهِ الْمُعَدَّلُ بِالرَّافِقَةِ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ الْجَبَّارِ بْنُ كَثِيرٍ التَّمِيمِيُّ اليماني، قَالَ: سَمِعْتُ مُحَمَّدَ بْنَ حَرْبٍ الْهَلَالِيَّ أَمِيرَ الْمَدِينَةِ يَقُولُ: سَمِعْتُ الصَّادِقَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عليه السلام يَقُولُ: «الْعَافِيَةُ نِعْمَةٌ خَفِيَّةٌ إِذَا وَجِدَتْ نُسِيتُ وَإِذَا فُقِدَتْ ذُكِرَتْ»، قَالَ وَ سَمِعْتُ الصَّادِقَ عليه السلام يَقُولُ: «الْعَافِيَةُ نِعْمَةٌ يَعْجِزُ الشُّكْرُ عَنْهَا».

١٤. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى الْمُكْتَبُ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو طَيْبٍ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْوَرَّاقُ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ دُرَيْدٍ الْأَزْدِيُّ الْمَعَانِي، قَالَ: حَدَّثَنَا الْعَبَّاسُ بْنُ الْفَرَجِ الرِّيَّاشِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبُو زَيْدٍ النَّخَوِيُّ الْأَنْصَارِيُّ، قَالَ: سَأَلْتُ الْخَلِيلَ بْنَ أَحْمَدَ الْعَرُوضِيَّ، فَقُلْتُ: لِمَ هَجَرَ النَّاسُ عَلِيًّا عليه السلام وَقُرْبَاهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله قُرْبَاهُ وَمَوْضِعُهُ مِنَ الْمُسْلِمِينَ مَوْضِعُهُ وَعَنَاؤُهُ فِي الْأَسْلَامِ عَنَاؤُهُ؟ فَقَالَ: بَهَرَّ وَاللَّهِ نُورُهُ أَنْوَارُهُمْ وَغَلَبَهُمْ عَلَى صَفْوِ كُلِّ مَنْهَلٍ وَالنَّاسُ إِلَى أَشْكَالِهِمْ أَمِيلٌ، أَمَا سَمِعْتَ الْأَوَّلَ حَيْثُ يَقُولُ:

وَكُلُّ شَكْلٍ لَشَكْلِهِ آلِفٌ أَمَا تَرَى الْفِيلَ يَأْلِفُ الْفِيلَا

قَالَ وَ أَنْشَدَنَا الرِّيَّاشِيُّ فِي مَعْنَاهُ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ الْأَخْنَفِ:

وَقَائِلُ كَيْفَ تَهَاجَرْتُمَا فَقُلْتُ قَوْلًا فِيهِ إِنْصَافٌ

لَمْ يَكْ مِنْ شَكْلِي فَهَاجَرْتُهُ وَالنَّاسُ أَشْكَالُ وَ الْأُفُ

وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ

السلام

مدون

نعمت نهانی است که هرگاه آشکار شود، از یاد برود و آنگاه که نایاب شود، به یاد می آید. و نیز فرمود: سلامتی، نعمتی است که نمی توان شکر آن را به جای آورد.

۱۴. ابو زید نحوی انصاری می گوید: از خلیل بن احمد عروض سؤال کردم که چرا مردم علی علیه السلام را رها ساختند با اینکه حضرت آن خویشاوندی را نسبت به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله داشت و نیز با توجه به منزلتی که در میان مؤمنان کسب کرده بود و همچنین با نظر به دشواریهایی که در راه اسلام تحمل کرده بود؟ گفت: به خداوند سوگند که نور علی علیه السلام به نور همگان غالب بود و در هر منفعت بر دیگران پیشی گرفته بود. اما مردم به کسانی گرایش دارند که همانند خودشان می باشند. مگر سخن شاعر را نشنیده ای که گفته است: هر شکلی به شکل خود در هم می آمیزد؟ و بعد از عباس بن حنیف این نکته را خواند که یکی گفت: چگونه آن را از یکدیگر جدا شده اند؟ گفتیم: اینک پاسخی منصفانه خواهم داد. به خاطر شکی که دارم جدا ماندم؛ زیرا که مردمان به نظیر خود می گرایند.

مرکز تحقیقات کلامی و عقاید اسلامی



السلامی





السلام

المجلس الحادي والأربعون

يوم الجمعة لأربعة عشر خلون من صفر

من سنة ثمان وستين وثلاثمائة

١. حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوَيْهٍ الْقُمِيُّ رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا صَالِحُ بْنُ عَيْسَى الْعِجْلِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ عَلِيٍّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الصَّلْتِ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ بَكِيرٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا عُبَادُ بْنُ عَبْدِ الْمُهَلَّبِيِّ (الْمُهَلَّبِيُّ)، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعِيدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ هِلَالِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ يَعْلَى بْنِ زَيْدٍ عَنْ جُدْعَانَ عَنْ سَعِيدِ بْنِ الْمُسَيَّبِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ سَمُرَةَ، قَالَ: كُنَّا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ يَوْمًا، فَقَالَ: «إِنِّي رَأَيْتُ الْبَارِحَةَ عَجَائِبَ»، قَالَ: فَقُلْنَا: يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ وَمَا رَأَيْتَ حَدَّثَنَا بِهِ فِذَاكَ أَنْفُسُنَا وَأَهْلُونَا وَأَوْلَادُنَا، فَقَالَ: «رَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي وَقَدْ أَتَاهُ مَلَكُ الْمَوْتِ لِيَقْبِضَ رُوحَهُ فَجَاءَهُ بِرُّهُ بِوَالِدَيْهِ فَمَنَعَهُ مِنْهُ وَرَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي قَدْ بُسِطَ عَلَيْهِ عَذَابُ الْقَبْرِ فَجَاءَهُ وَضُوئُهُ فَمَنَعَهُ مِنْهُ وَرَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي قَدْ اخْتَوَشَتْهُ الشَّيَاطِينُ فَجَاءَتْهُ ذِكْرُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَجَاءَهُ مِنْ بَيْنِهِمْ وَرَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي يَلْهَثُ غَطْشًا كُلَّمَا وَرَدَ حَوْضًا مُنِعَ مِنْهُ فَجَاءَهُ صِيَامُ شَهْرِ رَمَضَانَ فَسَقَاهُ وَأَزَوَاهُ وَرَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي قَدْ اخْتَوَشَتْهُ مَلَائِكَةُ الْعَذَابِ فَجَاءَتْهُ صَلَاتُهُ فَمَنَعَتْهُ مِنْهُمْ وَرَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي وَالتَّبَيُّونَ حَلَقًا حَلَقًا كُلَّمَا أَتَى حَلَقَةً طُرِدَ فَجَاءَهُ اغْتِسَالُهُ مِنَ الْجَنَابَةِ فَأَخَذَ بِيَدِهِ فَأَجْلَسَهُ إِلَى جَنْبِي وَرَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي بَيْنَ يَدَيْهِ ظُلْمَةٌ وَمِنْ خَلْفِهِ ظُلْمَةٌ وَعَنْ يَمِينِهِ ظُلْمَةٌ وَعَنْ شِمَالِهِ ظُلْمَةٌ وَمِنْ تَحْتِهِ ظُلْمَةٌ مُسْتَنْقِعًا فِي الظُّلْمَةِ فَجَاءَهُ حَجَّةُ وَعُمُرَتُهُ فَأَخْرَجَاهُ مِنَ الظُّلْمَةِ وَأَدْخَلَاهُ النُّورَ وَرَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي يَكْلُمُ الْمُؤْمِنِينَ فَلَا يَكْلُمُونَهُ فَجَاءَهُ صَلَاتُهُ لِلرَّحِمِ، فَقَالَ: يَا مَعْشَرَ الْمُؤْمِنِينَ كَلِّمُوهُ فَإِنَّهُ كَانَ وَاصِلًا لِرَحِمِهِ فَكَلَّمَهُ الْمُؤْمِنُونَ وَصَافَحُوهُ وَكَانَ مَعَهُمْ وَ



مجلس چهل و یکم

جمعه چهاردهم صفر سال ۳۶۸

السلامی

۱. عبدالرحمن بن قاسم می‌گوید: روزی پیش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بودیم که فرمود: شب پیش من شگفتی‌هایی مشاهده کردم. گفتم: ای پیامبر خدا! چه دیدی؟ برای ما بازگویی که جان ما و خاندان ما فدای تو باد.

فرمود: شخصی از امت خویش را مشاهده کردم که عزرائیل به سراغش آمده بود تا جان او را بگیرد، اما نیکی به پدر و مادر او را از این کار باز داشت. و شخصی از امت خودم را مشاهده کردم که شیطان‌ها دور او حلقه زده‌اند. اما یاد خداوند سبب رهایی او شد. و بعد شخصی از امتم را مشاهده کردم که فرشته‌های عذاب او را محاصره کرده بودند. اما نماز او نگذاشت که آنان آسیب برسانند. و شخصی از امت خود را مشاهده کردم که از عطش لاله زنان بود و به هر حوض آبی نزدیک می‌شد، از نوشیدن منع می‌شد. اما روزه رمضان او را سیراب کرد. و شخصی از امت خودم را مشاهده کردم که به هر انجمنی از پیامبران می‌رسید او را از خود می‌رانند. اما غسل جنابت دست او را گرفت و نزد خود نشاند. و شخصی از امت خود را مشاهده کردم که از شش سمت در سیاهی فرو رفته بود. اما حج و عمره او را از سیاهی بیرون کشاندند. و شخصی از امت خود را مشاهده کردم که با مؤمنان حرف می‌زد، ولی آنان با او حرف نمی‌زدند. اما صله رحم آمد و گفت: ای مؤمنان! با او سخن بگوئید که با خویشان پیوند داشت. بعد آنان با وی صحبت کردند و دست دادند و او همراه مؤمنان شد. شخصی از امت خود را مشاهده کردم که

سید



السلام

رَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي يَتَّقِي وَهَجَ النَّيْرَانِ وَشَرَّهَا بِيَدِهِ وَوَجْهَهُ فَجَاءَتْهُ صَدَقَتُهُ فَكَانَتْ ظِلًّا عَلَى رَأْسِهِ وَسِرًّا عَلَى وَجْهِهِ، وَرَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي قَدْ أَخَذَتْهُ الزَّانِيَةُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَبَجَاءَهُ أَمْرُهُ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهْيُهُ عَنِ الْمُنْكَرِ فَخَلَصَاهُ مِنْ بَيْنِهِمْ وَجَعَلَاهُ مَعَ مَلَائِكَةِ الرَّحْمَةِ، وَرَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي جَائِيًا عَلَى رُكْبَتَيْهِ بَيْنَهُ وَبَيْنَ رَحْمَةِ اللَّهِ حِجَابٌ فَبَجَاءَهُ حُسْنُ خُلُقِهِ فَأَخَذَهُ بِيَدِهِ وَأَدْخَلَهُ فِي رَحْمَةِ اللَّهِ، وَرَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي قَدْ هَوَتْ صَحِيفَتُهُ قَبْلَ شِمَالِهِ فَبَجَاءَهُ خَوْفُهُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَأَخَذَ صَحِيفَتَهُ فَجَعَلَهَا فِي يَمِينِهِ، وَرَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي قَدْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَبَجَاءَهُ إِفْرَاطُهُ فِي صَلَاتِهِ فَتَقَلَّتْ مَوَازِينُهُ (فَبَجَاءَهُ إِفْرَاطُهُ فَتَقَلُّوا مَوَازِينُهُ)، وَرَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي قَائِمًا عَلَى شَفِيرِ جَهَنَّمَ فَبَجَاءَهُ رَجَاؤُهُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَاسْتَنْقَذَهُ مِنْ ذَلِكَ، وَرَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي قَدْ هَوَى فِي النَّارِ فَبَجَاءَتْهُ دُمُوعُهُ الَّتِي بَكَى مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ فَاسْتَخْرَجَتْهُ مِنْ ذَلِكَ، وَرَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي عَلَى الصَّرَاطِ يَرْتَعِدُ كَمَا يَرْتَعِدُ السَّعْفَةُ فِي يَوْمٍ رِيحٍ عَاصِفٍ فَبَجَاءَتْهُ حُسْنُ ظَنِّهِ بِاللَّهِ فَسَكَنَ رَغْدَتُهُ وَمَضَى عَلَى الصَّرَاطِ، وَرَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي عَلَى الصَّرَاطِ يَزْحَفُ أَحْيَانًا وَيَحْبُو أَحْيَانًا وَيَتَعَلَّقُ أَحْيَانًا فَبَجَاءَتْهُ صَلَاتُهُ عَلَى قَائِمَتِهِ عَلَى قَدَمَيْهِ وَمَضَى عَلَى الصَّرَاطِ، وَرَأَيْتُ رَجُلًا مِنْ أُمَّتِي انْتَهَى إِلَى أَبْوَابِ الْجَنَّةِ كُلَّمَا انْتَهَى إِلَى بَابٍ أُغْلِقَ دُونَهُ فَبَجَاءَتْهُ شَهَادَةٌ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ صَادِقًا بِهَا فَفُتِحَتْ لَهُ الْأَبْوَابُ وَدَخَلَ الْجَنَّةَ.

٢. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقُطَّانُ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ السُّكْرِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ زَكَرِيَّا الْبَصْرِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عُمَارَةَ عَنْ أَبِيهِ، قَالَ: قُلْتُ لِلصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام أَخْبِرْنِي بِوَفَاةِ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عليه السلام فَقَالَ لَهُ: «إِنَّهُ لَمَّا أَتَاهُ أَجَلُهُ وَاسْتَوْفَى مَدَّتُهُ وَانْقَطَعَ أَكْلُهُ أَتَاهُ مَلَكُ الْمَوْتِ، فَقَالَ لَهُ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا كَلِيمَ اللَّهِ، فَقَالَ مُوسَى: وَعَلَيْكَ السَّلَامُ مَنْ أَنْتَ؟ فَقَالَ: أَنَا مَلَكُ الْمَوْتِ، قَالَ: مَا الَّذِي جَاءَ بِكَ؟ قَالَ: جِئْتُ لِأَقْبِضَ رُوحَكَ، فَقَالَ لَهُ مُوسَى: مِنْ أَيْنَ تَقْبِضُ رُوحِي؟ قَالَ: مِنْ فَمِكَ، قَالَ لَهُ مُوسَى: كَيْفَ وَقَدْ كَلَّمْتُ بِهِ رَبِّي جَلَّ جَلَالُهُ، قَالَ: فَمِنْ يَدَيْكَ، قَالَ: كَيْفَ وَقَدْ حَمَلْتُ بِهِمَا التَّوْرَةَ، قَالَ: فَمِنْ رِجْلَيْكَ، قَالَ: كَيْفَ وَقَدْ وَطِئْتُ بِهِمَا طُورَ سَيْنَا، قَالَ: فَمِنْ عَيْنَيْكَ، قَالَ: كَيْفَ وَلَمْ تَزَلْ إِلَى رَبِّي بِالرَّجَاءِ مَفْدُودَةً، قَالَ: فَمِنْ أُذُنَيْكَ، قَالَ: كَيْفَ وَقَدْ سَمِعْتُ



دست و صورتش را مانند سپری در برابر آتش گرفته بود، اما صدقه نزدیک آمد و مثل پوششی قرار گرفت و شخصی از امت خود را مشاهده کردم که مأموران دوزخ وی را از هر سمت در میان گرفته بودند، اما امر به معروف و نهی از منکر آمدند و او را نجات دادند و به فرشتگان رحمت سپردند، و شخصی از امت خود را مشاهده کردم که به زانو در آمده بود در حالی که میان او و رحمت الهی پرده‌ای قرار داشت، اما خوش خلقی آمد و او را به عرصه رحمت وارد کرد. و شخصی از امت خود را مشاهده کردم که نامه اعمال وی به دست چپ داده شده بود، اما ترس او از خدا آمد و نامه اعمال او را گرفت و به دست راست وی داد. و شخصی از امت خود را مشاهده کردم که ترازوی اعمال نیک او سنگین نبود، اما نمازهای زیادی که او داشت، میزان او را سنگین کردند. و شخصی از امت خود را مشاهده کردم که لب پر نگاه دوزخ بود، امیدواری او به خداوند نزدیک شد و او را راهانید و شخصی از امت خود را مشاهده کردم که در آتش سرازیر شده بود، اما اشک‌هایی که او از ترس خداوند داشت، او را راهایی بخشید و شخصی از امت خود را مشاهده کردم که بر صراط مانند شاخه‌های خرما در برابر باد تند دچار لرزش شده بود، اما خوش پنداری‌اش به خداوند نزدیک آمد و او را آرام و از صراط عبور کرد و شخصی از امت خود را دیدم که بر پل صراط گاهی سینه خود را بر روی آن می‌کشاند و گاهی با دست راه می‌رفت و گاهی آویزان می‌شد، اما صلواتی که بر من فرستاده بود، او را ایستاده نگاه داشت و از صراط گذراند. و شخصی از امت خود را دیدم که نزدیک درهای بهشت رفت، ولی به روی او بسته می‌شدند، اما گواهی دادن او به یکتایی خداوند که صادقانه بود، درهای بهشت را برای او باز کرد.

۲. عماره می‌گوید به امام صادق علیه السلام گفتم: مرا از چگونگی وفات موسی بن عمران فرمود: آنگاه که وفات موسی علیه السلام نزدیک شد و خوراکی بریده شد، عزرائیل پیش او آمد و گفت: سلام بر تو ای کلیم الله، موسی گفت: درود بر تو باد، تو کیستی؟ گفت: من فرشته مرگ هستم. گفت: برای چه نزد من آمدی؟ گفت برای گرفتن جان تو. موسی گفت: از کجا جانم را خواهی گرفت؟ گفت: از دهان تو. موسی گفت: چرا؟ من با این زبان با خداوند سخن گفته‌ام. عزرائیل گفت: از دستان تو می‌گیرم. موسی گفت: چرا؟ من با این دستانم تورات را حمل کرده‌ام. عزرائیل گفت: از پاهای تو، موسی گفت: چرا؟ من آن‌ها را بر کوه سینا گذاشته‌ام. گفت: از چشمان تو. موسی گفت: چرا؟ من آن‌ها را با امیدواری به خداوند گشوده‌ام. گفت: از دو گوش تو. موسی گفت: چرا؟ من با آن دو سخن حق را شنیده‌ام. آنگاه



السلامی



سخن

بِهِمَا كَلَامَ رَبِّي جَلَّ وَ عَزَّ قَالَ: فَأَوْحَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِلَى مَلِكِ الْمَوْتِ لَا تَقْبِضْ رُوحَهُ حَتَّى يَكُونَ هُوَ الَّذِي يُرِيدُ ذَلِكَ وَ خَرَجَ مَلِكُ الْمَوْتِ، فَمَكَثَ مُوسَى مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ يَمُكِّثَ بَعْدَ ذَلِكَ وَ دَعَا يُوشَعَ بْنِ نُونٍ فَأَوْصَى إِلَيْهِ وَ أَمَرَهُ بِكُتْمَانِ أَمْرِهِ وَ بِأَنْ يُوصِي بَعْدَهُ إِلَى مَنْ يَقُومُ بِالْأَمْرِ، وَ غَابَ مُوسَى عَنْ قَوْمِهِ فَمَرَّ فِي غَيْبَتِهِ بِرَجُلٍ وَ هُوَ يَحْفِرُ قَبْرًا فَقَالَ لَهُ: أَلَا أَعْيْنُكَ عَلَى حَفْرِ هَذَا الْقَبْرِ، فَقَالَ لَهُ الرَّجُلُ: بَلَى فَأَعَانَهُ حَتَّى حَفَرَ الْقَبْرَ وَ سَوَّى اللَّحْدَ ثُمَّ اضْطَجَعَ فِيهِ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ عليه السلام لِيَنْظُرَ كَيْفَ هُوَ فَكَشَفَ لَهُ عَنِ الْغِطَاءِ فَرَأَى مَكَانَهُ مِنَ الْجَنَّةِ، فَقَالَ: يَا رَبِّ اقْبِضْنِي إِلَيْكَ فَقَبِضَ مَلِكُ الْمَوْتِ رُوحَهُ مَكَانَهُ وَ دَفَنَهُ فِي الْقَبْرِ وَ سَوَّى عَلَيْهِ التُّرَابَ، وَ كَانَ الَّذِي يَحْفِرُ الْقَبْرَ مَلَكًا فِي صُورَةِ آدَمِ، وَ كَانَ ذَلِكَ فِي النَّبِيِّ، فَصَاحَ صَائِحٌ مِنَ السَّمَاءِ مَاتَ مُوسَى كَلِيمُ اللَّهِ فَأَيُّ نَفْسٍ لَا تَمُوتُ، فَحَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ أَبِيهِ عليه السلام أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ سُئِلَ عَنْ قَبْرِ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ فَقَالَ: هُوَ عِنْدَ الطَّرِيقِ الْأَعْظَمِ عِنْدَ الْكُتَيْبِ الْأَحْمَرِ.

٣. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْأَسَدِ الْأَسَدِيُّ بِالرِّيِّ فِي رَجَبِ سَنَةِ سَبْعٍ وَ أَرْبَعِينَ وَ ثَلَاثِينَ، قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي أَيُّوبَ، قَالَ: حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ سُنَيْدٍ بْنُ دَاوُدَ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي، قَالَ: حَدَّثَنَا يُونُسُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ الْمُنَكِّدِرِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: قَالَتْ أُمُّ سُلَيْمَانَ بِنْتُ دَاوُدَ لِسُلَيْمَانَ يَا بُنَيَّ إِنَّا كَ وَ كَثْرَةُ النَّوْمِ بِاللَّيْلِ، فَإِنَّ كَثْرَةَ النَّوْمِ بِاللَّيْلِ تَدْعُ الرَّجُلَ فَقِيرًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

٤. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ الْأَسَدِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ زَيْدَانَ وَ عَلِيُّ بْنُ الْعَبَّاسِ الْبَجَلِيُّانِ، قَالَا: حَدَّثَنَا أَبُو كُرَيْبٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُعَاوِيَةُ بْنُ هِشَامٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا شَيْبَانُ عَنْ عِكْرِمَةَ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: قَالَ رَجُلٌ: يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ اسْرِعْ إِلَيْكَ الشَّيْبُ، قَالَ: شَيْبَتَنِي هُودُ وَ الْوَأَقَعَةُ وَ الْمُرْسَلَاتُ عُرْفًا وَ عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ.

٥. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ الْأَسَدِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَرِيرٍ وَ الْحَسَنُ بْنُ عُرْوَةَ وَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ الْوُهَيْبِيُّ، قَالُوا: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ حُمَيْدٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا زَاوِرُ بْنُ سُلَيْمَانَ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عُيَيْنَةَ عَنْ أَبِي حَارِمٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ قَالَ: جَاءَ جَبْرِئِيلُ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ ﷺ عِشْ مَا شِئْتَ فَإِنَّكَ مَيِّتٌ، وَ أَحْبِبْ مَنْ شِئْتَ فَإِنَّكَ



خدای متعال به عزرائیل گفت: جان موسی را نستان تا آنکه موسی مرگش را تقاضا کند. عزرائیل بازگشت و موسی بن عمران تا سالیان دراز که خدا خواست زنده ماند و آنگاه یوشع بن نون را نزد خود خواند و او را وصیت کرد که رسالت خود را پنهان دارد و جانشین خود را معین کند، سپس موسی از بنی اسرائیل کناره گیری کرد.

در دوران غیبت خویش به شخصی برخورد که مشغول کندن قبری بود. موسی گفت: می خواهی به تو کمک کنم؟ شخص گفت: آری. بعد موسی او را مدد داد تا اینکه قبر آماده و لحد گذاشته شد و موسی در آن دراز کشید تا قبر را بیازماید. ناگاه پرده از برابر چشمان موسی کنار رفت و جای خویش را در بهشت مشاهده کرد. آنگاه موسی گفت: خدایا مرا به سوی خود بر. آنگاه عزرائیل جان او را گرفت. او چنین کرد و موسی در همان قبر دفن شد. و اما کسی که قبر را مهیا می کرد، فرشته ای بود که به صورت آدمی درآمد بود و مکان آن در صحرای «تیه» بود. صدای هاتفی از آسمان آمد که خبر از وفات موسی داشت. کیست که جان نسپارد؟

پدرم از جدّ من و او از پدرش برای من روایت فرمود که امام مزار موسی علیه السلام را از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پرسیدند که کجاست؟ فرمود: کنار بزرگراهی که نزدیک «تل ریگ سرخ» است.

۳. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود مادر حضرت سلیمان علیه السلام به وی گفت: پسر جان من! مبادا در شب زیاد بخوابی زیرا که خواب زیاد در شب، شخص را در روز قیامت تنگ دست کند.

۴. شخصی به پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: چه زود هنگام پیر شدی؟ فرمود: سوره های «هود»، واقعه و مرسلات و نباء» مرا پیر کردند.

۵. جبرئیل پیش پیامبر صلی الله علیه و آله رفت و گفت: ای محمد! هر چه مایلی زنده باش اما در آخر خواهی مرد. و هرکس را که مایلی دوست بدار، اما سرانجام از وی جدا خواهی شد و هرکاری که مایلی انجام بده که بی گمان سزای آن را خواهی دید. ای محمد! آگاه باش که ارزش انسان به عبادت شبانه او است و عزت او به

مُفَارِقُهُ، وَاعْمَلْ مَا شِئْتَ فَإِنَّكَ مَجْزِي بِهِ، وَاعْلَمْ أَنَّ شَرَفَ الرَّجُلِ قِيَامُهُ بِاللَّيْلِ وَعِزُّهُ اسْتِغْنَاؤُهُ عَنِ النَّاسِ.

٤. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ الْبَرْدَعِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا عُمرُ بْنُ أَبِي عَيْلَانَ الثَّقَفِيُّ وَعِيسَى بْنُ سُلَيْمَانَ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ الْقُرَشِيُّ، قَالَا: حَدَّثَنَا أَبُو إِبْرَاهِيمَ التُّرَجْمَانِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ سَعِيدٍ الْجُرْجَانِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنِي نَهْشَلُ بْنُ سَعِيدٍ عَنِ الضُّحَّاكِ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَشْرَافُ أُمَّتِي حَمَلَةُ الْقُرْآنِ وَأَصْحَابُ اللَّيْلِ.

٧. حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ سَعِيدٍ الْهَاشِمِيُّ الْكُوفِيُّ، حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ جَعْفَرِ الْعَلَوِيِّ الْحُسَيْنِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ خَلْفٍ الْعَطَّارُ، قَالَ: حَدَّثَنَا حَسَنُ بْنُ صَالِحٍ بْنُ أَبِي الْأَسْوَدِ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو مَعْشَرٍ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ قَيْسٍ، قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ ﷺ إِذَا قَدِمَ مِنْ سَفَرٍ بَدَأَ بِفَاطِمَةَ (عَلَيْهَا السَّلَامُ) فَدَخَلَ عَلَيْهَا فَأَطَالَ عِنْدَهَا الْمَكْثَ فَخَرَجَ مَرَّةً فِي سَفَرٍ فَصَنَعَتْ فَاطِمَةُ (عَلَيْهَا السَّلَامُ) مَسَكِينِينَ مِنْ وَرَقٍ وَقِلَادَةٍ وَقُرْطَيْنِ وَسِتْرٍ أَلْيَابِ النَّبِيِّ لِقُدُومِ أَبِيهَا وَرُوحِهَا ﷺ، فَلَمَّا قَدِمَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ دَخَلَ عَلَيْهَا فَوَقَفَ أَصْحَابُهُ عَلَى الْبَابِ لَا يَذْرُونَ أَوْ يَقِفُونَ أَوْ يَنْصَرِفُونَ لِطُولِ مَكْثِهِ عِنْدَهَا فَخَرَجَ عَلَيْهِمْ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ وَقَدْ عَرِفَ الْغَضَبُ فِي وَجْهِهِ حَتَّى جَلَسَ عِنْدَ الْمِنْبَرِ، فَظَنَّتْ فَاطِمَةُ أَنَّهُ إِنَّمَا فَعَلَ ذَلِكَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لِمَا رَأَى مِنَ الْمَسَكِينِينَ وَالْقِلَادَةِ وَالْقُرْطَيْنِ وَالسِّتْرِ، فَتَرَعَتْ قِلَادَتَهَا وَقُرْطَيْهَا وَمَسَكِينَتَهَا وَتَرَعَتْ السِّتْرَ فَبَعَثَتْ بِهِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَقَالَتْ لِلرَّسُولِ: قُلْ لَهُ ﷺ: تَقْرَأُ عَلَيْكَ ابْنُكَ السَّلَامَ وَتَقُولُ اجْعَلْ هَذَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ، فَلَمَّا أَتَاهُ وَخَبَرَهُ قَالَ ﷺ: فَعَلْتَ فِدَاهَا أَبُوهَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ لَيْسَتْ الدُّنْيَا مِنْ مُحَمَّدٍ وَلَا مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ وَلَوْ كَانَتِ الدُّنْيَا تَعْدِلُ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الْخَيْرِ جَنَاحَ بَعُوضَةٍ مَا سَقَى مِنْهَا كَافِرًا شَرْبَةً مَاءً، ثُمَّ قَامَ فَدَخَلَ عَلَيْهَا.

٨. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ يُوسُفَ بْنِ عَقِيلٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ رَاهَوِيَّةٍ، قَالَ: لَمَّا وَافَى أَبُو الْحَسَنِ الرُّضَا ﷺ نَيْسَابُورَ وَارَادَ أَنْ يَرْحَلَ مِنْهَا إِلَى الْمَأْمُونِ اجْتَمَعَ إِلَيْهِ أَصْحَابُ الْحَدِيثِ، فَقَالُوا لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ تَرْحَلُ عَنَّا وَلَا تُحَدِّثُنَا بِحَدِيثٍ فَتُسْتَفِيدُهُ مِنْكَ، وَقَدْ كَانَ قَعْدَ فِي الْعَمَّارِيَّةِ فَأُطْلِعَ رَأْسُهُ

بی‌نیازی وی از دست مردمان.

۶. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: بزرگان امت من همانا حاملان قرآن کریم و شب زنده داران هستند.

۷. محمد بن قیس می‌گوید: سنت پیامبر صلی الله علیه و آله این بود که هرگاه از سفر خود باز می‌گشت، نخست به خانه فاطمه علیها السلام می‌رفت و زمانی طولانی نزد او می‌ماند. زمانی که پیامبر به سفر رفت، فاطمه علیها السلام در غیبت حضرت دو دستبند نقره‌ای و گلوبند و گوشواره‌ها و پرده‌ای برای ورودی خانه فراهم کرد که سبب پذیرایی از همسر و پدر باشد. آنگاه که پیامبر صلی الله علیه و آله از سفر بازگشت و پای به خانه فاطمه گذاشت. آنگاه پیامبر بی‌درنگ از آنجا خارج شد، در حالی که ناخشنودی در چهره آن حضرت او آشکار بود. حضرت نزدیک منبر نشست. فاطمه پی برد که آن زینت‌ها مایه ناخرسندی پیامبر صلی الله علیه و آله شده است. آنها را برداشت و پیش حضرت فرستاد و به قاصد گفت: به پدرم بگو که فاطمه سلام می‌فرستد و خواسته‌اش این است که این چیزها را در راه خدا خرج کنید. آنگاه که قاصد فاطمه علیها السلام پیش پیامبر صلی الله علیه و آله آمد، حضرت سه بار فرمود: پدرش فدای او باد. دنیا از محمد و خاندان محمد نیست. اگر دنیا نزد حق متعال به وزن بال پشه‌ای ارزش داشت، شربت آبی از دنیا به کفر پیشه‌ای نمی‌داد. آنگاه بلند شد و پیش فاطمه علیها السلام رفت.

۸. اسحق بن راهویه می‌گوید: آنگاه که امام رضا علیه السلام به نیشابور وارد شد و می‌خواست از آنجا پیش مأمون عباسی برود، اصحاب حدیث گرد او آمدند و گفتند: ای پسر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله! آیا به هنگام رفتن از شهر ما حدیثی روایت نمی‌کنی که ما از آن بهره ببریم. امام رضا علیه السلام که در هودج نشسته بود، سر خود را بیرون آورد و فرمود: از پدرم موسی بن جعفر



السلامی





الكتاب



محدث

وَقَالَ سَمِعْتُ أَبِي مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ يَقُولُ: سَمِعْتُ أَبِي جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ يَقُولُ: سَمِعْتُ أَبِي مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ يَقُولُ: سَمِعْتُ أَبِي الْحُسَيْنِ يَقُولُ: سَمِعْتُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام يَقُولُ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله يَقُولُ: سَمِعْتُ جَبْرِئِيلَ يَقُولُ: سَمِعْتُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي، فَلَمَّا مَرَّتِ الرَّاحِلَةُ نَادَانَا بِشُرُوطِهَا وَأَنَا مِنْ شُرُوطِهَا.

٩. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ مُحَمَّدٍ الْحُسَيْنِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْفَزَارِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ يَحْيَى الْاَهْوَازِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ عَمْرٍو، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ جَعْفَرٍ، قَالَ: حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ بِلَالٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرُّضَا عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام عَنْ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله عَنْ جَبْرِئِيلَ عَنْ مِيكَائِيلَ عَنْ إِسْرَافِيلَ عَنِ اللُّوحِ عَنِ الْقَلَمِ، قَالَ: يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: وَلَا يَأْتِي عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ حِصْنِي، فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ نَارِي.

١٠. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ الْخَافِضُ الْبَغْدَادِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْعَبَّاسِ التَّمِيمِيُّ الرَّازِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي، قَالَ: حَدَّثَنِي سَيِّدِي عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرُّضَا، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَخِي الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: «خَلَقْتُ أَنَا وَعَلِيٌّ مِنْ نُورٍ وَاحِدٍ».

١١. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ يُونُسَ الْبَغْدَادِيُّ الْوَرَّاقُ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عُبَيْدَةَ مَوْلَى الرَّشِيدِ، قَالَ: حَدَّثَنَا دَارِمُ بْنُ قَبِيصَةَ بْنِ نَهْشَلٍ بْنِ مُجَمِّعِ الصَّنْعَانِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرُّضَا عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله قَالَ: خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِائَةَ أَلْفِ نَبِيٍّ وَأَرْبَعَةَ وَعِشْرِينَ أَلْفَ نَبِيٍّ أَنَا أَكْرَمُهُمْ عَلَى اللَّهِ وَلَا فَخْرَ وَخَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ

شنیدم که از پدرش جعفر بن محمد و او از پدرش محمد بن علی و او از پدرش حسین بن علی و او از علی بن ابی طالب امیر مؤمنان علیه السلام و او از پیامبر خدا شنید که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: جبرئیل گفت که از خدای عزوجل شنیدم که فرمود «لا اله الا الله» حصار من است و هرکس در آن وارد شود، از عذاب من در امان خواهد بود. آنگاه که راحله به راه افتاد، فریاد زنان فرمود: البته شرط و شروطی دارد که من از آن شرطها هستم.

۹. پیامبر صلی الله علیه و آله از جبرئیل و او از میکائیل و او از اسرافیل و او از لوح و لوح از قلم فرموده است که خداوند می فرماید: ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام حصار من است و هرکس در آن وارد شود، از آتش دوزخ من در امان است.

۱۰. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: من و علی از یک نور خلق شده ایم.

۱۱. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود که خداوند صد و بیست و چهار هزار پیامبر خلق کرد و من گرامی ترین آنان در پیش او هستم و به خود نبالم. و خداوند صد و بیست و چهار هزار



السلامی



مِائَةَ أَلْفٍ وَصِيٍّ وَأَرْبَعَةَ وَعِشْرِينَ أَلْفٍ وَصِيٍّ فَقُلِي أَكْرَمُهُمْ عَلَى اللَّهِ وَأَفْضَلُهُمْ، قَالَ الشَّيْخُ
وَحَدَّثَنِي بِهَذَا الْحَدِيثِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ الْبَغْدَادِيُّ الْوَرَّاقُ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ
مَوْلَى الرَّشِيدِ، قَالَ: حَدَّثَنِي دَارِمُ بْنُ قَبِيصَةَ، قَالَ: حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ سُلَيْمَانَ بْنِ
عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَسَنٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ
أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.



مركز تحقیق و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

السلام

سنة ١٤٢٠

وصی خلق کرد که علی برترین و ارجمندترین آنان پیش خداوند است. شیخ بزرگوار
صدوق این حدیث را به سندی دیگر روایت کرده است.

السلامی



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

صدوق



السلام

المجلس الثاني والأربعون

يوم الثلاثاء لاثنتي عشرة ليلة بقيت من صفر
من سنة ثمان وستين و ثلاثمائة

١. حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوَيْهٍ الْقُمِّيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي (رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ)، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ الْوَاسِطِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ رَبِيعٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي الْأَعْزَنِ النَّحَّاسِ، قَالَ: سَمِعْتُ الصَّادِقَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عليه السلام يَقُولُ: قَضَاءُ حَاجَةِ الْمُؤْمِنِ أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ حَبَّةٍ مُتَقَبَّلَةٍ بِمَنَاسِكِهَا وَعَشْقِ أَلْفِ رَقَبَةٍ لِرُوحِهِ اللَّهُ وَحُمَلَانِ أَلْفِ فَرَسٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِسُرُجِهَا وَلُجْمِهَا.

٢. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ النَّهَائِنْدِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سُلَيْمَانَ الدِّيلَمِيِّ عَنْ أَبِيهِ، قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقَ عليه السلام يَقُولُ: «الشَّتَاءُ رِبْعُ الْمُؤْمِنِ يَطُولُ فِيهِ لَيْلُهُ فَيَسْتَعِينُ بِهِ عَلَى قِيَامِهِ وَيَقْصُرُ فِيهِ نَهَارُهُ فَيَسْتَعِينُ بِهِ عَلَى صِيَامِهِ».

٣. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الشُّكْرِيُّ، قَالَ: أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ زَكَرِيَّا، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عِيْسَى عَنْ عَمِّهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَسَنِ عَنْ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام قَالَ: «مَنْ أَتَى قَبْرَ الْحُسَيْنِ عليه السلام عَارِفًا بِحَقِّهِ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ».

٤. حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُوسَى الدَّقَاقُ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ الْبَرْمَكِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ الْهَيْثَمِ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبَادُ



مجلس چهل و دوم

سه شنبه هیجدهم صفر سال ۳۶۸

السلامی

۱. امام صادق علیه السلام فرمود: کوشش در برآوردن خواسته یک مؤمن از هزار حج پذیرفته شده با همه اعمال آن برتر است و نیز از آزاد کردن هزار بنده برای خداوند و همچنین از هدیه دادن هزار اسب زین دار و مهار شده در راه خدا.

۲. امام صادق علیه السلام فرمود: زمستان بهار مؤمن است، زیرا که شب آن دراز است و مدد رسان عبادت، و روز آن کوتاه است و مدد رسان روزه.

۳. زید بن علی علیه السلام فرمود: هرکس قبر حسین علیه السلام را عارفانه زیارت کند، خداوند گناهان گذشته و آینده او را خواهد آمرزید.

۴. عتبه بن بجاد عابد می گوید: آن گاه که اسماعیل بن جعفر بن محمد از دنیا رفت و از تشییع جنازه بازگشتیم، امام صادق علیه السلام نشست در حالی که ما گرد حضرت نشسته بودیم.

بْنُ يَعْقُوبَ الْأَسَدِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنِي عَنْبَسَةُ بْنُ بَجَادٍ الْعَابِدِيُّ، قَالَ: لَمَّا مَاتَ إِسْمَاعِيلُ بْنُ جَعْفَرٍ
بْنِ مُحَمَّدٍ وَفَرَعْنَا (قَرَعْنَا) مِنْ جَنَازَتِهِ جَلَسَ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ) وَ
جَلَسْنَا حَوْلَهُ وَهُوَ مُطَرِّقٌ ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ فَقَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ هَذِهِ الدُّنْيَا دَارُ فِرَاقٍ وَدَارُ
الْتِمَاقِ لَا دَارَ اسْتِوَاءٍ عَلَى أَنْ لِفِرَاقِ الْمَأْلُوفِ حُرْقَةٌ لَا تُدْفَعُ وَلَوْعَةٌ لَا تُرَدُّ، وَإِنَّمَا يَتَفَاضَلُ
النَّاسُ بِحُسْنِ الْعَزَاءِ وَصِحَّةِ الْفِكْرَةِ، فَمَنْ لَمْ يَتَكَلَّ أَحَاهُ تَكَلَّهُ أَخُوهُ، وَمَنْ لَمْ يُقَدِّمْ وَلَدًا
كَانَ هُوَ الْمُقَدِّمُ دُونَ الْوَلَدِ ثُمَّ تَمَثَّلَ بِقَوْلِ أَبِي خِرَاشٍ الْهَذَلِيِّ يَرْثِي أَخَاهُ:

وَلَا تَحْسَبِي أَنِّي تَنَاسَيْتُ عَهْدَهُ وَلَكِنْ صَبْرِي يَا أَمِيمُ (يَا إِمَامُ) جَمِيلُ

٥. حَدَّثَنَا أَبِي عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبَانَ
الْأَحْمَرِ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَقَدْ بَلَغَ ثَوْبُهُ
فَحَمَلَ إِلَيْهِ اثْنَيْ عَشَرَ دِرْهَمًا فَقَالَ: يَا عَلِيُّ خُذْ هَذِهِ الدَّرَاهِمَ فَاشْتَرِ لِي ثَوْبًا أَلْبَسُهُ، قَالَ:
عَلِيُّ فَجِئْتُ إِلَى السُّوقِ فَاشْتَرَيْتُ لَهُ قَمِيصًا بِاثْنَيْ عَشَرَ دِرْهَمًا وَجِئْتُ بِهِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ
فَنَظَرَ إِلَيْهِ فَقَالَ: يَا عَلِيُّ غَيْرِ هَذَا أَحَبُّ إِلَيَّ صَاحِبِهِ يُقِيلُنَا، فَقُلْتُ: لَا أَدْرِي، فَقَالَ:
انْظُرْ فَجِئْتُ إِلَى صَاحِبِهِ، فَقُلْتُ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَدْ كَرِهَ هَذَا يُرِيدُ ثَوْبًا دُونَهُ فَأَقْلَنَا فِيهِ
فَرَدَّ عَلَيَّ الدَّرَاهِمَ وَجِئْتُ بِهِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَمَسَى مَعِيَ إِلَى السُّوقِ لِيَبْتَاعَ قَمِيصًا
فَنَظَرَ إِلَى جَارِيَةٍ قَاعِدَةٍ عَلَى الطَّرِيقِ تَبْكِي، فَقَالَ لَهَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَا شَأْنُكِ؟ قَالَتْ: يَا
رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ أَهْلَ بَيْتِي أُعْطُونِي أَرْبَعَةَ دَرَاهِمَ لِأَشْتَرِيَ لَهُمْ بِهَا حَاجَةً فَضَاعَتْ فَلَا أَجْسُرُ
أَنْ أَرْجِعَ إِلَيْهِمْ فَأَعْطَاهَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَرْبَعَةَ دَرَاهِمَ وَقَالَ: ارْجِعِي إِلَى أَهْلِكَ، وَمَضَى
رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِلَى السُّوقِ فَاشْتَرَى قَمِيصًا بِأَرْبَعَةِ دَرَاهِمَ وَلَبَسَهُ وَحَمِدَ اللَّهَ وَخَرَجَ فَرَأَى
رَجُلًا عُرْيَانًا يَقُولُ: مَنْ كَسَانِي كِسَاءَ اللَّهِ مِنْ ثِيَابِ الْجَنَّةِ فَخَلَعَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ قَمِيصَهُ
الَّذِي اشْتَرَاهُ وَكَسَاهُ السَّائِلَ، ثُمَّ رَجَعَ إِلَى السُّوقِ فَاشْتَرَى بِالْأَرْبَعَةِ الَّتِي بَقِيَتْ قَمِيصًا آخَرَ
فَلَبَسَهُ وَحَمِدَ اللَّهَ وَرَجَعَ إِلَى مَنْزِلِهِ وَإِذَا الْجَارِيَةُ قَاعِدَةٌ عَلَى الطَّرِيقِ، فَقَالَ لَهَا رَسُولُ
اللَّهِ ﷺ: مَا لَكَ لَا تَأْتِينَ أَهْلَكَ، قَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي قَدْ أَبْطَأْتُ عَلَيْهِمْ وَأَخَافُ أَنْ
يَضْرِبُونِي، فَقَالَ لَهَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَرِّي بَيْنَ يَدَيَّ وَدَلِّينِي عَلَى أَهْلِكَ، فَجَاءَ رَسُولُ
اللَّهِ ﷺ حَتَّى وَقَفَ عَلَى بَابِ دَارِهِمْ، ثُمَّ قَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ الدَّارِ فَلَمْ يُجِيبُوهُ،

سر بلند کرد و فرمود: ای مردم! این دنیا سرای جدایی و پیچیدگی و کجی است نه سرای ماندن، هر چند جدا شدن از دوستان و نزدیکان جانسوز و بدون چاره است و دل آدمی را می سوزاند. مردمان بر هم در سوگواری نیک و خوب اندیشیدن برتری دارند. هر کس داغ برادر خود نبیند، برادرش او را خواهد دید. هر کس پیش مرگ او نشود او پیش مرگ وی خواهد شد. و آنگاه به این سخن ابی فراش مدلی مثل زد که در سوگ برادر خود چنین گفته است:

«می پنداری که پیمان او از خاطر برده‌ام، ولی صبر من صبر جمیل است ای امی‌ام. (ای امام)»

۵. شخصی نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمد و برای اینکه جامه حضرت کهنه بود، دوازده درهم به وی داد. پیامبر به علی علیه السلام فرمود: با این پول‌ها جامه‌ای برای من تهیه کن که بر تن کنم. علی علیه السلام می‌گوید: به بازار رفتم و پیراهنی به بهای دوازده درهم گرفتم و پیش پیامبر آوردم. به جامه نگاه کرد و فرمود: جامه محبوب من جامه دیگری است. آیا فروشنده آن را پس می‌گیرد؟ گفتم: نمی‌دانم. فرمود: برو از او سؤال کن. علی می‌گوید: نزد فروشنده رفتم و به او گفتم که پیامبر آن را دوست ندارد و جامه ارزان‌تری می‌خواهد.

فروشنده آن را گرفت و بهای آن را پرداخت. آن‌گاه حضرت با من به بازار آمد تا پیراهنی که می‌خواهد خریداری کند. ناگاه کنیزی در راه دید که گریه می‌کرد. از او پرسید: چرا گریان هستی؟ گفت: ای پیامبر خدا! خانواده‌ام چهار درهم دادند که چیزهایی برای آنان تهیه کنم و آن پول را گم کردم و حالا جرأت نمی‌کنم که به خانه بازگردم. پیامبر چهار درهم از آن پول را به کنیز داد و فرمود: پیش خانواده‌ات بازگرد. بعد حضرت به بازار رفت و پیراهنی با چهار درهم خرید. در راه شخص برهنه‌ای را دید که می‌گفت: هر کس تن را بپوشاند خداوند از جامه‌های بهشتی بر تن او بپوشاند. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله جامه‌ای را که خریده بود از تن بیرون آورد و به تن بینوا پوشاند و آن‌گاه به بازار بازگشت و با چهار درهم مانده جامه دیگری خریداری کرد و بر تن کرد و خدا را سپاس گفت. در میان راه که به سوی خانه می‌رفت، نگاهش به همان کنیز جوان افتاد که سر راهی گریان نشسته بود. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود، چرا پیش کسان خویش نرفته‌ای؟ گفت: ای پیامبر خدا دیر شده، می‌ترسم که مرا تنبیه کنند. فرمود، برو و مرابه کسان خود برسان. آنگاه که حضرت در آستانه خانه ایستاد و فرمود درود بر شما ای اهل منزل. جواب ندادند تا اینکه برای نوبت



فَأَعَادَ السَّلَامَ فَلَمْ يُجِيبُوهُ، فَأَعَادَ السَّلَامَ، فَقَالُوا: عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، فَقَالَ لَهُمْ: مَا لَكُمْ تَرَكْتُمْ إِجَابَتِي فِي أَوَّلِ السَّلَامِ وَالثَّانِي، قَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ سَمِعْنَا سَلَامَكَ فَأَخْبَيْنَا أَنْ تَسْتَكْبِرَ مِنْهُ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «إِنَّ هَذِهِ الْجَارِيَةَ أَبْطَأَتْ عَلَيْكُمْ فَلَا تُؤَاخِذُوهَا»، فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ هِيَ حُرَّةٌ لِمَمْشَاكَ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ مَا رَأَيْتُ اثْنَيْ عَشَرَ دِرْهَمًا أَكْثَمَ بَرَكَهً مِنْ هَذِهِ كَسَا اللَّهُ بِهَا عُرْيَانَيْنِ وَأَعْتَقَ بِهَا نَفْسَةً».

٦. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّعْدِيُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ سَالِمٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ ﷺ قَالَ: إِذَا قَامَ الْعَبْدُ بِنِصْفِ اللَّيْلِ بَيْنَ يَدَيْ رَبِّهِ جَلَّ جَلَالُهُ فَصَلَّى لَهُ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ ثُمَّ سَجَدَ سَجْدَةَ الشُّكْرِ بَعْدَ فَرَاعِهِ، فَقَالَ: مَا شَاءَ اللَّهُ مَا شَاءَ اللَّهُ مِائَةَ مَرَّةٍ نَادَاهُ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ مِنْ فَوْقِهِ عَبْدِي إِلَى كَمْ تَقُولُ: مَا شَاءَ اللَّهُ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنَا رَبُّكَ وَإِلَيَّ الْمَشِيئَةُ، وَقَدْ شِئْتَ قَضَاءَ حَاجَتِكَ فَتَلْنِي مَا شِئْتَ.

٧. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَا جِيلَوْنَهُ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ، قَالَ: حَدَّثَنَا سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ الْأَدَمِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنِي عُثْمَانُ بْنُ عَيْسَى عَنْ خَالِدِ بْنِ نَجِيحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ ﷺ قَالَ: تَذَاكُرُوا الشُّومَ عِنْدَهُ، فَقَالَ: الشُّومُ فِي ثَلَاثَةٍ فِي الْمَرْأَةِ وَالذَّابَّةِ وَالدَّارِ، فَأَمَّا شُّومُ الْمَرْأَةِ فَكَثْرَةُ مَهْرِهَا وَعُقُوقُ زَوْجِهَا، وَأَمَّا الذَّابَّةُ فَسُوءُ خُلُقِهَا وَمَنْعُهَا ظَهْرَهَا وَأَمَّا الدَّارُ فَضِيقُ سَاحَتِهَا وَشَرُّ جِيرَانِهَا وَكَثْرَةُ عُيُوبِهَا.

٨. حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبُو سَعِيدٍ الْأَدَمِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ التَّعْمَانِ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ أَصْبَاطٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْجَهْمِ، قَالَ: سَأَلْتُ الرَّضَا ﷺ فَقُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا حَدُّ التَّوَكُّلِ؟ فَقَالَ لِي: أَنْ لَا تَخَافَ مَعَ اللَّهِ أَحَدًا، قَالَ: قُلْتُ: فَمَا حَدُّ التَّوَاضُّعِ؟ قَالَ: أَنْ تُعْطِيَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِكَ مَا تُحِبُّ أَنْ يُعْطُوكَ مِثْلَهُ، قَالَ: قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ أَشْهِي أَنْ أَعْلَمَ كَيْفَ أَنَا عِنْدَكَ؟ فَقَالَ: انْظُرْ كَيْفَ أَنَا عِنْدَكَ.

٩. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارُ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ

سوم گفتند: ای پیامبر خدا ﷺ درود بر تو باد و نیز رحمت و برکات او. حضرت پرسید: چرا در بار اول و دوم پاسخ مرا ندادید؟ گفتند: شنیدیم، اما دوست داشتیم دوباره صدای شما را بشنویم. حضرت فرمود: این کنیز دیر کرده و حالا او را سرزنش نکنید. گفتند: ای پیامبر خدا چون شما تشریف آوردید، کنیز آزاد است. حضرت فرمود: من دوازده درهمی مبارک‌تر از این ندیده بودم، دو برهنه را پوشاند و بنده‌ای را آزاد کرد.

السلامی

۶. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: آنگاه که بنده‌ای در نصف شب بلند شود و در پیشگاه خداوند چهار رکعت نماز در دل شب به جا آورد و از آن پس سجده سپاس بگذارد و صد بار ما شاء الله بر زبان آورد خداوند او را فریاد زند که ای بنده‌ام تا چند ما شاء الله می‌گویی من پروردگارت هستم. خواسته تو با من است و فراهم شدن خواسته تو را خواسته‌ام. اکنون هر چه مایلی از من تمنا کن.

۷. پیش امام صادق علیه السلام سخن درباره شوم بودن را آغاز کردند. حضرت فرمود در سه چیز خواهد بود:

در زن و در مرکب و در خانه. اما شوم بودن زن در سنگینی مهریه و نارضایتی شوهر است، و شوم بودن مرکب در چموش بودن آن است و شوم بودن خانه در کوچکی و تنگی و بد بودن همسایه‌ها و بسیار بودن نگاه‌ها به سمت آن منزل است.

۸. حسن بن جهم می‌گوید: به امام رضا علیه السلام گفتم: فدایت شوم. اندازه توکل کدام است؟ فرمود: این است که با نظر به خداوند از هیچ کس ترس نداشته باشی. گفتم: حد تواضع کدام است؟ فرمود: این است که به مردم بدهی، آنچه را که دوست داری که آنان به تو بدهند. گفتم: می‌خواهم بدانم که من در نگاه شما چگونه هستم؟ فرمود: بنگر که من در نگاه تو که هستم؟

۹. امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: ریشه آدمی هوش و عقل و آیین او می‌باشد و جوانمردی او



السلام



مُحَمَّدُ بْنُ عِيْسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ ذَرَّاجٍ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ قَالَ: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام يَقُولُ: «أَصْلُ الْإِنْسَانِ لُبُّهُ وَعَقْلُهُ وَدِينُهُ وَمُرُوتُهُ حَيْثُ يَجْعَلُ نَفْسَهُ وَالْإِيَّامَ دَوْلَ وَالنَّاسَ إِلَى آدَمَ شَرَعَ سَوَاءً».

١٠. حَدَّثَنَا أَبِي عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَالٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، قَالَ: قُلْتُ لِلصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (عَيْنُهُمَا السَّلَامُ) مَنْ آلُ مُحَمَّدٍ، قَالَ: ذُرِّيَّتُهُ فَقُلْتُ: مَنْ أَهْلُ بَيْتِهِ؟ قَالَ: الْإِثْمَةُ الْأَوْصِيَاءُ فَقُلْتُ: مَنْ عِثْرَتُهُ؟ قَالَ: أَصْحَابُ الْعَبَاءِ فَقُلْتُ: مَنْ أُمَّتُهُ؟ قَالَ: الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ صَدَّقُوا بِمَا جَاءَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ الْمُتَمَسِّكُونَ بِالثَّقَلَيْنِ الَّذِينَ أَمَرُوا بِالتَّمَسُّكِ بِهِمَا كِتَابَ اللَّهِ وَعِثْرَتَهُ أَهْلُ بَيْتِهِ الَّذِينَ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمْ الرِّجْسَ وَطَهَّرَهُمْ تَطْهِيراً وَهُمَا الْخَلِيفَتَانِ عَلَى الْأُمَّةِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله.

١١. حَدَّثَنَا أَبِي عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ وَعَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ الْحَمِيرِيُّ، قَالَا: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدَ بْنِ عِيْسَى عَنْ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ يَزِيدَ النَّيْسَابُورِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنِي عُثْمَرُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الْهَاشِمِيُّ عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ عُثْمَرَ عَنْ أَسِيدِ بْنِ صَفْوَانَ صَاحِبِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله قَالَ: لَمَّا كَانَ الْيَوْمُ الَّذِي قُبِضَ فِيهِ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ارْتَجَّ الْمَوْضِعُ بِالنِّكَاءِ وَدَهَشَ النَّاسُ كَيَوْمِ قُبِضَ فِيهِ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله وَجَاءَ رَجُلٌ بَاكِ وَهُوَ مُسْتَرْجِعٌ مُسْتَرْجِعٌ وَهُوَ يَقُولُ: الْيَوْمَ انْقَطَعَتْ خِلَافَةُ النَّبُوَّةِ حَتَّى وَقَفَ عَلَى بَابِ الْبَيْتِ الَّذِي فِيهِ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام فَقَالَ: رَحِمَكَ اللَّهُ يَا أَبَا الْحَسَنِ كُنْتَ أَوَّلَ الْقَوْمِ إِسْلَامًا وَأَخْلَصَهُمْ إِيْمَانًا وَأَشَدَّهُمْ يَقِينًا وَأَخْوَفَهُمْ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَأَعْظَمَهُمْ عَنَاءً وَأَحْوَطَهُمْ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَآمَنَهُمْ عَلَى أَصْحَابِهِ وَأَفْضَلَهُمْ مَنَاقِبَ وَأَكْرَمَهُمْ سَوَابِقَ وَأَرْفَعَهُمْ دَرَجَةً وَأَقْرَبَهُمْ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَأَسْبَغَهُمْ بِهِ هُدًى وَخَلْقًا وَسَمْتًا وَفِعْلًا وَأَشْرَفَهُمْ مَنَزِلَةً وَأَكْرَمَهُمْ عَلَيْهِ فَجَزَاكَ اللَّهُ عَنِ الْإِسْلَامِ وَعَنْ رَسُولِهِ وَعَنِ الْمُسْلِمِينَ خَيْرًا قَوِيَّتَ حِينَ ضَعُفَ أَصْحَابُهُ وَبَرَزْتَ حِينَ اسْتَكَانُوا وَنَهَضْتَ حِينَ وَهَنُوا وَلَزِمْتَ مِنْهَاجَ رَسُولِهِ إِذْ هُمْ أَصْحَابُهُ كُنْتَ خَلِيفَتَهُ حَقًّا لَمْ تَنَازِعْ وَلَمْ تُضِرْ بِرَغْمِ الْمُنَافِقِينَ وَغِيْظِ الْكَافِرِينَ وَكَرِهَ الْحَاسِدِينَ وَضَعْتَ الْفَاسِقِينَ فَقُمْتَ بِالْأَمْرِ حِينَ فَشَلُوا وَنَطَقْتَ حِينَ تَغَتَّمُوا

به اندازه همت او خواهد بود و زمانه دست به دست خواهد گشت، بی گمان مردم تا آدم علیه السلام به هم شباهت دارند.

۱۰. ابو بصیر می گوید: به امام صادق علیه السلام گفتم: خاندان محمد صلی الله علیه و آله چه کسانی اند؟ فرمود: نسل او. گفتم: اهل بیت چه کسانی هستند؟ فرمود: امامان و اوصیا. گفتم: عترت چه کسانی اند؟ فرمود: یاران عبا. گفتم: امت پیامبر چه کسانی اند؟ فرمود: مؤمنانی که آنچه از جانب حق آورده است، باور کرده اند و چنگ زدند به ثقل ها که خداوند فرمان تمسک بدان ها را داده است که همانا قرآن کریم و عترت و اهل بیت پیامبرند. خداوند از آنان پلیدی را دور کرده و به نیکی تطهیرشان کرده است. بی گمان قرآن و عترت جانشینان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در امت خواهند بود.

۱۱. اسید بن صفوان که مصاحب پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بود، می گوید: روزی که امیر مؤمنان علیه السلام چشم از جهان بست، سر تا سر کوفه گریان بودند همانند روزی که پیامبر خدا از دنیا رحلت نمود. مردم همه بی خود و ترسان بودند که شخصی در حالیکه اشک می ریخت و شتاب داشت، نزدیک آمد و گفت: «انا لله و انا الیه راجعون». و این سخن را پراکند که امروز رشته نبوت بریده شد. او بر در خانه امیر مؤمنان ایستاد و چنین گفت: سلام بر تو ای ابوالحسن که در اسلام از همه پیشتازتر بودی و در ایمان با اخلاص تر و در یقین استوارتر و از خداوند ترسان تر و کوشاتر و نسبت به پیامبر نگهبان تر و بر یاران او امانت دارتر و در مناقب برگزیده تر از همگان و در پیشینه ها تابان تر و بلندمرتبه تر و به رسول اکرم صلی الله علیه و آله نزدیک تر و در سنت و اخلاق و سیما و رفتار به پیامبر شبیه تر و در منزلت شریف تر و در چشم پیامبر ارجمندتر. خداوند تو را از اسلام و از پیامبر اسلام و از مسلمانان جزای نیکو بخشید. ای علی! تو نیرومند بودی آنجا که یاران پیامبر صلی الله علیه و آله ناتوان بودند. آنگاه که به میدان جنگ می شتافتی، می ایستادی آنجا که برخی سستی داشتند. تو به طریق پیامبر تمسک جستی، آنجا که دیگران کج بودند. تو جانشین به حق و بی رقیب و بی همتای پیامبری هر چند ناخوشایند منافقان بود و خشم کافران را برانگیخت و بدخواهی حسدورزان و کینه توزی فاسقان. آن گاه به کاری برخاستی که برخی نمی خواستند. آنگاه که به سخن می آمدی، دیگران در می ماندند. ای علی! با نور خدا جلو شتافتی، آنگاه که دیگران



مَضَيْتَ بِنُورِ اللَّهِ إِذْ وَقَفُوا فَاتَّبَعُوكَ فَهَدُوا وَكُنْتَ أَخْفَضَهُمْ صَوْتًا وَأَعْلَاهُمْ فَرْقًا وَأَقْلَهُمْ
كَلَامًا وَأَصْوَبَهُمْ مَنْطِقًا وَأَكْثَرَهُمْ رَأْيًا وَأَشْجَعَهُمْ قَلْبًا وَأَشَدَّهُمْ يَقِينًا وَأَحْسَنَهُمْ عَمَلًا وَ
أَعَزَّهُمْ بِالْأُمُورِ كُنْتَ وَاللَّهُ لِلَّذِينَ يَغْشَوْنَ أَوَّلًا حِينَ تَفْرُقُ النَّاسُ وَآخِرًا حِينَ فَتْلُوا كُنْتَ
لِلْمُؤْمِنِينَ أَبًا رَحِيمًا إِذْ صَارُوا عَلَيْكَ عِيَالًا فَحَمَلْتَ أَثْقَالَ مَا عَنْهُ ضَعُفُوا وَحَفِظْتَ مَا
أَضَاعُوا وَرَعَيْتَ مَا أَهْمَلُوا وَشَمَّرْتَ إِذْ اجْتَمَعُوا وَغَلَوْتَ إِذْ هَلَعُوا وَصَبَرْتَ إِذْ أَشْرَعُوا وَ
أَدْرَكْتَ إِذْ تَخَلَّفُوا (مَا عَنْهُ تَخَلَّفُوا) وَنَالُوا بِكَ مَا لَمْ يَخْتَسِبُوا كُنْتَ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا صَبًا
(مُبِينًا) وَلِلْمُؤْمِنِينَ غِيَاً وَخَصْبًا فَطَرْتَ وَاللَّهُ نِعْمَ مَاهَا وَفُزْتَ بِحَبَائِثِهَا وَأُحْزِرْتَ سَوَابِقَهَا
وَدَهَبْتَ بِفَضَائِلِهَا لَمْ تَقْلَلْ حُبُّكَ وَلَمْ يَزَعْ قَلْبُكَ وَلَمْ تَضْعَفْ بَصِيرَتُكَ وَلَمْ تَجْبُنْ
نَفْسُكَ وَلَمْ تَخُنْ، كُنْتَ كَالْجَبَلِ لَا تُحَرِّكُهُ الْعَوَاصِفُ وَلَا تُزِيلُهُ الْقَوَاصِفُ وَكُنْتَ كَمَا
قَالَ ﷺ: ضَعِيفًا فِي بَدَنِكَ قَوِيًّا فِي أَمْرِ اللَّهِ مُتَوَاضِعًا فِي نَفْسِكَ عَظِيمًا عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ
كَبِيرًا فِي الْأَرْضِ جَلِيلًا عِنْدَ الْمُؤْمِنِينَ لَمْ يَكُنْ لِأَحَدٍ فِيكَ مَهْمَزٌ وَلَا لِقَائِلٌ فِيكَ مَغْمَزٌ وَ
لَا لِأَحَدٍ فِيكَ مَطْمَعٌ وَلَا لِأَحَدٍ عِنْدَكَ هَوَادَةٌ، الضَّعِيفُ الدَّلِيلُ عِنْدَكَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ حَتَّى
تَأْخُذَ لَهُ بِحَقِّهِ وَالْقَوِيُّ الْعَزِيزُ عِنْدَكَ ضَعِيفٌ ذَلِيلٌ حَتَّى تَأْخُذَ مِنْهُ الْحَقُّ وَالْقَرِيبُ وَ
الْبَعِيدُ عِنْدَكَ فِي ذَلِكَ سَوَاءٌ شَأْنُكَ الْحَقُّ وَالصَّدَقُ وَالرَّفْقُ وَقَوْلُكَ حُكْمٌ وَحُكْمٌ وَ
أَمْرُكَ حِلْمٌ وَحَزْمٌ وَرَأْيُكَ عِلْمٌ وَعَزْمٌ فَأَقْلَعْتَ وَقَدْ نَهَجَ السَّبِيلُ وَسَهَّلَ الْعَسِيرُ وَ
أَطْفَأَتِ النَّيِّرَانُ فَأَعْتَدَلْ بِكَ الدِّينُ وَقَوِيَ بِكَ الْإِسْلَامُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَبَقْتَ سَبْقًا بَعِيدًا وَ
أَتَعَبْتَ مَنْ بَعْدَكَ تَعَبًا شَدِيدًا فَجَلَلْتَ عَنِ الْبُكَاءِ وَعَظُمْتَ رَزَايَتُكَ فِي السَّمَاءِ وَهَدَّتْ
مُصِيبَتُكَ الْإِنَامَ «فَإِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»^(١)، رَضِينَا عَنِ اللَّهِ قَضَاءَهُ وَسَلَّمْنَا لِلَّهِ أَمْرَهُ
قَوْلَ اللَّهِ لَنْ يُصَابَ الْمُسْلِمُونَ بِمِثْلِكَ أَبَدًا كُنْتَ لِلْمُؤْمِنِينَ كَهْفًا حَصِينًا (حَصِينًا) وَعَلَى
الْكَافِرِينَ غِلْظَةً وَغَيْظًا فَالْحَقَّكَ اللَّهُ بِنَبِيِّهِ وَلَا حَرَمْنَا أَجْرَكَ وَلَا أَضَلْنَا بَعْدَكَ وَسَكَتَ
الْقَوْمُ حَتَّى انْقَضَى كَلَامُهُ وَبَكَى وَأَبَكَى أَصْحَابُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ ثُمَّ طَلَبُوهُ فَلَمْ يُصَادِفُوهُ.
١٢. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ إِسْحَاقَ الدِّينَوْرِيُّ، قَالَ: أَخْبَرَنِي أَبُو عَرُوبَةَ الْحُسَيْنِيُّ بْنُ
أَبِي مَعْشَرٍ الْحَرَائِيُّ وَأَبُو طَالِبٍ بْنُ أَبِي عَوَانَةَ، قَالَا: حَدَّثَنَا أَبُو دَاوُدَ سُلَيْمَانُ بْنُ سَيْفٍ

بازمانده بودند و از تو پیروی می کردند تا اینکه هدایت شدند. ای علی! تو از همگان نرم آهنگ تر و سرافراز تر و میانه رو تر و راست گفتار تر و پرنظر تر و دلدار تر و سخت یقین تر و نیک رفتار تر و به کارها آشناتر بودی.

ای علی، سوگند به خداوند، نخستین دفاع گر از دین تو بودی، آن گاه که از هم پراکنده شدند و آخرین دفاع گر بودی آن گاه که دیگران سست می شدند. ای علی! تو پدر مهرورز اهل ایمان بودی، آن گاه که پیشوای دنیای آنان شدی و مسئولیتی را پذیرفتی که دیگران از انجام آن ناتوان ماندند و آن چه را در آن کوتاهی ورزیدند، نگاه داشتی و دامن همت به کمر بستنی آن گاه که گرد آمدند و تو را خواستند و سرفراز کردی، آن گاه که دیگران فرومایگی کردند. و شکیبایی بودی، هنگامی که دیگران آغازیدند و تو به مقصود رسیدی، آن گاه که دیگران در راه ماندند و به کمک تو به آنچه رسیدند که نمی پنداشتند، برای کفرورزان غذایی آشکار شدی و برای دین ورزان باران رحمت وافر. با یاری خداوند به سمت خداوند تا بارگاه پنهان او پرواز کردی. و با بخشش آن کامیاب شدی و پیشینه های آن را معزز کردی و فضیلت های آن را گرفتی. ای علی! راهنمایی تو نارسا نبود و قلب تو هیچ گاه به انحراف نگرایید و بصیرت تو نیز دچار ناتوانی نشد و باطن تو دچار ترس نشده و هرگز خیانت نکردی. مانند کوهی بودی که گردباد نتوانست آن را تکان بدهد و طوفان آن را از جا برکند. ای علی! تو چنان بودی که پیامبر ﷺ فرمود: ناتوان تر در جسم و نیرومندتر در فرمان بردن از خدا و فروتن در باره خویشتن و عظیم در پیشگاه خداوند. تو در زمین و آلازیستی و در نگاه اهل ایمان مولای بودی. برای هیچ کس جای اشارت و بدگویی درباره تو نبود. و نه جای طمع ورزی و نه سهل انگاری. آن که فرو دست و ناتوان بود، در پیش ارجمند و توانمند شد تا حق او باز پس بگیری و آنکه قدرت و عزت یافته بود، در پیش تو بی مقدار و ناتوان شد تا حق را از اوستانی. آشنا و نا آشنا از منظر عدل در نزد تو یکسان بودند. روش تو درستی و راستی و نرمی بود و سخن تو حکمت و فرمان تو حلم و دور اندیشی و دانش و اراده بود. ای علی! تو کفر را از ریشه در آوردی و راه دشوار را هموار کردی و آتش فتنه را خاموش. اسلام به خاطر تو قدرت گرفت و نیز مؤمنان به سبب تو نیرومند شدند. بسیار شتافتی و دیگران را در گرفتاری فراوان جا گذاشتی. تو منزلتی فراتر از گریستن داری و مصیبت تو در آسمان بزرگ است و برای مردم کمر شکن. انا لله و انا الیه راجعون. ما به خواست پروردگار راضی بوده و تسلیم او هستیم. سوگند به خداوند که مسلمانان داغ کسی مانند تو را نخواهند دید که برای آنان پناهگاه و حصاری بودی و برای کفرورزان دشواری و خشم. خداوند تو را به نزد پیامبر ﷺ برد. خداوند ما را از پاداش سوگواری ات بی بهره نسازد و پس از تو سرگردان نکند. همگان ساکت بودند تا اینکه سخن او به آخر رسید و اشک ریخت و نیز یاران پیامبر ﷺ را گریان کرد و آن گاه از نظر محو شد و او را دیگر ندیدند.

۱۲. جابر بن عبدالله انصاری می گوید، در روز جنگ «بدر» و «حنین» فرشتگان



السلامی



سخن بدین





السنن



سنة



الْحَرَّانِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ وَاقِدٍ عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ الْمَاجَشُونِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُثَنَّدِ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: اسْتَبَشَرَتِ الْمَلَائِكَةُ يَوْمَ بَدْرٍ وَحُنَيْنٍ بِكَشْفِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَأَحْزَابِ عَنْ وَجْهِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَمَنْ لَمْ يَسْتَبَشِرْ بِرُؤْيَا عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ (فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ).

١٣. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ إِسْحَاقَ الدِّينَوْرِيُّ، قَالَ: أَخْبَرَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ زِيَادٍ النَّيْسَابُورِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مَنْصُورٍ الْمَرْوَزِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا النَّضْرُ بْنُ شُمَيْلٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَوْفُ بْنُ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ هِنْدٍ الْجَمَلِيُّ قَالَ قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كُنْتُ إِذَا سَأَلْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ أَغْطَانِي وَإِذَا سَكَتُ ابْتَدَأَنِي.

١٤. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ السَّنَائِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي بَشِيرٍ (بَشْرٍ)، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ الْهَيْثَمِ، قَالَ: حَدَّثَنَا سُلَيْمَانُ بْنُ دَاوُدَ الْمِنْقَرِيُّ عَنْ حَفْصِ بْنِ غِيَاثٍ أَنَّهُ كَانَ إِذَا حَدَّثَنَا عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، قَالَ: حَدَّثَنِي خَيْرُ الْجَعْفَارِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

١٥. حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَحْمَدَ الْمُؤَدَّبِ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو الْحُسَيْنِ مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ الْكُوفِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي بَشْرٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ الْهَيْثَمِ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ دَاوُدَ الْمِنْقَرِيِّ، قَالَ: كَانَ عَلِيُّ بْنُ عُرَابٍ إِذَا حَدَّثَنَا عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا الصَّادِقُ عَنِ اللَّهِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو سَعِيدٍ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ الْعَبْدِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمَّارٍ الْجَارُودِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ عَنْ أَبِي الْهَيْثَمِ عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَنْعَثُ أَنْسًا وَجُوهَهُمْ مِنْ نُورٍ عَلَى كُرَاسِيٍّ مِنْ نُورٍ عَلَيْهِمْ ثِيَابٌ مِنْ نُورٍ فِي ظِلِّ الْعَرْشِ بِمَنْزِلَةِ الْأَنْبِيَاءِ وَلَيْسُوا بِالْأَنْبِيَاءِ وَبِمَنْزِلَةِ الشُّهَدَاءِ وَلَيْسُوا بِالشُّهَدَاءِ»، فَقَالَ رَجُلٌ: أَنَا مِنْهُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: «لَا» قَالَ: آخِرُ أَنَا مِنْهُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: «لَا» قِيلَ: مَنْ هُمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَوَضَعَ يَدَهُ عَلَى رَأْسِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ قَالَ: هَذَا وَشِيعَتُهُ.

خوشحال شدند که علی علیه السلام سپاه کفر را از برابر پیامبر صلی الله علیه و آله دور کرد و فراری ساخت. هرکس برای دیدن علی علیه السلام خوشحال نباشد، بر او نفرین باد.

۱۳. علی علیه السلام فرمود: هرگاه از رسول اکرم صلی الله علیه و آله سؤال می‌کردم: او پاسخ می‌داد و آن‌گاه که ساکت بودم، او سخن آغاز می‌کرد.

۱۴. حفص بن غیاث در نقل حدیث از امام صادق علیه السلام چنین می‌گفت: نیکوترین جعفرها، جعفر بن محمد برایم این‌گونه فرمود.

۱۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بی‌گمان خداوند، امتی را برانگیخت که سیمایی نورانی دارند و همواره بر کرسی نور نشسته و جام نورانی بر تن دارند و در سایه عرش الهی هستند، چرا که آنان مانند پیامبران هستند آنان مانند شهیدان هستند. شخصی گفت: آیا من از شمار آنان هستم؟ فرمود: نه. دیگری گفت: ای پیامبر خدا! من از آنان هستم؟ فرمود: نه. گفته شد: که آنان چه کسانی هستند؟ حضرت دست بر سر علی علیه السلام گذاشت و فرمود او و پیروان او.



المجلس الثالث والأربعون

يوم الجمعة لتسع بقين من صفر من سنة ثمان وستين وثلاثمائة

السلام

١. حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيه أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوَيْه الْقُمِّيُّ رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارُ رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْأَشْعَرِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الرَّازِيُّ وَاسْمُهُ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَحْمَدَ عَنْ سَجَادَةَ وَاسْمُهُ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي عُثْمَانَ وَاسْمُ أَبِي عُثْمَانَ حَبِيبُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليهما السلام قَالَ: تَبَعَ حَكِيمٌ حَكِيمًا سَبْعِمِائَةَ فَرَسٍ فِي سَبْعِ كَلِمَاتٍ فَلَمَّا لَحِقَ بِهِ قَالَ لَهُ: «يَا هَذَا مَا أَرْفَعُ مِنَ السَّمَاءِ وَأَوْسَعُ مِنَ الْأَرْضِ وَأَغْنِي مِنَ الْبَحْرِ وَأَقْسَى مِنَ الْحَجَرِ وَأَشَدُّ حَرَارَةً مِنَ النَّارِ وَأَشَدُّ بَرْدًا مِنَ الزَّمْهَرِيرِ وَأَثْقَلُ مِنَ الْجِبَالِ الرَّاسِيَّاتِ، فَقَالَ لَهُ: يَا هَذَا الْحَقُّ أَرْفَعُ مِنَ السَّمَاءِ وَالْعَدْلُ أَوْسَعُ مِنَ الْأَرْضِ وَغْنَى النَّفْسِ أَغْنِي مِنَ الْبَحْرِ وَقَلْبُ الْكَافِرِ أَقْسَى مِنَ الْحَجَرِ وَالْحَرِيصُ الْجَشْعُ أَشَدُّ حَرَارَةً مِنَ النَّارِ وَالْيَأْسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَشَدُّ بَرْدًا مِنَ الزَّمْهَرِيرِ وَالبُهْتَانُ عَلَى الْبَرِيِّ أَثْقَلُ مِنَ الْجِبَالِ الرَّاسِيَّاتِ».

٢. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَى الْخَشَّابِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الثُّعْمَانِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُشْكَانَ عَنْ زَيْدِ الشَّحَّامِ، قَالَ: سَمِعْتُ الصَّادِقَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ رحمته الله يَقُولُ: «مَنْ تَوَلَّى أَمْرًا مِنْ أُمُورِ النَّاسِ فَعَدَلَ وَفَتَحَ بَابَهُ وَرَفَعَ سِتْرَهُ وَنَظَرَ فِي أُمُورِ النَّاسِ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يُؤْمِنَ رَوْعَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيُدْخِلَهُ الْجَنَّةَ».

٣. حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُوسَى الدَّقَّاقُ رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيُّ، قَالَ حَدَّثَنِي صَالِحُ بْنُ أَبِي حَمَّادٍ، قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزْرِيعٍ عَنْ



مجلس چهل و سوم

جمعه بیست و یکم صفر سال ۳۶۸

السلامی

۱. امام صادق علیه السلام فرمود: مرد حکیمی هفتصد فرسخ در پی حکیمی رفت تا هفت کلمه از او فراگیرد. آنگاه که نزدیک او رسید، گفت: ای حکیم! بگو از آسمان بلندتر و از زمین فراختر و از دریا سرشارتر و از سنگ سختتر و از آتش سوزانتر و از زمهریر سردتر و از کوههای بلند سنگینتر چیست؟ گفت: حق از آسمان بلندتر است و عدل از زمین فراختر و نفس مطمئنه به خویش از دریا سرشارتر و قلب کفرورز از سنگ سختتر و طمع پیشه و حریص از آتش سوزانتر و یأس از رحمت الهی از زمهریر سردتر و بهتان بر بی گناهان از کوههای بلند سنگینتر.

۲. امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس مسئولیتی را در جامعه پذیرا شود و دادگری کند و در خانه خویش را بگشاید و پرده‌ها را بالا زند و در امور مردم بنگرد، بر خداوند است که روز رستاخیز قلب خائف او را آرام کرده و او را روانه بهشت سازد.

۳. امام صادق علیه السلام فرمود: آنگاه که خداوند خوبی مردم را اراده کند، حاکم مهرورزی به

مُحَمَّدُ بْنُ سِنَانٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ، قَالَ: قَالَ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عليه السلام: «إِذَا أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِرَعِيَّةٍ خَيْرًا جَعَلَ لَهَا سُلْطَانًا رَحِيمًا وَقَيْضَ لَهُ وَزِيرًا عَادِلًا».

٤. حَدَّثَنَا أَبِي عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ أَبِي جَعْفَرِ الْكُمَيْدَانِيُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُضْعَبٍ الْهَمْدَانِيِّ، قَالَ: سَمِعْتُ الصَّادِقَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عليه السلام يَقُولُ: «أَدُوا الْأَمَانَةَ وَلَوْ إِلَى قَاتِلِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ».

٥. حَدَّثَنَا أَبِي عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ، قَالَ: سَمِعْتُ الصَّادِقَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عليه السلام (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ) يَقُولُ: «اتَّقُوا اللَّهَ وَعَلَيْكُمْ بِأَدَاءِ الْأَمَانَةِ إِلَى مَنْ اتَّصَمَكُمْ فَلَوْ أَنَّ قَاتِلَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام اتَّصَمَنِي عَلَى أَمَانَةٍ لَأَدَيْتُهَا إِلَيْهِ».

٦. حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مَسْرُورٍ عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَمِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ حُمْرَانَ بْنِ أَغَيْنَ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثَّمَالِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ سَيِّدَ الْعَابِدِينَ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام يَقُولُ لِشِيعَتِهِ: «عَلَيْكُمْ بِأَدَاءِ الْأَمَانَةِ فَوَ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ نَبِيًّا لَوْ أَنَّ قَاتِلَ أَبِي الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام اتَّصَمَنِي عَلَى الشَّيْءِ الَّذِي قَتَلَهُ بِهِ لَأَدَيْتُهُ إِلَيْهِ».

٧. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ عليه السلام، قَالَ: أَخْبَرَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْكُوفِيُّ الْهَمْدَانِيُّ الْبَرْزَازُ، قَالَ: أَخْبَرَنَا الْمُنْذِرُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ سُلَيْمَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقُضَيْلِ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ الْأَحْمَرِ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبَ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: لَمَّا أَصَابَ آلَ يَعْقُوبَ مَا أَصَابَ النَّاسَ مِنْ ضَيْقِ الطَّعَامِ جَمَعَ يَعْقُوبُ عليه السلام بَنِيهِ فَقَالَ: «يَا بَنِيَّ إِنَّهُ بَلَّغَنِي أَنَّهُ يُبَاعُ بِمِصْرَ طَعَامٌ طَيِّبٌ وَأَنْ صَاحِبَهُ رَجُلٌ صَالِحٌ لَا يَحْبِسُ النَّاسَ فَادْهَبُوا إِلَيْهِ وَاشْتَرُوا مِنْهُ طَعَامًا فَإِنَّهُ سَيُحْسِنُ إِلَيْكُمْ إِنْ شَاءَ اللَّهُ فَتَجَهَّزُوا وَسَارُوا حَتَّى وَرَدُوا مِصْرَ فَادْخُلُوا عَلَى يُوسُفَ عليه السلام «فَعَرَفَهُمْ وَهُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ»^(١)، فَقَالَ لَهُمْ: مَنْ أَنْتُمْ؟ قَالُوا: نَحْنُ أَوْلَادُ يَعْقُوبَ بْنِ إِسْحَاقَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ الرَّحْمَنِ وَنَحْنُ مِنْ جَبَلِ كَنْعَانَ، قَالَ يُوسُفُ: وَلَدَ كُمْ إِذَا ثَلَاثَةُ أَنْبِيَاءَ وَمَا أَنْتُمْ بِحُلَمَاءَ (بِحَكْمَا) وَلَا فِيكُمْ وَقَارٌ وَلَا خُشُوعٌ

آنان ارزانی می‌دارد و نیز وزیر دادگستری برای او قرار می‌دهد.

۴. امام صادق علیه السلام فرمود: امانتداری کنید، هر چند که قاتل حسین علیه السلام باشد.

۵. امام صادق علیه السلام فرمود: از خدا بترسید و هر کس به شما امانتی سپرد، به او پس دهید. اگر قاتل امیر مؤمنان علیه السلام به من امانتی دهد، به او پس خواهم داد.

۶. امام سجاد علیه السلام به پیروان خود چنین فرمود: بر شما یاد امانت داری. سوگند به کسی که محمد صلی الله علیه و آله را برای پیامبری برانگیخت، اگر کشته پدرم حسین علیه السلام همان شمشیری را که با آن پدرم را به قتل رساند، به من امانت بدهد، به وی پس خواهم داد.

۷. ابن عباس می‌گوید: آنگاه که دوران خشکسالی به خاندان یعقوب پیامبر صلی الله علیه و آله فرا رسید، او پسران خود را گرد آورد و گفت: به من گزارش شده که در سرزمین مصر، گندم خوبی می‌فروشند و گندم فروش شخص نیک رفتاری است و مردم را آزار نمی‌دهد. اکنون به مصر رفته و از او گندم خریداری کنید که بی‌گمان به شما نیکی خواهد نمود. اگر خدا بخواهد، پسران یعقوب بار بسته و به مصر نزد یوسف علیه السلام رفتند. یوسف آنان را شناخت، در حالی که آنان وی را باز شناختند. به آنان گفت: شما چه کسی هستید؟ گفتند: فرزندان یعقوب، ساکن کوه کنعان. یوسف فرمود: سه پشت شما پیامبران هستند، در حالیکه شما را سبک سروبی و قاروبی پروا می‌نگرم، مبادا جاسوس برخی پادشاهان باشید



الملك



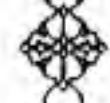
فَلَعَلَّكُمْ جَوَاسِيسُ الْمُلُوكِ جِئْتُمْ إِلَى بِلَادِي، فَقَالُوا: أَيُّهَا الْمَلِكُ لَسْنَا بِجَوَاسِيسَ وَ
لَا أَصْحَابَ حَرْبٍ وَلَوْ تَعْلَمُ بِأَيِّنَا إِذَا لَكْرُمْنَا عَلَيْكَ فَإِنَّهُ نَبِيُّ اللَّهِ وَابْنُ أَنْبِيَائِهِ وَإِنَّهُ
لَمَحْزُونٌ، قَالَ لَهُمْ يُوسُفُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَمِمَّا حَزَنَهُ وَهُوَ نَبِيُّ اللَّهِ وَابْنُ أَنْبِيَائِهِ وَالْجَنَّةُ مَأْوَاهُ وَهُوَ
يَنْظُرُ إِلَيْكُمْ فِي مِثْلِ عَذَابِكُمْ وَقُوتِكُمْ، فَلَعَلَّ حَزَنَهُ إِنَّمَا هُوَ مِنْ قَبْلِ سَفَهِكُمْ وَجَهْلِكُمْ وَ
كَذِبِكُمْ وَكَيْدِكُمْ وَمَكْرِكُمْ، قَالُوا: أَيُّهَا الْمَلِكُ لَسْنَا بِجُهَالٍ وَلَا سَفَهَاءَ وَلَا آتَاهُ الْحُزْنُ مِنْ
قَبْلِنَا وَلَكِنْ كَانَ لَهُ ابْنٌ كَانَ أَصْغَرُنَا سِنًا يُقَالُ لَهُ يُوسُفُ فَخَرَجَ مَعَنَا إِلَى الصَّيْدِ فَأَكَلَهُ
الدُّبُّ فَلَمْ يَزَلْ بَعْدَهُ كَثِيرًا حَزِينًا يَا كَيَا، فَقَالَ لَهُمْ يُوسُفُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كُلُّكُمْ مِنْ أَبِي وَاحِدٍ، قَالُوا:
أَبُونَا وَاحِدٌ وَأُمَّهَاتُنَا شَتَّى، قَالَ: فَمَا حَمَلَ أَبَاكُمْ عَلَى أَنْ سَرَّحَكُمْ كُلُّكُمْ إِلَّا حَبَسَ مِنْكُمْ
وَاحِدًا يَأْنَسُ بِهِ وَيَسْتَرِيحُ إِلَيْهِ، قَالُوا: قَدْ فَعَلَ قَدْ حَبَسَ مِنَّا وَاحِدًا هُوَ أَصْغَرُنَا سِنًا، قَالَ: وَ
لِمَ اخْتَارَهُ لِنَفْسِهِ مِنْ بَيْنِكُمْ؟ قَالُوا: لِأَنَّهُ أَحَبُّ أَوْلَادِهِ إِلَيْهِ بَعْدَ يُوسُفَ، فَقَالَ لَهُمْ
يُوسُفُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا أَحْبَسَ مِنْكُمْ وَاحِدًا يَكُونُ عِنْدِي وَأَرْجِعُوا إِلَى آبَائِكُمْ وَأَقْرَأُوهُ مِنِّي
السَّلَامَ وَقُولُوا لَهُ: يُرْسِلُ إِلَيَّ بِإِثْنِهِ الَّذِي رَغِمَتْ لَهُ حَبْسُهُ عِنْدَهُ لِيُخْبِرَنِي عَنْ حُزْنِهِ، وَمَا
الَّذِي أَحْزَنَهُ وَ عَنْ سُرْعَةِ الشَّيْبِ إِلَيْهِ قَبْلَ أَوَانِ مَشِيئِهِ وَ عَنْ بُكَائِهِ وَ ذَهَابِ بَصَرِهِ، فَلَمَّا
قَالَ: هَذَا اقْتَرَعُوا بَيْنَهُمْ فَخَرَجَتِ الْقَرْعَةُ عَلَى شَمْعُونَ وَأَمْرِي بِهِ فَحَبَسَ، فَلَمَّا وَدَّعُوا
شَمْعُونَ، قَالَ لَهُمْ: يَا إِخْوَتَاهُ انْظُرُوا مَاذَا وَقَعْتُ فِيهِ وَأَقْرَأُوا وَالَّذِي مِنِّي السَّلَامُ فَوَدَّعُوهُ وَ
سَارُوا حَتَّى وَرَدُوا الشَّامَ وَدَخَلُوا عَلَى يَعْقُوبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَسَلَّمُوا عَلَيْهِ سَلَامًا ضَعِيفًا، فَقَالَ
لَهُمْ: يَا بَنِي مَا لَكُمْ تَسْلُمُونَ سَلَامًا ضَعِيفًا وَمَا لِي لَا أَسْمَعُ فِيكُمْ صَوْتَ خَلِيلِي شَمْعُونَ،
قَالُوا: يَا أَبَانَا إِنَّا جِئْنَاكَ مِنْ عِنْدِ أَكْثَرِ النَّاسِ مُلْكَاً لَمْ يَرَ النَّاسُ مِثْلَهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَ
خُشُوعًا وَ سَكِينَةً وَقَارًا وَلَئِنْ كَانَ لَكَ شَبِيهُ إِنَّهُ لَشَبِيهُكَ، وَلَكِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ خَلَقْنَا
لِلْبَلَاءِ اتَّهَمْنَا الْمَلِكَ وَ زَعَمَ أَنَّهُ لَا يُصَدِّقُنَا حَتَّى تُرْسِلَ مَعَنَا ابْنَ يَامِينَ بِرِسَالَةٍ مِنْكَ
يُخْبِرُهُ عَنْ حُزْنِكَ وَ عَنْ سُرْعَةِ الشَّيْبِ إِلَيْكَ قَبْلَ أَوَانِ الْمَشِيئِ وَ عَنْ بُكَائِكَ وَ ذَهَابِ
بَصَرِكَ فَظَنَّ يَعْقُوبُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّ ذَلِكَ مَكْرٌ مِنْهُمْ، فَقَالَ لَهُمْ: يَا بَنِي بِئْسَ الْعَادَةُ عَادَتْكُمْ كُلَّمَا
خَرَجْتُمْ فِي وَجْهِ نَقْصٍ مِنْكُمْ وَاحِدٌ لَا أُرْسِلُهُ مَعَكُمْ، فَلَمَّا فَتَحُوا مَتَاعَهُمْ وَجَدُوا

که به سرزمین من آمده‌اید. گفتند: ای پادشاه مصر، ما نه جاسوس هستیم و نه جنگ جو. اگر پدر ما را می‌شناختی، به خاطر او بر ما ارج می‌نهادی. چون او پیامبر و پسر پیامبر است و اکنون اندوهگین شده است. یوسف فرمود: چرا اندوهگین است؟ او که رسول و رسول زاده است و فرجام او بهشت بوده و پسرانی مثل شما را با این شمار و توان مندی دارد. شاید اندوه او از سبک سری و چهل و دروغ زنی و حيله گری شما فرزندان باشد. گفتند: ای پادشاه مصر نه ما سبک سریم و نه جاهل و نه این که اندوه و غم او به خاطر ما می‌باشد. حقیقت این است که او پسر کوچک‌تری به نام یوسف داشت که با ما به شکار آمد و ناگاه گرگی او را خورد. از آن هنگام پدر افسردگی و اندوه دارد. یوسف فرمود: آیا شما همگی از یک پدر هستید؟ گفتند: آری. ولی چند مادران داریم. فرمود: پدرتان شما را به مصر فرستاده و پسر کوچکش را نزد خود نگاه داشته که مونس او باشد؟ گفتند: چنین خواسته است. فرمود: چرا از میان شما او را برگزید؟ گفتند: زیرا پس از یوسف او محبوب‌ترین فرزند اوست. یوسف فرمود من تنی از شما برادران را نزد خود نگاه می‌دارم. دیگران پیش پدر بازگردند و درود مرا به او ابلاغ کنند و بگویند که آن پسر کوچک خود را نزد من روانه کند تا وی از راز اندوه پدر و پیری زودرس و نابینایی اش سخن بگوید. آن‌گاه میان خود قرعه کشیدند و قرعه به نام شمعون خورد. بی‌درنگ فرمان بازداشت وی را داد. او هنگام وداع به برادران خود گفت: می‌نگرید که چگونه گرفتار شدم؟ سلام مرا به پدر برسانید.

پسران یعقوب نزد پدر بازگشتند و به سختی بر او درود گفتند. یعقوب علیه السلام فرمود: چرا به سستی سلام می‌کنید و صدای پسر محبوبم شمعون به گوشم نمی‌رسد؟ گفتند: پدر جان! ما نزد حاکمی رفتیم که مردمان، مثل او را در علم و حکمت و خشوع و آرامش و متانت هرگز ندیده‌اند. اگر نظیری برای او باشد همانا تو هستی. اما انگار خاندان یعقوب برای گرفتاری خلق شده‌اند. حاکم مصر ما را متهم کرد و گفت سخن ما را باور نمی‌کند؛ مگر اینکه «ابن یامین» را به عنوان قاصد پیش او روانه کنی تا او حقیقت را به حاکم مصر بگوید. یعقوب گمان کرد که این نیز نیرنگ آنان است. فرمود شما روش زشتی دارید و به هر جامی روید، از شما یکی ناپدید می‌شود. من او را همراه شما نخواهم فرستاد. آنگاه که آنان بارهای خود را باز کردند دیدند که کالایی که به مصر برده بودند، همراه آنان است.



السلامی



بِضَاعَتَهُمْ رُدَّتْ إِلَيْهِمْ» ^(١) بِغَيْرِ عِلْمٍ مِنْهُمْ أَقْبَلُوا إِلَى أَبِيهِمْ فَرِحِينَ، قَالُوا: يَا أَبَانَا مَا رَأَى
النَّاسُ مِثْلَ هَذَا الْمَلِكِ أَشَدَّ اتِّقَاءً لِلِإِثْمِ مِنْهُ رَدَّ عَلَيْنَا بِضَاعَتَنَا مَخَافَةَ الْإِثْمِ وَهِيَ
«بِضَاعَتُنَا رُدَّتْ إِلَيْنَا وَنَمِيرُ أَهْلُنَا وَنَحْفَظُ أَخَانَا وَنَزْدَادُ كَيْلَ بَعِيرٍ ذَلِكَ كَيْلُ يَسِيرٍ» ^(٢)،
قَالَ يَعْقُوبُ: قَدْ عَلِمْتُمْ أَنَّ ابْنَ يَامِينَ أَحَبَّكُمْ إِلَيَّ بَعْدَ أَخِيكُمْ يُوسُفَ وَبِهِ أَنْسَى وَإِلَيْهِ
سُكُونِي مِنْ بَيْنِ جَمَاعَتِكُمْ فَإِنَّ أَرْسِلَهُ مَعَكُمْ حَتَّى تُؤْتُوا مَوْثِقًا مِنَ اللَّهِ لَتَأْتُنِي بِهِ إِلَّا أَنْ
يُخَاطَبَ بِكُمْ فَضْمِنُهُ يَهُودًا فَخَرَجُوا حَتَّى وَرَدُوا مِصْرَ فَدَخَلُوا عَلَى يُوسُفَ، فَقَالَ لَهُمْ: هَلْ
بَلَغْتُمْ رِسَالَتِي قَالُوا: نَعَمْ وَقَدْ جِئْنَاكَ بِجَوَابِهَا مَعَ هَذَا الْغُلَامِ فَسَلِّهِ عَمَّا بَدَا لَكَ، قَالَ لَهُ
يُوسُفَ: بِمَا أَرْسَلَكَ أَبُوكَ إِلَيَّ يَا غُلَامُ، قَالَ: أَرْسَلَنِي إِلَيْكَ يُقَرِّتُكَ السَّلَامَ وَيَقُولُ: إِنَّكَ
أَرْسَلْتَ إِلَيَّ تَسْأَلُنِي عَنْ حُزْنِي وَعَنْ سُرْعَةِ الشَّيْبِ إِلَيَّ قَبْلَ أَوَانِ الْمَشْيِبِ وَعَنْ بُكَائِي وَ
ذَهَابِ بَصَرِي، فَإِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ حُزْنًا وَخَوْفًا أَذْكَرُهُمُ لِلْمَعَادِ، وَإِنَّمَا أَسْرَعَ الشَّيْبِ إِلَيَّ قَبْلَ
أَوَانِ الْمَشْيِبِ لِذِكْرِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَأُبْكَايَ وَبَيْضَ عَيْنِي الْحُزْنَ عَلَى حَبِيبِي يُوسُفَ، وَقَدْ
بَلَغَنِي حُزْنُكَ بِحُزْنِي وَاهْتِمَامُكَ بِأَمْرِي، فَكَانَ اللَّهُ لَكَ جَارِيًا وَمُشِيئًا وَإِنَّكَ لَنْ
تَصِلَنِي بِشَيْءٍ أَنَا أَشَدُّ فَرَحًا بِهِ مِنْ أَنْ تَعَجَّلَ عَلَيَّ وَلَدِي ابْنُ يَامِينَ فَإِنَّهُ أَحَبُّ أَوْلَادِي إِلَيَّ
بَعْدَ يُوسُفَ فَأَوْنِسْ بِهِ وَخَشِّسْ وَأَصِلْ بِهِ وَخُذْنِي وَتَعَجَّلْ عَلَيَّ بِمَا اسْتَعِينُ بِهِ عَلَى عِيَالِي،
فَلَمَّا قَالَ هَذَا: خَنَقَتْ يُوسُفَ الْعَبْرَةُ وَلَمْ يَضَرْ حَتَّى قَامَ فَدَخَلَ الْبَيْتَ وَبَكَى سَاعَةً ثُمَّ
خَرَجَ إِلَيْهِمْ (الْيَم) وَأَمَرَ لَهُمْ بِطَعَامٍ وَقَالَ: لِيَجْلِسَ كُلُّ بَنِي أُمِّ عَلَى مَائِدَةٍ فَجَلَسُوا وَبَقِيَ
ابْنُ يَامِينَ قَائِمًا فَقَالَ لَهُ يُوسُفَ: مَا لَكَ لَمْ تَجْلِسْ، فَقَالَ لَهُ: لَيْسَ لِي فِيهِمْ ابْنٌ أُمِّ، فَقَالَ لَهُ
يُوسُفَ: أَفَمَا كَانَ لَكَ ابْنٌ أُمِّ، فَقَالَ لَهُ ابْنُ يَامِينَ: بَلَى، فَقَالَ لَهُ يُوسُفَ: فَمَا فَعَلَ؟ قَالَ: زَعَمَ
هَؤُلَاءِ أَنَّ الذُّئْبَ أَكَلَهُ، قَالَ: فَمَا بَلَغَ مِنْ حُزْنِكَ عَلَيْهِ، قَالَ: وَلَدِي اثْنَى عَشَرَ ابْنًا كُلُّهُمْ
أَشْتَقُّ لَهُ اسْمًا مِنْ اسْمِهِ، فَقَالَ لَهُ يُوسُفَ: أَرَأَاكَ قَدْ غَانَقَتِ النِّسَاءُ وَشَمَمَتِ الْوُلَدُ مِنْ
بَعْدِهِ، فَقَالَ لَهُ ابْنُ يَامِينَ: إِنَّ لِي أَبَا صَالِحًا وَإِنَّهُ قَالَ لِي تَزَوِّجْ لَعَلَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُخْرِجُ
مِنْكَ ذُرِّيَّةً يُثْقِلُ الْأَرْضَ بِالتَّسْبِيحِ، فَقَالَ لَهُ يُوسُفَ: تَعَالَ فَاجْلِسْ عَلَى مَائِدَتِي، فَقَالَ
إِخْوَةُ يُوسُفَ: لَقَدْ فَضَّلَ اللَّهُ يُوسُفَ وَأَخَاهُ حَتَّى أَنَّ الْمَلِكَ قَدْ أَجْلَسَهُ مَعَهُ عَلَى مَائِدَتِهِ

آنان در حالی که شاد بودند، پیش پدر آمده و گفتند: به راستی حاکم مثل او وجود ندارد. او برای پاکی از گناه، کالای ما را پس داده و این همان است. ما برای خاندان خود آذوقه خواهیم آورد و از برادر کوچکمان مراقبت خواهیم کرد و می‌توانیم یک بار شتر اضافی از او بگیریم. این مقدار کمی است که همراه آورده‌ایم. یعقوب فرمود: شما خبر دارید که بعد از یوسف محبوب‌ترین‌تان ابن یامین است. او مونس و آرام بخش من است. او را همراه تان نخواهم فرستاد، مگر اینکه عهد الهی بسپارید که او را باز خواهید آورد. البته اگر همه‌تان گرفتار شوید «یهودا» او را ضامن خواهد بود. پسران یعقوب پیش یوسف بازگشتند. او فرمود: آیا پیغام مرا به پدر رساندید؟ گفتند: آری پاسخ وی همراه این نوجوان آورده‌ایم. اکنون هرچه مایلی از او سؤال کن. یوسف به ابن یامین فرمود: از جانب پدر چه پیغامی داری؟ گفت: او به تو درود فرستاده و گفته از من درباره اندوه و پیری و نابینایی اش سؤال کنی. و نیز گفته است که با تقوا کسی است که زیاد به یاد رستاخیز باشد و من از ذکر قیامت دچار پیری زودرس شدم. اما اشک و اندوه و نابینایی ام از دوری پسر محبوبم یوسف است. و همچنین به من گفته که گزارش دادند که تو پادشاهی هستی که به خاطر اندوه من اندوهگینی و به زندگی من عنایت داری. خداوند تو را پاداش ارزانی دارد. و بدان که بهترین شادمانی من در فرستادن پسر من یامین به سوی من است که پس از یوسف محبوب‌ترین پسران من است و نیز مونس من. تنهایی خود را با او به سر می‌برم. تقاضا دارم که بی‌درنگ آذوقه‌ای برای خانواده‌ام روانه کنی. آنگاه یوسف چنان گریست که بلند شد و به خلوت خویش رفت. پس از زمانی پیش آنان آمد و فرمان داد که خوراکی برای آنان بیاورند. یوسف فرمود: هر برادری می‌باید کنار برادر مادری خویش بنشیند. ابن یامین خود را تنها دید. یوسف فرمود: چرا ایستاده‌ای؟ گفت: من برادر مادری ندارم. فرمود: آیا تو از مادرت برادر نداشتی؟ گفت: چرا. فرمود: او چه شد؟ گفت: اینها پنداشته‌اند که وی را گرگ خورده است. فرمود: تو چقدر برای وی اندوهگینی؟ گفت: بعد از او خداوند به من دوازده پسر ارزانی داشت که اسم همه را از اسم او گرفتم. فرمود: آیا بعد از یوسف زنان را در بر گرفتی و بوی فرزندان به مشام تو خورد؟ گفت: من پدر شایسته‌ای دارم که به من فرمود که از دواج کن شاید خداوند از تو نسلی فراهم آورد که زمین را با تسبیح خود سنگین کنی. یوسف فرمود: اکنون بیا و کنار من بر سر سفره بنشین.

برادران یوسف گفتند: خداوند ابن یامین را تا جایی فضیلت بخشید که او برادر و



الملك

فَأَمَرَ يُوسُفُ أَنْ يُجْعَلَ صُورَاعُ الْمَلِكِ فِي رَحْلِ ابْنِ يَامِينَ، فَلَمَّا تَجَهَّزُوا «أَذِنَ مُوَدَّنُ أَيْتُهَا الْعَبِيرُ إِنَّكُمْ لَسَارِقُونَ قَالُوا: وَاقْبَلُوا عَلَيْهِمْ مَاذَا تَفْقِدُونَ، قَالُوا: نَفْقِدُ صُورَاعَ الْمَلِكِ وَلِمَنْ جَاءَ بِهِ حِمْلُ بَعِيرٍ وَأَنَا بِهِ زَعِيمٌ، قَالُوا: تَاللَّهِ لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَا جِئْنَا لِنُفْسِدَ فِي الْأَرْضِ وَمَا كُنَّا سَارِقِينَ» (١) وَكَانَ الرَّسْمُ فِيهِمْ وَالْحُكْمُ أَنَّ السَّارِقَ يُسْتَرَقُّ وَلَا يُقْطَعُ، «قَالُوا: فَمَا جَزَاؤُهُ إِنْ كُنْتُمْ كَاذِبِينَ، قَالُوا: جَزَاؤُهُ مَنْ وَجَدَ فِي رَحْلِهِ فَهُوَ جَزَاؤُهُ كَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ، فَبَدَأَ بِأَوْعِيَّتِهِمْ قَبْلَ وِعَاءِ أَخِيهِ ثُمَّ اسْتَخْرِجَهَا مِنْ وِعَاءِ أَخِيهِ» (٢) فَحَبَسَهُ، فَقَالَ إِخْوَتُهُ: لَمَّا أَصَابُوا الصُّورَاعَ فِي وِعَاءِ ابْنِ يَامِينَ «إِنْ يَسْرِقْ فَقَدْ سَرَقَ أَخٌ لَهُ مِنْ قَبْلُ فَأَسْرَهَا يُوسُفُ فِي نَفْسِهِ وَلَمْ يُبْدِهَا لَهُمْ، قَالَ: أَنْتُمْ شَرُّ مَكَانًا وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَصِفُونَ.

قَالُوا: يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ إِنَّ لَهُ أَبًا شَيْخًا كَبِيرًا فَخُذْ أَحَدَنَا مَكَانَهُ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ، قَالَ: مَعَاذَ اللَّهِ أَنْ نَأْخُذَ إِلَّا مَنْ وَجَدْنَا مَتَاعَنَا عَنْدَهُ إِنَّا إِذَا لظَالِمُونَ، فَلَمَّا اسْتِئْأَسُوا مِنْهُ خَلَصُوا نَجِيًّا، قَالَ كَبِيرُهُمْ: أَلَمْ تَعْلَمُوا أَنَّ أَبَاكُمْ قَدْ أَخَذَ عَلَيْكُمْ مَوْثِقًا مِنَ اللَّهِ وَمِنْ قَبْلُ مَا فَرَّطْتُمْ فِي يُوسُفَ فَلَنْ أَبْرَحَ الْأَرْضَ حَتَّى يَأْذُنَ لِي أَبِي أَوْ يَحْكُمَ اللَّهُ لِي وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ، ارْجِعُوا إِلَى أَبِيكُمْ فَقُولُوا يَا أَبَانَا إِنَّ ابْنَكَ سَرَقَ وَمَا شَهِدْنَا إِلَّا بِمَا عَلَّمْنَا وَمَا كُنَّا لِغَيْبِ خَافِظِينَ، وَأَسْأَلُ الْقَرْيَةَ الَّتِي كُنَّا فِيهَا وَالْعَبِيرَ الَّتِي أَقْبَلْنَا فِيهَا وَإِنَّا لَصَادِقُونَ» (٣)، فَلَمَّا رَجَعُوا إِلَى أَبِيهِمْ، قَالُوا ذَلِكَ لَهُ، قَالَ إِنَّ ابْنِي لَا يَسْرِقُ، «بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبِرْ جَمِيلٌ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَنِي بِهِمْ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ» (٤). ثُمَّ أَمَرَ بَنِيهِ بِالتَّجْهِيزِ إِلَى مِصْرَ فَمَارُوا حَتَّى أَتَوْا مِصْرَ فَدَخَلُوا عَلَى يُوسُفَ وَدَفَعُوا إِلَيْهِ كِتَابًا مِنْ يَعْقُوبَ يَسْتَغْفِرُ فِيهِ وَيَسْأَلُهُ رَدُّ وَلَدِهِ عَلَيْهِ، فَلَمَّا نَظَرَ فِيهِ حَقَّقَهُ الْعَبْرَةُ وَلَمْ يَصْبِرْ حَتَّى قَامَ فَدَخَلَ الْبَيْتَ فَبَكَى سَاعَةً ثُمَّ خَرَجَ إِلَيْهِمْ فَقَالُوا لَهُ: «يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسْنَا وَأَهْلُنَا الضُّرُّ وَجِئْنَا بِبِضَاعٍ مُزْجَاةٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ» (٥).

٢. يوسف / ٧٤-٧٦.

٤. يوسف / ٨٣.

١. يوسف / ٧٠-٧٣.

٣. يوسف / ٧٧-٨٢.

٥. يوسف / ٨٨.

سورة يوسف

هم سفره و هم نشین پادشاه مصر شد. آنگاه یوسف فرمان داد پیمانه خزانه دربار مصر را در میان بار ابن یامین بگذارند. آنان به هنگام بازگشت صدای جارچی دربار را شنیدند: ای کاروانیان! شما دزد می باشید. گفتند: مگر چه چیزی از شما ناپدید شده است؟ مأموران گفتند: پیمانه مخصوص شاه. هر کس آنرا بیاورد یک بار شتر گندم خواهد گرفت. گفتند: سوگند به خداوند که ما به قصد فساد در زمین نیامده ایم و هرگز چیزی را نربوده ایم.

قانون مصر این بود که یا سارق را بنده خود کنند و یا دست او را جدا کنند. گفتند: کیفر سارق چیست؟ گفتند: کیفر هر کس پیمانه دربار پیش او یافت شود، این است که او را بازداشت کنند. ما چنین به ستم پیشگان کیفر خواهیم داد. آنگاه بازرسی را آغاز کردند و پیمانه شاه را در بار ابن یامین یافتند و او را بازداشت کردند. برادران که این صحنه را مشاهده کردند، گفتند: اگر او از دربار شاه دزدی کرده است پیش از این برادر بزرگ ترش نیز دزدی کرده بود. یوسف این سخن را شنید و هیچ نگفت و بعد به آنان فرمود: جایگاه شما زشت تر از این حرفهاست. و خدا داناتر است به آن چه می گوئید. آنان گفتند: ای عزیز مصر او پدر سالمندی دارد. تنی از ما را به جای او بازداشت کن و ما تو را نیک رفتار می پنداریم. یوسف فرمود: به خداوند پناه می برم که کسی را بازداشت کنم، غیر از آنکه پیمانه خود را در بار گندم او یافته ایم. در این صورت خود از ستم پیشگان خواهیم بود. آنان که مایوس شدند، با هم به گفتگو پرداختند و سپس بزرگ آنان چنین گفت: آیا خبر نداری که پدر از ما پیمان الهی گرفته که ابن یامین را بازگردانیم؟ و پیش از این خبر داری که با یوسف چه کار کرده اید؟ من از مصر بیرون نمی روم تا پدر اجازه بدهد یا خداوند حکمی دهد که بهترین حکم کنندگان است. اینک پیش پدر بازگردید و به او بگوئید که پسرش دزدی کرده و جز آنچه مشاهده کرده ایم، شهادت نداده و هرگز علم به غیب نداریم و بی گمان ما راست گویان هستیم. آنگاه که پسران یعقوب به کنعان آمدند و ماجرا را باز گفتند، یعقوب فرمود: بی گمان پسر من شمار دزدان نیست و این نفس اماره تان است که کار زشت را در نگاه شما آراسته است. و اکنون من صبر جمیل خواهم داشت. امیدوارم که خداوند همه فرزندانم را نزد من بازگرداند. همانا او دانا و فرزانه است. آنگاه فرمان داد که پسران او برای رفتن به مصر مهیا شوند. آنان همراه با نامه مهربانانه ای از جانب یعقوب پیش یوسف بازگشتند که در آن خواسته بود که پسران او را بازگرداند. آنگاه که نگاه یوسف به نامه پدر افتاد، چنان اشک ریخت که ناگزیر به خلوت رفت و پس از زمانی بازگشت. پسران یعقوب گفتند: ای عزیز! مصر به ما و خاندان ما سختی بسیار رسیده و اینک کالای اندکی همراه داریم. از تو می خواهیم که بار زیاد تمام عطا کنی و به ما صدقه دهی که خداوند به احسان کنندگان پاداش می دهد.

فَقَالَ لَهُمْ يُوسُفُ: «هَلْ عَلِمْتُمْ مَا فَعَلْتُمْ بِيُوسُفَ وَأَخِيهِ إِذْ أَنْتُمْ جَاهِلُونَ، قَالُوا: (أَأَنْتَ لَأَنْتَ يُوسُفُ، قَالَ: أَنَا يُوسُفُ وَهَذَا أَخِي قَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ، فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ، قَالُوا: تَاللَّهِ لَقَدْ أَتَرَكْنَا اللَّهَ عَلَيْنَا وَإِنْ كُنَّا لَخَاطِئِينَ، قَالَ: لَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ الْيَوْمَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ»^(١).

ثُمَّ أَمَرَهُمْ بِالْأَنْصِرَافِ إِلَى يَعْقُوبَ وَقَالَ لَهُمْ: «اذْهَبُوا بِقَمِيصِي هَذَا فَالْقُوهُ عَلَى وَجْهِ أَبِي يَأْتِ بَصِيرًا وَأْتُونِي بِأَهْلِكُمْ أَجْمَعِينَ»^(٢) فَهَبَطَ جَبْرِئِيلُ عَلَى يَعْقُوبَ فَقَالَ: يَا يَعْقُوبُ أَلَا أَعْلَمُكَ دُعَاءَ يَرُدُّ اللَّهُ عَلَيْكَ بِهِ بَصَرَكَ وَيَرْدُّ عَلَيْكَ ابْنَيْكَ، قَالَ: بَلَى،

قَالَ: قُلْ: مَا قَالَه أَبُوكَ آدَمُ فَتَابَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَمَا قَالَه نُوحٌ فَاسْتَوَتْ بِهِ سَفِينَتُهُ عَلَى الْجُودِيِّ وَنَجَّى مِنَ الْغَرَقِ، وَمَا قَالَه أَبُوكَ إِبْرَاهِيمُ خَلِيلُ الرَّحْمَنِ حِينَ أُلْقِيَ فِي النَّارِ فَجَعَلَهَا اللَّهُ عَلَيْهِ بَرْدًا وَسَلَامًا، فَقَالَ يَعْقُوبُ وَمَا ذَاكَ يَا جَبْرِئِيلُ؟

فَقَالَ: قُلْ: يَا رَبِّ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ أَنْ تَأْتِيَنِي بِيُوسُفَ وَابْنِ يَامِينَ جَمِيعًا وَتَرُدُّ عَلَيَّ عَيْنِي.

فَمَا اسْتَمَّ يَعْقُوبُ ﷺ هَذَا الدُّعَاءَ حَتَّى جَاءَ الْبَشِيرُ فَأَلْقَى قَمِيصَ يُوسُفَ عَلَيْهِ^(٣) فَارْتَدَّ بَصِيرًا فَقَالَ لَهُمْ: أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ، قَالُوا: «يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ قَالَ: سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ»^(٤).

فَرَوَى فِي خَبَرٍ عَنِ الصَّادِقِ ﷺ أَنَّهُ قَالَ: «أَخْرَجَهُمْ إِلَى السَّحَرِ، فَأَقْبَلَ يَعْقُوبُ إِلَى مِصْرَ وَخَرَجَ يُوسُفُ لِيَسْتَقْبِلَهُ فَبَدَأَ بِأَنْ يَتَرَجَّلَ لِيَعْقُوبَ ثُمَّ ذَكَرَ مَا فِيهِ مِنَ الْمُلْكِ فَلَمْ يَفْعَلْ، فَنَزَلَ عَلَيْهِ جَبْرِئِيلُ فَقَالَ لَهُ: يَا يُوسُفُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ لَكَ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَنْزِلَ إِلَى عَبْدِي الصَّالِحِ مَا كُنْتَ فِيهِ ابْسُطْ يَدَكَ فَبَسَطَهَا فَخَرَجَ مِنْ بَيْنِ أَصَابِعِهِ نُورٌ، فَقَالَ: مَا هَذَا يَا جَبْرِئِيلُ؟ فَقَالَ: هَذَا إِنَّهُ لَا يَخْرُجُ مِنْ صُلْبِكَ نَبِيٌّ أَبَدًا غُفُوبَةً بِمَا صَنَعْتَ بِيَعْقُوبَ إِذْ لَمْ تَنْزِلْ إِلَيْهِ».

فَقَالَ يُوسُفُ: «ادْخُلُوا مِصْرَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِينَ - وَرَفَعَ أَبُوهُ عَلَى الْعَرْشِ وَحَرَّوَالَهُ

یوسف فرمود: آیا خبر دارید که با یوسف و برادر او چه کردید، آنگاه که در نادانی بوده‌اید؟ گفتند: گویی تو همان یوسف هستی. گفت: آری من یوسف هستم و این برادرم است، بی گمان خداوند بر ما منت نهاده است و هر کس که تقوا و شکیبایی کند، خداوند پاداش احسان کنندگان را نابود نمی‌کند. برادران یوسف گفتند: سوگند به خداوند که او تو را بر ما برگزیده است و ما همگی گنهکار بوده‌ایم. فرمود: اکنون ترسی بر شما نخواهد بود و امروز شما را خواهد آمرزید و او مهربانترین مهربانان است. آنگاه یوسف فرمان داد که نزد یعقوب بازگردند و بعد فرمود: این جامه مرا همراه خود ببرید و بر چهره پدر افکنید که بینایی خود را به دست خواهد آورد، و آنگاه او را همراه خاندان خود پیش من آورید.

جبرئیل امین نزد یعقوب آمد و فرمود: آیا به تو دعایی تعلیم ندهم که خداوند بینایی تو را بازگرداند و نیز پسر تو را؟ فرمود: چرا. جبرئیل فرمود: اینک همان جمله‌ای را بر زبان بیاور که پدر تو آدم علیه السلام گفت و خداوند توبه‌اش را قبول نمود و نیز نوح گفت و کشتی او بر کوه جودی قرار گرفت و از غرق شدن رهایی یافت و پدرت ابراهیم گفت و خداوند، آتش را بر او سرد و سلامت کرد. یعقوب علیه السلام پرسید: آن عبارت کدام است؟ فرمود: بگو خدایا! از تو به حق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام خواستارم که یوسف و ابن یامین را به من بازگردانی و روشنایی دیدگانم را به من ارزانی داری. هنوز نیایش یعقوب علیه السلام پایان نیافته بود که بشیر آمد و جامه یوسف را بر صورت وی انداخت و بینایی چشمان یعقوب بازگشت. به آنان فرمود: آیا به شما نگفتم که من از جانب خداوند چیزی را آگاهم که شما از آن نیستید؟ گفتند: اکنون پدر جان برای ما درخواست آمرزش گناهان کن که ما خطا پیشه‌ایم. یعقوب فرمود: بی گمان از پروردگار خویش برای همه‌تان طلب مغفرت خواهم کرد که او آمرزنده و مهربور است. در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است که یعقوب علیه السلام برای آمرزش خواهی پسران خویش در انتظار سحرگاهی بود.

یعقوب علیه السلام همراه با پسران خود وارد سرزمین مصر شد و یوسف علیه السلام به پیشواز پدرش بیرون آمد و آنگاه که خواست به پاس احترام پدر از اسب فرود آید، شکوه شاهانه او را از این کار بازداشت. جبرئیل بر او فرود آمد و فرمود: ای یوسف خداوند می‌فرماید: چرا در برابر بنده شایسته‌ام فرود نیامدی؟ اکنون به خاطر منزلتی که داری دست خود را باز کن. یوسف علیه السلام دستش را باز کرد و ناگاه نوری از میان انگشتان وی خارج شد. فرمود: ای جبرئیل! این نور چیست؟ فرمود: از این پس هرگز پیامبری از نسل تو نخواهد آمد؛ چرا که این رفتار را با پدر کردی. آنگاه یوسف علیه السلام به پدر و برادران خود فرمود: همه به سرزمین مصر بیایید در حالی که

سُجِّدًا^(١)، فَقَالَ يُوسُفُ لِيَعْقُوبَ: «يَا أَبَتِ هَذَا تَأْوِيلُ رُؤْيَايَ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَعَلَهَا رَبِّي حَقًّا»^(٢) إِلَى قَوْلِهِ «تَوْفَّنِي مُسْلِمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ»^(٣)، فَرُوي فِي خَبَرٍ عَنِ الصَّادِقِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: «دَخَلَ يُوسُفُ السِّجْنَ وَهُوَ ابْنُ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ سَنَةً وَمَكَثَ فِيهِ ثَمَانِ عَشْرَةَ سَنَةً وَبَقِيَ بَعْدَ خُرُوجِهِ ثَمَانِينَ سَنَةً فَذَلِكَ مِائَةُ سَنَةٍ، وَعَشْرُ سِنِينَ».

٨ حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابَوَيْهِ الْقُمِّيُّ عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْحَسَنِ الْمُؤَدَّبُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيٍّ الْأَصْبَهَانِيِّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ الثَّقَفِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو عَسَانَ النَّهْدِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ سَلَمَةَ بْنُ كَهِيلٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي إِدْرِيسَ عَنِ الْمُسَيَّبِ بْنِ نَجِيَّةَ عَنْ عَلِيِّ أَنَّهُ قِيلَ لَهُ: حَدَّثَنَا عَنْ أَصْحَابِ مُحَمَّدٍ عليه السلام حَدَّثَنَا عَنْ أَبِي ذَرٍّ الْغِفَارِيِّ قَالَ: عَلِمَ الْعِلْمَ ثُمَّ أَوْكَاهُ وَرَبَطَ عَلَيْهِ رِبَاطًا شَدِيدًا، قَالُوا: فَعَنْ حَدِيثِهِ قَالَ: تَعَلَّمَ أَسْمَاءَ الْمُنَافِقِينَ، قَالُوا: فَعَنْ عَمَّارِ بْنِ يَاسِرٍ قَالَ: مُؤْمِنٌ مَلِيءٌ مَشَاشُهُ إِيْمَانًا نَسِيَ إِذَا ذَكَرَ، قِيلَ فَعَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ قَالَ: قَرَأَ الْقُرْآنَ فَتَزَلَّ عِنْدَهُ، قَالُوا: فَحَدَّثَنَا عَنْ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ قَالَ: أَدْرَكَ عِلْمَ الْأَوَّلِ وَالْآخِرِ وَهُوَ بَخْرٌ لَا يُنْزَحُ وَهُوَ مِنَّا أَهْلُ الْبَيْتِ، قَالُوا: فَحَدَّثَنَا عَنْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ: كُنْتُ إِذَا سَأَلْتُ أُعْطِيتُ وَإِذَا سَكَتُ ابْتُدِيتُ.

آسایش خاطر دارید. آنگاه پدر و مادر خود را بر بالای تخت نشاند و برادران همگی در برابر یوسف به خاک افتادند. یوسف به پدر گفت: ای پدر! این تاویل همان رویایی بود که من دیده بودم. و خداوند آن را تحقق بخشید. بعد فرمود: خدایا مرا مسلمان بمیران و همراه نیکان محشور گردان.

در حدیثی از امام صادق علیه السلام آمده است که یوسف آنگاه که به زندان افتاد، نوجوانی دوازده ساله بود و هجده سال در حبس ماند و پس از آزادی هشتاد سال از خدا عمر گرفت. وفات یوسف علیه السلام در سن صد و ده سالگی بود.

مسیب بن نجبه می گوید: به علی علیه السلام گفته شد که احوال یاران پیامبر صلی الله علیه و آله را برای ما وصف کن. بگو که ابوذر چگونه بود و چگونه زندگی کرد؟ علی علیه السلام فرمود: ابوذر دانش فرا گرفت و اندوخت و سر آن را همچون انبانی بست. گفتند: «حذیفه» چطور؟ فرمود: او رسم نفاق ورزان را یاد گرفت.

گفتند: عمار یاسر چطور؟ فرمود: او تا استخوان گردن خویش آکنده از ایمان بود. گفتند: عبد الله بن مسعود چطور؟ فرمود: او قرآن را نیک خواند و در محضر پیامبر صلی الله علیه و آله بود که قرآن فرود آمد. گفتند: سلمان فارسی چطور؟ فرمود: او علم نخستین و واپسین را فرا گرفت و نیز دریایی سرشار بود که هرگز پایانی نداشت و او از خاندان ما است. گفتند: از خویشتن بگوی. فرمود: من هرگاه از چیزی جو یا می شدم به من عطا می کردند و هرگاه ساکت می ماندم، با من سخن می آغازیدند.



السنن



سنن
محدث



المجلس الرابع والأربعون

يوم الثلاثاء لخمس بقين من صفر من سنة ثمان وستين وثلاثمائة

١. حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوئِيهِ الْقُمِّيُّ رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ (رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ)، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ الْحَمِيرِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَخْبُوبٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ رحمته الله قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: «مَا أَحْسَنَ الْحَسَنَاتِ بَعْدَ السَّيِّئَاتِ وَمَا أَقْبَحَ السَّيِّئَاتِ بَعْدَ الْحَسَنَاتِ».

٢. حَدَّثَنَا أَبِي، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ هَارُونَ بْنِ الْجَهْمِ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ سَعْدِ بْنِ طَرِيفٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ رحمته الله قَالَ: «الظُّلْمُ ثَلَاثَةٌ ظَلَمَ يَغْفِرُهُ اللَّهُ وَظَلَمَ لَا يَغْفِرُهُ اللَّهُ وَظَلَمَ لَا يَدْعُهُ اللَّهُ، فَأَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي لَا يَغْفِرُهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَالشُّرْكُ بِاللَّهِ، وَأَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي يَغْفِرُهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَظَلَمَ الرَّجُلُ نَفْسَهُ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَأَمَّا الظُّلْمُ الَّذِي لَا يَدْعُهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَالْمَدَائِنَةُ بَيْنَ الْعِبَادِ، وَقَالَ: مَا يَأْخُذُ الْمَظْلُومُ مِنْ دِينِ الظَّالِمِ أَكْثَرُ مِمَّا يَأْخُذُ الظَّالِمُ مِنْ دُنْيَا الْمَظْلُومِ».

٣. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَبَانَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ يَحْيَى الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ رحمته الله أَنَّهُ قَالَ لِرَجُلٍ: «يَا فُلَانُ لَا تُجَالِسِ الْاَغْنِيَاءَ، فَإِنَّ الْعَبْدَ يُجَالِسُهُمْ وَهُوَ يَرَى أَنَّ لِلَّهِ عَلَيْهِ نِعْمَةً فَمَا يَقُومُ حَتَّى يَرَى أَنَّ لَيْسَ لِلَّهِ عَلَيْهِ نِعْمَةٌ».

٤. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِلَوَيْهِ رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا عَمِّي مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْمُفَضَّلِ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ

مجلس چهل و چهارم

سه شنبه بیست و پنجم صفر سال ۳۶۸

السلامی

۱. امام باقر علیه السلام فرمود: چه قدر حسنات پس از سیئات ارزش دارد و چه قدر سیئات پس از حسنات ناپسند است.

۲. امام باقر علیه السلام فرمود: ظلم سه دسته است. نخست ظلمی که خداوند آن را خواهد آمرزید و دیگر ظلمی که خدا آن را نخواهد آمرزید و سوم ظلمی که رها نمی‌کند، پس اما ظلمی که خدا نمی‌بخشد، شرک به خدا است، و اما ظلمی که خداوند می‌آمرزد، ستم به نفس است که بین او و بین خدای عزوجل است. و آن ظلمی که خدا رهایش نمی‌کند ظلم به بندگان نسبت به یکدیگر است. فرمود: آنچه ستم‌دیده از دین ستمگر بگیرد، بیشتر از چیزی است که ستمگر از دنیای ستم‌دیده می‌گیرد.

۳. امام باقر علیه السلام به شخصی فرمود: با توانگران همنشین نشو، زیرا که بنده خداوند عقیده دارد که او به آدمی نعمت عطا کرده است، شخص از کنار توانگران بلند نشود، مگر اینکه این باور از او گرفته شده است.

۴. امام باقر علیه السلام در بیان آیه «قولوا للناس حسنا» چنین فرمود: به مردم بهترین چیزی

الْبَاقِرُ عليه السلام فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» ^(١)، قَالَ: قُولُوا لِلنَّاسِ أَحْسَنَ مَا تُحِبُّونَ أَنْ يُقَالَ لَكُمْ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُبْعِضُ اللَّعَانَ السَّبَّابَ الطَّعَّانَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ الْفَاحِشَ الْمُتَفَحِّشَ السَّائِلَ الْمُدْحِفَ وَيُحِبُّ الْحَيَّيَّ الْحَلِيمَ الْعَفِيفَ الْمُتَعَفِّفَ.

٥. حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ أَبِي الْبَلَادِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْوَلِيدِ الْوَصَافِيِّ، قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ الْبَاقِرُ عليه السلام: «صَنَائِعُ الْمَعْرُوفِ تَقِي مَصَارِعَ السُّوءِ وَ كُلُّ مَعْرُوفٍ صَدَقَةٌ وَأَهْلُ الْمَعْرُوفِ فِي الدُّنْيَا أَهْلُ الْمَعْرُوفِ فِي الْآخِرَةِ، وَأَهْلُ الْمُنْكَرِ فِي الدُّنْيَا أَهْلُ الْمُنْكَرِ فِي الْآخِرَةِ، وَأَوَّلُ أَهْلِ الْجَنَّةِ دُخُولًا إِلَى الْجَنَّةِ أَهْلُ الْمَعْرُوفِ وَإِنْ أَوَّلُ أَهْلِ النَّارِ دُخُولًا إِلَى النَّارِ أَهْلُ الْمُنْكَرِ».

٦. حَدَّثَنَا حَمْزَةُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ أَحْمَدَ الْعَلَوِيُّ عليه السلام، فِي رَجَبِ سَنَةِ تِسْعٍ وَ ثَلَاثِينَ وَ ثَلَاثِمِائَةٍ، قَالَ: أَخْبَرَنِي عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ فِيمَا كَتَبَ إِلَيَّ سَنَةَ سَبْعٍ وَ ثَلَاثِمِائَةٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ حَبِيبِ السَّجِسْتَانِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ عليه السلام قَالَ: «فِي التَّوْرَةِ مَكْتُوبٌ فِيمَا نَاجَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ عليه السلام يَا مُوسَى خَفِينِي فِي سِرِّ أَمْرِكَ أَحْفَظْكَ مِنْ وَرَاءِ عَوْرَتِكَ وَ إِذْ كُرْنِي فِي خَلَوَاتِكَ وَ عِنْدَ سُرُورٍ لَدَيْكَ إِذْ كُرْتُكَ عِنْدَ غَفْلَتِكَ وَ أَمْلِكْ غَضَبَكَ عَنْ مَنْ مَلَكَتْكَ عَلَيْهِ أَكْفُ عَنْكَ غَضَبِي وَ أَكْتُمْ مَكْنُونِ سِرِّي فِي سِرِّ رَتِكَ وَ أَظْهَرْ فِي غَلَابَتِكَ الْمُدَارَاةَ عَنِّي لِعَدُوِّي وَ عَدُوَّكَ مِنْ خَلْقِي وَ لَا تُنْسَبْ لِي عِنْدَهُمْ بِإِظْهَارِكَ مَكْنُونِ سِرِّي فَتَشْرَكَ عَدُوَّكَ وَ عَدُوِّي فِي سَبِي».

٧. حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ مَسْرُورٍ (رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ)، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَامِرٍ عَنْ عَمِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَامِرٍ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ سَعْدِ بْنِ طَرِيفٍ عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام يَقُولُ فِي سُجُودِهِ: «أُنَاجِيكَ يَا سَيِّدِي كَمَا يُنَاجِي الْعَبْدُ الدَّلِيلُ مُوَلَّاهُ وَ أَطْلُبُ إِلَيْكَ طَلَبَ مَنْ يَعْلَمُ أَنَّكَ تُعْطِي وَ لَا يَنْقُصُ مِمَّا عِنْدَكَ شَيْءٌ وَ أَسْتَغْفِرُكَ اسْتِغْفَارَ مَنْ يَعْلَمُ أَنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا

را بگویند که شما مایل هستید به شما گفته شود. خداوند لعن کننده و ناسزاگو و طعنه زن نسبت به اهل ایمان و شخص پر توقع و لجوج را دشمن می دارد و شخص با حیا و صبور و با عفت و آبرومند را دوست می دارد.

۵. امام باقر علیه السلام فرمود: اعمال شایسته، انسان را از مرگ های بد باز می دارند و هر کرداری نیک همچون صدقه است. و نیک کرداران در دنیا، نیک کرداران در آخرت خواهند بود و زشت کرداران در دنیا زشت کرداران در آخرت خواهند بود. و نخستین کسی که وارد بهشت می شود شخص نیک کردار است و نخستین کسی که به دوزخ در می آید، زشت کردار است.

۶. امام باقر علیه السلام فرمود: در تورات در کنار آنچه خداوند با موسی علیه السلام راز فرموده، آمده است: ای موسی! از من در خلوت خود بترس تا تو را نسبت به عیب های نگاه دارم. در آشکار و نهان مرا یاد کن که در هنگام غفلت زندگی تو را به یاد آورم. ای موسی! از هر کس که تو را بر او گزیدم، خشم خویشتن را نگاه دار خشم خود را از تو دور سازم. راز پنهان مرا در سینه ات نگاه دار و با دشمن من و خودت مدارا کن و مرا پیش آنان آماج ناسزا مساز با گفتن راز پنهانی ام که من با دشمن تو و خودم در ناسزا به من سهیم شوی.

۷. اصبع بن نباته می گوید: امیر مومنان علیه السلام در سجده های خود می گفت: ای مولای من! با تو راز می گویم همان گونه که بنده خواری با مولای خویش رازگوست و از تو خواهانم چون کسی که از این که تو عطا پیشه ای و از آنچه پیش تو است، کم نخواهد شد، آگاه است و از تو درخواست آمرزش دارم همچون کسی که می داند غیر تو کسی آمرزنده



السلامی



أَنْتَ وَأَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ تَوَكَّلْ مَنْ يَعْلَمُ أَنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

٨. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبُو حَفْصٍ عَمْرُو بْنُ خَالِدٍ عَنْ أَخِيهِ سُفْيَانَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ رحمته الله قَالَ: «مَنْ اسْتَغْفَرَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بَعْدَ الْعَصْرِ سَبْعِينَ مَرَّةً غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ سَبْعِمِائَةَ ذَنْبٍ، فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ فَلِأَبِيهِ، فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لِأَبِيهِ فَلِأُمِّهِ، فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لِأُمِّهِ فَلِأَخِيهِ، فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لِأَخِيهِ فَلِأَخْتِهِ، فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لِأَخْتِهِ فَلِلْأَقْرَبِ فَلِلْأَقْرَبِ».

٩. حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الصُّهْبَانِ عَنْ أَبِي عِمْرَانَ الْأَرْمَنِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ جَابِرِ بْنِ أَبِي جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ رحمته الله قَالَ: قُلْتُ لَهُ: إِنْ قَوْمًا إِذَا ذُكِرُوا بِشَيْءٍ مِنَ الْقُرْآنِ أَوْ حَدَّثُوا بِهِ صَعِقُوا أَحَدُهُمْ حَتَّى يَرَى أَنَّهُ لَوْ قَطَعَتْ يَدَاهُ وَرِجْلَاهُ لَمْ يَشْعُرْ بِذَلِكَ، فَقَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ: «ذَاكَ مِنَ الشَّيْطَانِ مَا يَهْدِي أَمْرًا إِنَّمَا هُوَ اللَّيْنُ وَالرَّقَّةُ وَالْدُّمْعَةُ وَالْوَجَلُ».

١٠. حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ ثَابِتَةَ رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مَخْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ عُمَارَةَ بْنِ مُوسَى السَّابَاطِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ رحمته الله قَالَ مَنْ صَلَّى الصَّلَاةَ الْمَفْرُوضَاتِ فِي أَوَّلِ وَقْتِهَا فَأَقَامَ حُدُودَهَا رَفَعَهَا الْمَلِكُ إِلَى السَّمَاءِ بَيْضَاءَ نَقِيَّةً وَهِيَ تَهْتَفُ بِهِ حَفِظَكَ اللَّهُ كَمَا حَفِظْتَنِي وَاسْتَوْدَعَكَ اللَّهُ كَمَا اسْتَوْدَعْتَنِي مَلِكًا كَرِيمًا، وَمَنْ صَلَّىهَا بَعْدَ وَقْتِهَا مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ فَلَمْ يُقِمِ حُدُودَهَا رَفَعَهَا الْمَلِكُ سُودَاءَ مُظْلِمَةً وَهِيَ تَهْتَفُ بِهِ ضَيَّعْتَنِي ضَيَّعَكَ اللَّهُ كَمَا ضَيَّعْتَنِي وَلَا رَعَاكَ اللَّهُ كَمَا لَمْ تَرَعْنِي، ثُمَّ قَالَ الصَّادِقُ رحمته الله: «أَنْ أَوَّلَ مَا يُسْأَلُ عَنْهُ الْعَبْدُ إِذَا وَقَفَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ الصَّلَاةُ (عَنِ الصَّلَاةِ) الْمَفْرُوضَاتِ وَعَنِ الزَّكَاةِ الْمَفْرُوضَةِ وَعَنِ الصَّيَامِ الْمَفْرُوضِ وَعَنِ الْحَجِّ الْمَفْرُوضِ وَعَنْ لَائِنَاتِ أَهْلِ الْبَيْتِ، فَإِنْ أَقْرَبَ بُولَائِنَاتِنَا ثُمَّ مَاتَ عَلَيْهَا قُبِلَتْ مِنْهُ صَلَاتُهُ وَصَوْمُهُ وَزَكَاةُ وَحُجَّتُهُ وَإِنْ لَمْ يُقَرِّ بُولَائِنَاتِنَا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ لَمْ يَقْبَلِ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْهُ شَيْئًا مِنْ أَعْمَالِهِ».

گناهان نیست. و به تو توکل می‌کنم، همچون کسی که می‌داند تو بر هر چیز توانمندی.

۸. امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس پس از نماز عصر هفتاد بار طلب مغفرت کند، خداوند در آن روز هفتصد گناه او را خواهد آمرزید و اگر گناهی نداشته باشد، گناه پدر او را می‌آمرزد و گرنه گناه مادر او را و اگر او هم گناه نداشت، گناهان برادر و خواهر و یا خویشاوندان.

۹. جابر بن عبدالله انصاری می‌گوید به امام باقر علیه السلام گفتم: برخی هستند که وقتی آیه‌ای از قرآن را به یاد آنان می‌آوری و یا چیزی بر زبان می‌آوری، از خود بی‌خود می‌شوند تا جایی که می‌پنداری اگر دستها و پاها را جدا کنند: حس نمی‌کنند. فرمود: سبحان الله این که حالت شیطانی است و ما را بدان فرمان ندادند. تأثیر آیات قرآنی نرمی و نازک دلی و اشک ریختن و ترس از عذاب الهی است.

۱۰. امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس نماز واجب خود را در آغاز وقت اقامه کند و به درستی حق آن را ادا نماید، فرشته آن نماز را پاک و تابان به آسمان می‌برد و آن نماز فریاد می‌زند که خداوند تو را نگاه دارد که مرا نگاه داشتی و از این پس تو را به خداوند خواهم سپرد، همان گونه که مرا به فرشته‌ای ارجمند سپردی. اما هر کس که بدون عذر موجه نمازش را در آغاز وقت به پای ندارد و حق آن را به درستی به جانیاورد فرشته آن را سیاه و تاریک به آسمان می‌برد، در حالی که آن نماز فریاد می‌زند که خداوند تو را خوار کند که مرا خوار کردی و تو را رعایت نکند، همان سان که مرا رعایت نکردی. آنگاه امام صادق علیه السلام فرمود: هر بنده‌ای که در پیشگاه خداوند بایستد، نخست از نماز واجب او خواهند پرسید و سپس زکات و روزه و حج واجب او. و بعد از ولایت ما خاندان پیامبر. اگر به ولایت ما اعتراف کند و با گرایش به ما جان سپرد، نماز و روزه و زکات و حج او مقبول خواهد شد



السلامی



وَبِهَذَا الاسْنَادِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ عَنْ ابْنِ أَبِي يَعْقُوبٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقُ عليه السلام: «إِذَا صَلَّيْتَ صَلَاةَ فَرِيضَةٍ فَضَلَّهَا لَوْ قَتَلَهَا صَلَاةٌ مُودَعٌ يَخَافُ أَنْ لَا يَعُودَ إِلَيْهَا أَبَدًا ثُمَّ اصْرِفْ بِبَصْرِكَ إِلَى مَوْضِعِ سُجُودِكَ فَلَوْ تَعَلَّمُ مَنْ عَنْ يَمِينِكَ وَشِمَالِكَ لَأَحْسَنْتَ صَلَاتَكَ وَاعْلَمْ أَنَّكَ بَيْنَ يَدَيَّ مَنْ يَرَاكَ وَلَا تَرَاهُ».

١١. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو أَحْمَدَ عَبْدُ الْعَزِيزِ بْنُ يَحْيَى الْجَلُودِيُّ الْبَصْرِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ زَكْرِيَّا، قَالَ: حَدَّثَنَا شُعَيْبُ بْنُ وَاقِدٍ قَالَ: حَدَّثَنَا الْقَاسِمُ بْنُ بَهْرَامٍ عَنْ لَيْثٍ عَنْ مُجَاهِدٍ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ، وَحَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو أَحْمَدَ عَبْدُ الْعَزِيزِ بْنُ يَحْيَى الْجَلُودِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مِهْرَانَ، قَالَ: حَدَّثَنَا مَسْلَمَةُ بْنُ خَالِدٍ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عليه السلام فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ: «يُوفُونَ بِالنَّذْرِ» ^(١)، قَالَ: مَرِضَ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَهُمَا صَبِيَّانِ صَغِيرَانِ فَعَادَهُمَا رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وَمَعَهُ رَجُلَانِ، فَقَالَ أَحَدُهُمَا: يَا أَبَا الْحَسَنِ لَوْ نَذَرْتَ فِي ابْنَيْكَ نَذْرًا إِنْ أَلَّفَهُ عَافَاهُمَا، فَقَالَ: أَصُومُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ شُكْرًا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَكَذَلِكَ قَالَتْ فَاطِمَةُ عليها السلام (وَقَالَ الصَّبِيَّانِ: وَنَحْنُ أَيْضًا نَصُومُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ، وَكَذَلِكَ قَالَتْ جَارِيَتُهُمْ فَضَّةٌ، فَأَلْبَسَهُمَا اللَّهُ عَافِيَةً فَأَصْبَحُوا صِيَامًا وَلَيْسَ عَنْدهُمْ طَعَامٌ فَانْطَلَقَ عليه السلام إِلَى جَارِلَةٍ مِنْ الْيَهُودِ يُقَالُ لَهُ شَمْعُونُ يُعَالِجُ الصُّوفَ، فَقَالَ: «هَلْ لَكَ أَنْ تُعْطِنِي جِزَّةً مِنْ صُوفٍ تُغْزِلُهَا لَكَ ابْنَةُ مُحَمَّدٍ بِثَلَاثَةِ أَصْوَاعٍ مِنْ شَعِيرٍ؟ قَالَ: نَعَمْ فَأَعْطَاهُ فَجَاءَ بِالصُّوفِ وَالشَّعِيرِ وَأَخْبَرَ فَاطِمَةَ عليها السلام فَقَبِلَتْ وَأَطَاعَتْ ثُمَّ عَمِدَتْ فَغَزَلَتْ ثَلَاثَ الصُّوفِ ثُمَّ أَخَذَتْ صَاعًا مِنَ الشَّعِيرِ فَطَحَنَتْهُ وَعَجَنَتْهُ وَخَبَرَتْ مِنْهُ خَمْسَةَ أَقْرَاصٍ لِكُلِّ وَاحِدٍ قُرْصًا وَصَلَّى عليه السلام مَعَ النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله الْمَغْرِبَ ثُمَّ أَتَى مَنْزِلَهُ فَوَضَعَ الْخِوَانُ وَجَلَسُوا خَمْسَتُهُمْ فَأَوَّلُ لُقْمَةٍ كَسَرَهَا عليه السلام إِذَا مَسْكِينٌ قَدْ وَقَفَ بِالبَابِ فَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ مُحَمَّدٍ أَنَا مَسْكِينٌ مِنْ مَسَاكِينِ الْمُسْلِمِينَ أَطْعَمُونِي مِمَّا تَأْكُلُونَ أَطْعَمَكُمْ اللَّهُ عَلَى مَوَاتِدِ الْجَنَّةِ فَوَضَعَ اللُّقْمَةَ مِنْ يَدِهِ ثُمَّ قَالَ:

يَا بَيْتَ خَيْرِ النَّاسِ أَجْمَعِينَ

فَاطِمَةُ ذَاتَ الْمَجْدِ وَالْيَقِينِ

وگرنه چیزی از اعمال وی مقبول نخواهد بود. به همین سند از حضرت روایت شده که هرگاه نماز واجب می خواند، به وقت آن باشد و با آن وداع کند؛ به گونه ای که انگار هراس داری که بدان باز نمی گردی. و بعد نگاهت را به محل سجدهات بیفکن. اگر آگاه باشی که کسی در سمت راست یا چپ تو حضور دارد، نیک نماز می گزاری. آگاه باش که تو در پیشگاه کسی هستی که تو را می نگرد و تو او را نمی بینی.

۱۱. امام صادق علیه السلام از پدر خویش در تفسیر آیه کریمه «یوفون بالنذر» به نذر وفا می کنند (الانسان ۷) روایت فرمود: حسن و حسین علیهما السلام که کودکانی بیش نبودند، بیمار شدند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به همراه دو تن به عیادت آنان آمد. یکی از آنان گفت: ای علی! اگر برای فرزندان خویش چیزی نذر می کردی، خداوند آنها را شفا می داد. علی علیه السلام فرمود: سه روز برای خدا روزه خواهم گرفت و فاطمه علیها السلام نیز چنین گفت، و بعد حسن و حسین علیهما السلام گفتند که ما هم سه روز روزه می گیریم. کنیز آنان «فضه» هم همین نذر را کرد. خداوند تندرستی را به آنان باز گردانید. پس روزه گرفتند، اما غذایی برای افطار خود نداشتند. علی علیه السلام پیش شمعون همسایه یهودی اش که پشم فروشی داشت، رفت و فرمود: آیا ممکن است مقداری پشم به من بدهی که فاطمه آن را بریسد و در برابر آن سه صاع جو بگیرم. گفت: آری. حضرت پشم به خانه آورد و فاطمه ریسندگی آن را قبول کرد و پس از یک سوم ریسندگی یک صاع جو را آسیاب کرد و خمیر ساخت و پنج قرص نان تهیه نمود. علی ۷ نماز مغرب خود را با پیامبر صلی الله علیه و آله اقامه کرد و بعد به خانه آمد و سفره افطار انداخته و خواستند که افطار کنند. لقمه نخست را که علی علیه السلام برداشت، بینوایی در خانه را گوید و گفت: سلام بر شما ای خاندان محمد صلی الله علیه و آله. من بینوایی مسلمان هستم. مرا غذایی دهید از آن چه که خود می خورید. خداوند شما را از خوراکی های بهشتی نصیب سازد. علی لقمه را زمین گذاشت و فرمود: فاطمه ای صاحب مجد و یقین ای کسی که دختر بهترین مردمانی! آیا بینوایی را بر آستانه خانه نمی بینی که نالان و اندوهگین است؟ فاطمه به علی فرمود: ای پسر عمو! هر چه فرمایی می شنوم و فرمان می برم. من نه فرومایه هستم نه سرزنش گر. آن گاه آن چه در سفره داشتند، به بینوا دادند و گرسنه خوابیدند و غیر از آب چیزی نخوردند. فاطمه یک سوم دیگر پشم را برداشت و ریسندگی کرد و در عوض آن صاعی از جو گرفت و آسیاب و خمیر کرد و از آن پنج قرص نان فراهم آورد.

علی علیه السلام نماز مغرب را با پیامبر صلی الله علیه و آله به پای داشت و بعد به خانه آمد. سفره افطاری انداختند و نشستند. علی علیه السلام لقمه نخست را گرفته بود که صدای یتیم مسلمانان از بیرون خانه آمد:

سلام بر شما خاندان محمد صلی الله علیه و آله. من یتیم مسلمان هستم. از آنچه خود می خورید به من نیز بخورانید. خدا شما را از خوراکی های بهشتی بخوراند. علی علیه السلام بی درنگ لقمه را زمین گذاشت و فرمود:

فاطمه ای دختر سرور کریمان! - ای دختر بهترین مردم



السلامی





الاسم



أَمَّا تَرَيْنَ الْبَائِسَ الْمُسْكِينَ

جَاءَ إِلَى الْبَابِ لَهُ حَزِينٌ يَشْكُو إِلَى اللَّهِ وَيَسْتَكِينُ

يَشْكُو إِلَيْنَا جَائِعاً حَزِينٌ

كُلُّ امْرِئٍ بِكَشِبِهِ رَهِينٌ مَنْ يَفْعَلِ الْخَيْرَ يَقِفْ سَمِينٌ

مَوْعِدُهُ فِي جَنَّةٍ رَهِينٌ

حَرَّمَهَا اللَّهُ عَلَى الضَّالِّينَ وَصَاحِبِ الْبُخْلِ يَقِفْ حَزِينٌ

تَهْوِي بِهِ النَّارُ إِلَى سَجِينٍ شَرَابُهُ الْحَمِيمُ وَالْغَسِيلِينَ

فَأَقْبَلْتُ فَاطِمَةَ (عَلَيْهَا السَّلَامُ) تَقُولُ:

أَمْرُكَ سَمْعٌ يَا ابْنَ عَمٍّ وَطَاعَةٌ مَا بِيَ مِنْ لُؤْمٍ وَلَا وَضْرَاعَةٍ

غُذِّيتُ بِالسُّبُّ وَالْبَرَاةِ أَرْجُو إِذَا أَشْبَعْتُ مِنْ مَجَاعَةٍ

أَنْ أَلْحَقَ الْأَخْيَارَ وَالْجَمَاعَةَ وَأَدْخُلَ الْجَنَّةَ فِي شَفَاعَةٍ

وَعَمِدْتُ إِلَى مَا كَانَ عَلَى الْخِوَانِ فَدَفَعْتُهُ إِلَى الْمُسْكِينِ وَبَاتُوا جِيَاعاً وَأَصْبَحُوا

صِيَاماً لَمْ يَذُوقُوا إِلَّا الْمَاءَ الْقَرَّاحَ، ثُمَّ عَمِدْتُ إِلَى الثَّلَاثِ الشَّانِي مِنَ الصُّوفِ فَغَزَلْتُهُ ثُمَّ

أَخَذْتُ صَاعاً مِنَ الشَّعِيرِ فَطَحَنْتُهُ وَعَجَنْتُهُ وَخَبَزْتُ مِنْهُ خَمْسَةَ أَقْرِصَةٍ لِكُلِّ وَاحِدٍ قُرْصاً

وَصَلَّى عَلَيَّ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَعَ النَّبِيِّ ﷺ ثُمَّ أَتَى مَنْزِلَهُ، فَلَمَّا وَضِعَ الْخِوَانُ بَيْنَ يَدَيْهِ وَ

جَلَسُوا خَمْسَتُهُمْ، فَأَوَّلَ لُقْمَةٍ كَسَرَهَا عَلَيَّ ﷺ إِذَا بَيْتِي مِنْ يَتَامَى الْمُسْلِمِينَ قَدْ وَقَفَ

بِالْبَابِ فَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ مُحَمَّدٍ، أَنَا بَيْتِي مِنْ يَتَامَى الْمُسْلِمِينَ أَطْعَمُونِي

مِمَّا تَأْكُلُونَ أَطْعَمَكُمْ اللَّهُ عَلَى مَوَائِدِ الْجَنَّةِ، فَوَضَعَ عَلَيَّ ﷺ اللَّقْمَةَ مِنْ يَدِهِ ثُمَّ قَالَ:

فَاطِمَةُ بِنْتُ السَّيِّدِ الْكَرِيمِ بِنْتُ نَبِيِّ لَيْسَ بِالزَّرِيمِ

قَدْ جَاءَنَا اللَّهُ بِذَا السَّيِّمِ مَنْ يَرْحَمُ الْيَوْمَ فَهُوَ رَحِيمٌ

مَوْعِدُهُ فِي جَنَّةِ النَّعِيمِ حَرَّمَهَا اللَّهُ عَلَى اللَّثِيمِ

وَصَاحِبِ الْبُخْلِ يَقِفْ ذَمِيمٌ تَهْوِي بِهِ النَّارُ إِلَى الْجَحِيمِ

شَرَابُهَا الصَّدِيدُ وَالْحَمِيمُ



السلام



آیا نمی بینی نیازمند مسکین را

او که ناله کنان کنار در آمده است - به بارگاه خداوندی شکایت می کند و خواهشی دارد

اندوهگین و گرسنه به ما شکایت می برد

هر کس در گرو کار خودش است - هر کس کار خیری کند، حالش خوش می شود

جایگاهش در بهشت آماده است

بهشتی که خدا آن را بر بخیل، حرام کرده - آدم بخیل اندوهگین می ایستد

و آتش، او را به سوی دوزخ می کشد - نوشیدنی وی، آب جوشلان و چرک آلود است.

فاطمه در پاسخ فرمود:

امر تو مطاع است ای پسر عمو - من نه سرزنش می کنم و نه خوار می دارم

من با عقل و بزرگی تغذیه شده ام - امیدوارم سیر شوم از گرسنگی

ملحق می شوم به نیکان و جماعت - و به شفاعت وارد بهشت می شوم.

آن گاه هر چه در سفره بود برداشت و همه را به مسکین داد و خود گرسنه خوابیدند. و

روز بعد با آن که جز آب ننوشیده بودند، روزه گرفتند.

آن گاه هر چه در سفره بود، به آن یتیم عطا نموده. بعد یک سوم دیگر پشم را ریسندگی

کرد و بعد یک صاع مانده از جو را آسیاب نمود و خمیر ساخت و پنج قرص نان تهیه کرد.

برای هر کدام یک قرص.

علی علیه السلام نماز مغرب را با پیامبر صلی الله علیه و آله به پای داشت و بعد به خانه بازگشت. سفره افطاری

انداختند و نشستند. لقمه نخست را که علی علیه السلام برداشت، یتیمی از یتیم های مسلمانان

در میانه در ایستاد و گفت: ای خاندان محمد، سلام بر شما. من یتیمی از یتیمان مسلمان

هستم. از آنچه می خورید به من هم بخورانید. خد شما را از غذاهای بهشتی بخوراند.

علی علیه السلام لقمه را زمین گذاشت و فرمود:

ای فاطمه دختر سید کریمان - دختر پیامبری که هیچ خسیس نیست.

خداوند این یتیم را نزد ما رساند - هر کس به وی رحم کند مهربان است.

جایگاهش در بهشت پر از نعمت است - بهشتی که خدا آن را بر فرد لثیم حرام نموده.

آدم بخیل، نکوهیده می ایستد - و آتش او را به داخل دوزخ می کشاند.

نوشیدنی او آب چرکین و جوشان است.

فَأَقْبَلَتْ فَاطِمَةُ (عَلَيْهَا السَّلَامُ) وَهِيَ تَقُولُ:

فَسَوْفَ أُعْطِيهِ وَلَا أَبَالِي
أَمْسُوا جِيعًا وَهُمْ أَشْبَالِي
بِكَرْبَلَاءَ يُقْتَلُ بِاغْتِيَالِ
يَهْوِي فِي النَّارِ إِلَى سَفَالِ
وَأَوْثِرُ اللَّهَ عَلَى عِيَالِي
أَصْغَرُهُمَا يُقْتَلُ فِي الْقِتَالِ
لِقَاتِلِيهِ الْوَيْلُ مَعَ وَبَالِ
كُبُولُهُ زَادَتْ عَلَى الْكِبَالِ

ثُمَّ عَمَدَتْ فَاعْطَتْهُ جَمِيعَ مَا عَلَى الْخِوَانِ وَبَانُوا جِيعًا لَمْ يَذُوقُوا إِلَّا الْمَاءَ الْقَرَّاحَ وَ
أَصْبَحُوا صِيَامًا وَعَمَدَتْ فَاطِمَةُ (عَلَيْهَا السَّلَامُ) فَغَزَلَتْ الثُّلُثَ الْبَاقِي مِنَ الصُّوفِ وَ
طَحَنَتِ الصَّاعَ الْبَاقِي وَعَجَنَتْهُ وَخَبَزَتْ مِنْهُ خَمْسَةَ أَقْرَاصٍ لِكُلِّ وَاحِدٍ قُرْصًا، وَصَلَّى
عَلَيْهِ ﷺ الْمَغْرِبَ مَعَ النَّبِيِّ ﷺ ثُمَّ أَتَى مَنْزِلَهُ فَقَرَّبَ إِلَيْهِ الْخِوَانَ وَجَلَسُوا خَمْسَتُهُمْ، فَأَوَّلُ
لُقْمَةٍ كَسَرَهَا عَلِيُّ ﷺ إِذَا أُسِيرَ مِنْ أَسْرَاءِ الْمُشْرِكِينَ قَدْ وَقَفَ بِالْبَابِ فَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ
يَا أَهْلَ بَيْتِ مُحَمَّدٍ تَأْسِرُونَنَا وَتَشُدُّونَنَا وَلَا تُطْعَمُونَنَا فَوَضَعَ عَلِيُّ ﷺ اللُّقْمَةَ مِنْ يَدِهِ ثُمَّ
قَالَ:

فَاطِمُ يَا بَيْتَ النَّبِيِّ أَحْمَدُ بِسْمِ النَّبِيِّ سَيِّدِ مُسَوِّدِ

قَدْ جَاءَكَ الْإِسِيرُ لَيْسَ يَهْتَدِي

مَكْبَلًا فِي غُلَّةٍ مُقَيَّدُ يَشْكُو إِلَيْنَا الْجُوعَ قَدْ تَقَدَّدُ

مَنْ يُطْعِمُ الْيَوْمَ يَجِدُهُ فِي غَدِ

عِنْدَ الْعَلِيِّ الْوَاحِدِ الْمُوَحِدِ مَا يَزْرَعُ الزَّارِعُ سَوْفَ يَحْصُدُ

فَأَعْطَاهُ وَلَا تَجْعَلِيهِ يَنْكَدُ

فَأَقْبَلَتْ فَاطِمَةُ ﷺ وَهِيَ تَقُولُ:

لَمْ يَبْقَ مِمَّا كَانَ غَيْرُ صَاعِ
شِبْلَايَ وَاللَّهِ هُمَا جِيعًا
أَبُوهُمَا لِلْخَيْرِ ذُو اضْطِنَاعِ
وَمَا عَلَى رَأْسِي مِنْ قِنَاعِ
قَدْ دَبِرْتُ كَفِّي مَعَ الذَّرَاعِ
يَا رَبِّ لَا تَثْرُكُهُمَا ضِيَاعُ
عَبْلُ الذَّرَاعَيْنِ طَوِيلُ الْبِنَاعِ
إِلَّا عَبَا نَسَجْتُهَا بِصَاعِ

حضرت فاطمه علیها السلام قبول نموده و فرمود:

به او طعام می‌دهم و باکی ندارم - و خداوند را بر خانواده خود مقدم می‌دارم
آنها گرسنه شب را به صبح گذراندند که فرزندان من هستند - که کوچک آنها در جنگ
کشته می‌شود.

در کربلا به ناجوانمردی کشته خواهد شد - بر قاتلان او فلاکت و دوزخ باد.

در قعر آتش جهنم افکنده می‌شوند - و غل و بر غلش افزوده خواهد شد.

حضرت فاطمه برخاست و هرچه در سفره بود به او داد و همگی گرسنه خوابیدند جز
آب، چیزی ننوشتند و روز بعد را هم روزه گرفتند. فاطمه یک سوم دیگر پشم‌ها را رسید
و باقیمانده جو را آرد نمود و خمیر ساخت و پنج نان درست کرد، برای هر کدام یک قرص
علی علیه السلام نماز مغرب را با پیامبر صلی الله علیه و آله به جای آورد و بعد به خانه بازگشت. سفره افطاری
را پیش وی انداختند و نشستند. لقمه اول را که علی علیه السلام برداشت، اسیری از اسیران
مشرکان در میانه در ایستاد و گفت: ای خاندان محمد، سلام بر شما. ما را اسیر کرده‌اید و
بسته‌اید ولی به ما غذا نمی‌دهید؟ علی علیه السلام لقمه را زمین گذاشت و فرمود:

ای فاطمه، ای دختر پیامبر احمد - دختر پیامبر و سید و سرور
نزد تو آمده اسیری که هدایت نشده.

دست در زنجیر و بسته است - شکایت آورده از گرسنگی به ما و پریشان است.
هر کس امروز او را غذا دهد فردا باز ستاند.

نزد خداوند بزرگ یکتای یگانه - هر کس کشتی بکارد آن را درو خواهد کرد.
پس به او نیز عطا کن و نگذار بی نصیب بماند.

حضرت فاطمه علیها السلام در پاسخ گفت:

همه آنچه که بود یک صاع نمانده - من آن را با دو دستم آماده کردم.

هر دو فرزندانم گرسنه هستند - ای پروردگار آن دو را رها نکن.

پدرشان همواره در انجام کار نیک و خیر است - نیرومند و بخشنده است.

بر سر من جز یک پوشش نیست - که من آن را به یک صاع بافته‌ام.



السلامی



وَعَمَدُوا إِلَى مَا كَانَ عَلَى الْخِيَّانِ فَأَتَوْهُ وَبَاتُوا جِيَاعاً وَأَصْبَحُوا مُفْطِرِينَ وَلَيْسَ
عِنْدَهُمْ شَيْءٌ، قَالَ: شُعَيْبٌ فِي حَدِيثِهِ وَأَقْبَلَ عَلَيَّ بِالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ نَحْوَ رَسُولِ اللَّهِ
وَهُمَا يَزْعِمَانِ كَالْفِرَاحِ مِنْ شِدَّةِ الْجُوعِ، فَلَمَّا بَصُرَ بِهِمُ النَّبِيُّ ﷺ قَالَ: يَا أَبَا الْحَسَنِ شَدَّ مَا
يَسُوؤُنِي مَا أَرَى بِكُمْ، انْطَلِقْ إِلَى ابْنَتِي فَاطِمَةَ فَانْطَلِقُوا إِلَيْهَا وَهِيَ فِي مِخْرَابِهَا قَدْ لَصِقَ
بَطْنُهَا بِظَهْرِهَا مِنْ شِدَّةِ الْجُوعِ وَغَارَتْ عَيْنَاهَا، فَلَمَّا رَأَاهَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ ضَمَّهَا إِلَيْهِ وَ
قَالَ: «وَا غَوَاةَ بِاللَّهِ أَنْتُمْ مُنْذُ ثَلَاثِ لَيَالٍ فِيمَا أَرَى» فَهَبَطَ جَبْرِئِيلُ فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ خُذْ مَا هِيَ
اللَّهُ لَكَ فِي أَهْلِ بَيْتِكَ، قَالَ: «وَمَا آخُذُ يَا جَبْرِئِيلُ؟» قَالَ: «هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ حِينٌ
مِنَ الدَّهْرِ» ^(١) حَتَّى إِذَا بَلَغَ «إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَكَانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُوراً» ^(٢)، وَقَالَ
الْحَسَنُ بْنُ مِهْرَانَ فِي حَدِيثِهِ فَوُتِبَ النَّبِيُّ ﷺ حَتَّى دَخَلَ مَنْزِلَ فَاطِمَةَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فَرَأَى مَا بِهِمْ
فَجَمَعَهُمْ ثُمَّ انْكَبَّ عَلَيْهِمْ يَبْكِي وَيَقُولُ: «أَنْتُمْ مُنْذُ ثَلَاثِ أَيَّامٍ فِيمَا أَرَى وَأَنَا غَافِلٌ
عَنْكُمْ»، فَهَبَطَ عَلَيْهِ جَبْرِئِيلُ بِهَذِهِ الْآيَاتِ «إِنَّ الْإِبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا
كَافُوراً عَيْنًا يُشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيراً» ^(٣) قَالَ: هِيَ عَيْنٌ فِي دَارِ النَّبِيِّ ﷺ
يُفَجَّرُ إِلَى دُورِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُؤْمِنِينَ «يُوقُونَ بِالْثُّرَى» ^(٤) يَعْنِي عَلِيّاً وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنَ وَ
الْحُسَيْنَ وَجَارِيَتَهُمْ «وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيراً» ^(٥) يَقُولُونَ عَابِثاً كَلُوحاً «و
يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ» ^(٦) يَقُولُ: عَلَى شَهْوَتِهِمْ لِلطَّعَامِ وَإِثَارِهِمْ لَهُ «مِسْكِيناً» مِنْ
مَسَاكِينِ الْمُسْلِمِينَ وَ«يَتِيماً» مِنْ يَتَامَى الْمُسْلِمِينَ وَ«أَسِيراً» مِنْ أَسَارَى الْمُشْرِكِينَ وَ
يَقُولُ: إِذَا أَطْعَمُوهُمْ «إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُوراً» ^(٧)، قَالَ: وَ
اللَّهُ مَا قَالُوا هَذَا لَهُمْ، وَلَكِنَّهُمْ أَصْمَرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ فَأَخْبَرَ اللَّهُ بِأَصْمَارِهِمْ يَقُولُونَ: لَا نُرِيدُ
جَزَاءً تَكَاثُفُونَا بِهِ وَلَا شُكُوراً تَتَنَوَّنَ عَلَيْنَا بِهِ، وَلَكِنَّا إِنَّمَا أَطْعَمْنَاكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ وَطَلَبِ
ثَوَابِهِ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى ذِكْرُهُ «فَوَقَاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَلَقِيَهُمْ نُصْرَةٌ» ^(٨) فِي الْوُجُوهِ «و

١. الإنسان / ٢٢

٢. الإنسان / ٧

٣. الإنسان / ٨

٤. الإنسان / ١١

١. الإنسان / ١

٢. الإنسان / ٥-٦

٣. الإنسان / ٧

٤. الإنسان / ٩

آنگاه هر چه در سفره داشتند، به اسیر انفاق کردند و همه گرسنه خوابیدند. روز بعد را نه روزه بودند و نه خوراکی در خانه داشتند.

شعیب در حدیثی گوید: علی علیه السلام حسن و حسین را پیش پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برد. همچون بچه گنجشکی که از گرسنگی بر خود می لرزیدند. پیامبر که آنان را دید، فرمود: ای ابوالحسن وضعی که شما گریبان گیر آن هستید، خوشایند من نیست. نزد فاطمه دخترم برویم. آنگاه که خانه آمدند، فاطمه در محراب عبادت بود در حالی که از گرسنگی شکم او به پشت او چسبیده بود و چشم های حضرت فرورفته بود. پیامبر او را در آغوش گرفت و فرمود: از خدا فریادرسی دارم که شما سه روز گرسنه مانده اید.

جبرئیل بر پیامبر صلی الله علیه و آله فرود آمد و گفت: ای محمد! آن چه خداوند برای اهل بیت تو مهیا نموده، بگیر. فرمود: چه بگیریم؟ گفت: اهل اتی علی الانسان حین من الدهر بر آدمی دورانی سپری شده است که او هرگز قابل یاد نبوده است. بعد فرمود این است پاداشتان و پاداش تلاش شما که از آن قدرشناسی شده است.

حسن بن مهران در حدیث خود می گوید که پیامبر صلی الله علیه و آله بلند شد و به خانه فاطمه علیها السلام رفت و آنان را که ناراحت دید، گرد آورد و آن گاه به سوی آنان خم شد و اشک ریخت و فرمود شما سه روز است که در این حال به سر می برید و من از آن خبر نداشتم. آنگاه جبرئیل این آیات را از نزد خداوند برای پیامبر صلی الله علیه و آله آورد: «بی گمان نیک کرداران از جامی خواهند نوشید که آمیخته ای از کافور است و از چشمه ای که بندگان خاص خداوند از آن می نوشند» و آن گاه فرمود: این چشمه در خانه پیامبر صلی الله علیه و آله است که از آن جاری شود تا خانه پیامبران و مؤمنان. آنان وفا کنند به نذری که کرده اند. مراد همان علی و فاطمه و حسن و حسین و کنیزشان است که به نذرشان وفا کرده اند. آنان از روزی بهراسند که بدی آن پیران است یعنی عبوس و ترش رو. آنان خوراکی خود را با آن که بدان سخت نیازمندند، ایثار می کنند به بینوایی از بینوایان مسلمان و یتیمی از یتیمان مسلمان و اسیری از اسیران مشرکان. و آنگاه آنان را اطعام می کنند و می گویند: همانا ما شما را خوراکی دادیم برای رضای خداوند و از شما نه پاداش می خواهیم و نه سپاس گزاری انتظار داریم. آنان این جمله را هر چند بر زبان نیاوردند، اما در قلب خود می گفتند و خداوند از آن آگاه ساخت. آنان می گویند: ما در برابر ایثار خود عوضی از شما نمی خواهیم و قدرشناسی و ستایش گری توقع نداریم. ما فقط برای خدا شما را خوراکی دادیم و فقط پاداش او را می خواهیم. خداوند فرمود: آنان را از آسیب قیامت دور نگه داشت و از شادابی

سُرُوراً» فِي الْقُلُوبِ «وَجَزَاهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً» ^(١) يَسْكُنُونَهَا «وَحَرِيراً» يَفْرِشُونَهُ وَ
يَلْبَسُونَهُ «مُتَكِينِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ» ^(٢) وَالْأَرِيكَةُ السَّرِيرُ عَلَيْهِ الْحَجَلَةُ «لَا يَرَوْنَ فِيهَا
شَمْساً وَلَا زَمْهَرِيراً» ^(٣)، قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ: قَبِينَا أَهْلُ الْجَنَّةِ فِي الْجَنَّةِ إِذْ رَأَوْا مِثْلَ الشَّمْسِ قَدْ
أَشْرَقَتْ لَهَا الْجَنَانُ، فَيَقُولُ أَهْلُ الْجَنَّةِ: يَا رَبِّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ: «لَا يَرَوْنَ فِيهَا
شَمْساً» ^(٤) فَيُرْسِلُ اللَّهُ جَلَّ اسْمُهُ إِلَيْهِمْ جَبْرَائِيلَ فَيَقُولُ: لَيْسَ هَذِهِ بِشَمْسٍ، وَلَكِنْ عَلِيّاً وَ
فَاطِمَةَ ضَحِكَا فَأَشْرَقَتِ الْجَنَانُ مِنْ نُورِ ضَحِكِهِمَا وَنَزَلَتْ «هَلْ أَتَى» ^(٥) فِيهِمْ إِلَى قَوْلِهِ
تَعَالَى: «وَكَانَ سَعْيُكُمْ مَشْكُوراً» ^(٦).



مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

١. الانسان / ١٣.

٢. الانسان / ١٣.

٣. الانسان / ٢٢.

٤. الانسان / ١٢.

٥. الانسان / ١٣.

٦. الانسان / ١.

و شادمانی در سیما برخوردار ساخت. بهشت را به خاطر شکیبایی‌شان عطا فرمود که در آن سکونت خواهند داشت. در آنجا حریر گسترده و پوشیده و بر تخت‌ها تکیه زنند. مراد از اریکه همان تختی است که بر آن حجله‌ای باشد که نه آفتاب سوزان رستاخیز بدان لطمه می‌زند و نه سرمای زمهریر.

ابن عباس می‌گوید: آنگاه که اهل بهشت در آن آرام گرفته‌اند، تابشی از آفتاب خواهند دید که بهشت را سخت تابان خواهد کرد. اهل بهشت می‌گویند: پروردگارا! در قرآن گفته‌ای که بهشتی‌ها رخ خورشید نخواهند دید. خداوند جبرئیل را به سوی بهشتیان راهی کرده و می‌گوید که این نور خنده‌های علی و فاطمه است نه نور خورشید. چنین بود که آیات «هل اتی» تا آیه شریفه «کان سعیدکم مشکورا» درباره اهل بیت پیامبر نازل شد.



مراکز تحقیقاتی و پژوهشی



السنن

المجلس الخامس والأربعون

يوم الجمعة لليلتين بقيتا من صفر سنة ثمان وستين و ثلاثمائة

١. حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوئِهِ الْقُمِيُّ رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ الدَّقَاقُ رَحِمَهُ اللَّهُ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى بْنِ زَكْرِيَّا الْقُطَّانُ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ الْبَرْمَكِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ خَالِدِ بْنِ الْيَاسِ عَنْ أَبِي بَكْرٍ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي جَهْمٍ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا طَالِبٍ حَدَّثَ عَنْ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ قَالَ: بَيْنَا أَنَا نَائِمٌ فِي الْحَجْرِ إِذْ رَأَيْتُ رُؤْيَا هَالِكِي فَأَتَيْتُ كَاهِنَةَ قُرَيْشٍ وَعَلِيَّ مِطْرَفَ خَزِرٍ وَجُمُعِي تَضْرِبُ مَنَكِبِي، فَلَمَّا نَظَرْتُ إِلَيَّ عَرَفْتُ فِي وَجْهِهِ التَّغْيِيرَ فَاسْتَوْتُ وَأَنَا يَوْمَئِذٍ سَيِّدُ قَوْمِي، فَقَالَتْ: مَا شَأْنُ سَيِّدِ الْعَرَبِ مُتَغَيِّرِ اللَّوْنِ هَلْ رَأَاهُ مِنْ حَدَثَانِ الدَّهْرِ رَيْبٌ فَقُلْتُ لَهَا: بَلَى إِنِّي رَأَيْتُ اللَّيْلَةَ وَأَنَا نَائِمٌ فِي الْحَجْرِ كَأَنَّ شَجَرَةً قَدْ نَبَتَتْ عَلَى ظَهْرِي قَدْ نَالَ رَأْسُهَا السَّمَاءَ وَضُرِبَتْ بِأَغْصَانِهَا الشَّرْقُ وَالْعَرَبُ وَرَأَيْتُ نُورًا يَظْهَرُ مِنْهَا أَعْظَمُ مِنْ نُورِ الشَّمْسِ سَبْعِينَ ضِعْفًا، وَرَأَيْتُ الْعَرَبَ وَالْعَجَمَ سَاجِدَةً لَهَا وَهِيَ كُلُّ يَوْمٍ تَزْدَادُ عِظَمًا وَنُورًا وَرَأَيْتُ رَهْطًا مِنْ قُرَيْشٍ يُرِيدُونَ قَطْعَهَا، فَإِذَا دَنَوْا مِنْهَا أَخَذَهُمْ شَابٌّ مِنْ أَحْسَنِ النَّاسِ وَجْهًا وَأَنْظَفِهِمْ ثِيَابًا فَيَأْخُذُهُمْ وَيَكْسِرُ ظُهُورَهُمْ وَيَقْلَعُ أَعْيُنَهُمْ فَرَفَعْتُ يَدِي لِأَتَنَاوَلَ غُصْنًا مِنْ أَغْصَانِهَا فَصَاحَ بَيْنَ الشَّابِّ وَقَالَ: مَهْلًا لَيْسَ لَكَ مِنْهَا نَصِيبٌ فَقُلْتُ: لِمَنِ النَّصِيبُ وَالشَّجَرَةُ مِنِّي، فَقَالَ: النَّصِيبُ لِهَؤُلَاءِ الَّذِينَ قَدْ تَعَلَّقُوا بِهَا وَسَيَعُودُ إِلَيْهَا فَانْتَبَهْتُ مَذْغُورًا فَرَعَا مُتَغَيِّرِ اللَّوْنِ فَرَأَيْتُ لَوْنَ الْكَاهِنَةِ قَدْ تَغَيَّرَ، ثُمَّ قَالَتْ: لَيْسَ صَدَقْتَ لَيْخُرْجَنَّ مِنْ صُلْبِكَ وَلَدٌ يَمْلِكُ الشَّرْقَ وَالْعَرَبَ وَيُنَبِّأُ فِي النَّاسِ فَتَسْرَى عَنِّي غَمِّي فَانْظُرْ أَبَا طَالِبٍ لَعَلَّكَ تَكُونُ أَنْتَ، وَكَانَ أَبُو طَالِبٍ يُحَدِّثُ بِهَذَا الْحَدِيثِ وَالنَّبِيُّ ﷺ قَدْ خَرَجَ وَيَقُولُ: «كَانَتِ الشَّجَرَةُ وَاللَّهُ



محدث



مجلس چهل و پنجم

جمعه بیست و هشتم صفر سال ۳۶۸

۱. ابوطالب از عبدالمطلب چنین نقل کرده است: آنگاه که در حجر اسماعیل خوابیده بودم، خوابی دیدم که از آن دچار ترس شدم و سراغ کاهن قریش رفتم در حالی که رو پوشی از خز بر تن داشتم و گیسوانم بر دوشم ریخته بود. آن گاه که او به من نگریست و چهره اشفته‌ام را دید، خود را آماده کرد. آن روز من بزرگ قوم قریش بودم. پرسید: چه اتفاقی رخ داده که سرور عرب پریشان است؟ آیا گزند زمانه به او رسیده؟ گفتم: آری. من شب پیش در حجر اسماعیل خوابیده بودم. در عالم خواب دیدم که درختی از پشت من روییده است که سر آن به آسمان می‌رسد و شاخه‌های آن در مشرق و مغرب است. سپس نوری از درخت هفتاد برابر آفتاب پرتو افکند. آن گاه مشاهده کردم که عرب و عجم در برابر آن به خاک افتاده‌اند در حالی که هر روز به تنومندی درخت افزوده می‌شد. ناگهان گروهی از قوم قریش قصد بریدن آن کردند. اما هرگاه به درخت نزدیک می‌شدند، جوانی که از همگان خوش سیماتر و پاک جامه‌تر بود آنان را می‌گرفت و پشتشان را به خاک می‌افکند و چشم هایشان را بیرون می‌آورد. دست دراز کردم که شاخه‌ای از آن درخت بگیرم، اما جوان فریاد زد که دست از آن بردار چرا که تو را از آن نصیبی نیست. گفتم: مگر آن نصیب چه کسی است؟ اصلاً درخت به من تعلق دارد. گفت: نصیب آن برای کسانی است که به در او ریخته‌اند و بدان باز خواهند گشت. پس هراسان از رویا ترسان جدا شدم و رنگ از چهارم پریده بود. آنگاه مشاهده کردم که رنگ روی کاهن نیز پریده است. او گفت: اگر راست گفته باشی، از نسل تو کسی می‌آید که صاحب مشرق و مغرب خواهد بود و در میان مردم پیامبر خواهد بود. از تعبیری که او برای خوابم کرد، اندوه از قلبم گریخت. بعد عبدالمطلب فرمود: ای ابوطالب در رویای من بنگر شاید مراد تو باشی. ابوطالب که پس از بعثت پیامبر ﷺ این خواب را روایت می‌کرد، فرمود: به خدا سوگند آن درخت



السلامی



أَبَا الْقَاسِمِ الْأَمِينِ.

٢. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى بْنِ زَكْرِيَّا، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ سَعِيدِ بْنِ مُسْلِمٍ مَوْلَى لِبْنِي مَخْزُومٍ عَنْ سَعِيدِ بْنِ أَبِي صَالِحٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبِي الْعَبَّاسَ يُحَدِّثُ قَالَ وَلَدَ لِأَبِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ عَبْدُ اللَّهِ فَرَأَيْنَا فِي وَجْهِهِ نُورًا يَزْهَرُ كَنُورِ الشَّمْسِ، فَقَالَ أَبِي: إِنَّ لِهَذَا الْغُلَامِ شَأْنًا عَظِيمًا، قَالَ: فَرَأَيْتُ فِي مَنَامِي أَنَّهُ خَرَجَ مِنْ مَنَخْرِهِ طَائِرٌ أبيضُ فَطَارَ قَبْلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ، ثُمَّ رَجَعَ رَاجِعًا حَتَّى سَقَطَ عَلَى بَيْتِ الْكُعْبَةِ فَسَجَدَتْ لَهُ قُرَيْشُ كُلُّهَا، فَبَيَّنَمَا النَّاسُ يَتَأَمَّلُونَهُ إِذَا صَارَ نُورًا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَامْتَدَّ حَتَّى بَلَغَ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ، فَلَمَّا انْتَبَهْتُ سَأَلْتُ كَاهِنَةَ بَنِي مَخْزُومٍ فَقَالَتْ: يَا عَبَّاسُ لَئِنْ صَدَقْتَ رُؤْيَاكَ لَيَخْرُجَنَّ مِنْ صُلْبِهِ وَلَدٌ يَصِيرُ أَهْلُ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ تَبَعًا لَهُ، قَالَ: أَبِي فَهَمَّنِي أَمْرُ عَبْدِ اللَّهِ إِلَيَّ أَنْ تَزُوجَ بَأَمْنَةَ وَكَانَتْ مِنْ أَجْمَلِ نِسَاءِ قُرَيْشٍ وَأَتْمَمَهَا خَلْقًا، فَلَمَّا مَاتَ عَبْدُ اللَّهِ وَوَلَدَتْ أَمْنَةُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ أَتَيْتُهُ فَرَأَيْتُ النُّورَ بَيْنَ عَيْنَيْهِ يَزْهَرُ فَحَمَلْتُهُ وَتَفَرَّسْتُ فِي وَجْهِهِ فَوَجَدْتُ مِنْهُ رِيحَ الْمِسْكِ وَصِرْتُ كَأَنِّي قِطْعَةُ مِسْكِ مِنْ شِدَّةِ رِيحِي، فَحَدَّثْتَنِي أَمْنَةُ وَقَالَتْ لِي: إِنَّهُ لَمَّا أَخَذَنِي الطَّلُقُ وَاسْتَدْبَى الْأَمْرُ سَمِعْتُ جَلْبَنَةً وَكَلَامًا لَا يُشَبِّهُ كَلَامَ الْإِنْسَانِ، وَرَأَيْتُ عِلْمًا مِنْ سُندُسٍ عَلَى قَصِيْبٍ مِنْ يَاقُوتٍ قَدْ ضُرِبَ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ، وَرَأَيْتُ نُورًا يَنْطَعُ مِنْ رَأْسِهِ حَتَّى بَلَغَ السَّمَاءَ، وَرَأَيْتُ قُصُورَ الشَّامَاتِ كَأَنَّهَا شُعْلَةُ نَارٍ نُورًا، وَرَأَيْتُ حَوْلِي مِنَ الْقِطَاعَةِ أَمْرًا عَظِيمًا وَقَدْ نَشَرَتْ أَجْنِحَتَهَا حَوْلِي، وَرَأَيْتُ شَعِيرَةَ الْأَسَدِيَّةِ قَدْ مَرَّتْ وَهِيَ تَقُولُ: أَمْنَةُ مَا لَقِيتِ الْكُفَّانَ وَالْإِصْنَامَ مِنْ وَلَدِكَ، وَرَأَيْتُ رَجُلًا شَابًا مِنْ أَتَمِّ النَّاسِ طَوْلًا وَأَشَدَّهُمْ بَيَاضًا وَأَحْسَنَهُمْ ثِيَابًا مَا ظَنَنْتُهُ إِلَّا عَبْدَ الْمُطَّلِبِ قَدْ دَنَا مِنِّي فَأَخَذَ الْمُؤَلَّدَ فَتَقَلَّ فِي فِيهِ وَمَعَهُ طَسْتُ مِنْ ذَهَبٍ مَضْرُوبٍ مِنْ زُمُرِدٍ وَمُشْطٌ مِنْ ذَهَبٍ فَشَقَّ بَطْنَهُ شَقًّا ثُمَّ أَخْرَجَ قَلْبَهُ فَشَقَّهُ فَأَخْرَجَ مِنْهُ نُكْتَةً سَوْدَاءَ فَرَمَى بِهَا ثُمَّ أَخْرَجَ صُرَّةً مِنْ حَرِيرَةٍ خَضْرَاءَ فَفَتَحَهَا فَإِذَا فِيهَا كَالذَّرِيرَةِ الْبَيْضَاءِ فَحَشَاهُ ثُمَّ رَدَّهَ إِلَى مَا كَانَ وَصَحَّ عَلَى بَطْنِهِ وَاسْتَنْطَقَهُ فَتَطَلَّقَ فَلَمْ أَفْهَمْ مَا قَالَ إِلَّا أَنَّهُ قَالَ: فِي أَمَانِ اللَّهِ وَحِفْظِهِ وَكَلَاءَتِهِ قَدْ حَشَوْتُ قَلْبَكَ إِيمَانًا وَعِلْمًا وَحِلْمًا وَيَقِينًا وَ

ابوالقاسم امین است.

۲. عباس بن عبدالمطلب می‌گوید: آنگاه که عبدالله بن عبدالمطلب چشم به دنیا گشود، در سیمای او نوری تابان همانند نور آفتاب بود. پدرم گفت: بی‌گمان این فرزند جایگاهی بلند خواهد داشت. عباس می‌گوید: در عالم رویا دیدم که از سوراخ بینی او پرنده‌ای سفید بیرون آمد و پرواز کرد تا آنکه به مشرق و مغرب نزدیک شد و آنگاه بازگشت و بر بام کعبه افتاد. همه قریش در برابر او به خاک افتادند. مردمان به او نگاه می‌کردند که ناگهان به صورت نوری بین مشرق و مغرب درآمد و بدان سمت‌ها نزدیک شد. بیدار که شدم از کاهن بنی مخزوم تعبیر آن را جويا شدم. او گفت: ای عباس! اگر خواب تو راست باشد از، پشت عبدالله، برادرت، فرزندی به دنیا خواهد آمد که ساکنان مشرق و مغرب را پیروان خود خواهد ساخت.

عباس بن عبدالمطلب می‌گوید: پدرم عبدالمطلب می‌گفت: زندگی عبدالله برای من اهمیت داشت تا اینکه با آمنه که زیباترین بانوی قریش بود، از دواج کرد. آنگاه که عبدالله از دنیا رفت و آمنه، محمد ﷺ را نزد من آورد. آن نور را میان چشمان او دیدم که درخشش داشت. در چهره‌اش که جستجو کردم آن بوی مشک را نیز یافتیم و در من تأثیر نهاد تا اینکه بوی خوش و مطبوع آن یک پاره مشک شدم. آمنه گفت: آنگاه که درد زایمان شروع شد و کارم دشوار گشت، ندایی به گوشم رسید که مثل کلام آدمیان نبود. و بعد پرچمی از سندس دیدم بر تیرهای از یاقوت که میان آسمان و زمین بود و نوری از سر آن آمد که تا آسمان کشیده شده آنگاه قصرهای شامیان را دیدم که گویی هر کدام مشعله‌ای از آتش است و روشنایی می‌پراکند. در اطراف خویش از پرنده‌های قطعا نگریستم که پره‌های خود را اطراف من پراکنده بودند و آنگاه شمیره اسدیه بر من عبور کرد و گفت: ای آمنه! کاهنان و بتان از دست پسر تو چه خواهند کشید. بعد مرد جوانی که نگریستم که از همگان قد بلندتر و سفید چهره‌تر و شیک پوش‌تر بود. گمان کردم که او عبدالمطلب است. پیش من آمد و او را از من گرفت و زبان در دهانش کرد. طشتی از طلا داشت که زمره نشان بود و شانه‌ای طلا. شکم او را شکافت و قلبش را در آورد و آنگاه نقطه سیاهی از آن خارج نمود و دور انداخت کند. آنگاه دستمالی از حریر سبز بیرون آورد و گویی که در آن پودر سفیدی بود، قلبش را از آن آکنده ساخت و بعد بر جای خود گذاشت و دست بر شکم او کشید و او را به سخن آورد. من اصلاً متوجه نشدم که کودک چه بر زبان آورد؛ مگر آنکه آن مرد جوان گفت: در امان خدا هستی و در نگرهبانی و پرستاری او. و من



الحمد لله



عَقْلًا وَشَجَاعَةً، أَنْتَ خَيْرُ الْبَشَرِ طُوبَى لِمَنْ اتَّبَعَكَ وَوَيْلٌ لِمَنْ تَخَلَّفَ عَنْكَ ثُمَّ أَخْرَجَ صُرَّةَ أُخْرَى مِنْ حَرِيرَةٍ بَيْضَاءَ فَفَتَحَهَا فَإِذَا فِيهَا خَاتَمٌ فَضْرَبَ عَلَى كَتِفِهِ ثُمَّ قَالَ أَمَرَنِي رَبِّي أَنْ أَنْفُخَ فِيكَ مِنْ رُوحِ الْقُدُسِ فَنَفُخَ فِيهِ فَالْبَسَهُ قَمِيصًا وَقَالَ: هَذَا أَمَانُكَ مِنْ آفَاتِ الدُّنْيَا، فَهَذَا مَا رَأَيْتُ يَا عَبَّاسُ بَعَيْنِي، قَالَ الْعَبَّاسُ: وَأَنَا يَوْمَئِذٍ أَقْرَأُ فَكَشَفْتُ عَنْ ثَوْبِهِ فَإِذَا خَاتَمُ النُّبُوَّةِ بَيْنَ كَتِفَيْهِ فَلَمْ أَزَلْ أَكْتُمُ شَأْنَهُ وَأَنْسَيْتُ الْحَدِيثَ فَلَمْ أَذْكُرْهُ إِلَى يَوْمِ إِسْلَامِي حَتَّى ذَكَرَنِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ.

٣. حَدَّثَنَا أَبِي ﷺ، قَالَ: حَدَّثَنِي سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ الْمُغِيرَةِ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ ﷺ قَالَ: «اعْتَنِمُوا الدُّعَاءَ عِنْدَ خَمْسٍ عِنْدَ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ وَ عِنْدَ الْإِذَاَنِ وَ عِنْدَ نَزُولِ الْغَيْثِ وَ عِنْدَ الْبَقَاءِ الصَّغِيرِ لِلشَّهَادَةِ وَ عِنْدَ دَعْوَةِ الْمَظْلُومِ لَيْسَ لَهَا حِجَابٌ دُونَ الْعَرْشِ.

٤. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ ﷺ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الثُّعْمَانِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ طَلْحَةَ النَّهْدِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ ﷺ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «ارْبَعَةٌ لَا تُرَدُّ لَهُمْ دَعْوَةٌ وَ تُفْتَحُ لَهَا أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَ تُصِيرُ إِلَى الْعَرْشِ دُعَاءُ الْوَالِدِ لِوَلَدِهِ وَ الْمَظْلُومِ عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ وَ الْمُعْتَمِرِ حَتَّى يَرْجِعَ وَ الصَّائِمِ حَتَّى يُفْطِرَ.

٥. حَدَّثَنَا أَبِي ﷺ، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَى الْخَشَّابِ عَنْ غِيَاثِ بْنِ كُلُوبٍ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ ﷺ أَنْ عَلِيًّا كَانَ يَقُولُ: «مَا مِنْ أَحَدٍ ابْتَلِيَ وَإِنْ عَظُمَتْ بَلَوَاهُ بِأَحَقِّ بِالْدُّعَاءِ مِنَ الْمُعَافَى الَّذِي لَا يَأْمَنُ الْبَلَاءَ».

٦. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ ﷺ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّعْدُ آبَادِيُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ وَهْبِ بْنِ وَهْبٍ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ ﷺ عَنْ عَلِيِّ ﷺ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا رَأَى الْفَاكِهَةَ الْجَدِيدَةَ قَبْلَهَا وَ وَضَعَهَا عَلَى عَيْنَيْهِ وَ فَمِهِ ثُمَّ قَالَ: «اللَّهُمَّ كَمَا أَرَيْتَنَا أَوْلَهَا فِي عَافِيَةٍ فَأَرِنَا آخِرَهَا فِي عَافِيَةٍ».

قلب تو را از ایمان و بردباری و دانش و یقین و عقل و شجاعت انبوه ساختم. ای کودک تو بهترین بشری. خوشا به حال کسی که پیرو تو گردد و وای بر کسی که تو را فرمان نبرد و با تو در جنگ باشد. آنگاه بسته دیگری از حریر سفید بیرون آورد و آن را گسترانید، در آن خاتمی بود. به کتف کودک مهر زد و گفت خداوند به من فرمان داده که روح القدس در تو بدهم. بعد در او دمیدن را آغاز کرد. آنگاه جامه‌ای بر تن کودک کرد و گفت: این امان تو از آفت‌های دنیا است. آمنه رو به عباس بن عبدالمطلب کرد و گفت: این چیزی بود که من در عالم خواب دیدم. عباس می‌گوید: من آن روز سواد داشتم. جامه کودک را بالا بردم و مهر نبوت را میان دو شانه او دیدم. این خواب آمنه به فراموشی سپرده شد تا اینکه به اسلام گراییدم و آن گاه پیامبر اسلام ﷺ خواب مادرش را به یاد من آورد.

۳. امام صادق علیه السلام از پدرش روایت فرمود که دعا را در پنج هنگام غنیمت بدانید: وقت خواندن قرآن، وقت اذان، وقت باریدن باران، وقت رویارویی صف‌های حق و باطل به منظور شهادت، و وقت نفرین مظلوم که تا عرش الهی پرده‌ای ندارد.

۴. پیامبر خدا ﷺ فرمود: نیایش چهار تن بی پاسخ نمی‌ماند و همواره درهای آسمان بر آن گشوده است تا اینکه خواسته‌های آنان به عرش نزدیک شود: دعای پدر برای فرزند خود، دعای مظلوم بر ضد ظالم، دعای عمره کننده تا هنگام بازگشت به خانه خود و دعای روزه دار تا هنگام افطار.

۵. علی علیه السلام فرمود: هیچ آدم گرفتاری نیست، مگر اینکه برای نیایش کردن سزاوارتر است هر چند که ابتلای او بسیار بزرگ باشد. آدمی به هر حال دچار گرفتاری می‌شود.

۶. علی علیه السلام فرمود: آنگاه که پیامبر ﷺ میوه نوبرانه را می‌دید، آن را بوسه می‌زد و بر چشمان و لبان خود می‌گذاشت و می‌فرمود: خدایا! همان گونه که نوبرانه‌اش را در سلامت به ما نشان دادی، پایان آن را نیز با سلامت به ما نشان بده.



السلامی



٧. حَدَّثَنَا حَمَزَةُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْعَلَوِيُّ (رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ) قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مَالِكِ بْنِ الْجُهَنِيِّ قَالَ: نَاولْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقَ شَيْئاً مِنَ الرِّيحَانِ فَأَخَذَهُ فَشَمَّهُ وَوَضَعَهُ عَلَى عَيْنَيْهِ ثُمَّ قَالَ: «مَنْ تَنَاوَلَ رِيحَانَةً فَشَمَّهَا وَوَضَعَهَا عَلَى عَيْنَيْهِ ثُمَّ قَالَ: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ لَمْ تَقَعْ عَلَى الْأَرْضِ حَتَّى يُغْفَرَ لَهُ».

٨. حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ نَافِثَةَ عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ النَّوْفَلِيِّ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُسْلِمٍ السَّكُونِيِّ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ عليه السلام قَالَ: عَلَّمَنِي رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا لَبِسْتَ ثَوْباً جَدِيداً أَنْ أَقُولَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي كَسَانِي مِنَ الرِّيشِ مَا أَتَجَمَّلُ بِهِ فِي النَّاسِ اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا ثِيَابَ بَرَكَاتٍ أَسْعَى فِيهَا بِمَرْضَاتِكَ وَأَعْمُرْ فِيهَا مَسَاجِدَكَ فَإِنَّهُ مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ لَمْ يَتَقَمَّصْهُ حَتَّى يُغْفَرَ لَهُ».

٩. حَدَّثَنَا أَبِي عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ عَبَّاسِ مَوْلَى الرِّضَا عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عَنْ أَبِيهِ عليه السلام قَالَ: كَانَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقُ عليه السلام يَقُولُ: «مَنْ قَالَ حِينَ يَسْمَعُ أَذَانَ الصُّبْحِ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِإِقْبَالِ نَهَارِكَ وَإِذْبَارِ لَيْلِكَ وَحُضُورِ صَلَوَاتِكَ وَأَصْوَاتِ دُعَايِكَ أَنْ تَتُوبَ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ» ^(١) وَمَنْ قَالَ مِثْلَ ذَلِكَ إِذَا سَمِعَ أَذَانَ الْمَغْرِبِ ثُمَّ مَاتَ مِنْ يَوْمِهِ أَوْ مِنْ لَيْلَتِهِ تِلْكَ كَانَ تَائِباً.

١٠. حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ السَّرَّاجِ يَرْفَعُهُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: مَنْ قَطَعَ ثَوْباً جَدِيداً وَقَرَأَ «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» ^(٢) سِتّاً وَثَلَاثِينَ مَرَّةً فَإِذَا بَلَغَ تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ أَخْرَجَ شَيْئاً مِنَ الْمَاءِ وَرَشَّ بَعْضَهُ عَلَى الثَّوبِ رَشّاً خَفِيفاً ثُمَّ صَلَّى فِيهِ رَكْعَتَيْنِ وَدَعَا رَبَّهُ وَقَالَ فِي دُعَائِهِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَزَقَنِي مِمَّا أَتَجَمَّلُ بِهِ فِي النَّاسِ وَأُوَارِي بِهِ غُورَتِي وَأُصَلِّي فِيهِ لِرَبِّي وَحَمْدُ اللَّهِ لَمْ يَزَلْ يَأْكُلُ فِي سَعَةِ حَتَّى يَبْلُغَ ذَلِكَ الثَّوبُ».

١١. حَدَّثَنَا أَبِي عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعُودَةَ بْنِ

۷. مالک جهنی می‌گوید: من شاخه گلی به امام صادق علیه السلام هدیه دادم. حضرت آن را گرفت و بویید و بر چشمان خود گذاشت و فرمود: هرکس گلی را به دست گیرد و آن را بو کند و بر چشمان خود بگذارد و بگوید: اللهم صل علی محمد و آل محمد بر زمین نرسد تا اینکه خداوند او را بیمارزد.

۸. علی علیه السلام فرمود: پیامبر خدا به من یاد داد که هرگاه جامه نو بر تن کنم، بگویم خداوند را سپاس که زیبایی بر تن من پوشاند و بین مردم مرا بدان آراسته ساخت. خدایا! این جامه را جامه مبارک قرار بده که در آن خشنودی‌ات را جوی باشم و در آن به آبادی مساجد تو بکوشم. هرکس چنین دعا کند، آن جامه را بر تن نکند تا اینکه خداوند گناهان او را بیمارزد.

۹. امام صادق علیه السلام فرمود: هرکس در وقت شنیدن صدای اذان صبح بگوید: اللهم انی استلک بآقبال نهارک واءدبار بیلک و حضور صلاتک و اصوات دعائک ان تتوب علی انک انت التناوب الرحیم، خدایا از تو خواستارم برای آمدن روز تو و رفتن شب تو و حضور نماز تو و طنین دعا به پیشگاه تو که توبه مرا قبول کنی؛ چون تو بسیار توبه پذیری و بس مهربان. و در وقت شنیدن اذان مغرب نیز آن عبارت را بر زبان آورد، اگر او در آن روز و شب مرگش فرا رسد، مؤمن آمرزیده شده خواهد بود.

۱۰. امام صادق علیه السلام فرمود: هرکس جامه نو از پارچه ببرد و سی و شش نوبت سوره «انا انزلناه» تلاوت کند و آن گاه که به کلمه مبارکه «تنزل الملائکة» نزدیک شود آب اندکی بر آن جامه نو بپاشد و بعد دو رکعت نماز در آن جامه بگذارد و در پیشگاه پروردگارش چنین نیایش کند: الحمد لله الذی رزقنی مما اتجمل به فی الناس و اوارى به عورتی و اصلی فیہ لرتبی، خدا را سپاس که به من چیزی را روزی کرد که به کمک آن در بین مردم آراستگی داشته باشم و نیز برهنگی ام پوشانده شود و در آن برای معبودم نماز گزارم و او را سپاس گزارد که همواره در فراخی باشد تا اینکه آن جامه نو کهنه شود.

۱۱. امام صادق علیه السلام از پدران خود روایت فرمود که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هرکس فرد



اللهم



صَدَقَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام أَنَّ النَّبِيَّ صلى الله عليه وآله قَالَ: «مَنْ رَأَى يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا أَوْ مَجُوسِيًّا أَوْ أَحَدًا عَلَى غَيْرِ مِلَّةِ الْإِسْلَامِ فَقَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنِي عَلَيْكَ بِالْإِسْلَامِ دِينًا وَبِالْقُرْآنِ كِتَابًا وَبِمُحَمَّدٍ نَبِيًّا وَبِعَلِيِّ إِمَامًا وَبِالْمُؤْمِنِينَ إِخْوَانًا وَبِالْكُتُبَةِ قِبْلَةً لَمْ يَجْمَعْ بَيْنَهُ وَبَيْنَهُ فِي النَّارِ أَبَدًا».

١٢. حَدَّثَنَا أَبِي عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْعِصِيِّ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ عليه السلام قَالَ: «مَنْ نَظَرَ إِلَى ذِي عَاهَةٍ أَوْ مَنْ قَدْ مُثِّلَ بِهِ أَوْ صَاحِبِ بَلَاءٍ فَلْيَقُلْ سِرًّا فِي نَفْسِهِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يُسْمِعَهُ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَافَانِي مِمَّا ابْتَلَاكَ بِهِ وَلَوْ شَاءَ لَفَعَلَ بِي ذَلِكَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَإِنَّهُ لَا يُصِيبُهُ ذَلِكَ الْبَلَاءُ أَبَدًا».

١٣. حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الدَّهْقَانِيِّ عَنْ دُرُسْتِ بْنِ أَبِي مَنْصُورٍ الْوَاسِطِيِّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام قَالَ: «دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله الْمَسْجِدَ فَإِذَا جَمَاعَةٌ قَدْ أَطْفَأُوا بِرَجُلٍ فَقَالَ: مَا هَذَا؟ فَقِيلَ: عَلَامَةٌ قَالَ: وَمَا الْعَلَامَةُ؟ قَالُوا: أَعْلَمُ النَّاسِ بِأَنْسَابِ الْعَرَبِ وَوَقَائِعِهَا وَأَيَّامِ الْجَاهِلِيَّةِ وَبِالشُّعَارِ وَالْعَرَبِيَّةِ فَقَالَ النَّبِيُّ: ذَاكَ عِلْمٌ لَا يَصُرُّ مِنْ جِهَلَةٍ وَلَا يَنْفَعُ مَنْ عِلْمُهُ».

١٤. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّعْدِيُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ عَنِ الصَّادِقِ عليه السلام قَالَ: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ دَعَائِمٍ عَلَى الصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَالصَّوْمِ وَالْحَجِّ وَوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْإِمَامَةِ مِنْ وَلَدِهِ عليه السلام».

١٥. حَدَّثَنَا حَمْزَةُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ زَيْدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، قَالَ: أَخْبَرَنِي أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ الْبَزَّازُ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو أَحْمَدَ دَاوُدُ بْنُ سُلَيْمَانَ الْفَرَّاءُ، قَالَ: حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرُّضَا عَنْ أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ الْبَاقِرِ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ زَيْنُ الْعَابِدِينَ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: «الْإِيمَانُ إِقْرَارٌ بِاللِّسَانِ وَمَعْرِفَةٌ بِالْقَلْبِ وَعَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ»، قَالَ حَمْزَةُ بْنُ مُحَمَّدٍ: وَسَمِعْتُ عَبْدَ الرَّحْمَنِ بْنَ أَبِي حَاتِمٍ يَقُولُ:

یهودی یا مسیحی یا زرتشتی را ببیند و بگوید که خداوند را سپاس که مرا به نور اسلام برتری بخشید که کیش من باشد و به قرآن که کتاب آسمانی ام باشد و به علی علیه السلام که امام من باشد و به ایمان آورندگان که برادران من باشند و به کعبه که قبله من باشد، خداوند او و آن غیر مسلمان را در دوزخ گرد هم نیاورد.

الحادی

۱۲. امام صادق علیه السلام فرمود: هرکس به شخص گرفتار یا عضو جدا شده یا آفت زده در جسم و روان نگاه کند و در قلب خویش بی آنکه به گوش او برسد، سه بار بگوید: «الحمد لله الذی عافانی مما اتبلاک به، ولو شاء لعفل بی ذالک؛ خداوند را سپاس که مرا عافیت و سلامت ارزانی داشته از آن چه تو را بدان مبتلا کرده است اگر او اراده می کرد بی گمان با من چنین رفتار داشت، هیچ گاه وی دچار آن بلا نمی شود.



۱۳. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به مسجد وارد شد و دید که مردم اطراف شخصی گرد آمده اند. فرمود: او کیست؟ گفتند: او علامه است. فرمود: منظور از علامه چیست؟ گفتند: او داناترین مردم به نسب های عرب و نیز رویدادها و روزگار جاهلی و نیز شعرها و زبان عربی است. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: این همه دانش است که نداشتن آن زیانی به انسان نمی رساند و نیز داشتن آن سودمند نخواهد بود.

۱۴. امام صادق علیه السلام فرمود: اسلام بر پنج ستون استوار شده است: نماز و زکات و روزه، حج و ولایت امیر مومنان علیه السلام و امامان از نسل وی.

۱۵. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: ایمان عبارت است از اعتراف با زبان و معرفت با قلب و

سَمِعْتُ أَبِي يَقُولُ: وَقَدْ رُوِيَ هَذَا الْحَدِيثُ عَنْ أَبِي الصَّلْتِ الْهَرَوِيِّ عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا عليه السلام بِإِسْنَادِهِ مِثْلَهُ، قَالَ أَبُو حَاتِمٍ: لَوْ قُرِئَ هَذَا الْإِسْنَادُ عَلَى مَجْنُونٍ لَبَرَأَ.

١٦. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارُ رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ زِيَادِ بْنِ مَرْوَانَ الْقَنْدِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَعْبُدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ مُبَارَكِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «الْإِسْلَامُ عَزَازَانُ فَلْيَأْسَهُ الْحَيَاءُ وَزِينَتُهُ الْوَفَاءُ وَمُرُوتُهُ الْعَمَلُ الصَّالِحُ وَعِمَادُهُ الْوَرَعُ وَ لِكُلِّ شَيْءٍ أَسَاسٌ، وَأَسَاسُ الْإِسْلَامِ حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ».

١٧. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ نَضْرِ بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ خَالِدِ بْنِ مَادٍ الْقَلَانِسِيِّ عَنْ الْقَنْدِيِّ عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ الْجُعْفِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام قَالَ: «جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَكُلُّ مَنْ قَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُؤْمِنٌ؟ قَالَ: إِنْ عَادَوْتَنَا تَلَحُّقَ بِالْيَهُودِ وَالنَّصَارَى إِنْكُمْ لَا تَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى تُحِبُّوُنِي وَكَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يُحِبُّنِي وَيُبْغِضُ هَذَا يَعْنِي عَلَيْنًا عليه السلام».

١٨. حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ ثَابِتِ بْنِ دِينَارٍ عَنْ سَعْدِ بْنِ طَرِيفٍ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام: «يَا عَلِيُّ أَنَا مَدِينَةُ الْحِكْمَةِ وَأَنْتَ بَابُهَا وَلَنْ تُؤْتِيَ الْمَدِينَةَ إِلَّا مِنْ قِبَلِ الْبَابِ وَكَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يُحِبُّنِي وَيُبْغِضُكَ لِأَنَّكَ مِنِّي وَأَنَا مِنْكَ لَحْمُكَ مِنْ لَحْمِي وَ دَمُكَ مِنْ دَمِي وَ رُوحُكَ مِنْ رُوحِي وَسِرِّرُكَ سِرِّرَتِي وَ عَلَانِيَتُكَ عَلَانِيَتِي وَأَنْتَ إِمَامُ أُمَّتِي وَ خَلِيفَتِي عَلَيْهَا بَعْدِي سَعِدَ مَنْ أَطَاعَكَ وَ شَقِيَ مَنْ عَصَاكَ وَ رِيحَ مَنْ تَوَلَّاكَ وَ خَسِرَ مَنْ عَادَاكَ وَ فَازَ مَنْ لَزِمَكَ وَ هَلَكَ مَنْ فَارَقَكَ مِثْلَكَ وَ مِثْلُ الْإِثْمَةِ مَنْ وَلَدَكَ بَعْدِي مِثْلُ سَفِينَةِ نُوحٍ مَنْ رَكِبَهَا نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ وَ مِثْلُكَ مِثْلُ النُّجُومِ كُلَّمَا غَابَ نَجْمٌ طَلَعَ نَجْمٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ».

۱۶. پیامبر ﷺ فرمود: اسلام عریان است و جامه آن حیاست و آراستگی آن وفاست و مروت آن کار نیک است و ستون آن پاکدامنی است. برای هر چیزی پایه‌ای است و پایه اسلام همانا دوست داشتن خاندان پیامبر ﷺ است.

۱۷. شخصی نزد پیامبر اکرم ﷺ آمد و گفت: ای پیامبر خدا هرکس لا اله الا الله بگوید، ایمان دارد؟ فرمود: دشمنی ما نسبت به یهود و نصارا می‌فهماند که شما تا مرا دوست نداشته باشید، به بهشت نخواهید رفت و هرکس که ادعا دارد مرا دوست دارد، ولی علی علیه السلام را دشمن بدارد، دروغ می‌گوید.

۱۸. پیامبر اسلام ﷺ به علی بن ابی طالب علیه السلام چنین فرمود: ای علی! من شهر دانش هستم و تو باب آن هستی و مردم به شهر وارد نشوند، مگر از دروازه آن. هرکس که مدعی است مرا دوست دارد، ولی تو را دشمن بدارد، دروغ گوشت. گوشت تو گوشت من است و خون تو خون من است و روح تو روح من است و باطن تو باطن من است و ظاهر تو ظاهر من است. تو امام امت من هستی و نیز جانشین من پس از من. رستگار شود هرکس که فرمان تو ببرد و شور بخت شود هرکس تو را نافرمانی کند. آن کس بهره‌مند می‌شود که تو را دوست می‌دارد و زیان می‌بیند آن کس که تو را دشمن بدارد. کامرواست هرکسی که همراه تو باشد و نابود شده کسی است که از تو جدا شده است. مثل تو و امامان پس از تو، مثل کشتی نوح است که هرکس بر آن سوار شد، رهایی یافت و هرکس از آن دور افتاد، غرق و هلاک گشت. مثل شما، مثل ستارگان است. هرگاه ستاره‌ای پنهان شود، ستاره‌ای دیگر آشکار می‌گردد تا اینکه رستاخیز شود.



الاسم

المجلس السادس والأربعون

ليلتين خلتا من ربيع الأول من سنة ثمان وستين وثلاثمائة

١. حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابَوَيْهِ الْقُمِّيُّ رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مَتَيْلِ الدَّقَاقِ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ: سَمِعْتُ الصَّادِقَ رحمته الله يَقُولُ: «مَنْ رَأَى أَخَاهُ عَلَى أَمْرٍ يَكْرَهُهُ فَلَمْ يَرُدَّهُ عَنْهُ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَيْهِ فَقَدْ خَانَهُ، وَمَنْ لَمْ يَجْتَنِبْ مُصَادَقَةَ الْإِخْمَقِ أَوْشَكَ أَنْ يَتَخَلَّقَ بِأَخْلَاقِهِ».

٢. حَدَّثَنَا أَبِي رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ أَبِي أَحْمَدَ الْأَزْدِيِّ عَنْ أَنَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَنَانَ بْنِ قُتَيْبٍ عَنْ عِكْرَمَةَ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ آخَا بَيْنِي وَبَيْنَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ رحمته الله وَزَوْجَهُ ابْنَتِي فَوْقَ سَبْعِ سَمَاوَاتِهِ وَأَشْهَدُ عَلَى ذَلِكَ مُقَرَّبِي مَلَائِكَتِهِ وَجَعَلَهُ لِي وَصِيًّا وَخَلِيفَةً، فَعَلَيَّْ مِنْهُ وَأَنَا مِنْهُ مُحِبُّهُ مُحِبِّي وَمُبْغِضُهُ مُبْغِضِي، وَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَتَقْرُبُ إِلَى اللَّهِ بِمَحَبَّتِهِ».

٣. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ)، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (عَلَيْهِمَا السَّلَام) نَهَ قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى رَضِيَ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا فَأَحْسِنُوا صُحْبَتَهُ بِالسَّخَاءِ وَحُسْنِ الْخُلُقِ».

٤. حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَسْرُورٍ رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ غَامِرٍ عَنْ عَمِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ غَامِرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ



مجلس چهل و ششم

سه شنبه دوم ربیع اول سال ۳۶۸

السلامی

۱. امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس برادر دینی او به کار ناپسندی سرگرم است و او با اینکه می‌تواند وی را از این زشت کاری باز دارد، تلاش نکند، به وی خیانت کرده است و هر کس از دوستی با ابله دوری نداشته باشد، نزدیک است که هم خوی او شود.

۲. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: بی‌گمان خداوند مرا با علی بن ابی طالب علیه السلام برادر کرد و دخترم را از فراز آسمان به عقد او در آورد و فرشتگان مقرب خود را بر چنین پیوندی مبارک شاهد قرارداد و علی را وصی و جانشین من کرد. علی از من است و من از علی. دوست علی دوست من است و دشمن علی دشمن من. و فرشتگان حق با دوست داشتن علی به خداوند تقرب خواهند جست.

۳. امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند اسلام را دین شما ساخت؛ بنابراین شما با بخشنندگی و خوش خلقی و نیک کرداری، اسلام را همراهی کنید.

۴. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: زیاده روی در شوخی آبروی انسان را می‌برد و زیادی خندیدن،

عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «كَثْرَةُ الْمِرَاحِ يَذْهَبُ بِمَاءِ الْوَجْهِ، وَكَثْرَةُ الضَّحِكِ يَمْحُو الْإِيمَانَ، وَكَثْرَةُ الْكُذِبِ يَذْهَبُ بِالْبَهَاءِ».

٥. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِلَوِيهِ ﷺ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَعْبُدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرُّضَا عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «مَنْ كَانَ مُسْلِمًا فَلَا يَمْكُرُ وَلَا يَخْدَعُ، فَإِنِّي سَمِعْتُ جَبْرَيْلَ يَقُولُ: إِنَّ الْمَكْرَ وَالْخَدِيعَةَ فِي النَّارِ»، ثُمَّ قَالَ ﷺ: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ عَشَّ مُسْلِمًا وَلَيْسَ مِنَّا مَنْ خَانَ مُسْلِمًا»، ثُمَّ قَالَ ﷺ: «أَنَّ جَبْرَيْلَ الرُّوحَ الْآمِينَ نَزَلَ عَلَيَّ مِنْ عِنْدِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ عَلَيْكَ بِحُسْنِ الْخُلُقِ، فَإِنَّ سُوءَ الْخُلُقِ يَذْهَبُ بِخَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ أَلَا وَإِنْ أَشْبَهَكُمْ بِي أَحْسَنَكُمْ خُلُقًا».

٦. حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ نَافِثَةَ ﷺ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ، قَالَ: قَالَ لِي الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ ﷺ: «مَنْ صَلَّى صَلَاةً مَكْتُوبَةً ثُمَّ سَبَّحَ فِي دُبُرِهَا ثَلَاثِينَ مَرَّةً لَمْ يَنْقُ عَلَى بَدَنِهِ شَيْءٌ مِنَ الذُّنُوبِ إِلَّا تَنَاقَرَتْ».

٧. حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ الْحُسَيْنِ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ الْحَدَّادِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ، قَالَ: «أَتَى النَّبِيُّ ﷺ بِأَسَارَى فَأَمَرَ بِقَتْلِهِمْ خَلَا رَجُلًا مِنْ بَيْنِهِمْ فَقَالَ الرَّجُلُ: يَا أَبِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا مُحَمَّدُ كَيْفَ أَطْلَقْتَ عَنِّي مِنْ بَيْنِهِمْ؟ فَقَالَ: أَخْبَرَنِي جَبْرَيْلُ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنَّ فِيكَ خَمْسَ خِصَالٍ يُحِبُّهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَرَسُولُهُ الْعِزَّةُ الشَّدِيدَةُ عَلَى حَرَمِكَ وَالسَّخَاءُ وَحُسْنُ الْخُلُقِ وَصِدْقُ اللِّسَانِ وَالشَّجَاعَةُ، فَلَمَّا سَمِعَهَا الرَّجُلُ أَسْلَمَ وَحَسَنَ إِسْلَامُهُ وَقَاتَلَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ قِتَالًا شَدِيدًا حَتَّى اسْتُشْهِدَ».

٨. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ ﷺ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ الْعَزِيزِ بْنُ يَحْيَى الْجَلُودِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا هِشَامُ بْنُ جَعْفَرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سُلَيْمَانَ، وَكَانَ قَارِئًا لِلْكِتَابِ، قَالَ: قَرَأْتُ فِي الْأَنْجِيلِ يَا عِيسَى جِدْ فِي أَمْرِي وَلَا تَهْزُلْ وَاسْمَعْ وَأَطِعْ يَا ابْنَ الطَّاهِرَةِ الطُّهْرِ الْبَكْرِ الْبَتُولِ أَتَيْتَ مِنْ غَيْرِ فَخَلِّ أَنَا خَلَقْتُكَ آيَةً لِلْعَالَمِينَ فَإِيَّايَ فَاغْبُذْ وَعَلَيَّ فَتَوَكَّلْ

ایمان وی را تباه می‌کند و دروغ گفتن بیش از حد شادابی انسان را می‌گیرد.

۵. پیامبر اسلام ﷺ فرمود: هر کس مسلمان است، نبایستی نیرنگ کند و فریب کار باشد. من از جبرئیل شنیدم که فرمود: نیرنگ و فریب در آتش است. آنگاه چنین فرمود: از ما نیست کسی که مسلمانی را فریب دهد. از ما نیست کسی به مسلمانی خیانت کند. و بعد فرمود: جبرئیل روح الامین از جانب حضرت حق بر من فرود آمد و گفت: ای محمد! بر تو باد آراستگی به خوش خلقی، چرا که تنگ خلقی خوبی دنیا و آخرت را از بین خواهد برد. بعد فرمود بدانید که شبیه‌ترین شما مسلمانان به من کسی است که خوش خلق‌ترین شما باشد.

۶. امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس نماز واجب خود را بگذارد، و در پی آن سی نوبت تسبیح بگوید، بر بدنش چیزی باقی می‌ماند مگر اینکه همه گناهان او فرو می‌ریزد.

۷. امام صادق علیه السلام فرمود: گروهی اسیر نزد پیامبر آوردند. حضرت فرمان داد که آنان را جز یک تن بکشند. اسیری که محکوم به مرگ نشده بود، گفت: ای محمد! پدرم و مادرم فدایت باد. چرا مرا رها کردی؟ فرمود: جبرئیل مرا از جانب حق خبر آورد که تو پنج ویژگی اخلاقی داری که خدا و پیامبرش آن‌ها را دوست دارند. غیرت ورزی شدید نسبت به محارم و بخشندگی و خوش خلقی و راست‌گویی و شجاعت. اسیر که کلام پیامبر ﷺ را شنید، به اسلام ایمان آورد و همراه آن حضرت در یکی از غزوات جنگ سختی کرده و سرانجام سرانجام به شهادت نائل شد.

۸. عبدالله بن سلیمان که کتاب‌های آسمانی را به خوبی یاد گرفته بود، می‌گوید: در انجیل خوانده‌ام که «ای عیسی در جهت فرمان من کوشش زیاد کن و سخن یاهو مگر و گوش به حق سپار و از آن فرمان بپرا ای کسی که از زنی پاک و بتول به دنیا آمده‌ای! بی آنکه دست مردی او را لمس کند. من تو را برای هدایت جهانیان خلق کردم. فقط مرا پرستش کن و به من توکل داشته باش و نیز با توانمندی انجیل را به دست بگیر و در



السلام



سخن یاهو



«خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ» ^(١) فَسَرَّ لِأَهْلِ سُورِيَا الشَّرِيَانِيَّةِ بَلَّغٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْكَ أَنِّي أَنَا اللَّهُ الدَّائِمُ
الَّذِي لَا أَزُولُ صَدَقُوا النَّبِيَّ ﷺ الْأُمِّيَّ صَاحِبَ الْجَمَلِ وَالْمِدْرَعَةِ وَالتَّاجِ وَهِيَ الْعِمَامَةُ وَ
النُّعْلَيْنِ وَالْهَرَاوَةِ وَهِيَ الْقَضِيبُ الْأَنْجَلُ الْعَيْنَيْنِ الصَّلَتِ الْجَبِينِ الْوَاضِحِ الْخَدَيْنِ الْإِقْنَى
الْأَنْفِ الْمُفْلَجِ الشَّنَايَا كَأَنَّ عُنُقَهُ إِبْرِيْقُ فِضَّةٍ، كَأَنَّ الذَّهَبَ يَجْرِي فِي تَرَاقِيهِ لَهُ شَعْرَاتٌ مِنْ
صَدْرِهِ إِلَى سُرَّتِهِ لَيْسَ عَلَى بَطْنِهِ وَلَا عَلَى صَدْرِهِ شَعْرٌ أَسْمَرُ اللَّوْنِ دَقِيقُ الْمَسْرُوبَةِ شَتْنُ
الْكُفِّ وَالْقَدَمِ إِذَا التَّفَتَ التَّفَتَ جَمِيعاً، وَإِذَا مَشَى كَأَنَّمَا يَنْقَلِعُ مِنَ الصَّخْرَةِ وَيَنْحَدِرُ مِنْ
صَبَبٍ، وَإِذَا جَاءَ مَعَ الْقَوْمِ بَذَهُمْ، عَرَفَهُ فِي وَجْهِهِ كَاللُّوْلُو وَرِيحُ الْمِسْكِ يَنْفُخُ مِنْهُ لَمْ يَزِدْ
قَبْلَهُ مِثْلُهُ وَلَا بَعْدَهُ طَيِّبُ الرِّيحِ نِكَاحُ النِّسَاءِ ذُو النُّسْلِ الْقَلِيلِ، إِنَّمَا نَسْلُهُ مِنْ مُبَارَكَةٍ لَهَا
بَيْتٌ فِي الْجَنَّةِ لَا صَحْبَ فِيهِ وَلَا نَصَبَ يَكْفُلُهَا فِي آخِرِ الزَّمَانِ كَمَا كَفَّلَ زَكْرِيَّا أُمَّكَ لَهَا
فَرْخَانٍ مُسْتَشْهَدَانِ كَلَامُهُ الْقُرْآنُ وَدِينُهُ الْإِسْلَامُ وَأَنَا السَّلَامُ، طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ زَمَانَهُ وَ
شَهِدَ آيَاتِهِ وَسَمِعَ كَلَامَهُ، قَالَ عِيسَى: يَا رَبِّ وَمَا طُوبَى، قَالَ: شَجَرَةٌ فِي الْجَنَّةِ أَنَا غَرَسْتُهَا
تُظِلُّ الْجَنَانَ - أَصْلُهَا مِنْ رِضْوَانٍ مَاوُهَا مِنْ تَسْنِيمٍ بَرْدُهَا بَرْدُ الْكَافُورِ وَطَعْمُهَا طَعْمُ
الزُّنْبِيلِ مَنْ يَشْرَبُ مِنْ تِلْكَ الْعَيْنِ شَرْبَةً لَا يَطْمَأُ بَعْدَهَا أَبَدًا، فَقَالَ عِيسَى: «اللَّهُمَّ اسْقِنِي
مِنْهَا»، قَالَ: حَرَامٌ يَا عِيسَى عَلَى الْيَشْرِبِ أَنْ يَشْرِبُوا مِنْهَا حَتَّى يَشْرَبَ ذَلِكَ النَّبِيُّ وَحَرَامٌ
عَلَى الْأَمَمِ أَنْ يَشْرِبُوا مِنْهَا حَتَّى يَشْرَبَ أُمَّةُ ذَلِكَ النَّبِيِّ أَرْفَعَكَ إِلَيَّ ثُمَّ أَهْبِطُكَ فِي آخِرِ
الزَّمَانِ لِتَرَى مِنْ أُمَّةِ ذَلِكَ النَّبِيِّ الْعَجَائِبَ وَتُعِينَهُمْ عَلَى اللَّعِينِ الدُّجَالِ أَهْبِطُكَ فِي
وَقْتِ الصَّلَاةِ لِتُصَلِّيَ مَعَهُمْ إِنَّهُمْ أُمَّةٌ مَرْحُومَةٌ.

٩. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ (رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ)، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ أَحْمَدُ
بْنُ دُبَيْسٍ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْمُفَسِّرُ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ أَبِي الْبُهْلُولِ الْمَرْوَزِيُّ، قَالَ:
حَدَّثَنَا الْفَضْلُ بْنُ هُرْمَزٍ دِيَارِ الطَّبْرِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو عَلِيٍّ الْحَسَنُ بْنُ شُجَاعِ الْبَلْخِيِّ، قَالَ:
حَدَّثَنَا سُلَيْمَانُ بْنُ الرَّبِيعِ، قَالَ: سَمِعْتُ كَادِحَ بْنَ أَحْمَدَ يَقُولُ: سَمِعْتُ مُقَاتِلَ بْنَ سُلَيْمَانَ
يَقُولُ: سَمِعْتُ الضَّحَّاكَ قَالَ: سَأَلَ رَجُلٌ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ مَا الَّذِي أَحْفَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى
مِنَ الْجَنَّةِ؟ - وَقَدْ أَخْبَرَ عَنْ أَزْوَاجِهَا وَعَنْ خَدَمِهَا وَطَبِيبِهَا وَشَرَابِهَا وَثَمَرِهَا وَمَا ذَكَرَ اللَّهُ

سرزمین سوریا سیاحت کن و به زبان سریانی سخن بگوی. و در همه جا ابلاغ کن که من خدایی هستم که هرگز زوال ندارم و نیز گواهی بر پیامبرای دهید که دارنده شتر و جوشن و عمامه و نعلین و چوب دستی است و نیز دارنده چشمان تابان و پیشانی بلند و گونه های روشن و بینی برآمده و دندانه های سفید و شمرده شمرده و گردنی سیمین و کشیده و گلوگاهی زرین و رشته مویی از سینه تا ناف و شکم و سینه ای صاف و بی مو. او سیه چرده و باریک انگشت است و دارای کتف پهن. زمانی که به جایروی کند، با تمام وجود متوجه می کند، آنگاه که گام بر می دارد با همه بدن باشد. گویی باوقار گام از سنگ بر می دارد و از بلندی به زیر می آید. آنگاه که همراه با دسته ای بیاید بر شکوه آنان بیافزاید. عرق چهره او مانند مرواریدی غلطان بوده و از آن بوی مشک به مشام همگان می رسد. همانند او تاکنون مشاهده نشده و پس از او نیز مشاهده نخواهد شد. او خوش بو و زن دوست و کم فرزند است. نسل او دختری است که برکت بخش است و در بهشت سرایی یک دست و بی ترک برای خود دارد. او را در آخرالزمان وکالت کند همان گونه که زکریا مادر تو را ای مسیح وکالت نمود. دو فرزند دارد که هر دو را ستمگران خواهند کشت. سخن او قرآن است و دین او اسلام. خوشا بر کسی که روزگار آن پیامبر امی را درک کند و بنگرد و کلام او را بشنود. عیسی بن مریم گفت: پروردگارا «طوبی» چیست؟ فرمود: همان درختی است که در بهشت قرار داد. من خودم آن را کاشتم. طوبی بر همه بهشت سایه می افکند. بن درخت طوبی «رضوان» است. و آب آن از چشمه «تسنیم» که مثل کافور خنک و گوار است و مزه زنجبیل دارد. هرکس از آن چشمه بنوشد، هرگز دچار عطش نمی شود. عیسی گفت: خدایا! از آب تسنیم به من بنوشان. فرمود: ای مسیح نوشیدن آن برای هیچ بشری ممکن نیست تا آنکه پیامبر امی از آن بنوشد. و نیز نوشیدن آب تسنیم بر امت ها حرام است تا زمانی که امت پیامبر امی از آب آن بنوشد. ای مسیح! تو را پیش خودم آوردم و در آخر الزمان تو را به زمین خواهم فرستاد که از امت پیامبر امی شگفتی مشاهده کنی و نیز در راندن دجال مطرود به آنان کمک رسانی. تو را به هنگام نماز پایین خواهم فرستاد که همراه با امتی نماز بخوانی که از رحمت الهی بهره مند هستند.

۹. شخصی از ابن عباس سؤال کرد: خداوند چه چیز بهشت را پنهان کرده است با اینکه او از همسران و خدمتکار و شراب و میوه آن آگاه ساخته است؟ ابن عباس فرمود:



السلامی



تَبَارَكَ وَتَعَالَى مِنْ أَمْرِهَا وَانْزَلَهُ فِي كِتَابِهِ - فَقَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ: هِيَ جَنَّةٌ عَذْنٌ خَلَقَهَا اللَّهُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ ثُمَّ أَطْبَقَ عَلَيْهَا فَلَمْ يَرَهَا مَخْلُوقٌ مِنْ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ حَتَّى يَدْخُلَهَا أَهْلُهَا، قَالَ لَهَا عَزَّ وَجَلَّ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ تَكَلِّمِي، فَقَالَتْ: طُوبَى لِلْمُؤْمِنِينَ، قَالَ جَلَّ جَلَالُهُ: طُوبَى لِلْمُؤْمِنِينَ وَطُوبَى لَكَ، قَالَ مُقَاتِلٌ: قَالَ الضَّحَّاكُ ابْنُ عَبَّاسٍ، فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: «أَلَا مَنْ كَانَ فِيهِ سِتٌّ خِصَالٍ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ، مَنْ صَدَقَ حَدِيثُهُ وَانْجَزَ مَوْعُودُهُ وَأَدَّى أَمَانَتَهُ وَبَرَّ وَالِدَيْهِ وَوَصَلَ رَحِمَتَهُ وَاسْتَغْفَرَ مِنْ ذَنْبِهِ فَهُوَ مُؤْمِنٌ».

١٠. حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الطَّالِقَانِيُّ (رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ)، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرٍ مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ الْأَنْبَارِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرٍ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي يَعْقُوبَ الدِّينَوْرِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ أَبِي الْمِقْدَامِ الْعِجْلِيُّ، قَالَ: يُرْوَى أَنَّ رَجُلًا جَاءَ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ﷺ، فَقَالَ لَهُ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ إِنَّ لِي إِلَيْكَ حَاجَةً، فَقَالَ: «اكْتُبْهَا فِي الْأَرْضِ فَإِنِّي أَرَى الضَّرْفَ فِيكَ بَيْنًا»، فَكَتَبَ فِي الْأَرْضِ أَنَا فَقِيرٌ مُحْتَاجٌ، فَقَالَ عَلِيُّ: «يَا قَتَبُ أَكُفُّهُ حُلَّتَيْنِ»، فَأَتَى الرَّجُلُ يَقُولُ:

كَسَوْتَنِي حُلَّةً تَبْلَى مَحَاسِنُهَا فَسَوْفَ أَكُفُّوكَ مِنْ حُسْنِ الشَّأْنِ حُلَلًا
إِنْ نِلْتَ حُسْنَ ثَنَائِي نِلْتَ مَكْرَمَةً وَلَسْتُ تَبْقِي بِمَا قَدْ نِلْتَهُ بَدَلًا
إِنَّ الثَّنَاءَ لِيُخَيِّ ذِكْرَ صَاحِبِهِ كَالغَيْثِ يُخَيِّ نَدَاهُ السَّهْلَ وَالْجَبَلَ
لَا تَزْهَدِ الدَّهْرَ فِي عُرْفٍ بَدَأَتْ بِهِ فَكُلُّ عَبْدٍ سَيَجْزِي بِالَّذِي فَعَلَ

فَقَالَ ﷺ: «اعْطُوهُ مِائَةَ دِينَارٍ»، فَقِيلَ لَهُ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ لَقَدْ أَغْنَيْتَهُ، فَقَالَ: «إِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: أَنْزَلَ النَّاسَ مَنَازِلَهُمْ»، ثُمَّ قَالَ عَلِيُّ ﷺ: «إِنِّي لَأَعْجَبُ مِنْ أَقْوَامٍ يَشْتَرُونَ الْمَمَالِيكَ بِأَمْوَالِهِمْ وَلَا يَشْتَرُونَ الْأَخْرَارَ بِمَعْرُوفِهِمْ».

١١. حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ ﷺ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو أَحْمَدَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ سَعِيدٍ بْنُ بَشِيرٍ، حَدَّثَنَا ابْنُ كَاسِبٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَيْمُونٍ الْمَكِّيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ﷺ أَنَّهُ دَخَلَ عَلَيْهِ رَجُلَانِ مِنْ قُرَيْشٍ فَقَالَ: أَلَا أُحَدِّثُكُمَا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ؟ فَقَالَا: بَلَى حَدَّثْنَا عَنْ أَبِي الْقَاسِمِ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبِي يَقُولُ: «لَمَّا كَانَ قَبْلَ وَفَاةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ

آنچه خداوند از بهشت ظاهر نکرده همان بهشت «عدن» است که در روز آدینه خلق شده و روی آن را پوشانده و هیچ مخلوقی از ساکنان آسمان و زمین هنوز آن را مشاهده نکرده و نیز مشاهده نخواهد کرد تا آنکه اهل آن بهشت به آن وارد شوند. آنگاه خداوند در سه نوبت به بهشت عدن می‌فرماید: سخن بگوی. آنگاه به زبان می‌آید: طوبی برای مؤمنان است. خداوند می‌فرماید: طوبی برای مؤمنان است و برای تو.

مقاتل از ضحاک روایت کرده است که ابن عباس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت فرمود که هرکس این شش ویژگی را دارا باشد از دسته آن مؤمنان است: راست‌گویی، وفای به عهد، پس دادن امانت، احسان به پدر و مادر، پیوند با خویشاوندان و آمرزش طلبی برای گناهان خویش.

۱۰. شخصی پیش امیر مؤمنان علیه السلام رفت و گفت: ای امیرمؤمنان! از تو خواسته‌ای دارم. فرمود: آن را بر خاک بنویس. من پریشان حالی‌ات را می‌نگرم. او بر خاک چنین نوشت: من تنگ دست و بینوا هستم. علی علیه السلام فرمود: ای قنبر دو جامه بر تن او بپوشان. آنگاه او چنین خواند: ای علی! جامه‌ای نخی عطا کردی که سرانجام کهنه می‌شود، اما تو سزاوار ستایش برای هزاران جامه هستی. ستایش نیکوکاران نام آنان را زنده و پاینده خواهد، همان سان که کوه و دشت از باران زنده می‌شوند. در زندگی خود هرگز از نیکی کردن فاصله مگیر! چرا که پاداش بنده همان احسانی است که آشکار شده است.

آنگاه علی علیه السلام فرمود: صد دینار طلا به او بدهند. گفته شد: ای علی! او را بس توانگر کردی. فرمود: من از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: از مردم قدرشناسی کنید. آن‌گاه فرمود که من از کسانی تعجب می‌کنم که با دارایی خود بنده‌ها را می‌خرند و اما آزادگان را با نیکی کردن خویش نمی‌خرند.

۱۱. دو شخص از قوم قریش نزد امام سجاد علیه السلام آمدند. امام فرمود: آیا اکنون برای شما سخنی از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله روایت کنم؟ گفتند: آری. فرمود: از پدرم حسین علیه السلام شنیدم که چنین فرمود: سه روز پیش از اینکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وفات کند، جبرئیل بر او فرود آمد و گفت: ای احمد! خداوند مرا به پاس مقام تو جهت جویا شدن از حال تو روانه کرده، هر



السلامی



ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ هَبَطَ عَلَيْهِ جِبْرِئِيلُ فَقَالَ: يَا أَحْمَدُ إِنَّ اللَّهَ أَرْسَلَنِي إِلَيْكَ إِكْرَامًا وَتَفْضِيلًا لَكَ وَ خَاصَّةً يَسْأَلُكَ عَمَّا هُوَ أَعْلَمُ بِهِ مِنْكَ يَقُولُ: كَيْفَ تَجِدُكَ يَا مُحَمَّدٌ، قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: أَجِدُنِي يَا جِبْرِئِيلُ مَعْمُومًا وَأَجِدُنِي يَا جِبْرِئِيلُ مَكْرُوبًا، فَلَمَّا كَانَ الْيَوْمُ الثَّلَاثُ هَبَطَ جِبْرِئِيلُ وَمَلِكُ الْمَوْتِ وَمَعَهُمَا مَلِكٌ يُقَالُ لَهُ: إِسْمَاعِيلُ فِي السَّمَاءِ عَلَى سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ فَسَبَقَهُمْ جِبْرِئِيلُ فَقَالَ: يَا أَحْمَدُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَرْسَلَنِي إِلَيْكَ إِكْرَامًا لَكَ وَ تَفْضِيلًا لَكَ وَ خَاصَّةً يَسْأَلُكَ عَمَّا هُوَ أَعْلَمُ بِهِ مِنْكَ، فَقَالَ: كَيْفَ تَجِدُكَ يَا مُحَمَّدٌ؟ قَالَ: أَجِدُنِي يَا جِبْرِئِيلُ مَعْمُومًا وَأَجِدُنِي يَا جِبْرِئِيلُ مَكْرُوبًا، فَاسْتَأْذَنَ مَلِكُ الْمَوْتِ فَقَالَ جِبْرِئِيلُ يَا أَحْمَدُ هَذَا مَلِكُ الْمَوْتِ يَسْتَأْذِنُ عَلَيْكَ لَمْ يَسْتَأْذِنْ عَلَى أَحَدٍ قَبْلَكَ وَلَا يَسْتَأْذِنُ عَلَى أَحَدٍ بَعْدَكَ قَالَ ائْذَنْ لَهُ فَأَذِنَ لَهُ جِبْرِئِيلُ فَأَقْبَلَ حَتَّى وَقَفَ بَيْنَ يَدَيْهِ، فَقَالَ: يَا أَحْمَدُ إِنَّ اللَّهَ أَرْسَلَنِي إِلَيْكَ وَأَمَرَنِي أَنْ أَطِيعَكَ فِيمَا تَأْمُرُنِي أَنْ أَطِيعَكَ بِقَبْضِ نَفْسِكَ قَبْضَتُهَا وَإِنْ كَرِهْتَ تَرَكْتُهَا، فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: أَتَفْعَلُ ذَلِكَ يَا مَلِكُ الْمَوْتِ؟ قَالَ: نَعَمْ بِذَلِكَ أُمِرْتُ أَنْ أَطِيعَكَ فِيمَا تَأْمُرُنِي، فَقَالَ لَهُ جِبْرِئِيلُ: يَا أَحْمَدُ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى قَدْ اشْتَاقَ إِلَى لِقَائِكَ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: يَا مَلِكُ الْمَوْتِ امْضِ لِمَا أُمِرْتَ بِهِ، فَقَالَ جِبْرِئِيلُ: هَذَا آخِرُ وَطْنِي الْأَرْضِ إِنَّمَا كُنْتُ حَاجَتِي مِنَ الدُّنْيَا، فَلَمَّا تُوْفِيَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رُوحَهُ الطَّيِّبَ وَ عَلَى آلِهِ الطَّاهِرِينَ جَاءَتِ التَّعْزِيَةُ جَاءَهُمْ آتٍ يَسْمَعُونَ حِسَّهُ وَلَا يَرَوْنَ شَخْصَهُ، فَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ، وَ إِنَّمَا تُوَفَّقُونَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^(١) إِنَّ فِي اللَّهِ عِزًّا وَجَلَّ عِزُّهُ مِنْ كُلِّ مُصِيبَةٍ وَخَلْقًا مِنْ كُلِّ هَالِكٍ وَدَرَكَاءٍ مِنْ كُلِّ مَا فَاتَ قِبَالَ اللَّهِ فَتَقُوا وَآيَاهُ فَارْجُوا فَإِنَّ الْمُصْطَابَ مِنْ حُرِّمِ الثَّوَابِ وَ السَّلَامِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ، قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ﷺ: هَلْ تَدْرُونَ مَنْ هَذَا هَذَا هُوَ الْخَضِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

١٢. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ أَحْمَدُ بْنُ إِسْحَاقَ الْمَادَرَائِيُّ بِالْبَصْرَةِ فِي رَجَبِ سَنَةِ ثَمَانِ عَشْرَةٍ وَثَلَاثِمِائَةٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو قِلَابَةَ عَبْدُ الْمَلِكِ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا غَانِمُ بْنُ الْحَسَنِ السَّعْدِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُسْلِمُ بْنُ خَالِدٍ

چند بهتر از تو حال تو را می‌داند. خداوند می‌فرماید: حال تو چطور است؟ پیامبر فرمود: اندوهگین و گرفتار هستم. روز سوم جبرئیل و عزرائیل و فرشته‌ای به نام اسماعیل همراه با هفتاد هزار فرشته نزد پیامبر ﷺ آمدند. جبرئیل پیش از آنان نزد حضرت آمد و گفت: خداوند مرا خصوصی به منظور احوال پرسى تو به طور روانه کرده و منی فرماید: حال تو چطور است ای احمد؟ پیامبر فرمود: هنوز اندوهگین و گرفتار هستم. ای جبرئیل! در این هنگام عزرائیل اجازه حضور یافت. جبرئیل گفت: ای احمد! این عزرائیل است که اجازه حضور می‌خواهد و تاکنون او از کسی رخصت حضور نخواست و پس از تو نیز اجازه از کسی نخواهد خواست. فرمود: به او اجازه دادم. جبرئیل به عزرائیل رخصت داد و او برابر پیامبر ایستاد و گفت: ای احمد! خداوند مرا نزد تو روانه کرده که هر گونه خواهی رفتار کنم. اگر خواهی جان تو را بگیرم می‌ستانم و گر نخواهی، باز می‌گردم.

پیامبر به عزرائیل فرمود: ای فرشته مرگ آیا هر چه به تو بگویم، بدان رفتار خواهی کرد؟ او گفت: آری چرا که ناگزیر به اطاعت هستم. جبرئیل گفت: ای احمد! خداوند اشتیاق دیدارت را دارد. فرمود: ای فرشته مرگ به آن چه ماموریت داری رفتار کن. جبرئیل گفت: این آخرین باری است که زمین می‌آیم. مطلوب من در دنیا تو بودی. آنگاه که پیامبر وفات کرد و کسانی برای تسلیت به خاندان پیامبر ﷺ آمدند، مردی آمد که همه صدای او را می‌شنیدند در حالی که او را نمی‌دیدند. او گفت: سلام و رحمت خدا و برکات خداوند بر شما باد. بی‌گمان هر کس مرگ را خواهد چشید و در رستخیز پاداش خود را می‌گیرد. در حقیقت نگرستن به خداوند قلب هر مصیبت زده‌ای را آرام خواهد کرد و جایگزین عزیز از دست رفته خواهد بود و نیز جبران گر هر در گذشته. به خداوند اعتماد کنید و به او امید داشته باشید؛ چرا که شخص داغدار کسی است که از پاداش بی‌نصیب است. سلام و رحمت و برکات الهی بر شما باد. آنگاه علی بن ابی طالب ﷺ فرمود: آیا خبر دارید که این شخص کی بود؟ او حضرت خضر بود.

۱۲. فاطمه ﷺ به پیامبر اکرم ﷺ گفت: پدر جان در روز موقف اعظم و نیز روز فزع اکبر تو را کجا ملاقات می‌کنم؟ فرمود: ای فاطمه! در آستانه بهشت که لوای احمد به دست من است و آنگاه در پیشگاه خداوند از امت خود شفاعت خواهم کرد. فاطمه ﷺ گفت: پدر جان! اگر آنجا توفیق دیدارت را نداشتیم؟ فرمود: سر حوض کوثر مرا ملاقات کن



السلامی



الْمَكِّي، قَالَ: حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ) عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام، قَالَ: قَالَتْ فَاطِمَةُ (عَلَيْهَا السَّلَامُ) لِرَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: «يَا أَبَتَاهُ أَتَيْنَ الْفَكَ يَوْمَ الْمَوْقِفِ الْأَعْظَمِ وَيَوْمَ الْأَهْوَالِ وَيَوْمَ الْقَرْعِ الْأَكْبَرِ؟ قَالَ: يَا فَاطِمَةُ (عَلَيْهَا السَّلَامُ) عِنْدَ بَابِ الْجَنَّةِ وَمَعِيَ لِيَوَاءُ الْحَمْدِ وَأَنَا الشَّفِيعُ لِأُمَّتِي إِلَى رَبِّي، قَالَتْ: يَا أَبَتَاهُ فَإِنْ لَمْ أَلْقَ هُنَاكَ، قَالَ: الْقَيْنِي عَلَى الْحَوْضِ وَأَنَا أَشْقِي أُمَّتِي، قَالَتْ: يَا أَبَتَاهُ إِنْ لَمْ أَلْقَ هُنَاكَ قَالَ: الْقَيْنِي عَلَى الصَّرَاطِ وَأَنَا قَائِمٌ أَقُولُ رَبِّ سَلِّمْ أُمَّتِي قَالَتْ: فَإِنْ لَمْ أَلْقَ هُنَاكَ، قَالَ: الْقَيْنِي وَأَنَا عِنْدَ الْمِيزَانِ أَقُولُ رَبِّ سَلِّمْ أُمَّتِي، قَالَتْ: فَإِنْ لَمْ أَلْقَ هُنَاكَ، قَالَ: الْقَيْنِي عَلَى عِثْرِ شَفِيرِ جَهَنَّمَ أَمْنَعُ شَرَّهَا وَلَهَبَهَا عَنْ أُمَّتِي فَاسْتَبَشَرْتُ فَاطِمَةَ بِذَلِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهَا وَعَلَى أَبِيهَا وَبَعْلَتِهَا وَبَنِيهَا».

١٣. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو أَحْمَدَ عَبْدُ الْعَزِيزِ بْنُ يَحْيَى الْبَصْرِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا الْمُغِيرَةُ بْنُ مُحَقَّدٍ، قَالَ: حَدَّثَنِي إِبْرَاهِيمُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَزْدِيُّ سَنَةَ سِتَّةَ عَشْرَةَ وَمِائَتَيْنِ، قَالَ: حَدَّثَنَا قَيْسُ بْنُ الرَّبِيعِ وَمَنْصُورُ بْنُ أَبِي الْأَسْوَدِ عَنِ الْأَعْمَشِ عَنِ الْمِنْهَالِ بْنِ عَمْرٍو عَنْ عُبَادِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: قَالَ عَلِيُّ عليه السلام: «مَا نَزَلَتْ مِنَ الْقُرْآنِ آيَةٌ إِلَّا وَقَدْ عَلِمْتُ أَيْنَ نَزَلَتْ وَفِيمَنْ نَزَلَتْ وَفِي أَيِّ شَيْءٍ نَزَلَتْ وَفِي سَهْلٍ نَزَلَتْ أَوْ فِي جَبَلٍ نَزَلَتْ» قِيلَ فَمَا نَزَلَ فِيكَ؟ فَقَالَ: «لَوْ لَا أَنْكُم سَأَلْتُمُونِي مَا أَخْبَرْتُكُمْ نَزَلَتْ فِي الْآيَةِ «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ»^(١) فَرَسُولُ اللَّهِ الْمُنذِرُ وَأَنَا الْهَادِي إِلَى مَا جَاءَ بِهِ».

که ایستاده‌ام و رو به پروردگارم می‌گویم: خدایا! امت مرا در سلامت قرار ده. گفت: اگر آن جا هم نبوی؟ فرمود: در پای میزان اعمال ملاقاتم کن که خواهم گفت: خدایا! امت مرا سلامت نگهدار. گفت: اگر آن جا هم موفق نشدم؟ فرمود: لب پر تگاه دوزخ ملاقاتم کن که امت خود را از زبانه و شعله آتش دوزخ حفظ می‌کنم. فاطمه از این خبر شادمان شدم.

۱۳. علی علیه السلام فرمود: آیه‌ای از آیات قرآن کریم بر پیامبر صلی الله علیه و آله فرود نیامد، مگر اینکه من آگاهم از مکان نزول و شأن نزول آن. می‌دانم که فلان آیه در چه باره فرود آمده، یا در کوه بوده یا در دشت. گفتند: ای علی علیه السلام درباره خودت چه آیاتی بر پیامبر صلی الله علیه و آله فرود آمده است؟ فرمود: اگر از من سؤال نمی‌کردید، هرگز به شما خبر نمی‌دادم. درباره من این آیه شریفه نازل شده است: «ای پیامبر بی گمان تو انداز دهنده‌ای و برای هر قومی هدایت گری» (رعد/۷) مراد از منذر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بود و مراد از رهبری کننده امت به آن چه منذر آورده است، من هستم.



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی



السلامی



سید محمد باقر



السابع

المجلس السابع والأربعون

يوم الجمعة لخمس خلون من شهر ربيع الأول

من سنة ثمان وستين و ثلاثمائة

١. حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابَوَيْهٍ الْقُمِّيُّ رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عِصَامٍ (عَاصِمٍ) الْكُلَيْنِيُّ (رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ)، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ الْكُلَيْنِيُّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمَعْرُوفِ بِعَلَّانٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَرَجِ الرَّحْجِيِّ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام أَسْأَلُهُ عَمَّا قَالَ هِشَامُ بْنُ الْحَكَمِ فِي الْجِسْمِ وَ هِشَامُ بْنُ سَالِمٍ فِي الصُّورَةِ فَكَتَبَ عليه السلام: «دَع عَنْكَ حَبِيرَةَ الْحَبْرَانِ وَ اسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ لَيْسَ الْقَوْلُ مَا قَالَ الْهَشَامَانِ».

٢. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ (رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ)، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الصَّقْرِ بْنِ دُلْفٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ) عَنِ التَّوْحِيدِ وَ قُلْتُ لَهُ: إِنِّي أَقُولُ بِقَوْلِ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ فَعَضِبَ عليه السلام ثُمَّ قَالَ: «مَا لَكُمْ وَ لِقَوْلِ هِشَامٍ إِنَّهُ لَيْسَ مِنَّا مَنْ زَعَمَ أَنَّ اللَّهَ جِسْمٌ نَحْنُ مِنْهُ بِرَاءٌ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ يَا ابْنَ دُلْفٍ إِنَّ الْجِسْمَ مُحَدَّثٌ وَ اللَّهُ مُخَدِّثُهُ وَ مُجَسِّمُهُ».

٣. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ الْمَعْرُوفِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا عليه السلام جُعِلْتُ فِدَاكَ أَصْلِي خَلْفَ مَنْ يَقُولُ بِالْجِسْمِ وَ مَنْ يَقُولُ بِقَوْلِ يُونُسَ يَعْنِي ابْنَ عَبْدِ الرَّحْمَنِ، فَكَتَبَ عليه السلام: «لَا تَصَلُّوا خَلْفَهُمْ وَ لَا تُعْطَوْهُمْ مِنَ الزَّكَاةِ وَ ابْرَأُوا مِنْهُمْ بَرَى اللَّهُ مِنْهُمْ».

مصدق

مجلس چهل و هفتم

جمعه پنجم ربیع اول سال ۳۶۸

السلامی

۱. محمد بن فرج رخچی می‌گوید: به امام هادی علیه السلام نامه‌ای نوشتم و از او درباره آن چه هشام بن حکم درباره «جسم» گفته و هشام بن سالم درباره «صورت» گفته بود، سؤال کردم. حضرت چنین جواب نوشت: سرگردانی و حیرانی را کنار بگذار و به خداوند پناهنده شو از شر شیطان طرد شده. سخن درست آن نیست که آنان گفته‌اند.

۲. صفر بن دلف می‌گوید: از امام هادی علیه السلام درباره توحید سؤال کردم و گفتم: عقیده من همان چیزی است که هشام بن حکم گفته است. حضرت خشمگین شد و فرمود: به هشام چه کار داری؟ او از ما نیست. هر کس باور دارد که خداوند جسم است، ما از او بیزار هستیم، چه در دنیا و چه در آخرت. ای پسر دلف! جسم حادث است و خدا پدید آورنده آن است.

۳. علی بن مهر زیار می‌گوید: برای امام جواد علیه السلام در نامه‌ای نوشتم: فدایت شوم. آیا در نماز به کسی که به جسم بودن خدا اعتقاد دارد، اقتدا کنیم؟ امام چنین پاسخ داد: به آنان در نماز اقتدا نکنید و به آنان زکات نپردازید و از آنان بیزاری جوید که خداوند از آنان بیزار است.

سید بن

٤. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَبِيهِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَعْبُدٍ عَنْ وَاصِلٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ: حَضَرْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ النَّبَاقِرَ عليه السلام وَدَخَلَ عَلَيْهِ رَجُلٌ مِنَ الْخَوَارِجِ فَقَالَ: يَا أَبَا جَعْفَرٍ أَيُّ شَيْءٍ تَعْبُدُ؟ قَالَ: «اللَّهُ»، قَالَ: رَأَيْتَهُ؟ قَالَ: «لَمْ تَرَهُ الْعُيُونُ بِمُشَاهَدَةِ الْعَيْنِ وَرَأَتْهُ الْقُلُوبُ بِحَقَائِقِ الْإِيمَانِ لَا يُعْرَفُ بِالْقِيَاسِ وَلَا يُشَبَّهُ بِالنَّاسِ مُوصُوفٌ بِالْآيَاتِ مَعْرُوفٌ بِالْعَلَامَاتِ لَا يَجُورُ فِي حُكْمِهِ ذَلِكَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ» قَالَ: فَخَرَجَ الرَّجُلُ وَهُوَ يَقُولُ: اللَّهُ أَغْلَمَ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتِهِ.

٥. حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُوسَى (رَضَوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ)، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ الْبَرْمَكِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْفَضْلُ بْنُ سُلَيْمَانَ الْكُوفِيُّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ خَالِدٍ قَالَ: سَمِعْتُ الرُّضَا عَلِيَّ بْنَ مُوسَى عليه السلام يَقُولُ: «لَمْ يَزَلِ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَالِمًا قَادِرًا حَيًّا قَدِيمًا سَمِيعًا بَصِيرًا» فَقُلْتُ لَهُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنْ قَوْمًا يَقُولُونَ: إِنَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَمْ يَزَلْ عَالِمًا يَعْلَمُ قَادِرًا بِقُدْرَةٍ وَحَيًّا بِحَيَاةٍ وَقَدِيمًا بِقَدَمٍ وَسَمِيعًا بِسَمْعٍ وَبَصِيرًا بِبَصَرٍ، فَقَالَ عليه السلام: «مَنْ قَالَ بِذَلِكَ وَدَانَ بِهِ فَقَدْ اتَّخَذَ مَعَ اللَّهِ إِلَهَةً أُخْرَى، وَلَيْسَ مِنْهُ وَلَا يَتَنَا عَلَى شَيْءٍ»، ثُمَّ قَالَ عليه السلام: «لَمْ يَزَلِ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَالِمًا قَادِرًا حَيًّا قَدِيمًا سَمِيعًا بَصِيرًا لِذَاتِهِ تَعَالَى عَمَّا يَقُولُ الْمُشْرِكُونَ وَالْمُشْبِهُونَ غُلُوكَ كَبِيرًا».

٦. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الشُّكْرِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ زَكْرِيَّا الْجَوْهَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَارَةَ عَنْ أَبِيهِ، قَالَ سَأَلْتُ الصَّادِقَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عليه السلام فَقُلْتُ لَهُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَخْبِرْنِي عَنِ اللَّهِ هَلْ لَهُ رِضَى وَسَخَطٌ؟ فَقَالَ: «نَعَمْ، وَلَيْسَ ذَلِكَ عَلَى مَا يُوْجَدُ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ، وَلَكِنْ غَضَبَ اللَّهِ عِقَابُهُ وَرِضَاهُ ثَوَابُهُ».

٧. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ السَّنَائِي (رَضَوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ)، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْإِسْدِيُّ الْكُوفِيُّ عَنْ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ النَّخَعِيِّ عَنْ عَمِّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ التُّوفَلِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ عليه السلام قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَا يُوصَفُ بِزَمَانٍ وَلَا مَكَانٍ وَلَا حَرَكَةٍ وَلَا انْتِقَالٍ وَلَا سُكُونٍ، بَلْ هُوَ خَالِقُ الزَّمَانِ وَالْمَكَانِ وَالْحَرَكَةِ وَالسُّكُونِ وَالْإِنْتِقَالِ تَعَالَى عَمَّا يَقُولُ الظَّالِمُونَ غُلُوكَ كَبِيرًا».

۴. عبدالله بن سنان از پدرش روایت کرده که نزد امام باقر علیه السلام بودم و یکی از از خوارج آمد و گفت: ای ابا جعفر، معبود تو کیست؟ فرمود: خدا. گفت: آیا او را دیده‌ای؟ فرمود: چشمان آشکار او را نخواهند دید و قلب از رهگذر ایمان حقیقی او را می‌نگرند. نمی‌توان او را از راه قیاس شناخت و نیز شبیه مردمان نیست که بتوان او را به نشانه‌ها توصیف کرد و در حکم او جور نیست. او معبودی است که غیر او معبود شایسته‌ای نیست. او در حالی رفت که می‌گفت خداوند داناتر است به این که رسالت خود را در چه جایگاهی قرار دهد.

۵. امام رضا علیه السلام فرمود: خداوند همواره عالم و قادر و زنده و قدیم و سمیع و بصیر بوده است. فضل بن سلیمان کوفی می‌گوید که به امام گفتم: ای پسر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برخی می‌گویند که خداوند عالم است به علم، قدیر است به قدرت، زنده است به حیات، بصیر است به بصر و سمیع است به سمع. فرمود: هر که چنین باوری و کلامی دارد، خدایان دیگر را شریک خداوند قرار داده و با ولایت ما پیوندی ندارد. و بعد فرمود: خدا همواره به ذات خود عالم و زنده و قدیر و قدیم و سمیع و بصیر بوده و منزّه است از آنچه مشرکین و دسته «مشبهه» درباره او اندازه نگاه نمی‌دارند.

۶. محمد بن عماره از پدرش روایت کرده که از امام صادق علیه السلام سوال کردم که ای پسر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مرا آگاه ساز که آیا برای خداوند خشنودی و ناخشنودی وجود دارد؟ فرمود: آری، اما نه همانند آفریده‌اش. ناخشنودی حق همان کیفر اوست و خشنودی او همان پاداش او.

۷. امام صادق علیه السلام فرمود: بی‌گمان خداوند به زمان و مکان و حرکت و انتقال و سکون توصیف نمی‌شود، بلکه او آفریننده زمان و مکان و حرکت و انتقال و سکون است و نیز برتر است از چیزی که ستمگران درباره او نگاه نمی‌دارند.



السلام



٨. حَدَّثَنَا أَبِي عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ صَبَّاحِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ وَهَشَامٍ وَحَفْصِ بْنِ غَيْرٍ وَاحِدٍ، قَالُوا قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقُ عليه السلام: «أَنَا لَا أَقُولُ جَبْرًا وَلَا تَفْوِيضًا».

٩. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوْنِي عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا عَمِّي مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي الْقَاسِمِ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْقَرَشِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: «إِنَّ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ أَوْحَى إِلَى الدُّنْيَا أَنْ أَتَعِيَ مَنْ خَدَمَكَ وَآخِذَمِي مَنْ رَفَضَكَ، وَإِنَّ الْعَبْدَ إِذَا تَخَلَّى بِسَيِّدِهِ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ وَنَاجَاهُ أَثَبَتَ اللَّهُ النُّورَ فِي قَلْبِهِ، فَإِذَا قَالَ: يَا رَبِّ يَا رَبِّ نَادَاهُ الْجَلِيلُ جَلَّ جَلَالُهُ لَيْتَنِيكَ عَبْدِي سَلَنِي أُعْطِكَ وَتَوَكَّلْ عَلَيَّ أَكْفِكَ، ثُمَّ يَقُولُ جَلَّ جَلَالُهُ لِمَلَأْتَنِيكَ يَا مَلَأْتَنِيكَ انظُرُوا إِلَى عَبْدِي فَقَدْ تَخَلَّى بِي فِي جَوْفِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ وَابْتَاطِلُونَ لَاهُونَ وَالْغَافِلُونَ نِيَامُ اشْهَدُوا أَنِّي قَدْ غَفَرْتُ لَهُ» ثُمَّ قَالَ عليه السلام: «عَلَيْكُمْ بِالْوَرَعِ وَالْاجْتِهَادِ وَالْعِبَادَةِ وَارْهَدُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا الرَّاهِدَةِ فَيَكُمُ فَإِنَّهَا غَرَارَةٌ دَارُ فَنَاءٍ وَزَوَالٍ كَمَنْ مِنْ مُغْتَرِبٍ فِيهَا قَدْ أَهْلَكَتْهُ وَكَمَنْ مِنْ وَائِقٍ بِهَا قَدْ خَانَتْهُ وَكَمَنْ مِنْ مُعْتَمِدٍ عَلَيْهَا قَدْ خَدَعَتْهُ وَأَسْلَمَتْهُ، وَاعْلَمُوا أَنَّ أَمَامَكُمْ طَرِيقًا مَهُولًا وَسَفَرًا بَعِيدًا وَمَمَرًا كَثِيرًا عَلَى الصِّرَاطِ، وَلَا بُدَّ لِلْمَسَافِرِ مِنْ زَادٍ، فَمَنْ لَمْ يَتَزَوَّدْ وَسَافَرَ غَطَبَ وَهَلَكَ وَخَيْرُ الزَّادِ التَّقْوَى، ثُمَّ أَذْكُرُوا وَقُوفَكُمْ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ فَإِنَّهُ الْحَكَمُ الْعَدْلُ وَاسْتَعِدُّوا الْجَوَابَ إِذَا سَأَلَكُمْ فَإِنَّهُ لَا بُدَّ سَائِلِكُمْ عَمَّا عَمِلْتُمْ بِالثَّقَلَيْنِ مِنْ بَعْدِي كِتَابُ اللَّهِ وَعِشْرَتِي فَانظُرُوا أَنْ لَا تَقُولُوا، أَمَّا الْكِتَابُ فَغَيَّرْنَا وَحَرَّفْنَا، وَأَمَّا الْعِشْرَةُ فَفَارَقْنَا وَقَتَلْنَا، فَعِنْدَ ذَلِكَ لَا يَكُونُ جَزَاؤُكُمْ إِلَّا النَّارُ فَمَنْ أَرَادَ مِنْكُمْ أَنْ يَتَخَلَّصَ مِنْ هَؤُلَاءِ ذَلِكَ الْيَوْمَ فَلْيَتَوَلَّ وَلِيِّي وَلْيَسْتَعِزَّ وَصِيِّي وَخَلِيفَتِي مِنْ بَعْدِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام فَإِنَّهُ صَاحِبُ حَوْضِي يَذُودُ عَنْهُ أَعْدَاءَهُ وَيَسْقِي أَوْلِيَاءَهُ، فَمَنْ لَمْ يُسْقَ مِنْهُ لَمْ يَزَلْ عَطْشَانًا وَلَمْ يُزَلْ أَبَدًا، وَمَنْ سَقِيَ مِنْهُ شَرِبَ لَمْ يَشْقَ وَلَمْ يَظْمَأْ أَبَدًا، وَإِنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام لَصَاحِبُ لَوَائِي فِي الْآخِرَةِ كَمَا كَانَ صَاحِبَ لَوَائِي فِي الدُّنْيَا، وَإِنَّهُ أَوَّلُ مَنْ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ لِأَنَّهُ يَقْدُمُنِي وَيَبْدِي لَوَائِي تَحْتَهُ آدَمُ وَمَنْ دُونَهُ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ».

١٠. حَدَّثَنَا أَبِي عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي خَلْفٍ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ

۸. امام صادق علیه السلام فرمود: من نه به «جبر» گرایش دارم و نه به «تفویض».

۹. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: بی گمان خداوند خطاب به دنیا چنین فرمود که خدمت کار خویش را گرفتار گردان و ترک کننده خود را خدمت کن. آنگاه که بنده ای در دل شب تاریک با مولای خویش تنها و سرگرم راز و نیاز است، خداوند نور را در قلب او استوار دارد. و آنگاه که می گوید: «یا رب یا رب جلیل جلاله» خداوند او را صدا کند که «لبیک» ای بنده من. اکنون از من درخواست کن تا به تو عطا کنم. به من توکل کن تا تو را بسنده باشم. آنگاه خداوند به فرشتگان خود می فرماید ای فرشتگان من بنده ام را بنگرید که در نیمه شب ظلمانی با من انس و تنهایی دارد، در حالی که بیهودگان در بازی و غفلت زدگی بوده و خوابیده اند. شاهد باشید که او را از مغفرت خود بهره مند کردم. سپس پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: بکوشید که ورع و اجتهاد و عبادت و زهد در دنیایی داشته باشید که به شما اعتنایی ندارد. بی گمان دنیا آکنده از غرور و فریب بوده و سرای فناپذیر و زوال است. هر که فریب دنیا را خورد، هلاکش ساخت و هر که بدان اعتماد کرد، به او خیانت کرد، و چه بسا کسانی که به دنیا تکیه زدند و فریب خوردند و دنیا آنان را رها ساخت. آگاه باشید که در پیش روی شما راهی آکنده از دلهره است و سفری دور و دراز. شما می باید از صراط عبور کنید و مسافر ناگزیر از داشتن ره توشه است. زیرا هر کس بی ره توشه مسافرت کند، گرفتار می شود و یا نابود. همانا نیکوترین ره توشه آخرت، تقوا است. ایستادن خود را در پیشگاه حق یاد کنید که او فرمانروای دادگر است. خویشتن را برای پاسخ به او آماده کنید؛ آن گاه که هنگام باز پرسیدن او از اعمال شماست و هر کس ناگزیر از پاسخ دادن به اوست.

پس از خود ثقلین را در میان شما گذاشتم که همانا قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام من هستند. مبادا بگویید که کتاب دگرگون ساختیم و تحریف کردیم و یا از اهل بیت دور ماندیم و آنان را به قتل رساندیم! در این هنگام سزای عمل شما غیر از آتش دوزخ نخواهد بود. پس هر کس که خواستار دور ماندن از دلهره قیامت است، می باید، از ولی من، علی، پیروی کند و فرمان وصی مرا بشنود. جانشین من علی بن ابی طالب علیه السلام است که صاحب حوض من بوده و دشمنان خود را از آن می راند و دوستان خویش را از آن برخوردار می سازد. هر کس از حوض کوثر ننوشد، هرگز از تشنگی رهایی نمی یابد و هر کس از آن بنوشد، هرگز دچار تشنگی نمی شود. بی گمان، علی علیه السلام، دارنده پرچم من در آخرت است. همان گونه که دارنده پرچم من در دنیا است. علی نخستین فردی است که وارد بهشت می شود؛ چرا که او پیش روی من پرچم حمد را به دست دارد که بر آدم علیه السلام و پیامبران دیگر سایه افکنده است.

۱۰. شخصی نزد امام صادق علیه السلام آمد و گفت ای پسر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به از مکارم اخلاق



السلامی



مُحَمَّدُ بْنُ عِيْسَى عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ، قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام فَقَالَ لَهُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَخْبِرْنِي بِمَكَارِمِ الْإِخْلَاقِ، فَقَالَ: الْعَفْوُ عَمَّنْ ظَلَمَكَ وَصِلَةُ مَنْ قَطَعَكَ وَإِعْطَاءُ مَنْ حَرَمَكَ وَقَوْلُ الْحَقِّ وَلَوْ عَلَى نَفْسِكَ.

١١. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنِي سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ وَالحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيْسَى عَنْ حَرِيزِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ السَّجِسْتَانِيِّ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَغْلِبَ عَنْ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ) أَنَّهُ قَالَ: «مَنْ مَاتَ مَا بَيْنَ زَوَالِ الشَّمْسِ يَوْمَ الْخَمِيسِ إِلَى زَوَالِ الشَّمْسِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَعَادَهُ اللَّهُ مِنْ صَغُطَةِ الْقَبْرِ».

١٢. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارُ عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَنبَسَةَ بْنِ نَجَادٍ الْعَابِدِ أَنَّ رَجُلًا قَالَ لِلصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام أَوْصِي، فَقَالَ: «أَعِدْ جَهَازَكَ وَقَدِّمْ زَادَكَ لِطَوْلِ سَفَرِكَ وَكُنْ وَصِيَّ نَفْسِكَ وَلَا تَأْمَنْ غَيْرَكَ أَنْ يَبْعَثَ إِلَيْكَ بِمَا يُضْلِحُكَ».

١٣. حَدَّثَنَا أَبِي عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي خَلْفٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، قَالَ: حَدَّثَنِي جَعْفَرُ بْنُ بَشِيرٍ الْبَجَلِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنِي حَمَّادُ بْنُ وَاقِدٍ عَنْ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: «مَنْ قَالَ: سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ ثَلَاثِينَ مَرَّةً اسْتَقْبَلَ الْغَنَى وَاسْتَدْبَرَ الْفَقْرَ وَفَرَّغَ بَابَ الْجَنَّةِ».

١٤. حَدَّثَنَا أَبِي عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: «وَاللَّهِ إِنْ كَانَ عَلَيَّ عليه السلام لَيَأْكُلُ أَكْلَ الْعَبْدِ وَيَجْلِسُ جَلِيسَةَ الْعَبْدِ، وَإِنْ كَانَ لَيَشْتَرِي الْقَمِيصَيْنِ السُّبُلَانِيَيْنِ فَيُخَيِّرُ غُلَامَهُ خَيْرَهُمَا ثُمَّ يَلْبَسُ الْآخَرَ، فَإِذَا جَارَ أَصَابِعُهُ قَطَعَهُ، وَإِذَا جَارَ كَعْبُهُ حَذَفَهُ، وَلَقَدْ وَلِيَ خُمْسَ سِنِينَ مَا وَضَعَ أَجْرَةً عَلَى أَجْرَةٍ وَلَا لَبَنَةً عَلَى لَبَنَةٍ وَلَا أَقْطَعَ قَطِيعًا وَلَا أَوْرَثَ بَيْضَاءَ وَلَا حُمْرَاءَ، وَإِنْ كَانَ لَيُطْعِمُ النَّاسَ خُبْزَ الْبُرِّ وَاللَّحْمَ وَ يَنْصَرِفُ إِلَى مَنْزِلِهِ وَيَأْكُلُ خُبْزَ الشَّعِيرِ وَالرَّيْتِ وَالْحَلَّ وَمَا وَرَدَ عَلَيْهِ أَمْرَانِ كِلَاهُمَا لِلَّهِ

خبر بده. فرمود: مکارم اخلاق عبارتند از: گذشت نسبت به کسی که تو را آزار داده است، و پیوند با کسی که از تو بریده است و بخشندگی نسبت به کسی که تو را از دارایی خویش بی نصیب کرده است، و اظهار حقیقت هر چند که به تو زیان برساند.

۱۱. امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس از مؤمنان از غروب پنجشنبه تا هنگام ظهر آدینه از دنیا برود خداوند او را از فشار قبر در پناه خود جای دهد.

۱۲. شخصی به امام صادق علیه السلام گفت: به من توصیه ای کن. فرمود: وسایل سفر آخرت خود را آماده کن و ره توشه راه درازت را پیشاپیش روانه کن و خود وصی خویشتن شو و دیگری را امانت دار خود به شما نیاور که چیزی را که به کارت آید، روانه کند.

۱۳. امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس سی نوبت بگوید «سبحان الله و بحمده. سبحان الله العظیم» به سمت توانگری روی آورد و به تنگ دستی پشت گرداند و درب بهشت را خواهد زد.

۱۴. امام باقر علیه السلام فرمود: به خدا سوگند که سنت علی علیه السلام این بود که مانند بندگان غذا می خورد و بر زمین می نشست و دو جامه سنبلانی خریداری می کرد و خدمت کارش را و می داشت که نیکوترین آن را بر دارد و خود جامه دیگر را بر تن می کرد. هرگاه آستین پیراهن از انگشتان او درازتر بود آن را می برید و اگر دامن پیراهن از قوزک پا بلندتر می شد، آن را قیچی می کرد. علی علیه السلام پنج سال حکومت داشت، اما نه آجری نهاد و نه خشتی بر خشتی دیگر و نه صاحب زمینی شد و نه سکه طلا یا نقره ای از خود باقی گذاشت. علی علیه السلام به مردمان نان گندم و گوشت می داد و خود به خانه می رفت و نان جوین و زیتون و سرکه می خورد. علی علیه السلام هرگاه با دو کار نیک و خدا پسندانه مواجه می شد کاری را انجام می داد که دشوارتر بود. او از دستمزد خود هزار بنده آزاد کرد که در راه آزاد کردن





رَضِيَ إِلَّا أَخَذَ بِأَشَدِّهِمَا عَلَى بَدَنِهِ وَلَقَدْ أَغْتَقَى أَلْفَ مَمْلُوكٍ مِنْ كَدِّ يَدَيْهِ تَرَبَّتْ فِيهِ يَدَاهُ وَ
عَرِقَ فِيهِ وَجْهُهُ وَمَا أَطَاقَ عَمَلُهُ أَحَدٌ مِنَ النَّاسِ، وَإِنْ كَانَ لِيُصَلِّيَ فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ أَلْفَ
رَكْعَةٍ، وَإِنْ كَانَ أَقْرَبُ النَّاسِ شَبَهًا بِهِ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليهما السلام، وَمَا أَطَاقَ عَمَلُهُ أَحَدٌ مِنَ
النَّاسِ بَعْدَهُ، وَسَمِعَ رَجُلٌ مِنَ التَّابِعِينَ أَنَسَ بْنَ مَالِكٍ يَقُولُ: نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ فِي عَلِيِّ بْنِ
أَبِي طَالِبٍ عليه السلام «أَمَّنْ هُوَ قَانِتٌ آنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُوا رَحْمَةَ
رَبِّهِ» ^(١)، قَالَ الرَّجُلُ: فَاتَّيْتُ عَلِيًّا عليه السلام لِيَنْظُرَ إِلَى عِبَادَتِهِ فَأَشْهَدُ بِاللَّهِ لَقَدْ أَتَيْتُهُ وَقَتَ
الْمَغْرِبِ، فَوَجَدْتُهُ يُصَلِّي بِأَصْحَابِهِ الْمَغْرِبَ فَلَمَّا فَرَغَ مِنْهَا جَلَسَ فِي التَّعْقِيبِ إِلَى أَنْ قَامَ
إِلَى عِشَاءِ الْآخِرَةِ ثُمَّ دَخَلَ مَنْزِلَهُ فَدَخَلْتُ مَعَهُ فَوَجَدْتُهُ طَوَّلَ اللَّيْلَ يُصَلِّي وَيَقْرَأُ الْقُرْآنَ
إِلَى أَنْ طَلَعَ الْفَجْرُ ثُمَّ جَدَّدَ وُضُوئَهُ وَخَرَجَ إِلَى الْمَسْجِدِ وَصَلَّى بِالنَّاسِ صَلَاةَ الْفَجْرِ ثُمَّ
جَلَسَ فِي التَّعْقِيبِ إِلَى أَنْ طَلَعَتِ الشَّمْسُ ثُمَّ قَصَدَهُ النَّاسُ فَجَعَلَ يَخْتَصِمُ إِلَيْهِ رَجُلَانِ،
فَإِذَا فَرَغَا قَامَا وَاخْتَصِمَ آخَرَانِ إِلَى أَنْ قَامَ إِلَى صَلَاةِ الظُّهْرِ، قَالَ: فَجَدَّدَ لِبَلَاةِ الظُّهْرِ
وُضُوئَهُ ثُمَّ صَلَّى بِأَصْحَابِهِ الظُّهْرَ ثُمَّ قَعَدَ فِي التَّعْقِيبِ إِلَى أَنْ صَلَّى بِهِمُ الْعَصْرَ ثُمَّ أَتَاهُ
النَّاسُ فَجَعَلَ يَقُومُ رَجُلَانِ وَيَقْعُدُ آخَرَانِ يَقْضِي بَيْنَهُمْ وَيُقْتِيهِمْ إِلَى أَنْ غَابَتِ الشَّمْسُ
فَخَرَجْتُ وَأَنَا أَقُولُ: أَشْهَدُ بِاللَّهِ أَنَّ هَذِهِ الْآيَةَ نَزَلَتْ فِيهِ.

١٥. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّعْدِيُّ أَبَادِيُّ
عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ وَهْبِ بْنِ وَهْبٍ عَنِ الصَّادِقِ
جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: «مَنْ أَطْعَمَ مُؤْمِنًا مِنْ
جُوعٍ أَطْعَمَهُ اللَّهُ مِنْ ثَمَارِ الْجَنَّةِ، وَمَنْ كَسَاهُ مِنْ عَرَى كَسَاهُ اللَّهُ مِنْ إِسْتَبْرَقٍ وَحَرِيرٍ، وَمَنْ
سَقَاهُ شُرْبَةً عَلَى عَطَشٍ سَقَاهُ اللَّهُ مِنَ الرَّحِيقِ الْمَخْتُومِ، وَمَنْ أَعَانَهُ أَوْ كَشَفَ كُرْبَتَهُ أَظْلَلَهُ
اللَّهُ فِي ظِلِّ عَرْشِهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ».

١٦. حَدَّثَنَا أَبِي عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ هَاشِمٍ عَنْ
إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثَّمَالِيِّ
عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ أَنَّهُ قَالَ: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام إِذَا أَتَى بِالْمَالِ

آنها دست او خاک آلود بود و رخسار او عرق ریزان. کسی توانایی کار و بار او نبود. او در هر شب و روز هزار رکعت نماز می‌گزارد و شبیه‌ترین کسان به او، امام علی بن حسین علیه السلام بود و پس از او کسی طاقت عبادت او را نداشت.

شخصی از دسته «تابعین» از انس بن مالک شنید که آیه «امن هو قانت انا الیل ساجدا و قائما یخدر الآخره و یرجو رحمة کیست که با سجده در آنات شب و قیام برای خدر آخرت و تمنا برای رحمت پروردگارش عبارت کند؟ (زمر/۹) درباره علی علیه السلام فرود آمده است. او می‌گوید: پیش علی علیه السلام رفتم تا عبادت او را مشاهده کنم. خدا را شاهد می‌گیرم که در وقت نماز مغرب بود. علی همراه یاران خود نماز می‌گزارد و آنگاه که تمام شد، به تعقیب نماز پرداخت تا آنکه نماز عشا خواند و به خانه‌اش رفت. همراه علی به خانه‌اش رفتم. شب یک سر نماز خواند و تلاوت قرآن کرد تا اینکه صبح شد و دوباره وضو گرفت و وارد مسجد شد. پس از نماز با مردم به تعقیب نماز پرداخت تا بر آمدن خورشید که مردمان به سوی او آمدند. دو تن برای محاکمه پیش او می‌نشستند و می‌رفتند و از آن پس دو تن دیگر می‌آمدند. وقت نماز ظهر می‌شد و با وضوی تازه به نماز با یاران ایستاد و بعد تعقیب نمازش را گزارید و نیز نماز عصر خویش با آنان به پای داشت. برنامه صبح تکرار می‌شد و علی علیه السلام میان مردم دآوری می‌کرد و نیز حکم می‌داد تا اینکه آفتاب غروب می‌کرد. گفتم: خدا شاهد است، من باور دارم که این آیه درباره علی علیه السلام فرود آمده است.

۱۵. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هرکس ایمان آورنده‌ای را در هنگام گرسنه بودن طعام دهد، خداوند او را از میوه‌های بهشتی می‌خوراند و هرکس او را از برهنگی رهایی بخشد، خداوند تن او را از «استبرق» و «حریر» می‌پوشاند. و هرکس او را از تشنگی سیراب سازد، خداوند او را از «رحیق» مهرزده‌اش می‌نوشاند و هرکس او را مدد دهد یا پریشان حالی‌اش را دور کند، خداوند او را در سایه عرش خود در می‌آورد؛ روزی که غیر از سایه عرش الهی، سایه‌ای وجود ندارد.

۱۶. اصبع بن نباته می‌گوید: هرگاه مال خراجی برای امیر مؤمنان علیه السلام می‌آوردند، او پای به خزانه می‌گذاشت و بینوایان را جمع می‌کرد و آنگاه با دستان خود پول‌ها را راست



أَدْخَلَهُ بَيْتَ مَالِ الْمُسْلِمِينَ ثُمَّ جَمَعَ الْمُسْتَحِقِّينَ ثُمَّ ضَرَبَ يَدَهُ فِي الْمَالِ فَنَثَرَهُ يَمْنَةً وَ
يَسْرَةً وَهُوَ يَقُولُ: يَا صَفَرَاءُ يَا بَيْضَاءُ لَا تَغْرِبِي غُرِّي غَيْرِي:

هَذَا جَنَائِي وَخِيَارُهُ فِيهِ إِذْ كُلُّ جَانٍ يَدُهُ إِلَى فِيهِ

ثُمَّ لَا يَخْرُجُ حَتَّى يَفْرَقَ مَا فِي بَيْتِ مَالِ الْمُسْلِمِينَ وَ يُؤْتِيَ كُلَّ ذِي حَقٍّ حَقَّهُ، ثُمَّ يَأْمُرُ
أَنْ يَكُنْسَ وَيُرْسَ ثُمَّ يُصَلِّي فِيهِ رَكَعَتَيْنِ ثُمَّ يُطَلِّقُ الدُّنْيَا ثَلَاثًا، يَقُولُ بَعْدَ التَّسْلِيمِ: «يَا دُنْيَا
لَا تَتَغَرَّضِينَ لِي وَلَا تَتَشَوَّقِينَ وَلَا تَغْرِبِي، فَقَدْ طَلَّقْتُكَ ثَلَاثًا لَا رَجْعَةَ لِي عَلَيْكَ».

١٧. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ
الْصَّفَّارُ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَعْبُدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ
الرِّضَا عليه السلام أَنَّهُ سُئِلَ مَا الْعَقْلُ؟ فَقَالَ: «الشَّجَرُ لِلْغُصَّةِ وَ مُدَاهِنَةُ الْأَعْدَاءِ وَ مُدَارَاةُ
الْأَصْدِقَاءِ».

١٨. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ
مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ الْأَزْدِيِّ عَنْ إِسْحَاقَ
بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ صَبَّاحٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ عليه السلام قَالَ: «إِذَا كَانَ
يَوْمُ الْقِيَامَةِ جَمَعَ اللَّهُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ فِي سَعِيدٍ وَاحِدٍ فَتَغَشَّاهُمْ ظُلْمَةٌ شَدِيدَةٌ
فَيَضْجُونَ إِلَى رَبِّهِمْ وَيَقُولُونَ: يَا رَبِّ اكْشِفْ عَنَّا هَذِهِ الظُّلْمَةَ، قَالَ: فَيَقْبَلُ قَوْمٌ يَمْشِي النُّورُ
بَيْنَ أَيْدِيهِمْ قَدْ أَضَاءَ أَرْضَ الْقِيَامَةِ، فَيَقُولُ أَهْلُ الْجَمْعِ: هَؤُلَاءِ أَنْبِيَاءُ اللَّهِ فَيَجِئُهُمُ النَّدَاءُ مِنْ
عِنْدِ اللَّهِ مَا هَؤُلَاءِ بِأَنْبِيَاءَ، فَيَقُولُ أَهْلُ الْجَمْعِ: هَؤُلَاءِ مَلَائِكَةُ اللَّهِ فَيَجِئُهُمُ النَّدَاءُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ
مَا هَؤُلَاءِ بِمَلَائِكَةٍ، فَيَقُولُ أَهْلُ الْجَمْعِ: هَؤُلَاءِ شُهَدَاءُ اللَّهِ فَيَجِئُهُمُ النَّدَاءُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مَا هَؤُلَاءِ
بِشُهَدَاءَ فَيَقُولُونَ: مَنْ هُمْ؟ فَيَجِئُهُمُ النَّدَاءُ يَا أَهْلَ الْجَمْعِ سَلَوْهُمْ مَنْ أَنْتُمْ، فَيَقُولُ أَهْلُ
الْجَمْعِ: مَنْ أَنْتُمْ، فَيَقُولُونَ نَحْنُ الْعَلَوِيُّونَ نَحْنُ ذُرِّيَّةُ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ صلوات الله عليه نَحْنُ أَوْلَادُ عَلِيِّ
وَلِيِّ اللَّهِ نَحْنُ الْمَخْصُوصُونَ بِكَرَامَةِ اللَّهِ نَحْنُ الْأَمِنُونَ الْمُطْمَئِنُّونَ فَيَجِئُهُمُ النَّدَاءُ مِنْ عِنْدِ
اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ اشْفَعُوا فِي مُحَبِّبِكُمْ وَأَهْلِ مَوَدَّتِكُمْ وَشَيْعَتِكُمْ فَيَشْفَعُونَ فَيُشَفَّعُونَ».

١٩. حَدَّثَنَا أَبِي رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: حَدَّثَنَا سَلَمَةُ بْنُ الْخَطَّابِ، قَالَ:
حَدَّثَنَا أَبُو طَاهِرٍ مُحَمَّدُ بْنُ تَسْنِيمٍ الْوَرَّاقُ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ كَثِيرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الصَّادِقِ

چپ می پراکند و می فرمود: ای سکه های زرد و سفید، مرا فریب ندهید. بروید و دیگری را فریب دهید. آنگاه خارج نمی شد تا اینکه هر چه در آن جا بود، بین مسلمانان تقسیم کرده باشد. بعد فرمان می داد که زمین خزانه را جاروب کرده و آب بپاشند. آنجا علی علیه السلام در آن جا دو رکعت نماز می خواند و دنیا را سه طلاقه می کرد. پس از نماز می فرمود: ای دنیا! خودت را آویزان من نکن و مرا شیفته خود مساز که تو را سه بار طلاق دادم و نمی توانم به تو رجوع کنم.

۱۷. از امام رضا علیه السلام سؤال کردند که خرد چیست؟ فرمود: اندوه نخوردن و با دشمنان آسان گرفتن و با دوستان مدارا کردن.

۱۸. امام صادق علیه السلام فرمود: آنگاه که روز رستاخیز آغاز شود، خداوند نسل اولین و آخرین را در یک جا جمع می کند، در حالی که ظلمت دشواری بر همه جا، سایه افکنده است و همگان به سوی پروردگار خود نالان بوده و می گویند: خدایا! این تاریکی را از ما دور کن. امام صادق علیه السلام سپس فرمود: آنگاه گروهی می آیند در حالی که نوری پیشاپیش شان آنها است، به گونه ای که رستاخیز را روشن می کند. همگان می گویند: اینان پیامبران هستند. از سوی حق صدا می آید که نه. همگان می گویند: اینان فرشتگان هستند. باز صدا می آید که نه. همگان می گویند: اینان شهیدان هستند. صدا می آید که از آنان سؤال کنید که چه کسانی هستید؟ آنگاه آنها خواهند پرسید: شما چه کسانی هستید؟ می گویند: ما علویه و نسل محمد صلی الله علیه و آله، پیامبر خداوند صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام، ولی خدا، هستیم. ما به کرامت الهی جایگاه ویژه یافته ایم و در راه امنیت و اطمینان قلبی به سر می بریم. از جانب خداوند گفته می شود که دوستان و پیروان خود را شفاعت کنید. آنگاه این گروه هر کس را که سزاوار شفاعت است، شفیع خواهند شد.

۱۹. روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به یاران خود چنین فرمود: ای دوستان من! خداوند بی گمان به شما فرمان تمسک به ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام و پیروی از او را می دهد که



السلامی



جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ ذَاتَ يَوْمٍ لِأَصْحَابِهِ: «مَعَاشِرَ أَصْحَابِي إِنَّ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ يَأْمُرُكُمْ بِوَلَايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام وَالْاِقْتِدَاءَ بِهِ فَهُوَ وَلِيُّكُمْ وَإِمَامُكُمْ مِنْ بَعْدِي لَا تُخَالِفُوهُ فَتَكْفُرُوا وَلَا تُفَارِقُوهُ فَتَضِلُّوا إِنَّ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ جَعَلَ عَلِيًّا عَلَمًا بَيْنَ الْإِيمَانِ وَالنِّفَاقِ، فَمَنْ أَحَبَّهُ كَانَ مُؤْمِنًا وَمَنْ أَبْغَضَهُ كَانَ مُنَافِقًا، إِنَّ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ جَعَلَ عَلِيًّا وَصِيًّا وَمَنَارَ الْهُدَى بَعْدِي فَهُوَ مَوْضِعُ سِرِّي وَعَيْبَةُ عِلْمِي وَخَلِيفَتِي فِي أَهْلِي إِلَى اللَّهِ أَشْكُو ظَالِمِيهِ مِنْ أَمْنِي».

السلام



مركز بحوث التاريخ والحضارة الإسلامية



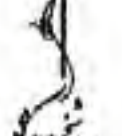
ولی و رهبر شماست. بعد از من با علی علیه السلام سر ستیز نداشته باشید که کافر می شوید و از علی جدا نشوید که سرگردان خواهید شد. بی گمان خداوند علی علیه السلام را علامت تمیز نفاق از ایمان شناسانده است. هرکس علی را دوست داشته باشد، به خداوند ایمان دارد و هرکس علی را دشمن داشته باشد، به نفاق گراییده است. بی گمان خداوند او را وصی و پرتوافکن پس از من ساخته است. علی راز نگاهدار و گنجینه دانش من است و نیز جانشین من در خاندان من. سوگند به خدا که از ستمگران به علی علیه السلام شاکی خواهم شد.



مرکز تحقیقات تاریخ و فرهنگ اسلامی



السلامی





السلام

المجلس الثامن والأربعون

يوم الثلاثاء لتسع خلون من شهر ربيع الأول
من سنة ثمان وستين وثلاثمائة

١. حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوَيْهٍ الْقُمِّيُّ رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّهِ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ أَبِي نَصْرِ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِي ثَابِتٍ عَنْ أَبِي عُثْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ عليه السلام قَالَ: «كَانَ إِبْلِيسُ لَعْنَهُ اللَّهُ يَخْتَرِقُ السَّمَاوَاتِ السَّبْعَ، فَلَمَّا وُلِدَ عِيسَى عليه السلام حُجِبَ عَنْ ثَلَاثِ سَمَاوَاتٍ وَكَانَ يَخْتَرِقُ أَرْبَعَ سَمَاوَاتٍ، فَلَمَّا وُلِدَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله حُجِبَ عَنِ السَّبْعِ كُلِّهَا وَرُمِيَ الشَّيَاطِينُ بِالنُّجُومِ»، وَقَالَتْ قُرَيْشٌ: هَذَا قِيَامُ السَّاعَةِ كُنَّا نَسْمَعُ أَهْلَ الْكُتُبِ يَذْكُرُونَهُ وَقَالَ عُمَرُ بْنُ أُمَيَّةَ - وَكَانَ مِنْ أَزْجَرِ أَهْلِ الْجَاهِلِيَّةِ - انْظُرُوا هَذِهِ النُّجُومَ الَّتِي يَهْتَدِي بِهَا وَيُعْرَفُ بِهَا أَزْمَانُ الشَّتَاءِ وَالصَّيْفِ، فَإِنْ كَانَ رُمِيَ بِهَا فَهُوَ هَلَاكُ كُلِّ شَيْءٍ، وَإِنْ كَانَتْ تَبَتَّتْ وَرُمِيَ بِغَيْرِهَا فَهُوَ أَمْرٌ حَدَثٌ وَأَصْنَحَتِ الْأَصْنَامُ كُلُّهَا صَبِيحَةً وَوُلِدَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله لَيْسَ مِنْهَا صَنَمٌ إِلَّا وَهُوَ مُنْكَبٌ عَلَى وَجْهِهِ وَارْتَجَسَ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ إِيوَانُ كِسْرَى وَسَقَطَتْ مِنْهُ أَرْبَعُ عَشْرَةَ شُرْفَةً وَغَاضَتْ بُحَيْرَةُ سَاوَةَ وَفَاضَ وَادِي السَّمَاوَةِ وَخَمَدَتْ نِيرَانُ فَارِسَ وَلَمْ تَحْمَدْ قَبْلَ ذَلِكَ بِأَلْفِ عَامٍ وَرَأَى الْمُؤَيَّدَانُ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ فِي الْمَنَامِ إِبِلًا صِعَابًا تَقُودُ خَيْلًا عَرَابًا قَدْ قَطَعَتْ دِجْلَةَ وَانْسَرَبَتْ فِي بِلَادِهِمْ وَانْقَضَ طَاقُ الْمَلِكِ كِسْرَى مِنْ وَسْطِهِ وَانْخَرَقَتْ عَلَيْهِ دِجْلَةُ الْعَوْرَاءُ، وَانْتَشَرَ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ نُورٌ مِنْ قِبَلِ الْحِجَازِ ثُمَّ اسْتَطَارَ حَتَّى بَلَغَ الْمَشْرِقَ، وَلَمْ يَبْقَ سَرِيرٌ لِمَلِكٍ مِنْ مَمْلُوكِ الدُّنْيَا إِلَّا أَصْبَحَ مَنكُوسًا وَالْمَلِكُ مُخْرَسًا لَا يَتَكَلَّمُ يَوْمَهُ ذَلِكَ وَانْتَزَعَ عِلْمُ الْكَهَنَةِ وَبَطَلَ سِحْرُ السَّحَرَةِ، وَلَمْ يَبْقَ كَاهِنَةٌ فِي الْعَرَبِ إِلَّا حُجِبَتْ

مجلس چهل و هشتم

سه شنبه نهم ربیع اول سال ۳۶۸

۱. امام صادق علیه السلام فرمود: ابلیس تا آسمان هفتم راه داشت و آنگاه که عیسی علیه السلام چشم به دنیا گشود، از سه آسمان باز ماند. آنگاه که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به دنیا آمد، از هفت آسمان باز ماند و فرشتگان شیاطین را با تیر می راندند. قوم قریش گفتند: این قیام همان کس است که اهل کتاب از او اسم می برند. عمرو بن امیه که ستاره شناس ترین مردم عصر جاهلی بود، می گفت: به ستارگان نگاه کنید که راهنمای ساکنان زمین هستند و زمستان و تابستان به کمک آنان شناخته می شوند. اگر آنان فرو بریزند همه موجودات نابود خواهند شد و اگر آنان هنوز استوارند و برخی ستارگان در حال سقوط می باشند، باید رخداد تازه ای در کار باشد.

ناگهان در صبح روز میلاد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله همه بتان با صورت بر خاک افتادند. در شب میلاد حضرت رسول صلی الله علیه و آله طاق کسری ترک برداشت و چهارده کنگره آن فرو ریخت و دریاچه ساوه خشکید و دشت آن از آب پر شد و آتشکده فارس که صدها سال روشن بوده ناگاه به خاموشی گرایید. موبدان زرتشتی در رویا مشاهده کردند که شتران نیرومندی اسبان عربی را به دنبال کشیده و از رود دجله عبور کرده و در سرزمین فارس پراکنده شدند و بعد طاق کسری از میان شکست و دجله بر آن چیره شد.

در آن شب ناگهان نوری از سرزمین حجاز بیرون زد و تا خاوران کشیده شد و بعد تخت شاهان سرنگون شد و شاهان از سخن گفتن باز ماندند و دانش کاهنان ناپدید شد و سحر ساحران بی اثر گشت و زنان کاهن عرب از نزدیکی به همزادهای شیطانی شان باز داشته شدند و قریش در بین اعراب آل الله خوانده شد.



السلامی



عَنْ صَاحِبِهَا، وَعَظُمَتْ قُرَيْشٌ فِي الْعَرَبِ وَسُمُوا آلَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ
الصَّادِقُ عليه السلام: «أَتَمَّا سُمُوا آلَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لِأَنَّهُمْ فِي بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ»، وَقَالَتْ آمِنَةُ: إِنَّ
ابْنِي وَاللَّهِ سَقَطَ فَاتَّقَى الْأَرْضَ بِيَدِهِ ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ إِلَى السَّمَاءِ فَنَظَرَ إِلَيْهَا ثُمَّ خَرَجَ مِنِّي نُورٌ
أَضَاءَ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ وَسَمِعْتُ فِي الضُّوءِ قَائِلًا يَقُولُ: إِنَّكَ قَدْ وَلَدْتَ سَيِّدَ النَّاسِ فَسَمِّهِ
مُحَمَّدًا وَآتِي بِهِ عَبْدُ الْمُطَّلِبِ لِيَنْظُرَ إِلَيْهِ وَقَدْ بَلَغَهُ مَا قَالَتْ أُمُّهُ فَوَضَعَهُ فِي حَجَرِهِ ثُمَّ
قَالَ:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَعْطَانِي هَذَا الْغُلَامَ الطَّيِّبَ الْأَرْدَانِ

قَدْ سَادَ فِي الْمَهْدِ عَلَى الْغُلَمَانِ

ثُمَّ عَوَّذَهُ بِأَرْكَانِ الْكَعْبَةِ وَقَالَ فِيهِ أَشْعَارًا قَالَ: وَصَاحَ إِبْلِيسُ (لَعَنَهُ اللَّهُ) فِي أَبَالِسِيهِ
فَاجْتَمَعُوا إِلَيْهِ فَقَالُوا: مَا الَّذِي أَفْرَعَكَ يَا سَيِّدَنَا؟ فَقَالَ لَهُمْ: وَيْلَكُمْ لَقَدْ أَنْكَرْتُ السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ
مُنْذُ اللَّيْلَةِ لَقَدْ حَدَّثَ فِي الْأَرْضِ حَدَّثٌ عَظِيمٌ مَا حَدَّثَ مِثْلُهُ مُنْذُ وَلِدَ عِيسَى بْنُ
مَرْيَمَ فَأَخْرَجُوا فَنَظَرُوا مَا هَذَا الْحَدَّثُ الَّذِي قَدْ حَدَّثَ فَافْتَرَقُوا ثُمَّ اجْتَمَعُوا إِلَيْهِ فَقَالُوا
مَا وَجَدْنَا شَيْئًا، فَقَالَ إِبْلِيسُ (لَعَنَهُ اللَّهُ) أَنَا لِهَذَا الْأَمْرِ ثُمَّ انْقَمَسَ فِي الدُّنْيَا فَجَالَهَا حَتَّى
انْتَهَى إِلَى الْحَرَمِ فَوَجَدَ الْحَرَمَ مَحْفُوظًا بِالْمَلَائِكَةِ فَذَهَبَ لِيَدْخُلَ فَصَاحُوا بِهِ فَرَجَعَ ثُمَّ
صَارَ مِثْلَ الصَّرْدِ وَهُوَ الْمُضْفُورُ فَدَخَلَ مِنْ قِبَلِ حِرَاءَ، فَقَالَ لَهُ جَبْرَائِيلُ: وَرَاكَ لَعَنَكَ اللَّهُ،
فَقَالَ لَهُ: حَرَفُ أَشَاكَ عَنْهُ يَا جَبْرَائِيلُ مَا هَذَا الْحَدَّثُ الَّذِي حَدَّثَ مُنْذُ اللَّيْلَةِ فِي الْأَرْضِ،
فَقَالَ لَهُ: وَلِدَ مُحَمَّدٌ عليه السلام فَقَالَ لَهُ: هَلْ لِي فِيهِ نَصِيبٌ؟ قَالَ: لَا، قَالَ: فَفِي أُمِّهِ، قَالَ: نَعَمْ،
قَالَ: رَضِيتُ.

٢. حَدَّثَنَا أَبِي عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي
عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاذِ الْجَوْهَرِيِّ عَنْ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام عَنْ رَسُولِ
اللَّهِ عَنْ جَبْرَائِيلَ، قَالَ: قَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ: «مَنْ أَذْنَبَ ذَنْبًا صَغِيرًا كَانَ أَوْ كَبِيرًا، وَهُوَ لَا
يَعْلَمُ أَنَّ لِي أَنْ أَعَذِّبَهُ أَوْ أَعْفُو عَنْهُ لَا عَفْرَتُ لَهُ ذَلِكَ الذَّنْبُ أَبَدًا، وَمَنْ أَذْنَبَ ذَنْبًا صَغِيرًا
كَانَ أَوْ كَبِيرًا، وَهُوَ يَعْلَمُ أَنَّ لِي أَنْ أَعَذِّبَهُ أَوْ أَعْفُو عَنْهُ عَفْوَتُ عَنْهُ.

٣. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ (رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ)، قَالَ: حَدَّثَنِي سَعْدُ

امام صادق علیه السلام فرمود: به قریش از این رو آل الله گفته شد که آنان در خانه خدا بودند. آمنه، مادر پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: آنگاه که فرزندم به زمین افتاد، دست خود بر زمین نهاده بود و سر سوی آسمان بالا آورده و به آن خیره شد. ناگهان نوری از من پر تو افکند که همه جا را روشن نمود. و در آن روشنائی بود که صدایی به گوشم خورد: ای آمنه! تو سرور عرب را به دنیا آورده‌ای. او را محمد بخوان. آنگاه عبدالمطلب آمد که او را ببیند. او سخن آمنه را شنیده بود و محمد صلی الله علیه و آله را در دامن گذاشت و گفت: خداوند را سپاس که این پسر را به من ارزانی داشت؛ پسری که اندام او خوش پوست و در گهواره‌اش سرآمد پسران است. او را به رکن های کعبه نزدیک ساخت و بعد اشعاری درباره او خواند.

آن گاه ابلیس در سپاه خود شیاطین را نعره زنان گرد آورد و گفتند: ای سرور ما تو را چه چیز نگران کرده است؟ ابلیس گفت وای بر شما که از شب گذشته آسمان و زمین را به گونه‌ای دیگر می‌نگرم. در زمین رخداد شگفت انگیزی است که از دوران میلاد مسیح تا امروز نظیرش مشاهده نشده است. بی‌درنگ بروید و مرا از این رخداد با خبر کنید. شیطان هابه هر سورفته و در بازگشت گفتند: که خبر تازه‌ای نبود. ابلیس گفت: باید خود بگردم و خبر بیاورم. آنگاه او در زمین تفرج کنان رفت تا اینکه به حریم مکه نزدیک شد. فرشتگان را دید که اطراف شهر مکه را گرفته‌اند. قصد ورود داشت که بر او فریاد زدند و او بازگشت. سپس مانند گنجشکی درآمد و از سوی غار حرا ظاهر شد که جبرئیل او را با صدای خود بازداشت و گفت: عقب برو ای طرد شده. ابلیس گفت ای جبرئیل! می‌خواهم از تو چیزی جويا شوم. بگو از شب پیش تا این ساعت چه رخدادی در میان بوده است؟ جبرئیل فرمود: محمد صلی الله علیه و آله چشم به دنیا گشود. شیطان گفت: آیا مرا در او نصیبی خواهد بود؟ فرمود: نه. گفت: در امت او چطور؟ فرمود: آری. ابلیس گفت: خوشحال شدم.

۲. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند می‌فرماید: هر کس گناه کوچک یا بزرگ داشته و بدان توجه ندارد که من می‌توانم او را به خاطر آن کیفر دهم یا از او بگذرم، از او نسبت به آن گناه در می‌گذرم. اما اگر باور دارد که می‌توان کیفرش دهم یا عفو کنم از او در می‌گذرم.

۳. ام ایمن، در حالی که چیزی در میان چادرش بود، نزد پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله آمد.



بُنْ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ عِيسَى، قَالَ: حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحَكَمِ، قَالَ: حَدَّثَنِي الْحُسَيْنُ بْنُ أَبِي الْعَلَاءِ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام، قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: «دَخَلْتُ أُمَ أَيْمَنَ عَلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله وَفِي مِلْحَفَتِهَا شَيْءٌ، فَقَالَ لَهَا: رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: مَا مَعَكَ يَا أُمَ أَيْمَنَ؟ فَقَالَ: إِنَّ فُلَانَةَ أَمْلَكُوها فَتَشَرُّوا عَلَيْها فَأَخَذْتُ مِنْ نَثَارِها ثُمَّ بَكَتُ أُمَ أَيْمَنَ، وَقَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ فَاطِمَةُ زَوْجَتُها وَلَمْ تَنْشُرْ عَلَيْها شَيْئاً، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: يَا أُمَ أَيْمَنَ لِمَ تَكْذِبِينَ، فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمَّا زَوَّجْتُ فَاطِمَةَ عَلِيّاً أَمَرَ أَشْجَارَ الْجَنَّةِ أَنْ تَنْشُرَ عَلَيْهِمْ مِنْ حُلِيِّها وَحُلَلِها وَياقوتِها وَذُرِّها وَرُمُودِها وَاسْتَبْرَقِها فَأَخَذُوا مِنْها ما لا يَعْلَمُونَ، وَلَقَدْ نَحَلَ اللَّهُ طُوبَى فِي مَهْرِ فَاطِمَةَ (صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْها) فَجَعَلَهَا فِي مَنْزِلِ عَلِيٍّ عليه السلام».

٤. حَدَّثَنَا أَبِي عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنْ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ عَنِ الْيَعْقُوبِيِّ عَنْ عِيسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْعُلَوِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ عليه السلام عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ)، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَجُوزَ عَلَى الصَّرَاطِ كَالرَّيْحِ الْعَاصِفِ وَيَلْجِ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ فَلْيَتَوَلَّ وَلِيِّ وَوَصِيَّ وَصَاحِبِي وَخَلِيفَتِي عَلَى أَهْلِي وَأُمَّتِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، وَمَنْ سَرَّهُ أَنْ يَلْجِ النَّارَ فَلْيَتَرَكْ وَلَايَتَهُ فَوَ عِزَّةَ رَبِّي وَجَلَالِهِ إِنَّهُ لَبَابُ اللَّهِ الَّذِي لَا يُؤْتَى إِلَّا مِنْهُ وَإِنَّهُ الصَّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ وَإِنَّهُ الَّذِي يَسْأَلُ اللَّهُ عَنْ وَلَايَتِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ».

٥. حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ شاذَوَيْهِ الْمُؤَدَّبُ عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ بْنُ جَمَاعٍ الْحَمِيرِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعُودَةَ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: «رَحِمَ اللَّهُ أُمْرِيءَ أَغَانَ وَالِدَهُ عَلَى بَرِّهِ، رَحِمَ اللَّهُ وَالِدَ أَغَانَ وَلَدَهُ عَلَى بَرِّهِ، رَحِمَ اللَّهُ جَاراً أَغَانَ جَارَهُ عَلَى بَرِّهِ، رَحِمَ اللَّهُ رَفِيقاً أَغَانَ رَفِيقَهُ عَلَى بَرِّهِ، رَحِمَ اللَّهُ خَلِيطاً أَغَانَ خَلِيطَهُ عَلَى بَرِّهِ، رَحِمَ اللَّهُ رَجُلًا أَغَانَ سُلْطَانَهُ عَلَى بَرِّهِ».

٦. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ هَارُونَ الْقَاسِمِيُّ عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ رِبَاطٍ

حضرت فرمود: چه داری؟ گفت: فلان دختر را عروس کردند و بر سر او چیزی ریختند و من اندکی از آن برداشتم. آنگاه او اشک ریخت و گفت: ای پیامبر خدا ﷺ آنگاه که فاطمه را شوهر دادی، چیزی نثار او کردی! فرمود: ام ایمن! چرا ناروا می گویی. خداوند آن گاه که فاطمه را به نکاح علی درآورد، فرمان داد که درخت های بهشتی بر ساکنان بهشت از زیبایی و جامه و یاقوت و در و زمرد و استبرق نثار کنند و آن چه را که نمی دانند، از آنان برگیرند و خداوند شجره طوبی را به فاطمه ارزانی داشت و آن را در خانه علی گذاشت.

۴. پیامبر خدا ﷺ فرمود: هرکس آروزش عبور برق آسا از پل صراط و نیز ورود بی حساب به بهشت باشد، باید به ولایت ولی و وصی و دوست و جانشین من در خاندان و امت من، علی بن ابی طالب علیه السلام تمسک داشته باشد. و هرکس می خواهد به دوزخ برود، ولایت علی علیه السلام را رها کند. به عزت و جلال پروردگارم سوگند که علی «باب الله» است که غیر از آن دری برای ورود به بهشت نیست. علی «صراط مستقیم» است که در رستاخیز از ولایت او سؤال خواهد شد.

۵. پیامبر اسلام ﷺ فرمود: خداوند رحمت آورد برای کسی که در راه نیک پدرش را کمک کند و نیز رحمت آورد بر پدری که در راه نیک به فرزند خود مدد رساند و خداوند رحمت آورد بر همسایه ای که در راه نیک همسایه اش را یاری دهد و رحمت آورد بر دوستی که در راه نیک دوستش را یاری دهد و نیز بر کسی که همنشین خود را در راه نیک کمک کند و همچنین کسی که رهبر خود را در راه نیک کمک کند.

۶. امام صادق علیه السلام فرمود: با پدران خود نیک رفتار باشید تا پسران شما با شما نیک



السلامی



عَنْ أَبِي بَكْرٍ الْخَضْرَمِيِّ، قَالَ: قَالَ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ (عَلَيْهِمَا السَّلَامُ): «بَرُّوا آبَاءَكُمْ يَبْرُكُمْ أَبْنَاؤُكُمْ وَعَفُّوا عَنْ نِسَاءِ النَّاسِ تُعَفَّ عَنْ نِسَائِكُمْ».

٧. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَا جِيلَوْنَاهُ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ زُرَّارَةَ بْنِ أَغَيْنَ، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) يَقُولُ: «إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ مُرُوتْنَا الْعَفْوُ عَمَّنْ ظَلَمْنَا».

٨. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ (رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ)، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْهَيْثَمُ بْنُ أَبِي مَسْرُوقٍ النَّهْدِيُّ عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ عُمَرَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عُمَرَ الْحَلَبِيِّ، قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): أَيُّ الْخِصَالِ بِالْمَرْءِ أَجْمَلُ؟ قَالَ: «وَقَارُ بِلَا مَهَابَةٍ وَسَمَاحُ بِلَا طَلَبٍ مُكَافَاةٌ وَتَشَاغُلُ بِغَيْرِ مَتَاعِ الدُّنْيَا».

٩. حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ الْكُوفِيُّ (رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ)، قَالَ: حَدَّثَنَا جَدِّي الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَنْ جَدِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ)، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ): «مَنْ بَاتَ كَالًا مِنْ طَلَبِ الْحَلَالِ بَاتَ مَغْفُورًا لَهُ».

١٠. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ، قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عِيسَى بْنُ عُبَيْدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرِّضَا (عَلَيْهِ السَّلَامُ) عَنْ ذِي الْفَقَارِ - سَيْفِ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) - مِنْ أَيْنَ هُوَ؟ فَقَالَ: «هَبْطَبِيهِ جَبْرِئِيلُ مِنَ السَّمَاءِ وَكَانَ حُلِيِّتُهُ مِنْ فِضَّةٍ وَهُوَ عِنْدِي».

١١. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارُ (رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ)، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْأَشْعَرِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ) عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) أَنَّهُ قَالَ: سُئِلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) مَا ثَبَاتُ الْإِيمَانِ؟ فَقَالَ: «الْوَرَعُ»، فَقِيلَ لَهُ: مَا زَوَالُهُ؟ قَالَ: «الطَّمَعُ».

١٢. أَخْبَرَنِي عَلِيُّ بْنُ حَاتِمٍ الْقَزْوِينِيُّ (رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ)، قَالَ: حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ النَّخْوِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ



رفتاری داشته باشند و نیز نسبت به زنان مردم پاکی پیشه کنید تا آنان نسبت به زنان شما چنین باشند.

۷. امام صادق علیه السلام فرمود: مروت خاندان ما این است که از کسی که به ما آزار رسانده، درخواستیم گذشت.

۸. احمد بن عمر حلبی می گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم که چه چیزی برای مرد زیبایی بیشتری دارد؟ فرمود: وقاری بی مهابت و بخشنده بی خواسته و نیز کوشیدن در امور معنوی.

۹. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس شب هنگام خسته از کار و طلب حلال روزانه باشد، بی گمان خداوند او را آمرزیده است.

۱۰. احمد بن عبدالله می گوید: از امام رضا علیه السلام سؤال کردم که شمشیر پیامبر صلی الله علیه و آله از کجا آورده بودند؟ فرمود: جبرئیل آن را از آسمان فرود آورد و شمشیری نقره نشان است و آن نزد من است.

۱۱. از امیر مؤمنان علیه السلام سؤال کردند که استواری ایمان در چیست؟ فرمود: در ورع. گفتند: نابودی ایمان در چیست؟ فرمود: در حرص ورزیدن.

۱۲. امام صادق علیه السلام فرمود: آن گاه که مؤمنی چشم از دنیا فروبندد، هفتاد هزار فرشته

سَلِيمَانُ بْنُ مُقْبِلٍ الْمَدِينِيُّ عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: «إِذَا مَاتَ الْمُؤْمِنُ شَبَعَهُ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ إِلَى قَبْرِهِ، فَإِذَا أُدْخِلَ قَبْرَهُ أَتَاهُ مُنْكَرٌ وَ نَكِيرٌ فَيَقْعِدَانِهِ وَيَقُولَانِ لَهُ: مَنْ رَبُّكَ وَمَا دِينُكَ وَمَنْ نَبِيُّكَ؟ فَيَقُولُ: رَبِّي اللَّهُ وَمُحَمَّدٌ نَبِيِّي وَالْإِسْلَامُ دِينِي فَيَفْشَحَانِ لَهُ فِي قَبْرِهِ مَدَّ بَصَرِهِ وَيَأْتِيَانِهِ بِالطَّعَامِ مِنَ الْجَنَّةِ وَ يُدْخِلَانِ عَلَيْهِ الرُّوحَ وَالرَّيْحَانَ، وَذَلِكَ قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ: «فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ فَرَوْحٌ وَ رَيْحَانٌ» يَعْنِي فِي قَبْرِهِ «وَجَنَّةٌ نَعِيمٌ» ^(١) يَعْنِي فِي الْآخِرَةِ، ثُمَّ قَالَ عليه السلام: إِذَا مَاتَ الْكَافِرُ شَبَعَهُ سَبْعُونَ أَلْفًا مِنَ الزَّبَانِيَةِ إِلَى قَبْرِهِ، وَإِنَّهُ لَيُنَاشِدُ حَامِلِيهِ بِصَوْتٍ يَسْمَعُهُ كُلُّ شَيْءٍ إِلَّا الثَّقَلَانِ وَيَقُولُ: لَوْ أَنَّ لِي كَرَّةً فَأَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَيَقُولُ: «ارْجِعُونِي لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ» ^(٢) فَتُجِيبُهُ الزَّبَانِيَةُ كُلُّهَا إِنَّهَا كَلِمَةُ أَنْتَ قَائِلُهَا، وَيُنَادِيهِمْ مَلَكٌ لَوْ رُدُّ لَعَادَ لِمَا نُهِيَ عَنْهُ، فَإِذَا أُدْخِلَ قَبْرَهُ وَفَارَقَهُ النَّاسُ أَتَاهُ مُنْكَرٌ وَ نَكِيرٌ فِي أَهْوَلِ صُورَةٍ فَيَقِيمَانِهِ ثُمَّ يَقُولَانِ لَهُ: مَنْ رَبُّكَ وَمَا دِينُكَ وَمَنْ نَبِيُّكَ؟ فَيَتَلَجَّجُ لِسَانُهُ وَلَا يَقْدِرُ عَلَى الْجَوَابِ فَيَضْرِبَانِهِ ضَرْبَةً مِنْ عَذَابِ اللَّهِ يَذْغُرُ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ، ثُمَّ يَقُولَانِ لَهُ: مَنْ رَبُّكَ وَمَا دِينُكَ وَمَنْ نَبِيُّكَ؟ فَيَقُولُ: لَا أَدْرِي، فَيَقُولَانِ لَهُ: لَا ذَرَيْتَ وَلَا هَدَيْتَ وَلَا أَفْلَحْتَ، ثُمَّ يَفْشَحَانِ لَهُ بَابًا إِلَى النَّارِ وَيُنْزِلَانِ إِلَيْهِ الْحَمِيمَ مِنْ جَهَنَّمَ، وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُكَذِّبِينَ الصَّالِينَ فَنَزَلَ مِنْ حَمِيمٍ» ^(٣) يَعْنِي فِي الْقَبْرِ «وَتَصْلِيَةٌ جَحِيمٍ» ^(٤) يَعْنِي فِي الْآخِرَةِ».

١٣. حَدَّثَنَا أَبِي عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ الْحَمِيرِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عِيْسَى بْنُ عُبَيْدِ الْيَقْطِينِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنِي يُونُسُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: «إِنَّ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ حُرْمَاتٍ ثَلَاثَ لَيْسَ مِثْلُهُنَّ شَيْءٌ كِتَابُهُ وَهُوَ حِكْمَتُهُ وَنُورُهُ، وَبَيْتُهُ الَّذِي جَعَلَهُ قِبْلَةً لِلنَّاسِ لَا يَقْبَلُ مِنْ أَحَدٍ تَوَجُّهًا إِلَيْهِ غَيْرِهِ، وَعَشْرَةُ نَبِيِّكُمْ عليه السلام».

١٤. حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ عِيْسَى عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ مَاجِلَوِيهِ، قَالَ: حَدَّثَنَا

او را تا قبرش همراهی خواهند کرد و آن گاه که در قبر وارد شود، نکیر و منکر آمده و او را نشانده و به او خواهند گفت: پروردگار تو کیست؟ آئین تو چیست؟ پیامبر تو کیست؟ مؤمن می گوید: پروردگار خدای یکتاست و پیامبرم محمد ﷺ و دین و آئینم اسلام. آنگاه نکیر و منکر قبر او را تا آنجا که چشم می بیند، فراخ خواهند کرد و نیز برای او غذای بهشتی می آورند و همچنین روح و ریحان بر او وارد می شوند. این است تفسیر کلام خداوند که فرمود: «فاما ان كان من المقربين فروح و ریحان». مؤمن در گور خود «جنت نعیم» خواهد داشت.

سپس امام ﷺ فرمود: آنگاه که کافری از دنیای می رود، دوزخیان وی را تا گور او همراهی می کنند. کافر چنان فریاد می زند که غیر از جن و انس همه صدای او را بشنوند. او می گوید کاش به دنیا باز می گشتم و ایمان به خدا می آوردم. آنگاه کافر حمل کنندگان خود را سوگند می دهد و می گوید: مرا به دنیا بازگردانید که شاید آنچه نکردم، انجام دهم. نگهبانان دوزخ می گویند: هرگز. آنچه تو می گویی، حرفی بیش نیست. آنگاه صدای فرشته ای می آید که می گوید: اگر او باز گردد، همان کاری را خواهد کرد که از آن باز داشته بود. به هنگام ورود در گورش که مردم از او جدا خواهند شد، نکیر و منکر در سیمایی بس دلهره آور بر کافر ظاهر

می شوند. او را بلند می کنند و می گویند: پروردگار تو کیست؟ دین تو چیست؟ پیامبر تو کیست؟ زبان او دچار لرزش می شود و نمی تواند پاسخ دهد. ضربه ای از عذاب الهی بر او خواهند زد که هر چیز از آن هراس و لرز دارد. آنگاه پرسش های خود را تکرار می کنند. کافر می گوید: نمی دانم. نکیر و منکر می گویند: تو هیچ ندانستی و هدایت نشدی و رستگار نخواهی شد. در این هنگام دری از دوزخ برای او گشوده خواهد شد و از «حمیم» دوزخ خوراکی برای او خواهند آورد. این است تفسیر کلام خداوند که فرمود: «واما كان من لمكذبين الضالين فنزل من حمیم» در گور آتش دوزخ او را در برگیرد. (سوره واقعه)

۱۳. امام صادق ﷺ فرمود: سه حرمت برای خداوند وجود دارد که همانندی نخواهد داشت. نخست کتابش، قرآن کریم که حکمت و نور خداوند است و دوم خانه اش، کعبه که قبله مردمان قرار داده است و از کسی توجه به غیر کعبه را نمی پذیرد و سوم عترت پیامبرش، نبی اکرم ﷺ.

۱۴. علی ﷺ فرمود: در بهشت درختی وجود دارد که از بالای آن جامه برمی آید و از



السلامی



أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عَلْوَانَ الْكَلْبِيِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ ثَابِتٍ عَنْ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عليه السلام، قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام: «أَنَّ فِي الْجَنَّةِ لَشَجَرَةً يَخْرُجُ مِنْ أَغْلَاهَا الْحُلُلُ وَمِنْ أَسْفَلِهَا خَيْلٌ عَتَاقُ مُسْرَجَةٌ مُلْحَمَةٌ ذَوَاتُ أَجْنِحَةٍ لَا تَرَوْتُ وَلَا تَبُولُ فَيَرْكَبُهَا أَوْلِيَاءُ اللَّهِ فَتَطِيرُ بِهِمْ فِي الْجَنَّةِ حَيْثُ شَاءُوا، فَيَقُولُ الَّذِينَ أَسْفَلَ مِنْهُمْ: يَا رَبَّنَا مَا بَلَغَ بَعْبَادُكَ هَذِهِ الْكَرَامَةَ، فَيَقُولُ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ: إِنَّهُمْ كَانُوا يَقُومُونَ اللَّيْلَ وَلَا يَنَامُونَ وَيَصُومُونَ النَّهَارَ وَلَا يَأْكُلُونَ وَيُجَاهِدُونَ الْعَدُوَّ وَلَا يَجْتَنِبُونَ وَيَتَصَدَّقُونَ وَلَا يَتَخَلَّوْنَ».

١٥. حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ (رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ)، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام، قَالَ: خُمْسُ مَنْ لَمْ تَكُنْ فِيهِ لَمْ يَكُنْ فِيهِ كَثِيرٌ مُسْتَمْتَعٌ قِيلَ: وَمَا هُنَّ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ؟ قَالَ: «الدِّينُ وَالْعَقْلُ وَالْحَيَاءُ وَحُسْنُ الْخُلُقِ وَحُسْنُ الْآدَبِ وَخُمْسُ مَنْ لَمْ تَكُنْ لَهُ فِيهِ لَمْ يَتَهَنَّ بِالْعَيْشِ الصَّحَّةُ وَالْأَمْنُ وَالْغِنَى وَالْقَنَاعَةُ وَالْإِنْسُ الْمُوَافِقُ».

١٦. حَدَّثَنَا أَبِي عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ سَلَمَةَ بْنِ الْخَطَّابِ الْبَرْوَاثَانِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ اللَّيْثِ عَنْ جَابِرِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عليه السلام أَنَّ رَجُلًا سَأَلَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام عَنْ قِيَامِ اللَّيْلِ بِالْقُرْآنِ، فَقَالَ لَهُ: «أُبَشِّرُ مَنْ صَلَّى مِنَ اللَّيْلِ عَشْرَ لَيْلَةٍ لِلَّهِ مُخْلِصًا ابْتِغَاءَ مَرْضَاةِ اللَّهِ، قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِمَلَائِكَتِهِ: اكْتُبُوا لِعَبْدِي هَذَا مِنَ الْحَسَنَاتِ عَدَدَ مَا أَنْبَتَ فِي اللَّيْلِ مِنْ حَبَّةٍ وَوَرَقَةٍ وَشَجَرَةٍ وَعَدَدَ كُلِّ قَصَبَةٍ وَخُوطٍ وَمَرْعَى، وَمَنْ صَلَّى تِسْعَ لَيْلَةٍ أَعْطَاهُ اللَّهُ عَشْرَ دَعَوَاتٍ مُسْتَجَابَاتٍ وَأَعْطَاهُ كِتَابَهُ بِمِيزَانِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَمَنْ صَلَّى ثَمَنَ لَيْلَةٍ أَعْطَاهُ اللَّهُ أَجْرَ شَهِيدٍ صَابِرٍ صَادِقِ النِّيَّةِ وَشَفَعَ فِي أَهْلِ بَيْتِهِ، وَمَنْ صَلَّى سَبْعَ لَيْلَةٍ خَرَجَ مِنْ قَبْرِهَ يَوْمَ يُبْعَثُ وَجْهُهُ كَالْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ حَتَّى يَمُرَّ عَلَى الصَّرَاطِ مِنَ الْأَمِينِ، وَمَنْ صَلَّى سُدُسَ لَيْلَةٍ كُتِبَ مِنَ الْآوَابِينَ وَغُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ، وَمَنْ صَلَّى خُمْسَ لَيْلَةٍ رَاحَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلَ الرَّحْمَنِ فِي قَبْتِهِ، وَمَنْ صَلَّى رُبْعَ لَيْلَةٍ كَانَ فِي أَوَّلِ الْفَائِزِينَ حَتَّى يَمُرَّ عَلَى الصَّرَاطِ كَالرَّيْحِ الْعَاصِفِ وَيَدْخُلَ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ

زیر آن اسب‌های زین کرده و مهار و بال دار، که نه سرگین می‌اندازند و نه بول می‌کنند. دوستان حق بر آن اسب‌ها سوارند و در بهشت هر کجا که مایل باشند، پرواز خواهند کرد. کسانی که در مرتبه پایین هستند، خواهند گفت: خدایا این بندگان تو چگونه به این منزلت دست یافته‌اند؟ خداوند می‌فرماید: اینان

شب‌ها به پا خاستند و نخوابیدند و عبادت کردند و روزها روزه گرفتند و با دشمن جنگ کرده و هیچ‌گاه از دشمن نترسیدند و صدقه داده و نیز بخل نمی‌ورزیدند.

۱۵. امام صادق علیه السلام فرمود: هرکس که پنج چیز نداشته باشد، بهره چندانی در او نیست. گفتند: ای پسر پیامبر صلی الله علیه و آله آن‌ها کدامند؟ فرمود: دین و خرد و حیا و خوش خلقی و ادب و ورزی. سپس فرمود: پنج چیز است که هرکس آن‌ها را نداشته باشد، زندگی آسوده‌ای نخواهد داشت: سلامت، امنیت، قناعت، بی‌نیازی و مونس موافق.

۱۶. شخصی از علی بن ابی طالب علیه السلام درباره نماز و تلاوت قرآن در شب سؤال کرد. امام فرمود: بشارت باد کسی را که یک دهم شب را برای خشنودی خداوند نماز گزارد. او به فرشتگان خود فرمان دهد که برای این بنده ام پاداشی به شمار رویدنی‌ها در رود نیل و نیز شمار نی‌ها و چراگاه‌ها ثبت کنند و هرکس تمام شب را نماز گزارد، خداوند به وی ده دعوت قبول شده، عطا می‌کند و در رستاخیز شفاعت وی را درباره خاندانش قبول می‌کند. و هرکس یک هشتم شب را نماز گزارد، پاداش شهیدی خوش نیت را خواهد داشت و شفاعت او درباره خاندانش قبول می‌شود. و هرکس یک هفتم شب را نماز گزارد، در قیامت از قبر خود بیرون می‌آید، در حالی که سیمایی نورانی مانند ماه شب چهارده داشته و همراه آسوده خاطران از صراط عبور می‌کند. و هرکس یک ششم شب را نماز گزارد، امان از دوزخ داشته باشد و گناهان وی آمرزیده خواهد شد. و هرکس یک پنجم شب را نماز گزارد، در گنبد شانه به شانه ابراهیم خلیل باشد. و هرکس یک چهارم شب را نماز گزارد، در صدر کامیابان بوده و مانند تند بادی از صراط گذشته و بدون حساب وارد



السلامی



حِسَابٍ، وَمَنْ صَلَّى ثُلُثَ لَيْلَةٍ لَمْ يَبْقَ مَلَكٌ إِلَّا غَبَطَهُ بِمَنْزِلَتِهِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَقِيلَ لَهُ
ادْخُلْ مِنْ أَيِّ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ تَشَاءُ، وَمَنْ صَلَّى نِصْفَ لَيْلَةٍ فَلَوْ أُعْطِيَ مِثْلُ الْأَرْضِ
ذَهَبًا سَبْعِينَ أَلْفَ مَرَّةٍ لَمْ يَغْدِلْ جَزَائَهُ وَكَانَ لَهُ ذَلِكَ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ رَقَبَةً يُعْتَقُهَا مِنْ
وَلَدِ إِسْمَاعِيلَ، وَمَنْ صَلَّى ثُلُثِي لَيْلَةٍ كَانَ لَهُ مِنَ الْحَسَنَاتِ قَدْرُ رَمْلِ عَالِجِ أَدْنَاهَا حَسَنَةً
أَثْقَلَ مِنْ جَبَلِ أَحَدِ عَشَرَ مَرَّاتٍ، وَمَنْ صَلَّى لَيْلَةً تَامَةً تَالِيًا لِكِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ رَأَى كَعَا وَ
سَاجِدًا وَذَا كِرَاءٍ أُعْطِيَ مِنَ الثَّوَابِ مَا أَذْنَاهُ يَخْرُجُ مِنَ الذُّنُوبِ كَمَا وَلَدَتْهُ أُمُّهُ وَيَكْتَسِبُ لَهُ
عَدَدَ مَا خَلَقَ اللَّهُ مِنَ الْحَسَنَاتِ وَمِثْلَهَا دَرَجَاتٍ وَيُثَبِّتُ النُّورَ فِي قَبْرِهِ وَيُنْزَعُ الْأَثَمُ وَ
الْحَسَدُ مِنْ قَلْبِهِ وَيُجَارُ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَيُعْطَى بَرَاءَةٌ مِنَ النَّارِ وَيُنْعَثُ مِنَ الْآمِنِينَ، وَ
يَقُولُ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لِمَلَائِكَتِهِ: مَلَائِكَتِي انظُرُوا إِلَيَّ عَبْدِي أَحْيَى لَيْلَةٍ ابْتِغَاءَ
مَرْضَاتِي أَشْكِنُوهُ الْفِرْدَوْسَ وَ لَهُ فِيهَا مِائَةُ أَلْفِ مَدِينَةٍ فِي كُلِّ مَدِينَةٍ جَمِيعُ مَا تَشْتَهِي
الْأَنْفُسُ «وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ»^(١)، وَمَا لَا يَخْطُرُ عَلَى بَالِ سِوَى مَا أَعَدَدْتُ لَهُ مِنَ الْكَرَامَةِ وَ
الْمَزِيدِ وَالْقُرْبَةِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَوَاتِهِ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
أَجْمَعِينَ.

مركز تحقيق التراث - مكتبة المخطوطات

بهشت می‌شود. و هرکس یک سوم شب را نماز گزارد، فرشته‌ای نیست؛ مگر اینکه به منزلت او پیش خداوند غبطه خورد و به او گفته می‌شود که از هشت در بهشت از هر دری مایلی، وارد بهشت شو. و هرکس نصفی از شب را نماز گزارد، اگر بر زمین هفتاد هزار طلا داده شود، باز پاداش او نیست. و هرکس دو سوم شب را نماز گزارد و قرآن بخواند، به شمار ریگ‌های تپه عالج حسنه دارد که کمترین آن ده برابر کوه احد است. و هر کس تمام شب را نماز گزارد و قرآن بخواند و پیوسته در رکوع و سجده یاد خداوند کند، پاداشی می‌گیرد که کمترین آن بیرون آمدن از گناهان است؛ همانند روزی که مادرش او را زاییده است و به شمار آفریدگان خدا برای او حسنه خواهند نوشت و همانند آن، منزلت نور استوار در قبر خود خواهد داشت. و نیز گناهان و حسدورزی از قلب او زدوده می‌شود و از عذاب قبر در امان خواهد بود و برائت از آتش دوزخ خواهد داشت و در قیامت در گروه آسودگان برانگیخته خواهد شد. و آن گاه خداوند به فرشتگان خویش می‌فرماید: «ای فرشتگان من! به این بنده‌ام بنگرید که تمامی شب را برای خشنودی من داشته است. او را به بهشت فردوس ببرید که صد هزار شهر دارد و در هر کدام، دلخواه او مهیاست و چشم نواز است و هیچ گاه بشری آن را تصور نکرده است». افزون بر این، آن چه خداوند از لطف و کرامت خود برای او مهیا ساخته است، در اختیارش قرار خواهد گرفت.



السلام

المجلس التاسع والأربعون

يوم الجمعة لاثنتي عشرة خلت من شهر ربيع الأول

من سنة ثمان وستين وثلاثمائة

١. حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيه أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوَيْهٍ الْقُمِّيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي (رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ)، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُرَازِمِ بْنِ حَكِيمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «إِنَّ الرُّوحَ الْأَمِينَ جَبْرَائِيلَ، أَخْبَرَنِي عَنْ رَبِّي تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَنَّهُ لَنْ تَمُوتَ نَفْسٌ حَتَّى تَسْتَكْمَلَ رِزْقَهَا فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاجْمِلُوا فِي الطَّلَبِ وَاعْلَمُوا أَنَّ الرُّزْقَ رِزْقَانِ فَرِزْقٌ تَطْلُبُونَهُ وَرِزْقٌ يَطْلُبُكُمْ فَاطْلُبُوا أَرْزَاقَكُمْ مِنْ حَلَالٍ فَإِنَّكُمْ أَكَلُوهَا حَلَالًا إِنْ طَلَبْتُمُوهَا مِنْ وَجْهِهَا وَإِنْ لَمْ تَطْلُبُوهَا مِنْ وَجْهِهَا أَكَلْتُمُوهَا حَرَامًا وَهِيَ أَرْزَاقُكُمْ، لَا بُدَّ لَكُمْ مِنْ أَكْلِهَا».

٢. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ (رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ)، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ مَعْبُدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا عليه السلام قَالَ: «النَّظَرُ إِلَى ذُرِّيَّتِنَا عِبَادَةٌ»، فَقِيلَ لَهُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ النَّظَرُ إِلَى الْإِثْمَةِ مِنْكُمْ عِبَادَةٌ أَمْ النَّظَرُ إِلَى جَمِيعِ ذُرِّيَةِ النَّبِيِّ ﷺ؟ فَقَالَ: «بَلِ النَّظَرُ إِلَى جَمِيعِ ذُرِّيَةِ النَّبِيِّ ﷺ عِبَادَةٌ».

٣. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، قَالَ: حَدَّثَنَا النَّضْرُ بْنُ شُعَيْبٍ عَنْ خَالِدِ الْقَلَانِسِيِّ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام قَالَ: رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «إِذَا قُمْتُ الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ تَشَفَّعْتُ فِي أَصْحَابِ الْكِبَائِرِ مِنْ أُمَّتِي فَيُشَفِّعُنِي اللَّهُ فِيهِمْ وَاللَّهُ لَا



مجلس چهل و نهم

جمعه دوازدهم ربیع اول سال ۳۶۸

السلام

۱. پیامبر خدا ﷺ فرمود: روح الامین از جانب پروردگارم به من خبر داد: کسی از دنیا بیرون نمی‌رود، مگر اینکه رزق تعیین شده خود را خورده باشد. پس، از خدا بترسید و در جست و جوی روزی خود آرام بمانید و آگاه باشید که هر آدمی دو نوع روزی دارد: رزقی که شما را می‌طلبد و روزی که شما آن را می‌طلبید. روزی خویش را از حلال کسب کنید که اگر رزق تان از راه حلال باشد، در راه حلال بهره می‌برید و اگر رزق تان از راه حرام باشد، در راه حرام بهره خواهید برد و روزی تان همان بوده و ناگزیر از خوردن آن خواهید بود.



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

۲. امام رضا ﷺ فرمود: نگریستن به نسل ما عبادت است. گفته شد: ای پسر پیامبر خدا! آیا نگریستن به امامان از نسل شما عبادت است یا نگریستن به تمامی فرزندان پیامبر؟ فرمود: نگریستن به نسل پیامبر ﷺ عبادت است.

سخن سدید

۳. پیامبر اکرم ﷺ فرمود: آن گاه که در جایگاه «محمود» بایستم، برای کسانی از امت خود که گناهان بزرگ دارند، شفاعت خواهم کرد و خداوند خواهد پذیرفت. سوگند به خداوند که درباره کسانی که نسل مرا آزار رسانده‌اند، هرگز شفاعت

تَشَفَّعْتُ فِيمَنْ آذَى ذُرِّيَّتِي:

٤. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارُ، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْهَيْثَمِ بْنِ أَبِي مَسْرُوقٍ النَّهْدِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: «إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا كَثُرَتْ ذُنُوبُهُ وَلَمْ يَجِدْ مَا يَكْفُرُهَا بِهِ، ابْتَلَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِالْحُزْنِ فِي الدُّنْيَا لِيَكْفُرَهَا بِهِ، فَإِنْ فَعَلَ ذَلِكَ بِهِ، فَإِلَّا أَشَقَمَ بَدَنُهُ لِيَكْفُرَهَا بِهِ، فَإِنْ فَعَلَ ذَلِكَ بِهِ وَإِلَّا شَدَّدَ عَلَيْهِ عِنْدَ مَوْتِهِ لِيَكْفُرَهَا بِهِ، فَإِنْ فَعَلَ ذَلِكَ بِهِ وَإِلَّا عَذَّبَهُ فِي قَبْرِهِ لِيَلْقَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ يَلْقَاهُ وَلَيْسَ شَيْءٌ يَشْهَدُ عَلَيْهِ بِشَيْءٍ مِنْ ذُنُوبِهِ».

٥. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ السُّكْرِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ زَكَرِيَّا الْجَوْهَرِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَمَّارٍ عَنْ أَبِيهِ، قَالَ: قَالَ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عليه السلام: «مَنْ أَنْكَرَ ثَلَاثَةَ أَشْيَاءَ فَلَيْسَ مِنْ شِيعَتِنَا الْمِعْرَاجِ وَالْمَسَائِلَةِ فِي الْقَبْرِ وَالشَّفَاعَةِ».

٦. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ هَارُونَ الْقَاسِمِيُّ عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحَمِيرِيُّ عَنْ أَبِيهِ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الْجَبَّارِ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام قَالَ: «كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا وَكَادَ الْحَسَدُ أَنْ يَغْلِبَ الْقَدْرَ».

٧. حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ شَاذَوِيهِ الْمُؤَدِّبُ عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي، قَالَ: حَدَّثَنِي هَارُونَ بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: «مَا جُمِعَ شَيْءٌ إِلَى شَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ حِلْمٍ إِلَى عِلْمٍ».

٨. حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسٍ عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ آدَمَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ الْخَرَّازِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ: «أَحَبُّ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ رَجُلٌ صَدُوقٌ فِي حَدِيثِهِ مُحَافِظٌ عَلَى صَلَاتِهِ، وَمَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ مَعَ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ»، ثُمَّ قَالَ عليه السلام: «مَنْ أَوْثَمَنَ عَلَى أَمَانَةٍ فَأَذَاهَا فَقَدْ حَلَّ أَلْفَ عُقْدَةٍ مِنْ عُقْبِهِ مِنْ عُقْدِ النَّارِ».

نخواهیم کرد.

۴. امام صادق علیه السلام فرمود: آن گاه که گناهان کسی زیاد شود و در جبران آن نکوشد، خداوند او را در دنیا اندوهگین می سازد تا این که کفاره گناهان او باشد یا اینکه او را در بستر بیماری می افکند تا کفاره گناهان او شود و یا اینکه در وقت مردن بر او تنگ می گیرد که کفاره گناهان او گردد و یا اینکه گرفتار عذاب قبر می سازد که به هنگام دیدار پروردگارش بر او نمانده باشد.

۵. امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس سه چیز را انکار کند، از شیعیان ما نیست. نخست معراج پیامبر صلی الله علیه و آله و دیگر پرسش در قبر و سوم شفاعت.

مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

۶. امام صادق علیه السلام فرمود: فاصله چندانی میان فقر و کفر ورزیدن نیست و بی گمان حسد بر آن چه مقدر شده است، چیره می شود.

۷. علی علیه السلام فرمود: چیزی همراه چیزی نمی شود که نیکوترین از آمیختن دانش و بردباری باشد.

۸. امام صادق علیه السلام فرمود: محبوب ترین مؤمن پیش خداوند کسی است که راست گو باشد و بر نمازها و واجبات مراقبت داشته باشد و نیز در پس دادن امانت کوشا باشد. آن گاه فرمود: هر کس درباره امانتی امین شناخته شود و آن را ایا کند، هزار گره آتش از

فَبَادِرُوا بِأَدَاءِ الْأَمَانَةِ، فَإِنْ مَنِ أَوْثَمِنَ عَلَى أَمَانَةٍ وَكَلَّ بِهِ إِبْلِيسُ مِائَةَ شَيْطَانٍ مِنْ مَرَدَةِ أَغْوَانِهِ لِيُضِلُّوهُ وَيُوسَّسُوا إِلَيْهِ حَتَّى يَهْلِكُوهُ إِلَّا مَنْ عَصَمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ».

٩. حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مَسْرُورٍ رضي الله عنه، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ غَامِرٍ عَنْ عَمِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ غَامِرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَزِيعٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ قَالَ: قَالَ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عليه السلام: «مِنْ الْجَوْرِ قَوْلُ الرََّاكِبِ لِلْمَاشِي الطَّرِيقَ».

١٠. حَدَّثَنَا حَمْرَةُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ زَيْدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام قَالَ: أَخْبَرَنِي عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ، قَالَ: حَدَّثَنِي إِبْرَاهِيمُ بْنُ إِسْحَاقَ النَّهْأَوْنَدِيُّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَمَّادٍ الْأَنْصَارِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَحْيَى بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَمْرِو بْنِ طَلْحَةَ عَنْ أَصْبَاطِ بْنِ نَصْرِ عَنْ عِكْرِمَةَ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: «وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بَشِيرًا لَا يُعَذِّبُ اللَّهُ بِالنَّارِ مُوَحِّدًا أَبَدًا، وَإِنْ أَهْلَ التَّوْحِيدِ لَيَشْفَعُونَ فَيُشَفَّعُونَ»، ثُمَّ قَالَ صلى الله عليه وآله: «أَنَّهُ إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ أَمَرَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِقَوْمٍ سَاءَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي دَارِ الدُّنْيَا إِلَى النَّارِ، فَيَقُولُونَ: يَا رَبَّنَا كَيْفَ تَدْخِلُنَا النَّارَ وَقَدْ كُنَّا نُوَحِّدُكَ فِي دَارِ الدُّنْيَا وَكَيْفَ تُحْرِقُ بِالنَّارِ أَلْسِنَتَنَا وَقَدْ نَطَقْتَ بِتَوْحِيدِكَ فِي دَارِ الدُّنْيَا، وَكَيْفَ تُحْرِقُ قُلُوبَنَا وَقَدْ عَقَدْتَ عَلَى أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَمْ كَيْفَ تُحْرِقُ وُجُوهَنَا وَقَدْ عَفَرْنَاهَا لَكَ فِي التُّرَابِ، أَمْ كَيْفَ تُحْرِقُ أَيْدِينَا وَقَدْ رَفَعْنَاهَا بِالْذُّعَاءِ إِلَيْكَ فَيَقُولُ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ: عِبَادِي سَاءَتْ أَعْمَالُكُمْ فِي دَارِ الدُّنْيَا فَجَزَاؤُكُمْ نَارُ جَهَنَّمَ، فَيَقُولُونَ: يَا رَبَّنَا عَفْوُكَ أَعْظَمُ أَمْ حَطِيشَتُنَا؟ فَيَقُولُ عَزَّ وَجَلَّ: بَلْ عَفْوِي، فَيَقُولُونَ: رَحْمَتُكَ أَوْسَعُ أَمْ ذُنُوبُنَا؟ فَيَقُولُ عَزَّ وَجَلَّ: بَلْ رَحْمَتِي، فَيَقُولُونَ: إِفْرَارُنَا بِتَوْحِيدِكَ أَعْظَمُ أَمْ ذُنُوبُنَا، فَيَقُولُ عَزَّ وَجَلَّ: بَلْ إِفْرَارُكُمْ بِتَوْحِيدِي أَعْظَمُ، فَيَقُولُونَ: يَا رَبَّنَا فَلْيَسْعُنَا عَفْوُكَ وَرَحْمَتُكَ الَّتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ، فَيَقُولُ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ: مَلَائِكَتِي وَعِزَّتِي وَجَلَالِي مَا خَلَقْتُ خَلْقًا أَحَبَّ لِي مِنَ الْمُقَرَّبِينَ بِتَوْحِيدِي وَأَنْ لَا إِلَهَ غَيْرِي وَحَقُّ عَلَى أَنْ لَا أَضْلِي بِالنَّارِ أَهْلَ تَوْحِيدِي أَدْخِلُوا عِبَادِي الْجَنَّةَ».

١١. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوِيهِ رضي الله عنه، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْأَشْعَرِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عِمْرَانَ عَنْ

گرددن خویش رها کرده است. پس در ادای امانت بر یکدیگر پیشی بگیرید چرا که هر کس بر چیزی امین شود، ابلیس صد شیطان مرده از یاران خود را بر وی خواهد گمارد تا گمراهش کنند و نیز وسوسه می کنند تا این که نابودش کنند؛ مگر آنکه خداوند او را نگاه داشته است.

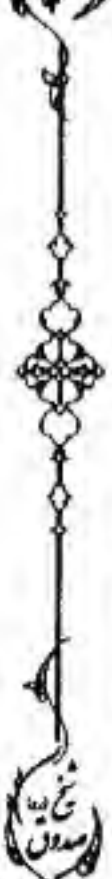
۹. امام صادق علیه السلام فرمود: ستم است که سوارهای به پیاده‌ای بگویند کنار برو.

۱۰. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: سوگند به آنکه مرا برای پیامبری برانگیخت تا بشارت بخش مردمان باشم، خداوند هرگز موحدی را گرفتار عذاب دوزخ نسازد و مؤمنان به توحید از دیگران شفاعت کرده و پذیرفته شود. آن گاه فرمود: خداوند در روز رستاخیز فرمان رفتن به دوزخ را برای کسانی می دهد که در دنیا زشت کردار بودند. آنان می گویند: خدایا ما را وارد دوزخ می سازی در حالی که به یکتایی تو باور داشتیم؟ زبان ما را گرفتار آتش می کنی که گویای یکتایی تو در دنیا بوده است؟ قلب ما را گرفتار آتش می سازی، که دوستدار تو و یکتایی بوده است؟ چگونه و رخسار ما را در آتش می سوزانی در حالی که برای تو به خاک ساییدیم؟ دست های ما را گرفتار آتش می سازی که به پیشگاه تو دراز شده و نیایش داشته است؟ خداوند می گوید: ای بندگان! در دنیا زشت کردار بودید و کیفرتان آتش دوزخ است. آنان می گویند: خدایا! گذشت تو بزرگتر است یا خطای ما؟ خدا می فرماید: گذشت من. می گویند: رحمت تو فراخ تر است یا گناهان ما؟ خدا می فرماید: رحمت من. می گویند: اقرار به توحید تو بزرگ تر است یا گناهان ما؟ خدا می فرماید: اقرار شما به توحید من. می گویند: خدایا! عفو و رحمت فراخ تو باید ما را در برگیرد. خدا می فرماید: ای فرشتگان! به عزت و جلال خودم سوگند که آفریده‌ای دوست داشتنی تر از مقربان به یکتایی‌ام نیافریده‌ام. آنان که باور دارند غیر از من معبود شایسته‌ای نیست. اینک بر من است که یکتاگرایان را گرفتار آتش دوزخ نسازم.

۱۱. امام صادق علیه السلام فرمود: آنگاه که ابراهیم علیه السلام در کوه «بیت المقدس» در پی



السلامی



أَبِيهِ عِمْرَانَ بْنِ إِسْمَاعِيلَ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبُو عَلِيٍّ الْإِنصَارِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرِ التَّمِيمِيِّ، قَالَ: قَالَ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عليه السلام: «بَيْنَا إِبْرَاهِيمُ خَلِيلُ الرَّحْمَنِ عليه السلام فِي جَبَلٍ بَيْتِ الْمُقَدَّسِ يَطْلُبُ مَرْعىَ لِعَنَمِهِ إِذْ سَمِعَ صَوْتًا فَإِذَا هُوَ بِرَجُلٍ قَائِمٍ يُصَلِّي طَوْلَهُ اثْنَا عَشَرَ شَبْرًا فَقَالَ لَهُ: يَا عَبْدَ اللَّهِ لِمَنْ تُصَلِّي، قَالَ: لِإِلَهِ السَّمَاءِ، فَقَالَ لَهُ إِبْرَاهِيمُ: هَلْ بَقِيَ أَحَدٌ مِنْ قَوْمِكَ غَيْرُكَ، قَالَ: لَا، قَالَ: فَمِنْ أَيْنَ تَأْكُلُ، قَالَ: أُجْتَنِي مِنْ هَذَا الشَّجَرِ فِي الصَّيْفِ وَآكُلُهُ فِي الشِّتَاءِ، قَالَ لَهُ: فَأَيْنَ مَنْزِلُكَ؟ فَأَوْمَى يَدِهِ إِلَى جَبَلٍ، فَقَالَ لَهُ إِبْرَاهِيمُ عليه السلام: هَلْ لَكَ أَنْ تَذْهَبَ بِي مَعَكَ فَأَبَيْتَ عِنْدَكَ اللَّيْلَةَ، فَقَالَ: إِنَّ قُدَامِي مَاءٌ لَا يُخَاضُ، قَالَ: كَيْفَ تَصْنَعُ، قَالَ: أَمْشِي عَلَيْهِ، قَالَ: فَادْهَبْ بِي مَعَكَ فَلَعَلَّ اللَّهَ أَنْ يَرْزُقَنِي مَا رَزَقَكَ، قَالَ: فَأَخَذَ الْعَابِدُ يَدَهُ فَمَضَى جَمِيعًا حَتَّى انْتَهَيَا إِلَى الْمَاءِ فَمَشَى وَمَشَى إِبْرَاهِيمُ مَعَهُ حَتَّى انْتَهَيَا إِلَى مَنْزِلِهِ، فَقَالَ لَهُ إِبْرَاهِيمُ: أَيُّ الْإَيَّامِ أَغْظَمُ؟ فَقَالَ لَهُ الْعَابِدُ: يَوْمُ الدِّينِ، يَوْمُ يُدَانُ النَّاسُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ، قَالَ: فَهَلْ لَكَ أَنْ تَرْفَعَ يَدَكَ وَأَرْفَعَ يَدِي فَتَدْعُوا اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يُؤَمِّنَنَا مِنْ شَرِّ ذَلِكَ الْيَوْمِ؟ فَقَالَ: وَمَا تَصْنَعُ بِدَعْوَتِي، فَوَاللَّهِ إِنْ لِي لَدَعْوَةٍ مُنْذُ ثَلَاثِينَ سَنَةً مَا أَجَبْتُ فِيهَا شَيْئًا، فَقَالَ لَهُ إِبْرَاهِيمُ عليه السلام: أَوْ لَا أَخْبِرُكَ لِأَيِّ شَيْءٍ اخْتَبَسْتَ دَعْوَتَكَ، قَالَ: بَلَى، قَالَ لَهُ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ إِذَا أَحَبَّ عَبْدًا اخْتَبَسَ دَعْوَتَهُ لِيُنَاجِيَهُ وَيَسْأَلَهُ وَيَطْلُبُ إِلَيْهِ، وَإِذَا أَبْغَضَ عَبْدًا عَجَّلَ لَهُ دَعْوَتَهُ أَوْ أَلْقَى فِي قَلْبِهِ الْيَأْسَ مِنْهَا، ثُمَّ قَالَ لَهُ: وَمَا كَانَتْ دَعْوَتُكَ، قَالَ: مَرَّ بِي غَنَمٌ وَمَعَهُ غُلَامٌ لَهُ ذُوَابَةٌ، فَقُلْتُ: يَا غُلَامُ لِمَنْ هَذَا الْغَنَمُ؟ فَقَالَ: لِإِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ الرَّحْمَنِ، فَقُلْتُ: اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ لَكَ فِي الْأَرْضِ خَلِيلٌ فَأَرِنِيهِ، فَقَالَ لَهُ إِبْرَاهِيمُ عليه السلام: فَقَدْ اسْتَجَابَ اللَّهُ لَكَ أَنَا إِبْرَاهِيمُ خَلِيلُ الرَّحْمَنِ فَعَانَقَهُ، فَلَمَّا بَعَثَ اللَّهُ مُحَمَّدًا عليه السلام جَاءَتْهُ الْمَصَافِحَةُ.

١٢. حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُوسَى (رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ)، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ أَبُو الْحُسَيْنِ الْأَسَدِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ الْبَرْمَكِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ التَّمِيمِيُّ عَنْ أَبِيهِ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ الْمَلِكِ بْنُ عَمِيرٍ الشَّيْبَانِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: «أَنَا سَيِّدُ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ وَأَفْضَلُ مِنَ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَأَوْصِيَائِي سَادَةُ أَوْصِيَاءِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ وَذُرِّيَّتِي أَفْضَلُ ذُرِّيَّاتِ

چراگاهی برای گوسفندان خویش بود، ناگهان صدایی شنید و سپس شخصی را دید که قد او دوازده وجب بوده و ایستاده نماز می گزارد. ابراهیم پرسید: آیا از قوم تو کسی هم مانده است؟ گفت: نه. ابراهیم پرسید: از کجا غذای خود را به دست می آوری؟ گفت: در تابستان میوه این درخت را می چینم و در زمستان آن را می خورم. ابراهیم پرسید: خانه تو کجاست؟ او به کوهی در آن نزدیکی اشاره کرد. ابراهیم پرسید: آیا مرا همراه خود می بری که امشب را با تو سپری کنم؟ گفت در راه من رود آبی است که نمی توان از آن عبور کرد. ابراهیم پرسید پس تو چگونه از آب می گذری؟ گفت: من روی آب راه می روم. ابراهیم گفت: مرا همراه خود ببر امید است که خداوند چیزی را که نصیب تو ساخته، نصیب من سازد.

مرد عابد دست ابراهیم خلیل علیه السلام را گرفت و راه افتادند. آن گاه که به رودخانه رسیدند، با هم بر روی آب عبور کردند تا اینکه به خانه عابد نزدیک شدند. ابراهیم گفت: کدام روز بزرگ تر است؟ عابد پاسخ داد: روز رستاخیز که مردمان از هم خواهند پرسید. ابراهیم گفت: آیا مایلی که با هم دست دعا به پیشگاه خدا دراز کنیم و از او بخواهیم که ما را از شر آن روز در امان نگاه دارد؟ عابد گفت: دعای من چه سودی به تو می بخشد. سوگند به خدا که سی سال است و خواسته های از خداوند دارم و هنوز برآورده نشده است؟ ابراهیم گفت: نمی خواهی تو را از راز آن آگاه سازم؟ عابد گفت: چرا. ابراهیم گفت: هرگاه خداوند بنده ای را دوست داشته باشد، خواسته او را نگاه می دارد که با او راز و نیاز کند و از او تمنا کند و او را صدا بزند. اما هرگاه بنده ای را دشمن داشته باشد، بی درنگ خواسته اش را می دهد یا یأس در قلب او می افکند. آن گاه ابراهیم گفت: ای عابد از خداوند چه خواسته ای؟ عابد گفت: روزی گله گوسفندی از کنارم گذشت که پسر گیسو بلندی همراه آن گله بود. گفتم: صاحب این گوسفندان کیست؟ گفت: ابراهیم خلیل علیه السلام. گفتم: خدایا اگر در زمین دوستی برگزیده ای، او را به من نشان ده. ابراهیم گفت: خداوند خواسته تو را پذیرفت. من همان ابراهیم خلیل هستم. آن گاه یکدیگر را بغل کردند. از آن پس که خداوند محمد صلی الله علیه و آله را به پیامبری برانگیخت مصافحه به صورت سنت بین برادران دینی در آمد.

۱۲. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: من سرور پیامبران هستم و بهتر از فرشتگان مقرب پروردگارم. و جانشینان من سروران اوصیای پیامبران هستند و نسل من برتر از نسل



السلامی



النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ وَأَصْحَابِي الَّذِينَ سَلَكَوا مِنْهَا جِي أَفْضَلُ أَصْحَابِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ وَابْنَتِي فَاطِمَةُ سَيِّدَةُ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَالطَّاهِرَاتُ مِنْ أَزْوَاجِي أُمَّهَاتُ الْمُؤْمِنِينَ وَأُمَمِي خَيْرُ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ وَأَنَا أَكْثَرُ النَّبِيِّينَ تَبَعًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلِي حَوْضٌ عَرْضُهُ مَا بَيْنَ بَصْرَى وَصَنْعَاءَ فِيهِ مِنَ الْإِبَارِيقِ عَدَدُ نَجُومِ السَّمَاءِ وَخَلِيفَتِي عَلَى الْحَوْضِ يَوْمَئِذٍ خَلِيفَتِي فِي الدُّنْيَا، فَقِيلَ وَمَنْ ذَاكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: «إِمَامُ الْمُسْلِمِينَ وَآمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَمَوْلَاهُمْ بَعْدِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ يَسْقِي مِنْهُ أَوْلِيَاءَهُ وَيَذُودُ عَنْهُ أَعْدَاءَهُ كَمَا يَذُودُ أَحَدُكُمْ الْغَرِيبَةَ مِنَ الْإِبِلِ عَنِ الْمَاءِ»، ثُمَّ قَالَ ﷺ: «مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا وَأَطَاعَهُ فِي دَارِ الدُّنْيَا وَرَدَّ عَلَى حَوْضِي غَدًا وَكَانَ مَعِيَ فِي دَرَجَتِي فِي الْجَنَّةِ، وَمَنْ أَبْغَضَ عَلِيًّا فِي دَارِ الدُّنْيَا وَغَضَاهُ لَمْ أَرَهُ وَلَمْ يَرْنِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَاخْتَلَجَ دُونِي وَأَخَذَ بِهِ ذَاتَ الشَّمَالِ إِلَى النَّارِ».

١٣. حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ نَاتَانَةَ ﷺ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْخَزَّازِ عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ ﷺ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ﷺ قَالَ: «مَنْ ذَكَرَ اسْمَ اللَّهِ عَلَى الطَّعَامِ لَمْ يُسْأَلْ عَنْ نَعِيمِ ذَلِكَ الطَّعَامِ أَبَدًا».

١٤. حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ الْكُوفِيُّ (رَحِمَهُ اللَّهُ)، قَالَ: حَدَّثَنِي جَدِّي الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَنْ جَدِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ إِسْمَاعِيلِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ ﷺ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «مَنْ وَجَدَ كِسْرَةً أَوْ تَمْرَةً فَأَكَلَهَا لَمْ يُفَارِقْ جَوْفَهُ حَتَّى يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُ».

١٥. حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ نَضْرٍ بْنُ سَمْعَانَ التَّيْمِيُّ (رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ)، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْمَكِّيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ عَبْدُ اللَّهِ (عَبْدُ اللَّهِ)، بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرٍو الْحَرَّانِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا صَالِحُ بْنُ زِيَادٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو عُثْمَانَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَيْمُونٍ الشُّكْرِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَعْرِزٍ الْأَوْدِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا عُمَرَانُ بْنُ سُلَيْمٍ عَنْ طَاوُسِ الْيَمَانِيِّ، قَالَ: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ سَيِّدُ الْعَابِدِينَ ﷺ يَدْعُو بِهَذَا الدُّعَاءِ: إِلَهِي وَعِزَّتِكَ وَجَلَالِكَ وَعَظَمَتِكَ لَوْ أَنِّي مِنْذُ بَدَعْتُ فَطَرْتَنِي مِنْ أَوَّلِ الدَّهْرِ عَبْدَتُكَ دَوَامَ خُلُودِ رُبُوبِيَّتِكَ بِكُلِّ شَعْرَةٍ فِي كُلِّ طَرْفَةِ عَيْنٍ سَرْمَدَ الْآبِدِ بِحَمْدِ الْخَلَائِقِ وَشُكْرِهِمْ أَجْمَعِينَ لَكُنْتُ مُقْصِرًا فِي

پیامبران و دخترم فاطمه سرور زنان جهان است و زنان طاهره ام مادران اهل ایمان هستند. و امت من نیکوترین امتی است که برای خداوند به پای خواسته‌اند. در روز رستاخیز پیروان من فزون‌تر از پیروان پیامبران دیگر خواهد بود. من حوضی خواهم داشت که فراخی آن به فاصله میان بصری و صنعاست. و به شمار ستارگان در حوض من ابریق وجود دارد. جانشین من سر حوض، جانشین من در دنیا است. پرسیدند: او کیست؟ فرمود: پیشوای مسلمانان و امیرمؤمنان و مولای آنان علی بن ابی طالب علیه السلام است که دوستان خویش را از حوض سیراب کرده و دشمنان خود را از آن دور خواهد کرد، همان سان که تنی از شما شتران غریبه را از سر آب می‌رانید. آنگاه فرمود: هر کس علی را دوست داشته باشد و در دنیا فرمانبرش باشد، در قیامت سر حوض بر من وارد شده و در بهشت همراه من در همان مرتبه بلند خواهد بود. و هر کس علی را دشمن داشته باشد و از او فرمان نبرد، در رستاخیز او را نخواهم دید و او مرا نخواهد دید. او که از من جدا افتاده، دچار هراس و لرز می‌شود و از سمت چپ به دوزخ کشانده خواهد شد.

۱۳. علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود: هر کس نام خداوند را بر خوراکی خود آورد، خداوند از حق آن نعمت سؤال نکند.

۱۴. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس پاره نانی یا دانه خرمایی پیدا کند و آن را از زمین بردارد و بخورد جذب بدن او نشود، مگر اینکه خداوند او را بیمارزد.

۱۵. طاووس یمانی می‌گوید: علی بن حسین علیه السلام سرور پرستندگان بود، همواره این نیایش را داشت: خدایا! به عزت و جلال و عظمت خودت، اگر من از آن زمان که فطرت مرا آشکار کردی از آغاز حیات تا ابدیت خداوندی ات تو را می‌پرستم، در هر مویی در هر چشم بر هم زدنی تا سرمد ابدی به ستایش و سپاس همه آفریدگان، بی‌گمان همه آفریدگان در دست یابی به مرتبه سپاس‌گزاری ات در برابر پنهان‌ترین نعمت‌های تو کوتاهی ورزیده‌ام. اگر من معدن‌های آهن دنیا را با دندان خود از جای کنده و زمین‌های آن را با مرغان



بُلُوعِ أَداءِ شُكْرِ أَخْفَى نِعْمَةٍ مِنْ نِعَمِكَ عَلَيَّ وَلَوْ أَنِّي كَرِهْتُ مَعَادِنَ حَدِيدِ الدُّنْيَا بِأَتْيَابِي وَ
حَرَّيْتُ أَرْضَهَا بِأَشْفَارِ عَيْنِي وَبَكَيْتُ مِنْ خَشْيَتِكَ مِثْلَ بُحُورِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَيْنِ دَمًا
وَ صَدِيدًا لَكَانَ ذَلِكَ قَلِيلًا فِي كَثِيرٍ مَا يَجِبُ مِنْ حَقِّكَ عَلَيَّ وَلَوْ أَنَّكَ إِلَهِي عَذَّبْتَنِي بَعْدَ
ذَلِكَ بِعَذَابِ الْخَلَائِقِ أَجْمَعِينَ وَ عَظَّمْتَ لِلنَّارِ خَلْقِي وَ جَسَمِي وَ مَلَأْتَ جَهَنَّمَ وَ أَطْبَقْتَهَا
مِنِّي حَتَّى لَا يَكُونَ فِي النَّارِ مُعَذِّبٌ غَيْرِي وَلَا يَكُونَ لِجَهَنَّمَ حَطَبٌ سِوَايَ لَكَانَ ذَلِكَ
بِعَذْلِكَ عَلَيَّ قَلِيلًا فِي كَثِيرٍ مَا اسْتَوْجَبْتُهُ مِنْ عُقُوبَتِكَ.

١٦. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ السَّنَابِيُّ (رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ)، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي
عَبْدِ اللَّهِ الْأَسَدِيُّ الْكُوفِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ النَّخَعِيُّ عَنْ عَمِّهِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ
عَنْ عَلِيِّ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ طَرِيفٍ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: قَالَ
رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «يَا عَلِيُّ أَنْتَ إِمَامُ الْمُسْلِمِينَ وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَ قَائِدُ الْغُرِّ الْمُحْجَلِينَ
وَ حُجَّةُ اللَّهِ بَعْدِي عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ وَ سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ وَ وَصِيَّ سَيِّدِ النَّبِيِّينَ، يَا عَلِيُّ إِنَّهُ لَمَّا
عُرِجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ السَّابِعَةِ وَ مِنْهَا إِلَى سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى وَ مِنْهَا إِلَى حُجُبِ النُّورِ وَ أَكْرَمَنِي
رَبِّي جَلَّ جَلَالُهُ بِمُنَاجَاتِهِ، قَالَ لِي: يَا مُحَمَّدُ قُلْتُ: لَبَّيْكَ رَبِّي وَ سَعْدَيْكَ تَبَارَكْتَ وَ
تَعَالَيْتَ، قَالَ: إِنَّ عَلِيًّا إِمَامٌ أَوْلِيَّائِي وَ نُورٌ لِمَنْ أَطَاعَنِي وَ هُوَ الْكَلِمَةُ الَّتِي أَلَزَمْتُهَا الْمُتَّقِينَ
مَنْ أَطَاعَهُ أَطَاعَنِي وَ مَنْ عَصَاهُ عَصَانِي فَبَشَّرُهُ بِذَلِكَ، فَقَالَ عَلِيُّ ﷺ: يَا رَسُولَ اللَّهِ بَلَغَ مِنْ
قُدْرِي حَتَّى إِنِّي أَذْكُرُ هُنَاكَ، فَقَالَ: نَعَمْ يَا عَلِيُّ ﷺ فَاشْكُرْ رَبَّكَ فَخَرَّ عَلِيُّ سَاجِدًا شُكْرًا
لِلَّهِ عَلَى مَا أَنْعَمَ بِهِ عَلَيْهِ، فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: ارْفَعْ رَأْسَكَ يَا عَلِيُّ فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ بَاهَى
بِكَ مَلَائِكَتَهُ.

چشمانم شخم زنم و بذری بکارم و از هراس تو همانند دریا‌های آسمان و زمین خون بگیریم بی‌گمان در برابر فزونی حق واجب تو بر من این همه ناچیز است. و اگر خدایا تو از این پس مرا چنان دچار عذاب سازی که گویی عذاب همه مردمان را بر من فرو ریختی و دوزخ را برای همه آفریدگان خود فراخ کنی و دوزخ را از من آکنده سازی و تن من و غیر از من دوزخی نباشد و غیر از من هیثم دوزخی نباشد، این همه برابر عدل است نسبت به کسی مثل من که سزاوار کیفرت شده‌ام.

۱۶. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: ای علی! تو پیشوای مسلمانان هستی و امیر مؤمنان و حجت خداوند بر تمامی مردمان. ای علی! تو سرور اوصیای من خواهی بود و نیز وصی سرور پیامبران. ای علی! آنگاه که مرا به آسمان هفتم بالا بردند و از آن جا به «سدره المنتهی» نزدیک شدم و از آن جا به پرده‌هایی از نور رسیدم و سپس پروردگارم مرا به مناجات خود ارج نهاد و چنین فرمود: ای محمد! گفتم لبیک ربی سعیدیک تبارکت و تعالیت. فرمود: به راستی که علی امام دوستان من است و برای هر کس که فرمان ببرد، نور است. علی همان کلمه بایسته پارسایان است. هر کس او را فرمان برد، مرا فرمان برده است و هر کس او را فرمان نبرد، مرا فرمان نبرده است. علی را به این منزلت بشارت ده. گفتم: ای پیامبر خدا! آیا منزلت ما به جایی رسیده است که در معراج تو یاد شوم؟ فرمود: آری. ای علی! پروردگارت را سپاس بگزار آنگاه علی علیه السلام صورت بر خاک گذاشت و برای سپاس نعمت بزرگی که خداوند به او ارزانی داشته بود، سجده کرد. آنگاه رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: ای علی سر از سجده بردار که خداوند به سبب تو بر فرشتگان خویش می‌بالد.



السلام

المجلس الخمسون

يوم الثلاثاء لأربعة عشر بقين من شهر ربيع الأول

من سنة ثمان وستين وثلاثمائة

١. حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوَيْهِ الْقُمِّيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ بْنِ سَعْدَانَ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ عَنِ الصَّادِقِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «إِذَا عَطَسَ الْمَرْءُ الْمُسْلِمُ ثُمَّ سَكَتَ لِعَلَّةَ تَكُونُ بِهِ، قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ عَنْهُ: الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، فَإِنْ قَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ: يَغْفِرُ اللَّهُ لَكَ».

٢. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عِيْسَى بْنِ عُبَيْدٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «قَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ: يَا عِبَادِيَ الصَّادِقِينَ تَنَعَّمُوا بِعِبَادَتِي فِي الدُّنْيَا فَإِنَّكُمْ بِهَا تَنَعَّمُونَ فِي الْجَنَّةِ».

٣. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ هَاشِمٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ الْحَسَنِ الْقُرَشِيِّ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ جَعْفَرِ الْبَصْرِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ زَيْدٍ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

«إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى كَرِهَ لَكُمْ أَيْتُهَا الْأُمَّةُ أَرْبَعًا وَعِشْرِينَ خَصْلَةً وَنَهَاكُمْ عَنْهَا، كَرِهَ لَكُمْ الْعَبَثَ فِي الصَّلَاةِ وَكَرِهَ الْمَنَّ فِي الصَّدَقَةِ وَكَرِهَ الضَّحِكَ بَيْنَ الْقُبُورِ وَكَرِهَ التَّطَلُّعَ فِي الدُّوْرِ وَكَرِهَ النَّظَرَ إِلَى فُرُوجِ النِّسَاءِ، وَقَالَ: يُورِثُ الْعَمَى وَكَرِهَ الْكَلَامَ عِنْدَ الْجَمَاعِ، وَقَالَ: يُورِثُ الْخَرَسَ وَكَرِهَ النَّوْمَ قَبْلَ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ وَكَرِهَ الْحَدِيثَ بَعْدَ الْعِشَاءِ

مصدق

مجلس پنجاهم

سه شنبه شانزدهم ربیع اول سال ۳۶۸

السلامی

۱. پیامبر اسلام ﷺ فرمود: آن گاه که مسلمانی عطسه کند و بعد آرام شود، برای علتی که در اوست، فرشتگان از جانب خداوند، گویند الحمد لله رب العالمین. و اگر او گفت: الحمد لله رب العالمین فرشتگان، پاسخ دهند که خداوند تو را بیمارزد.



۲. پیامبر اسلام ﷺ فرمود: خداوند می فرماید ای پیندگان راست کردار من در دنیا همواره از عبادت من برخوردار شوید که از رهگذر آن در بهشت برخوردار خواهید شد.

۳. پیامبر اسلام ﷺ فرمود: ای مردمان خداوند برای شما بیست و چهار چیز را ناخوشایند داشته و از آن بازداشته است: بازی کردن در نماز، منت در صدقه دادن، نگرستن به حیاط خانه‌ها، نگرستن به شرمگاه زنان، سخن گفتن در هنگام نزدیکی با زنان که ممکن است فرزندشان را لال کند، خوابیدن قبل از نماز عشا، غسل کردن در

سخن گفتن

الْأَخِرَةَ وَكَرِهَ الْغُسْلَ تَحْتَ السَّمَاءِ بِغَيْرِ مِثْرٍ وَكَرِهَ الْمُجَامَعَةَ تَحْتَ السَّمَاءِ وَكَرِهَ دُخُولَ
الْأَنْهَارِ إِلَّا بِمِثْرٍ، وَقَالَ: فِي الْأَنْهَارِ عُمَارٌ وَسُكُنٌ مِنَ الْمَلَائِكَةِ وَكَرِهَ دُخُولَ الْحَمَامَاتِ
إِلَّا بِمِثْرٍ وَكَرِهَ الْكَلَامَ بَيْنَ الْأَذَانِ وَالْإِقَامَةِ فِي صَلَاةِ الْغَدَاةِ حَتَّى تُقْضَى الصَّلَاةُ وَكَرِهَ
رُكُوبَ الْبَحْرِ فِي هَيْجَانِهِ وَكَرِهَ الثُّومَ فَوْقَ سَطْحٍ لَيْسَ بِمُحَجَّرٍ وَقَالَ: مَنْ نَامَ عَلَى سَطْحٍ
غَيْرِ مُحَجَّرٍ فَبَرِثَتْ مِنْهُ الدِّمَةُ وَكَرِهَ أَنْ يَنَامَ الرَّجُلُ فِي بَيْتٍ وَحْدَهُ وَكَرِهَ لِلرَّجُلِ أَنْ
يَغْشَى امْرَأَةً وَهِيَ حَائِضٌ، فَإِنْ غَشَّهَا وَخَرَجَ الْوَلَدُ مَجْدُومًا أَوْ أَبْرَصَ فَلَا يَلُومَنَّ إِلَّا
نَفْسَهُ وَكَرِهَ أَنْ يَغْشَى الرَّجُلُ الْمَرْأَةَ وَقَدْ اخْتَلَمَ حَتَّى يَغْتَسِلَ مِنْ اخْتِلَامِهِ الَّذِي رَأَى فَإِنْ
فَعَلَ وَخَرَجَ الْوَلَدُ مَجْنُونًا فَلَا يَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ وَكَرِهَ أَنْ يَتَكَلَّمَ الرَّجُلُ مَجْدُومًا إِلَّا أَنْ
يَكُونَ بَيْنَهُ وَبَيْنَهُ قَدْرُ ذِرَاعٍ وَقَالَ: فَرَمِنَ الْمَجْدُومِ فِرَارُكَ مِنَ الْأَسَدِ وَكَرِهَ الْبَوْلَ عَلَى
شَطْنَهْرِ جَارٍ وَكَرِهَ أَنْ يُحَدِّثَ الرَّجُلُ تَحْتَ شَجَرَةٍ قَدْ أُيْنِعَتْ أَوْ نَخْلَةٍ قَدْ أُيْنِعَتْ يَعْنِي
أُثْمِرَتْ وَكَرِهَ أَنْ يَتَنَعَّلَ الرَّجُلُ وَهُوَ قَائِمٌ وَكَرِهَ أَنْ يَدْخُلَ الرَّجُلُ الْبَيْتَ الْمُظْلِمَ إِلَّا أَنْ
يَكُونَ بَيْنَ يَدَيْهِ سِرَاجٌ أَوْ نَارٌ وَكَرِهَ الثَّفْعَ فِي الصَّلَاةِ.

٤. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَا جِيلَوِيهِ رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ، قَالَ:
حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عَمَارِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ
سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ عليه السلام قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَنْعَمَ عَلَى قَوْمٍ بِالْمَوَاهِبِ فَلَمْ
يَشْكُرُوا فَصَارَتْ عَلَيْهِمْ وَبَالًا وَابْتُلَى قَوْمًا بِالْمَصَائِبِ فَصَبَرُوا فَصَارَتْ عَلَيْهِمْ نِعْمَةً».

٥. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارُ رحمته الله، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ
يَحْيَى الْأَشْعَرِيِّ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمُزَخْرَفِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقْبَةَ
عَنِ ابْنِ بَكِيرٍ قَالَ: أَخَذَ الْحَجَّاجُ مَوْلِيَيْنِ لِعَلِيِّ عليه السلام فَقَالَ لِأَحَدِهِمَا: ابْرَأْ مِنْ عَلِيٍّ، فَقَالَ: مَا
جَزَائِي إِنْ لَمْ أَبْرَأْ مِنْهُ؟ فَقَالَ: قَتَلَنِي اللَّهُ إِنْ لَمْ أَقْتُلْكَ فَأَخْتَرْتُ لِنَفْسِكَ قَطْعَ يَدَيْكَ أَوْ
رِجْلَيْكَ، قَالَ: فَقَالَ لَهُ الرَّجُلُ: هُوَ الْقِصَاصُ فَأَخْتَرْتُ لِنَفْسِكَ تَاللَّهِ إِنِّي لَأَرَى لَكَ لِسَانًا وَ
مَا أَظُنُّكَ تَذَرِي مَنْ خَلَقَكَ أَيْنَ رَبِّكَ، قَالَ: هُوَ بِالْمِرْصَادِ لِكُلِّ ظَالِمٍ فَأَمَرَ بِقَطْعِ يَدَيْهِ وَ
رِجْلَيْهِ وَصَلَبَهُ، قَالَ: ثُمَّ قَدَّمَ صَاحِبَهُ الْآخَرَ فَقَالَ: مَا تَقُولُ؟ فَقَالَ: أَنَا عَلَى رَأْيِ صَاحِبِي،
قَالَ: فَأَمَرَ أَنْ يُضْرَبَ عُنُقُهُ وَيُصَلَّبَ.

فضای باز و بدون پوشش، نزدیکی با زنان در فضای باز، آب تنی کردن در نهر آب در فضای باز، چون برخی فرشتگان حضور دارند، بدون پوشش به حمام در آمدن، سخن گفتن بین اذان و اقامه در نماز بامداد، و تا هنگام پایان نماز، سفر دریایی در کولاک، خوابیدن بر پشت بام بدون نرده که خون او برگردن خودش خواهد بود. تنها در خانه خفتن، نزدیکی با زن حائض که ممکن است فرزندی از او به دنیا بیاید و به خوره یا پیسی گرفتار شود. نزدیکی با زن بعد از احتلام و قبل از غسل. زیرا ممکن است فرزندشان جنون پیدا کند و سزاوار ملامت شوند. سخن گفتن با جذامیان بدون فاصله یک قدمی. از جذامی باید گریخت مثل گریختن از شیر. بول کردن آب روان، و مدفوع انداختن زیر درخت یا نخل میوه دار، در حال ایستادن کفش پوشیدن و بدون چراغ پای به خانه تاریک گذاشتن فوت کردن در حال نماز.

۴. امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند امتی را از نعمت و موهبت برخوردار کرد و آنان سپاس گزاری نکردند و نعمت به صورت وبال درآمد. اما خداوند امتی دیگر را گرفتار ساخت و آنان شکیبایی کردند و بلا برای آنان به شکل نعمت درآمد.

۵. ابن بکیر می گوید: حجاج ستمگر، دو نفر از دوستان علی علیه السلام را بازداشت کرد و به یکی از آنان گفت: از علی اظهار بیزاری کن. او گفت: اگر چنین نکنم، چه خواهی کرد؟ حجاج گفت: خدا مرا بکشد، اگر تو را به قتل نرسانم. اکنون بین بریدن دستان و پاهای خود یکی را انتخاب کن. دوستدار علی علیه السلام پاسخ داد که روز قصاص نزدیک است. تو نیز یکی را برای خود انتخاب کن. حجاج خشمگینانه گفت: چه زبان تیز و گزنده ای داری. چنین می پندارم که تو نمی دانی که چه کسی تو را خلق کرده است. اکنون خدای تو کجاست؟ دوستدار علی علیه السلام گفت: در کمین هر ستمگر است. آنگاه حجاج فرمان داد که دستان و پاهای او را بریدند و سپس او را به دار آویختند. به دومی نگاه کرد و گفت: تو چه بر زبان می آوری؟ گفت: من هم کیش دوست خود هستم. حجاج فرمان داد تا گردن او را زده و به دار آویزند.

٦. حَدَّثَنَا أَبِي عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ التُّفَيْلِيُّ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْهَمْدَانِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْهَادِي عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرُّضَا عليه السلام عَنْ الْأَمَامِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْبَاقِرِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ سَيِّدِ الْعَابِدِينَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ سَيِّدِ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ الْحُسَيْنِ عَنْ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ عَلِيٍّ عَنْ سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ مُحَمَّدٍ عليه السلام قَالَ: «لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَصَوْمِهِمْ وَكَثْرَةِ الْحَجِّ وَالْمَعْرُوفِ وَطَنُطْنَتِهِمْ بِاللَّيْلِ انْظُرُوا إِلَى صِدْقِ الْحَدِيثِ وَأَدَاءِ الْأَمَانَةِ».

٧. حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ عَيْسَى النَّهْرِيِّ (النَّهْرِي) عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: «مَنْ عَزَفَ اللَّهَ وَعَظَّمَهُ مَنَعَ فَأَهُ مِنَ الْكَلَامِ وَبَطَنَهُ مِنَ الطَّعَامِ وَغَنَّا نَفْسَهُ بِالصَّيَامِ وَالْقِيَامِ»، قَالُوا: يَا بَنَاتِنَا وَأُمَهَاتِنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله هَؤُلَاءِ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ، قَالَ: «إِنْ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ سَكَنُوا فَكَانَ سُكُونُهُمْ فِكْرًا وَتَكَلَّمُوا فَكَانَ كَلَامُهُمْ ذِكْرًا وَنَظَرُوا فَكَانَ نَظَرُهُمْ عِبْرَةً وَنَطَقُوا فَكَانَ نُطْقُهُمْ حِكْمَةً وَمَشَوْا فَكَانَ مَشْيُهُمْ بَيْنَ النَّاسِ بَرَكَهٌ لَوْ لَا الْأَجَالُ الَّتِي قَدْ كُتِبَتْ عَلَيْهِمْ لَمْ تَسْتَقِرَّ أَرْوَاحُهُمْ فِي أَجْسَادِهِمْ خَوْفًا مِنَ الْعَذَابِ وَشَوْقًا إِلَى الثَّوَابِ».

٨. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْغَطَّارُ عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ عَنْ أَبِي جَعْفَرِ الْبَاقِرِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عليه السلام، قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: «مَنْ وَقَفَ نَفْسُهُ مَوْقِفَ التَّهْمَةِ فَلَا يَلُومَنَّ مَنْ أَسَاءَ بِهِ الظَّنَّ، وَمَنْ كَتَمَ سِرَّهُ كَانَتْ الْخَيْرَةُ بِيَدِهِ وَكُلُّ حَدِيثٍ جَاوَزَ اثْنَيْنِ فَشَا وَضَعَ أَمْرَ أَخِيكَ عَلَى أَحْسَنِهِ حَتَّى يَأْتِيكَ مِنْهُ مَا يَغْلِبُكَ وَلَا تَنْظُنَّ بِكَلِمَةٍ خَرَجَتْ مِنْ أَخِيكَ سُوءًا وَأَنْتَ تَجِدُ لَهَا فِي الْخَيْرِ مَحْمِلًا وَعَلَيْكَ بِإِخْوَانِ الصَّدَقِ فَأَكْثَرُ مِنْ اكْتِسَابِهِمْ فَإِنَّهُمْ عُدَّةٌ عِنْدَ الرَّحَاءِ وَجُنَّةٌ عِنْدَ الْبَلَاءِ وَشَاوِرٌ فِي حَدِيثِكَ الَّذِينَ يَخَافُونَ اللَّهَ وَأَحِبُّ الْإِخْوَانَ عَلَى قَدْرِ التَّقْوَى وَاتَّقُوا شَرَارَ النِّسَاءِ وَكُونُوا مِنْ خِيَارِهِنَّ عَلَى حَذَرٍ إِنْ أَمَرْنَاكُمْ بِالْمَعْرُوفِ فَخَالِفُوهُنَّ كَيْلًا يَطْمَعَنَّ مِنْكُمْ فِي الْمُنْكَرِ».

٩. حَدَّثَنَا أَبِي (رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ)، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ أَحْمَدَ الْمَالِكِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ

۶. پیامبر اسلام ﷺ فرمود: به نماز و روزه فراوان یا حج و احسان زیاد و شب زنده داری شان نگاه نکنید! بنگرید که راست کرداری و امانت داری شان چگونه است؟

۷. پیامبر اکرم ﷺ فرمود: هر کس خداوند را شناخته و او را بزرگ داشت، بی گمان برای نماز و روزه دهان خود را از سخن و معده اش را از خوراکی به سختی ببندد. گفتند: پدر و مادرمان فدای تو باد ای پیامبر خدا ﷺ! آیا این کسان اولیاء الله هستند؟ فرمود: اولیای الهی آن گاه که خاموش هستند می اندیشند و آن گاه که سخن می رانند، یاد خداوند دارند. نگرستن آنان عبرت است و سخنشان حکمت و روش آنان در بین مردم برکت آمیز است. اگر اجل برای آنان مقدر نشده بوده آنان از هراس عذاب الهی یا شوق پاداش حق در پوست خود جای نمی گرفتند.



۸. امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: هر کس خویشتن را در معرض اتهام آورد، نباید کسی را ملامت کند که به او بدگمان شده است. و هر کس راز خویشتن را پنهان دارد، صاحب آن است. و هر سخن که به دیگر می گفته شود، پراکنده می شود. به برادر دینی خود خوش گمان باش تا هنگامی که باطن او بر تو آشکار شود. سخن او را به ناروا معنائکن تا هنگامی که می توان برداشتی نیک از شخصیت وی داشت. برادران دینی یک رنگ بسیار داشته باش که آنان حامیان تو در دوران نعمت و به هنگام دشواری خواهند بود. با کسانی مشورت کن که تقوای الهی دارند و دوستان خود را به اندازه ای که پروا پیشگی دارند، دوست داشته باش. از زنان بد فرار کن و از زنان خوب نیز بر حذر بمان. اگر آنان فرمان نیکی هم دادند، نپذیرید که مبادا طمع کرده و شما را به بدکاری وادارند.

۹. علی بن مؤل می گوید: امام کاظم علیه السلام دیدم که خضاب سرخ رنگی داشت. گفتم:



السلام



عَلِيَّ بْنِ الْمُؤَمَّلِ قَالَ: لَقِيتُ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ عليه السلام وَكَانَ يَخْضِبُ بِالْحُمْرَةِ فَقُلْتُ: جُعِلْتُ
فِدَاكَ لَيْسَ هَذَا مِنْ خِصَابِ أَهْلِكَ، فَقَالَ: «أَجَلُ كُنْتُ أَخْضِبُ بِالْوَسْمَةِ فَتَحَرَّكَتْ عَلَيَّ
أَسْنَانِي إِنَّ الرَّجُلَ كَانَ إِذَا أَسْلَمَ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ فَعَلَ ذَلِكَ، وَلَقَدْ خَضَبَ أَمِيرُ
الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام بِالصُّفْرَةِ فَبَلَغَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله ذَلِكَ، فَقَالَ: إِسْلَامُ فَخَضَبَهُ بِالْحُمْرَةِ فَبَلَغَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله
ذَلِكَ، فَقَالَ: إِسْلَامُ وَإِيمَانُ فَخَضَبَهُ بِالسَّوَادِ فَبَلَغَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله ذَلِكَ، فَقَالَ: إِسْلَامُ وَإِيمَانُ وَ
نُورٌ».

١٠. حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ نَاقَانَةَ عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ
مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبُخْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ عليه السلام: «تَقْلِيمُ الْأَظْفَارِ
وَأَخْذُ الشَّارِبِ مِنَ الْجُمُعَةِ إِلَى الْجُمُعَةِ أَمَانٌ مِنَ الْجَذَامِ».

١١. حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْوَرَّاقُ، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ
مَهْزِيَارٍ عَنْ أَخِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ الْخَرِثِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الشُّعْمَانَ الْأَحْوَلِ
صَاحِبِ الطَّاقِ عَنْ جَمِيلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ عليه السلام عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ
اللَّهِ صلى الله عليه وآله: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَكُونَ أَكْرَمَ النَّاسِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ، وَمَنْ أَحَبَّ أَنْ يَكُونَ أَتْقَى النَّاسِ
فَلْيَتَّقِ اللَّهَ، وَمَنْ أَحَبَّ أَنْ يَكُونَ أَغْنَى النَّاسِ فَلْيَكُنْ بِمَا عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَوْثَقَ مِنْهُ
بِمَا فِي يَدِهِ»، ثُمَّ قَالَ عليه السلام: «أَلَا أُبَشِّرُكُمْ بِشَرِّ النَّاسِ؟» قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: «مَنْ
أَبْغَضَ النَّاسَ وَأَبْغَضَهُ النَّاسُ»، ثُمَّ قَالَ: «أَلَا أُبَشِّرُكُمْ بِشَرِّ مِنْ هَذَا؟» قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ،
قَالَ: «الَّذِي لَا يَقِيلُ عَشْرَةَ وَلَا يَقْبَلُ مَعْدِرَةَ وَلَا يَغْفِرُ ذَنْبًا»، ثُمَّ قَالَ: «أَلَا أُبَشِّرُكُمْ بِشَرِّ مِنْ
هَذَا؟» قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: «مَنْ لَا يُؤْمِنُ شَرُّهُ وَلَا يُرْجَى خَيْرُهُ، إِنَّ عِيسَى بْنُ
مَرْيَمَ عليه السلام قَامَ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ فَقَالَ: يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تُحَدِّثُوا بِالْحِكْمَةِ الْجُهَالِ فَتُظْلِمُواهَا
وَلَا تَمْنَعُوا أَهْلِهَا فَتُظْلِمُواهُمْ وَلَا تُعِينُوا الظَّالِمَ عَلَى ظُلْمِهِ فَيَبْطُلَ فَضْلُكُمْ، الْأُمُورُ ثَلَاثَةٌ
أَمْرٌ تَبَيَّنَ لَكَ رُشْدُهُ فَاتَّبِعْهُ، وَأَمْرٌ تَبَيَّنَ لَكَ غَيُّهُ فَاجْتَنِبْهُ، وَأَمْرٌ اخْتَلَفَ فِيهِ فَرُدَّهُ إِلَى اللَّهِ
عَزَّ وَجَلَّ».

١٢. حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ الْكُوفِيِّ
(رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ)، قَالَ: حَدَّثَنِي جَدِّي الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَنْ جَدِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ

فدای تو شوم، این خضاب، خضاب خاندان شما نیست. فرمود: چرا؟ من با وسه خضاب می‌کردم که سبب لق شدن دندانهایم شد. هرکس که در روزگار پیامبر ﷺ به اسلام گرایید، ریش خود را رنگ می‌کرد. امیر مؤمنان رنگ زرد می‌زد که به پیامبر گزارش آن رسید. آن حضرت فرمود: این اسلام است. آنگاه که علی ﷺ رنگ سرخ استفاده کرد، پیامبر فرمود: این اسلام است و ایمان. و آنگاه که علی ﷺ رنگ سیاه به کار برد و گزارش آن به پیامبر ﷺ رسید، فرمود: این اسلام است و ایمان و نور.

۱۰. امام صادق ﷺ فرمود: گرفتن ناخن و زدن شارب در جمعه سبب پیش‌گیری از بیماری خوره می‌شود.

۱۱. پیامبر اکرم ﷺ هرکس که مایل است ارجمندترین کسان باشد، بایستی از خداوند بترسد. و هرکس که مایل است پارساترین کسان باشد، می‌باید به خداوند توکل کند. و هرکس که مایل است بی‌نیازترین کسان باشد، می‌باید به آنچه پیش پروردگار است، بیش از دیگران مطمئن شود تا آن چه پیش اوست. آنگاه فرمود: آیا شما را از بدترین کسان خبر ندهم؟ گفتند: چرا ای پیامبر خدا. فرمود: هرکس که دشمن مردم است، مردم او را دشمن خویش بشناسند و فرمود: آیا شما را از شخصی بدتر از او خبر ندهم؟ گفتند: چرا ای پیامبر خدا. فرمود: هرکس که لغزش دیگران را نادیده نگیرد و عذرشان را قبول نکند و گناهشان را نبخشاید. آنگاه فرمود: آیا شما را از شخصی بدتر از وی خبر ندهم؟ گفتند: چرا ای پیامبر خدا. فرمود: هرکس که مردمان از شر او آسایش نداشته باشند و نیز به نیکی رفتارشان امیدوار نباشند. بعد چنین فرمود: حضرت عیسی ﷺ در میان قوم بنی اسرائیل بلند شد و فرمود: ای بنی اسرائیل! هرگز حکمت را به نادان‌ها تعلیم ندهید که بر حکمت ستم روا داشته‌اید، و حکمت را از شایستگان مضایقه نکنید که به آنان ستم روا داشته‌اید و به ستمکار در ستمگری‌اش کمک نکنید تا فضیلت خود را تباه سازید. بدانید که کارها سه گونه‌اند: کاری که راه آن آشکار است، از چنین کاری پیروی کنید و کاری که سرگردانی آن آشکار است از چنین کاری دوری کنید و کاری که ابهام و اختلاف دارد. چنین کاری را به خداوند واگذارید.

۱۲. پیامبر ﷺ فرمود: خداوند به داود پیامبر ﷺ چنین وحی فرستاد: ای داودا همان

إِسْمَاعِيلُ بْنُ مُسْلِمٍ السَّكُونِيُّ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام، قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله: «أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى دَاوُدَ عليه السلام يَا دَاوُدُ كَمَا لَا تَضِيقُ الشَّمْسُ عَلَى مَنْ جَلَسَ فِيهَا، كَذَلِكَ لَا تَضِيقُ رَحْمَتِي عَلَى مَنْ دَخَلَ فِيهَا، وَكَمَا لَا تَضُرُّ الطَّيْرَةُ مَنْ لَا يَتَطَيَّرُ مِنْهَا، كَذَلِكَ لَا يَنْجُو مِنَ الْفِتْنَةِ الْمُتَطَيِّرُونَ، وَكَمَا أَنَّ أَقْرَبَ النَّاسِ مِنِّي يَوْمَ الْقِيَامَةِ الْمُتَوَاضِعُونَ، كَذَلِكَ أَبْعَدُ النَّاسِ مِنِّي يَوْمَ الْقِيَامَةِ الْمُتَكَبِّرُونَ».

١٣. حَدَّثَنَا أَبِي عليه السلام، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنُ سَعِيدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جُمُهورٍ الْعَمِّيِّ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ عليه السلام قَالَ: «مَنْ حَفِظَ مِنْ شِيعَتِنَا أَرْبَعِينَ حَدِيثًا بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَالِمًا فَقِيهاً وَلَمْ يُعَذِّبْهُ».

١٤. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ أَبِي حَاتِمٍ قَالَ: حَدَّثَنِي هَارُونَ بْنُ إِسْحَاقَ التَّهْمَنَانِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنِي عَبْدَةُ بْنُ سُلَيْمَانَ، قَالَ: حَدَّثَنَا كَامِلُ بْنُ الْعَلَاءِ، قَالَ: حَدَّثَنَا حَبِيبُ بْنُ أَبِي ثَابِتٍ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله: لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام: «يَا عَلِيُّ أَنْتَ صَاحِبُ حَوْضِي وَصَاحِبُ لَوَائِي وَمُنْجِزُ عِدَاتِي وَحَبِيبُ قَلْبِي وَوَارِثُ عِلْمِي وَأَنْتَ مُسْتَوْدَعُ مَوَارِيثِ الْأَنْبِيَاءِ وَأَنْتَ أَمِيرُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَأَنْتَ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى بَرِيَّتِهِ وَأَنْتَ رُكْنُ الْإِيمَانِ وَأَنْتَ مِصْبَاحُ الدُّجَى وَأَنْتَ مَنَارُ الْهُدَى وَأَنْتَ الْعِلْمُ الْمَرْفُوعُ لِأَهْلِ الدُّنْيَا مَنْ تَبِعَكَ نَجَا وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْكَ هَلَكَ وَأَنْتَ الطَّرِيقُ الْوَاضِعُ وَأَنْتَ الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ وَأَنْتَ قَائِدُ الْغُرِّ الْمُحْجَلِينَ وَأَنْتَ يَغُثُّوْبُ الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْتَ مَوْلَى مَنْ أَنَا مَوْلَاهُ وَأَنَا مَوْلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ، لَا يُحِبُّكَ إِلَّا طَاهِرُ الْوِلَادَةِ وَلَا يُبْغِضُكَ إِلَّا خَبِيثُ الْوِلَادَةِ وَمَا عَزَجَ بِي رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ إِلَى السَّمَاءِ قَطُّ وَكَلَّمَنِي رَبِّي إِلَّا قَالَ لِي: يَا مُحَمَّدُ أَقْرَبُ عَلَيَّاءِ مِنِّي السَّلَامُ وَعَرَفَهُ أَنَّهُ إِمَامُ أَوْلِيَائِي وَنُورُ أَهْلِ طَاعَتِي، فَهَيِّنَا لَكَ يَا عَلِيُّ هَذِهِ الْكِرَامَةُ».

١٥. حَدَّثَنَا أَبِي (رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ)، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَصْبَاطٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: «يَا أَبَا بَصِيرٍ نَحْنُ شَجَرَةُ الْعِلْمِ وَ

گونه که بر خورشید تنگ و دشوار نیست که کسی در سایه آن آرام گیرد، بر رحمت من نیز تنگ و دشوار نیست که کسی در آن وارد شود. و همان گونه که هرکس شوم فال باشد و فال شوم برای دیگران زند، شومی آن زیان ندارد، شوم فالان هرگز از فتنه دور نمانند. و همان گونه که در رستاخیز نزدیک ترین کسان به من فروتنان هستند، دور ترین کسان خود بزرگ بنیان هستند.

السلامی

۱۳. امام صادق علیه السلام فرمود: هرکس از پیروان ما چهل حدیث از ما را حفظ کند، خداوند در روز رستاخیز او را دین شناس محشور کرده و هرگز او را گرفتار عذاب خود نسازد.

۱۴. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام چنین فرمود: ای علی! تو دارنده حوض من هستی و نیز دارنده پرچم من و برآورنده وعده‌های من. ای علی! تو دوست قلب من هستی و همچنین وارث دانایی من و امانت دار میراث‌های انبیاء. ای علی! تو در زمین امین خداوند هستی و نیز حجت او بر مردمان. ای علی! تو رکن ایمان هستی و چراغ راهنما و منار شب تار. ای علی! تو رکن ایمان هستی که آن را برای جهانیان برافراشته‌اند. هرکس از تو پیروی داشته باشد، رهایی و هرکس تو را نافرمانی کند، نابود شود. ای علی! تو راه تابان هستی و راه راست. تو سرور هرکس هستی که من مولای او هستم و من مولای هر زن و مرد مؤمن هستم. ای علی! غیر از پاک نهادان تو را دوست ندارند و غیر از بدنهادان تو را دشمن ندارند. ای علی! پروردگار مرا به معراج نبرد و با من سخن گفت، مگر اینکه فرمود: ای محمد صلی الله علیه و آله درود مرا به علی علیه السلام برسان و او بگوی که پیشوای دوستان من است و روشنایی برای کسانی که فرمان من می‌برند. ای علی! این منزلت کریمانه بر تو مبارک باد.

۱۵. امام صادق علیه السلام فرمود: ای ابو بصیر! مادرخت دانایی هستیم، ما خاندان پیامبریم.

نَحْنُ أَهْلُ بَيْتِ النَّبِيِّ وَفِي دَارِنَا مَهْبِطُ جَبْرِئِيلَ وَنَحْنُ خُزَانُ عِلْمِ اللَّهِ وَنَحْنُ مَعَادِنُ وَحْيِ اللَّهِ مَنْ تَبِعَنَا نَجَى وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنَّا هَلَكَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ».

١٦. حَدَّثَنَا أَبِي (رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ)، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ، قَالَ: حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ هَاشِمٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ رِثَابٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ بَكْرِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «لَا تَسْتَخِفُّوا بِفُقَرَاءِ شِيعَةِ عَلِيٍّ وَعِشْرَتِهِ مِنْ بَعْدِهِ، فَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ لَيَشْفَعُ فِي مِثْلِ رِبِيعَةَ وَ مَضَرَ».



مركز تحقیق کتب و احادیث اسلامی

جبرئیل در خانه ما فرود می‌آمد. ما خزانه دار علم الهی هستیم. ما معدن‌های وحی پروردگاریم. هرکس از ما پیروی کند، رهایی یافته و هرکس ما را نافرمانی کند، نابود شده است. این حق بر خداوند است.

۱۶. رسول اکرم فرمود: فقیران شیعه علی و عترتش را بعد از او سبک و خوار نگیرید پس همانا یکی از آنها دو قبله مهم مثل ربیعه و مضر را شفاعت می‌کنند.



مراکز تحقیقاتی و پژوهشی





السلام

المجلس الحادي والخمسون

يوم الجمعة لإحدى عشرة بقين من شهر ربيع الأول
من سنة ثمان وستين وثلاثمائة

١. حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيه أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوَيْهٍ الْقُمِّيُّ، رَحِمَهُ اللَّهُ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْهَيْثَمُ بْنُ أَبِي مَسْرُوقٍ النَّهْدِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ مَخْبُوبٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ عليه السلام أَنَّهُ سُئِلَ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَقِيلَ مَنْ رَاقٍ» ^(١)، قَالَ: ذَاكَ قَوْلُ ابْنِ آدَمَ إِذَا حَضَرَهُ الْمَوْتُ، قَالَ: هَلْ مِنْ طَبِيبٍ هَلْ مِنْ رَاقٍ قَالَ «وَلَمْ يَنْهَ أَنْهُ الْمَرَاقُ» ^(٢) بِعَيْنِي فَرَأَى الْإِهْلَ وَالْأَحْبَةَ عِنْدَ ذَلِكَ قَالَ: «وَالْتَفَتَ السَّاقُ» ^(٣) بِالسَّاقِ قَالَ التَّفَتَ الدُّنْيَا بِالْأَخْزَةِ قَالَ «إِلَى رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمَسَاقُ» ^(٤) إِلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ يَوْمَئِذٍ الْمَصِيرُ.

٢. حَدَّثَنَا أَبِي، رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مَخْبُوبٍ عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةٍ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ عليه السلام قَالَ: سَمِعْتُهُ يَقُولُ أَمَا إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ سَنَةٍ، أَقَلَّ مَطَرًا مِنْ سَنَةٍ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَضَعُهُ حَيْثُ يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ إِذَا عَمِلَ قَوْمٌ بِالْمَعَاصِي صَرَفَ عَنْهُمْ مَا كَانَ قَدْرَ لَهُمْ مِنَ الْمَطَرِ فِي تِلْكَ السَّنَةِ إِلَى غَيْرِهِمْ وَإِلَى الْفَيَافِي وَالْبَحَارِ وَالْجِبَالِ وَإِنَّ اللَّهَ لَيَعْدُّ الْجُعْلَ فِي جُحْرِهَا بِحَبْسِ الْمَطَرِ عَنِ الْأَرْضِ الَّتِي هِيَ بِمَحَلَّتِهَا لِخَطَايَا مَنْ بِحَضَرَتِهَا وَقَدْ جَعَلَ اللَّهُ لَهَا السَّبِيلَ إِلَى مَسْلَكٍ سِوَى مَحَلَّةِ أَهْلِ الْمَعَاصِي قَالَ: ثُمَّ قَالَ أَبُو



مجلس پنجاه و یکم

جمعه نوزده ربیع الاول سال ۳۶۸

السلامی

۱. از امام باقر علیه السلام درباره آیه شریفه «و قیل من راق» (قیامت/ ۲۷) سؤال کردند. حضرت فرمود: این سخن آدمی است، آنگاه که هنگام مرگ وی نزدیک می شود، او می گوید: آیا درمان کننده ای است که نسخه ای برایم بنویسد. خداوند فرمود: «و او پندارد که روز فراق خانواده و دوستان است» و بعد فرمود: «در آن هنگام ساق به ساق خواهد پیچید»، یعنی دنیا و آخرت درهم می گردد. و بعد فرمود «آن روز فرجام بازگشت به سوی پروردگار جهانیان است».

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی

۲. امام باقر علیه السلام فرمود: سالی از سالی کم باران تر نخواهد بود. اما خداوند هر جایی که اراده کند، باران آن جا خواهد بارید. بی گمان هرگاه امتی او را نافرمانی کنند، خداوند بارانی که آنان در آن سال در نظر گرفته شده، به سرزمین دیگران ببرد و یا بر بیابان و کوه و دریا فرو بریزد. بی گمان خداوند جغد را در لانه اش به خطای کسانی گرفتار سازد که در آن مکان سکونت دارند، زیرا توانایی رفتن به جای دیگری که نافرمانی نمی کنند، دارد.

جَعْفَرٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِي الْأَبْصَارِ» ^(١) ثُمَّ وَجَدْنَا فِي كِتَابِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ إِذَا ظَهَرَ الزَّنَاءُ كَثُرَ مَوْتُ الْفَجَاءَةِ وَإِذَا طُفِفَ الْمِكْيَالُ أَخَذَهُمُ اللَّهُ بِالسِّنِينَ وَالتَّقْصِ وَإِذَا مَنَعُوا الزَّكَاةَ مَنَعَتِ الْأَرْضُ بَرَكَاتِهَا مِنَ الزَّرْعِ وَالثَّمَارِ وَالْمَعَادِنِ كُلِّهَا وَإِذَا جَارُوا فِي الْأَحْكَامِ تَعَاوَنُوا عَلَى الظُّلْمِ وَالْعُدْوَانِ وَإِذَا نَقَضُوا الْعُهُودَ سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ عَدُوَّهُمْ وَإِذَا قَطَعُوا الْأَرْحَامَ جُعِلَتِ الْأَمْوَالُ فِي أَيْدِي الْأَشْرَارِ وَإِذَا لَمْ يَأْمُرُوا بِمَعْرُوفٍ وَلَمْ يَنْهَوْا عَنْ مُنْكَرٍ وَلَمْ يَتَّبِعُوا الْأَخْيَارَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ شِرَارَهُمْ فَيَدْعُو عِنْدَ ذَلِكَ خِيَارَهُمْ فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ.

٣. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيْسَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ حَبِيبِ السَّجِسْتَانِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ فِي التَّوْرَةِ مَكْتُوباً يَا مُوسَى! إِنِّي خَلَقْتُكَ وَاصْطَنَعْتُكَ وَقَوَّيْتُكَ وَأَمَرْتُكَ بِطَاعَتِي وَنَهَيْتُكَ عَنْ مَعْصِيَتِي فَإِنْ أَطَعْتَنِي أَعْتَنِكَ عَلَى طَاعَتِي وَإِنْ عَصَيْتَنِي لَمْ أَعْتَنِكَ عَلَى مَعْصِيَتِي يَا مُوسَى وَلِيِ الْإِمْنَةُ عَلَيْكَ فِي طَاعَتِكَ لِي وَلِيِ الْحُجَّةُ عَلَيْكَ فِي مَعْصِيَتِكَ لِي.

٤. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو يَزِيدَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى بْنِ خَلْفِ بْنِ يَزِيدَ الْمَرْوَزِيُّ بِالرِّيِّ فِي شَهْرِ رَبِيعِ الْأَوَّلِ سَنَةِ اثْنَتَيْنِ وَثَلَاثِمِائَةٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا إِسْحَاقُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الْحَنْظَلِيُّ، فِي سَنَةِ ثَمَانٍ وَثَلَاثِينَ وَمِائَتَيْنِ وَهُوَ الْمَعْرُوفُ بِإِسْحَاقَ بْنِ رَاهَوِيَّةٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ يَحْيَى، قَالَ: حَدَّثَنَا هِشَامُ عَنْ مُجَالِدٍ عَنِ الشَّعْبِيِّ عَنْ مَسْرُوقٍ، قَالَ: بَيْنَا نَحْنُ عِنْدَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ نَعْرِضُ مَصَاحِفَنَا عَلَيْهِ إِذْ يَقُولُ لَهُ قَتَى شَابُّ هَلْ عَهْدُ إِلَيْكُمْ نَبِيِّكُمْ كَمْ يَكُونُ مِنْ بَعْدِهِ خَلِيفَةً، قَالَ: أَنْتَ لِحَدَثِ السَّنِ وَإِنْ هَذَا شَيْءٌ مَا سَأَلَنِي عَنْهُ أَحَدٌ قَبْلَكَ نَعَمْ عَهْدُ الْبَنَاءِ بَيْنَنَا أَنَّهُ يَكُونُ بَعْدَهُ اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً بَعْدَهُ لُقَبَاءُ بَنِي إِسْرَائِيلَ.

٥. حَدَّثَنَا أَبُو عَلِيٍّ أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ وَهْبٍ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ اللَّهِ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي الرَّجَالِ الْبَغْدَادِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ وَهْبٍ الْحَرَّانِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ الْعَفَّارِ بْنُ الْحَكَمِ، قَالَ: حَدَّثَنَا مَنْصُورُ بْنُ أَبِي الْأَسْوَدِ عَنْ مُطَرِّفٍ عَنْ

آنگاه امام علیه السلام فرمود: ای دارندگان بصیرت! عبرت بگیرید. در کتاب علی علیه السلام خواندیم که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: آنگاه که زنا آشکار شود مرگ های ناگهانی بسیار می شوند و آنگاه که کم فروشی رواج یابد، خداوند خشک سالی پیش آورد. و آنگاه که زکات ندهند، زمین در کشاورزی و باغ و معدن برکت خیز نخواهد بود. و آن گاه که داوری باطل شود، بر ستم و تجاوز افزوده اند و آنگاه که پیمان شکنی کنند، خداوند دشمن خود را بر آنان مسلط می کند. و آنگاه که پیوند با خویشان قطع کنند، خدا ثروت را به دست بدان می سپارد. و آنگاه که امر به معروف و نهی را از یاد ببرند و از نیکان خاندان من پیروی نداشته باشند، خداوند بدترین شان را بر آنان چیره خواهد ساخت و آنگاه نیکان دعا می کنند و اجابت نمی شود.

۳. امام باقر علیه السلام فرمود: در تورات آمده است: ای موسی من تو را خلق کردم و نیرومند ساختم و دستور فرمان بری دادم و تو را از نافرمانی ام باز داشتم. اگر فرمان من ببری، تو را در این راه یاری می دهم و اگر فرمان من نببری، تو را در آن راه مدد نمی رسانم. ای موسی! مرا بر تو جای منت نهادن است که فرمان من ببری و مرا بر تو کار نافرمانی حجت خواهد بود.

۴. مسروق می گوید، ما پیش عبدالله بن مسعود بودیم و همراه او نسخه های قرآن کریم را مقابله می کردیم. جوانی گفت: پیامبران گفته که پس از او چند نفر جانشین خواهند بود؟ عبدالله بن مسعود گفت: تا کنون کسی این چیز را از من نپرسیده است. اما حقیقت این است که جانشینان پیامبر دوازده تن هستند، همان گونه که نقبای قوم بنی، اسراییل دوازده تن بودند.

۵. قیس بن عبد می گوید: ما نزد عبدالله بن مسعود بودیم که عربی صحراگرد آمد و گفت: کدام یک از شما عبدالله بن مسعود هستید؟ عبدالله گفت: من. عرب گفت: آیا



السلامی



الشَّعْبِيُّ عَنْ عَمِّهِ قَيْسِ بْنِ عَبْدِ قَالَ: كُنَّا جُلُوسًا فِي حَلْقَةٍ فِيهَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَسْعُودٍ، فَجَاءَ أَغْرَابِيُّ فَقَالَ: أَيُّكُمْ عَبْدُ اللَّهِ، قَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَسْعُودٍ أَنَا عَبْدُ اللَّهِ، قَالَ: هَلْ حَدَّثَكُمْ نَبِيُّكُمْ ﷺ كَمْ يَكُونُ بَعْدَهُ مِنَ الْخُلَفَاءِ؟ قَالَ: نَعَمْ «اثْنَا عَشَرَ» عِدَّةُ نَقَبَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ.

٦. حَدَّثَنَا عَتَّابُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ عَتَّابِ الْوَرَامِينِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ صَاعِدٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْمُفَضَّلِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَوَّارٍ، قَالَا: حَدَّثَنَا عَبْدُ الْغَفَّارِ بْنُ الْحَكَمِ، قَالَ: حَدَّثَنَا مَنُصُورُ بْنُ أَبِي الْإِسْوَدِ عَنْ مُطَرِّفٍ عَنِ الشَّعْبِيِّ، وَ حَدَّثَنَا عَتَّابُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا إِسْحَاقُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَنْصَاطِيُّ عَنْ يُونُسَ بْنِ مُوسَى، قَالَ: حَدَّثَنِي جَرِيرٌ عَنْ أَشْعَثَ بْنِ سَوَّارٍ عَنِ الشَّعْبِيِّ وَ حَدَّثَنَا عَتَّابُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْخَرَّائِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَيُّوبُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْوَزَّانُ، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعِيدُ بْنُ مَسْلَمَةَ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَشْعَثُ بْنُ سَوَّارٍ عَنِ الشَّعْبِيِّ كُلُّهُمْ، قَالُوا: عَنْ عَمِّهِ قَيْسِ بْنِ عَبْدِ، قَالَ: عَتَّابُ، وَ هَذَا حَدِيثُ مُطَرِّفٍ، قَالَ: كُنَّا جُلُوسًا فِي الْمَسْجِدِ وَ مَعَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَسْعُودٍ، فَجَاءَ أَغْرَابِيُّ، فَقَالَ: أَيُّكُمْ عَبْدُ اللَّهِ؟ قَالَ: نَعَمْ، أَنَا عَبْدُ اللَّهِ فَمَا حَاجَتُكَ؟ قَالَ: يَا عَبْدَ اللَّهِ أَخْبِرْكُمْ نَبِيُّكُمْ كَمْ يَكُونُ فِيكُمْ مِنْ خَلِيفَةٍ؟ قَالَ: لَقَدْ سَأَلْتَنِي عَنْ شَيْءٍ مَا سَأَلَنِي عَنْهُ أَحَدٌ مُنْذُ قَدِمْتُ الْعِرَاقَ نَعَمْ: اثْنَا عَشَرَ نَقَبَاءَ بَنِي إِسْرَائِيلَ، أَبُو عَرُوبَةَ فِي حَدِيثِهِ، قَالَ: نَعَمْ، عِدَّةُ نَقَبَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ.

٧. وَ قَالَ: جَرِيرٌ عَنْ أَشْعَثَ عَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ: قَالَ: الْخُلَفَاءُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ، كَعِدَّةِ نَقَبَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ.

٨. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقُطَّانُ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ عَبْدِ النَّيْسَابُورِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ هَارُونُ بْنُ إِسْحَاقَ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَمِّي إِبْرَاهِيمُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ زِيَادِ بْنِ عِلَاقَةَ وَ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ عُمَيْرٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ سَمُرَةَ، قَالَ: كُنْتُ مَعَ أَبِي عِنْدَ النَّبِيِّ ﷺ، فَسَمِعْتُهُ يَقُولُ: يَكُونُ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ أَمِيرًا، ثُمَّ أَخْفَى صَوْتَهُ، فَقُلْتُ لِأَبِي: مَا الَّذِي أَخْفَى رَسُولُ اللَّهِ قَالَ قَالَ كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ.

٩. حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ الصَّائِغُ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ يَحْيَى الْغَضْرَائِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو عَلِيٍّ الْحُسَيْنُ بْنُ اللَّيْثِ بْنِ بَهْلُولٍ الْمُوَصِّلِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا غَسَّانُ بْنُ الرَّبِيعِ، قَالَ: حَدَّثَنَا سُلَيْمُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ مَوْلَى عَامِرٍ: «الشَّعْبِيُّ عَنْ عَامِرٍ: أَنَّهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

پیامبرتان به شما گفته که جانشینان او چند نفرند؟ عبدالله بن مسعود پاسخ داد: آری. او فرموده که آنان دوازده تن می باشند، به شمار نقبای بنی اسرائیل.

۶. قیس بن عبد می گوید: ما در مسجد پیرامون عبدالله بن مسعود بودیم که عربی صحرانشین آمد و گفت آیا عبدالله بن مسعود در میان شماست؟ عبدالله گفت: آری. عبدالله من هستم. چه کاری داری؟ صحرانشین گفت: ای عبدالله! آیا پیامبرتان به شما گفته که چند جانشین دارد؟ عبدالله گفت: از من سؤالی کردی که از هنگام آمدن به عراق کسی درباره آن نپرسیده است. آری، جانشینان پیامبر به شمار نقبای بنی اسرائیل دوازده تن می باشند.

۷. اشعث از عبدالله بن مسعود نقل کرده است که پیامبر فرمود جانشینان من دوازده تن به شمار نقیبان قوم بنی اسرائیل می باشند.

۸. جابر بن سمره می گوید: همراه پدرم پیش پیامبر اکرم ﷺ بودیم. حضرت فرمود: پس از من دوازده امیر خواهند آمد. آنگاه صدای حضرت کوتاه شد. از پدرم پرسیدم که پیامبر آهسته چه می فرمود؟ پدرم گفت: حضرت فرمود که همه آنان از قوم قریش خواهند بود.

۹. پیامبر اسلام ﷺ فرمود: همواره امر امت من به سامان است و بر جریان های باطل مسلط می شود تا اینکه دوازده جانشین من از پی هم بیایند. آنان همگی از قریش

لَا يَزَالُ أَمْرُ أُمِّي ظَاهِرًا حَتَّى يَمُوتَ اثْنَا عَشَرَ خَلِيفَةً، كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ.

١٠. حَدَّثَنَا صَالِحُ بْنُ عَيْسَى بْنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْعِجْلِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ
 بْنِ عَلِيٍّ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْفَرَجِ الْوَرِثَانِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُحَمَّدٍ الْعِجْلِيُّ، قَالَ:
 حَدَّثَنِي عَبْدُ الْعَظِيمِ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِيُّ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ أَبَانَ مَوْلَى زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ، عَنْ عَاصِمِ
 بْنِ بَهْدَلَةَ قَالَ: قَالَ لِي: شَرِيحُ الْقَاضِي اشْتَرَيْتُ دَارًا بِشَمَانِينَ دِينَارًا وَكَتَبْتُ كِتَابًا وَ
 أَشْهَدْتُ عُذُولًا، فَبَلَغَ ذَلِكَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام فَبَعَثَ إِلَيَّ مَوْلَاهُ قَتِيرًا
 فَأَتَيْتُهُ، فَلَمَّا أَنْ دَخَلْتُ عَلَيْهِ، قَالَ: يَا شَرِيحُ اشْتَرَيْتُ دَارًا وَكَتَبْتُ كِتَابًا وَأَشْهَدْتُ عُذُولًا وَ
 وَزَنْتُ مَالًا، قَالَ: قُلْتُ: نَعَمْ قَالَ: يَا شَرِيحُ اتَّقِ اللَّهَ، فَإِنَّهُ سَيَأْتِيكَ مَنْ لَا يَنْظُرُ فِي كِتَابِكَ وَ
 لَا يَسْأَلُ عَنْ بَيِّنَتِكَ حَتَّى يُخْرِجَكَ مِنْ دَارِكَ شَاخِصًا وَيُسْلِمَكَ إِلَى قَبْرِكَ خَالِصًا،
 فَاَنْظُرْ أَلَّا تَكُونَ اشْتَرَيْتَ هَذِهِ الدَّارَ مِنْ غَيْرِ مَالِكِهَا وَزَنْتَ مَالًا مِنْ غَيْرِ حِلِّهِ، فَإِذَا أَنْتَ
 قَدْ خَسِرْتَ الدَّارَ بَيْنَ جَمِيعِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، ثُمَّ قَالَ عليه السلام: يَا شَرِيحُ فَلَوْ كُنْتَ عِنْدَ مَا
 اشْتَرَيْتَ هَذِهِ الدَّارَ أَتَيْتَنِي فَكَتَبْتُ لَكَ كِتَابًا عَلَى هَذِهِ النُّسخَةِ، إِذَا لَمْ تَشْرَهَا بِدَرْهَمَيْنِ،
 قَالَ: قُلْتُ: وَمَا كُنْتَ تَكْتُبُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ: كُنْتُ أَكْتُبُ لَكَ هَذَا الْكِتَابَ - (بِسْمِ
 اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) هَذَا مَا اشْتَرَيْتَ عَنْهُ ذَلِيلٌ مِنْ مَيْتٍ أَرْعَجَ بِالرَّحِيلِ اشْتَرَى مِنْهُ دَارًا فِي
 دَارِ الْغُرُورِ مِنْ جَانِبِ الْفَانِينَ إِلَى عَسْكَرِ الْهَالِكِينَ وَتَجَمَّعَ هَذِهِ الدَّارَ حُدُودُ أَرْبَعَةٍ فَالْحَدُّ
 الْأَوَّلُ مِنْهَا يَنْتَهِي إِلَى دَوَاعِي الْأَفَاتِ، وَالْحَدُّ الثَّانِي مِنْهَا يَنْتَهِي إِلَى دَوَاعِي الْغَاهَاتِ، وَ
 الْحَدُّ الثَّلَاثُ مِنْهَا يَنْتَهِي إِلَى دَوَاعِي الْمُصِيبَاتِ، وَالْحَدُّ الرَّابِعُ مِنْهَا يَنْتَهِي إِلَى الْهَوَى
 الْمُرْدِي وَالشَّيْطَانِ الْمُغْوِي، وَفِيهِ يُشْرَعُ بَابُ هَذِهِ الدَّارِ اشْتَرَى هَذَا الْمَفْتُونُ بِالْأَمَلِ مِنْ
 هَذَا الْمُرْغَبِ بِالْأَجَلِ جَمِيعَ هَذِهِ الدَّارِ بِالْخُرُوجِ مِنْ عِزِّ الْقُنُوعِ وَالدُّخُولِ فِي ذُلِّ الطَّلَبِ،
 فَمَا أَدْرَكَ هَذَا الْمُشْتَرِي مِنْ دَرَكٍ فَعَلَى، مُبْلِي أَجْسَامِ الْمُلُوكِ وَسَالِبِ نَفُوسِ الْجَبَابِرَةِ
 مِثْلَ كِشْرَى وَقَيْصَرَ وَتُبَّعَ وَحَمِيرَ وَمَنْ جَمَعَ الْمَالَ إِلَى الْمَالِ فَأَكْثَرَ وَبَنَى فَسَيْدَ وَنَجَدَ
 فَزَخْرَفَ وَادَّخَرَ بَزْعُمِهِ لِلْوَلَدِ إِشْخَاصَهُمْ جَمِيعًا إِلَى مَوْقِفِ الْعَرْضِ لِفَضْلِ الْقَضَاءِ «وَ
 خَسِرَ هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ» ^(١)، شَهِدَ عَلَى ذَلِكَ الْعَقْلُ إِذَا خَرَجَ مِنْ أَسْرِ الْهَوَى وَنَظَرَ بِعَيْنِ
 الزُّوَالِ لِأَهْلِ الدُّنْيَا، وَسَمِعَ مُنَادِيَ الزُّهْدِ يُنَادِي فِي عَرَصَاتِهَا: مَا أَتَيْنَ الْحَقَّ لِذِي عَيْنَيْنِ، إِنَّ

خواهند بود.

۱۰. شریح قاضی می گوید: من منزلی به بهای هشتاد اشرفی طلا خریداری کردم و قباله آن را نوشتم و عده ای را بر آن شاهد آن گرفتم. آنگاه گزارش این ماجرا به امیرمؤمنان علیه السلام رسید. او قنبر را به سراغم فرستاد و مرا احضار کرد. آنگاه که نزد او رفتم فرمود: ای شریح! شنیدم که خانه ای خریدی و سندی نوشتی و شاهدی عادل گرفتی و بهای آن را پرداختی؟ گفتم: آری. فرمود: ای شریح! از خداوند بترس.

بی گمان کسی که به سراغت خواهد آمد، هرگز به سند خانه ات نمی نگرد و بدون شاهد تو را از آن خارج می کند و به گور می سپارد بی آنکه چیزی در دست داشته باشی. اینک نیک بنگر که این منزل را از غیر مالک آن خریداری نکرده باشی و نیز پول حرامی برای آن نپرداخته باشی که در دنیا و آخرت زیان کار شوی. آنگاه فرمود: ای شریح! اگر من در آن مجلس بودم و از من درخواست نوشتن قباله آن را داشتی، به گونه ای می نوشتم که حتی به دو درهم آن را خریداری نکنی.

شریح می گوید که به علی علیه السلام گفتم: ای امیرمؤمنان چه می نوشتی؟ فرمود: این گونه می نگاشتم: بسم الله الرحمن الرحيم. این همان خانه ای است که بنده بی مقدار از مرده ای لب گور در سرای فریب خریداری کرده است. او به سمت سپاه هلاک شدگان روی آورده است. این خانه چهار سمت دارد. سمت نخست خانه به آسیب هایی است که آدمی راه خود فرامی خوانند و سمت دوم به بستر کاستی هاست و سمت سوم به مصیبت هاست و سمت چهارم به هوا و هوس نابودگر و شیطان گمراه کننده. در این خانه از این سمت چهارمین گشوده می شود. این مرد گول خورده در راه آرزو خانه را از کسی خریده است که او را به سوی مرگ رانده اند. همه جای این خانه آهنگ خروج از سرافرازی قناعت به خواری طلب کردن دارد. هرگونه زیان به خریداران منزل وارد شود، بر عهده کسی است که بدن های حاکمان را می پوساند و جان های ستم پیشگان را می گیرد. همانند «خسرو پرویز»، «قیصر روم»، «تبع» و «حمیر» و نیز جان هرکس که سکه روی سکه انباشته و بسیار ذخیره کرده و کاخ استوار و زیبا و تزئین شده فراهم کرده است. او گمان دارد که این همه برای فرزند است. بی گمان همگان به روز رستاخیز در آیند و درباره آنان داوری آخر انجام گیرد و باطل گرایان در آن هنگام زیان خواهند کرد. این همه گواهی بر شوربختی شان گواهی می دهند. آنگاه که خرد از بند نفس اماره درآید و ساکنان دنیا را از منظر زوال بنگرد و صدای منادی زهد را بشنود که در میدان های دنیا فریاد می کشد: چه قدر حقیقت برای کسی چشمان حق بین دارد، روشن خواهد بود. به هر حال امروز یا فردا



السلامی



الرَّحِيلَ أَحَدَ الْيَوْمَيْنِ، تَزَوَّدُوا مِنْ صَالِحِ الْأَعْمَالِ وَقَرَّبُوا الْأَمَالَ بِالْأَجَالِ فَقَدْ دَنَا الرَّحِيلُ وَالزَّوَالُ.

١١. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَسَدٍ الْأَسَدِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي بَكْرٍ الْوَاسِطِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ يُونُسَ الْبَجَارُودِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو إِسْحَاقَ الْفَرَارِيُّ عَنْ سُفْيَانَ الثَّوْرِيِّ وَالْأَعْمَشِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ السَّائِبِ عَنْ زَادَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «إِنَّ لِلَّهِ مَلَائِكَةً سَيَّاحِينَ فِي الْأَرْضِ يُبَلِّغُونِي عَنْ أُمَّتِي السَّلَامَ».

١٢. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْفَضْلِ الْكُوفِيُّ - رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ - قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَمَّارِ الْقَطَّانُ، قَالَ: حَدَّثَنِي الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحَكَمِ الرَّغْفَرَانِيُّ، حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الْعَبْدِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنِي سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ الْأَدَمِيُّ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي حَفْزَةَ الثَّمَالِيِّ قَالَ دَخَلْتُ مَسْجِدَ الْكُوفَةِ، فَإِذَا أَنَا بِرَجُلٍ عِنْدَ الْأُسْطُوَانَةِ السَّابِعَةِ قَائِمًا يُصَلِّيُ يُحْسِنُ رُكُوعَهُ وَسُجُودَهُ، فَجِئْتُ لَأَنْظُرَ إِلَيْهِ فَسَبَقَنِي إِلَى السُّجُودِ، فَسَمِعْتُهُ يَقُولُ: فِي سُجُودِهِ، اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتُ قَدْ عَصَيْتُكَ فَقَدْ أَطَعْتُكَ فِي أَحَبِّ الْأَشْيَاءِ إِلَيْكَ وَهُوَ الْإِيمَانُ بِكَ مَنَّا مِنْكَ بِهِ عَلَيَّ لَا مَنَابَهَ مِنِّي عَلَيْكَ، وَلَمْ أَغْصِكَ فِي أَبْغَضِ الْأَشْيَاءِ إِلَيْكَ لَمْ أَدْعُ لَكَ وَلَدًا وَلَمْ أَتَّخِذْ لَكَ شَرِيكًا مَنَّا مِنْكَ عَلَيَّ لَا مَنَابَهَ مِنِّي عَلَيْكَ، وَعَصَيْتُكَ فِي أَشْيَاءَ عَلَى غَيْرِ مُكَاتَرَةٍ مِنِّي وَلَا مُكَابَرَةٍ وَلَا اسْتِكْبَارٍ عَنْ عِبَادَتِكَ وَلَا جُحُودٍ لِرُبُوبِيَّتِكَ وَلَكِنْ اتَّبَعْتُ الْهَوَى وَأَزَلَّنِي الشَّيْطَانُ بَعْدَ الْحُجَّةِ وَالْبَيَانِ، فَإِنْ تُعَذِّبْنِي فَبِذُنُوبِي غَيْرِ ظَالِمٍ لِي وَإِنْ تَرْحَمْنِي فَبِجُودِكَ وَرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ثُمَّ انْقَلَبَ وَخَرَجَ مِنْ بَابِ كِنْدَةَ فَتَبِعْتُهُ حَتَّى أَتَى مُنَاحَ الْكَلْبِيِّينَ، فَمَرَّ بِأَسْوَدَ فَأَمَرَهُ بِشَيْءٍ لَمْ أَفْهَمُهُ، فَقُلْتُ: مَنْ هَذَا، فَقَالَ: هَذَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ﷺ فَقُلْتُ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ مَا أَقْدَمَكَ هَذَا الْمَوْضِعَ فَقَالَ: الَّذِي رَأَيْتَ.

١٣. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ الْمُعَاذِيُّ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْفَرَجِ الشَّرُوطِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ يَزِيدَ بْنِ الْمُهَلَّبِ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو أَسَامَةَ، قَالَ: حَدَّثَنِي عَوْفٌ عَنْ مَيْمُونٍ، قَالَ: أَخْبَرَنِي الْبَرَاءُ بْنُ عَارِبٍ، قَالَ: لَمَّا أَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِحَفْرِ الْخَنْدَقِ عَرَضَتْ لَهُ صَخْرَةٌ عَظِيمَةٌ شَدِيدَةٌ فِي غَرْضِ الْخَنْدَقِ لَا تَأْخُذُ مِنْهَا الْمَعَاوِلُ، فَجَاءَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَلَمَّا رَأَاهَا وَضَعَ ثَوْبَهُ وَأَخَذَ الْمِعْوَلَ وَقَالَ:

باید بار سفر ابدیت را بست. اینک از رفتارهای شایسته خود ره توشه بگیرید و آرزوهای دور و درازتان را با مرگ در ترازو بگذارید که هنگام رحلت و فنا نزدیک است.

۱۱. پیامبر اسلام ﷺ فرمود: برای خداوند در زمین فرشتگانی است که جهانگردی می‌کنند، آنان درود امت مرا به من خواهند رساند.

۱۲. ابو حمزه ثمالی می‌گوید: به مسجد کوفه وارد شدم، شخصی را دیدم که کنار ستون هفتم نماز می‌گزارد و به نیکی رکوع و سجود می‌رود. نزدیک رفتم که چهره او را ببینم اما زودتر به سجده رفت. در سجده اش چنین می‌گفت: خدایا! اگر تو را نافرمانی کردم، ولی تو را در کارهایی که دوست داشتی، فرمان برده‌ام. که همان ایمان به تو می‌باشد و بی‌گمان تو در مؤمن شدن بر من منت نهادی، نه من بر تو. خدایا! در برخی چیزها در پیشگاهت تو را نافرمانی نکردم و فرزندتی برایت قرار ندادم و شریک برایت نگرفتم. این همه به خاطر منت تو بود که بر من داشتی، نه منت ایمان آوردن من بر تو. و در چیزهایی که تو را نافرمانی کردم به خاطر زیادی خواهی و حيله گری و سرکشی از پرستش تو و انکار ربوبیت تو نبود، اما اعتراف دارم که از هوای نفس پیروی کردم و شیطان مرا پس از حجت و بیان فرومایه ساخت. اکنون اگر مرا عذاب کنی، برای گناهی که کرده‌ام، هرگز بر من ستم روا نداشتی و اگر بر من رحم کنی، از لطف و رحمت تو خواهد بود ای مهربانترین مهربانان.

آنگاه او از باب «کنده» خارج شد و من در پی او شتافتم تا اینکه در میدان «کلبیان» به برده سیاه پوستی برخورد و چیزی به او گفتم که من نشنیدم. نزد سیاه رفتم و پرسیدم که او کیست؟ گفت: امام سجاد علیه السلام است. خودم را به حضرت رساندم و گفتم: فدایت شوم. چرا این جا آمدی؟ امام سجاد علیه السلام فرمود: به خاطر آنچه دیدی.

۱۳. براء بن عازب می‌گوید: آنگاه که پیامبر اسلام ﷺ فرمان حفر خندق را داد، سنگ صخره مانندی در پهنای آن هویدا گشت که کلنگ در آن اثر نداشت. ناگزیر رسول

(بِسْمِ اللَّهِ) وَضَرَبَ ضَرْبَةً فَكَسَرَ ثُلُثَهَا، وَقَالَ: «اللَّهُ أَكْبَرُ» أُعْطِيَتْ مَفَاتِيحُ الشَّامِ إِنِّي لَأُبْصِرُ أَبْوَابَ الصُّنْعَاءِ مَكَائِي هَذَا.

١٤. حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مَسْرُورٍ - رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ - قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ جَامِعِ الْحِمَيْرِيِّ عَنْ أَبِيهِ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ، عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ خَلْفِ بْنِ حَمَّادٍ الْأَسَدِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْعَبْدِيِّ عَنِ الْأَعْمَشِ عَنْ عُبَايَةَ بْنِ رَبِيعٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: أَقْبَلَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام ذَاتَ يَوْمٍ إِلَى النَّبِيِّ صلى الله عليه وآله يَا كَيَا وَهُوَ يَقُولُ: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ» ^(١) فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ: مَهْ يَا عَلِيُّ، فَقَالَ عَلِيُّ عليه السلام: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَاتَتْ أُمِّي فَاطِمَةُ بِنْتُ أَسَدٍ، قَالَ: فَبَكَى النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله ثُمَّ، قَالَ: رَحِمَ اللَّهُ أُمَّكَ يَا عَلِيُّ، أَمَا إِنَّهَا إِنْ كَانَتْ لَكَ أُمًّا، فَقَدْ كَانَتْ لِي أُمًّا خُذْ عِمَامَتِي هَذِهِ وَخُذْ ثَوْبِي هَذَيْنِ فَكَفَّنِي فِيهِمَا وَمَرِ النِّسَاءَ فَلْيُحْسِنْ غُسْلَهَا وَلَا تُخْرِجْهَا حَتَّى أَجِيءَ فَأَلْبِي أَمْرَهَا، قَالَ: وَأَقْبَلَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله بَعْدَ سَاعَةٍ وَأَخْرَجَتْ فَاطِمَةُ أُمَّ عَلِيٍّ عليه السلام، فَصَلَّى عَلَيْهَا النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله صَلَاةً لَمْ يُصَلِّ عَلَى أَحَدٍ قَبْلَهَا مِثْلَ تِلْكَ الصَّلَاةِ، ثُمَّ كَبَّرَ عَلَيْهَا أَرْبَعِينَ تَكْبِيرَةً، ثُمَّ دَخَلَ إِلَى الْقَبْرِ، فَتَمَدَّدَ فِيهِ فَلَمْ يَسْمَعْ لَهُ نَبِيْنٌ وَلَا حَرَكَةً ثُمَّ، قَالَ: يَا عَلِيُّ ادْخُلْ، يَا حَسَنُ ادْخُلْ، فَدَخَلَ الْقَبْرَ فَلَمَّا فَرَّغَ مِمَّا احْتَاجَ إِلَيْهِ قَالَ لَهُ: يَا عَلِيُّ اخْرُجْ، يَا حَسَنُ اخْرُجْ، فَخَرَجَا ثُمَّ زَحَفَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله حَتَّى صَارَ عِنْدَ رَأْسِهَا ثُمَّ، قَالَ: يَا فَاطِمَةُ أَنَا مُحَمَّدٌ سَيِّدُ وَلَدِ آدَمَ وَلَا فَخْرَ فَإِنْ أَتَاكَ مُنْكَرٌ وَنَكِيرٌ فَسَأَلَاكِ مَنْ رَبِّكِ فَقُولِي: اللَّهُ؛ رَبِّي وَمُحَمَّدٌ؛ نَبِيِّي وَالْإِسْلَامُ؛ دِينِي وَالْقُرْآنُ؛ كِتَابِي وَإِنِّي إِمَامِي وَوَلِيِّي ثُمَّ، قَالَ: اللَّهُمَّ ثَبِّتْ فَاطِمَةَ بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ، ثُمَّ خَرَجَ مِنْ قَبْرِهَا وَحَتَا عَلَيْهَا حَتَّابٍ ثُمَّ ضَرَبَ بِيَدِهِ الْيُمْنَى عَلَى الْيُسْرَى فَتَقَفَ هُمَا ثُمَّ، قَالَ: وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ لَقَدْ سَمِعْتُ فَاطِمَةَ تَضْفِيقَ يَمِينِي عَلَى شِمَالِي فَقَامَ إِلَيْهِ عَمَّارُ بْنُ يَاسِرٍ فَقَالَ: فِدَاكَ أَبِي وَأُمِّي يَا رَسُولَ اللَّهِ لَقَدْ صَلَّيْتُ عَلَيْهَا صَلَاةً لَمْ تُصَلِّ عَلَى أَحَدٍ قَبْلَهَا مِثْلَ تِلْكَ الصَّلَاةِ فَقَالَ: يَا أَبَا الْيَقْظَانِ وَأَهْلُ ذَلِكَ هِيَ مِنِّي وَلَقَدْ كَانَ لَهَا مِنْ أَبِي طَالِبٍ وَلَدٌ كَثِيرٌ وَلَقَدْ كَانَ خَيْرُهُمْ كَثِيرًا وَكَانَ خَيْرُنَا قَلِيلًا فَكَانَتْ تُشْبِعُنِي وَتُجِيعُهُمْ وَتَكُونِي وَتُعْرِيهُمْ وَتُدْهِنُنِي وَتُشَعِّهُمُ، قَالَ: فَلِمَ كَبُرَتْ عَلَيْهَا أَرْبَعِينَ تَكْبِيرَةً يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ: نَعَمْ يَا عَمَّارُ انْفُتَّحَتْ عَنِّي يَمِينِي، فَنَظَرْتُ إِلَى أَرْبَعِينَ صَفًّا

اکرم علیه السلام نزدیک آمد و جامه خویش بر زمین گذاشت و کلنگ به دست گرفت و گفت «بسم الله». ناگهان سنگ سخت و بزرگ با یک ضربت یک سوم آن ترک خورد. پیامبر فرمود: الله اکبر. اکنون کلیدهای شام را به دست من دادند و سوگند به خداوند که هم اکنون قصرهای سرخ آن سرزمین را مشاهده می‌کنم. آنگاه برای بار دوم گفت «بسم الله» و یک سوم دیگر سنگ جدا شد. فرمود: الله اکبر اکنون کلیدهای فارس را به دست من دادند. سوگند به خداوند که قصرهای سفید مدائن را مشاهده می‌کنم. پیامبر علیه السلام کلنگ را به سنگ زد و یک سوم دیگر سنگ شکست و فرمود: اکنون کلیدهای یمن را به دست من دادند. از اینجا دروازه‌های شهر «صنعا» را مشاهده می‌کنم.

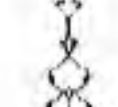
۱۴. روزی علی علیه السلام که گریه می‌کرد، پیش پیامبر علیه السلام آمد و گفت «انا لله و انا الیه راجعون» حضرت فرمود: ای علی! چرا گریان هستی؟ گفت: ای پیامبر خدا مادرم! فاطمه بنت اسد از دنیا چشم فرو بست. پیامبر اشک ریخت و فرمود: اگر فاطمه، مادر تو بود، مادر من هم بود. این دستار و پیراهنم را بگیر و او را کفن کن و به زنان بگو که او را غسل نیکو دهند. او را از خانه بیرون نبر تا نزد او بیایم که کار او با من خواهد بود. آن گاه پیامبر بر پیکر فاطمه مادر علی علیه السلام حاضر شد و بر او نمازی گزارد که بر کسی همانند او آن را نگزارده بود و سپس بر او چهل بار الله اکبر گفت. آنگاه پیامبر در قبر فاطمه دراز کشید، بی آنکه صدایی از او بر آید یا تکانی بخورد. بعد علی و حسن علیه السلام به داخل گور فاطمه برد.

پیامبر بر بالین فاطمه آمد و بالای سر او چنین فرمود: ای فاطمه! من محمد هستم، سرور فرزندان آدم علیه السلام و هرگز بدان مباهات نخواهم کرد. اگر نکیر و منکر نزد تو آمدند و سؤال کردند. که پروردگارت کیست؟ بگو که خدای یکتا پروردگار من است و محمد پیامبر من است و اسلام دین من.

قرآن کتاب من است و پسر امام و مولای من. آنگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خدایا! فاطمه را بر سخن حق استوار نگه دار. حضرت از گور فاطمه خارج شد مثنی از خاک روی آن پاشید و دستان بر هم زد و فرمود: به آنکه جان محمد به دست اوست، فاطمه بنت اسد صدای دستان مرا شنید. عمار یاسر بلند شد و گفت پدر و مادرم فدایت شوند، ای پیامبر خدا. تو نمازی بر مادر علی علیه السلام گزاردی که همانند آن را برای کس دیگری بگزارده بودی. فرمود: ای عمار او سزاوار چنین نمازی بود. ابوطالب فرزندان زیادی داشت. نیکی



السلام



مِنَ الْمَلَائِكَةِ. فَكَبَّرْتُ لِكُلِّ صَفٍّ تَكْبِيرَةً قَالَ: فَتَمَدَّدْتُ فِي الْقَبْرِ وَلَمْ يُسْمَعْ لَكَ أُنِينَ وَلَا حَرَكَهَ، قَالَ: إِنَّ النَّاسَ يُخْشَرُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ غُرَاةً فَلَمْ أَزَلْ أَطْلُبُ إِلَى رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ، أَنْ يَبْعَثَهَا سَتِيرَةً وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ مَا خَرَجْتُ مِنْ قَبْرِهَا، حَتَّى رَأَيْتُ مِصْبَاحَيْنِ مِنْ نُورٍ عِنْدَ رَأْسِهَا وَ مِصْبَاحَيْنِ مِنْ نُورٍ عِنْدَ يَدَيْهَا وَ مِصْبَاحَيْنِ مِنْ نُورٍ عِنْدَ رِجْلَيْهَا وَ مَلَكَاها الْمُؤَكَّلَانِ بِقَبْرِهَا يَسْتَغْفِرَانِ لَهَا إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ.

١٥. حَدَّثَنَا أَبِي رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْحُسَيْنِ الْمُؤَدَّبُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيٍّ الْأَصْبَهَانِيِّ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ الشَّقْفِيِّ، عَنْ قُتَيْبَةَ بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ عَمْرِو بْنِ غَزْوَانَ، عَنْ أَبِي مُسْلِمٍ قَالَ: خَرَجْتُ مَعَ الْحَسَنِ الْبَصْرِيِّ وَأَنْسَ بْنِ مَالِكٍ، حَتَّى أَتَيْنَا بَابَ أُمِّ سَلَمَةَ، فَقَعَدَ أَنْسُ عَلَى الْبَابِ وَ دَخَلْتُ مَعَ الْحَسَنِ الْبَصْرِيِّ، فَسَمِعْتُ الْحَسَنَ وَهُوَ يَقُولُ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَاءَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ، فَقَالَتْ لَهُ: وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ. مَنْ أَنْتَ يَا بُنَيَّ؟ فَقَالَ: أَنَا الْحَسَنُ الْبَصْرِيُّ فَقَالَتْ: فِيمَا جِئْتَ يَا حَسَنُ؟ فَقَالَ لَهَا: جِئْتُ لِتُحَدِّثَنِي بِحَدِيثٍ سَمِعْتَهُ أَدْنَاكَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ. فَقَالَتْ: أُمِّ سَلَمَةَ وَ اللَّهُ لَا أَحَدَ ثَنَكَ بِحَدِيثٍ سَمِعْتَهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ إِلَّا فَضُمْنَا وَ رَأَيْتُهُ عَيْنَايَ وَ إِلَّا فَعَمِيئًا وَ وَغَاهُ قَلْبِي وَ إِلَّا فَطَبَعَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ أَخْرَجَ لِسَانِي إِنْ لَمْ أَكُنْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ: يَا عَلِيُّ مَا مِنْ عَبْدٍ لَقِيَ اللَّهَ يَوْمَ يَلْقَاهُ جَاهِدًا لَوْلَايَتِكَ إِلَّا لَقِيَ بِعِبَادَةٍ صَنَمَ أَوْ وَثَنٍ، قَالَ: فَسَمِعْتُ الْحَسَنَ الْبَصْرِيَّ وَهُوَ يَقُولُ: اللَّهُ أَكْبَرُ أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا مَوْلَايَ وَ مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ فَلَمَّا خَرَجَ قَالَ لَهُ: أَنْسُ بْنُ مَالِكٍ مَا لِي أَرَاكَ تَكْبُرُ قَالَ: سَأَلْتُ أُمَّنَا أُمَّ سَلَمَةَ أَنْ تُحَدِّثَنِي بِحَدِيثٍ سَمِعْتَهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فِي عَلِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فَقَالَتْ لِي: كَذَا وَ كَذَا فَقُلْتُ: اللَّهُ أَكْبَرُ أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا مَوْلَايَ وَ مَوْلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ قَالَ فَسَمِعْتُ عِنْدَ ذَلِكَ أَنْسَ بْنَ مَالِكٍ وَهُوَ يَقُولُ: أَشْهَدُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَنَّهُ قَالَ: هَذِهِ الْمَقَالَةُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ أَوْ أَرْبَعَ مَرَّاتٍ.

و صلى الله على سيدنا محمد و آله أجمعين الطيبين الطاهرين.

آنان زیاد بود و نیکی ما اندک. فاطمه مادر علی علیه السلام مرا از خوراک سیر نگاه می داشت، در حالی که فرزندان خود در گرسنگی نگه گذاشت. مرا جامه می پوشاند، در حالی که آنان برهنه می ماندند. مرا با صابون شستشو می داد، در حالی که آنان زولیده حال می ماندند. عمار گفت: چرا چهل بار تکبیر گفتی؟ فرمود: به سمت راست تو نگاه کردم که چهل صف فرشته آمده بودند و برای هر کدام الله اکبر گفتم. عمار گفت: چرا در گور فاطمه بی هیچ صدا و حرکت بودی؟ فرمود: مردمان در رستاخیز به صورت برهنگان برانگیخته می شوند، از خداوند تمنا کردم که فاطمه را با پوشش عورت برانگیزاند، بعد فرمود: به آنکه جان محمد در دست اوست، از گور فاطمه خارج نشدم تا اینکه دو چراغ نور بالای سر او مشاهده کردم و دو چراغ نور پیش روی او دو چراغ نور در پای او. دو فرشته بر مزار فاطمه موکل خواهند بود که تا رستاخیز برای وی آمرزش بطلبند.

۱۵. ابی مسلم می گوید: همراه با حسن بصری و انس بن مالک نزدیک خانه «ام سلمه» همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله بودیم. انس بن مالک در آستانه در نشست و ما به داخل خانه رفتیم. حسن بصری به ام سلمه گفت: سلام و رحمت و برکات خداوند بر تو باد ای مادرم. ام سلمه گفت: سلام بر تو. کیستی پسر من؟ گفت: حسن بصری هستم. گفت: برای چه کاری آمده ای؟ گفت: حدیثی را که از پیامبر صلی الله علیه و آله درباره علی علیه السلام شنیدم، برایم بازگویی. ام سلمه گفت: اینک حدیثی برایت روایت می کنم که از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله با همین گوشه هایم شنیدم و با این چشمه هایم او را دیدم و قلبم آن را نگاه داری کرده است. گوشه هایم کر شود و چشمه هایم کور و بر دلم مهر بخورد، اگر دروغ گفته باشم. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام چنین فرمود: ای علی! هر کس خدا را دیدار کند و ولایت را انکار کرده باشد، مانند پرستشگر بت و صنم او را دیدار کرده است. حسن بصری گفت: الله اکبر. من شاهدیم که علی سرور من و هر مؤمن است. آنگاه که از خانه ام سلمه خارج شدیم، انس بن مالک گفت: ای حسن چرا الله اکبر گفتی؟ گفت: از مادرم تقاضای حدیثی درباره علی علیه السلام کردم که از پیامبر شنیده باشد. آنگاه که او برایم باز گفت: الله اکبر گفتم. من شهادت می دهم که علی علیه السلام سرور من و هر مؤمن است. راوی می گوید: انس بن مالک هم گفت: من نیز گواهی می دهم که پیامبر صلی الله علیه و آله این جمله را درباره علی علیه السلام تا سه نوبت یا چهار نوبت تکرار فرمود.



اللهم





السلام

المجلس الثاني والخمسون وهو يوم الثلاثاء لسبع بقين من شهر ربيع الأول من سنة ثمان وستين و ثلاثمائة

١. حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوَيْهِ الْقُمِّيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ - رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ - قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْهَمْدَانِيُّ مَوْلَى بَنِي هَاشِمٍ قَالَ: حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ قَالَ: حَدَّثَنَا كَثِيرُ بْنُ عَيَّاشٍ الْقَطَّانُ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ زِيَادِ بْنِ الْمُنْذِرِ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ عليه السلام قَالَ: لَمَّا وَلَدَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ كَانَ ابْنُ يَوْمٍ كَأَنَّهُ ابْنُ شَهْرَيْنِ فَلَمَّا كَانَ ابْنُ سَبْعَةِ أَشْهُرٍ أَخَذَتْ وَالِدَتُهُ بِيَدِهِ وَجَاءَتْ بِهِ الْكِتَابَ وَأَقْعَدَتْهُ بَيْنَ يَدَيِ الْمُؤَدَّبِ فَقَالَ لَهُ الْمُؤَدَّبُ: قُلْ: (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) فَقَالَ عِيسَى عليه السلام: (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) فَقَالَ لَهُ الْمُؤَدَّبُ: قُلْ: أَبْجَدْ فَرَفَعَ عِيسَى عليه السلام رَأْسَهُ فَقَالَ: وَهَلْ تَذَرِي مَا أَبْجَدْ فَعَلَاهُ بِالْذُّرَةِ لِيُضْرِبَهُ؟ فَقَالَ: يَا مُؤَدَّبُ لَا تُضْرِبْنِي إِنْ كُنْتُ تَذَرِي وَإِلَّا فَاسْأَلْنِي حَتَّى أَفْشُرَ لَكَ فَقَالَ: فَسْأَلْنِي، فَقَالَ عِيسَى عليه السلام: الْاَلِفُ: آءُ اللَّهِ وَالْبَاءُ: بِهَجَةِ اللَّهِ وَالْجِيمُ: جَمَالُ اللَّهِ وَالْدَّالُ: دِينَ اللَّهِ هَوْرُ الْهَاءِ: هِيَ هَوْلُ جَهَنَّمَ وَالْوَاوُ: وَبِلُ لَأَهْلِ النَّارِ وَالزَّاءُ: زَفِيرُ جَهَنَّمَ حُطِّي حُطَّتِ الْخَطَايَا عَنِ الْمُسْتَغْفِرِينَ كَلَمَنْ كَلَامُ اللَّهِ «لَا مُبَدَّلَ لِكَلِمَاتِهِ» ^(١) سَغَفَصُ صَاعُ بِصَاعٍ وَالْجَزَاءُ بِالْجَزَاءِ قَرَشْتُ قَرَشَهُمْ فَحَشَرَهُمْ، فَقَالَ الْمُؤَدَّبُ: أَيَّتُهَا الْمَرْأَةُ خُذِي بِيَدِ ابْنِكَ فَقَدْ عَلِمَ وَلَا حَاجَةَ لَهُ فِي الْمُؤَدَّبِ.

٢. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ - رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ - قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ: قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ وَأَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ

مجلس پنجاه و دوم

سه شنبه بیست و سوم ربیع اول سال ۳۶۸

السلامی

۱. امام باقر علیه السلام فرمود: آنگاه که عیسی بن مریم علیه السلام به دنیا آمد، گویی طفلی دو ماهه بود. در هفت ماهگی بود که مریم دست او را گرفته و پیش آموزگار برد و او را پیش روی مؤدب نشاند. مؤدب گفت: ای عیسی بگو بسم الله الرحمن الرحيم. عیسی فرمود: بسم الله الرحمن الرحيم. مؤدب گفت: بگو ابجد. عیسی سر فرو افکند و بعد گفت: ای مؤدب! آیا معنای ابجد را می دانی؟ مؤدب تازیانه را بالا آورد که او را تنبیه کند. عیسی فرمود: ای مؤدب! مرا تازیانه نزن. اگر از معنای آن آگاهی که هیچ و اگر نیستی از من سؤال کن تا تو را از آن باخبر کنم. مؤدب گفت: معنای آن را تعلیم کن. عیسی علیه السلام فرمود: «الف» یعنی نعمت های خداوند (آلاء). و «باء» یعنی به جهت خداوند و «جیم» جمال اوست و «دال» یعنی دین او. هوز «ها» یعنی هراس دوزخ (هول) و «الواو» یعنی وای بر اهل آتش (ویل) و «الزاء» یعنی زفیر دوزخ و «حطی» یعنی فرو ریختن گناهان کسانی که در خواست آمرزش دارند. و «کلمن» یعنی کلام خداوند هرگز تبدیل نخواهد شد و «سعفس» پیمانهای در برابر پیمانهای است و «الجزاء» مراد جزای قرشت است که آنان را بر چید و گرد آورد. مؤدب گفت: ای مریم! فرزندت را از اینجا ببر، او دانش دارد و به مؤدب احتیاج ندارد.

۲. عثمان بن عفان از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله درباره معنای ابجد سؤال کرد. حضرت فرمود: تفسیر ابجد را یاد بگیرد که تمام شگفتی ها در آن است. وای بر دانایی که معنای ابجد را

عَلِيٍّ بْنِ فَضَالٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَشْبَاطٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ زَيْدٍ، قَالَ: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ سَالِمٍ عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ: «قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: سَأَلَ عُثْمَانُ بْنُ عَفَّانَ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا تَفْسِيرُ أَبْجَد؟ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ: تَعَلَّمُوا تَفْسِيرَ أَبْجَد. فَإِنَّ فِيهِ الْأَعَاجِيبَ كُلَّهَا وَبِلَ لِعَالَمٍ جَهْلٍ تَفْسِيرُهُ قَبِيلٌ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا تَفْسِيرُ أَبْجَد؟ قَالَ: أَمَّا الْأَلِفُ: فَالْأَلَهُ اللَّهُ حَرْفٌ مِنْ أَسْمَائِهِ وَأَمَّا الْبَاءُ: فَتَهَجَةُ اللَّهِ وَأَمَّا الْجِيمُ: فَجَنَّةُ اللَّهِ وَجَلَالُ اللَّهِ وَجَمَالُهُ وَأَمَّا الدَّالُ: فَدِينُ اللَّهِ وَأَمَّا هُوَزُ فَالْهَاءُ: هَاءُ الْهَٰوِيَةِ، فَوَيْلٌ لِمَنْ هَوَى فِي النَّارِ وَأَمَّا الْوَاوُ: فَوَيْلٌ لِأَهْلِ النَّارِ وَأَمَّا الزَّاءُ: فَزَاوِيَةٌ فِي النَّارِ، فَتَعُوذُ بِاللَّهِ مِمَّا فِي الزَّوَاوِيَةِ يَعْنِي زَوَايَا جَهَنَّمَ وَأَمَّا حُطَي فَالْحَاءُ: حُطُوطُ الْخَطَايَا عَنِ الْمُسْتَغْفِرِينَ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَمَا نَزَلَ بِهِ جِبْرِتِيلُ مَعَ الْمَلَائِكَةِ إِلَى مَطْلَعِ الْفَجْرِ وَأَمَّا الطَّاءُ: «فَطُوبَى لَهُمْ وَحُسْنُ مَأَبٍ» ^(١) وَهِيَ شَجَرَةٌ غَرَسَهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَنَفَخَ فِيهَا مِنْ رُوحِهِ وَإِنْ أَغْصَانُهَا لَتَرَى مِنْ وَرَائِهِ سُورَ الْجَنَّةِ تَنْبُتُ بِالْحُلِيِّ وَالْحُلَلِ مُتَدَلِّيةٌ عَلَى أَقْرَاهِمُ وَأَمَّا الْيَاءُ: فَيَدُ اللَّهِ فَوْقَ خَلْقِهِ - «سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ» ^(٢) وَأَمَّا كَلَمَنْ فَالْكَافُ: كَلَامُ اللَّهِ «لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ»

- وَلَنْ تَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُتَعَدِّدًا» ^(٣)، وَأَمَّا اللَّامُ فَالْمَامُ أَهْلُ الْجَنَّةِ بَيْنَهُمْ فِي الزِّيَارَةِ وَالتَّحِيَّةِ وَالسَّلَامِ وَتَلَاوُمِ أَهْلِ النَّارِ فِيمَا بَيْنَهُمْ، وَأَمَّا الْمِيمُ فَمِلْكُ اللَّهِ الَّذِي لَا يَزُولُ وَدَوَامُ اللَّهِ الَّذِي لَا يَفْنَى، وَأَمَّا النُّونُ «فَنُونٌ وَالْقَلَمُ وَمَا يَسْطُرُونَ» ^(٤) فَالْقَلَمُ قَلَمٌ مِنْ نُورٍ وَكِتَابٌ مِنْ نُورٍ «فِي لَوْحٍ مَحْفُوظٍ» - ^(٥)، «يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا» ^(٦)، وَأَمَّا سَعْفُصُ فَالضَّادُ ضَاعُ بَضَاعٍ وَفَصُّ بِفَضٍ يَعْنِي الْجَزَاءَ بِالْجَزَاءِ وَكَمَا تَدِينُ تُدَانُ إِنَّ اللَّهَ لَا يُرِيدُ «ظُلْمًا لِلْعِبَادِ» ^(٧)، وَأَمَّا قَرَشْتُ يَعْنِي قَرَشَهُمْ فَحَشَرَهُمْ وَنَشَرَهُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ «فَقَضِي بَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ» ^(٨).

٣. حَدَّثَنَا أَبِي رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى، قَالَ: حَدَّثَنَا الْقَاسِمُ بْنُ عِيْسَى، عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ، عَنِ الصَّادِقِ

٢. يونس / ١٨.

٤. القلم / ١.

٥. البروج / ٢١.

٨. الزمر / ٤٩.

١. الرعد / ٢٩.

٣. يونس / ٤٤.

٥. البروج / ٢٢.

٧. غافر / ٣١.

نماید. گفته شد: ای پیامبر خدا ﷺ معنای ابجد چیست؟ فرمود: الف یعنی «الاء» (نعمت‌های) خداوند. آن حرفی از اسمای الهی است. «با» یعنی بهجت خداوند. جیم یعنی جنت (بهشت) و جلال و جمال خداوند. «دال» یعنی دین خداوند. «هوزهاء» هاویه است در جهنم. وای بر کسی که در آن افتد. «زا» یعنی زاویه‌ای در دوزخ. پناه بر حق از آن چیزی که در زاویه یا گوشه‌های جهنم است. «حطی حاء» یعنی ریزش گناهان از اهل استغفار در شب قدر و نیز آنچه تا سپیده دم جبرئیل همراه فرشتگان به زمین پایین آورند. «طه» یعنی طوبی یعنی خوشا به حال آنان یا فرجام نیک آنان. طوبی درختی است در بهشت که خداوند آنرا کاشته است و در آن از روح خویش دمیده است. شاخه‌های طوبی به گونه‌ای است که از پشت دیوار بهشت دیده می‌شود. طوبی آراستگی و جامه خواهد رویانید و همواره بر لب و دهان اهل بهشت ریزان است. «یا» یعنی یدالله (دست خدا) بالای همه آفریدگان اوست. منزّه است او از آنچه نسبت به او شرک می‌ورزند. «کاف» یعنی کلمات خداوند که قابل تبدیل نیست. و غیر او پناهگاهی نخواهی یافت. «ل» یعنی ورود بهشتی‌ها بر پیامبر خویش در هنگام دیدار و درود و تحنیت. و نیز به معنای سرزنش متقابل اهل دوزخ است. «م» ملک خداوند است که زوال ناپذیر است. «ن» یعنی نون والقلم و ما یسطرون. قلم از نور است و کتاب نیز از نور است و در لوح محفوظی است که مقربان شاهد آن می‌باشند. بی گمان خدا برای شاهد بودن کفایت می‌کند. سعص یعنی پیمان به پیمان یا کیفر به کیفر. یعنی هر جزایی جزایی در بردارد و بی گمان خداوند ستم بر بندگان روا نخواهد داشت. قرشت یعنی دریافتن آنان و گرد آوردن و پراکندن آنان برای رستاخیز و داوری حق بین آنان.

۳. امام صادق علیه السلام فرمود: آنگاه که شخصی ستم دیده بر شخص ستم‌گر نفرین کند

جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عليه السلام قَالَ: إِذَا ظَلِمَ الرَّجُلُ فَظَلَّ يَدْعُو عَلَى صَاحِبِهِ قَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ: إِنْ هَهُنَا آخَرُ يَدْعُو عَلَيْكَ يَزْعُمُ أَنَّكَ ظَلَمْتَهُ، فَإِنْ شِئْتَ أَجَبْتُكَ وَأَجَبْتُ عَلَيْكَ، وَإِنْ شِئْتَ آخَرُ تَكُمَا فَتَوَسَّعُكُمَا عَفْوِي.

٤. حَدَّثَنَا أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّعْدُ أَبَا دِيٍّ قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ الْحَزَّازِ عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرِ عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ الْجُعْفِيِّ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثَّمَالِيِّ عَنْ حَبِيبِ بْنِ عَمْرٍو قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام فِي مَرَضِهِ الَّذِي قُبِضَ فِيهِ فَحَلَّ عَنْ جِرَاحَتِهِ، فَقُلْتُ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مَا جَرَحَكَ هَذَا بِشَيْءٍ وَمَا بِكَ مِنْ بَأْسٍ؟ فَقَالَ لِي: يَا حَبِيبُ أَنَا وَاللَّهُ مُفَارِقُكُمْ السَّاعَةَ قَالَ: فَبَكَيْتُ عِنْدَ ذَلِكَ وَبَكَتْ أُمُّ كُلثُومٍ وَكَانَتْ قَاعِدَةً عِنْدَهُ فَقَالَ لَهَا: مَا يُنْكِيكِ يَا بُنَيَّةُ؟

فَقَالَتْ: ذَكَرْتُ يَا أَبَتِ أَنَّكَ تُفَارِقُنَا السَّاعَةَ فَبَكَيْتُ فَقَالَ لَهَا: يَا بُنَيَّةُ لَا تَبْكِينَ فَوَ اللَّهُ لَوْ تَرَيْنَ مَا يَرَى أَبُوكِ مَا بَكَيْتَ قَالَ حَبِيبٌ: فَقُلْتُ لَهُ: وَمَا الَّذِي تَرَى يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ. فَقَالَ: يَا حَبِيبُ أَرَى مَلَائِكَةَ السَّمَاوَاتِ وَالسَّيِّئِينَ بَعْضُهُمْ فِي أَثَرِ بَعْضٍ وَقُوفًا إِلَى أَنْ تَتَلَقَّوْنِي وَهَذَا أَخِي مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ جَالِسٌ عِنْدِي يَقُولُ: أَقْدِمُ فَإِنَّ أَمَامَكَ خَيْرٌ لَكَ مِمَّا أَنْتَ فِيهِ، قَالَ: فَمَا خَرَجْتُ مِنْ عِنْدِهِ حَتَّى تُوَفِّيَ فَلَمَّا كَانَ مِنَ الْغَدِ وَأَصْبَحَ الْحَسَنُ عليه السلام قَامَ خَطِيبًا عَلَى الْمِنْبَرِ فَحَمِدَ اللَّهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ نَزَلَ الْقُرْآنُ وَفِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ رُفِعَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ عليه السلام وَفِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ قُتِلَ يُوْسُفُ بْنُ نُونٍ وَفِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ مَاتَ أَبِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام وَاللَّهُ لَا يَسْبِقُ أَبِي أَحَدٍ كَانَ قَبْلَهُ مِنَ الْأَوْصِيَاءِ إِلَى الْجَنَّةِ وَلَا مَنْ يَكُونُ بَعْدَهُ وَإِنْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله لِيَتَّبِعَنَّهُ فِي السَّرِيَّةِ فَيُقَاتِلُ جَبْرِئِيلُ عَنْ يَمِينِهِ وَمِيكَائِيلُ عَنْ يَسَارِهِ وَمَا تَرَكَ صَفَرَاءَ وَلَا بَيْضَاءَ إِلَّا سَبْعِمِائَةَ دِرْهَمٍ فَضَلَّتْ مِنْ عَطَائِهِ كَانَ يَجْمَعُهَا لِيَشْتَرِيَ بِهَا خَادِمًا لِأَهْلِهِ.

٥. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ، رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنْ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عليهم السلام

خداوند می فرماید دیگری است که از ستم تو شکایت دارد. اگر مایلی که خواسته تو و او را قبول کنم و اگر مایلی از همه تان در گذرم؟

۴. حبیب بن عمرو می گوید: آنگاه که در هنگام وفات علی علیه السلام، زخم ایشان را باز کردند، نزد حضرت بودم. گفتم: ای علی! این زخم چیزی نیست و ترسی نباید داشت. فرمود: ای حبیب! به همین زودی از میان شما خواهم رفت. اشک ریختم و بعد ام کلثوم که کنارش نشسته بود، اشک ریخت. به او فرمود، دخترم چرا اشک می ریزی؟ گفت: جدایی تان را تصور کردم. فرمود: دخترم اشک مریز. به خدا سوگند اگر چیزی که پدرت می نگرد تو میدیدی هرگز گریان نبودی. حبیب می گوید که گفتم: ای امیرمؤمنان! چه چیزی مشاهده می کنی؟ فرمود: ای حبیب اکنون می بینم که فرشتگان آسمانها و نیز پیامبران در پی هم برای دیدارم منتظرند و این هم برادرم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که پیش من است و می فرماید که نزد من بیا که آن چیزی که در پیش رو داری، از آن چیزی که گرفتارش هستی، نیکوتر است.

راوی حدیث می گوید: هنوز از آنجا خارج نشده بودم که حضرت وفات یافت. روز بعد که امام حسن علیه السلام بر منبر رفت، این سخن را پس از سپاس و ستایش خداوند بر زبان راند: ای مردم! چنین شبی بود که قرآن فرود آمد و عیسی بن مریم به آسمان رفت و یوشع بن نون به قتل رسید و سرانجام در این شب امیرمؤمنان چشم از دنیا فرو بست. به خدا سوگند که هیچ یک از پیامبران و جانشینان آنان و نیز مؤمنان دیگر به بهشت وارد نخواهند شد، مگر آنکه علی علیه السلام پیشاپیش آنان به بهشت وارد شود. هرگاه پیامبر خدا او را برای جنگ روانه می کرد، جبرئیل از جانب راست او را همراهی داشت و میکائیل از جانب چپ. ای مردم! سکه زرد و سفیدی از علی علیه السلام نمانده است، مگر هفتصد درهم که آن را از حق خویش ذخیره نموده بود، تا خدمت کاری برای خاندان خود بیاورد.

۵. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: آیا به شما از کسی خبر ندهم که آتش دوزخ بر او حرام

قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «الْأَخْبَرُكُمْ بِمَنْ يَحْرُمُ عَلَيْهِ النَّارُ غَدًا قَالُوا: بَلَى، يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: الْهَيْئُ الْقَرِيبُ اللَّيْنُ السَّهْلُ».

٦. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارُ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنْ أَبِيهِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْعَيْصِ بْنِ الْقَاسِمِ، قَالَ: قُلْتُ لِلصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ﷺ: حَدِيثٌ يُرْوَى عَنْ أَبِيكَ ﷺ أَنَّهُ مَا شَبِعَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مِنْ خُبْرٍ بَرِّ قَطًّا هُوَ صَحِيحٌ؟ فَقَالَ: لَا، مَا أَكَلَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ خُبْرَ بَرٍّ قَطُّ وَلَا شَبِعَ مِنْ خُبْرٍ شَعِيرٍ قَطُّ.

٧. حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْأَشْعَرِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ وَهْبِ بْنِ وَهْبٍ الْقَاضِي عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ ﷺ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «قَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ: «يَا ابْنِ آدَمَ أَطْعِمْنِي فِيمَا أَمَرْتُكَ وَلَا تَعْلُمْنِي مَا يُضْلِحُكَ».

٨. وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «قَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ: «يَا ابْنَ آدَمَ إِذَا كُرِنِي بَعْدَ الْغَدَاةِ سَاعَةً وَبَعْدَ الْغُصْرِ سَاعَةً أَكْفِكَ مَا أَهَمُّكَ».

٩. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عِصَامِ الْكَلْبِيِّ، رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مَعْنٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ عَاتِكَةَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ النَّضْرِ الْفَهْرِيِّ عَنْ عَمْرِو الْأَوْزَاعِيِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ شَمْرٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ الْجُعْفِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ ﷺ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ﷺ: فِي خُطْبَةٍ خَطَبَهَا بَعْدَ مَوْتِ النَّبِيِّ ﷺ بِتِسْعَةِ أَيَّامٍ وَذَلِكَ حِينَ فَرَّغَ مِنْ جَمْعِ الْقُرْآنِ، فَقَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَعْجَزَ الْأَوْهَامَ أَنْ يَنَالَ إِلَّا وَجُودَهُ وَحَجَبَ الْعُقُولَ أَنْ تَتَخَيَّلَ ذَاتَهُ فِي امْتِنَاعِهَا مِنَ الشَّيْءِ وَالشَّكْلِ بَلْ هُوَ الَّذِي لَمْ يَتَفَاوَتْ فِي ذَاتِهِ وَلَمْ يَتَبَعَضْ بِتَجْزِيَةِ الْعَدَدِ فِي كَمَالِهِ فَارَقَ الْأَشْيَاءَ لَا عَلَى اخْتِلَافِ الْأَمَاكِينِ وَتَمَكَّنَ مِنْهَا لَا عَلَى الْمُعَارَاجَةِ وَعِلْمِهَا لَا بِأَدَاةٍ لَا يَكُونُ الْعِلْمُ إِلَّا بِهَا وَلَيْسَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ مَعْلُومِهِ عِلْمٌ غَيْرُهُ إِنْ قِيلَ: كَانَ فَعَلَى تَأْوِيلٍ أَرْزَلِيَّةِ الْوُجُودِ وَإِنْ قِيلَ: لَمْ يَزَلْ فَعَلَى تَأْوِيلٍ نَفْيِ الْعَدَمِ فَسُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَنْ قَوْلٍ: مَنْ عَبْدٌ سِوَاهُ وَاتَّخَذَ إِلَهًا غَيْرَهُ عَلَوًا كَبِيرًا نَحْمَدُهُ بِالْحَمْدِ الَّذِي ارْتَضَاهُ لِخَلْقِهِ وَأَوْجَبَ قَبُولَهُ عَلَى نَفْسِهِ (وَأَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ

است؟ گفتند: چرا ای پیامبر خدا، فرمود: او کسی است که آسان می‌گیرد و انس و نزدیکی و نرمی در اخلاق دارد.

۶. عیص بن قسم می‌گوید که از امام صادق علیه السلام پرسیدم: از پدرتان حدیثی درباره پیامبر صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: هرگز رسول اکرم صلی الله علیه و آله از نان گندم خودش را سیر نکرده بود. امام فرمود: بلکه هرگز نان گندم نخورد. زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله نان جوین می‌خورد که از آن هم سیر نمی‌خورد.

۷. پیامبر اسلام فرمود که خداوند می‌فرماید: ای پسر آدم! در چیزی که به تو فرمان دادم، از من فرمان ببر و هرگز صلاح خود را به من یاد مده.

۸. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود که خداوند می‌فرماید: ای فرزند آدم! ساعتی در صبحدم مرا به یاد آور و ساعتی پس از عصر تا امور مهم زندگیت را کفایت کنم.

۹. نه روز از وفات پیامبر خدا صلی الله علیه و آله سپری شده بود و نیز کار گردآوری آیات قرآن به پایان رسیده بود که امیر مؤمنان علیه السلام این سخنان را فرمود: ستایش و سپاس ویژه خداوندی است که هر و هم درباره آن ناتوان بوده مگر آنکه هستی‌اش را به درستی بشناسد و هر عقلی در تصور صفات او نارسایی دارد. زیرا عقول همانند اوهام صورتی ندارند و او را در آفرینش ذات خویش تفاوتی نیست و در کمال خود شمارپذیر نیست. خدا از همه اشیا جداست. نه از طریق اینکه در مکان مختلف است. و او همراه همه اشیاست. نه به گونه‌ای که با آن‌ها در هم آمیزد. با آن، همه چیز را آگاه می‌شود، اما نه به کمک ابزاری که آدمیان به کار می‌برند. هر چیزی خود به خود نزد او معلوم است. میان او و علم او هیچ چیز فاصله نیافتاده است. اگر گویند خدا بود مراد ازلی بودن وجود اوست و اگر گویند خداوند خواهد بود، مراد نفی نیستی مطلق از ذات اوست. خداوند از سخن هر کس که غیر او را پرستش می‌کند منزّه و برتر است. او را بی‌نهایت سپاس و ستایش گزاریم که از آفریدگان خویش طلبد و اجابت آن را حقی بر خود شمارد.

شهادت می‌دهم که غیر خدای یکتا معبود شایسته‌ای نیست و نیز او شریکی ندارد. و شهادت می‌دهم که محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده اوست. این شهادت‌ها اعمال را بالا برده و آن را در ارزش دو چندان می‌کند. چه بی‌مقدار است ترازویی که این دورا از آن بردارند و چه سنگین است ترازویی که این دورا در آن گذارند. از رهگذر این دو گواهی است که به



مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ) شَهَادَتَانِ تَرْفَعَانِ وَتُضَاعِفَانِ الْعَمَلَ خَفَّ مِيزَانُ تَرْفَعَانِ مِنْهُ وَ تَقُلُّ مِيزَانُ تُوَضَّعَانِ فِيهِ وَبِهِمَا الْقَوَرُ بِالْجَنَّةِ وَ النَّجَاةُ مِنَ النَّارِ وَ الْجَوَازُ عَلَى الصِّرَاطِ وَ بِالشَّهَادَتَيْنِ تَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَ بِالصَّلَاةِ تَنَالُونَ الرَّحْمَةَ فَأَكْثَرُوا مِنَ الصَّلَاةِ عَلَى نَبِيِّكُمْ وَ إِلَيْهِ «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا»^(١) أَيُّهَا النَّاسُ: إِنَّهُ لَا شَرَفَ أَغْلَى مِنَ الْإِسْلَامِ وَلَا كَرَمَ أَعَزُّ مِنَ التَّقْوَى وَلَا مَقِيلَ أَخْرَزُ مِنَ الْوَرَعِ وَلَا شَفِيعَ أَنْجَحُ مِنَ الثَّوْبَةِ وَلَا كَنْزَ أَنْفَعُ مِنَ الْعِلْمِ وَلَا عِزُّ أَرْفَعُ مِنَ الْحِلْمِ وَلَا حَسَبَ أْبْلَغُ مِنَ الْإِدَبِ وَلَا نَصَبٌ أَوْضَعُ مِنَ الْغَضَبِ وَلَا جَمَالٌ أَزِينُ مِنَ الْعَقْلِ وَلَا سُوءَةٌ أَشْوَأُ مِنَ الْكُذِبِ وَلَا حَافِظٌ أَحْفَظُ مِنَ الصُّمْتِ وَلَا لِيَأْسٌ أَجْمَلُ مِنَ الْعَاقِبَةِ وَلَا غَائِبٌ أَقْرَبُ مِنَ الْمَوْتِ أَيُّهَا النَّاسُ: إِنَّهُ مَنْ مَشَى عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ فَإِنَّهُ يَصِيرُ إِلَى بَطْنِهَا وَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ مُسْرِعَانِ فِي هَذِهِ الْأَعْمَارِ وَ لِكُلِّ ذِي رَمَقٍ قُوْتُ وَ لِكُلِّ حَبَّةٍ أَكَلٌ وَ أَنْتَ قُوْتُ الْمَوْتِ وَ إِنْ مَنْ عَرَفَ الْإِيَّامَ لَمْ يَغْفُلْ عَنِ الْإِسْتِعْدَادِ لِنُجُوحٍ مِنَ الْمَوْتِ غَنِيٌّ بِمَالِهِ وَ لَا فَقِيرٌ لِإِقْلَالِهِ أَيُّهَا النَّاسُ: مَنْ خَافَ رَبَّهُ كَفَّ ظُلْمَهُ وَ مَنْ لَمْ يَزَعْ فِي كَلَامِهِ أَظْهَرَ هَجْرَهُ وَ مَنْ لَمْ يَعْرِفِ الْخَيْرَ مِنَ الشَّرِّ فَهُوَ بِمَنْزِلَةِ الْبَهِيمَةِ مَا أَصْغَرَ الْمُصِيبَةَ مَعَ عَظَمِ الْفَاقَةِ عَدَا هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ وَ مَا تَنَاكَرْتُمْ إِلَّا لِمَا فِيكُمْ مِنَ الْمَعَاصِي وَ الذُّنُوبِ فَمَا أَقْرَبَ الرَّاحَةَ مِنَ التَّعَبِ وَ الْبُؤْسَ مِنَ النَّعِيمِ وَ مَا شَرُّ بَشَرٍ بَعْدَهُ الْجَنَّةُ وَ مَا خَيْرُ بَشَرٍ بَعْدَهُ النَّارُ وَ كُلُّ نَعِيمٍ دُونَ الْجَنَّةِ مَحْقُورٌ وَ كُلُّ بَلَاءٍ دُونَ النَّارِ عَاقِبَةٌ.

١٠. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِيلَوْنِي، قَالَ: حَدَّثَنَا عَمِّي مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَكْرِ بْنِ صَالِحٍ قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ إِبْرَاهِيمَ الْغِفَارِيُّ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ عَمِّهِ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ سَعِيدِ بْنِ الْمُسَيَّبِ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْخُدْرِيِّ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «الْأَذْلَكُكُمْ عَلَى شَيْءٍ يَكْفُرُ اللَّهُ بِهِ الْخَطَايَا وَ يَزِيدُ فِي الْحَسَنَاتِ» قِيلَ: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: إِسْبَاحُ الْوُضُوءِ عَلَى الْمَكَارِهِ وَ كَثْرَةُ الْخُطَى إِلَى هَذِهِ الْمَسَاجِدِ وَ انْتِظَارُ الصَّلَاةِ بَعْدَ الصَّلَاةِ وَ مَا مِنْكُمْ أَحَدٌ يَخْرُجُ مِنْ بَيْتِهِ مُتَطَهِّرًا فَيُصَلِّي الصَّلَاةَ فِي الْجَمَاعَةِ مَعَ الْمُسْلِمِينَ ثُمَّ يَقْعُدُ يَنْتَظِرُ الصَّلَاةَ الْآخَرَى إِلَّا وَ الْمَلَائِكَةُ

بهشت دست می‌یابند و کامیاب می‌شوند و از آتش دوزخ نجات می‌یابند و از پل صراط می‌گذرند و وارد بهشت می‌شوند و با صلوات به رحمت نزدیک می‌شوند. پس بر پیامبر و خاندان او زیاد صلوات فرستید؛ چرا که خداوند و فرشتگان بر پیامبر ﷺ صلوات می‌فرستند. ای مؤمنان! برای پیامبر درخواست رحمت کنید و بر او سلام بسیار فرستید. ای مردم! شرافتی برتر از اسلام نیست و کرامتی ارجمندتر از تقوا نیست و پناهی آسیب‌ناپذیرتر از پاکدامنی و شفاعت‌گری تأثیرگذارتر از توبه و گنجی مفیدتر از علم و اعتباری بالاتر از حلم و حسبی شیواتر از ادب و ورزی و گرفتاری خوارسازتر از خشم و جمالی آراسته‌تر از عقل و قباحتی زشت از دروغ و نگهبانی نیکوتر از سکوت و لباسی بهتر از عافیت و پنهانی نزدیک‌تر از مرگ.

ای مردم! هرکس بر روی زمین قدم بر می‌دارد، سرانجام به درون آن خواهد رفت. روز و شب در ویران کردن عمر آدمی شتاب می‌کنند. هرکس را که توانی است، غذایی دارد و هر دانه خوراکی را خورنده‌ای است. وای انسان تو نیز خوراک مرگ و نیستی خواهی بود. هرکس که از طبیعت روزگار آگاه باشد، هرگز از مهیا شدن برای مرگ غفلت زده نمی‌شود. هیچ دارایی به سبب ثروت خویش از چنگ مرگ رها نخواهد شد و هیچ تنگدستی به خاطر بینوایی خود.

ای مردم! هرکس از پروردگار خود پروا داشته باشید از ستمگری دست بکشید و هرکس سخن خویش را در ترازو نگذارد، زشتی‌اش آشکار خواهد شد. هرکس خوب و بد را از هم جدا نکند، همانند جانوری است. هر گرفتاری در مقایسه با گرفتاری آدمی در رستاخیز بس ناچیز خواهد بود. چه دور است! چه دور است! نادانی شما نسبت به خویشتن به دلیل بزهکاری تان است. چقدر آسایش به دشواری نزدیک است و نیز مشقت به نعمت. اگر در پی آن بهشت باشد، شر نخواهد بود و اگر در پی آن آتش دوزخ باشد، خیری به نظر نمی‌آید. بی‌گمان هر نعمت در مقایسه با بهشت کم و ناچیز خواهد بود و هر بلا در مقایسه با دوزخ عین عافیت خواهد بود.

۱۰. پیامبر خدا ﷺ فرمود: آیا شما را به چیزی رهنمون نشوم که کفاره گناهان شما بوده و حسنات شما را بیشتر می‌کند؟ گفته شد: چرا ای پیامبر خدا. آنگاه فرمود: وضوی درست و کامل گرفتن در دشواری و زیاد به مسجدها رفتن و چشم به راه نمازها بودن. از



تَقُولُ: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَهُ، اللَّهُمَّ ارْحَمْهُ، فَإِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْدِلُوا صُفُوفَكُمْ وَأَقِيمُوهَا وَ
سُدُّوا الْفُرَجَ وَإِذَا قَالَ: إِمَامُكُمْ (اللَّهُ أَكْبَرُ) فَقُولُوا: (اللَّهُ أَكْبَرُ) وَإِذَا رَكَعَ فَارْكَعُوا وَإِذَا قَالَ:
سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ، فَقُولُوا: اللَّهُمَّ رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ إِنَّ خَيْرَ المَشْفُوفِ صَفُّ الرِّجَالِ الْمُقَدَّمِ
وَشَرُّهَا الْمُؤَخَّرُ.

١١. حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ، رَحِمَهُ اللَّهُ
قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ جَدِّهِ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَالٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ
مُحَمَّدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ أَبَانَ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عليه السلام قَالَ: إِنَّ مُوسَى
بْنِ عِمْرَانَ حِينَ أَرَادَ أَنْ يُفَارِقَ الْخَضِرَ عليه السلام لَهُ أَوْصِيي فَكَانَ مِمَّا أَوْصَاهُ أَنْ قَالَ لَهُ: «إِيَّاكَ وَ
الدُّجَاةَ أَوْ أَنْ تَمْشِيَ فِي غَيْرِ حَاجَةٍ أَوْ أَنْ تَضْحَكَ مِنْ غَيْرِ عَجَبٍ وَ إِذْ كُرَّ خَطِيئَتَكَ وَ
إِيَّاكَ وَ خَطَايَا النَّاسِ».

١٢. وَبِهَذَا الْإِسْنَادِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَالٍ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ
الْشُّمَالِيِّ، قَالَ: دَعَا حَذِيفَةَ بْنَ الِيمَانِيِّ ابْنَهُ عِنْدَ مَوْتِهِ فَأَوْصَى إِلَيْهِ وَ قَالَ: يَا بَنِي أَظْهَرَ الْيَأْسِ
مِمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ فَإِنَّ فِيهِ الْغِنَى وَ إِيَّاكَ وَ طَلَبَ الْحَاجَاتِ إِلَى النَّاسِ فَإِنَّهُ فَقَرَّ حَاضِرُ وَ
كُنَ الْيَوْمَ خَيْرًا مِنْكَ أَمْسٍ، وَ إِذَا أَنْتَ صَلَّيْتَ فَصَلِّ صَلَاةَ مُؤَدَّعٍ لِلدُّنْيَا كَأَنَّكَ لَا تَرْجِعُ
إِلَيْهَا وَ إِيَّاكَ وَ مَا يُعْتَدَرُ مِنْهُ.

١٣. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ زِيَادٍ بْنُ جَعْفَرٍ الْقَهْمَدَانِيُّ، رَحِمَهُ اللَّهُ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ
بْنِ هَاشِمٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْعِصِيِّ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ
عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ عليه السلام أَنَّهُ قَالَ: أَحَبُّ أَخَاكَ الْمُسْلِمِ
وَ أَحَبُّ لَهُ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ وَ اكْرَهُ لَهُ مَا تَكْرَهُ لِنَفْسِكَ إِذَا احْتَجَجْتَ فَسَلِّهُ، وَ إِذَا سَأَلَكَ
فَاعْطِهِ وَ لَا تَدْخِرْ عَنْهُ خَيْرًا، فَإِنَّهُ لَا يَدْخِرُ عَنْكَ كُنْ لَهُ ظَهْرًا فَإِنَّهُ لَكَ ظَهْرٌ إِنْ غَابَ
فَاحْفَظْهُ فِي غَيْبَتِهِ، وَ إِنْ شَهِدَ فَرَزُهُ وَ أَجَلُهُ وَ أَكْرَمُهُ فَإِنَّهُ مِنْكَ وَ أَنْتَ مِنْهُ، وَ إِنْ كَانَ
عَلَيْكَ عَاتِبًا فَلَا تُفَارِقْهُ حَتَّى تَسَلَّ سَخِيمَتَهُ وَ مَا فِي نَفْسِهِ وَ إِذَا أَصَابَهُ خَيْرٌ فَاحْمَدِ اللَّهَ
عَلَيْهِ، وَ إِنْ ابْتَلَى فَاغْضُذْهُ وَ تَمَحَّلْ لَهُ.

١٤. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ، رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو سَعِيدٍ

شما کسی نباشد که در خانه‌اش وضو بگیرد و همراه مسلمانان نماز گزارد، و انتظار نمازی دیگر بماند، مگر اینکه فرشتگان خواهند گفت: خدایا! گناهان او را بیامرز. خدایا بر او مهربانی کن. آنگاه که نماز جماعت می‌گزارید، صف را نظم بخشید و تعدیل کنید و خلل‌ها را ببندید. و آنگاه که امام جماعت تکبیر گفت: شما نیز هماهنگ با او تکبیر بگویید و آنگاه که او به رکوع رفت، با او به رکوع بروید. و آنگاه که «سمع الله لمن حمده» گفت شما بگویید «اللهم ربنا لک الحمد». بدانید که برترین صف مردان صف اول است و بدترین صف آنان صف آخری است.

۱۱. امام صادق علیه السلام فرمود: آنگاه که موسی بن عمران علیه السلام قصد جدایی از حضرت خضر علیه السلام داشت، به او گفت: مرا توصیه‌ای کن. خضر گفت: مبادا لجبازی کنی و بی‌آنکه هدفی داشته باشی، راه بروی، و بی‌دلیل بخندی. همواره خطای خود را به یاد آور و از خطای دیگران چشم پوشی کن.

۱۲. حذیفه بن یمان در وقت مرگ به پسرش این گونه توصیه کرد: ای پسر من از آنچه در دست مردم است، ناامید شو، چرا که به آن احتیاج نداری. مبادا از دیگران چیزی خواسته باشی که تنگ دستی آشکار است. و بکوش که امروز از دیروز در اخلاق و رفتار بهتر باشی. و هرگاه نماز می‌خوانی، با آن وداع کن گویا دیگر به سوی آن باز نخواهی گشت و مبادا کاری کنی که مجبور شوی پوزش بخواهی.

۱۳. امام باقر علیه السلام فرمود: برادر دینی خود را دوست داشته باش و نیز برای او چیزی را بخواه که برای خود می‌خواهی و چیزی را برای او نخواه که برای خویشتن نمی‌خواهی. و هرگاه به او نیاز پیدا کردی، از او تمنا کن و هرگاه او از تو درخواستی داشت، به او عطا کن و هیچ‌گاه خوبی را از او دریغ نکن تا او نیز خوبی را از تو مضایقه نکند. از او حمایت کن تا او نیز از تو حمایت کند. اگر او از چشم تو پنهان شد، او را به نیکی یاد کن. و اگر در حضور تو بود، او را بزرگ شمار و احترام کن؛ زیرا او از تو ست و تو از او هستی. اگر او از تو گلایه‌ای دارد، از وی فاصله‌گیری تا آنکه از دلیل ناراحتی‌اش باخبر شوی و آنچه در دل دارد، سؤال کنی. اگر نعمتی به او روی آورد، خداوند را سپاس و ستایش کن و اگر دچار ناگواری شد، او را مدد برسان و کار گشایی کن.

۱۴. مخدوح بن زید ذهلی می‌گوید: آن‌گاه که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مسلمانان را برادر



السلامی



الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الْعَدَوِيُّ سَنَةَ سَبْعِ عَشْرَةَ وَثَلَاثِمِائَةٍ وَهُوَ ابْنُ مِائَةٍ وَسَبْعِ سِنِينَ، قَالَ:
 حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ الطُّفَاوِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا قَيْسُ بْنُ الرَّيِّعِ، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ الْخَقَّافُ
 عَنْ عَطِيَّةِ الْعَوْفِيِّ عَنْ مَخْدُوجِ بْنِ زَيْدِ الدُّهْلِيِّ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ أَخَى بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ ثُمَّ
 قَالَ: يَا عَلِيُّ أَنْتَ أَخِي وَأَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى غَيْرَ أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي أَمَا
 عَلِمْتَ يَا عَلِيُّ أَنَّهُ أَوَّلُ مَنْ يُدْعَى بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُدْعَى بِي فَأَقُومُ عَنْ يَمِينِ الْعَرْشِ فَأُكْسَى
 حُلَّةَ خَضِرَاءَ مِنْ حُلَلِ الْجَنَّةِ، ثُمَّ يُدْعَى بِإِبْرَاهِيمَ فَيَقُومُ عَنْ يَمِينِ الْعَرْشِ فِي ظِلِّهِ
 فَيُكْسَى حُلَّةَ خَضِرَاءَ مِنْ حُلَلِ الْجَنَّةِ، ثُمَّ يُدْعَى بِالنَّبِيِّينَ بَعْضُهُمْ عَلَى أَثَرِ بَعْضٍ فَيَقُومُونَ
 سِمَاطِينَ عَنْ يَمِينِ الْعَرْشِ فِي ظِلِّهِ وَيَكْسُونَ حُلَلًا خَضِرَاءَ مِنْ حُلَلِ الْجَنَّةِ، أَلَا وَإِنِّي
 أَخْبُرُكَ يَا عَلِيُّ، أَنَّ أَمَّتِي أَوَّلُ الْأَمَمِ يُحَاسِبُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، ثُمَّ أُبَشِّرُكَ يَا عَلِيُّ أَنَّ أَوَّلَ مَنْ
 يُدْعَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُدْعَى بِكَ هَذَا لِقَرَابَتِكَ مِنِّي وَمَنْزِلَتِكَ عِنْدِي فَيُدْفَعُ إِلَيْكَ لَوَائِي وَ
 هُوَ لَوَاءُ الْحَمْدِ فَتَسِيرُ بِهِ بَيْنَ السَّمَاطِينَ وَإِنْ آدَمَ وَجَمِيعَ مَنْ خَلَقَ اللَّهُ يَسْتَظِلُّونَ بِظِلِّ
 لَوَائِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَطَوْلُهُ مَسِيرَةُ أَلْفِ سَنَةٍ سَنَانُهُ يَاقُوتَةٌ حُمْرَاءُ قَصْبُهُ فِضَّةٌ بَيْضَاءُ رُجُهُ
 دُرَّةٌ خَضِرَاءُ لَهُ ثَلَاثُ ذَوَائِبَ مِنْ نُورٍ ذَوَابُهُ فِي الْمَشْرِقِ وَذَوَابُهُ فِي الْمَغْرِبِ وَذَوَابُهُ فِي
 وَسْطِ الدُّنْيَا مَكْتُوبٌ عَلَيْهَا ثَلَاثَةُ أَشْطَرٍ الْأَوَّلُ (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) وَالْآخِرُ (الْحَمْدُ
 لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ) وَالثَّالِثُ (لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ) طَوْلُ كُلِّ سَطْرِ مَسِيرَةُ أَلْفِ
 سَنَةٍ وَعَرْضُهُ مَسِيرَةُ أَلْفِ سَنَةٍ فَتَسِيرُ بِاللَّوَاءِ وَالْحَسَنُ عَنْ يَمِينِكَ وَالْحُسَيْنُ عَنْ يَسَارِكَ
 حَتَّى تَقِفَ بَيْنِي وَبَيْنَ إِبْرَاهِيمَ فِي ظِلِّ الْعَرْشِ فَتُكْسَى حُلَّةَ خَضِرَاءَ مِنْ حُلَلِ الْجَنَّةِ ثُمَّ
 يُنَادِي مُنَادٍ مِنْ عِنْدِ الْعَرْشِ نِعْمَ الْأَبُ أَبُوكَ إِبْرَاهِيمُ وَنِعْمَ الْإِخْوَانُ أَخَوَاكَ عَلِيُّ الْأَوَّلُ وَإِنِّي
 أُبَشِّرُكَ يَا عَلِيُّ أَنَّكَ تُدْعَى إِذَا دُعِيَْتَ وَتُكْسَى إِذَا كُسِيتَ وَتُحْيَا إِذَا حُيِّيتَ.



السلامة



یکدیگر کرد، به علی علیه السلام فرمود: ای علی! تو برادر من هستی. تو نسبت به من همچون هارون نسبت به موسی هستی؛ مگر آنکه پس از من پیامبری نیست. ای علی! خبر نداری که نخستین خواننده شده در رستاخیز من هستم که در سمت راست عرش خواهم ایستاد. حله سبزی از حله‌های بهشت بر تن من است. از آن پس پیامبران را یکی یکی به نام صدا می‌کنند و آنان در دو صف در جانب راست عرش زیر سایه آن خواهند ایستاد و جامه‌های سبز بهشتی خواهند پوشید. ای علی! بدان که امت من نخستین امتی خواهند بود که در بازرسی رستاخیز حاضر خواهند شد. تو را مژده باد که نخستین دعوت شده برای خویشاوندی و نزدیک منزلت با من خواهی بود. پرچم حمد را که پرچم من است، به دست تو خواهند داد و آنگاه تو آن پرچم را بین دو صف حمل خواهی کرد. آدم علیه السلام و همه فرزندان آدم در رستاخیز در سایه پرچم من خواهند بود که درازی آن با هزار سال راه برابر است. نوک پرچم من از یاقوت سرخ است و سیم سفید. دسته آن در سبز است و به صورت سه شاخه‌ای از نور است؛ شاخه‌ای در شرق و شاخه‌ای در غرب و شاخه‌ای در میانه دنیا. سه سطر بر آن نوشته شده است. سطر اول این است: **بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ**. سطر دوم این است: **الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ** و سطر سوم این است: **لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ**. درازی هر سطر هزار سال راه است و پهنای آن هزار سال راه. ای علی! تو حامل پرچم من خواهی بود، در حالی که حسن علیه السلام در جانب راست تو و حسین علیه السلام در جانب چپ تو هستند، تا آنکه در سایه عرش خداوند در میان من و ابراهیم علیه السلام بایستید و جامه‌ای سبز از جامه‌های بهشت بر تن خود بپوشانی. آنگاه ندایی از جانب عرش می‌آید که چه نیکو پدری است، پدرت ابراهیم علیه السلام و چه نیکو برادری است، برادرت علی علیه السلام. سپس پیامبر فرمود، ای علی تو را بشارت می‌دهم که همراه من دعوت خواهی شد و همراه من جامه سبز خواهی پوشید و همراه من برانگیخته خواهی شد.



السلام





الكتاب

المجلس الثالث والخمسون وهو يوم الجمعة لأربع بقين من شهر ربيع الأول من سنة ثمان وستين وثلاثمائة

١. حَدَّثَنَا الشَّيْخُ الْفَقِيهُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوئِهِ الْقُمِّيُّ، رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ بَكْرَانَ النَّقَّاشُ بِالكُوفَةِ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْقَهْمَدَانِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَالٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا عليه السلام قَالَ: إِنَّ أَوَّلَ مَا خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِيُعْرِفَ بِهِ خَلْقَهُ الْكِتَابَةَ حُرُوفَ الْمُعْجَمِ وَإِنَّ الرَّجُلَ إِذَا ضُرِبَ عَلَى رَأْسِهِ بَعْضًا فَرَعِمَ أَنَّهُ لَا يُفْصِحُ بِنَعْصِ الْكَلَامِ فَالْحُكْمُ فِيهِ أَنْ تُعْرَضَ عَلَيْهِ حُرُوفُ الْمُعْجَمِ، ثُمَّ يُعْطَى الذِّیَّةُ بِقَدْرِ مَا لَمْ يُفْصِحْ مِنْهَا وَلَقَدْ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام: فِي الْف ب ت ث أَنَّهُ قَالَ: الْإِلْفُ؛ آلاءُ اللَّهِ وَالْبَاءُ؛ بَهْجَةُ اللَّهِ وَالتَّاءُ تِمَامُ الْأَمْرِ بِقَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام وَالتَّاءُ؛ ثَوَابُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى أَعْمَالِهِمُ الصَّالِحَةِ، ج ح خ؛ فَالْجِيمُ؛ جَمَالُ اللَّهِ وَجَلَالُ اللَّهِ وَالْحَاءُ؛ حِلْمُ اللَّهِ عَنِ الْمُذْنِبِينَ وَالْخَاءُ خُمُولُ ذِكْرِ أَهْلِ الْمَعَاصِي عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ د ذ؛ فَالذَّالُ؛ دِينُ اللَّهِ وَالدَّالُ؛ مِنْ ذِي الْجَلَالِ ر ز؛ فَالرَّاءُ؛ مِنَ الرَّءُوفِ الرَّحِيمِ وَالرَّاءُ؛ زَلْزَلُ الْقِيَامَةِ س ش؛ فَالسَّيْنُ؛ سَنَاءُ اللَّهِ وَالشَّيْنُ؛ شَاءَ اللَّهُ مَا شَاءَ وَأَرَادَ مَا أَرَادَ «وَمَا تَشَاوُنَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ» (١).

ص ض؛ فَالصَّادُ؛ مِنْ صَادِقِ الْوَعْدِ فِي حَمْلِ النَّاسِ عَلَى الصِّرَاطِ وَحَبْسِ الظَّالِمِينَ عِنْدَ الْمِرْصَادِ وَالضَّادُ؛ ضَلَّ مَنْ خَالَفَ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ ط ظ؛ فَالطَّاءُ؛ طُوبَى لِلْمُؤْمِنِينَ وَحُسْنُ مَأْتَبٍ وَالظَّاءُ؛ ظَنُّ الْمُؤْمِنِينَ بِاللَّهِ خَيْرًا وَظَنُّ الْكَافِرِينَ بِاللَّهِ سُوءًا، ع غ؛ فَالْعَيْنُ؛

مجلس پنجاه و سوم

جمعه بیست و هشتم ربیع اول سال ۳۶۸

۱. امام رضا علیه السلام فرمود: نخستین چیزی را که خداوند خلق کرد تا به سبب آن آفریدگان خود را بشناساند، نگارش حرف های الفبا بود. آنگاه که با اعضا ضربه ای بر سر کسی فرود آورند، می پندارند که او نیروی سخن گفتن را از دست می دهد، در حالی که رازش این است که حروف الفبا را به او بیاموزند و آنگاه به اندازه ای که او از گفتن آن ناتوان ماند، به وی دیه خواهند داد. پدرم از پدرش و از نیای خود امیرمؤمنان برایم روایت کرد که «الف» آلا (نعمت های) خداوند است. «باء» بهجت اوست و «تا» تمام شدن امر ما به وسیله قائم آل محمد (عج) است. «ثا» ثواب اهل ایمان به خاطر اعمال نیک است. «جیم» جلال و جمال خداوند است. «حا» حلم خداوند بر گناه پیشگان است. «دال» دین خداست. «ذال» از ذی الجلال است. «را» رثوف و رحیم است. «زا» زلزال رستاخیز است. «سین» سنا الله است. «شین» شاء الله ماشاء. آنچه خداوند خواهد و اراده کند، در حالی که شما غیر از آن چه او خواهد، نخواهید توانست. «صاد» صادق الوعد (راست وعده) است در حمل کردن مردمان بر پل صراط و از نگاه داشتن ستمگران در مرصاد. «ضاد» ضل من خالف محمد او آل محمد علیهم السلام است. یعنی هر کس با پیامبر و خاندان او سر ستیز داشته باشد، گمراه شده است. «ط» طوبی برای اهل ایمان است و فرجام نیک. «ظ» ظن (گمان) نیک مؤمنان به خداوند است و ظن (گمان) بد کافران به او. «ع» از عالم است و «غ» از غنی است.



السلام



مِنَ الْعَالَمِ وَالْعَيْنُ؛ مِنَ الْغَنِيِّ ف ق: فَأَلْفَاءُ؛ فَوُجٌ مِّنْ أَفْوَاجِ النَّارِ وَالْقَافُ؛ قُرْآنٌ عَلَى اللَّهِ جَمْعُهُ وَقُرْآنُهُ ك ل: فَالْكَافُ؛ مِنَ الْكَافِي وَاللَّامُ؛ لَغَوُ الْكَافِرِينَ فِي افْتِرَائِهِمْ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبِ م ن: فَالْمِيمُ؛ مُلْكُ اللَّهِ يَوْمَ لَا مَالِكَ غَيْرُهُ وَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «لِمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ»^(١) ثُمَّ يُنْطِقُ أَرْوَاحُ أَنْبِيَائِهِ وَرُسُلِهِ وَحُجَجِهِ فَيَقُولُونَ: «لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ»^(٢)، فَيَقُولُ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ: «الْيَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ لَا ظُلْمَ الْيَوْمَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ»^(٣).

وَالثُّونُ: نَوَالُ اللَّهِ لِلْمُؤْمِنِينَ وَنِكَالُهُ بِالْكَافِرِينَ وَه فَالْوَاوُ: وَنِيلٌ لِّمَنْ عَصَى اللَّهَ وَالْهَاءُ: هَانٌ عَلَى اللَّهِ مَنْ عَصَاهُ لَا يَلَامُ أَلْفٌ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَهِيَ: كَلِمَةُ الْإِخْلَاصِ مَا مِنْ عَبْدٍ قَالَهَا مُخْلِصاً إِلَّا وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ ي يَدُ اللَّهِ فَوْقَ خَلْقِهِ بَاسِطَةٌ بِالرُّزْقِ - سُبحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ ثُمَّ قَالَ ﷺ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَنْزَلَ هَذَا الْقُرْآنَ بِهَذِهِ الْحُرُوفِ الَّتِي يَتَدَاوَلُهَا جَمِيعُ الْعَرَبِ ثُمَّ قَالَ: «لَئِنْ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَى أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيراً»^(٤).

٢. حَدَّثَنَا الْحَسَنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَعِيدٍ الْعَسْكَرِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ حَمْدَانَ الْقَشِيرِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عِيسَى الْكِلَابِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُوسَى بْنُ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ﷺ سَنَةَ خَمْسِينَ وَمِائَتَيْنِ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ ﷺ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ﷺ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «مَنْ قَرَأَ فِي ذُبُرِ صَلَاةِ الْجُمُعَةِ بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ مَرَّةً وَ«قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»^(٥) سَبْعَ مَرَّاتٍ وَفَاتِحَةَ الْكِتَابِ مَرَّةً وَ«قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ»^(٦) سَبْعَ مَرَّاتٍ وَفَاتِحَةَ الْكِتَابِ مَرَّةً وَ«قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ»^(٧) سَبْعَ مَرَّاتٍ لَمْ تَنْزِلْ بِهِ بَلِيَّةٌ وَلَمْ تُصِبْهُ فِتْنَةٌ إِلَى يَوْمِ الْجُمُعَةِ الْآخِرَةِ» فَإِنْ قَالَ: اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ

١. غافر / ١٦.

٢. الإسراء / ٨٨.

٣. الفرق / ١.

١. غافر / ١٦.

٣. المؤمن / ١٦-١٧.

٥. الإخلاص / ١.

٧. الناس / ١.

حرف «ف» فوجی از افواج آتش و «ق» قرآن است و گرد آورندگان و حفظ و خواندن آن بر خداوند است. «ک» از کافی است و «ل» لغو (بیهوده جویی) کافران در افترا بستن بر خدا. «م» ملک خداوند است در روزی که غیر از ملک او ملکی نبوده و خدا می فرماید: امروز ملک از کیست؟ و آنگاه فرود آید و ارواح پیامبران و حجت های خود را به سخن درآورد و آنان گویند امروز ملک و پادشاهی برای خدا قهار است. سپس خداوند می فرماید امروز هرکس پاداش کار خود را ببیند و ستمی بر کسی نرود. بی گمان خداوند به سرعت حساب رسی خواهد کرد.

«نون» نوال (بخشش) خداوند بر اهل ایمان است و زکال (کیفر) خداوند بر کفرورزان. «واو» یعنی ویل (وای) بر کسی که او را نافرمانی کند. «هاء» یعنی «هان علی الله من عصاه» (چه آسان است بر خداوند این که کسی او را فرمان نبرد. «لا» لا اله الا الله است که کلمه اخلاص می باشد. هیچ بنده ای این ذکر را خالصانه بر زبان نیاورد، مگر اینکه بهشت بر او واجب خواهد شد. «یا» ید الله است (دست خداوند) که بالای آفریدگان است و او رزق شان را فراخی بخشد و منزّه و برتر است از آنچه شرک ورزان درباره او می گویند. سپس امام رضا علیه السلام فرمود: خداوند این قرآن را با همین حروف الفبا بر پیامبر صلی الله علیه و آله فرود آورد که در نزد عرب وجود داشت. بعد این آیه شریفه را تلاوت فرمود: «ای محمد صلی الله علیه و آله بگو اگر انس و جن گرد آیند که همانند این قرآن را فراهم آورند، هرگز نخواهند توانست هر چند به یکدیگر را کمک کنند».

۲. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: هرکس در تعقیب نماز جمعه یکبار سوره حمد و هفت بار سوره توحید بخواند و در نوبت بعدی یکبار حمد و هفت بار سوره فلق را بخواند و در نوبت سوم یکبار حمد و هفت بار سوره ناس را بخواند تا جمعه دیگر هرگز گرفتاری پیدا نخواهد کرد و در فتنه ای نخواهد افتاد. اگر او دعا کرد که خدایا! مرا از ساکنان بهشت قرار ده که



الْجَنَّةِ الَّتِي حَشَوْهَا بَرَكَهَ وَعُمَّارُهَا مَلَائِكَةُ مَعَ نَبِيِّنَا مُحَمَّدٍ ﷺ وَأَبِينَا إِبْرَاهِيمَ جَمَعَ اللَّهُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ مُحَمَّدٍ وَإِبْرَاهِيمَ فِي دَارِ السَّلَامِ.

صلى الله على محمد وإبراهيم وعلى ألهما الطاهرين.

٣. حَدَّثَنَا أَبِي، رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ جَمِيعاً عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ، قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثَّمَالِيِّ عَنْ زَيْنِ الْعَابِدِينَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ﷺ، قَالَ: كَانَ فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ رَجُلٌ يَنْبُشُ الْقُبُورَ فَأَعْتَلَّ جَارُهُ فَخَافَ الْمَوْتَ فَبَعَثَ إِلَى النَّبَأِ فَقَالَ لَهُ: كَيْفَ كَانَ جَوَارِي لَكَ؟ قَالَ: أَحْسَنَ جَوَارٍ. قَالَ: فَإِنْ لِي إِلَيْكَ حَاجَةٌ قُضِيَتْ حَاجَتُكَ قَالَ: فَأَخْرَجَ إِلَيْهِ كَفَنَيْنِ، فَقَالَ: أَحِبُّ أَنْ تَأْخُذَ أَحَبَّهُمَا إِلَيْكَ وَإِذَا دُفِنْتُ فَلَا تَنْبُشْنِي فَاْمْتَنِعِ النَّبَأُ مِنْ ذَلِكَ وَأَبَى أَنْ يَأْخُذَهُ فَقَالَ لَهُ الرَّجُلُ: أَحِبُّ أَنْ تَأْخُذَهُ فَلَمْ يَزَلْ بِهِ حَتَّى أَخَذَ أَحَبَّهُمَا إِلَيْهِ وَمَاتَ الرَّجُلُ فَلَمَّا دُفِنَ قَالَ النَّبَأُ: هَذَا قَدْ دُفِنَ فَمَا عَلِمَهُ بَأَنِّي تَرَكْتُ كَفَنَهُ أَوْ أَخَذْتُهُ لَأَخْذُهُ فَأَتَى قَبْرَهُ فَنَبَشَهُ فَسَمِعَ صَائِحاً يَقُولُ: وَيَصِيحُ بِهِ لَا تَفْعَلْ فَقَرَعَ النَّبَأُ مِنْ ذَلِكَ فَتَرَكَهُ وَتَرَكَ مَا كَانَ عَلَيْهِ وَقَالَ لَوْلَدِهِ: أَيُّ أَبِ كُنْتُ لَكُمْ؟ قَالُوا: نَعَمْ، الْأَبِ كُنْتُ لَنَا قَالَ: فَإِنْ لِي إِلَيْكُمْ حَاجَةٌ قَالُوا: قُلْ: مَا شِئْتَ؟ فَإِنَّا سَنَصِيرُ إِلَيْهِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ قَالَ: وَ أَحِبُّ إِذَا أَنَا مِتُّ أَنْ تَأْخُذُونِي فَتَحْرِقُونِي بِالنَّارِ فَإِذَا صِرْتُ رَمَاداً فَأَذْفُونِي ثُمَّ تَعَمَّدُوا بِي رِيحاً غَاصِفاً فَذَرُّوا نِصْفِي فِي الْبَرِّ وَنِصْفِي فِي الْبَحْرِ قَالُوا: نَفْعَلُ فَلَمَّا مَاتَ فَعَلَ بِهِ وَلَدُهُ مَا أَوْصَاهُمْ بِهِ فَلَمَّا ذَرُّوه قَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ: لِلْبَرِّ اجْمَعْ مَا فِيكَ وَقَالَ لِلْبَحْرِ: اجْمَعْ مَا فِيكَ فَإِذَا الرَّجُلُ قَائِمٌ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ فَقَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: مَا حَمَلَكَ عَلَى مَا أَوْصَيْتَ بِهِ وَلَدَكَ أَنْ يَفْعَلُوهُ بِكَ حَمَلَنِي عَلَى ذَلِكَ وَعِزَّتْكَ خَوْفُكَ فَقَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ: فَإِنِّي سَأَرْضِي خُصُومَكَ وَقَدْ آمَنْتُ خَوْفَكَ وَغَفَرْتُ لَكَ.

٤. حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ الْكُوفِيِّ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ، قَالَ: حَدَّثَنِي جَدِّي الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَنْ جَدِّهِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ ﷺ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِذَا أَعَدَّ

آکنده از برکت است و در فرشتگان در آن جای عامران خواهند بود؛ در کنار پیامبر ما و ابراهیم خلیل علیه السلام، خداوند او و محمد صلی الله علیه و آله و ابراهیم علیه السلام را در «دارالسلام» گرد هم آورد.

۳. امام سجاد علیه السلام فرمود: شخصی از قوم بنی اسرائیل نبش قبر می کرد و کفن می دزدید. همسایه او که پیر شد، نگران مردن شد. کفن دزد را طلبید و گفت: رفتارم با تو چگونه بوده است؟ او گفت: بهترین همسایه من بودی. پیر مرد گفت: من خواسته ای از تو دارم. کفن دزد گفت: خواسته ات را انجام می دهم. آنگاه او دو کفن به او داد و به کفن دزد گفت: هر کدام بهتر است، برای خود بردار و زمانی که از دنیا رفتم، قبرم را باز نکن. کفن دزد درخواست او را رد کرد و کفن را نگرفت. پیر مرد اصرار کرد تا آنکه او کفنی را که دوست داشت، برداشت. همسایه از دنیا رفت و کفن دزد با خود گفت او که مرده نمی داند که کفن او را می دزدم یا نه. پس کفن را از تن بیرون می کشم. او نزدیک گور همسایه آمد و آن را باز کرد. آنگاه که خواست کفن او را بردارد، صدایی طنین انداخت: ای «نباش» این کار را نکن. کفن دزد دچار دلهره شد و همسایه مرده را گذاشت و به خانه رفت.

کفن دزد رو به فرزندان کرد و پرسید: تاکنون چگونه پدری برای شما بودم؟ گفتند: پدر خوبی بودی. گفت: خواسته ای از شما دارم. گفتند: هر چه فرمان بدهی، رفتار خواهیم کرد، اگر خدا بخواهد. گفت: دوست دارم پس از اینکه مردم، مرا بسوزانید و آنگاه که خاکستر شدم، آن را کوبیده و به هنگام وزیدن باد تند، نیمی از خاکسترم را به باد صحرا بسپارید و نیمی را در دریا افکنید. آنان گفتند: قبول. کفن دزد که از دنیا رفت به سفارش او رفتار کرده و خاکستر او را در تندباد پخش کردند. خداوند به صحرا فرمان داد که خاکسترش را گرد آورد و به دریا نیز همین فرمان را داد و آنگاه وی را در پیشگاه خود نگاه داشت و فرمود: چرا این وصیت را کردی؟ گفت: به عزت تو سوگند که به خاطر ترس از مقام تو بود. خداوند فرمود: من کسانی را که به آنان ستم کردی، خشنود کردم و ترس و خوف تو را برداشتم و گناهت را آمرزیدم.

۴. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: وقتی کسی کفن خودش را آماده کند، هر گاه به آن بنگرد،



الرَّجُلُ كَفَنَهُ كَانَ مَا جُورًا كُلَّمَا نَظَرَ إِلَيْهِ.

٥. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ يَحْيَى الْعَطَّارُ رَحِمَهُ اللَّهُ، قَالَ: حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِنَّ فِي الْجَنَّةِ غُرَفًا يُرَى ظَاهِرُهَا مِنْ بَاطِنِهَا وَبَاطِنُهَا مِنْ ظَاهِرِهَا يَسْكُنُهَا مِنْ أُمَّتِي مَنْ أَطَابَ الْكَلَامَ وَأَطْعَمَ الطَّعَامَ وَأَفْشَى السَّلَامَ وَصَلَّى بِاللَّيْلِ وَالنَّاسُ نِيَامُ، فَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَنْ يُطِيقُ هَذَا مِنْ أُمَّتِكَ؟ فَقَالَ: يَا عَلِيُّ أَوْ مَا تَذَرِي مَا إِطَابَتِ الْكَلَامَ مَنْ، قَالَ: إِذَا أَصْبَحَ وَأَمْسَى (سُبْحَانَ اللَّهِ) وَ (الْحَمْدُ لِلَّهِ) وَ (لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ) وَ (اللَّهُ أَكْبَرُ) عَشْرَ مَرَّاتٍ وَأَطْعَمَ الطَّعَامَ نَفَقَةُ الرَّجُلِ عَلَى عِيَالِهِ، وَأَمَّا الصَّلَاةُ بِاللَّيْلِ وَالنَّاسُ نِيَامُ، فَمَنْ صَلَّى الْمَغْرِبَ وَالْعِشَاءَ الْآخِرَةَ وَصَلَاةَ الْغَدَاةِ فِي الْمَسْجِدِ فِي جَمَاعَةٍ فَكَأَنَّمَا أَحْيَا اللَّيْلَ كُلَّهُ، وَإِفْشَاءَ السَّلَامِ أَنْ لَا يَتَخَلَّ بِالسَّلَامِ عَلَى أَحَدٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ.

٦. حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ، رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَالٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ جَهْمٍ عَنِ الْفَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ: قَالَ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «مَا ضَعُفَ بَدَنٌ غَمًّا قَوِيَتْ عَلَيْهِ النَّيَّةُ».

٧. حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ نَائِنَةَ - رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ - قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ فَضَالٍ عَنْ غَالِبِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ شُعَيْبِ الْعَقَرُوفِيِّ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «مَنْ مَلَكَ نَفْسَهُ إِذَا رَغِبَ وَإِذَا رَهَبَ وَإِذَا اشْتَهَى وَإِذَا غَضِبَ وَإِذَا رَضِيَ حَرَّمَ اللَّهُ جَسَدَهُ عَلَى النَّارِ».

٨. حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُوسَى - رَحِمَهُ اللَّهُ - قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيُّ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ الْأَدَمِيِّ عَنْ مُبَارَكِ مَوْلَى الرُّضَا عَلِيِّ بْنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَا يَكُونُ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِنًا حَتَّى يَكُونَ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ: سُنَّةٌ مِنْ رَبِّهِ وَ سُنَّةٌ مِنْ نَبِيِّهِ وَ سُنَّةٌ مِنْ وَلِيِّهِ فَأَمَّا السُّنَّةُ مِنْ رَبِّهِ فَكَيْفَمَا نَ سَرَهُ قَالَ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ: «عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَى غَيْبِهِ

ماجور خواهد بود.

۵. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: در بهشت اتاق‌هایی وجود دارد که از بیرون می‌توان داخل آن را دید و از داخل می‌توان بیرون را مشاهده کرد. گروهی از امت من در آن سکونت خواهند داشت که نیکو گفتار باشند و دیگران را بر سفره خود بنشانند و آشکارا درود به دیگران بگویند و به هنگام خوابیدن مردم در شب نماز بگذارند. علی علیه السلام فرمود: ای پیامبر خدا چه دسته‌ای از امت تو این توانمندی را به دست آورده‌اند؟ فرمود: ای علی! آیا آگاهی که نیکو گفتاری چیست؟ این است که شخص هر صبحگاه و شامگاه ده مرتبه سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر بگوید. مراد از خوراندن غذا به دیگران این است که سرپرست خانواده هزینه آنان را بپردازد و منظور از نماز شب آن است که شخص نماز مغرب و عشاء و صبح را در مسجد به جماعت بگذارد. گویی او شب را یک سر زنده داشته است. و آشکار سلام کردن این است که نسبت به هیچ مسلمانی از درود گفتن بخل نرزد.

مرکز تحقیقات کلامی و فقهی اسلامی

۶. امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ بدنی از انجام دادن چیزی که روح قصد آن را داشته باشد، ناتوان نخواهد بود.

۷. امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس خویشتن را در هنگام تمایل و هراس و علاقه و خشم و خرسندی نگه دارد، خداوند تن او را بر آتش دوزخ حرام می‌کند.

۸. امام رضا علیه السلام فرمود: مؤمن، به خدا و پیامبر ایمان ندارد تا اینکه در او سه ویژگی باشد: شیوه خداوند و شیوه پیامبر صلی الله علیه و آله و شیوه امام علیه السلام. اما شیوه پروردگار پوشاندن راز است. خداوند می‌فرماید: او دانای پنهان است و کسی از راز او آگاه نمی‌شود، مگر پیامبری که خود بخواهد. اما شیوه پیامبر او این است که با مردم مدارا پیشه کند. خداوند به رسول



السلامی



شیخ
صدوق



أَحَدًا، إِلَّا مَنْ ارْتَضَى مِنْ رَسُولٍ»^(١) وَأَمَّا السُّنَّةُ مِنْ نَبِيِّهِ فَمُذَارَاةُ النَّاسِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَمَرَ نَبِيَّهُ بِمُذَارَاةِ النَّاسِ فَقَالَ: «خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ»^(٢).
وَأَمَّا السُّنَّةُ مِنْ وَلِيِّهِ فَالصَّبْرُ فِي الثَّأْسَاءِ وَالضَّرَاءِ، يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «وَالصَّابِرِينَ فِي الثَّأْسَاءِ وَالضَّرَاءِ وَحِينَ الثَّأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ»^(٣).

٩. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ هَارُونَ الْقَاسِمِيُّ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ الْحَمِيرِيُّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلْوَانَ عَنْ عَمْرِو بْنِ ثَابِتٍ عَنْ دَاوُدَ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ جَابِرِ بْنِ يَزِيدَ الْجُعْفِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ عَنْ آبَائِهِ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: لِحُسَيْنٍ ﷺ: يَا حُسَيْنُ يَخْرُجُ مِنْ صُلْبِكَ رَجُلٌ يُقَالُ لَهُ زَيْدٌ، يَتَخَطَّى هُوَ وَأَصْحَابُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ رِقَابَ النَّاسِ غُرًّا مُحَجَّلِينَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ بِلا حِسَابٍ.

١٠. حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ رُزْمَةَ الْقُرَوِينِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عِيْسَى الْعَلَوِيُّ الْحُسَيْنِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبَّادُ بْنُ يَغْقُوبَ الْأَسَدِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا حَبِيبُ بْنُ الْأَرطَاةِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ ذَكْوَانَ عَنْ عَمْرِو بْنِ خَالِدٍ، قَالَ: حَدَّثَنِي زَيْدُ بْنُ عَلِيٍّ ﷺ وَهُوَ أَخِي بِشْعْرِهِ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ﷺ وَهُوَ أَخِي بِشْعْرِهِ، قَالَ: حَدَّثَنِي الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ وَهُوَ أَخِي بِشْعْرِهِ، قَالَ: حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ﷺ وَهُوَ أَخِي بِشْعْرِهِ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَهُوَ أَخِي بِشْعْرِهِ، قَالَ: مَنْ آذَى شَعْرَةَ مِنِّي فَقَدْ آذَانِي وَمَنْ آذَانِي فَقَدْ آذَى اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَمَنْ آذَى اللَّهَ جَلَّ وَعَزَّ لَعَنَهُ اللَّهُ مِلَّةَ السَّمَاءِ وَمِلَّةَ الْأَرْضِ.

١١. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَا جِيلَوِيهِ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ، قَالَ: حَدَّثَنِي عَمِّي مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي الْقَاسِمِ، قَالَ: حَدَّثَنِي أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ خَلْفِ بْنِ حَمَّادٍ الْأَسَدِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْعَبْدِيِّ عَنْ الْأَعْمَشِ عَنْ عُبَايَةَ بْنِ رَبِيعٍ قَالَ: إِنَّ شَابًا مِنَ الْأَنْصَارِ كَانَ يَأْتِي عَبْدَ اللَّهِ بْنَ عَبَّاسٍ وَكَانَ عَبْدُ اللَّهِ يَكْرِمُهُ وَيُذْنِيهِ فَقِيلَ لَهُ: إِنَّكَ تُكْرِمُ

اکرم علیه السلام فرمان مدارا کردن با مردم داد و فرمود: گذشت داشته باش و به خوبی امر کن و از جاهلان روی گردان باش. اما شیوه امام علیه السلام پایداری در دشواری و گرفتاری و جهاد است. خداوند فرمود: آنان که در سختی و گرفتاری و جهاد مقاومت کنند، بی گمان راست کردار و پارسا خواهند بود.



السلامی

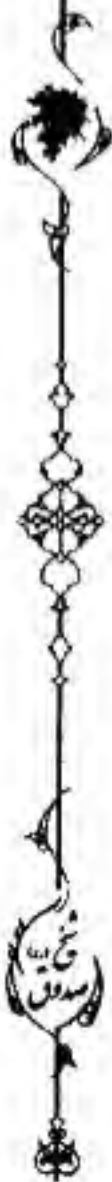
۹. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به حسین علیه السلام فرمود: ای حسین! از نسل تو مردی خواهد آمد که نام او زید است. او همراه یاران خویش در رستاخیز بر گردن ها قدم می گذارد و روسفید در بهشت وارد می شود؛ بی آنکه به حساب اعمالشان برسند.



مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسلامی

۱۰. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حالی که یک تار موی خود را به دست داشت، فرمود: هر کس یک تار موی مرا بیازارد، مرا آزرده است و هر کس مرا بیازارد، خدا را آزرده است و هر کس او را بیازارد، خداوند و آسمان و زمین لعنش کنند.

۱۱. عبایه بن ربیع می گوید: یک جوان از انصار همیشه پیش عبدالله بن عباس می آمد و او به جوان احترام می گذاشت و از نزدیکان وی به شمار می آمد. گفتند: ای عبدالله، تو جوان کم سن و سالی را گرامی می داری و از نزدیکان خویش نمودی، در حالی که او زشت رفتار است. او شبانه به گورستان می رود و قبرها را می گشاید. عبدالله بن عباس





السلام



هَذَا الشَّابُّ وَتُدْنِيهِ، وَهُوَ شَابُّ سَوْءٍ يَأْتِي الْقُبُورَ فَيَنْبُشُهَا بِاللَّيَالِي، فَقَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَبَّاسٍ: إِذَا كَانَ ذَلِكَ فَأَعْلِمُونِي، قَالَ: فَخَرَجَ الشَّابُّ فِي بَعْضِ اللَّيَالِي يَتَخَلَّلُ الْقُبُورَ فَأَعْلَمَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَبَّاسٍ بِذَلِكَ فَخَرَجَ لِيَنْظُرَ مَا يَكُونُ مِنْ أَمْرِهِ وَوَقَفَ نَاحِيَةً يَنْظُرُ إِلَيْهِ مِنْ حَيْثُ لَا يَرَاهُ الشَّابُّ، قَالَ: فَدَخَلَ قَبْرًا قَدْ حَفَرَ ثُمَّ اضْطَجَعَ فِي اللَّحْدِ وَنَادَى بِأَعْلَى صَوْتِهِ يَا وَيْحِي إِذَا دَخَلْتُ لِحْدِي وَحْدِي وَنَطَقْتُ الْأَرْضُ مِنْ تَحْتِي، فَقَالَتْ: لَا مَرْحَبًا بِكَ وَلَا أَهْلًا قَدْ كُنْتَ أَبْغَضَكَ وَأَنْتَ عَلَى ظَهْرِي فَكَيْفَ وَقَدْ صِرْتَ فِي بَطْنِي بَلْ وَيْحِي إِذَا نَظَرْتُ إِلَى الْأَنْبِيَاءِ وَقُوفًا وَالْمَلَائِكَةِ صُفُوفًا فَمِنْ عَذَابِكَ غَدًا مَنْ يُخَلِّصُنِي وَمِنْ الْمُظْلُومِينَ مَنْ يَسْتَنْقِذُنِي وَمِنْ عَذَابِ النَّارِ مَنْ يُجِيرُنِي غَصَبْتُ مَنْ لَيْسَ بِأَهْلٍ أَنْ يُغْصَى عَاهَدْتُ رَبِّي مَرَّةً بَعْدَ أُخْرَى فَلَمْ يَجِدْ عِنْدِي صِدْقًا وَلَا وِفَاءً وَجَعَلَ يُرَدِّدُ هَذَا الْكَلَامَ وَتَبْكِي فَلَمَّا خَرَجَ مِنَ الْقَبْرِ التَزَمَهُ ابْنُ عَبَّاسٍ وَعَانَقَهُ، ثُمَّ قَالَ لَهُ: نِعْمَ النَّبَّاشُ؛ نِعْمَ النَّبَّاشُ؛ مَا أَتَبَشَّكَ لِلذُّنُوبِ وَالْخَطَايَا ثُمَّ تَفَرَّقَا.

١٢. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْهَمْدَانِيُّ مَوْلَى بَنِي هَاشِمٍ، قَالَ: أَخْبَرَنَا الْمُنْذِرُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ: حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْفَضْلِ الْهَاشِمِيِّ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ أَبِيهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ نَادَى مُنَادٍ أَيْنَ زَيْنُ الْعَابِدِينَ فَكَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى وَلَدِي عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام يَخْطُرُ بَيْنَ الصُّفُوفِ.

١٣. حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ السَّنَانِيُّ، رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الْكُوفِيُّ الْأَسَدِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ الْبَرْمَكِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَحْمَدَ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْقَاسِمُ بْنُ سُلَيْمَانَ عَنْ ثَابِتِ بْنِ أَبِي صَفِيَّةٍ عَنْ سَعِيدِ بْنِ عِلَاقَةَ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ عَقِيصًا عَنْ سَيِّدِ الشَّهَدَاءِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَنْ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: يَا عَلِيُّ أَنْتَ أَخِي وَأَنَا أَخُوكَ أَنَا الْمُصْطَفَى لِلنَّبُوءَةِ وَأَنْتَ الْمُجْتَنَبِي لِلْإِمَامَةِ وَأَنَا صَاحِبُ التَّنْزِيلِ وَأَنْتَ صَاحِبُ التَّأْوِيلِ وَأَنَا وَأَنْتَ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ يَا عَلِيُّ، أَنْتَ وَصِيِّي وَخَلِيفَتِي وَوَزِيرِي وَوَارِثِي وَأَبُو وَلَدِي

گفت: هرگاه به این قصد روانه شد، مرا خبر کنید. در شبی که او را به سمت گورستان مشاهده کردند، به عبدالله گزارش دادند. او از خانه بیرون رفت و در حالی که جوان انصاری را می‌دید، خود را پنهان کرد. جوان در گوری که حفر شده بود، دراز کشید و فریاد زنان گفت: وای بر من آنگاه که تنها در قبر خواهم آرمید و خاک، بالینم خواهد بود. آنگاه زمین خواهد گفت: تو را ناخوش دارم چرا که تا زنده بودی، دشمن تو بودم. وای بر تو که در درون من جای گرفتی. سپس جوان گفت: وای بر من آنگاه که به صف پیامبران و فرشتگان خواهم نگریم. راستی چه کسی در رستاخیز مرا از عدل تو نجات خواهد داد و از حلقه ستمگران خارج می‌کند و از شکنجه دوزخ امانم می‌دهد؟ من کسی را عصیان کردم که نباید عصیان او می‌کردم. هرگاه با پروردگارم پیمان بستم، به ناروا گسستم. او این حرف‌ها را بارها بر زبان آورد و اشک می‌ریخت. آنگاه که از قبر خارج شد، عبدالله بن عباس نزدیک رفت و او را در آغوش گرفت و گفت: چه نیکو گور کنی هستی و چه نیکو گناهان و خطاهای خود را از گور بیرون می‌آوری. آنگاه از هم جدا شدند.

مرکز تحقیقات کتب و اسناد اسلامی

۱۲. پیامبر اسلام ﷺ فرمود: در رستاخیز فریاد زنند که زیباترین روح پرستش‌گر کیست؟ انگار اکنون علی بن ابی طالب (ع) را مشاهده می‌کنم که در میان صف‌ها گام بر می‌دارد.

۱۳. پیامبر ﷺ فرمود: ای علی تو برادر من هستی و من برادر تو. من برای پیامبری انتخاب شدم و تو برای رهبری. من دارنده تنزیل هستم و تو دارنده تأویل. من و تو پدران این امت هستیم. ای علی! تو وصی و جانشین و وزیر و وارث من هستی و نیز پدر دو فرزندم. ای علی! پیروان تو پیروان من خواهند بود و دوستان تو دوستان من و دشمنان تو دشمنان من. ای علی! در کنار حوض کوثر در روز رستاخیز تو دوست من هستی. و تو

شِيعَتِكَ شِيعَتِي وَأَنْصَارُكَ أَنْصَارِي وَأَوْلِيَاؤُكَ أَوْلِيَايَ وَأَعْدَاؤُكَ أَعْدَائِي، يَا عَلِيُّ أَنْتَ صَاحِبِي عَلَى الْخَوْضِ غَدَاً وَأَنْتَ صَاحِبِي فِي الْمَقَامِ الْمَحْمُودِ وَأَنْتَ صَاحِبُ لَوَائِي فِي الْآخِرَةِ كَمَا أَنْتَ صَاحِبُ لَوَائِي فِي الدُّنْيَا، لَقَدْ سَعِدَ مَنْ تَوَلَّاكَ وَشَقِيَ مَنْ عَادَاكَ، وَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ تَقَدَّسَ ذِكْرُهُ بِمَحَبَّتِكَ وَوَلَايَتِكَ، وَاللَّهُ إِنْ أَهْلَ مَوَدَّتِكَ فِي السَّمَاءِ لَأَكْثَرُ مِنْهُمْ فِي الْأَرْضِ يَا عَلِيُّ أَنْتَ أَمِينُ أُمَّتِي وَحُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهَا بَعْدِي، قَوْلُكَ قَوْلِي وَأَمْرُكَ أَمْرِي، وَطَاعَتُكَ طَاعَتِي، وَرَجْرُكَ رَجْرِي، وَنَهْيُكَ نَهْيِي، وَمَعْصِيَتُكَ مَعْصِيَتِي، وَحِزْبُكَ حِزْبِي، وَحِزْبِي حِزْبُ اللَّهِ - «وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا، فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ»^(١).



همراه من در مقام محمد خواهی بود و نیز پرچم دار من در آخرت، همان گونه که در دنیا پرچم دار من هستی. ای علی! کسی که تو را ولی خود بشناسد، رستگار است و کسی که تو را دشمن بدارد، راستی زیان کار است. ای علی! فرشتگان در آسمان برای ولایت و دوست داشتن تو به حق تقرب می جویند. سوگند به خداوند که دوستداران تو در آسمان از دوستداران تو در زمین فزون ترند. ای علی تو امین امت من هستی و همچنین حجت خداوند بر آنان، پس از من خواهی بود. طاعت تو طاعت من است و عصیان تو عصیان من. حزب تو حزب من است و حزب من همان حزب خدا.

بی گمان هر کس خدا و پیامبرش و کسانی را که ایمان آوردند دوست و سرپرست خویش بشناسد، از حزب خداوند است که بر باطل چیره خواهند شد.



مرکز تحقیقات تاریخ و فرهنگ اسلامی



السلامی

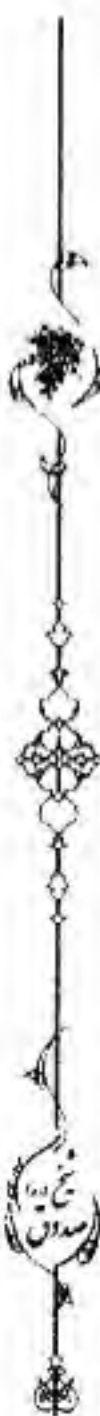




مرکز تحقیقات کتاب و اسناد



الکافی



مرکز تحقیقات کتاب و اسناد و اطلاع‌رسانی

فهرست مجالس



مرکز تحقیقات کتاب و اسناد ملی

فهرست ابواب

مجلس یکم

روز جمعه هجدهم ماه رجب سال ۳۶۷ ۷

مجلس دوم

روز سه شنبه بیست و سوم ماه رجب سال ۳۶۷ ۱۵

مجلس سوم

روز جمعه بیست و پنجم ماه رجب سال ۳۶۷ ۲۳

مجلس چهارم

روز سه شنبه آخر ماه رجب سال ۳۶۷ ۲۹

مجلس پنجم

روز جمعه دوم ماه شعبان سال ۳۶۷ ۳۵

مجلس ششم

روز سه شنبه شب هفتم ماه شعبان سال ۳۶۷ ۴۱

مجلس هفتم

روز جمعه دهم شعبان سال ۳۶۷ ۴۷

مجلس هشتم

سه شنبه چهاردهم ماه شعبان ۳۶۷ ۵۳

مجلس نهم

جمعه هفدهم شعبان سال ۳۶۷ ۶۱

مجلس دهم

۶۹ سه شنبه بیستم شعبان سال ۳۶۷

مجلس یازدهم

۷۷ روز جمعه بیست و چهارم شعبان ۳۶۷

مجلس دوازدهم

۸۷ سه شنبه بیست و هفتم شعبان سال ۳۶۷

مجلس سیزدهم

۹۷ جمعه اول ماه رمضان سال ۳۶۷

مجلس چهاردهم

۱۰۵ سه شنبه پنجم ماه رمضان سال ۳۶۷

مجلس پانزدهم

۱۱۱ جمعه هشتم ماه رمضان ۳۶۷

مجلس شانزدهم

۱۱۹ سه شنبه دوازدهم ماه رمضان سال ۳۶۷

مجلس هجدهم

۱۲۷ جمعه نیمه ماه رمضان سال ۳۶۷

مجلس هجدهم

۱۳۵ سه شنبه نوزدهم ماه رمضان سال ۳۶۷

مجلس نوزدهم

۱۴۷ جمعه بیست و دوم ماه رمضان سال ۳۶۷

مجلس بیستم

۱۵۹ سه شنبه بیست و هشتم ماه رمضان سال ۳۶۷

مجلس بیست و یکم

۱۶۹ جمعه آخر ماه رمضان سال ۳۶۷



مجلس بیست و دوم

۱۷۷ روز عید اول ماه شوال سال ۳۶۷

مجلس بیست و سوم

۱۸۷ دوشنبه دوم ماه شوال سال ۳۶۷

مجلس بیست و چهارم

۱۹۵ چهارشنبه سوم ماه شوال سال ۳۶۷

مجلس بیست و پنجم

۲۰۵ جمعه هفدهم ذی حجه سال ۳۶۷ آنچه در طوس مشهدالرضا (ع) بر ما اعلاء کرد

مجلس بیست و ششم

۲۱۱ شنبه هجدهم ذی حجه سال ۳۶۷ در مشهدالرضا (ع) روز عید خم

مجلس بیست و هفتم

۲۱۹ جمعه اول محرم سال ۳۶۸ پس از مراجعه از مشهدالرضا (ع) اعلاء کرد

مجلس بیست و هشتم

۲۲۹ سه شنبه پنجم محرم سال ۳۶۸

مجلس بیست و نهم

۲۵۱ جمعه هشتم محرم سال ۳۶۸

مجلس سی ام

۲۵۷ شنبه نهم محرم سال ۳۶۸ احادیثی در مقتل حسین

مجلس سی و یکم

۲۷۷ یکشنبه، عاشورا، دهم محرم سال ۳۶۸ ادامه مقتل حسین

مجلس سی و دوم

۲۸۵ سه شنبه دوازدهم محرم سال ۳۶۸

مجلس سی و سوم

۲۹۵ جمعه نیمه محرم سال ۳۶۸



السلامی



مراجعه کنید به فهرست



۳۰۵	سه شنبه نوزدهم محرم سال ۳۶۸	مجلس سی و چهارم
۳۱۷	جمعه بیست و دوم محرم سال ۳۶۸	مجلس سی و پنجم
۳۳۱	سه شنبه بیست و هشتم محرم سال ۳۶۸	مجلس سی و هشتم
۳۴۵	جمعه آخر محرم سال ۳۶۸	مجلس سی و هشتم
۳۵۷	سه شنبه چهارم صفر ۳۶۸	مجلس سی و نهم
۳۶۷	جمعه هفتم صفر سال ۳۶۸	مجلس چهارم
۳۷۷	سه شنبه یازدهم صفر سال ۳۶۸	مجلس چهل و یکم
۳۸۹	جمعه چهاردهم صفر سال ۳۶۸	مجلس چهل و دوم
۴۰۱	سه شنبه هیجدهم صفر سال ۳۶۸	مجلس چهل و سوم
۴۱۳	جمعه بیست و یکم صفر سال ۳۶۸	مجلس چهل و چهارم
۴۲۷	سه شنبه بیست و پنجم صفر سال ۳۶۸	مجلس چهل و پنجم
۴۴۳	جمعه بیست و هشتم صفر سال ۳۶۸	



السلام



مجلس چهل و هشتم

سه شنبه دوم ربیع اول سال ۳۶۸ ۴۵۵

مجلس چهل و نهم

جمعه پنجم ربیع اول سال ۳۶۸ ۴۶۷

مجلس چهل و دهم

سه شنبه نهم ربیع اول سال ۳۶۸ ۴۸۱

مجلس چهل و یازدهم

جمعه دوازدهم ربیع اول سال ۳۶۸ ۴۹۵

مجلس پنجاهم

سه شنبه شانزدهم ربیع اول سال ۳۶۸ ۵۰۷

مجلس پنجاه و یکم

جمعه نوزدهم ربیع الاول سال ۳۶۸ ۵۱۹

مجلس پنجاه و دوم

سه شنبه بیست و سوم ربیع اول سال ۳۶۸ ۵۳۳

مجلس پنجاه و سوم

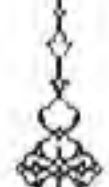
جمعه بیست و هشتم ربیع اول سال ۳۶۸ ۵۴۷



السلامی



مرکز تحقیقات و نشر



انتشارات نسیم کوثر

مفتخر است کہ:

متن عربی با اعراب گذاری کامل
همراه با ترجمه و توضیح

آثار ارزشمند محدث بزرگ

شیخ صدوق (ره)

منتشر کرده است:

۱. **الخصال** (دوره دو جلدی) ترجمه: یعقوب جعفری
۲. **نواب الاعمال و عقاب الاعمال** ترجمه: محمد رضا انصاری
۳. **التوحید** ترجمه: یعقوب جعفری
۴. **الامالی** (دوره دو جلدی) ترجمه: ابوالفضل هدایتی
۵. **کتاب سته** (مجموعه شش کتاب دیگر شیخ صدوق (ره) در یک جلد)